

McGill University Library



3 103 089 949 7

قرآن مجید



کتابخانہ تجارت کتب اسلام آباد



McGill
University
Libraries

Islamic Studies Library

85578

58842

58840

C2P
V1766g

28445

Qur'ān-i Majīd

قرآن مجید



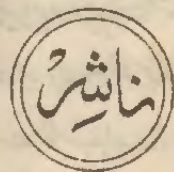
ترجمہ اول: حضرت امام شاہ ولی اللہ محدث دہلوی رحمۃ اللہ علیہ

ترجمہ دوم: حضرت شیخ الہند مولانا محمود حسن دیوبندی رحمۃ اللہ علیہ

بر حاشیہ فواید ملخص

۱۔ تفسیر فتح الرحمن مؤلفہ شاہ ولی اللہ رحمۃ اللہ علیہ

۲۔ تفسیر عثمانی مؤلفہ مولانا شبیر احمد عثمانی رحمۃ اللہ علیہ



نور محمد اصح المطابع و کارخانہ تجارت کتب

آرام باغ پسر پروڈکراچی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مُقَدِّمَةُ لِلشَّاهِ وَلِيِّ اللَّهِ الصَّلَوِيِّ

حمد نامحدود و خداست تبارک و تعالی را که بر اقامت تائید قرآن را بر اهل بیت خود نازل فرمود تا مرضی او را از نامرضی باز شناسند و از مکار و نفس و ظلمات اعمال قبیحه و اخلاقی خبیثه خلاص شوند و بحقیقه القدس راه یابند و نزد پروردگار خویش مرضی باشند، ممکن نبود که از این مهلکه نجات یابند مگر خود دستگیری و فرمودی و منتظر نبود که از این ظلمات مبرا که خلاصی بدست آید، اگر خود را از خود منت و اوقات قلب و قالب را احاطه کرده است. وجود او ظاهر و باطن را در گرفته درود و سلام بر آن حضرت عالی مقام که ما را بر سعادت و این مطلع ساخت و مصالح نشأتین بوجه اتم بیان فرمود. پس هیچ میانه نباشد واضح تر از بیان آن حضرت، و هیچ رحمتی نباشد بالاتر از رحمت آن حضرت. نیک بخت ترین ما آنست که آثار سنت آن حضرت کند و بد بخت ترین ما آنست که از راه متابعت منحرف شود. **وَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ عَلَى آلِهِ وَ أَصْحَابِهِ وَسَلَّمَ**

اما بعد نصیحت و نیک خواهی مسلمان در هر زمان و در هر مکان رنگی و بگریز دارد و اقتضای دیگر می نماید و لهذا علماء دین و کبراء اهل یقین و تفسیر و احادیث و عقاید و فقه و سلوک نصایف متنوع ساخته اند و توالیف گویند و گوناگون پرداخته، طائفه شاہراہ اطناب اختیار نموده اند و فرقه کوچنیز اختصار پیش کرده، جماعت بزبان علم سخن گفته اند و گروهی به لغت عرب در سفته. و در این زمانه که ما در آنیم و در این اقلیم که ما ساکن آنیم، نصیحت مسلمانان اقتضای کند که ترجمه و تفسیر آن عظیم بزبان فارسی سلیس و در دوزمه متداول به تکلف فضیلت نمائی و به فصیح عبارت آرائی بغیر تعریف قصص مناسب و بغیر ایراد توجیهاً منشیع تحریر کرده شود تا خواص و عوام همه یکسان فهم کنند و صغار و کبار یک وضع ادراک نمایند. لهذا این فقیر را داعیه این امر خطیر بخاطر ریختن و خواه نخواه بر سر آن آورده و نیک چند در خصوص ترجمه افتاد تا هر که از تراجم غیر آن که بخاطر مقرر شده است مناسب باید در ترویج آن کوشد و کفایت امکان پیش اهل عصر مرغوب نماید و بعضی تطویل مل یافت و در بعضی تقصیر خلل هیچ یک موافق آن میزان نیفتاد. لاجرم عزم تا بلیف ترجمه دیگر معتم شد و تسوید ترجمه زیر این بر روی کار آمد. بعد از آن سفر حرمین اتفاق افتاد و آن سلسله از هم گسست. بعد سالها که چند عزمی میباش این فقیر خواندن قرآن با ترجمه آن شروع کرد. این صورت سلسله جنبا آن عزم شد و بر سر آن آورد که بقدر خواندن سابقاً نوشته شود چون قریب ثلث قرآن رسیده شد آن عزیز را سفر پیش آمد و این تحریر در حین توقف افتاد و بعد مدتی باز تفریبه پیدا شد، و دیگر بار آن خطر پارینه را با آورد و ثلث قرآن کشیده بود چون لا اکثر حکم اکل مقرر است بعضی بار آن گفته شد که آن مسوده را تبیین کنید و آن ترجمه را مقرون بآیات قرآن نویسد تا نسخه مستقل گردد و آن یار سعادت مندر روز عید الاضحی سنه خمسین بعد الالف و المائت در تبیین شروع نمود و چون تبیین بهتر تسوید رسید باز عزم را بنگاشته پدید آمد و تا آخر قرآن مسود شد و کان ختم التسوید فی او شل

غریب و غیر آن اطلاع یابند و بسا فائده که پیش از مطالعه آن نه شنیده اند و ندیده باشند بنازگی استفاده نمایند و این ترجمه بنا بر شفقیت خلق الله و کف شده ایشان استقصا و جوده اعراب و استیفاء توجیهات کلام را و استنباط قصص را احتمال ندارند اگر تحصیل علوم الهیه تکلیف داده شود معلوم نیست که آن صورت متحقق شود یا نه و بعد تحقق آن صورت ممکن که داعیه تحقیق در این علوم پیدا شود و تمام عمر درین داعیه مصروف گردد چنانکه اکثر اهل علوم الهیه را می بینیم هیچ بهتر از آن نیست که درجه ادنی از علم تفسیر در اول عمر انکساب کرده شود تا اکثر علوم الهیه بدست آید این نیز متعذر و متوید در اتمام مقصد و بے بود و اگر بدست نیاید چه از مقصود بدست آورده باشد و خسارت محض نیافته باشد

صنایع قلندر سزوار بمن نمائی که در از و دور دیدم ره و رسم پارسائی

و طریق تحریر در این کتاب آنست که هر آیه را جدا نوشته شد، مقرون به ترجمه آن نشان متعارف و در زمره متداول اختیار نمود آمد و هر چه زیاده از تحت اللفظ است اگر یک دو کلمه است بلفظ یعنی یا مثل آن متمیز ساخته شد و اگر کلامی است مستقل اول آن بلفظ مترجم گوید و آخر آن بلفظ و الله اعلم معلوم کرده شد و هجا ممکن در قصص متعلقه قرآن انکشاف یک دو فقره لازم دیده شد و در اسباب نزول از قصص منقول نکته انتزاع نموده شد و تا امکان رعایت سیاق آیات ضروری دانسته آمد و استناد این کتاب در آنچه متعلق به نقل است از اصح تفاسیر محدثین که تفسیر بخاری و ترمذی و حاکم کرده و تا امکان از اخبار ضعیفه و موضوعه احتراز نمود شد قصص اسرائیلیه را که از علمای اهل کتاب منقول است نه از حدیث خیر البشر علیه و آله الصلوات و التسلیمات داخل کرده الا در جائی که کشف معنی بغیر این ادوات نمی شود و القس و رسالت تنج المخطوئات و این ترجمه ممتاز است از ترجمه های دیگر بچند وجه یک آنکه نظم قرآن را به مثل مقدار آن از فارسی متعارف ترجمه کرده شد باظهار مراد و لطافت تعبیر و از آنچه در ترجمه های دیگر یافته می شود از اطناب عبارت ترجمه و رکاکت تعبیر و انجام مراد بقدر امکان احتراز نموده شد و دیگر آنکه سائر تراجم از دو جا خالی نیست، یا ترک کرده اند قصص متعلقه بقرآن مطلقا یا استیفاء جمیع آن نموده اند و درین ترجمه راه متوسط اختیار نموده شد پس جائی که معنی آیه متوقف است بر قسقه بقدر ضرورت دو سه کلمه از آن انتخاب کرده آورده شد و جائی که معنی آیه متوقف که فقه بود ترک نموده آید سوّم آنکه از توجیهات متنوعه توجیه اقوی باعتبار عربیه و اصح باعتبار علم حدیث و علم فقه داخل در صرف اظهار اختیار نموده شد و کس که تفسیر و چیز و تفسیر جلالتین که بمنزله اصل این ترجمه اند و بنا بر تفاسیر مطالعه کنند درین حرف شک ندارد و چهارم آنکه این ترجمه بوجه واقع شده است که شناسنده خواند آن اعراب قرآن و تعیین مخدوف و مرجع ضمیر و محل لفظیکه در عبارت مقدم و مؤخر کرده شده است میتوان دانست و آنکه شناسنده نمیست از اصل غرض محروم نه مانند آنچه است آنکه ترجمه خالی از دو حالت نیستند یا ترجمه تحت اللفظی باشد یا ترجمه حاصل المعنی و در هر یک وجه خلل بسیار در می باید و این ترجمه جامع است و در هر دو طریق و هر غلطی را از آن خطاها علاجی مقرر کرده شد و این سخن در از هست در رساله قواعد ترجمه بیان کرده آید و آنکه گفتیم این ترجمه مشعرا بوجود اعراب کلامیست مجملی بی معنی طلبداند که خاطر را با آن متوجه باید ساخت لفظ است علامت بر بطل است که در میان حاشیائین جمله اسمیه و ظرفیه باشد زید قائم است و زید کجا است و علامت آنست که بفاعل تقدیم فاعل و متصل آوردن فعل زید است و عند الضرورة است و زید نیز می توان گفت و مفعول به نائب مناب فاعل می باشد یا نه بحرف را مقرون می شود زدم زید را و زده شد زید را و بوی از تسامح میتوان گفت زید زده شد و اگر ظرفیه قائم باشد حذف را جاز هست و مفعول مطلق اگر بر لای عدد باشد بیک بار کردن

و در بار کردن می توان تقریر کرد و اگر بر لای نوع باشد بیک نوع کردن و یک طور کردن و اگر غیر مصدر را بجای مصدر قائم کرده باشد گویند صرحتاً سوطاً از دم یک جایک و اگر از غیر لفظ فعل باشد قرأت سرتاً خواندم به طریق پی در پی خواندن و اگر مجرد بر لای تاکید باشد از قبیل سبحان الله و عدل الله از قبیل اختلاف لغتین است بدولت تکلیف و ارجاع بحرف و بجز میسر نشود و اگر مفعول باشد معنی غرض باشد بلفظ بر لای لفظاً و تصویر مصدر بصورت جمله صرحتاً تأویلاً و در لای ادب یا نا ادب و هم و اگر بمعنی حاصل باشد بلفظ بعلت و حکم و مقتضی و امثال آن قعداً جیباً نشست بعلت نامردی و اگر بمعنی احتراز باشد بلفظ بر لای احتراز و بر لای احتیاط و امثال آن ضربت ان یقول الناس ماصراً به نزدش بر لای اجتناب از آنکه گویند نزدش و مفعول فی به بلفظ در مکان باشد یا زمان و مفعول مع بلفظ با استکوی الماء و الحشمة برابر شد آب با چوب و حال اگر کلمه مفرد باشد باشتقاق لفظی که مفعول بر لای حال باشد جئت سراً کما سوار آمده ام و اگر جمله ملتمه از فعل ذی الحال باشد ایصال لفظ کرده و کنایه و مثل آن جاء ذیون یکتب حوائجهم فی مشیبه زید آمد بختر کنان در رفتار خود و اگر جمله ملتمه از فعل غیر ذی الحال باشد لاچار لفظ حال آنکه زیاده کرده شود و هر چند در اصل لغت فارسی نیست حال در زبان عربی معنی شتی آید گاهی مکتد باشد جاء فی ابوک عطوفاً و گاهی معنی تهیبا قاتلها و هالها ذین و گاهی معنی قصد آید جئت اشکوا الیه و در فارسی این معانی مستعمل نیست و تمیز اگر از عدد بیاید یا پیاد یا ماضی باشد بصیغه تمیز یا باضافت یا لفظ از بیان کرده شد فی است نزدیک رطل گندم یک صاع از خود اگر از اسم اشاره باشد بلفظ صفت مآذ آسرا الذی یملأ امثالاً چه چیز اراده کرده است خدا باین مثل و اگر نسبت باشد بخوبل فاعل یا مفعول کرده شد یا از رویه و از جهته و باعتبار فروده آمد ذین حسن و آسرا زید نیک است از روی خانه و باعتبار خانه و گاهی در فارسی مضمون تمیز را بنوعی از تصرف که دو کلمه را یک کلمه ساختن است ادا کرده شود و مثلاً قللاً تنگ دل شد هو قاصی قللاً وی سخت دل است و گاهی در عربی مفعول بغیر توسط حرف جر باشد و در فارسی ایراد حرف جر لازم شود و قسماً کفهم الله کفایت خواهد کرد ترا خدا از شر ایشان و مثل قالوا اتخذ الله ولداً و گفته اند فرزند گرفت خدا و مثل اعطیت ذیناً اودهما و هم و ادم زید را و مثل کان ذیناً قارئاً زید استاده بود و جعلت ذیناً عبدی زید را بنده خود ساختم و درین صورتهای تقدیم و تاخیر را بر خود میور باید ساخت و گاهی جمله را که بتاویل مصدر ساخته باشد بمصدر مفرد تقریر توان کرد و مصدر مفرد را با جمله مصدره باین مصدریه تعبیر توان نمود و همچنین موصول باصلاح کلمه مفرد و بالعکس و قال الذین امنوا گفت آن مسلمانان و الذین امنوا مسلمانان و الذین امنوا حاشم حاشم هر آینه رسنگار شدند آن مسلمانان که ایشان در نماز خویش خشوع کنند گانند یعنی اگر موصول صفت اسمی واقع شده تقدیم لفظ آن بر آن و صوف کرده شد و علامتی تشخیصی که از تقدیم معمول مستفاد می شود در فارسی نیز تقدیم است کم و هم و هو و یا و در بعضی مواضع بنوعی تعبیر کرده می شود و در فارسی میتوان گفت شمار است گویند یا ایشان را راست گویند یا آن نیست که گویند ایشان را راست گویند و اگر مظهر را موضع مضموم وضع کرده باشد لفظ آن را اند کرده شده تا مربوط باشد و در فارسی علامت جمع بفعل ملحق کنند هر چند فاعل مظهر باشد قائم هو کلاء است اند ایشان را و او و فالبسیار است که زید باشد و بسیار است که در فارسی معنی آن ربط بغیر ذکر عطفت و تعقیب درست شود پس اگر رکاکت لفظ درین صورت در ترجمه لازم می آید ترک کرده شد بالجمله و قاتی فن ترجمه بسیار است و مضموم این جابیان نمود می است چول این فقیر خوض در ترجمه بدول

قال العبد الضعيف ولي الله بن عبد الرحيم عن قرات القرآن كله من اوله الى اخره برواية حفص عن
عاصم على الصالح الثقة حاصي محمد فاضل السندی رحمه الله قال تلوته الى اخره براية حفص على الشيخ عبدالحق الى
الموفق شيخ القراء بمصر سنة ٨٠٧ قال قرات القرآن كله بالقرأت السبع على الشيخ البقري والبقري تلاها على شيخ القراء بزمناه
شيخ عبد الرحمن اليميني وقرأ اليميني بها على والد الشيخ سجادة اليميني وعلى الشهاب احمد بن عبدالحق السنبلي بتلاوة
كذلك على الشيخ السجادة المذكور وقرأ الشيخ سجادة كذلك على الشيخ ابي نصر الطهلاوي وقرأ الطهلاوي كذلك على شيخ
الاسلام من كتابه بتلاوته على يرهان القلقلي والرضوان ابي التميمي العقبي وقرأ كل منهما على امام القراء والمحدثين محمد
الزيات والطريق ابي الخير محمد بن محمد بن علي بن يوسف الجزري صاحب كتاب النشر له طرق كثيرة اذكرها في النشر منها سلسلة
مختصرة تسلسل التلاوة والقراء ايضا يطلبن من جهة صاحب التيسير فلنقتصر ههنا على ههنا تلك التسلسلة قال الجزري قرات
التيسير وقرأت به القرآن كله من اوله الى اخره على شيخ الامام الصالح العالم القاضي المسلمين ابي العباس احمد بن الشيخ الامام
ابي عبد الله الحسين بن سليمان بن فزارة الحنفي يد مشق الحمد مائة رحمه الله قال لي قراة وقرأت به القرآن على والدي واخبرني
انه قراة وقرء به القرآن العظيم على الشيخ الامام ابي محمد القاسم بن احمد بن الموفق العراقي قال قراة وقرأت به على المشايخ
الائمة المقرئين ابي العباس احمد بن علي بن يحيى بن عون الله الخصار ابي عبد الله محمد بن سعيد بن محمد المروزي وابي
عبد الله محمد بن ايوب بن محمد بن نوح العافقي الاندلسيين قال كل منهم قراة وقرأت به على الشيخ امام ابي الحسن علي بن محمد
بن هذيل البلنسي قال قرات وتلوت به على ابي داود سليمان بن نجاح قال قراة وتلوت به على مؤلفه الامام ابي عمر الداني قال
الجزري وهذا على سنن ابي داود في الدنيا متصلا واختص هذا الاسناد بتسلسل التلاوة والقراءة والسماع ومنى الى المؤلف
كلهم علماء ائمة ضابطون قال الداني في كتاب التيسير قرات القرآن كله براية حفص على ابي الحسن طاهر بن غلبون المقر قال
قرأت بها على ابي الحسن علي بن محمد صالح الهاشمي الضمير المقرئ بالبصرة قال قرأت بها على ابي العباس احمد بن سهل
الاشعري قال قرأت بها على ابي محمد عبيد بن القبايح قال قرات على حفص قال قرات على عاصم قال الداني واخذ عاصم
القرآن عن ابي عبد الرحمن بن عبيد بن حبيب السلمي وعن زر بن جليلش ابا ابو عبد الرحمن فنع عثمان بن عفان وعلي بن ابي
طالب وابي بن كعب وزيد بن ثابت وعبد الله بن مسعود عن النبي صلى الله عليه وسلم
تمت هذه الديكاجية ابن نقل از ترجمه و تفسير فتح الرحمن فلمي كرده شد و ان نخورند الله وواژه مدوده سال
هجري نوشته شده است و اخذت عواما ان النعمان بن عبد الله بن علي بن ابي طالب

روز اوقات

م	علامه وقت لازم است، از ترک کردن آن در معنی غلظت و اقیع میشود، لذا وقت نهایت ضروری است.
ط	علامه وقت مطلق است، از اینجا نباید گذشت، بل حسن همین است که در اینجا وقت کرده از بعد از آنکه کرده شود.
ج	علامه وقت جائز است، در اینجا وقت و وصل هر دو جائز است اما توقف نمودن بهتر، وقت نه کردن هم روا است.
ر	علامه وقت مجوز است، در اینجا هم سبب وقت موجود است و هم از وصل ولی علت وصل قوی تر و واضح تر است، بنابراین گذشتن بهتر است.
ص	علامه وقت مخصص است، افراد از آن ایست که در اینجا تعلق با همی و چیز است لیکن از حیث معنی، هر چیز حیثیت مستقل را هم دارد می باشد، قاعده باید وصل خوانده شود لیکن اگر قاری در قرائت مانده گردد، برائش وقت رخصت است.
ق	علامه (قد قیل) و یا (قیل علیه الوقت) می باشد، نزد بعض علماء در اینجا وقت کردن جائز است اما این علامه (قی) بطرف ضعف وقت اشاره می کند، وقت نه کردن بهتر است.
لا	علامه لا وقت علیه در اینجا وقت نیست، می باشد و اشاره باین است که قاری در اینجا هرگز وقت نکند بعضی علماء می گویند که اگر وقت واقع شود عاده قرائت واجب می باشد اگر در سر آیه نباشد.
قف	(۱) علامه ی وقت علیه (در این مقام ایستادن است) - (۲) جائز است احتمال وصل نمودن از طرف قاری باشد، علامه وقت (یعنی ایستاده شود) نوشته می شود.
سکته	بدون تنفس نمی ایستاده شدن است، قاری در اینجا نمی کشد و نفس خود را قطع نکند.
وقفه	علامه سکته در آن است، یعنی قاری نسبت به مدت تنفس کمتر وقت کند، در اصطلاح علم قرائت (سکته و وقفه) قریب المعنی است، اما سکته به وصل و وقفه به وقت قریب تر است.
صلی	علامه (الوصل اولی) است، یعنی وصل خواندن بهتر است.
○	علامه آیه مطلق است، جائز است صرف همین علامه باشد وقت کرده شود و اگر بالای آن (لا) باشد، ترک وقت اولی است اگر احتیاج وقت پیدا شود بنا بر ماندگی مضائقه نیست، و درین قاریا هم مشهور است که وقف نشود، اگر بدون لا کدام امر دیگر باشد همان علامه معتبر شمرده شود.

تعداد الحروف و غیرها

۲۶۵۳۵	م	۸۳۲	ظ	۲۶۵۳۵	۱	۸۸۴۲	ذ	۲۶۹۴	۱۱۴۹۳	ب	۱۱۲۲۸	س	۱۱۴۹۳	۱۱۴۹۳	ت	۱۱۴۹۳	ث	۱۲۴۶	س	۵۸۹۱	۲۲۵۳	ش	۳۲۴۳	ص	۲۰۱۳	۲۰۱۳	ح	۹۴۳	۲۰۱۳	خ	۲۳۱۶	ض	۱۶۰۴	۱۶۰۴	ط	۵۶۳۲	۱۲۴۳	۵	۵۶۳۲	۱۲۴۳
۲۶۵۳۵	ن	۹۲۲۰	ع	۲۶۵۳۵	۲	۸۸۴۲	ر	۲۶۹۴	۱۱۴۹۳	ج	۱۱۲۲۸	د	۱۱۴۹۳	۱۱۴۹۳	د	۱۱۴۹۳	ذ	۱۲۴۶	س	۵۸۹۱	۲۲۵۳	ش	۳۲۴۳	ص	۲۰۱۳	۲۰۱۳	ح	۹۴۳	۲۰۱۳	خ	۲۳۱۶	ض	۱۶۰۴	۱۶۰۴	ط	۵۶۳۲	۱۲۴۳	۵	۵۶۳۲	۱۲۴۳
۲۵۵۳۶	و	۲۲۰۸	غ	۲۵۵۳۶	۳	۸۸۴۲	ز	۲۶۹۴	۱۱۴۹۳	ز	۱۱۴۹۳	ح	۱۱۴۹۳	۱۱۴۹۳	ح	۱۱۴۹۳	ح	۱۲۴۶	س	۵۸۹۱	۲۲۵۳	ش	۳۲۴۳	ص	۲۰۱۳	۲۰۱۳	ح	۹۴۳	۲۰۱۳	خ	۲۳۱۶	ض	۱۶۰۴	۱۶۰۴	ط	۵۶۳۲	۱۲۴۳	۵	۵۶۳۲	۱۲۴۳
۱۹۰۴۰	ه	۸۳۹۹	ق	۱۹۰۴۰	۴	۸۳۹۹	ح	۲۶۹۴	۱۱۴۹۳	ح	۱۱۴۹۳	ح	۱۱۴۹۳	۱۱۴۹۳	ح	۱۱۴۹۳	ح	۱۲۴۶	س	۵۸۹۱	۲۲۵۳	ش	۳۲۴۳	ص	۲۰۱۳	۲۰۱۳	ح	۹۴۳	۲۰۱۳	خ	۲۳۱۶	ض	۱۶۰۴	۱۶۰۴	ط	۵۶۳۲	۱۲۴۳	۵	۵۶۳۲	۱۲۴۳
۳۴۲۰	ی	۲۸۱۳	ق	۳۴۲۰	۵	۲۸۱۳	ق	۲۶۹۴	۱۱۴۹۳	ق	۱۱۴۹۳	ق	۱۱۴۹۳	۱۱۴۹۳	ق	۱۱۴۹۳	ق	۱۲۴۶	س	۵۸۹۱	۲۲۵۳	ش	۳۲۴۳	ص	۲۰۱۳	۲۰۱۳	ح	۹۴۳	۲۰۱۳	خ	۲۳۱۶	ض	۱۶۰۴	۱۶۰۴	ط	۵۶۳۲	۱۲۴۳	۵	۵۶۳۲	۱۲۴۳
۳۱۱۵	ی	۹۵۲۲	ک	۳۱۱۵	۶	۹۵۲۲	ک	۲۶۹۴	۱۱۴۹۳	ک	۱۱۴۹۳	ک	۱۱۴۹۳	۱۱۴۹۳	ک	۱۱۴۹۳	ک	۱۲۴۶	س	۵۸۹۱	۲۲۵۳	ش	۳۲۴۳	ص	۲۰۱۳	۲۰۱۳	ح	۹۴۳	۲۰۱۳	خ	۲۳۱۶	ض	۱۶۰۴	۱۶۰۴	ط	۵۶۳۲	۱۲۴۳	۵	۵۶۳۲	۱۲۴۳
۲۵۹۱۹	ی	۱۳۳۲	ل	۲۵۹۱۹	۷	۱۳۳۲	ل	۲۶۹۴	۱۱۴۹۳	ل	۱۱۴۹۳	ل	۱۱۴۹۳	۱۱۴۹۳	ل	۱۱۴۹۳	ل	۱۲۴۶	س	۵۸۹۱	۲۲۵۳	ش	۳۲۴۳	ص	۲۰۱۳	۲۰۱۳	ح	۹۴۳	۲۰۱۳	خ	۲۳۱۶	ض	۱۶۰۴	۱۶۰۴	ط	۵۶۳۲	۱۲۴۳	۵	۵۶۳۲	۱۲۴۳

فهرس الالفات الزائدة (٢٩ مقامات)

العدد	الكلمة	الصفحة	السطر	السورة	الجزء	ركوع السور
١	افأئن مات	٦٩	٢	٣	٢	١٥
٢	لا الى الله	٤١	١١	٣	٢	١٤
٣	تنبؤاً	١١٣	٥	٥	٦	٥
٤	ملائئه	١٦٢	١١	٤	٩	١٣
٥	لا اوضعوا	١٩٥	١١	٩	١٠	٤
٦	ملائئه	٢١٨	٤	١٠	١١	٨
٧	ملائئهم	٢١٩	٣	١٠	١١	٩
٨	شهوداً	٢٣٠	١١	١١	١٢	٦
٩	ملائئه	٢٣٣	١٣	١١	١٢	٩
١٠	امم لتتلوا	٢٥٢	٢	١٣	١٣	٢
١١	لن تدعوا	٢٩٥	٩	١٨	١٥	٢
١٢	لشأئ	٢٩٤	٢	١٨	١٥	٢
١٣	لكننا	٢٩٩	١	١٨	١٥	٥
١٤	افأئن مت	٣٢٥	١١	٢١	١٤	٣
١٥	ملائئه	٣٣٢	٢	٢٣	١٨	٢
١٦	شهوداً	٣٦٢	٦	٢٥	١٩	٢
١٧	لا اذبحته	٣٤٤	١٠	٢٤	١٩	٢
١٨	ملائئه	٣٨٨	٦	٢٨	٢٠	٢
١٩	شهوداً	٣٠٠	١	٢	٢٠	٢
٢٠	انقيم من رباليربوا	٣٠٤	٨	٣٠	٢١	٢
٢١	لا الى الجحيم	٣٣٨	٢	٣٤	٢٣	٢
٢٢	ملائئه	٣٩١	١٣	٣٣	٢٥	٥
٢٣	ولكن ليبلوا	٥٠٦	٥	٣٤	٢٦	١
٢٤	نبلوا	٥٠٩	٢	٣٤	٢٦	٢
٢٥	بئس الاسم الفسوق	٥١٥	١٢	٣٩	٢٦	٢
٢٦	شهوداً	٥٢٤	٦	٥٣	٢٤	٢
٢٧	سلسلاً	٥٤٩	١٣	٤٦	٢٩	١
٢٨	قوا سريراً	٥٨٠	٨	٤٦	٢٩	١
٢٩	قوا سريراً من	٥٨٠	٩	٤٦	٢٩	١

فهرس الاجزاء

العدد	الجزء	الصفحة	آياته	السور التي يشتمل عليها
١	الم	٢	١٣٨	الفاتحة - البقرة ١-١١١
٢	سيقول	٢٣	١١١	البقرة ١١١-١١١
٣	تلك الرسل	٣٣	١٢٥	البقرة ٣٣-٣٣ ط عمران ٩١
٤	لن تنالوا	٤٣	١٣٢	آل عمران ١-٩ - النساء ٢٣
٥	والمحصنت	٨٣	١٢٣	النساء ١٢٣
٦	لا يحب الله	١٠٣	١١١	النساء ٣٠ - المائدة ٨٢
٧	واذا سمعوا	١٢٣	١٣٨	المائدة ٣٨ - الانعام ١١١
٨	ولواثنا	١٣٣	١٣٢	الانعام ٥٥ - الاعراف ٨٤
٩	قال الملا	١٤٣	١٥٩	الاعراف ١١٩ - الانفال ٣٠
١٠	واعلموا	١٨٣	١٢٨	الانفال ٣٥ - التوبة ٩٣
١١	يعتد سرون	٢٠٣	١٥٠	التوبة ٣٦ - يونس ١٠٩ - هود ٥
١٢	وامن وآية	٢٢٣	١٤٠	هود ١١٨ - يوسف ٥٢
١٣	وما أبرئ	٢٣٣	١٥٥	يوسف ٥٩ - الرعد ٣٣ - ابراهيم ٥٢ - الحجر ١
١٤	سربها	٢٤٣	٢٢٦	الحجر ٩ - النحل ١٢٨
١٥	سبحن الذي	٢٨٣	١٨٥	بني اسرائيل ١١١ - الكهف ٤٢
١٦	قال الم	٣٠٣	٢٦٩	الكهف ٣٦ - مريم ٩ - طه ١٣٥
١٧	اقترب للناس	٣٢٣	١٩٠	الانبيا ١١٢ - الحج ٤٨
١٨	قد افهم المؤمنون	٣٣٣	٢٠٢	المؤمنون ١١٨ - النور ٦٣ - الفرقان ٢٠
١٩	وقال الذين	٣٦٣	٣٣٣	الفرقان ٥٤ - الشعراء ٢٢٤ - النمل ٥٩
٢٠	اش خلق السموات	٣٨٣	١٤٦	النمل ٣٣ - القصص ٨٨ - العنكبوت ٣٣
٢١	اقل ما اوى	٤٠٣	١٠٩	العنكبوت ٢٥ - الروم ٦٠ - لقمان ٣٣ - السجدة ٣٠ - الاحزاب ٣٠
٢٢	ومن يقتل	٤٢٣	١٦٣	الاحزاب ٣٣ - سبا ٥٣ - فاطر ٣٥ - يس ٢١
٢٣	وما لي	٤٣٣	٣٦٣	يس ٦٢ - الصافات ١٨٢ - ص ٨٨ - الزمر ٣١
٢٤	ومن اظلم	٤٦٣	١٠٥	الزمر ٣٣ - المؤمن ٨٥ - حم السجدة ٣٦
٢٥	اليه يرد	٤٨٣	٢٣٦	حم السجدة ٨ - الشورى ٥٣ - الزخرف ٨٩ - الدخان ٥٩ - الجاثية ٣٤
٢٦	حم	٥٠٣	١٩٥	الاحقاف ٣٥ - محمد ٣٨ - الفتح ٢٩ - الحجرات ١٨ - ق ٣٥ - التدرت ٣٠
٢٧	قال فاطمكم	٥٢٣	٣٩٩	التاثير ٣ - الطور ٣٩ - التجم ٦٢ - القمر ٥٥ - الرحمن ٤٨ - الواقعة ٩٦ - الحديد ٢٩
٢٨	قد سمع الله	٥٣٣	١٣٤	المجادلة ٢٢ - الحشر ٢٢ - الممتحنة ١٣ - الصف ١٣ - الجمعة ١١ - المنافقون ١١ - التغابن ١٨ - الطلاق ١٢ - التحريم ١٢
٢٩	تبارك الذي	٥٦٣	٣٣١	المالك ٣٠ - القلم ٥٢ - الحاقة ٥٢ - المعارج ٣٣ - ف ٢٨ - الجن ٢٨ - المزمل ٢٠ - المدثر ٥٩ - النجدة ٣٠ - الدهر ٣١ - المرسلات ٥٠
٣٠	عم	٥٨٣	٥٦٣	النبأ ٣٠ - التزلت ٣٦ - عمس ٣٢ - التكوثر ٢٩ - الانشراح ٢٩ - التثفيف ٣٦ - الانشراح ٢٥ - البروج ٢٢ - الطارق ١٤ - الاعلى ١٩ - الغاشية ٢٦ - الفجر ٣ - البلد ٢٠ - الشمس ١٥ - الليل ٢١ - الضحى ١١ - الانشراح ٨ - التين ٨ - العلق ١٩ - القدر ٥ - البينة ٨ - الزلزال ٨ - الغدات ١١ - القارعة ١١ - النافث ٨ - العصر ٣ - الهمزة ٩ - الفيل ٥ - الفريش ٣ - الماعون ٤ - الكوثر ٣ - الكافرون ٦ - النصر ٣ - الهمزة ٥ - الاخلاص ٣ - الفلق ٥ - الناس ٦

فتح الرحمن

فل منزهكم كويتى عالم
 انس و عالم جن و عالم طائر
 و على هذا الفاتحة يا من
 فتح الرحمن
 فل مترجم قوله مراد از
 آنکه اکر ام کرده شد بر
 آنجا چهار ذره انداختی و
 صد یقین شهادت و صواب
 و مراد از آنکه شتر تر نشد
 شد به آنجا بود و اندو از
 گران فسادى آتین
 قبول کن دعاى مارا ۱۲
 فتح الرحمن

تفسیر عثمانی

الح الرحمن و رحیم هر دو
 معنی مبالغه است لاجله
 الرحمن تثنیت بر رحیم
 مبالغه بیشتر است و این
 ترجمه تمام این دعاى عظمی
 شده

عبد خدا و ذلین سرور
 عظیم را بربان بندگان
 خود فرمود تا بندگان را
 ببارگاهش متصرف و تصرف
 حاصل کنند از حضرت
 مابین سوال نیاز کنند
 ازین است که این سرور
 را تعظیم و تکریم نمایند
 بدین متابعت و خاضع
 فائده ایست ازین است
 قرار داده شده و کلام
 از قرآن مجید خارج و مستخرج
 آن چنین است دعاى
 اجماع کن دعاى مارا
 یعنی مارا بندگانى که
 مقبول بارگاه تو اند
 بارگش نیکو فرما نومی
 بخدمت و گردان پس
 نیز اول سورة فاتحه
 خداوند را ستایش ا
 و نیکو دوم بندگان اود را
 نیاز و دعاست فاعلم
 غیر المغضوب علی الذین
 میباشد عفت او که این
 ترجمه مناسب آن است



سورة الفاتحة مكية وهي سبع آيات

سورة فاتحه در سده نازل شد و آن هفت آيات است

سورة في ثمة هفت آية و

نام خداست بخشنده

آغاز سے کہم بنام خدا ایک بے اندازہ مہربان نہایت باریک است

الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم

ستایش خدا تراست پروردگار عالمی بخشنده مہربان

بمستثنیہ ہمار خدا تراست آن خدا ایک پروردگار علیم است بے اندازہ مہربان نہایت باریک

ملك يوم الدين اياك نعبد واياك

خداوند روز جزا ترا پرستیم و خاص از تو

نستعين اهدين الصراط المستقيم

مدد می طلبیم بنما ما را صراط راست

صراط الذين انعمت عليهم غير

راه آنانکه انعام کرده بر ایشان برایشان

المغضوب عليهم ولا الضالين

آنانکه غضب گرفته شد بر آنها و گمراہان

آنانکه غضب گرفته شد بر آنها و گمراہان

آنانکه غضب گرفته شد بر آنها و گمراہان

آنانکه غضب گرفته شد بر آنها و گمراہان

آنانکه غضب گرفته شد بر آنها و گمراہان

آنانکه غضب گرفته شد بر آنها و گمراہان

آنانکه غضب گرفته شد بر آنها و گمراہان

آنانکه غضب گرفته شد بر آنها و گمراہان

عنه این حرف مقطعا
گویند مناسبت اصلی آن
در بیان بی روی تو است بلکه
نازی است در بیان خدا
و چنانچه هر سه علی الله علیه
و سلم که بنا بر محبت و مصلحت
آتشکدش نکردند آنچه از
بعضی علما در معنی آن قول
است خاص بقصد تامل
و تنبیه که سبیل می باشد
شما عباد را و الهی چنین
بوده است که ای این
تعبیرات را راسته شخصی
می بیند مانند در ترداد آن
می برداند اندیشه خود
آنها اندیشه شخصی و قیاما
با تحقیق علما می افکند است
خمس این شبه نیست که
قرآن کلام الهی و در حدیث
آن هم در است و واقعی
است اشتباه و کلام بود
طریق نازی
می شود
یاد خود
کلام خطا
و نقلی باشد
یاد در رک
سایع فار
و فخری در صورت
شست خود کلام محسوس
خواب بود و صورت ثانی
العبیه او را آن دانسته اند
این کلام حق و راست است
و در کلام کسانیکه می اند
بجست خود را در آن نشان
محل ربی علوم کرده در
این آیه رب صحت تحت
نقی گردید و این شبه نیز
منفی شد که کافران قرآن
را کلام خدا در حق می دانست
عمیدا هستند و در آن رب
و انکار داشتند پس نفی
رب چه معنی دارد اشتبا
صورت دوم پس از این
و گذشته دانستم فی رب
ما از آن آیه



سورة البقرة نزلت و فیها اثنا و عشرون آية و اربعون حرفا و ثمانون كلمة

سورة بقره در مدینه نازل شد و آن دو صد و هشتاد و هشت آیت و چهل و یک حرف است
سورة بقره در مدینه نازل شده دو صد و هشتاد و هشت آیت و چهل و یک حرف است

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذلک الکتاب لا ریب فیہ

این کتاب نیست شک
این کتاب نیست شک
این کتاب نیست شک

هدی للمتقین الذین یؤمنون

راهنماست برای
راهنماست برای
راهنماست برای

بالغیب و یقیمون الصلوة و یمارون فیهم

به نادیده و برپای دارند
به نادیده و برپای دارند
به نادیده و برپای دارند

ینفقون و الذین یؤمنون بما

خرج می کنند و آنکه
خرج می کنند و آنکه
خرج می کنند و آنکه

انزل الیک و ما انزل من قبک

فرود آورده شده بسوی تو
فرود آورده شده بسوی تو
فرود آورده شده بسوی تو

مترجم گوید حاصل مثل
است که اعمال منافقان
بر خطا شود چنانکه روشنی

آن جامع در شد ۱۲

و مترجم گوید که عاقل

مثل آن است که منافقان

در ظلمت غمناکی افتاده اند

و چون مواظبت بخیرت شوند

فی الجمله ایشان را تنبیهی

میشود و آن فایده نکند

مانند مسافران که در شب

تاریک و در حیران باشند

و در برق دودمه قدم برند

و باز ایستند و الله اعلم ۱۳

تفسیر عثمانی

خدا این مثال را در منافقان

است منافقان چون

کسانی می باشند که شب

محوش و تاریک ابره ای

تیره و غلط اندازنده

باشد قطرات درشت و

مسلل باران را در فرود

در میان امواج درخش

ظلمت رهبر و اهل برق

با فرود بیرون درون

خود به خود در آنها زل

مرگ و کشتن خویش را

در گوش نهند تا مبادا از

آنها قاتل نبی کنند

این است حال منافقان

که تکالیف تعبدیه

شرعی را می شنوند

۱۳ خوری و روانی و

را می دانند ضیاع اعراض

در مصالح دنیوی را قصه

می کنند و از هر طرف و

کشاکش و اضطراب هر

شکفتنی گرفتاری باشند

با وجود و این می خواهند

با تقصیر و بی پروایی

معاذ الله قدرت او

متعالی از هر طرف بر آن

مستولیست از عذاب

و در آن آن ابره میگرد

شده نتواند ۱۴

وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اسْتَرَفُوا

و بگذاشتند ایشان را در غمگینی خویش سرشته شده ایشان آنکسند که فریادند
و بگذاشتند ایشان را در سرکشی شان حال آنکه نمی بینند ایشان آنکسند که فریادند

الضَّلَّةَ يَأْتِيهِمْ فَمِنْ بَعْثٍ يُجَارَتْهُمْ وَمِنْ كَانَ هُمْ هٰذَا يَوْمَ ۝

گمراهی را محض پواید پس سود یافت تجارت ایشان و راه یاب شدند
گمراهی را محض پواید پس مغرور فایده تجارت شان و نبودند راه یافتگان

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ

داستان ایشان مانند داستان کسی است که آفروخت آتش را پس چون روشن کرد آتش حوالی او را
مثال ایشان چون مثال کسیست که آفروخت آتش را پس چون روشن کرد آتش حوالی او را

ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمٍ لَا يَبْصُرُونَ ۝ صَمٌ

در ساخت خدا نور این گروه را و بگذاشت ایشان را در تاریکی بی بینند و گمراهند
در کرد خدا روشنی آن باریا و گذاشت آن باریا در تاریکی بی بینند (ایشان) گمراهند

بَكَمٌ عَنْهُمْ لَا يُرْجِعُونَ ۝ أَوْ كَصَيْبٍ مِنَ السَّمَاءِ فِيهِ

گمراهند پس ایشان باز نمی گردند و یا داستان ایشان مانند باران بزرگست آمده از آسمان که باشد در دایره
گمراهند گمراهند پس ایشان باز نمی گردند (از گمراهی) یا مثال آن مانند دایره باران شده است که آمده باشد از آسمان در آن

ظُلُمٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ ۝ يَجْعَلُونَ أَصَابِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِنَ

تاریکی و رعد و برق است و در می آورند انگشتان خود را در گوش خود بسبب
تاریکی و رعد و برق است می آورند انگشتان خود را در گوش باری خویش از

الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ ۝ وَاللَّهُ مُجِيبٌ دُعَاءِ الْكَافِرِينَ ۝ يَكَادُ الْبَرْقُ

آواز دایره بر بول بر سر مرگ و خدا احاطه کننده است کافران را نزدیک است که برق
صاعقه از ترس مرگ و خدا احاطه کننده است کافران را نزدیک است که برق

يَخْطِفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَتْ لَهُمْ مَشْوَافٍ فِيهِ ۝ وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ

بر مایه چشمهای ایشان را هرگاه روشنی دهد برق ایشان را راه رود در آن روشنی و چون تاریکی دهد بر ایشان
رابطه چنان ایشان را هرگاه درخشند برق ایشان روند در آن روشنی و بپوشانی ایشان را بر تاریکی خدا بر ایشان

قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى

بایستند و اگر خواسته خدا بر آینه بود مشغول ایشان را و دید باری ایشان را بر آینه خدا بر
بایستند و اگر می خواست خدا بر آینه می بود مشغول ایشان را و بپوشانی ایشان را بر آینه خدا بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يٰٓأَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَ

هر چیز تواناست و آنراست و ای مردم هر کسی را آفرید شما را و
هر چیز تواناست و آنراست و ای مردم هر کسی را آفرید شما را و

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ

کسانی را که پیش از شما بودند تا شما را آفرید و زمین را
آن کسانی را که پیش از شما بودند تا شما را آفرید و زمین را

فَرَأَيْتُمْ السَّمَاءَ بَنَاءً ۝ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ

بایست و آسمان را سقف و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد بسبب و
بایست و آسمان را سقف و فرود آورد از آسمان آب پس بیرون آورد به آن

مِنَ الشَّجَرِ رِيشًا قَالُوا فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝

از انواع درخت ریشی برآید و گفتند پس مگر دانید برای خدا همتایان پس مگر دانید
از انواع درخت ریشی برآید و گفتند پس مگر دانید برای خدا همتایان حال آنکه شما میدانید

والمی غیاثی و غیب
 هیچ ساعت بخدا نیست
 نه شکی و نه اندک علم
 و لا کافران چون ذکر
 ذباب و عکبوت و قرآن
 شنیده و ندیده و گفته
 که خدا متعالی بزرگوار
 چیز است خمیس چه ماه
 کرده است این دست
 نازل شد و انشا الله
 تفسیر عثمانی

عنه این سخن پیشتر ذکر شد
 که درین کلام تقدیر است
 اشتباه و در پیشتر شده
 میزانت است - یا و خود کن
 کلام فخری می بود که انرا
 بنویسد "لا ریب فی" رفع
 کرده اند یا ریب است حرب
 عنده یا فخری که انرا
 بقرآن اشتباه می شد
 صورت ثانی در تفسیر کن
 بکار مرده بود بر آن سخن
 آن طریقی آسان لطیفی
 بیان شد که شایسته پندار
 که قرآن گفته انسان است
 یکسوره همین فصاحت
 و بلاغت بقدر رسالت
 بر ازیه اثر شایسته
 و بلاغت از سوره کوثر
 عاجز شد به بیانید که
 قرآن کلام خداست
 نه گفته بنده - این
 آیت بر نبوت
 حضرت می باشد
 دلیل است ۱۲
 عده اگر شادین علی
 خوش را استگوا باینکه
 قرآن گفته بشود است از
 دانشمندان شاعران
 فصحا و لغات که هر چه
 اند ما سواي خداوند
 استوار کرده سوره کوثر
 ساخته بیاید یا این
 مطلب است که هر
 خداوند در پیشگاه
 مبعودان توفیق با گریه و خشوع و تاکید تا درین امر معصوب بشمارد گفتند ۱۲

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّمَّنْ
 د اگر هستید در شک از آنچه نازل شد بر بنده ما پس بیارید یک سوره
 د اگر هستید در شک از کلامی که ما فرود داشتیم بر بنده ما پس بیارید سوره را
 مِّثْلِهِ ۚ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝
 مانند آن و بخوانید مددگاران خود را بخوانید مددگاران خود را بخوانید مددگاران خود را
 مانند آن و بخوانید مددگاران خود را بخوانید مددگاران خود را بخوانید مددگاران خود را
 فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ
 پس اگر نکردید و هرگز کرده نمی توانید پس ترسید از آتشی که بنزد آن آتش انگیزه مردم
 الْحِجَارَةُ ۚ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ۚ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 سنگ باشد آماده کرده شده بر آتشی که کافران و بشارت ده آنکه از ایمان آورده اند و کردند کارهای شایسته
 سنگ باشد آماده کرده شده بر آتشی که کافران و بشارت ده آنکه از ایمان آورده اند و کردند کارهای شایسته
 أَنْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ
 با که ایشان راست بودند نه می رود زیر آن جویها هرگاه داده شوند از آنجا رودی از
 هر آنچه از آنها را بخواست که می رود از زیر درختان آن جویها هرگاه روزی داده شوند از آن
 شَرَّةٍ يُرْزَقُونَ ۚ قَالُوا لَئِنْ لَمْ يَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةٌ مِنَ السَّمَاءِ فَاكُنَّا مِنَ
 قسم میوه بر آتشی که خوراک گویند این همان است که روزی شده بود از پیش ازین و آورده شود و ایشان میوه
 مِتَشَاكِمًا وَلَهُمْ فِيهَا أَنْجَارٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ إِنَّ
 مانند یکدیگر و ایشان راست در آنجا زمان پاک کرده شده و ایشان در آنجا جاویدند و هر آنچه
 مانند یکدیگر و ایشان راست در آنجا زمان پاک کرده شده و ایشان در آنجا جاویدند و هر آنچه
 اللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعْضُهُ فَمَا فَوْقَهُمَا قَمَا الَّذِينَ
 خدا شرم ندارد از آنکه بزند داستان پیش و بالاتر از آن اما آنکه
 خدا حیا نمی کند که بیان کند مثالی را پیش و بالاتر از آن پس اما کسی که
 آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ
 ایمان آورده اند میدانند که این داستان راست است از پروردگار ایشان و اما آنکه کافران میگویند
 ایمان آورده اند (پس) میدانند که هر آنچه این مثال حق است از جانب پروردگار آنها و اما کسی که کافران میگویند که
 مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا
 چه چیز خواسته است خدا باین داستان خدا گمراه میکند بسیار و راه را هدایت میکند بسیار و راه را
 چه چیز اراده کرده خداوند باین مثال گمراه میکند باین مثال بسیار و راه را هدایت میکند باین مثال بسیار و راه را
 مَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ ۝ الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ
 گمراه میکند بوسیله مگر بکاران را آن فاسقان گمراه میکند بوسیله مگر بکاران را آن فاسقان
 گمراه میکند باین مثال مگر بکاران را آن فاسقان گمراه میکند باین مثال مگر بکاران را آن فاسقان
 بَعْدَ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ
 بعد بستن آن و می برند آنچه خدا فرموده است و می قطع می کنند آنچه امر کرده خدا و فساد میکنند
 پس از استواری آن و قطع می کنند آنچه امر کرده خدا و فساد میکنند پس از استواری آن و قطع می کنند آنچه امر کرده خدا و فساد میکنند
 فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَ
 در زمین زمین ایشانند زبایان کافران چگونه کافری شوید بخدا و
 در زمین زمین ایشانند زبایان کافران چگونه کافری شوید بخدا و
 در زمین زمین ایشانند زبایان کافران چگونه کافری شوید بخدا و

والمی غیاثی و غیب
 هیچ ساعت بخدا نیست
 نه شکی و نه اندک علم
 و لا کافران چون ذکر
 ذباب و عکبوت و قرآن
 شنیده و ندیده و گفته
 که خدا متعالی بزرگوار
 چیز است خمیس چه ماه
 کرده است این دست
 نازل شد و انشا الله
 تفسیر عثمانی

وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ۝ اَتَاَمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ

و نماز گزاید یا نماز گذارندگان آیای فرماید مردمان را به نیکوکاری و فراموش میکنند و نماز گذارید یا نماز گذاران آیای میکنند مردم را به نیکوئی و فراموش میکنند

اَنْفُسَكُمْ وَاَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ وَاسْتَعِينُوا

خویشتر را و شما میخوانید کتاب یعنی تورات آیاتی فقیه و مدد طلبید و فقیهانه خود را حال آنکه شما میخوانید کتاب را چنانچه توراتی کنید (محل زشت خوردن) و مدد بخوانید

بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ۚ وَانْهَازِ الْكِبِيرَةَ ۖ اِلَّا عَلَى الْخَشَعِينَ ۝ الَّذِينَ

بشکایتی و نماز و بر آئینه نماز دشوار است مگر بر فروتنی کنندگان آنانکه تعبیر و نماز و بر آئینه نماز البته گران است مگر بر فروتنانی که

يُطْنُونَ اِنَّهُمْ مُلْقَوْنَ فِيهِمْ ۚ وَانْتَهَمُ إِلَيْهِ رُجْعُونَ ۝ يٰبَنِي إِسْرَءِيلَ

میدانند که ایشان طاقات خواهند کرد باید مدد گاه خویش و آنکه ایشان بسوی من باز خواهند گشت اے فرزندان یعقوب چنین دارند که هر آئینه ایشان طاقات کنندگان پروردگار شوند و بر آئینه ایشان بسوی من باز گردند کان ای بنی اسرائیل در نزد من

اَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ ۚ وَاِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى

یاد کنید آن نعمت مرا که ارزانی داشتم به ام یاد کنید آن نعمت مرا آنکه انعام کردم بر شما و بر آئینه من بزرگی دادم شما را

الْعَالَمِينَ ۝ وَاشْكُوا يَوْمًا لَا يُخْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا ۚ وَلَا

بر عالمها و خداوندان روزی که کفایت نکند هیچکس از کسی چیزی را و عالمیان (آن زمان) و بر سرید از روزی که کفایت نکند هیچکس از هیچ کس چیزی را دین پرورانه نشود

يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةً ۚ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ ۚ وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ ۝ وَاِذْ

پذیرفته نشود از هیچ کس شفاعت و گرفته نشود هیچ کس عرض و نه ایشان یاری داده شوند یا بگویند نعمت من آنوقت از او شفاعت و گرفته نشود از او عرض (در حق) و نه ایشان یاری داده شوند یا بگویند و حق را که

جَحَدْتُمْ مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ بِأَيْدِيهِمْ ۚ وَ

که با نیت بد شما از کسان فرعون بهرسانیدند شما سخت ترین عذاب ذبح میکردند بخت و دریم شما را از کسان فرعون که می چشاندند شما بدترین عذاب ذبح میکردند

أَبْنَاءُكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۚ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ

پسران شما و زنده میکنند دختران شما و درین کار آزمائشی بزرگ بود از پروردگار پسران شما و زنده میکنند دختران شما و درین کار آزمائشی بود از رب شما

عَظِيمٌ ۝ وَاِذْ فَرَقْنَا بَيْنَكُمُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ ۚ وَغَرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ ۚ وَ

و آن وقت که فیم بر آید شما در یارای پس خلاص کردیم شما را و غرق ساختیم کسان فرعون را و یاد کنید و حق را که فیم بهر بسبب شما در یارای باز بخت دادیم شما را و غرق کردیم آل فرعون را و

اَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۝ وَاِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمْ

و آن وقت که میباید مقرر کردیم با موسی چهل شب پس گرفتید و یاد کنید و حق را که وعده دادیم با موسی چهل شب را بعد گرفتید شما

الْعَجَلَ مِنْ بَعْدِ ۚ وَانْتُمْ ظَالِمُونَ ۝ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِّنْ بَعْدِ

گوسار را پس از رفتن موسی و شما سرگاز بودید پس در زمانه هم از شما بعد و گوسار را (مجهول) پس از موسی حال آنکه شما سرگاز بودید پس عفو کردیم از شما بعد از

ذٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَاِذْ اَتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ

ازین کتاب را که سپاسداری کنید و آن وقت که دادیم موسی را کتاب و حجت و یاد کنید هنگامی که دادیم موسی کتاب و حجت بعد از آنکه حق از باطل آن تا شما فکر کنید

ول بنی در جمیع عبادت
لومصائب الشرا علم
ول بنی مالیان آن
زمان
ول مترجم گوید بسبب
کشتن پسران آن بود که
کامچان فرعون را زهر
داده بودند که در بنی
پسوسته پیدا شود و که
بعضی بر آنکه
یادشای او
مترجم گوید
که خدا موسی علیه السلام را
وعده داد که چهل شب در
طرح مشکف شوره تورات
عطا فرمایم و درین صفت
بنی اسرائیل با نوا
ساری که گوارا بفرمایند
کردند خدا تعالی بعد
عوض موسی حکم نمود که بعضی
ایشان بنی را بکشند
و این تو را ایشان سمیت
و این موسی بعد از مقتید
تفسیر عثمانی
عده بعضی ظلمت یهود
مبارتست بفرموده پسرانند
که دین اسلام را در سر
خوش بفرمایند شایان کنند
ولی خود ایمان نیاورند
در پیج مواج علای یهود
بلکه اکثر مردمان غایبین
در این اشتباه بودند
که چون مادر تعلیم احکام
شریعت تفسیر میکرد و در
روایت حق بود که انجمن
پایندی در احکام شریعت
ضرورتی باقی نیامد
به بنای الدال بالخیبر
کفاطه در صورتیکه مردم
اعمال شرع را در اثر
هدایات ما بجای آورند
آن اعمال از آن است
و چه ضرورت است که

داخل عمل شوم این آیه اگر میر برای هر دو غیبه خطا بطلان میکند، مطلب - و عطف آنچه عطف میکند خود بر آن عمل نماید نه اینکه فاسق بکس عطف نکند

والمترجم كرمي موسى عليه السلام بفتح الكس را از بني اسرائيل با خود و روتا با و سه کلام الی استماع تا نید ایشان بعد از شنیدن خواهان دریت شدند و در طلب آن باز آمدند و بپیر و نهاده خدا تعالی آن همه را با صافه بپوشت و بازید عاقله موسی زنده ساخت و از کلام با شوق است این آیه و کلامی اسرائیل را می شنیدند و بعد از آنکه ایشان در آن باب تافل بودند پس معاقبت باقیان در میان چهل سال در آنجا چون آب و طعام و خیمه با خود نداشتند تعالی بدعا موسی علیه السلام من وسلوی نازل ساخت و از سکنه دوازده چتر و دو کوه در راه را سبک کرد و قدر این نعمت را نشاندند و کفران نعمت کردند اشارت بدین قصه است این آیه ۷ و کلامی دیگر که در این سوره موسی فرموده بود ۱۲ و کلامی دیگر که در این سوره حمله ۱۲

تفسیر عثمانی

عنه این نیز می باشد موصات بهنگامیک آب زمزم از ضرب عصا بر سنگ دوازده چتر و دو کوه شدنی اسرائیل ۶ بر دوازده چتر و دو کوه و تعالی بفرستاد بود و طاعت معرفت هر چتر اندوه و موافقت کی و پیشی نفوس بود و بر اساس اختلاف اطراف سنگ از آنه نظری که ازین مجرات با بره انجاری آمدند و می تند آدم غلاف آمدند و هر یک می کنند و این اجنب می کنند و در است که سنگ آب احبب و جانی

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۵ وَاِذْ قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهٖ يَقُوْمُ اِيْكُمْ ظُلُمَتُمْ

تا بود که ماه یا بید و آن وقت که گفت موسی قوم خود را که بر سر آئینه شما ستم کردید و بر شکسته گفت موسی قوم خود را که بر سر سال سجد نمودن است قوم بر آئینه شما زبان رسانیدید

اَنْفُسَكُمْ يٰٓاَتَّخِذْكُمْ الْعَجَلُ قَتُوْا اِلٰى بَارِكُمْ فَاَقْتُلُوْا اَنْفُسَكُمْ ذٰلِكُمْ

بر خویشتان بجز گرفتن کرمال پس باز آئید بسوئے آفریدگار خود بکشید خویشتان را این بر دشمنان خویش بجز گرفتن شما کرمال را بخدائی پس تو بکشید بسوئے آفریننده خویش پس بکشید نفس بائے خود را این

خَيْرَ لَّكُمْ عِنْدَ بَارِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ اِنَّهٗ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ ۶

بجتر است شما نزدیک آفریدگار شما پس خدا باز گشت بهر یاری بر شما بر آئینه دوست باز گردید مهربان و بجز است بر سئ شما نزد آفریننده و تان پس باز گشت خدا مهربانی بر شما بر آئینه دوست بسیار توبه پذیر نهایت مهربان و

اِذْ قُلْتُمْ يٰمُوسٰى لَنْ نُّوْمِنَ لَكَ حَتّٰى نَرٰى اللّٰهَ جَهْرَةً فَاَخَذْنَا

آن وقت که گفتید اے موسی هرگز با خدا ایم ترا تا آنکه به چشم خدا را آشکارا پس گرفت شما را و گفتید و سئ که گفتید اے موسی هرگز ایمان نیادیم به تو تا آنکه به چشم خدا را آشکارا پس گرفت شما را

الصَّعِقَةَ ۷ وَاَنْتُمْ تَنْظُرُوْنَ ۸ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْۢ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ

صاعقه و شما میدیدید باز زنده گردانیدیم شما را پس از مردن شما تا شما صاعقه و شما میدیدید باز بر میخیزید شما را پس از مردن تان تا شما

تَشْكُرُوْنَ ۱۰ وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ ۱۱ وَاَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰى وَالسَّلٰوٰى

شکر گزاری کنید و سائبان را صافیم بر شما ایروا و فردا دادیم بر شما من و سلوی را گفتیم و شکر گزاری و سائبان را صافیم بر شما ایروا و فردا فرستادیم بر شما من و سلوی را

كُلُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنٰكُمْ وَمَا ظَلَمْنٰوْا لَكُمْ كَمَا نُوْا اَنْفُسَهُمْ

بخورید از پاکیزه های آنچه دادیم شما را و ایشان ستم نکردند بر ما و سبک بر خویش بخورید از پاکیزه چیز های که دادیم شما را و ظلم نکردند بر ما و لایق بودند که بر نفس بائے خویش

يٰظْلِمُوْنَ ۱۲ وَاِذْ قُلْنَا اَدْخُلُوْا هٰذِهِ الْقَرْيَةَ فَمَكُوْا مِنْهَا حَيْثُ

ستم میکردند و آن وقت که گفتیم در آئید درین و این شهر را از آنجا با فردنی ظلم میکردند و (یا گویند) بهنگامی که گفتیم داخل شوید درین ده پس بخورید از آنجا هر جا که

تَشْتُمْ رَغْدًا وَاَدْخُلُوا الْبَابَ سَجِدًا اَوْ قَوْلًا اِحْطٰةً تَغْفِرْ لَكُمْ

هر جا که خوابید خودی که از آنه دید آئید بدواز سجده کنان و بگوئید سوال ما آمرزش است تا با امرزم شما را خوابید خودی (فرار) فارغ و در آئید بدواز سجده کنان و گوئید بجنش تا با امرزم شما را

خَطِيْئَتِكُمْ وَسَنُزِيْدُ الْمُحْسِنِيْنَ ۱۳ فَبَدَّلَ الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا قَوْلًا

گناهان شما و زیاده خوار کردیم نیکو کاران را پس بدل کردند گناهی که ستمکار بودند سخن گناهان شما و زده است که بسیار داریم نیکو کاران را پس بدل کردند گناهی که ستم کردند سخن را

غَيْرَ الَّذِيْ قِيْلَ لَهُمْ فَاَنْزَلْنَا عَلٰى الَّذِيْنَ ظَلَمُوْا جَزَاً مِّنَ السَّمَاءِ

بجای آنچه فرموده شد ایشان را و آنکه پس فرود آمدیم بر آن ستمکاران عذاب از آسمان بفرستادیم آنچه گفته شد بر آئینشان پس فرود فرستادیم بر آنانیکه ستم کردند عذاب از آسمان

بِهَآكَ اَنْوَافِ سَقُوْنَ ۱۴ وَاِذْ اسْتَسْقٰى مُوسٰى لِقَوْمِهٖ فَقُلْنَا اضْرِبْ

بسبب بدکار بودن ایشان و آنوقت که آب خواست موسی بر آئین قوم خود پس گفتیم بزن بسبب فسق که میکردن بزن آب خواست موسی بر آئین قوم خود پس گفتیم بزن

بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ

بجمله خود سنگ را پس روان شد از سنگ دوازده چشمه بداشت هر بعصای خود سنگ را پس روان شد از آن دوازده چشمه هر آئینه داشت هر

فلا تعشوا في الأرض

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

والمؤمنين

الأناس مشركوا واشركوا من رزق الله ولا تعشوا في الأرض

مفسدين ١ واذا قلتم يموسى لن نصبر على طعام واحد

فادع لنا ربك يخرج لنا مما تنبت الأرض من بقلها وقتها

فوقها وعد بها وبصلها قال استبدي لؤن الذي هو أدنى

بألدنى هو خير أمهبطوا مصر فإن لكم ما سألتم وضربت عليهم

الذلة والسكنة وباء وبغضب من الله ذلك بأنهم كانوا

يكفرون بإيات الله ويقتلون النبيين بغير الحق ذلك بما

عصوا وكانوا يعتدون ٢ إن الذين آمنوا والذين هادوا و

النصارى والصابئين من آمن بالله واليوم الآخر وعمل صالحا

فلهم أجرهم عند ربهم ولا خوف عليهم ولا هم يحزنون ٣ و

إذا أخذنا ميثاقكم ورفعنا فوقكم الطور أخذنا مما اتبناكم بقوة

أذكر وأما فيه لعنكم تتقون ٤ ثم توليتم من بعد ذلك

فلولا فضل الله عليكم ورحمته لكنتم من الخسرين ٥ ولقد

أرسلنا نوحا بنينا نوحا وهدانا نوحا وأمرنا نوحا أن

يأمر قومه أن يعبد الله وحده لا شريك له فاستجابوا ل

نوحا وأمرهم أن يخرجوا من قومهم فخرجوا جميعا و

نوحا وأمرهم أن يعبد الله وحده لا شريك له فاستجابوا ل

نوحا وأمرهم أن يخرجوا من قومهم فخرجوا جميعا و

نوحا وأمرهم أن يعبد الله وحده لا شريك له فاستجابوا ل

نوحا وأمرهم أن يخرجوا من قومهم فخرجوا جميعا و

نوحا وأمرهم أن يعبد الله وحده لا شريك له فاستجابوا ل

نوحا وأمرهم أن يخرجوا من قومهم فخرجوا جميعا و

نوحا وأمرهم أن يعبد الله وحده لا شريك له فاستجابوا ل

نوحا وأمرهم أن يخرجوا من قومهم فخرجوا جميعا و

نوحا وأمرهم أن يعبد الله وحده لا شريك له فاستجابوا ل

نوحا وأمرهم أن يخرجوا من قومهم فخرجوا جميعا و

نوحا وأمرهم أن يعبد الله وحده لا شريك له فاستجابوا ل

نوحا وأمرهم أن يخرجوا من قومهم فخرجوا جميعا و

نوحا وأمرهم أن يعبد الله وحده لا شريك له فاستجابوا ل

نوحا وأمرهم أن يخرجوا من قومهم فخرجوا جميعا و

والبی شکر کردند و شکر کردند روز شنبه در بنی اسرائیل حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

عَلِمْتُمُ الَّذِينَ اعْتَدُوا مِنْكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

والبی در آن زمان حرام بود ۱۲

فتح الرحمن

والمی باریسان
خوش آن و بیان ۱۲
والمی نعت پیغمبر
آخر زمان ۱۳

تفسیر عثمانی

عنه منافقان پیرو
تا پیش حضرت پیغمبر را
که در کتاب ایشان بود
از تعلق مسلمانان اظهار
میداشتند میمانان و نگه
ایشان را ملامت میکردند
و گفتند چرا از کتاب
خویش به مسلمانان مسند
میدادید و این مسلمانان
و انرا اخبار خود شما را
بجھو پیرو و کار ملزم
کرده گویند پیرو پیغمبر
آخر الزمان را صادق
دانستند اما از آنجا که
آنگاه لا جواب خوانند
عنه بنیان قاعده
ایشان به پیشگاه خداوند
تمام شدن است حضرت
او عبادت کند و دلائل
کتاب آجبار بر مسلمانان
آشکار سازد چنانچه
مواقع آن طالع داده
است پیرو آیت جم را
پنهان کرده خداوند
آن را ظاهر نموده و سبب
فیضوت پیرو گردانند
چنین گردید انرا
ایشان که دعوی دانش
و کتاب داشتند ۱۲
سه به دانش پیرو
بر نبشتند با و تورات
اطلاع نمادند و بر
آوردند چنانکه از
سخنان دود علمای
خویش شنیده اند افلا
در محبت جز پیرو و نگه
نمادند و اعدا داد
حتما از شما عادت
میکند این بر تحمیل

بَعْضُهُمْ كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

بعضی از کافران طعم زنده میکنند خدا مردگان را و بینا بدشمارا نشانهای خود تا بود که
بر باره از کافران بچشمین زنده میکنند خدا مردگان را و می نماید بطا نشانهای قدرت خویش را ۱۳

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ

و در یابید باز سخت شد دلهاست شما بعد از این پس آنجا مانند سنگ اند
و فکر کنید باز سخت شد دل ایستتان بعد از آن پس آنجا مانند سنگ اند

أَوْ أَشَدَّ قَسْوَةً وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ

بلکه زیاده تر و سختی و هر آینه از سنگها آنست که مدای می شود از روی جویها و
یا بیشتر و سختی و هر آینه از سنگها آنست که مدای می شود از آن جویها و

إِنْ مِنْهَا لَمَا يَشْقُقُ فَيُخْرِجُ مِنْهُ السَّاءُ وَإِنْ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ

هر آینه از سنگها آنست که می شکافد پس بیرون می آید از روی آب و هر آینه از سنگها آنست که فرو می افتد
هر آینه بعضی از سنگها آنست که شقی می شود و بیرون می آید از آن آب و هر آینه بعضی از سنگها آنست که فرو می افتد

مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

از ترس خدا و نیست خدا بے خبر از آنچه میکنید
از ترس خدا و نیست خدا بے خبر از آنچه میکنید می کنند آیتا مسلمانان مع دارید

إِنَّ يَوْمَئِذٍ الْكَافِرُ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ

که پیرو مشغول شوند شما را و هر آینه گردی از ایشان می شنیدند کلام خدا را یعنی تورات را
که آنها با دود اند "سخنان" شما را به تحقیق بود گردی از ایشان می شنیدند کلام خدا را

ثُمَّ يَعْرِفُونَهُ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ

پس بر دل میگردند و دانسته بعد از آنکه فهمیده بودند ادرا و چون ملاقات کنند
باز تحریف میکنند آنرا بعد از آن که فهمیده بودند آراء ایشان میدانند و چون ملاقات کنند

الَّذِينَ آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَا بِعَضُدٍ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا

با مؤمنان گویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند بعضی از ایشان با بعضی و گویند
با کسی که که ایمان آورده اند گویند ایمان آوردیم و هنگامی که تنها شوند بعضی از ایشان با بعضی گویند

اتَّخَذُوا إِلَهُهُمْ بِمَا افْتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا

آیا خبر میداد ایشانرا آنچه کنشده است خدا بر شما و تا ما ظاهر کنند با شما بآن دلیل نزد پروردگار شما آیا مدعی بایید
چرا گویند آیتا خبر میداد ایشانرا آنچه ظاهر کرده خدا بر شما تا ما ظاهر کنند با شما بآن بجهت پروردگار شما آیا

تَعْقِلُونَ

این چه دلال آیتا میدانند که خدا میدانند آنچه پنهان میکند و آنچه آشکارا می نماید
در نمی یابید آیتا میدانند که هر آینه انرا میدانند آنچه را پنهان میکند و آنچه را آشکارا می نماید

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا الْآمَانِيُّ وَانَّهُمْ

و بعضی از ایشان ناخواندگان نمیدانند کتاب را لیکن میدانند آنرا که باطل و نیستند
و بعضی از ایشان ناخواندگان نمیدانند کتاب را مگر آنرا که باطل و نیستند

الْأَيْطُونَ قَوْلَ الَّذِينَ يَكْتَبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ

و کسان که کلام می نویسند پس دایه آنگهان را که می نویسند نوشته بدستهای خود باز
و کسان که کلام میکنند پس عذاب است بکسانی که می نویسند کتاب را بدستهای خود باز

يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَ شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا قَلِيلٌ قَوْلَ لِهِمْ

می گویند این از جانب خداست تا بجزند عرض دایه بهایه اندک پس عذاب است با ایشان
می گویند این از جانب خداست تا بجزند عرض دایه بهایه اندک

فان مترجم گوید که از
عقائد اهل طاعت و تقوا بود
که میگویند بر نباشد
دور از مکر و نفاق و
این خطاست زیرا که
دخول جنت موقوف بر
ایمان بخدا و روز قیامت
و پیاپی بر آن زمان است
جنس بیرون و غیر این اعتبار
نموده و اشارت بر این معنی
است این آیه باشد اللهم

تفسیر عثمانی

یعنی اینکاست مستند
که عثمانی بسیار در حق الله
بسته عوام از خود ساخته
می نوشته اند آنرا
بجست خداوند
غریب میدانند
مشاوره و نجات یافته بود که
پیاپی بر آن زمان پیاپی
زیاد ایشان میماند
سیانه که من خود را با
و کتبی که می نوشتند
علاء بود آنرا تحریف نمود
و در شای فرستاده می
از خود نگاشت که قاصد
بودند چنان بود که هر
دور است می باشد تا خود
نبوت حضرت و سراسر
تصدیق کنند و منافق
ایشان را فرستاده نزد
علاء این نام بقول
یعنی هفت روز است
و بقول یعنی پهل روز
و کرم عبادت گویا
بود و بعضی گویند چهل
سال است آن مدت
سرگردانی تیره باشد و
بعضی گویند هفتاد که
و مدینه اندکی کرده اند

یعنی این سخن که پیوسته
دو روز جاوید می باشد
یعنی چنانکه قاعده کلیه
خلود و در حق و بهشت
در آمده بیان میشود باب
هر مردم یکسان نفاذ می یابد ازین قاعده کلیه پیوسته نیست ۱۲

فَمَا كُنْتُمْ آيِدِيَهُمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ ۝ وَقَالُوا لَنْ تَمْسَنَا

بسیب از طاعت و ستمانی ایشان و وای بر ایشان را بسبب پیشه گرفتن ایشان و گفتند بر گرد ما تماس نکند

التَّارِ إِلَّا آيَا مَا مَعَدُّهُ ذِكْرٌ لِّكُلِّ أَفْجَكٍ ۝

آتش دوزخ مگر چند روز نموده شده بگو آیه گرفتن از نزد الله پیاپی پس هرگز

يُخْلِفُ اللَّهُ عَهْدَهُ أَمْ يَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ بَلْ

خلاف نکند خدا پیمان خود را آیا میگویند بر خدا آنچه نمیدانید چرا چنین می باشد

مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَاطِبُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۝

هر که کرد گناه و بر او آمد و احاط نمود یاد گناه او پس ایشانند اهل دوزخ

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ

ایشان در آنجا جاویدند و کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته ایشانند

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ

باشندگان بهشت ایشان در آنجا جاویدند و نگاه کردیم بر پیمان اهل بهشت ایشان در آنجا جاویدند و نگاه کردیم بر پیمان

بَنِي إِسْرَءِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ قَدْ وَاٰلُوا بِدِينٍ اِحْسَانًا ۝

بنی اسرائیل که نه پرستید مگر خدا را و بوالدین نگوئی کنید و بنی اسرائیل را که پرستید مگر الله را و احسان کنید بوالدین احسان کردی و

ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالسَّكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا وَاَقِمُوا

با اهل قرابت و یتیمان و سبک زبانان و بگوئید بمرحومان سخن نیک و بر پا دارید

الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ اِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَاَنْتُمْ

نماز را و بپرد زکوة را پس برگشتید و گردان شده مگر اندکی از

مَعْرِضُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَآءَكُمْ وَلَا

روگردانید و بیاورید زمانه که گرفتیم پیمان شما را که مرزید خون یکدیگر را و بیرون

تُخْرِجُونَ اَنْفُسَكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ اَقْرَرْتُمْ وَاَنْتُمْ شَاهِدُونَ ۝

مکنید بیرون مکنید (قوم) خود را از دیارتان پس اقرار کردید و شاهد گردید

ثُمَّ اَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ اَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فِرْيَاقًا مِّنْكُمْ

پس شما آن گروهید که می کشید قوم خویش را و بیرون می کنید گروهی را از قوم خود از

دِيَارِهِمْ تَظْهَرُونَ عَلَيْهِمْ بِالْاَشْجَمِ وَالْعَدُوِّ اِنْ يَأْتَوْكُمْ

خاهاست ایشان یکی مدد کارد یکی می شود بر سر گردن و دشمن ایشان گناه و نعدی

وَيَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اِيْمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا فِرْيَاقًا مِّنْكُمْ يَكْفُرُ بِالْاٰيَاتِ وَالْحَقِّ

و ای ایها ایمانها را که پیروی کنید از گروهی که از آیه ها و حقیقت

الاسرى تغدوهم وهو محرم عليكم اخرجهم افتومنون

فایند
اسیران
فدیہ میسرید و غلام میسرید ایشان یا حال که آن غلام شده است
بیر و ن کردن ایشان
آریا ایمان می آید
برشایر که در آنجا است
برشایر که در آنجا است

بَعْضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَنْ يَفْعَلُ ذَٰلِكَ

پیاره	از کتاب	و کافری شود	پیاره	پس نیست مرا آنکه	چنین کند
کعبه از	کتاب	و کافری شود	به حصه و	پس نیست	چنین کند

مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِسْمَةِ

از شا	مگر خواری	در	زندگان	و	دش	و روز	قیامت	گردانیده شوند
از شا	مگر رانی	در	زندگان	و	دش	و روز	قیامت	گردانیده شوند

إِلَى أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِخَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٥٠﴾

وہیست خدا کے خبر	از انجیل	میکنید دل	الشان
وہیست خدا کے خبر	از انجیل	میکنید دل	الشان

الذين اشتروا الحياة الدنيا بأموالهم

آن کسانی که خریدند	زندگانی دنیا را	عوض آخرت	پس سبک کرده نشود از ایشان عذاب
تافتند که	زندگی دنیا را	آفرید	عذاب

وَلَا هُوَ يَنْصُرُونَ ۚ وَلَقَدْ اتَّخَذُوهُ كَذِبًا

نه الشان ياري داده شوم و نه الشان مده دواو ميشوند

و هر آئينه داديم و هر آئينه داديم

موسي را كتاب و از سبه دد آند ديم بعد از دوسه

وہ کہیں راویں موسیٰ یا کتاب دیکھ دے فرستادیم بعد ازوے

و داویم
و داویم

میرزا علی محمد خان را دادیم پسر مریم را مهورات و پیش و نیز کشیدیم ادا برد

قدس علی جبریل آیا سرگاہ آورو
پہنچا میرے نزدیک آج دوست مذاہد
نفسا کے شفا
سرشتی کر دیہ

فقد بقلل التمسك ف رقا قتلون

و کشتید و دل بسته ما در ده است

و گفتند دل ما را غافل است

مَنْ مَعَهُ اللَّهُ يَتَرَكِهِمْ فَعَلِيلًا مَا يَوْمَنُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ

فہرست بیرونہ الیٹان واحد سبب کفرشان پس اند کے از ایشان ایمان آوردند و بر گاہ پیام ایشان را کتابی

ن عبد الله مصداق لها معهم وكانوا امن قبل يستفتحون
 نزيل خداوند باده كنند آنچه بايقان است و پيش از اين طلب نفع ميكردند

جانب خدا تصدیق کننده گنا ہے مگر باالشیان است و چونکہ از پیش وقوع می خواستند

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى الْفِرَاقِ أَذْيَارُ الْمَوْتِ وَهُمْ فِي حَيْرٍ

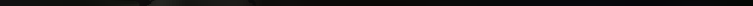
مشرکان پس ہرگز و آید ایشان آنچه میداشتند منکر شدند و بس لعنت خدا است

کسانی که کافر شدند پس هرگاه آمد بایشان آن مرد گشتناخته بودند کافر شدند باد پس لعنت خداست

وَالَّذِينَ يَتَّبِعُوا الشَّيْطَانَ فَهُمَ الْغَايِبُونَ
 ان کا ذکر ہے کہ جو شیطانوں کے پیروں میں ہیں ان کا ذکر ہے کہ

بدین جهت آنچه فروغش به آن نفسهای خود را اینک کافری شوند یا آنچه فرو فرستاده خدا

تکالیف از منافات داشته باشد تقصیر و زود آنچنانچه را در بعضی احکام متابعت ننموده بودیم سرودیم میبخشد.



بَصِيرَةٍ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ اِلَّا الْمُسْلِمُونَ هُوَذَا اَوَّلُ نَصْرِي تِلْكَ

میخواست و گفتد برگزیده به بهشت در نیاید مگر آنکه یهود باشد یا ترسا باشد این
تک میخواست و گفتد برگزیده به بهشت مگر آنکه باشد یهود یا نصاری این

اَيُّهَا النَّاسُ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿٨﴾ بَلَىٰ مَنْ اَسْلَمَ

آرد و بای (یا الله) این است بگو آردید دلیل خود را اگر هستند راست گو بگو هر که منقاد کرد
آرد و بای (یا الله) شان است بگو بیارید حجت خویش را اگر هستند راست گو بگو هر که منقاد کرد

وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ حَسَنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا

روے خود را برای خدا و دوی نیکو کار باشد پس او راست نژاد او نزد پروردگار خلیف نیست ترس بر ایشان
ردی خود را برای اللہ و دوی نیکو کار باشد پس او راست نژاد او نزد پروردگار حق نیست خوف بر ایشان و ذالک

هو يخرنون ٩ وقالت اليهود ليس النصر على شيء وقالت النصر

ناتوانی شوند و گفتند بود ترسایان بر این چیز و گفتند ترسایان
اند و بگویند شوند و گفت بود نصاری بر این چیز (چیزی) و گفت نصاری

لَيْسَتْ الْيَهُودُ عَلَى شَيْءٍ وَهُمْ يَتَّبِعُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا

نیستند یهود بگویند جزو ایشان بزم میخوانند کتاب را هم چنین گفتند آنانکه
نیست یهود بگویند رای (چیزی) حال آنکه ایشان میخوانند کتاب را هم چنین گفتند آنانیکه

يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

نمی دانند و مانند قول ایشان پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف می کنند و در آن
نمی دانند مانند گفته را ایشان پس الله حکم می کند میان ایشان روز قیامت در آنچه اختلاف داشتند (رومان)

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسِيحَ اللَّهِ أَنْ يُدْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا

ولیت ستمگارتر از آنکه منع کرد مسجدی بای خدا را از آنکه یاد کرده شود نام خدا در دست و کمرش کرد و بر آن ایستاد و بیدادگرتر از آنکه منع کرد مسجدی بای خدا را از آنکه یاد کرده شود در آن با نام او کوشد و بر آن آن

وَلَيْكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيًا لَهُمْ

آن گروه نمی مسز و ایشان را که در آیند بمسجد ما مگر بر اسان ایشان راست و در دنیا خاری و ایشان راست
آن گروه نمی مسز و ایشان را که در آیند در آن ما مگر ترسند کان مرا ایشان راست و در دنیا ذلت مرا ایشان راست

فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ٢) وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهٌ

در آخرت عذاب بزرگ است و خدا را است مشرق و مغرب هر سو که رو آید جایگاه است و در آخرت عذاب بزرگ و هر چه آید جایگاه آفتاب و هر دو گاه آفتاب پس هر سو رو آید همان طرف متوجه

اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلَيْهِمْ ۝ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَ اللَّهِ بَلْ لَمْ يَكُنْ فِي

خدا بر آینه خدا فراموش لغت و انانیت و گفته بگرفت خدا فرزند را باکی و اور است بلکه از دست آید
است الت (وجه خدا است) بر آینه الت فراموش لغت نیک و انانیت و گفته گرفت الت فرزند از تنم سخنان باک است بلکه

السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ كُلِّ لَقَانَتُونَ ٢٠ بَدِيعَ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا

آسمانها و زمین است هر کسے بر آسمانها و زمین است و چون
آسمانها و زمین است و هر که را آفریده آسمانها و زمین است و چون

قَضَاهُ امْرَأَتُهُ يَقُولُ لَكَ فَيَكُونُ ٥ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا

می کند کار پس جز این نیست که می گوید او را بتو پیس می شود و گفتند آنگاه هیچ نمی دانند یعنی مشرکان چرا
علم کند کار را (بسیار) جز این نیست که گوید او را بتو پیس می شود و گفتند آنگاه هیچ نمی دانند چرا

يَكُنَّا اللَّهُ أَوْ تَدِينَا إِنَّهُ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ

اما سخن می گوید خدا بی آید بآتش از هم چنین گفتند که می بینم پیش از این که بودند مانند قول ایشان می کردی

فقط در زبان میگوید برود حق آن او امر صادر می نماید آنگاه هر که بخواهد تعیل او را مراجع کتاب از زبان او بداند و بداند که حق تعالی در روز قیامت او را

فلا یدیکر از صفوات
این کتاب آید و در هر
فرد از پیرو و نصاری
و دیگر انفاض کرد
و اشارت بهین معنی
است درین بیت ۱۲
و این یعنی مشران گفتند
۱۳ که دین آیت
تو بعضی است بگویم که
و اشارت است به
۱۱ مغلوب شدن ایشان
و الحمد للہ ۲ و
و دیگر صفوات پیرو
۱۴ آید و چون استقام
بیت المقدس ضروغ
شد استقامی کردند
اشارت بهین معنی است
درین بیت ۱۵ و دیگر
از صفوات این کتاب
آید و در هر عمر رسا
و نصاری ایضاً این اسم
خدا می گفتند و در این
جداستقامی این آیت
نائل گرد ۱۶
تفسیر عثمانی
علی الاذن و علو در
سرزاد این بود که در
مسجد ابا ابی بنی
و واقع و ادب و تکلیف
میدانند این علم
ضریح است که آنجا
از راهی احترامی
پیش آمده یا اینکه
یافت زندقی با عزت
و حکومت را در آن
دیار ندارند و همچنان
صورت گرفت که کشور
شام و سرزمین که
را خدا از دیگران
افزود جسمانان
علا احتش و در همه
جا عام است از خصایص
بقیای ندارد و حاصل
و ارادات و اعمال
بنیان را خوب می
داند که انبار اچیز در
شود.

عده در حق مومنان
باشند و کعبه و خانه
گفت آن بادامی
روزی کن باد باره
کافران دعا نکرد تا
آنجائز ثلوث کفر پاک
بماند عده خداوند
فرمود و در دنیا با کافران
تیز روی داد و می
شود و روزی چون
امت نیست که جز
ای ایمان دیگری
را نپذیرد - سه
ابراهم و پسرش
اسمعیل علیه السلام
برود و پیارگاه خدا
دعا کردند که جماعتی
در فردنمان خلق
کن تا اولاد ترا
اطاعت کنند و دنیا
آنها را سولی میبوی
کن تا که کتاب حکمت
را قلم و بدور
اولاد این دو پسر
جز حضرت سرور
کائنات دیگری
موصوف باین صفات
نیست این واقعه
تجلیات گذشته
بود را باطل خلقت
علم کتاب آن مطاع
و معانی ضروریست
که خود عبارتند از
آید خلقت خفیات
اسرار و قاتی روز
می باشد لایحه شرافت
این ملت و مذهب مذکور
که در حضرت ابراهیم
و یعقوب علیه السلام
پسران خویش را
توسیع میداد تا از حق
مقابت نمایند هر که
از این راه معرفت
شود به پیغمبران مذکور
خلفت می ورزد
پیرو دعوی و استعد

اجعل هذا ابداً اولاداً وارثاً من الشرف من امن منهم بالله
 و روزی ده سالگی آن روزی که آنرا که ایمان آورد از ایشان جدا
 بگردان این چهار پسر ابراهیم و روزی ده سالگی آنرا که ایمان آورد از ایشان جدا
 و الیوم الآخر قال ومن كفر فامتنع قلبه لا تضرهم ولا حذر الله
 و روزی باز پسین زود خدا و سید کافر شود بهره مند گردان شد اندکی پس به پنداری برانم آورد از سوسه عذاب آتش
 و روز قیامت گفت و سید کافر شود بهره مندی گردان شد اندکی باز تا چهار تن محروم از او را میبوی عذاب آتش
 و یس الصیر ۵ و اذ یرفع ابرهم القواعد من البیت و اسمعیل
 و دست بد جاع است و آنگاه که بلند می گردان ابراهیم و اسمعیل پیاد بایست خانه را گفتند ای سرور گار ما
 و پدر مرجع است و یاد کن آنگاه که بلند می گردان ابراهیم پیاد بای خانه کن ای اسمعیل و ای اسمعیل و ای کور و در ای پیرو دگار ما
 تقبل منّا انک انت السميع العليم ۶ ربنا واجعلنا مسلمین لك و
 قبول کن از ما هر آینه کوئی شنوا دانا ای سرور دگار ما و یکن بار از فرمان پرورد خودت و
 بپذیر از ما هر آینه کوئی نیک شنوا دانا ای سرور دگار ما بگردان ما فرمان بران خود و
 من دریتنا امّة مسلمة لك و ابرنا مناسدا و تب علینا انک
 از اولاد ما یکن محروم منقاد خودت و بنامدار صریح علی دسایه ما و سیه بانی بر آید
 از اولاد ما محرومی فرمان بر بخند و بنای ما مناسک ما را (قواعد) و سیه کوئی سرور گار ما
 انت الثواب الرحیم ۷ ربنا و بعث فیهم رسولا منهم یبینه علیهم البیان
 کوئی باز آئینه مهربان ای سرور دگار ما بفرست در میان ایشان پیغامبر را از ایشان بخواند بر ایشان آیتها
 بپذیرد تو به مهربان ای سرور دگار ما بفرست در میان ایشان پیغمبری از ایشان که بخواند بر ایشان آیتها
 و یعلّمهم الکتب والحكمة و یرحمهم ۸ انک انت الخیر الحکیم ۹ و من
 و بیاموزد ایشان را کتاب و علم و پاک کند ایشان را هر آینه کوئی توانا دانا و گشت که
 و بیاموزد ایشان را کتاب و حکمت و پاک کند ایشان را هر آینه کوئی بسیار قاطع بسیار با حکمت و گشت
 یرغب عن قلوبهم الا من سلفه نفسه و قلا صغیر فی الدنیا
 رو بگرداند از کیش ابراهیم مگر آنکه در حقش خود را بر آینه بر گردانم او را درین سرای
 که باز گردد از دین ابراهیم مگر آنکه به حاکمیت خودش را بر آینه بر گردانم و در دنیا
 و الله فی الآخرة لیس الصالحین ۱۰ اذ قال له ربی اسمع و اسلمت
 و هر آینه او در سرای دیگر از صالحان است آنگاه که گفت او را پرورد دگار او که تمام شرف گفت مقادیرم
 و هر آینه او در آخرت از نیکان است یاد کن و گفت او را پرورد دگار او که تمام شرف گفت مقادیرم
 لرب العلمین ۱۱ و وصّه یأبرهم بنیه و یعقوب یبنی ان الله صطف
 مرا پرورد دگار عالمهارا و وصیت کرد باین که ابراهیم پسران خود را و یعقوب نیز فرزندان را ای سرور دگار ما از این سرای
 به پرورد دگار عالمیان و وصیت کرد باین که ابراهیم پسران خود را و یعقوب هم که ای پسران من هر آینه خدا برگزید
 لکم الدین فلا تموتن الا و انتم مسلمون ۱۲ اذ کنتم شهداء اذ حضر
 برای شما این دین را پس ازین جهان میرید مگر مسلمان شده آید حاضر بودید آنگاه که پیش آمد
 برای شما دین را پس میرید مگر حاکم مسلمانان باشد آید حاضر بودید حاضر آنگاه که پیش آمد
 یعقوب الموت اذ قال لبنیه ما تعبدون من بعدی قالوا نعبد
 یعقوب را موت و آنگاه که گفت فرزندان خود را چه چیز را عبادت خواهید کرد بعد از من گفتند عبادت کنیم
 لکم و الله ابائکم ابرهم و اسمعیل و انتم
 معبود ترا و معبود پدران ترا که ابراهیم و اسمعیل و اسحق اند عبادت کنیم آن معبود را و ما را
 معبود ترا و معبود پدران ترا که ابراهیم و اسمعیل و اسحق اند معبود بگردان ما را برای او

که یعقوب علیه السلام فرزندان خود را به یهودیت و نصیبت کرده و بی چنانکه از آیین ما جدا تا جایی که خود آنها را دروغ می گویند -

دل چون آنحضرت
صلی اللہ علیہ وسلم بمید
بجرت فرمود شانه
با یا سینه او باطن
بیت المقدس نماز
سنگ زد و آرزوی کرد
که خدا بی تعالی کعبه را
قبله و سرازه خدائی
تعالی نازل کرد و فرمود
لقلیل انما یبذل اذان
جواب منته سهار و برین
مسئله نازل کرد سيقول
السفهار لهد اذان امر
فرمود بر صبر بر مشرق
جهاد و در بسیار
از احکام توحید و تقصیر
در حق و معصیت و مدح
نوح و طلاق که اهل
جائیت تحریف کرده
بودند باری عایت الهی
نیکو و نیکو بیان حقیقت
حاصل فرمود و رد و ابطال
شبیهات فی ارضین کرد
سوال بانه الشان
را جواب داد و این
سیاق تمتد است تا الم
ترالی التین حر جوا
و قد لقی ابا درسان
علم الی مقدر شد گفت
که قبل است بحر مصطفی
صلی اللہ علیہ وسلم کعبه
باشد و توحید بیت الله
یک چند بنابر عقمت
استحسان است ۳۰
یعنی توحید نزول
استقبال کعبه ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه فانه است
وسط یعنی امت مسلم
بدان سبب خوانده
شده اند که ایشان
برای می باشند
که کعبه شانه می
باشد و آن نیست
از هر کوه افراط
تقریب پاک می باشند

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَهُمْ

دل خوانند گفت نهج روان از مردم چه چیز بر گردانید ایشان را
زودی گویند بے خردان از مردم چه چیز گردانید پیغمبر و مسلمانان را

عَنْ قِبَلِهِمُ الْمَقْدِسَ كَانُوا عَلَيْهِمْ قُلُوبُ اللَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ
ازان قبله که ایشان بودند بران یعنی از بیت المقدس بگو خدا راست مشرق و مغرب راه می نماید هر کرا
از قبله ایشان که بودند بران بگو خدا راست بر اید گاه آفتاب بدایت می کند بر کرا

يُشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا
خواهد بسوی راه راست و هم چنین ساجد شمارا گردست مختار تا گواه
خواهد بسوی راه راست و هم چنین (که شمار بدایت دادیم) گردانیدیم شما را یعنی معتدل (مختار) تا بار خدای

شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ
باشید بر مردمان و تا باشد رسول گواه بر شما و مقرر گردیدیم آن قبله را
گواهان بر مردم (در قیامت) و باشد پیغمبر بر شما گواه و نگردانیدیم قبله را

الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهِمْ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ فَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
که بودی بران یعنی بیت المقدس را مگر برای آنکه بدانیم کسی را که پیروی میکند خدا ازان کسی که باز گردد بر سرود و بار خدای
آنکه بودی بران مگر که بدانیم که پیروی می کند پیغمبر را از آنکس که باز گردد بر سرود و بار خدای

وَأَنْ كُنْتَ لَكِبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَضِلَّ
و بر آینه هست این خصیلت دشوار مگر بر آنکه ایشان را راه نموده است خدا و خدا صانع عیسا و گردانیدیم شما را
بر آینه این کار (تبدیل قبله) دشوار است مگر بر آنکه راه نموده است خدا و خداوند چنین نیست که صاحب گردانید آن را

إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَءَوْفٌ خَبِيرٌ قَدْ تَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ
بر آینه خدا بر دمان بخش نموده مهربان است تحقیق می بینیم گشتن روئے تو در جانب آسمان و
بر آینه خدا بر دمان (مؤمنان) بسیار مهربان نهایت بخشا نموده است به تحقیق می بینیم بار بار گردانیدن روی تو را جمل آسمان

فَلَنُؤْيِيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ
پس البته متوجه گردانیم ترا بان قبله که خوشنودی شوی بوسی پس متوجه گردان روئے خود را بطرف مسجد حرام و هر جا که
پس بر آینه می گردانیم ترا به قبله که دوست داری آن را پس بگردان روی خود خویش را طرف مسجد حرام و هر جا

كُنْتُمْ قَوْمًا وَجْهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ
باشید که پس متوجه گردانید روی بانه خویش را بطرف و بے و بر آینه این کتاب میدانند که این
که باشد (پس) بگردانید روی تان را جانب او و بر آینه آنایک داده شده به آنها کتاب الیقین میدانند که هر

الْحَسَنُ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ وَلَئِنْ آتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا
راست است از پروردگار ایشان و نیست خدا بے جزا را آنچه می کنند و بر آینه اگر بیاری پیش این
راست است از پروردگار ایشان و نیست خدا بے جزا آنچه می کنند و اگر می آید (اگر می آید) (اگر می آید)

الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ وَتَتَّبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ
کتاب هر نشانه بر هر پیروی کنند قبله ترا و پیروی تو پیروی کنند قبله ایشان را و ایشان بعضی پیروی کنند
کتاب تمام نشانه بار پیروی نمی کنند قبله ترا و تو پیروی تو قبله ایشان را و بعضی ایشان پیروی کنند

قِبْلَةً بَعْضُ وَلَئِنْ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ
قبله بعض دیگر را اگر تو پیروی کنی خواهش بانه نفسانی ایشان را بعد آنچه آمده است بتو از دانش
قبله دیگر اند (مست است) اگر پیروی کنی خواهش را باطل ایشان را بعد از آنکه آمد ترا از علم

إِنَّكَ إِذَا لَمِسَ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ آتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا
بر آینه تو باشی از مست گران کسانیکه دادیم ایشان را کتاب می شناسند و بر آینه آنکه
بر آینه تو آنگاه به تحقیق از مست گران باشی کسانیکه دادیم ایشان را کتاب می شناسند و بر آینه آنکه

بر آینه تو آنگاه به تحقیق از مست گران باشی کسانیکه دادیم ایشان را کتاب می شناسند و بر آینه آنکه

الْجَمْعُ وَنَقِصٌ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَنَبِئِ الصَّابِقِينَ

کریسمس و نقصان مالها و جانها و میوهها و نباتات و ده صابران را

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ صَيْبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ

آنانی که چون برسد بدیشان صیبت گویند بر آئین ما از آن خدایم و بر آئین ما بسوی او رجوع کنند تا گفتم این گروه

عَلَيْهِمْ صَلَواتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ

بر ایشان است درود و بارش و رحمت و گارش ایشان و بخدا ایشان و ایشانند راه یابندگان و بر ایشان

الْصَّافُوا الْمَرْوَةَ مِنْ شَعْرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا

در مرده از ایشان باشد خداست پس هر که حج کند یا عمره بجا آورد

جَنَاحَ عِلْبَةٍ إِنْ يُطَوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرَ فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ

پره نیست پروی که در آنکس طواف کند در میان این پروی و هر که بخواهد آرد پس خدا قبول کننده و داناست

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ مَا أَتَوْا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى مِنْ تَعْدٍ وَكَانَ لِلنَّاسِ

بر آنانی که کفر میکنند آنچه از خود آورده ایم از براهین روشن و هدایت پس از آنکه بیان کردیم آنرا بر کسی مردمان

فِي الْكِتَابِ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ الْعَالَمُونَ

در کتاب آن گروه لعنت می کند ایشان را خدا و لعنت می کند ایشان را لعنت کنندگان هر که یک توبه کردند

وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنَّا فَاوْلَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

و سبب کاری پیش گرفته و میان کردند پس این گروه پشیمان باز گردیدند و منم باز گردنده پشیمان

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمُ لعنةُ اللَّهِ و

بر آنانی که کافر شدند و کافر مردند آن گروه بر ایشان لعنت است لعنت خدا و

الْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسُ أَجْمَعِينَ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَخْفَى عَنْهُمْ

فرشتگان و مردمان همه یکی همیشه باشند در آن لعنت سبک کرده نشود از ایشان

الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ وَاللَّهُمَّ إِلَهَ وَاحِدٌ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند و معبود تنهاست خدا بیگانه است نیستند هیچ معبودی جز او

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخْتِلَافِ اللَّيْلِ

بخشش کننده پشیمان است بر آئین و در آفرینش آسمانها و زمین آمد و شد

وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا

روز و آن فلكی که می رود در دریا یا بخود سود می دهد یا بخرامان و تجارت و ده آنکه

در روز و آن فلكی که می رود در دریا یا بخود سود می دهد یا بخرامان و تجارت و ده آنکه

و لا بعض الی سلام

عفا و مرده را از

شما تر و احیت

تکمان کرده از ان

باز و انشد پس نازل

شد این آیه ۱۲

تفسیر عثمان

عفا مرده از ان

پس و است زیر این

تصدیق رسالت حق

بیغیر را که در تورات

بود و پیشگویی که در

تورات نسبت به

تحویل قبیل و اردو شد

پنهان می کردند

علاوه بر میوه تمام

آن کسانیک علم الهی

را برای اغراض دنیوی

اختلاف کنند و حکم این

آیه و اخلاص عفا

لعنت کنندگان

عبادت و از جنیان

مردمان و فرشتگان

همه شایسته ذی روح

زیر این آیه بر روی

حق برده می انگشند

کیفر خاتم ایشان

در سراسر کتب و خط و

و عام می شود و حق

بجودان و جادین

عفا می رسد همه

بر آنان لعنت میکند

مع اگر نسبت

حق پوششی نباشد یعنی

مردم هر طایفه گمراهی

گمراهان شدند اما

چون از اخلاص حق

بعد توبه کردند و

آنرا کاملاً آشکار

اختلاف بجای

لعنت بر آنها

رحمت می فرستیم

زیرا ما تواب

در هستیم

علامه مزم گوید اهل
جا بلیت چیزها را از
نزد خویش حرام نشد
پویند مانند بخار و
سواب خدا تعالی
در درو ایشان نازل
کرد و فتح الرحمن
تفسیر عثمانی
دل عشق مومنان
با خدا از دوستی
مشکران بهبودان
آنها بیشتر است و
تر است محبت مشرکان
در مصائب این
جهان زانلی گوید
و نه گمراهی
عذاب آخرت از
مجددان باطن
خویش بر کلی تیری
می کنند (بعد از
تفصیل می آید) بر
عکس عشقی که در جهان
به خدای خویش می
ورزند زوال نمی
پذیرد این عشق
در رنج و راحت در
بیماری و صحت در
دنیاء و آخرت ۲۰
یکسان پایداری
می باشد
عشق مومنان ۲۱
بجای اینست از محبتی
است که به سوسی
الشیعی یعنی پیروان
اولیا - فرشتگان
و ائمه و عابدان
پایه یاب و آبا و
اجداد و احوال و
اولاد خویش دارند
مومنان جدا عشق
اصلی و بالاستقلال
دارند عشقی که نشأت
شان و عظمت صفات
آباده یگان باو به
دور اثر حکم الهی بر
وفاق مراتب برکات
محبت دارند و فرق مراتب عشق زندقه - خدا و دیگران را (هر که باشد) بیگانه انداخته دوست داشتن خالص مشرک و آئین مشرکان است -

انزل الله من السماء من ماء فاحياه الارض بعد موتها وبیت
فرد آورد خدا از آسمان آب پس زنده ساخت بسبب و زمین را پس از مردن آن و پراکنده ساخت
فرو فرستاده آتش از طرف آسمان از آب پس زنده گردانید آن زمین را پس از مردن آن و پراکنده ساخت
فیهما من کل دابة تسير وتصريف الريح والسحاب المستخرين للسماء
در زمین هر نوع جنبه و در گردانیدن یا و با و در ابراهام کرده شده میان آسمان
و زمین از هر جنبه و در قلب یا و با و در ابراهام کرده شده میان آسمان
والارض لايتقوم يعقلون ومن الناس من يتخذ من دون
و زمین هر آنچه را که است آنهاست آن کرده را که در می یا بند و از مردان که هست که میگرد
و زمین هر آنچه را که است مرگ و می که خرد دارند و از مردان که است که می گرد
الله انذارا لجنونهم بحب الله والذين امنوا اشد حبا لله ولو يري
خدا بجهت ایمان را دوست میدارد ایشان را اما دوستی خدا و سایر ایمان آوردند و دوستی خدا و عجب نیستند و اگر می بیند
خدا بجهت ایمان را دوست می دارد ایشان را اما دوستی ایشان خدا را و سایر ایمان آوردند و دوستی خدا و عجب نیستند و اگر می بیند
الذين ظلموا اذ يرون العذاب ان القوة لله جميعا وان الله
کسی که ستم کردند در آن حالت که می بیند عذاب را که ستم کردند و اما دوستی تمام آن و بسبب آنکه خدا
س که ستم کردند در آن حالت که می بیند عذاب را که ستم کردند و اما دوستی تمام آن و بسبب آنکه خدا
شديد العذاب ۱۰ اذ تبار الذين اتبعوا من الذين اتبعوا وراوا
سخت عقوبت کننده است در آن حالت که بر سر است پیروان کفر از تابان و بیند
سخت عقوبت کننده است در آن حالت که بر سر است پیروان کفر از تابان و بیند
العذاب وتقطعت بهم الأسباب ۱۱ وقال الذين اتبعوا ان كن
عذاب را و بریده شود به نسبت ایشان همه اسباب یعنی وسیله ها و گویند پیروی کنندگان کاش ما را
عذاب را و بریده شود از ایشان و سایر (محبت و قرابت) و گویند پیروی کنندگان کاش ما را
كفر فنتبرأ منهم كما تبتروا منكم كذا كذا يريهم الله اعمالهم
ماز گشتی باشد تا بیزاری کنیم از این پیروان چنانکه بیزاری از این پیروان شما را از این پیروان شما را از این پیروان شما را
ماز گشتی باشد تا بیزاری کنیم از این پیروان چنانکه بیزاری از این پیروان شما را از این پیروان شما را از این پیروان شما را
حسرت عليهم وما هم بخارجين من النار ۱۲ يا ايها الناس كلوا
در ایمانی با بر ایشان و بیشترند ایشان بیرون آیند گاه از دوزخ است مردان بخورید
در ایمانی با بر ایشان و بیشترند ایشان بیرون آیند گاه از دوزخ است مردان بخورید
فما في الارض حلالا طيبا ذواتكم تتبعوا وخطوات الشيطان ۱۳
حلال یا کیزه را از آنچه در زمین است و پیروی کنید گامهای شیطان را هر آنچه او
از آنچه در زمین است حلال یا کیزه و پیروی کنید گامهای شیطان را هر آنچه او
لكم عذر ومبين ۱۴ انما يامرکم بالسوء والفحشاء وان تقولوا
شمارا دشمن آشکار است و چنین نیست که می فرماید شمارا به بدکاری و بی حیالی و اما که اقرار کنند
شمارا دشمن ظاهر است چنین نیست که امر می کند شمارا به بدکاری و بی حیالی و آن که بخورید
علما لله ما لا تعلمون ۱۵ واذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا
بر خدا آنچه نمی شناسید و چون گفته شود ایشان را پیروی کنید امری که فرود آورد دوست خدا گویند
بر خدا آنچه نمی شناسید و چون گفته شود ایشان را پیروی کنید امری که فرود آورد دوست خدا گویند
بل نشيع ما الفينا عليه ابناء ناه اولو كان ابائهم لا يعقلون شيئا
بلکه پیروی می کنیم چیز را که ما آموخته ایم بر ابناء ناه اولو کان ابائهم لا يعقلون شيئا
بلکه پیروی می کنیم چیز را که ما آموخته ایم بر ابناء ناه اولو کان ابائهم لا يعقلون شيئا

وَلَا يَهْتَدُونَ ۝ وَمِثْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمِثْلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا

دراہ نمی یافتند و داستان پند دادن کاغذ را مانند حال کسی است که با ننگ میزند آن چیز را که
را انداخته اند و مثال آنرا نکه عوت می کنند کاغذ را مانند حال کسی است که با ننگ میزند آن چیز

لَا يَسْمَعُ إِلَّا دَعَاءَ مَنْ يُكَلِّمُهُمْ عَلَيْهِمْ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٧﴾

نمی شود مگر بی بخل خواندن و آواز بلند کردن کافران که از آن گنگانند کور است پس ایشان بی هیچ نمی
نمی شود مگر دعا و آواز را کردند گنگند کورند پس ایشان بی هیچ نمیدانند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ

اسے مسلمانان کجذریہ از پاکیزہ یا اچھے روزی و ادیم شمارا و سپاس گوید خدا را
اکیں ایک ایمان آورده اید کجذریہ از چیرہ نازید و حلال پاکیزہ روزی و ادیم شمارا و سپاس گوید خدا را

إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ۖ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَ

اگر اور اسے پرستید جزا میں نیست کہ حرام کرده است بر شما مردار و خون را و اگر مبتدئ شما که خاص اورا می پرستید جزا میں نیست که حرام گرداند بر شما اکل مردار و خون را و

لَحْمِ الْخَنزِيرِ وَمَا أَهْلُ بِهِ لِيُغَيِّرَ اللَّهُ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا

گوشت خوک را دایم از آواز بلند کرده شود و در پنج وعده بغیر خدا پس هر که پیاده شود نه تیری کند و نه گوشت خنزیر را و آیه از آواز بلند شود و در پنج آن بغیر خدا پس هر که پیاده گردد نه علم کند و نه

عَدِ فَلَا اِثْمَ عَلَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ﴿٤﴾ اِنَّ الْاِنْسَانَ لِرَبِّهِۦ لَكَنَّاٰفٍ

از حد و گذشته پس گناه نیست بر دوسه دل هر آینه خدا آمرزنده مهربان است و هر آینه کسایتی که می پرستد
از حد تجاوز گذشته پس گناه نیست بر آن هر آینه خدا انعام بخشنده و مهربان است و هر آینه که از حد تجاوز

مَا أَزَلَّ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَلَشِدَّوْنَ بِهِ تَبَتُّلًا لِّأُولِي الْأَلْبَانِ

آن چنانچه

ما يابكون في يومئذ الا النار اولئك هم القوم

در شکم ہائے خود مگر آتش را و من گوید بایشان خدا روز قیامت و

[illegible]

نیک انداختن را و ایشان راست عذاب دند سنده ایشان آمانه خرید کردند

آن کرد و آنان که خریدند

کرامی را غرض هدایت و عذاب را غرض آمرزش پس چه شکیا ابتدایان

بر غرض بدایت و غذا بادا بر غرض آمزش پس چه چیز شکلیا گردانید

۵) دیکھو ان اللہ کی کتاب بالحق وان الدین
 این ہمہ بسبب آہستہ کہ خدا فرود آورد کتاب را براستی و ہر آئینہ آنانکہ

شماره ۱۰۰۰

حقوقی الیتب پی شتقای بعید ۹ لیس الیزان نوکوا
 قتاف کردند دران کتاب هر ۱ نیمه در مجالفت دوراند از صواب نیست نوکاری آنکه شوم کند

مطالع نمودن در کتاب هر آینه در مخالفت دور از مقصد نیست تنها مگر آنکه که بگوید دانند

جوہدکم قبل المشرق والمغرب ولین الیمن امن

ای خویشتن را جانب مشرق و مغرب و لیکن (بینی عظیم شیخی کیست) که ایمان آورد

میزند تمام این حیوانات مردود و حرام است مگر ماهی و بلخ که حکم حدیث مستثنی و حلال است.

من مومن جفا او اشرفا فاصبح بينهم فلا اثم عليه ان الله غفور رحيم
 از وصیت کننده طاعت یا گناه پس صلوات آورد بر میان ایشان پس هیچ گناه نیست بر کسی که از این خدا آمرزنده
 از وصیت کننده طاعت یا گناه پس صلوات آورد بر میان ایشان پس هیچ گناه نیست بر کسی که از این خدا آمرزنده
 رزیه ۱ یا ایها الذین امنوا کتب علیکم الصيام کما کتب علی الذین
 مهربان است خدا که اینک ایمان آوردند لازم کرده شد بر شما روزه داشتن چنانچه از او کرده شد بر کسی
 من قبلکم لعلکم تتقون ۱ ایها الممعدودت فمن کان منکم
 پیش از شما بودند یا باشد که بر تفرگاری بنهد روزه داشتن روز چند نموده شده پس هر که باشد از شما
 مریضا و علی سفر فعدة من ايام اخر و علی الذین یطيقونه
 بیمار یا مسافر پس لازم است بر او شمار آن از روز بای دیگر و بر کسی که طاقت دارد روزه را
 فدية طعام مسکین فمن نطو عر خیر او فخر خیر له وان تصوموا
 فدیة آن که عبادت از خوراک یک درویش است پس هر که بجای آورد بیای این بهتر است و اگر روزی دارد
 خیرکم ان کنتم تعلمون ۲ شهر رمضان الذی انزل فیہ
 بهتر است بشما اگر شما از او اهل علمید ماه رمضان آن است که فرود آورده شده در دین
 القرآن هدی للناس و بینه من الهدى والفرکان ۳ فمن شها
 قرآن راه نمانی بر ما و میان و میانان روغن از بیدایت و از جدا کردن حق باطل پس هر که در یاد
 منکم الشهر فلیکمه طوم من کان مریضا و علی سفر فعدة من
 از شما آن ماه را پس البقره روزه دارد آن را و بر کسی که بیمار باشد یا مسافر پس بر او لازم است شمار آنچه کوفت شده
 ایام اخر ید الله بکم الیسر ولا یسر بکم العسر و یثقلکم
 روزی بای دیگر میخاهد خدا بشارتی و نمیخواهد بشارت دشواری و بی خواهد که شما را بکشد
 العدة و لیسکبر الله علی ما هداکم و لعلکم تشکرون ۴ و اذا
 شمار داد به بزرگی یاد کند خدا را بشکر آنچه هدایت نمود و تا شما شکر کنید و متذکر می که
 سالك عبادی عني فاني قريب ط احيب دعوة الداع اذا دعان
 اسفندار کند تر از بندگان من از حال من پس بر آید من نزدیک ام قبول می کند دعا کننده و عباد دعا کننده
 فیسب حیو الی و لیو من الی لعلهم یسربون ۵ احل لکم لیلته
 پس باید که در آن پروازی کند بر ما من و باید که بجز در آن تابا نشد که راه ما بماند حلال کرده شد برای شما در شب
 الصيام الرکعت الی نسا لکم هن لیاس لکم و انتم لیاس لهن
 روزه نماز رکعت از نسا لکم هن لیاس لکم و انتم لیاس لهن
 روزه نماز رکعت از نسا لکم هن لیاس لکم و انتم لیاس لهن

من مومن جفا او اشرفا فاصبح بينهم فلا اثم عليه ان الله غفور رحيم
 از وصیت کننده طاعت یا گناه پس صلوات آورد بر میان ایشان پس هیچ گناه نیست بر کسی که از این خدا آمرزنده
 از وصیت کننده طاعت یا گناه پس صلوات آورد بر میان ایشان پس هیچ گناه نیست بر کسی که از این خدا آمرزنده
 رزیه ۱ یا ایها الذین امنوا کتب علیکم الصيام کما کتب علی الذین
 مهربان است خدا که اینک ایمان آوردند لازم کرده شد بر شما روزه داشتن چنانچه از او کرده شد بر کسی
 من قبلکم لعلکم تتقون ۱ ایها الممعدودت فمن کان منکم
 پیش از شما بودند یا باشد که بر تفرگاری بنهد روزه داشتن روز چند نموده شده پس هر که باشد از شما
 مریضا و علی سفر فعدة من ايام اخر و علی الذین یطيقونه
 بیمار یا مسافر پس لازم است بر او شمار آن از روز بای دیگر و بر کسی که طاقت دارد روزه را
 فدية طعام مسکین فمن نطو عر خیر او فخر خیر له وان تصوموا
 فدیة آن که عبادت از خوراک یک درویش است پس هر که بجای آورد بیای این بهتر است و اگر روزی دارد
 خیرکم ان کنتم تعلمون ۲ شهر رمضان الذی انزل فیہ
 بهتر است بشما اگر شما از او اهل علمید ماه رمضان آن است که فرود آورده شده در دین
 القرآن هدی للناس و بینه من الهدى والفرکان ۳ فمن شها
 قرآن راه نمانی بر ما و میان و میانان روغن از بیدایت و از جدا کردن حق باطل پس هر که در یاد
 منکم الشهر فلیکمه طوم من کان مریضا و علی سفر فعدة من
 از شما آن ماه را پس البقره روزه دارد آن را و بر کسی که بیمار باشد یا مسافر پس بر او لازم است شمار آنچه کوفت شده
 ایام اخر ید الله بکم الیسر ولا یسر بکم العسر و یثقلکم
 روزی بای دیگر میخاهد خدا بشارتی و نمیخواهد بشارت دشواری و بی خواهد که شما را بکشد
 العدة و لیسکبر الله علی ما هداکم و لعلکم تشکرون ۴ و اذا
 شمار داد به بزرگی یاد کند خدا را بشکر آنچه هدایت نمود و تا شما شکر کنید و متذکر می که
 سالك عبادی عني فاني قريب ط احيب دعوة الداع اذا دعان
 اسفندار کند تر از بندگان من از حال من پس بر آید من نزدیک ام قبول می کند دعا کننده و عباد دعا کننده
 فیسب حیو الی و لیو من الی لعلهم یسربون ۵ احل لکم لیلته
 پس باید که در آن پروازی کند بر ما من و باید که بجز در آن تابا نشد که راه ما بماند حلال کرده شد برای شما در شب
 الصيام الرکعت الی نسا لکم هن لیاس لکم و انتم لیاس لهن
 روزه نماز رکعت از نسا لکم هن لیاس لکم و انتم لیاس لهن
 روزه نماز رکعت از نسا لکم هن لیاس لکم و انتم لیاس لهن

بر حق احکام شرع و ما لم یجد بر وی گناهی نیست از آنکه تبدلات در وصیت جانشین افضل است.

صل منترجم گوید ظاهر
 نزدیک این نزد است
 که سوال کردند از اشهر
 چه که سوال دلیقه و
 روز از وی ایجاب شد
 که آماج معرفت است
 که آنها یانه و یکی از تحفه
 جالبیت آن بود که در
 حالت احرام از پاک
 دیوار گذشتن بخانه
 آمدند از راه دروازه
 نمی آمدند پس نازل
 شد این آیت ۱۲ و
 یعنی تا مردمان احرام
 می نهند در آنها ۱۲
 فتح الرحمن و یعنی
 و متعابد از قتل جانور
 است ۱۳
 تفسیر عثمانی
 عده چون در آیت
 اول ذکر می بود و
 این حکم نیز می بود
 است درین جا
 بیان شد بعضی
 علماء بر آنند که این
 مراد از کلمه اهل
 در این آیت ظاهر
 ماه بای می شود
 ذیقعه ده شب
 ذی الحجه است که
 احرام می در آن ماه
 می باشد مردم از
 حضرت پیغمبر صلی الله علیه
 و سلم پرسیدند که چه
 خاص در این ایام
 است یا در روزهای
 دیگر نیز می توان کرد
 خداوند جواب آنها
 گفت که برای ادای
 حج ماه بای چه مقدس
 و باین مناسبت گفت
 ادخال خانه پناه و
 اشای احرام ذکر کرده
 از این احکام واضح
 گردید که امر بای می
 از طرف خود نیک پنداشتن و از راه اهل دین قرار دادن مذموم بلکه منوع است چنانچه از این بدعت مذموم بودن بسیار چیزها معلوم میشود

عَلَّمَ اللَّهُ أَنْكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ

دانست خدا که شما حیانت می کردید در حق خویشانش پس مهربانی باز گشت بر شما و در گذشت از شما
 دانست خدا که شما خیانت می کردید با نفس خود پس توبه کرد و بخشید از شما

فَالَّذِينَ بَايَعُوا هُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّىٰ

پس ای کسانی که می پادشاهت کنید با زنان و طلب کنید آنچه مقدور کرده است خدا برای شما یعنی اولاد و بخورید و بنوشید تا آنکه
 پس اکنون می پادشاهت کنید با زنان و بخواهید آنچه مقدور کرده خدا بشارت فرزند و بخورید و بنوشید

يَتَبَيَّنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُوا

روشن شود بر آینه شمارشته سفید از رشته سیاه مراد از رشته سفید بر است پس از آن مقام گنبد
 آشکار شود بشما تار سفید از تار سیاه از هیچ باز تمام کنید

الصَّيَامَ إِلَى الْكَيْلِ وَلَا تَبَايَعُوا هُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسْجِدِ

روزه را تا شب و مناسبت نکنید زنان را در حالیکه معتکف باشید در مسجد یا
 روزه را تا از اول شب و مکلفید می پادشاهت با زنان در حالیکه معتکف باشید در مسجد

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ

این با منیات خداست پس نزدیک نشوید با آنها همچنین بیان می کند خدا آیت های خود را برای مردمان
 این حدود که برای احکام معین شده حدود خداست پس نزدیک نشوید آنرا این چنین بیان می کند خدا آیت های خود را مردم

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتَذْكُرُوا

تا یاد میز گاری کنید و بخورید اموال خویش را بباطل و مرسانید
 شاید ایشان بهر میزند و بخورید مال بای یک دیگرشان را در بین خود بباطل و مرسانید

بِأَمْوَالِكُمْ لَكُمْ لَكُمْ لَكُمْ لَكُمْ لَكُمْ لَكُمْ لَكُمْ لَكُمْ لَكُمْ لَكُمْ لَكُمْ

اموال خود را بکامان یعنی بر شوق تا بخورید پاره از اموال مردم
 آنرا به سوی حاکمان تا بخورید یک حصه از مال بای مردم بهر شوق و شام

تَعْلَمُونَ ۝ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ فِي الْبُيُوتِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحُجَّةِ

دانست می پرسند ترا از اهلها یعنی از شهرج بجوین با میعادند برای مردمان و برای حج
 می دانند می پرسند ترا از سبب اختلاف ماه با بگو این اوقات مقدور است برای مردم و برای حج

وَلَيْسَ الْبِرَّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ

و نیست نیکو کاری آنکه در آید در خانه ها در حالت احرام از پس پشت آنها و لیکن صاحب نیکو کاری آنست که بپوشد
 و نیست نیکو این که در آید در خانه با از پشت بای آن و لیکن نیکو آنست که سر از خدا بترسد

وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَقَاتِلُوا فِي

در آید در خانه از راه دروازه و خدا کنید از خدا تا تابان که شمار ستار شود و جنگ کنید در
 در آید در خانه با از دروازه بای آن و ترسید از خدا تا شما کامیاب شوید و جهاد جنگ کنید در

سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا وَلَهُنَّ أَمْوَالٌ لَكُم مِّنْ دُونِهَا

راه خدا با آنکه جنگ می کنند با شما و از حد گذارید بر آنچه خدا دوست میدارد از حد گذارند گان را
 راه خدا با آنکه جنگ می کنند با شما و از حد گذارید بر آنچه خدا دوست ندارد از حد گذارند گان را

وَأَقْتُلُوا هُم مِّنْ حَيْثُ تَقْعُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمْ وَالْقَتْلُ

و بکشید مشرکان را هر جا که بیایید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما یعنی از آنکه قتل و کشتن
 و بکشید ایشان را هر جا که بیایید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما را از دین با خدا دشمنان را

أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقْتُلُوا هُم عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يَقْتُلُواكُمْ

سخت تر است از قتل و کارزار نکنید با ایشان نزدیک مسجد حرام تا آنکه کارزار کنند با شما در آن جا
 سخت تر است از قتل و قتل نکنید با ایشان در نزد مسجد حرام تا جنگ کنند با شما در آن جا

وَأَقْتُلُوا هُم مِّنْ حَيْثُ تَقْعُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجَكُمْ وَالْقَتْلُ

و بکشید مشرکان را هر جا که بیایید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما یعنی از آنکه قتل و کشتن
 و بکشید ایشان را هر جا که بیایید ایشان را و بیرون کنید ایشان را از آنجا که بیرون کردند شما را از دین با خدا دشمنان را

فَانْتَدَوْهُمْ وَقَاتَلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ۝ فَاِنْ اِنْتَرَوْا فَاِنَّ اللَّهَ

پس اگر چنگ کند با شما پس باشد ایشان را این چنین است منزای کافران پس اگر باز آیند (پس) هر آینه خدا

سفره حیم ۴۷ و قتلوهم حتی لا تكون فتنة و يكون الدين لله
آرزنده مهر بان است و بکنجه با ایشان تا آنکه نابود شود شرک و خود دین محض بر آید خدا

فان انتهم فاعل وان

پس اگر نازداندند و پس نیست دست و دمازی سنگ بر سنگدان

عوض ماه

پس اگر باران نبارد و درین ایست مجاور مکر بر ستم گاران ماه حرام مقابل ماه

الْحَرَامُ وَالْحَرَمَاتُ قِصَاصٌ ۖ فَمَنْ عَتَدَىٰ عَلَيْكَ وَعَتَدَ عَلَيْكَ

حرام است و بزرگی با یا یک دیگر عوض می شود پس هر که تعدی کند بر ششاپس دست دراری کند بر وی
حرام است و حرمت با یا بحد گرسا ویند (پس) تعدی کند بر ششاپس (پس) تجاوز کند بر او

بِمِثْلِ مَا عَتَدَى عَلَيْكُمْ ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

بمانند آینه شادی کرده بر شما و بر سید از خدا و بدانند که هر آینه خدا با پر میز گاران است
و عدد کنید از خدا و بدانند که خدا با پر میز گاران است

وَابْعَثُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَاتَقْبَلُوا رِشْوَةً إِنَّهُ يَمْنَعُ الْفَصْلَ

وخرج كنهه و راه خدا و میفکند خود بارها در بلاک و تنوی کینه

ان الله يحب المتسقين
برای آنکه خدا دوست میدارد و تمام کینه رنج و غم را بر آنست خدا کس اگر با دامنش شوی و با دامنش

استیس من الهدی ولا تحلقوا عوسکم حتی یبلغ الهدی

بہل باشد از قربانی و متراشید سر بانی خود را تا آنکہ برسد قربانی
آسان باشد از دہ و متراشید سر باج تان را تا آنکہ رسد دہ

فَمِنْ كَانَ مِنْكُمْ قُرْبَىٰ أَوْ بِهٖ اِذِي مِّنْ سَرَّاسٍ فَفِيهِ مِّنْ

بجایش کت پس هر که باشد از شما بیمار یا دارار نمی باشد در هر ادک پس لازم است عوض آن از
بجایش کت پس هر که باشد از شما بیمار یا دارار نمی باشد از سرش پس لازم است بروی فدی از

صدیما و صدقہ او نسک فاذا امنتم فمیں تبتعہ بالعصرۃ الی حجرہ

یا خیرات یا هدیه پس چون این شند بد پس هر کس بفرستد یا بادی عرو تا وقت که چون بروی لازمست

سنتیستین المهدی ثمن کم یجد فی بام تله ایام فی حج و سید

وارجعوا اليك عشرة كاملة ذلك ليس لكم يمين اهله ماضى

فکر باز گردید از سفر این یک ده نام ست این حکم آن راست که بنامش دلیل و سست باشد
فکر باز گردید این ده روز کامل است این حکم برای کیست که بنامش اهل دی باشند

سجداً واحداً واتقوا الله واعلموا أن الله شديد العقاب ٥

سید حرام و سید از خدا و بدانید که خدا سخت عقوبت است و
سید حرام و سید از خدا و بدانید که هر آینه خدا سخت است عقوبت او

نایاب و بیشتن را در پلاک میقلند ترک جهاد و امساک مال بد راه آهن شمارا ضعیف و دوزخ بخت و دشمنان تان را نیز و مند و دیر می گردد

و لا یبغی از شرک ۱۲
 و حاصل این آیات
 آنست که در مسجد حرام
 و در شهر حرام اجزاء
 لقتال نباید کرد و چون
 کافران ابتدا کنند در
 مقابل ایشان باید
 جنگ کردن که این یعنی
 با بر مسرت مسجد و شهر
 نزاع نکرده چنانکه
 ابتدا انکشتن مسلمان
 در مسرت نیست و اگر
 خون ناحق ریخته باشد
 بقضا صحتوان کشتن
 و قضا با هر سبب لغز
 نکرده اندک انعامست
 جبر میان که هر چند که
 بود ولی نیست
 و الله اعلم ۱۳
 و این معنی صحیح ری
 حجة العبر کنند
 یعنی در عود از مسرت
 بین الصفاد اذو
 ندرغ شوند بلکه و الله
 اعلم ۱۴ شک نیست پیوسته
 بسیار داشتند و این
 سبب حق کند پیش از
 محل و الله اعلم ۱۵
 یعنی باور معنوی
 احرام بهره و شد ۱۶
 و در این آیت چند
 حکم مذکور شده است
 و جوابی شامع و
 عمره بعد از شروع و
 حکم احصاء و کفایت
 از تکلیف امور ممنوعه
 احرام نهند مرض و
 ناپیت قطع و وجوب
 قربانی بر متع و الله
 اعلم ۱۷
 تفسیر عثمانی
 ۲۸ و مطلب این
 است که احوال
 خویش را در
 اطاعت خدا وجه
 فی معیل الله و کبره

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ اللَّهُ عَلَى مَا فِي قُلُوبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ وَإِذَا

در باب زندگانی دنیا و گواهی آنکه خدا را بر آنچه در دل و پندش است و حق است و چون راست

در پاره زندگانی دنیا و گواهی آنکه خدا را بر آنچه در دل و پندش است و حق است و چون راست

تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ

پیدا کند بشارت در زمین تا بباری کند در آنجا و نابود سازد ذرات و

لَا يَجِبُ الْفَسَادُ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ

دوست ندارد تباہ کاری را و چون گفته شود او را خدایا از خدا ترس شو که بدش نگیرد و پس کفایت کننده و

جَهَنَّمَ وَلِبَاسٌ إِلَهُيَّادُ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ

دوزخ است و پیرایه و لباس است و از مردمان کسی هست که میفروشد خود را برای طلب

مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ دَعُوفٌ بِالْعِبَادِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا

رضای خدا و خدا مهربان است بر بندگان ای کسانی که ایمان آوردید

فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

در اسلام یک جا و در پیروی کنید تمام راههای شیطان را هر آینه او شما را دشمن آشکارا هست

فَإِنْ زِلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

پس اگر لغزش کنید بعد از آنکه رسیده بشما ابراهیم و محمد پس بدانید که خدا غالب

حَكِيمٌ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ وَ

و انست انتظار نمی کنند اهل عصیان مگر آنرا که بیاید بایشان خدا یعنی بگوید عذاب او در سایه ابرها

الْمَلِكَةِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ تَرْجِعُ الْأُمُورُ سَلِّبْنِي إِسْرَءِيلَ

فرستگان و با تمام رسانیده شود کار و بسوی خدا باز گردانیده شود کارها پس از بنی اسرائیل

كَمْ أَتَيْنَهُمُ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ

چقدر او را از آیه های آشکارا و روشن و هر که بدل کند نعمت خدا را پس از آنکه بیاید بپیش او نعمت و در پس هر آینه

اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ذُرِّيَّتٍ لِلَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنْ

خدا سخت است عقوبت او و زینت داده شده برای کسانی که کفر شدند زندگانی دنیا و میخندند

فصل یعنی در اصول
مختلف می شوند
فصل یعنی پیش از
آدم هر یک را
متفق بودند با یکدیگر
در دین و اختلاف
تا ششم ۱۲
نفس عثمانی
عنه الفت کافران
با احکام روشن الهی
و غیر آن و که در فوق
ذکر شده باین علت
است که محبت دنیا
میش و آسانی آن و
نظر بای آنها آنقدر
جای گرفته است که
در مقابل بدی و
آسانی آخرت اعتنا
نمی نمایند و بالعکس
بمسلمانان که با دای
و طبع خوشی و صرف
و به اندیشه آخرت مشغول
و در تعلیل احکام خدا
متفکرند و متذکرند
و مسلمانان را بخوار
و ذلیل می شمارند
پس اینگونه احقان
که بر دین بود
مستعدان بودند
حکام الهی را بجا
آورند و دمای مشرکین
بر وقت که بدانند عذاب
و نصیب و فقرای
مهاجرین رضای الله
عنهم را در حال بی
لوائی و تبذیرستی
مشاهده می کردند
می دیدند که در آن
بی لوائی و تبذیرستی
در راه حقیقت میگو
شد به آینه تسخیر
نگاه می کردند و می
گفتند این بی نشان
باید آخرت رنجها و
مصایب و دنیا را

بقرة
ساقول
م ۳۳
نزل
البقرة
فتح الرحمن
فصل یعنی در اصول
مختلف می شوند
فصل یعنی پیش از
آدم هر یک را
متفق بودند با یکدیگر
در دین و اختلاف
تا ششم ۱۲
نفس عثمانی
عنه الفت کافران
با احکام روشن الهی
و غیر آن و که در فوق
ذکر شده باین علت
است که محبت دنیا
میش و آسانی آن و
نظر بای آنها آنقدر
جای گرفته است که
در مقابل بدی و
آسانی آخرت اعتنا
نمی نمایند و بالعکس
بمسلمانان که با دای
و طبع خوشی و صرف
و به اندیشه آخرت مشغول
و در تعلیل احکام خدا
متفکرند و متذکرند
و مسلمانان را بخوار
و ذلیل می شمارند
پس اینگونه احقان
که بر دین بود
مستعدان بودند
حکام الهی را بجا
آورند و دمای مشرکین
بر وقت که بدانند عذاب
و نصیب و فقرای
مهاجرین رضای الله
عنهم را در حال بی
لوائی و تبذیرستی
مشاهده می کردند
می دیدند که در آن
بی لوائی و تبذیرستی
در راه حقیقت میگو
شد به آینه تسخیر
نگاه می کردند و می
گفتند این بی نشان
باید آخرت رنجها و
مصایب و دنیا را

فلما صرنا آت
که ستمه الشجاری
شده است با نیکو
بعثت هر سفامبر
امت دعوت اخلاف
و این میشود از این
تکلیف بناید شده الله
اعلم ۱۲ فلا یعنی
رجب ذی القعدة
ذی الحجه و محرم که
در تربیت حضرت
ابراهیم ۳ جنگ کردن
درین ماه حرام بود
پس سوال کرد که در
شریعت محمدیه حکم
محمد باقی ماند یا نه
والله اعلم ۱۳
تفسیر عثمانی
ع مراد از آن گویا
گمانی و شواهدی بر
فصل است نه آنکه در
تواریک مخالف حکمت
و صلحت پیدا شده
شود و مسلمانان را
اسباب افرودگی لغت
گردد و در این امر انزای
فیت زندگی در نگاه
انسان طبع گوارا و
عزیز است و ازین جهت
قتال در نظری و شواهد
و صعب می باشد و حد
یعنی هر چه بر شاد حق
نوشن نافع یا مضر
می پندارید حقیقت
چنان فیما بین است با
چیز است که شایع است
زبان خویش می
پندارید حقیقت
مناوشای باشد و آنچه
را شایعانه تصور میکنید
زبان شما و آن است
شما می پندارید و در
جبهه ضرر مالی و جانی
است و در ترک جبهه
برود و این می ماند
شما نمی اندیشید که در راه
درد نیاید و فواید عظیم

فبشیرین ومنذرين وانزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس
بشارت دهنده و بیم کننده و نازل آورد بایشان کتاب براسستی تا حکم کند آن کتاب میان مردمان
بشارت دهندگان و ترسانندگان و فرستاد بایشان کتاب را براسستی تا حکم کند میان مردمان
فما اختلفوا فيه وما اختلف فيه الا الذين اوتوه من بعد ما
در آنچه اختلاف کردند در آن و اختلاف نکردند در آن مگر کسانی که داده شد بایشان کتاب یعنی امت و دعوت بعد از آنکه
در آنچه که اختلاف کردند در آن و اختلاف نکردند در آن مگر کسانی که داده شد بایشان کتاب یعنی امت و دعوت بعد از آنکه
جاءتهم بالبينات بغيا بينهم فهدى الله الذين امنوا لما اختلفوا فيه
بایشان نشانیها از جهت حسد در میان خویش پس راه نمود خدا مومنان را تا حق که اختلاف کردند
بایشان را محبت با هم روشن از جهت حسد در میان ایشان پس راه نمود خدا مسلمانان را که ایمان آوردند به چیزهای حق که در میان
من الحق بدينه والله يهدي من يشاء الى صراط مستقيم ام
در دین بار داده خود و خدا راه می نماید کسی را که خواهد پس بر سر راه راست است و
الحق بار داده او و الله راه می نماید کسی را که خواهد پس بر سر راه راست است و
حسبكم ان تدخلوا الجنة ولما ياتكم مثل الذين خلوا من قبلكم
پنداشتید اے مردمان که در آنچه بهشت حال آنکه هنوز پیش نبوده است شما را حالت آن که پیش از شما
می پندارید که می در آید در بهشت حال آنکه هنوز پیش نیامده شما را حالت آن که گذشت پیش از شما
مستهم النساء والضراء وزلوا حتى يقول الرسول والذين امنوا
و رسید بایشان سستی و محنت و جفا پندیده شدند تا آنکه میگفت پیغمبر و کسانی که ایمان آوردند
رسید بایشان سستی و محنت و جفا پندیده شدند تا آنکه میگفت پیغمبر و کسانی که ایمان آوردند
معه متى نصر الله الا ان نصر الله قريب يسئلونك ماذا ينفقون
با دمی که باشد یاری دادن خدا آگاه شود بر آنچه خداوند یاری دادن خدا نزدیک است سوال میکنند که کدام نوعا خرج کردن
یاری که می آید مدد خدا آگاه شود بر آنچه خداوند یاری دادن خدا نزدیک است سوال میکنند که کدام نوعا خرج کردن
قل ما انفقتم من خير فلول الدين والاقر بين واليتيم والسكين
بگو آنچه خرج کردید از مال پس باور و پدر را بید و خویش و ندان و یتیمان و دور و ایشان و
بگو آنچه خرج کردید از مال پس باور و پدر را بید و خویش و ندان و یتیمان و دور و ایشان و
ابن السبيل وما تفعلوا من خير فان الله به عليم كتب عليكم
مسافران را و آنچه کنید از نیکی پس بر آنچه خدا بپس دانا است لازم کرده شد بر شما
مسافران را و آنچه کنید از نیکی پس بر آنچه خدا بپس دانا است لازم کرده شد بر شما
القتال وهو كسر الكمر وعسى ان تکرهوا شيئا وهو خير لكم وعسى ان
جنگ و آن دشوار است شما را و شاید که نپسندید چیزی را و حال آنکه و سبب بهتر باشد شما را و شاید که
جهاو و آن ناگوار است برای شما و شاید که نپسندید چیزی را و حال آنکه و سبب بهتر باشد شما را و شاید که
تجبروا شيئا وهو شر لكم والله يعلم وانتم لا تعلمون يسئلونك
دوست دارد به چیزی را و حال آنکه و سبب بد باشد شما را و خدا میداند و شما نمی دانید و سبب بد باشد شما را و خدا میداند و شما نمی دانید
دوست دارد به چیزی را و حال آنکه و سبب بد باشد شما را و خدا میداند و شما نمی دانید و سبب بد باشد شما را و خدا میداند و شما نمی دانید
عن الله الحرام قتال فيه قل قتال فيه كبير وصد
از راه حرام از جنگ کردن در آن و بگو جنگ کردن در دین و سبب بزرگ است و باز داداشن
از راه حرام از جنگ کردن در آن و بگو جنگ کردن در دین و سبب بزرگ است و باز داداشن
عن سبيل الله وكفر به والمسجد الحرام واخراج اهله
از راه خدا و کفر بپس و باز داداشن از مسجد حرام و بیرون کردن اهل این مسجد
از راه خدا و کفر بپس و باز داداشن از مسجد حرام و بیرون کردن اهل این مسجد
از راه خدا و کفر بپس و باز داداشن از مسجد حرام و بیرون کردن اهل این مسجد

فان لم يكن منكم من
 ش ۱۳ یعنی با
 شوهران دیگر که با ایشان
 رغبت پیدا کرده اند
 تفسیر عثمانی
 مع نزول را شوهرش
 یک یا دو مرتبه طلاق
 داده و در
 مدت رجوع
 نگزیده بود
 زانی که مدت باجماع
 رسید شوهر سابق را
 نیز باید حال دیگر بیاورد
 نکاح داد و زن با او
 راضی شده اما مردش
 برافروخته گردیده از
 نکاح بازداشت باز
 آن این حکم تازل
 گردید که رضای شوهر
 زن را رعایت نمایند
 و موافق رضای او
 نکاح کنند و در بین
 معاطعت و عدم رجوع
 خود را داخل نگذارند
 این حقایق عمومی
 است باز دارندگان
 نکاح خواه شوهر طلاق
 دهنده زن باشند که
 زن را از نکاح دیگری
 بازدارد یا دلی یا دوا
 زن یا شهادت از آن نکاح
 لغو کند یا شوهر اول یا
 دیگری منع نماید این
 حکم برای ممانعت تمام
 آنها فرود آمده یعنی اگر
 کدام امری ممانعت
 قاعده باشد مثلاً
 زن از کسی که شوهر
 کند که او نباشد
 یا در ایام علقه شوهر
 اول یا زنی که نکاحی
 نماید پیش از ممانعت
 حق از آن مقتضای
 کلام با معروف بین
 امت ۵۰۰ احکام
 ذکرش تمام است و این
 از آن پندی که در این بیان

فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ ۖ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا ۚ وَدَكَّرُوا ۚ وَانْعَمْتَ اللَّهُ
 پس بر آینه ستم کرده بر خود و بگریه آیتهای خدا را
 پس بر آینه ستم کرده بر خودش و بگریه
 احکام الله را مسخره و دو گنبد
 نعت الله را
 عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ الْعِزَّةِ لِيُظَاهِرَ فِيهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ
 بر خویش و آنچه فرو آورده بر شما از کتاب و علم
 که بر شماست و آنچه فرو فرستاد بر شما از کتاب و علم که پندی در شمار آن و بترسید از الله
 وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۚ وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلْيُفْلِحْنَ
 و بدانید که خدا بهر چیز داناست و چون طلاق دادید زنان را پس رسیدند
 و بدانید که هر آینه الله بهر چیز داناست و چنانکه طلاق دادید زنان را (پس رسیدند)
 إِذَا تَرَائِيَهُنَّ إِذَا تَرَائِيَهُنَّ إِذَا تَرَائِيَهُنَّ إِذَا تَرَائِيَهُنَّ إِذَا تَرَائِيَهُنَّ
 ایضا خود را پس منع کنید ایشان را از آنکه نکاح کنند با شوهران خویش و قنیکه را با یک دیگر راضی شدند
 به طهارت مدت شان (پس) منع کنید ایشان را که نکاح کنند شوهران شان را و قنیکه را راضی باشند و میان خود
 بِالْمَعْرُوفِ ۚ وَفِي ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
 در میان خویش بر دوش پسندیده این حکم پند داده میشود بآن هر کسی را که مؤمن باشد از شما بخدا و روز
 حوالی بخستور (بوجه پسندیده) علم این پند داده می شود به آنکه (باشد) از شما ایمان دارد به الله و روز
 الْآخِرِ ۚ ذَلِكُمْ أَنْتُمْ لَكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَعْمَلُونَ ۚ
 قیامت و این کار خوشتر است شمارا و پاینده تر و خدای دانند و شما نمیدانید
 قیامت علم این کار نافع تر است بشما و پاینده تر و اطاعت می دانند و شما نمیدانید
 وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ ۚ مِنْ أَرْدَانِ ۚ
 و مادران باید که شیر دهند فرزندان خویش را دو سال تمام این علم آن راست که خواهد تمام کردن
 و مادران شیر دهند فرزندان شان را دو سال کامل برای کسی که خواهد تمام کند
 الرِّضَاعُ ۚ وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ
 مدت شیر دهنده و بر کسی که فرزند زاده شده برای او یعنی برای پدر طعام زن و لباس زن و وضع است موافق قاعده رایج
 مدت شیر دادن را و بر کسی که فرزند زاده شده برای او یعنی برای پدر طعام زن و لباس زن و وضع است موافق قاعده رایج
 كَفَّ نَفْسَ الْأَوْسَعِ ۚ لَا تَضَارُّ وَالِدَةً يُولَدُهَا وَلَا مَوْلُودَ لَهُ
 کرده می شود و بزرگ کسی را قادر توانایی او در هیچ نیاید داد مادر را بسبب فرزند دهنده و نه پدر را
 کفایت داده نمی شود کسی را بزرگ قدر توانایی او در هیچ نیاید داد مادر را بسبب فرزند دهنده و نه پدر را
 يُولَدُهَا وَلَا مَوْلُودَ لَهُ ۚ وَ عَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ ۚ فَإِنْ أَرَادَ فِصَا لَا عَنْ
 بسبب فرزند دهنده و لازم است برومی مانند این پس اگر خواهد مادر پدر از شیر باز کردن حتی پیش از دو سال بعد
 بسبب فرزندش و بر وارث است مانند این پس اگر مادر پدر خواستند جدا فی طفل را از شیر دو سال بعد
 نَرَا ضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوَرَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا ۚ وَإِنْ أَرَدْتُمُ أَنْ
 رخصت می نمایند یکدیگر و مشورت کردن با یکدیگر پس هیچ گناه نیست بر ایشان اگر خواستند که
 از رخصتی با هم و اگر مشوره کردن با هم و اگر پس نیست هیچ گناهی بر آن و اگر خواستند که
 تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا اتَّيْتُمُ
 دایه بگیرید برای فرزندان خویش پس هیچ گناه نیست بر شما چون تمام تسلیم نمودهید آنچه دادش مقرر گردید
 دایه بگیرید جهت شیر دادن فرزندان خود پس نیست هیچ گناهی بر شما چون تسلیم نمودهید آنچه مقرر گردید و دادن آنرا
 بِالْمَعْرُوفِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۚ
 بر خویش خوئی و بترسید از خدا و بدانید که خدا با آنچه می کنید بیناست
 بر خویش خوئی و بترسید از الله و بدانید که سر آینه الله به آنچه می کنید بیناست

از آن پندی که در این بیان است و یکی اختصاص ندارد از این اختصاص مومنان غنا سرزشت و حقیر و بیکسان

عنه چون روشن شد
که حیات و دارائی شما
بهمه قدرت خدا
مستغنیست بر شماست
که در راه خدا در راه
دین با کافران جنگید
آگاه باشید خدا
مستغنیست از شماست
نیات و ارادت آنها
آگاه است در راه خدا
آنها را بدین گنبد
از بیخوابی و تنبلی
بیدار کند و ایشان
بهمه قدرت خداست
و همه بسوی او باز می
گردند و قرض حیات
که قرض و نهاده تقاضا
نکند و بقرض دار است
نگاه دارند و عظم نشاند
و بطون را حجت قرار
دهد این جا بجا قرض حیات
دادن در جهاد و صرف
نمودن و در عین جان
دلی نوابان صدق و حق
است عدل از این
قدر ثابت میگردد که بسط
و تعین فراخی و نه دش
در قدرت خدا است یعنی
تنها او توانمند است و این
شایسته و پادشاهی
راست و اگر اندانایان
را قوت دهد و اقویا
را بجهاد سازد و
بهر از حضرت موسی
مدتی کار بی اسرائیل
منظم بود چون نیت آنها
و از گونه شد جلالت نام
پادشاه کافری بران با
سلطه گردید و آنها را
از شیر بریدن کرد تا طاعت
نمود اسرائیل و غلام
گردانید یعنی اسرائیل
عزیزند و به بیت المقدس
فرام آید و در آن وقت
حضرت موسی علیه السلام

يَقْرِضُ اللَّهُ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَعِفُهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْرِضُ
دام دهد خدا دام دادن نیک پس دو چند سازد خدا آن مال را برای او و مراتب بسیار و خدا نیک بخشد
قَرْضًا دُونَ الْفَرْصِ نِيكَوْهُ وَوَجَدَ مِنْهُمْ مَنْ يُؤْتِيهِمْ مِنْ دُونِ الْفَرْصِ
قرض دهنده اند از فرسخ نیکو پس و چندی که گردانند از برای او و مراتب بسیار و خدا نیک بخشد
وَيَبْصُرُ وَآيَاتِهِ تَرْجَعُونَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَكِ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ مِنْ
و مشاهده می کند روزی را و بسوی او باز گردانیده شود آیات پدید می آید از برای او و مراتب بسیار و خدا نیک بخشد
وَمُوسَى إِذْ قَالَ لِلَّهِ رَبِّي ارْحَمْنِي رَجَعْتُ وَإِلَىٰ رَبِّي أَنَا
و موسی که گفت ای خداوند منم برگردان مرا و به سوی منم برگردان و به سوی منم برگردان و به سوی منم برگردان
بَعْدَ مُوسَى إِذْ قَالَ لِلَّهِ رَبِّي ارْحَمْنِي رَجَعْتُ وَإِلَىٰ رَبِّي أَنَا
بعد از موسی که گفت ای خداوند منم برگردان مرا و به سوی منم برگردان و به سوی منم برگردان و به سوی منم برگردان
اللَّهُ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا
خدا گفت ای موسی آیا تو می توانی از منم برگردان مرا و به سوی منم برگردان و به سوی منم برگردان و به سوی منم برگردان
وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أَخْرَجَنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَاءِنَا
و ما را که که جنگ کنیم در راه خدا و چه تحقیق بیرون کرده شدیم از خانه های ما و پسران ما
فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ هُمْ وَاللَّهُ عَالِمُ
پس آنگاه که واجب کرده شد بر ایشان جنگ رو گردانیدند مگر اندکی از ایشان و خدا دانایان است
بِالظَّالِمِينَ ۝ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ
و گفت مرا ایشان را پیغمبر ایشان هر آینه خدا پادشاه مقرر کرده است بر شما
طَاوُتَ مَلِكًا قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ
طاووت را گفتند چگونه باشد او را پادشاهی بر ما حال آنکه ما
أَحْسَنُ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ
مرا در از توکم پادشاهی از وی داده شده است و دیرا فراخی از مال گفت هر آینه
اللَّهُ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ
خدا برگزیده است او را بر شما و داده است او را فراخی در دانش و اخلاقی در بدن
وَاللَّهُ يُعَلِّمُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ وَقَالَ
و خدا می بخشد پادشاهی خود را به هر که خواهد و خدا بخواد بسیار دانایان است و
أَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ
گفت ایشان را پیغمبر ایشان هر آینه نشانی پادشاهی او آنست که بیاید بشما صندوق که
فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَى
در آن آرام و است از پروردگار شما و باقی مانده از اسباب آل موسی
يَخْرُجُ بَنِي إِسْرَءِيلَ لِيُخْبِتُوا فِيهَا وَنَحْنُ بِمَا عَمِلُوا قَادِرُونَ عَلَىٰ
باز می آید بنی اسرائیل که بفرستند در آنجا و ما بر آنچه کرده اند قادریم

پیغمبر موسی علیه السلام گفت پادشاهی بر ما مقرر کن تا با وی اتفاق کرده در راه خدا جهاد نمایم

وَالْمُشْرِكُونَ حَمَلُهُ الْمَلِكَةُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّكُمْ إِن كُنْتُمْ

د آڼ بارون	برمیدرند. ولفرشتگان	پراخته در این صورت نشاء است شمارا	اکبر باور
د آڼ بارون	برمیدرند. ولفرشتگان	پراخته در این صورت نشاء است شمارا	اکبر باور

مُؤْمِنِينَ ٦ فَلْيَا فُصِّلْ كَلَامُ لُوطٍ بِالْجَنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ

در اندیشه این پسر جوان، زمین، غایت و غایت است. یا گفت: هر آینه خدا آفرینش کننده است. شاعر

بَنِي إِسْرَءِيلَ فَمَنْ يَنْتَهِ بِمَنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي ۚ وَمَنْ لَّمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي

پس هر که نباشد ازاں جوی پس نیست ازاں من و هر که نباشد آن را پس اواز آن من است

الْأَمَنَ اغْتَرَفَ غُرْفًا بَيْنَهُ قَسَمَ بَوَامِنَهُ الْإِقْبِلَا مِنْهُمْ فَلَبَّ

الا آخر بردار و یک کف آب بدست خود پس آشامی و ند ازاں جوی مگر اندکے از ایشان پس انکاه

جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ۗ

گذشتند از چوئے طاعت و دوستان همراه اد گفتند نوشیدگان نیست توانائی ما را امروز

مَحَالُوتٌ وَجَنُودُهُ طَقَالُ الَّذِينَ يَطْمُنُونَ أَنَّهُمْ مَدْلُوقٌ بِاللَّهِ لَا كَمِ

بقابل محالوت و فکر بانی اد کفتم آنگاه می دانستند که ایشان ملاقات خواهند کرد با خدا ایسا

مقابلہ جلاوت و شکر ہائے او گفتہ آنادر می دانستند کہ ایشان ملاقات خواهند کرد و با خدا بسا
مقابلہ جلاوت و شکر ہائے او گفتہ آنادر می دانند ہر آئینہ ایشان ملاقات کنندگان اندہ اللہ بسا

مِنْ فَعَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فَعَةٌ كَثِيرٌ بِمَا ذَرَأَ اللَّهُ ط وَ

از طرف اندک که غالب می شود جماعت بسیار را بچشم الله و الله براه

الصَّابِرِينَ ۝ وَلِابْرَارٍ وَالْحَالِاتِ وَجَنَّةٍ ۝

الصَّابِرِينَ ۝ وَلِئَابِرِزْوَ الْجَالُوتَ وَجُنُودَهُ ۝ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ

مصابران است و چون ظاهر شد مقابل جلاوت و لشکر بایش گشتند ای پرو و در کار ما بر تیر

صبر است و چون ظاهر شد مقابل جانوت و شکایتش گفتندی پروردگار ما برین

عليها صبراً وحيث أمنا والصبرنا على القوم الذين

براشکیبانی
براشکیبانی

وہ سوار اور قدم پائے مارا و ۱۳۲۵ مارا بر آوردہ کاغذ

فمن مومهم يا ذن الله وقتل داود جالوت واتته الله الممرك

پس شکست دادند آن کفار را بویوش جدا و گفت داود
پس شکستد مومنان جالوت و کش را بجنگ البکر و کش داود حارث بن ابی رافع

پس کشف نمودن جالوت و فتحش را بحکم الله و کشت داود جالوت را داود با داورا الهی پادشاهی

وَالْحِلْمَةُ وَعِلْمُهُ وَمَا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ

وَالْحَمْدُ لَهُ وَعَلَيْهِ فَبَيَّضَ طَوْبَهُ لَا دَفَعَ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُم

و با موافقت او را از اینجی میخواست و اگر منی بود و در کمدون اندر مود را بعضی شانرا

بِبَعْضِ لَفْسِدِ الْأَرْضِ وَلَكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ (٣)

بدست گردے ہر اکینہ تیرا شہدے زمین : لیکن خدا صاحب بخشایش است بر عالمیہا

بر بعضی بر آینه تباه می شد ملک (زمین) و لیکن الله بسیار مهربان است بر عالمیان ع

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْزِيلُهَا عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدٌ

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ تَنْزِيلُهَا عَلَيْكَ يَا حَقُّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٧٧﴾

این آیت بای اله است میخوانم آنرا بر تو براسی و هر آنچه که تو به تحقیق از رسولان

این آیت بای اله است بخوانم آنرا بر تو براسی و بر آینه گوید تحقیق از رسولان می

سرکار عالی امداد و اعانت بفرستد. امید که جهاد همیشه ہماری بوده و در آن رحمت و احسان بزرگ

لَكِنْ لِيُطْمَئِنُّ قُلُوبُكُمْ قَالَ فَخُذُوا رِجْعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكُمْ ثُمَّ اجْعَلُوا

ببین می نازم که آمد برود دل من دل گفت خدا پس یک چهار تن از پند چون پس بهم آورید هر نزدیک خود بعد از آن بگذرد
یعنی می خواهم که آرام گردد دل من گفت پس یک چهار تن از پند گان را پس بهم آور آنها را نزدیک خود پس بگذرد

عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءٌ مِّمَّا دَعَمْتُمْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اللَّهُ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ

بر هر کوه پاره از ایشان بعد از آن خدا کن ایشان را البته بیاید پیش توشتان و بدانید که خدا
بر هر کوه از ایشان یک پاره پس بخوان ایشان را می آیند نزد توشتان و بدانید که خدا

عَزِيزٌ حَكِيمٌ مِّثْلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمِثْلِ

غالب و حکمت است مثالی آنکه خرج می کنند اموال خود را در راه خدا مانند
غالب و حکمت است مثالی آنکه خرج می کنند اموالشان را در راه خدا مثالی

حَبَّةٍ أُنْبِتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَعِفُ

صفت بی دانه است که برویاند هفت خوشه را در هر خوشه صد دانه است و خدا دو چندی دهد
یک دانه است که برویاند هفت خوشه را در هر خوشه صد دانه و الله مضاعفی کند

لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي

برای کسی که خواهد و خدا بسیار بخشنده و داناست آنکه خرج می کنند اموال خود را در
برای کسی که خواهد و خدا بسیار بخشنده و داناست کسی که خرج می کنند اموالشان را در

سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يَتَّبِعُونَ مَأْنَفَقًا مِّنْهُمَا وَلَا أَذَى لَّهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ

راه خدا باز از پس آن اتفاق نمی آید منت نهادن راه و نه پندار ساینده را ایشان راست در ایشان نزدیک
پس از برای می آیند آن چیزی را که نفقه کرده اند متقی و نه آزاری می ایشان راست ثواب ایشان نزد

رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ

پندار و گوارش و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان اندوه بگیرند سخن عالم گفتن و هرگز نشستن و
پندار و گوارش و نیست ترس بر ایشان و نه ایشان غم گیرند سخن نیک بر زبانی گفتن و هرگز نشستن

خَلِمْ مِنْ صَدَقَةٍ يَّتْبِعُهَا أَذَى وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

بهر است از آن خیرات که از پس آن آزرده کردن باشد و خدا بی نیاز بر داری است ای
بهر است از آن خیرات که در پی باشد آزار آوری و خدا بی نیاز پس مقل است ای

أَمْوَالًا تَبْطُلُوا بِهَا نَفْسًا وَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ

بهرمان تمام کند خیرات خود را نکند نهادن و آزرده کردن آنچه کسی که خرج می کند مال خود را
بهرمان تمام کند خیرات خود را بر منت و آزار مانند آنچه خرج می کند مال خود را

رَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمِثْلِ صَفْوَانٍ

برای نون مردمان و ایمان ندارد بخدا و روز قیامت پس صفت او مانند صفت سنگ صاف است
برای نون مردمان و ایمان نمی آورد و الله روز قیامت عه (پس) امثال آن چون مثال سنگ صاف است

عَلَيْهِ رَبُّكَ فَاصْبِرْ وَأَبْلُ فَتَرَكَهٗ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ فِيمَا

بر روی او اندک خاک پس رسد بوی باران عظیم پس گذاشت او را سخت و صاف مانده توانائی ندارد برای ریا بر چسبیدن آنچه
که بر او اندک خاک (پس) برسد او را بارانی شدید پس بگذارد او را صاف را از گرد خاک قدرت نمی یابند برای چسبیدن آنچه

كَسْبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ وَمِثْلُ الَّذِينَ يَنْفِقُونَ

علی کردند و خدا راه نمی نماید گروه کافران را و صفت آنکه خرج می کنند
علی کردند و خدا راه نمی نماید گروه کافران را و صفت آنکه خرج می کنند

أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمِثْلِ جَنَّةٍ بَّيْرُوتَ

باها خوش را از جهت طلب رضا مندی خدا و بسبب اعتقاد ناست از دل خویش مانند صفت با نیست مکان بلند
و بهر شان از برای طلب رضای خدا و برای قیامت و یقین که صادر شد از نفس های شان چنانست مانند باغی در یک بلندی

ولی یعنی بین یقین
نیوایم و الله اعلم
و از برای ادبی سائل
و از برای گوید حاصل
این مثل آنست که
علی منان و مرقی در
و دنیا را بایک عمل
است در آخرت
سم جلد میشود و هیچ
نماند نمیدهد چنانکه
بر سنگ خاک افتاده
باشد و باطن چنان
می نماید که قابل زراعت
است و چون باران
بارد و شود و الله اعلم
تفسیر عثمان
عنه و انشائی حدیث
میخواهیم را آید و
و بر آنها منت گذشتن
ثواب صدق را از این
می کند و چنین کسی که
بدر گران نمی آید و
از این جهت صدقه دهد
کردم و سخاوت او
اعتزاز نماید این گونه
صدقه نذر ثوابی ندارد
الطال صدق این ارشاد
که او بخدا و روز قیامت
یقین ندارد و شرط
نیست زیرا صدقه در
اثر یا باطل می گردد
اگر چه در جمله آن مومن
باشد اما این قیادت آن
جهت افزوده شد که
معلوم شود ریاکاری از
ایشان مومنان بعید
و مناسب حال منافقان
است عه در سابق
و ذکر که مثال خیرات
چنان است که از یکصد
دانه صفت صد دانه پدید
آید و در این آیت می
فرماید که شرط خیرات نیست
است هر که بدینت ریا
و خود ثوابی خیرات کند نپذیرد

عنه منافعی که از سود

بدست آید خدا را

تباری کند یعنی برکت

تبار و بلکه سوا را نیز

از میان می برد و حیث

آنها که مال برترند بسود

زیاده گردد و اینجا مش

افلاس است و مراد

از زیاده شدن مال و غیر

آنست که خدا متعلق

در آن برکت می بیند

و ثوابش را می افزاید

چنانکه در احادیث مذکور

است عنه مقصد آنست

که سود خوار شود و متعلق

قدیم عیون که شخص

محتاج را بدون سود

توض میداد اگر چه بخواهد

لازم بود که او را بطریق

غیرت میداد و مالکری

پیش ازین چه باشد

سه اول فضیلت خیرات

و صدق و احکام آن

بیان گردید ثانیا قیوم

خدمت سودگرست

اکنون بیان مسامحات

تراض است از این آیت

معلوم میشود که ۳۸

گرفتند قرض و عده

ادای آن در

وقت مهین جائز است

چون مسامحه قرض بآئینه

متعلق است در آن

نیسان و خلاف و

نرخ احتمال دارد باید

سود مهین شود و چندان

اجمالی آید که آئینه

موجب اختلاف و

منازعت نشود باین

صورت که موضوع بقیه

کتابت در آید و موعده

مهین گردد اساسا

مسامحه ازان و تفصیل

مسامحه صاف و واضح

در آن مجامعت شود

نویسنده انکار نورزد

شرع و انصاف در امری داشته بنویسد باید مدیون خود بنویسد و یا غصب بکتاب گوید و در حق دیگران بقدر یک ذره نقصان نرساند

النَّارَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿۲۸﴾ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ

دور بخند ایشان در اینجا جاویدند نابودی سازد خدا (برکت) سود را افزون میساخت برکت خیرات را و خدا

لَا يَجِبُ كُلُّ كَفَالَةٍ أَيْتِمٌ ﴿۲۹﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ

دوست ندارد بر ناسپاس گنهار را هر کس که ایمن آورد و اند و کردند کارهای شایسته و

أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ

بر یادداشتند نماز را و دادند زکوة را بر ایشان است نژاد ایشان نزد پروردگار ایشان نیست ترس

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يُخْزَوْنَ ﴿۳۰﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا

بر ایشان و نه ایشان آنها بکین شوند ای کسانی که ایمان آورید خدا را بترسید و ترک کنید

مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ ﴿۳۱﴾ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ

آنچه مانده است از سود اگر مبتعد از اهل ایمان پس اگر نکوید پس خبردار باشید بحکم

مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ﴿۳۲﴾ وَإِنْ تَبْتَغُوا فَمَا لَكُمْ رِءُوسَ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ

از طرف خدا و رسول او و اگر توبه کردید پس شمار است اصل مالهای شما نه شما ستم کنید

وَلَا تَظْلِمُونَ ﴿۳۳﴾ وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ

و نه بر شما ستم کرده شود و اگر باشد بطلب پس لازم است مهلت دادن تا توفیقی و اگر

تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ﴿۳۴﴾ وَاشْتَرُوا يَوْمَ مَا تَرْجَعُونَ

خیرات کنید بهتر است شمارا اگر بپسندید دانسته و خدا کند ازان روز که باز گردانیده شوید

فِيهِ إِلَى اللَّهِ تَتَمَوِّقُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿۳۵﴾ يَا أَيُّهَا

در آن بسوخته خدا پس تمام داده شود بر شایسته ما آنچه عمل کرده است و ایشان ستم کرده نشوند ای

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوا

مومنان اگر معامله کنید بایکدیگر بوام و ادین تا میعاد مقرر پس بنویسید آن را

وَلْيَكُتَبَ بَيْنَكُمُ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ

و باید که بنویسد میان شما نویسنده بالقص و انصاف و انکار کند نویسنده ازان که

يَكُتَبَ كَمَا عَالِمُهُ اللَّهُ فليكتب وليميل الذي عليه الحق

نویسد چنانچه آموخته است او را خدا پس باید که دایم بنویسد و انشا کند آنکه دایم بنویسد و دایم است

وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ

و باید که بترسد از خدا پروردگار خود و نقصان نکند ازان دایم چیزی را پس اگر باشد کسی که دایم بنویسد و دایم است

و باید بترسد از خدا که پروردگار او است و نقصان نکند ازان قرض بترسد عه پس اگر باشد کسی که بر ذمه دی است قرض

والا يعجز ان يرقم نفاق
والاخلاق وحده و
اليعجز ومثل ان
نراقم حديث النفس
الشايع ١٣
بعض البعض
بعض المنكر في الكلام ١٣
تفسير عثمان
في آيت فختين

[illegible]

الارض وان تبدوا ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر

زمین است و اگر آشکارا کند آنچه در دل می شناسد
 زمین است و اگر آشکارا کند آنچه در دل می شناسد

لَمِنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝۱۸۱

کے را کہ خواہد و عذاب کند کے را کہ خواہد و خدا بر ہر چیز توانا است

کے راگ خواہ و عذاب کند کسی را کہ خواہد و خدا بر ہر چیز تواناست . مکان آورد

بوی از طرف پروردگارش و مومنان نیز همه ایمان آورده اند بخدا

تِلْكَ كِتَابُ وَكِتَابِهِ وَرَسُولُهُ لَا تَفْرِقْ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَدْ

لشکانش و کتاب پایش و پیچش (ای گویند) فرق نمی بیند میان پیچ یک از پیچبران او و گفتند

مَعْنَاوَ طَعْنَا سَخَرْنَاكَ رَبَّنَا وَلِيكَ الْمَصِيرُ ﴿٢٧﴾ رَبِّكَ اللَّهُ نَفْسًا
شَدِيدًا دُفْرَانِ دَارِ كَرَامِ مِثْلًا أَيْمَنَ كَرَمِشَ تَوَاسِيَّ بَرْدِ دُغْرَانِ لَوْ سَوِيَّ لَسْتُ بَارَكُشْتَ خُذَا وَاجِبَ فِي كُنْدِ نَبِيٍّ كَسِ

لا وسعها لهما ما كنيت وعليهما الكسيت ربنا اتع اخذنا ان

و بقدر طاقت او مراد است آنچه عمل کرد و بروی باشد آنچه گناه کرد گفتند اے پروردگار ما بعبودت میگزداریم
و بقدر طاقت ما مراد است آنچه کسب کرد (و از غیر) و بردی است آنچه کرد (و از بند) (و بگویند اے پروردگار ما بعبودت میگزداریم اگر

سیدنا او اخطانا ربنا ولا تمحیل علینا اصرار کما حملته علی الذین
 اوصی کتم یا خطا کتم اے پروردگار ما و منہ بر سر ما یا بر سر ان

یوش کردیم یا خدا کردیم اسے پروردگار داد بار کن بر ما بارگراں چنانکه شهادی آفرما

ش از ما بودند اے پدر و دیگر ماوند بر سر ما آنچه برداشت اینیست در او در گزارد از ما و بیامرز
ش از ما بودند اے پدر و دیگر ماوند بر سر ما آنچه نیست طاقت باز از او و در گزارد از ما

وَأَحْمَدُ أَنتَ مُؤْمِنًا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

کافران
کافران

سورة الان مائة و ثمانون آية و عشر و نون

و آن ۲۲ حد آیت است

بنام خدا ہے بخشائنده مہربان
آغای مکتوم بنام خدا ہے کہ بے اندازہ مہربان نہایت با رحم است

عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْ إِنَّ اللَّهَ يُصَلِّى عَلَى الْمُتَّقِينَ

الذی یست یاق معبودی غیر او نده تدبیر کند و بر است فرد آورده بر تو کس را کتاب را

استی باور دارندہ
براستی تصدیق کنندہ

وہ ان طرف ایشان کہ ورت ہای دینی و دنیوی و زراعت ہای گوناگون پیش آورد و در انسانی استیلا ی شان بہ ان اندیشہ موجب ہے اطمینان دیگر کہ

قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ هَٰذَا الَّذِي كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ

ازین برائے راه نمودن مردمان و فرود آورد مجیزه را هر آینه کسی نیکو کافر شدند بآیات خدا ایشانراست

عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ

عذاب سخت و خدا غالب صاحب انتقام است هر آینه خدا پوشیده نمی شود بروی

شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ۚ هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ

چیزه در زمین و در آسمان و آنست که صورت می بخشد شما را در دم

بِفَيْشَاءٍ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۚ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ

چیزه خواهد نیست هیچ معبود بخدا و غالب استوار کار او آنست که فرود آورد بر تو

الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا

کتاب بعضی از آن آیات است اصل کتاب است و بعضی دیگر مختصر معانی یا هم مشتمل بر آن

الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَ

کسانی که در دل ایشان کجی است پیروی می کنند آنرا که مانند یک دیگر شده از آن کتاب برائے طلب فتنه و

ابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ ۚ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ ۚ وَالرَّاسِخُونَ فِي

برائے طلب تاءویلش و نمی دانند تاویل آنرا مگر خدا و ثابت قدمان در

الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو

علم می گویند ایمان آوردیم باین منشیه این همه از نزد یک است و در تذکره نشود مگر خدا و علمان

الْأَلْبَابِ ۚ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

دلها را که بعد از هدایت ما را راه نمودی ما را و عطا کن برائے ما از نزد خود

رَحْمَةً ۚ إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۚ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ

رحمت هر آینه توئی عطا کننده اے پروردگار ما را آید تو جمع کننده مردمانی در آن روز که هیچ شک نیست

فِيهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۚ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ

دولال هر آینه خدا خلافت نمی کند وعده را هر آینه کسی نیکو کافر شدند و بی فکند

عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ

از ایشان اموال ایشان و اولاد ایشان از عذاب خدا بخانه چیزه را و آتش منزه آتش ایشان

الْمُتَكَبِّرُونَ ۚ كَذَّابٌ الْفِرْعَوْنُ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

دورج حال ایشان مانند حال کسان فرعون است و آنکه پیش از ایشان بودند در کذب آیت ما را

وَدَّاعُوا ۚ وَكَانَ فِي بَيْتِهِ أَزْوَاجٌ لَهُمْ مِمَّا يَدْرُسُونَ ۚ وَكَانَ فِي

دو آتش (دعوت مشن) مثل دستور آل فرعون است و کسی پیش از ایشان بودند که کذب کردند آیت ما را

آیه لهرانیان بران کفر و بی غیره عزاف نموده امروزه از انجیل مروج نیز ثابت است

تفسیر عثمانی
ع ۵ چنین گمان و گمان
را بدین مجازات نمی
گذارد و کسی از توانائی
مطلق او دست نوازد
در این جائز شده
لطفی است باطلال
الو بیت میخ علی السلام
زیرا اقتدار و اختیار
تای که خدا راست
در وجود هیچ برتر پیدا
نمی شود بلکه حضرت عیسی
موافق عقیده نصاری
نیز بخود می توانست
و مجاز را امر و نهی
حالی که به تفرع و الحاق
توانست خویش را
از جنگ ستم کاران
دارد و اندیس عیسی را
خدا یا پسر خدا گفتن
چگونه راست آید پس
از نوع پدیده است پس
خدا نیز باید خدا باشد
مخلوق تا توانی را پس
حضرت توانائی مطلق
بنداشتن پدیده پس
بر عیب منسوب داشتن
است الهیات بالذکر
عن چنانکه قدرت و
اختیار او توانائی کامل
است علم او نیز محیط
می باشد در عالم برزخ
بزرگ و کوچک است
بقدر یک طیف العین از
علم وی غالب نیست
بهر مشاهده گاران و کج
کاران کاذب جرائم
باقتدار و نوعیت
آن از علم الهی مخفی
نمی باشد پس کدام
گناهکاری تواند از
حضرت او درمان گردد
در عاقبت است که عیسی
خدا شده می تواند بر ما
وی علم محیط داشت و
چندان می دانست که
علا بوی و نامیده بود

فلما مترجم گوید که
در امر این عسا
بشاد است
مخلی شدن کافران
فک یعنی در عهد خدا
نیست ۱۲
مترجم گوید که نهادن
باصفت پنا مبر
صلعم در باب عیسی
علیه السلام گفتگو کردند
حق سبحانه این آیات
نازل ساخت بعد
از نزول این آیتها
نصاری را بمباهله وقت
کردند بعد عاجز شده
جزیر قبول نمودند ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه چنانکه پیشتر ذکر
شد ابو جاره بن
علقمه رئیس قذیحان
گفته بود که اگر پیغمبر
ایمان از من سلاطین
روم بعد از من اند
است از یک از ما می کنند
و ما یکدما می دهمند
امتناع می ورزند
شاید این جادو رنگ
دعا و مناجات جواب
دی داده شده باشد
یعنی شاکر بر احترام
سلاطین و عطای
آنان متعین می مع
ی شود
بدانند که
مالک صلی
هم عزت او
سلطنت او
خداست و در قضا
قدرت او است هر که را
خواهد می بخشد و از
هر که خواهد می ستاند
آیا ممکن نیست عزت
و سلطنت پارس
و روم از آنان اخذ
بمسلمانان داده
شود بلکه وعده می
دهیم که ضرر داده بشود

لَا يظلمون ۵ قل اللهم ملك الملك متوتى الملك من تشاء وتنزع

ستم کرده نشوند ۵ بخوار خدا باشد خداوند بادشاهی میدی بادشاهی هر که خواهد و باز میدی

الملك من تشاء وتنزع الملك من تشاء وتنزع الملك من تشاء

بادشاهی از هر که خواهد و از هر که میدی هر که خواهد و بخوار گردانی هر که خواهد بدست نیت میدی

انك على كل شيء قدير ۶ تولج الليل في النهار وتولج النهار في

بر آید تو بر همه چیز توانائی در می آری شب را در روز و در می آری روز را در

الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من

شب و می بر آری زنده را از مرده و می بر آری مرده را از زنده و روزی میدی هر که را

تشاء بغیر حساب ۷ لا يتخذ المؤمنون الكافرين اولياء من دون

می خواهد بی حساب ۷ باید که دوست نگیرند مسلمانان کافران را بخیر

المؤمنين ومن يفعل ذلك فليس من الله في شيء الا ان تتقوا

اهل ایمان و هر که این کند پس نیست در چیز از آن خدا و مگر آنکه در حق شریک آن

منهم ثقة ويحذر الله نفسه و الى الله المصير ۸ قل ان

بشمارند از خود کردن و می ترسانند شمارا خدا از خود و بسوی خدا بازگشت است بخوار

تخفوا ما في صدوركم او تبدوا بعلم الله ويعلم ما في السموات وما

پنهان کنید آنچه در سینه بایست یا آشکارا کنید شی و دانده از خدا و میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه

في الارض والله على كل شيء قدير ۹ يوم ترجد كل نفس مما عملت

در زمین است و خدا بر همه چیز تواناست آن روزی که حاضر باید هر کس آنچه عمل کرده است

من خيره محض وما عملت من سوء تود ان يبينها ويبين ان يبينها

از نیکی حاضر کرده شده و آنچه کرده از بدی دوست دارد که کاش بودی در میان و می در میان آن بدی مساند دور

ويحذر الله نفسه والله رءوف بالعباد ۱۰ قل ان كنتم تحبون

و می ترسانند شمارا خدا از خود و خدا بسیار مهربان است بر بندگان اسے محو بگو اگر دوست می دارید

الله فاتبعوني يحبكم الله ويغفر لكم ذنوبكم والله غفور رحيم

خدا را پس پیروی کنید مرا دوست دارد شمارا خدا و بسیار رحیم بشما بمان شمارا و خدا آمرزنده مهربان است

قل اطيعوا الله والرسول فان تولوا فإنا لله لا يحب الكافرين ۱۱

بگو فرمان بربا خدا را و پیغمبر را پس اگر گردانید پس بر آنکه خدا دوست ندارد کافران را و حق

بگو فرمان بربا خدا را و پیغمبر را پس اگر گردانید پس بر آنکه خدا دوست ندارد کافران را

بگو فرمان بربا خدا را و پیغمبر را پس اگر گردانید پس بر آنکه خدا دوست ندارد کافران را

فلما بعثنا نوحا
آن فرزند نوح
بعثنا نوحا
نفسه عثمان
عاشق و مشیت
حضرت ادریس
اسباب و اسرار
اگرچه درین کتاب
عادت اوست که
مبتدیان را از ۱۲
اسباب عادی پی
می آورد اما بی
نقد بعضی اشیا بر
غلاف اسباب عادی
و به صورت غیر معمولی
بیزعادت خاص
حضرت ولایت
این است که سید
رزق فوق العاده
مزم حدیقه و ظاهر
گویند امور غیر
عادی از وی و بعد
از معاشه این امور
و عادی به اختیار
حضرت ذکر و محرم
او و نصیب او و او
و بزرگ عقیده بصورت
بزرگوار تمام این
قدت را باید فهمید
این است عظیم الشان
دالت که بدین قدرت
شهر از وجود مردم
نزدیکی فرزند یسید
آهلی بود و با ولادت
غیر معاشه بچی که خدا
دکتر که بفرستاد
فره تجید (کذلک)
یعنی الله (الله) است
که بعد از این در سلسله
ولادت غیر عادی
می آید عده ۱۰
خدا بسیار یاد کن
از ابعاد تا شام به
تسبیح و تهلیل برآورد
معلوم شد سخن بگویند
وی بامداد و عصر
بود و از آن بود که در آن ایام به ذکر و شکر فارغ باشنا و اشتغال بود و ذکر و شکر اندکی اضطراب نبود و به آن مامور شده بود.

أَمْرًا تَعَاظِمُ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ١٠ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي
از من ناز است گفت بختین خدای کند آنچه می خواهد
از من ناز است گفت چنین خدای کند هر چه را خواهد
اینها ١٠
نشان فلان نشان تو است که سخن توانی گفت با مردمان سرور و مکر با شایسته و یاد کن پروردگار خود را
نشان فلان نشان تو است که سخن توانی مردم سرور و مکر با شایسته و یاد کن پروردگار خود را
كثِيرًا وَسَيَبْحَثُ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ١١ وَإِذْ قَالَتِ الْمَلِكَةُ يَمْرُؤُكُمْ
بسیار و سبوح به شام و صبح و آنکه گفتند فرشتگان اے مردم هر آنچه
بسیار و سبوح به شام و صبح و آنکه گفتند فرشتگان اے مردم هر آنچه
اللَّهُ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ١٢ يَمْرُؤُكُمْ
خدا برگزید ترا و پاک ساخت ترا و فضیلت داده ترا بر زنان عالمیان اے مردم
خدا برگزید ترا و پاک ساخت ترا و فضیلت داده ترا بر زنان عالمیان اے مردم
اقْنَبِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ ١٣ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ
فرمانبردار کن بر پروردگار خود را و سجده کن و نماز کن با نماز کنندگان اے محرابین از خبرهای
بخشود بندگی کن پروردگار و سجده نما و رکوع کن با رکوع کنندگان این از خبرهای
الْغَيْبِ نُوْحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَقُولُ أَفْلَاهُمْ أَيْهَمُ
غیب است و می گویم آنرا بسوخته تو بودی نزد یک آن قوم چون می انداختند علمای خویش و فلان کلام کن از ایشان
غیب است و می گویم آنرا بسوخته تو بودی نزد ایشان و نمی گویی آنکه علمای شانرا که کدام از ایشان
يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ ١٤ إِذْ قَالَتِ الْمَلِكَةُ
خبر می مردم خود و بوی نزد یک ایشان اله که با هم گفتگو می کردند
در تربیت خویش برگزیدم و نبودی نزد ایشان و نمی گویی آنکه علمای شانرا که کدام از ایشان
يَمْرُؤُكُمْ إِنَّ اللَّهَ يَبْشِرُكُمْ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ
اے مردم هر آنچه خدا بشارت میدهد ترا بچیزی از جانب خود که نام او مسیح است عیسی بن
اے مردم هر آنچه خدا بشارت می دهد ترا به چیزی از جانب اله که نام آن مسیح است این
مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ١٥ وَيَكْلُمُ النَّاسَ
مردم است با برود و در دنیا و آخرت و از نزدیک کردگان حضرت عزت و سخن گوید با مردمان
مردم است آبرو مند و در دنیا و آخرت و از مطربان اله است و گوید و سخن با مردمان
فِي الدَّهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصُّلَحِينَ ١٦ قَالَتِ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ
در گهواره و وقت ممیزی و با شد از نشانه نشان
در جای که در گهواره و در آتش با و در حال ممیزی و با شد از نشانه نشان
وَلَمْ يَمَسَّ سِنِي بَشَرٍ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ١٧ إِذَا قَضَى
و دست نرسانیده است سخن از وی فرمود بختین
و دست نرسانیده سخن از وی گفت چنین خدا پیدا می کند هر چه را خواهد هرگاه اراده کند
أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ١٨ وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ
کار می پس جز این نیست که می گوید او را که بشو پس می شود
کار می پس جز این نیست که می گوید او را که بشو پس می شود و می آموزد او را حکمت و حکمت
وَالْتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ ١٩ وَرَسُولًا إِلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ أَنِّي
و تورات و انجیل و گرداند او را پیغمبر بسوخته بنی اسرائیل
و تورات و انجیل و گرداند او را پیغمبر بطرف بنی اسرائیل هر آنچه می بیند

فتح الرحمن
و یعنی ان

تفسیر عثمان

عاش پادشاه بود
حکم داد تا مسیح را
گرفت صلیب نمایند
و چند نفر عتق انگیز
مجازات دهند که مردم
و غیر از متابعت
دی باز آیند این
کثیر گوید بعثت فی
طلبه من یاخذ و
یعلبه و یتکل به
دکسی را به طلبه می
گماشت تا اگر تشنه
صلیبش نماید خدا را
کند خدا را اثر این
اقدام مسیح را مطمئن
گردانید که اراکات
و ترقیات این شیرو
بخشان را فاک بر این
می کنم ایلههار پی
تقل تواند و می خواستند
آچیز در خلقت و بعثت
تو مطلوب است
انجام یابد در این
امر از کثرت عظیم الهی
قدنا شناسی می کنند
اما من لغت خویش
از آمان بازی تمام
عمر مقدر است قصه
بزرگی را که بر آن
تعلق دارد یا انجام
میرسانم ترا چنان
به صحت و سلامت
برم که سر موی از تو
کم نوازند بجای
آنکه ترا آنان
برند خدا ترا به
پناه خویش
می بریزند و خواهند
ترا به صلیب بالا
کشند خدا ترا به
آسمان طبعی کند
می خواهند ترا
مجازات دهند که
نایب عبت و احتضار شود مردم ترا در پی نزد خدا نمی گذارد که دست ناپاک آنها بدامن تو رسد - بر صفحہ ۵۹

مَرْجِعَكُمْ فَأَحْكُم بَيْنَكُمْ فِيهِ تَخْتَفُونَ ۱۰ فَاَمَّا الَّذِينَ

باز گفت شما پس دادی می کنم میان شما در آنچه اختلاف می کردید

كُفَرُوا فَاَعَذَ اللَّهُ لِبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۱۱

کافران پس عذاب کنم ایشان را بعد از آنکه کفر کردند و آنچه می کردند بسیار بد بود

مِنْ نَجْرِينَ ۱۲ وَامَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ

یارای دهند و اما کسانی که ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته پس پوره می دهد خدا

اَجْرَهُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۱۳ ذٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ

ایشان را جزای ایشان و خدا دوست نمی دارد ظالمان را این را می خوانیم یا محمد بر تو که

الْآيَاتِ وَالَّذِي كَرَّمَ الْحَكِيمَ ۱۴ اِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ اٰدَمَ

آیات و کتاب حکیم است هر آینه حال عیسی نزد خدا مانند مثال آدم است

خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۱۵ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ

آفرید او را از خاک باز گفت او را بشو پس شد حق آنست که از جانب پروردگار گشت

فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُنْزِلِينَ ۱۶ فَمِنْ حَاجَتِكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ

پس مباش از منک آفرندگان پس هر که ما را کند باز در باب پیش بعد از آنچه آمد بنو

مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ ابْنَاءَكُمْ وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَكُمْ وَنِسَاءَكُمْ

از دانش پس بگو بیایید تا بخوانیم فرزندان خود را و فرزندان شما را و زنان خود را و زنان شما را

وَانفُسَكُمْ وَانْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلُ لُّعْنَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمُ

و ذاتهای خود و ذاتهای شما پس همه بزاری و عا کنیم پس بگوایم لعنت خدا را بر

الْكٰذِبِينَ ۱۷ اِنَّ هٰذَا هُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنَّا اِلَّا اَللَّهُ

دروغ گوینان هر آینه اینست خبر راست و نیست هیچ معبود بجز خدا

وَ اِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۸ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ

و هر آینه خدا غالب استوار کار است و هر آینه الله به حقیقت دوست غالب با حکمت

بِالنَّفْسِ ۱۹ قُلْ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ تَعَالَوْا اِلٰى كَلِمَةٍ سَوَآءٍ بَيْنِنَا

به توبه کاران بگو ای اهل کتاب بیایید بسوی سخن مسک میان ما

وَبَيْنَكُمْ اَلَّا نَعْبُدَ اِلَّا اللَّهَ ۲۰ لَا شَرِيكَ لَهٗ شَيْءٌ وَلَا يَتَّخِذُ بَعْضُنَا

و شما که نه پرستیم بجز خدا و شریک ندارد هیچ چیز را و متشبه نیست بعضی از ما

ببَعْضٍ ۲۱ وَنَحْنُ عِندَ رَبِّنَا بِمَا نَعْبُدُ ۲۲ وَنَحْنُ عِندَ رَبِّنَا بِمَا نَعْبُدُ ۲۳

و بعضی از ما و ما نزد پروردگار خود هستیم و ما نزد پروردگار خود هستیم

اَرَبَابًا مِّنْ دُونِ اللّٰهِ فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا الشُّهَدَآءُ اَبَاءُكُمْ مِّسْلَهُونَ ①

دیگر را بخیز خدا پس اگر روی گردانیدند پس بگوید که گواه باشید که ما مسلمانیم

يَا اَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحْجُونَ فِيْ اَبْرٰهِيْمَ وَمَا اَنْزَلَتْ التَّوْرَةُ وَالْاِنْجِيلَ

ای اهل کتاب چرا مکاره می کنید در باب ابراهیم و فل و ذود آورده شده است تورات و انجیل

اَلَا مِنْ بَعْدِ هٰذَا فَلَا تَعْقِلُوْنَ ② هَا كُنْتُمْ هُوَ لَا عَاجِلَ جَهَنَّمَ فَيَمَّا

آلا بعد ابراهیم آیا می فهمید آگاه شوید شما اے قوم مکاره کردید در آنچه

لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّوْنَ فِيْمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ

شمارا بوی دانش است پس چرا مکاره می کنید در آنچه شمارا بوی دانش نیست و خدا می داند

وَاَنْتُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ ③ مَا كَانَ اِبْرٰهِيْمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا

و شما نمی دانید و آنچه نبود ابراهیم یهودی و نه نصرانی

وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ④ اِنَّ

و لیکن بود از مذاهب باطله بیزار حکم پرور و نه بود از مشرکان و نه آئین

اَوَّلَى النَّاسِ بِاِبْرٰهِيْمَ لَلَّذِيْنَ اتَّبَعُوْهُ وَهَذَا النَّبِيُّ وَالَّذِيْنَ

نزدیک ترین مردم با ابراهیم کسانی است که پیروی کردند او را (در زمان او) و این پیغمبر و

اٰمَنُوْا وَاللّٰهُ وَرِیُّ الْمُؤْمِنِيْنَ ⑤ وَذَتْ طَآئِفَةٌ مِّنْ اَهْلِ

مؤمنان و خدا کار ساز مؤمنان است از روی طائفه از اهل

الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوْكُمْ وَمَا يُضِلُّوْنَ اِلَّا اَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُوْنَ ⑥

کتاب که گمراه سازند شما را و گمراه نمی سازند مگر خود ایشان را و آگاه نیستند

يَا اَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُوْنَ بِآيَاتِ اللّٰهِ وَاَنْتُمْ تَشْهَدُوْنَ ⑦

ای اهل کتاب چرا کافر میشوید بآیت های خدا و شما معترفید

يَا اَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَحْجُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوْنَ

ای اهل کتاب چرا مکاره می کنید حق را به باطل و چرا می پوشانید

الْحَقَّ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ⑧ وَقَالَتْ طَآئِفَةٌ مِّنْ اَهْلِ الْكِتَابِ اٰمَنُوْا

حق را و شما می دانید و گفتند گروهی از اهل کتاب ایمان آرید

بِالَّذِيْ اُنْزِلَ عَلٰی الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَجِهَ الشَّهَادَةِ وَكُفُّوا اَخْرَجَ

با آنچه فرود آورده شده است بر مسلمانان اول روز و انکار کنید آخر آن روز

بِرَآبِّهِمْ فَرُود شَدَّاهُ مُشَدَّاهُ بِرِ مَوْمِنَانِ اَوَّلِ رَوْزِ وَنَكَّرَ شَوِيْدَ اَخْرَجَ رَوْزِ

فل یعنی بعضی گفتند
یهودی بود و بعضی
گفتند نصرانی بود ۱۲
فل یعنی در مسائل
منصوصه در تورات
اختلاف کرده اند تا بغیر
منصوصه چه رسد ۱۲
فل مترجم گوید صفت
آزادی گفتند که استقبال
کنند و حج گذارند
و خنک نماید از جنابت
فصل کند حاصل
آنکه نام کسی بود که
بشریت ابراهیمی
متذکر باشد ۱۲
فل یعنی باید که ۱۲
تفسیر عثمانی
مقبول باشد
خدا ترا از میان این
جماعت آلوده و ناپاک
بطهارت و پاک
بری دارد و بجای آنکه
توبه عت شوی و
مردم قریبیده از تو
نیروی نکنند کسانی
را که مطابق حکم الهی
بصورت صحیح از تو
پیروی میکنند تا نزدیک
خوشتر بر منظران تو فرود
و جبهه می سازد تا
آنکه که منکران تو بود
باور کنندگان مسلمان
و هدایت در این
جهانند باور کنندگان
بر منکران تو غالبی
باشند و قتی فراموش
نکردند موافقان و
مخالفان تو بر حکم
من مراجع می کنید
۱۵ اسن منازعات
شمارا بطور قطعی
فیصلی کنم و اینهمه
منازعات حق فیصل
می بریزد و هنگام این
فیصل چنانکه از آیه
فما الذین كفروا فاعلمهم انهم

فما الذین كفروا فاعلمهم انهم

دل یعنی در شوق
شود ۱۲ یعنی از
بنی آدم بیان گرفت
برای بیان ۱۲
یعنی قبول کوفه
یعنی بر کوفه ۱۲
تفسیر عثمانی
تفسیر بر ص ۴۰

وای را بکشد ملبس
وای شکند عقائد
فاسد و اندیشه های
باطل نصاری اصلاح
می کند تمام دنیا را به
اسلام مستقیم سازه
این وقت است که
منازعات فیصله
و اختلافات مذهبی
محلی شود و تنبا
دین راست

۱۶ خدای واحد
لا شریک یعنی دین
اسلام باقی می ماند
خداوند نسبت به
این حالت فرموده
و حق اهل الکتاب
الایوبین به قبل
سوره نساء کوع ۲۴
تفصیل این وقت
و بگوئی رفع یسوع
در سوره نسا ای

بهر حال نزد من
و ثم الی رحمتکم الله
تنها شوق به آخرت
نیست بلکه بدینا
و آخرت بهر دو تعلق
دارد چنانکه بعد از
تفصیل لفظی در دنیا
و الاخره به وضاحت
توایمی و این
قرینه آنست که معنی
الی یوم القیامه قریب
قیامت می باشد

چنانچه در احادیث
صحیح مصرح است
که قبل از قیامت
خود وقت مباسکی

و یقولون هو من عند الله وما هو من عند الله و
دی گویند که این نزدیک خداست و نیست آن از نزدیک خدا و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

و یقولون عله الله الکذب و هم یعلمون ما کان لبشر ان
دی گویند که عله الله الکذب و نیست آن از جانب الله و

تفسیر عثمانی

بقیه صفحہ ۹۱
 ابرہہ البقرہ راجع بہ
 کلمہ توفی در
 کلیات خودی نظر
 التوفی الاماتہ و
 قبض الروح و علیہ
 استعمال الحامہ او
 الاستیفاء اخذ الخ
 و علی استعمال البلیغہ
 الی اخرہ و یعنی
 توفی و در کماورہ
 عامہ و میرانیدن
 وجان ستانیدن
 استعمال می شود و
 نزہ بلغای بعضی وصول
 کامل و درست
 فرا گرفتن است گو
 یانند آنها ازین
 جہت توفی برتوت
 اطلاق شدہ کہ موت
 کدام عضو خاص
 مردانی باشد بلکہ
 از طرف حق تعالی
 کما روح اخذ می
 شود اکنون اگر فرض
 شود کہ خداوند روح
 کسی را بیدنش فرا
 گرفته بطریق اولی
 توفی گفته می شود
 بعضی از علمائے
 لغت کہ نوشتہ اند
 مفہوم توفی قبض
 الروح است نہیں
 توضیح ندادہ اند کہ
 قبض روح مع الہی
 را توفی نمی گویند و
 چنین قاعدہ نیز
 وضع کردہ اند کہ اگر
 نازل توفی خدا
 و مفعول آن ذی
 روح باشد جز
 موت و گزینہ ۹
 نمیداشند باشد
 چون وقوع
 قبض روح عموماً
 جدا شدن آن از
 بدن است بنابر عادات و اکثریت کلمہ موت را یک ہماہ آن می گویند و الاولی لغوی این کلمہ قبض روح مع البدن است ۱۲ بقیہ صفحہ ۹۲

عَلَيْنَا وَمَا أَنْزَلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَ

بر ما و آنچه فرود آورده شد بر ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و

الْأَسْبَاطَ وَمَا أَنْزَلَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالَّذِينَ مِنْ بَيْنِهِمْ لَا نَفَقُ

بر او و آنچه فرستاده شد بر ابراهیم و اسمعیل و اسحاق و یعقوب و

بَيْنَ أَحَدِهِمْ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُمْ مُسْلِمُونَ ۳ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ

میان یکی از ایشان و ما خدا را و ما خدا را و ما خدا را و ما خدا را

الْإِسْلَامَ دِينًا فُلَن يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَيْرِينَ ۴

اسلام دین دیگر پس هرگز قبول کرده نخواهد شد از او و در آخرت از زبان کاران است

كَيْفَ يَهْدِيَ اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ الرَّسُولَ

چگونه راه نماید خدا گروهی را کہ کافر شدند بعد اسلام خود بعد از آنکہ شناختند کہ پیغمبر

حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۵ أُولَٰئِكَ

درست است و بعد از آنکہ آمد بایشان بچہت های و خدا را می نماید گروه ستم کاران را این گروه

جَزَاءُ هُمْ أَنْ عَلَيْهِمُ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ۶

مژائے ایشان آنست کہ باشد بر ایشان لعنت خدا و فرشتگان و مردمان ہمہ ایشان

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ ۷

جاویدان در آن لعنت سبک کردہ نشود از ایشان عذاب و نہ ایشان مہلت دادہ شوند

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

الا آنانیکہ توبہ کردند بعد از این و نیکی کار سے نمودند پس ہر آئینہ خدا آمرزندہ

رَحِيمٌ ۸ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزَادُوا كُفْرًا

مہربان است ہر آئینہ کسی کہ کافر شدند بعد اسلام خویش باز زیادتی کردند در کفر

لَنْ يُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الصَّاغِرُونَ ۹ إِنَّ الَّذِينَ

ہرگز قبول کردہ نشود توبہ ایشان و آن گروه ایشانند گمراہان ہر آئینہ آنانیکہ

كَفَرُوا وَمَا نَوَّاهُمْ كَفَارًا فُلَن يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلَّةٌ

کافر شدند و کافر کردند ہرگز قبول کردہ نخواهد شد از هیچ یک ایشان مقدار پیری

أَرْضٍ ذَهَابًا وَلَوْ أَقْدَىٰ بِهٖ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۱۰ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

زمین از لہر و اگر عرصہ خود دید آنرا آن گروه ایشانراست عذاب دردندہ نیست ایشانرا یاری دہندہ

زمین طلاء و اگر عرصہ خود دید آنرا آن گروه ایشانراست عذاب دردناک نیست ایشانرا یاری دہندہ

بدن است بنابر عادات و اکثریت کلمہ موت را یک ہماہ آن می گویند و الاولی لغوی این کلمہ قبض روح مع البدن است ۱۲ بقیہ صفحہ ۹۲

فلن بدین خدا ۱۲
 فلن یعنی اوس و
 خروج و عرب
 معدیه و مینه و عرب
 و غم بایکدیگر دشمنی
 داشتند ۱۳
 یعنی تفرق و موصول
 دین حرام است ۱۴
 که همه مغزلی بج
 باشند و معج
 شیعیه و علی و ائمه
 ۱۵ یعنی واجب
 بالکفایه است که
 جمیع با م معروف
 و نهی از منکر تسمیاء
 نمایند ۱۶
 مانند یهود و نصاری
 مشرک و کفر و
 چند فرق گشتند ۱۷
 تفسیر عثمانی
 بقره ص ۶۳
 ۱۸ یعنی با بیل و بیلیم
 ما جرم بالهتار
 (الضام رکوع ۲)
 خداوند در وایت
 توفی را بر نوم اطلاق
 کرده حال آنکه قبض
 روح در نوم تکلیف
 نمی شود بلکه اگر
 در آل عمران دامنه
 در وایت توفی بر
 قبض روح مع الهی
 اطلاق شده چنانچه
 لازم می آید مخصوصاً
 چون دیده شود که اطلاق
 کلمه توفی بر موت و
 نوم در قرآن آمده و
 زیر اوم در عصر
 جابلیت چون بابی
 حقیقت آشتی نبوده
 که خدا حکم موت
 و نوم چیز را از
 انسان بازیگر
 استعمال کلمه توفی
 بر موت و نوم در آن
 با شایع نبود برای
 قبیله انکس بر حقیقت موت و نوم تحت قرآن کرم این کلمه را استعمال نموده است

أَوْتُوا الْكِتَابَ رَدُّوْكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كُفْرًا ۖ وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ
 کتاب باز گردانید شمارا بعد از اسلام شما
 کتاب بازی گردانید شمارا پس از ایمان تان کافران
 تَنَزَّلَ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَفِيكُمْ رَسُولُهُ وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ
 خوانده می شود بر شما آیات خدا در میان شما هست پیمبر خدا و هر که چنگ استوار کرد بخدا پس بر آینه راه نموده شد
 خوانده می شود بر شما آیت های خدا در میان شماست پیمبر خدا و هر که چنگ انگذد (دین) خدا پس بر تحقیق ره نموده شد
 إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۚ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا
 بسوی راه راست است مسلمانان بترسید از خدا حق ترسیدن از وی و
 بسوی راه راست است ای مومنان بترسید از خدا حق ترسیدن از وی و
 تَسْمُونَ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۚ وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا
 غیرید مگر مسلمان شده و چنگ زنید بر حسن خدا و
 محمید مگر مسلمان و چنگ انگذد بر حسن خدا پسر شما و
 تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ
 پراکنده مشوید و یاد کنید نعمت خدا را که بر شماست چون بودید دشمن یکدیگر و پس آشت داد میان
 پراکنده مشوید و یاد آید نعمت خدا را که بر شماست وقتی که بودید دشمنان پس آشت انگذ میان
 قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِّنْ
 دلها پس شدید به نعمت خدا برادر با یکدیگر و بودید بر کناره مناهک از
 دلها پس شدید به نعمت خدا برادر و بودید بر کناره مناهک از
 النَّارِ فَانْقُذْكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝
 آتش پس رسانید شمارا از آن آتش بیان می کند برای شما نشانه ها که خود را تابا نشد که راه یابید و
 آتش پس نجات داد شمارا از آن آتش باین بیان می کند خدا آیات خویش را شمارا یابید
 وَلَنْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْعُرْوَةِ الْوُسْطَىٰ وَيَنْهَوْنَ
 و باید که باشد از شما گروهی که بخوانند بسوی نیکی کاری و بفرمایند بکار پسندیده و منع کنند
 و باید که باشد از شما جماعتی که بخوانند بسوی کار نیکی و بفرمایند بکار پسندیده و باز دارند
 عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَقَرَّوْا
 از ناپسندیده و آن گروه ایشانند رستگاران و میباشید مانند کسی که پراکنده شد
 از ناپسند و آن گروه ایشانند رستگاران و میباشید مانند کسی که پراکنده شد
 وَاصْتَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝
 و خلافت بایکدیگر کردند بعد از آنکه آمد بایشان حجت با اختلاف کردند بایکدیگر پس از آنکه آمد بایشان احکام و است
 و اختلاف کردند بایکدیگر پس از آنکه آمد بایشان احکام و است
 يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَفَكُفْرْتُمْ
 آنروز که سفید شود چو یک پاره رویها و سیاه گردد بپاره رویها اما آنانی که سیاه شدت روی ایشان بدیشان گفته شود آیا کافر شدید
 آنروز که سفید شود بعضی رو با و سیاه شود بعضی رو با پس اما کسی که سیاه شد روی ایشان بدیشان گفته می شود آیا کافر شدید
 بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ
 بعد از ایمان شما خوردن عذاب بسبب کافر شدن خویش و اما آنانی
 بعد از ایمان تان پس بپسندید عذاب را به عوض کافر شدن تان و اما کسی
 ابْيَضَّتْ وَجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۖ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ
 سفید شد رویهای ایشان پس در رحمت خدا باشند ایشان در آنجا جاویدند این آیات خداست
 سفید شد رویهای ایشان پس در رحمت خدا باشند ایشان در آنجا جاویدند این حکم خداست

لَعَلَّهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَاللَّهُ يُرِيدُ ظَلَمًا لِّلْعَالَمِينَ ۝ وَلِلَّهِ مَا فِي

سماوات و ما فی الارض و الی الله ترجع الامور ۝ کتبه خیر الله

اخرجت للناس تاملون بالمعروف و تنهون عن المنکر و تؤمنون

بالله و لو امن اهل الکتاب لکان خیر الیه منهم المؤمنون و

اکثرهم الفسقون ۝ کن یحزروکم الا اذی و ان یقاتلکم یوکلکم

ادبارکم لا یضرون ۝ ضربت علیهم الداله ان ما تقفوا الا

حبل من الله و حبل من الناس و باء و یغضب من الله و ضربت

علیهم المسکنته ذلک بائعهم کافرون و بایت الله و یقتلون

الانبیاء یغیر حق ذلک بما عصوا و کافروا یعتمدون ۝ لیسوا

سواء من اهل الکتاب امة قائمه یتلون آیت الله اناء النیل و

هم یسجدون ۝ یؤمنون بالله و الیوم الآخر و یأمنون بالمعروف

و ینهون عن المنکر و یسارعون فی الخیرات و اولئک من الصالحین ۝

ما یفعلوا من خیر فکن یمکروه و الله علیم بالمقین ۝ ان الدین

دل یعنی مقرر کرده شد ۱۲ و ۱۳ یعنی بسبب زبان درازی ۱۲ و ۱۳ یعنی بگریزید ۱۴ یعنی بگریزید ۱۵ یعنی راست ۱۶ مردود ۱۷ و ۱۸ یعنی آنانکه از ایشان ایمان شده اند ۱۹ این سلام ۲۰ تفسیر عثمانی ۲۱ بقیه مقوله ۲۲ و حق آنست که ۲۳ و موت در مواقع نادره ۲۴ اخذ روح مع البدن ۲۵ رانیز استعمال می نماید ۲۶ بهر حال در این آیت با اتفاق مجتهدان از ۲۷ توفی موت نیست و با اصلاح روایات از این محاسن منقولست که هیچ زنده بر آسمان بروداشته شده کافی روح المعانی و غیره از هیچ ملف و خفای منقول نیست در بعضی و نزول مسج انکار کرده باشند بلکه تشخیص العجیر حافظ این حجر در این باب اجماع را نقل می کند و این کثیره و غیره احادیث منقول را متواتر گفته اند و در اکان امکان المعظم از امامان که تفسیر این مسئله نقل شده از معجزات مسیح علاوه بر حکمت بانی دیگر مناسبت خاصی باقی الی السماء پیدا می شود مسج خود را اول بکنند تنبیه فرمود که چون مجسمه خانی به زمین من بحکم پروردگار مرغی میشود و پروردگار آید کسیکه خدا بدو می دهد و مرده زنده میشود

در حدیث آمده که روح القدس پدید آمده آیا ممکن نیست که حکم خدا آسمان بود و از کتب کتب ساس دست و پیر دو نقطه و حکم الهی کورد و ایزد می شود

و ما مل آنت
 كرمه تار ايشان
 شود ۱۲۳ یعنی از غیر
 به اكر انما بشما قدری
 مسلمانان ۱۲ و
 در فرود اهل نفاق
 میل کردند با آنکه در
 شهر محض شوند و
 اصحاب خواستند که
 بیرون آمده جنگ کنند
 بعد از آنکه خبریت
 واقع شد منافقان
 این را حمل مکن
 مگر گفتند و وقت حرب
 حضرت پیغامبر شبی
 جماعت را معینید
 که از شما بجهت چون
 آثار فتح ظاهر شدن
 گرفت آنجا در
 بی غارت افتادند
 و طعنان پیغمبر کردند
 بنوی این خصایان
 بیعت هر مسلمان
 افتاد و پسران کردند
 الا شانه الله و یزید
 غیر شهادت حضرت
 پیغامبر شایع شد
 منافقان قصد تمام
 کردند پس در جواب
 طعن منافقان گفت
 طعن از کندی گمان
 و تشنج یونانیان
 حق بجهت نازل کرده
 تفسیر عثمانی
 علیه السلام چون بجای
 که شهادت از دست آنها
 میزد و آنها دوست
 شایع میکردن از آن
 که شایع باشند ۱۲
 طرفین است که
 شایع تمام است
 آسمانی را به هر
 کلام و هر زمانه و هر
 پیغمبری که فرود آمده
 بهشت قبول دارند و در
 آنها که خداست شایع
 و از پیغمبر که علی النبیان
 و بر آنها که اممای شایع را تو میخواند

كفروا لن نغني عنهم أموالهم ولا أولادهم من الله شيئا و أولاد ايشان مال ايشان و اولاد ايشان از عذاب خدا چیزی را و ايشانند
 كافروا لن نغني عنهم أموالهم ولا أولادهم من الله شيئا و أولاد ايشان مال ايشان و اولاد ايشان از عذاب خدا چیزی را و ايشانند
 أَصْحَابُ الدَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۵ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ
 باشند گمان و در آنجا جاویدند صفت آنچه خرج می کنند در این زندگانی
 أَصْحَابُ الدَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۵ مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ
 باشند گمان ايشان در آن جاویدند صفت آنچه خرج می کنند در این زندگانی
 الدُّنْيَا كَمَثَلِ رَيْحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرَثٌ فَمِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَاهْلَكَتْ
 دنیا مانند صفت باد نیست که در آن سرما سخت است برسد زراعت گزید و اگر ستم کردند برخودن پس نابود ساخت آن را
 الدُّنْيَا كَمَثَلِ رَيْحٍ فِيهَا صِرٌّ أَصَابَتْ حَرَثٌ فَمِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَاهْلَكَتْ
 دنیا مانند باد نیست که در آن سرمای سخت رسیده گشت قومی را که ستم کردند برخودن پس نابود ساخت آن را
 وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ۶ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا
 و ستم نکرد بر ایشان خدا و لیکن برخودن ستم می کردند فلان ای مسلمانان دوست پنهانی
 وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ ۶ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا
 و ستم نکرد بر ایشان خدا و لیکن برخودن ستم می کردند ای مسلمانان دوست پنهانی
 بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأُولُكُمْ خَبْرًا لَّوْ دَرَأْتُمُوهَا عَنْتُمْ قَدْ بَدَلَتِ الْبَعْضَاءُ
 گمراهان از غیر خویش است تقصیر می کنند به نسبت شهادت انگیزی دوست درستی در حق شما را میزنند غایب شد
 بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأُولُكُمْ خَبْرًا لَّوْ دَرَأْتُمُوهَا عَنْتُمْ قَدْ بَدَلَتِ الْبَعْضَاءُ
 گمراهان از غیر خویش است تقصیر می کنند در خرابی شهادت دوست دارند در حق شما را به حقیقت آشکارا شده و دشمنی
 مِّنْ أَقْوَامِهِمْ ۷ وَمَا تَخْفَى صُدُورُهُمْ أَلَبْرٌ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ
 از دهن های ایشان و آنچه پنهان کرده است سینه ایشان سخت تر است هر آینه بیان کردیم برای شما شایع نهایی اگر
 مِّنْ أَقْوَامِهِمْ ۷ وَمَا تَخْفَى صُدُورُهُمْ أَلَبْرٌ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ
 از دهن های ایشان و آنچه پنهان کرده است سینه های شان گمان تر است به تحقیق بیان کردیم بشارت آنها اگر
 كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ۸ هَانَتْ أُولَئِكَ حُبُّوهُمْ وَلَا يُحِبُّوهُمْ وَتَوَّابُونَ
 دانایان استید آگاه شوید شما ای قوم که دوست می دارید ایشان را و ایشان دوست می دارند شما را و ایمان می آرید
 كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ۸ هَانَتْ أُولَئِكَ حُبُّوهُمْ وَلَا يُحِبُّوهُمْ وَتَوَّابُونَ
 دانایان عاقل هستید آگاه شوید شما ای مردم دوست می دارید ایشان را و ایشان دوست می دارند و ایمان دارید شما
 بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذْ الْقَوَّةُ قَالُوا أَمْنًا وَإِذْ أَخْلَوْا عَصَاكُمْ
 بهر کتاب ابی و ایشان چون ملاقات کنند با شما گویند ایمان آوردید و چون
 بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذْ الْقَوَّةُ قَالُوا أَمْنًا وَإِذْ أَخْلَوْا عَصَاكُمْ
 بهر کتاب با و چون ملاقات کنند با شما گویند ایمان آوردیم و چون تنها شوند میگویند بر شما
 الْإِنَّمَالِ مِنَ الْغِيْطِ قُلْ مَوْتُوا بِعِظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ بَدَاتِ
 انکشان خود را از چشم بگویم به سبب چشم خویش هر آینه خدا داناست آنچه در
 الْإِنَّمَالِ مِنَ الْغِيْطِ قُلْ مَوْتُوا بِعِظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَيْهِ بَدَاتِ
 انکشان خود را از چشم بگویم به سبب خود هر آینه الله داناست به آنچه
 الصُّدُورِ ۱۰ إِنْ تَسْسِكُمْ حَسَنَةً سَوْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ
 سینه است اگر برسد بشما نعت ناخوش کند ایشان را و اگر برسد بشما سفته
 الصُّدُورِ ۱۰ إِنْ تَسْسِكُمْ حَسَنَةً سَوْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ
 در سینه است اگر برسد بشما بیبودی ناخوش کند ایشان را و اگر برسد بشما بدی
 يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُوا وَاسْتَفْعُوا لَا يُضْرَكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا
 خوش دل شوند بآن و اگر شکست کنند و پیر بگریزید هیچ زیان نرسد بشما مگر ایشان
 يَفْرَحُوا بِهَا وَإِنْ تُصِيبُوا وَاسْتَفْعُوا لَا يُضْرَكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا
 خوش شوند به آن و اگر صبر کنید و پیر بگریزید هیچ زیان نمی رسد بشما مگر ایشان
 إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۱۱ وَإِذْ عَدُوٌّ مِنْ أَهْلِكَ تَبَوَّى
 بر آینه خدا با آنچه می کنند در گیرنده است و یاد کن آنکه که پناه آورد از میان اهل خانه خود را نشاند
 إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۱۱ وَإِذْ عَدُوٌّ مِنْ أَهْلِكَ تَبَوَّى
 بر آینه خدا با آنچه می کنند و بر گیرنده است و آنگاه که جمع کردند آمدی از منزل خود همسایه ای گردی
 الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۱۲ إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتٌ
 مسلمانان را در جای با برای جنگ و خداست نوا داناست آنگاه که خواستند دو طرف
 الْمُؤْمِنِينَ مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۱۲ إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتٌ
 مسلمانان را جای با برای جنگ و خدا شایع شود داناست آنگاه که قصد نمودند دو طرف

و بر آنها که اممای شایع را تو میخواند

مِنْكُمْ أَنْ تَقْتُلُوا اللَّهَ وَلِيَّهُمْ وَأَعْلَىٰ اللَّهُ فَلَيتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿٦٠﴾

از شما که بزدلی کنید و خدا کار ساز ایشان بود و عاقلی بر خدا باید که توکل کنند مسلمانان و

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُشْكُرُونَ ﴿٦١﴾

و بر آید خدا از شما را روز بدر و شما بادر و شکست خوردید پس بترسید از خدا تا شما

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ

شکر کنید چون می گفتی به مسلمانان آیا کفایت نخواهد کرد شما را که اعاد کند پروردگار شما

بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ ﴿٦٢﴾ بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا

به هزار گس از فرشتگان فرود آورده شده است اگر صبر کنید و بترسید از خدا

وَأَتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

برای شما که فرزند بسوی شما باین خوش خود اعاد کند شما را پروردگار شما به پنج هزار گس از فرشتگان

مُسَوِّمِينَ ﴿٦٣﴾ وَجَعَلَ اللَّهُ الْبَشْرَ لَكُمْ وَلِطْفِينَ قُلُوبَكُمْ بِهِ

نشاند کرد و ساخت خدا متعالی این مدد را مگر برای شرم داده و دادن شما و برای آنکه آرام گیرد دل شما را

وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ﴿٦٤﴾ لِيَقْطَعَ طَرَقًا

و نیست فتح مگر از نزد خدا غالب استوار کار چنین کرد تا پاک کند طایفه را از

الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْتُمُونَ قُلُوبُهُمْ فَأَتَتْهُمْ قُلُوبُهُمْ ظِلْمُونَ ﴿٦٥﴾

کافران یا مخفی کنند ایشان را پس باز گردند و سرانجام نرسیده نیست ترا ازین کار

وَأَوْتَوْبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ﴿٦٦﴾

چیز که باقی ماند کرد و بر ایشان یا عذاب کند ایشان را زیرا که ایشان ستم کردند و خدا است آبخیز

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ

آسمانها است و آنچه در زمین است می آمرزد هر که خواهد و عذاب می کند هر که خواهد

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٦٧﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ

و عذاب می کند هر که خواهد و خدا آمرزنده مهربان است ای مسلمانان مخورید سود را دو چند

مُضَاعَفَةً ۖ وَالْتَقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٦٨﴾

تو بر تو و بترسید از خدا تا بابت که رستگار شوید و پناه گیرید از آن آتش که

أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ ﴿٦٩﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٧٠﴾

آماده کرده شده است برای کافران و فرمان پرید خدا را و پیغمبر را تا بابت که بر شما مهربانی کرده شود

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ﴿٧١﴾

و اطاعت کنید خدا را و پیغمبر را تا بابت که بر شما مهربانی کرده شود

وَلَا يَحِزُّ بِنَبِيِّهِمْ ۚ هَٰذَا خَلْقُ النَّاسِ وَلَٰكِن لِّتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ﴿٧٢﴾

و خدا را از نبیانشان غمناک نیست و این خلقت است انسانها تا بدانید که خدا بخشنده و مهربان است

طابق در بار ۱۲

تفسیر عثمان

عنه این آیات را
بر غزوه احد فرموده
آنکه که می بماند
از برادران حشر
بودند آنکه که کشت
جنگجویان نامورشان
روی بروی آنها شد
شده افتاده بود و
شقاوت پیشه گان
بدانکه خود پیغمبر را
نیز مجروح گردانید
بودند و ظاهر آنکه
اسباب تیرت بنظر
میرانده بودیم این شد
یدو یا من ندای خدا که
مستجاب شنیده که
«ولا جبروا ولا تخفوا»
او انتم الا علون ان
کنتم مؤمنین»
پسند از شداید و
تفویذ و در مقابل
و دشمنان خداست
و نامردی را بخویش
راه نمیدر شوه و مروت
نیست که در جوارش
و مصائب هجوم نهند
امروز نیز شما محزون
سر بلندید که در راه
جانت حق متعل رسوخ
و تکلیف میشود و
در انجام کادیر بقینا
فتح از شماست و شما
فیروز می شوید اگر
بیایان و ایمان
استوار باشید و به
بیان خدا اعتماد کامل
داشته از اطاعت
و تقوی و جهاد فی سبیل
الله قدم باز نگذارید
آن ندای الهی دل
های سگته را پیر کند
نمود و در اجابا بر سر
زنده گان تازه بخشد
آخرین این شد که
کفار می که با هم

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمُوتُ وَ

الْأَرْضُ أَعَدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِينَ ينفقون فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ

وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا

لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ ۖ وَمَن يَغْفِرَ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَوْ يُصِرُّ عَلَىٰ مَا

فَعَلُوا أَوْ هُم يَعْلَمُونَ ۝ أُولَٰئِكَ جَزَاءُ هُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ

جَنَّةٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ ۖ فَانظُرُوا إِلَى الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ

كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ۝ هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَ

مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ۝ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا ۚ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ إِنْ يَسْأَلْكُمُوهَا فَسِيقْهُمْ إِلَيْهَا ۚ فَإِنْ سَأَلْتُمُوهُ

فَعَلَيْكُمْ ۖ فَإِنْ سَأَلْتُمُوهُ فَعَلَيْكُمْ ۚ فَإِنْ سَأَلْتُمُوهُ فَعَلَيْكُمْ ۚ

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا

لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ ۖ وَمَن يَغْفِرَ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَوْ يُصِرُّ عَلَىٰ مَا

فَعَلُوا أَوْ هُم يَعْلَمُونَ ۝ أُولَٰئِكَ جَزَاءُ هُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَ

جَنَّةٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ ۖ فَانظُرُوا إِلَى الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ

كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ۝ هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَ

مَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ ۝ وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا ۚ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ

كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ إِنْ يَسْأَلْكُمُوهَا فَسِيقْهُمْ إِلَيْهَا ۚ فَإِنْ سَأَلْتُمُوهُ

فَعَلَيْكُمْ ۖ فَإِنْ سَأَلْتُمُوهُ فَعَلَيْكُمْ ۚ فَإِنْ سَأَلْتُمُوهُ فَعَلَيْكُمْ ۚ

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا

لَهُمْ ذُنُوبَهُمْ ۖ وَمَن يَغْفِرَ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَوْ يُصِرُّ عَلَىٰ مَا

الَّذِينَ آمَنُوا وَيُحَقِّقُونَ الْكُفْرَانَ ۝۱۳ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا أَنْ تَقُولُوا لَا جَنَّةَ وَلَا نَارَ

مؤمنان را و آنکه ایمان آورده اند و تحقیق می کنند کفر را ۱۳ آیا شما را حساب کرده اند که بگویند که بهشت و جهنم نیست و هیچ گاه

يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّابِرُونَ ۝۱۴ وَلَقَدْ كُنْتُمْ

خداوند می داند آنکه آنکه بجای خدا می جنگند در راه او ۱۴ و شما را می دانم که شما صابران بودید و شما را می دانم که

تَسْتَوُونَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقُولُوا قَدْ رَأَيْنَاهُ ۝۱۵ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۝۱۶

همگی برابر هستید در برابر مرگ از آنکه بگویند که ما او را دیده ایم ۱۵ و شما را می دانم که منتظر هستید ۱۶

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ ۝۱۷ أَفَأَبْرَأُ مِنَ الَّذِينَ

و محمد را می دانم که تنها یک فرستاده است از پیش از او ۱۷ آیا من را می دانم که از آنهایی که

أَوْفَىٰ بِوَعْدِهِمْ ۝۱۸ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ

و وفای تر است به وعده خود ۱۸ و هر کس برگردد بر پشت خود پس از آنکه او را فرستاده

اللَّهُ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ۝۱۹ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ

خداوند چیزی را و خداوند جزای شاکران را ۱۹ و هرگز نبود که برای کسی باشد که بمیرد

إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كَتَبَ مُوَدَّتَهُ وَ مَنْ يَرْدُ تَوَابًا دُونَ ذَلِكَ فَلَنْ يَضُرَّ

مگر با اجازه خداوند که دوستی خود را نوشته است و هر کس بخواند توبه را جز آنکه

يُؤْتَىٰ تَوَابًا آخِرَةً ۝۲۰ وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ ۝۲۱ وَ كَأَيِّنْ مِنْ

توبه ای که بخواند توبه را جز آنکه بخواند توبه را آخرت ۲۰ و خداوند جزای شاکران را ۲۱ و چقدر است

لِي قَتَلَ مَعَهُ رِيشُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ

که من کشته شدم با من ریشوندان زیادی بودند و آنها را خستگی نداشت برای آنچه

اللَّهُ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَاثُوا وَاللَّهُ يَجِبُ الصَّابِرِينَ ۝۲۲

خداوند و خداوند را می دانم که خداوند را می دانم که خداوند را می دانم که خداوند را می دانم که

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اسْرُبْنَا غَيْرَ لَنَا كُنُوزٌ بَاطِلَةٌ ۝۲۳

و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۲۳

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا اسْرُبْنَا غَيْرَ لَنَا كُنُوزٌ بَاطِلَةٌ ۝۲۴

و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۲۴

و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۲۵
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۲۶
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۲۷
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۲۸
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۲۹
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۳۰
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۳۱
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۳۲
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۳۳
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۳۴
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۳۵
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۳۶
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۳۷
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۳۸
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۳۹
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۴۰
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۴۱
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۴۲
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۴۳
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۴۴
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۴۵
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۴۶
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۴۷
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۴۸
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۴۹
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۵۰
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۵۱
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۵۲
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۵۳
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۵۴
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۵۵
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۵۶
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۵۷
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۵۸
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۵۹
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۶۰
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۶۱
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۶۲
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۶۳
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۶۴
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۶۵
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۶۶
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۶۷
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۶۸
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۶۹
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۷۰
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۷۱
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۷۲
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۷۳
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۷۴
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۷۵
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۷۶
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۷۷
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۷۸
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۷۹
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۸۰
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۸۱
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۸۲
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۸۳
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۸۴
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۸۵
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۸۶
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۸۷
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۸۸
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۸۹
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۹۰
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۹۱
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۹۲
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۹۳
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۹۴
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۹۵
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۹۶
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۹۷
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۹۸
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۹۹
و آنچه می گفتند آنکه می گفتند که ما ثروتی داریم که باطل است ۱۰۰

فتح الرحمن
صلی الله علیه و آله
آن کرده شد که در علم
ای مقدر بود و
یعنی کافران مسلمان
و علی بنی چون میزند
درین حالت
تفسیر عثمانی
عنه این سخن روشن
یاست و افسوس
چیزی بدی آرد
آیه را خداوند
اجل عمل برگزید
سبب وقت آن
نماز شد و مقدر کرده
است هرگز تغییر نکند
و حقاً و قویاً باید
اگر شاد و درین خانه
۱۲ بای خویش محصور
می شد و با دشمن
رای شما علی باشد
باز هم کس شکست
آنها و در این نزول
اعد و مقدم و حجاب
از میان بدن صوب
میرفت و در جهان
موقع گشته می شد
این صوبت الهی است
که در آنجا کشتن آنها
مقدمه راه خدا
به مقتضای دلاوری
و خوشی بشماران رسید
حسرت و تاسف برآ
چیت کار با انرا
قیاس از خود نمیز
عنه خدا سازد
بای تمام کاست و
پیچ عالی از پیچ کس
و در حق و حق
نیست مقصد این بود
در محالیت امکان
و در گذشت تا هر چه در
تغلب شماست برآ
تراد و در خود است
خائن از مشغول
متماز و در محالیت
صلی و فقیه خویش

فِي أَنْفُسِهِمْ مَا لَا يَبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ
 در دل خویشان آنچه آشکارا نمی کنند بر آینه کوی گویند اگر بودی ما را ازین کار چیزی
 در دل بی خویش آنچه را آشکارا نمی نمایند بیو می گویند اگر می بودی ما را ازین کار چیزی
مَا قَتَلْنَا هَذَا قُلُوبُكُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ
 کشته نمی شدیم در اینجا بگو اگر می بودید در خانه های خویش بر آینه بیرون می آمدند کسانیکه مقدر شده است بر ایشان
 کشته می شدیم در این جا بگو اگر می بودید در خانه های خویش بر آینه بیرون می آمدند کسانیکه مقدر شده است بر ایشان
الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ
 کشته شدن بسوی کشتگاه خویش و تا باز آید خدا آنچه در سینه شماست و تا کامل عیار سازد
 کشته شدن بسوی کشتگاه خویش و تا باز آید خدا آنچه در سینه شماست و تا کامل عیار سازد
مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝۱۰ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا
 آنچه در دل شماست و خدا دانا است آنچه در سینه است هر آینه کس نیکو و نیکو اندیشند
 آنچه در دل بای تان است و خدا دانا است بر آنچه در سینه است هر آینه کس نیکو و نیکو اندیشند
مِنْكُمْ يَوْمَ التَّفَاجُجِ ۚ إِنَّهُمْ أَسْتُزَلُّوا لِمَا بَعْضُكُم مِّنْكُمْ يَكْتُمُ
 از شما روزی که بهم آمده بود و جماعه از جزاین نیست که لغز اندیشان را شیطان بیو می بعضی آنچه کردند
 از شما روزی که رو برو آوردند و فوج جزاین نیست که لغز اندیشان را شیطان بیو می بعضی آنچه کردند
وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝۱۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
 و هر آینه عفو کرد خدا از ایشان هر آینه خدا آمرزنده بر بار است ای مسلمانان
 و هر آینه عفو کرد خدا از ایشان هر آینه خدا آمرزنده بر بار است ای مسلمانان
أَلَمْ تَكُونُوا أَكْثَرِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ
 چه شد ای کفار که کافر شدند و گفتند در حق برادران خویش و قیام سفر کنند در زمین
 چه شد ای کفار که کافر شدند و گفتند در حق برادران خویش و قیام سفر کنند در زمین
أَوْ كَانُوا أَغْزَىٰ لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قَتَلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ
 یا باشند بجا و بیرون آمده است اگر می بودند ایشان نزدیک ای مردند و کشته می شدند تا گرداند خدا
 یا باشند نایان اگر می بودند نزد ما نمی مردند و کشته می شدند تا گرداند خدا
ذَلِكَ حَسْرَةٌ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُبْصِرُ وَيُبْسِطُ وَاللَّهُ بَاتِعُونَ
 این سخن را پیچ و در دل ایشان و خدا زنده می کند و می میراند و خدا بایک می کند
 این سخن را افسوس در دل بای ایشان و خدا زنده می گرداند و می میراند و خدا بایک می کند
بَصِيرٌ ۝۱۲ وَلَٰكِنْ قَتَلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مِتُّمْ لَمْ تَغْفِرُوا مِنَ اللَّهِ
 بیناست و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید هر آینه آمرزشی از خدا و
 بیناست و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید هر آینه آمرزشی از خدا و
رَحْمَةً خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ۝۱۳ وَلَٰكِنْ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ۝۱۴ وَلَٰكِنْ مِّمَّا يَجْمَعُونَ
 بخشایش بهتر است از آنچه جمع می کنند و اگر مردید یا کشته شدید البته بسوی خدا
 بخشایش بهتر است از آنچه جمع می کنند و اگر مردید یا کشته شدید البته بسوی خدا
خَشَرُونَ ۝۱۵ فِيمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا عَلِيًّا ظ
 بر آنکه خواهی شد پس به سبب مهر بانی از خدا نرم می بری بر علیه ایشان و اگر می شدی در سخت
 بر آنکه خواهی شد پس به سبب مهر بانی از خدا نرم می بری بر علیه ایشان و اگر می شدی در سخت
الْقَلْبَ لَا أَنْقُضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ
 دل بر آنکه می شدی از حوالی تو پس در غرور از ایشان و آمرزش خواه بر آینه ایشان
 دل بر آنکه می شدی از حوالی تو پس در غرور از ایشان و آمرزش خواه بر آینه ایشان

در اینجا برای آینه دل بای شان از سبب و ضعف پاک باشد لغزش بایک منافقان آشکار شود و مردم کوی خست باطن آنها را بداند ۱۲

فقرح

دل ایمن بر سر برد

من مترجم گوید چون

حضرت علی علیه

وسلم حضرت بودند

در غیبت این آیت

نازل شد تا که نما

ضانت کند ۱۲

تفسیر غالی

ع از جنس و قوم

آنهاست را بی غیر

کرد این که به آسانی

می تواند به پیروی و

نشاند و با او مکالمه

کند و با او بیفهمد

و از افکار و برکات

او هر نوع استفاده

نماید آن باز معنی

احوال و اخلاق

سوانح حیات آنها

و ریاضت و اخلاص

و بهر چیز که در امکان

خوبی آگاه می باشد

چون بهر عجزات را

در یکی از حال تمام

و خاندان خود مشاهده

می کند البته این را

بسهولت یقین حاصل

نشد و با عقل و فکر کدام

فرست تا چون به پیروی

میسوزی می گردید و

معجزاتی از وی دیده

میشد ممکن بود که

در دل ایشان می

گذشت که چون

او مخلوق خدا گمان

بوده از جنس بشر

نیست شاید این

خوارق مخصوص صورت

نوعیه و طبیعت ملک

یا جنیه او باشد و

عجز او در مقابل او

بیت و می شده نمی

تواند بهر حال مومن

باید این را احسان

نعمت بداند که به پیروی

بر آن فرستاده که

بدون زحمت از حق حضرت نسبت میدهد و می تواند و با او در یک چیز است و علی ترین مرتبه از توحید و ایمان و در حق با آنها بهر شیوه از راه و از راه خدا

وَشَارَوْهُمْ فِي الْأَرْضِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ

و مشورت کن با ایشان در زمین کار پس آنگاه که قصد عزم کردی پس استناد کن بر خدا هر آینه خدا دوست می دارد

الْمُتَوَكِّلِينَ ۝ إِنَّ يَتُوكُمُ اللَّهُ فَلاَ غَالِبَ لَكُمْ وَإنْ يَخَذِلْكُمْ

توکل کندگان را اگر قدرت دهد شمارا خدا شکست غلب نیست بر شما و اگر لغت دهد شمارا خدا شکست غلب نیست بر شما

فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

پس کیست آنکه بعد از شما را بعد از او کسی را یار کند پس کیست آنکه بعد از شما را بعد از او کسی را یار کند

الْمُؤْمِنُونَ ۝ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غُلَّ

مسلمانان و مؤمنان و چه کسی چنانست که دزدی را آورد و آنچه دزدی را چنانست که دزدی را آورد

يَوْمَ الْقِيَمَةِ ثُمَّ تَوَكَّلْ عَلَى نَفْسِكَ مَا كَسَبْتَ وَهُمْ لَا يَكْذِبُونَ ۝ ٦ ۝

روز قیامت باز تمام داده شود هر چه را اجزای آن کرده است و ایشان حق کرده نشوند و آیه

الْبَعْثُ رِضْوَانُ اللَّهِ كَمَنْ بَاغَى بِسَخَطِ اللَّهِ وَمَا أُوتِيَ مِمَّا بَشَّرَ

در پی نوبت خودی خدا را می باشد با سخط خدا و آنچه او بشارت داده است و بد جایست

هُمْ دَرَجَتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ يُصَوِّرُ مَا يَشَاءُ ۝ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى

ایشان بر سرزتاب اند نزد یک خدا و خدا بیناست با آنچه می شنود هر آینه نعمت خدا را داد خدا بر

الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ

مؤمنان آنگاه که فرستاد در میان ایشان پیغمبری از قوم ایشان بخواند بر ایشان آیات خدا را

وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي

پاک می سازد ایشان را از آلودگی ایشان را کتاب و علم و بر آینه بودند پیش ازین در

ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ أَوَلَمْ أَصَابَكُم مَصِيبٌ قَدْ أَصَابَكُمْ مِثْلُهَا قُلْ

گمراهی آشکارا آیا وقتی که رسیده بشما نیست که بدست آورده بودید و چند از آن گفتید

إِنِّي هَذَا أَقَلُّ هُمْ مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

از شما آید این معصیت بخود که آن از نزد دیکر نفوس شما است هر آینه خدا بر همه چیز توانا است

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَمَازِنَ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ ۝

و آنچه رسیده بشما روزی که بهم آمدند و گروه پس بارگاه خدا بود و تا مقیم سازد مؤمنان را

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا ۝ وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا فَمَنْ سَبِيلَ اللَّهِ

و تا بداند آنرا که منافق شدند و گفتند و از ایشان را بیاورید بجهنم در راه خدا

وَيَقُولُ الَّذِينَ نَافَقُوا هَذَا نَافِقٌ يَقُولُ كَذِبًا ۝

و می گویند این منافق است و می گویند کذب است و می گویند کذب است

وَيَقُولُ الَّذِينَ نَافَقُوا هَذَا نَافِقٌ يَقُولُ كَذِبًا ۝

و می گویند این منافق است و می گویند کذب است و می گویند کذب است

والمؤمنون

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

والمؤمنات

والمؤمنين

وَاتَّبِعُوا صَوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ ۝۳

وپیروی خشنودی خدا کردند و خدا صاحب فضل بزرگ است جز این نیست که این خبر دهنده و پیروی کردند خشنودی خدا را و خدا خداوند فضل بزرگ است جز این نیست که این خبر دهنده

الشَّيْطَانُ يَخْوفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا اللَّهَ ۝۴

شیطان است می ترساند دوستان خود را پس شما ترسید از کافران و ترسید از من اگر شیطان است می ترساند دوستانش را پس ترسید از ایشان و ترسید از من اگر ترسید

مُؤْمِنِينَ ۝۵ وَلَا يَخْرُجُكَ الدِّينُ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَكُنُ

مؤمن هستند و اندوه پیش نکنند ترا یا محمد آنانی می شتابند در لغت کفر هر آینه ایشان نیستند و اندوه پیش نگردانند ترا بیکو می شتابند در یاری کفر هر آینه ایشان هرگز

يَضُرُّوهُ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝۶

زبان ترسانند خدا را و ای خداوند عذاب هر که خداوند ایشان را هیچ بهر در آخرت و ایشان راست زبان ترسانند خدا را و ای خداوند عذاب هر که خداوند ایشان را هیچ بهر در آخرت و ایشان راست

عَذَابٍ عَظِيمٍ ۝۷ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوهُ

عذاب بزرگ هر آینه آنانی خریدند کفر را عوض ایمان هیچ زبان ترسانند عذاب بزرگ هر آینه آنانی خریدند کفر را عوض ایمان هیچ زبان ترسانند

نَفْسِيًّا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝۸ وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ

خدا را و ایشان راست عذاب دردمند و گمان نکنند کافران که مهلت دادند خدا را و ایشان راست عذاب دردمند و گمان نکنند کافران که مهلت دادند

لَهُمْ خَيْرٌ لَّأَنفُسِهِمْ إِنَّهُمْ لِيَذَادُوا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝۹

ایشان را بهتر است در حق ایشان جز این نیست که مهلت می دهم ایشان را تا زیاد شوند در کفر و ایشان راست عذاب دردمند و ایشان بهتر است در حق ایشان جز این نیست که مهلت می دهم ایشان را تا زیاد شوند در کفر و ایشان راست عذاب

أَلِيمٌ ۝۱۰ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُذِلَّ رُسُلَهُ وَلَئِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ مَا تَعْبَهُونَ حَتَّىٰ تَمُوتُوا

خوار کننده هرگز نه گذارد خدا مسلمانان را بر آنچه اعمال شما هستند بر آن تا آنکه جهان خوار کننده نیست خدا که گذارد مسلمانان را بر اعمالی که شما هستید بر آن تا آنکه جدا کند

الْخَبِيثَاتِ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ

ناپاک را از پاک و هرگز مطلع نکند خدا شما را بر غیب و لیکن خدا ناپاک را از پاک نیست خدا که مطلع گرداند شما را بر غیب و لیکن خدا

يُخَبِّرُكُم مِّن رَّسُولِهِ مَن يَشَاءُ فَاْمِنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۝۱۱ وَإِنْ تَوَمَّنُوا

برمی گزیند از پیغامبران خود هر که خواهد پس ایمان آرید بخدا و پیغامبران او و اگر ایمان آرید و برمی گزیند از پیغامبران خود هر که خواهد پس یقین کنید بر خدا و پیغمبرانش و اگر یقین کنید و

تَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝۱۲ وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنفُسُهُمْ

لغوی کنید شما را با شد مرد بزرگ و باید که گمان نکنند آنانی بخلی می کنند با آنچه خدا کرده است بر پیغمبر و اوست پس بشناس تو را بزرگ و نه بندانند آنانی بخلی می کنند با آنچه خدا کرده است

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ

خدا ایشان را از فضل خود این بخل را بهتر برای خویش بلد او بدست برای ایشان نزدیک است که بر بخل خودشان را بخورند و ایشان را خدا از فضل خود که بخل بهتر است در باره شان بلکه این بخل بد است در باره شان نزد و در محرومیشان خود بخورند و بخل را بخورند

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَذَّكَّرُ الَّذِينَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۝۱۳

روز قیامت و خدا را است پس گذارند از آسمانها و زمین و خدا را آنچه می کنند در روز قیامت و خدا را است میراث آسمانها و زمین و خدا را آنچه می کنند

خَيْرٌ ١ لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ

دانا است بر آینه شنید خدا سخن آنانکه گفتند که خدا فقیر است و ما

اغنياءُ مسكنك ما قالوا وقتلهم الانبياء بغير حق ٢ وَنَقُولُ

تو که تم دل خواهم نوشت آنچه گفتید و بنویسیم لشکر ایشان را بغير حق و بگوئیم

ذوقوا عذاب الحريق ٣ ذَلِكِ بِمَا قَدَّمْتُمْ آيِدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ

بخشید عذاب سوزنده این بدلی است که پیش فرستاده است دستهای شما پس عذاب است

بظلام للعبيد ٤ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدُ الْبَيْنَا أَلَا تَوْمِنُ

ستم کننده هست بر بندگان آنانکه گفتند که خدا حکم فرستاده است مبنوی ما که ایمان بخاریم

لِرَسُولٍ حَتَّى يَأْتِيَنَا بِقُرْآنٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ

برای شما تا آنکه بیاورد ما قرآنی که بخورد آتش و بگو آورده اند نزد یک شما پیغمبران

مَنْ قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّكْرِ قُلْتُمْ قُلْتُمْ قُلْتُمْ هُمْ أَنْ كُنْتُمْ

پیش از من مجزیه ها و آئینها که شما گفتید پس چرا گفتید ایشان را اگر هستید

صِدْقِينَ ٥ فَإِنْ كُنْ بَوَاقُ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّنْ قَبْلِكَ جَاءُوا

راستگو پس اگر بدو رخ نسبت کردند ترا بدو رخ نسبت کرده شده بودند پیغمبران پیش از تو آورده

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ٦ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ

حق با ما و صحیفه بار و کتاب روشن را هر نفسی چشیده مرگ است

وَأَنْتُمْ أَتَوْكُمْ فَأَخَذْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فَهَمَّ بِذُنُوبِكُمْ لَوْ أَنَّ لَكُمْ

و جز این نیست که تمام داده خواهید شد مزد خویش را روز قیامت پس هر که دور داشته شد از دوزخ و

أَدْخَلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَمْتَاعٌ الْعُورَى ٧

آورده شد به بهشت پس هر آینه نمرود رسیده نیست زندگانی دنیا مگر بهر فریبنده

لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ آوَوْا

البیة آزمائش کرده خواهید شد شمار اموال شما و جان شما و خواهید شنید از آنانکه کتاب داده شده اند

الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَى كَثِيرٍ أَطِيعُوا

پیش از شما و از مشرکان سرزنش بسیار و اگر صبر کنید

وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ٨ وَإِذَا أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ

و بترسید باری تا بید بر آید این خصلت از کارهاست مقصود است و یاد کن چون گرفت خدا عهد

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

و من یستجیر

وَأَخْزَيْنَاهُمُ الْقَيْمَةَ ۚ إِنَّكَ أَلَمُ تُخْلِفُ الْمَعَادَ ۚ وَأَسْتَجَابَ لَهُمْ

در سواکن بار و روز قیامت
بر آئینه کو خلاف نمی گوی و عده را (سور) فتی که و دعا بر آینه را

لا ضيق عليكم

پرونده کار ایرانشان با یکدیگر منافع نمی سازم علی بیچم علی گفته از شما از مردی از آن گفته شما

٢٥٠

ایفس لعن است پس آنانکه بجهت کردند و بیرون کرده شده از خانه های خویش در پناهنده شدند

بعضی است علی ایضا بجزت کردند و بدون کرده شدند از خانه های شان و رنجانده شدند

در راه من و جنگ کردند و کشته شدند البته دور کشته
از ایشان

در راه من و جنگ کردند و کشته شدند بهر آئینه دور می کنم از اربابان بدی بای شان را و

ادخلته جهنم بغيري من شجرة الانهر ثوابا من عند الله

بر آئینه می در ارم ایشان را در باغ که می رود از زیر آن جوی با ثواب از جانب خدا

اللَّهُ عِنْدَهُ حَسَنُ الثَّوَابِ ﴿٥﴾ لَا يَمُرُّ بَيْنَكَ وَتِلْكَ الْأَمْثَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي

و خداوند دین دوست پادشاه نیک
و خداوند دوست نیک تو را

الْبَادِ مَتَا وَلِيْلًا

شماره ۱ این بیرو مندی اندک است بعد از آن جائے ایشان در دوش باشد دو سے چو جائے است

است و بد جای است

لیکن انانکہ ترسیدند از ہمدردی و غم خود ایشان راست بوسہ تنہا میرود زیرا ان جو نہا چادہیان

این آیه را می بیند از پروردگار خود این را راست باطنها که می رود از سر آن جوینها همیشه باشد

وَمَا يَحْمِلُ اللَّهُ وَأَمَّا يَكُنِ اللَّهُ فِي ذَرْبٍ مَّيِّتًا

و آن مهیاتی است از نزد خدا سفا و آنچه نزد خداست بهتر است میگویند آن را و میگویند از

قُلِ الْكِتَابُ نُزُلٌ مِّنْ رَبِّي بِالْحُكْمِ وَمَا يُنْزَلُ

این کتاب که ایقان نمی آوردند بخدا و آنچه فرو فرستاده شده بنگاه آنچه فرو فرستاده شده

لَهُمْ خَشِيعَتٌ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمًّا قَلِيلًا وَلِلَّهِ

سوی ایشان فروخته کنندگان برائے خدا می ستانند و عرض آیتهاے خدا بهائے اندک آن گروه
 ایشان عاجز کنندگان از برادر خدا آنست که خدا بپای اندک آن گروه

وَأَمَّا الْفُلُ فَأُرْسِلَتْ بِرَحْمَةٍ مِنَّا لِيُبَيِّنَ مَا بَيْنَ أَيْمَانِهِ هَذِهِ وَأَوَّلَ الْمُشْرِكِينَ

شان راست مزدیابن نژد یک پروردگار ایشان هرگز نبوده خدا نژد حساب کشنده است اے مومنان

برای این که در این حساب برآید که در این حساب

میرنگه و محنت کشید و برای جهاد آماده باشید و ترسید از خدا باشد که رستگار شوید

بهر کنید و مات قدم باشید در مقابل و آمادہ باشید و بفرساید از خدا تا رستگار شوید

و این سخن در جهان و در خوردن و نوشیدن اندیشه می‌دست نه پاشند؛ اجزای و اساسی‌های سبزی و میوه بیرون زحمت با و بهیای با



فلما جاء بليت
اولها من وخران
يقربا نندابنا
اعام ايشان را -

بنكاح خدی آوردند
والفحائ حقوق نفوح
نئی کردند خدای تعالی
آیت فرستاد ۱۲
یعنی بر سفید جگر و لید
کرد و اموال ایشان
که حقیقت هر یک
آن شفع اندر وسط
یا بواسطه دست ایشان
داده ضایع نه باید
ساخت و الله اعلم
و این در ایام صبا
و این باغ خوند
۱۲ یعنی در سفر
ایشان ۱۲
و می تمیز کرد و اگر
باشد از اموال نیم
چیز نگذرد ۱۳

تفسیر عثمانی
۵ از نكاح بابك
زن یا نكاح بر یک
کثیر یا چند کثیر یا
کردن یک کثیر یا
چند کثیر بابك نكاح
از این سخنان توفیق
آن است که شاز
عدل و انصاف بخون
تشرید زیر حقوق
کند من منکوحه است
کثیر زن منکوحه را

نیست اگر در میان
آنها عدالت نکند
بر شما مودعه نمی
باشد کثیر را هر نیست
و معاشرت آنها را
کدام حد متعینی
نماند با هر یک چند
زن دارد و بر وی واجب
است که خود را
و پوشاک و نوبت با
شمار مساوات و
برابری نماید که
مساوات نمی کند در قیامت

سُورَةُ النَّسَاءِ مَكِّيَّةٌ مِنْ ثَمَانِيَةِ وَ سَبْعِينَ آيَةً وَأَرْبَعٌ وَ عَشْرُونَ كُتِبَتْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْيَهُمُّ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَ

بایقان اموال ایشان را در خوردن آن اموال را با اسراف و دستکاری از مناس آنکه بزرگ شوند و

مَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ

هر که باشد تو گری پس باید که پیر بزرگاری کند و هر که فقیر باشد پس باید که بخورد

بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَنْتُمْ حَرَامٌ

بوجه پسندیده پس چون رسانید بایقان اموال ایشان را گواه گیرید بر ایشان

وَكُفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا ۝ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

و پس است بحقیقت خدا حساب کننده مردان را چه هست از آنچه بجزارند پدر و مادر

وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

و خویشان و زنان را نیز چه هست از آنچه بجزارند پدر و مادر

وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ۝ وَإِذَا

و خویشان از آنچه کم باشد از مال یا بسیار چه مقرر کرده شده و چون

خَصَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالسَّبِيكِينَ فَأَرْزُقُوهُمْ

حاضر شوند نزد یک قسمت میراث خویشان و یتیمان و سبیهان پس بدید ایشان را

مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝ وَلِيخَشِ الَّذِينَ فِي بُيُوتِكُمْ

چیز از آن و بگویند بایشان سخن نیکی و باید که بترسند از خدا آنکه اگر نزدیک شوند از کجایی

مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّتَهُ ضَعُفًا خَافُوا عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ

پس خود اولاد ناتوان را خائف باشند بر ایشان که ضایع شوند پس باید که از خدا بترسند

وَلْيَقُولُوا اقْوَالًا سَدِيدًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى

و باید که بگویند سخن راست هر آینه آنکه می خوردند مال بای یتیمان را

ظُلْمًا إِنَّهَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ۝

ظلم جز این نیست که می خوردند در شکم های خویشان آتش را و زود می در آیند

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلَّذِي يُلَدُّ ذَكَرًا وَنُثْيًا لِلَّذِي يُلَدُّ

حکم می کند خدا در حق اولاد شما که مرد راست مانند چه دوزخ پس اگر اولاد

نِسَاءً فَوَاقِلُ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ

مرد و زن باشند از دو پس ایشان راست و دو سوم چه از آنچه است و اگر باشد دوزخ پس اگر اولاد

زنان زیاد از دو پس هر آن بار است و ثلث آن چه است از آن و اگر باشد دوزخ پس اگر اولاد

فصل فی مردان و زنان
هر دو چه در تقاضا هر
مال که باشد بود یا
بسیار و درین رو است
بر اهل جا بلیت که
زنان را چه بپسندند
۱۳ و فی حق خویشان
غیر وارث و بیضی
بطریق استحباب ۱۲
و فی حق آنکه اولاد
و مقتدا باشند بهر چه
و صیت کنند که اولاد
را ضرر نرسد و این
مقتداست در شرع
سوم چه مال یا کم
از مال و الله اعلم ۱۲
و هر چه مقرر گوید حکم
دو و غیره مثلشان
است و الله اعلم
تفسیر عثمانی
عده در شای چه
افراد خانواده برای
تقسیم میراث اگر چه بی
آنها و آنکه در خانه
باشد که با آنها میراث
نرسد یا تیم و محتاج
باشند بآن باطعامی
داده و رخصت کنند
و صاحب موقع از تر
که نیز بآن با چیزی
بدید این و نقد
مستحب است اگر
در مال متروک دادن
عالم یا چیزی و غیره
و اگر بایش عمارت
باشد مثل مال
۱۴ متروک که انشیم باشد
و صیت نیز در آن
و صیتی نکرده باشد
آن باید سخن معقول
و طاعت و صیغی
نرمی و از مجربیت
خود حد گذارد که این مال
کودک پدر مرده است
و صیت نیز و صیتی بخوبی
در آن غایب و گفتند
کوفی و انان بر علی و از بیم سخن ملوک و رعایه و یتیمان و سبکی که قربت و دور علی و آن بلیست است بنام تقسیم میراث حتی اگر امکان باشد ایشان

دل منی مایق بران
 پدر است ۱۲
 یعنی برادران یا خواهر
 حصه مادر ناقص
 میسرند اگر چه خود
 چیزی نباشد یک
 برادر و یک خواهر
 ناقص نمی سازد
 ۱۰ الله اعلم ۱۲
 یعنی اگر وصیت باشد
 نخست ادای وصیت
 کنند و اگر دین باشد
 نخست ادای دین
 کنند ۱۳
 کلام آنست که پدر و
 فرزندان و ۱۴
 یعنی اخیانی ۱۵
 یعنی وصیت که زیاد
 از ثلث بود اعتبار
 ندارد و الله اعلم ۱۶
 تفسیر ثانی
 ۱۷ اکنون میراث
 پدر و مادر و سه
 صورت بیان می کند
 اول که میت اولاد
 داشته باشد پدر
 یا دختر حصه ششم مال
 مقرر که به هر یک از
 پدر و مادر می رسد
 حصه صورت دوم این
 است که میت یکی
 اولاد نداشته باشد
 تنها پدر و مادر و
 او باشد یک ثلث
 مال مقرر که به مادر و
 دو ثلث باقی مانده به
 پدر می رسد ۳
 صورت سوم این است
 که میت بیشتر از یک
 برادر و خواهر داشته
 باشد به این با حقیق
 باشد به هر یک در یک
 یا در مادر شریک باشد
 وصیت اولاد غیر تمام
 باشد حصه ششم مادر
 می رسد و بقیه تمام
 پدر داده میشود برادر و خواهر را چیزی داده نمی شود و اگر میت یک برادر یا یک خواهر داشته باشد چنانچه در صورت دوم ذکر شد یک ثلث به مادر و دو ثلث به پدر می رسد

وَلَا يُوْثِرُ لَكُمْ وَأَحَدٌ مِنْهُمَا الشَّدُّ سُمْ مَا تَرَكُوا إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ
 و نیست پدر و مادر میت را هر یک را از ایشان ششم حصه از آنچه بجا مانده است اگر باشد میت را فرزندان
 و مرد و مادر میت را برای هر یک از آن دو شش یک است از آن مالی که گذاشته اگر باشد میت را فرزندان
فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوهُ فَلَا مِيرَاثَ لَهُ فَإِنْ كَانَ لَهُ
 پس اگر نباشد او را فرزندی و وارث او پدر و مادر او شوند پس هست مادرش را سوم حصه دل پس اگر باشد میت را
 (پس) اگر نباشد او را فرزندی و وارث مال او پدر و مادر او باشند (پس) مادر او است هر یک عمل پس اگر باشد او را
أَخُوهُ فَلَا مِيرَاثَ لَهُ سُمْ مِنْ بَعْدُ وَصِيَّةٌ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٌ أَبُوهُ
 برادران نیست مادرش را ششم حصه دل و این تقسیم بجا آید و وصیتی است که میت بآن فرموده یا بعد از آنست که
 برادران پس مادر او است شش یک به بعد از ادای وصیت است که کرده بآن یا بعد از دین برادران شش
وَأَبْنَاهُ ثُمَّ لَتَرَوْهُمْ آبَاءُكُمْ قَرِيبٌ لَكُمْ نَفْعًا لَكُمْ وَرِثَةً مِنْ اللَّهِ إِنْ
 و پس بران شما نمیدانید که کدام یک از ایشان نزد یک است و رفع رسانید آن حصه معین کرده باشد از جانب پدر
 و پس بران شما نمیدانید که ام آنها نزدیک تر است بشمار رفع رسانید آن حصه معین شده است از جانب خدا هر یک از شما
اللَّهُ كَانَ عَلَيْكُمْ لَكُمْ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ آؤُاؤُكُمْ إِنْ لَمْ
 هست خدا دانا استوار کار و شمار است بعد از آنچه بجا مانده است اند زمان شما اگر نباشد
 هست و انانیا حکمت و شمار است بر مالی که گذاشته زمان شما اگر نباشد
يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرِّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ
 ایشان را فرزندان پس اگر ایشان را فرزندان داشته باشد شمار است چهارم حصه از آنچه بجا مانده است از بعد
 آنان زمان را فرزندان پس اگر باشد ایشان را فرزندی (پس) بقامت چار یک از آنچه بجا مانده است از پس
بَعْدُ وَصِيَّةٌ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٌ وَلَهُنَّ الرِّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِنْ لَمْ يَكُنْ
 ادای وصیت که بآن فرموده باشد یا بعد از ادای دین و زمان راست چهارم حصه از آنچه بجا مانده است از بعد
 از وصیت که کرده باشند به آن یا بعد از ادای دین و زمان راست چار یک از آنچه بجا مانده است اگر نباشد
لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّلُثُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ
 شمار فرزندان پس اگر باشد شمار فرزندان پس از زمان راست ششم حصه از آنچه بجا مانده است از بعد
 بقا فرزندی (پس) اگر باشد شمار فرزندی (پس) از زمان راست شش یک از آنچه بجا مانده است از پس
وَصِيَّةٌ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٌ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورِثُ كَلَّةً أَوْ
 ادای وصیت که بآن فرموده باشد یا ادای دین و اگر مرد مرده که ادای میراث می خواست یا
 وصیتی که کرده باشد به آن یا بعد از ادای دین و اگر باشد مردی که از وی میراث برود یا شود به والد و ولد یا
أَمْرًا وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلٍّ وَاحِدٌ مِّنْهُمَا الشَّدُّ سُمْ فَإِنْ
 زن مرده کلام باشد و او را برادر است یا خواهر است پس هر یک از ایشان راست ششم حصه پس اگر
 زن کلام باشد و او را برادر یا خواهر پس هر یک از آن دو راست شش یک پس اگر
كَانُوا أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدُ وَصِيَّةٌ
 اخیانان زیاد ازین باشند پس ایشان با هم شریک اند در سوم حصه بعد ادای وصیت
 باشند بیشتر از این (پس) ایشان شریکند در سه یک (پس) از وصیتی
يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٌ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ
 که بآن فرموده باشد یا بعد از ادای دین غیر مضار رساننده باشد و می مکم کرده شده است از جانب خدا و خداوند
 که شده باشد به آن یا بعد از دین غیر مضار رساننده باشد این علم است از جانب خدا و خداوند هر چه خواهد
حَلِيمٌ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ
 برادر است این حکم با حدود خداست و هر که اطاعت کند حکم خدا و پیغمبرش را می دهد او را در آید
 برادر است این حکم با حدود خداست و هر که اطاعت کند حکم خدا و پیغمبرش را می دهد او را در آید

بِمَنْتَجِرِي مِنْ تَحْتِهَا أَنْ هَرُخِلْدُنَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْ الْعَظِيمُ ٥

در باغ با که میرود از زیر آن جوی که جادوان در آن
و این است مطلب یا بی بزرگ و این است کامیابی بزرگ

وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا

و کسی که انرا می کند خدا و پیغمبرش را در بخاوند از عدد او می اندازد او را در آتش جادوان

وَالَّتِي يَأْتِيَنِ الْفَاحِشَةَ مِنْ نِسَائِهِ

دران دمراد است غدا بخت آور و آنکه زن نکند از زمان شها

بر ایشان چهارم از جنس عیسی و پس اگر گواهی دادند محجوب، کنند ایشان

فی السوت حم تتفهین الموت و الحیاة

در خانه تا آنکه علم ایشان را تمام کند مرگ یا مقرر کند خدای تعالی برای ایشان را یکی
در خانه تا آنکه علم ایشان را تمام کند مرگ یا مقرر کند خدای تعالی برای ایشان را یکی

وَالَّذِينَ يَأْتِيهِمْ مِنْكُمْ فَادُّوهُمْ هَاهُنَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا

و آن دو کس که ز نای گنبد از شتاب آزاد و هیدایتان را پس اگر توبه کردند و تبتو کاری پیش گرفتند پس از آن
و آن دو مرد که بدکاری گنبد از شتابان را پس از آن توبه کردند و اصلاح نمودند و در این راه

عَنْهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ مُؤَابَا رَحِيمًا ﴿٢﴾ إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ

از آنجا که هر یک از اینها بر خداوند نوبه مهری است جز این نیست که قبول نوبه بر خداست (از روی نظر ابراهیم)

يعلمون الشئ بجهالة ثم يتوبون من قريب فأولئك يتوبون

باز تو بهی کنند در نزدیکی (پس) آن گروه نمی کشند

وكان الله عليا حيا (٣) وليست التوبة للذين

و اما خدا را با حکمت عظمی و نیست قبول تو به مرکب را

کرمی کنند میبایستی تا آنکه که پیش آید کسی را از ایشان را مرگ گفت هر یک از من تو بودی کرم

النَّاسِ وَلَا الَّذِينَ يَمْوَنُونَ وَهُمْ كَفَّارٌ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا

الحال: نه آن کسان را است که کافر نمیرند این گروه آماده مسافرت برای ایشان عذاب
النور: نه آن کسان را که می میرند در حالی که ایشان کامل باشند آن گروه میسبب کرد دیگر ایشان را عذاب


يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الرِّجَالُ لَكُمْ أَنْ تَكُونُوا النِّسَاءَ كَرِهَ اللَّهُ

دردمندہ اسے مومنان
حلال نیست شمارا کہ میراث گیرید زمان را بزرگسختی و

تَقْضُوا مِنْ لَدُنْهُمْ أَوْ يَكْتُمُوا أَلْفًا مِنْكُمْ أَوْ يَخْلَفُونَ

مع حارید ایشان را از نکاح تا باز ستانید چیزی که داده اید یا ایشان محکم کند کار به حیاتی

سبب از آنکه تمام کس بیاد آنی گناه کرده و گناه سرمدی تو به نکرده خدا با حکمت است هر چه که سوا حق مکت است و مست فرین اجابت می گردد



مُبَيِّنَاتٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى

آنست که اگر با او در زندگی که کند از آن بوجه پسندیده زیر که اگر ناپسندیدند یا پسندید

آن تکرهوا شیئا ویجعل الله فیہ خیرا کثیرا ۝ وَاِنْ

که ناپسندید چیزی را و پیدا کند خدای تعالی در آن چیز خیر بسیار و اگر

أَرَدْتُمْ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ مِّمَّا كَانُ زَوْجَکُمْ وَکَانَ زَوْجُکُمْ فُطْرًا

خواهید بدل کردن زن بجای زن و داده باشید یکی از ایشان را مال بسیار

فَلَا تَأْخُذْ وَامْنَدُ شَیْطَانٍ تَأْخُذُکُمْ وَهُوَ یُهْتَنَا وَهً ۚ وَاشْهَدُوا مِیْنَنَا ۝ وَ

پس باز نگیرید از آن مال چیزی را آیمای گیرید آنرا بستم و شدی آنست که اگر

کَیْفَ تَأْخُذُکُمْ وَهً ۚ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُکُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَتَأْخُذُکُم مِّنْکُمْ

چگونه می گیرید آن را حال آنکه رسیده است بعضی شما ببعضی و اگر فتند از آن

مِثْلًا قَاطِعًا ۚ وَلَا تَتَّخِذُوا مَالَکُمْ آبَاءُکُمْ مِّنَ النِّسَاءِ الْأَمَّا

از شما عهد محکم را و نکاح کنید کسی را که نکاح با او کرده باشید پدران شما از زمان لیکن آن

قَدْ سَلَفَ ۚ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ۝ حُرِّمَتْ

گذشت عفو است بر آنچه این هست کار بد و مبعوض داین بدی است حرام کرده شد

عَلَیْکُمْ أُمَّهَاتُکُمْ وَبَنَاتُکُمْ وَأَخَوَتُکُمْ وَعَمَّاتُکُمْ وَخَالَاتُکُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ

بر شما مادران شما و دختران شما و خواهران شما و خواهران مادران شما و دختران برادر و دختران

وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأَخِ

و آن مادران شما که غیر داده اند شما و خواهران شما از جهت

وَأُمَّهَاتُ نِسَائِکُمْ وَزَوَّجَاتُکُمُ الَّتِی فِی حُجُورِکُمْ مِّنْ نِّسَائِکُمُ الَّتِی

و مادران زنان شما و دختران زنان شما که در کنار شما می باشند از لیکن آن زنان شما که

دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَیْکُمْ وَ

و طی کرده باشید ایشان پس اگر و طی نه کرده باشید ایشان پس هیچ گناه نیست بر شما و

حَلَالٌ لَّکُم مَّا بَلَغَکُمُ الدِّیْنُ مِنْ أَصْلَابِکُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَیْنِ

زنان پس آن شما که از پشت شما باشند و حرام کرده شد آن که جمع کنید میان

الْأَخْتِیْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا

و خواهر لیکن آنچه گذشت عفو است بر آنچه خدا است

و خواهر لیکن آنچه گذشت عفو است بر آنچه خدا است

فما یعنی مال بسیار
در مهر داده باشند یا
فما یعنی مباشرت کردن
و یعنی ایجاب و
قبول حضور شوهر و
آمدن یعنی دانستن
و یعنی سر خوانه
۱۱ تفسیر عثمانی
عده بعد از بیان هر سه
مادر اندر حکم تمام آن
زنان میان می شود که
توابع نشان جا نزد نیست
و آن با بر چند نوعند
اول زمانی که پیشوند
که بنا بر علاقه و نسب
حرامند و آن بوقت
اند مادر و دختر خواهر
عمه و خاله و دختر برادر
دختر خواهر نکاح
این با جایز نیست
(فایده) مادر و
کلان پدری و
مادری بقدر
بالا برود در ۱۳
حکم مادر و نو اسیر
با دختری هر چه با آن
باشد در حکم دختر و
خواهر یعنی و عطانی
و اخائی هم در حکم
خواهر و خواهر یعنی
یا عطانی یا اخائی
اچرا در حکم عمه
سه نوع خواهر برادر
و عده جدا در حکم
خاله و بر سه نوع دختر
برادر و اولاد اولاد
آن مادر و حکم دختر
برادر و بر سه قسم اولاد
خواهر و اولاد اولاد
آن مادر و حکم دختر
و اخائی عمه بعد از
محرمات نسبی اکنون
محرمات رضائی بیان
میشود و آن دو نوع
است مادر و خواهر و
در این اشارت است
که آن بوقت رفته که در نسب بیان شده در صفت نیز حرام می باشد یعنی دختر عمه خاله و دختر خواهر برادر رضائی نیز حرام می باشد که حکم آن در احادیث شریف وجود دارد

فتح الرحمن
 ملائکی الیک یسر
 بنیاتی بنیاد خود را
 گناه کبیره است که
 بران حد شروع
 شد یا و عده دوزخ
 کرده آمد یا بفرستی
 شد و قرآن یا است
 میجو هر که از کبائر
 اجتناب کند صغار
 او را نخل دوزخ و
 عده نالودی سازه
 و الله اعلم
 حلیف و ارمایت
 کردن یا وصیت کردن
 میتواند ایضا نماید
 میراث و غلظت
 و میراث برای اقربا
 مقرر کرده شد و الله
 اعلم
 انک مردان در اصل
 جبلت بهتر اند از
 زنان ۱۲-
 تفسیر عثمانی
 عه خدا انسان را
 ناتوان آفریده و بر
 حضرت وی روشن
 است که این مخلوق
 ضعیف بر شهوات
 و تمایلات خویش تاراج
 کند مگر کسی که تواند
 لهذا در هر حکمی تحقیق
 نمود و شسته جنبی
 نیست که هر چه انسان
 یسود و منداخته چه
 آسان و چه سخت
 بروی تحصیل کرده
 شده باشد و متذکر
 از شهوات زن ۵
 بر مرد پس ۶
 و شود بود ۷
 برای انجام ۲
 خواش و خداوند
 طریقه های مانعی
 و انغوده است که
 ازین مطلب بخوش
 را حاصل نماید
 انکه وی را از انجام

وَاللّٰهُ يُرِيدُ اَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ اَلَّذِيْنَ يَتَّبِعُونَ الشَّهْوَاتِ
 و خدا می خواهد که بر حق باز گردد بر شما و می خواهد که آنکه پیروی
 و خدا می خواهد که متوجه شود بر شما (بر حق باز گردد) و می خواهد که آنکه پیروی می کند شهوات بار
 اَنْ تَسِيءُوْا مِمَّا عَظَمْتُمْ ۝ يُرِيدُ اللّٰهُ اَنْ يَخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ
 که بخوردی کنید بخوردی عظیم می خواهد خدا که سبک کند از شما و انسان
 اگر شما بگردید از راه بسوی او می خواهد خدا که سبک کند از شما و ۳ آمده شده انسان
 الْاِنْسَانَ ضَعِيْفًا ۝ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا لَا تَاْكُلُوْا اَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ
 طعيفت آفریده شده است اسے مومنان بخورید اموال خود را در میان خویش
 نالوان اسے مومنان بخورید اموال خویش را در میان خویش
 بِالْبَاطِلِ اَلَا اَنْ تَكُوْنَ تِجَارَةٌ عَنْ تَرَاۤىِٕصٍ مِّنْكُمْ تَقُوْلُوْنَ لَا تَقْضُوْا
 بناحق و باطل لیکن بخورید و قیلتکه آن دوستد تجارت باشد پس رضامندی یک دیگر از شما و مشکید
 بناحق مگر که باشد تجارت بخوشنودی یک دیگر از شما و مشکید
 اَنْفُسَكُمْ ۝ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيْمًا ۝ وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ عُدُوًّا وَاَنَآءً
 خویش تن را هر آینه خدا هست لبقا مهربان و بر کینه کند بتقدی و
 خویش تن را هر آینه خدا هست بشما مهربان و بر کینه کند این کار را به تعدی و
 ظُلْمًا فَسَوْفَ نَصِلِيْهِ نَارًا وَاَوْ كَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرًا ۝ اِنْ
 ستم در آید پیش بدو زح و این بر خدا آسان است اگر
 ستم پس زود بتفطیس در آتش و هست این بر خدا آسان اگر
 لِحَبِيْبِهِۦ اَكْبَرُ ۝ اَلَّذِيْنَ هُوَ عَنْكُمْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ اِنَّ اللّٰهَ يَدْعُوْا اِلَيْهِۦ
 است از کنید از کبائر منتهیات نابود سازیم از شما صغائر شمارا و در آیم استعبارا
 شما از کتاب کنید گنا بان بزرگی را که نمی کرده شده اید از آن اود در آیم از شما بجهت کینه بان صغائر شمارا و در آیم شمار
 لَكَ خَلَاۤئِفًا ۝ وَلَا تَقْتُلُوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهِۦ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ
 بمن گرامی و بمن مکنید مرتبه را که خدای تعالی بان بزرگی داده بعضی را از شما بر بعضی
 در مقام گرامی و بمن مکنید آنچه را که بزرگی داده خدا به آن بعضی شمارا بر بعضی
 لِلرِّجَالِ نَصِيْبٌ مِّمَّا اَتَسِبُوا وَاِلَى النِّسَاءِ نَصِيْبٌ مِّمَّا اَكْتَسَبْنَ وَسَأَلُوْا
 مردان را هست بهره از آنچه حاصل کرده اند و زنان را هست بهره از آنچه حاصل کرده اند و سوال کنید
 مردان را حصه است از آنچه اکتساب کرده اند و زنان را حصه است از آنچه اکتساب کرده اند و سوال کنید
 اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِۦ ۝ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمًا ۝ وَلِكُلِّ جَعَلْنَا
 بختاب خدا از بخش یقین او بر آینه خدا هست بهره چیز دانا و مقرر کردیم و از شما
 بر ختاب الهی از بخش یقین او بر آینه خدا هست بهره چیز دانا و مقرر کردیم و از شما
 مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْاَقْرَبُوْنَ ۝ وَالَّذِيْنَ عَقَدْتَ اِيْمَانًا مِّنْكُمْ
 برای هر چیزی از آنچه گذارسته اند پدر و مادر و خویشان و آنکه شما از امر و بساخته است عهد شما
 از آنچه گذارسته اند و پدر و نزدیکان و کسانی را که بسته است عهد های شما
 فَاتُوهُمْ نَصِيْبَهُمْ ۝ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدًا ۝ اِنَّ الرِّجَالَ
 پس بدید ایشان را بهره ایشان بر آینه خدا هست بر همه چیز حاضر و دل مردان تدبیر کار کننده
 پس بدید ایشان را بهره ایشان بر آینه خدا هست بر همه چیز حاضر و دل مردان تدبیر کار کننده
 قُوْا اٰمُوْنَ عَلَى النِّسَاءِ ۝ فَاَمَّا فَضْلُ اللّٰهِ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فَمَا اَنْتَقُوْا
 سطر شده اند بر زنان پس بدید آنکه فضل شما به است خدا بعضی را بر بعضی سبب آنکه خرچ می کردند
 سطر شده بر زنان بدان واسطه که بر مری داده خدا بعضی شان را بر بعضی و بدان واسطه که خرچ کردند
 اِنْ تَكُنْ فَاِذَا تَرَكَهُنَّ فَاَمَّا فَضْلُ اللّٰهِ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فَمَا اَنْتَقُوْا
 اگر بماند از شما پس بدید آنکه فضل شما به است خدا بعضی را بر بعضی سبب آنکه خرچ می کردند
 اگر بماند از شما بدان واسطه که بر مری داده خدا بعضی شان را بر بعضی و بدان واسطه که خرچ کردند

مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالْصَّالِحُ قَدِ انْتَحَفَتْ حِفْظُ الْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ

زبانهای خویش پس ز زبان شیخو کار فرمان بر کشیدار نند اند (مال و آبرو در) در شب شوهر به سبب حفاظت خدا

وَالَّتِي تَخَافُ مِنْ نَسْوِزِهِمْ فِعْظُوهُمْ ۖ وَالْهَيَّوْهُمْ فِي الضَّاجِرِ ۖ

و ان زمان که سوار بر اسبان پس پندید ایشان را و ترک کند ایشان را در خوابگاه و
و زمانیکه میترسید از بد خوئی ایشان را پس پندید ایشان را و جدا کند ایشان را در خوابگاه

أَصْرُوهُمْ فَإِنْ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِمْ سَنَاءً إِنَّ اللَّهَ كَانَ

بزرگداشتان را پس اگر ما بیزاری شما کردند پس بخش کنید بر ایشان را ای راهی سر آینه خدا
بزرگداشتان را پس اگر اطاعت کنند بخش کنید بر ایشان راه الزام را سر آینه خدا

عَلِيًّا كَبِيرًا ۝ وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا أَحْكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ

بست از بهر بلند بزرگ عهده و اگر ترسیده به خلاف بین زوجهن را از سر لغو شد متصرف از اقدار سه

وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يَّرِيدْ إِصْلَاحًا يَّرِيقْ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنِ اللَّهُ كَانَ

صلی علیہ وسلم از او کلام زن اگر این صلح کاران بخوانند صلح را البته موافقت کند خدا در میان ایشان هرگز نیست خدا

عَلَيْمًا خَيْرًا ٢) وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا شَيْءَ إِلَّا بِهِ شَعَائِرَ الْبَاطِلِ

و بهرستید خدایا و بزرگای او مقرر کنید چیز سعادتی و بهر پدر و مادر

حُسَانًا وَيُذِي الْقَمِي وَالْيَمِي وَالْمَسْكُونِ وَالْمَكْرُوفِي (الق)

نیوکاری کند و نیوستان و نیهان و گدایان و نیسایه خویش وند و

وَالْقَاهِرُ الْغَنِيُّ وَالْكَرِيمُ

و کما یختم دست شما مالک ارشد و

الله اعلم بالصواب

آنچه خدا دوست ندارد کسی را که یا شرمش کند خود ستا سیره دوست ندارد آنان را که بخل می کنند و مردان را

لَدَاكَ بِالْحَقِّ وَكَتَبْتَ لَهُمْ

بجای میفرماید و می پوشید. بیک خدا داد است ایشان را از فعل خود و آگاه ساخته ایم

[illegible]

ایرانی کافران عذاب رسوا کنند و آلمان را که هر چه می کنند اموال خود را برای نمودن

[illegible]

درمان و معجزه نعمت بخدا و روز قیامت در هر کس شیطان یار

وایمان نمی آرند بخدا و نه بیروز آید و کسی که باشد شیطان

و یا شد پس وی بدیاری است و چه زیان بود بر ایشان اگر ایمان می آورده وند سجد و در روز آخر

و یاری است سلطان و چه مراست بر ایشان اگر ایام می آورند سجدا و روز رستاخیز

است در مقامات ارکان بدنام نباشید و به گفته اندک سترگی بزرگ مدعیید هرگاه حقی داند و ردق در مرتبه آخرین است ۱۲-

و اما فی مال و دیر و در
 ۱۲ و در این آیت
 بیان فرمود که مرد و زن
 رواست بسبب فضل
 جلی و بسبب لفاق
 و زن صاحب کس
 است که فرزنداری
 کند و حفظ مال نماید
 و الله اعلم ۱۳ و
 یعنی مباشرت مکنت
 و بیعی حیل ایضا
 و در آن مجسم کنید
 و الله اعلم ۱۴ و
 غلامان و دکن زمان ۱۵
 تفسیر عثمانی
 و برگاه زنی باشد
 برش بدخوی و مستیز
 کند و او شوهر بزمان
 بفرماند و بند و مالگر
 اصلاح نشود و در مرتبه
 دوم مرد و همان خانه
 جدا بخوابد اگر از هم
 نپذیرد و در مرتبه سوم
 او را بزند اما چنانکه
 نشان ضرب ماند
 استخوان و می بشکند
 بر تفسیری مرتبه اول
 که وقت آن تا دو مرتبه
 تئیه بر عمل آید و هر
 مرتبه در این آیت مذکور
 است و زن مرتبه
 آخرین است و درگاه
 مذکور زن جانگر
 است و در قصور
 فرید باک ندارد و اما
 مستخوان نشکند و بشر
 فرغ باقی باشد اگر
 نان به پند و جعفر اثر
 ضرب انداخته و زنا
 طری باز آید و طاهر
 تا طبع خود نشما
 زین کنند و گناه
 بار ابدی گیرید و
 خدا بر حید و در
 بعد از آن آیت شریف
 و هر که شایع

حاکم است در معاملات زنان بدمان بهشتید و به گفته اندک سفرای بزرگ مدیید هرگز نه هدی دارد و ذوق در مرتبه آخرین است ۱۲-

و این پنج از ایشان نامی و ششانی نامند ۱۲
و این کلمه قبل از تحریر فرمودند بدانستنی
بالکلیه حرام شد و البته اعلم ۱۳
و مترجم گوید که خداوند عزوجل در پیرو و تمنا و قیام
ایشان آیات و دستاویزهای
در این بزم بیان حال ۱۴
تقریباً در این آیات بیان بعضی از قبایل و دسایس یهود است
پیرو و ابر کفر و گمراهی شان و دیگران را به احترام از آن باطل می نماید چنان که از ان الله لا یحب من کان یحسب ان خود را با یارها الذین آمنوا لا یحبون
تقریباً الصدوق معایب یهود ذکر کرده است در میان ضایع مناسب مخصوص ادای نماز در حال
مکروه جنابت همانوقت شده و اینک باز می فرماید
پیوسته از کتاب یا قدس یعنی کلمات را برای خواندن فراموش کنند
اما از عمل آن که قصه اصلیت اعراض نمودند و گمراهی را خریدند یعنی احوال او صفات بی غیر از او را را برای حصول عزت و تفاخر ایم نمودن پرل شوق پنهان می دارند و خود را به بخار انگیز می خوانند مسلماً نیز از دین برگردند و گمراه شوند ای مسلمانان خدا دشمنان شمارا خوبی ستاندا باشد از معرفت آنها هر چه عاجزید بفرمان خدا الطینان کنید و از ان با عذر نماید خداوند کبر مقتال برای دفع و نگهبانی شایسته نقص و زحمت که نیست

وَأَنْفَقُوا مِنْ رِزْقِهِمْ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهُمْ عَلِيماً ۝۱۰ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝۱۱
و هر چه می کردند از آنچه خدا داده است ایشان را و هست خدا بایشان دانای و هر آینه خدا ستم کننده و خیر می کردند از آنچه داده بایشان خدا و هست خدا به ایشان دانای هر آینه خدا ظلم نمیکند
مَثَقَالِ ذَرَّةٍ ۝۱۲ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً لِيُضْعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ ۝۱۳
وزن ذره و اگر آن عمل نیکی باشد و در خداوند کندش و دیدد از نزد یک خود بوزن ذره و اگر باشد نیکی و در چند میگرداند آنرا و میدهد از نزد خود
أَجْرًا عَظِيماً ۝۱۴ فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ ۝۱۵
مزد بزرگ پس چه حال باشد آنگاه که بیاریم از هر قوم گواهی را و بیاریم ترا اجر بزرگ (پس) چگونه است آنگاه که بیاریم از هر امت گواهی و بیاوریم ترا
عَلَىٰ هَؤُلَاءِ شَهِيدٌ ۝۱۶ يُؤْمِدُ يُؤَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ ۝۱۷
گواه بر این امت آنروز آرزو کنند آنرا که کافر شدند و از امرانی پیغمبر کردند بر این با گواه آن روز آرزو کنند کسی که کافرند و زمان چوده اند پیغمبر را
لَوْ كَسَوُا فِيهِمُ الْأَرْضَ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهُ حَدِيثًا بَيِّنًا ۝۱۸
کاش بر ایشان زمین را عموار کرده شود و بپوشند از خدا باین سخن ای مومنان کاش برابر شود به ایشان زمین و پوشیده نتوانند از خدا باین سخن ای مومنان
أَمِنُوا إِلَّا تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ ۝۱۹
بنماز نزدیک مشوید حال آنکه شما مست باشید تا آنکه بفهمید آنچه بزمیان می گوئید و در به نماز نزدیک مشوید در حالیکه شما مست باشید تا آنکه بدانید آنچه را می گوئید و نزدیک مشوید
لَا جُنْدًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا ۝۲۰ وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ ۝۲۱
بنماز نزدیک مشوید در حال جنابت تا آنکه غسل کنید مگر آنکه مریب باشید و اگر بیمار باشید یا مسافر به نماز در حال جنابت مگر آن گاه که روان باشید بر راه سفر تا وقتیکه غسل کنید و اگر بیمار باشید یا مسافر
أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَايَةِ أَوْ أَلَسْتُمْ مِنَ النِّسَاءِ فَلَمْ تُجِدُوا مَاءً ۝۲۲
یا بیاید کسی از شما از جای ضرور یا مهاجرت زمان کنید و نیابید آب را یا بیاید یکی از شما از قضای حاجت یا مهاجرت کند با زمان (پس) نیابید آب را
فَتَيَسَّرُوا مِنْكُمْ ۝۲۳ فَاغْتَسِلُوا بِمَاءٍ أَوْ بِخِمْرٍ ۝۲۴ وَأَنْتُمْ يُكْمَلُ اللَّهُ كَانِ ۝۲۵
پس قصد کنید بزمین پاک پس مسح کنید بروی خویش و دستهای خویش هر آینه بسمت خدا اراده کنید زمین پاک را (پس) مسح کنید به رویان و دستهایتان هر آینه خدا است
عَفُوا ۝۲۶ غَفُورًا ۝۲۷ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِنَ الْكِتَابِ يَشْتُرُونَ ۝۲۸
عفو کننده بخشاینده و آن آیندیدی که نیک داده شده اند بهر از کتاب یعنی یهودی ستانند عفو کننده آمرزگار آیندیدی بسوی کسی که نیک داده شده اند حصه از کتاب می خرند
الضَّلَّةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَتَّخِذُوا السَّبِيلَ ۝۲۹ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝۳۰
گمراهی را و می خواهند که گم کنند بشما راه حق را و خدا دانای تراست به دشمنان شما و گمراهی را گمراهی را و می خواهند که گم کنند بشما راه حق را و خدا دانای تراست به دشمنان شما و گمراهی را
بِاللَّهِ وَلِيًّا ۝۳۱ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ نَصِيرًا ۝۳۲ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُخَرِّفُونَ ۝۳۳
دوست پس است و خدا پاری دهنده است از یهود قومی است که لغزش می کنند خدا حافظ و کافی است خدا مددگار عه از یهود قومی است که لغزش می دهند
الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ ۝۳۴ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمِعْ غَيْرَ مَسْمُوعٍ ۝۳۵
کلمه را از جای آنها و می گویند ما شنیدیم دعا می شنیدیم و می گویند اسمع غیر مسموع کلمه را از جای آن و می گویند شنیدیم سخن ترا و نافرمایم امر ترا و بپوشند و حالیکه غیر مسموعه شده باشد

وَارْعِنَالْيَايُسْتَبِيحُكُمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا

در اعطای بیجا می کند سخن را بزمان خویش و طعن میزند و در دین و اگر ایشان گفتند که شنیدیم

وَاطْعَنَا وَاسْمِعْ وَأَنْظُرْ نَالِكَانَ خَيْرَ الْهَمِّ وَأَقْوَمَ وَلَكِنْ

و فرمان بر داری کردیم و بجای اسمع غیر اسمع می گفتند و بجای راعنا نظر نالیکان را میزدند پس ایشان را در دست تو و دیگر

لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ يٰ أَيُّهَا الَّذِينَ

لعنت کرده است ایشان را خدا بسبب کفر ایشان پس ایمان نمی آرند مگر اندکی و لعنت کرده است ایشان خدا به سبب کفرشان پس ایمان نمی آرند مگر اندکی

أَوْتُوا الْكِتَابَ إِنْ مَوَّابِئِزْ لَنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِنْ قَبْلُ إِنْ

اگر کتاب ایمان آورید یا آنچه فرود آوردم باور کننده آنچه با شماست پیش از آنکه

نُطِيسَ وُجُوهًا فَتَرُدُّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا

می کنیم صورت روی بارایس بگردانیم بر شکل پشت روی یا لعنت کنیم ایشان را چنانکه لعنت کردیم

أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا ۝ إِنْ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ

ایشان را و هست اراده خدا کرده شده هر آینه خدا نمی آمرزد

بِشِرْكٍ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۝ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ

او را شرک مقرر کرده شود و می آمرزد غیر آن هر که خواهد و هر که شرک خدا مقرر کند

فَقَدْ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ

هر آینه افترا کرده است بگناه بزرگ آیا ندیدی بسوی کسانی که ستایش می کنند خود را

بَلَّ اللَّهُ يَدَيَّكَ مِنْ نِشَاءٍ وَلَا يَظْلُمُونَ قَتِيلًا ۝ أَنْظُرْ كَيْفَ

بلکه خدا ستایش می کند هر که خواهد و قسم کرده بخوابد و رفته رفته به بین چگونه

يَقْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُبِينًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى

می بینند بر خدا دروغ را داین گناه آشکارا پس است و آیا ندیدی بسوی

الَّذِينَ أَوْتُوا النِّصْبَ مِنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ

کسانی که بهره از کتاب داده شدند معتقدی شوند بت را و معبود باطل را و

يَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا سَبِيلًا ۝

می گویند در حق مشرکان که ایشان راه یابنده تراند از مسلمانان و

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ يَجِدَ لَهُ نَصِيرًا ۝

ایشان آن گروه اند که لعنت کرد ایشان را خدا و هر که خدا لعنت کند پس خواهی یافت مراد را باری دیننده

آن گروه کسانی باشند که لعنت کرده برای ایشان خدا و کسی را که لعنت کند خدا پس هرگز نمی یابی او را مددگار

آوردند مگر آنکه انچه ایست که ازین خبیث شرارت خود داری کردند و از لعنت خدا محفوظ ماندند مانند عبد الله بن سلام و برابان بنی النضر

دل مترجم گوید
بیجایدن سخن آنست
که سبب باجانب کلام
خلط اندک که کسی نشناخت
و اسمع غیر اسمع و دخی
و دلو که آنکه بشنو در
حالتی که معظم و محرمی
و کسی باو خلط و سخن
تو نتواند گفت دیگر آنکه
بشنو در حالتی که محقری
و کسی باو سخن نمی گوید
و اعنا نیزه معنی واد
یکی آنکه رعایت کن
بار اگر حق رعایت
و داند غرض ایشان
سبب بود که محقر و محرم
می گفتند و الله اعلم
و الجحی می گویند که نمی
اسرائیل بر گردنشان
خداوند ایشان را
عذاب نخواهد شد بخند
روز ۳۳ درین آیت
تعلیف است بآن که
بپود روز از انزاب
مددگار ایشان شدند
تفسیر غنائی
عنه خدا سخن مذوم
بپود را در وضع خود
بطول است و بدایت
میفرماید اگر بپود بجای
عنه ۱۱ اعنا ۱۱ و در
معنی و اسمع و در
معنی بدل راعنا ۱۱
می گفتند که حال آنها
بهتر و سخن راست و
درست بود و بپود
نمی ماند که آن بپود
باطن و شرارت خویش
از کلمات مذکور معنی بد
آورد را برده می کردند
پس خدا را آنهارا
و شرکشان از رحمت
و هدایت خویش دور کرد
به سخن مفید و راست
نمودند و ایمان نمی

دل نیکوئی است که
برینت خسته خرابی باشد
و دل درین آیت باشد
است بقدر عثمان مجی
که مفتوح کعبه از دست
و سه گرفتند و مردمان
آزار از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و سلم طلب
کردند آن حضرت قبول
نموده بختان برودن خود
تفسیر عثمانی
علا به و خیالی خود
پیغمبر و سیدان نبوی
را امرات خویش
میدادند و تنه
خود را سزاوار آن می
دانستند اینها را پیغمبر
عوب را عاری
شمرده و
گفته اگر چندی
پادشاهی دیگران
باشد با آن نادر آخر
از آن است این
آیت و در آن باره فیه
آن مطلب آیت این
است که پیغمبر از
سلطنت پیروز و دلد پیروز
نداد و اگر پیروز و حکمران
گردد به اندام خود
و یا نفعی که چکی که بر
بخت خسته خرابی باشد
چیزی نمیدهند یعنی چنانچه
بختند که در سلطنت
خویش بزرگ چک ترین
چیزی را به بنیوالتی نمی
دهند و خدا همیشه
خانواده را بر ایم را
بزرگی داده و اکنون
نیز این بزرگی در
خانواده است بر که
بدون دلیل خاص
از روی حسد او را
نیاید و آتش سوزان
دراز به سوختن آن
دی کا نیست
در آیت که بیشتر ذکر
مومن و کافر بود

أَمَلَهُمْ نَصِيبٌ مِّنَ الْمَالِ فَإِذَا يُتَوَدَّ النَّاسُ تَقِيْرًا ۝ أَمْ

آیا این را دوست ببرد از پادشاهی پس آن بیستم نهند مردمان مقدار فقری دل آیا
آیا این را دوست حصر از پادشاهی پس آن بیستم نهند مردم مقدار فقری که بر خسته خرابی است و بلکه
يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَاهُ
حسد می کنند بر مردمان بر آنچه ایشان را الله تعالی داده است از فضل خود پس هر آنچه ما دادیم کسان
حسد می کنند بر مردم بر آنچه داده ایشان را خدا از فضلش به تحقیق داده ایم به آن

أَبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ۝ فَمِنْهُمْ مَّنْ آمَنَ

ابراهم را کتاب و دانش و دادیم ایشان را سلطنت بزرگ (پس) بعضی از آنها ایمان آوردند که ایمان آورده اند
ایمراهم کتاب و علم و دادیم ایشان سلطنت بزرگ (پس) بعضی از آنها ایمان آوردند که ایمان آورده اند

بِهِ وَمِنْهُمْ مَّنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ

بآن کتاب و از ایشان کسی هست که باز ایستاد از وی و کفایت است دوزخ آتش از دوزخ بر آید که ایستاد
بآن و از آن کسی می باشد که باز ایستاد از وی و کافی است دوزخ آتش از دوزخ بر آید که ایستاد

كَفَرُوا أَوْ يَأْتِيَنَا سَوْفَ نُصْلِيْهِمْ نَارًا كَلَّا لَا يَصْحَقُ جُلُودُهُمْ بَدَلًا لَّهُمْ

کافر شدند یا ما در آیم ایشان را یا آتش برگاه که بخت کرد و پوستهای ایشان بوقوع پیدا کنیم برای این
کافر شدند به آیت های ما زود در آیم ایشان را و آتش برگاه که بخت کرد و پوستهای ایشان بوقوع پیدا کنیم برای این

جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذَّوْقُوا الْعَذَابَ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝

پوستهای دیگر بخیزد آن تا بختند عذاب را هر آینه خدا هست غالب است و کفار
پوستهای غیر پوستهای اول تا بختند عذاب را هر آینه خدا هست غالب است و کفار

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند زود در آیم ایشان را و پوستهای ایشان را بوقوع پیدا کنیم
و کسانی که ایمان آورده اند و کرده اند کارهای شایسته زود در آیم ایشان را و پوستهای ایشان را بوقوع پیدا کنیم

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ لَهُمْ فِيهَا زَوْجٌ مِّمَّا يَشَاءُونَ وَ

زیر آن جوینها جاریان آبها همیشه ایشان را است و آنچه زنان باک کرده شده و
زیر آن جوینها جاریان آبها همیشه ایشان را است و آنچه زنان باک کرده شده و

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ لَدَىٰ مَغَارٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ يَافِرُكُمْ أَنَّ تُدْخِلُوا الْأُمْنِيَّةَ إِلَىٰ

در آیم ایشان را و بسایه درخت یعنی راحت تمام بر آید خدا میسر باشد که ادا کنند امانت با بسوی
در آیم ایشان را و بسایه درخت یعنی راحت تمام بر آید خدا میسر باشد که ادا کنند امانت با بسوی

أَهْلِهَا ۚ وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ ۚ إِنَّ اللَّهَ

ایمان آن وی فرماید که حکم بر استی کنید چون حکم کنید میان مردمان هر آینه خدا
ایمان آن و شما یک حکم می کنید میان مردم که حکم کنید به عدالت هر آینه خدا

نِعْمًا يُعْظِمُ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

نیکی چیز نیست که بآن پند میدهد شما را هر آینه خدا هست مستوفی اینها و ای مومنان
نیکی چیز نیست که بآن پند میدهد شما را هر آینه خدا هست مستوفی اینها و ای مومنان

أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۚ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ

فرمان برداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید پیغمبر را و فرمان برداری کنید از جنس خویش پس اگر اختلاف کنید
فرمان برداری کنید خدا را و فرمان برداری کنید پیغمبر را و اطاعت کنید خداوندان حکم را پس اگر اختلاف کنید

فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ ۚ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ

در چیزی پس را جمع کنید او را بسوی خدا و پیغمبر اگر اختلاف می دارید بخدا
در چیزی پس را جمع کنید او را بسوی خدا و پیغمبر اگر اختلاف می دارید بخدا

فتح الرحمن
ط م ر م
ضیعت الاسلام

در خلاف بوائے
نفس حکم شرع را معنی
نی شدند و کای
در میان کفر و حق
می کردند و چون آخر
ایشان را بر این معنی بودند
با تندی فرمود
سوگند خوردند
که مخالف آخرت
مقصود نیست
خدا تعالی در تفسیر

آیات فرستاد
و لایق و همان
حضور ۱۲ و لایق
از قتل ایشان ۱۲
و لایق و اجب بود که
تفسیر عثمانی

عبر چه بود هر کدام
یا قتل منافقان در
این زمان چه خواهند
کرد و اینکه تفسیر کرده
شده عذاب فرود آید
یعنی در تفسیر فصل
حضورات از محضر
پیغمبر خود داری کرده
و بخوان ما اذان باز
می ده اند منجا می
عذاب آن آید گردد
این منافقان چه کرد
می توان مگر این که
بجای خود بفرستند
خود ندانند که با محضر
عزیزان جهت رفتم
کوی در میان عشق
آگاهند و ندانند

پیغمبر اعراض می کردیم
و هرگز خود داری نمی
نمودیم و در این آیت
که می حضرت باطلی
قسم با محضت رسالت
منافقان را نکند یب
فرموده می گوید منافقان
هر چه می گویند بگویند
خدا نازل آید را

وَالْيَوْمَ الْآخِرُ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ

در روز آخر این بهتر است و نیکوتر با اعتبار عاقبت و آید بدی که بسوی سائیکه
در روز رستی خیر این بهتر و نیکوتر است انجام آن

يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نَزَّلَ إِلَيْكَ وَمَا نَزَّلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ

که می کنند که ایمان آورده اند با آنچه بسوی تو نازل کرده شده است و آنچه پیش از تو نازل کرده شد می خواهند
می پندارند که هر آنچه ایشان ایمان آورده اند با آنچه فرود فرستاده بسوی تو آنچه فرود فرستاده پیش از تو می خواهند

أَنْ يَتَحَكَّمُوا إِلَى الظَّالِمِينَ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ

که تقاضا یا خویش دفع کنند بسوی سرکش و حال آنکه فرموده شد ایشان را که کفر نکنند و می خواهند
که تقاضای خویش را بکنند بسوی شیطان به تحقیق ما فرموده شد که کافر شوند بآن و می خواهند

الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ تَعَالَوْا إِلَى مَا

شیطان که گمراه سازد ایشان را گمراهی دور و چون گفته شود بایشان بیایند بسوی آنچه
شیطان که گمراه سازد ایشان را به گمراهی دور و می گمانی که گفته شد بایشان که بیایند بسوی چیزی

نَزَّلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتُ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْ عَصَاكَ ۝

نازل کرده است خدا و به سوی پیغمبر من آن منافقان باز می ایستند از تو با عراض
فرود فرستاده خدا و به سوی پیغمبر من آن منافقان را که می ایستند از تو باز ایستادگی

كَيْفَ إِذَا صَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدْ مَتَّيْنَاهُمْ ثُمَّ جَاءُوكَ

پس چه حال است آنگاه که برسد بایشان مصیبت بسبب آنچه پیش فرستاده است دست ایشان پس بیایند نزد تو
پس چگونه باشد آنگاه که برسد ایشان را مصیبت به آنچه پیش فرستاده دست بای ایشان باز بیایند نزد تو

يَخْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا أَحْسَنًا وَتَوَفَّقَا ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ

قسم می جویند بخدا که نخواسته بودیم مگر نیکو کاری و موافقت کردن و آن گروه آنند که
سوگند می خورند به خدا می خواستیم مگر نیکو کاری و موافقت ده آن گروه که می باشند که

يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي

می دانند خدا آنچه در دل ایشان است پس اعراض کن از ایشان و بپند ده ایشان را و بگو با ایشان
می دانند خدا آنچه را در دل بای ایشان است پس اعراض کن از ایشان و بپند ده ایشان را و بگو با ایشان

الْأَنْفُسِ قَوْلًا تَلِيًّا ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ

سخن مؤثر در دل ایشان و فرستادیم هیچ پیغمبر را مگر برای آنکه فرمانبرداری کرده شود بکلمه
باید ایشان سخن مؤثر در دل و فرستادیم هیچ پیغمبر را مگر برای آنکه فرمان برده شود به علم

اللَّهِ وَوَأَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ

خدا و اگر این جماعت او تقصیر می کردند بر خویشانشان بیایند نزد تو پس آمرزش طلب کردند از خدا و طلب آمرزش
خدا و اگر ایشان آن گناه که ستم کردند بر خویشانشان آمدند نزد تو پس آمرزش خواستند از خدا و آمرزش

لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدَهُ اللَّهُ تَوَّابًا رَحِيمًا ۝ فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ

برای ایشان پیغمبر هر آینه یا فتنه از خدا بر حجت باز آیند و مهربان پس ستم پند و کار تو که ایشان مسلمان نباشند
خواست بایشان پیغمبر بر آیند می یابند خدا را به پند و گمراهی مهربان پس ستم است به پروردگار تو که ایمان نمی آرند

حَتَّى يَخْشَوُكَ فَمَا يَهْبِئُ بِهِمْ رَبُّهُمْ فَرْجًا مِمَّا

تا آنکه حاکم کنند ترا در اختلاف که در واقع شد میان ایشان باز نیایند در دل خویش تنگی از آنچه
تا حکم گردانند ترا در اختلاف که واقع شده میان ایشان باز نمی یابند در دل بای خویش تنگی از آنچه

قَضَيْتَ وَيَسْأَلُوكَ النَّصِيحَ ۝ وَلَوْ أَنَّا كُنَّا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ

حکم فرمودی و قبول کنند با نصیحت و اگر ما می کردیم بر ایشان که بکشید خویشتان را
حکم کردی و قبول می کنند به القیاد و اگر ما می کردیم بر ایشان که بکشید خویشانشان را

فتح الرحمن

فل منترجم گوید مردم
ضعیف الاسلام در
اول اسلام که جهاد
فرض نشده بود دعوت
اسلام قبول نمودند
چون جهاد فرض شد
از آن لحاظ که کردند
از بعضی کلمات متناقض
سر بری زود بعضی با
مخالفتین پشیمان نشد
خلاف مرضی آن حضرت
را می نمودند خدا شهادت
درین باب آیات و تفسیر
تفسیر عثمانی
عنه ازین جا ذکر جهاد
آغاز می شود در آیت
گذشته ذکر شده بود که
هر که خدا پیروی
را اطاعت کند
بر قاتل انبیاء
و صدیقین شهیدان
و صالحین نایل می
گردد در احکام خداوند
چون جهاد شود شهادت
است مخصوصا بر
منافقان که ذکر شده
و می شود از این جهت
حکم جهاد داده شده
تا هر که رفاقت انبیاء
و صدیقین شهیدان
و صالحین را توقع
نکند منقول است که
در آغاز اسلام چندین
افراد ضعیف الاسلام
دعوت اسلام را پذیرفتند
بودند بنوعی که جهاد
فرض گردید بعضی
منزل شدند و
بر غنای کافران هرگز
نگریدند و به مخالفت
پیغمبر برخاستند این
آیت در این باره نازل
آمد مطلب این
است ای مسلمانان
کیفیت منافقان از
اول بشناسید
خیر متاد این است که هر نوع باشد احتیاطا کفیه به سلاح باشد یا بدش و تدبیر یا به مجرم و قاتل و قاتل از خانه بر آید چه دست و چه یکدست و چه یکدست

أَوْ أَخْرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ مَا فَعَلُوا إِلَّا قَلِيلٌ مِنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا

یا بیرون نشود از خانه های خویش نمی کردند این را سگر اندک از ایشان و اگر آن می کردند چندان

يُوعِظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرَ الْأَلْهَمِ وَأَشَدَّ تَثْبِيثًا وَإِذَا لَا تَعْنِيهِمْ

بان پس داده می شود هر آینه بهتر بود که ایشان را وحکم نرود استواری دین و انگاه البتة می دادیم ایشان را

مِنْ لَدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا وَلَهْدَيْنَهُمْ صَرَاطًا مُسْتَقِيمًا وَمَنْ

از نزد خویش مزد بزرگ و هدایت می نمودیم ایشان را راه راست و هر که اطاعت کند

يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ

خدا و رسول را پس این جماعت همراه آن کسانی که انعام کرده است خدا بر ایشان از پیغمبران و

وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا

صدیقان و شهیدان و صالحان و نیکو رفیق اند ایشان و صدیقان و شهیدان و نیکو کاران و بهتر است رفقاقت آن ها

ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ عَلِيمًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

این بخشایش از خداست و بس است خدا دانای این فضل است از جانب خدا و کافی است خدا دانای اے مومنان

خُذُوا حِزْبًا مِنْكُمْ فَأَنفِرُوا ثَبَاتٍ أَوْ أَنفِرُوا جَمِيعًا وَإِن مِّنكُمْ

بگیرید سلاح خود را پس بیرون روید گروه گروه شده یا بیرون روید همه جمع آمده و هر آینه بعضی از شما است که

لَيُفِظَنَّ فَإِن أَصَابَتْكُمْ مُّصِيبَةٌ قَالُوا قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْنَا إِذْ لَمْ

کردند نمی کنند پس اگر برسد به شما مصیبت بگوید انعام کرد خدا بر من بخون نمودم

مَعَهُمْ شَهِيدًا وَلَٰئِن أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولُنَّ كَأَن

با ایشان حاضر و اگر برسد بشما نعمتی از خدا بگوید گویا

لَمْ يَكُن بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يُّلَيِّقُنِي نَسْتُمْ مَعَهُمْ فَأَوْزَعُ عَظِيمًا

هرگز نبود میان شما و میان او دوستی کاش بودی با ایشان پس با انقی مطلب بزرگ را

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَ

پس باید که جنگ کنند در راه خدا آن مومنان که می فروشند زندگی دنیا را به آخرت و

مَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا

هر که جنگ کند در راه خدا پس کشته شود یا غلبه یابد بدینش مزد

عَظِيمًا وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ

بزرگ را و چیست شمارا که جنگ نمی کنید در راه خدا و برای پیچاکان

بزرگ و چیست شمارا که نمی جنگید در راه خدا و در سبجات مغلوبان از

مَنْ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ

مردان و زنان و کودکان طاعتگویی گویند است پروردگار ما بیرون آر ما را

هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا ۚ وَاجْعَلْ لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا ۖ

این ده که ستمگر است این آن و مقرر کن برای ما از نزدیک خود کارساز

اجْعَلْ لَّنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا ۗ الَّذِينَ آمَنُوا يَفْقَهُونَ فِي سَبِيلِ

مقرر کن برای ما از نزدیک خود یاری دهنده مومنان کارزار می کنند در راه

اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَفْقَهُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا

خدا و کافران می جنگند در راه معبود باطل پس جنگ کنید

أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ۚ أَلَمْ تَرَ إِلَى

یادوستان شیطان هر آینه کید شیطان ضعیف است آیا ندیدی بسوی

الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كَفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا

آنکه گفتند بشان را بازدارید دست خود را و برپا کنید نماز را و بدهید زکوة را پس چون

كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ

نوشتند برایشان جنگ ناگاه گردید از ایشان می ترسند از مردمان مانند ترسیدن از خدا

أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً ۚ وَقَالُوا إِنَّا لَمُكْرَبُونَ ۚ كَتَبَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا

باز داده ترسیدن و گفتند است پروردگار ما چرا لوستی بر ما کارزار چرا زنده نگذاشتی ما را

إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ ۖ كُلُّ مَتَاعٍ دُنْيَا قَلِيلٌ ۖ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى

تا دلی نزدیک بگویند مندی دنیا اندک است و آخرت بهتر است کسی را که پرستشگری کند

وَلَا تَطْلُبُونَ فَتِيلًا ۚ إِنَّ مَا تَكُونُوا يَدْرِكُكُمْ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ

درستم کرده نخواهید شد مقدار درشته هر جا که باشید در باید شمار امرگ و اگر چه باشند

فِي بَرٍّ أَوْ فِي بَحْرٍ مُشِيدَةً ۚ وَإِنْ تُصِيبَهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ

در خشکی یا در دریا مستقیم و بلند و اگر برسد ایشان را بخوبی می گویند این از

عِنْدَ اللَّهِ وَإِنْ تُصِيبَهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ كُ

از نزدیک خداست و اگر برسد ایشان شدت می گویند یا محراب این از نزدیک است

قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۚ قُلْ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ لَا يَكَادُونَ

بگویم از نزدیک خداست پس چه حال است این قوم را نزدیک نیستند

بِحُجَّتِهِمْ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ۚ قُلْ هَؤُلَاءِ الْقَوْمُ لَا يَكَادُونَ

بگویم از جانب خداست پس چه حال است این مردم را نزدیک نیستند

و ترسد بلکه از آن کم تر واده تر واده می کردند کاش اندک مدتی حکم قتال تاخیر می شد تا بزنند می خویش مشغول بودیم

و لا یفرقون

بدست کلا ۱۲ و لا

یعنی جنگ کنید ۱۲

و لا یفرقون

و لا یفرقون

کودند ۱۲

تفسیر عثمانی

ع قبل از هجرت

که مسلمان سخت

بزمت بودند لاف

ستم های گوناگون بر

ایشان می کردند چون

بعضی میزدند بعضی

شدند شکایت می

کردند و اهواز

می خواستند که

با کفار قتل کنند

انقام کنند حضرت

پیغمبر ایشان را منع

می کرد می گفت بنویس

با حکم قتال نیامده

بلکه حکم است که صبر

کنید و حمله نایند

بخوانند زکوة بدهید

و مطابق حدیث شما

فمود آمده و خاتمه

نموده ام و امیکه این

لطاعت خدا و جهاد

نفس و رنج است

جسانی و صرف مال

خوگند جهاد نمودن

و از جنات و گداز شوق

پوی و شیدا است مسلمان

این اندر زود و دمنده

را پذیرفته بودند

ع بعد از هجرت

چون حکم جهاد آمد

باید مسلمانان شاد

می شدند که داعیه

بغیر از جهاد مقبول

شده بود و بر مطلب

خویش فایز بودند

و بعضی مسلمانان

ضعیف چنان از

جهاد می ترسیدند که

کسی از عذاب الهی

فتح الرحمن

فل يفتح الله
حق است که خیر از
جانب خداست و
شر از جانب بزرگوار
مقصود این مردمان
کلمه در صحت نیست
و آن است که جهاد
باجه قبل و عقب
معتدل است پس اگر
فتح باشد یعنی غیر
است و اگر نه
باشد موافق حال
نموده است و چون
جهاد با امری است
بجهاد است عقل را
در اتحاد فعل و ادون
می باشد و الله اعلم
و کلامی بر تو رحمت
دادست و پس اگر
دفاعت کند بر تو
مواخذه نیست
تفسیر عثمانی
عنه خدای فرایده
اے محمد در پاسخ
آنها که خویش را از
جانب خداست که
کلامی سخن می گوید
حضرت دوست و یار
را در آن و علی رحمت
و تدایر غیر نیز از
سوی خدا الهام
است الزام شما بر
پیغمبر نادر است مظهر
قصور دانش خلقت
ایمان به حکمت الهی
ی باشد که شمار است
ی گردانده باشد
استحسان می کند این
جواب اجمالی بود در
آیه آمده الزام
مناقضات به تفصیل
ذکر می شود و هر چه
است که اگر چه موجود
نیکی بودی با حضرت
خداست اما نباید
حناس را فضل و
احسان خدا شناسد و بدی و

يَقْقَهُونَ حَدِيثًا ٥ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ
 از یکدیگر سخن را
 آنچه رسیده بود از نعمت پس از خداست و آنچه رسیده بود
 که بداند سخن را
 آنچه رسیده بود از بیگونی پس از جانب خداست و آنچه رسیده بود
 من سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَى بِاللَّهِ
 از محنت پس از نزدیک نفس است و فرستادیم ترا برائے مردمان پیغمبر و کافیت خدا
 از بدی از نفس است عده و فرستادیم ترا مردم پیغمبر و کافیت خدا
 شَهِيدًا ٣ مَنِ اطَّعَ الرَّسُولَ فَقَدْ اطَّاعَ اللَّهَ وَمَنِ تَوَلَّى فَنسَا
 حاضر هر که فرمان برداری کند پیغمبر را پس هر آنکه فرمان برداری خدا کرد و هر که اعراض کرد پس
 حاضر کسی که اطاعت کند پیغمبر را به تحقیق اطاعت کرده خدا را و هر که اعراض کرد پس
 أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ٥ وَيَقُولُونَ طَاعَةُ أَفْرَؤُا مِنْ عِنْدِكَ
 فرستادیم ترا بر ایشان نگهبان و می گویند در دل ما فرما برادر است پس چون میروند از نزدیک تو
 فرستادیم ترا بر ایشان نگهبان و می گویند در حضور تو کار ما طاعت است و چون بروند از نزدیک تو
 بَلَيْتَ طَائِفَةً مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّنُونَ ٥
 هر چه از ایشان بوقت شب رای زنند غیر آنچه تو می فرمائی و خدا می نویسد آنچه می گویند
 مشهوره کنند در شب گردی از ایشان سوا آنچه می گوید و خدا می نویسد در شب آنچه می گویند
 فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ٥ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ
 پس اعراض کن از ایشان و توکل نما بر خدا و خدا کار سازنده پس است گویا تا نمی کند
 پس بدوی گردان از ایشان و اعتماد کن بر خدا و کافی است خدا کار ساز از آیات می کنند
 الْقُرْآنَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا ٥
 قرآن را و اگر بودی از نزدیک غیر خدا البته یافتند در آن تفاوت بسیار
 در قرآن و اگر بودی از جانب غیر خدا البته یافتند در آن تفاوت بسیار
 وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِّنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى
 و وقتی که بیاید نزد یک ایشان خبری از آسانی یا ترس میسر سازند آن را و اگر راجع میگردانند آن را به یسوی
 و بیجا میگردانند آن را به یسوی از آن ترس میگردانند آن را و اگر راجع میگردانند آن را به یسوی
 الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلَّهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ
 پیغمبر و یسوی فراموشد از اهل اسلام هر آنکه یافتند مصلحت آن خبر را آنکه از ایشان می تواند بر آورد
 پیغمبر و یسوی حکام خود البته تحقیق می گردند و دانستند آنرا آنکه استخراج می کنند آنرا از ایشان
 وَلَوْ أَفْضَلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ الْأَقْلِيلَ ٥
 و اگر بودی فضل خدا بر شما و رحمت او البته پیروی می کردید شما شیطان را مگر اندکی
 و اگر بودی فضل خدا بر شما و رحمت او البته متابعت می کردید شیطان را مگر اندکی
 فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكْفِرُ الْإِنْفُسَ وَخَرَضَ الْمُؤْمِنِينَ عَسَدَ
 پس جنگ کن در راه خدا هر چه موا غده نیست مگر از جان بود و رحمت ده مسلمانان را و جنگ نزدیک است
 پس قتال کن در راه خدا مکه کین کرده شده فی مکه خودت و غریب کن مسلمانان را نزدیک است که خدا
 اللَّهُ أَنْ يَكْفُرَ بِأَسِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بِأَسًا وَأَشَدُّ
 موقوف سازد خدا جنگ کافران را و خدا سخت تر است با عقبار جنگ و سخت تر است
 باز دارد جنگ کافران را و خدا سخت تر است با عقبار جنگ و سخت تر است
 تَنكِيلًا ٥ مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا
 با عقبار عقوبت هر که شفاعت کن شفاعت عتق
 با عقبار عقوبت و ادون هر که سفارش کند سفارش عتق می شود او را عیبی از تو اب آن

احسان خدا شناسد و بدی و

وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَكُمُ الْفَلَاحُ مِنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى

وهر که شفاعت کند شفاعتی بد باشد او را حصه از عذاب آن و هست خدا بر

كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرٌ ۝ وَإِذَا أَحْبَبْتُ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ

بهر چیز توانا و چون عظیم کرده خود بسلامتی پس عظیم کند بطله بهتر از آن

رَدُّهَا إِنْ كَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ۝ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

بهران کلمه جواب و هر چه بر آید هست خدا بر هر چیز حساب کننده خدا نیست هیچ معبود اگر

لِيَجْمَعَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ

البتّه بهم آورد شمار ای روز قیامت هیچ شک نیست در آن و کیست راست گوتر از خدا

حَدِيثًا ۝ فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا

در سخن و پس چیست ای مسلمان شمار در باب خلق کنندگان دو گروه منفید و خدا کوف رساخت ایشان را

كُتِبُوا أَنْ يَرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلَّ اللَّهُ

آید کردند آیاتی خواست که راه نهد یعنی از جمله راه یابان شدیدی که راه که گمراه ساخت او را خدا هرگز خدا گمراه کند

فَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ سَبِيلًا ۝ وَذُؤُوتُكُمْ وَانْتَكُرُونَ كَمَا كُفَرُوا وَانْتَكُرُونَ

نیایی بر آن و او را پس خلق کنندگان از خود کردند که شما نیز کافر شود چنانچه ایشان کافر شدند پس بر

سَوَاءٌ فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ

باشید پس دوست گیرید کسی را از ایشان تا آنکه بگریخت کنند در راه خدا و پس اگر

تَوَلَّوْا فخذلهم وافتلهم وحبسهم وادخلهم وادخلهم وادخلهم

خلاف کردند یعنی از اسلام و بگریخت پس از ایشان را و بکشید هر جا که پاید ایشان را و دوست دیار

وَلِيًّا وَلَا تَصِلُوا إِلَا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ

و دوست و نه دیار مگر آنکه پیوسته شوند کسی که میان شما و ایشان

مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصْرَتِ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقَاتِلُوكُمْ أَوْ يَنْتَهِوا

عهد است یا میان نزد یک شما حال آنکه تنگ شده سینه های شان که قتال کنند یا بشان کنند

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ أَلْسِنَةٌ سَمِيحَةٌ وَهُمُ الْفُلُوكُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

و اما کفار پس آنکه پیوسته سخن میگویند و ایشان کشتیها در راه خدا

أَنْتَ لَوْ كُنْتَ فَاهُ لَكُنْ بِقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَالُ الْيَوْمَ فَجَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ

تو اگر خواهی که دهان بودی بودی که بقاتل کنند شما را پس از آنکه دهان شما را بسته کرد

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ أَلْسِنَةٌ سَمِيحَةٌ وَهُمُ الْفُلُوكُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

و اما کفار پس آنکه پیوسته سخن میگویند و ایشان کشتیها در راه خدا

صلی الله علیه و آله و سلم
در هر کس شفاعت کند شفاعتی بد باشد او را حصه از عذاب آن و هست خدا بر هر چیز توانا و چون عظیم کرده خود بسلامتی پس عظیم کند بطله بهتر از آن
بهران کلمه جواب و هر چه بر آید هست خدا بر هر چیز حساب کننده خدا نیست هیچ معبود اگر
البتّه بهم آورد شمار ای روز قیامت هیچ شک نیست در آن و کیست راست گوتر از خدا
در سخن و پس چیست ای مسلمان شمار در باب خلق کنندگان دو گروه منفید و خدا کوف رساخت ایشان را
آید کردند آیاتی خواست که راه نهد یعنی از جمله راه یابان شدیدی که راه که گمراه ساخت او را خدا هرگز خدا گمراه کند
نیایی بر آن و او را پس خلق کنندگان از خود کردند که شما نیز کافر شود چنانچه ایشان کافر شدند پس بر
باشید پس دوست گیرید کسی را از ایشان تا آنکه بگریخت کنند در راه خدا و پس اگر
خلاف کردند یعنی از اسلام و بگریخت پس از ایشان را و بکشید هر جا که پاید ایشان را و دوست دیار
و دوست و نه دیار مگر آنکه پیوسته شوند کسی که میان شما و ایشان
عهد است یا میان نزد یک شما حال آنکه تنگ شده سینه های شان که قتال کنند یا بشان کنند
و اما کفار پس آنکه پیوسته سخن میگویند و ایشان کشتیها در راه خدا
تو اگر خواهی که دهان بودی بودی که بقاتل کنند شما را پس از آنکه دهان شما را بسته کرد
و اما کفار پس آنکه پیوسته سخن میگویند و ایشان کشتیها در راه خدا

تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِندَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ ۖ كَذَلِكَ

می طلبید متاع دنیا پس نزد یک خدا غنیمت های بسیار است هم چنین

كُنتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنْ اللَّهَ كَانَ بِمَا

بودید پیش ازین پس انعام کرد خدا بر شما پس تحقیق کنید هر آینه خدا است

تَعْمَلُونَ خَيْرًا ۖ لَاسْتَوَى الْقَاعِدُ وَنَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ

باز نمی کنید آگاه برابر نیستند نشینندگان غیر معذور از مسلمانان

أُولَى الصَّرِوَةِ الْمُجَاهِدُونَ وَنَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ

و جهاد کنندگان در راه خداست نهائی به مال خویش و جان خویش

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً

افزون داده است خدا مجاهدان را به اموالشان و نفس های شان بر نشینندگان در مرتبه

وَكَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحَسَنَةَ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ

و هر یک را وعده نیک کرده است خدا و افزون داده است خدا مجاهدان را به نسبت نشینندگان

أَجْرًا عَظِيمًا ۖ دَرَجَتٌ مِنْهُ وَمَغْفِرَةٌ وَرَحْمَةٌ ۖ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا

مزد بزرگ است از جانب خود و آمرزش و مهربانی و رحمت خدا آمرزنده

رَحِمَاهُ ۖ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمْ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِينَ أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ

مهربانان سر آید آنانکه فرستیدگان بعضی را در حق خود ظالم بودند بر خود بیگانه و دشمنان با ایشان گفتند در جسد

كُنْتُمْ قَالُوا أَكُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ

بودید شما مستضعفان بودید در زمین گفتند آری زمین بود

اللَّهُ وَأَسَعَتْهَا جُرُوفُهَا فَأُولَئِكَ مَا وَكَلْتُمْ سَاءَتْ

زمین خدا تا بجزایر می گزید در آن پس آن جماعت جای ایشان دوزخ است دادند

مَصِيرًا ۖ إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا

میراث است دوزخ مگر ناهایان از مردان و زنان و کودکان که

يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ۖ فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ

می توانند تدبیری و نمی یابند راه پس آن جماعت نزد یک است که خدا

أَنْ يَغْفِرَ عَنْهُمْ ۖ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا عَفُورًا ۖ وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ

عفو کند از ایشان و هست خدا عفو کننده آمرزنده و هر که بگذارد و وطن خود را در راه

من تلمذ من محمد و آل محمد
الغوا آنست که در احوال
الغوا این حکم مطرو
نیست بلکه جمعی باشند
از ادنی الضرر که نیست
محمود اند تو اب
ل کاف و یا نه و الله
اعلم و الله یعنی بترس
بجرت از دلا و الحوب
بدوا و هم و بجا
سود کفار و الزام
تفسیر عثمانی
عنه خدا عفو در جرم
است و عفو ای اجر
و مغفرت و در جبهه
بدو مجاهدان فرموده
همه را نکلی می کند
یا نه اگر مجاهدی بنا
داشتی مسلمانی
را می کشد خدا وی
را می بخشد آشوبش
آن از جهاد باز نماند
عنه یعنی در دل
خویش مسلمانند
اما چون در حکومت
کفارند مطلوب
الشانند از بیم
اعمال اسلامی آنها
بجهاد اقدام می تو
بر آنها فرض است
که بجرت نمایند در این
رو ع ذکر آنهاست
خلاصان با بخود
می کنند که با کافران
آمیخته اند بجرت
می نمایند منکران
و دشمنان از ایشان
می پرسند که خبر چه
و بنیده گویند مسلمان
بودیم اما بنابر توانایی
تو استیم اعمال دین
را بجا آوریم و دشمنان
گویند چنین الهی نریخ
بودی تو ای خدا از این
بجرت کنی پس جای
چنین اشخاص چنین
است

من تلمذ من محمد و آل محمد
الغوا آنست که در احوال
الغوا این حکم مطرو
نیست بلکه جمعی باشند
از ادنی الضرر که نیست
محمود اند تو اب
ل کاف و یا نه و الله
اعلم و الله یعنی بترس
بجرت از دلا و الحوب
بدوا و هم و بجا
سود کفار و الزام
تفسیر عثمانی
عنه خدا عفو در جرم
است و عفو ای اجر
و مغفرت و در جبهه
بدو مجاهدان فرموده
همه را نکلی می کند
یا نه اگر مجاهدی بنا
داشتی مسلمانی
را می کشد خدا وی
را می بخشد آشوبش
آن از جهاد باز نماند
عنه یعنی در دل
خویش مسلمانند
اما چون در حکومت
کفارند مطلوب
الشانند از بیم
اعمال اسلامی آنها
بجهاد اقدام می تو
بر آنها فرض است
که بجرت نمایند در این
رو ع ذکر آنهاست
خلاصان با بخود
می کنند که با کافران
آمیخته اند بجرت
می نمایند منکران
و دشمنان از ایشان
می پرسند که خبر چه
و بنیده گویند مسلمان
بودیم اما بنابر توانایی
تو استیم اعمال دین
را بجا آوریم و دشمنان
گویند چنین الهی نریخ
بودی تو ای خدا از این
بجرت کنی پس جای
چنین اشخاص چنین
است

طایفه ای در راه قبل
وصول بقصد اهل
مترجم گوید مشهور
آنست که این آیت
در مکه مسافران
شده است و خوف
تبدل آنرا است
و آنچه نزدیک
این بنده
رجحان یافته
است آنست که این
آیت در صلوة خوف
نازل شده است و
مفسرین اتفاق
درازد که در رکعت
دوم و یکم است که
بایسته ادا میتوان
کرد و در رکعت
و الشاه ۱۲
یعنی وقت خوف
و این معنی مخالف
و حق خود و
و سپرد آئینده
مترجم گوید این را
صورتهاست یک
آنکه امام در نماز
گزارد یکبار یا بجا
و دیگر بار یا بجا
و اگر آنکه امام یک
عادت یک رکعت
نمود و در قیام
توقف کند تا آنکه
رکعت دیگر خوانده
مقابل حدودند
آنجا که دیگر آمده
افتد آنکه اگر است
و دیگر با بجا
در نذر چند آن توقف
کند که از رکعت دوم
نذر خوانده
بایشان سلام دهد
این هر دو با صحت
و یکی صحیح شده و
مجلس آنست ۱۲
اعلم ۱۱
نماز این و الله اعلم
تفسیر عثمانی

اللَّهُ يَجِدُ فِي الْأَرْضِ مُرْعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا
خدا بیابد در زمین سوا منج بسیار و گشایش و هر که بیرون رود از خانه خود بجهت گناه
خدا می باید در زمین سوا منج بسیار و گشایش و هر که بیرون رود از خانه خود بجهت گناه
إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ تَعْدِرُ لَهُ الثَّوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ
بسیاری خدا و بیغاسر او پس در باید او را موت ملا پس تحقیق ثابت شد نزد او بر خدا و هست
بسیاری خدا و بیغاسر او پس در باید او را موت ملا پس تحقیق ثابت شد نزد او بر خدا و هست
اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ
خدا آمرزنده مهربان و چون سفر کنید در زمین پس نیست بر شما گناهی
خدا آمرزنده مهربان و چون سفر کنید در زمین پس نیست بر شما گناهی
أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا
در آنکه کوتاه سازید قدری از نماز اگر ترسید از آنکه در ملا ننگند شما را کافران
در آنکه کوتاه سازید قدری از نماز اگر ترسید از آنکه در ملا ننگند شما را کافران
إِنَّ الْكَافِرِينَ كَالْوَكَاءِ عَدُوٌّ أَمِيدٌ ۝ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقْبَحَتْ
بر آئینه کافران هستند شکار و ملکن آشکارا و چون باشی در میان مومنین و ملا پس بر هر کدی
بر آئینه کافران هستند شکار و ملکن آشکارا و چون باشی در میان مومنین و ملا پس بر هر کدی
لَهُمُ الصَّلَاةُ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ مِنْهُمْ وَمَعَكُمْ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا
برای ایشان نماز پس باید کرد بایستد گروهی از ایشان با تو و باید که بگیرند سلاح خویش پس چون
بر ایشان نماز را باید بایستد گروهی از ایشان با تو و باید که بگیرند سلاح خویش پس چون
سَجِدُوا وَقَلْبُكُمْ نَازِعٌ وَرَأْيُكُمْ وَلِلَّهِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا
سجده رند پس آن گروه دیگر باید که پیش از ایشان باشند و باید که بایستد آن گروه دیگر که بنور نماز سجده
سجده کنند نماز گذران بودند از برای شما در مقابل و من و باید بایستد گروه دیگر که نماز خوانده اند
فَلْيَصَلُّوا مَعَكُمْ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ وَأَسْلِحَتُهُمْ وَالدِّينَ كَفَرُوا
پس نماز کنند با تو و باید که بگیرند سلاح خود و اسلحای خود را آرزو کردند کافران کاش
نماز خوانند با تو و بگیرند احتیاط خود را و سلاح خود را دوست دارند کافران که بیگانه
تَقُولُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً
غافل شوید از سلاح خویش و متاع خویش پس حمل کنند بر شما یک باره
غافل شوید از سلاح تان و اسباب تان پس حمل کنند بر شما یک باره
وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ
و هیچ گناه نیست بر شما اگر باشد شمار باران از باران یا بیمار باشید او را آن که
و نیست گناهی بر شما اگر باشد شما در باران یا بیمار باشید
تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا
بیهوده سلاح خویش را و البته بگیریید حد خود را بر آئینه خدا آماده کرده است برای کافران عذاب
بیهوده سلاح خود را و بگیرید احتیاط تان را ع
فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَى
رسو آنند ملا پس چون نماز تمام گردید پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و
ذلت آور و بندگان میگردانید نماز را پس یاد کنید خدا را ایستاده و نشسته و
جُنُوبَكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى
پهلوی خویش پس چون آرامیدید بر پا کنید نماز را و هر آئینه هست نماز
پهلوی خویش پس چون آرامیدید بر پا کنید نماز را و هر آئینه نماز هست

و اگر بنابر بیان یا بعدی تا توانی بر داشتن سلاح حمل باشد که استحقاق نماز است اما برای حرمت خویش و در و سپردا و در ننگند نماز را

ولا ترمي كريمة
 دل بفرمان ۱۲
 مترجم گوید از این آیه
 قوم شرک بفرمایید
 و مترجم گوید یعنی
 مانند حق کردن و
 سوزن زدن بریدن
 تا سوزن یا برهنگردانند
 و الله اعلم ۱۲
 تفسیر عثمانی تفسیر
 عدله بر گناه که بک
 یا بزرگ کند آفرینست
 ذی کرامی انگیزد وی
 دو گناه لازم میشود
 گناه هتک و دو گناه
 اصلی لهذا بر کردی
 کند بر سر و هتک
 بنده و مال آن زیاد
 میشود و هیچ منفعتی بوی
 نمی رسد و معلوم شد که
 چاره گناهان گناه
 و صیغه جز توبه
 خاص جز توبه نیست
 متعلق صفتی نهاده
 در این آیت بر حضرت
 پیغمبر خطاب میگردد
 و فریب عاینار افشا
 میشود و عظمت شان
 و عظمت و کمال علی
 حضرت وی که بر سر
 کمالات انفس اول
 ی باشد بیان میشود
 و نفسی منبسط
 سفرت بکریانی بر
 ذات نرفته اکر از
 بیان انشاف از
 توبه بگوید و اشارت
 است باین طرف که
 حضرت پیغمبر اگر توبه
 را شایسته برات پیدا
 بود لعل خدا جل جلاله
 حال رسیدن مشاهدت
 اقبال بود و انچه از انشا
 زیاده است میان این سخن
 یا با حجت نال حق
 این امر از این توبه
 در این سخن می باشد

رَحْمَتُهُ لَهَيْتَ طَائِفَةً مِنْهُمْ أَنْ يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَ
 بشارت اهل ادر که کرده بودند گروهی از ایشان که همراه کنند تا و همراه میکنند مگر خود ایشان را
 رحمت او بر آینه تعهد کرده بودند مردی از ایشان که از راه بگردانند و در ضلالت می افتند مگر خود ایشان را
وَمَا يُضِلُّوكَ مِنْ شَيْءٍ وَاتَّزَلَّ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ
 هیچ زیان نرسانند به تو و فرود آورده است خدا بر تو کتاب و دانش و امر حق است ترا
 هیچ زیان نرساند به تو چیزی و فرود رسانده خدا بر تو کتاب و حکمت و امر حق است ترا
مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ۝۱۰ **اخْبِرْنِي كَثِيرًا**
 آنچه نیدانستی و هست فضل خدا بر تو بزرگ نیست خودی در بساطت
 آنچه نیدانستی و هست فضل خدا بر تو بزرگ نیست خودی در بساطت
مَنْ تَجَوَّعَكُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ أَصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ
 از مشورت پنجاهی ایشان لیکن خودی در مشورت کسی است که فراید بصدقه یا بکار پسندیده یا بصلاح کاره میان
 از مشورت شان مگر آنکه علم کرده بصدقه دادن یا کار نیک کردن یا آشتی انگیزدن میان مردم
وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ۝۱۱
 و هر که این کند بطلب خوشنودی خدا بدینش مزد
 و هر که کند این را بطلب رضای الهی پس دود و بهیشش مزد بزرگ
وَمَنْ يَشَارِقِ الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ
 و هر که مخالفت پیغمبر کند بعد از آنکه معلوم شد ادرا هدایت
 و هر که مخالفت کند با پیغمبر پس از آنکه معلوم شد بوی راه راست و پیروی کند و ادرا هدایت
الْمُؤْمِنِينَ ۚ وَلَهُ مَا قَوَّيْتُمْ وَنَصَلِبْتُمْ وَثَاءٌ مَصِيرًا ۝۱۲ **إِنَّ اللَّهَ**
 مسلمانان متوجه بکنش با آنچه میسر و قوت دهد و در پیش بدو رخ و او بدو جانی است و بر آینه خدا
 مسلمانان است حواله کنیم و اربابان طرف که اختیار کرده و در پیش بدو رخ و او بدو جانی است و بر آینه خدا
لَا يَغْفِرَ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرَ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ
 نمی آمرزد آنکه شرک با او نموده شود می آمرزد غیر شرک
 نمی آمرزد آنرا که شرک آید بر وی می آمرزد سوا شرک کسی را که خواهد و هر که شرک کند
بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝۱۳ **إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أُنْثَاءً وَ**
 مقرر کنند پس همراه شده برای دور مشران نمی پرستند بجز خدا که بجا می آید و دختران می پرستند
 بر خدا پس بر آینه گواه شده و در انشاء (بر گویای دور) نمی پرستند جز وی مگر زنان را
إِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا ۝۱۴ **لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَا تُخَدُّنَ مِنْ**
 نمی پرستند مگر شیطان دور نرفته از حد لعنت کرد او را خدا لعنت شیطان البته بگیرم از
 نمی پرستند مگر شیطان سرکش را لعنت کرد او را خدا و گفت شیطان البته بگیرم از
عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا ۝۱۵ **وَلَا ضَلَالَتُهُمْ وَلَا مَنِيَّتُهُمْ وَلَا مَرْتَبُهُمْ**
 بندگان تو حصه مقدره و البته همراه ایشان را و امیدوار می سازم ایشان را و می فرمایم ایشان را
 بندگان تو حصه مقدره و البته همراه ایشان را و امیدوار می سازم ایشان را و می فرمایم ایشان را
فَلْيَبْتَغُوا إِذًا أَنْعَامًا وَلَا أَمْثَلَهُمْ فَلْيَغْنُوا خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَخْذَ
 تا باشد بندگان چهار پایان را و البته بفرمایم ایشان را تا بفرمایم خدا را و هر که دست ببرد
 که بفرماید خدای چهار پایان را و بفرمایم ایشان را تا بفرمایم خدا را و هر که دست ببرد
الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خَسِيرًا ۝۱۶ **يَعِدُ هُمْ**
 شیطان را بجز خدا پس زیان کار شده زیان ظاهر
 شیطان را دوست از غیر خدا به تحقیق زیان کرد (زیان) ظاهر و عدله میداد ایشان را و
 شیطان را دوست از غیر خدا به تحقیق زیان کرد (زیان) ظاهر و عدله میداد ایشان را و

و این سخن می باشد

فل جواب این است
تفصیل و اختصار
خدا تعالی بعضی مسائل
را در این فروع و آیات
سابقه آن مسئله تشریح
نموده و بعضی از اینها
جواب داده و آن مسئله
تشریح و ترمیم می کند
بیک زن و عاوض
از آن دیگر و باطل
در صورت ضرورت
و التماس و ایمن
از حق غائب نمی شود
و آنرا می گزارد و الله
اعلم و در ترجمه
گویایه نیست که
نموده باشد نه باطل
مواظقت کند
تفسیر عثمانی
اگر پیش از یک زن
تفصیل ثلثات و شهادت
توبه و رجوع و تفسیر
به کار میان آنها برآید
که چنین نیز نگذرد
بیک جانب کار تفسیر
یا بعد از رجوع و تفسیر
مطلق بیدارید یعنی نه
خود آنرا آلوده نگری
و در بدنه یا اصل جدا
می شود که دیگری با وی
همان کند عده
اگر زن و شوهر جدا
نیز خود را با عده و تفسیر
بطلاق و صد حجی و این
نیست خدا کار ساز
بر انداخته حاجات است
صد این آیه اشک است
است باین طرف
که شوهر باید زن خود
را آلوده نگذارد و
طرف ایشان را نداند و
اگر شوهر باین امر قدرت
نداشته باشد طلاق
دادن مناسب است
و التماس و ایمن
در حق و تفسیر

وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا ۝ وَإِنْ امْرَأَةٌ خَافَتْ
و آنچه می کنید از نیکی است خدا بان داناست و اگر زنی می ترسد
مِنْ بَعْلِهَا ثَمْرًا وَارْعَا ضَرَأًا فَاصْبِرْ عَلَيْهَا ۝ أَنْ يُصْلِحَ بَيْنَهُمَا
از شوهرش سرش یا در گردانی پس نشاء نیست برای ایشان در آنکه مسلح آوند در میان خویش
از جنگ شوهرش یار و گروه ایشان پس نیست ثنای بر مرد و اگر اصلاح می کنند میان خود
صَلِحًا وَ الصُّلَحُ خَيْرٌ وَأَحْضَرْتُ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ ۝ وَإِنْ تَحْسَبُوا
لست از صلح و صلح کاری بهتر است و حاضر کرده امته اند لغوس نزد یک بعضی وقت و اگر نیکی کاری
در صلح و صلح بهتر است و حاضر است نفس با بر بعضی و اگر نیکی کاری کنید
وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ
و در نیکی کاری کنید پس بر آنچه خدا هست یا آنچه می کنید دانایان تواند هرگز
و در نیکی کاری نمایند پس بر آنچه خدا به آنچه می کنید با خبر است و هرگز نمی تواند
تَعْدُوا ۝ أَيْتُ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ ۝ لَا يَمْلِكُ أَمَلٌ الْيَمِيلُ فَتَذَرُوهَا
کردن میان زنان اگر چه نهایت رغبت کنید پس با کسی که بکشد تمام می تواند آن زمان را
کنید میان زنان و اگر چه در آن حرص کنید و پس میل نکنید به تمام میل پس می گذارد آن زن را
كَالْمُعَلَّقَةِ ۝ وَإِنْ تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝
مانند حلقه است و اگر اصلاح کنید و در نیکی کاری کنید پس بر آنچه خدا هست آمرزنده مهربان
مانند حلقه است و اگر اصلاح می کنید و در نیکی کاری می نمایند پس بر آنچه خدا هست آمرزنده مهربان
وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِنْ سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا ۝
و اگر مرد و زن از یکدیگر جدا شوند کفایت کند خدا تمایلی بر یکدیگر از آن که دیگری خود هست خدا بخواد استوار کار
و اگر مرد و جدا شوند بی نیاز گرداند خدا هر یک را از گشایش خود و هست خدا صاحب گشایش باشد بر عده
وَاللَّهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا
و خدا است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و هر آنچه حکم فرمودیم آنرا که داده شد
و خدا است هر چه در آسمان با و هر چه در زمین است و هر چه حق حکم فرمودیم
الْكِتَابِ مِنْ قَبْلِكُمْ وَآيَاكُمْ أَنْ اسْتَوْا اللَّهَ ۝ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ
کتاب پیش از شما و آیه ای که بر سر سید از خدا و اگر کافر شوید پس بر آنچه
کتاب را پیش از شما و شمار که بر سر سید از خدا و اگر کافر کنید پس بر آنچه
لِلَّهِ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَسِيدًا ۝
خدا است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و هست خدا تو نگردد ستمگر
خدا است هر چه در آسمان با و هر چه در زمین است و هست خدا بیکه نیاز و دارای همه استایش با
وَاللَّهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ إِنَّ اللَّهَ
و خدا است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و خدا کار ساز پس است اگر خوا
و خدا است آنچه در آسمان با و آنچه در زمین است و کافی کار ساز است خدا است اگر بخواه خدا
يُنْهَبِكُمْ أَهْلُ النَّاسِ وَيَأْتِ الْآخِرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرًا ۝
در کند شمارا اهل مردمان و بگوید آخر و هست خدا بر این کار توانا
می بود شمارا اهل مردم و می آورد و بگردان را و هست خدا بر این توانا
مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ
اگر که باشد طالب ثواب دنیایی و ثوابی جز آن عمل و دنیا طلب کند پس نزد یک است ثواب دنیا و آخرت و هست
بر هر که بخواب ثواب دنیا پس نزد خدا است ثواب دنیا و آخرت و هست
وَلَا تَكُنْ مِنَ الْخَالِينَ ۝

و در حق و تفسیر

فلا یقین از زنده شدن
 آدم و اله اعظم
 و لا یقین از زنده شدن
 مصلحتی را که
 مسلمانان میکنند
 که اشتباه مصلحت
 دیگر علی بن ابی طالب
 و لا یقین از زنده شدن
 که هر مسلمانی بشناسد
 رسد و اله اعظم
 و لا یقین از زنده شدن
 که اسلام را هیچ
 مسافر
 کرده اند اله اعظم
 تفسیر عثمانی
 عهده و دل کاخند و
 در خانه مسلمان تاز
 مروت و اینها چنان
 محفوظ بمانند و از هر
 طرف مستعد گردند
 سزای این و فاجر
 شان را داد که شرارت
 و خباثت های نهانی شان
 را بی غیر پوشانند
 و آنچه پنهان بود
 که بلیت اختیار
 این بر علی علیه السلام
 و بر فریب بای شان
 بر ستمان و مشکف
 شد و سزای را که در
 قدرت به آن داد و دهی
 شود و نیز ظاهر فرمود
 چنانچه رأیات آنده
 بگردد شود و همه از
 فریب آن بگریزد
 ساخته نشد خدا خود
 را در قریب او نگذاشت
 و آخرت شان به نجات
 رفت عهده دوز
 که امری پس ضروری
 و عبادت خالص است
 و او را می آید که
 زبان مالی و جانی
 نیست منافقان در آن
 یعنی یقین و آنرا
 او را یقین بود
 یقین تا به ایشان کسی

فِي جَمْعِهِمُ جَمِيعًا الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْنَةٌ مِنْ

بهر آنکه در روز جزا آن منافقان که انتظار شما می کشند پس اگر باشد شمارا فتنه از جانب

لَهُ قَالَ أَوْ أَلَمْ تَكُنْ مَعَكُمْ وَ إِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قُلُوبُ أَلَمْ

خدا گویند آیا نبودیم با شما و اگر باشد کافران را نصیب گویند یعنی بکافران آیا

سَتَجِدُونَ عَلَیْكُمْ وَنَنْتَعِمُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ اللَّهَ يُحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ

غالب نشوید بر شما و ما نیز از نعمت مسلمانان پس خدا حکم خواهد کرد میان شما روز

الْقِيَامَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا إِنَّ

قیامت و هرگز گشاده نه گرداند خدا کافران را بر مسلمانان راهی برای غیر هرگز

الْمُتَّقِينَ يُحَدِّثُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ

منافقان فریب میکنند با خدا و خدا نیز فریب میکند با ایشان و چون می ایستند برای نماز

قَامُوا كَسَالَىٰ يُرَآءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا ثُمَّ يَبْذُلُونَ

کامل کنان برخیزند می نمایند بر مردمان و یاد نمی کنند خدا را مگر اندکی متروک اند

بَيْنَ ذَلِكَ عَالِيَهُمْ إِلَىٰ هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَىٰ هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا

در میان این و آن نه بسوی ایشانند و نه بسوی آنان و هر کس را گمراه کند خدا پس نیایی

يَجِدُ لَهُ سَبِيلًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

اگر ای پیغمبر را چه ای مسلمانان دوست نگیرید کافران را

مَنْ دُونَ الْمُؤْمِنِينَ إِنْ تَرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا اللَّهَ عِلْمَكُمْ سُلْطَانًا

بجز مسلمانان آیا میخواهید که کتابت کنید برای خدا بر خویشانشان

مُبِينًا إِنْ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَهُمْ

ظاهر هرگز نیست منافقان در طبقه زیر ترین اند از آتش و نه یابی ایشان را

نَصِيرًا إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ

و هیچ یاری دهنده جز آنانکه توبه کردند و اصلاح کردند و گرفتند بربط خدا و خالص گردانیدند دین شان را

لِلَّهِ فَإِنَّكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

برای خدا پس ای پیغمبر همراه مؤمنانند و زود ۴۴ خدا مؤمنان را مزد بزرگ

مَافِعْعَلُ اللَّهِ بَعْدَ إِيكُمُ إِنْ شَكَرْتُمْ وَأَمْنَتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا

بهر کار کند خدا بعد از شما اگر شکر کنید و ایمان آرید و خدا شکر کننده و دانای

چیزی کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

بهر کار کند خدا عذاب بگردان شمارا اگر شکر کنید حق را تسلیم کنید و یقین دارید و استقامت خدا قدر دان دانای

لَا يُجِبُ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالشُّعْرِ مِنْ

دوست نمی دارد خدا بشتن گفتن سخن
دوست نمی دارد خدا آشکارا کردن سخن

الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا ۝۱۰۰
بهر سخن گفتن مگر آنکه ستمگر باشد و خدا شنوا داناست و داناست

خُفُّوْا أَوْ تُخَفَّوْا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوًّا قَدِيرًا ۝۱۰۱
پنهان کنید آزار یا عفو کنید از کسی که بر وی ستم شده و است خدا بخشنده و توانا

يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ يُقَرُّوْا بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ
کافر می شوند بپای خدا و پیغامبران او و گواهی می دهند که نفی کردند در میان خدا و پیغامبران او و گواهی می دهند

وَمِنْ بَعْضٍ وَتَكْفُرُ بَعْضٌ وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا
و از بعضی کفر می نمایند و بعضی را می بخشایند و می خواهند که تفویض کنند میان خدا و پیغامبران او و می خواهند که میان این دو راهی را

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ مُهِينٍ ۝۱۰۲
این گروه ایشانند کافران حقیقی و آماده کرده ایم برای کافران عذاب رسوا کننده و کاستی

أَمْ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَهُ يُقَرُّوْا بَيْنَ أَحَدِهِمْ أَوْلِيَّكَ سَوْفَ نُؤْتِيهِمْ
آیا بپای خدا و پیغامبران او و نفی می کنند که در میان یکی از ایشان آگاهی خواهد داد خدا ایشان را

أَجْوَرَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝۱۰۳
بزرگوارتر از ایشان و خدا بخشنده و مهربان است و درخواست می کند از کتاب که فرود آرد

عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَى أَكْبَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرَنَا
بر ایشان کتاب از آسمان یعنی بگفته پس سوال کرده بودند از موسی بزرگتر از این گفتند خدا را

اللَّهُ جَهْرَةً فَأَخَذَتْهُمُ الصَّعِقَةُ بظُلْمَتِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْجِبُلَ مِنْ بَعْدِ
خدا را آشکارا پس گرفت ایشان را صاعقه به سبب ظلم ایشان باز گرفتند موسی را بخدای پس از آنکه

فَاجَاءَهُمُ الْبُيُوتُ فَخَفُّوا عَنْ ذَلِكَ ۖ وَآتَيْنَاهُمُ مَوْسَى سُلْطَانًا مُبِينًا ۝۱۰۴
آمد بایشان خانه ها پس در گرفتند ایشان از این بزرگوارتر دادیم موسی را علیه صریح

رَفَعْنَا قُرُونَهُمُ الْفُورَ بَيْنَهُمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا أَوْ قُلْنَا
برداشتیم بالائی ایشان طور را برای گرفتن عهد ایشان و گفتیم ایشان را در آید به دروازه سجده کنان و گفتیم

لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ۝۱۰۵
ایشان را تجاوز نکند در روز شنبه و گرفتیم از ایشان عهد محکم پس بستیم این میثاق سبب

بسم الله الرحمن الرحيم
از توبه و پشیمانی
ایمان یار و الهام
و سرگرم و پندار
خداوند تعالی و شهادت
بهر میکند که قرآن چرا
یکدفعه شش آواز می
تا زل زده و این
حق است تایا
اگر کتاب را بپندار
تفسیر عثمانی
عنه اگر از کسی در
امور دین یا دنیا عیبی
مطلوب شود مشهور نماید
کرد خدا بر سخنان را
می شنود و بر تمام کارها
آگاه است و هر که را
بر وفق آن بزیاید
این را نصیب می کند
تنها مظلومان و مجازات
که ظلم ستم کاران را
بردم آشکارا بپایان
کنند هم چنین در بعضی
مواقف دیگر است
۱۰۲ در این جا از این
اجبت این جمله مراد
شد فاسقان متناقض
را مشهور نسازد و
علی الاطلاق وی را
بدنام کند بر هر مکتبی
است بیشتر کند پیدا
کند و بیک شود
بلکه متناقض را به طور
بهم نصیحت کنند
متناقض خود خواهد داشت
یا نفع نصیحت کنند
شاید هدایت شود و چنانچه
حضرت پیغمبر نیز چنین
میگوید نام کسی را به یک
شهرت نمی دادند
کسی که هیچ کس را ندانید
را جدا کردند بیکدیگر
و همه پیغمبران وی را
آوردند و امر حجت
خویش ثواب عظیم

لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَ ۚ وَهِيَ بِرَبِّهَا

ان لم يكن لها وكد^ط فان كانتا اثنتين فلهما الثلثان

گرباشد بفرزند
پس اگر خواهران دو باشند پس ایشانراست در میان خود آید

گرباشد ادا فرزند
پس اگر دو دختر باشند پس امر و وصایت و دولتش از آنجمله

تَرَكَهُ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رَجُلًا وَنِسَاءً فَلِلَّذِي كَرِهَ مِثْرُ

[illegible]

خط اولیٰین یبیین للہ لکم ان رضوا ووالدکم بعلی علیہ السلام
تغذونہ ونبیان میکنہ خدا برائے شما تا همراه تشوید و خدا بہم خبر دانا مت

شیب دران بیان کند خدا بفرمان که مراد شود و خدا بفرمان چنان دانست ع

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم ○

بنام خدا کے بخشا شدہ مہربان
آغاز میکنم بنام خدا ایک بی اندازہ مہربان
نهایت بارم است

بِهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ مَا جَاءَكُمْ بِهِمْ الْإِنْفَاءُ

مومنان و فاکند به عهد با حلال گردانیده شده برای شاه چهار با ن خواستی

شمار در حالتیکه عمر باریتد بر آینه خدا حکم میکند آنچه کی خواهد

ایہا الذین امنوا لا تمیلوا شیعۃ الذین کفرو ولا الشیعۃ الخمر ام ولا الہم

۱۰۰
۱۰۱
۱۰۲
۱۰۳
۱۰۴
۱۰۵
۱۰۶
۱۰۷
۱۰۸
۱۰۹
۱۱۰
۱۱۱
۱۱۲
۱۱۳
۱۱۴
۱۱۵
۱۱۶
۱۱۷
۱۱۸
۱۱۹
۱۲۰
۱۲۱
۱۲۲
۱۲۳
۱۲۴
۱۲۵
۱۲۶
۱۲۷
۱۲۸
۱۲۹
۱۳۰
۱۳۱
۱۳۲
۱۳۳
۱۳۴
۱۳۵
۱۳۶
۱۳۷
۱۳۸
۱۳۹
۱۴۰
۱۴۱
۱۴۲
۱۴۳
۱۴۴
۱۴۵
۱۴۶
۱۴۷
۱۴۸
۱۴۹
۱۵۰
۱۵۱
۱۵۲
۱۵۳
۱۵۴
۱۵۵
۱۵۶
۱۵۷
۱۵۸
۱۵۹
۱۶۰
۱۶۱
۱۶۲
۱۶۳
۱۶۴
۱۶۵
۱۶۶
۱۶۷
۱۶۸
۱۶۹
۱۷۰
۱۷۱
۱۷۲
۱۷۳
۱۷۴
۱۷۵
۱۷۶
۱۷۷
۱۷۸
۱۷۹
۱۸۰
۱۸۱
۱۸۲
۱۸۳
۱۸۴
۱۸۵
۱۸۶
۱۸۷
۱۸۸
۱۸۹
۱۹۰
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰
۲۰۱
۲۰۲
۲۰۳
۲۰۴
۲۰۵
۲۰۶
۲۰۷
۲۰۸
۲۰۹
۲۱۰
۲۱۱
۲۱۲
۲۱۳
۲۱۴
۲۱۵
۲۱۶
۲۱۷
۲۱۸
۲۱۹
۲۲۰
۲۲۱
۲۲۲
۲۲۳
۲۲۴
۲۲۵
۲۲۶
۲۲۷
۲۲۸
۲۲۹
۲۳۰
۲۳۱
۲۳۲
۲۳۳
۲۳۴
۲۳۵
۲۳۶
۲۳۷
۲۳۸
۲۳۹
۲۴۰
۲۴۱
۲۴۲
۲۴۳
۲۴۴
۲۴۵
۲۴۶
۲۴۷
۲۴۸
۲۴۹
۲۵۰
۲۵۱
۲۵۲
۲۵۳
۲۵۴
۲۵۵
۲۵۶
۲۵۷
۲۵۸
۲۵۹
۲۶۰
۲۶۱
۲۶۲
۲۶۳
۲۶۴
۲۶۵
۲۶۶
۲۶۷
۲۶۸
۲۶۹
۲۷۰
۲۷۱
۲۷۲
۲۷۳
۲۷۴
۲۷۵
۲۷۶
۲۷۷
۲۷۸
۲۷۹
۲۸۰
۲۸۱
۲۸۲
۲۸۳
۲۸۴
۲۸۵
۲۸۶
۲۸۷
۲۸۸
۲۸۹
۲۹۰
۲۹۱
۲۹۲
۲۹۳
۲۹۴
۲۹۵
۲۹۶
۲۹۷
۲۹۸
۲۹۹
۳۰۰
۳۰۱
۳۰۲
۳۰۳
۳۰۴
۳۰۵
۳۰۶
۳۰۷
۳۰۸
۳۰۹
۳۱۰
۳۱۱
۳۱۲
۳۱۳
۳۱۴
۳۱۵
۳۱۶
۳۱۷
۳۱۸
۳۱۹
۳۲۰
۳۲۱
۳۲۲
۳۲۳
۳۲۴
۳۲۵
۳۲۶
۳۲۷
۳۲۸
۳۲۹
۳۳۰
۳۳۱
۳۳۲
۳۳۳
۳۳۴
۳۳۵
۳۳۶
۳۳۷
۳۳۸
۳۳۹
۳۴۰
۳۴۱
۳۴۲
۳۴۳
۳۴۴
۳۴۵
۳۴۶
۳۴۷
۳۴۸
۳۴۹
۳۵۰
۳۵۱
۳۵۲
۳۵۳
۳۵۴
۳۵۵
۳۵۶
۳۵۷
۳۵۸
۳۵۹
۳۶۰
۳۶۱
۳۶۲
۳۶۳
۳۶۴
۳۶۵
۳۶۶
۳۶۷
۳۶۸
۳۶۹
۳۷۰
۳۷۱
۳۷۲
۳۷۳
۳۷۴
۳۷۵
۳۷۶
۳۷۷
۳۷۸
۳۷۹
۳۸۰
۳۸۱
۳۸۲
۳۸۳
۳۸۴
۳۸۵
۳۸۶
۳۸۷
۳۸۸
۳۸۹
۳۹۰
۳۹۱
۳۹۲
۳۹۳
۳۹۴
۳۹۵
۳۹۶
۳۹۷
۳۹۸
۳۹۹
۴۰۰
۴۰۱
۴۰۲
۴۰۳
۴۰۴
۴۰۵
۴۰۶
۴۰۷
۴۰۸
۴۰۹
۴۱۰
۴۱۱
۴۱۲
۴۱۳
۴۱۴
۴۱۵
۴۱۶
۴۱۷
۴۱۸
۴۱۹
۴۲۰
۴۲۱
۴۲۲
۴۲۳
۴۲۴
۴۲۵
۴۲۶
۴۲۷
۴۲۸
۴۲۹
۴۳۰
۴۳۱
۴۳۲
۴۳۳
۴۳۴
۴۳۵
۴۳۶
۴۳۷
۴۳۸
۴۳۹
۴۴۰
۴۴۱
۴۴۲
۴۴۳
۴۴۴
۴۴۵
۴۴۶
۴۴۷
۴۴۸
۴۴۹
۴۵۰
۴۵۱
۴۵۲
۴۵۳
۴۵۴
۴۵۵
۴۵۶
۴۵۷
۴۵۸
۴۵۹
۴۶۰
۴۶۱
۴۶۲
۴۶۳
۴۶۴
۴۶۵
۴۶۶
۴۶۷
۴۶۸
۴۶۹
۴۷۰
۴۷۱
۴۷۲
۴۷۳
۴۷۴
۴۷۵
۴۷۶
۴۷۷
۴۷۸
۴۷۹
۴۸۰
۴۸۱
۴۸۲
۴۸۳
۴۸۴
۴۸۵
۴۸۶
۴۸۷
۴۸۸
۴۸۹
۴۹۰
۴۹۱
۴۹۲
۴۹۳
۴۹۴
۴۹۵
۴۹۶
۴۹۷
۴۹۸
۴۹۹
۵۰۰
۵۰۱
۵۰۲
۵۰۳
۵۰۴
۵۰۵
۵۰۶
۵۰۷
۵۰۸
۵۰۹
۵۱۰
۵۱۱
۵۱۲
۵۱۳
۵۱۴
۵۱۵
۵۱۶
۵۱۷
۵۱۸
۵۱۹
۵۲۰
۵۲۱
۵۲۲
۵۲۳
۵۲۴
۵۲۵
۵۲۶
۵۲۷
۵۲۸
۵۲۹
۵۳۰
۵۳۱
۵۳۲
۵۳۳
۵۳۴
۵۳۵
۵۳۶
۵۳۷
۵۳۸
۵۳۹
۵۴۰
۵۴۱
۵۴۲
۵۴۳
۵۴۴
۵۴۵
۵۴۶
۵۴۷
۵۴۸
۵۴۹
۵۵۰
۵۵۱
۵۵۲
۵۵۳
۵۵۴
۵۵۵
۵۵۶
۵۵۷
۵۵۸
۵۵۹
۵۶۰
۵۶۱
۵۶۲
۵۶۳
۵۶۴
۵۶۵
۵۶۶
۵۶۷
۵۶۸
۵۶۹
۵۷۰
۵۷۱
۵۷۲
۵۷۳
۵۷۴
۵۷۵
۵۷۶
۵۷۷
۵۷۸
۵۷۹
۵۸۰
۵۸۱
۵۸۲
۵۸۳
۵۸۴
۵۸۵
۵۸۶
۵۸۷
۵۸۸
۵۸۹
۵۹۰
۵۹۱
۵۹۲
۵۹۳
۵۹۴
۵۹۵
۵۹۶
۵۹۷
۵۹۸
۵۹۹
۶۰۰
۶۰۱
۶۰۲
۶۰۳
۶۰۴
۶۰۵
۶۰۶
۶۰۷
۶۰۸
۶۰۹
۶۱۰
۶۱۱

لَا الْقَائِدَ وَلَا أُمِّيْنَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَفَوَّنَ فَضْلًا مِّن رَّسَمِهِمْ وَ

از پروردگار خود و

صوانہ وادہ احمالتہ فاصطاد وادہ وایحرم منہم شنان وروان

و با عث نمند شما دشمنی قوم کر باز

بر تاجوازه کردن از عدد دایکدیک که در کفید برینو کاری و به این کاری

لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

برگناه و ستم و بزرگساز خدا بر آینه خدا سخت است
و بزرگساز خدا بر آینه عذاب خدا سخت

کہ اگر امتداد کی روایات و صفات الہی بر نظام و اعلیٰ جرات کے نسب کے از فرقہ و امتیاز نہ نمایان ہو۔ عاجز باہمنات ہے چون و صفات ہے چون اور ان

فتح الرحمن
 مترجم نوید یعنی اعیان
 و اگر نباشد علانی تمام
 مقام اعیانی بود ۱۲
 و لایق شرف و آوازه گشت
 و این رسم را انعام
 گویند حال است مگر
 یقه و قوف و آنچه باید
 و الله اعلم ۱۳
 و لایق قتل و جزی
 و ده نقد و بی لایق
 و محرم نباید کرد
 و الله اعلم ۱۴
 و لایق یعنی تعرض
 حاجیان و معقران
 و این نباید
 و لایق کرد و لفظ ایشان
 نباید گرفت
 و الله اعلم ۱۵
 و لایق یعنی پیش از
 رفع که پیش از آنکه
 مسلمان شوند و الله
 اعلم ۱۶ لایق یعنی
 پیشتر معلوم شد که خدا
 بایست بندگان خود را
 بی بسند و اکنون بیغریب
 و هر چیز و معلوم است
 پس مطلب این است
 که اگر در میان کل دینی
 مردودی واقع شود
 بر سر سید و این ارشاد
 معلوم می شود که اصحاب
 نسبت به استفساری
 که در مسئل کالر غوده
 بودند تخمین آورنده
 بگویند چنین سوأ بها
 از غریب می شنوند و
 بگذارد و نگرانی آید
 که ظاهر بر حیرت آگاه
 است و تمامی دانند
 که حتی این قدر توضیح
 داده نمی تواند چه هم
 در کلام دیگر موارد
 چنین شده علت تحقیق
 از حیرت پس عقل
 انسان کوآشیا است

کہ کہ ہر امتداد کی اور ذات و صفات الہیہ پر مطلقہ و مطلقہ جرات و تسمیہ کی از فرقہ و امتیاز نثر بیان خود عاجز باشد ذات چند چون و صفات بے چگون اور ذات

فتح الرحمن

۱۰۰ متر هم گوید
 ۱۱۰ خصوصیات اینجا
 ۱۲۰ نزدیک نام این جغده
 یعنی بار ساست و نزدیک
 مشایخی یعنی آزاد از غیر
 مسافین مفهوم شد که در
 نکاح مشهور درست نیست
 و از او لاخطای اخذان
 مفهوم شد که نکاح ستر
 درست نیست و الحمد اعظم
 ۱۳۰ متر هم گوید یعنی
 نکاح کرده باشند و
 نزدیک شافعی است
 رسانیدن بزرگ ناقص
 و نه سست و الله اعلم
 ۱۴۰ یعنی چه بد که وقت
 بیعت پیستند آنرا هم
 تفسیر عثمانی
 ۱۵۰ باید فائده ایبارت
 از نکاح با زن بای
 اهل کتاب این باشد
 که خائیت و اخلاق
 سلامی مومن قناری
 بدل زن جایگزین شوند
 ۱۶۰ که شوهر فرقی از آنها
 شده و هم بگراں بهای
 یکن را قربان او کند
 مصداق از خیر الدین
 ۱۷۰ الاقره اگر دو چون
 را هم نکاح با زن
 افزه احتمال قوی این
 نیست نسبت بهما تنهید
 مومن بکفر یا مال فقط
 ۱۸۰ بطلان زانیل موزون
 بوقع است این نظر
 است اما حضرت
 صاحبی فرماید
 ۱۹۰ باین دو حکم این کتاب
 دره نیاز از مشرکین
 خصیصه دادند و در
 وقت حال تمام کنند
 ۲۰۰ است اگر عمل
 نام کنند قبل درگاه
 نیست عده زیرا که
 نالی خوش پاک است
 ۲۱۰ از دست دارد

وَهُوَ الْآخِرَةُ مِنَ الْخَيْرِينَ ۚ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ
 وَادعوا آخرت از زبان کاران است و اولی که بر خیزید پس ای نماز
 وَغَسِّلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ
 پس بشوید و رویهای خود را و دستهای خود را تا آرنجها و مسح کنید سر خود را و بنویسید پاها را خود
 إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنَاحًا مَّرْءًا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ
 یا نشستن یا اگر باشید با جنابت پس مثل تنبیه و اگر باشید بیمار یا مسافر
 أَوْ جَاءَ أَحَدُكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا
 یا باید که از نما از غلط جائی یا مساس کرده باشید زنان را و اگر نیابید آب پس قصد کنید
 صَعِدَ الْجَبَلِ فَأَمْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ
 خاک پاک را پس مسح کنید از آن خاک بر روی خود و دست خود نرمی خواهد شد اگر مشروب کند
 عَلَيْكُمْ مِنْ حَرْجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ
 بر شما حرج نشود و لیکن می خواهد که پاک گرداند شما را و تمام کند نعمت خود را بر شما تا خود سر
 تَشْكُرُونَ ۱ وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّتِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ
 شکر گذاری کنید و یاد کنید احسان خدا را بر خویش و بیعت او را که عهد بدست با شما بپایان آید که
 قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۲
 بفرمودند شنیدیم و فرمان برادری کردیم و بترسید از خدا بر آئین خدا و داناست بایچه در سینها باشد
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ نَوْا لِمَنْ مَنَعَكُمْ
 ای مسلمانان متعهد حق الله باشید و گواهی دهید بر حق باشید بر راستی و حق ننگد شمارا
 شِدَانٍ قَوْمٍ عَلَى الْآثِقِدْ لَوْ أَطَاعُوا أَتَوْهُمُ أَقْرَبَ لِلتَّقْوَى وَاتَّقُوا
 دشمنی قومی بر ترک عدل عدل کنید عدل نزدیک تر است به پرهیزکاری و بترسید
 اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ خَيْرٌ لِّمَا تَعْمَلُونَ ۳ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
 از خدا بر آئین خدا آگاه است بایچه میکنند و عده کرده است عده کرده خدا با آنان که ایمان آورده اند و کارهای
 الصَّلَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ۴ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا
 شایسته کرده باین مضمون که ایشان است آرزوی مزد بزرگ و کسانیکو کافر شدند و بدو روح نسبت کرده آیات امارا
 وَلِيكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۵ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ
 ای مسلمانان یاد کنید نعمت خدا را بر خویش
 ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ و ۳۳ و ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ و ۳۸ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۱ و ۴۲ و ۴۳ و ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵

و من معنی قتال کنند
 و الله اعلم احوال
 این مجزیه چند نبوت
 تیس شده از انجیل
 آنست که آنحضرت
 صلی الله علیه و آله
 سلم بفرموده یزید
 دفره بودند و گفته اند
 ایشان خواست که
 سینه بالائی آنحضرت
 با کفن خدای تعالی
 دست آن شخص بند
 کرد و از انجیل آنست
 که کفر قریشی حرمیه
 از جنگ با ایشانند
 بعد از آنکه و اید جنگ
 داشتند و از انجیل
 آنست که یگان یاران
 مسلمان کتاب دست
 درازی خواست
 خانه تعالی دست
 او را گرفت و ساخت
 مساجدی در جهاد و حق
 گردید و بنی و ابی
 و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 حضرت موسی از میان
 بنیان دوازده گانه
 اسرائیل دوازده مرتبه
 ستم فرمود و مضران
 اسای آنها را از
 نودات نقل کرده اند
 و از ایشان بود که
 عیسی را در انجیل
 یکبار کینه و نگار و جمل
 شان باشند و اتفاق
 عجیب است که قبل
 از بعثت جناب که انجیل
 در لیلیه العقیده بیت
 فرخنده حضرت پیغمبر
 صلی الله علیه و سلم
 بهجت میکرد و نماز میان
 آن بانی دوازده نقیب
 انتخاب شده و پس
 دوازده نفر از طرف
 قوم و دست اقدس
 حضرت نبوت بوده و بعد از آن چار بن حرمه از حضرت پیغمبر شافعی است و بعد از آن چار بن حرمه از حضرت پیغمبر شافعی است و بعد از آن چار بن حرمه از حضرت پیغمبر شافعی است

اِذْ هَمُّ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۚ وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَءِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ إِن أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّيْتُمُوهُ ۚ فَأَقْرَضُكُمْ قَرْضًا حَسَنًا أَلَّا تَكُونَ مِنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأَذْخَلَتْ لَكُمُ الْيَمِينُ فِي جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۚ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَبِيلَ السَّبِيلِ ۚ فَمَا أَقْضَاهُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهَا ۚ وَتَسُوا حَدَاثَاتٍ ۚ وَكَذِبُوا بِآيَاتِنَا ۚ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۚ مِنْهُمْ فَأَعْفُو عَنْهُمْ وَاصْفَحْ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۚ وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي أَخَذْنَا مِيثَاقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا ۚ فَمَاذَكُرُوا بِهِ ۚ فَاعْتَرَبَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۚ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ۚ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ

اینها که در دست
 و الله اعلم احوال
 این مجزیه چند نبوت
 تیس شده از انجیل
 آنست که آنحضرت
 صلی الله علیه و آله
 سلم بفرموده یزید
 دفره بودند و گفته اند
 ایشان خواست که
 سینه بالائی آنحضرت
 با کفن خدای تعالی
 دست آن شخص بند
 کرد و از انجیل آنست
 که کفر قریشی حرمیه
 از جنگ با ایشانند
 بعد از آنکه و اید جنگ
 داشتند و از انجیل
 آنست که یگان یاران
 مسلمان کتاب دست
 درازی خواست
 خانه تعالی دست
 او را گرفت و ساخت
 مساجدی در جهاد و حق
 گردید و بنی و ابی
 و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 حضرت موسی از میان
 بنیان دوازده گانه
 اسرائیل دوازده مرتبه
 ستم فرمود و مضران
 اسای آنها را از
 نودات نقل کرده اند
 و از ایشان بود که
 عیسی را در انجیل
 یکبار کینه و نگار و جمل
 شان باشند و اتفاق
 عجیب است که قبل
 از بعثت جناب که انجیل
 در لیلیه العقیده بیت
 فرخنده حضرت پیغمبر
 صلی الله علیه و سلم
 بهجت میکرد و نماز میان
 آن بانی دوازده نقیب
 انتخاب شده و پس
 دوازده نفر از طرف
 قوم و دست اقدس
 حضرت نبوت بوده و بعد از آن چار بن حرمه از حضرت پیغمبر شافعی است و بعد از آن چار بن حرمه از حضرت پیغمبر شافعی است و بعد از آن چار بن حرمه از حضرت پیغمبر شافعی است

و الله اعلم احوال
 این مجزیه چند نبوت
 تیس شده از انجیل
 آنست که آنحضرت
 صلی الله علیه و آله
 سلم بفرموده یزید
 دفره بودند و گفته اند
 ایشان خواست که
 سینه بالائی آنحضرت
 با کفن خدای تعالی
 دست آن شخص بند
 کرد و از انجیل آنست
 که کفر قریشی حرمیه
 از جنگ با ایشانند
 بعد از آنکه و اید جنگ
 داشتند و از انجیل
 آنست که یگان یاران
 مسلمان کتاب دست
 درازی خواست
 خانه تعالی دست
 او را گرفت و ساخت
 مساجدی در جهاد و حق
 گردید و بنی و ابی
 و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 حضرت موسی از میان
 بنیان دوازده گانه
 اسرائیل دوازده مرتبه
 ستم فرمود و مضران
 اسای آنها را از
 نودات نقل کرده اند
 و از ایشان بود که
 عیسی را در انجیل
 یکبار کینه و نگار و جمل
 شان باشند و اتفاق
 عجیب است که قبل
 از بعثت جناب که انجیل
 در لیلیه العقیده بیت
 فرخنده حضرت پیغمبر
 صلی الله علیه و سلم
 بهجت میکرد و نماز میان
 آن بانی دوازده نقیب
 انتخاب شده و پس
 دوازده نفر از طرف
 قوم و دست اقدس
 حضرت نبوت بوده و بعد از آن چار بن حرمه از حضرت پیغمبر شافعی است و بعد از آن چار بن حرمه از حضرت پیغمبر شافعی است و بعد از آن چار بن حرمه از حضرت پیغمبر شافعی است

لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ

برای صاحبان و اولاد صاحبان از کتاب پنجم از کتاب الهی و او در گردی کند از تفصیلات بسیار
برای صاحبان از پنجم از کتاب پنجم از کتاب الهی و او در گردی کند از تفصیلات بسیار
از پنجم از کتاب پنجم از کتاب الهی و او در گردی کند از تفصیلات بسیار

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ ۝ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ

۱۔ اہل کتب ہر ایدہ میں از جانب خدا اور سے و کتاب سے روغن یعنی قرآن بسبب آن ولایت می نماید خدا کے را کہ
۲۔ رفیق اسد بشار از جانب خدا وری و کتابی روغن راہ می نماید خدا وری نور آنرا کہ

تَبِعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى

راه پائے بخت و بیرون می آید ایشان را از تاراجی قبیوی
 بیرونی خوشنودی اوی کند قبیوی راه پای بخت و بیرون می آید ایشان را از تاراجی قبیوی

النَّورِ بِأَذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿٥﴾ لَقَدْ

و دلالت می کند	ایشان را نبوی	راه راست	بر آینه
و راه می نماید ایشانرا	نبوی	راه	در آینه

كُفِّرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ قَدْ مَرَّ

کاشکند آناه گفتند بدو شکر الله بمان است پسر زلم است دل بنو کے

لِيُكَفِّرَ عَنْكَ اللَّهُ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يَهْلِكَ الْمُسْلِمَ الْفَارِسِيَّ وَأُمَّهُ

کی نواہد از خدا چہے را از انتقام اگر بخوابد کہ ہلاک کند پیشے پسر زخم را داد و دل را گرفت است کہ مالک باشد از ارادہ اللہ چہے را اگر بخوابد کہ ہلاک کند عیب

وَمَنْ فِي الْأَرْضِ حَسْبُكَ اللَّهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

و خدا را ست بادشاهی آسمانی و زمین و

مَا لَكُمْ سَخِرُوا مَا لَكُمْ

آنکه در میان این برادر است می آفریند هر چه می خواهد و خدا بر همه چیز توانا است و

قَالَ اللَّهُ تَوَالِي

یہودی ہترسایان ما پسران خدا اکم و دوستین و دایم صل یوئیس چرا

عَدُّكُمْ بِذُنُوبِكُمْ طَائِفَاتٍ فِي أَشْهُارِكُمْ

نقداب کی کند شادرا بر کنایان شما بیکر شما آید میانه از جنس آنچه پیدا کرده است می آید

باز بیاورد و از پیشانی او میزدند و از پیشانی او میزدند و از پیشانی او میزدند

و عذاب کی گندہ ہر گرا خواہ و حسد کی ماست باز شاہی آسانیا ہے و زمین

و در حدیث است پناه شایسته ای است و زمین

این برود یا شد و بسوی اوست رجوع اے اهل کتاب بر آئید آمده است بجا

[illegible]

وَلَا يَنْبَغِي لَكُمْ عَلَىٰ صِفَتِهِ مَنَاسِكُ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا

بیان می کند برای شما در حالت القطار آمدن پیچبران تا کوچه کربلایه بیامده با

پیشتر درجہ معلوم کردہ استقامت (العباد بالحق)

فتح الرحمن

فلان یقین معجزات
عظیم از حق بخورد
دفع ظهور الله اعظم
فلان یقین بوضع
وکان وکذا
علم کرد که این
زین متفق تفسیر
تفسیر عثمانی -
عنه شمار از اول
علائی ز عوینان از کما
بخشید بران ملک
شان تصرف گردانید
بر غلامه پیشتر ازین
شما حضرت و سفا
را بر خزان و ملکت
مهر سلطه اودانی
فرمود و مستقبل نیز
مثل حضرت سلیمان
پیغمبر و پادشاهان
و نبوت های دین
و دنیا شما مقتدر
افزاید و اینده
ترین نصب و نبی
دخوت می باشد و اینها
عروج افعال نبوی
از ادای و سلطنت و
این بود برای شما
رحمت گردید ع
در آردان که برسی علیه
السلام این خواب
ی نبوی، سرایک
نسبت بنام سائین
زین بیشتر مورد
بای خدا واقع بودند
و اگر دانستن الطین
بر عیون عمل شود ازین
سبب هیچ نیست که
خود قرآن که در حضور
است محمد آقرا حق می
ناید که تم خیر است از حق
لایس از آل عمران
و کما ۷۸ از عیون
فرموده و کذا
ایضا و کذا
شبهه علی ایمن
دلفور و کذا ۱۴

مَنْ بَشِيرٌ وَلَا سَبِيْرٌ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيْرٌ وَنَذِيْرٌ وَاللّٰهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝۱۱۲
و این گروه دهنده و بیم کننده آمده است بشما گروه دهنده و بیم کننده
و این گروه دهنده و بیم کننده پس تحقیق آمده است بشما گروه دهنده و بیم کننده
و الله
شئ قدیر ۱۱۲ و اذ قال موسى لِقَوْمِهِ يَقُوْمُوا ذِكْرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ
چیز تواناست و یاد کن چون گفت موسی قوم خود را ای قوم من یاد کنید نعمت خدا را
چیز تواناست و چون گفت موسی مرقوم خود را ای قوم من یاد کنید نعمت الله را
عَلَيْكُمْ اِذْ جَعَلْ فِيْكُمْ اَنْبِيَاءً وَجَعَلَ لَكُمْ مَّوَدًّا وَاتَّكَمْتُمْ اَلَمْ تَبُوْا
بر خویش چون پیدا کرد در میان شما پیغمبران را و پادشاه ساخت شمارا و ادبها آنچه نداد
بر خویش چون پیدا کرد در میان شما پیغمبران را و گردانید شمارا پادشاهان ع و داد بشما آنچه نداد
اَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِيْنَ ۝۱۱۳ يَقُوْمُوا دُخُلُوا الْاَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي
یکی کس از عالمیان و ای قوم من در آید بر زمین پاک
یکی کس را از عالمیان ازین شما عده ای قوم من در آید بر زمین پاک کرده شده آن زمین که
كُتِبَ اللّٰهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلٰى اَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوْا خَسِيْرِيْنَ ۝۱۱۴
مقرر ساخت برای شما و باز نگردید بهمان راه که آمده اید پس میگردید زیان کار
مقرر ساخت برای شما و باز نگردید بهمان راه که آمده اید پس میگردید زیان کار
قَالُوْا اَيُّ مَوْسٰى اِنْ فِيْهَا فَوْجٌ مَّا جَبَّارِيْنَ ۝۱۱۵ وَاَتَاكَ نَدُّ خَلْهَاكُمُ
گفتند ای موسی هر آینه آنجا گروهی هستند زور آور و دیر گزنا داخل لشویم آنجا تا آنکه
گفتند ای موسی بدو رسیدند آن زمین گروهی اند زور آوران و دیر گزنا داخل لشویم آنجا تا آنکه
يَخْرُجُوْا مِنْهَا فَاِنْ يَخْرُجُوْا مِنْهَا فَاِنْ يَخْرُجُوْنَ ۝۱۱۶ قَالَ رَجُلَيْنِ
برایان بیرون آیند از آنجا پس اگر ایشان از آنجا بیرون شوند هر آینه مادر آیم گفتند
ایشان بیرون آیند از آنجا پس اگر ایشان بیرون شوند از آنجا پس ما در آید گایم گفتند دوم
مِنَ الدِّيْنِ يَخَافُوْنَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمَا اِذْ خَلَّوْا عَلَيْهِمُ الْبَابُ ۝۱۱۷
از اهل تقوی که انعام کرده بود خدا بر ایشان و در آید ای قوم برای شما از راه دروازه
از آنجا ترسیدند از خدا انعام کرده بود الله بر ایشان و در آید بر ایشان دروازه
فَاِذَا دَخَلْتُمُْوْهُ فَاِنَّكُمْ عَلَيْهِمْ غَالِبُوْنَ ۝۱۱۸ وَعَلٰى اللّٰهِ فَوْقُوْكُمْ اِنْ كُنْتُمْ
چون در آید دروازه پس بر آید شما غالب باشید و بر خدا توکل کنید اگر ستمان
و چون در آید پس بر آید شما غالب باشید و بر الله توکل کنید اگر ستمان
مَوْمِنِيْنَ ۝۱۱۹ قَالُوْا اَيُّ مَوْسٰى اِنْ تَدْخُلْهَا اَبَدًا اَمَّا اَمْوَالُهَا فَاَذْهَبْ
مومنان گفتند ای موسی ما هرگز نه درین زمین هیچگاه مادام که ایشان در آنجا اند
مومنان گفتند ای موسی بدانکه ما هرگز در هیچ آیم آنجا هیچگاه مادام که ایشان در آنجا اند
اَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا اِنَّا لَهٰمُ قَاعِدُوْنَ ۝۱۲۰ قَالَ رَبِّ اِنِّيْ لَا اَمْلِكُ
دو پروردگار تو بروید و جنگ کنید هر آینه ما اینی شسته گایم گفت موسی ای پروردگار من قادر نیست
تو پروردگار تو پس جنگ کنید بدو ستمکار اینجا شسته گایم گفت موسی ای پروردگار من مالک نیستم
اَلْاَنْفُسٰى وَاَخِيْ فَاَفَرَّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفٰسِقِيْنَ ۝۱۲۱ قَالَ فَاَمَّا
الا بر خود و برادر خود یعنی پادشاهان پس فیصل کن میان ما و میان گروه فاسق گفت خدا این
مگر نفس خود را و برادر خود را پس بجای کن میان ما و میان گروه فاسق گفت خدا این
حُرِّمًا عَلَيْهِمْ اَرْبَعِيْنَ سَنَةً يَتَبٰهَوْنَ فِي الْاَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى
حرام کرده شده است بر ایشان چهل سال و سمرگردان میشوند در زمین پس اندوختنک مباش بر
حرام کرده شده است بر ایشان چهل سال سمرگردان میشوند در زمین پس اندوختنک مباش بر

سوره اعراف از حضرت (پیش ازین) و کذا که این یو قنلا است که از خدای ترسیدند لهذا از عاقله و غیر خوف و هراس نداشتند

الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ﴿١﴾ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبْنَا بَا

مَنْ قَتَلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ

إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ ﴿٢﴾ لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لَنُفَتِنَنَّكَ

فَإِنْ أَبَى سَبَطْ يَدِي إِلَيْكَ لَأَقْتُلَنَّكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ﴿٣﴾

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِشْحَىٰ وَاشْكُوكَ فَتَكُونَ مِنَ الصَّاحِبِ النَّارِ وَ

ذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ﴿٤﴾ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ

فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ ﴿٥﴾ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ

لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارِي سَوَادَ أَخِيهِ قَالَ يُوزِينُ أَخْبَرْتُ أَنْ أَكُونَ

مِثْلَ هَذَا الْغُرَابِ فَأَوَارِي سَوَادَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ الْمُخْذَرِينَ ﴿٦﴾

مَنْ أَجْبَلَ ذَلِكَ فَكُنَّا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَءِيلَ آتَةً مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ

نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَانَ قَتْلَ النَّاسِ جَمِيعًا وَمَنْ

أَحْيَاهُمْ فَكَانَ كَمَنْ أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولُنَا

بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّا كَثَّرْنَا مُنَادِيًا يَدْعُو إِلَىٰ تَرْكِ الْأَرْضِ لِمَنْ يَكُونُ

لَهُمْ فِيهَا حَبْلٌ مَمْدُودٌ ﴿٧﴾

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا فَكَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَفُتِنُوا

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا فَكَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَفُتِنُوا

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا فَكَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَفُتِنُوا

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا فَكَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَفُتِنُوا

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فَخَرَجَ الرَّحْمَنُ

فلما نزلت دست رمت
و پائے چپ و انشا اعلم
فلما نزلت دست رمت
و حق که میان ساق
نیت و الله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه جائے دیگر کرده
آنرا همی نماند چنانکه
نمیب امام ابو حنیفه
است و در تفسیر عثمانی
عنه در کون گذشت
مزی از خودی و دینی
کافی بیان شده بود
که با خدا بیگانه
جنگی کردند
و در زمین فساد
می انگیزیدند در ۹
این رکوع مسلمانان
را از ان سزا بازسانید
و آنچه که از انکه آگاه
کرد و ان شقی با خدا و
پیروی می جنگد شایع
طوف و اداری خدا و
پیروی جهاد کند اگر
آنها در زمین فساد می
انگیزند شایع کوشش
و حق عمل خود در راه
قیام امن و کون نگارند
عنه در آیت گذشت
و اوضح شد که انسان به
خوف الهی و حصول
توبه و بیجا و خوف
در راه دینی تواند
کامیابی و صلاح را
امید داشت همان
آیت تفسیر فرموده است
که کسی که از خدا

انما جزو الذين يجارون الله ورسوله ويسعون في الارض
جزاین نیست که جزائے کسی که جنگ می کنند با خدا و رسول او و می ستایند در زمین
جزاین نیست جزا کسی که جنگ می کنند با الله و رسول او می ستایند در زمین
فساد ان يفتنوا او يصلبوا او تقطع ايديهم وارجلهم من
بقصد فساد یعنی قطع طریق می کنند آنست که کشتن شوند یا برادر کرده شوند یا بریده شود دستها و پایهای ایشان از
بقصد فساد آنکه کشتن شوند یا برادر کرده شوند یا بریده شود دستهای ایشان و پایهای ایشان
خلاف او ينفوا من الارض ذلك لهم جزى في الدنيا و لهم
جانب مخالف و با دور کرده شوند از وطن این رسوائی است ایشانرا در دنیا و ایشانرا است
خلاف یا دور کرده شوند از زمین عه این رسوائی است ایشانرا در دنیا و ایشانرا است
في الآخرة عذاب عظيم الا الذين تابوا من قبل ان تقدروا
در آخرت عذاب عظیم بجز کسانی که توبه کردند پیش از آنکه دست یا پد
در آخرت عذاب بزرگ بجز کسانی که توبه کردند پیش از آنکه قادر شوند
عليهم فاعلموا ان الله غفور رحيم يا ايها الذين امنوا اتقوا
بر ایشان پس بدانند که خدا آمرزنده مهربان است و ای مسلمانان بترسید
بر ایشان پس بدانند که خدا آمرزنده مهربان است ای گروه مومنان بترسید
الله وابتغوا اليه الوسيلة وجاهدوا في سبيله لعلكم
از خدا و بطریق قرب بسوی او و جهاد کنید در راه او تا شما
از خدا و بطریق بسوی او وسیله و جهاد کنید در راه او تا شما
تقدحون ان الذين كفروا لو ان لهم في الارض جميعا و
رستگار شوید هر آینه کافران اگر باشند در دست ایشان آنچه در زمین است هر یک جا و
رستگار شوید عه هر آینه کافران اگر باشند در ایشان را آنچه در زمین است هر
مثلث معه ليفتدوا به من عذاب يوم القيمة ما تقبل منهم و
براه ادا نمیداد و میتا برائے آنکه عوض خود دهند آنرا از عذاب روز قیامت بر نگیرد قبول کرده و خود از ایشان و
مانند آن براه او که عوض دهند آنرا از عذاب روز قیامت بر نگیرد قبول کرده و خود از ایشان و
لهم عذاب اليم يريدون ان يخرجوا من النار واهلهم من خارج
ایشانرا است عذاب درد دهنده بخوانند که بیرون روند از دوزخ و نیستند بیرون رفتگان از دوزخ
و ایشانرا است عذاب درد دهنده عه می خوانند که بیرون آیند از آتش و در دوزخ نیستند ایشان بیرون آیند
منها و لهم عذاب عظيم و السارق و السارقة فاقطعوا ايديهم
و ایشانرا است عذاب و انهم و مرد و زن دزد و دزد و دست ایشان را
از ان و ایشانرا است عذاب و انهم و مرد و زن دزد و دزد و دست ایشان را
جزاء يما كسبا كالا من الله و الله عزيز حكيم فمن تاب من
جزائے آنچه به عمل آورده اند غیرت از طرف خدا و خدا غالب داناست پس هر که توبه کرد
جزائے آنچه به عمل آورده اند غیرت از جانب خدا و خدا غالب داناست پس هر که توبه کرد
بعد ظلمه و اصلح فان الله يتوب عليه ان الله غفور رحيم
بعد از ظلم خود و کارشاست به عمل آورده پس هر آینه خدا بر حق باز میگردد بر آینه خدا آمرزنده مهربان است
بعد از ظلم خود و اصلاح آورد کار خود را پس هر آینه خدا بر حق باز میگردد بر آینه خدا آمرزنده مهربان است
ان تعلم ان الله له ملك السموات و الارض يعزب من يشاء و
آنانداست که خدا مراد است پادشاهی آسمانها و زمین عذاب می کند هر که خواهد و
آنانداست که هر آینه مراد است پادشاهی آسمانها و زمین عذاب می کند هر که خواهد و

جسادی نبین الله اصل می خود و شوق و ندید چیز می تواند

فتح الرحمن

ولی یعنی بقیع معلوم
 کرده بود و ندکه حکم الهی
 است و الله اعلم
 ولی یعنی تحریف را
 از غیر تحریف جدا می سازد
 والله اعلم ۱۲

تقریر

بنابر خوف مردم بیا
س و نیاور کشتل آسانی
تبدیل و تحریف می کنید
حکام و اجبار آن را
حق می داید و از تحریف
انتقام خدا بترسید پس
از ایض و محضت شایسته

مقبولیت تو را تا این
خطاب به آن رؤسا
علماء و پیرو می شود که
حکام نزل قرآن و حج
و غیره را آنها بود و تنگ
و حکم مردم را انکار کردند
میگفتی بای را که باطل

در معنی آنجا است
تلفظ تحریرات نمودند
ضمنا به امت مسلمه
بیرت است که شما
نزد دیگر اقوام از کسی
رسیده یا در حبس

و به جاه و کرمی رستد
 کتاب آسمانی خویش را
 باغ مگرد و ایند چنانکه
 این است بحد الهی در حق
 و کتاب خود را حاضر
 زده اند تا امر و زور
 خود را مانع آن نماند
 و چون سواد کلام

روح مجتهدین قصاص
روح کفار و گناہان
روح می شود چنانکه
بعضی احادیث به
روح آمده بعضی مفسرین
آیت را دو باره

روحی دانند میگویند
فروغ جابر را به
در گنبدی مساف
بد شد و المان جمع

الَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتَحْفَظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ

براسه بود و حکمی کنند خداپرستان را اجبار ایشان همه حکم میگویند باینکه حافظان گردانیده شده اند از کتاب خدا
براسه بود (و حکمی کنند) خداپرستان و علماء به اینچه حافظ گردانیده شده اند از کتاب خدا

وَكَاؤُا عَلَيْهِ شُهَدَاءُ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَشْرُوا

بران گواه بودند و پس تقسیم مزرعه از مردمان و مزرعه از من و حمید و حمید
و بودند بران گواهان (پس) مزرعه از مردم و مزرعه از من و حمید

بِآيَاتِي شَمًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يُخِمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ

بایتمهای من بهائے اندک و هر که حکم نکند با خدا فرو فرستاده پس ایشانند
به آیت بای من بهائے اندک و هر که حکم نکند موافق آنچه فرو فرستاده خدا پس آن کرده ایشانند

الْكَافِرُونَ ۝ وَكُنَّا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ النَّفْسِ وَالْعَيْنِ

و لازم ساختیم برین بود در قدرت که مخصوص بر عوض شخص است یعنی بعضی او باید گشت دهم
بر ایشان در آن کتاب که در آن یکم شخص عوض شخص است و چشم

بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفِ وَالْأُذُنِ وَالْأُذُنِ وَاللِّسَنِ وَاللِّسَنِ ۖ وَ

عوض چشم است و بینی عوض بینی است و گوش عوض گوش است و دندان عوض دندان و دلم
عوض چشم و بینی عوض بینی و گوش عوض گوش و دندان عوض دندان و

جُرُوحٌ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ

در علم اعتبار ماثلت است پس برک غفوکند آن زعم پس این علو کفارت است و بر او هر که
لغوس زعم ماثل است پس برک معات گزیده قصاص را پس این غفوکفارت است و می راعی او هر که علم

بِحُكْمِهِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ﴿٢﴾ وَقَفَّيْنَا عَلَى

حکم زندہ آجیہ خدا فرستاده است پس ایشانند ستمگران و از پس فرستادیم بر چہ
نکند موافق آجیہ ز فرستاده خدا پس آن مکررہ ایشانند ستم گاران و پس فرستادیم بر چہ

تَارَهُمُ يَعِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ

این مقام را بدست
پسر منم را باور دارند آنچه پیش او بود
یعنی تو دیت

های او شایسته
پسر مرا باور دارند هرگز چیزی را که پیش از او بود
از تو دیت

وَأَتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَتُورَةٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ

وادیش | بخیل | در وی هدایت | و روشنی است و باور دارنده آنچه پیش وی بود
و آدم ادا | بخیل | که دران هدایت | و روشنی بود و باور دارنده حیران چندی را که بخیل از ادا بود

بِالنُّورِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ﴿٥٠﴾ وَلِيَجْزِيَ أَهْلَ

و فرمودم باید که حکم کنند اهل
و باید حکم کند اهل

لَا يَجِئُ بِهَا أَنْزَلُ اللَّهِ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يُجِئْ بِهَا أَنْزَلُ اللَّهِ وَأُولَئِكَ

باینچه فرو فرستاده است خدا دوی و هر که حکم نه کند باینچه فرو فرستاده است خدا پس الهی کند
باینچه فرو فرستاده است خدا دوی و هر که حکم نه کند باینچه فرو فرستاده است خدا پس الهی کند

فَمُتَّوْفَيْنَا فِي الْبَيْتِ الْمَقَامِ الْمَكِينِ ﴿٣٠﴾ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا

براستی باور دارند که آنچه
دروغستادم بسوی تو کتاب را

لَيْنَ يَدَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَمَهِيئًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا

از کتاب و نگهبان بروی و پس مکر کن در میان ایشان با پیوسته
از کتاب و نگهبان بروی و پس مکر کن در میان ایشان با پیوسته

ولم تترجم گوید این
و عده در زمان حضرت
البرکات صلی الله علیه و آله
و مهاجران و انصار
و تابعان ایشان با
توان جفا کردند
والله اعلم بالصواب

ترجم گوید یعنی
با اذن استیلا
کنند الله اعلم
تفسیر ثانی

عنه نزد یک است
آن وقتی که خدا بفرستد
خود پیروزی با و غلبه
بای فیصله کن غلبت
کنند و در کفر نیز که
مرکز مسلم تمام عرب

است حضرت اوست
ناقصه اهل گردانید
سوی آن از حکم قدرت
خویش چیزی بر وی
کار آمد که منافقان
آزادیده تمام تورات
باطل شدن خانه پذیر
دو بر آنها منگشت
شود که توبه و اوقات با
و نشان اسلام جز دل

در سوا و در دنیا

و عذاب الیم

در آخرت

چیزی نیست چون

تا این فیض و

خسران پیش از آن

گاه جز دامت نشین

و کف افسوس بهم

باید چیزی حاصل

نشود الا ان قد نمت

و استخ انتم و چنین

شد نشان اسلام

چون نذر عام دفع که

و غیره را دیدند و صل

بای شان دگر شد

بسیار و گشت و شد

بسکه جای وطن گردید

بر امید بای منافقان

بر بار رفت و در حجاز

مقابل مسلمانان آورد

مَنْ عِنْدَهُ فَيُصِيبُ عَلَى مَا اسْرَوْا فِي انْفُسِهِمْ نَذِيرٌ ۝ وَيَقُولُ

از نزد یک خود پس بپایان بشوند بر آنچه پنهان داشتند در دل خویش و بگویند

الَّذِينَ آمَنُوا أَهْلُ الْآلِ الْذِينَ اسْتَمُوا بِاللَّهِ هَذَا آيَاتُهُمْ ۝ اَللَّهُمَّ

مومنان یعنی روز قیامت آیا ایشانند آنانکه قسم خورده اند بجهاد سخت ترین سوگند بای خویش که البته ایشان

مسلمانان آیاتان درم اند که قسم می خورند به خدا به تائید (سخت ترین قسم بای) که ایشان

لَكُمْ حَبِطَتِ أَعْمَالُهُمْ فَاصْبِرُوا خَيْرٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

براه شانند امروز نابود شد عملهای ایشان پس گشتند زبان کار

باشانند بر باد رفت عملهای شان پس ماند در لغزان (زبان کاران) اے مومنان

مَنْ يَرِنْدَا مِنْكُمْ عَنْ دِينٍ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ

هر که از شما برگردد از دین خود پس خواهد آورد خدا گروهی را که دوست می دارد ایشان را دوست می دارند و را

که یک از شما گشت از دین خود پس عفریب می آرد خدا قومی را که دوست می دارد ایشان را دوست میدارند ایشان

أَذَلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ

مترادف اند برائے مومنان در سخت طبع اند بر کافران جهاد می کنند در راه

نرم دل اند بر مومنان زبردست اند بر کافران جنگ می کنند در راه

اللَّهُ وَلَا يَخَافُونَ أُمَّةً لَا تَعْلَمُ ذَلِكَ فَضَّلَ اللَّهُ يُونُسَ مِنْ نِسَاءِ

خدا و نمی ترسند از طاعت طاعت کننده این بخشایش خداست می دهد آنها بهر که خواهد

خدا و نمی ترسند از طاعت کردن هیچ طاعت کننده این فضل خداست خواهد داد کسی را که بخواهد

وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۝ اِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا

و خدا جواد داناست و این نیست که مددگار شما فقط خدا و رسول او و مومنانی که

و خدا صاحب کشایش داناست (جز این نیست) که مددگار شما فقط خدا و رسول او و مومنان اند

الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ۝ وَمَنْ

بر پای دارند نماز را و می دهند زکوة را و ایشان بر ستم نماز گزارند و هر که

کسی بر پای دارند نماز را و می دهند زکوة را و این عابری کنندگان اند و کور کنندگان و کسی

يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ ۝

دوستی کند با خدا و رسول او و مومنان را پس بر آید گروه خدا بهر که غالب

دوست دارد خدا و رسول او و مومنان را پس بر آید گروه خدا ایشان بر همه غالب اند

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوا وَلَعِبٌ

اے مومنانان دوست مگیرید کسانی را که دین خود را بازی می گیرند و عیب

ای مومنان دوست مگیرید آن مردمان را که می گیرند دین خود را بازی و عیب

از نزد یک خود پس بپایان بشوند بر آنچه پنهان داشتند در دل خویش و بگویند
الَّذِينَ آمَنُوا أَهْلُ الْآلِ الْذِينَ اسْتَمُوا بِاللَّهِ هَذَا آيَاتُهُمْ ۝ اَللَّهُمَّ
مومنان یعنی روز قیامت آیا ایشانند آنانکه قسم خورده اند بجهاد سخت ترین سوگند بای خویش که البته ایشان
مسلمانان آیاتان درم اند که قسم می خورند به خدا به تائید (سخت ترین قسم بای) که ایشان
براه شانند امروز نابود شد عملهای ایشان پس گشتند زبان کار
باشانند بر باد رفت عملهای شان پس ماند در لغزان (زبان کاران) اے مومنان
هر که از شما برگردد از دین خود پس خواهد آورد خدا گروهی را که دوست می دارد ایشان را دوست می دارند و را
که یک از شما گشت از دین خود پس عفریب می آرد خدا قومی را که دوست می دارد ایشان را دوست میدارند ایشان
مترادف اند برائے مومنان در سخت طبع اند بر کافران جهاد می کنند در راه
نرم دل اند بر مومنان زبردست اند بر کافران جنگ می کنند در راه
خدا و نمی ترسند از طاعت طاعت کننده این بخشایش خداست می دهد آنها بهر که خواهد
خدا و نمی ترسند از طاعت کردن هیچ طاعت کننده این فضل خداست خواهد داد کسی را که بخواهد
و خدا جواد داناست و این نیست که مددگار شما فقط خدا و رسول او و مومنانی که
و خدا صاحب کشایش داناست (جز این نیست) که مددگار شما فقط خدا و رسول او و مومنان اند
بر پای دارند نماز را و می دهند زکوة را و ایشان بر ستم نماز گزارند و هر که
کسی بر پای دارند نماز را و می دهند زکوة را و این عابری کنندگان اند و کور کنندگان و کسی
دوستی کند با خدا و رسول او و مومنان را پس بر آید گروه خدا بهر که غالب
دوست دارد خدا و رسول او و مومنان را پس بر آید گروه خدا ایشان بر همه غالب اند
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوا وَلَعِبٌ
اے مومنانان دوست مگیرید کسانی را که دین خود را بازی می گیرند و عیب
ای مومنان دوست مگیرید آن مردمان را که می گیرند دین خود را بازی و عیب

و عده در زمان حضرت
البرکات صلی الله علیه و آله
و مهاجران و انصار
و تابعان ایشان با
توان جفا کردند
والله اعلم بالصواب
ترجم گوید یعنی
با اذن استیلا
کنند الله اعلم
تفسیر ثانی
عنه نزد یک است
آن وقتی که خدا بفرستد
خود پیروزی با و غلبه
بای فیصله کن غلبت
کنند و در کفر نیز که
مرکز مسلم تمام عرب
است حضرت اوست
ناقصه اهل گردانید
سوی آن از حکم قدرت
خویش چیزی بر وی
کار آمد که منافقان
آزادیده تمام تورات
باطل شدن خانه پذیر
دو بر آنها منگشت
شود که توبه و اوقات با
و نشان اسلام جز دل
در سوا و در دنیا
و عذاب الیم
در آخرت
چیزی نیست چون
تا این فیض و
خسران پیش از آن
گاه جز دامت نشین
و کف افسوس بهم
باید چیزی حاصل
نشود الا ان قد نمت
و استخ انتم و چنین
شد نشان اسلام
چون نذر عام دفع که
و غیره را دیدند و صل
بای شان دگر شد
بسیار و گشت و شد
بسکه جای وطن گردید
بر امید بای منافقان
بر بار رفت و در حجاز
مقابل مسلمانان آورد

هَلْ تَقِفُونَ مِمَّا آتَاكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَمَا نُزِّلَ إِلَيْكُمْ أَنْزِلًا

عیب نمی کنید بر آنکه ایسان آوردیم بخدا و یا آنچه فرو فرستاده شده است

مِنْ قَبْلُ ۝ وَأَنْ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ ۝ قُلْ هَلْ أَنْبِئُكُمْ بِشَرِّ مِمَّنْ

پیش ازین و دیگر آنکه بیشتر از شما بدکارانند

ذَلِكَ مَثْوًى عِنْدَ اللَّهِ ۝ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ

این را مَثْوًى با خدا آن بدتر کسی است که لعنت کرده و او را خدا خشم گرفت بروی و گردانید

مِنْهُمْ الْقُرْدَةَ وَالْحَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ ۝ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا

از ایشان بوزن گان و خود گان و کسیکه پرستید معبود باطل را این گروه بدتر اند باعتبار جائی

وَأَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ۝ وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَقَدْ

و گمراه تراند از راه راست و آنگاه که بیایند پیش شما گویند ایمان آورده ایم و حال

دَخَلُوا بِالْكَفَرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ ۝ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْمُونَ ۝

با کفر در آمدند و با کفر بیرون رفتند و خدا دانای خفاست آنچه می پوشیدند

وَتَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمْ

دی بین بسیاری از ایشان سستی می کنند در گناه و تعدی و حرام خوردن

السُّحْتِ ۝ لَيْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ

و فیقن بر آئین بد چیز نیست که بعمل آورند چرا منع می کنند ایشان را خدا پرستان

وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمْ إِلَّا تَقُوا اللَّهَ لَيْسَ مَا كَانُوا

و دانشمندان از دروغ گفتن ایشان و از خوردن حرام و هر آنکه بسیار هدایت آید

يَصْنَعُونَ ۝ وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ

می کنند و گفته یهود دست خدا بگردن بسته است و غلّت بایستی بای ایشان

وَالْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ

و گفته یهود دست خدا در بند شده است بسته بایستی بای ایشان

لَعَنُوا إِبْرَاهِيمَ وَابْنَهُ إِذْ هُمَا فِي السَّوْطَيْنِ ۝ يَنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ ۝

لعنت کرده شد ایشانرا بسبب آنچه گفتند بلکه دو دست او گشاده است خرج می کند چنانچه می خواهد

لِيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا ۝

الیه بیشتر آید در حق بسیار از ایشان آنچه فرو فرستاده شد بسوی تو از هر دو کار تو نافرمانی و کفر را

وَالْقَيْنَ بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ ۝ كُلُّنَا

و گفتیم در میان فرق ما یهود و مشرکی و بعضی در میان ایشان و مشرکی

فصل مترجم گوید این
بدتر از آن عیب دار
که شبانین کردید ۱۲
فصل یعنی بخل و انانیت
فصل یعنی چون بخوانند
که بعد از خود که درین
بر بودیت نیستند جنگ
کنند مقهور و مغلوب
می شوند ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه طعن زدنی و
استهزاء نمودن می
امری از دنیا می
یاصل آن که قابل
استهزاء می باشد
کنند آن در آیت
گذشت توضیح کردیم که
افزون چینی نیست
که جز بخر و خفیف الضل
دیگری بر آن طعن و
استهزاء کنند و برین
آیت بر جهالت مقدس
مؤذنان بر عنوان سوال
میز میگردد یعنی متوجه
با وجود آنکه عین کامل
کتاب و داناتی شرایع
ی بارشده اند که انصاف
آیند که با مسلمانیان
چرا بنقد و ضد عناد
دارند و چه بدی در ما
مشاهده می کنند که در
زعم آنها شاید استهزاء
باشد جز اینکه با بر
خداوند واحد
لا شریک له و بر همه
عالمات دانستنی که در
مافراستاده از صدق
دل ایمان داریم و
با مقابل حال استهزاء
کنندگان این است
که بر توحید حقیقی و
صحیح خدا استوارند و
بر تمام انبیاء و رسل
تصدیق و تکیه می
نمایند اکنون شهادت
روئے انصاف بگویند

که بدندان نافرمانان الهی را بر سندان گان فرمان برارند و طعن و تشنیع می نمایند

وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ رُسُلًا ۖ كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ بَيَّنَّ لَهُمْ آيَاتِنَا فَكَذَّبُوهَا ۚ فَكَانُوا بِآيَاتِنَا كَافِرِينَ ۚ

دوستی و امانت نفس ایشان
دوستی و امانت نفس بای ایشان

فِرْيَاقًا ذَبَّوْا وَفِرْيَاقًا يَمُوتُونَ ﴿٢٤﴾ وَحَسْبُ لِلَّذِينَ لَا تَكُونُ فِتْنَةً

گرویسے را بدو رخ نسبت گروند و گرویی را می کشند و بنده استند که پنج عقوبت خواہ بود

فَعَسَوْا وَصَلُوا ثَمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَدُوا وَصَلُوا كَثِيرًا مِنْهُمْ

پس کور شدند و گشتند پس باز گشت بر محبت خدا برای ایشان و
پس کور شدند و گشتند پس باز گشت بر محبت خدا برای ایشان باز کور شدند و گشتند بسیار از ایشان ۵

وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿٥﴾ لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ

و خدا این است با حق می گفتند
و خدا این است با حق می گفتند

النَّبِيِّ ^ص ابْنُ مُرَيْمَ ^ص وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبْنِي ^ص إِسْرَءِيلَ ^ص أَعْبُدُوا

موسیٰ	پسر مریم	و گفته بود	ای بنی اسرائیل	پرسیدند
موسیٰ	پسر مریم است	و گفته بود	ای بنی اسرائیل	پرسیدند

اللَّهُ رَبِّي وَرَبَّكُمْ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ

خداوندگار من و پدر و مادرش را بر اینجه
 کسیکه شریک خدا مقرر می کند حرام کرده است خدا بیست را
 خداوندگار من و پدر و مادرش را بر اینجه
 کسیکه شریک خدا مقرر می کند حرام کرده است خدا بیست را

حُتَّةٌ وَمَا فِيهِ النَّارُ وَالظَّالِمِينَ مِنْ تَصَارُفٍ ۖ لَقَدْ كَفَرَ

بروئے دجای از دوزخ است و نیست ستاران را **یک** یاری دهنده و **دو** بر آینه کافر شوند

الذِّبْرِ وَالْأَنْجَالِ الْمَكِينِ

کایک گفته که خدا سوم سه کس است و فصل و یک اله نیست مگر اله یگانه و

سید محمد بن علی بن ابی طالب علیه السلام

اگر باز مانند از آنچه می گویند خواهد رسید لاقرن را از ایشان و عذاب درد دینده

فان كان في ذلك ما يوجب التمسك به فليتمسك به

آباد جوع نمی کنند بکوی خدا و آمرزش نمی طلبند از د خدا آمرزنده مهربان است نیست عیسی

ایا درون می کشند و اگر درسی فایده دارد و جدا از مریدان بهر یاران است

پیر مریم شکر بیگم نے غرضتہ اند پیش ازوسے بیگم بران وادار او ولیہ بود

مقام خیر و برادران گذشتہ اندیش از روی بیجا مبران و مادر و اولاد است

برای او شان شانسهای باز بین حکومت

برای ادشایان شاهسازان زمین چگونگی

[illegible]

بگو آریا عبادت می کند بر چیز خدا چیزی را که نمی تواند برای شهادت یا

و وقت این مردم تو پر کردند و بیگرفت اصلاح حال خود مشقت مندند و الا به اسباب پندیر من یلین چند سے بود مکر و ان به پهاں مکر

و اما یعنی همراستای
عالم فرستاد
طالع عالم ۱۱
حقه اول نفس از
شکر است ۱۲
یعنی در مرتبه الهیت
بر کسی هستند یکی
داد و دیگر عیسی
و هم روح القدس
و الله اعلم ۱۳
یعنی اهل اصرار و
از ایشان ۱۴
یعنی از معرفت حق
تفسیر ثانی
ع یعنی عهد و پیمان
موتی را نفس با خدا
خدا کند از سفرهای
الهی یعنی را کذب
کود و بعضی را بعض
رسانند این دو جا
ایا یونان و علم صالح
آنها ۱۵ ایمان اکبر
الاخر ۱۶ شهدا ازین
امریا س کنند با خود
از عباد این قدر
مطالع شیده و حرام
باغیان را کشتن نیست
گو یا سزاوی این حرف
خوش را می بینند و
علم و لغات از آنها
سازگار ۱۷ خواص و اعدا
باین خیال از آیات
باهر و حکام الهی علی
کود و اگر گردند آنچه
را می بایست کردند
حق یعنی انبیا را
کشته و بعضی را مجبور
نمودند با تقوا و هدای
تعالی بخت نعم را
بر آنها سلا گردانند
بعد از مدت طولانی
بعض ملوک فارس
آنها را از قید ملت
و روانی نجات دادند
از بابل ۱۸ بین الملک

بہی کو دیکھ کر نہایت مسرت و فرح ہوئے اور فرمایا: السلام آ رہا ہے۔

فتح الرحمن

دل یعنی پیشوایان
یهودیه و نصرانی
که برائے ایشان
مذہب قرار داده
اند و اللہ اعلم
تفسیر عثمانی
ما چون مسجد را
خدا آفتاب نام
می آید که اورا
موجود می خوانند
لیکن موجود شدن
صرف بذات حق
است که الکل هر نوع
نفع و ضرر و دارای
افتد کامل باشد
زیرا که عبادت
تذلل انتہائی را
نامند و انتہائی تذلل
در پیشگاه ذاتی می
توان کرد که دارای
متبانی عزت و
غلبه باشد و در هر
وقت شتوابه احوال
هر کس که احوال نامی
جد این آیت با عقیده
مشرکانه تشکیک عقاید
تمام مشرکان روی خود
عنه مقصد از این آیه
در عقیده ایست که
یک بود بشری را
خدا آفریده اند و ظو
ر عمل آنست که
"ربانیت" گفته
می شود و در میانیت
بن عبدو یا انکتنای
علیه السلام را خداوند
از تمام قبایح یهود
بیان شده قلمی شود
که بنا بر اینها که در
و نیا پرستی و تمکیل
شبهات نفسانی
دین و دینداران در
نقد آنها بی غفلت
و دقت نظر است
حتی ابانت و قتل
انبیاء علیهم السلام
شمار آنها بود بر خلاف آنها نصاری و تعظیم انبیاء و چندان غلو که اند که از بعضی را خداوند آفریده و دینار ترک و در میانیت اختیار نموده اند مراد از کافران و مشرکان

وَلَا تَقْعَاظُ وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۱۰ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ

و نه سودی و خدا همان است شنوا و انا بخوان ای کتاب

لَا تَتَّبِعُوا فِي دِينِكُمْ غَيْرَ الْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْوَاءَ قَوْمٍ قَدْ

از حد بگذرید در دین خود بناحق و پیروی نکنید خواهش نفس قومی را که

ضَلُّوا مِنْ قَبْلُ وَأَضَلُّوا كَثِيرًا وَضَلُّوا عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ ۱۱

گمراه شدند پیش ازین و گمراه کردند مردمان بسیار را و گمروی کردند از راه راست فلان

لَعْنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ

لعنت کرده شد کافران را از بنی اسرائیل بر زبان داود

عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ ۱۲ كَانُوا

عیسی پسر مریم این بسبب آنست که نافرمانی می کردند و از حد می گذشتند یک دیگر را

لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۱۳

منع نمی کردند از ان عمل زشت که مرتکب آن میشدند هر آینه بد چیز است که می کردند

ثَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَكَّنُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَكِبْسَ مَا قَدِمَتْ لَهُمْ

بخشش بسیار از ایشان دوستی می کنند با کافران یعنی با مشرکان هر آینه بد چیز است که پیش فرستاده است برای ایشان

أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَخْطُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خُلِدُونَ ۱۴

نفس ایشان آن چیز خشم خدا بر ایشان و در عذاب ایشان جاوید اند

وَلَوْ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ مَا أَتَوْا بِاللَّهِ مَا تَتَّخِذُوا هُمْ

و اگر ایمان آوردند به خدا و پیغمبر یعنی بنیامیر خود و آنچه فرو فرستاده شد نبوی و الیه دوست نه گرفتند

أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۱۵ لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ

مشرکان را دشمن بسیار از ایشان فاسقاند هر آینه بیایی سخت ترین مردمان

عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودُ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ

در عداوت مسلمانان یهود و مشرکان را و هر آینه بیایی

أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي ذَلِكَ

نزدیک ترین مردمان در دوستی مسلمانان که می گفتند ما نصاری ایم این

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَسِيْبِيْنَ وَرَهْبَانَاوَأَلَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۱۶

بسبب آنست که از جنس ایشان هستند دانشمندان و گوشه نشینان و بسبب آنست که ایشان تکبر می کنند

وَإِذْ أَسْمَعُوا مَا أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ

و چون بشنوند آنچه نازل فرستاده شده بر پیاپی

و چون بشنوند آنچه نازل فرستاده شده بسوی پیشتر

تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا

به بینی چشمهای ایشان اشک میریزد بسبب آنچه شناختند از حق می گویند ای پروردگار ما

أَمَّا فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ وَمَا نَلَاؤُكُمْ بِاللَّهِ وَفَاجَاءَنَا مِنَ

ایمان آوردیم پس بنویس ما را با شاهدان و چیست ما را که ایمان نیابیم بخدا و آنچه آمده است ما را

الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ يَدْخُلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ فَأَنَّا بَهُمْ

درین راست و چسبیم ما را که طمع کنیم که داخل کنی ما را پروردگار ما با قوم صالحان پس جزا داد ایشان را

اللَّهُ بِمَا قَالُوا اجْتَبِ جُزْئِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَلِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ

خدا بر آن مقول که گفتند بوستانها میرود زیر آن جوینها جاویدان آید و این است

جَزَاءُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

جزای بنیکوکاران است و کسانیکه کافر شدند و بدو رخ نسبت کردند آیات ما را ایشانند اهل

الْجَحِيمِ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْرَوْا طَبِيبًا مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ

دور از اے مؤمنان حرام مکنید لذت آنچه خدا حلال ساخته است شمارا

وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ۝۱ وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمْ

و از حد نگزیدید هر آینه خدا دوست نمی دارد و از حد نگزیدگان را و بخورید از آنچه روزی داده است شمارا

اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا ۝۲ وَأَتُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ ۝۳

خدا حلال پاکیزه و بترسید از آن خدا که شما بوی ایمان آوردید

لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ إِلَّا بِالْعُقُوبِ إِيْمَانَكُمْ وَلَكِنْ يُوْخَذُ مِنْكُمْ

بازخواست نمی کند از شما بجز بابت ایمان و لیکن مواخذه می کند شما را

بِمَا عَقَدْتُمْ مِنَ الْإِيْمَانِ فَكَفَّارَةٌ لَكُمْ أَطْعَامُ عَشْرَةِ مَسْكِينٍ مِنْ

بسبب محکم کردن سوگند با بقصد و پس کفارت همین منعده طعام دادن ده مسکین راست از

أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْفٌ مِنْ رَقَبَةٍ ۝۴

یا مسکنان از آنچه می خوردید یا پسران خود را یا آزاد کردن برده ها یا کسوف از سر گردن

لَمْ يَجِدْ قَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۝۵ ذَلِكَ كَفَّارَةٌ إِيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ

نیابد لازم است روزی سه روز اینست کفارت سوگند بانی شما چون سوگند خوردید یعنی و حاکم نشود

و یا بر هر روز سه مسکین غذا یا قیمت آنرا بر دزد سه بان اندزه گرفت اکثرین چنان شود مثلاً پیراسن و قنار و انگ و جادر و...

و این یعنی حاکم
که اگر کلمت
باشند و الله
اعلم

یعنی به پشت ۱۲
و مترجم گوید در
آیات مذکور اشارت
است بفضیلت قومی
از نصحاء حبشه که همراه
جعفر طیار بخدا مت
آنحضرت آمده مسلمان
شدند و الله اعلم ۱۲
و این یعنی ترک کج
یا ترک کل کج و امثال
آن درست نیست
و الله اعلم ۱۳
مترجم گوید یعنی بنویس

کفارت واجب نیست
چنانکه از دور شبیه
مینور یعنی گوید که الله
۱۱ زید است و زید
باشد و چنین
منعده اگر طاعت
۱۲ شود کفارت
واجب است چنانکه
گوید و الله این طعام
خورد یا درین خانه
نور آید و علی بن ابی طالب
و الله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
۱۳ یعنی با آنها در دنیا
کفاره نیست شکی
در همین منعده
واجب است تفسیر
تفسیر خود را و احسن
پاره سیقول گذشتند
است چون هرفوق
ذکر تحریر طیب است بود
یعنی هم یک قسم تحریر
است لهذا احکام
یعنی بیان میشود
عنه یعنی بعد از گفتن
قسم این کفاره داد
می شود به دادن نان
مخیر است که ده مسکین
را بخاند آورده نان بدهد
و یا بر هر روز سه مسکین غذا یا قیمت آنرا بر دزد سه بان اندزه گرفت اکثرین چنان شود مثلاً پیراسن و قنار و انگ و جادر و...

فتح الرحمن

فلا یقن تامقدور
عانت تشوید و الله
اعلم ان الله یقنی
قبل از تحريم ۱۲
فلا یقن تامقدور
آنج قبل از تحريم خود
عفو است چون در
تقوی دسوخ پیدا
کردند و این سخن بدان
ماند که کسی گوید یا تو
احسان کنم یا بد
احسان کنم یعنی آنکه
پیوسته احسان کنم
والله اعلم
تفسیر عثمانی
ع چون ان
شرابی خوره خود
خالی می شود بعضی
اوقات بدست
شده با هم دگری
جنگند حتی پس از
رفع نشه نیز گاهی
اندر جنگ با هم
می ماند و دشمنی بر پا
می شود و این
کیفیت بلکه به
مراتب بیشتر از آن
از قمار پیدا می
می آید و در اثر
بدون باختن
جنگ و فساد
سخت بر پای می شود
و سلطان را برای
بر پا کردن مملکت
موقع خوب دست
می دهد این بود فساد
و تبع ظاهری اما
نقصان باطنی این
است که آن چون
درین چیزهای ناپاک
مشغول شود از یاد
خدا و عبادات الهی
کاملاً غافل می شود
و دلیل آن مشایبه
و تخریب است افرادی
را که به شرط
میشوند ببنده تخریب
بلکه از خودن و لو میشدند و مهات غافل می
بلی به خبری مانند چون زن و شایبه بر این قدر نقصانات ظاهری و باطنی مشتمل است چگونه مسلمانانی را

وَ احْفَظُوا اِيْمَانَكُمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللهُ لَكُمْ اٰيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و نگاه دارید سوگند بای خود را و همچنین بیان می کند خدا برای شما آیتها را خود را تا یاد و شما شکر کنید

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الْمَيْمِ وَالْأَنْصَابِ وَالْأَزْوَاجِ

ای مسلمانان جزاین نیست که هر قدم و شمار و نشانه ها را باطل و غیره باطل و غیره باطل است

مَنْ عَمِلَ الشَّيْطَانُ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ اِنَّ اِيْمَانَ الشَّيْطَانِ

از کردار شیطان است پس احتراز کنید از او تا یاد که شما راستکار شوید جزاین نیست که می خواهد شیطان

اَنْ يُّوْقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْمِ وَيَصُدَّكُمْ

که بیندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی بسبب خمر و قمار و باز دارد شمارا که بیندازد در میان شما دشمنی و ناخوشی در خوردن خمر و قمار و باز دارد شمارا

عَنْ ذِكْرِ اللهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَهَلْ اَنْتُمْ مُتَّقُونَ ۝ وَاَطِيعُوا

از یاد خدا و از نماز پس آیا اعمال شما باز ایستادید و فرمانبردار می کنید از یاد خدا و از نماز پس آیا سستی شما باز ایستادگان علی و فرمانبردار می کنید

الله وَاَطِيعُوا الرَّسُولَ وَاَحْذَرُوا فَاَنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاَعْلَمُوا اَنَّ اِيْمَانَكُمْ

خدا را و فرمانبردار می کنید پیغمبر را و ترسید پس اگر روگردانیدید پس بدانید که بر خدا را و فرمانبردار می کنید پیغمبر را و ترسید پس اگر روگردانیدید پس بدانید که بر

رَسُولِنَا الْبَلَّغُ الْمُبِينُ ۝ كَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

پیغمبر ما نیست مگر پیغام رسانیدن آشکارا نیست بر کسی که ایمان آوردند و عمل صالحه کردند رسول ما رسانیدن روشن است نیست بر کسی که ایمان آوردند و عمل صالحه کردند

جَنَاحٍ فِيمَا طَعِمُوا اِذَا مَا اتَّقَوْا وَاَمِنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا

کتابی در آنچه خوردند و آنچه از آن ترسیدند و ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند باز بر پیغمبر گوی که در آن

اَمِنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَاَحْسِنُوا وَاَللهُ يُجِيبُ الْحَسَنِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

ایمان آوردند باز بر پیغمبر گوی که در آن ترسیدند و ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند و ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند

اَمِنُوا لِيُبَلِّغُكُمْ اللهُ رَبِّي مِنَ الصَّبْرِ تَاللهِ اَيُّدِيكُمْ وَرَمَّا حُكِّمَ لِعَدَةِ

مسلمان هر آینه می آید شمارا پروردگار شما بخیر از شمارا پرسد بان دستهای شما و نیزه های شما را می کشد

الله مَنْ يَخَافُ بِالْغَيْبِ فَمِنْ اَعْدَائِي بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ

خدا کسی را که غایب از وی ترسد پس هر که دشمنی کند بعد از این او را است عذاب خدا کسی را که از وی ترسد در غیب پس هر که از بعد از این پس مراد است عذاب

اَلَيْمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَاَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ

دردمند ای مسلمانان کشید صید را چون احرام بسته باشید و هر که در آنک ای مسلمانان کشید صید را حال آنکه شما محرم باشید و هر که

قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّمَّا قَتَلَ مِنَ النَّعْوِ فَجَزَاءٌ

کشد او را از شما قصد پس واجب است جزا و آن جزا مانند چیز نیست که او را کشته است از بعض چهار پایان حکم کند بان

بَشَرًا اَوْ اَوْشًا فَجَزَاءٌ مِّمَّا قَتَلَ مِنَ النَّعْوِ فَجَزَاءٌ مِّمَّا قَتَلَ مِنَ النَّعْوِ

بَشَرًا اَوْ اَوْشًا فَجَزَاءٌ مِّمَّا قَتَلَ مِنَ النَّعْوِ فَجَزَاءٌ مِّمَّا قَتَلَ مِنَ النَّعْوِ

ذَوَاعْدِلٍ مِّنكُمْ هَدًى يَّابُلُغُ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسْكِينٍ أَوْ

و صاحب عدالت از شما باشد آن چهار پایه قرآنی رسیده بکعبه یا آن جزائے کفارت است طعام فقیران یا

و صاحب عدالت از شما در حالت که آن جزاء را برای ماند رسیده بکعبه یا برادست طعام داوون در ولایتان یا

عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِّتَذُوقِ وَبَالَ أَمْرِ عَفَا اللَّهُ عَنْكَ سَلَفُ ط

برابر آن از روزه تا بخشد جزائے کردار خود عفو کرده است خدا از آنچه گذشت

وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۝۲۰ أَحَلَّ لَكُمْ

و هر که دیگر بار کند انتقام کرد از وی خدا و خدا غالب صاحب انتقام است مطلقان کرده شد برائے

صَيْدِ الْبَحْرِ وَطَعَامِهِ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِلْعِيَارَةِ ۝۲۱ وَحَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ

شکار دریا و خوردن آن تا منفعت برای شما و برای کاروان شما و حرام کرده شد بر شما شکار

الْبَرِّ مَا دُمْنَكُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝۲۲ جَعَلَ اللَّهُ

برایان تا و قنیکه احرام بسته باشد و برسد از آن خدا که بسوی دے حشر کرده خواهد شد گردانید خدای تعالی

الْكَعْبَةَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَ

کعبه را که خانه بزرگوار است سبب انتظام امور مردمان و ماه حرام را و قربانی را و

الْقَلَادِ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ

آنچه در گردن فلک تلاوه اندازند این بمان برائے آنست که تا بداند این که خدای دانند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است

وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝۲۳ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝۲۴

داند این که خدا همه چیز دانا است بداند هر آنچه که خدا سخت عذاب است و او تنگ بداند که

اللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝۲۵ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ ۝۲۶ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ

خدا آمرزنده مهربان است نیست بر پیغمبر مگر رسانیدن پیام و خدای دانند آنچه آشکارا می کنید و

مَا تَكْمُلُونَ ۝۲۷ قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ

آنچه پنهان می کنید بگو اے محمد برابر نیست و پلید پاک و اگر چه در عجب آرد ترا بسیاری

الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝۲۸ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

پلید پس برسد از خدا ای خداوندان خرد تا شما بجات یا بید

أَمْوَالُكُمْ تَسْأَلُونَ عَنْ أَشْيَاءٍ إِنْ تُبَدِّلُكُمْ تَسْأَلُونَ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ

اموال شما سوال کنید از آن چیزها که اگر ظاهر کرده شود حقیقت آنها پیش شما علنی کند شمارا و اگر سوال کنید از آن و قنیکه

يُنَزِّلُ الْقُرْآنَ تَبْدِيلُكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝۲۹ قَدْ سَأَلَهَا

فرود آورده می شود قرآن البتة ظاهر کرده شود پیش شما غفور کرد از آن سوالات خدا آمرزنده بزرگوار است و هر آنچه سوال کرده

نازل می شود قرآن در گذشت خدا از آنها خدا آمرزنده محفل کننده است (به تحقیق) چنین بپرسید اند

فتح الرحمن
و لا من جم یوید جزای
صید یک از سر چیز تواند
بود مائل صید را در
حرم دین کند و مانند
نزدیک شافعی خلقت
و بیت است و
نزدیک الی صیف
بقیت یا بقیت صید
طعام خرید نماید
و مسکینان دید و
نزدیک شافعی بهر
سکنه را مدد و
نزدیک احمق بهر
مسکین را نیم صدق
از کرم یا یک صاع
از جو یا شمسکینان
علی اختلاف المسکین
روزیه دارد و اللہ اعلم
و اکثر جم گوید یعنی بل
حرام و ملل حلال برابر
نیست اگر چه حرام
بسیار جمع می شود
واللہ اعلم ۱۲ و
نزدیک بعض مردم
از اخلافت نیز فرود
سوال می کردند بکے
گفت بدین کیست
و دیگر بکے گفت که
مرجع من بهشت
است یا دوزخ دین
ناپ نازل شد ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه نزد حدیث مسلم
این است که اگر در
۱۳ حال احرام
صید بگیرد و با
نمین آن فرض
است و اگر نکشت و
نفر مقبره بصره
کار قیت آنرا صحیح
نماید باندازه قیمت
آن حیوانی را بخرد
مثلا (بزی یا گاو یا شتر
و غیره) و نزدیک کعبه
یعنی در حدود حرام
رسانده و جمع کند و
خوار کرده و آن را بقیه قدرت او بر آید

فِيهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ الَّذِينَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ

در آن جویها جاری است و در آن دریاها جاری است و در آن دریاها جاری است و در آن دریاها جاری است

لِقَوْمٍ الْعَظِيمِ ۝ اللَّهُ مُلْكُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى

برای بزرگواران ۱۱ خداوند است پادشاه آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست و او بر

سُبُحَانَ الْقُدُّوسِ ۝ كُلُّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ ۱۵

بزرگوار است او ۱۲ هر چیز تواناست ۱۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمُوتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ

ستایش آن خداوند است که آفرید آسمانها و زمین و پدید کرد تاریکی را و روشنی را

ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ۱ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ

پس آنانی که کفر کردند با پروردگار خود برابر می کنند ۱ او است که شما را از گل آفرید

فَضَىٰ أَجُلًا وَاجِلٌ مِّنْهُ يَمُوتُ ۲ ثُمَّ أَنْتُمْ كَمِتْرُونَ ۳ وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمُوتِ

و او را مدت مرگ داد و از آن مدت می میرد ۲ و شما را مدت داد و او است خداوند در آسمانها

وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ۴ وَمَاتَ تَحْتَهُمْ

و در زمین می داند پنهان شما و آشکار شما و می داند آنچه عمل می کنید و می آید بجا فرآن

مِنْ آيَةٍ مِّنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۵ فَقُلْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ

از نشانه های پروردگار ایشان الا از آن نشانه ها می گردانند ۵ پس بگو که ایشان دروغ گفتند

لَتَجَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۶ أَلَمْ يَرَوْا كَمَا

آنها خواهد آمد پس خواهد آمد بآنها خبری آنچه بودند که بدان استغناء می کردند ۶ آنگاه که

أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَوْمٍ مَّكَّنْهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ يُنْكِنْ لَكُمْ

که از آنها که پیش از ایشان از آنها که استغناء داده بودیم ایشان را در زمین آنچه که استغناء داده ایم شما را

وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ

و فرستادیم بر ایشان باران را و پدید کردیم جویها را بر ایشان و

فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَوْمًا آخَرِينَ ۷ وَلَوْ تَرَىٰ

پس بگردیم ایشان را بگناهان ایشان و پدید کردیم بعد از ایشان امتی دیگر یعنی پسران و

فتح الرحمن

صلی الله علیه و آله

بطل را ۱۲

یعنی برای قیام

قیامت ۱۲

یعنی متعین و فائز

۱۲ وکلی یعنی با صدق

آن خبر دارد و الله

اعلم ۱۲ یعنی

۱۲ زیر من و الله

۱۲ تقریب غنائی

۱۲ مراد از حق غالباً

قرآن کریم است که

عاقبت سوگنی

را که از آن نهایی

قدرت تامل می دارند

و برای این جهانی

و آن جهانی نشان را

بیان می کند و مگر نمی

که آنرا شنیده و نگذیرد

و استغناء می کردند

و آنچه گرد آورده شد

که هر چه را شایسته

میگردید حقیقت ثابت

بود و تقریب مقابله

شما خواهد آمد و در

آینده سویی قوامی

حواله شده که بنا بر

تکذیب و استغناء

آیات الله و از سبب

اعمال بد خویش پاک

شدند - عده یعنی ما

و نمود و غیره آنها را

نسبت بشمارید و

بزرگ و حشمت بزرگ

داده شده بود از کثرت

بارش و آنها را بارش

و کثرت آنها را بارش

بود و با عیض و سرور

و در کار سرسبزند

چون بر نباتات و

تکذیب کربستند

و به استغناء ایشان

بای قدرت پرداختند

پس بار پادشاه را

شان چنان سخت

تر شد که نامی از ایشان

فخ الرحمن

واینها تعصب
ایشان عزت است
که اگر نزل کتاب
را بحس ظاهر بینند
نیز انکار کنند
فاینها بوجه کما
آنها بحس ظاهر بینند
والله اعلم
یعنی ظهور ملائک
و جبرائیل ملاک
ایشان است و
حکمت الهی اعلم
یعنی جبرائی سلم
که بر طبق سخن
تفسیر عثمانی
عنه در کل
بالی السموات
نعم مکان بود
در اسکن فی السبل
النهاریه اعتبار
زمانه نعم است یعنی
حکومت و قبضه و
اقتدار او بر جا و هر
وقت است تمام آن
چیز را که در شب و
در روز زندگی را به او
مش و سکون بر سر
برند و از چندین و شش
مرئی و نامری محفوظ
و امون میمانند
آنها رحمت کاظم است
و تن من یلوک بایل
واللهامن الرحمن
راغبیا او تدر
در خلال غلظه هیا
یوی روز و در خلقت
حقا و شعی عقیق شب
ایضا خواب غنودگان
را می شود به جوارح
و ضروریات بنده خدای
می انداختن خود
بنویسد که چنین بوده
را گذشتن و انداختن
دیگری خواستن چنانچه
فرموده و نشان است
است خردان اشاره

عَلَيْكَ كِتَابِي قُطَائِسَ فَلَسَّوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا

بِرُتُونِشْتَرِ دُرُوحِ پَسِ مَسَاسِ مِیْکُودَنْدَ اَنْرَا بَدَنِ بَای خُودِ بِرِ اَیْمَنِ مِی کُفْتَنَدَ کَا فَرَانِ نِیْسَتِ

هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ وَقَالُوا أَوَلَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا مَلَكٌ

اَیْنِ مَکْرَ سَحرِ ظاهِرِ و اَیْنِ مَکْرَ جادوئی و اَیْنِ مَکْرَ جادوئی و اَیْنِ مَکْرَ جادوئی

مَلَكًا الْقَضَى الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يَنْظُرُونَ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا

دُرِشْتَرِ اَلْیَمِیْنِ بَایْمِ مَسَانِیْدَه شُدِه کَا بَا زِ مِیْهَدِ دَا دَه نَشُونَدَ و اَیْمَنِ مِی کُفْتَنَدَ کَا فَرَانِ نِیْسَتِ

وَلَلْبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ وَلَقَدْ اسْتَهْزَأُ بِرُسُلِ مِنْ قَبْلِكَ

و بَیْرَ اَیْمَنِ مِشْتَرِ مِی کُودِمِ بَیْرَ اَیْمَنِ مِشْتَرِ مِی کُودِمِ بَیْرَ اَیْمَنِ مِشْتَرِ مِی کُودِمِ

فَخَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ فَأَكَاوَأَهُ يَسْتَهْزِءُونَ قُلْ سِيرُوا

پَسِ لُودِ اَکَمِ بَیْرَ اَیْمَنِ مِشْتَرِ مِی کُودِمِ بَیْرَ اَیْمَنِ مِشْتَرِ مِی کُودِمِ

فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ قُلْ لَيْسَ مَا

دُرِزِیْمِ بَا زِ لُظَرِ کُنِیْدَ چَکُونَدَ شُدَ اَخْرَ کَا دُرِزِیْمِ بَا زِ لُظَرِ کُنِیْدَ چَکُونَدَ شُدَ

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ كُتُبٌ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةُ لِيَجْمَعَنَّكُمْ

دُرِ اَسمَانِیْها و زِیْمِ اَستِ بَیْجُ خُدا اَستِ دُرِ اَسمَانِیْها و زِیْمِ اَستِ بَیْجُ خُدا اَستِ

إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يَمْنُونَ

دُرِ رُوزِ قِیامَتِ و بَیْجُ شَکِ نِیْسَتِ دُرِ اَنِ اَنّا کُزِیْمِ کُودَنَدَ دُرِ حَقِ خُودِ اَیْمَنِ مِی کُفْتَنَدَ

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قُلْ أَعْبُدُوا

دُرِ اَورامَتِ اَیْچُ سَاکِنِ شُدَ دُرِ شَبِ و رُوزِ و اَدَمِ شُئُوا دَا نَا بَیْجُ اَیَا دُوسْتِ عَیْمِ

أَتَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُهُمْ وَلَا يُغْنِيهِمْ

بَیْجُ خُدا اَیْ بَیْدا کُنْدَه اَسمَانِیْها و زِیْمِ اَستِ عِلْمِ دَا دُورِ مِیْدَدِ و دُرِزِیْمِ دَا دَه نِی شُودَ

إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قُلْ

بَیْرَ اَیْمَنِ مِشْتَرِ مِی کُودِمِ بَیْرَ اَیْمَنِ مِشْتَرِ مِی کُودِمِ بَیْرَ اَیْمَنِ مِشْتَرِ مِی کُودِمِ

إِنِّي أَخَافُ أَنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ مَنْ يَصْرِفْ عَنَّا

بَیْرَ اَیْمَنِ مِشْتَرِ مِی کُودِمِ بَیْرَ اَیْمَنِ مِشْتَرِ مِی کُودِمِ بَیْرَ اَیْمَنِ مِشْتَرِ مِی کُودِمِ

يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْنَاهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ وَإِنْ يَتَسَنَّسْكَ اللَّهُ

اَن رُوزِ پَسِ مَهرِ بَایْ خُدا اَیْمَنِ مِشْتَرِ مِی کُودِمِ بَیْرَ اَیْمَنِ مِشْتَرِ مِی کُودِمِ

فتح الرحمن
وَلَمْ يَكُنْ

فردان وادیم و اند
اعلم و ۱۲ یعنی پاک
زود نشوند ۱۲
تفسیر عثمانی

ع حضرت شاه
رحم الهی گوید درنگ
در توبه کنید چشم و

گوش و دل که در این
وقت موجود است
شاید باز بدست

نیاید و توبه نوبه و
استغفار نیابد
و ناگهان یعنی عذابی

که علامات آن پیشتر
ظاهر شده اند
از جمله آن

عذابت که علامت
آن ظاهر شود و
اگر چه غیر خدا از

نوع بشر نیست
ایمان او و دیگران
تفاوت از زمین تا

آسمانست قوای
بشری و نوع است
علی - علی - میان

پیغمبر و غیر پیغمبر و
بیروی علی چنان
تفاوت است که میان

الحی و البصر بینا و
نا بینا تفاوت می
باشد چشم دل پیغمبر

برای نگاه
رضیات الهی تجلی
و بانی بازی باشد که

و دیگران از مشایخ
آن بلاد اسط
محمود اما حال

بزرگوار
چنان است که
پیغمبر و غیر پیغمبر و

کردار خود و در جوش
و سکون خویش تاریخ
رهای الهی و متفاد

قَسَتْ قُلُوبَهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۲ فَلَمَّا

سخت شد دل ایشان و زینت داد در نظر ایشان شیطان آنچه می کردند پس چون
سخت شد دل های ایشان و آراست در نگاه ایشان شیطان آنچه می کردند پس چون

نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ ۳ حَتَّى إِذَا فُزِّعُوا

فراموش کردند آنچه تذکر داده شد ایشان را باز گشاییم در میان ایشان در باطن هر چیز و تا آن هنگام که فراموش کردند
فراموش کردند آن بیتی را که داده شد به ایشان گشاییم در میان ایشان در باطن هر چیز تا آنکه فراموش کردند

بِمَا أَوْتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً ۴ فَاذْهَبْهُمْ مُبْلِسُونَ ۵ فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ

باینکه داده شد ایشان را و در غریب ایشان را تا آنکه ایشان پس شدند و میسر شدند پس بریده شدند و گریه
باینکه داده شد ایشان را و در غریب ایشان را تا آنکه ایشان پس شدند و میسر شدند پس بریده شدند و گریه

الَّذِينَ ظَلَمُوا ۶ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۷ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ

ستمگاران و ستمگاران خدا راست هر دو و کار عاقل
ستمگاران و ستمگاران با قدر است که هر دو و کار عاقل است

اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مِنَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ يَأْتِيكُمُ

خدا شنوای شما را و چشم های شما را و مهر کند بر دلبسته شما کیست خدا غیر الله تعالی که آنرا بخیر
خدا شنوای شما را و چشم های شما را و مهر کند بر دلبسته شما کیست خدا غیر الله تعالی که آنرا بخیر

بِهِ أَنْظِرْ كَيْفَ نَصَرْنَا فِي الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْذَقُونَ ۸ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ

بشما بین چگونه گوناگون میان می کنیم اینها باز ایشان را و گردان میشوند
بشما ع بین چگونه میان می کنیم اینها باز ایشان را و گردان میشوند

آتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يَهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ ۹

بیاید بشما عذاب خدا ناگهان یا آشکارا آیا پاک کرده شوند و مگر ستمگاران و
بیاید بشما عذاب خدا ناگهان یا آشکارا آیا پاک کرده شوند و مگر ستمگاران و

مَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ قَمْسٍ آمِنٍ وَأَصْلَحَ

می فرستیم پیغامبران را مگر بشارت دهنده و بیم کننده پس هر که ایمان آورد و نیکی کاری کرد
می فرستیم پیغامبران را مگر بشارت دهنده و بیم کننده پس هر که ایمان آورد و نیکی کاری کرد

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ

و دور مکن که ای را که مناجات می کنند به پروردگار خویش بباداد
شفاعت کننده تا بر نیزگاری نکند

وَالْعِشْيَ يَرْيَاوْنَ وَجْهَهُ ط مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ

وسای غلبند روی اورا نیست برکوار حساب ایشان چیزے نیست از
 دشمنی غلبند رضای اورا نیست برکوار حساب ایشان چیزے نیست از

حَسْبَاكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطَرَّدَ هُمْ فَكَانَ مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ وَكَذَلِكَ

حساب تو بر ایشان چیرے تا برانی ایشان را که از نظامی و نظامی گران و زمین
 حساب تو بر ایشان چیرے تا برانی ایشان پس تو باشی از نظامان و هم چنین

فَتَابَعَهُمْ بَعْضُ أَهْلِ الْاَهْلِ مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ مِنْ بَيْنَاهُ أَلَيْسَ

مکان کردم بعضی مردان را به بعضی ها تا گویند آیا اینجا جمعه فصل کرده است خدا بر ایشان از میان ما خدا را بیست
مکان کردم بعضی مردان را به بعضی ها تا گویند آیا اینجا جمعه فصل کرده است خدا بر ایشان از میان ما آنها نیست

اللَّهُ يَاعْلَمُ الشَّاكِرِينَ ﴿٣﴾ وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا

خداوند شر مکر کندگان و چون بیایند پیش تو کس ایمن آورده اند یا تیربانه یا
خداوند شر مکر کندگان و چون بیایند پیش تو آنکه ایمان آورده اند یا تیربانه یا

فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ ۝ أَنَّهُ مَن عَمِلَ

پس بحکم لازم کرده است برود کارش بر نحو مهربانی را لازم کرده است که برک بکند

منه سوء بحاله ثم تاب من بعده وأصله فائد غفر له

از شما گریه می‌خواهد باز تو به سر خود بزدان - میگو کار می‌موند پس خدا آمرزنده مهربان است

وَكَذَلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ الْقِصَّةَ الْأُولَىٰ وَلَئِنَّ لَشَيْئًا سَبِيحًا ﴿٤٠﴾ قُلْ

فصل می کنیم کتابها را و تا ظاهر شود راه سخنکاران و

وَمِنْهُمْ مَن يَخُصُّكَ فِي الْوَيْلِ وَالْجَنَّةِ

در آینه خود را که عبادت کنم آن گناه را که استماری به سبب بخیر خدا بخیر و در آن کمی کنم

... و ...

از دوازده ساله است که با ششم و هفتم و دوازده ساله را با ششم و هفتم

اور در جانی سعادتمند شدیم که گمراه نمودم آن نگاه و دنیا قسم از راه یا فریادان بگویم یا آید من بر چشم

از چاکر در کار خود هر چه دانستید آن را بدین رایست نزدیک من آید که سنبل برود که می خواهید آنرا فایست حکم عمره خدا را

از برادر دگر خود و شما گزیند آن دلیل - نیست نزدیک من آنچه شما دوستی طلبید از نیست مکنم مگر خدا را

یہیں اس کی وجہ سے کہ وہ ایک صلیب پر لٹکا کر مارا گیا تھا۔

یانی می کند (دری دست راست) را و او بهترین زمین فیصله کنندگان است (چپ) نزدیک من بودی آنچه شما بر آن متشابهی کنید

[illegible]

برآیند باقیمانده شدی کارمیان من و میان شما و خدا و انوارت برسمه کاران و نژاد اوست

فرماندهان و سپهسالاران که از آنها بخواهی بیشتر رویتیم، می‌کنند که بینوایان چگونگی سیاست خلیفه را بدانند و هر دولتی که بشناسد، می‌تواند حق خدا را بداند.



فتح الرحمن

فل یبقی انوار علم
غیب ۱۲ فل یبقی
وقت نوم ۱۲ فل یبقی
از مصیبت بائنه
بیان دور یا ۱۲
یعنی چنانکه سنگ بر
نوم لوط بارید ۱۲
و یعنی چنانکه تار
بر زمین رفت و
یعنی افواج مقتده
پیدا شود و باید که
جست سنده ۱۲
آفرین عثمان
ع ملای که
مفتاح راجع
فتح فتح
بهم ترجمه کرده اند
مفتاح الغیب را
تجملهای غیب ترجمه
کرده اند و نوزدها
که فتح فتح به کسریم
است آنها مفتاح
الغیب را موافق
مترجم رحمة الله ترجمه
کرده اند یعنی کلید
بائی غیب مطلب
این است تجملهای
غیب کلیده باقی آن
تنهایی قدرت خداست
از ان تجملها و وقت
و تقدیر هر که خواهد
می کشاید و بگری را
قدرت نیست که عقل
دعوا یا دیگران
ادراک تواند و علم
قیی قرارید یا بران
مقدار غیوب که خدا
بر وی مشکفی گرداند
تواند از خود چیزی
بیفزاید زیر اقتضای
علوم غیب دوست
وی نهاده شده و هر
یکی از بندگان بر
ملیون اجزایات و فلان
یعنی آگاه کرده شده
باشد بازم علم اعمال
و کلمات غیب را که

مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرُوجِ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ

کلید بائنه غیب فل یبقی دانند شن مگر او و می داند آنچه در بیابان دور یا است و فل یبقی
کلید بائنه غیب فل یبقی دانند شن مگر او و می داند آنچه در بیابان دور یا است و فل یبقی

مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظِلْمِ الْأَرْضِ وَلَا نَبَاتٍ إِلَّا بِإِذْنِهِ

برنج بزرگ الی دانند و فل یبقی دانند و شن مگر او و زمین و نه بزرگ تری و نه
برنج بزرگ مگر مبلد و شن و فل یبقی دانند و شن مگر او و زمین و نه بزرگ تری و نه

الَّذِي يَتُوفَكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ

الا ثبت است در کتاب رد مشن و دوست آنکه قبض روح شما می کند شب و می داند آنچه کسب کردید
مگر ثبت است در کتاب رد مشن و دوست آنکه قبض روح می دارد شمارا و قبض روح شما می کند شب و می داند آنچه کسب کردید

بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقَظَّ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ يُرْجِعُكُمْ ثُمَّ

بروز باز بر می انگیزد شمارا در روز تا با انجام رسانیده شود و میعاد معین باز بسوزد و باز گشت شماست باز
بروز باز بر می انگیزد شمارا در روز تا با انجام رسانیده شود و میعاد معین باز بسوزد و باز گشت شماست باز

يُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ

خبر بد شمارا یا بکرم می گردید و دوست غالب بالایی بندگان خود و می فرستد
خبر بد شمارا یا بکرم می گردید و دوست غالب بالایی بندگان خود و می فرستد

عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ

بر شما ملائکه که جهان تا و قلمه بیاید به کسی از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان
بر شما ملائکه که جهان تا و قلمه بیاید به یکی از شما مرگ قبض روح او کنند فرستادگان ما و ایشان

لَا يَقْرَءُونَ ۝ ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ ۝ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ

لقصیر می کنند باز گردانیده شوند مردگان بسوی الله خداوند ایشان که حق است مراد است حکم و او
لقصیر می کنند باز گردانیده شوند مردگان بسوی الله خداوند ایشان که حق است مراد است حکم و او

أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ۝ قُلْ مَنْ يُنْجِيكُمْ مِنْ ظِلْمِ الْبُرُوجِ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَ

شما بترین حساب کنندگان است بگو کیست که می داند شمارا از تاریکی بائنه بیابان دور یا و کلمات مناجات می کشاید بگو
شما بترین حساب کنندگان است بگو کیست که می داند شمارا از تاریکی بائنه بیابان دور یا و کلمات مناجات می کشاید بگو

تَضَرَّعًا وَخَفِيَّةً لِّئِنْ أَنْجَيْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝ قُلْ

براری و نیاز بهایی می گویند اگر رهایی و به ما از این و محنت بر آید یا شکر از شکر کنندگان بگو
براری و نیاز و پنهانی و اگر رجات و به خدا را از این شدت بر آید یا شکر از شکر کنندگان بگو

اللَّهُ يَخْتِمْ لَكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَوْمٍ ثُمَّ أَنْتُمْ مُشْرِكُونَ ۝ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ

خدای را باند شمارا از ان محنت و از هر اندوه به باز شما شریک او مقرر می کند بگو دوست توانا
خدای را باند شمارا از ان و از هر سختی باز شما شریک مقرر می کند بگو دوست توانا

عَلَى أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِّنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ

بر آنکه فرستد بر شما عذاب از بالائے شما یا از زیر پایے شما یا
بر آنکه فرستد بر شما عذاب از بالائے شما یا از زیر پایے شما یا

يَلْسِكُمْ سُيُوفًا وَيَنْزِلُ بِكُمْ بَعْضُكُمْ بِأَسْبَاطِ أَنْظِرْكُمْ نَارَ الْآخِرَةِ

بجز کند شمارا باهم و بجز کرده و بجز کند بعض شمارا جنگ بعض و
آیزد شمارا باهم و بجز کرده و بجز کند بعض شمارا جنگ بعض و

لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ۝ وَكَذَّابٌ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ

تا به نبیند و بد روح نسبت کرده قرآن را قوم تو و آن راست است بگو نیستم بر شما
تا ایشان به نبیند و بد روح نسبت کرده قرآن را قوم تو و آن راست است بگو نیستم بر شما

تا ایشان به نبیند و بد روح نسبت کرده قرآن را قوم تو و آن راست است بگو نیستم بر شما

يُكَلِّمُ الْكُلَّ نَبِيًّا مَسْتَقَرًّا وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ وَاذَارِيتَ الَّذِينَ يَخْضَعُونَ

و چون بر پیشانی آنان در کتب شروع می کند و چون بر پیشانی آنان را که گفتگوی کنند

فِي آيَاتِنَا فَاعْزُ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۝ وَإِنَّمَا يُنْسِنُكَ

در آیت های ما پس رو بگردان از ایشان تا در گفتگو بحث شروع کنند در سخن غیره و اگر فراموش گردانند ترا

الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَمَا عَلَى الَّذِينَ

شیطان پس نشین بعد یاد آوردن با گروه ستمکاران و نیست بر کسانی که

يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَلَٰكِنْ ذَكَرْتُمْ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَذَرِ الَّذِينَ

بیزگاری کردند از حساب کافران چیزه و لیکن بر ایشان لازم است بپردازن تا شود که بیزگاری کنند و بگذرانند

أَتُخَذُوا لِهَٰؤُلَاءِ أَعْرَافُهُمْ ۝ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَذُرِّيَّةٌ مِّنْ نَّبْتٍ

این خود گرفتند باری و لیه و فریفت ایشان را زندگانی دنیا و پندیده بفرمان برانسته از آنکه نمیدانند

نَفْسٍ يَمَاسِكَبْتُ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا تَتَّبِعْهُ ۝ وَرَأَىٰ

نفس را بسبب آنچه کرده است نیست او را بجز خدا هیچ دوست و نه شفاعت کننده و اگر

تَعْمَلْ كُلَّ عَمَلٍ لَّا يُؤْخَذُ بِهَا ۝ وَلَٰكِنَّ الَّذِينَ يُبْسِلُوْا أَيْمَانَهُمْ

عوض خود بد بپردازند که خوانند گرفته نشود از آن جماعه آنانند که هرگز استرسند بویابی آنچه کرده اند این راست

شَرَابٍ مِّنْ حَمِيمٍ ۝ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ مَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝ قُلْ أَدْعُوْا إِلَىٰ مَا

آتش میدانی از آب جوشانیده و عذاب درد دهنده بسبب آنکه کافر بودند بگو آیاتناجات لینم بجز

اللَّهُ مَا يَنْفَعُنَا ۝ وَلَا يَضُرُّنَا ۝ وَنُذِرُ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا ۝ بَعْدَ مَا هَدَىٰ اللَّهُ كَالَّذِينَ

خدا کسی را که نفع ندهد و زیان نرساند ما را باز گرداننده شویم بر پاشنه های خود بعد از آنکه راه راست نموده است راه را هلاک کننده

اسْتَهْوَتْهُ الشَّيْطَانُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانٌ ۝ لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُوْنَهُ إِلَىٰ

گمراه کرده باشند او را پریان در زمین حیران مانده مراد ایا دارند که می خوانندش بسوی

الْهُدٰى اِنَّمَا دُعُوْلُ اِنْ هَدٰى اللَّهُ هُوَ الْهُدٰى ۝ وَامْرَاَتُ السَّيِّدَةِ لَرَبِّ

راه راست که بیا بسوی یا بگو بر آینه هدایت خدا همان است هدایت حقیقی و فرموده شده است در آنکه منقاد شویم پروردگار

الْعٰلَمِيْنَ ۝ ۱ ۝ وَانْ اَقِمُوا الصَّلٰوةَ وَآتُوا الزَّكٰوةَ وَهُوَ الَّذِي يُخْرِجُكُم مِّنَ

عالمها را و بر پا دارید نماز را و بزرسید از خدا دوست آنکه بسوی او حشر کرده خواهد شد

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ ۝ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُوْنُ

و اوست آنکه بیا فرید آسمانها و زمین را بحد بر محکم و در روزی بفرماید که بشو پس می شود

وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُوْنُ ۝ وَهُوَ الَّذِي يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۝ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝

و اوست آنکه بیا فرید آسمانها و زمین را بحد بر محکم و در روزی بفرماید که بشو پس می شود

فصل فی تفسیر عثمانی
عنه صفت سلمان
این است که گرامان
را نصیحت کرده برادر
راست آنند که بیک
از خدا اگر بخت به آید
دیگری سر نهاده اند
برای سجده کردن
در پیشگاه حضرت
خداوند بکار فکر کنند
از مسلمان این نوع
خواست که جز خدا
بغضور متقی دیگری
سر خم نماید که در اختیار
وی نه سود است و نه
زبان یاد صحبت
ایم باطل جامه بپوش
توحید و ایمان را
باز گردانده و یا بسوی
راه های سحر و جادو
شرب بر گردد اگر
مساد الله چنین کند
مثال وی چون مسافر
که بارشکاف
را شناسد و
آنرا بکلی سفری کرد
تا گمان غل بیابدان
فرشش داد و از راه
برد او حیران و بهت
زده هر طرفی می گود
رفقایش بدل سوزی
فریادی کنند اینجا
بیا این طرف راه
راست اما وی
حیران و غمناک الحواس
شده نه چیزی میداند
و نه آن طرفی آید
بدانند که برای مسافر
آخرت نیز راه است
اسلام و لوح است
و آنکه بهت باعث
و میبش این سفر
بیان می رسد حضرت
پیغمبر است و متابعت
وی پیروی می کند
بسیار از راه شرافت
که از راه شرافت
بسیار از راه شرافت
که از راه شرافت

فتح الرحمن

طالع بنی چنانکه برکت

ظاهر کردیم که بتعالی

عبادت نیستند نیز

ظاهر ما بنیم که ستاره

و هر چه در آسمانهاست

دزین لایق عبادت

نیست و دوازده و

لیکون زانکه است

والله اعلم و

یعنی از انواع محبت ۱۲

تفسیر عثمان

عاشق مندره

یورپ و نوتن گوید

مکن نیست حرکات

کنونی ستارگان محض

نتیجه فعل قوه مجازیه

عومی باشد قوه مجازیه

ستاره گاه سوسی

خورشید جذب می

کنند اما برای حرکت

ستارگان بر مدار

خورشید باید قدرت

جاذبای موجود باشد

قدرتی که با وجودش

قوه جاذبه می تواند

ستاره گاه را بر مدار

شان استوار

نگهدارند و در هیچ یک

از اسباب طبیعی

چنان اعلیٰ موجود

نیست که تواند این

همه اختراع را در

فضای آزاد منتظم

نگهدارند که همیشه بر

مدارات معین و در

جهانی خاص بود و در

خورشید حرکت کنند

و هیچ گاه در آن منتظمی

پدید نیاید و حرکات

کواکب در سرعت

و درجات آن متفاوتی

کیهان آنها و خورشید

موجود است

چنان تناسب

و توازن دقیقی

استوار شده

که هیچ سبب طبیعی نمی تواند آن توازن محفوظ و منظم را مربوط نگه دارد پس باید معترف شد که تمام این نظام تحت فرمان حکیم و عظیمی است - یعنی بر مفعول ۱۳۸

قوله الحق و لعل الملك يوم ينفخ في الصور علم الغيب والشهادة

حق او درست است و مراد است پادشاهی روزی که دمیده شود در صور دا شده پنهان و آشکار است

وهو الحكيم الخبير و اذ قال ابراهيم لا يبيد اذر اتخذ اصناما

و او استوار کار آگاه و چون گفت ابراهیم پدر خود آذر را آیای می گیری بستان را

الاله اتني اراك وقومك في ضلال مبين و كذلك ترون ابراهيم

بر آینه من می بینم ترا و قوم ترا در گمراهی ظاهر و هم چنین می نمودیم ابراهیم را

ملكوت السموات والارض ليكون من الموقنين و فلما سخن عليه

ملک آسمانها و زمین تا از یقین کنندگان باشد و پس چون تاریک شد بدو

النیل را اوكما قال هذا اني فلما اقل قال لا احب الاذلين و فلما

شعب دید ستاره گفت ایست پروردگار من پس چون فرو رفت گفت دوست ندارم فرودندگان را پس چون

را القمر بازغا قال هذا اني فلما اقل قال لئن لم تهدني لئن لاكون

دید ماه را طلوع کرده گفت ایست پروردگار من پس و قتی که فرود رفت گفت اگر هدایت نکند مرا پروردگار من شوم

من القوم الضالين و فلما را الشمس بازغا قال هذا اني هذا

از غروب گرایان پس و قتی که دید آفتاب را طلوع کرده گفت ایست پروردگار من این

اکبر فلما اقلت قال يقوم اني برى فلما تشرقون و اني و تها و تها

بزرگتر است پس چون فرو رفت گفت ای قوم من بر آینه من بزرگتر از این شرک مقرر می کنید بر آینه من و سزاوارتر از خود

للذي قطر السموات والارض حنيفا و اما من المشركين و حاجه

لبوسه کسی که بیافرید آسمانها و زمین در حالتیکه حنیف و بیستم از مشرکان و جهال کردند با او

قوله قال اتعاجلونی فی الله وقد هدین ولا اخاف ما تشركون

قوم او گفت آیا عجل می کنید با من در باب خدا و هدایت داده ام و نمی ترسم از آنکه شرک کنندگان و عجل کردند با او

بانه الا ان يشاء اني شيئا و يسمع ربي كل شئ و فلما اتت تنكون

با خدا و لیکن می ترسم از آنکه خدا اراده کند چیزی که من نخواهم و او همه چیز را می شنود و فلما اتت تنكون

و كيف اخاف ما اشركتم ولا تخافون انكم اشركتم بالله ما لم ينزل به

و چگونه ترسم از آنکه شما شرک کنید و شما نمی ترسید از آنکه شرک کنید با خدا و چه چیز را که فرود نیاورد بر شما

عليكم سلطانا فاني افر يقين احق بالامن ان كنتم تعلمون

بر شما داریم بر آنکه پس کدام یک ازین دو گروه سزاوارتر است با من بگویند احقری و انشد

بر شما و یل بر آنکه پس کدام یک ازین دو گروه سزاوارتر است با من بگویند احقری و انشد

که هیچ سبب طبیعی نمی تواند آن توازن محفوظ و منظم را مربوط نگه دارد پس باید معترف شد که تمام این نظام تحت فرمان حکیم و عظیمی است - یعنی بر مفعول ۱۳۸

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَٰئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ

و این یقین کردند و بنا می نمودند لیکن خود را بر نقصان (بشرک آن جماعت) یقین نداشتند ایمنی و ایستادند

ویریک حججنا اینها ابراهیم علی قویم رفیع درجیت

مَنْ شَاءَ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ① وَهَذَلِكَ آيَاتُ الْقُرْآنِ وَالْحَكِيمُ ط

بر کرامت ایشان هر آینه پروردگار تو استوار کاروانا است و عطا کردیم ابراهیم را اسحاق و یعقوب
و نیز که بخوانیم هر آینه پروردگار تو با حکمت و انانیت و شجاعت ابراهیم را اسحاق و یعقوب

وَوَهَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَ

وَيُؤْتِيهِمْ مِنْ دُونِهَا وَيُؤْتِيهِمْ لَيْفَ أَنْ يَدْأُوا وَيُؤْتِيهِمْ لَيْفَ أَنْ يَدْأُوا وَيُؤْتِيهِمْ لَيْفَ أَنْ يَدْأُوا

ایوب و یوسف و موسیٰ	و یارون را	و ہم چنین جزای دہیم	نیکو کاران را
ایوب و یوسف و موسیٰ	و یارون را	و ہم چنین جزای دہیم	نیکو کاران را

وَأُذِّنْ يَوْمَ ذِکْرٍ يَوْمَ تُبْعَدُ عَنْ دَارِکَیْنِ ۖ وَتُجْعَلُ لِلْأَعْمَالِ آثَارُ ۚ

و (به ایت کریم) زکریا و یحیی و عیسی و ایلیاس را هر یک از صالحان بود. (به ایت کریم) اسمعیل و

و یونس و لوط را و هر یک را فضل دادیم بر اهل زمان و هدایت کردیم بعضی را از بهر امان ایشان و
و هر یک را فضیلت دادیم بر عالمان و هدایت کردیم بعضی را از بهر امان ایشان و

وَأَخَوَاهُ وَاجْتَنِبْنَهُمْ وَهَدَيْنَهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ٥

اولاد ایشان و برادران ایشان و بر خیزیم ایشان را و ولایت کردیم ایشان را بمهری و نام واحدت

ایست هدایت خدا و امانت می کند بدان هر کس را خواهد از میانگان خویش و اگر کسی بکفر و مکر و میکند و ندانند و رشده

لَهُمْ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦﴾ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اتَّيْنَهُمُ الْكِتَابُ الْحَكِيمَ وَالنَّبِيُّ

این جماعت آنانند که دادیم ایشان را کتاب و شش بخت و پینجامبری

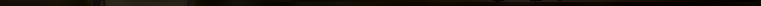
وَأَن يَتْلُوهُ هُوَ (۱) قَدْرًا مِّنَ لَّحْظٍ (۲) وَكَذَٰلِكَ يَكْنُزُهَا لِقَوْمٍ يُدْرِكُونَ (۳) ۝ ١٠٧

وَالَّذِينَ هَدَىٰ اللَّهُ فِيمَا هُمُ اقْتَدَىٰ ۖ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ

کے لئے اندک ہر ایک کو ایسا خدا پس بروش ایسا ان اقتدار کن جو سوال کی کھما ایسا یقین ہو بروش ایسا ان نیست ایسا
کے لئے اندک ہر ایک کو ایسا خدا پس بروش ایسا ان اقتدار کن جو سوال کی کھما ایسا یقین ہو بروش ایسا ان نیست ایسا

فَقَالَ الرَّسُولُ لِلْعَيْنِ ۝ وَمَا قَدْ رَوَى اللَّهُ عَنْكَ مِنْ رُبِّكَ إِذْ قَالَ أَمَا نَزَلَ اللَّهُ عَلَى رُسُلِهِ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ الْكِتَابَ فَأَقْرَأُوا مِنْهُ لَعَلَّكُمْ تُرْجَوْنَ ۝ وَصَوِّتْ نَكْرَةً يَدِيدُ فَهَذَا رَأْسُ صَوْتِ أَوْجُونِ فَتَقْتَدِرُوا عَلَى تَرْسُودِهِ هَاسِتٌ فَهَذَا رَأْسُ

و لدیلم فکر دند خدا را چنانچه سزاوارت تعلیم او باشد چون گفتند که قریب است خدا ایر



فتح الرحمن

بَشِّرْ مَنْ ثَمَى عَقْلٍ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى نُورًا

بشیر آدمی چنانچه (بگو) هر کس که فرو فرستاد کتابی که آورده است اورا

هَدَى لِلنَّاسِ تَجْعَلُونَهُ قُرْطُبِسْ تَبْدُوهُمْ وَتَنْخَفُونَ كَثِيرًا وَعَلَيْكُمْ

هدایت مردمان را می گردانید اورا و قسم در تها آشکارا می کنید آنرا و پنهان می کنید بسیاری را و آموخته شدید

قَالُوا تَعْلَمُونَ أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ مَا قُلَ اللَّهُ لَكُمْ دَرَاهِمٌ فِي خُوضِهِمْ يَلْعَبُونَ

آنها می دانستید شما و نه پدران شما میدادند که بگو خدا خود آورده باز بجزای ایشان را در خرافاتشان بازی می کنند

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبْرَكٌ مُصَدِّقٌ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنْذِرَ أُمَّ

و این قرآن کتابیست که فرستادیم اورا بابرکت با و دارنده آنچه پیش از او بود و تا بیم کنی

الْقُرَى وَمَنْ حَوْلَهَا وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَهُمْ عَلَى

مکه را و کسانی را که گرد مکه ساکن اند و محققان آخرت البتہ ایمان می آرند بقرآن و ایشان بر

صَلَاتِهِمْ حَافِظُونَ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ

مناز خود محافظت می کنند و کیست ستمگر تر از کسی که برست بر خدا دروغ می یاف

أَوْحَى إِلَيَّ وَلَمْ يُوْحَ إِلَيَّ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنْزِلَ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ تَرَى

و می فرستاده شده است من و تحقیقت فرستاده شده است بسوی و چیزی از کسی که گفت خود را می آورد مانند آنچه خداوند فرستاده

أَزِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيَهُمْ أَخْرِجْ

و بیکه ظالمان در شداید مرگ باشند و فرشتگان دست خود را درازی کنند و می گویند بیرون آرید

أَنْفُسَكُمْ أَلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ

روحهای خود را امروز جزا داده خواهید شد عذاب رسوا کننده بسبب آنچه می گفتید بر خدا

الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِنَا تَسْتَكْبِرُونَ وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فَرَادَى كَمَا

ناحق و بودید که از آیات او سرکش می کردید و بدستگیر آمدید برای حساب بسوی ما یک چنانچه

خَلَقْنَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرْكُمُوهَا وَتُكْفَرُونَ وَآءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى

آفریده بودیم شما را اول بار و بجز آنستید آنچه عطا کرده بودیم شما را پس پشت خویش و می بینیم شما

شَفَعَاءَ كَمَا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ نَقَطَ بَيْنَكُمْ وَض

شفیعان شما را آنانکه گمان برده که در میان ایشان (در تربیت) شامشیک می باشند (شریک خداوند) هر آنچه بر سر خود می گذارند

عَنْكُمْ فَأَنْتُمْ تَزْعُمُونَ إِنْ أَلَّفَ اللَّهُ فَبِئْسَ الْحَبْ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ

از شما آنچه گمان می کردید بر آنچه خدا عطا فرموده و آنها وحشت با نیست بیرون می آرد

آیات تورات و قرآن
اظهار کرد و الاسامی
بیقین پیدا ناستد
و حاصل آنست که
اگر بود گویند که خدای
تعالی هیچ بشر و حی
نفرستد نقض کرده
نیشود تورات و اگر
گویند میفرستد شما
فرستادن قرآن مجید
تقصیب است پس
اذا قوا ابله ان
قالوا انفسه
و مترجم گویند ان
اولا عرب را کرده شد
که زبان بی نمی فهمد
تا نایب اهل ارض
را بواسطه ترجمه پس
انجا اقرار اول مرا
داست مانند آیت
هو الذی بعث فی
الامم من رسولنا
یتلو ایتهم آیاتنا
و در آیت و ما نر
الاربعه نعا ملین ام
از او و ما نر
و آیت پس اعتقاد
مثلا که چهار سواب
از هر ایی است و
اتفاق سلف و پس
بر آنست و ما نر
و بیانی آنست
کتابی مثل قرآن و
کرد انشا بقرین
و اکت انزال
نفسه شد ۱۲
یعنی میزند و انشا
تفسیر عثمانی
عنه نه کلامی بسوز
کفشی بپا حیدست
ی آید سازد سال
که بان فری
کرده با خود
نیارده و انشا
من استند همه
کسینگی میزند
بکلام حق نشاء استیگری می کنند و در حال مصیبت یا شهادی باشند بکار نفع امروز می بینیم که از شما شفاعت و حمایت کنند و انشا عداد و نعمت است و دعای ای طوبی شاهد بود

وَالْبَيْتِ وَخَرَجَ الْبَيْتِ مِنَ الْحَيِّ ذَالِكُمُ اللَّهُ فَأَلَى شَيْءٍ فَعَلُونَ ① قَالَ قُلْ

از زنده ایست خدا پس از بجا برگردانیده میشوید شما گفته
از زنده ایست خدا پس که ام طرف برگردانیده میگوید شما گفته

وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسُ الْقَمَرَ حَسْبَانَا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ

وگردانیده مطر را آرامگاه و گردانیده آفتاب و ماه را برای حساب انبساط تقدیر

و ادست آسمیہ بہا فرید برائے شہناز بادشاہ بہا فرید لیبب آنہا در

وَأَوْرَثْنَا لَكَ إِسْرَافِيئِيلَ إِذْ أَخَذَ مِنْ بَنِي إِسْرَافِيلَ مِائَةَ أَلْفٍ دِينَارًا وَأَسْفَلَ مِنْهَا خَمْاسَةَ عَشَرَ أَلْفًا فَفِي ذَلِكَ نَسِيتُكَ يَا بَلِيبُ

۱۰۰

وَمِنَ الشَّاكِرِينَ مَنْ تَقِيَّ وَاحِدَةً فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا

برآئینہ بتفصیل بیان کردیم

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَخَرَجَ
 مِنْهُ شَجَرٌ لَبَنٌ أَمِيبٌ لَمْ يَسْخَرْ وَفِيهِ شِفَاءٌ لِكُلِّ دَاءٍ وَفِيهِ زَكَاةٌ لِكُلِّ فَرْجٍ وَفِيهِ
 زَكَاةٌ لِكُلِّ دَاءٍ وَفِيهِ زَكَاةٌ لِكُلِّ فَرْجٍ وَفِيهِ زَكَاةٌ لِكُلِّ دَاءٍ وَفِيهِ زَكَاةٌ لِكُلِّ فَرْجٍ

و دوست که فرو آورد از آسمان آبی را پس بیرون آوردیم

وَأَمَّا أَنْ يَكُونَ فِي الْإِسْلَامِ كَمَا كَانَ فِي الْإِسْلَامِ

أَخَذَ مِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ

در دهستان خراز هلهای او یک خاندهشاهها بمن نزدیک شده است و بیرون آوردیم بوستانها در دهستان انگور و بیرون آوردیم بیرون
از دهستان انگور و بیرون آوردیم بوستانها در دهستان انگور و بیرون آوردیم بیرون

قُلْ اِنَّ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انْظُرْ اِلَى ثَمَرٍ اِذَا اشْرَوْهُ يَتَخَفَتَانِ

انوار استیک دیگر و غیر مانند
بجوید به یوه درخت چون بار آرد و بجوید به یوه درختی او

و جعلوا لله شركاء آلهن و
و مقروءه وند کاران برای خدا شریکان را که از شر مباحل آله

خلق و خدایا اینک بنده را که ایمان دارند و می گرداند شریک بخدا جان باردا حال آنکه

بنام خدا که همه را آفریده است این را شروع افکار ثابت کردند او را فرزندان و دخترانش پالایش است و او بلند است از آنچه بیان می کنند

وَالْأَرْضُ إِلَىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَهُ تَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَ

و اگر زننده آسمانها و زمین است چگونه باشد او را فرزندی حال آنکه نبود او را زن و

خلق كل شئ وهو بكل شئ عليم ﴿١﴾ ذلکم اللہ ربکم لا اله الا هو

و دوست به هر چیز دانا این است خدا پروردگار شما نیست هیچ معبودی جز او

در این کتاب که به دو اصل عام و بنیاد و غیر قابل انتفاع می باشد بعد از بحث کردن در لایه و جوش کوه و میعدی می گردد این بهر چه در گذشت

فتح الرحمن

فل من لم يولد احمل
 بود که گفت گویند که
 سابقه را خوانده
 اینجی گوی ما خوانده
 کتب سابقه است
 نه وی الی پس
 خدا متعالی قرآن را
 بوجه نازل ساخت
 و بوجه گوناگون
 بیان کرد که محال این
 شے مانند زیر اگر
 این شے بیان از
 خواندن کتب سابقه
 نمی آید بدون وحی
 الهی و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 علی حضرت شاه
 رحمه الله گویند طلب
 این آیت این است
 که در چشم قوی نیست
 که وی را دیده تواند
 اما اگر خدا از سلف
 و کم خواهر و برادر
 تواند دیدگان
 بشر این قوت را
 بوجدی آورد چنانکه
 در آخرت مسلمان
 را حسب مراتب شایسته
 دیدار نصیب می شود
 طوریکه از نفوس کاتبان
 و سنت ثابت است
 یا احوال به بعض
 روایات در بیان
 الاسرار حضرت
 پیغمبر را دیدار نصیب
 شد علی اختلاف
 الاقوال در دیگر
 مواضع چون نص
 موجود نیست بنابر
 قواعد عمومی نفی درین
 اعتقاد می شود بعض
 مفسران سلف مع
 ادراک اعطای
 معنی کرده اند
 یعنی نگاه آن
 پنج گاه می را احاطه
 می تواند و آخرت نیز درین شے و احاطه فیض الهی بر تمام کائنات است که تمام البصار و مبعرات را احاطه نموده و این صورت لطیف با- لا اله الا الله و غیره

خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدْهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝ لَا تَدْرِكُهُ
 آفریننده هر چیز است پس پرستش کنید او را و بر هر چیز کار ساز است در نمی یابند او را
 بِدَايَةِ الْبَصَرِ ۝ هُوَ يُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْبَصَرَ وَهُوَ يُدْرِكُ الْبَصَرَ وَهُوَ يُدْرِكُ الْبَصَرَ ۝ قَدْ جَاءَكُمْ
 چشم را دیده او در می یابد چشم را و او در می یابد چشم را و او در می یابد چشم را و او در می یابد چشم را
 بَصَارٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ ۝ وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا ۝ وَمَا أَنْ
 دلیل ما از جانب پروردگار شما پس هر که بینا شد پس بفرمان او است و هر که نابینا ماند پس بر وی نقصان است و هر
 كُنْ أَنْ بَارَازَ جَانِبَ پروردگار شما پس کسیکه دید برای خودش است و هر که نابینا ماند پس بر وی نقصان است و هر
 عَلَيْكُمْ بِحَفِظٍ ۝ وَكَذَلِكَ نَصْرَفُ الْأَيَاتِ وَلِيَقُولُوا أَدْرَسْتُ وَلَنُبَيِّنَ
 بر شما نگه بدار و به چنین گوناگون بیان می کنیم نشانهها بر آیه احسان از آنکه گویند که خوانده و تا بیان کنیم این دین را
 لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ اتَّبِعْ مَا أَوْحَى إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ ۝ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۝ وَ
 بر آیه کرده که می دانند و یا نمیدانند که پیروی کن آنچه وحی کرد از پروردگار تو و هر که از پروردگار تو نیست پیروی مجبوری جز او
 أَوْحَى مِنْ الْمَشْرِكَانِ ۝ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا ۝ وَمَا جَعَلْنَاكَ
 اوحاش کن از مشرکان و اگر خواست خدا شریک مقرر نمی گردند و اگر میخواست خدا آن با شرک نمی گردند و فکر دایم ترا
 عَلَيْهِمْ حَفِظٌ ۝ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝ وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ
 بر ایشان نگه بدار و نیستی تو بر ایشان مستبعد است مسلمانان و مشرکان مدعیان آنست که مشرکان می پرستند
 مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ ۝ كَذَلِكَ زَيَّلْنَا لِكُلِّ أُمَّةٍ
 بجز خدا ندیده را بر ایشان دشنام خواهند داد خدا را از روی ظلم بغیر دانش و فهم چنین آراسته گردیم و در نظر هر گروهی
 عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ فَرَجِعُهُمْ ۝ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝
 کردار آن گروه را بنویسوی پروردگار ایشان باشد و چون ایشان پس از پروردگار ایشان را باز آید که هر چه می کردند
 وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ آيَةٌ لَئِنْ
 و سوگند خورند که اگر آیه نازل شود بر ایشان سوگند می کنند که اگر می آید بدیشان معجزه الهیه ایمان آورند
 بِهَا ۝ وَتِلْكَ الْأَيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعُرُكُمْ أَهْمًا إِذَا
 آن بگو جز این نیست که معجزه ها نزد خداست و چه مطلق است که شما را از مسلمانان حق آیتها نماند که آن بگو
 جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَنَقَلْنَا عَنْهُمْ أَبْصَارَهُمْ كَمَا
 بیاید ایشان ایمان نیارند و صرف کنیم دل ایشان را و چشم های ایشان را چنانکه
 لَمْ يُؤْمِرُوا بِهِ ۝ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرْنَاهُمْ فِي طَعْنَانِهِمْ يَعْصُونَ ۝
 ایمان نیارند و ندانند که اول بار و بجز از ایمان ایشان را در گردانی خود سرگردان گشته
 ایمان نیارند و ندانند که اول بار و بجز از ایمان ایشان را در گردانی خود سرگردان گشته

وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَاهُ بِاللُّغَةِ الْغَلِيظَةِ وَ

و اگر بای فرستادیم بسوی ایشان فرستگان را و
و اگر فرود آوریم بر ایشان ملک را

كَلَّمَ هُمُ النُّوُتِ وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ فَمَا كَانُوا يُولُون ۱

مکن می گفتند بایشان مردگان و وحش می کردیم بر ایشان همه چیز هر چه می گزیدند بر ایشان نمی آوردند مگر
مکن گفتند بایشان مردگان و زنده می کردیم بر ایشان همه چیز هر چه می گزیدند بر ایشان نمی آوردند مگر

أَن يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ۲ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ

چیزی که خواهد خدا و لیکن بسیار از ایشان نادانی می کنند و ای همین گزیدیم بر آنست بر
چیزی که خواهد خدا و لیکن اکثر ایشان نمی دانند و ای همین گزیدیم بر آنست بر

نَبِيٍّ عَدُوٍّ وَ الشَّيْطَانِ الرَّاسِ وَالْجَنُّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ

پیغمبری و دشمنان را که شیاطین انداز آدمیان و از جن بطریق و وسوسه می کنند بعضی ایشان بسوی بعضی
پیغمبری و دشمنان را که شیاطین انداز آدمیان و از جن بطریق و وسوسه می کنند بعضی ایشان بسوی بعضی

خَرُوفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ۳

مکن غبار آراسته تا فریب دهند اگر خواهی پروردگار تو می گردانی این کار پس بگذر ایشان را یا فرستای ایشان
مکن غبار آراسته تا فریب دهند اگر خواهی پروردگار تو می گردانی این کار پس بگذر ایشان را یا فرستای ایشان

وَلِتَصْغَرِ إِلَيْهِ أَفْدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَ

و تا غلبی کند بر ایشان آراسته تا فریب دهند بسوی او و لهاسی کسی که ایمان ندارد با آخرت و تا پسند کند او را و
و تا غلبی کند بر ایشان آراسته تا فریب دهند بسوی او و لهاسی کسی که ایمان ندارد با آخرت و تا پسند کند او را و

لِيَقْرَءُوا مَا هُم مُّقْتَرِفُونَ ۴ أَفَغَيْرَ اللَّهِ اتَّبَعِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي

تا کند بایشان آنچه را که آفریده اند یعنی آنچه را که ایشان است بگو یا طلب کنم کیس کند بجز خدا و او است آنچه
تا کند بایشان آنچه را که آفریده اند یعنی آنچه را که ایشان است بگو یا طلب کنم کیس کند بجز خدا و او است آنچه

أَنزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ

که فرستادیم بسوی شما قرآن واضح کرده شده و کسی که داده ایم ایشان را کتاب یعنی تورات می دانند
که فرستادیم بسوی شما قرآن واضح کرده شده و کسی که داده ایم ایشان را کتاب یعنی تورات می دانند

أَنَّهُ مُنْزَلٌ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ۵ وَكَذَلِكَ

که قرآن فرود فرستاده شده است از جانب پروردگار تو بر راستی پس مباحث از شک کنندگان و تمام شد
که قرآن فرود فرستاده شده است از جانب پروردگار تو بر راستی پس مباحث از شک کنندگان و تمام شد

كَلَّمَ رَبُّكَ صِدْقًا وَ عَدْلًا مَبْدُلًا لِكَلِمَةٍ وَهُوَ السَّمِيعُ

مکن پروردگار تو در راستی و انصاف بگوئی بگفته نیست سخنی است او را و او است شنوا
مکن پروردگار تو در راستی و انصاف بگوئی بگفته نیست سخنی است او را و او است شنوا

الْعَلِيَّةُ ۶ وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَكُمْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ

و ای اگر اطاعت کردی بیشتر از این زمین گمراه کنند ترا از راه
و ای اگر اطاعت کردی بیشتر از این زمین گمراه کنند ترا از راه

اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۷ إِنَّ رَبَّكَ

خدا پیروی نمی کنند مگر گمان را و نیستند مگر در حد گمان و گمانند بر پروردگار تو
خدا پیروی نمی کنند مگر گمان را و نیستند مگر در حد گمان و گمانند بر پروردگار تو

هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يُضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۸

و ای او است کسی که گمراه می شود از راه و او است دانایان است بر او با گمراهان
و ای او است کسی که گمراه می شود از راه و او است دانایان است بر او با گمراهان

و اگر بای فرستادیم بسوی ایشان فرستگان را و اگر فرود آوریم بر ایشان ملک را
مکن می گفتند بایشان مردگان و وحش می کردیم بر ایشان همه چیز هر چه می گزیدند بر ایشان نمی آوردند مگر
مکن گفتند بایشان مردگان و زنده می کردیم بر ایشان همه چیز هر چه می گزیدند بر ایشان نمی آوردند مگر
چیزی که خواهد خدا و لیکن بسیار از ایشان نادانی می کنند و ای همین گزیدیم بر آنست بر
چیزی که خواهد خدا و لیکن اکثر ایشان نمی دانند و ای همین گزیدیم بر آنست بر
پیغمبری و دشمنان را که شیاطین انداز آدمیان و از جن بطریق و وسوسه می کنند بعضی ایشان بسوی بعضی
پیغمبری و دشمنان را که شیاطین انداز آدمیان و از جن بطریق و وسوسه می کنند بعضی ایشان بسوی بعضی
تا غلبی کند بر ایشان آراسته تا فریب دهند بسوی او و لهاسی کسی که ایمان ندارد با آخرت و تا پسند کند او را و
تا غلبی کند بر ایشان آراسته تا فریب دهند بسوی او و لهاسی کسی که ایمان ندارد با آخرت و تا پسند کند او را و
تا کند بایشان آنچه را که آفریده اند یعنی آنچه را که ایشان است بگو یا طلب کنم کیس کند بجز خدا و او است آنچه
تا کند بایشان آنچه را که آفریده اند یعنی آنچه را که ایشان است بگو یا طلب کنم کیس کند بجز خدا و او است آنچه
که فرستادیم بسوی شما قرآن واضح کرده شده و کسی که داده ایم ایشان را کتاب یعنی تورات می دانند
که فرستادیم بسوی شما قرآن واضح کرده شده و کسی که داده ایم ایشان را کتاب یعنی تورات می دانند
که قرآن فرود فرستاده شده است از جانب پروردگار تو بر راستی پس مباحث از شک کنندگان و تمام شد
که قرآن فرود فرستاده شده است از جانب پروردگار تو بر راستی پس مباحث از شک کنندگان و تمام شد
مکن پروردگار تو در راستی و انصاف بگوئی بگفته نیست سخنی است او را و او است شنوا
مکن پروردگار تو در راستی و انصاف بگوئی بگفته نیست سخنی است او را و او است شنوا
و ای اگر اطاعت کردی بیشتر از این زمین گمراه کنند ترا از راه
و ای اگر اطاعت کردی بیشتر از این زمین گمراه کنند ترا از راه
خدا پیروی نمی کنند مگر گمان را و نیستند مگر در حد گمان و گمانند بر پروردگار تو
خدا پیروی نمی کنند مگر گمان را و نیستند مگر در حد گمان و گمانند بر پروردگار تو
و ای او است کسی که گمراه می شود از راه و او است دانایان است بر او با گمراهان
و ای او است کسی که گمراه می شود از راه و او است دانایان است بر او با گمراهان

فتح الرحمن

من مترجم گوید یعنی

میت حرام است الا

وقت ضرورت تناول

آن رخصت است

والله اعلم

مترجم گوید مراد ازین

دوسوم است که اهل

جاهلیت می گفتند

چرا که خود را بزرگتر

و گشت خدا را بزرگتر

والله اعلم

یعنی کافر بود و هدایت

گرفتند

چنانکه و سالفه که

در لغت کفر سعی

می کردند الله اعلم

یعنی بر هر کس

از ما جبرئیل فرود

آید و می نازل

میشود والله اعلم

کفر یعنی شکی

عقیده که کلمات

این است که هر چه

بالواسطه یا بلاواسطه

خدا پدید می آید

آدمی میزند

در آفریدگان

او خوردن بعضی گوشت

و مضرت است چون

سبب آلوده ماندن

آن و اکل بعضی مخلوق

و مضرت چون اشیای

ناپاک و سم افارده اند

آن اشیای را که

خدا میسراند نیز و گوشت

است و آن کفر است

سلیم از آن لغت

می کنند یا خوردن

آن برای

موت بطن

و روحی ما

نزد خدا

مضری باشد

چون حیوان و سگی

بزرگ طبیعتی مرده و

و خون آن در مخرج

فَكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ ۖ وَلَكُمْ فِيهَا مَآبِغٌ ۖ وَأَنْتُمْ فِيهَا كَافِرُونَ ۝۸

پس بخورید از میوه آن چون میوه دهد و در آنجا برای شما جایگاه است و شما در آنجا کافر هستید

پس بخورید از آن میوه که یاد کرده شده نام خدا بر آن اگر شما به حکم الهی و ایمان دارید و چیست شمارا

وَلَا تَقْرَبُوا أَمْوَالَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ إِنَّمَا يُغْنِيكُمْ عَنْهَا اللَّهُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۹

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

وَلَا تَقْرَبُوا أَمْوَالَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ إِنَّمَا يُغْنِيكُمْ عَنْهَا اللَّهُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۹

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

وَلَا تَقْرَبُوا أَمْوَالَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ إِنَّمَا يُغْنِيكُمْ عَنْهَا اللَّهُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۹

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

وَلَا تَقْرَبُوا أَمْوَالَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ إِنَّمَا يُغْنِيكُمْ عَنْهَا اللَّهُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۹

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

وَلَا تَقْرَبُوا أَمْوَالَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ إِنَّمَا يُغْنِيكُمْ عَنْهَا اللَّهُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۹

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

وَلَا تَقْرَبُوا أَمْوَالَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ إِنَّمَا يُغْنِيكُمْ عَنْهَا اللَّهُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۹

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

وَلَا تَقْرَبُوا أَمْوَالَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ إِنَّمَا يُغْنِيكُمْ عَنْهَا اللَّهُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۹

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

وَلَا تَقْرَبُوا أَمْوَالَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ إِنَّمَا يُغْنِيكُمْ عَنْهَا اللَّهُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۹

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

وَلَا تَقْرَبُوا أَمْوَالَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ إِنَّمَا يُغْنِيكُمْ عَنْهَا اللَّهُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۹

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

وَلَا تَقْرَبُوا أَمْوَالَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ إِنَّمَا يُغْنِيكُمْ عَنْهَا اللَّهُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۹

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

وَلَا تَقْرَبُوا أَمْوَالَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ إِنَّمَا يُغْنِيكُمْ عَنْهَا اللَّهُ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝۹

و نه نزدیک شوید اموال آن روز قیامت را زیرا که خداوند شما را با آنچه می کردید غنی خواهد کرد

ولا یمنی بکم جازرو
سوابی باشد ۱۲
ولا یمنی درختان
انگور و مانند آن
والله اعلم ۱۳
یعنی درختان بر ساق
الیتاده والله اعلم ۱۴
نکای یعنی افراد بی نوبت
یا اعتبار صورت مانند
یکدیگر اند به اعتبار
مزین و الله اعلم ۱۵
و یعنی نرو ماهه از
هر یک والله اعلم ۱۶
نکای یعنی نقیص
بیاریه از ابراهیم
البرج و النقیص
علیها السلام و
از کتاب التبیان والله
اعلم ۱۷

تفسیر ثانی

عنه مثله در آن خوانند
و زمان بخورند با تنه
رجالی خورده می گویند
که مجاوران بنگه اند
آنها بزم خود لین
قیود را بر بعضی چلبای
و مزمار و شع کرده
بودند که بنام قیام قیوم
شده بود هم چنین بر
بعض حیوانات سوار
شدن یا بر نهادن را
حرام می انگاشتند و
قرار داده بودند که بنما
دین کردن یا سوار شدن
یاده شدن بعض حیوانات
نام خدا را نیز که بجا
در همه جهان شرکست
خدا واقع شود شکفت
انگیخت که این
خرافات و جهالت را
بسیوی خدا و سبای
کردند و یا محاذ الله
این احکام را خدا فرود
آورده و باین طریق
میتوان رضای الهی
را بدست آورد با

يَقْتَرُونَ ۱۰ وَقَالُوا مَا فِي بَطُونِ هَذِهِ إِلَّا نَعَامٌ خَالِصَةٌ لِّذِكْرِنا
اقترا می کردند و گفتند آنچه در شکم این چهار پایان باشد دل علان است برائے مردمان ما و
اقترا می کنند و می گویند آنچه در شکم این مواشی است این خاص (پایان است) به مردمان ما و
مَحْرَمٌ عَلٰی اَزْوَاجِنَا ۱۱ وَ اِنْ يَكُنْ مَّيْمَنَةٌ فَمِنْهُمْ فِيهِ شَرٌّ كَافٍ سَيِّئٌ
حرام است بر زنان ما و اگر مرده باشد بر مردان شر یک اند جزا خواهد داد
حرام است بر زنان ما و اگر باشد مرده پس بدمر مردان آن شر یک اند سزا خواهد داد ایشان را
وَصَفَرُهُمْ اِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۱۲ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا اَوْلَادَهُمْ سَفَهًا
بمعنی این میان ایشان بر آینه او استوار کار دانست هر آینه زبان کار شدند آنانکه کشتند فرزندان خود را از جهت بخر و
بر این بیان (ایشان) بر آینه او صاحب حکمت دانست هر آینه زبان کار شدند آنانکه کشتند فرزندان خود را از جهت بخر و
بَغْيٍ عَلِيمٌ ۱۳ حَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللّٰهُ افْتِرَاءً عَلٰی اللّٰهِ قَدْ ضَلُّوا وَاَمَّا كَوْنُ
بغیر دانش و حرام کردند آنچه روزی داد ایشان را خدا بسبب دروغ بستن بر خدا بجهتین گمراه شدند ایشان و نشاند
بغیر دانش و حرام کردند آنچه روزی داد ایشان را خدا از جهت بیعتان با حق بر خدا هر آینه گمراه شدند و نشاند
مُهْتَدِينَ ۱۴ وَ هُوَ الَّذِي اَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَةٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَةٍ
و خدا آنست که پیدا کرد بوستانهای پرداشته شده بر پاینهاست و بوستانهایی غیر پرداشته شده بر پاینهاست
براه راست و دوست که پیدا کرده یاغبهار اگر بزم کرده میشود بر پایه و آنچه بزم کرده غی خود بر پایه و
وَالنَّخْلِ وَالزَّرْعِ مُخْتَلِفًا ذَاتَ الْاَكْلَةِ وَالرَّيْحَانُ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ
و پیدا کرد درختان خربار را از درخت را گوناگون میوه های هر یک درختان و انار را مانند یکدیگر و غیر
و درخت دریا و درخت را که مختلف اند میوه آن و پیدا کرده زیتون و انار را مانند یکدیگر و غیر
مُتَشَابِهٍ ۱۵ كُلُوا مِنْ شَرِّهِ اِذَا اشْرَوْا وَاْتُوا حَقَّهٗ يَوْمَ حَصَادِهِ ۱۶ وَلَا
مانند یکدیگر است بخورید از میوه های آن چون میوه بیرون ورد و پیدا کرده زیتون و انار را مانند یکدیگر و غیر
مانند یکدیگر است از میوه های آن چون میوه آرد و اداری کنند حق او را روز و در کردش و بجا
تَسْرِقُوا ۱۷ اِنَّهُ لَا يَجِبُ النَّسْرَ فَيَنْ ۱۸ وَمِنْ الْاَنْعَامِ حَمُولَةٌ ۱۹ وَفَرَسَاتٌ
منه هر آینه خدا دوست نداده اسراف کنندگان را و پیدا کرد از چهار پایان بار بردارنده را دها قوسه را که بر زمین غلط اند بجهت دزدی
خرج میکنند (هر آینه) او دوست ندارد دزدی حریق کنندگان را و پیدا کرد از مواشی بار بردارنده و بزین متصل شده
كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوٰتِ الشَّيْطٰنِ ۲۰ اِنَّهُ نَكَمٌ
خورید از آنچه روزی داده است خدا شما را و پیروی کنید گامهای شیطان را هر آینه او دشمن را
خورید از آنچه روزی داد شما خدا و پیروی کنید قدمهای شیطان را (هر آینه) او برائے شما
عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۲۱ ثَنِيَّةٌ ۲۲ اَزْوَاجٌ ۲۳ مِنَ الصَّانِ اثْنَيْنِ ۲۴ وَمِنَ النَّعْرِ
دشمن ظاهراست آفرید بیست قسم را از گوسفند دو قسم و از بز
دشمن ظاهراست پیدا کرده بیست نر و ماده را از گوسفند دو و از بز
اِثْنَيْنِ ۲۵ قُلْ اِنَّ الدَّكْرَيْنِ حَرَّمَ اَمَّا الْاُنْثَيَيْنِ ۲۶ اَوْ اَشْتَمَكْتُ عَلَيْهِمَا ۲۷ حَامٌ
دو قسم و میگویند این دو نر را حرام کرده است خدا شما را یا این دو ماده را یا اگر اشتماقتی شده است بر او و هر دو
دو (نحو) برسان کن آیا هر دو نر را حرام کرده خدا یا هر دو ماده را یا این دو که اشتماقتی شده است بر او و هر دو
اِنْثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۲۸ وَمِنْ اَرْحَامِ اَبْنَائِكُمْ
این دو ماده خبر دهید مرا باینکه اگر به تنیه راست گو و پیدا کرد از گوسفند دو قسم
دو ماده خبر دهید مرا بجهت (بدانش) اگر شما به تنیه راست گو و پیدا کرده از گوسفند دو
وَمِنَ الْبَقَرِ اِثْنَيْنِ ۲۹ قُلْ اِنَّ الدَّكْرَيْنِ حَرَّمَ اَمَّا الْاُنْثَيَيْنِ ۳۰ اَوْ اَشْتَمَكْتُ
و از گاؤ دو قسم بخورید از این دو نر را حرام کرده است خدا یا این دو ماده را یا اگر اشتماقتی شده است
و از گاؤ دو ماده بخورید برسان کن آیا هر دو نر را حرام کرده یا هر دو ماده را یا این دو که اشتماقتی شده است

از
کتاب
تفسیر
الانعام
۱۲
ولا یمنی
درختان
انگور
و مانند
آن
والله
اعلم
۱۳
یعنی
درختان
بر ساق
الیتاده
والله
اعلم
۱۴
نکای
یعنی
افراد
بی نوبت
یا اعتبار
صورت
مانند
یکدیگر
اند به
اعتبار
مزین
و الله
اعلم
۱۵
و یعنی
نرو ماهه
از هر یک
والله
اعلم
۱۶
نکای
یعنی
نقص
بیاریه
از ابراهیم
البرج
و النقیص
علیها
السلام
و از کتاب
التبیان
والله
اعلم
۱۷
تفسیر
ثانی
عنه
مثله
در آن
خوانند
و زمان
بخورند
با تنه
رجالی
خورده
می گویند
که مجاوران
بنگه اند
آنها
بزم خود
لین
قیود را
بر بعضی
چلبای
و مزمار
و شع کرده
بودند
که بنام
قیام
قیوم
شده بود
هم چنین
بر بعض
حیوانات
سوار
شدن یا
بر نهادن
را حرام
می انگاشتند
و قرار
داده بودند
که بنما
دین کردن
یا سوار
شدن یا
یاده شدن
بعض
حیوانات
نام خدا
را نیز که
بجا در همه
جهان
شرکست
خدا واقع
شود شکفت
انگیخت
که این
خرافات
و جهالت
را بسیوی
خدا و سبای
کردند و یا
محاذ الله
این احکام
را خدا
فرود آورده
و باین
طریق
میتوان
رضای الهی
را بدست
آورد با

فتح الرحمن
 واما مراد صراط
 است به نسبت به
 الانعام و آن صراط
 ثانی مذکور است و
 غیر و باز غیر آن
 اگر چه حرام است
 از حیث الانعام نیست
 و در آن بحث
 نداشته اند
 علم ۱۲
 یعنی مثل شتر و شتر
 مرغ و الله اعلم ۱۱
 و الله اعلم ۱۲
 تفسیر ثانی
 مستحقه می باشد
 است یا محقق حکم الهی
 است پس شما را نشان
 یا یا نازل داده یا چه
 را که در حکم داده است
 و باره هر مرد یا در
 باره بعضی حرام قرار
 میدهد یا چه در وایت
 گذشت و ذکرش چه سند
 دارد هر گاه سندی
 ندارد که آنرا حکم خدا
 ثابت کند پس چیز
 های را که خدا آفریده
 حلال یا حرام گفتن
 عیناً چنان است که
 موقد الله مقام خدای
 را بگوید و تفسیر یا عالم
 و عالم بخدا اقتضای
 این بود و صحت هر یک
 و تباها گفته است
 حضرت شاد
 می و یا بدین ایزد
 که خوردن شراب و لواط
 و لذت اینها حرام است
 درین آیت و هیچ
 نگفارد است که اشیا
 مذکور فوق را که حلال
 بود و حرام قرار داد
 اکنون آن اشیا
 بیان می شود که در
 واقع حرام است
 و شما آنرا متکلی می بینید تفسیر و توضیح آیت در شده در سوره مائده در "حرمت نسیم المیتة و المومنة المیزة" که گفته است آنرا حرام است

عَلَيْهِ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ أَمْ كُنْتُمْ شُرَكَاءَ آدَمَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ هَذَا

بر روی رحمت این دو ماده آیا حاضر بودید و متکلی حکم کرد
 بر او و رحمت این دو ماده آیا بودید شما حاضر و متکلی حکم داد شما را
 شما را خدا مان
 خدا به این

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ

پس کیست ستمگر تر از کسی که بگوید بر خدا دروغ تا گمراه کند مردمان را
 پس کیست ظالم تر از کسی که بپندارد بر خدا دروغ تا گمراه کند مردمان را بدون تحقیق (دانش)

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ

هر آینه خدا راه نمی نماید قوم ستمکاران را
 هر آینه خدا هدایت نمی کند قوم ظالمان را
 بخوبی یا ایم را آنچه وحی فرستاده شده بسوی من
 بخوبی یا ایم را آنچه وحی فرستاده بسوی من

مُحَرَّمًا عَلَى طَائِفَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا أَنْ يَكُونُوا مِتَّةً أَوْ دُمًا مُّسْفُوحًا أَوْ

منهجه حرام بر خورنده که بخورد آنرا منکر آنجا باشد
 منهجه حرام بر خورنده که بخورد آنرا منکر آنجا باشد
 مردار یا خون ریخته شده یا
 مردار یا خون روان یا

لَحْمِ خَيْزُرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ

گوشت خوک پس هر آینه آن حرام است یا آنچه فاسق باشد که بر آن غیر خدا آویخته کرده شد
 گوشت خنزیر (پس هر آینه) و ناپاک است یا آنچه فاسق باشد (فاسق) که آواز بلند کرده شده است برای خدا و وقت فراخ او را

غَيْرِ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ وَعَلَى الَّذِينَ هَدَىٰ وَحَرَّمْنَا

نه بخت کننده و نه از حد گذرنده پس هر آینه پروردگار تو آمرزنده مهربان است و ویرانگر حرام است
 و نه بخت کننده و نه از حد گذرنده پس هر آینه پروردگار تو بسیار بخشنده و مهربان است و ویرانگر حرام است

كُلِّ ذِي ظِفَرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهَا الْأَافِلَاجَ

هر جانور ناخن دار و از گاو و گوسفند حرام است
 هر جانور ناخن دار و از گاو و گوسفند حرام است
 کوه و دریاچه را که بر آن آب است
 کوه و دریاچه را که بر آن آب است

ظُهُورَهُمَا أَوِ الْمَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَاءُ بِغْيِهِمْ وَإِنَّا

پشت این دو قسم یا بر دوش است یا از او یا آنچه مختلط است با استخوان این طور جزا دادیم ایشان را
 و چه پشیده باشد بر پشت یا از او یا آنچه مختلط است با استخوان این طور جزا دادیم ایشان را
 و چه پشیده باشد بر پشت یا از او یا آنچه مختلط است با استخوان این طور جزا دادیم ایشان را

لَصِدْقُونَ ۖ فَإِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهُ فَعَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا حَرَامٌ وَاسِعَةٌ وَلَا يَسُدُّ

راست گوئید پس اگر بدو شک است نسبت کند ترا بگو که پروردگار شما خداوند مهربان است و در کرده نمی شود
 راست گوئید پس اگر بدو شک است نسبت کند ترا بگو که پروردگار شما خداوند مهربان است و در کرده نمی شود

بِأَسْمِهِ عَنِ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۚ سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ

مؤمنان او از قوم ستمکاران نرو باز شد که بگویند
 مؤمنان او از قوم ستمکاران نرو باز شد که بگویند
 مشرکان اگر خواسته

لَهُ مَا أَشْرَكُوا لَا آيَاتُ لَهُ وَلَا حَرَمٌ مِّنْ شَيْءٍ هَذَا كَذِبٌ لِّالَّذِينَ

خدا هیچ رخصت او بدو نیست هیچ مقرر نمی گردیم و نه پندار ما می گردیم چیزی را حرام می گردیم چیزی را حرام می گردیم
 خدا هیچ رخصت او بدو نیست هیچ مقرر نمی گردیم و نه پندار ما می گردیم چیزی را حرام می گردیم چیزی را حرام می گردیم

تَقْبَلُهُمْ حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ يَعْنِدُكُمْ مِنْ عِيسَىٰ

پس از ایشان بود تا آنکه چشیدند عذوبت آب گویا است نزد یک شما
 پس از ایشان بود تا آنکه چشیدند عذوبت آب گویا است نزد یک شما
 و الله اعلم

مَنْ جَرَّ جَوْهَ لَبَانٍ أَوْ نَبْخٍ مِنَ الْإِلَاقِ فَإِنَّهُ مِنَ الْإِشْرَاقِ قُلْ

تا برون آید از برای ما چیزی که می کشد ستمگر شده را
 تا برون آید از برای ما چیزی که می کشد ستمگر شده را
 پس هر که از اینها بخورد یا بنوشد ستمکار و ملعون است

فتح الرحمن
 دل متوجه شود به ظاهر
 نزد یک این است
 آنست که حرم گردانید
 اشیائی مذکوره را
 در ازل بر قوم
 نوح و هلم جبرائیل
 باز اویم موسی را
 کتاب و انشاه علم
 و تائیدی بر آن قبض
 ارواح ۱۲ فکده حق
 با ملاک قوم ۱۲
 یعنی طلوع نفس از
 مغرب یا دایه الارض
 و الله اعلم ۱۲
 یعنی آفرید تو به گنج
 و ایمان کافر قبول
 نشود و الله اعلم ۱۲
 و تائیدی بر او اخذ
 غیاث و الله اعلم ۱۲
 تفسیر عثمانی
 ع معلوم می شود
 احکامیک در فوق از
 قرآن و احکام
 علیکم خوانده و
 شنوایانند
 همیشه جریان داشت
 و هم سبب ان شراخ
 بر آن منتقل بودند
 پس از آن خداوند
 تورات را بر موسی
 علیه السلام فرود آورد
 که در آن احکام شرع
 ب تفصیل مزید درج
 بود و تورات مطهر و به
 حکوکاران آن روز
 کا نعمت خدا تمام
 گردید و دریات با
 شرح و بسط بیان
 شد و ابواب هدایت
 در رحمت گشاده گردید
 که مردم آن را بمانند
 و به تقای پروردگار
 خویش نصیب کامل
 حاصل کنند و ع
 کیست ستم کاران که
 بعد از فرود آمدن
 چنین کتاب روشن و

لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ
 شما پروردگاری کنید یا نمی گوئیم که داده بودیم موسی را کتاب تا نعمت تمام کنیم بر هر که بپوشاید
 و تائیدی بر هر که بپوشاید یا نمی گوئیم که داده بودیم موسی را کتاب برای اتمام نعمت بر هر که بپوشاید
 وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً لِّعَالَمٍ يَلْقَاءُ رَبَّهُمْ وَهُمْ لَا يَوَدُّونَ ۝
 و بیان کنیم بر هر چیز را و هدایت و مهربانی تا ایشان بطلاقات پروردگار خویش ایمان آرند و
 و برای بیان بر هر چیزی و هدایت و مهربانی تا ایشان بطلاقات پروردگار خود ایمان آرند و
 هَذَا كِتَابُنَا أَنْزَلْنَاهُ بِالْهَدْيِ وَاتَّبِعُوهُ وَاسْتَقُوا الْعِلْمَ تَرْحَمُونَ ۝ أَنْ
 این قرآن کتاب هدایت است که فرود فرستادیمش با هدایت پس پیروی او کنید و پیروی کنید تا مهربانی کرده شود بر شما و شما را
 این (قرآن) کتاب هدایت است که فرود فرستادیمش با هدایت پس پیروی کنید آنرا و پیروی کنید تا مهربانی کرده شود بر شما و شما را
 تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَيَّ طَائِفَتَيْنِ مِنْ قَبْلِكَ وَأَنْ كُنَّا
 گوئید بخبر این نیست که فرود آورده شد کتاب یعنی تورات و انجیل بر دو گروه پیش از ما و تحقیق بودیم ما
 بخبر این نیست که فرود آورده شد کتاب بر دو گروه پیش از ما و بدستیک ما
 عَنْ دَرَسَتِهِمْ لَغَفْلِينَ ۝ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْكِتَابَ لَكُنَّا
 از تلاوت ایشان بی خبر یا گوئید اگر فرود آورده شد بر ما کتاب هر آینه بودیم
 استیم از درس و تدریس ایشان بی خبر یا گوئید اگر فرود آورده شد بر ما کتاب هر آینه ما بودیم
 أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَهَدَىٰ وَرَحْمَةً ۝
 راه یا گفته تر از ایشان پس آمده است بشارتی از پروردگار شما و هدایت و بخشایش
 راه یا گفته تر از ایشان پس بدستیک آمد بشارتی از پروردگار شما و هدایت و بخشایش
 فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بَايَاتِ اللَّهِ وَصَدَقَ عَنْهَا سَجَرَى الَّذِينَ
 پس کیست ستم کار تر از کسی که بدروغ نسبت کند آیات خدا را و اعراض کند از آن جزا خواهیم داد
 پس کیست ستم کار تر از کسی که بدروغ نسبت کند آیات خدا را و اعراض کند از آن جزا خواهیم داد
 يَصْدُقُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدُقُونَ ۝ هَلْ
 اعراض کنندگان را از آیات خویش بدترین عذاب بسبب آنکه اعراض می کردند آیا
 بدترین آنکه اعراض می کردند عذاب بدترین نیستند
 يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ
 منتظر نیستند مگر آنکه بیایند به ایشان فرشتگان و یا بیاید هر یک پروردگار تو و یا بیاید بعض
 منتظر مگر آن که بیایند به ایشان فرشتگان یا بیاید (هر یک) پروردگار تو یا بیاید بعض
 آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا
 نشانیهای پروردگار تو و روزی که بیاید بعضی نشانیهای پروردگار تو و بعضی نشانیهای پروردگار تو و بعضی نشانیهای پروردگار تو
 نشانیهای پروردگار تو و روزی که بیاید بعضی نشانیهای پروردگار تو و بعضی نشانیهای پروردگار تو و بعضی نشانیهای پروردگار تو
 لَمْ تَكُنْ آمَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيمَانِهَا خَيْرًا قُلْ نَنْظُرُونَ
 نیاورده بود پیش ازین ایمان او یا نفع ندید نفس را که کسب نکرده بود و ایمان خود عمل خیر تو به او و بعضی نشانیهای پروردگار تو و بعضی نشانیهای پروردگار تو
 که نیاورده بود ایمان پیش از این یا نفع ندید نفس را که کسب نکرده بود و ایمان خود عمل خیر تو به او و بعضی نشانیهای پروردگار تو و بعضی نشانیهای پروردگار تو
 مَتَّظِرُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ قَرَّضُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شَيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ
 منتظریم به تحقیق کسی که بپوشاید دین خود را و گروه کرده شدند یعنی از ایشان
 به تحقیق کسی که بپوشاید دین خود را و گروه کرده شدند یعنی از ایشان
 فِي شَيْءٍ إِنَّمَا مَرَّاهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يَنْدَبُهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۝
 در هیچ حساب و جزاین نیست که کار ایشان گذارست و به سوی خداست باز خبر دهد ایشان را بعلت آنکه بپوشیدند هر که
 در هیچ جزئی جزاین نیست که کار ایشان با خداست باز خبر دهد ایشان را به آنچه می کردند هر که

چنین کتاب روشن و دروغ انگار از پذیرش احکام آن و گرداند و میماند را نیز نگذارد و تنبیه در (صدق عنها) و معنی از سلف منقول است

جاء بالحسنة فله عشر امثالها ومن جاء بالسيئة فلا يجزي

پس او راست ده چندان و هر که آورد بدی جزا داده نمی آید شد
پس او راست ده چندان و هر که آورد بدی پس سزا داده نمی آید شد

الا مثله اوهم لا يطلمون قل انني هادي ربي الى صراط

الاعراب آن و ایشان ستم کرده نمی آیند شد بگو بر آئینه دلالت کرده است مرا پروردگار من بسوی راه
مگر خط آن (و بر ایشان ظلم نخواهد شد) و ایشان ستم کرده نمی آیند شد بگو بر آئینه هدایت نموده است مرا پروردگار من بر راه

مستقيمه دينايهم حنيفا وما كان من المشركين

راست مرا می دارم دين درست کيش ابراهيم را حنيف شده و نبود از مشرکان

قل ان صلاتي ونسبي ومحياي ومماتي لله رب العالمين

بگو هر آينه نماز من و نسب من و قربانی من و زندگانی من و موت من همه برای خداست پروردگار عالمیاست
بگو بر آئینه نماز من و (نسب) و قربانی من و زندگانی من و موت من همه خاص برای خدا پروردگار عالمیان است

اشرك لك وبذلك امرت وانا اول المسلمين

يا حق مشرک نیست مرا و باین توحيد فرموده شد مرا من نخستين مسلمانانم

اغيد الله ابغى ربا وهو رب كل شئ ولا تكسب كل نفس الا

بگو طلب کنم پروردگار است غير خدا او است پروردگار هر چيز و عمل نمی کنید بيش از آنچه
آيا غير خدا طلب پروردگاری و او است پروردگار هر چيز را و نمی کند عمل بيش از آنچه

عليها ولا تزر وازرة وزر اخرى ثم الى ربكم مرجعكم

بر ذات خود و بر ندارد و بيش بر ندارد بار ديگر را باز به پروردگار شمار رجوع شماست
بر خود هر که گناه می کند بر زنده او است و بر ندارد بيش بر ندارد بار ديگر را باز بسوی پروردگار شمار رجوع شماست

فمنبئكم بما كنتم فيه تختلفون وهو الذي جعلكم

پس خبر داور شد شمار را آنچه که در آن اختلاف می کردید و او آنست که ساخت شمار را
پس خبر داور شد شمار را آنچه که در آن اختلاف می کردید و او است که گردانید شمار را

خلف الارض ورفع بعضكم فوق بعض ليبولكم

پس باقی زمین و بلند کرد بعضی را بالای بعضی در جهان از شمار و درجات باین را بر دیگری تا بپاشد بر شما
پس باقی زمین و بلند کرد بعضی را بالای بعضی در جهان از شمار و درجات باین را بر دیگری تا بپاشد بر شما

في ما اترككم ان ربك سميع العقاب قد و انك لغفور رحيم

در آنچه که در آنجا است بشمار بر آئینه پروردگار تو شيب کننده عفو است و هر آينه او آمرزنده مهربان است
در آنچه که در آنجا است بشمار بر آئینه پروردگار تو شيب کننده عذاب کننده است و هر آينه او آمرزنده مهربان است

سورة الاحزاب

بسم الله الرحمن الرحيم

الحق انزل اليك فلا يكن في صدورهم حرج منه

این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او
این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او

الحق انزل اليك فلا يكن في صدورهم حرج منه

این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او
این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او

الحق انزل اليك فلا يكن في صدورهم حرج منه

این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او
این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او

الحق انزل اليك فلا يكن في صدورهم حرج منه

این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او
این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او

الحق انزل اليك فلا يكن في صدورهم حرج منه

این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او
این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او

الحق انزل اليك فلا يكن في صدورهم حرج منه

این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او
این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او

الحق انزل اليك فلا يكن في صدورهم حرج منه

این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او
این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او

الحق انزل اليك فلا يكن في صدورهم حرج منه

این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او
این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او

الحق انزل اليك فلا يكن في صدورهم حرج منه

این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او
این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او

الحق انزل اليك فلا يكن في صدورهم حرج منه

این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او
این کتاب نازل شد بر تو پس بايد که نباشد در سينه تو حرجی از مبلغ او

عنه ثم يتبين ما
كأن يفعلون
حيات افعال شنيعة
تنبه تنبيه شد و قاتل
عام سزای نيك بد
بأن توشح گردید که
پاداش نيكی کم از کم
ده چيزه اکثر الكسبي
برابر است نيكی هر که
يك نيكی کند آفاده برك
مثل آن قلوب می باید
فزون از آن حد و
انماز ندارد و الله
يف عني من يشاء
هر که نيكی يك بدی
شود بقدر سنان يك
يدی سزای آن قرار
داده شده فزون از
آن می شود تخفيف و
بخشایش در اختيار
او است جای که هست
بين وفوت باشد ظلم
امكان ندارد عدل
مفسران عموما گویند
مطلب آن و اما اول
المسلمين آنست که
حضرت پيغمبر صلی الله
عليه وسلم با اعتبار
امت محمدی اول المسلمين
می باشد اما چون ذات
فرشته ای بر وفق
حدیث جامع
ع ۱
تفسیر اول
است پيغمبر ان است
گفت نبيا و آدم بين
الروح والمجد و در
اول المسلمين بودند
پيغمبر صلی الله عليه
و آله است در بين جا
اوليت مالی مراد نموده
بلکه انعام ربی مراد باشد
يعني من در تمام کيتی به
صف مطيعان بودند
و بیشتر از همه پيام
شايسته تر جمیع مخلوق
سره که در مرتبه بجا

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يَبْعَثُونَ ٣ قَالَ

تفسير غماني

عنه انظرني الى يوم يبعثون

بشريت يا اسماهم

ما ندوي لو انك سرايا

مطبخ وهران برقص

او باشد آغا خود

خواه این سرکش را

گنجایش نیست بهر

حال شیطان ملعون

که بران مقام است

بنا بر کثرت عبادت

و غیره تاکنون فایز شد

بوده را خود خواهی

و مگر فردا آفته شد

تبتیه از شولیت

المیس در مرقع

تالمت در از تبتیه شد

که خداوند قدرت بیخ

یک از مطلقان حتی

المیس اسم چنان ریا

فریده که خاص اینام

هری مجبور و معطر

باشد بلکه به اعتبار

فطرت اصلی خبیث

تفسیر غماني

فتح الرحمن

والم یسئرون
والم یسئرون

نور علی

تفسیر عثمانی

مراد از فردا درون

آخرتیش را و غیره

توضیح تفسیر است

که فردا درون اکثر

در آنجا استعمال می

شود و چیزی از ۲

بالا یا پایین آوردن

شود اما در اینجا

چنانچه از آیه ۹

و تحت مکانی مراد می

باشد بل در باره کسی

که در مرتبه بلند باشد

اگر چیزی بریزد و است

خوابش بخشد تیرا می

که در اطلاق می شود

چنانکه در این آیه

که میانه و انزل نم

من الانعام ثمانية

از اوج یا در آنجا

لحمه فی باس شدید

عنه اخراج و تنوع

بسی سبب این معنی

شده یعنی سبب صافی

آدم و حوا از بهشت

و بر آوردن لباس

آنها و می شد اکنون

شمار آنها فرمای

خود و در مقابل عمر

آن با ششبار باشد

سه و شش که در اینجا

بینده ما در او دیده

نقوایم حلا و خطرناک

و در آن وقت

و شوار می باشد باید

بسیار مستعد بیدار

بود چاره این سخن

نامرئی آنست که

بایدانی پناه جویم که

اگر می بیند و می

اورا دیده می تواند

لذت که از اینها و

بویه رک الاله و

قَالَ رَبِّنا ظَلَمْنا اَنْفُسَنا ۝ وَاِنْ لَّمْ تَغْفِرْ لَنا وَتَرْحَمْنا لَنَكُونَنَّ

گفتند ای پروردگار ما ستم کردیم بر خویش و اگر نیامیزی ما را و مهربانی نه کنی بر ما البته از

گفتند ای پروردگار ما ستم کردیم بر نفس ما و خود و اگر نیامیزی ما را و مهربانی نه کنی بر ما البته از

مِنَ الْخاسِرِينَ ۝ قَالَ اهْبِطْوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي

زیاکاران با شما گفت خدا فرودید بعض شما بعض را دشمن خواهد بود و شما را در

الْاَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتاعٌ اِلَى حِينٍ ۝ قَالَ فِيمَا تَحْيَوْنَ وَفِي

زمین استقرار و بهره مندی باشد تا وقتی گفت در زمین زندگانی خواهید کرد و در آنجا

تَسْتَوُونَ وَمِمَّا تَخْرُجُونَ ۝ يٰبَنِي آدَمُ قَدْ اَنْزَلْنا عَلَيْكُمْ لِبَاسَ

خواهید مرد و از آنجا بیرون آورده شوید ای فرزندان آدم هر آینه ما فرود آوریم بر شما لباس

يُؤَارِي سَوايَكُمْ وَرِيشًا وَلِباسَ التَّقْوى ذٰلِكَ خَيْرٌ ذٰلِكَ

که پوشد شما را و فرود آوریم جام های زینت را و لباس پیریز گاری و آنرا بهتر است این از

آيَةُ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ يٰبَنِي آدَمُ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطٰنُ

آیه الهی خدا است تا ایشان پند پذیر شوند ای فرزندان آدم هر که از شما را شیطان چنانکه

اَخْرَجَ اَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَتَزَوَّجُ مِنْ هُنَّ لِبَاسًا لَّهُنَّ سَوايُهُنَّ

بیرون آورد پدر و مادر شما را از بهشت بر کشید از آنها جامه ایشان را و عده تا بنماید ایشان شرم گاه آن بار

اِنَّهٗ يَرٰكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ اِنَّا جَعَلْنا الشَّيْطٰنَ

هر آینه شیطان و قوم او می بیند شما را از آنجا که شما نمی بینید ایشان را هر آینه ما فرمودیم شیاطین را

اُولِيَّاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَاِذَا فَعَلُوا فَاحْشَةً قَالُوا وَجَدْنا

کار گذار که نیک ایمان ندارند و کار گذار آنان چون بکنند کار زشت گویند یا قیوم

عَلَيْهَا اِباءٌ نَّاءِلَهُ اَمْرًا هَلْ يَلْقٰنَ اِنَّ اللَّهَ لَا يَمُرُّ بِالْفَحْشَاءِ

برین کار پدران خود را و خدا فرموده است ما را آن بگو هر آینه خدا می فرماید بیکار زشت

اَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ قُلْ اَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَاَقِيمُوا

آیا می گویند بر خدا آنچه نمی دانید بگو هر آینه فرموده است پروردگار من بپسند و راست کنید

وَجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۝ هٰذَا

روی خود را و نزدیک هر نماز پرستید او را برائی او خالص کرده عبادت را چنانچه

بَدَاكُمْ تَعْبُدُونَ ۝ فَرِيقًا هَدٰى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلٰلَةُ ۝ اِنَّ

آفرید شما را هم چنان دیگر بار خواهد شد و گروهی را راه نمود و گروهی را ثابت شد بر ایشان که گمراهی بر ایشان

بِاَفْرِيقٍ مِّنْهُمْ لَمْ يَرْغَبْ فِي الْاٰمَةِ لَوْ كُنْهُمْ يَفْقَهُوْنَ كَلِمَاتٍ مِّنْ اَمْرِ رَبِّهِمْ اِنَّ

بسیار فیه از اینها را خواستند که گویند و گروهی را هدایت نمود و گروهی را ثابت شد بر ایشان که گمراهی بر ایشان

فتح الرحمن

وَلَا يَنْفَعُ نَفْسًا

كَمَقْتَدَرِهِ شَيْءٌ

يَأْتِي بِرُسُلِهِ

وَلَا يَنْفَعُ نَفْسًا

مِنْ شَيْءٍ تَابِعِينَ

عَذَابٍ لِّمَنْ تَعْلِفُ

رَاعِيًا فَخَانِ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ

بِغِيٍّ مِّمَّا لَمْ يَكُنْ

أَعْلَمُ

تفسير شتانی

عذاب از یک حساب

گناه گذشتهگان آنها

و وجه است که خود را

شمارند و آنچه را که

از راه و در خودند

یک حساب گناه آورده

گان و وجهی شود که

خود گناه شدند و

احوال پیشین را

دیده و شنیده عبرت

نظر کنند با چون و عذاب

دو در میان بروی

درجات شان و قدر

وقت می آفرید لهما

خداوند آفرید و

عذاب هر کدام

مغایبی

شود هنوز در آغاز

تقدیر مید و از انجام

آن خبر نماند یعنی از

چند شدن عذاب

گذشتهگان براس

آیندگان شایسته

راحق تعیب نمی شود

این بیان در آن مرتبه

است که مراد از (مثل

ضعف) برود و فرقی

می باشد اما این کفر

براست که در این آیه

خداوند آید کار را مطلع

فرموده یعنی بدون شک

ما عذاب بر کسی از شما

شمارا برود و حق در حق

آیند و چند گزیده

ایم چنانکه در آیه دیگر

است «الَّذِينَ كَفَرُوا

و سدوا عن سبیل الله

يُنَالِهِمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّى إِذَا جَاءَهُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَهُمْ

بِرُسُلِهِمْ بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

قَالُوا آيِنَّا مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا

بِأَنفُسِهِمْ

عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا الْغَافِلِينَ ۝ قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ

مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ

أُخْرَهَا لِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَإِذَا رَأَوْا تِلْكَ الْأُمَّةَ قَدْ خَلَتْ

مِنْ قَبْلِهِمْ لَمْ يَنْتَفِعُوا بِهَا فِي شَيْءٍ وَاللَّهُ يَجْعَلُ الْوَقْعَ لِمَنْ يَشَاءُ

وَاللَّهُ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

بَيِّنَاتٍ لِّمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

يَتَذَكَّرُ مِنْ غَيْرِ تَجَرُّى مِنْ تَحْتِهِمْ اَلْاَنَّهُمْ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى هَدٰنَا

وگویند سپاس آن خدا را است که هدایت کرد ما را و گویند سپاس بر خدا را است که و نمود ما را

هَذَا اَقْرَبُ وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِىْ لَوْلَا اَنْ هَدٰنَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ

این است نزدیکتر و ما را که نداشتیم راه یافتن نبودیم اگر راه نه نمودی ما را خدا هرگز آید فرستادگان

يُنَادِىْ اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ اَنْ يَدْخُلُوْا اِلَيْهَا قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ

پس ندا کند اهل بهشت که این بهشت است که در آن نشینید آنرا بسبب آنچه می کردید

يُنَادِىْ اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ اَصْحٰبَ النَّارِ اَنْ قَدْ جَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبَّنَا حَقًّا

پس ندا کند اهل بهشت اهل دوزخ را که ما راست می گفتیم آنچه وعده کرده بودیم پروردگار ما را راست

وَلَقَدْ جَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبَّنَا حَقًّا اَلْوَعْدُ الَّذِى كُنَّا نَعِدُكُمْ فَادْنُ مِنْهُمْ

و ما را که یافتیم آنچه وعده کرده بودیم پروردگار شما را راست می گفتیم و شما گفتید که پس آواز کند آواز کننده در میان ایشان

لَعَنَهُ اللّٰهُ عَلَى الظَّالِمِيْنَ ۝ الَّذِيْنَ يَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ

کفران خدا بر ستمکاران است که مازمی داشتند مردمان را از راه خدا

يَبْغُوْنَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كٰفِرُوْنَ ۝ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى

و خواستند برای آن بجای و ایشان یافت اعتقاد نداشتند در میان بهشت و دوزخ حجاب است و بر

اَعْرَافٍ رِّجَالٌ يَعْرِفُوْنَ كُلًّا سِيْمَهُمْ وَنَادَوْا اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ

بر اعراف مردمانی باشند که می شناسند هر یک را از اهل مواضع بقیای ایشان و ندا کنند اهل اعراف اهل بهشت را

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَمْ يَدْخُلُوْهَا وَهُمْ يَطْمَعُوْنَ ۝ وَاِذَا صُرِفَتْ

سلام بر شما میوزد بهشت نه در آمدند و ایشان طع آن دارند و چون گردانیده شود

صُرِفَتْ عَنْهُمْ تِلْقَآءُ اَصْحٰبِ النَّارِ قَالُوْا اَرَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ

گردانیده شد از ایشان بگرفتند اهل اعراف مردمان را که می شناسند ایشان را بقیای ایشان

الَّذِيْنَ كُنَّا نَعِدُهُمْ وَنَادَوْا اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ اَنْ يَدْخُلُوْا اِلَيْهَا قَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ

و ما را که وعده می نمودیم و ندا کنند اهل بهشت را که ما راست می گفتیم آنچه وعده کرده بودیم پروردگار ما را راست

وَلَقَدْ جَدْنَا مَا وَعَدْنَا رَبَّنَا حَقًّا اَلْوَعْدُ الَّذِى كُنَّا نَعِدُكُمْ فَادْنُ مِنْهُمْ

و ما را که یافتیم آنچه وعده کرده بودیم پروردگار شما را راست می گفتیم و شما گفتید که پس آواز کند آواز کننده در میان ایشان

لَعَنَهُ اللّٰهُ عَلَى الظَّالِمِيْنَ ۝ الَّذِيْنَ يَصُدُّوْنَ عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ

کفران خدا بر ستمکاران است که مازمی داشتند مردمان را از راه خدا

يَبْغُوْنَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كٰفِرُوْنَ ۝ وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى

و خواستند برای آن بجای و ایشان یافت اعتقاد نداشتند در میان بهشت و دوزخ حجاب است و بر

اَعْرَافٍ رِّجَالٌ يَعْرِفُوْنَ كُلًّا سِيْمَهُمْ وَنَادَوْا اَصْحٰبَ الْجَنَّةِ

فتح الرحمن
فل یقین آن کند که
در دل بهشتیان باشد
و در کیم مثل آنچه میان
عثمان و علی و طلحه و زبیر
و عائشہ رضی اللہ عنہم
واقع شد دانند
ای علم و حکمت
نیکو است که بهشت
این راه را باطل سازد
و آن سبب باقی
است و الله اعلم
و این فقر است
مسئله که کاروان از
ایشان حساب می
گرفتند و الله اعلم
تفسیر عثمانی
علا این سناده از سوره
خواهر بود از سوره
پرو و دگر یعنی
ای مرد و دگر چه
شمار آورد از
چگونگی خود بهشت
اهل بهشت جاودان
میروند بدو پیش آدم
را حاصل نموده و
حدیث است از پیغمبر
کس را عیش بهشت
داخل کرده نمی تواند
مطلب این است که
عمل سبب حقیقی دخول
جنت نیست و فقط
سبب ظاهری است
سبب حقیقی خاص
رحمت کامل الهیست
چنانچه از الفاظ
حدیث «الا ان
الله فی الدن برحمته»
این مطلب ظاهر شود
مترجم رحمة الله علیه
در تائید صحبت می
گفت سبب حقیقی دخول
بهشت رحمت خداست
و عمل مانند علامات
چنانچه قوت دلیل را
براه می اندازد و میرقی
باشد این در بیان از این است که اندک اندک بهشت در دسترس نیست
و این معنی چنانچه آمده است و این معانی را در این حدیث که در سوره اعراف مذکور شده و تفسیر بهین میسر است

فتح الرحمن

ولا فراموش کردن خدا ترک ایشان است و در روز و اندک علم و این معنی سلمان شوم و بت راند پرستم و این معنی کاتب جزا شب را بلیاس نهاده و شایسته در حساب نهاری گردانده و اندک علم و این معنی از پی در آمدن شبانه روز مشایه آنست که گویا کس که را دو دانست با هم طلب و تفسیر عثمان و در دوزخیان و اس فراموش را باخته مضطر باد پیش اهل جنت دست نیاز و از می کند و می خورد و می خیم اندکی آب بریزید یا از انعامی که خداوند بشمار از آن داشته دارد مستفید گردانید جواب داده میشود که این اشیاء بر کافران حرام گردانیده شد این همان کافران است که این اهل را با پیغمبر قرار داده و بر نعم دنیا مغرور شده بودند چنانکه آنها را زندان و در دنیا بی گناه از آخرت انداخته و بیکروزه بانیز امروز اوستی یا نهانی و بیم و چنانکه آنها آیات را انکار می کردند ماینور و حقشان را اجابت نمی گفتم و حال دعو و کتابی مانند آن کرد و آن طریقه و در پی تفصیل علی موجود است و هر چه را آگاهی و صراحت تمام بیان می کند چنانچه مومنان بخوبی از آن برخوردار می گردند تعجب است که این مسلمانان خود خواه طوری به عاقبت خویش نگردند اکنون پیشانی سودمند

عليكم ولا انتم تحزنون ٥ ونادى المحب للكارهين

بر شما و نه شما اند و بگفتن و ندا کنند بر شما و نه شما اند و بگفتن و ندا کنند

افيضوا علينا من الباء او يمارن قكم الله قالوا ان الله حرمها

بریزید بر ما چیزه از آب یا از سایر آنچه روزی داده است شمار خدا گویند هر آینه خدا حرام ساخته است بر ما

على الكافرين ٥ الذين اتخذوا دينهم لهما ولعبا و عرتهم الحيوة

بر کافران آنانکه دین خود گرفتند و بازی و لعبه و عرتهم حیوة

الدينا قال يوم نسفهم كما نسف اولينهم هذا وما كان له بالدين

دنیا پس امروز فراموش کنیم ایشان را چنانکه ایشان فراموش کردند ملاقات این روز خویش را و چنانکه انکاری کردند دنیا پس امروز فرو گذاریم ایشان را چنانچه ایشان فرو گذارند بدین این روزشان را و چنانکه آیات را

يجحدون ٥ ولقد جندهم بكتب فصلته على علم هدى و رحمة

بایات و فل و هر آینه آورده ایم بر آینه ایشان کتابی که مفصل کردیم آنرا به دانش برای رهنمایی و رحمت انکاری کردند علم و هر آینه آورده ایم بر آینه ایشان کتابی که مفصل کردیم آنرا به دانش برای رهنمایی و رحمت

لقوم يومئذ ٥ هل ينظرون الا تاويله ط يوم ياتي تاويله

مومنان را انتظار می کنند کفار مگر مصداق این وعده را روزیکه بیاید مصداق آن برای مومنان غلبه آید بنور منتظر اند که مصفون آن می بر شود روزیکه ظاهر شود مصفون (مصداق آن

يقول الذين نسوه من قبل قد جاءت رسل ربنا بالحق فهدوا

گویند کسانی که فراموش کرده بودند آنرا پیش ازین هر آینه آمده بودند پیغامبران پروردگار ما برستی پس آیا هستند و انتظار می برند کفار مگر مصداق این وعده را آید بنور منتظر اند که مصفون آن می بر شود روزیکه ظاهر شود مصفون (مصداق آن

لنا من شفعا فيشفعوا لنا او نرد فنعمل غير الذي كنا نعمل

برای ما شفیعان تا شفاعت کنند برای ما باز گرداننده شویم پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم هر آینه برای ما شفاعت کنندگان تا که شفاعت کنند برای ما باز گرداننده شویم پس عمل کنیم غیر آنچه می کردیم

خير و انفسهم و ضل عنهم ما كانوا يفترون ٥ ان ربكم الله

زیان کردند در حق خویشان و گم شد از ایشان آنچه افترا می کردند بر آینه پروردگار شما آن خداست تباه کردند نفس با خود و گم شد از ایشان آنچه افترا می کردند

الذي خلق السموت والارض في ستة ايام ثم استوى على

که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز باز مستقر شد بر

العرش يعنى الليل النهار يطلبه حثيثا والشمس والقمر والنجوم

عرش می پوشاند شب را و روزی که طلبش روز را بشتاب و آفرید آسمانها ماه ستارگان را

مسخرت يا مريم الا له الخلق والا مريد تبارك الله رب العالمين ٥

رام شده یا مریم الا له الخلق و الا مريد تبارك الله رب العالمين و فرموده ای بیکت بزرگ خداست که پروردگار همه جهان را

ادعوا ربكم تضرعا وخفية ط انه لا يحب المعتدين ٥ ولا تقصدوا

بر پرستید پروردگار خود را زاری نشان و پوشیده از مردان هر آینه او دوست ندارد از عذر گذراند و تقصد و بخواهند پروردگار خود را بزمی و آهسته آهسته (پوشیده) هر آینه او دوست ندارد از عذر گذراند و تقصد و بخواهند

ادعوا ربكم تضرعا وخفية ط انه لا يحب المعتدين ٥ ولا تقصدوا

بر پرستید پروردگار خود را زاری نشان و پوشیده از مردان هر آینه او دوست ندارد از عذر گذراند و تقصد و بخواهند پروردگار خود را بزمی و آهسته آهسته (پوشیده) هر آینه او دوست ندارد از عذر گذراند و تقصد و بخواهند

ادعوا ربكم تضرعا وخفية ط انه لا يحب المعتدين ٥ ولا تقصدوا

بر پرستید پروردگار خود را زاری نشان و پوشیده از مردان هر آینه او دوست ندارد از عذر گذراند و تقصد و بخواهند پروردگار خود را بزمی و آهسته آهسته (پوشیده) هر آینه او دوست ندارد از عذر گذراند و تقصد و بخواهند

فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ

در زمین بعد اصلاح آن و بجهت پرستید او را به ترس و امید بر آئیند بحث ایشان خدا

قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بَشِيرًا يَكْبِتُ

نزدیکی است از بیکاران و اوست آنکس می فرستد باد را باران مژده و سنده پیش از آمدن

رَحْمَتَهُ حَتَّىٰ إِذَا أَفْلَحَ سَمَاءُ بَارِقًا لَّسْقُنَهُ لُبِيبٌ مِّمَّاتٍ فَانزَلَ لَكُمُ

رحمت خود حتی تا وقت که تابانید برادر ابرگران را روان کین آنرا بسوی شهر مرده پس فرو آردم بواسطه آن از

الْمَاءِ فَاخْرَجْنَا بِهِ مِنَ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ يُخْرِجُ السَّيْلُ لَكُمْ

آب را پس بیرون آردم بآن آب از جنس هر میوه بم چشیدن بیرون آردم مردگان را و قیامت

تَنَزَّلُ الْمَوَاطِنُ ۝ وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتٌ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۝ وَالَّذِي

پند بر شود و شهر پاکیزه بر می آید بفرمان پروردگار او و زمین که

حَبَّتْ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ تُصْرَفُ الْأَيُّهُ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ ۝

نایاب بود بر می آید رستنی او مگر نایاب بر می آید هم چنین گو تا کون بیان می کنی نشانه باران را حتی که شکر گذاری کند

قَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ

پس فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا بجز معبود

غَيْرُهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ

مملو شد از دشمنان من ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ گفتند امثالان از قوم او

إِنَّا لَنَرُكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ قَالَ يَقَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ ۝

پس می بینیم تو را در گمراهی غیر گفت ای قوم من نیست بامن گمراهی و

لَكِنِّي رَسُولٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَبْلَغُكُمْ رَسُولًا مِّنْ رَبِّكُمْ

لیکن من پیغامبرم از جانب پروردگار عالمیان می رسانم بشما پیغام های پروردگار خود را و تصدیق می کنم

لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ أَوْحَيْتُمَا أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرُهُنَّ

برای شما می دانم از حکم خدا آنچه نمی دانید آیا تعجب کردید از آنکه آمد به شما پند از جانب

رَبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝

پروردگار شما فرمود آمد بر من و شما تا بگویم بشما و تا پند بگویم بشما و تا بترسید و تا بپندارید و تا بترسید

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ

پس رد کردند او را پس نجات دادیم او را و کسان را که با او بودند در کشتی و عرفتیم کسان را که

مَعَهُ فَنَفَخْنَا فِي السَّحَابِ وَمِنْ ثَمَرَاتِهِ عِزٌّ وَكَرَامٌ ۝

با او بودند پس باد زدیم در ابر و از ثمرات آن عزت و کرامت است و از ثمرات آن

مِنْ ثَمَرَاتِهِ عِزٌّ وَكَرَامٌ ۝

فتح الرحمن

والتعالي سببا

بعث رسول الله صلى

الله عليه وسلم ۱۲ قس

یعنی پیش از باران

مک یمن از قبور ریزد

کرم ۱۲ قس مترجم

گوید این مثل است

برای تاثیر بند در

مکاب سلیم و علم تاثیر

آن در غیر سلیم و الله

اعلم ۱۲ قس یعنی روز

قیامت ۱۲

تفسیر عثمانی

ع و الله آدم علیه

السلام در آغاز سوره

گذارش یافت پس

از وی نوح علیه السلام

بفرمود اولوا العزم و

ع مشهور است که

برای بدایت

کمال آن در زمین و

مقابل مشرکان میجو

مگوید اگر چه بعثت

ایشان باید باعتبار

شریعت خاص آنها

سوی قوم خودشان

باشد باز هم باعتبار

آن اصول اساسی

که در تعلیم تمام پیغمبر

مشرک است و حقان

گفت که تمام افراد بشر

نزل ۱۲ قس مترجم گوید این مثل است برای تاثیر بند در مکاب سلیم و علم تاثیر آن در غیر سلیم و الله اعلم ۱۲ قس یعنی روز قیامت ۱۲ تفسیر عثمانی ع و الله آدم علیه السلام گذارش یافت پس از وی نوح علیه السلام بفرمود اولوا العزم و ع مشهور است که برای بدایت کمال آن در زمین و مقابل مشرکان میجو مگوید اگر چه بعثت ایشان باید باعتبار شریعت خاص آنها سوی قوم خودشان باشد باز هم باعتبار آن اصول اساسی که در تعلیم تمام پیغمبر مشرک است و حقان گفت که تمام افراد بشر

نزل ۱۲ قس مترجم گوید این مثل است برای تاثیر بند در مکاب سلیم و علم تاثیر آن در غیر سلیم و الله اعلم ۱۲ قس یعنی روز قیامت ۱۲ تفسیر عثمانی ع و الله آدم علیه السلام گذارش یافت پس از وی نوح علیه السلام بفرمود اولوا العزم و ع مشهور است که برای بدایت کمال آن در زمین و مقابل مشرکان میجو مگوید اگر چه بعثت ایشان باید باعتبار شریعت خاص آنها سوی قوم خودشان باشد باز هم باعتبار آن اصول اساسی که در تعلیم تمام پیغمبر مشرک است و حقان گفت که تمام افراد بشر

فتح الرحمن

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

اس است ۱۲

تفسیر عثمانی

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

واینها بیار

عقوبت ۱۲

گَدَّ جَوَابِیْنَا اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِیْنٌ ۝ وَاِلٰی عَادٍ اَخَاهُمْ هُوْدٌ ۝

دروغ داشتند آیات مارا بر آینه ایشان بودند مردی نایب و فرستادیم بسوی قوم عاد برادر ایشان بود

بنزدیکی کردند آیات مارا بر آینه ایشان بودند مردی نایب و فرستادیم بسوی قوم عاد برادر ایشان بود

قَالَ یَقُوْمُ اَعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهِ غَیْرِهِ ۝ اَفَلَا تَتَّقُوْنَ ۝

گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود غیر او

گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود غیر او

اَللّٰهُ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا مِنْ قَوْمِہٖ اِنَّا لَنَرٰکُمْ فِیْ سَفَاہَةٍ وَّاِنَّا لَنُنْظَرُ ۝

اشرفان کفار از قوم او بر آینه نامی بیستم ترا در بی خردی و هر آینه نامی پندارم ترا

سرداران کفار از قوم او بر آینه نامی بیستم ترا در بی خردی و هر آینه نامی پندارم ترا

مِنْ اَلْکٰذِبِیْنَ ۝ قَالَ یَقُوْمُ لَیْسَ بِنِیْ سَفَاہَةٍ وَّلٰیْکِیْ رَسُوْلٌ ۝

از دروغ گویان گفت ای قوم من نیست با من هیچ بے خردی و لیکن من پیغام برم از

از دروغ گویان گفت ای قوم من نیست مرا هیچ بے خردی و لیکن من پیغام برم از

رَّبِّ الْعٰلَمِیْنَ ۝ اُبَلِّغُکُمْ رِسٰلَتِ رَبِّیْ وَاَنَا لَکُمْ نَاصِحٌ اٰمِیْنٌ ۝

جانب پروردگار عالمیا می رسانم بشما پیغام های پروردگار خود من برای شما نیک خواهم

جانب پروردگار عالمیا می رسانم بشما پیغام های پروردگار خود من برای شما نیک خواهم

اَوْ عَجَبْتُمْ اَنْ جَاءَکُمْ ذِکْرٌ مِنْ رَبِّکُمْ عَلٰی رَجُلٍ مِّنْکُمْ لَیْسَ ذِکْرٌ ۝

آیا تعجب کردید از آنکه بشما پیغامی از جانب پروردگار شما فرود آید بر مردی از شما تا یمن کند شمارا و

آیا تعجب کردید از آنکه بشما پیغامی از جانب پروردگار شما فرود آید بر مردی از شما تا یمن کند شمارا و

اَذْکُرُوْا اِذْ جَعَلْکُمْ خُلَفَآءَ مِنْۢ بَعْدِ قَوْمِ نُوْحٍ وَّزَادْکُمْ فِی الْخَلْقِ ۝

یاد کنید نعمت الهی آن وقت که گردانید شمارا جانشین بعد از قوم نوح و افزود برای شما در خلقت

یاد کنید چون گردانید شمارا جانشین بعد از قوم نوح و افزود برای شما در خلقت

بَصۜطَةٍ ۝ فَادْکُرُوْا اَلَّذِیْنَ لَعَلَّکُمْ تَفْلَحُوْنَ ۝ قَالُوْا اَجْمَعْتُمْ لِنَعْبَادِ

قوت را پس یاد کنید نعمت الهی خدا را تا شمارا ستودید گفتند آیا آمده پیش ما تا عبادت کنیم

کشدگی (قوت و طول) پس یاد کنید احسان های خدا را تا شمارا ستودید گفتند آیا آمده پیش ما تا عبادت کنیم

اللّٰهِ وَحَدَّهٗ وَنَدَرَمَا کَانَ یَعْبُدُ اٰبَاؤُنَا ۝ فَاتَّبَاعُوا مَا تَعْبُدْنَ اِنْ کُنْتُمْ

خدا را ستودید و بجز از آنکه می پرستیدند پدران ما پس بیار پیش ما آنچه و عید می کنی ولی اگر هستی

خدا را ستودید و بجز از آنکه می پرستیدند پدران ما پس بیار پیش ما آنچه و عید می کنی ولی اگر هستی

مِنْ الصّٰدِقِیْنَ ۝ قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَیْکُمْ مِّنْ رَّبِّکُمْ رِجْسٌ مِّنْ عَصِی

از راست گویان گفت ثابت شد بر شما از جانب پروردگار شما عقوبت و خشم

از راست گویان گفت بدستگیر ثابت شد بر شما از جانب پروردگار شما عقوبت و خشم

اِتِّجَادِ لَوْ نَبِیْ فِیْ اَسْمَآءٍ سَمَّیْتُمْہَا اَنْتُمْ وَاٰبَاؤُکُمْ ۝ فَانْزَلَ اللّٰهُ

آیا می گزیدید نامی که می نامیدید شما و پدران شما مقرر کرده اند و فرستادیم او را

آیا می گزیدید نامی که می نامیدید شما و پدران شما مقرر کرده اند و فرستادیم او را

مِنْ سُلٰطٰنٍ ۝ فَاتَّقِظُوْا اِلَیَّ مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْظَرِیْنَ ۝ فَانْجِیْہُمْ

بنده دلیل پس انتظار کنید بر آینه من نیز بر شما از منتظرانم

بنده دلیل پس انتظار کنید بر آینه من نیز بر شما از منتظرانم

وَالَّذِیْنَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِیْنَ کَذَبُوْا ۝

و کسانی را که با او بودند مهربانی از جانب خویش و بریدیم تیغ آنان را

و کسانی را که با او بودند مهربانی از جانب خویش و بریدیم تیغ آنان را

و کسانی را که با او بودند مهربانی از جانب خویش و بریدیم تیغ آنان را

۹
ع
۱۶
احسان و
مکر و شکر

در زمین خداوند
میکنید عباد
منکر و معاند به سلمان
به نواضع است
می گفتند چنانکه است
که مانند مار حال بود
و دانش منزه از
نداشت با شکر
بشما معلوم شد که
صالح فرستاده خدا
مسلمانان جواب داد
بنی اسرائیل پذیرفت
و بران ایمان آوردند
و منکرین ازین خواب
حکایت نقل شدند
و گفتند چیزیه که شما
پذیرفتید ای اسرائیلی
پذیریم و اگر مانند شما
چند نفر ایشان و
درمانده ایمان آورد
از ان چه کامیالی بزرگ
حاصل میشود
چند آن آمده شتر
چندان قوی میل و
بزرگ بود که به کام
چریدن سایر چارپایان
از وی دم می کرد و می
گریختند در روز یک
لوت آن می بود تمام
آب چاه را می نوشید
و آنرا چاهی می کرد گویا
چنانکه خلقت دی غیر
معمولی بود و از آن
آثار حیات و انبیا
او نیز بطور خاص قیام
آفریده شده بود
انجام مردم بخشش
و بقی آن اتفاق گرفته
تقداری شقی یا بیامی
اورا قطع کرد و پس
از ان بقتل خود حضرت
صالح علیه السلام

يَا أَيُّهَا مَآكَانُ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَالْيَوْمَ نَكُونُ مَعَهُمْ صَالِحًا مَقَالُ يَقُومُ

آیات ادا و نه بودند از مؤمنان و فرستادیم بسوی قوم خود برادر ایشان صالح را گفت ای قوم من

عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود غیر او

عبادت کنید خدا را نیست شمارا هیچ معبود غیر او

هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ قَدْ رَوَّهَا تَاكُلُ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا

این ماده شتر نیست پیدا کرده خدا نشانه برای شما پس بگذاریدش که چرد در زمین خدا و نرسد ادا

سَوْءٌ فَيَأْخُذْكُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَادْكُرُوا اللَّهَ خَلْقَكُمْ مِنْ

بسیار سختی که آگاه بگرد شمارا عقوبت درد دهنده و یاد کنید نعمت الهی آن وقت که گردانید شمارا جانشین

بَعْدَ عَادٍ وَبَنِي إِدْرِيسَ ۝ وَادْكُرُوا اللَّهَ خَلْقَكُمْ مِنْ

بعد از قوم عاد و استوار داد شمارا در زمین می سازید از نرم آن کوهستانها

تَجْتَوْنَ الْجِبَالَ بِيُوتَاجَ فَادْكُرُوا اللَّهَ وَلَا تَعْتَوْنَ فِي الْأَرْضِ

تراشیده خانههای سازید کوه بار پس یاد کنید نعمت الهی که خداوند تبارک و تعالی در زمین

مُفْسِدِينَ ۝ قَالَ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ مِنْ قَوْمِهِ لَئِنْ سَأَلْتُمْ

مفسدان گفتند آن اشخاص که سرکش کرده بودند از قوم او آنرا که هر کسی ضعیف داشت ایشان را

لَيْسَ مِنْهُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ مِنْ رَبِّهِ ۝ قَالَ إِنَّا لَنَرَاهُ

مرکسان را که ایمان آورده بودند از ایشان میبایست که صلیب فرستاده شده است از جانب پروردگار و گفتند ای یاران هرگز نبینید

أَرْسِلَ بِهِ مَوْمُونٌ ۝ قَالَ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ إِنَّا بِالَّذِي آمَنُمْ بِهِ

فرستاده شده است چون شریعت معتقد ایم گفتند سرکشان هرگز آیند ما باین معتقدان شدید

كُفْرُونَ ۝ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ وَعَتَوْنَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يُصْلِحُ أَعْتَنَا

کافر ایم پس کشتند آن ماده شتر را و تجاوز کردند از فرمان پروردگار خویش و گفتند ای صلیب بیا را

بِمَا تَعْدِلَانَا كُنْتُمْ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ فَآخَذَتْهُمْ رَجْفَةٌ فَاصْبَحُوا

بیکباره عید می آید اگر می آید از پیشان بران پس در گرفت ایشان را زلزله پس میشتند

فِي دَارِهِمْ جَثِيينَ ۝ فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمُ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ

مرده بزارو افتاده در سرای خویش پس صلیب اعراض کرد از ایشان و گفت ای قوم من رسانیدم بشما

رِسَالَةً رَبَّنِي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ ۝ وَطُورًا

پیغام پروردگار من و نصیحت کردم برای شما و لیکن دوست نمی دارید بیک خوی گفتن من و فرستادیم لوط را

پیغام پروردگار خود را و نصیحت کردم شمارا و لیکن دوست نمی دارید بیک گفتن شما و فرستادیم لوط را

فرستاده شدند درین طریق احکام خدا را که از حق به صالح و نافر بود و قتل میکنند

فتح الرحمن

فلینس و اجبان بود که همه متفق میشدند بر ایان و چون متفق نشدند نظر فیصل کرده باشند و الله اعلم بقرین عثمانی

ع و طعیر و سلام

برادر زاده ابراهیم

علیه السلام بود با علم

از علایق بخت کرده بود

شام آمدند و انداختند

جانب سدوم و قری

اطراف آن مبعوث

که قمار و آبخارا

اصلاح کنند از امور

ناپاک و تنگی مخالف

فطرت و بی حیائی

که بتلا بکند موجود

آن بودند یاز

داند پیش از

این باور جهان کی

این مرض مسلک را

فی شناخت می گویند

نخست این فعل محون

را شیطان باحوالی

سدم آسخت و از

آفتاب مقامات و گزشت

که حضرت طوط علیه السلام

مردم را به خواب این

فصل شریف ناپاک متنبه

نمود و خواست این تمام

را از مغرور گیتی تا بود

تا به بر جبارت تنگی

جامین انجیل موجوده

باید گریست که نسبت

به چنین پیغمبر معصوم که

برای تطهیر دنیا اند

این عمل بخش تنگی

مبعوث شده بود و این

اعلان ناپاک را شوب

گردانده از شنیدن

آن کسی که حیا دارد

مور به نش راست

می شود که برکت کلمه

تخریب من افروهم

بقیون الا کلامه

اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة فاسبقکم بها من احد من

آن وقت که گفت ب قوم خود آیا می کنید آن به حیاتی که پیش از شما نموده است آنرا هیچ کس

آن وقت که گفت ب قوم خود آیا می کنید آن زشت را (یعنی لواط) که پیش از شما نموده آنرا هیچ کس

العلیین ۵ انکم لتاتون الرجال شهوة من دون النساء بل انکم

عالمها هر آینه شما میروید بطیوت بسوی مردمان بجز زنان بلکه شما

عالمیان ع هر آینه می روید بسوی مردمان بطیوت بجز زنان بلکه شما

قوم مسرفون ۹ وما کان جواب قومہ الا ان قالوا اخرجوهم من

کرده مسرفانند و نبود جواب قوم او الا آنکه گفتند بیرون کنید ایشان را از

کرده مسرفانند و نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند بیرون کنید ایشان را از

قریتکم انهم اناس یطمثون ۱۰ فانجینا واهله الا امراتہ

و به خود که هر آینه ایشان مردم پاکیزگی طلب کننده اند پس بجات دادیم او را و اهل خانه او را مگر زنی را

و به خود که هر آینه ایشان مردی اند که پاکیزگی می طلبند پس بجات دادیم او را و کسان او را مگر زنی را

کانت من الغیرین ۱۱ وامطرنا علیهم مطرا فافطر کیف کان

که بود از باقی ماندگان در اینجا و بارانیدم بر ایشان بارانی یعنی از سنگ پس بجز چگونه بود آخر کار

که بود از باقی ماندگان در اینجا و بارانیدم بر ایشان بارانی یعنی از سنگ پس بجز چگونه بود آخر کار

المجرین ۱۲ والی مدین اخاهم شعیب قال یقوم عبد الله

کنایه از آن و فرستادیم بسوی قوم مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم من هر چه ستمند خدا را نیست

کنایه از آن و فرستادیم بسوی قوم مدین برادر ایشان شعیب را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست

لکم من الله غیره ط قد جاءکم بدین من ربکم فاقولوا للکیل

شمارا هیچ معبود جز او هر آینه آمده است بشما و بپس از پروردگار شما پس کنید پیمان و

شمارا هیچ معبود جز او هر آینه آمده است بشما و بپس از پروردگار شما پس تمام کنید پیمان و

البیزان ولا تبخسوا الناس شیء هم ولا تفسدوا فی الارض

تراز و را و ناقص مدهید مردمان استیای ایشان را و فساد نکنید در زمین

وزن (تراز) را و ناقص مدهید مردمان استیای ایشان را و فساد نکنید در زمین

اصلا حملاذ لکم خیر لکم ان کنتم مومنین ۱۳ ولا تقعدوا

اصلاح آن این کار که کفایت بهترین است شمارا اگر باور داند که کند و متنبه

اصلاح آن این کار که بهترین است شمارا اگر بپسندید مردمان و متنبه

صراط یعودون و تصدق عن سبیل الله من من یبتغونها

راه که بپسندید و باز دارید از راه خدا که را ایمان آورده با و می بخواهد برای آن

راه که بپسندید و باز دارید از راه خدا که را ایمان آورده با و می بخواهد برای آن

عوجا واذکروا الذنکم قلیلا فکثرکم وانظر و کیف کان عاقبة

بجی و یاد کنید آن وقت که شما اندک بودید پس بسیار گردانید شمارا و بجز چگونه شد آخر کار

عیب (بجی) و یاد کنید آن وقت که شما اندک بودید پس بسیار گردانید شمارا و بجز چگونه شد آخر کار

المفسدین ۱۴ وان کان طایفة منکم اتوا بالذی ارسلت به و طایفة

مفسدان و اگر جماعتی از شما بودند که با آنچه فرستاده شدم همراه اند و گروهی

مفسدان و اگر جماعتی از شما بودند که با آنچه فرستاده شدم همراه اند و گروهی

لم یؤمنوا فاصبر و احسب انکم لکنتم من الذین انزلنا و هو خیر الحکیمین ۱۵

نامومن پس صبر کنید تا آنکه فعل کند خدا از میان شما و او بهترین حکم کننده گان است و

که ایمانی نیافریده اند پس صبر کنید تا آنکه فعل کند خدا از میان شما و او بهترین حکم کننده گان است

ع و شانتها گرفتار یک گناه نمی باشد بلکه از کتاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شما از معدود انسانیت مجاز کرده اید

ع و شانتها گرفتار یک گناه نمی باشد بلکه از کتاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شما از معدود انسانیت مجاز کرده اید

ع و شانتها گرفتار یک گناه نمی باشد بلکه از کتاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شما از معدود انسانیت مجاز کرده اید

ع و شانتها گرفتار یک گناه نمی باشد بلکه از کتاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شما از معدود انسانیت مجاز کرده اید

ع و شانتها گرفتار یک گناه نمی باشد بلکه از کتاب این فعل مخالف فطرت و دلیل است بر این که شما از معدود انسانیت مجاز کرده اید

دل بین عادت
از زمانه است که
کتابه سجد و

گفت راحت می باشد
از باب مواخذه بر
اعمال زود و الله اعلم
تفسیر عثمانی
ع سنی "عود" از

چیز است بر آمدن و باز
بازگشت است اطلاق
آن حقیقه بر احباب
حضرت شعیب علیه
السلام صادق شده

می تواند زیرا از کفر باز
گشته داخل اسلام
شده بودند در باب
خود حضرت شعیب

علیه السلام قطعا نشود
نمی توان کرد که او را
در ادل (معاذ الله)
در بین کفار داخل بودند

بعد از مسلمان شدنند
ناچار باید اعتبار
آن را این خطاب
تقریباً خواهد بود
مع یعنی کما شکر در

حق مؤمنین می
استعمال شده
فوق اکثریت غایب را
منع نموده برای
حضرت شعیب کلام

جدا گانه خصوص در
نشود این کار و حق
دی مطابق نمی گفد
ا گفتند زیرا پیش
از وقت تازه میکرد

حضرت شعیب علیه
السلام در وقت
تنبیخ را ستر و پاک
بود این مدین خاموشی
شعیب علیه السلام

راه باب کفریات
خود حس کرده شاید
نگاه کرده باشند که
شعیب علیه السلام
تیر میخواست اوده بزنند

راضی است دیه خود
بخاز ابلخ مطلق
میرود و چونانکه
مفسرین گفته اند
علی اگر چه با ارتش
و شقی و طعن دوم
پس ازین کفریات
مهر کرد

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ

گفتند آن اشرفان که سرکش کرده بودند از قوم او

خَرَجْنَاكَ يَشْعِيبَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْلَىٰ لِلْعُودِ فِي

خروج کن از این سرزمین و کسانی که ایمان آوردند از دیه خود یا نیست که باز گردید در

لَتَبْلُغَ أُولُو كُنَاكَ رَهِيْنٌ ۚ قَدْ أَفْتَرْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِن كُنَّا

گفت آیاهود کنیم اگر چه ما نخواهیم باشیم هر آینه بر بسته باشیم بر خدا دروغ اگر باز گردیم

نَبْلُغَ بَعْدَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ مِنْهُمَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهِمَا إِلَّا أَنْ

بیاوریم بعد از آنکه بر ما نیند خدا ما را از دین و هرگز لایق نیست باز از خود کنیم در آن مگر آنکه

يَأْتِيَ اللَّهُ بِرَبِّكَ وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا سِرُّنَا

به خدا پروردگار ما احاطه کرده است پروردگار ما به هر چیز از روی علم بر خدا توکل کردیم اسی پروردگار ما

نَحْمَدُكَ يَا بَيْنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ۚ وَقَالَ لَمَلَأُ

ما را ستودیم ای خداوند ما را در میان قوم ما بر راستی و تو بهترین فیصل کننده گانی و گفت آن اشرفان

لَا يَنْفِرُ الْكَافِرُونَ مِنْ قَوْمِهِ لِيَنْتَبِعُوا شُعَيْبًا أَنَا وَالْكَاثِرُونَ ۚ

نمی روند از قوم او (بهمان خود) اگر متابعت کنید شعیب را هر آینه شما آن وقت زیان کار باشید

خَذَلْتُمْ أَوَّلَ الْجَعْفَرِ أَصْحَابُوا فِي دَارِهِمْ جَمْعِينَ ۚ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا

در گرفت ایشان را زلزله پس هیچ گروهی در سرای خویش مرده بر زانو افتاده آنانکه دروغ داشته شعیب را

لَا يَخَافُ الْكَافِرُونَ ۚ الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا أَنَا وَالْكَاثِرُونَ ۚ

نمی خوفند ای کافران و کسانیکه کذب کردند شعیب را ایشان بودند زیان کار پس باز گشت

وَقَالَ يَقَوْمُ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رَسُولِي وَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ

ایشان و گفت ای قوم من رسانیدم به شما پیغامهای پروردگار خود نیک خوانی کردم برای شما پس چگونه

نَهَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ ۚ وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا

تو را بر قوم کافران و نه فرستادیم در هیچ دیهت پیغامبری را مگر آنکه گرفتار کردیم

أَهْلَهَا بِالسَّيْءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ ۚ ثُمَّ بَدَلْنَا فُكَّانَ

آنها را بدی و بدی تا بود که ایشان زاری کنند باز دادیم بایشان بجای

بَدَلْنَا الْحَسَنَةَ حَسَنَةً ۚ عَفَاؤًا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ

راحت را تا آنکه بسیار شدند و گفتند هر آینه رسیده بود پدران ما سختی و راحت

وَقَالَ لَمَلَأُ

گفت آن اشرفان که سرکش کرده بودند از قوم او

خَرَجْنَاكَ يَشْعِيبَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْلَىٰ لِلْعُودِ فِي

ول یفقه التفسیر
الایمان والاعمال
تفسیر عثمان
عنه زمان بیست و نه
چون موم عیال کفر
مقدار شری آید و ندهد
از طرف خدای تعالی
بطور تنبیه ارض و قهوه
تکالیف و مصائب و گناه
ناگوار و سزاوار و تائید
تا زیاده بختی خود و از
شرکت دست کشند
و بطور بارگاه الهی
شروع و تکیه بر تفسیر
متناهی شوند حضرت
آل شهادت و مصائب
را دور کرده بر آنهارا
فراخی و عیش و
خوشی و غوغا و نال
می فرایند که از
احسان متاثر شده
بفرشته و محقرت
رویت متوجه شوند
یاورق و حبش و شرف
عزت و بختی فاضل
و دست خود را بپوشند
که محبت اولاد دولت
و کرامتی باشد و شرف
کنند چنانچه بر شرف
و غفلت آنهای از یاد
حق مصائب گذشتند
را فراموش نموده و
گویند سلسله رنج و
راحت تقدیم ایام
بهین سوال برسان
در شرف کفر و تکبر و
و غی و اندوه و رنج و
از دست نصیب ما
و از بین بردن امانت
زانه است که اسلاف
ما هم دچار آن می شدند
از دست کاییک سرکش و
غفلت آنهای به این حد
می رسد تا ناهلان خدا
خدا آنها را می گیرد
و می بیند آنجا که در
عیش و نشاط می گذرانند

فاخذنهم بغتة وهم لا يشعرون ۲ ولوان اهل القرى امن
پس گرفتار ایشان را ناگهان و ایشان خبر نداشتند
پس گرفتار ایشان را ناگهان و ایشان خبر نداشتند
واستقوا الفتح جاءهم من السماء والارض ولكن كذبوا
و استقوا الفتح جاءهم من السماء والارض ولكن كذبوا
و استقوا الفتح جاءهم من السماء والارض ولكن كذبوا
فاخذنهم عما كانوا يكسبون ۳ افا من اهل القرى ان ياتيه
پس گرفتار ایشان را بآنچه می گزیدند
پس گرفتار ایشان را بآنچه می گزیدند
باستابيات وهم لا يشعرون ۴ اوا من اهل القرى ان ياتيه
عذاب ما يأتهم انما هم يشعرون و ایشان خفته باشند
عذاب ما يأتهم انما هم يشعرون و ایشان خفته باشند
عذاب ما يأتهم انما هم يشعرون و ایشان خفته باشند
صلى وهم لا يشعرون ۵ افا من اهل القرى ان ياتيه
وقت چاشت و ایشان باری می کنند آیا این شدند از مکر خدا
وقت چاشت و ایشان باری می کنند آیا این شدند از مکر خدا
وقت چاشت و ایشان باری می کنند آیا این شدند از مکر خدا
الخيرون ۶ اولم تكذبوا الذين يترعون الارض من بعد اهلها
زبان کاران آیا داغ داشت بر آنکه و ادب زمین می شوند
زبان کاران آیا داغ داشت بر آنکه و ادب زمین می شوند
لو نشاء اصبناهم بدنهم ونطبع على قلوبهم فهم لا يشعرون
اگر خواست می نمودیم بر تنهای ایشان را و بر روی قلوب
اگر خواست می نمودیم بر تنهای ایشان را و بر روی قلوب
القرى نقص عليك من انبياءهم ولقد جاءهم رسالهم بالبينات
دیه را از کرمی بپیش تو بعضی اخبار آن و هر آنکه آمده بودند
دیه را از کرمی بپیش تو بعضی اخبار آن و هر آنکه آمده بودند
فما كانوا ليؤمنوا بما كذبوا من قبل ذلك يطبع الله على قلوبهم
پس هرگز ایمان نیادوند با آنچه می گفتند و بر روی قلوب
پس هرگز ایمان نیادوند با آنچه می گفتند و بر روی قلوب
الكافرين ۷ وما وجدنا الا اكثرهم من عبادة وان وجدنا
کافران و نه یافتیم در اکثر ایشان و قاطبه
کافران و نه یافتیم در اکثر ایشان و قاطبه
لفسيقين ۸ ثم بعثنا من بعدهم موسى بايتنا الى فرعون
پس بفرستادیم بعد از ایشان موسی را به نشانی بسوی فرعون
پس بفرستادیم بعد از ایشان موسی را به نشانی بسوی فرعون
فظلموا بهما فانظر كيف كان عاقبة المفسدين ۹ وقال
پس کافرانند آن که آنها را پس بفرستادیم بعد از ایشان
پس کافرانند آن که آنها را پس بفرستادیم بعد از ایشان
يقرعون انا رسول من رب العالمين ۱۰ حقيق على ان لا
ای فرعون بر آید من پیغام برم از جانب پروردگار عالمیان
ای فرعون بر آید من پیغام برم از جانب پروردگار عالمیان
استوارم (سزاوارم) به آنکه شکویم

فلان یمنی دست است
 وپایه چپ و الله اعلم
 تفسیر عثمانی
 عه از درگاه پروردگار
 مانده بر تن آیتش
 در نظر و جرم قریب افتد
 ایم در خواست کی
 که مادر بر خاوات
 و سختی هست تو میر
 جس عطا کند و نام
 مرگ بر اسلام مستقیم
 دارو تا میاد اعظم
 و متزلزل نه کاری
 کیم که خلاف تسلیم
 رضای او باشد
 عه چون از
 مشاهدات
 حق سحرین بگوید
 افتاده بنی اسرائیل
 بهرامی مری علیه
 السلام پافشاری
 کردند بلکه بعضی قبیله
 یم بفران اوسیلان
 نمودند سرداران خود
 شوش و مضطرب
 شدند و فرعون را
 بدینگونه این کلمات
 تشدد آید کردند
 موسی و قوم او بنی اسرائیل
 را مقررند که آزاد
 در ملک فتنه و فساد
 بر پا کنند و عوم مردم
 را بخود مایل گردانند
 بر علیه حکومت علم
 بغاوت برافرازند
 و در آینده پرستش
 تو موجود نیز اگر تو
 تجزیه کرد و مشغول
 قرار دهنده
 فرعون خود را
 رب اعلی
 یعنی پروردگار اعلی
 میخواند از کلام اعلی
 ظاهر است که برای
 قوت علویت خود
 بعضی پروردگاران
 ادنی تمیز کرده بود چنانکه کلام البیتک هوید است بعضی گفته اند این معبودان ادنا بحسب بای و غیره بود و بعضی مراد از ان آفتاب و ستارگان را می دانند

سَرَّ مُوسَى وَهَارُونَ ۱۴ قَالَ فِرْعَوْنُ اَمَنْتُمْ بِرَبِّ قَبْلَ اَنْ اُذِنَ لَكُمْ
 خداست سر موسی و هارون ۱۴ گفت فرعون ایمان آوردید بخدا پیش از آنکه دستور دهم شما
 ان هَذَا لَكُمْ مَكْرُتٌ مَوْهَةٌ فِي الْمَدِينَةِ لَتَخْرِجُوا مِنْهَا اَهْلَهَا فَسَوْفَ
 این برای شما این تدبیر است که اندیشیده ام در این شهر تا بیرون کنید از آن ساکنان آنرا پس زود
 تَعْلَمُونَ ۱۵ لَا قِطْعَنَ اَيْدِيكُمْ وَاجْلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَاصِلُهُ
 خواهید دانست ۱۵ البته بر سر دست های شما و پائین پای شما اختلاف یکدیگر است باز برادر کنم شما را
 اَجْمَعِينَ ۱۶ قَالُوا اِنَّا اِلَى رَبِّنَا مُتَعَلِّبُونَ ۱۷ وَمَا تَنْقُضُ مِيثَاقَ الْاَدَمِ
 همه را یکجا ۱۶ گفتند هر آینه ما بسوی پروردگار خود رجوع کننده ایم و انکار نمی کنی بر ما آنکه
 اَمَّا يَأْتِ رَبُّنَا لَسَاجِدًا تَنَازَعًا فَرَّغَ عَلَيْنَا صِدْقًا وَتَوْفَقًا مَسْلُومًا
 ایمان آوردیم به رزقش نهاده پروردگار خود را می یابیم عاقلانه پروردگار ما برین امر شکی نیست و توفیق و انوار الهی را که بر ما نازل
 وَقَالَ التَّمْلَا مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اتَذَرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيَفْسِدُوا فِي
 و گفتند استغفار از قوم فرعون آیا می گذاری موسی و قوم او را تا فساد کنند در
 الْاَرْضِ وَيَذَرُكَ وَآلِهَتَكَ ط قَالَ سَتَقْبِلُ اَبْنَاءَهُمْ وَنِسَاءَهُمْ
 زمین و تا بگذارد عبادت ترا و معبودان ترا گفت عاقلانه کست پسران بنی اسرائیل را و زنهای آنها
 نِسَاءَهُمْ وَاَنَا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ ۱۸ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا
 دختران ایشان را و ما بر ایشان غالب ایم ۱۸ گفت موسی بگویم خود مدد طلبید
 بِاللّٰهِ وَاصْبِرْ وَاِنَّ الْاَرْضَ لِلّٰهِ يُورِثُهَا مَنْ يَّشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ
 از خدا و صبر کنید هر آینه زمین خداست و ارث او می کند هر کرا خواهد از بندگان خویش
 الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۱۹ قَالُوا اَوْذَيْنَا مِنْ قَبْلُ اِنْ تَأْتِينَا وَمِنْ بَعْدِ
 آخر کار برای پرستش کاران است گفتند ای داده دشمن شما بیای نزدیک ما و بعد از آنکه
 جَعَلْنَا طَالَ عَسَى رَبُّكُمْ اَنْ يَهْلِكَ عِدُّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْاَرْضِ
 آدمی نزدیک ما گفت امید است که پروردگار شما را هلاک کند دشمن شما را و خلیفه گرداند شما را در زمین
 فَيَنْظُرُ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۲۰ وَلَقَدْ اخَذْنَا اِلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقَضَ
 پس بنگرد چگونه عمل می کنید و بر آینه گرفتار کردیم کسان فرعون را بقطعا و به نقصان
 مِنَ الشَّمْرِ لَعَلَّهُمْ يَنْزِرُونَ ۲۱ فَازْجَلَّاهُمْ الْحَسَنَةَ قَالُوا
 از میوه با شاد که ایشان پند پذیرند پس چون آمدی ایشان فرا می گفتند این
 از میوه با شاد ایشان پند گیرند پس چون آمدی ایشان فرا می گفتند این

چون بنی اسرائیل از
برون پریشانی بطنین
شدند از موسی و هرون
نمودند که اکنون برای
بازگشت به آسمانی بیار
تا با طوفان خاطر به
آن عمل کنیم موسی
عرض شان را به بار
الهی تقدیم کرد خدای
تعالی بادی و عذرت
که اقامتی روز و اکثرا
چهل روز مسلسل
بروزه بگذارد و در
طرح مستغفرت و تورات
بجوشد ای شود از دست
کرد و بدست رکعت
بیش باشد این
مطلب بود که اگر
در اثنای ریاضت
باعتقاد انجام
دادن وظائف
عبودیت و آداب
تقرب بفرموده تغییر
از روی مستغفرت
اقل یعنی سی روز گفت
می کند و نه باید اکثر
الاحلیل یعنی چهل روز
را تکمیل کند و یا بیشتر
این سی روز بگوید
فروزی خواهد بود و
اکمال آن چهل روز از
حیث اختیاری و
استحالی بود تکمیل
تقیر اصل میاد و مقرر
شده باشد چنانکه
شعبه بنی اسرائیل
خود را به موسی و هرون
گفت ای تاجر ثانی
بجای آن اقامت عشا
اندر القصر کوچه
و بعضی معنی غمر
گفت اند چنانکه در
سوره بقره مذکور است
اصل میاد چهل روز
بود و در اینجا هم در
نظم میقات ریه
اشاره شده است این یک پیرایه میان آن چهل روز است که ماسی روز و عده کرده بودیم که تفرق آن ده روز دیگر بود تا اشاره خود که یک ماه کامل (تذکره) را تکمیل از ده

يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامِهِمْ ۚ قَالُوا يَمُوسَىٰ جَعَلَ لَنَا الْهَآكِمَ ۚ اَلِهَهُمْ
عبادت می کردند بر شان خویش گفتند بنی اسرائیل ای موسی ایسا برای ما معبودی چنانکه ایشان را هستند معبودان
عبادت (اقامت) می کردند بر میان خویش گفتند بنی اسرائیل ای موسی ایسا برای ما (معبودی) چنانکه ایشان را هستند معبودان
قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مَّجْهُلُونَ ۙ اِنَّ هَؤُلَاءِ مَتَّبِعُوا هُمْ فِيهِ وَبَطِلٌ مَّا
گفت بر آئینه شما گروهی هستند که نادانی می کنند هر آینه این جماعه باطل کرده شده است نه چنانکه ایشان در اندیشه باطل است آنچه
گفت بر آئینه شما گروهی هستند که نادانی می کنند بر آئینه این جماعه باطل کرده شده است آنچه (مذنبی) که ایشان در اندیشه باطل است آنچه
كَانُوا يَعْمَلُونَ ۙ قَالَ اَغَيْرَ اللّٰهِ اَبْغَيْكُمْ اَلِهَآؤُهُمْ فَضَلُّكُمْ عَمَّا
می کردند گفت موسی آیا غیر خدا طلب كنم برای شما معبودی داد فضل داد است شما را می کردند
گفت موسی آیا غیر خدا طلب كنم برای شما معبودی داد و برتری داده شما را می کردند
اَلْعَالَمِينَ ۙ وَاذْجَبْنٰكُمْ مِّنَ الْاِلٰ فِرْعَوْنَ يَسُومُوْنَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ
عالمها و یاد کنید نعمت ما چون شما را از گن فرعون میرسانیدند به شما عقوبت عفو
جهان (عالمهای زمانه) و یاد کنید چون شما را از گن فرعون میرسانیدند به شما عقوبت عفو
يَقْتُلُونَ اَبْنَاءَكُمْ وَيُسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِيْ ذٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِّنْ رَبِّكُمْ
می کشتند پسران شما را و زنده می گذارند دختران شما را و درین مقدمه آزمائش بزرگ بود از جانب
می کشتند پسران شما را و زنده می گذارند دختران شما را و در این احسان (آزمائش) بزرگ بود از جانب
عَظِيمٍ ۙ وَّوَعَدْنَا مُوسٰى ثَلٰثِيْنَ لَّيْلَةً فَاَتٰهُمْ بِاَعْيُنِنَا فَوَقَّهُمْ
پروردگار شما و وعده کردیم با موسی سی شب و تمام کردیم آن وعده را بده (شب) پس کامل شد میعاد
پروردگار شما و وعده کردیم با موسی سی شب و تمام کردیم آن وعده را بده (شب) پس کامل شد میعاد
رَبِّهِ اَرْبَعِيْنَ لَّيْلَةً ۚ وَقَالَ مُوسٰى لِاَخِيهِ هٰرُونَ اخْلُقْنِيْ فِيْ قَوْمِيْ
پروردگار او چهل شب و گفت موسی برادر خود هارون را جانشین من باش در قوم من
پروردگار او چهل شب و گفت موسی برادر خود هارون را جانشین من باش در قوم من
وَاصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيْلَ الْمُفْسِدِيْنَ ۙ وَلَمَّا جَاءَ مُوسٰى لِمِيقَاتِ
و اصلاح کن کار آنها را و پیروی منها راه تباہ کاران و چون آمد موسی بوعده گاه
و اصلاح کن کار آنها را و پیروی منها راه تباہ کاران و چون آمد موسی بوعده گاه
وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ ۚ قَالَ رَبِّ اَرْنِي الْبَآءَ ط قَالَ لَنْ تَرٰنِيْ وَلٰكِنْ
و سخن گفت با پروردگار او گفت ای موسی مرا بخیال تو گفت خدا نخواهی دید مرا و لیکن
و سخن گفت با پروردگار او گفت ای موسی مرا بخیال تو گفت خدا نخواهی دید مرا و لیکن
اَنْظُرْ اِلَى الْجَبَلِ فَاِنْ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرٰنِيْ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لِرَبِّهِ
نظر کن بسوی کوه پس اگر قرار گیرد بجای خود خواهی دید مرا پس در تکیه ظهور کرد پروردگار او
نظر کن بسوی کوه پس اگر قرار گیرد بجای خود خواهی دید مرا پس در تکیه ظهور کرد پروردگار او
لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسٰى صَوْعًا ۚ فَلَمَّا اَفَاقَ قَالَ سُبْحٰنَكَ
بر آن کوه گردانید آن کوه را زمین بویا شد و افتاد موسی به پیش چوین بهوش آمد گفت بیا کی یادی کنم ترا
بسوی کوه گردانید او را ریزه ریزه زمین بود و افتاد موسی به پیش چوین بهوش آمد گفت بیا کی یادی کنم ترا
تَبَّتْ اِلَيْكَ وَاَنَا اَوَّلُ الْمُؤْمِنِيْنَ ۙ قَالَ يَمُوسٰى اِنِّىْ اصْطَفَيْتُكَ
باز گزیدم بسوی تو من اول مسلمانانم گفت ای موسی بر آئینه من برگزیدم ترا
باز گزیدم بسوی تو من اول مسلمانانم گفت ای موسی بر آئینه من برگزیدم ترا
عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِيْ وَبِكَلَامِىْ فَاَعْمٰ اَتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِيْنَ
بر مردمان به رسانیدن پیغامهای خود و بشنو اندن سخن خود پس بجز آنچه عطا کردم ترا باطنی از شکر گفتند گاه
بر مردمان به رسانیدن پیغامهای خود و بشنو اندن سخن خود پس بجز آنچه عطا کردم ترا باطنی از شکر گفتند گاه

وَكُنَّا لَهُ فِي الْأَوَّاحِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مُوعِظَةً وَتَفْصِيلًا لِكُلِّ شَيْءٍ

دوستی برای دوستی و از هر چیز (برای) پند و برای بیان هر چیز ۵

وَجِئْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَلْزَمُوهُ وَيَا حَسَنُ يَا سَادِرُكُمْ دَارِ

پس تقیم بجز آن را بقوت و بقوام خود را تا مل کند به بهترین ایچ در دست وی خواهیم نمود شمارا سزای

فصل في بيان ما يجب من التوبة والعتق

گز به گمان و باز خواهیم داشت از تمام در آیات خود گمانی را که تکیه می کنند در زمین

بار خواجه و داشت از (نام) در آیات من کس نے راکہ تجھ ہی کنند در زمین

بعضی از این یز و اهل ایله (که یومینو) ابراهیم و ان یز و اسلین
 و اگر به بنسند بر لسان ملک مستطامان بنیاند و اگر به بنسند راه

ناحق و اگر یه بینند بهر کشانی ایمان نیارند بان و اگر یه بینند راه

الرَّشْدُ لَا يَتَّخِذُ وَهًا سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعَمَىٰ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا

راستی	راه نیکرند آنرا	راه گمراهی را	راه دیگرند	آن را
راستی	نیکرند آن را	راه گمراهی	نیکرند آن را	راه

ذٰلِكَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ﴿٥٠﴾ اِيَّاكُمُ لَآئِمٌ مَّا ظَنَنْتُمْ ۚ وَكَانَ غِلظُ عَذَابِكُمْ ۖ فَلَا تُصَلِّوْا عَلَيْهِمْ وَلَا تُدْنُوا مِنْهَا ۚ

این بسبب آن است که ایشان دروغ داشتند آیات ما را دانان غافل مانند و یک بیک دروغ داشتند

و اما بنده در این سال و ماه مذکور در این شهر و در این روز و ساعت

آیات مارا دروغ واستغنیہ ملاقات آخرت رانا بودش عمل پائے ایشان جزا داده نشود الا باپنچہ می کردند

بر باد شد اعلای ایشان (جزا داده نمی شوند مگر آنچه علی می کردند) خاص نمایان باشد که سبک بود

وَاتَّخَذَ تَوْحِيدَ مَوْسَى بْنِ بَعْدَهُ مِنْ حَلِيهِمْ عَجْزًا جَسَدًا لَهُ حَوَاطِلُ الْمَوْتِ

و ساخت قوم موطنی بعد از آن از یورشان حواله جسمی که او را آواز گاو بود آیا

يُرَوِّا لَهُمْ لَا يَكْفُرُهُمْ وَلَا يَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا مَّا اتَّخَذُوا وَكَانُوا ظَالِمِينَ ۝

دیندند که آن کس که ایشان را بیخ کنی گفت و ولایت نمی کرد ایشان را به هیچ راه معبود هرگز فتنه آزا و ایشان را ستیگر بودند و

سَقَطَ الْإِنْسَانُ مِنْ دَرَجَةٍ لَهُ فَإِنْ سَقَطَ مِنْ دَرَجَةٍ فَلَمْ يَسْقُطْ مِنْ دَرَجَةٍ أُخْرَىٰ فَلَمْ يَكُنْ مِنْ الْخَائِبِينَ

و دیدند که ایشان گمراه شدند گفتند اگر میهربانی نکنند بر ما پیروز و کار ما

و در استند که برای این است که همراه شده اند

وَمِنْهُمْ لَنُؤْتِيَنَّهُنَّ الْغَنَاءَ ۚ وَلَمَّا جُمِعَ مُوسَىٰ أَيْمَانُ

و غیر زاردا هر آینه با شیم از زبان کاران و چون بازگشت مؤسسی بسوی قوم خود

عُضْبَانِ إِسْفَاقٍ بِئْسَ خَلِيفَتُوْنِي مِنْ بَعْدِي أَجَلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ

سنان شده اند باین گفته بد جا نشینی است یعنی کردید پس از من آباستانای کردید از حکم پیر و در دگر خویش
 سنانک گفت چه داست نیا تنگ کردید را بعد از من آباستان کردید از حکم پیر و در دگر خود

١٥٠
 ١٥١
 ١٥٢
 ١٥٣
 ١٥٤
 ١٥٥
 ١٥٦
 ١٥٧
 ١٥٨
 ١٥٩
 ١٦٠
 ١٦١
 ١٦٢
 ١٦٣
 ١٦٤
 ١٦٥
 ١٦٦
 ١٦٧
 ١٦٨
 ١٦٩
 ١٧٠
 ١٧١
 ١٧٢
 ١٧٣
 ١٧٤
 ١٧٥
 ١٧٦
 ١٧٧
 ١٧٨
 ١٧٩
 ١٨٠
 ١٨١
 ١٨٢
 ١٨٣
 ١٨٤
 ١٨٥
 ١٨٦
 ١٨٧
 ١٨٨
 ١٨٩
 ١٩٠
 ١٩١
 ١٩٢
 ١٩٣
 ١٩٤
 ١٩٥
 ١٩٦
 ١٩٧
 ١٩٨
 ١٩٩
 ٢٠٠
 ٢٠١
 ٢٠٢
 ٢٠٣
 ٢٠٤
 ٢٠٥
 ٢٠٦
 ٢٠٧
 ٢٠٨
 ٢٠٩
 ٢١٠
 ٢١١
 ٢١٢
 ٢١٣
 ٢١٤
 ٢١٥
 ٢١٦
 ٢١٧
 ٢١٨
 ٢١٩
 ٢٢٠
 ٢٢١
 ٢٢٢
 ٢٢٣
 ٢٢٤
 ٢٢٥
 ٢٢٦
 ٢٢٧
 ٢٢٨
 ٢٢٩
 ٢٣٠
 ٢٣١
 ٢٣٢
 ٢٣٣
 ٢٣٤
 ٢٣٥
 ٢٣٦
 ٢٣٧
 ٢٣٨
 ٢٣٩
 ٢٤٠
 ٢٤١
 ٢٤٢
 ٢٤٣
 ٢٤٤
 ٢٤٥
 ٢٤٦
 ٢٤٧
 ٢٤٨
 ٢٤٩
 ٢٥٠
 ٢٥١
 ٢٥٢
 ٢٥٣
 ٢٥٤
 ٢٥٥
 ٢٥٦
 ٢٥٧
 ٢٥٨
 ٢٥٩
 ٢٦٠
 ٢٦١
 ٢٦٢
 ٢٦٣
 ٢٦٤
 ٢٦٥
 ٢٦٦
 ٢٦٧
 ٢٦٨
 ٢٦٩
 ٢٧٠
 ٢٧١
 ٢٧٢
 ٢٧٣
 ٢٧٤
 ٢٧٥
 ٢٧٦
 ٢٧٧
 ٢٧٨
 ٢٧٩
 ٢٨٠
 ٢٨١
 ٢٨٢
 ٢٨٣
 ٢٨٤
 ٢٨٥
 ٢٨٦
 ٢٨٧
 ٢٨٨
 ٢٨٩
 ٢٩٠
 ٢٩١
 ٢٩٢
 ٢٩٣
 ٢٩٤
 ٢٩٥
 ٢٩٦
 ٢٩٧
 ٢٩٨
 ٢٩٩
 ٣٠٠
 ٣٠١
 ٣٠٢
 ٣٠٣
 ٣٠٤
 ٣٠٥
 ٣٠٦
 ٣٠٧
 ٣٠٨
 ٣٠٩
 ٣١٠
 ٣١١
 ٣١٢
 ٣١٣
 ٣١٤
 ٣١٥
 ٣١٦
 ٣١٧
 ٣١٨
 ٣١٩
 ٣٢٠
 ٣٢١
 ٣٢٢
 ٣٢٣
 ٣٢٤
 ٣٢٥
 ٣٢٦
 ٣٢٧
 ٣٢٨
 ٣٢٩
 ٣٣٠
 ٣٣١
 ٣٣٢
 ٣٣٣
 ٣٣٤
 ٣٣٥
 ٣٣٦
 ٣٣٧
 ٣٣٨
 ٣٣٩
 ٣٤٠
 ٣٤١
 ٣٤٢
 ٣٤٣
 ٣٤٤
 ٣٤٥
 ٣٤٦
 ٣٤٧
 ٣٤٨
 ٣٤٩
 ٣٥٠
 ٣٥١
 ٣٥٢
 ٣٥٣
 ٣٥٤
 ٣٥٥
 ٣٥٦
 ٣٥٧
 ٣٥٨
 ٣٥٩
 ٣٦٠
 ٣٦١
 ٣٦٢
 ٣٦٣
 ٣٦٤
 ٣٦٥
 ٣٦٦
 ٣٦٧
 ٣٦٨
 ٣٦٩
 ٣٧٠
 ٣٧١
 ٣٧٢
 ٣٧٣
 ٣٧٤
 ٣٧٥
 ٣٧٦
 ٣٧٧
 ٣٧٨
 ٣٧٩
 ٣٨٠
 ٣٨١
 ٣٨٢
 ٣٨٣
 ٣٨٤
 ٣٨٥
 ٣٨٦
 ٣٨٧
 ٣٨٨
 ٣٨٩
 ٣٩٠
 ٣٩١
 ٣٩٢
 ٣٩٣
 ٣٩٤
 ٣٩٥
 ٣٩٦
 ٣٩٧
 ٣٩٨
 ٣٩٩
 ٤٠٠
 ٤٠١
 ٤٠٢
 ٤٠٣
 ٤٠٤
 ٤٠٥
 ٤٠٦
 ٤٠٧
 ٤٠٨
 ٤٠٩
 ٤١٠
 ٤١١
 ٤١٢
 ٤١٣
 ٤١٤
 ٤١٥
 ٤١٦
 ٤١٧
 ٤١٨
 ٤١٩
 ٤٢٠
 ٤٢١
 ٤٢٢
 ٤٢٣
 ٤٢٤
 ٤٢٥
 ٤٢٦
 ٤٢٧
 ٤٢٨
 ٤٢٩
 ٤٣٠
 ٤٣١
 ٤٣٢
 ٤٣٣
 ٤٣٤
 ٤٣٥
 ٤٣٦
 ٤٣٧
 ٤٣٨
 ٤٣٩
 ٤٤٠
 ٤٤١
 ٤٤٢
 ٤٤٣
 ٤٤٤
 ٤٤٥
 ٤٤٦
 ٤٤٧
 ٤٤٨
 ٤٤٩
 ٤٥٠
 ٤٥١
 ٤٥٢
 ٤٥٣
 ٤٥٤
 ٤٥٥
 ٤٥٦
 ٤٥٧
 ٤٥٨
 ٤٥٩
 ٤٦٠
 ٤٦١
 ٤٦٢
 ٤٦٣
 ٤٦٤
 ٤٦٥
 ٤٦٦
 ٤٦٧
 ٤٦٨
 ٤٦٩
 ٤٧٠
 ٤٧١
 ٤٧٢
 ٤٧٣
 ٤٧٤
 ٤٧٥
 ٤٧٦
 ٤٧٧
 ٤٧٨
 ٤٧٩
 ٤٨٠
 ٤٨١
 ٤٨٢
 ٤٨٣
 ٤٨٤
 ٤٨٥
 ٤٨٦
 ٤٨٧
 ٤٨٨
 ٤٨٩
 ٤٩٠
 ٤٩١
 ٤٩٢
 ٤٩٣
 ٤٩٤
 ٤٩٥
 ٤٩٦
 ٤٩٧
 ٤٩٨
 ٤٩٩
 ٥٠٠
 ٥٠١
 ٥٠٢
 ٥٠٣
 ٥٠٤
 ٥٠٥
 ٥٠٦
 ٥٠٧
 ٥٠٨
 ٥٠٩
 ٥١٠
 ٥١١
 ٥١٢
 ٥١٣
 ٥١٤
 ٥١٥
 ٥١٦
 ٥١٧
 ٥١٨
 ٥١٩
 ٥٢٠
 ٥٢١

و گرفت موسی سر برادر خود را می کشیدش بسوی خود گفت بآردن ای پسر مادر من

اور در تمام این سالها که در این شهر بوده ام هیچگاه از این شهر نرفته ام و در تمام این سالها که در این شهر بوده ام هیچگاه از این شهر نرفته ام و در تمام این سالها که در این شهر بوده ام هیچگاه از این شهر نرفته ام

[illegible]

فلما بين ما تذكروا
 از عبادت گوساره
 این جماعت اگر چه
 عبادت نکرده بودند
 بر عبادت کنندگان
 نه هم بخند پس
 خدا بختی با کسانست
 والله اعلم ١٨
 یعنی اگر در حق
 اسرائیل باشد
 می شد به جهت قتل
 بر موشی نه نهادن
 والله اعلم ١٩
 تفسیر عثمانی
 ٢٠ اگر چه بارون
 علیه السلام برادر عثمانی
 حضرت موسی علیه السلام
 است مگر نیست دی
 بدار بدان جهت بود
 که بر تری و مهربانی
 آماده نمود و در این
 آیت بیان محذرت
 بارون است خلاصه
 من باندازه توان خود
 آنها را دانانم بکن
 مرا به اجماع خداوند
 بر عکس بر قتل آورد
 شدند اکنون توان
 این کار دشمنان را
 موقع ده که بر پیش رو
 شوند و هنگام عقاب
 و شتم و زمره ظالم
 شال نکردان عده
 از راه بد حتی شرک و
 کفر توبه کنند و ایمان
 آورد در رحمت بخشایند
 خدای بخشنود و چه عجب
 نیست این بخشایش
 و غیره به آخرت منتسب
 است گویا اشاره
 بافت که متراعی قتل
 که بر گوساله پرستان
 اجداد خود حق آنها
 شرف قبول توبه شمرده
 شده بود توبه الی
 با و بکن تا تقوا انکم
 و البقره اکنون مواخذه اخروی بر آنها ای نمائند بعد از مرگ و عیوی در اینجا بیان حالت اخروی رشتیه است که خدای تعالی در جای دیگر بعد از انرا و در سوره

ان القوم استضعفوني وكادوا يقتلونني فلا تشمت بي

بر آئینان قوم ضعیف شدند مرا و نزدیک بودند که بکشند مرا پس شادان من بسبب امانت من

الاعداء ولا تجعلني مع القوم الظالمين ٢٠ قال رب اغفر لي

دشمنان را و دشمنان مرا با گروه ستمکاران گفت موسی ای پروردگار من بپا من مرا و دشمنان را و ستمکاران مرا با قوم گمراه (ستمکاران) عه

لا رخي وادخلنا في رحمتك وانت ارحم الراحمين ٢١ ان الذين

برادر مرا و داخل کن مرا در رحمت خود و تو بخشنده ترین بخشنده گان هستی بر آئینک و تو برادر مرا و داخل کن مرا در رحمت خود و تو مهربان ترین مهربانان هستی بر آئینک

اتخذوا البعل سينا لهم غضب من ربهم وذل في الحياة الدنيا

معبود گرفتند گوساله را و باور رسید باین جماعت خطی از پروردگار ایشان در سواهی در حیات دنیا گرفتند معبود گوساله را (توبه) خواهد رسید به ایشان خطی از جانب پروردگار ایشان در سواهی در زندگی دنیا

وكذلك نجزي المفترين ٢٢ والذين عملوا السيئات ثم تابوا من

و بکم چنین جزای دهم افرا کنندگان را و هر آئین که اینک گناه با کردند باز توبه نمودند و بکم چنین جزای دهم افرا کنندگان را و بکم چنین کردند اعمال بد پس توبه کردند بعد از

بعد ها و امنوا ان ربك من بعد ها الغفور الرحيم ٢٣ ولست اسكت

بعد از آن گناهان و ایمان آوردند البت پروردگار تو بعد از توبه آمرزنده مهربان است و چون ساکن شد عجب که بد و ایمان آوردند هر آئین پروردگار تو بعد از توبه البت آمرزنده مهربان است و چون ساکن شد

عن موسى الغضب اخذ الا لواح ٢٤ وفي نسخها هدى ورحمة

خشم از خاطر موسی گرفت الواح را و در کتب دے هدایت بود و بخشایش از موسی خشم گرفت الواح را و در کتب آن هدایت بود و بخشایش

الذين هم لربهم يرهبون ٢٥ واختار موسى قومه سبعين رجلا

آنرا که ایشان از پروردگار خود می ترسند و اختیار کرد موسی از قوم خود هفتاد کس آنرا که ایشان از پروردگار خود می ترسند و اختیار کرد موسی از قوم خود هفتاد کس

لميقا تباء فلما اخذتهم الرجفة قال رب لو شئت اهلكتهم

برای میعاد و فل پس و قلیک گرفت ایشان را زلزله گفت موسی ای پروردگار من اگر می خواستی پیش از این برای میعاد پس و قلیک گرفت ایشان را زلزله گفت موسی ای پروردگار من اگر می خواستی بکشد می کردی

من قبل وایای اهلکنا بما فعل السفهاء منا ان هی الا

ایشان را در پیش از این و مرا اهلک می کنی ما را بخزای آنچه کردند بجهل خود از قوم ما نیست این حادثه مگر ایشان را پیش از این و مرا اهلک می کنی ما را بخزای آنچه کردند بجهل خود از ما نیست این مگر

فتنتك طيصل بها من تشاء وتهدي من تشاء ط انت ولينا

امتحان تو گمراهی کنی ما را هر گاه خواهی در راه می نشانی ما را هر گاه خواهی تو کار ساز ما را امتحان تو گمراهی کنی ما را هر گاه خواهی در راه می نشانی ما را هر گاه خواهی تو کار ساز ما را

فاغفر لنا وارحمنا وانت خیر الغافرين ٢٦ والكتب لنا في هذه

پس بپا من را و مهربانی کن بر ما و تو بهترین آمرزندگان هستی و بنویس بے مقدمه کن برای ما درین پس بپا من را و مهربانی کن بر ما و تو بهترین آمرزندگان هستی و بنویس (مقرر کن) بر ما در این

الدنيا حسنة وفي الآخرة انا هدا البک ط قال عذابی اصاب

و دنیا بخشنده و در آخرت نیز سبکی بر آئین ما در جوارج کردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عذاب و دنیا بخشنده و در آخرت نیز سبکی بر آئین ما در جوارج کردیم بسوی تو گفت خدا عذاب من میرساند عذاب

و البقره اکنون مواخذه اخروی بر آنها ای نمائند بعد از مرگ و عیوی در اینجا بیان حالت اخروی رشتیه است که خدای تعالی در جای دیگر بعد از انرا و در سوره

۱۱ من اشتهاء ورحمتی وسعت کل شیء فساکتها للذین یتقون
 ۱۲ ول یؤتوا الزکوة والذین هم یتقون ۱۳ الذین یتبعون
 ۱۴ الرسول النبى الا قسى الذی یجدونه فکتوبا عندهم فی التوراة
 ۱۵ والانجیل یأمرهم بالمعروف وینہیهم عن المنکر ویحیل لهم
 ۱۶ الطیب ویحرم علیهم الخبث ویضع عنهم اصرهم والاغلال
 ۱۷ التی كانت علیهم فالذین امنوا به وعزروه ونصره واتبعوا
 ۱۸ التوراة الذی انزل معه اولئک هم المفلحون ۱۹ قل یا ایها
 ۲۰ الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً الذی له ملک السموات و
 ۲۱ الارض لا اله الا هو حی ویدیت فامنوا بالله ورسوله النبى
 ۲۲ الا قسى الذی یؤمن بالله وکلمته واتبعوا لعلکم تهتدون و
 ۲۳ من قوم موسی امه یمهدون بالحق فیه یعدون ۲۴ وقطعنا
 ۲۵ ثلثه عشرة اسباطا امداطوا وحیداً الی موسی اذ استسفد قوما
 ۲۶ ان اضرب بعصا الحجر فانبجست منه اثنتا عشرة عیناً قد
 ۲۷

بهر که بخواند و مهر بانی من احاطه کرده است بر چیزهای پس از خود خواهم نوشت آن را برای کسی که ترسند
 و زکوة می دهند و کسی که ایشان را با ایتام با یحیی می کنند و آنکه را از روی صدق پیروی می کنند
 آن پیغمبر را که نبی الهی است آنکس را بپندارند او نوشته نزدیک خویش و آن پیغمبری را که نبی الهی است آنکس را بپندارند او نوشته نزدیک خویش
 انجیل می فرماید ایشان را بکار پسندیده و منع می کند ایشان را از ناپسندیده و حلال می سازد برای ایشان
 آنچه حرام می کند بر ایشان ناپاکیزه بار و فرمودی کرد از ایشان بار دیگران ایشان را آن مشقت ای را
 که بود بر ایشان پس آنکه ایمان آوردند با و تسلیم کردند او را و یاری دادند او را پیروی کردند
 که بود بر ایشان پس آنکه ایمان آوردند با و تسلیم کردند او را و یاری دادند او را پیروی کردند
 نوری را که نازل کرده شده است بادی آن گروه که ایمان آورده اند ایشان را رستگاران است بگو ای
 مردمان هر آینه من پیغمبر خدا ام بسوی شما می آیم و خداوند است بادرشای آسمانها و
 مردمان هر آینه من پیغمبر خدا ام بسوی شما می آیم و خداوند است بادرشای آسمانها و
 زمین نیست هیچ معبودی جز او زنده می کند و می میراند پس ایمان آرید بخدا و پیغمبر او که نبی
 زمین نیست هیچ معبودی جز او زنده می کند و می میراند پس ایمان آرید بخدا و پیغمبر او که نبی
 ای است آنکه تصدیق می نماید خدا را و سخنان او و پیروی کند او را تا بگوید که شهادت یاب شود و
 ای است آنکه تصدیق می نماید خدا را و سخنان او و پیروی کند او را تا بگوید که شهادت یاب شود و
 از قوم موسی گرفته است که ولایت می کند مردمان را براه راست و بر راستی حکم می کند و معجزاتی را که برای ایشان
 از قوم موسی گرفته است که ولایت می کند مردمان را براه راست و بر راستی حکم می کند و معجزاتی را که برای ایشان
 برد از ده قبیله قبیل کرده و دومی فرستادیم بسوی تو عیسی علیه السلام که آب خواستند از دوی قوم دی
 برد از ده قبیله قبیل کرده و دومی فرستادیم بسوی تو عیسی علیه السلام که آب خواستند از دوی قوم دی
 که بزبان بعصای خود سنگ را پس روان شد از آن سنگ و از ده چشمه بدرستیکه
 که بزبان بعصای خود سنگ را پس روان شد از آن سنگ و از ده چشمه بدرستیکه

۱۱ من اشتهاء ورحمتی وسعت کل شیء فساکتها للذین یتقون
 ۱۲ ول یؤتوا الزکوة والذین هم یتقون ۱۳ الذین یتبعون
 ۱۴ الرسول النبى الا قسى الذی یجدونه فکتوبا عندهم فی التوراة
 ۱۵ والانجیل یأمرهم بالمعروف وینہیهم عن المنکر ویحیل لهم
 ۱۶ الطیب ویحرم علیهم الخبث ویضع عنهم اصرهم والاغلال
 ۱۷ التی كانت علیهم فالذین امنوا به وعزروه ونصره واتبعوا
 ۱۸ التوراة الذی انزل معه اولئک هم المفلحون ۱۹ قل یا ایها
 ۲۰ الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً الذی له ملک السموات و
 ۲۱ الارض لا اله الا هو حی ویدیت فامنوا بالله ورسوله النبى
 ۲۲ الا قسى الذی یؤمن بالله وکلمته واتبعوا لعلکم تهتدون و
 ۲۳ من قوم موسی امه یمهدون بالحق فیه یعدون ۲۴ وقطعنا
 ۲۵ ثلثه عشرة اسباطا امداطوا وحیداً الی موسی اذ استسفد قوما
 ۲۶ ان اضرب بعصا الحجر فانبجست منه اثنتا عشرة عیناً قد
 ۲۷

و گفت داد عاف جمل حضرت آورد کتب سابق آسمانی مذکور است حتی بعد از تحویل چهارده قرن بنور هم نور و انجیل چندین بشارت و اشارت یافت و آثار علمی هر

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُوءُ فَعْلَهُمْ

و یاد کن چون آگاه گردانید پروردگار تو که البته بفرستد بر ایشان تارود قیامت کسی را که برساند و یاد کن چون آگاه گردانید پروردگار تو البته بفرستد بر ایشان تارود قیامت کسی را که برساند

سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

عقوبت سخت بر آید بر آئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هر آینه او آمرزنده مهربان است و عقوبت سخت آید بر آئینه پروردگار تو زود عقوبت کننده است و هر آینه او آمرزنده مهربان است

قَطَعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَنْصَاءً مِنْهُمْ الصَّالِحِينَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَلِكَ

بر آینه کردیم بنی اسرائیل را در زمین کرده بعضی از ایشان را شلخته کارانند و بعضی از ایشان سودای آیند بر آینه کردیم بنی اسرائیل را در زمین کرده بعضی از ایشان را شلخته کارانند و بعضی از ایشان سودای آیند

وَبَلَوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

و امتحان کردیم ایشان را بختیاریا و مستحقیا تا باز گردند یعنی بسوی راه راست پس از بی در آمدند بعد و امتحان کردیم ایشان را بختیاریا و مستحقیا تا باز گردند یعنی بسوی راه راست پس از بی در آمدند بعد

بَعْدَ هُمْ خَلَفَ وَرَثَتُهُ الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ غَرْضَ هَذَا الْأَدْنَى وَ

از ایشان جا نشینان بد که وارث توریت شدند و از ایشان جا نشینان بد که وارث توریت شدند

يَقُولُونَ سَيَعْفِرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِيهِمْ غَرْضٌ مِثْلَهُ يَأْخُذُونَ هَذَا

می گویند آمرزیده خواهد شد برای ما و اگر بیاید متدعی مانند آن البته بپوشد آن را می گویند آمرزیده خواهد شد برای ما و اگر بیاید متدعی مانند آن البته بپوشد آن را

يُؤْخَذُ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَ

گرفته شده است بر ایشان آن عهد که در توریت است که بگویند بر خدا سخن راست گرفته شده است بر ایشان آن عهد که در توریت است که بگویند بر خدا سخن راست

دَرَسُوا مَا فِيهِ وَاللَّهُ آخِرُهُ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

خوانده اند آنچه در توریت است و سرانجام آخرت بهتر است پند گیران را آیا فهم می کنید خوانده اند آنچه در توریت است و سرانجام آخرت بهتر است پند گیران را آیا فهم می کنید

وَالَّذِينَ يَسْكُنُونَ بِالْكِتَابِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ أَجْرَ

و آنانکه تسک می کنند بکتاب و بر پا داشتند نماز را هر آینه ما ضایع نمی سازیم مزد و آنانکه تسک می کنند بکتاب و بر پا داشتند نماز را هر آینه ما ضایع نمی سازیم مزد

الصَّالِحِينَ ۝ وَإِذْ تَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظِلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ

این بیکو کاران را و یاد کن چون برداشتم کوه را بالای ایشان گویا دایه سائبان است و گمان کردند که آن کوه خواهد افتاد بیکو کاران را و چون برداشتم کوه را بالای ایشان گویا دایه سائبان است و گمان کردند که آن کوه خواهد افتاد

بِهِمْ خَذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَادْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذَ

بر ایشان بختیاریا و یاد کن چون برداشتم کوه را بالای ایشان گویا دایه سائبان است و گمان کردند که آن کوه خواهد افتاد بر ایشان بختیاریا و یاد کن چون برداشتم کوه را بالای ایشان گویا دایه سائبان است و گمان کردند که آن کوه خواهد افتاد

رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ

پروردگار تو از فرزندان آدم از پشت می ایشان اولاد ایشان را و گواه گردانید ایشان را بر نفس بانی شان پروردگار تو از فرزندان آدم از پشت می ایشان اولاد ایشان را و گواه گردانید ایشان را بر نفس بانی شان

أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى ۖ شَهِدْنَا ۚ أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا

گفتم آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری گفتی که ما شاهد کردیم که تو می گوئی روز قیامت که ما شاهد کردیم که تو می گوئی روز قیامت که ما شاهد کردیم که تو می گوئی روز قیامت

أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى ۖ شَهِدْنَا ۚ أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا

گفتم آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری گفتی که ما شاهد کردیم که تو می گوئی روز قیامت که ما شاهد کردیم که تو می گوئی روز قیامت که ما شاهد کردیم که تو می گوئی روز قیامت

صلی بنی اسرائیل
۱۲ و بعد از این
بیش بود به درستی
اسرائیل پیدا نشد
بیش که کوب باشد
اسلام و نصاری
و یحیی و یسوع و
اعلم الله یعنی
بنی اسرائیل ۱۲
یعنی مصر اند بر آینه
آن و غیر نام انداز
و توبه مصر فریاد می
است و الله اعلم
و بنی و فرشتگان
از آدم اولاد و با پیل
کرده از ایشان ادد
ایشان را به ترتیب
که خارج تحقیق شد
و الله اعلم ۱۲
تفسیر عثمانی
عده و ذکر شکان
صالحان نیز بودند
چنان تا خوف شدند
چون حامل و وارث
کسانی مانند نور
شدند متابع طویل
و نهار ایران ترنج و
و به تحریف و گمان آید
آن همه اقله و غوث
با گرفته بر خلاف احکام
آن فصل کردند بر ملا
کسانی که آنها بحدی رسید
که با وجود ارتکاب چنین
اعمال ناشایسته عقیده
یکدیگر می داشتند
۹ که از ضرر این
۱۱ اعمال بیچاره
ندیدیم اولاد و محبوب
خدا ایم بر چه کنیم خدا
تجاذبات مادی بخشد
بنابر این عقیده آماده
۱۲ که هر چه
۱۳ سوچ یا باشد
باز در وقت گرفتار
سابق از ایمان بگذرد
اگر یا بجای این که بر ایمان

و یاد کن چون آگاه گردانید پروردگار تو که البته بفرستد بر ایشان تارود قیامت کسی را که برساند و یاد کن چون آگاه گردانید پروردگار تو البته بفرستد بر ایشان تارود قیامت کسی را که برساند

فتح الرحمن

والمی پس تقدیر
ایشان کردیم ۱۲ و
بیت تابع مشهورات
نفس شد و تابع شهور
نفس عالم متوان
کفت ۱۲ و یعنی علم
باور که کتب الهی خواند
بود بعد از آن با خواسته
زن خود ایدانی
حضرت موسی علیه
السلام تقدیر کرد چون
شده الله اعلم ۱۳
و یعنی منزلت او
۱۲ و یعنی بزود و
و اندون ۱۲
تفسیر عثمانی
الکر مفسرین برآورد
که این آیات در باره
بلعیم بن باعرا بناندر
شده و بلعیم عالمی
در پیش خدا تعریف
بود و اثر انوای یک
زن و دلی و نبوی آیات
و دیایات خدا ترک
داده آماده آن گردید
که مقابل حضرت موسی
تقرات خود را بکار
اندازد و تدابیر بخیزد
فوقین انبیا و آرد
موسی علیه السلام زیاده
در این به نتوانست
اما خود را مردود و ادب
گرمایند علم آیات
الله چندان به بلعیم
ارزانی شده بود که اگر
خواست خدای بود
به مراتب از وی رسید
به وی توفیق از زانی
می شد تا بلعیم خود را
در آیات الهی طاعت
می کرد ولی چنین نشد
زیرا خود از برکات و
آیات آسمانی اعراض
نمود و بشهرت و لذات
زیفی منک شد و در پی
خواستن نفسا

عَنْ هَذَا غَفْلِينَ ۱۱ اَوْ تَقُولُوا لِنَا اَنْشُرَكَ اَبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَ

یا بگوئید که بخیر این نیست که شرک آورده بودند پدران ما پیش از ما و

كُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ اَفْتَحِلْ كُنَّا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ۱۲ وَكَذَلِكَ

ما نسل بودیم آمده بعد از ایشان و آیا پاک می کنی ما را معصومیت آنچه بدکاران کردند و هم چنین

نَقْصِلُ الْاٰیٰتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۱۳ وَاَثَلْ عَلَيْهِمْ نَبَا الَّذِي

و قطع می کنیم نشانه ها و تا باز گردند و بخوان برایشان خبر کسی

اَتَيْنَا اٰیٰتِنَا فَاَنْسَلَخْ مِنْهَا فَاتَّبَعُ الشَّيْطٰنُ فَكَانَ مِنَ الْغٰوِيْنَ ۱۴

و داده بودیم او را آیات خود پس بیرون رفت از آن آیات پس در پی او شیطان پس گشت از گمراهان

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلٰكِنَّهُ اَخْلَدَ اِلَى الْاَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوٰیْهٖ ۱۵

و اگر می خواستیم بر داشتیم او را و لیکن به سبب این آیات و سبب میل کرد بسوی یقی و پیروی خواستش خود کرد

فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ اِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ اَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ۱۶

پس مثل او مانند صفت سگ است اگر مشقت اندازی بر او و وقتی زبان از دهان بیرون انگذد و اگر وصل بگدازد و از پیروان او

ذٰلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰیٰتِنَا ۱۷ فَاقْصُصِ الْقَصَصَ

این صفت گروه بیست کرده و دروغ می روند آیات ما را پس بخوان برایشان این پسند

لَعَلَّهُمْ يَتَّقُوْنَ ۱۸ سَاءَ مَثَلًا لِّلْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰیٰتِنَا ۱۹

تا ایشان تا مل کنند با اعتبار صفت بد اند این قوم کرده و دروغ می روند آیات ما را و

اَنْفُسَهُمْ كَانُوْا يَظْلِمُوْنَ ۲۰ مَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَلَا مَهْدٰى ۲۱ وَ مَنْ

بر خود یقین نسیم می کردند هر که راه نایدش خدا به ناستدایا بنده و هر که

يَضِلُّ فَلَا وِلٰیَّكَ هُمْ الْخٰسِرُوْنَ ۲۲ وَلَقَدْ ذَرٰنَا الْجَهَنَّمَ كَثِيْرًا مِّنْ

گمراه ساز دش پس آنچه ایشانند زبان کاران و هر آینه بیافریدیم برای و در جحیم بیاد می از

الْجِنِّ الْاِنْسِ اَلَمْ يَفْقَهُوْنَ ۲۳ اَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ اَعْيُنٌ اَلَمْ يَبْصُرُوْنَ

جنیان و آدمیان ایشان را و لیا است که نمی فهمند بر آن و ایشان را چشم با است که نمی بینند

اِنَّمَا ذٰلِكُمْ اٰن اَلَيْسَ مَعُوْنَ بِمَا وَاُولٰٓئِكَ كَالْاَنْعَامِ بَلْ هُمْ اَضَلُّ

آن و ایشان را و محو شده است که نمی شنوند بر آن ایشان مانند چهار پا جان اند بلکه ایشان گمراه تر اند

اُولٰٓئِكَ هُمُ الْغٰفِلُوْنَ ۲۴ وَ لِلّٰهِ اَسْمَاءُ الْحُسْنٰی فَادْعُوْهُ بِهَا ۲۵

ایشانند بی خبران و خدا اکر است نامها که نیک پس بخوانند او را با نامها

و این گروه ایشانند بی خبران و خدا ای راست نام های نیک پس بخوانید او را به آن

و این گروه ایشانند بی خبران و خدا ای راست نام های نیک پس بخوانید او را به آن

وَذُرُوا الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِي آسَافِهِ طَسِيرُ جَزُونَ مَا كَانُوا

وَذُرُوا الَّذِينَ يَلْحَدُونَ فِي آسَافِهِ طَسِيرُ جَزُونَ مَا كَانُوا

يَعْمَلُونَ ٩ وَمَنْ خَلَقْنَا أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ ١٠

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ١١

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

وَأُولَئِكَ لَهُمْ فِي أَعْيُنِنَا ذُرِّيَّتٌ ١٢ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَازِلُ مُتَتَابِعَةٌ ١٣

فتح الرحمن
طسیر یعنی ابروالمحج و
ابوالملاکری گفته اند
فتح و طسیر مشتق
شده است
استن قیامت
استن یعنی عالم
تفسیر عثمان
عنه چیست که آیات
القدر الکریمیه می کنند
و از عاقبت سوز آن
خافند از نده این آیت
و سنان الله را دیوانه و بی
خرد نیست و بی تمام عمر
نزد شما بود باحوال
جزئی و کلی او علم دارید
عقل و دانش او
لایق و دیانت او از
اولین علم و
موصوف است این
آیات را از پیشگاه او
متعالی آورده که ماک
و مبین است مطلق تمام
کائنات و آفریننده
هر چیزی است هرگاه به
نظام سلطنت او که
نهایت استوار است
دقت نماید بلکه بر آن
خود و بزرگی خود و نظر
کنند بر این
آیات و آیات
تقریبی او
تسلیم آیات الهی
بانی مانه آنها باشد
کشاید و قوت موت
و ملک شان نزدیک
شده باشد لهذا
برای حیات برداشت
بزرگی آورده شوند
عنه و این و طاعت
و هر چیزی در قهر خدا
اگر اتمای خواهد بود
و سید مایه بد و بی
خوردن از این چیز
خداوند را در شرارت تعبیر

خداوند را در شرارت تعبیر

فتح الرحمن

والتسليم

است

خدا تعالیٰ

آدم و حوا را پیدا کرد و از ایشان را

نسل بسیار پیدا

آورد بعد از آن تفصیل

انتشار نسل بر فواید

و مترجم گوید این

تفسیر مراد عالم آدمی

را که نزدیک نقل

عمل نیت اخلاص

درست کند و چون

فرزند بوجود آید آنرا

نرا موش سازد و در

تسمیه اش را که بنشیند

بر حال او ایستاد

حدیث صحیح آمده که

حوا حاد شد شیطان

بدش و سو اس

الذات و چون

فرزند متولد شد نام

او عبد الحارث مقرر

کرد و چون وجود هیچ

قیود و امثال این

مواضع ضرورت نیست

آدم از لوث شرک برآ

باشد این آیت

أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَا سْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسْنِيَ السُّوءُ إِنْ أَنَا

دانش علم غیب را بر آئین بسیار منع کرده از جنس منفعت و نرسیده بمن هیچ سخن

دانش غیب را بر آئین بسیار منع کرده از جنس منفعت و نرسیده بمن هیچ سخن

الْأَنْذِيرُ وَبَشِيرُ لِقَؤِهِمْ يُؤْمِنُونَ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ

مگر بیم کننده و خبر دهنده برای گروهی که ایمان دارند دوست آنکه پیدا کرد شما را از یک

مگر بیم کننده و خبر دهنده برای گروهی که ایمان دارند دوست آنکه پیدا کرد شما را از یک

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ كُنْزُكُمْ فَانْزِلُوا قَالُوا زُرْنَا بِهِ لِمَا كُنَّا نَبْعَثُ

و پدید آمد از آن یک شخص زشت را اما آرام گیرد و او را پس چون منع کرد آدم را

و پدید آمد از آن یک شخص زشت را اما آرام گیرد و او را پس چون منع کرد آدم را

حَمَلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهَا لَبِنِ أَنْتَ

باری سبک پس آمد و رفت کرد بان بار سبک بعد از آن چون زن گریان شد برود و عاگردند جناب پروردگار و عاگردند جناب پروردگار

باری سبک پس آمد و رفت کرد بان بار سبک بعد از آن چون زن گریان شد برود و عاگردند جناب پروردگار و عاگردند جناب پروردگار

صَالِحًا لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ فَلَمَّا أَتَاهَا صَالِحًا جَعَلَ لَهَا

بدی ما را با شکر از شکر کنندگان پس چون او را خدا آتش ایستاد فرزندش را شکر مقرر کرد و برآید از شکر

بدی ما را با شکر از شکر کنندگان پس چون او را خدا آتش ایستاد فرزندش را شکر مقرر کرد و برآید از شکر

فِيمَا آتَاهَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ أَلَيْسَ لَكُنَّ

در آنچه داده بود بایشان پس بلند خداست خدا را از آنچه شرک مقرر می کند و آیت این مشرکان شرک مقرر می کند و آیت این مشرکان

در آنچه داده بود بایشان پس بلند خداست خدا را از آنچه شرک مقرر می کند و آیت این مشرکان شرک مقرر می کند و آیت این مشرکان

وَهُمْ يَخْلُقُونَ وَلَا يَسْتَبِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

و خود این مشرکان آفریده میشوند و نمی توانند برآید بر سرستندگان خود یاری دادن و نه خود را یاری می دهند

و نه خود را یاری می دهند و خود این مشرکان آفریده میشوند و نمی توانند برآید بر سرستندگان خود یاری دادن و نه خود را یاری می دهند

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ أَدَعَوْتُمُوهُمْ

و اگر بخوانید بآنها راه بسوئی راه هدایت پیروی نکنند شما را آنگاه دعوت کنید ایشان را

و اگر بخوانید بآنها راه بسوئی راه هدایت پیروی نکنند شما را آنگاه دعوت کنید ایشان را

أَنْتُمْ صَامِتُونَ إِنْ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَهْتَالُكُمْ

خاموش باشید ای مشرکان هر آینه که بنده عبادت می کنید ایشان را بخیر خدا بنده گانند مانند شما

خاموش باشید ای مشرکان هر آینه که بنده عبادت می کنید ایشان را بخیر خدا بنده گانند مانند شما

فَادْعُوهُمْ فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ أَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ

پس بخوانید ایشان را و باید که قبول کنند و عمل کنند شما را اگر راست گوئید آیا بآنها را پاسه یا است

پس بخوانید ایشان را و باید که قبول کنند و عمل کنند شما را اگر راست گوئید آیا بآنها را پاسه یا است

و اما سورة انفال
در قصه بدر فرود آمده
است در آیات این
سوره اشارت به تاریخ
این غزوه واقع شده
از آن جمله آنست که
مسلمانان غنیمت
مباحثی کردند تا آنکه
غارت کرده بودند
خواستند که تنه بزرگان
متصرف شوند دیگران
خواستند که علی السویه
قسمت شود خدا متعالی
نازل ساخت که
متصرف و مختار در
غنائم خدا و رسول
است و دیگر بر این
درین باب دخل نیست
و آنچه اهل جاہلیت
می کردند از استیلا
غارت کننده غنیمت
باطل است لهذا از
حکم فرمود که غنیمت را
در پنج قسم باید کرد چنانچه
قسم در میان غنایان
قسمت کنند و بیک
در بیت المال نگاه دارند
بقدر آن که در میان
تصرف حق است و عطا
است بجز دخل غنایان
کنند بجز آنکه از انفال
بدهد و رسول حکم است غیر
خوشه و آن یعنی متصرف
در غنائم ایشانند که
دیگر اختیار نیست از آن
اعلم و آنکه در حدیثی
ظاهر است که عوالت
حکم است بر عوالت
آنند و آنست که چنانکه
برین مورد در حدیثی
درست بود از نزدیک خدا
بر خلاف ادویه و غیره
اعلم و تفسیر عثمانی
عنه بر این نیست که در
بدهد و است مسلمانان
آنچه میان اصحاب

سُورَةُ الْاِنْفَالِ مَكِّيَّةٌ وَفِيهَا ثَمَسٌ وَتِسْعُونَ آيَةً وَعَشْرُ رُكُوعَاتٍ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْاِنْفَالِ قُلِ الْاِنْفَالُ لِلّٰهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ

ی پرسند ترا از غنیمت یا قل غنیمت با خدا و رسول راست و پس ترسد از خدا و

أَصْلِحُوا إِذَا تَبَيَّنَ لَكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

بصالح آرید و بجهت را که میان شماست و فرمانبرداری کنید خدا و رسول او را اگر مسلمان هستید

إِنَّمَا لِلْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا دُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ

جز این نیست که مؤمنان آنانند که چون یاد کرده شود خدا بترسد دل ایشان و چون خوانده شود

عَلَيْهِمْ آيَتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رِزْقِهِمْ يُتَوَكَّلُونَ ۝۲۰

بر ایشان آیات خدا زیاده سازند آن آیات ایمان ایشان را و بر پروردگار خویش توکل می کنند آنکه

يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝۲۱

برپای می دارند نماز را و از آنچه روزی داده ایم ایشان را خرج می کنند این جماعت ایشانند مؤمنان

حَقَّاءَ لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝۲۲

حقایق ایشان را است مرتبه ها نزد یک پروردگار ایشان و آمرزش و روزی نیک چنانکه

أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

بیرون آورد ترا از بیت پروردگار تو از خانه تو به حق و بر آینه گردید از مسلمانان

لَكَرِهُونَ ۝۲۳

تا دوست نداشتند و حق می کردند با تو در سخن راست بود از آنکه ظاهر شد عوالت ایشانند پسوست

النُّبُوتِ وَهُمْ يُبْطِلُونَ ۝۲۴

مرگ و ایشان دوران می کردند و یاد کن نعمت الهی را نگاه که عده عده میداد بشما که از او گرفته که ستار بارش

وَوَدُّونَ أَنْ عِبْرَاتٍ الشُّوْكَةُ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخْرِجَ

و دوست می داشتید که عمر فوج جنگی شما را بود و می خواست خدا که ثابت کند

الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعُ دَابِرَ الْكَافِرِينَ ۝۲۵

دین حق را بکلمات حق و برید بنیاد کافران را اینخواست تا ثابت کند دین حق را بر طرف کند

وَدِينُ الْحَقِّ رَأْسُ الْبُرْهَانِ ۝۲۶

دین حق را برهان راست و برید بنیاد کافران را تا ثابت کند دین حق را بر طرف کند و دین

وَدِينُ الْحَقِّ رَأْسُ الْبُرْهَانِ ۝۲۶

وَدِينُ الْحَقِّ رَأْسُ الْبُرْهَانِ ۝۲۶

الباطل ولو كره المجرمون ۵ اذ يستغيثون ربكم فاستجاب لكم

دین باطل را اگر چه ناخوشنود یا ننگین همکاران و آنگاه که فریاد می کردید در جناب پروردگار خویش پس قبول کرد عافی شمارا

انی فیئدکم بالقرآن من الملیکة مریدین ۶ وما جعله الله الا بشرا

که من مد کشفه بشام هزار از فرشتگان از پی خود آمده جماعه دیگر را آورده و ساخت خدا این مدد را مگر برای آنکه

ولتطمینن به قلوبکم و ما النصیر الا من عند الله ان الله عزیر

و تا آرام گردان دل شما نیست مگر از نزد یک خدا هر آینه خدا غایب

حکیم ۱۰ اذ یغشیکم النعاس امنة منه ویزله عنکم من السماء

با حکمت است آنگاه که می پوشد شما را به پستی بجهت ایمنی از نزدیک خود و فرود می آورد بر شما از آسمان

ما یطهرکم به ویذهب عنکم رجس الشیطن ولیربط علی قلوبکم

آب باران تا پاک کند شمارا به آن و ببرد از شما آلودگی شیطان و تا به بندد بر دل شما تا بت و دلهارا

وینبت به الاقدام ۱۱ اذ یوحی ربکم الی الملیکة انی معکم

و تخم کند به آن پاها را و می آید آنگاه که وحی می فرستاد پروردگار تو بسوی فرشتگان که من با شما

ففتیوا الذین امنوا سألنی قلوب الذین کفروا الرعب فاضوا

پس استوار سازید مسلمانان را و عجب خواهیم کرد دل کافران پس بترسید

فوق الاعنناق واضربوا منهم کل بنان ۱۲ ذلک بانهم شاکوا الله

ای مسلمانان بالایا گرونها و بزنید از ایشان هر طرف دست و پای را این بسبب است که ایشان خلاف کردند با خدا

ورسوله و من یشاقق الله ورسوله فان الله شدید العقاب ۱۳

در رسول او و هر که خلاف کند یا خدا و رسول او پس خدا سخت عقوبت کننده است

ذلکم قد وقوه وان للکفرین عذاب النار ۱۴ یا ایها الذین امنوا

این را بپوشید و بدانید که کافران را است عذاب آتش ای مسلمانان

اذا القیتم الذین کفروا زحفافلا یؤلوهم الا ذبائر ۱۵ و من

چون بهم آیند آنرا ز کافران و در حاکم جمع شوند و میدان جنگ پس مگردانید بسوی ایشان پشت بار و هر که

یؤلوهم یومید بیره الا متحررا لقتال او متحیزا الی فیه فقد

مگردانید بسوی ایشان آن روز پس خود را مگردانید بر آن که متحرر است برای جنگ یا متحیز است به آن که متحیز است

بآء بغض من الله و ما فی به جهنم و بیئس المصیر ۱۶

باز گفت و خدا و جهنم است و بد جائی است و بد جائی است و بد جائی است

باز گفت و خدا و جهنم است و بد جائی است و بد جائی است و بد جائی است

و مترجم گوید درین آیات توفیق است بآن قصه که آنحضرت صلی الله علیه و سلم در غزوه بدر برانته غارت کردن کاروان قریش متوجه شد و این خبر بهر دوای رسید راه را عمل اختیار نمودند خلاص شدند ابو جیل اگر چه ایشان با لشکر کرمان از که بر آمده بودند مقبل آنحضرت شد بعضی اصحاب میل لغارت کردن کاروان کردند و جمعی قصه کارزار را شنیدند و مرضی آنحضرت جنگ را شکر بود و آن یمن بکنند بودند بعد از آنکه بهر هزار گشتند و بعد از آن پیغمبر از شدند و الله اعلم و آن مترجم گوید درین آیت توفیق است بآن قصه که روز بدر مسلمانان تشنه بودند و وحشت بودند آب نداشتند و ازین جهت و سوسه شیطان با خاطرات راه می یافت خدای تعالی باران فرستاد و پیغمبر را بر چشم ابراهیم مسلمانان را اضطرار دل ایشان بر طرفی تفسیر عثمانی علی مسلمانان می آید بر تافه تجارتی و عملی گانزد اما چنانکه خدای پیرای نموده و مال فرودا حاصل شود و دل هر کس خدایان بود که این جمعیت کوچک بے سر و سامان را با لشکر

باز گفت و خدا و جهنم است و بد جائی است و بد جائی است و بد جائی است

وَاذْكُرُوا اِذْ اَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْاَرْضِ تَخَافُونَ

و یاد کنید اے همایونانست ای آن وقت که شما اندک بودید تا توان شمرده در زمین یعنی در مکه می ترسیدید

اَنْ يَخْطِفَكُمْ النَّاسُ فَاَوْكُمْ وَاَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِمْ وَرَزَقَكُمْ مِنْ

از آنکه بر بایند شمار مردمان پس جائے داد شمار اینچنین و مددین و قوت داد شمار ابرهت خود و روزی داد شمار از

الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا لَا تَخَوْا اللَّهَ

چیز دے پاکیزه تا شود که سپاسداری کنید اے مسلمانان خجاست مکینه یا خدا

وَالرَّسُولَ وَتَخَوْا اَمْنِيَّتَكُمْ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَاَعْلَمُوا اَنَّ

و رسول و خجاست مکینه امانت بآن یک دیگر را و شما می دانید و بدانید که بر آئیند

اَمْوَالَكُمْ وَاَوْلَادَكُمْ فَفِتْنَةٌ وَاَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ اَجْرُ

الهای شما و فرزندان شما آزمایش بزرگ است و آنکه خدا نزد یک اوست مزد

عَظِيمٌ ۝ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا

بزرگ اے مسلمانان اگر بترسید از خدا پیدا کند برای شما تمایز را

وَيُفْرِغَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝

و درگذارد از شما گناهان شمارا و بیامزد شمارا و خدا صاحب فضل بزرگ است

وَاذْيُكِّرْكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُذَيِّبُوا أَوْ يَتْلُوا جُوكَ

و یاد کن کفایت این یا مکرر آنگاه که بدستگاری می گردند حق تو را قرآن تا جیس کند ترا یا بکشند ترا یا بکشند ترا یا بکشند ترا

وَيُكْرِمُونَ وَيُكْرِمُ اللَّهُ ۝ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ۝ وَاذْكُرُوا

و ایشان بدستگاری می گردند خدا بدستگاری می گردین بایان و خدا بهترین بدستگاری کننده است و ایشان چون خوانده شود برین جان

اَيْتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَذَا اِنْ هَذَا اِلَّا اَسَاطِيرُ

آیات ما گویند شنیدیم اگر خواهیم بگوئیم مانند این نیست این مگر افسانه

الْاَوَّلِينَ ۝ وَاذْكُرُوا اللّٰهَ اِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ

پیشینان و آنگاه که گفتند بار خدا یا اگر هست این قرآن راست از نزد تو

فَاَمْطِرْ عَلَيْنَا حَجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ اَوْ اَتِنَا بَعْدَ اِيْمٍ ۝ وَمَا

پس ببارد بر ما سنگ از آسمان یا ببارد بر ما عذاب دردناک را نیست

كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَاَنْتَ فِيهِمْ ط وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ

خدا که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی و نیست بر تو خدا عذاب کننده ایشان

خدا که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی و نیست بر تو خدا عذاب کننده ایشان

خدا که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی و نیست بر تو خدا عذاب کننده ایشان

و یاد کنید اے همایونانست ای آن وقت که شما اندک بودید تا توان شمرده در زمین یعنی در مکه می ترسیدید
از آنکه بر بایند شمار مردمان پس جائے داد شمار اینچنین و مددین و قوت داد شمار ابرهت خود و روزی داد شمار از
چیز دے پاکیزه تا شود که سپاسداری کنید اے مسلمانان خجاست مکینه یا خدا
و رسول و خجاست مکینه امانت بآن یک دیگر را و شما می دانید و بدانید که بر آئیند
الهای شما و فرزندان شما آزمایش بزرگ است و آنکه خدا نزد یک اوست مزد
بزرگ اے مسلمانان اگر بترسید از خدا پیدا کند برای شما تمایز را
و درگذارد از شما گناهان شمارا و بیامزد شمارا و خدا صاحب فضل بزرگ است
و یاد کن کفایت این یا مکرر آنگاه که بدستگاری می گردند حق تو را قرآن تا جیس کند ترا یا بکشند ترا یا بکشند ترا یا بکشند ترا
و ایشان بدستگاری می گردند خدا بدستگاری می گردین بایان و خدا بهترین بدستگاری کننده است و ایشان چون خوانده شود برین جان
آیات ما گویند شنیدیم اگر خواهیم بگوئیم مانند این نیست این مگر افسانه
پیشینان و آنگاه که گفتند بار خدا یا اگر هست این قرآن راست از نزد تو
پس ببارد بر ما سنگ از آسمان یا ببارد بر ما عذاب دردناک را نیست
خدا که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی و نیست بر تو خدا عذاب کننده ایشان
خدا که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی و نیست بر تو خدا عذاب کننده ایشان
خدا که عذاب کند ایشان را و تو میان ایشان باشی و نیست بر تو خدا عذاب کننده ایشان

فتح الرحمن

دل بچه سفت الله
 آنست که تا اینجا بر
 در میان قوم باشد
 عذاب عام نمی کند
 و همچنین تا آنکه ایشان
 استغفاری کنند عذاب
 نمی آید ۱۱ و بفرست
 بجز حضرت مهدی علیه
 از میان ایشان ۱۲
 و این اصل کتاب
 عذاب دارند لیکن چون
 پشیمان و میان ایشان
 مانع بود احوال
 برخواست ۱۳
 مترجم گوید و این
 تصویر است حال
 کسی که بخواهد جزه
 کل چیزها باطل
 سازد و فتح کند ۱۴
 و نیز از اسلام ۱۵
 تفسیر عثمانی
 ع ۱۱ و نیز مانع نزول
 خداست کسی که بگوید
 پیغمبر میان آنها دم
 استغفار یعنی در مک
 کرم به من قدم آنگاه
 معلوم عذاب معلوم بود
 اکنون بر آنها هم
 عذاب فرود آمد
 پس هور داد ۱۶
 سکه گزاف نام ۱۷
 باشد و به قوب ادا
 بدید مورد و عده
 می شود و در بزرگ
 ترین گناه کرده باشد
 حضرت پیغمبر فرمود پنا
 گز گمان دو چیز است
 یکی وجود من و دیگری
 استغفار کذابی
 الموضع عده
 کسی که ناز گردان
 حقیقی را از مسجد باز
 می دارند ناز و نشان
 چه از دش دارد و برین
 بطریق کبر برداشتن
 بجای و کفر خدا صغر
 کشیدن و کفر زدن چنانکه در اکثرین امر و نیز نواختن رنگ و نواختن عبادت بزرگ دانسته می شود و عرض خود خدا را نمی پرسند و در میان را می گذارند و بیای

وَهُوَ يَسْتَغْفِرُونَ ۵ وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ
 و ایشان استغفاری کنند ۵ و چیست مرایش ترا که عذاب نکند ایشان را و خدا احوال آنکه ایشان باز میمانند یعنی مردمان را
 و ایشان معفرت خواهند ع ۵ و چیست آن بار که عذاب نکند ایشان را خدا و ایشان باز می دارند مردمان را
 حَرَّمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ ط إِنَّ أَوْلِيَاءَهُ إِلَّا
 از مسجد حرام ۵ و نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند
 از مسجد حرام ۵ و نیستند آنها متولیان امر مسجد حرام نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند سزاوار آنجا نیستند
 السَّاقُونَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۶ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ
 متقیان ۶ و لیکن بیشترین ایشان نمی دانند ۶ و نیست نماز ایشان نزدیک
 پرستشگران ۶ و لیکن بیشتر ایشان نمی دانند ۶ و نیست نماز ایشان نزدیک
 الْبَيْتِ الْأَمْكَاءُ وَتَصَدَّقَتْ فِدْوَةُ الْعَذَابِ بِمَا كُنْتُمْ
 خانه گنبد ۶ و صدقه کردن و دستک زدن پس بچشید اسه کافران عذاب را بسبب
 خانه گنبد ۶ و صدقه کردن و کف زدن پس بچشید ای کافران عذاب را بسبب
 تَكْفُرُونَ ۷ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيُفْقُونَ أَمْوَالَهُم لِيَصُدُّوا عَنْ
 کافر شدن خود ۷ هر آینه کافران ۷ خرج می کنند اموال خود را تا باز دارند مردمان را از
 کافر شدن خود ع ۷ هر آینه کافران ۷ خرج می کنند اموال خود را تا باز دارند مردمان را از
 سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُفْقُونَ نَهَا تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةٌ ثُمَّ يَغْلِبُونَ ۸ وَ
 راه خدا ۸ پس زود باشد که خرج کنند آنرا باز باشد آن خرج کردن ایشان را برای آن باز مغلوب شوند و
 راه خدا ۸ پس زود لطف کنند مال خود را باز باشد آن خرج کردن بر ایشان افسوس باز مغلوب شوند و
 الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى تَحْتِهِمْ يَحْشُرُونَ ۹ لِيُمِيزَ اللَّهُ الْأَخْيَافَ مِنَ الطَّيِّبِ
 کافران بسوی دوزخ رانده شوند ۹ تا جدا سازد خدا ناپاک را از پاک
 آنرا که ثابت باشند بر کفر بسوی دوزخ رانده می شوند تا جدا سازد خدا ناپاک را از پاک
 وَيَجْعَلُ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ فَيَرْكَبُ رُجُوعًا فَيَجْعَلُهُ فِي
 و بنهد ناپاک را بعضی آن را بر بعضی پس توده سازد و بفرود آید جایی در آرد و
 و بنهد ناپاک را بعضی آن را بر بعضی پس آید سازد و بفرود آید جایی تا پس بپاشد و
 جَهَنَّمَ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۱۰ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ يَنْتَهُوا
 دوزخ ۱۰ ای بندگان ایشانند زیرا کافران ۱۰ بگو کافران را اگر باز ایستند
 دوزخ ۱۰ آن جماعه ایشانند زیرا کافران ۱۰ بگو برای آنها که کافرانند اگر باز ایستند
 يَغْفِرْ لَهُمْ قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنتُ الْأَوَّلِينَ ۱۱
 آمرزیده شود ایشان را آنچه گذشت و اگر عود کنند پس بر آینه گذسته است روش پیشینان
 آمرزیده شود ایشان را آنچه گذشت و اگر عود کنند پس بر آینه گذسته است روش پیشینان
 وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كَلَهُ لِلَّهِ
 و کارزار کنید ای مسلمانان با ایشان تا آنکه نیامد هیچ فتنه علیه کفر و باشد دین همه
 و کارزار کنید ایشان تا آنکه نیامد هیچ فساد (علیه کفر) و باشد دین همه برای خدا
 فَإِنْ انْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۱۲ وَإِنْ تَوَلَّوْا
 پس اگر باز ایستند از شرک پس بر آینه خدا با آنچه می کنند بیناست و اگر روی بگردانند و
 پس اگر باز ایستند از شرک پس بر آینه خدا با آنچه می کنند بیناست اگر روی بگردانند
 فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۱۳
 پس بدانند که خدا مدد کار شماست نیک مدد کار است و نیک یاری دهنده است
 پس بدانند که بر آینه خدا مدد کار شماست نیک مدد کار است و نیک یاری دهنده است

فل در این حال

ابو جبریل و تاجران است

۱۲ منعت تشقیق

پاوست تو انوار انوار

یا فتی پانا انوار

جنگ شود پیر بیگانه

تشریف بیا که بیزنا

تقریر عثمانی

عنه قریش به قوت

و جیت خویش منور

بودند و اتم باجی کن

سازند و محاسنی بنویسند

و در اندیشه بودند که بیا

بی گناه سدره کاشی

شان کرده دران انشا

نور اشیا بر این ابر

ریش گناه یعنی سرقه

این ملک با فوجی از

زیرت خویش نمودند

شد تا قریش را انوار

و ترمید بهت نماید

و ابو جبریل بر سر

دانش الهی است

داد که ما هم ۲

ملک و حمایت شما فاعلم

از طرف کنایه بی ظاهر

مع باشد که ما با شما

چون در مدینه

جنگ شدت کرد

شیطان جبریل و

دیگر فرشتگان را دید

از همدستی ابو جبریل

کشیده راه فرار پیش

عزیز ابو جبریل گفت

ای سراقه اکنون که

باید ملک کنی کجا می

جواب داد که من باشا

بوده می توانم من چیز

بائی را می بینم که شاز

مشاهده آن تا صریح

یعنی فرشتگان خدا

از قوس این نوح

خدا می آید و ندم

و پیش ازین تاب

و مقاومت در من

نماده چه می ترسم که

در عذاب شدیده آفت

و جیم گرفتار آیم متاد می یابد

در دشت افتاده چون می دانست که

وقت ملک لشکر قریش فراموش است و هیچ قوی آنها

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِنَ لَهُ بِرُفُؤِهِ

و رسول او را و باید بگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید و بدو دولت شما و شکست بیانی و درید

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِنَ لَهُ بِرُفُؤِهِ

و رسول او را و باید بگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید و بدو دولت شما و شکست بیانی و درید

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِنَ لَهُ بِرُفُؤِهِ

و رسول او را و باید بگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید و بدو دولت شما و شکست بیانی و درید

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِنَ لَهُ بِرُفُؤِهِ

و رسول او را و باید بگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید و بدو دولت شما و شکست بیانی و درید

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِنَ لَهُ بِرُفُؤِهِ

و رسول او را و باید بگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید و بدو دولت شما و شکست بیانی و درید

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِنَ لَهُ بِرُفُؤِهِ

و رسول او را و باید بگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید و بدو دولت شما و شکست بیانی و درید

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِنَ لَهُ بِرُفُؤِهِ

و رسول او را و باید بگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید و بدو دولت شما و شکست بیانی و درید

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِنَ لَهُ بِرُفُؤِهِ

و رسول او را و باید بگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید و بدو دولت شما و شکست بیانی و درید

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِنَ لَهُ بِرُفُؤِهِ

و رسول او را و باید بگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید و بدو دولت شما و شکست بیانی و درید

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِنَ لَهُ بِرُفُؤِهِ

و رسول او را و باید بگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید و بدو دولت شما و شکست بیانی و درید

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِنَ لَهُ بِرُفُؤِهِ

و رسول او را و باید بگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید و بدو دولت شما و شکست بیانی و درید

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِنَ لَهُ بِرُفُؤِهِ

و رسول او را و باید بگر نزاع مکنید که درین صورت بزدل شوید و بدو دولت شما و شکست بیانی و درید

و رَسُولُهُ وَلَا تَنَازَعُوا فِي شَأْنِهِ وَأُتِنَ لَهُ بِرُفُؤِهِ

ولا یغنی عنکم
بکفران نعمت طاعت
را بصحت ۱۲
وق مترجم گوید توبه
است تقابل بهر دو
آنحضرت صلی الله علیه
وآله وسلم ایشان صلح کرد
بودند ایشان وقت
بعد وقت عقد می نمودند
والله اعلم بالصواب
طاعت نقص عهد
بر شهادت بنیاد والله
اعلم بالصواب
استعمال آلات جنگ
مثل تیراندازی ۱۲
و یعنی اهل تفان
را و الله اعلم بالصواب
یعنی توبه او و الله
اعلم بالصواب مترجم
گوید این امر برائے
اباحت است والله
اعلم بالصواب
تفسیر عثمانی
عنه یعنی توکل نمودن
بجای این نیست که
الاصحاب ضروری و
تعلیم مشروع ترک نشود
بلکه بر مسلمانان فرض
است که حق الوصی
و مسافر جهاد و افواجم
نمایند و عهد و عهده
بنوی مشق اسب
سواری مستحب زدن
تیراندازی داخل
اسباب جهاد بود امر
سابقین و استعجال
نمودن توبه تفنگ
طیاره کشی با تیر
تحت البحر، تانگ
توپخانه فنون جنگ
در زش و سایر تفریبات
بدنی بر دستان جهاد
است و همچنین اسلحه
و آلات حربی که هر
آینده آماده میشود
الانفال ۱۲۷

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعَمَهُ أَنْتُمْ عَلَىٰ قُوَّةٍ حَتَّىٰ يَغْيِرَ مَا
این بسبب آنست که خدا هرگز نیست نیز دهنده نعمت را که انعام کرده باشد آنرا بر قوه شما آنکه ایشان بدل کنند حال را
این بسبب آنست که خدا هرگز نیست نیز دهنده نعمت را که انعام کرده باشد آنرا بر قوه شما آنکه ایشان بدل کنند حال را
بأنفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ كَذَّابُ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ
کرد ذات ایشان است و هر آینه خداست و او دانست مانند عادت کسان فرعون و آنانکه
مَنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا
پیش از ایشان بودند و در غم خوردند آیات پروردگار خویش را پس هلاک ساختیم ایشان را بظنایان ایشان و غرق ساختیم
پیش از ایشان (بودند) و در غم خوردند آیات پروردگار خویش را پس هلاک ساختیم ایشان را بظنایان ایشان و غرق کردیم
آلِ فِرْعَوْنَ وَكُلَّ كَاذِبٍ ۝ إِنَّ شَرَّ الدِّينِ دِينُ الْفِرْعَوْنِيِّينَ ۝
کسان فرعون را و هر یک ستکار بودند هر آینه بدترین جنیدگان نزد خدا آنانند
کسان فرعون را و همه ستکار بودند هر آینه بدترین جنیدگان نزد خدا آنانند
كُفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ عَاهَدُوا مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ
که کافر شدند پس ایمان نمی آورند آنانکه عهد بسته با ایشان باری می کردند
که کافر شدند پس ایشان ایمان نمی آورند آنانکه عهد بسته با ایشان باری می کردند
عَاهِدَهُمْ فِي كُلِّ مَكْرَةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ۝ فَاَمَّا تَتَقَفْتُمْ فِي الْمَكْرِ
عهد خود را در هر مرتبه و ایشان پیر میزدی گفتند پس اگر بیای ایشان را در جنگ
عهد خود را در هر مرتبه و ایشان پیر میزدی گفتند پس اگر بیای ایشان را در جنگ
فَقَرَّدَهُمْ مِنْ خَلْفِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَأَمَّا خُفَّاءُ مِنْ قَوْمِ
متفرق ساز بسبب کشتن ایشان آنان را که پس پشت ایشان باشند بود که پندیده می شدند و اگر برتری از گروه
پس متفرق ساز بسبب کشتن ایشان آنان را که پس پشت ایشان باشند تا ایشان پندیده می شدند و اگر برتری از گروه
خِيَانَةٍ فَأَتْبَدَّ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِبِينَ ۝
خیانت را پس بازگردان بسوی ایشان عهد ایشان را بخواه که همه برادر شوند و بر آینه خدا دوست می دارد و خیانت کنندگان
خیانت را پس بازگردان بسوی ایشان عهد ایشان را بخواه که همه برادر شوند و بر آینه خدا دوست می دارد و خیانت کنندگان
وَالَّذِينَ كَفَرُوا اسْبِقُوا إِلَهُهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ۝ وَأَعِدُّوا
و باید که نه پندارند کافران که ایشان پیش دستی کرده اند بر آینه ایشان عاجز شوند و بسیار به اسلحانان
و نه پندارند کافران که ایشان پیش دستی کردند در گریز هر آینه ایشان عاجز کرده نتواند (دارد) و آماده سازید
لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ
برای ایشان آنچه توانید از توانائی و از آماده داشتن اسبان بترسانید بان
برای ایشان آنچه توانید از توانائی و آماده گشتن از اسبان بسته علیه که ترسانید بان
عَلَىٰ وَاللَّهُ وَعْدٌ حَقٌّ ۝ وَأَخْرَجْنَا مِنْ دُونِهِمْ مَنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ
و دشمنان خدا را و دشمن خویش را و قومی دیگر نیز بجز ایشان نمی دانید ایشان را خدا
و دشمن خدا و دشمن خویش را و قومی دیگر نیز بجز ایشان نمی دانید ایشان را خدا
يَعْلَمُهُمْ وَتَفَقَّهُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَوْفُ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ
می دانید ایشان را و آنچه خرج کنید از هر چه باشد در راه خدا تمام داده شود بپشت و شما
می دانید ایشان را و آنچه خرج کنید از هر چه باشد در راه خدا تمام داده شود و شما
لَا تَطْلُمُونَ ۝ وَإِنْ جُنَحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْزِلْ لَهَا وَتُكَلِّمُ عَلَى اللَّهِ
ستم کرده نشوید و اگر میل کنید به صلح گوئید پس بسوی آن و توکل کن بر خدا
ستم کرده نشوید و اگر میل کنید به صلح گوئید پس بسوی آن و توکل کن بر خدا

در این آیت داخلی باشد راجع به اسب حضرت پیغمبر گفته است "الحیل معقوفی فی اوصیای الخیر الیوم الفیقه" یعنی خداوند خیر را تا قیامت در پیشانی اسب گذاشته است

اِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝۳ وَاِنْ يُرِيدُوْا اَنْ يَّخُذُوْكَ فَاِنَّ

بر آینه و سه ششوا دانا است و اگر خواهند که فریب دهند ترا پس

حَسْبُكَ اللهُ هُوَ الَّذِيْ اَيَّدَكَ بِنُصْرِهِ وَيَالِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۝۴ وَالْف

کفایت کننده است ترا خدا بهو نیست آنکه قوت داد ترا بیاری دادن خود و مسلمانان و بهو نیست آنکه الفت داد

بَيْنَ قُلُوْبِهِمْ لَوْ اَنْفَقْتَ مَا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا مَا اَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوْبِهِمْ

میان دلهاست ایشان اگر خرج می کردی آنچه در زمین است همه نمی الفت میان دل های ایشان

وَلَكِنَّ اللهَ اَلَفَ بَيْنَهُمْ اِنَّهٗ عَزِيزٌ حَكِيْمٌ ۝۵ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللهُ

و لیکن خدا الفت در میان ایشان بر آینه و سه غالب با حکمت است اے پیغمبر کفایت کننده است ترا خدا

وَمَنْ اَتْبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ۝۶ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِيْنَ

و کفایت کند ترا آنکه پیروی تو کرده اند از مسلمانان اے پیغمبر رغبت ده مسلمانان را

عَلَى الْقِتَالِ اِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُوْنَ صَابِرُوْنَ يَغْلِبُوْا مِائَتِيْنَ

بر جنگ اگر باشند از شما بیست کس صبر کنند غالب شوند بر دوه صد کس

وَاِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِّائَةٌ يَغْلِبُوْا اَلْفًا مِّنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يَا تَهَمُّقِيْ

و اگر باشند از شما صد کس غالب شوند بر هزار کس از کافران بسبب آنکه ایشان گروهی هستند

لَا يَفْقَهُوْنَ ۝۱ اَلَنْ خَفَّفَ اللهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ اَنْ فِيْكُمْ ضَعْفًا فَاِنْ

که نمی فهمند و اکنون سبک ساخت خدا از سر شما و دانست که در میان شما ضعف هست پس اگر

يَكُنْ مِنْكُمْ مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوْا مِائَتِيْنَ وَاِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ اَلْفٌ

باشند از شما صد کس شکلیا غالب آیند بر دوه صد کس و اگر باشند از شما هزار کس

يَغْلِبُوْا اَلْفَيْنِ بِاِذْنِ اللهِ وَاللهُ مَعَ الصَّابِرِيْنَ ۝۲ مَا كَانَ لِنَبِيٍّ

غالب آیند بر دوه هزار کس بفرمان خدا و خدا با صابران است و

اَنْ يَكُوْنَ لَهُ اَسْرٰى حَتّٰى يَتَّخِذَ فِي الْاَرْضِ تُرْبِدُوْنَ عَرَضٌ

که بدست دے اسیران باشند تا آنکه قتل بسیار بوجود آورد در زمین می خواهید مال

الدُّنْيَا وَاللهُ يُرِيْدُ الْاٰخِرَةَ وَاللهُ عَزِيزٌ حَكِيْمٌ ۝۳ لَوْلَا كُنْتُ مِنَ

دنیا را و خدا می خواهد مصلحت آخرت را و خدا غالب با حکمت است اگر نبود دے حکم

اللهِ سَبَقَ لَكُمْ سَبَقٌ فِيمَا اَخَذْتُمْ عِزَابٌ عَظِيْمٌ ۝۴ فَكُلُوْا مِنْ اَمْوَالِكُمْ

خدا پیشی گرفته و میرسد به شما در آنچه گرفته اید عذاب بزرگ پس بخورید از آنچه غنیمت گرفته اید

وَمِنْ ثَمَرِهَا وَاِذَا رَكِبْتُمْ فِيْهَا فَاَكْلُوا مِنْ ثَمَرِهَا وَاِذَا رَكِبْتُمْ فِيْهَا فَاَكْلُوا مِنْ ثَمَرِهَا

و از میوه آن و اگر سوار شوید بر آن بخورید از میوه آن و اگر سوار شوید بر آن بخورید از میوه آن

دل مترجم گوید چون این آیت نازل شد واجب گشت ثبات پاد و چندان از کفار بعد از آن فسون شد بوجوب ثبات در مقام دو چندان و التماس ۱۲ دل مترجم گوید چرا از اسیران بد خدا گرفته با چشمه و خوش و مرغی نزدیک خدا تعالی قتل اینجا بود لیکن چون نبی صریح ممنوع نشده بود غلو فرمود و این آیت نازل شد ۱۳ دل یعنی بعضی غیر منصوص و التماس تفسیر عثمانی ۱۴ در این آیت بمسلمانان ترتیب جهاد است یعنی اگر چه اندک باشند دل از دست ندهند بنیای الهی بر دشمنی که در برابرشان باشند غلبه می شود زیرا مسلمانان خاص و راه خدای جنگند و جزوهای و مطیع ندارند مردن را در راه خدا اصل زندگی دانسته و بجنگ حاضر میشوند در حال فتح و شکست یقین دارند که زیادهای به نتایج قربانی های خویش در آخرت نایز میگردند و در آخرت جای کر راهی حلالی که اندکی ی کشنده مرگ است بهم آغوش می شوند آن گاه که باین نیست جهاد کنند تا ایستادگی رانی مدی کنند انچه مرگ بر کتبی می گردند و از این دو مالان شجاعت جنگ می نمایند کافر چون این حقیقت را می داند بر آنه اغراض نمائی و حیرانند بهایم می جنگد و از دست طلب و قدرت غیب خود می مانده

فتح الرحمن

طایفه سلاطین

میان این قرابت که

اصحاب فروض و

عصبات اند لازم است

والله اعلم بالصواب

گوید سال هم حضرت

پیغامبر صلی

الله علیه و

وسلم علی رقی

و ادوم

ع فرستاد تا بگوید

مشرکان را بربانند

الاخباره ایشان

را فرستاد تا بگوید

طوبی که کند مکر و

فرقه بی ضرر بنویسد

که خیانت در عهد نموده

بودند پس خدا استیلا

عبد ایشان را تا بسپارد

آن مقرر داشت و

تا آنکه از عهد بگذرند

بجای مشرک بی نیاید

و بیج برین طاعت

کعبه نموده و اصل سوره

براست بر ایشان

رغوا و الله اعلم

و کاینکه آن چهار ماه

که ایشان را فرستاد

داده بودند

تفسیر عثمانی

بقیه سوره

خاصه بشر است که چون

کار شود بر مردم که غیر

شود بشهادت آنرا

انجام دهند و هر کس پیش

از نیروی خویش بذل

جهت نماید و اگر با انجام

آن جمیع بزرگی

موظف شوند یکی بکلی

و دیگر جانشین بپندارد

که تنها شخص دی سوره

انجام آن نیست ازین

دو شهادت و جهت آنرا

که شود حضرت شاه

فرای چون بگویند

مسلمانان عین کمال

تر بود که آنها امر شد که اگر کافران ده برابرشان باشند نیز جهاد کنند مسلمانان با بعد که قدی عقب تر بودند حکم شد که با دو چند خویش جهاد نمایند تا اکنون نیز این حکم نافذ است

حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ

تحقیقت ایشان را آمرزش در روزی نیک و آنانی که ایمان آوردند پس ازین و

حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ

تحقیقت ایشان را آمرزش در روزی نیک و آنانی که ایمان آوردند پس ازین و

هَاجِرُوا وَجَاهِدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِثْلُكُمْ وَأُولَئِكَ

هجرت نمودند و جهاد کردند همراه شما این گروه نیز از شماست و هجرت کردند و جهاد کردند همراه شما پس این جماعه از شماست

بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝

بعض ایشان را نزد یک تر اند بیخشی در حکم خدا است بر آئینده خدا بهر چیز داناست و بعض ایشان را نزد یک تر است بر بعضی در حکم خدا بر آئینده خدا بهر چیز داناست

سُورَةُ التَّوْبَةِ مِائَتًا وَنِصْفًا وَمَنْ يَتُوبْ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ فَأَوْفُوا بعهدهم

سوره التوبه مئید و نیم است و هر که توبه کند به خدا و رسول او و بعهده ایشان

بِرَأْيِهِ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝

بر آنچه از جانب خدا و رسول او و بعهده ایشان از مشرکان پس بپایند ای مشرکان

فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ ۝

در زمین چهار ماه و بدانید که شما نه عاجز کننده خدا باشید و بدانید که

اللَّهُ يُخَذِّبُ الْكَافِرِينَ ۝ وَأَذَانٌ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ

خدا رسوا کننده کفار است و اعلام است از خدا و رسول او بسوی مردم

بِأَنَّكُمْ تَبِيتُمْ قُلُوبَكُمْ وَلَكُمْ أَلْسُنٌ حَرْشٌ لَكُمْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي

توبه نمیدانید آن بهر تریاست شما و اگر روی برگردانید پس بدانید که شما نه عاجز کننده

اللَّهُ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعِذٌ إِلَىٰ آلِهِمْ ۝ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ

خدا ایید و خبر ده آن کسان را که کافر شدند بعهده ایشان و بپایند

مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ

از مشرکان پس چیزی کم نکردند به شما در چیزی و بر شما

أَحَدًا فَأَتَتْهُمْ أَلْيَهُمُ عَهْدُهُمْ إِلَىٰ مَدَنٍ تَحِيطُ بِهَا اللَّهُ يَحِبُّ

کسی را پس بپایند بپایان ایشان را تا مدت ایشان هر آئینده خدا دوست می دارد

الْمُتَّقِينَ ۝ فَإِذَا السَّلَاحُ رَمَوْا الْحَرَمَ فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ

پیر بپایند کاران را پس چون آخر شوند ماه بپایند حرام و بپایند مشرکان را بر جا که

بِمَدَنٍ تَحِيطُ بِهَا اللَّهُ يَحِبُّ ۝ فَإِذَا السَّلَاحُ رَمَوْا الْحَرَمَ فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ

بپایند کاران را پس چون آخر شوند ماه بپایند حرام و بپایند مشرکان را بر جا که

بِمَدَنٍ تَحِيطُ بِهَا اللَّهُ يَحِبُّ ۝ فَإِذَا السَّلَاحُ رَمَوْا الْحَرَمَ فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ

بپایند کاران را پس چون آخر شوند ماه بپایند حرام و بپایند مشرکان را بر جا که

بِمَدَنٍ تَحِيطُ بِهَا اللَّهُ يَحِبُّ ۝ فَإِذَا السَّلَاحُ رَمَوْا الْحَرَمَ فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ

بپایند کاران را پس چون آخر شوند ماه بپایند حرام و بپایند مشرکان را بر جا که

بِمَدَنٍ تَحِيطُ بِهَا اللَّهُ يَحِبُّ ۝ فَإِذَا السَّلَاحُ رَمَوْا الْحَرَمَ فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ

بپایند کاران را پس چون آخر شوند ماه بپایند حرام و بپایند مشرکان را بر جا که

بِمَدَنٍ تَحِيطُ بِهَا اللَّهُ يَحِبُّ ۝ فَإِذَا السَّلَاحُ رَمَوْا الْحَرَمَ فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ

بپایند کاران را پس چون آخر شوند ماه بپایند حرام و بپایند مشرکان را بر جا که

بِمَدَنٍ تَحِيطُ بِهَا اللَّهُ يَحِبُّ ۝ فَإِذَا السَّلَاحُ رَمَوْا الْحَرَمَ فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ

بپایند کاران را پس چون آخر شوند ماه بپایند حرام و بپایند مشرکان را بر جا که

بِمَدَنٍ تَحِيطُ بِهَا اللَّهُ يَحِبُّ ۝ فَإِذَا السَّلَاحُ رَمَوْا الْحَرَمَ فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ

بپایند کاران را پس چون آخر شوند ماه بپایند حرام و بپایند مشرکان را بر جا که

بِمَدَنٍ تَحِيطُ بِهَا اللَّهُ يَحِبُّ ۝ فَإِذَا السَّلَاحُ رَمَوْا الْحَرَمَ فَأَقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ

بپایند کاران را پس چون آخر شوند ماه بپایند حرام و بپایند مشرکان را بر جا که

وَجَدَ لَهُمُ وُحْدًا وَهُمْ وَاحِصُونَ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ

ویند کنید ایشان را و بنشینید برائے ایشان هر گزین گاه

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ

پس اگر توبه کنند و بر پا دارند نماز را و بدهند زکوة را پس بگذرید راه ایشان را هر گزین گاه

اللَّهُ عَفُوفٌ رَحِيمٌ ۝ وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَاجِرٌ

خدا آمرزنده مهربان است و اگر کسی از مشرکان طلب امان کند از تو امان بده او را

يَحْتَسِبُ يَوْمَ تَأْتِي سَآءٌ مِّنْ رَبِّكَ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ

در روزی که آید سزاوارتی از سوی خدا و اولیای رحم در پیش او

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ

چگونه بود مشرکان را عهده نزد خدا و نزد رسول او الا آنکه

عَاهَدُوا عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَامُوا لَهُمْ فَاسْتَقِيمُوا

عهد بسته بودند برای مسجد حرام پس بآنها استقامت کنید و بآنها استقامت کنید

لَهُمْ إِنْ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۝ كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا

برای ایشان اگر خدا دوست میدارد پرهیزگاران را چگونه بود مشرکان را عهد و اگر ظاهر شوند بر شما

ذَيْفَكُمْ إِلَّا أَوَّلَ مَا يُرْضَوْنَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ

در باطن منافق و نخستین عهد و ضمانت میسازند شما را به زبان خویش و قبول نمی کنند دل ایشان و بیشتر ایشان

فَيَقْتُلُونَ ۝ أَسْأَلُكُمْ فِي اللَّهِ تَعَالَىٰ لَمَّا قُلْتُ لَكُمْ فَوَدَّ بَعْضُكُمْ أَن يَبْسُطَ

و قتل می کنند و من میسازم شما را در خداوند تعالی که گفتم که بخواهید بعضی از شما

لَهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وُكُلًا

برای ایشان بد است آنچه می کنند و در مؤمنی جز کل را نمی ترسند

لَهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ

پس اگر توبه کنند و بر پا دارند نماز را

وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ۝ وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ

و بدهند زکوة را پس بگذرید راه ایشان را و اگر کسی از مشرکان طلب امان کند

فَاجِرٌ يَحْتَسِبُ يَوْمَ تَأْتِي سَآءٌ مِّنْ رَبِّكَ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ

در روزی که آید سزاوارتی از سوی خدا و اولیای رحم در پیش او

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ

چگونه بود مشرکان را عهده نزد خدا و نزد رسول او الا آنکه

ففي الرحمن
فصل مترجم گوید
آنحضرت صلی الله
علیه وسلم با کفار قریش
صلح کرده بودند و اتفاقاً
در مقام صلح آمدند بر
کشتن حلفائے آنحضرت
اعانت نمودند و این
صورت بسبب فتنه
شد خلفائے ثانی برای
تفریب بر طرفه فتح
آیات فرستادند
یعنی گفت ای مدینه
ما را که در مدینه است
پاره از در و در و در
سازمان من اوردت
مشهور ۱۲ نسخ گذر
جاءه الان فلاح
جاءه منی کا احصوا
گنجه و مرشد تاک که
جگه ارشد انتظار کن
تاک من درینا فلاح
چیز و در فلاح
فلاح قریش کرد
مدینه با ایشان صلح
واقع شده بود و
یعنی تا این شهر نفس
شسته ایامی تنگ کردند
تفسیر عثمانی
عنه قریش قسم با میان
بار داشتند و در مدینه
خلاف عهد بر علیه خراج
بانیو بکرده بودند و
از بکرت برای اخراج
رسول الله صلی الله
علیه وسلم از وطن محقر
او که منظر امتیاز
طرح و بالاخره سبب
اخراج وی صلی الله
علیه وسلم شد ۱۰ اذا
خرجه الاوین کفو انالی
اشفق الامیر و در کعبه
مسلمین بی گناه و
سبب ظلم آغاز کردند
اگر چه قتل و کشتن
سفیان از خطر غارت
یاقت محض از روی
تاریخ

در روزی که آید سزاوارتی از سوی خدا و اولیای رحم در پیش او

والمی تکلیف چهار
نشود و ۱۲ و مترجم
توبه توبه است
بجواب مغفرت توبه
باعت سجد حرام ۱۲
تفسیر عثمانی
بقیه صفحہ ۱۸۱
اگر مبینہ از
وقت وجوب و ساز
و برگ کلامی است
دل پدید آید باید
خوف خدا و دلہائی
شان بیشتر باشد نیک
بدانند که چون خوف
خدا و دل جاکند دیگر
خوف با فرار کن تلافی
ایمان آنست که میند
از نافرمانی خدا قهر
وی در بر اس باشد
زیر انفع و طریقی
در قدرت او تعالی
است و بیج خلق
بے مشیت او تعالی
بر کو چک ترین نفع
و ضرر تو انباشت
عنه ایجا حکمت
دیگر شریعت جہاد
فرو خود شده یعنی
کسیکه بزبان
و عوی بندگی و
ایمان می کند بسیار
اندولی تا محکم امتحان
در میل نباشد خالص
و متخشوش تریز گردد
خدای تعالی بوسیله
جہاد آشکاری سازد
که کدام مسلمان در
راه وی باشد
و دارای آموخته است
و نفع و جز خدا و
رسول و مسلمانان
اورا دوست و همکار
باشد هر چند آن کس
اورا قوم و خویش بود
این صحت است که
مبین بر آن از خون
مکشوند تا به جہاد و عمل

فَقَاتِلُوا أَيُّهَا الْكُفْرُ إِنَّهُمْ لَا آيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ①
پس کاردار کنید یا پیشوایان کفر هر آینه سوگند نیست ایشان را بود که ایشان باز مانند
پس جنگ کنید یا پیشوایان کفر بشک ایشان را هیچ قسمی نیست جنگ کنید با ایشان تا باز آیند (از سرنگینی و لغو جوی)
الْأَتَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَلُوا بِأَخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ
آیا جنگ می کنید با گروهی که شکستند سوگندان خویش را و قصد کردند جلا وطن ساختن پیغامبر را و ایشان
آیا کاردار نمی کنید با قومی که شکستند قسمی که خود را و قصد (مستوره) کرده بودند پیروان رسیدن رسول از کفر و ایشان
بَدْعُكُمْ أُولَٰ قُرْآنَ ۖ أَمْ خَشَوْهُمْ ۖ فَاللَّهُ أَعْلَمُ أَنَّ خَشْيَةَ إِيَّانَ كُنْتُمْ
ابتدا کردند نقض عهد با شما اول مرتبه ایما می ترسید از ایشان پس خدا سزاوار تر است تا آنکه ترسید از وی اگر
ابتدا نمودند بقتال شما اول بار آیا می ترسید از ایشان پس الله سزاوار تر است که ترسید از وی اگر ترسید
مُؤْمِنِينَ ② قَاتِلُوا هُمُ يَعْلَمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَهَاجَرْتُمْ وَنَصَرْتُمْ
مسلمانان جنگ کنید با ایشان تا عذاب کند ایشان را عذاب است شما و رسول سزاوار ایشان را و هیچ دهر شمارا
مومنان عه جنگ کنید با ایشان تا عذاب کند ایشان را الله بدست می یابان و رسول الله نهار و لغت دهر شمارا
عَلَيْهِمْ وَيُكَفِّرُ صُدُورَهُمْ مِّنْ مَّوْمِنِينَ ③ وَيَذْهَبُ غِيظُ قُلُوبِهِمْ
بر ایشان و شفا بخشد سینه های گروه مسلمانان را و دور کند اندوه دل ایشان را
بر ایشان و شفا دهد سینه های قوم مومنان را و ببرد اندوه دل بای مومنان را
وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَن يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ④ أَمْ حَسِبْتُمْ أَنَّ
در رحمت باز گردد بر هر که خواهد و خدا دانای استوار کار است آیا گمان کردید که
و توبه می دهد از جور هر رحمت می کند (الله) بر هر که خواهد و الله دانای بزرگ خداوند حکمت عظیم است آیا می بیند پندای مومنان
تَتْرَكُوا أُولَٰئِكَ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِن
ترک داشته شود و استوار میزند مساحت است خدا آنگاه را که جہاد کرده اند از شما و مگر گفته اند
گذاشته شود در حالیکه متمیز از الله آنکس را که جہاد کردند از شما و مگر گفته اند
دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً ۚ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا
بخیر خدا و بخیر پیغامبر و بخیر مومنان و بخیر دوست پنهانی و خدا داناست با آنچه
بخیر الله و بخیر رسول او و بخیر مومنان دوستی پنهانی و الله خوب خبردار است به آنچه می کند
تَعْمَلُونَ ⑤ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْبُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ
می کنند عه روان باشند مشرکان را که آباد سازند مسجد الهی خدا را عتراف کرده
نیست سزاوار برای مشرکان که عبادت کنند ساجد الله را و حالیکه گواهی دهند تسلیم کنند
عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ
بر خود به کفر آن بجاء باطل شد عملهای ایشان و در آتش بهر
بر نفس بای خود کفر را آن کرده شاه شد عملهای ایشان و در آتش ایشان
خُلِدُوا ⑥ إِنَّمَا يَعْبُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ
باشند گمانند و جز این نیست که عبادت مسجد الهی خدا را سبک ایمان آورده است سجدا و برود آخر و
جاویدند جز این نیست که آبادی می کنند مسجد الله را سبک یقین کرده باشد و برود آخر اگر در زیارت است
أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشُوا إِلَّا اللَّهَ فَفَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ
بر پا داشته است نماز را و داده است زکوة را و ترسیده اند از هیچ کس مگر از خدا پس تو جمع است که این جماعت
بر پا داشته نماز را و داده زکوة را و ترسیده اند از هیچ کس مگر از الله پس امید است به این جماعت
أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُتَّقِينَ ⑦ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَالْعِمَارَةِ
از راه یا نیکان باشند آیا کردید آب نوشانیدن حاجیان را و آباد ساختن
که باشند از راه یا نیکان سجات آیا کردید آینه آب دادن حاجیان و آبادی

نشود و عیای زیانی نتوان قایل گردید خدای داد کدام کار به راستی و اخلاص و کدام به ریا و خود نمایی شده است تشریح عمل بدست

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ فَمَا رَجَبَتْ

بسیاری شما پس دفع نکرد آن بسیاری از شما چیزی را و تنگ نشد بر شما زمین با وجود فراخی آن

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى

پس بر گشاید تسکین داد و باز فرو فرستاد خداوند تسکین خود را بر پیغمبر خود و بر

الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودَ الْأَمْرِ تُرَوِّهَا وَعَذَابَ الَّذِينَ كَفَرُوا

مسلمانان و فرو فرستاد لشکرهای که مانند پدید ایشان را و عقوبت کرد کافران را و این است

عَذَابُ الْكَافِرِينَ ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَى مَنْ يَشَاءُ

جزای کافران باز برکت باز گردد خدا بعد از این بر هر که خواهد و

اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا أَنشَأَ لَكُم مِّنْ

خدا آمرزنده مهربان است ای مسلمانان جز این نیست که مشرکان پدید اند پس باید که

تَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ مَا هَمُّهُ هَذَا إِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً

نزدیک نشوند مسجد حرام بعد از این سال و اگر می ترسید از درویشی پس

فَعِزَّيْكُمْ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَلَيْهِ حَكِيمٌ ۝ قَاتِلُوا

تو که خواهید ساخت شمارا خدا از فضل خود اگر خواهد هر آینه خدا دانسته دست کارست و جنگ کنید

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ

با آنکه ایمان نمی آرند بخدا و نه بروز آخر و حرام نمی شمرند آنچه حرام کرده است خدا

وَرَسُولُهُ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّى

و پیغمبر او و اختیار نمی کنند دین درست را از این کتاب تا آنکه

يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ ۝ وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ

بدهند جزیه را از دست خود خوار شدند گمان و گفتند یهود که عزیر

ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ذَلِكَ قَوْلُهُمْ

پسر خداست و گفتند نصاری مسیح پسر الله است این گفتار ایشان است بدیهای نشان

يُضَاهَوْنَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَاتِلْهُمْ اللَّهُ أَتَىٰ بَوَاقُونَ

مشابهت کرده اند با سخن قومی که کافر شدند پیش ازین و کشت کرد ایشان را خدا چگونه برگردانیده میشوند و

أَتُخَذَ وَآحِبَارُهُمْ وَرَهَبَانُهُمْ دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحِ ابْنِ

خدا گرفته اند و کشندگان و راهبان خود را بجای الله و مسیح پسر مریم را

عِزِّهِمْ قَوْلَهُمْ قَوْلَهُمْ قَوْلَهُمْ قَوْلَهُمْ قَوْلَهُمْ قَوْلَهُمْ

همه گفتند قائل بودند و با حقان خود را خدا دانستند و حقان خود را

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

وَمَا أَمْرُهُ إِلَّا بَعْدُ وَإِلَهُ الْوَحْدُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

در فرموده شده اند که آنکه عبادت کنند یک خدا را نیست معبود بجز و ی یگانه است از آنکه

مال آنکه امر نه با ایشان مگر آنکه عبادت کنند معبود بیکاندر نیست معبودی غدا و ی یگانه است از آنکه

بیشتر کون ۲ یُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ

شاید که او مقرر می کند می خواهند که فروشانند نور خدا را بدان خود و قبول نکند خدا

شاید که او مقرر می کند می خواهند که فروشانند نور خدا را بدان بای خود و منع می آرد الله

لَا أَنْ يَتَذَكَّرَ أُولَئِكَ اللَّهُ لَهُمْ عِلْمٌ ۚ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

تا آنکه نام سازد نور خود را اگر چه ناخوش شوند کافران بهو نیست آنکه فرستاد پیغامبر خود را

مگر از آنکه نام کند نور خود را اگر چه بد بپرند کافران دوست آنکه فرستاده رسول خود را

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ۚ

به هدایت و دین راست تا غالب کند حق بر ادیان همه اگر چه بد دانند مشرکان

به هدایت و دین راست تا غالب سازد آن را بر ادیان همه اگر چه بد دانند مشرکان

بِأَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرٌ مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُوا أَمْوَالَ

ای مسلمانان هر آینه بسیاری از دالیشان از دالیشان این کتاب می خورند اموال

ای مومنان بمحقق بسیار از علماء و عابدان این کتاب می خورند مال می

النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ

مردان را باطل و باز می دارند از راه خدا و آنانکه ذخیره می کنند

مردم را باحق و منع می کنند (مردمان را) از راه الله و آنانکه ذخیره می کنند

الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَفْقَهُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ

زر و نقره را و خرج می نمایند آن را در راه خدا و بشارت ده این جماعه را به عذاب

طلا و نقره را و خرج می نمایند آن را در راه الله پس مژده دهید ایشان را به عذاب

الْيَوْمَ ۖ يَوْمَ يَكْفُلُ عَلَيْهِمُ فِي نَارِهِمْ فَنُشَوُّونَهَا جَهَنَّمَ وَجُوهُهُمْ

در روزی که بران مال در آتش دوزخ پس داغ کرده شود بران پیشانی ایشان و پهلوی ایشان را

در روزی که بران مال در آتش دوزخ پس داغ کرده شود بران پیشانی ای ایشان و پهلوی ایشان را

وَصُفُوفُهُمْ مُّهَيَّاتٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۚ لَا تَنفُسُكُمُ فَنُشَوُّونَهَا جَهَنَّمَ وَجُوهُهُمْ

و پشت ایشان را و گفته شود اینست آنچه ذخیره بنهادید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره می کردید و پشت

و پشت ایشان را و گفته شود اینست آنچه ذخیره بنهادید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره می کردید و پشت

و پشت ایشان را و گفته شود اینست آنچه ذخیره بنهادید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره می کردید و پشت

و پشت ایشان را و گفته شود اینست آنچه ذخیره بنهادید برای خود پس بچشید آنچه ذخیره می کردید و پشت

فلا يبيح بشريات
تقريري كنند در ابطال
دين و الله اعلم
يعني بگوئيم و ديند
فلا يعني و سیده شود
و كن مزمزم گوید در روز
حضرت ابراهيم مقدر
بود در محرم و رجب
ذلقدره دزدی الحجا
يكديگر جنگ كنند و
اهل باجيات اين
مكده متعرف كرده
گاه صفر در محرم
مياخند و محرم را
صفر و علي بذالقاس
واين را التمسقنه
خداي قواي اعلاين
حكم ربابي داشت
باينچه كه جنگ ناض
بيگاه در سمت نيست
و درين ماه با حرم
آن منقطع ميشود و
جنگ با كافران همه
وقت در سمت است
و نفي تحريف ایشان
زمود و يعني
قتال ناحق ۱۲
تفسير عثمان
عنه السلام كه به شريف
منه مجمل ميگويد كه در
راه خدا مال صرف
كند بر جبين كره مي زند
اگر باره نيز با وجود
اعواضي كند و بپلور
چون مي نمايد اگر اعدا
باز هم تكلم بد پشت
گرداننده روان مي
شود از اين راه عللا
و نقره در آتش دوزخ
سرخ كرده بر جبين
و پشت و پهلوي او
مي گذارند ما خوب به
لذت انداختن و
دفع كردن آن آشنا
شود عنه حضرت شافعي
روايت مي نكند از
از اين آيت بر آني كه بيار با نقره چهاره رواست و چنانكه غزوه جوگ كه ذكر آن ي آيد در ماه رجب بود عظم بر كبريك ميشه گناه است اما در اين ماه بايشتر گناه دارد - اكثر علماء

از اين آيت بر آني كه بيار با نقره چهاره رواست و چنانكه غزوه جوگ كه ذكر آن ي آيد در ماه رجب بود عظم بر كبريك ميشه گناه است اما در اين ماه بايشتر گناه دارد - اكثر علماء

بِزِيَادَةٍ فِي الْكُفْرِ يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

زیاد نیست در کفر هر چه که در آن می شود بدان که از آن علیل می شوند آن ماه را یک سال و حرام

بِزِيَادَةٍ فِي الْكُفْرِ يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

زیادتی است در کفر هر چه که در آن می شود به آن کافران علیل می شوند آن ماه را یک سال و

يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

می شوند آن را سال دیگر تا موافقت کنند با شمار آنچه حرام ساخته است خدا پس علیل سازند چیزی را که حرام ساخته است خدا

يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

حرام می شوند آن را سال دیگر تا موافقت کنند با شمار آنچه حرام ساخته است خدا پس علیل سازند چیزی را که حرام ساخته است خدا

يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

از ستم کرده شده است برای ایشان کردار مایه بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و

يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

از ستم کرده شده برای ایشان کردار مایه بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و

يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

از ستم کرده شده برای ایشان کردار مایه بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و

يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

از ستم کرده شده برای ایشان کردار مایه بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و

يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

از ستم کرده شده برای ایشان کردار مایه بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و

يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

از ستم کرده شده برای ایشان کردار مایه بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و

يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

از ستم کرده شده برای ایشان کردار مایه بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و

يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

از ستم کرده شده برای ایشان کردار مایه بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و

يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

از ستم کرده شده برای ایشان کردار مایه بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و

يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَيْحَاؤُنَهُ عَامَاوُ

از ستم کرده شده برای ایشان کردار مایه بد ایشان و خدا راه نمی نماید قوم کافران را و

فَاتَمَّزْهُمْ وَبَدَأَ كُفْرَهُمْ

صلی الله علیه وسلم در وقت عسرت و گریه

بهر امتیاز و غمزه و بتوکل

شدند و بسیار از محاسن و افقت کردند

و از مسلمین هر کس به عذر خلف

کردند و توبه

ایشان بعد بخدا

رو قبول افتاد و از منافقان کلمات نفی

هر روز خدای تعالی در مدح ایمان و دهم

آنان و عفو از آن کس آیات مستدا و

و البته ابو بکر صدیق را ۱۲ صلواتی در

حالیکه اسباب و چشم بسیار دارد یا بنجر

قد ضروری بدست شایسته و باین

توجیه آیت حکم باشد غیور و الله اعلم

تفسیر عثمانی

عنه تنبیه بر غی قوا

برای آنکه حساب ماه بای خود را درست

نگه دارند و زبانی یک ماه معین را بد

از هر سال زیاده می کنند این در نسی

داخل نیست از بعضی اکابر سلف

راجع به نسی نقل کرده اند که عرب در زمان

جالبیت عدد ماه سال را تبدیل می

کردند مثلا بجای ۱۰ از ده ماه میگرفتند

و یا ساب و اطوری اخلال کردند که

ذوالقعدة به ذوالحجه بدل میشد حتی در سال

۹ هجری رجب از کرم نیز بحساب ایشان

در ده ذوالقعدة در آن حدیث ۱۱ ان الزمان قد استدار کثیرا الحج نیز بر طبق همین اصول توضع شده است حافظ ابن کثیر به تفسیر آن سخن را زده است که یک سال

ان كنتم تعلمون ۱ لو كان عرضا قريبا وسفرا قاصدا

اگر می دانید اگر بودی آنجا و دعوت می کنی سفر قریب و وصول و سفری آسان

اتبعوا ولكن بعدت عليهم الشقة وسيكلفون الله

پیروی می کردند ترا و لیکن دور نمود ایشان را مسافت راه و سوزید خواهند خورد خدا

واستطعنوا لخرجنا معكم يهلكون انفسهم والله يعلم

اگر می توانستیم بیرون می رفتیم همراه شما هلاک می کنند نفس های خود را و خدا می داند

انهم لکذبون ۲ عفا الله عنك لمة اذنت لهم حتى يتبين

ایشان دروغ گویند عفو کند خدا از تو چنانکه دستور می دادی ایشان را منع اذن تا آنوقت بود که بپوشید

الذين صدقوا وتعلم الكذابين ۱ لا يستاذنك الذين

راست گویند و بدان دروغگویان را دستور می نمی طلبد از تو آن که

يؤمنون بالله واليوم الآخر ان يجاهدوا باموالهم وانفسهم

ایمان آورده اند بآلله و روز آخر در محاف از آنکه جهاد کنند باموال خویش و جان خویش

والله عليهم بالتقوى ۲ انما يستاذنك الذين لا يؤمنون

و خدا دانست بمقتضیان جز این نیست که رخصت می طلبد از تو آنکه ایمان ندارند

بالله واليوم الآخر واتاب قلوبهم فهم في ريبهم

بآلله و روز آخر و شک آورده است دل ایشان پس ایشان در شک خود

يترددون ۳ ولو ارادوا الخروج اعذوا له ولکن کره

سرگردان می شوند و اگر خواستند بیرون آمدن میبای کردی برای آن سفر سامان را ولیکن ناپسند داشت

الله انبعثهم فثبطهم وقيل اعدوا مع القعدين ۴ لو

خدا برآید بندگان ایشان پس از حرکت باز داشت ایشان را و گفته شد بستمندان با بستمندان اگر

حجوا فيكم ما زادوكم الا خبالا ولا اوضعوا خلكم

برای آمدن میان شما نمی افزودند و شما مگر فساد و بربادیت می تاختند و فساد و بربادیت در میان شما

يبغونكم الفتنه وفيكم ساعون لهم ۵ والله عليه

فتنه جوینان در حق شما و میان شما دشمنان شتافته اند از ایشان و خدا دانست

الظالمين ۵ لقد ابتغوا الفتنه من قبل وقلوبك الامور

بستمندان برای فتنه را (در میان شما) میجویند گمان (جاسوسان برای ایشان است) دانست

فل یعیبوا کما یسوءون
در حق او که دین تو را
است القای عزم
غفلت کردی از این
و کما یسوءون
می کردند
سجن ایشان را
تفسیر عثمانی
عاش یک دل
شان با یان و تقی
اب روغن است ایشان
نفس و کینه کنند
از جهاد کنندار
ایشان را سزاوار
است در آخرین
پاره بیاید تو و
اغیرم تفسیر من المرح
خزنان را بجا
یغفلون یعنی اگر
انلاس و غیر ایشان
را از شرف جها
سبیل الله می بهره
سازد دل بای شان
به قمار و خشان
بیرمزشک گردد و کتا
نگینی که از جهاد کناره
می جویند اجازه
نرفتن می طلبد شیوه
طایفه ایست که بروعد
های کرد و کار یقین ندارد
وزندگی آخرت را
نیشناهند و در ایشان
بای خدا به پیروزی
اسلام و مسلمین نظر
شک می نگرند و غن
آنون نیز جاسوس
بای شان در میان
شماست برخی از
شما سواد لوح اند
و نمی اندیشند از
حزب ایشان که پیشتر
متاخر می نمودند این کفر
هر چند این زمره چنانکه
مقتضی شراست شما
بودند و بر پا کرده

و استعدایک حیث بود این جاسوسان مفید است زیرا عزم و اراده و جانبازی مسلمانان را بچشم می گرداند و برای دیگران می گویند و در میان بیت مسلمانان را جایز می کنند

فما یخبر مراد باین

دوم برید که چنانچه

دیده مفتون غایب

شد و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

و الله اعلم

حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَرِهُون ۝۶ وَمِنْهُمْ مَّن

تا آنکه بیاید نصرت حق و غالب شود کار خدا و ایشان ناخوایان بودند و از ایشان کسی است که

بگوید و ستوری ده مراد در فتنه میزد از مراد اول آگاه شود که در فتنه افتاده اند و پیر آئینه دور

کسیت که می گوید اذن ده مرا و طبع از مراد فتنه آگاه باشد در فتنه افتاده اند و بیشک چنین

لَمْ يَحِيطُوا بِالْكَافِرِينَ ۝۷ إِنْ تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ فَسَبِّحْهُنَّ تَسْبِيحَهُنَّ ۝۸ وَإِنْ

در گیرنده است کافران را اگر برسد به تو بگو تسبیح تو تسبیح خود را تسبیح کن و اگر

تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ فَقُلْ أَقَدِ أَخَذَنَا أَمْرُ نَارٍ مِّن قَبْلٍ وَنَبْتَلُوا

برسد به تو مصیبت می گویند تحقیق گرفته بودیم کار خود را از پیش و ما را می آزمایند و حالیکه ایشان

هَمْ قَرِيعُونَ ۝۹ قُلْ لَّنْ يُصِيبَنَا آلَ مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا

شادمان شده بگو هرگز نرسد بنا مگر آنچه نوشته است خدا برای ما اوست کار ساز ما

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝۱۰ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا أَلَّا

و بر خدا باید که تو هم کنید مسلمانان بگو انتظار نمی برید در حق ما مگر بیک

أَحْسَنِينَ وَحَسَنَ تَرَبُّصٍ بَكْرًا إِنْ يُصِيبُكُمُ اللَّهُ يَعْذِبِ

از دو فصلت یک را است و ما انتظار می کشیم در حق شما که برساند خدا به شما عذاب را از

عَذَابٍ أَوْ يَأْتِيَنَّاهُ فَرَبُّصُونَ أَلَّا تَعْلَمُوا ۝۱۱ قُلْ أَفَلَا

نزدیک خود یا بدست ما پس انتظار کشید بر آیت ما نیز یا شما منتظر ایم بگو ای منافقان خرج کنید

طَوَّاعًا أَوْ كَرْهًا لَّنْ يَتَقَبَّلَ مِنكُمُ اللَّهُ إِنَّكُمْ كُنتُمْ تُوَفَّقِينَ ۝۱۲

بخوشی یا ناخوشی هرگز قبول کرده نخواهد شد از شما هر آنچه شما هستید قوم فاسقان

مَأْمَنَهُمْ أَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَإِلَّا

بازند است ایشان را اذن که قبول کرده شود از ایشان خرج ایشان الا آنکه ایشان کافر شدند بخدا

رَسُولُهُ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كَسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ

رسول او و نمی آیند به نماز مگر کاسالی گان و خرج نمی کنند

إِلَّا وَهُمْ كَرِهُون ۝۱۳ فَلَا تَعْجَبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ

مگر ناخوایان پس تعجب ندارد ترا مال ایشان و نه فرزند ان ایشان جز این نیست

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ

می خواهد خدا که عذاب کند ایشان را با آنها در زندگی دنیا و برآید جان ایشان

کرامه دارد و الله که عذاب کند ایشان را بسبب آن اموال و در زندگی دنیا و برآید جان ایشان

را چنین بیان کرده اند اگر ما را بگذردی برید خسارت مال بپایان می کشد و بنابراین به الای الفتنه مستطوره بایشان جواب داده شد

وَيَخْلِفُونَ بِاللَّهِ اِثْمَهُمْ كِذِبًا وَاهُمْ مِنْكُمْ وَلَكِنَّهُمْ

وَسَوَّيْتُمْ مَن يَخُونُ ذُو اِيْمَانٍ مِّنْكُمْ لَمْ يَخُنْكُمْ مَّا جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

وَيَخْلِفُونَ ۝۱۳ وَلَوْ كُنْتُمْ اَوْفَاۤءَ لَآ كُنْتُمْ اَوْفَاۤءَ لَوْلَا اِلَٰهٌ

يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ ۝۱۴ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَاِنْ اَعْطَوْا

فَاَرْضَوْا وَاِنْ لَمْ يَعْطُوا مِنْهَا اَذْهَبَتْهُمُ الشَّيْطٰنُ ۝۱۵ وَلَوْ اَنَّ

رِضْوَانًا اَلَهُمْ اَلَلَّهِ وَرَسُوْلُهُ وَقَالُوْا اَحْسِبْنَا اِلٰهَ سَيُوْتِنَا اَلَلَّهِ

فَضْلُهُ وَرَسُوْلُهُ اِنَّا لَآ اِلٰهَ اِلَّا اَلَلُّ رَاغِبُوْنَ ۝۱۶ اِنَّمَا الصَّدَقَتُ

وَالْمَسْكِيْنَ وَالْعٰلِيْنَ عَلَيْهِا وَالْمُؤَلَّفَةُ قُلُوْبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ

وَالْغَارِمِيْنَ وَفِي سَبِيْلِ اَلَلِّ وَابْنِ السَّبِيْلِ فَرِيْضَةٌ مِّنْ اَلَلِّ ط

وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ۝۱۷ وَمِنْهُمْ اَلَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ النَّبِيَّ وَيَقُوْلُوْنَ هُوَ

اَذْنٌ قُلْ اِذْنٌ خَيْرٌ لَّكُمْ يَوْمَ مَنَ بِاللّٰهِ وَيَوْمَ مَنَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ

اَحْمَةُ لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَالَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ رَسُوْلَ اَلَلِّ لَهُمْ

عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝۱۸ يَخْلِفُوْنَ بِاللّٰهِ لَكُمْ لِيَرْضَوْكُمْ وَاللّٰهُ وَرَسُوْلُهُ

اَحْسَنُ اَن يَرْضَوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝۱۹ اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّهُ مَن

اَحْسَنُ اَن يَرْضَوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝۲۰ اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّهُ مَن

اَحْسَنُ اَن يَرْضَوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝۲۱ اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّهُ مَن

اَحْسَنُ اَن يَرْضَوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝۲۲ اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّهُ مَن

اَحْسَنُ اَن يَرْضَوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝۲۳ اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّهُ مَن

اَحْسَنُ اَن يَرْضَوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝۲۴ اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّهُ مَن

اَحْسَنُ اَن يَرْضَوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝۲۵ اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّهُ مَن

اَحْسَنُ اَن يَرْضَوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝۲۶ اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّهُ مَن

اَحْسَنُ اَن يَرْضَوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝۲۷ اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّهُ مَن

اَحْسَنُ اَن يَرْضَوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝۲۸ اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّهُ مَن

اَحْسَنُ اَن يَرْضَوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝۲۹ اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّهُ مَن

اَحْسَنُ اَن يَرْضَوْهُ اِنْ كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ ۝۳۰ اَلَمْ يَعْلَمُوْا اَنَّهُ مَن

ول معنى ضعف
قد بينا
يعني هر كس گويد
قبول مي كند
تفسير عثمان
عنه از اين ترس كه
اگر كفر خيشت را ظاهر
مورد افتد مانند كفار به
آنها رفتار مي شود
سوگند هاي خورند كه
ما در جماعت (مسلمين)
شايسته و اين بگناه
صحت است و يا در
مغافه با پيغمبرانه
بسر برده توانند يا
اطلاي بديست
آورده توانند كه
به خود را در ان پنهان
كنند عازر خوف
حكومت اسلامي
بر كفار مانند پس
هر چه دعوي دارند
گزارند و بدون شكاست
آن سوي مشتاقند
زير ائمه با حكومت
اسلامي باراي
مقابل دارند و نه به
جائي پناه برده مي
توانند لهذا سوگند
باي خود رند و دروغ
مي گویند عه بعضي
متافيق و اعراب
(بعضي) بنهائش
صدقات و غنائم
بكرص دنيا و اخر
شخصي در باره حق
پيغمبر صلى الله عليه
سلم زبان به لعن مي
كشوند و مي گفتند
تقسيم بر عايت انصا
في شود اين اعتراض
و قتي بود كه بر طبق
خواهش شان اند
صدقات و فوج
داده مي شد اما اگر
مطلب و دوس شان
مطلبی نبود و اگر اهل مال و جاه را قبله مقصد خویش می پنداشتند آنچه بودی که هر که بودی ایمان دارد و دنیا را طمع نظر خویش قرار ندهد.

اسْتَمْتَعُوا بِخُلُقِهِمْ فَاَسْتَمْتَعْتُمْ بِخُلُقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ

پس بهره مند شدند به خلق خود پس شما نیز بهره مند شدید به خلق خود چنانکه بهره مند شدید

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخُلُقِهِمْ وَخَضَعْتُمْ كَالَّذِي خَاضُوا

آنکه پیش از شما بودند به خلق خود و خوار گردیدید چنانکه آنکه پیش از شما بودند به خلق خود و خوار گردیدید

وَلِيكَ حِجَّتُ اَعْمَالِهِمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاوليك هم

و این است حجت اعمال ایشان در دنیا و آخرت و آن جماعت ایشان

الْخَاسِرُونَ ۱۳ اَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ

آیا نیامده است بایشان خبر آنکه پیش از ایشان بودند قوم نوح و عاد و ثمود

وَقَوْمُ اِبْرَاهِيْمَ وَاَصْحَابُ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَةَ اَتَاهُمْ

و قوم ابراهیم و اهل مدین و اهل مولات که آمدند بایشان پیغامبران ایشان

بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا اَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُوْنَ

بر ایشان بایدهش پس بر گزشت که خدا ظلم کند بر ایشان و لیکن ایشان بر نفس های خود ظلم می کردند

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ اَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ

و مردان مسلمان و زنان مسلمانان بعضی ایشان کارسان بعضی اند می فرمایند

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ

بکار پسندیده و منع می کنند از بدی و برپای دارند نماز را و می دهند

الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللهَ وَرَسُوْلَهُ ۚ اُولٰٓئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللهُ اِنْ

زکوة را و فرمانبرداری می کنند خدا و رسول او را این جماعت را هم خواهد کرد بر ایشان خدا آمرزیده

اللهُ بِرَحْمَتِهِ ۝ وَعَدَ اللهُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي

خدا غالب در رحمت کار است و عده کرده است خدا مردان مومن را و زنان مومن را جنت های که می رود

مِنْ تَحْتِهَا اَنْهَارٌ خَالِدِيْنَ فِيْهَا وَمَسْكِنٌ طَيِّبٌ فِيْ جَنَّتِ عَدْنَ

زیر آن جویها همیشه با شندگان آنجا و جایهای پاکیزه در بهشت های همیشه ماندن

وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللهِ اَكْبَرُ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ

و خوشنودی خدا بزرگ تر است زهرایش و در رضای الله بزرگتر از همه است این است کامیابی بر سر

جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِيْنَ وَاَعْلَظْ عَلَيْهِمْ وَمَا وَكَّلَ جِهَتَهُ

جهد کن با کفران و جهاد کن با منافقان و درشتی کن بر ایشان و جای ایشان در دوزخ است

فل یعنی از دنیا ۱۲
فل یعنی سیف ۱۳
تفسیر عثمانی
عنه قوم لوح به طاعت
قوم عابد به قوم
شود به صبر و تقوی
پاک شدند خدای
مستقال حضرت ابراهیم
عبره اسلام را به طریق
شگفت و خارق عاده
تائید نمود که از مشایخ
آن قومش نبیل و تا
کام و نمود مشهور یار
شان بمنت و دولت
جان سپردا عجب
مدین به مسجد در جنت
دولت و خود ملک با
شدند مساکن قوم
نوح و نوح و نوح
و سنگ باران گردید
تقصیر این اقوام
باستثنای قوم ابراهیم
در سوره اعراف گذشت
عده و در آقا زکوة
و حواله منافقان
بیان شد این جا
در مقابل آن صفات
مؤمنان مذکور می شود
یعنی منزه از منافقان
مردم را از جنگ با ز
داشتند به پستی تخیف
می دهند و زمین مردم
را از بدی باز داشته
به جنت آماده می گردانند
مشت منافق می شود
دمت مسلمان گشتاد
است منافق از
نقل نمی داند نقل
خود را بجا معرفت
اند مسلمانان و
دارای خویش بر طبق
تواضع و زکوة
و صفات می بینند
منافق خدا را بجای
و اوست کرده مسلمان

و اوست کرده مسلمان

و تمام محاملات احکام خدا و پیغمبرش را استاجبت می کنند این جهت آنها سر از دوزخ است و در دوزخ است

اللَّهُ لَهُ ذَلِكْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

ایشان را خدا این بسبب آسودگی که ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و خدا راه نمی نماید خدا ایشان را این بسبب آسودگی که ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و خدا راه نمی نماید

فَرَحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ

شادمان شدند و پس گذشتگان به کشتن خویش بر خلاف پیغمبر خدا شادمان شدند باز ماندگان به کشتن خویش بر خلاف پیغمبر خدا

وَكَمْ هُوَ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا

وای بسند کردند که جهاد کنند با اموال خویش و جان خویش در راه خدا و گفتند وای بسند کردند که جهاد کنند با اموال خویش و جانهای خویش در راه خدا و گفتند

لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرْبِ قُلْ نَارُجْهُمْ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ

باید دیگر بیرون مروید و گرمی بجو آتش دوزخ سخت ترست در گرمی اگر در می یافتند چنین نگوید بیرون مروید در گرمی بجو آتش دوزخ سخت ترست در گرمی اگر در می یافتند چنین نمی کردند

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

پس باید که بخندند اندکی و بگرند بسیار جزای آنچه می کردند پس اگر پس باید بخندند اندک و بگرند بسیار جزای آنچه می کردند پس اگر

رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ

باز آورده مرا خدا طایفه ای بسوی آنکه است و دستور می طلبند از تو برای بیرون آمدن و بگو بیرون باز آورده مرا خدا بسوی آنکه است و دستور می طلبند از تو برای بیرون آمدن پس بگو برگرد

تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ

خواهید آمد با من هرگز و جنگ نخواهید کرد همراه من یا هیچ دشمنی بر آئینده شما مانند شدید به کشتن بیرون نخواهید آمد همراه من یا هیچ گاه و هرگز جنگ نخواهید کرد همراه من یا هیچ دشمنی بر آئینده شما مانند شدید به کشتن

أَوَّلَ حَرَّةٍ فَالْقُعُودُ أَمَعَ الْخَالِفِينَ وَلَا تَصِلْ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ

اول بار پس برکشید با پس ماندگان و یا عهد نماز گذار بر آنچه که از ایشان که میبرد دل بار پس برکشید با پس ماندگان و نماز گذار بر آنچه که از ایشان که میبرد

أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَا تَوَّاهُمْ

هرگز و بایست بر گور دوی بر آئینده ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و مردند و ایشان و بایست بر گور دوی بر آئینده ایشان کافر شدند بخدا و رسول او و مردند و ایشان

فَيَسْقُونَ ۝ وَلَا تُحِمْكَ آمُوا لَهُمْ وَأُولَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ

ناش بودند و بشکفت نیارد ترا اموال ایشان و فرزندان ایشان جز این نیست که بخوابد خدا که فاسق بودند و بشکفت نیارد ترا اموال ایشان و فرزندان ایشان جز این نیست که بخوابد خدا که

يُعَلِّمَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَتَرْهَقَ أَنْفُسُهُمْ كُفْرُونَ ۝ وَإِذَا أَنْزَلْتُ

تقریب کند ایشان را با آن در دنیا و بیرون شود روح ایشان و ایشان کافر باشند چون زود آورده شود عقوبت کند ایشان را به آن در دنیا و بیرون شود روح ایشان و ایشان کافر باشند چون زود آورده شود

سُورَةٌ أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنُكَ أُولُوا

سوره ای باین مضمون که ایمان آرید بخدا و جهاد کنید همراه رسول او دستور می طلبند از تو خداوندان سوره ای که ایمان آرید بخدا و جهاد کنید به صحبت رسول او دستور می طلبند از تو خداوندان

الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا إِذْ نَأْتِيَنَّكَ مَعَ الْقُعُودِينَ ۝ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا

در وقت از ایشان و گویند بگذار ما را تا با شما بیستستان راضی شدند آنکه باشند در وقت از ایشان و گویند بگذار ما را تا با شما بیستستان راضی شدند به آنکه باشند

فتح الرحمن
ول من هم كوفي مراد
خبرست بآنکه در دنیا
خواهند خنید و در
آخرت خواهند
گرگشت ۱۳
یعنی برای احراز
۱۴ غنائم
تفسیر عثمانی
عنه چون عبد الله
ابن ابی ریحان
المناقبین در مدینه
منیده مرد حضرت
پیغمبر صلی الله علیه و آله
پیر این مبارک
خویش را بر کفن
وی دارد و خوابین
فرشته را در دامن
او آنگاه نماز خوانده
وی را خواند و در بالا
اش دعای مخفقت
کرد حضرت عمر فاروق
شد گفتن ای پیغمبر
خدا او کس بود که گفت
با انوی رنج بادیم
و بهار علم بردار کفر
و نفاق بود آیا خدا
تلقین استغفر لهم
اولا استغفر لهم انهم
بیخبر گفت ای عمر
خدا مرا از استغفار
باز نداشت و مراد
این آرزو گذاشته
که از من خواهم یا
خواهم بخشایش
که خداست اگر
استغفار من در
باره آنها نافع زند
نشود ممکن است و
بدر دیگران مفید
نماند کرد و عثمان
بندگی اگر این دوست
اخلاق در رحمت عالم
پیغمبر خدا را سمانید
گفتند با سلام آید
چنانچه این امر
بوقوع پیوست
باین روایت که حضرت پیغمبر فرمود اگر دانشی بجهاد با دارا استغفار کند وی را می بخشند بیشتر از مغان با دارا استغفار می کردم گویا در این جمله حضرت پیغمبر تفسیر نموده که خود نیز

تفسیر عثمانی

مَعَ الْخَوَافِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ ۝ لَكِنَّ الرَّسُولَ

بازنان پس مانده و مهر نهاده شد بر دل ایشان پس ایشان فهم نمی کنند

وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأُولَئِكَ

و آنانکه ایمان آوردند با او جهاد کردند با اموال خود و جان های خود و این جماعه

لَهُمُ الْخَيْرُ نَواوَلِكُ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ اَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ

ایشان را است نیکی با و این جماعه ایشانند رستگاران آماده ساخته است خدا برای ایشان بوستان

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝

میرود زیر آن جویها جاوید آن است ایستایر دوزخی بزرگ

وَجَاءَ الْمُعَذِّبُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ

و آمدند اهل عذاب از صحرا ایشانان تا دستور می داده شود ایشان را و نشستند آنانکه

كَذَّبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۝ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ

دروغ گفتند یا خدا و رسول او یعنی در اظهار اسلام خواهر رسید بکافران از ایشان عذاب

أَلِيمٌ ۝ لَيْسَ عَلَى الضَّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ

درد دهنده نیست بر ناتوانان و نه بر بیماران و نه بر آنانکه

لَا يَجِدُونَ مَا يَنْفِقُونَ حَرْبًا إِذْ أَنْصَحُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ مَا عَلَى

نمی یابند آنچه خرج کنند بجهت چون نیک خواهی کنند یا خدا و رسول او نیست بر

الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلِ اللَّهِ غُفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَا عَلَى الَّذِينَ

نیکی کاران بجهت راه عذاب و خدا آمرزنده مهربان است و نه بر آنانکه

إِذَا مَا أَوْكَلْتُمْ بِهِ شَيْئًا لَا تَمْلِكُ مِنْهُ فُلُوقُ الْمَرْءِ لَا تَمْلِكُ مِنْهُ فُلُوقُ الْمَرْءِ

چون بپایند پیش تو سوار می دهی ایشان را گویی نمی یابیم آنچه سوار گشته اند بر آن باز گردند

أَعْيُنُهُمْ تَفِيضٌ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ ۝

چشم ایشان روان باشد مانند بجهت اندوه گویی بپایند آنچه خرج کنند جز این نیست که

السَّبِيلِ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنَاءُ عَنْ رِضْوَانِ

راه عتاب بر آنان است که دستور می طلبند از تو و ایشان توانگر اند راضی شدند بپایند

يَكُونُوا مَعَ الْخَوَافِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝

باشند بازنان پس مانده و مهر نهاده شد بر دل ایشان پس ایشان فهم نمی کنند

باشند بازنان پس مانده و مهر نهاده شد بر دل ایشان پس ایشان فهم نمی کنند

باشند بازنان پس مانده و مهر نهاده شد بر دل ایشان پس ایشان فهم نمی کنند

عنه چنانکه باشد
مدینه هم منافقین و هم
مومنین مخلص سید
شود در اعراب
نشین نیز از مختلف
موجودی باشند و
طایفه از آنها که
شده بدوین مخلص
در خانه این رکوع
ومن الاعراب من
یؤمن بالله
الایم الاخر
الایم الاخر
ایضا ذکر دو
طایفه اعراب است
مخزون - تا بعد
در مصداق طائفه
اول و مخزون
مفسرین سلف را
اختلاف است که
آیا مراد از آن
منافقانی است که
بماند بای و دروغ
میزانند چنانکه
از ترجمه معلوم می شود
و یا مسلمانانیکه به
راستی عذر و مستند
حقیقه از شرکت
جهاد مذور بودند
المرشق اول گرفته
شود در این آیت
و قسم متفق بر این
شده (۱) مخزون
یعنی کسانی که با وجود
تفاتی محض برای
ظاهر داری حیل
دروغ تراشیده از
آنحضرت صلی الله
علیه وسلم اجازه می
طلبیدند (۲) قاعده
یعنی آنانکه نخست
بدروغ دعوی ایمان
نمودند و ظاهر داری
نیز نکردند پس که نام
جهاد را شنیدند در
خا با ی خویش
آرمیدند و چندان بی باک
شدند و از جهاد شسته که برای
عذر خواهی می کردند به این
تقدیر می رسیدند که این
مومنین و منافقین را
مهر نهاده شد بر دل ایشان
پس ایشان فهم نمی کنند
و این جماعه را
جهاد کردند با اموال خود
و جان های خود
و این جماعه
ایشان را است نیکی با
و این جماعه ایشانند
رستگاران
آماده ساخته است خدا
برای ایشان بوستان
تجری از تحتها
الانهار خالدين فيها
ذلك الفوز العظيم
میرود زیر آن جویها
جاوید آن است
ایستایر دوزخی بزرگ
و آمدند اهل عذاب
از صحرا ایشانان
تا دستور می داده
شود ایشان را و
نشستند آنانکه
کذبو الله و رسولہ
سعی صیب الذين کفروا
منهم عذاب
دروغ گفتند یا خدا
و رسول او یعنی در
اظهار اسلام خواهر
رسید بکافران از
ایشان عذاب
الیم
لینس علی الضعفاء
ولای علی المریضی
ولای علی الذین
لا یجدون ما ینفقون
حربا اذ انصحوا
الله و رسولہ ما
علی المحسنین من
سبیل الله غفور
رحیم
ولای علی الذین
اذا ما اوتکلت
بهم شئ لا تمک
منه فلول المرء
لا تمک منه فلول
المرء اعینهم
تفیض من الدمع
حزنا الا یجدوا
ما ینفقون
السبیل علی الذین
یستأذنونک و هم
اغناء عن رضوان
یكونوا مع الخواف
وطبع الله علی
قلوبهم فهم لا
یعلمون

و در مدینه هم منافقین و هم مومنین مخلص سید شود در اعراب نشین نیز از مختلف موجودی باشند و طایفه از آنها که شده بدوین مخلص در خانه این رکوع ومن الاعراب من یؤمن بالله الایم الاخر الایم الاخر ایضا ذکر دو طایفه اعراب است مخزون - تا بعد در مصداق طایفه اول و مخزون مفسرین سلف را اختلاف است که آیا مراد از آن منافقانی است که بماند بای و دروغ میزانشند چنانکه از ترجمه معلوم می شود و یا مسلمانانیکه به راستی عذر و مستند حقیقه از شرکت جهاد مذور بودند المرشق اول گرفته شود در این آیت و قسم متفق بر این شده (۱) مخزون یعنی کسانی که با وجود تفاتی محض برای ظاهر داری حیل دروغ تراشیده از آنحضرت صلی الله علیه وسلم اجازه می طلبیدند (۲) قاعده یعنی آنانکه نخست بدروغ دعوی ایمان نمودند و ظاهر داری نیز نکردند پس که نام جهاد را شنیدند در خا با ی خویش آرمیدند و چندان بی باک شدند و از جهاد شسته که برای عذر خواهی می کردند به این تقدیر می رسیدند که این مومنین و منافقین را مهر نهاده شد بر دل ایشان پس ایشان فهم نمی کنند و این جماعه را جهاد کردند با اموال خود و جان های خود و این جماعه ایشان را است نیکی با و این جماعه ایشانند رستگاران آماده ساخته است خدا برای ایشان بوستان تجری از تحتها الانهار خالدين فيها ذلك الفوز العظيم میرود زیر آن جویها جاوید آن است ایستایر دوزخی بزرگ و آمدند اهل عذاب از صحرا ایشانان تا دستور می داده شود ایشان را و نشستند آنانکه کذبو الله و رسولہ سعی صیب الذين کفروا منهم عذاب دروغ گفتند یا خدا و رسول او یعنی در اظهار اسلام خواهر رسید بکافران از ایشان عذاب الیم لینس علی الضعفاء ولای علی المریضی ولای علی الذین لا یجدون ما ینفقون حربا اذ انصحوا الله و رسولہ ما علی المحسنین من سبیل الله غفور رحیم ولای علی الذین اذا ما اوتکلت بهم شئ لا تمک منه فلول المرء لا تمک منه فلول المرء اعینهم تفیض من الدمع حزنا الا یجدوا ما ینفقون السبیل علی الذین يستأذنونک و هم اغناء عن رضوان یكونوا مع الخواف وطبع الله علی قلوبهم فهم لا یعلمون

يَعْتَدِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ

عذر خواهی کنند پیش شما چون باز آید
عذر کنند بسوی شما بیگانه باز گردید

إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَدِرُونَ لَكُمْ قَدْ تَبَيَّنَ اللَّهُ مِنْ أَعْيَابِكُمْ

بسوی ایشان بگو عذر خواهی نکنید باور نکنیم سخن شما را هر آینه آگاه ساخته است خدا ما را بپنج خبری شما
سوی شان بگو عذر نکنید هرگز باور نمی کنیم سخن شما را به تحقیق آگاه گردانیده ما را خدا از جرمای شان

وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ تَمُوتُ دُونَكَ إِلَى عِلْمِ الْغَيْبِ الشَّهَادَةُ

وخواهد دید خدا و رسول او عمل شما را یعنی در دنیا باز گردانیده شوید بسوی دامن زده نماند و آشکارا
در دمی بیند خدا کار شما را و فرستاده او پس باز گردانیده می شوید بسوی دانای پوشیده و آشکار

فَيَنْبَغِيكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ سَيُخْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ

پس چو بدید شما را آنچه میکردید سوگند بخدا پیش شما چون باز آید
پس آگاه می گرداند شما را به آنچه قهای کردید زود است که قسم خورند باله برای شما چون باز گردید

إِلَيْهِمْ لَتَعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ ۝ أَنَّهُمْ رَجَسٌ وَمَا لَهُمْ

بسوی ایشان تدا بگردانید از ایشان پس شما را بگردانید از ایشان هر آینه ایشان پلید اند جای ایشان
بسوی ایشان تا اعراض نماید از ایشان پس اعراض کنید از ایشان بیشک ایشان پلیدند و مسکین ایشان

جَهَنَّمَ جَزَاءُ بِنَاءِ كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ يَخْلِفُونَ لَكُمْ لَتَعْرِضُوا عَنْهُمْ

دورج است سزای آنچه می کردند سوگند بخورند برای شما تا حاضر شوند بسوی ایشان
قسم خورند برای شما تا خوش شوید از ایشان

فَإِنْ تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ۝ الْأَعْرَابُ

پس اگر رضامند شوید از ایشان بر آینه خدا رضامند نشود از گروه فاسقان صحرا نشینان
پس اگر ارحامی شوید از ایشان بیشک الله را می شوی از قوم مکرر (ماتق) نافرمان (برای) از انجاب باید بشود

أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا أَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ

کفترانند در کفر و نفاق دل و سزاوارتر اند بآنکه ندانند احکام شریعت را که نازل کرده است خدا بر
شاید ترند از حیث کفر و نفاق و سزاوارترند باینکه ندانند حدود شرعی را که نازل کرده الله بر

رَسُولِهِ وَاللَّهُ عَلَيْهِ حَكِيمٌ ۝ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ

پس از خود و خدا داد درست کار است و برخی از اعراب کسی هست که تاوان می شمارد چیزی را که خرج
رسول خود می داند و با حکمت است و برخی از اعراب صحرا نشینان آنست که می بیند دارد خرج خود را

مِنْ مَّا وَكُنْزُ بَصَرِكُمْ اللَّهُ وَأَبْرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ

می کند و انتظار می کشد در حق شما مصائب را بر ایشان باد و مصیبت بد و خدا شنوا
ندان و انتظار می کشد ببقا گردش پای زمانه را بر ایشان باد گردش بد و الله شنوا

عَلِيمٌ ۝ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا

داناست و از اعراب کسی هست که ایمان می آورد بخدا و روز آخر و می شمارد چیزی را
داناست و بعضی از صحرا نشینان آنست که ایمان می آورد بالله و بروز آخرت می گردود و بداند آنچه

يُنْفِقُ قَرُبَتْ قُرْبَتِ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا أَنهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ ۝

که خرج می کند سبب قربت نزدیک خدا و وسیله دعای نیک پناهی است آگاه باش بر آینه دس و قربت ایشان
خرج می کند (سبب) قربت با نزد الله و (سبب) دعای رسول آگاه باش بیشک این خرج موجب نزدیکی (الله)

سَيَسْأَلُ خَلْقَهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۝ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝

داخل خواهد کرد ایشان را خدا در رحمت خود هر آینه خدا آمرزنده مهربان است
ست بر آن باز دارد و می گرداند ایشان را الله در رحمت خود بیشک الله بخشنده مهربان است

یعنی و این معنی بر نصبت
از این خبر و این فتح
تفسیر عثمان
عنه الله تعالی

احوال با حقان و
مؤمنان مخلص مدینه
بیان شده بود اکنون
از یکی او ضلع اعراض
صحرا نشین بیان می
شود در میان آنها
نیز چند نوع مردمند
کافر متناقض مسلمان
مخلص چون بادیه
نشینان فطرتا تفرقه
خود سخت مزاحمت
چنانکه در حدیث است
ممن سکن البادية
حقا و از محال
علم و حکمت دور اند
فروع تهذیب مدینه
علم و عرفان در آنها
کمتر تاثیر می کند کفر
و نفاق آنها نسبت
به کفر و منافقین
بلا شد بدتر می باشد
موقع نمی یابند که به
محبت اهل علم و
صلاح برسند و احوال
و یانت و نذر سبب
را که خدا به پیغمبر خوش
فرستاده می آموزند
بدی است بدون
علم و معرفت دل انسان
طایم و مذهب نمی گردد
پس کسی که مستغرق
جهالت است بر آینه دل
بای شان سخت می
باشد و در راه کفر و
نفاق که خود اختیار
می کنند مانند سبیل
آب و کور کور اند
در اوان می باشند
سنگدلی اعراب
در احادیث معتبره
وارد است در یکی
از احادیث مذکور
از اعراب که می گویند

از اعراب که می گویند

از اعراب که می گویند

واليعني درميا مسله

ذلیل شوند و در

اموال اولیادانات

بیند ۱۲ تفسیر عثمانی

عبدالواہل مدینہ اکبر

ازیل طرف این
مستقیم

حاج محمد بن علی

در مورد لغات و معانی

و میران محنت استوار

انداز سومی

دیگر مسلمانان

کم پیدا می شوند که چون

بر مقتضای این صورت احوال

از ایشان جدا گردید

تا آنکه برگزیده این خفته

اعطاف پر کنزہ گدا

وہو اب آہنیا مخلوط

است گناه نشان

انست کہ باوجود نیز

عالمی دعوت پیغمبر پر

تبرک حاکم فرستند و
بجای آنکه...

فما ذكركم بغير الله

میں نے اس کو دیکھا تھا کہ وہ اپنے

وما لنا قومك نودد وودد

سایر اعمال عشاء الیستر

نماز و روزہ، زکوٰۃ و حج

غزاد غیر شرک باشند

این همه امور در هر وقت

حسنًا اليسان؟

است حد این چهار
و در این چهار

خداوند را در هر روز بخوان

نمازخانه اندام آیت

در یاد ابراهیم و سید

او که از حق آسمانی دور

تو ک حاکم است نه ندان

سنگ و الماس (که در میان مردم)

از فوط بنامت خ لشت

ماہر ستون بابی مسرور

لبتنند و عموگتند کز روند

تا به غیر خود نیاید و آنها

نه بخشاید و به دست
خوشتر از منهد با نکلند

10

والمعنى باعرض و
مصائب ١٣ صفا
يعنى سورته كه كذا
بيان اتفاق ايشان
باشد ١٤ يعنى
تجانبه ١٥ خود ١٦
و كنى چنانكه
تأديست عرض را
نگاهى دارد و ترازى
نگاهى دارد و شتر
لاقران و منافقان
تفسير عثمانى
ع ١٥ اتفاق برسان
يكى دو بار منافقان
مورد غنى و آزمائش
قرار داده مى شوند
مثلاً در قحط و بيمارى
و ديگر آفات ارضى و
سماوى بتلاوى گردند
و يا بزمان بغير عيال
تفاق شان خلاصه
بمهدان آمده باعث
رسوائى شان مى
گردد و يا دشمنى
جنگ جهاد زمين
و غلبت باطن شيا
پرويه برده شده مى
شود مگر از بس بيه
حيا و بد باطن اند
از بين تازيانده ها و
داريه اصول ١٦
نمى آيند و از سر
خطاهاى
گذشته توبه ١٥
نمى كنند و براى
آينده پندى
پذيرند ع ١٦
بنگاميك و مى
نزل مى شد
و منافقين در
مجلس حاضر ميوند
شنيدن كلام الهى بر
آنهاشان ميگذشت
خصوصاً آياتيكه
آنها را آشكار مى
گردانيد در آن وقت
يكى ديگر نيزه نگاهى
كرد و اين طرف و آن طرف
ديگر ريزيد و مبادا در مجلس
مسلمانى و منح آنها را دلالت
باشد پس هيچ كسى در آن وقت
نزد خدا نماند

مَعَ الْمُتَّقِينَ ١) وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ
باعتقاد است و چون فرود آورده شود سوره ها پس از منافقان كسى هست كه مى گويد در حق کدام يك از شما
بايستى كاران است (عون و نصرت الهى شامل حال ايشان است) و چون نازل گردد سوره سورتى پس بعضى از ايشان آنست كه مى گويد
زَادَتْهُ هَذِهِ آيَاتًا ٢) قَالُوا الَّذِينَ آمَنُوا أَفَرَأَدْتَهُمْ إِيْمَانًا وَهُمْ
افزون كرده است اين سورت ايمان را اما اهل ايمان پس حقيقت زياده كرده است در حق ايشان ايمان را و ايشان
كه زياده كرده او را اين سورت ايمان پس آياتى ايمان آورده اند (پس) زياده نموده اين سورت براى ايشان ايمان و ايشان
يَسْتَبْشِرُونَ ٣) وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ رِجْسًا
شادمان مى شوند و اما آنانكه در دل ايشان
خوش مى شوند و اما آنانكه در دل باي شان
الى رِجْسِهِمْ وَمَا تَوَّاهُمْ كُفْرًا ٤) أُولَئِكَ يُرَوْنَ الْوَحْيَ يُفْتَنُونَ ٥) فِي
همراه پليدى ايشان و مى روند و ايشان كافر بودند آياتى هستند كه ايشان
بر پليدى و مى روند در حاليكه
كافر بودند آياتى هستند منافقان كه ايشان آزموده مى شوند
كُلَّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذْكُرُونَ ٦) وَإِذَا مَا
هر سال يك بار بار بار و باز توبه نمى كنند و نه ايشان پند مى گيرند و چون
هر سال يك دفعه ياد و دفعه باز هم توبه نمى كنند و نه ايشان پند مى گيرند ع ٦ و چون
أَنْزَلَتْ سُورَةٌ لَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ هَلْ يَرِيكُمْ مِّنْ أَحَدٍ
فرود آورده شود سوره ها و لظروند بعضى ايشان به بعضى از جهت سرزنش و گويد آياتى پند مى گيرد كسى شمارا
نازل كرده شود سوره ها مى بيند بعضى از ايشان بسوى بعضى ديگر آياتى پند شمارا ايچ كسى (از مسلمانان)
ثُمَّ انْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهِ قُلُوبَهُمْ بَلَّغَهُمْ قَوْمًا لَا يَفْقَهُونَ ٧) لَقَدْ
پس ياد گردند و كى باز گرداننده است خدا دل ايشان را بسبب آنكه ايشان كرده است بيهست كنى و اندك اى شده ان
پس بازمى گردند و كى باز گرداننده است خدا دل ايشان را (از نهايت) باين سبب كه ايشان قولى اند كه مى دانند هر سوره
جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ
آمده است بشما پيغمبرى از قبيله شما دشوار است بروى رنج شما حريص است بر بديت شما
آمده بشما رسول از خود شما دشوار است بروى رنج شما حريص است بر بديت شما
بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ ٨) فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
مسلمانان بخافينده مهربان است پس اگر باز گردند بگو بس است مرا خدا يا هم موجود نيست
بمؤمنان نهايت مهربان رحيم است پس اگر رج گردانند از ايان (پس) بگو بكننده استمرا الله نيست
إِلَّا هُوَ ط عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ٩)
بجز وى برون توكل كردم و او خداوند عرش بزرگ است و عظيم
بجز سزاوار موجوديت مگر او براى توكل كردم و او است خداوند عظيم
سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا ١٠) اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي
بهاى خدا بخشاينده مهربان
آغاز مى كنم بهاى خدايكى به اندازه مهربان نهايت بارحم است
الْقُدْرَةِ أَيْتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ١١) أَكَانَ لِلنَّاسِ عِجَابٌ أَنْ أَوْحِيَ
اين آيت هاى كتاب با حكمت است آيا عجب شگردان را كه وى فرستاديم
اين آيت هاى كتاب با حكمت است آيا هست مردمان را شگلفى كه وى فرستاديم
إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمٌ
بسوى مردى از ايشان كه بفرسان مردمان را و بشارت ده مسلمانان را با ايشان راهيست پايد
بسوى مردى از ايشان كه بفرسان مردمان را و بشارت ده مسلمانان را با ايشان راهيست پايد
بگوئيد كه وى كرده اين طرف و آن طرف ديگر ريزيد و مبادا در مجلس
مسلمانى و منح آنها را دلالت باشد پس هيچ كسى در آن وقت
نزد خدا نماند

فلما بیننا ما یومنون بمقام
بالذین انما یأمنون
تفسیر عثمانی
نه و تفسیر عثمانی
اندیشه و ادوات
ای دینی یاران
میرسد و محقق
سجده و تفسیر
شود و عباد
ملکین و تفسیر
یعنی خود
و آیت اهل بیت
کسی که تفسیر
و امید ملاقات
ندارد جای نشان
و درج است
درین موقع و انمود
می شود و مجربان
دنیای خود را
بلکه مصلحت می یابند
حال آنکه و حقیقت
این است که گاهی
بیایک و بیجا
خودشان می خواهند
زود عذاب بر آنها
نازل شود مثلاً
گویند «اللهم ان
کان هذا هو الحق
عندک فاعط علینا
حجارة من السماء»
(انفال رکوع ۱۲)
گاهی از حوادث
و نبوی به تنگ می
آیند و ذر باره خود
و فرزندان خود و
دعای بد میکنند چنانکه
از حجه به ظاهر است
پس اگر خدای متعالی
بقدره خواست
عذاب و یابدی را
بر آن زودی بر او
نشان نازل کند که
به همان لحظه خود
رسیدن خبر را
یقین است که اگر
و بال بدی که تفسیر
نوریت نیاند و

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ دَعَوْهُمْ فِيهَا سَبْعَ مِائَةٍ
یعنی از زیر پایشان رود و در جنت است و دعوت و دعای ایشان در آن جا
میرود از زیر آن جا و جویها در بوستان است و دعای ایشان در آن جا
اللَّهُمَّ وَجَّهَتْهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۝ وَ اخْرَجَهُمْ فِيهَا مِنْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝
اللهم باشد یعنی پاک تر است بار خدا یا و دعای ایشان بایک دیگر سلام بود و دعای ایشان
اللهم باشد یعنی پاک تر است بار خدا یا و دعای ایشان در جنت است و دعای ایشان در آن جا
وَوَجَّهَتْهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۝ وَ اخْرَجَهُمْ فِيهَا مِنْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝
و اگر زود رسیده خداست که برودان سختی را مانند آنکه زودی طلبند و دعای ایشان در آن جا
و اگر زود رسیده خداست که برودان سختی را مانند آنکه زودی طلبند و دعای ایشان در آن جا
فَإِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ ۱ ۝
پس ای گذاریم آنان را که امید ملاقات ما ندارند سرگردان شده در پیرای خویش و چون برسد
پس ای گذاریم آنان را که امید ملاقات ما دارند سرگردان شده در پیرای خویش و چون برسد
الْإِنْسَانُ الضَّالُّ عَنِ الْجَنَّةِ ۝ أَوقَعَ الْأَوْقَاعَ ۝ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ غُشًّا
در یک یادی و عاقل و بخواب محض بر پهلوی خود یا ایستاده پس چون برادریم از دوسه و در
بر آدمی را بجز آنکه حقیقت بر پهلوی خود یا ایستاده پس چون برادریم از دوسه و در
مَرَّكَانَ لَمْ يَدْعُنَا إِلَى ضَرْبٍ مِمَّنْ ۝ كَذَلِكَ زَيْنٌ لِلْمُسْرِفِينَ ۝ مَا كَانُوا
برود و گویا خوانده بود ما را بدفع کردن رنجی که رسیدش هم چنین آراسته کرده اند از حد گذشتگان را
برود و گویا خوانده بود ما را بدفع کردن رنجی که رسیدش هم چنین آراسته کرده اند از حد گذشتگان را
يَعْمَهُونَ ۝ ۲ ۝ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا ۝ وَجَاءَهُ
می کردند و هر آینه ملک کرده ایم قرن بارها پیش از شما چون ستم کردند و آمدند یا ایشان
می کردند و هر آینه ملک کرده ایم جماعت بارها پیش از شما چون ستم کردند و آمدند یا ایشان
رَسَلَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ ۝ وَمَا كَانُوا إِلَّا يَوْمِنُوا ۝ كَذَلِكَ تَجْرِي لِقُومِ الْكَافِرِينَ ۝
بیجا بران ایشان یا نشان بانه روشن و در هرگز مسندان نبودند که ایمان آرند هم چنین ستم می کردند که
بیجا بران ایشان یا نشان بانه روشن و در هرگز مسندان نبودند که ایمان آرند هم چنین ستم می کردند که
ثُمَّ جَعَلْنَاكَ خَلِيفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۝
باز جانشین را هستیم شمارا در زمین پس از ایشان تا به ششم چگونه کار می کنید
باز کرده اند هم شمارا جانشین گذشتگان در زمین پس از ایشان تا به ششم چگونه کار می کنید
وَإِذْ أَنْتَ عَلَيْهِمْ أَيْتَانِيذٌ ۝ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا انْتِ
و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما و اگر آمده گویند آنانکه امید ملاقات ما ندارند
و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما و اگر آمده گویند آنانکه امید ملاقات ما ندارند
يَقْرَأْ غَيْرَ هَذَا ۝ أَوْ يَدَّعِي ۝ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَدَّعِي ۝ مَنْ تَتْلُو
قرآنی بخوان یا بدین کن ادرا بخور و ادب بود مرا که بخیر نمیش از جانب
قرآنی بخوان یا بدین کن ادرا بخور و ادب بود مرا که بخیر نمیش از جانب
نَفْسِي ۝ إِنْ أَتْبَعُ إِلَّا مَا يَوْحَىٰ إِلَيَّ ۝ إِنِّي أَخَافُ أَنْ عُصِبْتُ ۝ بَلَىٰ عَذَابٌ
خود پیروی نمی کنم الا آنچه وحی می رسد به من پس آید من می ترسم اگر نافرمانی برود و کار خود را
خود پیروی نمی کنم الا آنچه وحی می رسد به من پس آید من می ترسم اگر نافرمانی برود و کار خود را
يَوْمَ عَظِيمٍ ۝ قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُمْ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرِكُمْ بِهِ ۝ فَقَدْ
زود بزرگ بخور خواسته خدا بخواند می از ایشان و جز در بخورده خدا شمارا بان هر آینه
زود بزرگ بخور خواسته خدا بخواند می از ایشان و جز در بخورده خدا شمارا بان هر آینه
نوریت نیاند و

ملا یعنی در دست
خداست تسلط
تفسیر عثمانی
عنه بجم خدا نگه
در روزی شب آفتی
رسید و مثل طوفان باد
فرد آمدن ز لاله بکرم
شیخ و علی بن القیاس
و تمام از در رافت را
چنان برهم زد که گوی
گویی در آنجا نرسد
بود چنین است مثل
و دنیا که چندی زیاده
خرم به نظر حلوه میکند
بے خدا بی دل انگیزی
و حال آن مفتون
می شوند و حاصل
حقیقت را فراموش
می کنند اما این شایع
و آری است که روزی چند
بیش نیست و زود
است که ستوش
خدا زوال شده اند
ظاهر را فراموش کرده
صرف شاه رجم الله
این مثال را بفرست
لطیفی بر حجاب مخفی
بشری که پیش نموده
است یعنی روح
ماتد آب از آسمان
"عالم بالا" فرد
آمد و در کلاه خاک
آینه قوت گرفت
از اغلاط آشنگ
انسان پدید آمد و
کردار انسانی حیوانی
برورد و انجام داد
چون در هر روز کامل
و متعین بر روی اختیار
کرده تا نگه این روز
فرا رسید در آن روز
این نمایش را خاتم
داد و چنین موشد
که از پیش بر روی
زمین بر نشان نماند
و نامده لاله او نهاده
و دست یار و دست

انجیتنا من هذه لئلا نكون من الشكرين ۵ فليما انجهم اذاهم
خدا من کنی را ازین بلا باشدیم از شکر کنندگان پس هرگاه خلاص ساخت ایشان تا نگه این ایشان
خلاص کنی را از این هر آینه باشدیم از شکر کنندگان پس چون نکات داد ایشان را تا نگه این ایشان
يَبْعُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَأْتِي النَّاسُ إِلَهُابَكُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ
بهرای می کنند در زمین ناحق
بهرای می کنند در زمین بغیر حق
مَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
یا فقید بهره زندگانی دنیا باز بسوی ما رجوع ستااست پس خبردار بگویم شما را آنچه می کردید
یا فقید بهره زندگانی دنیا باز بسوی ما باز گشت ستااست پس خبردار بگویم شما را آنچه می کردید
إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْغَيْثِ الْمُنْتَفِلِغِ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِنَّ الْأَرْضُ
جز این نیست که صفت زندگانی دنیا مانند آبی است که زود آرد و میخ از آسمان پس در هم آمیخت بسبب دی و زمین
جز این نیست که صفت زندگانی دنیا مانند آبی است که زود آرد و میخ از آسمان پس در هم آمیخت بسبب دی و زمین
مَتَا يَكُلُّ النَّاسُ مِنَ الْأَنْعَامِ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ
از آنچه می خوردند مردمان و چهار پا بیان تا وقتیکه بدست آورد زمین پیرایه خود را و آراسته شد
از آنچه می خوردند مردمان و چهار پا بیان تا وقتیکه بدست آورد زمین پیرایه خود را و آراسته شد
و ظَنُّ أَهْلِهَا أَنَّهُم قَدِירוْنَ عَلَيْهِمْ لَا تَأْتِيهِمْ أَفْئِدَةٌ وَلَا نَفْلٌ إِلَّا أَن يَأْمُرَ بِهَا أَوْ يَأْخُذَ بِهَا
و گمان کردند ساکنان آن زمین که ایشان توانا اند بر آن متغیر از آن تا نگه این بیاید بزمین زمان ما و در پیش پیرایه خود را
و گمان کردند ساکنان آن که ایشان توانا اند بر آن متغیر از آن تا نگه این بیاید بزمین زمان ما و در پیش پیرایه خود را
حَتَّىٰ إِذَا كَانَ لَكُمْ آيَاتُنَا فَكُنُوا آلَافًا مُّسَبِّحِينَ ۚ لَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ
متل زراعت از نزع بریده گویا بزود و بیرون هم چنین بیان می یکنم نشان بارایر است که می کند
متل زراعت در دود گویا که باغ بودند و بیرون هم چنین بیان می یکنم نشان بارایر است که می کند
وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
و خدا می خواند بسوی سرای سلامتی و دلاست می کند بر هر که خواهد بسوی راه راست
و خدا می خواند بسوی سرای سلامتی و دلاست می کند بر هر که خواهد بسوی راه راست
لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝۶
آنان را که شیکو کاری کردند حالت نیک باشد و زیاده بر آن و نه پودش روی ایشان را هیچ سیاهی و نه هیچ خوار
آنان را که شیکو کاری کردند حالت نیک باشد و زیاده بر آن و نه پودش روی ایشان را هیچ سیاهی و نه هیچ خوار
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝۶ وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ
این جماعه این بهشت اند ایشان را آنچه جاوید باشند گانند و آنان را که بس آوردند کردارهای بد
این جماعه این بهشت اند ایشان را آنچه جاوید باشند گانند و آنان را که بس آوردند کردارهای بد
جَزَاءً سَعِيَّةٍ يَشَاءُونَ لَوْ تَرَكَهُمْ ذُلٌّ مَّا لَمُومِنَ اللَّهِ ۝۷
جزای بدی مثل آست و بیورش ایشان را خوار نیست ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده گویا
جزای بدی مثل آست و بیورش ایشان را خوار نیست ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده گویا
أَعْشَدُ وُجُوهَهُمْ قَطَعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا ۚ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝۸
پوشانیده شده است روی ایشان را بیک شب تاریک آمده این جماعه این آتش اند ایشان
پوشانیده شده است روی ایشان را بیک شب تاریک آمده این جماعه این آتش اند ایشان
فِيهَا خَالِدُونَ ۝۹ وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ
آجا جاوید باشند گانند و بیورش از روی یک بر اینک از ایشان را همه یک جا باز گویم مشرکان را باینکه بجای خود
آجا جاوید باشند گانند و بیورش از روی یک بر اینک از ایشان را همه یک جا باز گویم مشرکان را باینکه بجای خود

ملایم یعنی خدا باریک
چون او بزرگوار و در حق
تفسیر عثمانی
عنه این بابین نظر
با قرآن مجید است
قرآن از ناخوشا ناخوش
پند است چند کلام
را از مضرات مبداء
بازی در قرآن شفا
درج اول است و حق
قرب در قاضی الهی
روشن میگردد و قبول
کنندگان خود از این
جهان آن جهان
سزاوارست الهی
میدهد از محققان
یعنی برایت که در این
آیت برآید کمال نفس
انسان اشرار است
یعنی کسی که قرآن مجید
تسک کند به نام الهی
مراحت نازد و بگوید
تو شای از اهل قیامت
پاک بشود و بگوید
اشد به آن است
در باطل نه
عقاید فاسده
و ملات رویه
میگردد و این از
شفا لای العبد
منه یوم یسود
دی به عقاید حق و
اخلاق فاضله آراسته
بیشود و گفته می
بسیار مناسب
آست (در پس از
اصلاح ظاهر و باطن
مورد نزول رحمت
الهی میگردد و چنانکه
از کلام رحمت الهی
است (۱۰) فتح الرحمن
رازی در تفسیر خود
تفسیر خود نوشته
این چهار لفظ را
است به شریعت
طریقت و حقیقت
ثبوت و حکایت علی

لله ما فی السموات والأرض ۱۰ الا ان وعد الله حق ولكن
خدا ترست آنچه در آسمانها و زمین است ۱۰ آگاه باش هر آنچه وعده خدا است مست و لیکن
خدا ترست آنچه در آسمانها و زمین است ۱۰ آگاه باش هر آنچه وعده خدا است مست و لیکن
اكثرهم لا یعلمون ۱۱ هو یحیی و یمیت و الیه ترجعون ۱۲
بیشترین ایشان نمیدانند ۱۱ او زنده می کند و می میراند و بسوی او گردانیده شوید ۱۲
بیشتر از ایشان نمیدانند ۱۱ او زنده می کند و بسوی او گردانیده شوید ۱۲
الناس قد جاءکم موعظ من ربکم و شفاء لکم فی الصدور و
مردمان آمده است بشما پند از پروردگار شما و شفای آن علت را که در سینها است و
مردمان به تحقیق آمده است بشما پند از پروردگار شما و شفای آن علت را که در سینها است و
هدی و رحمة للذین امنوا ۱۳ قل بفضل الله و برحمته فبذلك
راه نموده و بخشایید مسلمانان را ۱۳ بگو بفضل خدا و برحمت او باین چیزها
راه نموده و برحمت مسلمانان را بگو بفضل خدا و برحمت او پس بدین خبر
قل یقربوا هو خیر مما یجمعون ۱۴ قل اریتم ما انزل الله لکم من
باید که شکر و دان شوند آن بهتر است از آنچه می کنند بگو آیا دیدید چیزی که از پروردگار آمده است خدا برای شما
باید که شکر و دان شوند آن بهتر است از آنچه می کنند بگو آیا دیدید چیزی که از پروردگار آمده است خدا برای شما
یرزق فجعلکم منه حراما و حلالا قل الله اذن لکم ام علی الله
چون روزی پس سزا عقید بعض آنها حرام و بعض آنها حلال بگو آیا خدا اذن داده است شما را یا بر خدا
چون روزی پس سزا عقید بعض آنها حرام و بعض آنها حلال بگو آیا خدا اذن داده است شما را یا بر خدا
تفکرون ۱۵ و ما ظن الذین یفکرون علی الله الذل الذل یوم القيمة
در دماغ می بندید و چیست گمان آنها که افراست کنند بر خدا و دروغ را بر دوش قیامت
در دماغ می بندید و چیست گمان آنها که افراست می کنند بر خدا و دروغ را بر دوش قیامت
ان الله لذ و فضل علی الناس و لکن اکثرهم لا یشکرون ۱۶
هر آینه خداوند فضل است بر مردمان و لیکن بیشتر از ایشان پاسداری نمی کنند
بدرستی که خدا هر آینه خداوند فضل است بر مردمان و لیکن بیشتر از ایشان شکر نمی کنند
و ما تكون فی شان و ما تتواضعون من قرآن و لا تعملون من عمل
و نه باشی در هیچ شغل و نه خواهی هیچ آیه را از قرآن خدا آمده دخی گفته یا هیچ کاری
و نه باشی در هیچ شغل و نه خواهی هیچ آیه را از قرآن خدا آمده دخی گفته یا هیچ کاری
الا کتابا علیکم شهودا اذ یقبضون فیه و ما یعزب عن ربک من
مگر کتابی بر شما مطلع چون دخی آید در آن کار و بگوید شیده به خود از پروردگار تو
مگر کتابی بر شما مطلع چون دخی آید در آن کار و بگوید شیده به خود از پروردگار تو
منقال ذر فی الارض و لا فی السماء و لا اصغر من ذلک و لا اکبر
هم سنگ ذره در زمین و نه در آسمان و نیست خورد تر از آن و نه بزرگ تر
هم سنگ ذره در زمین و نه در آسمان و نیست خورد تر از آن و نه بزرگ تر
الا فی کتاب مبین ۱۷ الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم و لا هم
الا نوشته شده است در کتاب روشن آگاه باش هر آینه دوستان خدا هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان
مگر نوشته شده است در کتاب روشن آگاه باش هر آینه دوستان خدا هیچ ترس نیست بر ایشان و نه ایشان
یحزنون ۱۸ الذین امنوا و کانوا یستقون ۱۹ لهم البشری فی الحیوة
اندوه بین شوند آنانکه ایمان آوردند و تقوی می کردند ایشان را است بشادان
اندوه بین شوند آنانکه ایمان آوردند و تقوی می کردند ایشان را است بشادان
در زندگانی

ثبوت و حکایت علی الترتیب در اینجا موقع تعیل آن نیست و این مضمین در تفسیر فاضل نکند و حاصل فعل و رحمت خداست که آن باید در طلب آن باشد

تفسیر عثمان
 علی بر کرمه چنانچه
 است به تمام
 کنایه را که چنانچه
 نوع عیال و عیال
 سال به آنها نصیب
 کرد از نفع و ضرر
 آگاه بود چون بخوان
 وی موثر تبار بود که
 خدا و فراد آنها
 از وی مشایق
 الهی آنها طوفاقی
 شد و کنایه
 غرق گردیدند تنبا
 نوع عیال و عیال
 حق که بادی و کشتی
 بود از محفوظ ماندند و
 آیند نفس انسان
 از آنها پدید آمد و
 دیدار و در حق وجود
 آنها موقوف شد
 از تقدیر نوع عیال
 در صورت اعوان گشت
 است و در بود
 نوع عیال و عیال
 موافق ابراهیم و شعیب
 علیه السلام و دیگر
 انبیاء و انبیاء
 اقوامشان با طاعت
 در حق فرستاد
 چنانچه پیش از بعثت
 انبیاء در حال طویل
 و کفر بودند اموری را
 که پیش از بعثت نبود
 توفیق یافتند که بعد
 از بعثت و تبلیغ انبیاء
 به بند برند و انبیا
 محمدا را کرم و مع
 کنایه خود و
 دیگران نیز قبول
 آن انبیا و در پی بند
 چنانچه در حق
 گفتند و انبیا
 کردند و انبیا
 به انبیا و انبیا
 تا آخر ماندند
 که اینگونه و انبیا

مَنْ أَجْرَانِ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

بگویم مزد نیست مزد من مگر بر خدا و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان

فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفَلَكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلِيفَةً وَأَعْرَفْنَا

پس دروغ گفتند و او را و آنرا که با او بود در کشتی و گردانیدیم ایشان را جانشین و عارف کردیم

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

کسانی را که دروغ گفتند آیات ما را پس بنگر چگونه شد آخر کار بندگان که دروغ گفتند

بَعَثْنَا مِنْ بَيْنِهِمْ رَسُولًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا

فرستادیم از میان ایشان را رسولی به قوم ایشان پس آوردند براهین روشن پس بگوشتن و کفر

لِيَوْمَ نَأْتِيهِمْ كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ عَلَى قُلُوبِ

که ایمان آورند یا بچند دروغ داشته بودند آن را پیش از این بزم چنانچه مقرر است بر دل

الْمُتَعَذِّلِينَ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَيْنِهِمْ مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ

از حد گذاردند چنانچه باز فرستادیم بعد از ایشان موسی و هارون را بسوی فرعون و

مَلَائِكَةٍ بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ

فرستادیم از میان ایشان را دو فرشته را با آیات ما پس استکبر کردند و بودند قوم گناهان پس چون آمد بایشان

الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا السَّحَرُ مِثْلُ بَعْضِ

حق درستی از نزد ما گفتند هر آنچه این سحر است

الْقَوْلُونَ لِلْحَقِّ لَمْ يَأْتِهِمْ إِلَّا سِحْرٌ هَذَا وَلَا يُفْلِحُ السَّاجِدُونَ

آیات چنانچه می گویند حق درستی را چون بیاید بر شما آیا سحر است این درستی که می گویند سحر است

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَكَ وَنَعْبُدَ آبَاءَنَا وَنَحْمِلُ

گفتند آیا آمده پیش ما تا باری را از دست ما بگیرد و ما را بباران خود و تا ما را بشمارد و ما را

فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُؤْتُونِي

در زمین و زمین را شما را بار دانه و گفت فرعون بهار و زمین من

سِحْرَ عَلَيْهِمْ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِمَ مُوسَى أَلْقَاهُ

سحر و انبیا پس و گفت که آمدند سحران گفت ایشان را موسی با کینه ۳ بچشم شما

مَلْعُونٌ فَلَمَّا أَلْقَاهُ قَالُوا لِمَ مُوسَى أَلْقَاهُ

المنكذبه اید پس چون انكذبه گفت موسی آنچه آورده اید سحر است هر آنچه خدا

عادات حق از حد بی دزدی که صورت پیر نهان بر دل با نشان است که اول کنایه می کنند سپس بر آن اصرار می ورزند و معنی و مفاد را پیش می سازند تا آخر آن

سَيُطْلَقُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ وَيُخَيِّتُ اللَّهُ الْحَقَّ

با حق و اید سادت آنرا هر آینه خدا راست می آورد کار مفسدان را و ثابت خواهد کرد خدا حق را

يَكْفُرُ بِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ۱۲ فَمَا أَمَّنَ لِمُوسَى إِلَّا ذُرِّيَّتَهُ مِنْ قَوْمِهِ

پس ایمان نه آوردند به موسی مگر عاقله از قوم و س

عَلَى خَوْفٍ مِنْ فِرْعَوْنَ وَوَلَدَهُمْ أَنْ يَقْتُلَهُمْ وَإِنْ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ

بر وجود خوف از فرعون و از اثرات قط که عقوبت کن ایشان را و هر آینه فرعون سرکش بود

فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ كَيْسَ الْمَسْرِفِينَ ۱۳ وَقَالَ مُوسَى يَقُومُ أَنْ كُنْتُ

در زمین و هر آینه دمی از حد گذرند گمان بود و گفت موسی ای قوم من اگر

أَمِنْتُ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا أَنْ كُنْتُمْ مُسْلِمِينَ ۱۴ فَقَالَ أَعْلَى اللَّهِ

ایمان آورده اید بخدا پس بروی توکل کنید اگر مسلمانان هستید پس گفتند بر خدا

لَوْ كُنَّا نَرَبَّنَا لَتَجَعَلْنَا فَنَاءً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۱۵ وَنَجْنَابِ حَمِيَّتِكَ

توکل کردیم ای پروردگار ما را لکن ما را لکن توکل نمودیم قوم ستمکاران و خلاص کن ما را بر عظمت خود

مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۱۶ وَأَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ الْقَوْمَ كَمَا

از گروه کافران و وحی فرستادیم بسوی موسی و برادر و س که سکن کنند قوم خود را

بِصِرَاطٍ يَبِينُ وَأَجْعَلُوا بَيْنَكُمْ قِبْلَةً وَاقِمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۱۷

بر صراطی که روشن باشد و بگذارید میان خود قیامت و بر پا دارید نماز را و بشارت ده مومنان را

وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَوَلَدَهُ نَارِيَّةً وَأَمْوَالًا فِي

و گفت موسی ای پروردگار ما هر آینه تو دادی فرعون و عیله او را زینت و مال و هر آینه

أَحْيَاكَ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلَّكَ سَبِيلُكَ رَبَّنَا طَمَسَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَ

زندگانی دنیا را ای پروردگار ما تا گمراه کنند عالم را از راه تو ای پروردگار ما طمس کن مال ایشان را و

الْشَّدَادَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۱۸ قَالَ قَدْ

مهر کن بر روی ایشان که ایمان نیاورند تا بیاورند عذاب دردناک و گفت خدا هر آینه

أَحْبَبْتُ دَعْوَتَكُمْ فَمَا اسْتَقِيمُوا وَلَا تَتَّبِعُوا سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۱۹

بگوش کرده ام صد دعای شما پس ثابت باشید و پیروی نکنید راه جاهلان را

وَجَاوَزَ بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنَ وَجُنُودُهُ

و گذرانیدیم بنی اسرائیل را از دریا پس از پی بردند فرعون و لشکر او

وَجَاوَزَ بِبَنِي إِسْرَءِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَبَعَهُمْ فِرْعَوْنَ وَجُنُودُهُ

و گذرانیدیم بنی اسرائیل را از دریا پس از پی بردند فرعون و لشکر او

فَخَرَجَ الْمُرْسَلُ

وَلَا يَنْفَعُ سُلَيْمَانَ

تَفْصِيْلُ عِشْرَتَيْنِ

عَلَى بَرَكَاتِ كُنُوزِهِ

وَمِنْهُ وَبِطْنُ مَعْنٍ

فَرَانِ بِرُوحَانِيَّتِ

الْأَوَّلِيَّةِ بِرُوحَانِيَّتِ

خود و از ستمگر با شکر

كَرَمِ قُدْرَتِ وَأَنْزَلِشِ

بِجَمْعِ بَيَانِ خَلْقِ الْإِنْسَانِ

وَمِنْهُ بِرُوحَانِيَّتِ

تَوَكَّلْ عَلَى كُنْزِ الْأَنْبِيَاءِ

اِحْتِشَادِ أَنْتَ وَشِدْكَ

سَهْلًا فَخَدَّاهُ خَلْقًا

بِسَهْلٍ وَكَمِ الْإِنْسَانِ

مِنْ بَرَكَاتِ قَائِدِ الْبَقَاءِ

جِدْ جِهْدَ حَيْثُمُ الْبَيْتِ

تَهْنِئَةً جَانِبِ الْبَقَاءِ

عَلَى دَرَجَاتِ الْفَيْتِ

مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ

خَلْقًا فَخَدَّاهُ خَلْقًا

بِسَهْلٍ وَكَمِ الْإِنْسَانِ

مِنْ بَرَكَاتِ قَائِدِ الْبَقَاءِ

جِدْ جِهْدَ حَيْثُمُ الْبَيْتِ

تَهْنِئَةً جَانِبِ الْبَقَاءِ

عَلَى دَرَجَاتِ الْفَيْتِ

مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ

خَلْقًا فَخَدَّاهُ خَلْقًا

بِسَهْلٍ وَكَمِ الْإِنْسَانِ

طایفه یهودی
 دریم نازل است یعنی
 تا که هر شوقی که بر شما
 سابق نیز می آید
 میشد و الله اعلم
 تا بهی که یک دل
 غلاب ۱۲
 تفسیر عثمانی
 در موعود القرآن
 است چنانکه ایلان
 ناپه نام و چون به
 رفت خداوند نش
 اورا از دایره آورد
 و بر فرشته الهی
 تا بنی اسرائیل
 چون در وی
 نگرند سپاس
 نگذارند و آینه کار را
 مایه عبرت گردد و اگر
 چنین بودی در بر
 آورده نشاد
 منادی متعجب گفتی
 چنانکه ایلان سودی
 تفسیر در بنی تاش
 منادی بنو از تحفه
 کنونی بری آید که جسم
 فرعون بتازد و کما
 محفوظ مانده اما
 کلمات قرآن بر شوق
 آن موقوف نیست
 بنات و زنان اهل
 و غری ذوق در روز
 عاشورا اتفاق افتاد
 و اکنون کرم این
 سلور را می نهد
 روز عاشورا ای سال
 ۱۳۳۸ هجری می
 باشد خداوند دین
 جهان و آن جهان
 از عذاب خود نگاه
 دارد و دشمنان دین
 فرقه اسلام را
 فرق گرداند آمین
 عاقل فرعون را که
 گردانید گفت معطل
 بر زمین اسرائیل
 که چندی بعد تمام

بِغَاوَعِدٍ وَ اِذْ اَدْرَاكَ الْغَرَقَ قَالَ اٰمَنْتُ اِنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
 از او ستم و جدی تا و تکیه رسیدش مشقت غرق گفت باور دارم که نیست هیچ معبود مگر
 از راه ستم و جدی تا و تکیه در یافت اورا غرق گفت ایمان آوردم من که نیست هیچ معبودی غیر
 الَّذِي اٰمَنْتُ بِهِ بَنُو اِسْرَءِیْلَ وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِيْنَ ۝۸۰ اَلَّذِي
 آنکه ایمان آورده اند بوسی بنی اسرائیل و من از مسلمانانم گفته شد آیا اکنون ایمان آری
 آنکه ایمان آورده اند بوسی بنی اسرائیل و من از مسلمانانم ایمان می آری اکنون حال آنکه
 قَدْ عَصَيْتَ قَبْلَ وَ كُنْتَ مِنَ الْمَقْسِدِيْنَ ۝۸۱ فَاَلْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ
 تا زمانی کرده بودی پیش ازین و بودی از مقصدان پس امروز بر جانم نجات دهان جسد تو را بوسی که بودی
 تا زمانی کرده بودی پیش ازین و بودی از مقصدان پس امروز بر جانم نجات دهان جسد تو را بوسی که بودی
 لَتَكُوْنَنَّ لِسَانَ خَلْقِكَ اَيَةً وَاَنْ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ عَنْ اٰيَتِنَا
 تا باطنی شاهد آنرا گویند از توانمند و هر آینه بسیار از مردمان از نشان ما
 تا باطنی به اخلاق خود نشان و هر آینه بسیار از مردمان از نشان ما
 لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ ۝۸۲ وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي اِسْرَءِیْلَ مَبَءِدَ صَدَقٍ وَّرَفَقَةٍ لِّمَنْ
 بے جبر اند و هر آینه جای دادیم بنی اسرائیل را بمقام نیک و روزی دادیم ایشان را از
 میخیزانند و هر آینه جای دادیم بنی اسرائیل را بمقام نیک و روزی دادیم ایشان را از
 الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتّٰی جَاءَهُمُ الْعِلْمُ اِنَّ رَبَّكَ يَقْضِيْ بَيْنَهُمْ
 پاکیزه با پس اختلاف نگردد تا آنکه آید بایشان دانش یعنی قرآن هر آینه پروردگار تو حکم کند میان ایشان
 پاکیزه با پس اختلاف نگردد تا آنکه آید بایشان دانش یعنی قرآن هر آینه پروردگار تو حکم کند میان ایشان
 يَوْمَ الْقِيَمَةِ فَيَمَّا كَانُوْا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ۝۸۳ فَاَنْ كُنْتَ فِيْ شَكٍّ مِّمَّا
 روز قیامت و در آن اختلاف می داشتند پس اگر در شک از آنچه
 روز قیامت و در آن چنانکه در آن اختلاف می کردند پس اگر تویی در شک از آنچه
 اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِيْنَ يَقْرَءُوْنَ الْكِتٰبِ مِنْ قَبْلِكَ ۝۸۴ لَقَدْ
 فرود ستادیم بسوی تو پس بپرس آنان را که می خوانند کتاب پیش از تو هر آینه
 فرود ستادیم بسوی تو پس بپرس آنان را که می خوانند کتاب را پیش از تو هر آینه
 جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِيْنَ ۝۸۵ وَلَا تَكُوْنَنَّ
 آمده است و پیش تو سخن درست از پروردگار تو پس مشر از شک گردانده و مباحث
 آمده است و پیش تو سخن درست از پروردگار تو پس مشر از شک گردانده و مباحث
 مِنَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِآيٰتِ اللّٰهِ فَتَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ ۝۸۶ اِنَّ الَّذِيْنَ
 از آنانکه دروغ داشتند آیات خدا را آنکه شوی از زیان کاران هر آینه آنانکه
 از آنانکه کذب کردند بر آیت های خدا را پس شوی از زیان کاران (هر آینه) آنانکه
 حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُوْنَ ۝۸۷ وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ اٰيَةٍ
 ثابت شد بر ایشان علم پروردگار تو ایمان ندارند اگر چه بیاید بایشان هر نشان
 ثابت شد بر ایشان علم پروردگار تو ایمان ندارند اگر چه بیاید بایشان هر نشان
 حَتّٰی يَرَوْا الْعَذَابَ الْاَلِيْمَ ۝۸۸ فَلَا كَانَتْ قَرِيْبَةً اٰمَنْتُ فَقَعَرَا اِيْمَانَهُمَا
 تا آنکه به چندی عذاب در دهنده پس چنانچه دیدی که ایمان آورد و پس سوگو کندش ایمان که
 تا آنکه ببینند عذاب در دهنده را پس چنانچه دیدی که ایمان آورد پس سوگو کندش ایمان دی
 اَلَا قَوْمُ يُوْنُسَ ۝۸۹ لَمَّا اٰمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخَزْيِ فِي الْبَحْرِ
 مگر قوم یونس چون ایمان آوردند برداشتم از ایشان عذوبت رسوائی در زندگانی
 مگر قوم یونس چون ایمان آوردند برداشتم از ایشان عذاب رسوائی را در زندگانی

را به ایشان کرامت و عافیت از آفتا همد آورد و هرگز درین شتاب و خفراست و استیاضای پاک و گوا از ان به افراط پیدا میشود خلاصی

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا

در زمین	مگر	و نیست	یافتی	چنینده
در زمین	مگر	و نیست	یافتی	چنینده

ويعلم مستقرها ومستودعها كل في كتاب

دومی داند جائے مانند اورا اد جائے نگاہ اشتیاق اورا
دومی داند قرار گاہ او و آرام گاہ و ی را

لَّذِي خَلَقَ السَّمُوتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَرَّ

ت آنکه آفرید آسمانها و زمین را در شش روز و بود
ت آنکه آفرید آسمانها و زمین را در شش روز و بود

اَللّٰهُمَّ اَحْسِنْ عِبَادًا وَلَدِيْنَ قُلْتَ اَنْتَ

از آفریدن شما آنکه تا بیا زاید بشمار اگر کدام کس از شما بیگو تراست از جهت علاج اگر کوئی که بپایند
از این گمان کند باشد اگر کدام کس از شما بیگو تراست از جهت علاج اگر کوئی که بپایند

بعد الموت ليقول الله الذي بكف و (ان) هذا الله

ت کو یہ کہہ کر اپنے گھر کے دروازے پر پہنچا۔

از موت بر این گویند آنانکه کافر شدند نیست این سخن مگر عادی

مازدارکم از ایشان عقوبت را نماید که شمرده شده

بسم الله الرحمن الرحيم

هر یک از اینها را که می بینید باید بایستادن باشد باز دستش را دراز کند و فریادش را که

گاه باش روزیکه بنیاد ایشان نباشد بازداشته از ایشان و فرایند ایشان را

دکتر بخشایم آدمی رانجی از نزدیک خود یاد برگزیم آنها از د

و اگر بچشم آدمی را از نزد خود رحمت باز گیریم آن را از دی

و نامشاس است و انو بحقیق ایم آدمی را در قافیه بدست می گرد رسیده باشد بوی

نامش این است و اگر چه شما هم آدمی را اینگونه بعد از آنکه که بدو رسیده باشد

از من بر آینه و شادمان خود ستا بنده است مگر آنانی

کتاب بیاض از من هرگز نپزدی شادمان خود شتاست

الصلحت اوليك لهم معفركه و اجر كبير (3)

کارهای شایسته کردند آن خانه ایشان راست آمرزش و مزد بزرگ

بعض ما یوحى الیک و ضاع بی بیه صدراک
چهره ایخ و چی فرستاده می شود لبوس تو و عین می شود بان سجاد تو

و باقی بعض آنچه در وی زمستانه می شود بسوی نور و تنگ میشود و به آن سینه نور

انزل علیه السلام و جاء معه ملك طائفا
فروا و قد ورد

را فرد آورده نشود بر دی گنج یا چراغانیده یا دو فرسته جز این نیست که

له وادوار مختلفی گزیده است. از آن به یاد آورده به بیت کوتاهی رسیده اند اما است و بر مبنای علم محیط و

۸
 اینجهم از آسمان در
 زمین مستقر و بجا
 مقرران را گفته
 بالبعد است در
 تفسیر سوره انفک
 از آن نگاشتیم این
 کفر گوید این لباس
 بر آست کر نشیمن
 انسان در حیات این
 جهان مستقر و بجا
 وی پس از مرگ عود
 نماید پیش و بجا
 عود بر احوال مستقر
 رحم دارد و از مستقر
 طلبید است و
 عطا بر نفس آن سخن
 را نه بعضی نفسین
 مسکن فی حیوانات
 و از زمین مستقر و
 و مقامی را که قبل از
 وجود فی دمان بودند
 مستقر بر بندار شده

سید بن طاہر

صلوات بر محمد و آل محمد
 به سوره نوحی واقع
 شد چون از آن عاجز
 شدند بیک سوره
 نوحی فرموده است
 یعنی بر اسلم ثابت
 باشد و است یعنی
 ثواب صدقه صلوات
 که از کفار بود می باید
 در دنیا میدهند و توبه
 زنی و محبت بدن
 که یعنی دین عقلی
 و شایسته قرآن
 که یعنی کرامات
 تفسیر عثمانی
 عه قبول سخبات
 مطلوبه آنها صلوات
 نیست بزرگ ترین
 معجزات یعنی قرآن
 رو بروی آنهاست
 که می پذیرند و می گویند
 ساخته و پیرا آخرت
 معاذ الله بگویند
 تر بود و می باشد
 و باقیست هر چه باشد
 و ده سورت مانند
 قرآن پیش آورده و ده
 این کار از آن بزرگان
 بل از معبودانی که
 آنها را انوار خدای
 دانستند استعانت
 جویند اگر نتوانستند
 و هرگز نمی توانند پس
 بدانند که قرآن کلام
 حضرت آفریده است
 کلامی که هر مردمان
 آنرا دردن مثل آن
 عاجز آیند کلام خلاصت
 که در کمال خوشی بر
 پیغمبر فرود آورده بدین
 شرف چنانکه کلام او را
 اندکی نیست ذات
 و صفات وی نیز به
 مثال و نامشیک می
 باشد پس این کتاب
 به نظر کلام خلاصت
 که شریف و محل ندارد یا جوید این همه دلایل واضح برای قبول خداوند است که چنانچه از انکار می برد انبیاء

أَنْتَ نَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ
 تو نیم گفتندی و خدا بر هر چیز نگهبان است آیای گویند بر لب است قرآن را
 تو نیم دهنده ای و خدا بر همه چیز نگاهبان است آیای گویند خود بر لب است قرآن را بگو
 فَأَتُوا بِعَشِيرَتِكُمْ أَمْثَلِكُمْ مَفْتَرِينَ ۝ وَأَدْعُوا مَن اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ
 پس بیارید ده سوره را مانند این بر بافته و بخوانید هر کرا خوانید
 پس بیارید ده سوره را مانند این بر لب شده از خود و بخوانید هر کرا خوانید
 اللَّهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ فَالْكَافِرُ يَصْعَدُ فِي سِحَابٍ مُّظْلِمٍ ۝ فَاعْلَوْا إِنَّا امْرُؤٌ
 خدا اگر راست گویم پس اگر قبول نکنند آن کافران حق شمارا بدانید که قرآن نازل کرده شده است
 خدا اگر راست گویم پس اگر اجابت نکردند شمارا پس بدانید آنچه فرو فرستاده شده
 يَعْلَمُ اللَّهُ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۝ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ مَنْ كَانَ يَرْجُوا
 بعلم خدا و بداند که هیچ معبود نیست مگر او پس آیای مسلمانی است هر که خواسته باشد
 به علم خداست و بداند که نیست هیچ معبود غیر وی پس آیای مسلمانی است هر که باشد می خواهد
 الْحَيَوةُ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا ۝ أُولَئِكَ يَرْجُونَ أَلْفَاظًا يَصْنَعُونَ ۝
 زندگی دنیای و آرایش آنرا بنیام رسانیم بسوی ایشان برای عمل ایشان در دنیا و ایشان در آخرت
 أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحِطَّ لَهُمْ فِيهَا ۝ وَنُفِخَ فِي
 این جماعت آنانند که نیست ایشان را در آخرت مگر آتش و باطل شد در آخرت آنچه کرده بودند و
 انگریز و کافرانند که نیست ایشان را در آخرت مگر آتش و باطل شد آنچه کرده بودند و دنیا و
 بَطُلٌ ۝ فَأَكَا نُوا يَعْمَلُونَ ۝ أَفَمِنْ كَانَ عَلَىٰ بَيْتٍ مِّنْ سَرَابٍ ۝ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ
 نابود است آنچه بل می آوردند آیای که باشد بر آنچه از جانب پروردگار خودت و وصل دی آیای که
 باطل است آنچه می کردند آیای که باشد بر راه و آنچه در باطن از پروردگاری می باید بر این اورا که
 مِّنْهُ وَمَنْ قَبْلَهُ كُتِبَ لَهُمُوسَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَنُوحٌ ۝ وَكَانَ يُسَبِّحُ بِحَمْدِ رَبِّهِ ۝ وَكَانَ يُسَبِّحُ
 از جانب پروردگار او و پیش از قرآن گواه ده بود موسی پیشواست و نوح و پیش از این جماعت ایمان می آورد
 از خدای و پیش از آن گواهی می بود کتاب موسی پیشواست و نوح و پیش از این جماعت ایمان می آورد
 يَكْفُرُ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ ۝ وَاللَّهُ مُوَعِدُهُ ۝ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ
 از فرشتگان آن از گروه با پس آتش و عده گاه و گاه است پس مباشر در شب از نزل قرآن هر آنچه در
 کافرانند بر آن از گروه با پس آتش و عده گاه و گاه است پس مباشر در شب از نزل قرآن هر آنچه در
 الْحَقِّ مِنْ رَبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن
 درست است آمده از پروردگار تو و لیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آرند و گاه است مستکاران از کسب
 درست است از جانب پروردگار تو و لیکن بیشتر مردمان ایمان نمی آورند و گاه است مستکاران از کسب
 افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۝ أُولَئِكَ يَعْزُضُونَ عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ يَقُولُونَ ۝ إِنَّا شَهِدُوا
 بر گشت بر خدا دروغ را این جماعت آورده شوند پیش پروردگار طویل و گویند گواهان است
 بر گشت بر خدا دروغ را این جماعت عرض کرده شوند پروردگار خود و گویند گواهان
 هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ ۝ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ۝ الَّذِينَ
 اینانند آنانکه دروغ بستند بر پروردگار خویش آگاه باش لعنت خداست بر ستمکاران بر آنانکه
 اینانند آنانکه دروغ بستند بر پروردگار خویش آگاه باش لعنت خداست بر ستمکاران بر آنانکه
 يَصْدُرُونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا ۝ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ
 بازمی دارند مردمان را از راه خدا و می خواهند بر آن راه بجای و ایشان به آخرت و ایشان
 باز می دارند از راه خدا و می خواهند بر آن راه بجای و ایشان به آخرت و ایشان

فَرِّقُونَ ۱۱ أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ
 ابراهیم این جهان نباشند عاجز کننده در زمین و نباشند ایشان را
 ابراهیم این جهان نباشند عاجز کننده در زمین و نباشند ایشان را
 مَن دُونَ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَضَعُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا يَسْتَعْطِیْعُونَ
 بجز خدا دوستان دو چند کرده شود ایشان را عذاب نمی توانستند
 بجز خدا دوستان دو چند کرده شود ایشان را عذاب نمی توانستند
 ثُمَّ وَمَا كَانُوا بِصِرَاطٍ ۱۲ أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ
 شوند یعنی بسبب شدت نافرمانی و بی دیدن دل این قاعه آنانند که زیان کردند در حق خویش و گم شد
 شوند و نبودند که بدیدندی آن گروه آنانند که زیان کردند نفس بای خویش را و گم شد
 ثُمَّ مَا كَانُوا يَفْقَهُونَ ۱۳ لَا جَرَمَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۱۴
 ایشان آنچه بر می یافتند بیشک این جهان در آخرت ایشانند بسیار زیان کاران
 ایشان آنچه از برای کردند بیشک بر آیت ایشان در آخرت ایشانند بسیار زیان کاران
 الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَاجْتَنَبُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ أَصْحَابُ
 اینان که ایمان آوردند و عمل های شایسته کردند و فروغ کردند بتوبه شده بسوی پروردگار خویش ایشان این
 اینان که ایمان آوردند و عمل های شایسته کردند و آرام گرفتند بجز کردند بسوی پروردگار خود آن گروه این
 جَنَّاتُ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۱۵ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْدَىٰ وَالْأَصْمَىٰ الْجَبْرِ
 بهشت اند ایشان آنجا جاوید اند صفت این دو فریق اینست مانند کور و بینا و بینا
 بهشت اند ایشان آنجا جاوید اند صفت این دو فریق مانند کور و گراست و مانند بینا
 السَّامِعِ هَلْ يَسْتَوِينَ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۱۶ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا
 بفرستاد ایشان را نوح را در صفت آید می گیرید و بر آیت فرستادیم نوح را
 بفرستاد ایشان را در صفت آید می گیرید و بر آیت فرستادیم نوح را
 إِلَىٰ قَوْمِهِ ذَاتِ لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۱۷ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ
 بسوی قوم او گفت بر آیت من برای شما نذیر کلمه آشکارا به آنکه بپرستید مگر خدا را هر آنچه من می ترسم
 بسوی قوم او گفت که من برای شما نذیر کلمه آشکارا به آنکه بپرستید مگر خدا را بدستیک من می ترسم
 عَلَيْكُمْ عَذَابٌ يَوْمَ إِلَیْمٍ فَقَالَ الْمَلَائِكَةُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا تَرَىٰ
 بر شما از عذاب روز دزدیده پس گفتند جاسوسی که کافر بودند از قوم او نمی بینیم ترا
 بر شما از عذاب روز دزدیده پس گفتند سرورانی که کافر بودند از قوم او نمی بینیم ترا
 إِلَّا نَجْمٌ مُّثْقَلًا وَمَا تَرَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا كِبَادًا بَدِی الرَّأْيِ
 مگر در آید خورشید و نمی بینیم ترا که پیروی کرده باشند ترا مگر آنانکه ایشان قوامیگان مانند در ظاهر ای پادشاهان
 مگر در آید خورشید و نمی بینیم ترا که پیروی کرده باشند ترا مگر آنانکه ایشان قوامیگان مانند در ظاهر ای پادشاهان
 وَمَا تَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ ۱۸ قَالَ يَقُومُ
 و نمی بینیم شما را بزرگی بلکه همان می بینم شما را دروغ گویان عذبت است قوم من
 و نمی بینم شما را بزرگی بلکه همان می بینم شما را دروغ گویان عذبت است قوم من
 أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّیْ وَأَنْتُمْ سِرَّاءُ مِنْ عِبَادِهِ
 آید بر شما اگر با شما بر بزرگی از پروردگار خود داده باشد من بخشایم از نزدیک خود
 آید بر شما اگر با شما بر بزرگی از پروردگار خود داده باشد من بخشایم از نزدیک خود
 فَصَبَّحْتَ عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ كُذَّابٌ وَأَنْتُمْ لَهَا كَرِهُونَ ۱۹ وَيَقُومُ لَا أَسْأَلُكُمْ
 صبح شد بر شما آن بر شما آید بزرگی شما بر من و شما ناخوانا باشید و قوم من طلب نمی کنم از شما
 صبح شد بر شما آن بر شما آید بزرگی شما بر من و شما ناخوانا باشید و قوم من طلب نمی کنم از شما
 صبح شد بر شما آن بر شما آید بزرگی شما بر من و شما ناخوانا باشید و قوم من طلب نمی کنم از شما

فل استریم گوید در میان
 گفت که بجز استغفار
 انکار می نمودن است
 یعنی آبی می توانستند
 شدند و آبی می دیدند
 کفر عثمان
 عیسی و پیغمبر و مقابل
 قوم خود اختیار آشکارا
 داشت و داشت مانی بنیم
 آید از انواع بشری
 تو فرستاده آسمان بشی
 که انسان در مقابل
 آن گردن نهاده و بیان
 بشر نیز بر کدامین
 در برتری خاص نداری
 تو انحراف دهنده مالک
 حکومت و جاه پیروان
 تو نیز از همه بیاد و درین
 و از صفات پست
 محاسن آنها با که
 شرافتیم اسباب
 عاری باشد و اما
 خدا از همه مردم تنها
 شایسته یافتن بیان
 مأمور گردانیده اند
 حسب و نسب در حال
 دولت و در حق خلق
 در چه از تو بپروریم که
 باین منصب انتخاب
 شد و باین پیرودان
 تو باید امشب برت
 و بزرگی می یابند
 اقبال این مردم تو باید
 موجب کلام فضل و
 شرف نمی گردد و چه
 سان بعد از دلیل
 میشود اگر این مردم
 ظاهرین که پستی و
 رذالت شان معروف
 است بدون شرف و
 ترقی ظاهر ایمان
 از توبه که توبه آن
 است و توبه مایه است
 که توبه بر باریت می رود
 می گویند تو حق می بینی
 پس از این می آید

فتح الرحمن

والمترجم گوید این
بجز زیاد و کرده مستدر
وسط قعر قوم نوع تا
تنبیه باشد بر تطبیق
حال مشرکین که با
حال قوم حضرت نوع
و الله اعلم -۱۳-

تفسیر عثمانی

[illegible]

عَلَيْهِمُ مَا لَكُمْ أَنْ جَرَى الرَّحْمَةُ عَلَى اللَّهِ وَمَا أَنَا بِطَارِدٍ الَّذِينَ آمَنُوا

بر این پیغام رسانیدن آن را نیست مزد من مگر بر خدا و نیست یسوی کننده مسلمانان یعنی از محبت خود
بر این پیغام باج مالی نیست مزد من مگر بر خدا و نیست من را ننده آنان که روید اند هر آینه ایشان ملاقات
انهم ملقوا ربه و لکنی از کرم قوم استبهره لون ۵ و ای قوم من
هر آینه ایشان ملاقات کنند گانند بپایرود و کار خورشید و مین من می بینم شمارا قومی که جهات می کنند و اے قوم من که
کنندگان بپایرود و کار خورشید و لکن من می بینم شمارا قومی که جهات می کنند و اے قوم من که

يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتَهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٥﴾ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ

نعمت دهد ما از عقوبت خدا اگر بپایان ایشان را آید پند می گیرید

عَنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ إِلَّا مِلًّا وَ

کرتز و یک من بختی دامت و بختی دامم غیب را و بختی گویم کرم زشتی ام

پہلے ان کے دل پر ایمان لائے۔ پھر ان کے دل پر ایمان لائے۔ پھر ان کے دل پر ایمان لائے۔

اعلم يا فتى انفسهم ج الى ذالتمن الظلمين ٤٠

دانا تر است با پدر و عمیر ایشان است هر آینه من انگاه از سندگان باشم گفتند اسه نوح
دانا تر است با پدر و عمیر ایشان است هر آینه من انگاه به حقیق از ستم گاران باشم گفتند اسه نوح

قَدْ جَادَلْتَنَا فَكُنتَ مِمَّنْ جَادَلَ النَّافِقِينَ أَيُّهَا تَعَدُّ نَا إِن كُنْتَ مِنْ

مکابره کردی با ما پس بسیار کردی مکابره را پس بیار آنچه دهنده می کنی اگر هستی
بر آئینه محال کردی با ما پس بسیار را با ما آنچه دهنده می کنی ما را اگر هستی

الصلواتين ٨ قال انما يا يمين الله ان شاء وما انتم
راست محمودان گفت جز این نیست که سارو آفرینش خدا اگر خواهد و شما

راست گویان می گفت جز این نیست که بیارد آتش با شما خدا اگر خواهد دینش را

عاجز گفته می شود و می گویند شمارا نصیحت من اگر خواهم که نصیحت کنم

اِنْ كَانَ اللّٰهُ يَرِيْدُ اَنْ يَغْوِيَكُمْ هُوَ سَرُّ بِكُمْ وَاللّٰهُ يَرْجِعُ

اگر خدا خواست باشد که همراه کند شما را دوست پروردگار شما و میبوسد او بازگرداننده شود
اگر هست خدای که بخواند آنکه شما را گمراه سازد دوست پروردگار شما و بسوی او بازگرداننده شود

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا بَشَرٌ

آیامی گویند بر لبسته است قرآن را بگو اگر بر لبسته ام آن را پس بر من است گناه من و من بینم از

وَمَا جِئْتُمْ بِهِمْ إِلَّا هَوَاجًا يُجْرَبُونَ ﴿١٠٠﴾ وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا

ارایه استیلائی نمیدود و می فرستاده شد سیوسته و من آنجا ایمان بخواب آورد از سروده تو

آنکه مومن شده است پس اندوه مخور بسبب آنچه می کردند و باز نشی را
آنکه هر که ایمان آورده پس اندوه آنکه ساحل نیست آنچه می کردند و باز نشی را

و بعد از آنکه حضرت اوی یافتند در راه حضرت شاهای نگار و پسرش پادشاه را عرض های قوم نوح تا اینها شنیدند اعتراف می نمود که قوم بنی اسرائیل را که



که گوئی در نه
بای آسمان
گشاده و پرده بانی
شعاع شده بود کوهای
منبع درختان سر فراز
در آب پوشیده شده
جز مینو نشینان دیگر
هم مردم که نوح علیه السلام
در باره شان نفرین
کرد بود و طوفان گردید
آنگاه خدای متعال
برین فریاد آهنگار
خویش را برین آنگاه
دیده ای را حکم کرد که
بایست که بحال آن
بود که در امتثال فرمان
بند مشاغل و طرقت الهیه
درنگ می کرد آب
خشکین گرفت کشتی
په کوه جودی استوار
(جودی به عقیده بعضی
نزدیک مریخ است)
آنچه خدا خواهد یعنی کشتی
گذاشتن را بپایان
میرساند به تمام کاروان
گفتند از رحمت الهی
دور شوند و پیغمبر و
گودال معیت ۹
و ملک مع
پایند
تفسیر
احکامات الهی
است که مومنان
تمام گیتی را در گرفتار
پدیداری خاص بود این
جامع تفسیر نیست
براین و اقوال بعضی
محققان اردباک در
دایرة المعارف نقل شده
طوائف نبوی را تا بنید
می نمایند اکثر سنی
به طوائف نبوی تا بنید
نسل موجوده انسان
از سر پیر نوح سلام عام
یا نش است و در جملات
فهرست هم الهامی آورده
و حیواناتی که در طوفان

وَقِيلَ بَعْدَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۹ وَنَادَىٰ نُوْحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ اِنِّ ابْنُ
وگفته شد پس از قوم ستمکاران را و آواز داد نوح پروردگار خود را پس گفت ای پروردگار من مرا از این
وگفته شد (چاک باز) دوری باد قوم ستمکاران را و آواز داد نوح پروردگار خود را پس گفت ای پروردگار من مرا از این
مِنْ اَهْلِي ۱۰ وَاِنْ وَعْدُكَ الْحَقُّ وَاَنْتَ اَحْكَمُ الْحَكَمِیْنَ ۱۱ قَالَ يٰنُوْحُ
از اهل من است و اگر آئینه و عده تو راست است و تو بهترین حکم کننده هستی گفت ای نوح
از اهل من است و اگر آئینه و عده تو راست است و تو بهترین حکم کننده هستی گفت ای نوح
اِنَّهٗ لَيْسَ مِنْ اَهْلِكَ اِنَّهٗ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَشْعَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ
پس آئینه وی نیست از اهل تو خداوند کار نیکو است پس سوال کن نوح از چیزیکه نیست ترا
پس آئینه وی نیست از اهل تو خداوند کار نیکو است پس سوال کن نوح از چیزیکه نیست ترا
يَهٗ عَلَّمَ اِنِّ اَعْطٰكَ اَنْ تَكُوْنَ مِنَ الْجَاهِلِیْنَ ۱۲ قَالَ رَبِّ اِنِّ اَعُوْذُ
دانش آن پس آئینه من بنده میدهم ترا بر این احترام از آنکه با منی از جاهلان گفت ای پروردگار من مرا از این
دانش آن پس آئینه من بنده میدهم ترا از آنکه با منی از جاهلان گفت ای پروردگار من مرا از این
بِكَ اَنْ اَسْئَلَكَ مَا لَيْسَ لِيْ يَهٗ عَلَّمَ طَوْراً لَا تَغْفِرُنِيْ وَرَحْمَتِيْ اَنْ
پس از آنکه بر پرسم از تو آنچه نیست مرا دانش آن و اگر نیامری مرا در وقت تنگی بر من باشم از
پس از آنکه بر پرسم از تو آنچه نیست مرا دانش آن و اگر نیامری مرا در وقت تنگی بر من باشم از
الْخَسِرِیْنَ ۱۳ قِيلَ يٰنُوْحُ اهْبِطْ بِسَلٰمٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَیْكَ وَعَلٰی اٰلِ
زبان کاروان گفتند ای نوح فرود آ و همراه سلاطین از جانب ما همراه بركات و برکتی جندی
زبان کاروان گفتند ای نوح فرود آ و همراه سلاطین از جانب ما همراه بركات و برکتی جندی
فَمَنْ مَّعَكَ طَوَّامٌ سَمِعْتُمْ تَحْمِیْسَهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ اَلِیْمٌ ۱۴ تِلْكَ مِنْ
پس از آنکه از هر بان تو است بانی دیگر آنکه بر مندی کنی این نوح را در دنیا با برکت و ایمن از جانب ما خدایه و در دهنده این نوح
از آنکه با تو اند دامت بانی دیگر آنکه بر مندی کنی این نوح را در دنیا با برکت و ایمن از جانب ما خدایه و در دهنده این نوح
اَتَّبَعُ الْغٰیْبِ نُوْحٍ بِاِلٰیكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا اَنْتَ وَاَنْتَ لَا قَوْمَ لَكَ مِنْ قَبْلِ
و اطهار غیب است و می میرسانم آن را بپس تو می دانستی آنرا تو و نه قوم تو پیش
و اطهار غیب است و می میرسانم آن را بپس تو می دانستی آنرا تو و نه قوم تو پیش
هٰذَا فَاصْبِرْ اِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِیْنَ ۱۵ وَاِلٰی عَادِ اٰخَاهُمْ هُوْدًا ۱۶
ازین پس صبر کن پس آئینه عاقبت مرستیان راست و فرستادیم یونس عاد برادر ایشان بود را
ازین پس صبر کن پس آئینه عاقبت مرستیان راست و فرستادیم یونس عاد برادر ایشان بود را
قَالَ یَقُوْمُ اَعْبُدُوا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِنْ اِلٰهٍ غَیْرِہٖ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا مَفْرُوْنَ ۱۷
گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمار اینچ میبوده بخودست بنشیند شما مگر از آنکه
گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمار اینچ میبوده بخودست بنشیند شما مگر از آنکه
یَقُوْمُ لَا اَسْئَلُكُمْ عَلَیْہِ اَجْرًا اِنْ اَجَرْتُمْ اِلَّا عَلٰی الَّذِیْ فَطَرَنِیْ
ای قوم من منی علم از شما بر این پیغام مزدی را نیست مزد من مگر بر کسیکه آفریده است مرا
ای قوم من منی علم از شما بر این پیغام مزدی را نیست مزد من مگر بر کسیکه آفریده است مرا
اَفَلَا تَحْقُلُوْنَ ۱۸ وَیَقُوْمُ اسْتَغْفِرْ وَاَرْبَابُكُمْ تَتَّوْبُوْا اِلَیْہِ یَرْسِلَ السَّمَاءَ
آبادی را بپسند و ای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار خود باز رجوع کنید بپسند و آسمان را بپسند
آبادی را بپسند و ای قوم من آمرزش طلبید از پروردگار خود باز رجوع کنید بپسند و آسمان را بپسند
عَلَیْكُمْ قَدْ سَأَلْتُمْ لَكُمْ قُوَّةً وَاَنْتُمْ لَا تَشْكُرُوْنَ ۱۹
بر شما بارانی پیوسته و بپسند شما را بپسند و در گردان مشغول گشته اند
بر شما بارانی پیوسته و بپسند شما را بپسند و در گردان مشغول گشته اند
وَمَا مِنْ دَابَّةٍ اِلَّا عِنْدَہٗ رِزْقٌ یَّوْمَ الْحِسَابِ ۲۰
و هیچ دابّه ای که در طوفان

هَودًا مَاجْتَنِبُوا بَيْنَهُ وَمَا تَحْنُ بِتَارِكِي الْهَيْثَانِ عَنْ قَوْلِكَ وَمَا تَحْنُ لَكَ

س بود نیاردی ما و بیل و یسیم ترک کنده معبودان خود را بجز تو و یسیم ما ترا

بُؤْمِنِينَ ۵ اِنْ تَقُولُ اِلَّا اَعْدَابُكَ بَعْضُ الْهَيْثَانِ سَوْءٌ قَالَ اِنِّي

بمؤمنین الا آنکه رسانیده اند به تو بعض معبودان ما هر رے گفت بر آئین من

شَهِدَ اللَّهُ وَاشْهَدُوا اَنِّي بَرِيٌّ قَتَلْتُمْ كُونَ ۵ مِنْ دُونِهِ فَكَيْدُ بَنِي

شهادت خدا و شاهدان را بر من بے گناهی از اینها قتل کردی من دونه فکد بنی

بِإِسْمَاعِيلَ لَا تَنْظُرُونَ ۵ اِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبُّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ

بسماعیل نظر نکنید بر آئین من توکل کردم بر خدا پروردگار من و پروردگار شما نیست هیچ جنیده

اَلَا هُوَ اخَذَ بِكَ صَبْرًا اِنْ رَزَقْنِي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۵ فَاِنْ

الا خدا بدست گرفته است موی پیشانی او را بر آئین پروردگار من بر راه راست است پس اگر

لَوْ اَفْقَدْتُ أَبْغَضَكُمْ مَا أَسْرَسْتُ بِهٖ إِلَيْكُمْ ۵ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا

اگر من بگریزیدم من عاقل تر بودم بر آئین رسانیدم بشما ایستاده شدم همراه آن بسوی شما و جایگزین سازد پروردگار من قومی

غَيْرَكُمْ ۵ وَلَا تَضُرُّونَهُ شَيْئًا اِنْ رَزَقْنِي عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيزًا ۵ وَلَكِنَّا

و نه از من بگریزید و نه از من بگریزید بر آئین پروردگار من بر همه چیز نگهبان است و چون

جَاءَ أَمْرُنَا نَجِّنَا هُودًا ۵ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجِّنَهُمْ

اگر عذاب آمد ما را نجات دهیم هود را و آنان را که ایمان آوردند با ما و نجات دهیم ایشان را

مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ۵ وَتِلْكَ آيَاتُ هُودٍ لِّمَنْ هَدَىٰ ۵ وَتِلْكَ آيَاتُ هُودٍ لِّمَنْ هَدَىٰ ۵

از عذاب سخت و این است سرگذشت عاد که گمراخته اند بر آیت پروردگار خود و تا زمانی نجات

سَلُوا وَاتَّبِعُوا أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ۵ وَاتَّبِعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا

سازید و پیروی کنید فرمان هر سرکش ستمگره را و از پی فرستاده شدند در این دنیا

لَعْنَةُ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۵ اَلَا اِنْ عَادَ الْكَافِرُ ۵ اَرْتَهَمُ ۵ اَلَا بَعْدَ الْعَادِ قَوْمٌ

لعنت روز قیامت نیز آگاه باش هر آینه عاد کافر شدند به پروردگار خود آگاه باش لعن بر باد عاد را که قوم

هُودٍ ۵ وَإِلَىٰ شُعْرَاهُمْ صَلِحًا قَالَ يَقَوْمُ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ

هود و بسوی شعله ها صلح را گفت ای قوم من عبادت کنید خدا را نیست شمارا

مِنْ اِلٰهٍ غَيْرِهِ ۵ هُوَ اَشَاطَرٌ مِّنَ الْاَرْضِ ۵ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا

از هیچ معبودی بخرد او پدید کرد شمارا از زمین و گردانید شمارا با ستم در زمین

ولی یسے انک اوست
تفسیر عثمانی
ع هفت شب و
بشت روز مسلسل
طوفان با وود چنانکه
در روز قاعوان ماکور
شده خانه هژب اسقف
باهاشان گردیده در دنیا
از رخ کنده شده و
آفریننده پوچندان
تبر آگین بود که از بنی
ی در آمد و نایان
بری آمد و بدن را اند
همی شکست، بود
علیه السلام و همرا نش
را که به پادشاه من باغ
می و ننداز آن غلب
هوناک نگذاشتیم
و یمن ایمان و من
صاح از عذاب گین
آخرت تیر خات می شم
عده (تنبیه) شاید
از این جهت در سلا
نگذ شده که کذب
یک پیغمبر کذب به
پیغمبران است- زیرا
هم در توحید و اصول
دین متفق و هم گمرا
مصدقند- سه
لعنت خدا در پی
آنهاست هر چه دارند
در قفای شان رود و
تا ستم بر لعنت
و گمراشته بیک پس از
قیامت نیز از تعقیب
شان باز نایستوی
لعنت بهره در زمین
نشان باشد
ع لایع
مفسون
بر اندک روز قیامت
ندای شود- الا ان عاد
کفر و الا به و گمرا
بود عا و شایان
جهت باشد که تعبد
است که با شایان
و قوم بود و اولی و آخری از این

تور آینه مردی شوی
بس فاضل و شیکار
تا مردم ترا خلف جز
و اندر بر سر چشم
نشاند چون در
همین تو آثار شد
ملاح پدید آید
تو در اشتباه کرد
مستقبل تریب از تو
بسیار مستعدی شوند
برای و تدبیر ملاح
و مشوره برادران قوم
خود را بایست و مذہب
پدران را با قوت
قلب تا بیدار حایت
می گائی و درست است
که در آن ذیت پرستی
مبوق تو بود و از
عرب غوی قوم جدا
بودی باز هم و دانش
و قابلیت فطری تو
اقتاد و شکم و امید
بدیم پس باز که عقل
و تجربه این روش تو
باقی مانند مادر و پیا تو
مختالی بنیاد نهادی
و چندان بر خلاف
مذہب نیاکان ما
جفا کردی که کافر
آماں با خاک برابر
شد تو بنوا ای یک
خدا و مشربانیم
کلیه معبودان و پستین
را ترک کنیم و درش
بزدگان را کذاشتی
و بر خلاف آن جنین
مسئلی را اختیار نمودن
نزد ما سخت شدید
ناک است هرگز
و همان ابرقور
آن را حق فیض
در صوم القرائن است
خود مدعی خودی برای
آنکه راه آباد اجداد
را روشن کنی اما تو
چون کرمی صفت
مکن است خدا و فرشتگان

فَاَسْتَغْفِرُهُ ثُمَّ تَوْبًا آخِرًا إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ ۝ قَالَ أَوْ اِيصْلِحْ قَد
پس طلب آمرزش کند از او باز رجوع کند بپوشه او هر آینه پروردگار من نزدیک است پادشاه است گفت ای صاحب
پس طلب آمرزش کند از او باز رجوع کند بپوشه او هر آینه پروردگار من نزدیک است پادشاه است گفت ای صاحب
گفت فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانُنِي أَنْ تَعْبُدَ مَا يَعْبدُ آبَاؤُنَا وَابْنَاؤُنَا
بودی تو در میان ما امید داشتند که پیش ازین آیات منی کنی ما را از انکه عبادت کنیم معبودان را که عبادت می کردند پدران ما و پسران ما در
بدرستی بودی در میان ما امید داشتند که پیش ازین آیات منی کنی ما را از انکه عبادت کنیم معبودی را که عبادت می کردند پدران ما و پسران ما در
شأن قَدَّمْتُ عَنْكَ إِلَيْهِ مُرِيبٌ ۝ قَالَ يَقُومُ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَى
شبه قوی ایم از این حیوانی نارا بپوشه آن گفت ای قوم من آیا دیدید اگر با شما
شبه ایم از این حیوانی نارا بپوشه آن گفت ای قوم من آیا دیدید اگر با شما
بَيْنَهُمُ مِّنْ رَبِّي وَأَنْتُمْ مِّنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ
بختی از پروردگار خود و عطا کرده باشد من از جانب خود بخاسته پس که قدرت دهد مرا از عقوبت خدا اگر
بختی از پروردگار خود و عطا کرده باشد من از نزد خود بخاسته پس که قدرت دهد مرا از عقوبت خدا اگر
عَصِيَّةً قَدْ فَمَّا زَيْدٌ وَنَفِي غَيْرَ تَحْسِينٍ ۝ وَيَقُومُ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ
نا فرمائی او کنم پس زیاده نمی کند در حق من مگر زیان کاری را و ای قوم من ایستاده منتهی که خدا فرستاده است برای شما
نا فرمائی من را و عداوت پس زیاده نمی کند در حق من مگر نقصان و ای قوم من ایستاده منتهی که خدا فرستاده است برای شما
إِنَّ قَدْ رَوْهَا تَأْكُلُ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ
نشاند پس بنگاریدش تا بخورد در زمین خدا و مرسا نید بپوشه من که آن گاه بگریزید
نشاند پس بنگاریدش تا بخورد در زمین خدا و مرسا نید بپوشه من که آن گاه بگریزید
عَذَابٌ قَرِيبٌ ۝ فَعَقَّرْهَا فَقَالَ تَتَّبِعُونِي دَارَكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ ذَلِكَ
عقوبت نزدیک پس ای گروه که آنرا پس گفت بهر موند باشید در سران خود سه روز این
عقوبت نزدیک پس ای گروه که آنرا پس گفت بهر موند باشید در سران خود سه روز این
وَعَدٌ غَيْرُ مَكْذُوبٍ ۝ فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا صِلَاحًا لِلَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ
و عده هست غیر دروغ پس و قیقت آمد فرمان ما خلاص رسانیم صاحب را و آنان را که ایمان آورده بودند همراه او
و عده هست غیر دروغ پس و قیقت آمد فرمان ما خلاص رسانیم صاحب را و آنان را که ایمان آورده بودند همراه او
بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمٍ مَّذِي إِنْ رَبُّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۝ وَ
بخشش ایله از جانب خود و رها شدیم از رسوائی آن روز هر آینه پروردگار تو بپوشه تو توانا غالب و
بخشش ایله از جانب خود و رها شدیم از رسوائی آن روز هر آینه پروردگار تو بپوشه تو توانا غالب و
أَخِذْ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جُثَيْنٍ ۝
در گرفتند ستمکاران را آواز سخت پس می کردند در سران خود مرده شده
در گرفتند ستمکاران را آواز سخت پس می کردند در سران خود مرده شده
كَانَ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا إِلَّا إِنْ شِئُوا كَفَرُوا أَسْرَأْتَهُمُ الْآبَاءُ
گو یا بر گزیده بودند آنجا آگاه باش هر آینه نمود انکار کردند پروردگار خود را هر آینه دوری یاد
گو یا بر گزیده بودند آنجا آگاه باش هر آینه نمود انکار کردند پروردگار خود را هر آینه دوری یاد
لَشَوْهَدَهُمْ وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبَشِيرِ قَالُوا سَلَامٌ
نمود را و هر آینه آمدند فرستادگان ما پیش ابراهیم بشارت سلام گفتند
نمود را و هر آینه آمدند فرستادگان ما پیش ابراهیم بشارت سلام گفتند
قَالَ سَلَامٌ فَلْيَا لَيْتَ أَنْ جَاءَ بِعَجَلٍ حَزِينٍ ۝ فَلَمَّا سَأَرَأَ أَيْدِيَهُمْ
ابراهیم جواب سلام داد پس در تنگ آمد تا آنکه آورد و گوساله بریان پس چون دید که دست ایشان
ابراهیم جواب سلام داد پس در تنگ آمد تا آنکه آورد و گوساله بریان پس چون دید که دست ایشان
مکن است خدا و فرشتگان و عطا کرده و برکت بزرگ خویش را بپوشه من که است نموده اگر باغش شما فرزان او را بپوشه

لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكْرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَحْزَنْ إِنَّا أَرْسَلْنَا

برسد بان بدید از ایشان و بجا طر آورد و از ایشان
رسد به غلام بدید از ایشان و بخاطر آورد و از ایشان

لَقَوْمٍ لُّوطٍ ۝۷۱ وَأَمْرَاتِهِ قَبِيحَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِاسْحَاقَ وَمِنْ وَّرَاءِ

وزن ابراهیم استاد بود پس بختید دل پس مرده داد عشق بولد استحق و بلند
وزن ابراهیم استاد بود پس بختید دل پس مرده داد عشق بولد استحق و بلند

سَلْحُ يَقُوبُ ١٣) قَالَتْ يَا سَلْمَةَ الدَّوَانَا حُجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا طَرِيفًا

گفت اے وائے من آیا خواہم زاد و سن پیرم و این شوهر من است کلاں سال شده ہر آئینہ
گفت اے وائے من عہ آیا خواہم زاد و سن پیرزم و این شوہر من است کلاں سال ہر آئینہ

هذا الشيء عجيب ^(٥٧) قالوا عجيبين من أمر الله رحمت الله وبركته

ہر چیز سے عجیب ہے	فرشتگان گفتند آیا تعجب ہی کنی از قدرت خدا	و برکات او
لا چیز سے عجیب ہے	گفتند فرشتگان آیا تعجب ہی کنی از قدرت خدا	دبرکات او

عليكم اهل البيت ان الله حميد مجيد ٥ فليذهب عن ابراهيم

برائیت اے اہل این خانہ ہر آئینہ خداستودہ بزرگوار است پس چوں رفت از
برائیت اے اہل خانہ ہر آئینہ خداستودہ بزرگوار است پس چوں رفت از

وَأَوْجَاءَهُ الْبَشَرِ يَجَادِلُنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ ۖ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ

نرس و آمدش بشارت جدائی کرد با ما در باب قوم لوط هر آینه ابراهیم برود باد

وَأَمَّا مَنِيبٌ (٤) يَا بَرِّهِمْ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ

بسیار از دل رنج گرفته بخدا ابراهیم روی یگر دوان از این خیال بدستگیر (حال این است) آمده است فریاد پرودا

لَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا قَائِمُونَ ۝ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيقُوهُ إِلَىٰ عَذَابِكُمْ ۖ إِنَّكُم مُّجْرِمُونَ ۝

آنند این جامه آنند است باز آن عقوبت باز نامیده و چون آنند فرستاد آن ایمل بو اند و چون بخند از آن زن و

ضاق فيه ذرعا قال هذا يوم غضيب وجاءه فومه يلهوون اليه

نیک دل و سبب ایشان) و گفت این روزی است بسیار سخت و آماندیش بودیم او را بشتاب می دادند بوی او

وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَقَوْمِ هَلْ لِي بِعِبَادِي شَيْءٍ أَظْهَرُ

وقت اے قوم من این دختران من حاضر اند این پاپا گیزه تراند

لَهُ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَتَاخِزُونِي فِي صَيْغِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ شَهِيدٌ ۝

برای رسیدن از قزوین در سوخته کوه در باب میانان من آبافت از مشایخ مردی راه یافته

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لِي فِي بَيْتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا

در آینه نومیانی آنچه

رید ۱۱ قال وان لی بکرمۃ او وی ای رکن شدید ۱۲ قالوا

گفت کاش مرا نکند بد شما کوئے بودی یاسن پناه گر منی در پناه مستحکم نقد درستان

[illegible]

فلان سترگم گوید سنی
 بسبب فروش و قبی از
 پاک قوم لوط **ع**
 سترگم گوید یعنی ایشان
 از او خوش و دوست بود
 و عادت قوم مسلم بود
 پس خوت قند پیدا
 شد و الله **ع** السلام
تفسیر عثمانی
 طایفه حضرت سارده که
 در آنجا برای خدمت
 بیاخت کار و میگردان
 بود از مردان شست شدن
 خوت میاشت و دهنده
 کرد - فلان پویا خیزه
 و دیگر از آنجا میزاد
 این پسر می **ع** (اسحق)
 از ازل میگویند و از نسل
 وی بنام یعقوب نواده
 بتوی شکیم از سحر پ
 بنی اسرائیل که از اقوام
 نیکدل دنیا است بوجوه
 میآید - این بشارت
 بر سارده از آن جهت
 داده شد که از ابا انیم
 علیه السلام قبایع از بطن
 باخیزه پسر بنام اسحق
 داشت و سارده خواست
 وی پسر میخواست
 باشد از پسر وی نامید
 شد و بعد بعضی علماء
 خندیدن سارده را بجهت
 دیگر که توجیه نمیدانند
 بجهت آنست که با یان
 کرد و علماء از ده من
 در آن اسحق یعقوب
 است لال میگویند که حضرت
 اسمعیل ذی نجوش
 اسحق (ابن کثیر) علیه
 این جا کلماتی
 چنان است که زنان
 در مکه و گوی میگویند
 این ناقوان در این
 اولاد پدیدار گویند
 سارده در آن جهت خود
 در ده سال داشت و
 آنها پسر فحش آن

۱۱- ای که گفتی است شایع است که پشته‌های انباشت، بجای تپه‌ها به تپه و کوه خدایان درازند و آنرا که هم علامه و محاسن در حضرت زین العابدین است ۱۲-

ان ارید الا اصلاح ما استطعت و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت

ای خواهم مگر اصلاح کاری تا بخواهم و نیست تو توفیق من مگر به خدا بروی توکل کردم

و البیانیب و یقوم لایحرمکم شقاقی ان یصیبکم مثل ما اصاب

و البیانیب ای قوم من پدید آید در حق شما دشمنی من این خلعت را که برسد بشما مانند آنچه رسید

و یقوم هود او قوم صلیح و ما قوم لوط منکم یبعید

ای قوم لوط یا قوم بود یا قوم صالح و نیست قوم لوط از شما دور است و

استغفر و انکم ته توبوا الیه ان رزنی رحیم و دود

ای قوم من استغفر از پروردگار خود باز رجوع کنید بپسند او هر آنچه برود و گار من مهربان و دود است گفتند ای عقیب

ما نقه کتید اقمنا نقول و اننا لنزدک فیما ضعیفنا و کولنا سر هطک

ای قوم بسیار از آنچه می گوی و هر آنچه می بینیم ترا در میان خود ناتوان و اگر بخوای قبیله تو

لجنتک ذوات علیکنا یحزین قال یقوم ارحطی اعز علیکم من

سنگداری کردیم ترا و دشمنی تو پیش ما گزاشی قدر گفت ای قوم من آیا بیدار من گزاشی تراست پیش شما از

الله و اتخذتموه و اراکم فی امان رزنی بهما تعلون حیط و یقوم

خدا و گرفتید خدا را انداخته پس پشت خویش بر آئینه پروردگار من بایستی کنید و برگزیده است و ای قوم من

عسوا علی ما کانتکم الی عامل طسوف تعلون من یتابیه

من کنید بر طور خود هر آینه من نیز عمل کننده ام زود خواهید و آنرا که بیاید من

عذاب یخزیه و من هو کاذب و اریقوا الی معکم رقیب و لتما

عذاب که رسوا کندش و آنرا که وی در دوزخ گوشت و انتظار برید هر آینه من پاشا مستطعم و چون

جاء امرنا یحیی شعبا و الذین امنوا معه برحمة مناه و اخذت

آمد عذاب ما فلاح من را یحیی شعب را و آنرا که ایمان آوردند با من به رحمت من از خود و در گرفت

الذین ظلموا الصبیحة فاصبحوا فی دیار هم جشبین کان لم

ظالمان را آواز سخت پس گشتند در سرایای خود مرده افتاده و گویا بر گز

یعنوا فیما لا یبعد الی مدین کما بعدت نشود و لقد ارسلنا

فرستادیم در آنجا آگاه باش دوری با مدین را چنانکه دور افتادند و فرستادیم

موسی بایتا و سلطان مبین الی فرعون و ملاه فالتعوا امر

موسی را به پادشاهان خود و پدیدل روشن بسوی فرعون و جماعت او پس پیروی کردند فرمان

عزاد و خفای حق

تفسیر عثمانی
عنه هر که گشتن من
انست که حال دنیا و
دین شما اصلاح شود
گوشش کنید از حقیقت
ذلت خلق و بزرگو
ایمان و فرمان نایز
شود مقصد من جز
اصلاح نیست در
این حال باندازه
توان و استطاعت
خویش از حق نمی گذم
اما ای کس حق من است
شود و در گوشش خود
کایب کردم هر چه
لحرف خدای پاک
است به توفیق و
امداد مهربانان
میشود توکل من کفایت
اوست و در هر کاری
به وی رجوع می کنم
عنه از افراط به
حدیث و دشمنی با
کاری کنید که بان
اقوام سلف خویش
را مستوجب عذابی
نگردانید که موجب
یربادی شما شود
عذابی که به شماست
تکذیب و دشمنی بر ما
نوحیه و صانع زود است
مخفی نیست مخصوصا
داستان قوم لوط که
پس از همدارین است
نزدیک واقع شده
آزاده شاست نظایر
آنرا از یاد میرسد
آنرا که هر چند در
آن گشته گناه کرده
و بسیار شقی باشد
چون از صحت می آید
آگاه وی باز گردد
و بخشایش طلبید
کلامی که وی را بیازد
و دشمنش دارد و لعل
بر جان بسته اند
عزاد و خفای حق

عزاد و خفای حق

إِنَّمَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرُ مَحْذُوفٍ ۚ فَلَا تَكُ فِي مَرِيضَةٍ مَّا يَعْبدُ

پس مباحش در شب از آنچه می پرستند
پس مباحش در شب از آنچه می پرستند

هَؤُلَاءِ مَّا يَعْبدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبدُ آبَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَنَوْفُوهُمْ

پس پرستند مگر چنانکه می پرستیدند پدران ایشان پیش ازین و ما البته تمام رساننده ایم ایشان
پس پرستند مگر چنانکه می پرستیدند پدران ایشان پیش ازین و ما البته تمام رساننده ایم ایشان

لَصِيبِهِمْ غَيْرُ مَنْقُوصٍ ۚ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ

و هر آینه دادیم موسی را کتاب پس اختلاف افتاد در آن
و هر آینه داده بودیم موسی را کتاب پس اختلاف افتاد در آن

وَلَا كَلِمَةٍ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضُوا بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ

و اگر بودی سخن که سابقا صادر شده از پروردگار تو هر آینه فیصل کرده بیش میان ایشان و ایشان در شکی اند
و اگر بودی سخن که سابقا صادر شده از پروردگار تو هر آینه فیصل کرده بیش میان ایشان و ایشان در شکی اند

مَرِيبٍ ۚ وَإِنْ كُنَّا لَنَاقِلُوهُمْ بُيُوتَهُمْ بِمَا يَعْملُونَ

و هر آینه بر سر و تنی که بر آینه شوند البته تمام خواهیم داد ایشان را پروردگار تو جزای کردار ایشان هر آینه می یابند
و هر آینه بر سر و تنی که بر آینه شوند البته تمام خواهیم داد ایشان را پروردگار تو جزای کردار ایشان هر آینه می یابند

خَيْرٍ ۚ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا لَعَلَّكُمْ يَهْتَدُونَ

و استوار باش چنانچه فرموده شده تو و آنانکه کوبه کرده اند همراه تو و از حد مگذرید هر آینه دمی با آنچه
و استوار باش چنانچه فرموده شده تو و آنانکه کوبه کرده اند همراه تو و از حد مگذرید هر آینه دمی با آنچه

تَعْمَلُونَ بَصِيرٍ ۚ وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَسْجُمُ النَّارُ وَلَا مَا

کی کنید بیناست و میل کنید بسوی آنانکه ستم کردند که آنگاه برسد شما آتش و نیست
و میل کنید بسوی آنانکه ستم کردند پس برسد شما آتش و نیست

لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ۚ وَاقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي

شما از هر طرف دوستان باز نصرت داده نشوید و بر پا کن نماز را دو طرف
نصرت داده نشوید و بر پا کن نماز را دو طرف

النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنْ أَيْلٍ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُنَ الشَّرَّ يَاتِ ذَلِكَ

روز و ساعته چند از شب هر آینه طاعات دور می کنند گناهان را این
هر آینه نیکی با می برد پدید آید این

ذِكْرُ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَأَصْلَحُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْحَسَنِينَ ۚ فَلَوْلَا

بندگی است پند پند بران را و سلبیانی کن هر آینه خدا صانع می سازد مزد نیکی کاران را پس چرا
بندگی است پند پند بران را یاد گاری است یاد گیرند کارها و صبر کن پس هر آینه خدا صانع می سازد مزد نیکی کاران را پس چرا

كَانَ مِنَ الْقَرُونِ مِنْ قَبْلِكَ أُولُوا بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ

زنده اند از آن قرن پیش از شما بودند اولی خرد که منع کنند از فساد در زمین
زنده اند از آن قرن پیش از شما بودند خداوندان عقل دفر می کردند از فساد در زمین

إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ ابْتِغَىٰ مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَكَانُوا

و اندک کمی آن جماعت که خلاص ساختیم از میان ایشان و پیروی کردند ستمکاران پیرو سر را که سودی داده شد ندانانند و دیو
و اندک کمی آن جماعت که خلاص ساختیم از میان ایشان را و پیروی کردند ستمکاران پیرو سر را که سودی داده شد ندانانند و دیو

مَجْرِبِينَ ۚ وَكَانَ رَبُّكَ لِيَهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصَلِحُونَ ۚ

کن بر کاران و هرگز نیست پروردگار تو که بپاک کند اهل دیه را پس ستم و اهل آن نیکی کار باشند
و هرگز نیست پروردگار تو که بپاک کند اهل دیه را پس ستم و اهل آن نیکی کار باشند

وَلَمْ يَنْزِلْ فِي مَرِيضَةٍ مَّا يَعْبدُ
و در روزی که در پیشگاه
دوام آسمان با دوزخین
است در دنیا آخر
زیادتی را که در پیشگاه
خداست در درجه
کسی نمی بخشد اعتبار
کند ما سیران
دوام است با بقی
و وجه الدنیا اعظم
و نایب حشر ایشان
از عذاب است
یعنی لذات دنیا
مشغول شدند
تفسیر عثمان
طه این آیات را می
توان دوستی کرد اول
بقدر دوام آسمانها و
زمین دنیا شکیار
و در روز دوزخ در
بهشت می مانند اما
اگر پروردگار تو بخیر
از آن داده کن محض
و معلوم است زنده
اگر با تو است باشیم
در ازترین زمانه بار
تقصیر کنیم به اعتبار
با حول بیشتر ازین
در تصور مایه خود ازین
جهت که در محاسن
عزیزانه مادامت
اسموات و الارض
برای ما مقرر و مقرر
گفتی شود اما مفهوم
حقیقی دوام و ابدیت
که آنرا الهان لا یخضع
می گویند مختص بر علم
غیر متناهی حضرت
الهی است که به مشایخ
ربک و اگر دیدی
تعبیر دوم این است
که مادامت السموات
و الارض و کتا به از
دوام باشد پس در
این آیت آسمان و
خاک و کتا به را می بیند که در زمین و آسمان پای

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ جَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً قَدْ أَلْزَمْنَا الْوَنَ مُخْتَلِفِينَ ۖ

مَنْ رَجَعُ رُبُّكَ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْ

آنکہ بروئے رحم کردہ است یہود و کفار تو جو میراثے این اختلافات آفریده است ایشان را و تمام شد سخن برورد و گفتوگو البتہ برآمد و باز آنکہ رقت کند یہود و کفار تو عدو و یحیی ای این آفریده ایشان را و تمام شد (مناجات) شد سخن برورد و گفتوگو البتہ برآمد و باز

الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ ١٠ وَكَأَنَّهُ نَقْصٌ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ

جن و مردمان	ہمہ یک جا	دہر چیزے را میوایم بر کو از اجبار بیخبران آن چیزے را کہ
جن و مردمان	ہمہ تنہا	دہر چیزے را کہ می خواہیم بر کو از اجبار بیخبران آن چیزے را کہ

ثَبَّتْ بِهِ فَوَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقِّ وَمَوْعِظَةً وَذِكْرًا لِلْمُؤْمِنِينَ

ثابت می گردايم باں دل ترا دآدمه است بتو در اين سوره سخن دوست و ياد کردني براي مسلمانان
ثابت می گردايم باں دل ترا دآدمه است بتو در اين سوره سخن دوست و ياد کردني براي مسلمانان

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَشْكُوا عَلَىٰ مَا كَانْتُمْ أَتَاكُمْ مِنْهُ ۖ وَاتَّقُوا

و بخوانان را که ایشان می آرند کار کنید بر حال خود هر آینه مایه کاری کنید
و انتظار کشید

أَنَا مُنْظَرٌ ۖ إِنَّ ۙ (٣٠) وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأَمْرُ

و یسوی او باز گردانیده میشود و کار
و یسوی او باز گردانیده میشود و کار

كَلِمَةً فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿١٣﴾

بمراں پس عبادت کن اور ادا دوسرا کن برادر و نیست برادر و گاہ تو نے خبر از آنچه می شنید

سورة يوسف ثمان وعشرون آية واحد عشر آية واثنا عشر سورة

3 21 1 3 21 1

بسم الله الرحمن الرحيم

آغازی سفر مقام عالیہ کے لئے اندازہ

الوقف تلك آيت الكتاب المبين ﴿١﴾ إنا أنزلناه قرآنا عربيا لعلكم

این است آیات کتاب روشن ده
هر آینه خود در ستایم آن را طربان بزبان تابا

تَعْقِلُونَ لَئِنْ نَقَضَ عَلَيْهِمْ احْسَنَ الْقَصَصِ مَا اَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

دریاسید مایان ہی کیم برو سچ ترین بیاتے بدان جہت کہ دجی نمودیم ما بسوئے تو

هذا القرآن وان كنت من قبله لمن الغفلين (س) اذ قال يوسف

امین قرآن را ده آئینه تو دوی پیش از آن از بے خزان چون گفت یوسف

بید یابته ای رایت احد شکر تو بیا و شمس اعتراف محمدی
 بدو جدا است بدین بر آئینه من بخواب دیدم بازده ستاره را در آفتاب و ما را و دم استهلا را بر آینه بخواب

پدر خود را اسیر پدر من (هر آینه من) بخواب دیدم باز ده ستاره و نور شدید ماه را دیدم ایشان را من

[illegible]

عنه مفران در ضمن
نخنان دروازه وقت
آوردی و گوی کنند که
سنگ از آن بنامی
آید با خدای دانند که تا
بکار است است قرآن
کرم با عبد الله بن علی
خاص خود این همه
تقصیلات را شایان
ذکر در ذوق افغانی
دانند بر امهات
این جزئیات
مربوط نیست
قرآن بخواند
های سامعین خویش
را بر وقت آورد و افغان
مشد آن خاص را بیان
و طرمان باشد قرآن
عادت ندارد که باین
عامه نظار وقت
عادی را که کافر و
مسلمان حتی حیوانات
نیز طبعاً در آن مشتعل
مورد توجه شده قرار
دیده این جایز نیست
تمام واقعات ۱۳
متضمن حذف ۱۲
و انجام سخن بیان
مژده یعنی برادران
یوسف را به لطایف
الخیال از نزد پدر
برندند چنانکه قرار
داده بودند آنامه شد
که هر چه پیش میگذشت
در آن وقت بطوریکه
بچشم نماند یوسف
اشاره کردیم بر ایشان
مشو- روزی بیاید که
این همه اعمال را بیاد
آری و تو بچنان معانی
بلند ناز گوی که بشود
رسیده نتواند و از
طول عهد ترا نشناسد
تقصیل این سبک که
اشدت خدای در
غاب بود یا بیاداری
بطریق الهام بود یا بواسطه

فی غیبت الحب و اوحینا الیه لتنبئهم بامرهم هذا و هم لا یسعون
در چاه تاریک و وحی فرستادیم یوسف را که البتة خبردار خواهد شد از امری که در این میان است و اینان در این میان
در چاه تاریک و وحی فرستادیم یوسف را که البتة خبردار خواهد شد از امری که در این میان است و اینان در این میان
و جاءوا باهم عشاء یبکون ۱۰ قالوا یا انا اننا ذهبنا لشیق و ترکنا
و آمدند نزد پدر خود شبانه گریان گریان گفتند ای پدر ما را از این بصره و فتنه پیش می کشی که بر ما گذشت و گذشت
یوسف عند متاعنا فاکله الذئب و ما انت به مؤمن لنا و لو کنا
یوسف را نزد یک رخت خویش پس بخورد و در آن گرس و پیشی تو باور دارنده ما را و اگر چه به چشم
یوسف را نزد رخت خویش پس بخورد و در آن گرس و پیشی تو باور دارنده ما را و اگر چه به چشم
صدیقین ۱۱ و جاءوا علی قیصره بد و کذب قال بل سؤلتکم
راست گو و آوردند بر پادشاه را حق و کذب گفت بل آراسته است پیش شما
راست گوین و آوردند بر پادشاه را حق و کذب گفت بل آراسته است برای شما
انفسکم امرافق صابر جمیل و الله المستعان علی ما تصفون ۱۲ و
نفس شما تدبیر را پس کار من صبر نیک است و خدا مدد طلبیده میشود از او بر آنچه شما بیان می کنید و
نفس را که شما تدبیر را پس کار من صبر نیک است و خدا مدد طلبیده میشود از او بر آنچه شما بیان می کنید و
جاءت سیارة فارسوا و اورد هم فادلی دلوه ۱۳ قال یلشیری هذا
آمد کاروانی پس فرستادند سقائے خود را پس انداخت دلو خود گفت ای سرور این
آمد کاروانی پس فرستادند سقائے خود را پس انداخت دلو خود گفت ای سرور این
علموا سرور و بضاعة و الله علیم بما یعملون ۱۴ و شر و بهمن بخش
تو جانشین است و اهل فاند پنجاه ساله اند و سرایه در است و خدا داناست با آنچه می گردند و برادران خود و خداوند
تو جانشین است و پنجاه ساله اند و سرایه در است و خدا داناست با آنچه می گردند و برادران خود و خداوند
در اهرم معد و دقه و کانوا فیه من الزاهدین ۱۵ و قال الذی اشترى
در بے چند بخرده شده و بودند در میان یوسف از بے رغبتان و گفت بختی که خرید یوسف را
در بے چند بخرده شده و بودند در میان یوسف از بے رغبتان و گفت بختی که خرید یوسف را
من مصر لانه اکر می مشوه عسان یتفعنا او یتخذة و ولداه و
از اهل مصر بزن خود گرامی دار جانے او را شاید که بفرستد به ما یا فرزند گرامی او را و
از اهل مصر بزن خود گرامی دار جای او را شاید که بفرستد به ما یا فرزند گرامی او را و
کذلك نکنا یوسف فی الارض و لنعلمه من تاویل الاحادیث
هم چنین قرار دادیم یوسف را در آن زمین و تا بیاووزیم او را از علم تاویل الاحادیث و
هم چنین جانے دادیم یوسف را در آن زمین مصر و تا بیاووزیم او را از علم تاویل احادیث
الله غالب علی امره و لکن اکثر الناس لا یعلمون ۱۶ و لما بلغ اشد
خدا توانا است بر امر خود و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند و چون رسید یوسف به نهایت قوت خود
خدا توانا است بر امر خود و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند و چون رسید یوسف به نهایت قوت خود
اتینا حکما و علما و کذلک نجزی للمحسنین و راودت الی
دادیم او را دانای و علم و هم چنین جزا میدیم بنیکوکاران را و گفت و شنید کرد یوسف از آن که
دادیم او را دانای و علم و هم چنین جزای بنیکوکاران را و طلب کرد از یوسف از آن که
هو فی بیتها عن نفسه و غلقت الابواب و قالت هیت لک ما قال
او در خانه اش بود تا بگذرد از حفظ خود و این کنایت از طلب جانشین است و بهرست در بار او گفت پیش آ گفت
او در خانه اش بود از نفس او و دست و در بار او گفت پیش آ گفت
غاب بود یا بیاداری
بطریق الهام بود یا بواسطه

مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ زَنَىٰ أَحْسَنَ مَثْوًى إِنَّهُ لَا يَفْلَحُ الظَّالِمُونَ ۝ وَلَقَدْ

فرمان بخدا این شخص صاحب من است بنکوحاشا جائے مراد بر آئینه رستگار می شوند ظالمین و هر آینه

بدرستی که بخدا بد رستگار او صاحب من است بنکوحاشا جای مرا بد رستگار رستگار می شود ستم کاران و هر آینه

هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَىٰ بُرْهَانَ رَبِّهِ لَكُنْتَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ

تصد کرد آن زن بپوشیدن یوسف و قصد کرد یوسف بپوشیدن او اگر نه آن بود که دیدی یوسف و پس بود و کار خود را بچنین رویه باز کرد و

السُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ ۝ وَاسْتَبَقَا الْبَابَ

بدی دے چنانچه را هر آینه دے از پس درگاهان خالص کرده است و باید که یوسف گفت کوند یوسفی دروازه

وَقَدْ تَقَبَّضَهُ مِنْ دُبُرٍ ۝ وَالْفَقِيصَةُ هَٰذَا الْبَابُ ۝ قَالَتْ فَاجْرَأْ مِنْ

و درید آن زن پیر این یوسف را از پس پشت و یافتند شوهر زن را از نزدیک دروازه گفت پستی جزاے سید

أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسَبِّحَ ۝ أَوْ عَذَابَ إِلِيمٍ ۝ قَالَ هِيَ رَأَوْتَنِي

خوستر باشد باین تو کار بد مگر آنکه بزدان کرده شود یا عقیقه درود دستنده یوسف گفت این زن گفت شنیدم که با من

عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِي ۝ إِنَّ كَانُ قَبِيصَةً قَدْ مِّنْ قَبْلِ

از غافل کند مرا از محافظت نفس من و گواهی داد گواهی از بیل زن که اگر هست پیر این یوسف در دیده از پیش

فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَذِبِينَ ۝ وَإِنْ كَانُ قَبِيصَةً قَدْ مِّنْ دُبُرٍ

پس این زن راست گفته است و یوسف از دروغ گویاست و اگر هست پیر این او در دیده از پشت

فَكَذَّبَتْ وَهُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ فَلَمَّا رَأَىٰ قَبِيصَةً قَدْ مِّنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ

پس این زن دروغ گفته است و یوسف از راست گویان است پس شوهرش چون دید پیر این را در دیده از پس گفت این یوسف

مِنْ كَيْدِكَ ۝ إِنَّ كَيْدَكَ عَظِيمٌ ۝ يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَٰذَا ۝

از کد تو است اے زن هر آینه مکر شما اے زن بزرگ است اے یوسف در گذر از این ماجرا

وَاسْتَغْفِرِي لِذَنبِكِ ۝ إِنَّكِ كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ۝ وَقَالَ نِسْوَةٌ

دای زن طلب آمرزش کن برائے گناه خود هر آینه تو بودی از خطا کنندگان و گفتند زنمان چند

فِي الْمَدِينَةِ ۝ امْرَأَاتُ الْعَزِيزِ ۝ تَرَاوَدُّنَّ عَنْ نَفْسِهِ ۝ قَدْ شَغَفَهَا حُبُّ

در شهر کن عزیز گفت در شنید میگند با تو جوان خود تا غافل کند او را از حفظ نفس خود هر آینه زده نش چاکرود است از دوسری

أَنَّكَ كَاهِنٌ ۝ ضَلِيلٌ مُّبِينٌ ۝ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ

بر آئینه ای پیام آورد که ای ظاهر پس چون شنید زن عزیز غیبت ایشان را آدم فرستاد یوسف را ایشان

وَأَعَدَّتْ لَهُنَّ مَتَكًا ۝ وَأَنْتِ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سَكِينٌ ۝ قَالَتْ

و بهار کرد برائے ایشان مجلس و داد هر یک را از ایشان کار دے و گفت

وَأَعَدَّتْ لَهُنَّ مَتَكًا ۝ وَأَنْتِ كُلُّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سَكِينٌ ۝ قَالَتْ

دل بی خیانت داد
تو اتم کرد و دل بی
سوربت یوسف حاضر
شد انگشت را بدینا
گرفت ۱۲
تفسیر عثمانی
۵ پناه بخدا بر تو
چنین کاری نخواهم کرد
عزیز مرے من است
عزیز عزیزت و
آسایش نگهداشته
چگونه من به چنگ و
ناموس کسی بردارم
که من احسان خود
عمن کش ستم دار روز
خوشی و روی کاویانی
نمیدند کسیک تریه
گفته ظاهری را
چنین رعایت نماید
باید از پروردگار حقیقی
چو مقدار جای آن دعا
در این خدمت خویش
تریت فرموده و دست
خود را برای خدمت
آسایش من برگداشته
و تعبیه بعضی مفسران نیز
در این باب را باری خدای
شمال را بچ و استعداده
از این بران و استعداده
بر آن چست بود که مسلم
که یوسف از این کار خشن
و چو چو خود را چو
چو در خدا را و چو
سوربت یوسف را
سوربت یوسف حقیقت
شد لب به سخن کشود
گفت درخواست نفس
مرا از دایه میرون کند
عزیزم و خوشتر را
نجات دادم در این
گفت و بد که گواهی از
قاندان ز بخار طبع
یوسف بلای ز شگفت
گواهی از این
روایات بری آید
که کی شخواری بود
را و داد و استحقاق

فلانی مشورت کرده
که یوسف را بزنند
بایک دانا نزدیک
مردمان برات زینجا
ظاهر شود ۱۲-

تفسیر عثمانی

عنه زینجا زان مذکور
را بهماقی خوانده غلطی
پرازا اعمه و اخره کسر
دود و سفره چیزه بود
که با کار خورده می شد
بدست بر زن کاروی
دانا و خود دن آن
زمت انتظار میدادند

چون مان بهم میبایست
به یوسف گفت تبارک
آید یوسف برآمد و در
حالی که عذاروی چون
آفتاب می درخشید
زنان بجزه دیدن جمال
یوسف از خود رفتند
و بجای میوه و سمنان
خوش را بریدند و
تیزه سیله جدا گانه
بود که برصدافت
و تزیینت یوسف

آوردند زیرا ۱۳
در حالیکه زنان قاشقی
بیک جلوه جمال به
مثال یوسف از خود
رفتند و یوسف از کار

جایگاه بی برآن با
نیفتند پس علوم است
که چون زینجا از قلابه
بال و دلا داده و غنیمت
شد یوسف مانع فرست
به کنه و امن بخت
خوش سالیانه از آن
آزمون گاه مشرباک
برآمد عه زینجا چون
رنگ آنها را دید به
الهام حقیقت پرداخت
و گفت بدون عقیدین
میخواهم دل دی را مید
نایم لایوسف چنان
استوار نماند پس گوید
بیایم صورت من ندا

اخرج عليهن فلما راينه اكبرنه وقطعن ايديهم وقطن حاش

اے یوسف بیرون آی بر این زنان پس چون دیدندش بزرگ کردند و دست و پایش را قطع کردند و گفتند پاک است
اے یوسف بیرون آی بر این زنان پس چون دیدندش بزرگ کردند و دست و پایش را قطع کردند و گفتند پاک است

الله ما هذا بشرا ان هذا الا ملك كريم قال فذليكن الذي

خدا نیست این نوجوان آدمی نیست این شخص مگر فرشته گرامی زن عزیز گفت ایست ۷
خدا نیست این نوجوان آدمی نیست این شخص مگر فرشته گرامی گفت زن عزیز ایست ۸

لنتنفي فيه ولقد راودته عن نفسه فاستعصم ولو لئن لم

طاعت کرده بودید مرا در عشق و سه و چهار آنگاه گفت و شنید کردم باوسته ما فال لئلا اذ حفظ نفس دی پس نگاه داشت خود را و اگر
طاعت کرده بودید مرا در عشق و سه و چهار آنگاه گفت و شنید کردم باوسته ما فال لئلا اذ حفظ نفس دی پس نگاه داشت خود را و اگر

يفعل ما امره ليسجن وليكونا من الصغرين قال رب اليسجن

نگند آنچه می فرمایم او را البتہ بزدان کرده شود و البتہ باشد از خواستگان یوسف گفت اے پروردگار من زندان
نگند آنچه می فرمایم او را البتہ بزدان کرده شود و البتہ باشد از خواستگان یوسف گفت اے پروردگار من زندان

احب الي مني اذ عوني اليه والا تصرف عني كيدهن اصاب

دوست تراست نزد یک من از آنچه میخواهند مرا بپوشان آن و اگر گویا ز نداری از من فریب این زنان را البتہ من کنم
دوست تراست من از آنچه میخواهند مرا بپوشان آن و اگر گویا ز نداری از من فریب این زنان را البتہ من کنم

اليهن واكن من الجهيلين فاستجاب له ربه فصرف عنه

بایشان و با دشمن از نادان پس قبول کرد دعای او و پروردگار او پس باز داشت از یوسف
پس قبول کرد دعای او و پروردگار او پس باز داشت از یوسف

كيدهن ان الله هو السميع العليم ثم بداهم من بعد ما راوا الاية

فریب ایشان را بر آینه دے شنود اناست باز ظاهر شد آنچه را بعد از آن که دیده بودند نشان با
فریب ایشان را بر آینه دے شنود اناست باز ظاهر شد آنچه را بعد از آن که دیده بودند نشان با

ليسجنه حتى حين ودخل معه السجن فتيان قال احدهما

که البتہ بزدان در آورند او را نماند و فل و دامل شد بزدان بصره یوسف و دو جوان یکی از ایشان گفت
بر پای یوسف که البتہ بزدان در آورند او را نماند و فل و دامل شد بزدان بصره یوسف و دو جوان یکی از ایشان گفت

اني اذ نبي اعصر خيرا وقال الاخراني اربني احمل فوق راسي

بر آینه خواب می بینم خود را کی افشارم آب انحر و دیگر گفت که بر آینه خوابی بینم خود را که بر سر شام بر سر خود
بر آینه خواب می بینم خود را کی افشارم آب انحر و دیگر گفت که بر آینه خوابی بینم خود را که بر سر شام بر سر خود

خبز اناكل الطير منه يتغاثبوا ولبه اننا نريك من المحسنين

تاخه که مرغان از آن میخورند خبر ده مارا به غیر این خواب بر آینه می بینم ترا از شیو کاران
تاخه که مرغان از آن میخورند خبر ده مارا به غیر این خواب بر آینه می بینم ترا از شیو کاران

قال لاياتيكم طعام ترضونه الا نأتاكم بائنا ولبه قبل ان ياتيكم

گفت بخورید آمد به شما هیچ طعامی که داده میشود آن را بپذیرد خواب مگر خبر ده مارا به غیر این پیش از آنکه بیاید شما صدای غیر
گفت بخورید آمد به شما هیچ طعامی که داده میشود آن را بپذیرد خواب مگر خبر ده مارا به غیر این پیش از آنکه بیاید شما صدای غیر

ذليكم ما علمني ربي اني تركت ملة قوم لا يؤمنون بالله

این تعبیر از آن قبیل است که اموخت است مرا پروردگار من هر آینه من ترک کردم گیش قوم که ایمان نمی آرند بخدا
این که گفت شما از آن چیزه است که بیاوخت مرا پروردگار من هر آینه من ترک کردم گیش قوم که ایمان نمی آرند بخدا

وهم يا اخوة هم كفرون واتبع ملة ابائي ابراهيم

و ایشان با خرت نامعتقد اند و پیروی کردم گیش پدران خود ابراهیم
و ایشان با خرت نامعتقد اند و پیروی کردم گیش پدران خود ابراهیم

و ايشان با خرت ابراهيم نامعتقد اند و پیروی کردم گیش پدران خود ابراهيم

و ایشان با خرت ابراهيم نامعتقد اند و پیروی کردم گیش پدران خود ابراهيم

وَالْحَقُّ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نَشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ أَذَلِكَ مِنْ
 وَحَقِّ وَيَعْقُوبَ نشاید ما را که شرک خدا مقولیم چیزی را این از
 وَحَقِّ وَيَعْقُوبَ را داشت ما را که انکار می کردیم چیزی را این از
 فَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ
 فضل خداست بر ما و بر مردمان و لیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند
 فضل خداست بر ما و بر مردمان و لیکن بیشتر مردمان شکر نمی کنند
 اصْحَابِي السَّجِينِ عَزَابٌ مُتَعَفِّفُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ
 ای دوستان من و زندان آگاهان و برکنده بهتر اند یا خدا یکتای غالب
 ای دوستان من و زندان آگاهان و برکنده بهتر اند یا خدا یکتای غالب
 تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتَهُنَّ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مِمَّا
 عبادت نمی کنید بجز خدا مگر نامهایی که شما مقرر کرده اید آن را و پدران شما مقرر کرده اند
 عبادت نمی کنید بجز خدا مگر نامهایی که شما مقرر کرده اید آن را و پدران شما مقرر کرده اند
 أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَهُكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ أَمَرَ الْأَتَّعْبُدُونَ وَاللَّهُ
 فرستاده است خدا بر شما را از سلاطین و بی شک نیست فرمان رسانی مگر خدا را فرمود که عبادت کنید مگر
 فرستاده است خدا بر شما را از سلاطین و بی شک نیست حکم مگر خدا را فرمود که عبادت کنید مگر
 أَذَلِكَ الَّذِينَ الْقِيَمَةُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ اصْحَابِي
 خود را ایستگی نیست و لیکن بیشتر مردمان نمی دانند ای دوستان من
 خود را ایستگی نیست و لیکن بیشتر مردمان نمی دانند ای دوستان من
 السَّجِينِ أَمْ أَحَدٌ كَمَا قَيْسَتْ رِبِّي خَمْرًا وَأَمَّا الْآخَرُ فَيَصْلُبُ فَمَا كُنْ
 زندان را ایستگی از شما پس بنوشاند مولای خود را شراب و اما آن دیگر پس برادر کرده شود پس بخورند
 زندان را ایستگی از شما پس بنوشاند مولای خود را شراب و اما آن دیگر پس برادر کرده شود پس بخورند
 خَيْرٌ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِينَ ۖ وَقَالَ لِلَّذِي
 مرغان از سر او قضا شد کار که در وی سوال می کنید و گفت یوسف به شخصی که
 مرغان از سر او حکم کرده شد کاری که در وی سوال می کنید و گفت یوسف به آنکه
 كُنْ أَتَاكَ نَاجٍ مِّنْهُمَا أَذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ
 ای ایستگی بود که خلاص یافته است از آن و در کس یاد کن مرا نزد مولای خود پس شیطان فراموش کرد این را و گفت یوسف
 ای ایستگی بود که خلاص یافته است از آن و در کس یاد کن مرا نزد مولای خود پس فراموش کرد این را و گفت یوسف
 فَلَيْتَ فِي السَّجِينِ بَضْعَ سَبْعِينَ ۖ وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ
 ای ایستگی یوسف در زندان چند سال و گفت پادشاه هر آنچه من خواب می بینم که بخت
 ای ایستگی یوسف در زندان چند سال و گفت پادشاه هر آنچه من خواب می بینم که بخت
 بَقَرَاتٍ سَيَّانٍ يَأْكُلْنَ سَبْعَ عَشْرَ ۖ وَسَبْعَ سَنَاسٍ خُصْرٍ وَأُخَرَ
 گاو زبیری می خورند آنها را هفت گاو لاغر و می بینم هفت خوشه سبز را و هفت خوشه
 گاو زبیری بخورند آنها را هفت گاو لاغر و می بینم هفت خوشه سبز را و هفت خوشه
 سَبْعَ يَأْكُلُهَا السَّيِّئَاتُ أَفْئُونِي فِي رَيْبٍ أِنْ كُنْتُمْ لِلزُّلْمِ يَا عِبَرُونَ ۱
 هفت سال ایستگی من و پس در باب خواب من امر خواب را تعبیر می گویند
 هفت سال ایستگی من و پس در باب خواب من امر خواب را تعبیر می گویند
 قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَامِ بِعِلْمٍ ۖ وَقَالَ الَّذِي
 گفتند این خوابهاست شوریده است و ما نیستیم به تعبیر خوابها را و گفت آنکه
 گفتند این خوابهاست شوریده است و ما نیستیم به تعبیر خوابها را و گفت آنکه
 كُنْ أَتَاكَ نَاجٍ مِّنْهُمَا أَذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنَسَهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ
 ای ایستگی بود که خلاص یافته است از آن و در کس یاد کن مرا نزد مولای خود پس فراموش کرد این را و گفت یوسف
 ای ایستگی بود که خلاص یافته است از آن و در کس یاد کن مرا نزد مولای خود پس فراموش کرد این را و گفت یوسف

دلت و برتری است و استواریم
 ز تنهایی با به با بی
 در پاره تمام جهان فضل
 در وقت خدمت تیرا
 شرح دو دان ابراریم
 است که به مردم انا
 چراغ قلوب خدا
 از وقت می توانست انا
 و ریح که اکثر قدر این
 نعمت عظیم را می دانند
 باید احسان خدا را
 قبول می کردند و بر
 جاده توحید و دین می
 شد امانت ناسی
 پر از خیر و بر حق
 عیبها را می دانند
 عیبها را می دانند
 سند اساس بر آنها
 نام بای نهاده اید که
 هیچ حقیقت ندانند
 خدا بانی را که خود نام
 نهاده اید می پرستید
 باید از بهمانت خویش
 کنید و به بهانه خالص
 توحید نشیب و فراز
 که از هیچ دین ندانند
 جاده راست و پیچیده
 است هر که بر آن رود
 شود و در اندیشه بخدا
 رسید و می تواند ایا
 کس از حق حاکم و
 یا نصیب سخن حق
 را نمی فهمد و
 ایوسف علیه السلام
 پس از ادای تبلیغ
 خواب آنها را تعبیر کرد
 و گفت آنکه خواب دیده
 که پادشاه شراب می
 نوشاند بهیض از آن
 کرد و بهیض می نوشاند
 و پادشاهان از سرش
 نان بخورند و پادشاه
 میشود و پادشاهان سفر
 مرغ را خواهند خورد
 و پادشاهان از سرش
 نان بخورند و پادشاه
 میشود و پادشاهان سفر
 مرغ را خواهند خورد

تفسير خاتم
در تفسیر کتب مقدسه
یوسف داخل مفسر
چون مایه برادران
ایجازی نه اشتغال
شیر چون توجیه الحاق
خاص یوسف مایه
آنها مشاهد کرده اند
برای چاپ و تفسیر
لبنانیان هر چند وقت
شان به اهتمام رشتو
خاص به خطی بر روی
یوسف علیهم السلام بود
بنیامین که پس از یوسف
طرف غفلت و محبت
خاص پیدا بود نیز با
برادران همراه بود یوسف
اندک پدید آمده پس
زیرا که اندک پدید آمد
اگر بهینت استقامی
بشهر و در آنجا حضور
پیدا شدن برادری که
مردم و یوسف
در راه آنها می رفت
بود نگاه حاکم مردم
بدان موجب میشد
ایضا حق و غیره شامی
حقیقت است که
بای مسریه که در
نگارخانه تشریفات
چشم است این است
که یوسف نیز برای
نجات پسران خود را
نگرید و صد سائر
مکرمات ظاهر این
مرد را با آنها تلقین
کرد تا به آیین
مهری متفرق
شدند
نهادهای شهر
داخل شدند و انکار
عمومی به آنها نکردن
نشانده عین زلمین
نشانده میرا فیصله
قضا و تقدیر با
داشته می تواند در میان

تَكْتُلُ وَإِنَّا لَهُ لَحَفُظُونَ ﴿٦﴾ قَالَ هَلْ أُمِنُكُمْ عَلَىٰ آلِكُمْ أَمْ تَكْتُمُونَ
تا اینجا میگویم و هرگز ما نگهبان و سیم ایم گفت یعقوب این نیکم شمارا بروی مگر چنانکه این گرفتار بودم شمارا بر
تا اینجا میگویم و هرگز ما نگهبان و سیم ایم گفت یعقوب این نیکم شمارا بروی مگر چنانکه این گرفتار بودم شمارا بر
أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ ۖ قَالَ اللَّهُ خَيْرُ حَفِظًا ۖ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّحِيمِينَ ﴿٧﴾ وَلَمَّا
برادر و سیم پیش ازین پس خدا بهتر است نگاهدارنده و او مهربان ترین مهربانان است و چون
برادر و سیم پیش ازین پس خدا بهتر است نگاهدارنده و او مهربان ترین مهربانان است و چون
فَتَحُوا أُمْتَانَهُمْ وَجَدُوا بِضَاعَهُمْ رَدَّتْ إِلَيْهِمْ ۖ قَالُوا يَا بَنَا نَامُوسَ هَذَا
بکش و نه رخت خود یا گفتند سرمای خود را باز گردانیده یافتن گفتند ای پسر ما چه می خواهی پیش ازین برکت
بکش و نه رخت خود یا گفتند سرمای خود را باز گردانیده یافتن گفتند ای پسر ما چه می خواهی پیش ازین برکت
بِضَاعَتِنَا رَدَّتْ إِلَيْنَا ۖ وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزِدُكَ كَيْلَ بَعِيرٍ
سرمای ما باز گردانیده بسوی ما پس باز دریم بکند و غذا آوریم برای کن خود و نگهبانی کنیم برادر خود و از زیاد آیم یک سینه
سرمای ما باز گردانیده بسوی ما پس باز دریم بکند و غذا آوریم برای کن خود و نگهبانی کنیم برادر خود و از زیاد آیم یک سینه
ذَلِكَ كَيْلٌ لِّبَيْتٍ ۖ قَالَ لَنْ أَرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُوا مِن مَّوْثِقِي ۖ لَنْ
و آنچه آورده ایم بپایان اندک است گفتند ز درستم او را با شما تا آنکه و بهیچرا غمید از
این بپایان آسان دانک است گفتند هرگز نکرستیم او را با شما تا آنکه و بهیچرا غمید از
اللَّهُ كَتَبَتْهُنَّ إِلَيْنَا ۖ إِنَّا لَا يُرْحَمُ بَكُمْ فَلَمَّا اتُّوهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ
خدا که البتة باز آید او را امن مگر آنکه گرفتار کرده شود پس چون دادندش یعقوب را گفت یعقوب خدا بر
خدا که البتة باز آید او را امن مگر آنکه گرفتار کرده شود پس چون دادندش یعقوب را گفت یعقوب خدا بر
مَا نَقُولُ وَكَيْلٌ ۖ وَقَالَ لِبَيْتٍ لِّتَنْتَ حُلُومِنَ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا
آنچه می گویم نگهبان است و گفت ای پسران من در میانید از یک دروازه و در آمدید
آنچه می گویم نگهبان است و گفت ای پسران من در میانید از یک دروازه و در آمدید
مِنْ أَبْوَابٍ مُّكْفَرَةٍ ۖ وَمَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ إِنَّ الْحَكَمَ
از دروازه های پرانده و دفع نمی کند از شما از کفایت خدا چیزی را نیست زبان روانی
از دروازه های پرانده و دفع نمی کند از شما از کفایت خدا چیزی را نیست زبان روانی
إِلَّا اللَّهُ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿١٠﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا
مگر خدا را بمراد توکل کردم و بمراد توکل کنند متوکلان و چون داخل شدند
مگر خدا را بمراد توکل کردم و بمراد توکل کنند متوکلان و چون داخل شدند
مِنْ حَيْثُ أَفْرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً
از آن راه که فرموده بود ایشان را پدر ایشان دفع نمی توانست کرد از ایشان چیزی را از کفایت خدا چیزی را نیست زبان روانی
از آن راه که فرموده بود ایشان را پدر ایشان دفع نمی توانست کرد از ایشان چیزی را از کفایت خدا چیزی را نیست زبان روانی
فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا ۖ وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
خطور را که در همه دسک بود و هر آینه او بود خداوند و حق را چه می توانست بودیم او را و دیگران
در همه یعقوب بود سر انجام داده و پدر یعقوب خداوند و حق را چه می توانست بودیم او را و دیگران
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١١﴾ وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ أَوَىٰ إِلَىٰ أَخَاهُ قَالَ
مردان نمی دانند و چون داخل شدند بر یوسف چنانچه داد یوسف خود برادر علی خود را گفت
مردان نمی دانند و چون داخل شدند بر یوسف چنانچه داد یوسف خود برادر علی خود را گفت
إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئْسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿١٢﴾ فَلَمَّا حَزَنَهُمْ عَنْهُمْ
هر آینه من برادر توام پس اندک پس بهایش سبب آید می کردند پس و تفکر می کردند برای ایشان را این که
هر آینه من برادر توام پس اندک پس بهایش سبب آید می کردند پس و تفکر می کردند برای ایشان را این که

فل یفعلوا غلام
 گزند و از آن علم ۱۳
 فل حضرت یوسف
 به از طاعت آن بپوشید
 ماری خود بپوشید تا
 از عبادت منم بازماند
 یا مباد این قصه جزین
 سبب جنت او باشد
 بپوشی بپوشد آمد
 بود الشدا علم ۱۳
 لغیر عثمان
 چون بفرمان یوسف
 نعل با بپوشد سبب
 سفر با دزد و دزدی
 سبب بدون اطاعت
 بنیامین و اسباب
 وی که اشتباه چون
 کاروان عزم رحیل
 کرد محافظان تجوی
 و ام افتاد در کاروان
 طرف اشتباه واقع
 شد بنزد آمدی دور
 شده بودند که از
 محافظین فریاد و شای
 یفتاد و زوید تعلیم
 اگر بفرمان یوسف چنین
 گفتند مطلب این است
 و بفرمان می دزدند
 شما آوازید که برادر را
 از پدر و زوید تعلیم
 رفتند و کردار با
 مردان مصر معلوم است
 کیست درین جا که
 نشان و چو کرد
 کرده که می برای شای
 آمده با شایم از
 خاندان و در دکان
 با شایم سزای دزد در
 شریعت ابراهیم
 بود بپوشی از سزای هر که
 مان دزدی می برآمد
 ۹ بد سال نامی
 ۱۰ شد مراد از این
 ۱۱ بود حق تا و نون شای
 سزای دزد را بدی
 ۱۲ شد که کرد و زوید تعلیم

جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَاهَا الْعِيرُ فَأَتَى كُرَّ
 نهاد آورد آب خوردن و در خرمن برادر خود و بعد از آن آواز داد آواز گفتند که اسے کاروان بر آید شای
 نهاد چار در بار دوزن برادر خود بعد از آن آواز داد آواز گفتند که اسے کاروان بر آید شای
 لَسَارِقُونَ ۲ قَالُوا أَوَ آفَاقُهُمْ قَدْ أَتَقَعُوا ۳ قَالُوا نَفَقُوا ۴
 دزدید گفتند و بسوی ایشان در آورده چیست آنچه می یابید گفتند نمی یابیم
 دزدید گفتند و بسوی ایشان در آورده چیست آنچه می یابید گفتند نمی یابیم
 صَوَاعِقُ الْمَلَائِكَةِ وَلَمَّا جَاءَ بِهِ حُمْلٌ يُعَذِّبُهُ فَأَنَّى يُعَذِّبُهُ قَالَ إِنَّا لِلَّهِ
 بیانه بارش را و کسی را که می آورد و حق یک بارش باشد و من باین و عده ضامنم گفتند بخدا
 بیانه بارش را و کسی را که می آورد و حق یک بارش باشد و من باین و عده ضامنم گفتند بخدا
 فَقَدْ عَلِمْتُمْ تَجِدُنَا فِي الْغَيْبِ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ۵ قَالُوا إِنَّمَا
 بر آید دانستید آید که نیامده ایم تا فساد کنیم در زمین و هرگز دزد نبوده ایم گفتند پس چیست
 بر آید دانستید آید که نیامده ایم تا فساد کنیم در زمین و هرگز دزد نبوده ایم گفتند پس چیست
 جَزَاءُكَ إِنْ كُنْتُمْ كَذِبِينَ ۶ قَالُوا جَزَاءُكَ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ
 جزای تو این که اگر در دزدی باشد گفتند جزای این فعل است که یافته شود در دزدی او پس بپوشید
 جَزَاءُكَ كَذَلِكَ جَزَى الظَّالِمِينَ ۷ فَبَدَأَ أَبَا عَدِيٍّ قَبْلَ ۸ وَعَاءَ أَخِيهِ
 جزای او هم چنین جزای تو هم چنین است که اگر در دزدی باشد گفتند جزای این فعل است که یافته شود در دزدی او پس بپوشید
 ثُمَّ اسْتَخْرِجْنَاهُمْ مِنْ ۹ وَعَاءَ أَخِيهِ كَذَلِكَ كُنَّا لِيُؤَسِّفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ
 بعد از آن بر آورد و بیانه را از خرمن برادر خود هم چنین تدبیر کردیم بر اسے یوسف مستند نبود که اسیر کرد
 بعد از آن بر آورد و بیانه را از خرمن برادر خود هم چنین تدبیر کردیم بر اسے یوسف مستند نبود که اسیر کرد
 حَاكَةً فِي دِينِ الْمَلَائِكَةِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَةً مَنْ نَشَاءُ ۱۰
 برادر خود را در دین پادشاه لیکن اسیر گرفتار نیست خدا بپوشی گردانیم در درجه است که را که خواهیم و
 برادر خود را در دین پادشاه لیکن اسیر گرفتار نیست خدا بپوشی گردانیم در درجه است که را که خواهیم و
 فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلَيْهِ ۱۱ قَالُوا إِنْ يَشَاءُ اللَّهُ لَنُنْفِقَنَّ مِنْ أَمْوَالِنَا
 بالاتر از هر خدایتان دانسته است گفتند اگر دزدی کند این شخص و در نیت کرد دزدی کرده بود برادر او پیش
 بالاتر از هر خدایتان دانسته است گفتند اگر دزدی کند این شخص و در نیت کرد دزدی کرده بود برادر او پیش
 قَبْلَ فَاسْتَرْهَاهُ يَوْسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا ۱۲
 ازین پس همان است یوسف این سخن را در دزدی خود و آشکارا نکرد و از پیش ایشان گفت در دل خود شما بپوشید در منزل خود
 ازین پس همان است یوسف این سخن را در دزدی خود و آشکارا نکرد و از پیش ایشان گفت در دل خود شما بپوشید در منزل خود
 وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ۱۳ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا
 و خدا داناست با آنچه می گویید گفتند اسے عزیز بر آید او را پدر است پیر کلان سال
 و خدا داناست با آنچه می گویید گفتند اسے عزیز بر آید او را پدر است پیر کلان سال
 فَخَذَ أَحَدًا نَامِكًا زَانًا نَزَلَكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۱۴ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ
 پس بگیر یکی را ازنا بجای او هر آینه ما به بنیم ترا از شیو کاران گفت می یابیم از خدا
 پس بگیر یکی را ازنا بجای او هر آینه ما به بنیم ترا از شیو کاران گفت می یابیم از خدا
 إِنْ نَأْخُذْ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مُتَعَانِعِينَ عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا ظَالِمُونَ ۱۵ فَلَمَّا
 اگر بگیریم مگر کسی را که یافته ایم رخصت خویش را از دزدان او نگاه است که با شایم پس چون
 اگر بگیریم مگر کسی را که یافته ایم رخصت خویش را از دزدان او نگاه است که با شایم پس چون
 فَمَا كُنَّا نَعْمَلُ إِلَّا بَعْدَ مَا نَأْمُرُ ۱۶ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا
 پس ما را چه کردیم مگر آنچه ما را امر کردیم پس ما را چه کردیم پس ما را چه کردیم پس ما را چه کردیم
 پس ما را چه کردیم مگر آنچه ما را امر کردیم پس ما را چه کردیم پس ما را چه کردیم پس ما را چه کردیم

دل ایمنی گفت جز از
من و من فی
دخلة فخر جوده
والزامل ۱۲
تفسیر عثمانی
ع یوسف چون در
مرتبخت به یسوف
خود اعتماد کرده بود
نسبت به بے اعتبار
گرفتند و این مرتبه
تیز گفتند بپسران اعما
نکرد اما سخن پیچیده و
نمی باشد بپسران وی
سخنی ساخته بودند
یوسف نیز پسر بود
کذا فی الموضع گویا
مخاطب بکم جنس
انسانست و الله اعلم
بعض مفسران چنین
تفسیر کرده اند شما برای
حفاظت وی در اینجا
چهار جوان بپسند و پانز
اصول او را بخود
بروید آنجا این توره
هم گفتند اگر چه
از ستاره وی بر آمد
و زوی ایشان بشود
شاید بگری نهان
کرده باشد و شایع
آنند ما فخر گفتند
برادرش نیز در دنیا
و جرم او را تو کوین
اگر در دل خویش چیزی
خوش نمی داشتی چنین
نمی کردی حال فراموش
آمده ای که از خود سخن
روی بپسند بهر حال
من در این مصیبت
نیز میری گم و لب
شکست نمی کشایم
از توانای و مهربانی
خدا ی شعل بعید
نیست که یوسف و
پسند و آن برادر
دیگر مان را که برای
خاطر پنهان در آنجا
باشد برادر من باز آرد

اَسْتَأْتِسُوا مِنهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ اَلَمْ تَعْلَمُوْا اَنَّ اَبَاكُمْ
نا امید شده اند از دست نهانان گفتند بچون مشورت کنان
نا امید شدند از وی غبار رفتند بچون مشورت کنان گفتند بزرگ ایشان آید که پدر شما را
اَخَذَ عَلَیْكُمْ مَوْتًا مِّنْ لّٰهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِیْ یُوسُفَ فَكُنْ
گرفت است بر شما عهد خدا و پیش ازین لغیر کرده بودید در حق یوسف پس جدا
مَرَّتْ اَسْرَتُ بَرِّشَاطًا عَهِدَ مُحَمَّدٌ اَزْ خُطَا و پیش از این لغیر نموده بودید در باره یوسف پس جدا
اَبْرَحَ الْاَرْضَ حَتّٰی یَاْذُنَ لِیْ اِیَّیْ اَوْ یَحْكُمَ اللّٰهُ لِیْ وَهُوَ خَیْرٌ
خواجه شد ازین سرزمین تا دلتنگی آن دهم را پدر من یا حکم کند خدا مرا داد بهترین
خواهم شد از زمین مصر تا دلتنگی آن دهم را پدر من یا حکم کند خدا مرا داد بهترین
اَلْحٰکِمِیْنَ ۝ اَرْجِعُوْا اِلَیْ اَبْنٰیْکُمْ فَقَوْلُوْا اٰیَا بَا نَا اَنَّ اَبْنٰکَ سَرَقَ ۚ وَ
حکم کنندگان است اسه برادران باز روید بسوی پدر غریبش پس بپسند اسه پدر ما را بپسند بسوی پدر
مَعْمُومٌ کُنْدَ گَن اَسْرَتِ باز روید بسوی پدر غریبش پس بپسند اسه پدر ما را بپسند بسوی پدر
مَا شَهِدْنَا اَلَا اَبِیْنَا عَلَیْنَا وَ مَا کُنَّا لِّلْغَیْبِ حٰفِظِیْنَ ۝ وَ سَئِلُ الْقُرْبٰی
گواهی ندادیم الا با پسر می دانستیم و ما نبودیم علم غیب را یار دانه و پسران از دین
گواهی نمی دادیم ما مگر با پسر می دانستیم ما را وطن حال را نگاه دارند گان و پسران از وی
اَلَّتِیْ کُنَّا فِیْهَا وَ اَلْعِیْرَ اَلَّتِیْ اَقْبَلْنَا فِیْهَا وَ اَنَا الصّٰدِقُوْنَ ۝ قَالَ بَلْ
که بودیم در آن و از کار دانی که آمدیم در آن و البت ما راست گویایم گفت یعقوب بلکه
که بودیم در آن و از کار دانی که آمدیم در آن و البت ما راست گویایم گفت یعقوب بلکه
سَوَّلْتُ لَکُمْ اَنْفُسَکُمْ اَمْ اُرَاقِصْبَرٌ جَمِیْلٌ عَسَی اللّٰهُ اَنْ یَّاتِیَنِیْ بِهِنَّ
آراسته کرده است براسه شما نفوس شما را که در پس حال من مهربان است امید است که خدا بپسند بپسند این را
ساخته برای شما نفوس شما کار میرا پس حال من مهربان است امید است که خدا بپسند بپسند این را
جَمِیْعًا ۚ اَللّٰهُ هُوَ الْعَلِیْمُ الْحَکِیْمُ ۝ وَ تَوَلّٰی عَنْهُمْ وَقَالَ یٰ اَسَفٌ عَلٰی یُوسُفَ
همه یک جا بر آینه او دانا با حکمت است و در بگویند از ایشان و گفت ولسه انده من بر یوسف
بگریه جا بر آینه او دانا با حکمت است و در بگویند از ایشان و گفت ولسه انده من بر یوسف
وَ اَبِیْصَتْ عَیْنُهُ مِنَ الْحَزَنِ فَهُوَ كَظِیْمٌ ۝ قَالَ اَتَا اللّٰهَ تَقَوُّوا اَسْذٰکُرْ
و سفید شد عین و چشم او بسبب دانه پس او پشتمه بود از غم گفتند بخدا همیشه حق که یاد می کنی
و سفید شد عین و چشم او بسبب دانه پس او پشتمه بود از غم گفتند بخدا همیشه حق که یاد می کنی
یُوسُفَ حَتّٰی تَكُوْنَ حُرًّا وَاَوْ تَكُوْنَ مِنَ الْهٰلِکِیْنَ ۝ قَالَ اِنَّمَا اَشْكُو
یوسف را تا آنکه طوی بیمار یا شوی از طاعت شده گان گفت جز این نیست که بیان می کنم
یوسف را تا آنکه طاعت شده گان گفت جز این نیست که بیان می کنم
بَنِّیْ وَ حَزَنِّیْ اِلَی اللّٰهِ وَ اَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ۝ یٰ بَنِّیْ اَذْهَبُوا
حق گفت خود را دانه خود را بجناب خدا می دانم از جانب خدا آنچه خدا بپسند اسه پسران من بروید
حق گفت و دانه خود را بجناب خدا و من می دانم از جانب خدا آنچه خدا بپسند اسه پسران من بروید
فَتَحَسَّسُوا مِنْ یُوسُفَ وَ اَخِیْهِ وَ لَا تَأْتِسُوا مِنْ رُّوْحِ اللّٰهِ اِنَّهٗ
پس بپسند گفتند از یوسف و برادر او و نا امید میباشید از رحمت خدا هر آینه سخن راست است که
(پس) لغیر گفتند از یوسف و برادرش و لومید مشوید از فیض خدا هر آینه نپسند
اَلَا یَأْتِسُ مِنْ رُّوْحِ اللّٰهِ اِلَّا الْقَوْمُ الْکٰفِرُوْنَ ۝ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَیْهِ
نا امید میباشید از رحمت خدا و بپسند اسه پسران من بروید
حق گفت و دانه خود را بجناب خدا و من می دانم از جانب خدا آنچه خدا بپسند اسه پسران من بروید
حق گفت و دانه خود را بجناب خدا و من می دانم از جانب خدا آنچه خدا بپسند اسه پسران من بروید

خدا بپسند اسه پسران من بروید و نا امید میباشید از رحمت خدا هر آینه سخن راست است که

کون شکر یوسف خود را تعظیم
و این برادر است و آن
برادر است و آن
نزدیک خداست
یوسف مقرر کرده بود
که مانع آن شد یعنی
توانست بر نفوذ آیین
آن روز که پدر و مادر
و همه برادران مقابل
یوسف سجده افتادند
این سجده تعظیم بود چنانکه
حافظ امام الدین این
تفسیر گوید از زمان آدم
تا روزگار مسیح جایز بود
شریعت محمدیه آن سال
ممنوع حرام گردانید
و باب احادیث که
شاهد این دعاست
بلکه حضرت شاه
عبد القادر جیلانی
علیه اشارت حرمت
آن را از ان المصلح
(ع) استنباط نموده
بعضی مفسران این جا
مقصود منی متبادر
سجده را نمیدانند و
گویند درین جا
از سجده تنها تمیز
می باشد یعنی برانند
این سجده برای یوسف
بود بلکه چون عزت و
علت یوسف را
دیدند همه سجده و شکر
خدا را کردند و برین
تقدیر بود و خود را
لام سبیه می
چو بابت یوسف
سبب بود
دقت این یوسف
علیه السلام پیش خدا
سجده افتادند -
تعمیم و جماعت
چیز است جدا از
هم دیگر تعظیم بود
چون خدا و بزرگوار
نست البتة خدا را
عبادت کردن شکر
چنانکه در آن برادر
چهارده و ده و بیست و یک
بشماره است و اینها

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ أَوَىٰ إِلَيْهِ أَبُو يَهُدَىٰ وَقَالَ ادْخُلُوا مَعِيَ
پس چون در آمدند بر یوسف یعنی پدر و برادران استقبال بر آمدند و چنانکه
پس چون در آمدند بر یوسف جای داد یوسف خود پدر و مادر خود را و گفت در آمدند

إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ ۝۴ وَرَفَعَ أَبُو يَهُدَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا
ایشان شده مگر خدا خواست است و بر داشت پدر و مادر خود را بر تخت خود ایشان افتادند یوسف او سجده کنان
اگر خواهد خدا و چنانکه ایشان یا سجده و بر داشت پدر و مادر خود را بر تخت و افتادند یوسف او سجده کنان

وَقَالَ يَأْبَتُ هَذَا تَأْوِيلُ رُءُوسِي مِنْ قَبْلُ ۚ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا
و گفت ای پدر من این است تعبیر خواب من که پیش ازین دیده بودم بر آئینه راست ساخت آنرا خدا ایست
و گفت ای پدر من اینست تعبیر خواب من پیش ازین بر آئینه گردانید آنرا پدر و مادر من راست

وَقَدْ أَحْسَنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ إِذَا خَرَجْنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ
و نعمت فراداد داد بمن چون بیرون آوردم مرا از زندان و آورد و شما را از صحرا
و پدر من چنان کرده است بمن چون بیرون آوردم مرا از زندان و آورد و شما را از صحرا

مِنْ بَعْدِ أَنْ تَزَعَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ۚ إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ
بعد از آنکه خلاف افکند شیطان میان من و میان برادران من بر آئینه پروردگار من تدبیر نیک سازنده است
بعد از آنکه خلاف افکند شیطان میان من و میان برادران من (بر آئینه) پروردگار من تدبیر نیک سازنده است

لَمَّا يَشَاءُ ۚ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝۵ رَبِّ قَدْ آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ
چون می خواهد که خواهد بر آئینه است و انا با حکمت
چون می خواهد که خواهد بر آئینه است و انا با حکمت

وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۚ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ أَنْتَ
و آموختی مرا تاویل احادیث ای پدید کننده آسمانها و زمین تویی
و آموختی مرا از تعبیر خواب ای پدید کننده آسمانها و زمین تویی

وَلِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۚ تَوْفِيقِي مُسْلِمًا ۚ وَالْحَقُّنِي بِالْصِّدْقِ ۝۶
کار ساز من در دنیا و آخرت مسلمان میمیران مرا و لایق کن مرا یا صالحان
کار ساز من در دنیا و آخرت میمیران مرا مسلمان و در رسان مرا یا صالحان

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۚ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ أَجْمَعُوا
یا محمد این قصه از اخبار غیب است و وحی می کنیم آنرا بسوی تو و گویندی نزد یک ایشان چون عزم کردند
این گفتار از اخبار غیب است و وحی می کنیم آنرا بسوی تو و گویندی نزد یک ایشان چون عزم کردند

أَفْرَهُمْ وَهُمْ يَكْفُرُونَ ۝۷ وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ
بر عورت خود بدستگاری کنان و مسلمان نیستند اکثر مردان و اگر چه حرص کنی
رو بای خود را و ایشان مکر می گویند و نیستند اکثر مردان اگر چه حرص کنی و باری بر ایمان ایشان

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۚ إِنَّهُ هُوَ الرَّزَّاقُ الْعَلِيمُ ۝۸ وَكَانَ مِنْ
و سوال نمی کنی از ایشان بر جلیج قرآن نزد کسی نیست این مگر پند (در) عالمها را و با
و سوال نمی کنی از ایشان بر آن بیخ مژدی نیست این مگر پند (در) عالمها را و با

آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَسُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ
آسمانها اند در آسمانها و زمین می گردند بران اعراض کنان از تامل دران
آسمانها اند در آسمانها و زمین می گردند بران و ایشان از آن که تباردی گردانند و از

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ۝۹ أَفَأَمْسُوا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ۝۹ أَفَأَمْسُوا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ۝۹ أَفَأَمْسُوا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ۝۹ أَفَأَمْسُوا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ۝۹ أَفَأَمْسُوا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ۝۹ أَفَأَمْسُوا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ۝۹ أَفَأَمْسُوا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ۝۹ أَفَأَمْسُوا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ۝۹ أَفَأَمْسُوا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ۝۹ أَفَأَمْسُوا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ۝۹ أَفَأَمْسُوا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ ۝۹ أَفَأَمْسُوا أَنْ تَأْتِيَهُمُ
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان
و ایمان نمی آرند اکثر ایشان بخدا مگر در جای که بادی شرک نیز می آید این شده اند از آنکه بیاید ایشان

ولا كاذب متفقا
 تاوان سجد
 ی کند نزدیک
 شدت یا ترس
 شمشیر و فرشته یگان
 دشمنان خدایان
 و الله اعلم
 مزجم گوید هیچ لایست
 که در هر نفس خیر و شر
 با شرم چنین لایست
 که در آسمان بیگانه
 و به کلام با شرف و کبر
 بنو کاروان استقر
 میازد و کاروان
 را پیش میبرد و دیگران
 را با هم می کند مانند
 اعلم لا تغییر عشاق
 عا آبا سجد و شرف
 مانند خدا چیزه
 آفریده توانسته اند
 که انان در اشتباه
 افتاده آن بهر چیزی
 پذیرفته اند بی هرگز نمی
 تواند که یک بال نفس
 با یک پای پیر و است
 بلکه دشمن نیز مانند
 سائر اشیا آفریده
 جان خدای یگانه
 توانای باشد پس
 چنین چیزهای مختلف
 دنا و مسا بخدای
 پذیرفته چنانست
 و هیچ پیشی است
 نه دنیا بهر
 صورت میگذرد
 در آخر جهان
 پریشان در دمانه
 باشند که
 تا هزاران
 دنیا در
 و سراسر شان
 باشد نظیر آن در کلام
 گفته که آن همه را
 فیه همدست
 انهم سرگردانی
 بکرات پند وانی
 و کفر جدا جدا کرد و بدین طریق و کلام و حکمت است و هیچ صاحب بصیرتی چنین حکم نمی کند که کوری کند

وَالْأَصَالُ قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلْ لِلَّهِ قُلْ أَفَاتُخَذَ
 دشمنان یگو کیست پروردگار آسمانها و زمین یگو از طرف ایشان خداست یگو آیا غیر
 دشمنان یگو کیست پروردگار آسمانها و زمین یگو خداست یگو آیا غیر
 مَنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ لَا يَمْلِكُونَ أَنْ يُنْفِيسَهُمْ نَفَعًا لِمَنْ أَطَاعَ قُلْ هَلْ
 بجزوے دوستمانے کہی توانند برانے خویشانشن بجزوے و نذر یانے بگو آیا
 یستوی الرُّعُلُ وَالبصيرُ أَهَلْ تُسْتَوَى لظلماتٍ وَالنُّورِ أَمْ جَعَلُوا
 برابریست نابینا و بینا یے آیا برابرست تاریکی با دروشتی آیا مقرر کرده اند
 برابری شود نابینا و بینا یے آیا برابرست تاریکی با دروشتی آیا مقرر
 لِلَّهِ شَرِكًا خَلَقُوا خَلْقَهُ فَتَشَابَهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ
 خدا را شریک یے که آفریده باشند مانند آفریدن خدا پس مشبه شده است فریض برایشان بگو خدا آفریننده
 برای خدا شریکان که آفریده باشند مانند آفرینش خدا پس مشبه شد آفرینش برایشان بگو خدا آفریننده
 كُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِأَجَلٍ مُّعَيَّنٍ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ
 هر چیز است و دوست یگانه غالب فرو فرستاد از آسمان آب را پس روان شد
 هر چیز است و دوست یگانه غالب فرو فرستاد از آسمان آب را پس جاری شد
 أَوْ دِيَّةً بِقَدَرٍ هَآؤُلَاءِ الْبَاطِلُ الْأَبْطَالُ وَقَدْ أُولُوا عَلَى
 رود پا باندازه خویش پس برداشت آب روان گشته برود آب آینه و از آن پند میگذارد ندش
 رود پا باندازه خویش پس برداشت سبل گنی آسبیده و از آن پند می آنگذند
 فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَبِيبٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ مَثَلُ الْيَاسْرِ إِذْ يُضْرَبُ اللَّهُ الْحَقُّ
 در آتش بطلب ویرایه یا بطلب رخت خانه گشته است اندک آب بم چنین بیان می کند خدا مثل حق
 در آتش می گذاردندش بر آتش برای خواستن برآید یا بطلب سبب که در آن کفی است مانند آن بم چنین بیان می کند خدا حق
 وَالْبَاطِلُ هُمْ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ
 و باطل اما آن کف پس میرود ناچیز شده اما آنچه سود میرساند بمرودمان می ماند
 و باطل را اما آن کف آب پس میرود خشکیده و آنچه سود میرساند بمرودمان پس می ماند
 فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ
 در زمین بم چنین بیان می کند خدا مثل باران است آنرا که قبول کرده اند سخن پروردگار و غرض
 در زمین بم چنین بیان می کند خدا مثل باران است آنرا که قبول کرده اند سخن پروردگار و غرض
 الْحَسَنَةُ وَالَّذِينَ لَا يَسْتَجِيبُوا لَهُ وَانْ لَهُمْ قُلُوبٌ جَمِيعًا
 حالت نیک است و آنرا که قبول نکردند سخن او را اگر بایستد ایشان را آنچه در زمین است همه یک جا
 حالت نیک است و آنرا که قبول نکردند حکم او را اگر بایستد ایشان را آنچه در زمین است همه
 وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَا قُدْرَةَ عَلَيْهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَا لَهُمْ
 و مانند آن همراه آن در بدن خود آن جماعه ایشان راست بد حساب و جانے ایشان
 و مانند آن همراه آن در بدن خود آن جماعه ایشان راست بد حساب و جانے ایشان
 جَمِيعًا وَيَسْأَلُ السَّاهِدُ أَقْسَمُ يَعْلَمُ أَنَّهَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ
 دوزخ است و آن بد جایست آیا کسی که میداند که آنچه فرو فرستاده شده بسوی تو از جانب پروردگار و کار
 دوزخ است و آن بد جایست آیا کسی که میداند که آنچه فرو فرستاده شده بسوی تو از جانب پروردگار و کار
 الْحَقُّ كَسُنْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تَتَذَكَّرُونَ أَلَا تَتَذَكَّرُونَ
 راست است مانند کسی باشد که دی نایب است خاص میداند از خدا و ندان فرد پند پذیر می شود تا کسی تمام می کند
 راست است مانند کسی باشد که دی نایب است خاص میداند از خدا و ندان فرد پند پذیر می شود تا کسی تمام می کند

بَعْدَ اللَّهِ وَلَا يَفْقَهُونَ الْيَتِاقَ ۝ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ

بعد خدا و نمی شنند عهدا و آنانکه می پیوندند آنچه فرموده است خدا

بِهِ أَنْ يُوَصَّلَ وَيَجْشُونَ رَهْمًا وَيَخْتَفُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ۝ وَالَّذِينَ

به آن می رسانند از پروردگار خویش و می ترسند از محاسبی حساب و آنانکه

صَابِرُونَ الْبِنَاءِ وَجَزْزَهُمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَانْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا

استقامتی کردند بطلب رسته پروردگار خویش و بر پا داشتند نماز را و خرج کردند از آنچه ما روزی و درم بارش پنهان

وَعَلَامِيَّةٍ وَيَدَارِعُونَ بِالْحَسَنَةِ الشَّيْءَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَقُوبٌ لَدَارِ

و علامی و دفع می کنند به نیکی را اینها که راست جزای آن سران

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ ۝ وَأَرْوَاهُمْ وَذَرَبَهُمْ

جنت نهند بهشت در آیند آنجا و هر که نیکی کرده از پدران ایشان و زنان ایشان و اولاد ایشان

وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ۝ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ

و ملائکه داخل شوند بر ایشان از هر دروازه می گویند سلامتی بر شماست بسبب صبر کردن شما

وَعَقُوبَى الدَّارِ ۝ وَالَّذِينَ يَفْقَهُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ

و عاقبتی آن سران و آنانکه می شنند عهد خدا بعد استواری کردن آن و

يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ

قطع می کنند آنچه فرموده است خدا به پیوند کردن آن و کساد می کنند در زمین آنچه

لَهُمُ الْعَذَابُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝ اللَّهُ يَسْطُرُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ

ایشان عذاب است و ایشان است سختی آن سران خدا کثاده می سازد روزی را بر آن هر که می خواهد و قدرت

وَفَرَحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ ۝ وَ

و فرحان شدند با زندگی دنیا و دنیا نیست زندگی دنیا به نسبت آخرت مگر متاع اندک و

قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْوَلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنْ اللَّهُ يُضِلَّ

ی گویند کافران چرا نه فرود آورده شد بر پیامبر ایشان از جانب پروردگار او را بگویند خدا گمراه می کند

مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَهُ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَكُتِبَ لَهُمْ

هر که خواهد و راه می نماید بسوی خویش هر که را رجوع کرد آنانکه گمرویدند و آرام می یابند در آن ایشان

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَكُتِبَ لَهُمُ الْقَوْلُ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَكُتِبَ لَهُمُ الْقَوْلُ

و آنان که ایمان آوردند و کلام بر آنان است و آنانکه ایمان آوردند و کلام بر آنان

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَكُتِبَ لَهُمُ الْقَوْلُ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَكُتِبَ لَهُمُ الْقَوْلُ

و آنان که ایمان آوردند و کلام بر آنان است و آنانکه ایمان آوردند و کلام بر آنان

فتح الرحمن
اولین بابت برای
تفسیر عثمانی
عنه غفر له
ای را در نظر گرفته
براسان پیا شدند
دو پیوسته درین یکسانند
روزی که در ذره صاف
گرفتاری خود آید حاصل
خواهم داشت عنه
باید بدین جواب
می دهند و در مقابل
دشمنی ملافت می کنند
کسی را که بد آن با
ستم کند می بخشد
در پیش از آنکه ایشان
و هم افزونی نیات
نیات می یابد را
گذشته بنگاشته نماید
آمر به هر عمل بدی باز
ایشان سرزنش در
مقابل آن کار شیک
یعنی توبه می کنند و
به تلاقی گناه می پیوند
سه کلمه آباد بپوش
تقلیب است آنها
نیاز در آن شال اند
به کلامی شمرده جنت
داده شده این باشد
دیگر است یعنی علاوه
بر سر هر کس برای آنها
ماصل می شود این
نعمت نیز از آنانی
می شود که پادشاهان
و ماموران و ازواج
خودشان که آنها
نیز بسبب اعمال
حسن خود در بهشت
داخل شده اند
شوند حتی اگر از جمله
مشقین آنها که
در مرتبه کم باشند خواهند
لطیف و مرحمت خود
در رزق او افزوده بکن
کاملان نزدیک میسر
و الذین آمنوا و کتب لهم
و آنان که ایمان آوردند و کلام بر آنان است و آنانکه ایمان آوردند و کلام بر آنان

کتاب مترجم گوید یعنی
 از کسی که در خواست
 می کند **۱۱** مترجم
 گوید و آن کتاب است
 از مترجم که از کسی
 خوف ناک برایشان
 مستوی شود و با قدرت
 بنابرست یا بنده **۱۲**
۱۳ مترجم گوید یعنی
 اوصاف ایشان را
 ذکر کند تا با اوصاف
 خاص مقابل کرده شود
 نقلی حالت ظاهر گردد
 و الله اعلم **۱۴** یعنی
 تقلید یا سلیقه در
 سخن می باشد اصل
۱۵ مترجم یعنی
 این چهاراد از
 قرآن تمام کتاب است
 چنانکه در یک حدیث
 صحیح بنزور نقل کرده
 اطلاق شده یعنی اگر
 کتابی فرستاده شد
 که بواسطه آن نشان
 های مطلوبه **۱۶**
 تکمیل می یافت
 نیز از قرآن **۱۷**
 کتاب و دیگر می بود
 پس قرآن است که
 مردمانی را که
 استوار بودند بود
 روحانی از جای
 کرده است زمین
 قلوب بشر را شکافته
 چنانکه می معرفت الهی
 را از این چهار می نمود
 راه با پای و صول
 الی الله را که با پیمانی
 باشد می شد آسمان
 عروج اندک که در تون
 بیست آمدند می شود
 در مردم و روح
 زمینی جاودید و پدید
 بخت از حق تعالی انشا
 شفاء هایت نصیب
 نشد با مرض آن
 و مطایع در خاطر

[illegible]

لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ۝ مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا

ایشان را از خداوند بزرگوار دارد و عده کرده شده است متقین را اینست که هر دو

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۝ فِيهَا دَائِمٌ زَّاكٍ وَنُورٌ زَّاكٍ وَثَلَاثُ مَنَازِلَ ۝

زیر آن رود و در آنجا دایم روشنایی و نور و سه جایگاه است

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ فِيهَا مَنَازِلٌ ۝

و آنانی که ایمان آورده اند و عمل صالح کرده اند در آنجا جایگاه است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِيهَا مَنَازِلٌ ۝

و آنانی که کفر کردند در آنجا جایگاه است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِيهَا مَنَازِلٌ ۝

و آنانی که کفر کردند در آنجا جایگاه است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِيهَا مَنَازِلٌ ۝

و آنانی که کفر کردند در آنجا جایگاه است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِيهَا مَنَازِلٌ ۝

و آنانی که کفر کردند در آنجا جایگاه است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِيهَا مَنَازِلٌ ۝

و آنانی که کفر کردند در آنجا جایگاه است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِيهَا مَنَازِلٌ ۝

و آنانی که کفر کردند در آنجا جایگاه است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِيهَا مَنَازِلٌ ۝

و آنانی که کفر کردند در آنجا جایگاه است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِيهَا مَنَازِلٌ ۝

و آنانی که کفر کردند در آنجا جایگاه است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِيهَا مَنَازِلٌ ۝

و آنانی که کفر کردند در آنجا جایگاه است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِيهَا مَنَازِلٌ ۝

و آنانی که کفر کردند در آنجا جایگاه است

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ فِيهَا مَنَازِلٌ ۝

و آنانی که کفر کردند در آنجا جایگاه است

و آنانی که کفر کردند در آنجا جایگاه است

فصل فی بیان نعمت خداوند
آیه ای که در این سوره مذکور است
آنها را در عالم ملکوت
ثبت می کنند ۱۲ و
مترجم گوید صورت
حادثه در عالم ملکوت
خلق می نماید بعد از آن
اگر خواهی بخوانی و اگر
خواهی ثابت داری و
شاید که حق تعالی بخواهد
که بر زبان تو را فرستد
بست نفع می کند
خدا تعالی آنچه بخواهد
و ثابت می کند آنچه
خواهد و نزدیک است
نوع محفوظه الله اعلم
و این سوره در روز
شربت اسلام بخوان
عرب متفکر میشود و
دعا خوب ناقص می
گردد و فزایدات
آن عدم میشود
این آیه تا حدیث
۱۱ و بعد نزدیک مترجم
لایم نیست که حدیث
باشد و مراد از تفکر
دعا خوب اسلام است
و تفکر و تامل و تفرج
و تماشای این است
پیش از هجرت ۱۱
تفسیر عثمانی
عکس این آیه اکنون
برای شان قرآن معلوم
گردد و این مسلمانان
و کسانی که برای شان
در سابق تورات
و انجیل و مغرور داده
شده و یعنی بعد از هجرت
خوش میشوند و چیزیست
که بر تو نازل شده
خوش شدن مسلمانان
ظاهر است زیرا این
کتاب هدایت و نور
هدی میدهد و برای
آن گمان بود و
خشاری کافی است
و بعد از این سوره
در روز قیامت

فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسِعِلَهُ الْكَفَرُ

پس خدا راست بدستگاری همه را میداند آنچه بعلی آورد هر نفس و خواهند داشت این کافران

لِمَنْ عِشْيُ الدَّارِ ۵ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ

که گویا باشد جزای آن سرای می گویند کافران یعنی پیغامبر بخو
که گویا باشد جزای آن سرای می گویند کافران یعنی پیغامبر بخو

كُفُّ بِاللَّهِ شَهِيدًا ابْعَثْنِي وَبَيْنَكُمْ رَسُولًا وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

پس است خدا گواه در میان من و شما و پس است کسیکه نزد او است علم کتاب دل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۱۱ وَتَسْمِعُ مِصْرَ رُؤْيُ

بسم خداوند بخشنده مهربان چشمهای من و تو را

الرَّحْمَنُ أَنْزَلَ إِلَهُكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ

این کتاب است که فرود فرستادم از آسمان بپس تو تا بیرون آری مردمان را از تاریکی به سوی روشنی

رَحْمَهُ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۱۲ اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي

پروردگار ایشان بسوئے راه خدا غالب ستوده بسوئے راه خداست که او را است آنچه در آسمانهاست و آنچه در

الْأَرْضِ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ۱۳ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ

زمین است و وای است کافران را از عذاب سخت آنانکه اعتبار می کنند

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا

زندگانی دنیا را بر آخرت و باز می دارند مردمان را از راه خدا و می طلبند در دین

عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۱۴ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ

جمله حق ایشانند در گمراهی دور و نه فرستادیم هیچ پیغمبری را مگر بپزبان

قَوْمٍ لَيْسَانٍ لَهُمْ قِيَصُ مَا لِلَّهِ مِنْ نَشَاءٍ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ

قوم او تابیان کند برای ایشان پس گویا سازد خدا هر کرا خواهد و راه نماید هر کرا خواهد و او است

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۵ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحِي بِأَيَّتَانِ أَنْ أَخْرِجَ قَوْمَكَ مِنَ

غالب با حکمت و هر آینه فرستادیم موسی را با لشکرهای خود بگویم که بیرون آید قوم خود را از

الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ

تاریکی با بسوئے روشنی و بپنداره ایشان را بپنداره خداست که هر آینه در این کتاب است

صَبَّارٍ شَكُورٍ ۱۶ وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

شکیباست که در راه و یاد کن آن وقت که گفت موسی قوم خود را یاد کنید نعمت خدا را بر خویش

والبیاضه اجماع بود
میدانند که رسالت
آنحضرت صلی الله علیه
و سلم صحیح است و او را
اعلم است یعنی به
مشبهات ثابت می
کنند که کج است
تاریکی
پس همانی که از
جانب او بودند
گفتم عثمانی
عنه نورید که در کتاب
انجام مکرور او اند
به کف و موجود هم کند
عاقبت معلوم میشود
عده از تکذیب شما
چیزه ساختن می شود
چون خدای پاک نش
بای بزرگ عداقت
مرا آشکار میکند قرآن
که کلام او است هم
چنانکه بر فرود آمدن
خود از بارگاه الهی
گواهی میدهد بر نبوت
من نیز شاهد است
اگر دیده بخت میدی
بیند که در احوال بسیار
نامسا عدالت است
راستی باین صورت و
تایید آن در دل
و شکیان و مخلوق
و مقبول شدن همه
هم برای حقانیت من
و این آشکارا از
طرف خداست و
بسیار از علم قرآن
و تحقیق آن آگاه شد
اند نیز از وی گواهی
میدهند که در حق نبوت
ام هم چنین دل بانی
آنانی که در کتاب است
سودیه و پیشگویی باشد
آن را در خصوص من
علم دارند گواهی می
دهند که محمد صلی الله
عنه وسلم مطهری جان
چون گوی با ظهور نموده

ول یبینه اسباب

موت بیا پیش ۱۲

ول یبینه اعمال النبیین

همچو شتند ۲

بدان منتفع

گردند از اعمال ۳

نفس خانی ۱۳

عنه آنها بگویند شما

افراد می نمایند این

فلان را بیشتر تها

ی کنیم و برای پیشتر

انجام دهی تا هم بگو

تواند باز گردند و

بجای آنها شاهد و گوا

مخلص شمارا در آن

زمین آبادی گردانیم

چگونه بگذرد کفر و ک

بی کرمی و ستم و ک

و مسلمانی و

برای همیشه از ک

خارج نمایند عاقبت

افواج آنها مسبب شد

که اسلام و مسلمانان

در آنجا سلاطین و

یا فتنه و از کافران

نشانی بر جانند -

عنه کامیابی فوق

کافی است که از

خدای ترسند و می

اندیشند که حضرت

دی کاذب اعمال آن

بارا پیوسته می شود

و روزی مجبور اند که

برای حساب ددان

محض و با یستند

و در آنجا هیچ کس نمی

تواند از عذاب شریک

دی نجات دهد و

پیغمبر در دعا بوند

که امداد او شان

رسیده و از سرکش

و خدی برای بخش

تا مراد مانند هر چه

خیال به دهده بودند

یک گرفت خدای

بر امان رسانیده آنها

باشد و در لوحات آنها

اللّٰهُ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۵ وَمَا لَنَا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا

خدا ما بیک توکل کنند مسلمانان و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و هر آینه نوده است ما را

و ما باید توکل کنند مسلمانان و چیست ما را که توکل نکنیم بر خدا و هر آینه نوده است ما را

سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْنَا وَنَاوِلْهُ اللَّهُ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ ۶

راه پستی ما و البته صبر خواهیم کرد بر آیدار شما و بر خدا ما بیک توکل کنند توکل کنندگان

و راه پستی ما و البته صبر خواهیم کرد بر آیدای شما و بر خدا توکل کنند توکل کنندگان

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلرَّسُولِ لَمَّا أُنْزِلَتْ إِلَيْهِمْ لَنْ نَجِدَكَ إِلَّا مُرْسِلًا وَنَاجِمًا ۷

و گفتند کافران پیغمبران خویش را البته اخراج کنیم شمارا از زمین خود یا باز آید در

و گفتند کافران پیغمبران خویش را البته اخراج کنیم شمارا از زمین خود یا باز آید در

مَلِكِنَا فَتَوَكَّلْ عَلَيْهِمْ رَّبُّهُمْ لَتُفْلِكَ الْظَّالِمِينَ ۸ وَلَنَسُكِّنَنَّ الْأَرْضَ

دین ما پس دمی فرستاد بسوی ایشان پروردگار ایشان که ملک خواهیم کرد زمین و اوسان خواهیم ساخت ملک در زمین

دین ما پس حکم فرستاد بسوی ایشان پروردگار ایشان که دهر آینه ملک خواهیم کرد اوسان را و دهر آینه ما را خواهیم ساخت ملک

مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ ۹ وَاسْتَغْفِرُوا

بعد از ایشان این وعده برای کسی است که ترسد از ایستادن محض من ترسد از زمین کردن من طلب بخشش کردند پیغمبران

بعد از آن ها عه این ترسد برای کسی که ترسد از ایستادن محض من و ترسد از عذاب من عه طلب بخشش کردند

و خَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ ۱۰ مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَكَانَ مِنَ الْمُحْذَرِّينَ ۱۱

و زیان کار شد هر کس سرکش استیزنده و پیش روسته و دوزخ است و توشانه شده شود آب جهنم در دواب

و توشانه شد هر سرکش استیزنده عه از پس او دوزخ است و توشانه شده شود از آب زرد دواب

لَتَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرُهُمْ وَأَنْ يَسْبِقَ أَهْلُ الْأُولَىٰ ۱۲ وَلَهُمْ فِيهَا أَنْبَاءُ الْبُرْجِ ۱۳

جزیه جزیه بفرستد و جزیه جزیه بفرستد و جزیه جزیه بفرستد و جزیه جزیه بفرستد

جزیه جزیه بفرستد و جزیه جزیه بفرستد و جزیه جزیه بفرستد و جزیه جزیه بفرستد

وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ ۱۴ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ

و پیش روسته است عذاب سخت صفت آنها که نامعتقد شدند به پروردگار خویش نیست اعمال ایشان

در پس او نیست عذاب سخت صفت آنها که منکر شدند از پروردگار خود اعمال ایشان

كَرَّمُوا لِقَاءَهُمْ فِي يَوْمٍ عَصِيفٍ ۱۵ لَاقُوا اللَّهَ فِي يَوْمٍ عَصِيفٍ ۱۶

مانند فالستری بود که سخت و زید بر آن باد در روزیک باد و تندی دارد قدرت ندارند هیچ چیز از آن کسب

مانند فالستری بود که سخت و زید بر آن باد در روزیک باد و تندی دارد قدرت ندارند از آن کسب

عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۱۷ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ

کرده بودند این است گمراهی دور و گدا آیدند ی که خدا آفرید آسمان با

کرده بودند بر هیچ چیز نیست گمراهی دور آیدند ی که بر آفرید خدا آفرید آسمان با

وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ إِنَّ يَئُودُكُمْ فِيهَا وَأَنْ تَجْعَلَ جُحُودًا ۱۸ وَمَا

از زمین بتدبیر حکم اگر خواهد دور کند شمارا و بیاورد آفرینش تو نیست

و زمین را (بتدبیر حکم) اگر خواهد دور کند شمارا و بیاورد آفرینش تو نیست

ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَعْنِي ۱۹ وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعِفَاءُ الَّذِينَ

این بر خدا و شوار و حاضر شوند پیش خدا همیک جا پس گویند ضعیفان

این بر خدا و شوار و حاضر شوند پیش خدا همیک جا پس گویند ضعیفان

اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا هَذَا نَبَا اللَّهِ لَهْدَ يَنْكُهُ سَوَاءٌ عَلَيْنَا

عذاب خدا گویند اگر راه نمودی ما را خدا بر آینه ما نیز شمارا راه می نمودی بر ابراست بر ما

أَجْعَلْنَا أَمْصِرُّنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحْجُصٍ ۝ وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَهَا

که قطرب کیم یا شکستی در زیم نیست مارانچ و گفت شیطان و قتیله که قطرب کیم یا مبر تا نیم نیست مارا شیخ محمدی و گفت قتیله

لَقِىَ الْاَكْفَرُ اِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعْدَ الْحَقِّ وَوَعَدُكُمْ فَاخْلَفْتُمْ

پس کرده شد کار دل هر آینه خدا و عده داد شمارا وعده راست و عده داد شمارا پس خلاف کردی من باشا

وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطٰنٍ اِلَّا اَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي

و نبود مرا بر شما سلطه لیکن بود آنکه بخوانم شمارا پس قبول کردید سخن مرا

فَلَا تَلُمُوْنِي وَاَنْفُسَكُمْ مَا اَنَا بِمُصْرِحِكُمْ وَمَا اَنْتُمْ

پس ملامت مکنید مرا و ملامت کنید خویش را نیستم فریاد رس شما و شما نیستید

بِمُصْرِحِي ۝ اِلٰى كَفَرْتُمْ بِمَا اَشْرَكْتُمْ مِنْ قَبْلِ اِنَّ الْظٰلِمِيْنَ

فریاد رس من هر آینه من نیز فریاد شدم از آنکه مرا شرک مقرر کردید پیش از این هر آینه ستم گاران

لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝ وَاَدْخَلَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ

ایشان را است عذاب درد دهنده و در آورده شدند آنانکه ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند

جَنَّتْ جَنَّتِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهَارُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا يٰۤاَذْنُ سَرَّوْهُمْ

به بهشت با میرود زیر آن جوئها جا دید آن در آن جا حکم پروردگار خویش

فَجَنَّتْهُمْ فِيْهَا سَلٰمٌ ۝ اَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً

و عافای غیر ایشان با یکدیگر با سلام است آید اندیدی چگونه بیان کرد خداست کلمه پاکیزه را

كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ اَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِى السَّمَاءِ ۝ تُوْتِىْ اُكْلُهَا

مانند درخت پاکیزه که ریشه خش است و شاخه در آسمان میدهد میوه های خود را

كُلَّ حَيْنٍ يَّادُنْ رِيْهَاطٍ وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ

هر لحظه حکم پروردگار خویش و پدید می آید خدا مثل را برای مردم تا یاد گیرند

يَتَذَكَّرُوْنَ ۝ وَمِثْلُ كَلِمَةٍ خَبِيْثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيْثَةٍ

مانند کلمه بد بد و مثال کلمه ناپاکیزه مانند درخت ناپاکیزه است

اَجْنُتْ مِنْ قَوْقِ الْاَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ ۝ يٰثَبُتُ اللّٰهُ

که بر کنده شد از بالای زمین نیست او را هیچ استوارى و ثبات است او را هیچ استوارى سازد خدا

دل منم گوید یعنی
و قتیله بهشتیان به
بهشت در آید
و در جهان بدست
و اندر اعظم است
این شریعت حق
و ملکوت ثابت
ست و در دنیا سرور
روایه تازه می یابد و
مردمان متعجب میشوند
و ملت جا بلیت در
ملکوت استغفر خدا
یک چند در میان مردم
شایع شود باز بریم
کرده آید و اندر اعظم
تفسیر حقانی عه
بخش می دهم و شریعت باشد
و بهر کجک ترین باشد
کند می شود و گویا بر یک
و کمی دو آن ظاهر شد
حاصل ماین و مثال
آفت که عوای گمان
و توحید مملکت راست
و درست می باشد
زیرا دلائل آن پس
روشن و صمیم و استیلا
است و چون موافق
به نظرات است بخدا
آن در اعقاب دل با
ریشه می دواند و شاخه
اعمال صالح به آسمان
قبول میرسد الیه
بصعد العظم العلیب
و اصل الصالح میرسد
(نخل کوع ۲) کام
موجودان از فر گوید
و شیرین آن بهشت است
می بردارد و ظاهر
نهیل همیشه بهار حق
و صداقت و تعهد و
معرفت و در بر دمی
باله و دوام می ناید
بر عکس و دروغ و فریب
که عوای باطل
جیاد می نماند و یک
خدا انکس با و از بیخ
و عده و عده و عده

فتح الرحمن

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

وفا بر حق نفسی ۱۳

الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الآخِرَةِ

مسلمانان را به سخن درست در زندگانی دنیا و در آخرت

وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۝۱۰

و گمراه سازد خدا ستمکاران را و می کند خدا آنچه خواهد و آید بپنداری بسوی آنکه

بَدَلًا لِّمَا نَعَمْتُ لَهُمْ أَفَؤُلَّوْا قُلُوبُهُمْ ۝۱۱

بدل کردند نعمت خدا را بناسپاسی و فرود آوردند تو خود را بسرایه ای که دور رخ است

يَصُدُّونَهُمْ فَيَنْسُوا قُرْآنَ اللَّهِ تِلْكَ آيَاتُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآيَاتِ وَالْآيَاتِ

در آیند آنجا و باز گردانند و فرود آوردند تو خود را بسرایه ای که دور رخ است

سَبِيلِهِ ۝۱۲

راه او و بگو بپندارید هر آینه باز گشت شما بسوی آتش است بگو آن ستمکاران مرا

الَّذِينَ آمَنُوا يَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَهُمْ سِرًّا أَوْ عَلَانِيَةً

که ایمان آورده اند بر پا دارند نماز را و خرج کنند از آنچه بادوری دارم ایشان را پنهان و آشکارا

مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالٍ ۝۱۳

پیش از آنکه بیاید روزیکه خرید و فروخت نیست در آن و نه بایکدیگر دوستی خدا آنست که آفرید

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ

آسمان ها زمین را و فرو فرستاد از آسمان آب را پس بیرون آورد بآب آن درختی

الشَّجَرَاتِ زَيْتُونًا وَنَخْلًا وَغَيْرَ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاطٍ لَّا يَدْرِي ۝۱۴

برای شما از قسم میوه ها در ام ساخت برای شما گشتی را تا بدو در دریا و بحکم او

يَسْخَرُ لَكُمْ أَنْهَارٌ مِّنْ تَحْتِ الْأَرْضِ وَيَسْخَرُ لَكُمْ السَّمْسُ وَالْقَمَرُ دَائِبِينَ وَيَسْخَرُ لَكُمْ

رام ساخت برای شما جوینها در ام ساخت برای شما آفتاب و ماه را همیشه روندگان در ام ساخت برای شما

الْبَلَدِ وَالنَّهَارِ ۝۱۵

شهر و روز را و داد شمارا از هر چه خواستید و اگر بشمارید

يَعْمَتُ اللَّهُ الْأَعْمَالُ ۝۱۶

نعمت خدا را احاطه نتواند کرد آن را هر آینه آن ستمکار ناسپاس است و یاد کن چون گفت

أَبْرَاهِيمَ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ

ابراهم ای پروردگار من بکن این شهر را جائی امن و دور دار مرا و فرزندان مرا از آنکه عبادت

ابراهم ای پروردگار من بگردان این شهر را جائی امن و دور دار مرا و فرزندان مرا از آنکه عبادت

ابراهم ای پروردگار من بگردان این شهر را جائی امن و دور دار مرا و فرزندان مرا از آنکه عبادت

ابراهم ای پروردگار من بگردان این شهر را جائی امن و دور دار مرا و فرزندان مرا از آنکه عبادت

ابراهم ای پروردگار من بگردان این شهر را جائی امن و دور دار مرا و فرزندان مرا از آنکه عبادت

۱) رَبِّ ارْشُدْنِي وَأَعْلَمِ النَّاسَ كَيْدَ الَّذِينَ كَانُوا مِنِّي ۚ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ

مِنِّي وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝۲ رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ

ذُرِّيَّتِي بَادِيَ عَدْنٍ فَمَا أَصْبَرْتُ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ لَنُحِيطَ بِهِ ۖ إِنَّا

نُحِيطُ بِمَا تَكْنُ ۚ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ الْبَلَدُ الْمَقْرُورُ ۖ وَتِلْكَ

تفسیر قرآنی
عہ در آسمان و زمین
نہیں ہر چیز پر قدرت
وی تحقیقیت کہیں
پیدا و پیمان باطن
پوشیدہ اند و رو
تحقیقاً آئینہ و صف
را چنبدن احوال آ
لیکن تحقیق ہی
ندارد الفاظ ماحفی
و مانند عام دیر
کا چیز ہای پوشیدہ
و آشکارا مثل ست
حضرت شاہ رکن الدین
می فرماید در ظاهر دعا
برای ہمہ فرزندان و
در باطن منظوروی
پیچیدہ آفرینان بود
صلی اللہ علیہ وسلم
عہدہ بنام پیری
لہو فی مرقعہ ایمن
را از باطن ہاجرہ و
اسخی را از باطن سنا
مرحمت فرمودی چنانکہ
دعای مرا کہ در بارہ
اولاد عرض کردم
پیر فرقی بہ رب محبوب
لی من المملوون این
دعای مرا نیز بخیر
دعا غائبان
دعا ادنی گوی
بود کہ از مردن پذیر
در حال کفر خردناشت
پس مقصد این است
کہ اگر ایہ اسلام پذیر
کن و روز قیامت
شاید آمرزش گردد
و اگر پس از وصول خبر
مرگ وی دعا کردہ
باشد شاید تا آن
سہام خداوند حضرت
ابراہیم را آرد
نگردانیدہ بود کہ کافر
شاید دعای مغفرت
نی یافت مغفرت کافر
غفلت احوال نیست اما
سخن متعجب است
پس علم آن مردن

پس علم آن مردن

نہایتشہ قبل از معین عقلی معجز است ازل شیعہ ہفتہ نکاتہ اہل ہدایہ کہ در قرآن کارخانہ شدہ یہ تحقیقی او ہر وہ کا کا با و نجوی ذہن بزرگان خانہ وادہ اش نور اللہ

فل یصلح برادر را
 صورتی صفتی است
 که از آنجا می آید
 و این یعنی غلامان و
 جانوران و اشیا علم
 تفسیر عثمانی
 عه بر چه بر سر
 که خواهد بود که کند
 و تعب حضرت و
 لاحق نشود هر چه
 اراده کند فوراً بگوید
 می شود که یا فرزند
 تا آنکه بر قدرت لا
 محدود اوست که از
 آن هر چه ببرد حق
 سکوت تحت یک
 نظام معین و اندازه
 مقربان کی دوشی
 بر آید می رود عده
 پادشاهی ایرانی
 عظیم را بر آب
 کرده اند تا
 از آن بماند
 فرود آید در چشمه رود
 که بر دو چاه گود آمده
 طریقت شاد و فتح
 شود اگر خدا ای تمای
 میخواست آنرا بیل
 نوشیدن شامی بگذاشت
 اما از لطف عنایت
 نام خود آبهای گوارا
 و شیرین را برآید
 و اندازه با درسام
 زمین فرا می نمود
 و در بالای پادشاه
 در پایان چشمه چاه
 در اختیار شایسته
 می گامی که خدا خواهد
 پادشاه بیلد شاد آید
 می شود که می تواند
 و بخوانش شود آید
 می تواند اگر آب
 چشمه با در دو چاه
 با در خشک کند و یا
 آنرا بیلان تر فرزند
 از دسترس شایسته
 شود که می تواند که

وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَالْقَيْدَ فِيهَا وَاسِي وَابْتَنَّا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ
 کثیر از بسش دادند اقیام در آنجا کوه بار و دریا بیدیم در آنجا از جنس بر چیز
 و زمین را باز کشیدیم و انگشتیم در آن (کوه) بار و دریا بیدیم و آن از هر چیز
 موزون و جعلنا لکم فیها معایش و من لستم له برزقین و
 بسجده دل و ساجدیم برای شما در آنجا اسباب معیشت و ساجدیم برای شما آنکه بنیتید در روزی بدهد و در
 و ساجدیم برای شما در آنجا اسباب معیشت و ساجدیم برای شما آنکه بنیتید در روزی بدهد و در
 و ان من شیء الا عندنا خزائنه و ما ننزله الا بقدر معلوم و انزلنا
 نیست از هیچ چیز مگر نزد یک ما خزانه های اوست و فرو می آوریم آنرا مگر باندازه مقدار و درست و کم
 نیست از هیچ چیز مگر نزد ما خزانه های اوست و فرو می آوریم آنرا مگر باندازه مقدار و درست و کم
 الریح کواقیح فانزلنا من السماء ماء فاسقینا کموه و ما انکم له
 باد یا باردار کننده ابریس فرد آوریم از آسمان آبی پس نوشانیدیم شما را آن آب و بنیتید شما را
 باد یا باردار کننده پس فرد آوریم از آسمان آبی پس نوشانیدیم شما را آن آب و بنیتید شما را
 بخازین و و ان النحن حی و نبیت و نحن اوارثون و لقد
 جمع کننده و در هر آنجا زنده می سازیم وی میراثیم و ما نمیشود و در هر آنجا
 جمع کننده و در هر آنجا زنده می سازیم وی میراثیم و ما نمیشود و در هر آنجا
 علمنا المستقذ من منکم و لقد علمنا المستأخرین و ان
 دانسته ایم پیشینان را از شما و در هر آنجا دانستیم پسینان را و در هر آنجا
 دانسته ایم پیشینان را از شما و در هر آنجا دانستیم پسینان را و در هر آنجا
 ربکم هو خیر لهم ان الله حکیم علیهم و لقد خلقنا الانسان من
 پروردگار تو بخیر از ایشان را و هر آنجا او را استوار کار دانست و در هر آنجا آدمی را از
 پروردگار تو بدست گذرد ایشان را و هر آنجا او را استوار کار دانست و در هر آنجا آدمی را از
 صلصال من حمأ مسنون و انجان خلقنا من قبل من
 گل خشک از قسم لایه سیاه پخته و جان پیدا کرد مثل پیش ازین از
 گل خشک از قسم لایه سیاه پخته و جان پیدا کرد مثل پیش ازین از
 ان السمو من و اذ قال ربک للملکة انی خالق بشر ام من
 آتش سوزان و یاد کن چون گفت پروردگار تو فرشتگان را هر آنجا من آفریننده ام آدمی را از
 آتش سوزان و یاد کن چون گفت پروردگار تو فرشتگان را هر آنجا من آفریننده ام آدمی را از
 صلصال من حمأ مسنون و اذ اسویت و نحت فی من روحی
 گل خشک از قسم لایه سیاه پخته و نحت و بدم دوری از روح خود
 گل خشک از قسم لایه سیاه پخته و نحت و بدم دوری از روح خود
 فقعو له السجدین و سبحان الملکة کلهم اجمعون و ان ابلیس
 پس از آنکه سجده کنند بر سر ایشان تمام انسان بیک جا مگر ابلیس
 پس بیفتید پیش او سجده کنند بر سر ایشان تمام انسان بیک جا مگر ابلیس
 ابی ان یتکون مع السجدين و قال یا ابلیس مالک الا تکن مع
 سر باز زد از آنکه باشد با سجده کنندگان گفت خدا ای ابلیس چیست ترا در این که می باشی با
 سر باز زد از آنکه باشد با سجده کنندگان گفت خدا ای ابلیس چیست ترا در این که می باشی با
 السجدين و قال له ان کن لا تسجد للبشر خلقنا من صلصال من
 سجده کنندگان گفت هرگز نیستیم که سجده کنیم آدمی را که پیدا کرده او را از گل خشک آفریننده ام
 سجده کنندگان گفت هرگز نیستیم که سجده کنیم آدمی را که پیدا کرده او را از گل خشک آفریننده ام

حَمِيمًا مُسْتَوْنًا ۱۰ قَالَ فَاخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۱۱ وَإِنْ عَلَيْكَ لَعْنَتُ

الهِ يَوْمَئِذٍ سَبْعًا ۱۲ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۱۳

إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ۱۴ قَالَ رَبِّ فَانْظُرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۱۵

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۱۶ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۱۷ قَالَ رَبِّ بِمَا أَغْوَيْتَنِي

أَلْزَمْتَ لِي فِي الدِّينِ سِتْرًا ۱۸ يَوْمَ تَوَقَّعَ الْغَوَّيُونَ ۱۹ وَإِنْ جَهَنَّمَ

أَكْبَرُ مِنْكُمْ مَعْصِيَةً ۲۰ إِنَّ إِلَهًا لَعَلَّهُ مُتَنَبِّئُ الْعِبَادِ بِذُنُوبِهِمْ ۲۱

إِنْ تَرَوْهُ فَقَدْ جَاءَ أَجَلُهُ ۲۲ وَهُوَ يَوْمَئِذٍ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۲۳

وَهُوَ يُعْلَمُ السِّرَّ ۲۴ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۲۵ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۲۶

وَيُتَرَقِّبُ ۲۷ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۲۸ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۲۹

وَيُتَرَقِّبُ ۳۰ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۳۱ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۳۲

وَيُتَرَقِّبُ ۳۳ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۳۴ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۳۵

وَيُتَرَقِّبُ ۳۶ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۳۷ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۳۸

وَيُتَرَقِّبُ ۳۹ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۴۰ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۴۱

وَيُتَرَقِّبُ ۴۲ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۴۳ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۴۴

وَيُتَرَقِّبُ ۴۵ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۴۶ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۴۷

وَيُتَرَقِّبُ ۴۸ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۴۹ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۵۰

وَيُتَرَقِّبُ ۵۱ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۵۲ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۵۳

وَيُتَرَقِّبُ ۵۴ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۵۵ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۵۶

وَيُتَرَقِّبُ ۵۷ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۵۸ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۵۹

وَيُتَرَقِّبُ ۶۰ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۶۱ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۶۲

وَيُتَرَقِّبُ ۶۳ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۶۴ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۶۵

وَيُتَرَقِّبُ ۶۶ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۶۷ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۶۸

وَيُتَرَقِّبُ ۶۹ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۷۰ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۷۱

وَيُتَرَقِّبُ ۷۲ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۷۳ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۷۴

وَيُتَرَقِّبُ ۷۵ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۷۶ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۷۷

وَيُتَرَقِّبُ ۷۸ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۷۹ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۸۰

وَيُتَرَقِّبُ ۸۱ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۸۲ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۸۳

وَيُتَرَقِّبُ ۸۴ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۸۵ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۸۶

وَيُتَرَقِّبُ ۸۷ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۸۸ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۸۹

وَيُتَرَقِّبُ ۹۰ وَإِلَهُ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ ۹۱ إِنَّهُ أَتَقَرُّ ۹۲

درست کنم و درین قابلیت یونی چشم که تواند نفس روح انسانی خود پس در آن روح انکس که از آن عاقلان گزیده شده باشد می شود که همه بجهت میقتدی (تقیب) روح انسان را که خدا بسوی خود افاضت نموده انسان جهت است که شریف و مکرم و اذیت روح انسانی بپوشد اگر چه یعنی آن روح خاص که در آن نموده علم و تبحر و سائر صفات من است از اصل قدرت بزرگتر می بردارد و از لغات خصوص می نسبت با من علامت قریب دارد. اما غرض از این است که بگویند این دیگر توحش کرده و می گویند اگر آفتاب نیروی گویائی پیدا کند بگویند من بیغض نور خود را بر زمین برافشانم و آنرا نور خودی غلط می باشد چنانچه این سخن درست است و جای که نه آفتاب در زمین غلط می کند نه نور آن را که جدا میشود بلکه با صفات نور آن می بیند دوری از زمین نیز روشن و تصرف خود اوست و زمین هیچ اختیاری ندارد مگر بقدر استعداد از آن منتفع گردد پس اگر خدای که در او است از سبب چنین فریاد که از آن آدم روح خود را که از آن فریاد

ولایت گرفته اند
 شهادت خواهند نمود
 نیک من است
 والذی اعلم لا اله الا هو وسط
 قمر حضرت لوط نیا
 کرده شد تا بنیاد
 بر طبق حال شریکین
 که بر حال قوم لوط
 امثال ایشان
 اطمینان
 کفایت
 ع چون این باشد
 در از وقوع و غیر
 ناول بود و برین
 سالی خدایه
 کرد و چندی نگفت
 به نظر آمد غاصه
 طبیعت انسانی است
 دنیا و دنیا پرستی
 انکار می شود که بر
 غلات توقع و غیر
 ماحول و انسانی
 باشد اگر چه بر آن
 یقین داشته باشند
 پیشتر کادش و تحقیق
 ی فایده لایحه
 اختیار کنی که خبر
 و نه یکمال تا کید
 و تفریح به تکرار
 خبری پس از آنکه
 آن احتمال بود
 غلامی و تامل و
 التماس نماند گویا
 مقصد از اظهار
 تعجب آنست که
 بشدت خوبه ارجح
 و استوار شود از
 تکرار مع لذت توین
 حاصل گردد حضرت
 ابراهیم علیه السلام
 باین صورت اظهار
 تعجب نمود این شری
 چنین گوید قال
 متعجبانم که و کبر
 زحمت و متعجبانم
 فاجابوا من کذبنا

عَلَى أَنْ مَسْنَى الْكِبَرُ قَبْلَ تَبَشُّرُونَ ۱۱ قَالُوا أَبَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا نَكُنْ
 باوجود آنکه رسیدن من بیری پس بچه قسم بشارت می دهید گفتند شرم و مداوم ترا بر راستی پس مباحث
 باوجود این که رسیدن من بیری پس بچه قسم بشارت می دهید گفتند شرم و مداوم ترا بر راستی پس مباحث
 مِنَ الْقَانِطِينَ ۱۲ قَالَ وَمَنْ يَهْدِطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّكَ إِلَّا الضَّالُّونَ ۱۳
 از نا امیدان گفت و کیست که نا امید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان
 از نا امیدان گفت و کیست که نا امید شود از رحمت پروردگار خود مگر گمراهان
 قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَهْمُ الْمُرْسَلُونَ ۱۴ قَالُوا إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمٍ
 گفت پس چیست خبر شما از فرستادگان گفتند (بر آئین) ما فرستاده شده ایم لیستی گروهی
 گفت پس چیست خبر شما از فرستادگان گفتند (بر آئین) ما فرستاده شده ایم لیستی گروهی
 مُجْرِمِينَ ۱۵ إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَنَنْجُوهُمْ أَجْمَعِينَ ۱۶ إِلَّا أَهْلَ الْاَمْرِ إِنَّهُمْ قَدْ رَأَوْا
 مجرمان مگر آن لوط (بر آئین) ما البته نجات خواهیم داد ایشان را همه یک جا غرض از آنست که مقرر کرده ایم
 مگر آن لوط (بر آئین) ما البته نجات خواهیم داد ایشان را همه یک جا غرض از آنست که مقرر کرده ایم
 أَهْلَ الْاَمْرِ الْغَابِرِينَ ۱۷ فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ۱۸ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ
 که بر آئین دس اند باز ماندگان است پس و قتی که آمدند بلسان لوط فرستادگان گفت بر آئین شما گروهی
 که بر آئین دس اند باز ماندگان است پس و قتی که آمدند بلسان لوط فرستادگان گفت (بر آئین) شما گروهی
 مُنْكَرُونَ ۱۹ قَالُوا بَلْ جُنُنُكَ مَا كَانُوا أَفِيئَةً يَبْتَغُونَ ۲۰ وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ
 نا آشناید گفتند بلكه آدرود ایم پیش تو آنچه در آن شب میگردید یعنی عقوبت و آدرود ایم پیش تو و عداوت
 نا آشناید گفتند بلكه آدرود ایم پیش تو آنچه در آن شب میگردید یعنی عقوبت و آدرود ایم پیش تو و عداوت
 وَإِنَّا لَصِدْقُونَ ۲۱ فَاسْرِبْ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ
 و بر آئین ما البته راست گویم پس بگریز از خود را بپاره از شب و تو از پی ایشان رو
 و بر آئین ما راست گویم پس بگریز از خود را بپاره از شب و تو از پی ایشان رو
 وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ۲۲ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ
 و باید که پس ننگرد از شما هیچ کس و بروید از شما هر کس که فرموده شود و در زمین شام بود و وحی فرستادم بپوست لوط
 و باید که ننگرد از شما هیچ کس و بروید از شما هر کس که فرموده شده است و وحی فرستادم بپوست لوط
 ذَلِكَ الْاَمْرُ أَنْ دَاخِرُ هَوَاكُمْ مَقْطُوعٌ مُصْبِحِينَ ۲۳ وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ
 این سخن که پنج ایشان بریده خود چون بوقت صبح در آیند و آمدند اهل شهر
 این سخن را بدیدارستند بنیاد این گروه بریده شده است در حالتیکه هیچ در آیند و آمدند اهل شهر
 يَسْتَبْشِرُونَ ۲۴ قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُون ۲۵ وَاتَّقُوا
 خوش داشته کنان گفت لوط هر آئین ایشان مهمان من اند پس رسوا می کنید مرا و بر سرید
 خوش داشته کنان گفت لوط (بر آئین) ایشان مهمان من اند پس رسوا کنید مرا و بر سرید
 اللَّهُ وَلَا تَخْزَوْنَ ۲۶ قَالُوا أَوَلَمْ نُنْهَكْ عَنِ الْعَالَمِينَ ۲۷ قَالَ هَؤُلَاءِ
 از خدا و غوار کنید مرا گفتند آیا منع نکرده بودیم ترا از (میزبانی غریبان) غایت عالم گفت اینها
 از خدا و غوار و غل مسازید مرا گفتند آیا منع نکرده بودیم ترا از (میزبانی غریبان) غایت عالم گفت اینها
 بَنِيَّ إِنْ كُنْتُمْ فَعِلَاءِينَ ۲۸ لَعَسَ أَنْ أَهْمَ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ ۲۹
 دختران من اند اگر هستید کننده کاری قسم بزند گاهی تو که این کاران در گمراهی خویش سرگردان میشوند و
 دختران من اند اگر هستید کننده کاری قسم بزند گاهی تو که این کاران در گمراهی خویش سرگردان میشوند و
 فَاخْذِلْهُمْ الصَّبِيَّ مُشْرِقِينَ ۳۰ فَجَعَلْنَاهَا لِيَاسًا فَلَهَا وَأَخْطَرَنَا
 پس دریافت ایشان را از هر توانا چون بوقت مشرق در آمدند پس ساقییم بالاسه آن شهر باران بر ما بارانید
 پس دریافت ایشان را از هر توانا در حالتیکه داخل بودند در وقت طوفان آفتاب پس گردانیدیم بر آن شهر را از بران و باران
 بشود به تحقیق و بخدات بعد بشارت چون از کلام تو میدی تو می شنود آن سر اسراف و نشان بندگان خاصه غیر این و لا اله الا هو

نمایند فخر و بزرگواری
و تعذیب کفار و یقین
شکنی است چراغی
میکنند و الله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه یعنی هرگز کلاه
نه یقین، و از آن
که در جاهای دیگر
هم چنین معنی استعمال
کرده است. و کن
نکند بوم الدین
حتی انا الیقین
(مفرد و کثرت)
آنحضرت صلی الله
علیه و سلم را جمعیت
در حدیث فرموده -
«اما یوقد جواهر یقین»
و انی لا رجول الخ
درین آیت جمیع
سلف یقین را یعنی
هرگز گرفته اند یقین تا
آخرین نفس عبادت
خدا صرف باش
«انا برین رمی تراش
و بخارش بشادام
آخری ما غشاش
بعض عارفان یقین
را درین موقع معنی
دارند علیه گرفته
اندر توجیه آن در در
المعانی مفسر است
ملاحظه شود علم
مراد از روح و حی
الهیست که بطور ابدی
از بار ۴۰ خدا پیوسته
و بصورت غیر مادی
می آید چنانکه جای
دیگر فرموده یقین
الروح من امره علی
سن یثاب من عباده
(المومن و کون ۱۲)
و در توجیه دیگر نسبت
بقرون گوید «و كذلك
اوحینا الیک روحا»
امرا را بخود روح
۵۰ در تفسیر قرآن با
دیلمی در حدیث است

أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ ۝ إنا كفيناك المستهزئين ۝ الذين

اعراض کن از مشرکان هر آنچه بایستد ایم ترا از مستهزئین بکنند

يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ

مقرر می کنند به خدا معبود دیگر پس زود بدانند و هر آنچه بایستد ایم از حال تو که

يُضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ

تنگ میشود سینه تو بسبب آنچه می گویند پس بیای با ذکر پروردگار خود را با ستایش او باش از

السَّاجِدِينَ ۝ وَاعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ ۝

سجده کنندگان و عبادت کن پروردگار خود را تا وقتیکه برسد تو هرگز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسم الله الرحمن الرحيم ندای بخشاینده مهربان

إِنِّي أَمُرُّ اللَّهَ فَلَا تَسْتَعْجِلْهُ ۝ وَتَعْلَمُ عَمَّا تَشِرُّونَ ۝

پاک است خدا و بلند قدر است از آنچه شرک می کنید و می دانم که شما را چه می

بِالْزُجُجِ مِنْ أَمْرِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادَةٍ أَنْ أُنْذِرُوكَ لَكَ لَا إِلَهَ إِلَّا

یوحی باراده خود بر هر که خواهد از بندگان خود که ترسانند باین مضمون که خداوند فرایدار نیست هیچ معبود

أَنَا فَالْقُيُومُ ۝ خَلَقَ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ بِأَحْسَنِ تَعْلَمُ عَمَّا تَشِرُّونَ ۝

من پس بر سرید از من آفرید آسمان ها و زمین را به تدبیر درست بلند قدر است از آنچه شرک می کنید

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ ۝ وَالْإِنْعَامَ

آفرید آدمی را از منی پس ناگهان و سه سینه شده آشکارا شده و چهار پایان را

خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۝ وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ

آفرید برای شما از آنجا که در آنجا است منفعت مانع و دیگر است و بعضی آنها را بخورید و شمار او را آنها را بر دست

حِينَ تَرْجُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ ۝ وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّكُمْ تَكُونُونَ

چون وقت شام از شما باز می آید و چون بوسه می خورید و بر می دارید بارهای گران شمار را بسوی شهر می

بَلِّغُوا إِلَىٰ أَهْلِهَا النَّفْسَ الْأَنْفُسَ إِنْ رَكِبُوا لَكُمْ رُحْمًا وَأَخْلَىٰ الْبَقَالِ

ای رسیدید به آن مگر عشقت جانها هر آنچه برود در کار شما بخشاینده مهربان است و آفرید دستان را و استخوان

وَأَخْلَىٰ لَكُمْ ذِكْرَهَا وَتَنَظَّرُ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَعَلَىٰ اللَّهِ قَصْدُ

و خزان را تا سوار شوید بر اسب و بر اسب آریش دی آفریند آنچه غیب است

و حجت را تا سوار شوید بر اسب و بر اسب آریش دی آفریند آنچه غیب است

و حجت را تا سوار شوید بر اسب و بر اسب آریش دی آفریند آنچه غیب است

السَّبِيلَ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهْدَاكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ هُوَ الَّذِي

و بعض راه باج است و اگر فاست و اگر خواسته راه خودی شمارا بیک جا اوست آنکه

النَّزْلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ ۝

فرد آورد از آسمان آب را برائے شما از آن آب آشامید و از آن آب بشوید درختان است که در آن میجویند

يُنْثَرُ لَكُمْ بِهِ الزَّعْتَرُ وَالزَّيْتُونُ وَالنَّخِيلُ وَالْأَعْنَابُ وَمِنْ كُلِّ

پاشیده برائے شما بویاب آب زرد است و زیتون را و درختان خرما و انگور و از هر جنس

الشَّجَرِ أَنْ فِي ذَلِكَ آيَةٌ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا

میوه ها باینکه در این نشانه است که تفکر میکنند و بشارت بده به کسانی که ایمان آورده اند

النَّهَارَ وَاللَّيْلَ وَالْقُرْآنَ وَالْجِبْهَ مَسْحُورَةً ۝ هُوَ الَّذِي فِي ذَلِكَ

روز و آفتاب و ماه و ستارگان و سحر شده بر زبان درین

آيَةٌ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَمَا ذَرَأْتُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَوْ أَنَّهُ

نشانه است که در زمین پاشیده بر زمین گوناگون رنگهاست اولی بر آینه

فِي ذَلِكَ آيَةٌ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي يَخْرِجُ الْمَاءَ مِنَ الْأَرْضِ

در این نشانه است که در زمین پاشیده بر زمین گوناگون رنگهاست اولی بر آینه

لَهُمْ طَرِيقٌ إِلَى مَوَاقِدِ جَهَنَّمَ ۝ وَتَرَى الْقُلُوبَ بِأَوْدَانِهَا

برای آنهاست که در زمین پاشیده بر زمین گوناگون رنگهاست اولی بر آینه

فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَالْقَىٰ فِي الْأَرْضِ

در زمین و در میان طلب میبست که در فضل او و در شکر کنید و اقلند در زمین

رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَارٌ أَوْ سُبُلٌ أَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ وَعَلَيْكُمْ

و بر شماست که در زمین پاشیده بر زمین گوناگون رنگهاست اولی بر آینه

وَالرَّجْوَىٰ هُمُ الْهَتَدُونَ ۝ أَمْ يَنْظُرُونَ إِلَّا الْإِنشَاءَ الْأَوَّلَ ۝

و بر شماست که در زمین پاشیده بر زمین گوناگون رنگهاست اولی بر آینه

فَإِنْ تَعَدَّ وَعِدَتُهُ أَنَّ اللَّهَ نَعْفُوهُمْ ۝ وَاللَّهُ

و اگر تعدد کند وعده را که خدا بخشد و الله بخشد

يَعْلَمُ الْغُيُوبَ ۝ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ

فصل از انواع حیوان و نباتات
تفسیر عثمانی
عنه از آب میوه های گوناگون پدید می آید که در شکل و صورت و رنگ و بود و نه و تاثیر از هم متفاوتند که در این برای تفکرند آیت بزرگی از قدرت ماست و صنعت عجیب الهی ظاهر می شود زیرا بر روی یک زمین و دروغ یک نوع شجره و از یک آب و یک هوا میوه های بگونگون پدید می آید - ع
خدا بر زمین کوه های گران را گذاشته تا بحکمت اضطرابی خود با شایک جافرو نرو از دولیات و آثار بری آید که زمین را در آغاز خلقت مظهرانه لرزش و جنبش بود خدا نکرده بار بار پدید آورده تا لرزش و جنبش در زمین بماند و تا زمین جید از لرزش و جنبش و جود کوه با کثرت زلزله را باری داد هر حال در مسند حرکت و سکون بین که مکاران اختلاف دارند این آیت نصیحا و اثباتا تعقیبند و زیرا آنچه بگوید کوه با مسند در شعله حرکت دائمی زمین نیست که در آن اختلاف باشد و تفسیر از طرف دیگر تفسیر کبریا آیت

فلان مثل است
افشا و کرايشان را
با مخرج ۱۱۰
کف عثاني
عنه ومن انهم
از اين گفتار
آست که خدا را
قرآن کریم را در نظر
مردا به ايجت قرار
دهند و سايرين را
نيز با هم گمراه گردانند
و به علاوه بار خداوند
که هر که از خود دارند
بسبب اطلاع افشا
از ديگران چيزي
به درياري بر پشت
خود تحميل گفته سيند
چند بار است که بر
دوش خودي گذارند
در حديث است و
من و عالي مثل
کان عليين
الاثم مثل تمام
من اتبعه ۹
ينقص ذلک من
اثمهم شيئا قال الله
تعالى و لنحملن اثما
لهم و عنکوبت رکوع
الاعمال تدبيری که
بغير گمراهي مردم
به ايجت نشان
دادن پيغام حق
اتحاد نموده بودند امر
جاري است پيش از
اين ساير مثل نيزند
قبل انبياء عليهم
السلام چنين کرده
بودند کلمه بزرگ
و ديني از کفر تيسر
افراقت بودند چون
فران خدا فراميد
بنیاد پای آن مشرکين
شد يک تکيان
فان ابی چيزي
را که استوار کرده
بودند بر آفت يافتند
و هرگز بر جاگ
نموده بای آن شده و مطلب اين است که نمايش شان منکوس شده بطور نشان تمام شده و سايری کبرای خود و حفاظت خویش و اشتغال بکارهای خود و...

لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ۝۱۱ اَمْ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ
معي آفرينند چيزي را و خودشان آفريده ميشوند
معي آفرينند چيزي را و ايشان آفريده ميشوند
آيان يبعثون ۝۱۲ اَلَمْ يَكُنْ لَهُ الْاِلهُ اَحَدًا قَالُوا الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
کے برايتجديت خواهند شد معبود شما خداي يگانه است پس آنانکو معقد مئي شوند
کي برايتجديت خواهند شد معبود شما خداي يگانه است پس آنانکو معقد مئي شوند
قَالُوا لَهُمْ مَسْکِرَةٌ وَهُمْ يَسْتَكْبِرُونَ ۝۱۳ لَاجِرْمَانِ اَللّٰهُ يَعْلَمُ مَا يَكْسِبُونَ
دل ايشان ناشناس است و ايشان سرکش اند
دل بای ايشان (ناشناس است) هر چه بديده گيست و ايشان (سرکشند) معذور اند بيشتر است و هر آئينه خدا ميداند
وَمَا يَعْلَمُونَ اَللّٰهُ لَا يَحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ۝۱۴ وَاِذَا قِيلَ لَهُمْ مَعَاذَ
و آنچه آشکاري کنند بر آيند او دوست ندارد سرکشان را
و آنچه آشکاري کنند بر آيند او دوست ندارد سرکشان را
اَنْزَلَ رَحْمَةً وَاَقَالُوا اَسَاطِيرَ الْاَوَّلِينَ ۝۱۵ لِيُحْشِلُوا اَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً
فرو فرستاده است پروردگار شما گويند افسانه ها بيشتر بيان است مال اين گفتار آنکه بر دارند بار گناه خویش تمام
فرو فرستاده است پروردگار شما گويند افسانه ها بيشتر بيان است مال اين گفتار آنکه بر دارند بار گناه خویش تمام
وَمَا الْقِيَمَةُ وَاَمِنْ اَوْزَارِ الَّذِيْنَ يُضِلُّوْهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ اَلَا سَاءَ مَا
روز قيامت
روز قيامت
يَزُرُّوْنَ ۝۱۶ قَدْ مَكَرَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَاَتَى اللّٰهُ بُنْيَانَهُمْ مِنْ
بر مهادند
بر مهادند
اَلْقَوَاعِدُ فَنَحَرًا عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوَقِهِمْ وَاَتَتْهُمُ الْعَذَابُ اَبَ مِنْ حَيْثُ
بنیاد پا پس افتاد بر ايشان سقف از بالا بيشان و آمد بدیشان عذاب از آن جهت که
بنیاد پا پس افتاد بر ايشان سقف از بالا بيشان و آمد بدیشان عذاب از آن جهت که
لَا يَشْعُرُونَ ۝۱۷ تَقْبِضُوا الْقِيَمَةَ يَخْرِبُهُمْ وَيَقُولُ اَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِيْنَ
معي دانستند فلان
معي دانستند فلان
كُنْتُمْ تُشَاقِقُونَ فِيْهِمْ قَالِ الَّذِيْنَ اَوْثَرُ الْعِلْمِ اِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوْءَ
مخالفت می کردید و رحي ايشان گويند
مخالفت می کردید و رحي ايشان گويند
عَلَى الْكَافِرِيْنَ ۝۱۸ الَّذِيْنَ تَتَوَفَّيْهُمْ الْمَلٰٓئِكَةُ ظَالِمِيْ اَنْفُسِهِمْ قَالُوا
بر کافران است
بر کافران است
السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلْ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ
پيغام
پيغام
فَاذْخُلُوا اَبْوَابَ حَمٰٓةٍ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا هِيَ اَبْوَابُ النَّارِ هِيَ الَّتِيْ كُنْتُمْ تُكْفِرُ
پس در آيند بدير و از بابه دوزخ
پس در آيند بدير و از بابه دوزخ
وَالَّذِيْنَ يَكْفُرُوْنَ بِالْحَقِّ هُمْ كَاۡفِرٌ مُّبِينٌ ۝۱۹ اَلَمْ يَكُنْ لَهُ الْاِلهُ اَحَدًا قَالُوا الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
و ايشان آفريده ميشوند
و ايشان آفريده ميشوند
وَالَّذِيْنَ يَكْفُرُوْنَ بِالْحَقِّ هُمْ كَاۡفِرٌ مُّبِينٌ ۝۲۰ اَلَمْ يَكُنْ لَهُ الْاِلهُ اَحَدًا قَالُوا الَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
و ايشان آفريده ميشوند
و ايشان آفريده ميشوند

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرٌ اللَّهُ يَنْزِلُ

و گفتند متقیان را چیست آنچه فرو فرستاد پروردگار شما گفتند فرو فرود آورده است بهترین سخن آنرا که

أَحْسَنُ لَأَنِّي هَذِهِ دَنِيَّا حَسَنَةٌ وَلَكِنَّهُ أَزْوَاجُ خَيْرٍ وَلَنْعَمَ

نیکی کار می گردند و این سراسر عالم برای من است و هر آینه سراسر آخرت بهتر است و هر آینه نیکی

دَارُ الْمُتَّقِينَ ۝ جَحِشْتُ عَنْ يَدِ خُلَاقٍ نَهَانِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

سراسر متقیان است آخرت بوستان نهایی همیشه ماندن در این دنیا می رود زیر آن جوینها

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِينَ

و ایشان را است در آن هر چه خواهند هم چنین جزا میدهد خدا متقیان را ۱۲ تا

تَتَّقُوا الْمَلِيكَةَ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ

درشتان ایضاً در و از ایشان می گفتند ای پاک باشندگان سلام بر شما باد و در ایند بهشت جزای

كُنْتُمْ تَصَلُّونَ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلِيكَةُ أَوْ بَأْتِيَ

می گردیدند و نظر نمی کردند بجز آنکه یا بیایند بر ایشان فرشتگان و یا بیاید

أَمْرٌ مِنْ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَنَّهُمْ اللَّهُ وَ

از این پروردگار تو هم چنین کردند آنانکه پیش از ایشان بودند و ستم نکرد بر ایشان خدا و

لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ فَأَصَابَهُمْ سَيْتَاتُ مَا عَمِلُوا ۝

بلکه بودند بر نفس های خود ستم می کردند پس رسید بایشان جزای آن بدیها که کردند و

حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا

زود آمد بایشان آنچه بر آن استنبا می کردند و گفتند آنانکه شرک آوردند

لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَمِدُوا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ وَكَانُوا نَازِلًا

اگر عاقت خدا نمی پرستیدیم بجز و ستم چیزی را (از ما) و نه پدران ما و

كُرْمًا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَلَّ

پدران ما و حرام می داشتیم بجز و ستم چیزی را و هم چنین کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس نیست

عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا

بر پیامبران بجز خبر رسا خدای آشکارا و هر آینه فرستادیم در هر گروهی پیغمبر را

أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا كُفْرًا قَدْ هَمَمْتُ هَكَذَا اللَّهُ وَ

که عبادت خدا کنید و اجتناب از کفر از زبان من از ایشان آنچه بود که راه نودش خدا و

دل منم گوید خدا
تعالی این دو صورت
را بر این بیان قال و
حال و تامل این سوره
و این شهادت نازل
فرو فرود آورده است
و این برای بعضی
از و از ۱۲ تا
عذاب او ۱۲ تا
بیش سلف با اجاز
کرده اند و این بدین
رمان خدا منعقدی
شود و الله اعلم
تقریر عثمانی
ع ۱۵ ایجاد در قابل
خود بیان احوال
بر سر کاران بیان
می شود چون در باره
قرآن از آن مایه
شود که پروردگار شما
چه فرو فرستاده با کمال
عقیده و ادب گویند
یعنی شکر سرایا
خیر و برکت است
این گروه باید بداند
که هر که در این جهان
سج بگوید می کند
در این جهان بهر
خوشگوار آن نایل
بیش و بارگاه الهی
کوچکتر و بزرگوار
نیکی آن مردم خدای
می گردد و عاقت
مرگ و دین های
از نجات کفر و شرک
و از کمالی شوق
پاک ده و آخر معرفت
و محبت هیچ حق تعالی
بکمال صفایت و
اشراق قلب بلکه
بذوق و اشتیاق تمام
جان خود را بجان
آفرین می سپردند
از این پس باز درین
پروردگار حق تعالی
است و این قول جنت

فلا تدرى عذابي
شده و بهایران را
مستند جلد و آدم را
پس پیغمبر من سابق
آدمی بودند فرشته
نه بودند و الله اعلم
و الله اعلم
پیغمبر من و من
۳۰ تفسیر عثمانی
عنه به انتخاب
وید پیغمبر کرد و صبر
و توکل استقامت
در هر دو جهان دادن
نصرت و اعطای ثواب
از عادت جدیدانست
پیغمبر از این پیغمبر
را از پیغمبر مردم فرستاد
یو دیم تا احکام را در پیش
کنند و مردم را به تمام
یک و بدی آگاه گردانند
و گشتانیدانند از
دانش مدالی که به
حوال احوال و سابقه و
واقعات تاریخی
پیغمبران آگاهند و حق
کینه را معلوم شود که
پیغمبر از این پیغمبر
را به منصب پیغمبر
سرور از گرداننده باز
بروینت و کتب
و پیغمبر فرستاده
یو دیم یا بهایران
که آنرا به پیغمبر یا
انکه که بودند و ادب
شد این حق بر برگشت
میر و توکل و پسان
منصور و کا طالب
شدند و چگونگی و ساند
خام پس از تمام شد
تبار گردیدند و وقت
کلمت رکب الحسنی
علی بنی اسرائیل با
میر و او در نالان
یشتن فرعون و قوم
و لا اولیون
(اعراف رکوع ۱۶)
میر و از این فکر خاص دل کتاب را بر تفسیر غیبت فکار را به عایت کردیم که اهل کتاب پیروان شایع است و در روح المعانی است و تامل فرمای و از هر جایی و از هر جایی

مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ فَسَبِّحُوا فِي الْأَرْضِ قَائِمًا سُرًّا
از ایشان کسی بود که ثابت شد بر وی گمراهی پس سیر کنید در زمین پس سیر کنید
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ۱۰ اِنْ تَخْصُصْ عَلَى هَذِهِ قَائِمًا
چگونه شد آخر کار دروغ دارندگان اگر کوشش کنی بر بدایت ایشان چه سود هر آینه که
لَا يَهْدِي مَنْ يَضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۱۱ وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَمْدًا
را نهاده آنرا که گمراه میسازد و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده و قسم خوردند بخدا حکم ترین
رأى نایب سزاوار که گمراه میسازد و نیست ایشان را هیچ یاری دهنده و قسم خوردند بخدا حکم ترین
أَيُّهَا هُمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعَدَاةٌ خِفَاءُ لِمَنْ
سوگند بآنچه خود که بر نه انگیزد خدا مرده را آری بر انگیزد و عده در دست لازم شده بر دوس و لیکن
سوکند بآنچه ایشان نه بر انگیزد خدا آنرا که میرد آری بر انگیزد و عده در دست لازم شده بر دوس و لیکن
أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۱۲ لَيْسَ لَهُمُ الَّذِينَ يَخْتَلِفُونَ فِيهِ ۱۳
بیشترین مردمان نمیدانند (آری بر انگیزد تا این که بر آنکه ایشان آنچه اختلاف می کنند در آن و
اکثر مردمان نمیدانند (آری بر انگیزد تا این که بر آنکه ایشان آنچه اختلاف می کنند در آن و
لِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَذِبًا ۱۴ إِنَّا فَتَقَنَّا فَعَلَهُنَّ عِزًّا ۱۵
تا بدانند که از آن که ایشان دروغ می گویند نیست زبان ما بر آنکه چیزه چو
تا بدانند که از آن که ایشان دروغ می گویند نیست زبان ما بر آنکه چیزه چو
أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۱۶ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ
خواستیم آفریدنش مگر گوئیم او را بشو پس بشود و آنکه ترک دیار خود کردند بر آنکه خدا
خواستیم آفریدن او را که گوئیم مر آن چیز را بشو پس بشود و آنکه ترک دیار خود کردند بر آنکه خدا
بَعْدَ مَا ظَلَمُوا النَّبِيَّ ثُمَّ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً ۱۷ وَالْآخِرَةُ أَكْبَرُ ۱۸
بعد از آن که ستم کرده شد بر ایشان البته جادوستیم ایم ایشان را در دنیا بر آنکه ستم کرده بود از آنکه ستم کرده بود
بعد از آنکه ستم کرده شد بر ایشان البته جادوستیم ایم ایشان را در دنیا بر آنکه ستم کرده بود از آنکه ستم کرده بود
كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۹ الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۲۰ وَمَا أَرْسَلْنَا
می دانستند آنکه صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل می نمایند و لغت و ادب
می دانستند آنکه صبر کردند و بر پروردگار خویش توکل می نمایند و لغت و ادب
مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رَجُلًا ظَلَمَ فِي الْيَمِينِ فَرَسَوْنَا أَلْهَ الدِّينِ أَنْ كُنْهُمْ
پیش از تو مگر مردانی را که در حق پیغمبر ستم کردند پس سوال کنید از اهل کتاب اگر
پیش از تو مگر مردانی را که در حق پیغمبر ستم کردند پس سوال کنید از اهل کتاب اگر
لَا تَعْلَمُونَ ۲۱ بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لَتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ
نمیدانند (فرستادیم ایشان را باینکه و کتاب با خود آوردیم بسوئی تو کتاب تا بیان کنی بر آنکه مردان
کنی و اینده (فرستادیم ایشان را باینکه و کتاب با خود آوردیم بسوئی تو کتاب تا بیان کنی بر آنکه مردان
مَنْزِلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۲۲ أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ
خبر بخبر را که فرود آورده شده بسوئی ایشان و تا بود که ایشان تفکر کنند آیا پس شده اند آنکه آنرا نشنیده اند بر آنکه به
آنچه فرستاده شده است بسوئی ایشان و تا بود که ایشان تفکر کنند آیا پس شده اند آنکه آنرا نشنیده اند بر آنکه به
أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ وَيَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۲۳
از آنکه فرود برد خدا ایشان را بر زمین یا بر آید بایشان عذاب از آنجا که ندانند
از آنکه فرود برد خدا ایشان را بر زمین یا بر آید بایشان عذاب از آنجا که ندانند

میر و از این فکر خاص دل کتاب را بر تفسیر غیبت فکار را به عایت کردیم که اهل کتاب پیروان شایع است و در روح المعانی است و تامل فرمای و از هر جایی و از هر جایی

فتح الرحمن

والمؤمنون

آخرت

تفسير عثمان

عنه انما قال

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بالتكليف

بَشِّرْ بِهِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي الثَّرَابِ ۝ لَا سَاءَ مَا

يَحْكُمُونَ ۝ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ

الْأَعْلَى ۝ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَلَوْ يُوَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِمْ

مَا تَرَكُوا عَلَيْهِمُ مِنْ دَابَّةٍ ۝ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۝ فَيَأْخُذُهُمْ

فَاجَأَهُمْ لَاسِتَ أَخْرُوجُونَ سَاعَةً ۝ وَلَا يَسْتَقْدِرُونَ ۝ وَيَجْعَلُونَ

لِللَّهِ مَا يَكْفُرُونَ ۝ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكُذْبَ أَنَّ لَهُمْ لِحُسْنَهُ ۝

جَرَمَان ۝ لَهُمُ النَّارُ ۝ إِنَّهُمْ كَافِرُونَ ۝ تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ

أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ ۝ فَمِنْهُمْ شَاكِرٌ ۝ وَمِنْهُمْ كَافِرٌ ۝ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً ۝ وَهَدًى ۝ وَنُورًا ۝ وَلَقَدْ أُنْزِلَ

لِقَوْمٍ يُسْمِعُونَ ۝ وَإِنْ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ ۝ نَسِيتُمْ قَوْلًا

فِي بُطُونِهِمْ ۝ فَمِنْهُمْ شَاكِرٌ ۝ وَمِنْهُمْ كَافِرٌ ۝ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً ۝ وَهَدًى ۝ وَنُورًا ۝ وَلَقَدْ أُنْزِلَ

لِقَوْمٍ يُسْمِعُونَ ۝ وَإِنْ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ ۝ نَسِيتُمْ قَوْلًا

فِي بُطُونِهِمْ ۝ فَمِنْهُمْ شَاكِرٌ ۝ وَمِنْهُمْ كَافِرٌ ۝ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً ۝ وَهَدًى ۝ وَنُورًا ۝ وَلَقَدْ أُنْزِلَ

لِقَوْمٍ يُسْمِعُونَ ۝ وَإِنْ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ ۝ نَسِيتُمْ قَوْلًا

فِي بُطُونِهِمْ ۝ فَمِنْهُمْ شَاكِرٌ ۝ وَمِنْهُمْ كَافِرٌ ۝ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً ۝ وَهَدًى ۝ وَنُورًا ۝ وَلَقَدْ أُنْزِلَ

لِقَوْمٍ يُسْمِعُونَ ۝ وَإِنْ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ ۝ نَسِيتُمْ قَوْلًا

فِي بُطُونِهِمْ ۝ فَمِنْهُمْ شَاكِرٌ ۝ وَمِنْهُمْ كَافِرٌ ۝ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً ۝ وَهَدًى ۝ وَنُورًا ۝ وَلَقَدْ أُنْزِلَ

لِقَوْمٍ يُسْمِعُونَ ۝ وَإِنْ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ ۝ نَسِيتُمْ قَوْلًا

فِي بُطُونِهِمْ ۝ فَمِنْهُمْ شَاكِرٌ ۝ وَمِنْهُمْ كَافِرٌ ۝ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا
 واز میوه های درختان خرما و درختان انگور می سازید از آن شراب مست کننده و می سازید از آن روزی

سَنَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى
 مدال هر آینه در این نشانه است مگر چه را که در می یابند و الهام فرستاد پروردگار تو بسوی
 مدال (هر آینه) در این نشانه است مگر چه را که در می یابند و الهام فرستاد پروردگار تو بسوی

لِّنُجِلَّ أَنْ أَتَّخِذَ مِنْ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا
 زبور شهید که بسازد خانه ها از کوه ها و از درختان و از آنچه

يَعْرِشُونَ ۝ ثُمَّ يَخِي مِنْ كُلِّ أَمْتٍ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا
 مردمان بنای کنند از هر جنس میوه و در دره ها می سازد و در دره ها می سازد و در دره ها می سازد

يَخْرِجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ ۝
 از شکم آن میوه ها را که در دره ها می سازد و در دره ها می سازد و در دره ها می سازد

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ
 هر آینه در این نشانه است مگر چه را که در می یابند و خدا آفرید شما را و خدا آفرید شما را

يُؤْتِكُمْ وَمِنْكُمْ هَمٌّ يَكُودُ إِلَىٰ أَذْلٍ الْعَمَلِ لَكِنَّ لَّيْلَةً بَعْدَ عِلْمٍ
 میوه ها را که در دره ها می سازد و در دره ها می سازد و در دره ها می سازد

شَهِيدَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَدِيرٌ ۝ وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ
 شهادت های خداوند بر شماست و خدا فضل داد به بعضی شما را بر بعضی

فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ
 در روزی پس میوه ها را که در دره ها می سازد و در دره ها می سازد و در دره ها می سازد

أَيْدِيهِمْ فَمِنْهُمْ سَوَاءٌ ۝ أَلَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ يَوْمَ الْفَتْخِ
 و از آنکه در روزی داد و داده شده عداوت کنندگان روزی خود را بر آنها که مالک است

لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا ۝ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا ۝
 برای شما از جنس شما زنان را و آفرید برای شما از زمان شما پسران و

حَفْدَةً ۝ وَرِزْقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ ۝ أَفَبَالِ بَاطِلٍ يُؤْمِنُونَ وَبِغَيْبِ
 حفره ها را و روزی داد شما را از پاکیزه ها آیا بای باطل متقدم می شوند و بخت

اللَّهُ هُمْ يَكْفُرُونَ ۝ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يَنْشَأْ لَهُمْ
 خدا ایشان را سپاس نمی نمایند و می پرستند آنچه را که برای ایشان نشاء شده است و می پرستند آنچه را که برای ایشان نشاء شده است

فل یفرح کس فی
 خواهد که بگوید که خود را
 برای خود سازد از آنکه
 کفر می کند
 عاقل نیست در کسب
 امر این شهید خالص
 و بیاد اوای دیگر مخلوق
 شده و مریض را ده
 میشود و بقدرت
 خداوند شفا می یابد
 در حدیث صحیح است
 که شخصی عرض اسهال
 مبتلا بود برادرش
 از آن حضرت صلی الله
 علیه و سلم معالجی نمود
 آن شخص صلی الله علیه
 و سلم فرمود که شهید
 نباشد بعد از نوشیدن
 شهید اسهال زیاد تر
 شد و او را مقرر شد
 عرض کرد که یا رسول
 الله اسهال زیاد تر
 تر شده است آن حضرت
 فرمود صدق الله
 کذب یعنی آنکه
 خدا صادق و شک
 برادرش کاذب است
 باز نوشیدن از دهانه
 نوشیدن همان کیفیت
 ظاهر شد آن حضرت
 کلمات خود را تکرار فرمود
 بلاخره نوشیدن
 نوبت سوم اسهال بند
 شد و طبیعت صاف
 گردید و اطباء بر وفق
 اصول خود گفتند که
 بعضی اوقات در شکم
 یکموس و مانند میوه
 که هر غذا و پاد دانی که
 در شکم میرسد بوی
 داده می شود تا مردمی
 خورد و مریض اسهال
 واقع میشود معالجی
 اش فقط همین است
 که مسهل و بوی تر است
 که چون ناسه و بوی
 که در شکم میرسد

در روزی پس میوه ها را که در دره ها می سازد و در دره ها می سازد و در دره ها می سازد

يَوْمَ نَسْتَخِفُّهُمْ لَأَيْمَةٍ طَعْنَكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا

روز	روز	روز	روز
امامت خود و رحمت ایتیماتے سے	امامت تانے یعنی نروں شہادۂ منزل و مباحث ازہ مشیائے کوسید	روز صفریان	روز سمرخود

وَأَوْرَثَهَا أَشْعَارَهَا أَتَانَا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ ۝ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ

دو بیہائے بزرگ اسباب خنہ و بہرہ مندی تا وقت مقرر

لَا خَلْقَ ظِلٍّ وَّجَعَلْ لَكُمْ مِنْ أَجْمَالِ الْكَذَّانَا وَجَعَلَ لَكُمْ

[illegible]

سَأَيُّبَ تَقِيْمَكَ الْحَرُوسَ اَيُّبَ تَقِيْمَكَ رَاسًا كَذَلِكَ يَجِيْزُ

۴۲. که نگه دارد شمار از گری دل و جامه های که نگه دارد و شمار از ضرر است
۴۳. بپوشان که نگه دارد شمار از گری دل و جامه های که نگه دارد و شمار از ضرر است

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا يَسْمَأُكُمْ إِلَهُكُمُ الْفُلُكُمُ الْمُسَوَّمُ ۖ

پس اگر اعراض کنند جز این نیست که بر تو بی تمام رسانیدن آشکار است

فَقَامَتْ لَهَا فَاذْكُرْ

یوسف بنده وقت خدا را باز انکار می کند و بیشترین ایشان کافر اند و آنروز

و اما در این کتاب که از کتب معتبره است و در آنجا که

از بزم ابرو بر گیسو بخواه راجل باز دستوری داده نشود

باز (دستوری داده نشود) علم کا قرآن را و نہ تو بہ ایشان

۱) ویراد از الدی یمن ضلوا العذاب و یخطف عذرهم

و چون بیند ستم کاران عذاب را اضطراب کنند پس سببش گفته شود از این

وإدراك الدين الشريفي الشريفي هم فواربنا

و چون بینند مشرکان شریکان خود را گویند است پروردگار ما

وَالَّذِينَ كَفَرُوا الَّذِينَ كَانُوا عِوَا مِنْ دُونِكَ فَالْأُولَئِكَ سَمِعُوا لَكُمْ

کہ میری پرستیدم (جس پرستی میں) بجز قوس میں نہ تھا۔ ایشان

فَقُلْ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ وَالْقَوْلُ إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ الشَّامِ وَضَمِلَ

سازمانی که برای این بنا شده و این همه انگلند بسوی خدا امروز بجزایر القیاد را هم فرود
 (بر این بنا شده و این همه انگلند بسوی خدا آن روز صبح را هم فرود

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا أَصْأَفُ مِنْ سَيْدِي اللَّهِ

۱. آنچه از نامی کردند ۲. آنچه کافر شدند ۳. و باز داشتند و گفتا از راه خدا
 ۴. آنچه از نامی کردند ۵. آنچه کافر شدند ۶. و باز داشتند و گفتا از راه خدا

فَمِنْ عِنْدِ أَهْلِ قَوْمِ الْكَافِرِينَ ابْنِ كَاهِنٍ يُفْسِدُونَ وَيَوْمَ يُنْفَخُ

این را خدا به بالائی خدا به بسبب آنکه فرمودی اگر بدو خلق در روزی که می

[illegible]

...

۱۰ فلک یعنی دوازدهی
 ۱۱ تیر ۱۲ فلک و آن بنی
 آن قوم باشند و اندک
 ۱۳ فلک یعنی نافه
 خود کنند ۱۴ فلک یعنی
 معبودان باطل خود
 ۱۵ فلک یعنی مردان
 ۱۶ فلک یعنی غلاب
 ۱۷ ضلال و ضلال ۱۸
 تفسیر عثمانی
 ۱۹ حضرت شاه
 ۲۰ میگوید بادیو پیرانی
 ۲۱ بانی که از گریه و فطنت
 میشود از سر دی هم
 ۲۲ میتوان محفوظ شد چون
 ۲۳ دمان ملک گری
 ۲۴ زیاده بود دنیا گری
 ۲۵ را مخصوص ذکر
 ۲۶ خود سه یعنی
 ۲۷ بنگرید که انواع
 ۲۸ ضروریات شمار
 ۲۹ چطور بر نفس خود
 ۳۰ تشبیه نمود چه قوت
 ۳۱ بای علمی و علمی بشما
 ۳۲ معرفت فرمود که آنها را
 ۳۳ انسان بکار انداخته
 ۳۴ و تصرف عجیب و
 ۳۵ غریب نماید پس
 ۳۶ آیا ممکن است که
 ۳۷ ذوقیکان قدر احسان
 ۳۸ بانه با در بنمایان
 ۳۹ خود در سلسله تربیت
 ۴۰ و تکمیل ذرائع روح
 ۴۱ احسان خود ابرای
 ۴۲ با کامل نمایند و در
 ۴۳ نیست که تکمیل خود
 ۴۴ به ایزد الملک نم
 ۴۵ و اتمت خود نم
 ۴۶ فوق در رعیت
 ۴۷ تکمیل اسلام دنیا را باند
 ۴۸ بر کوشش ارباب ضرورت
 ۴۹ است که همه مردم
 ۵۰ مقابل احسان او
 ۵۱ انوار و نظیر و تفکر
 ۵۲ خود آورده و منبع
 ۵۳ تمام حقیقی و روحی
 ۵۴ او کرده و

اَلشَّارِكُ وَابْعَثِ اللّٰهُ ثَمَنًا قَلِيْلًا اِنَّمَا عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

شاید عمن عهد خدا بهائے اندک هر آنچه نزد یک خداست بهتر است شمار
شاید عمن عهد خدا بهائے اندک هر آنچه نزد خداست بهتر است شمار

اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۝۶ مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ بَاقٍ ۝۷

اگر آنست اید آنچه نزد یک شماست فنا شود و آنچه نزد خداست پاینده است و
اگر آنست اید آنچه نزد شماست تمام زغالی شود و آنچه نزد خداست پاینده است و

لَيَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝۸

برای صابران را مزد ایشان به نیکوترین آنچه می کردند
صابران را مزد ایشان به نیکوترین آنچه می کردند

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً

مرد باشد یا زن و او مسلمان است هر آینه زنده کنیم
مرد باشد یا زن و او مسلمان است پس هر آینه زنده کنیم میدیم زندگانی

طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝۹

پاک و بدیم آنجا را مزد ایشان به نیکوترین آنچه می کردند پس و نیک
بدیم آنجا را مزد ایشان به نیکوترین آنچه می کردند پس و نیک

فَرَأَتِ الْقُرْآنَ فَأَسْتَعْذِرَ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيْمِ ۝۱۰

زنان قرآن خواندن پناه طلب کن بخدا از شیطان رانده شده هر آینه
قرآن را خوانی قرآن خواند پس پناه طلب کن بخدا از شیطان رانده شده عه (هر آینه)

لَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۝۱۱

نیست شیطان را علیه ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل می کنند
نیست شیطان را علیه ایمان آوردند و بر پروردگار خود توکل می کنند

اِنَّمَا سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَكَّلُوْنَ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ

جز این نیست که غلبه او بر آنست که دوستداری اوی کنند و آنانکه ایشان با خدا
جز این نیست که غلبه او بر آنست که دوستداری اوی کنند و آنانکه ایشان با خدا

مُشْرِكُونَ ۝۱۲ وَاِذَا بَدَأْنَا آيَةً مَّكَانٍ اٰيَةً وَّاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا

شریک معرفی کنند و چون بدین نیم آیت بجای آیت و خدا داننده ترست آنچه
شریک معرفی کنند و چون بدین نیم آیت بجای آیت و خدا داننده ترست آنچه

يُنَزِّلُ قَالُوا اَلَا اِنَّمَا اَنْتَ مُفَضِّلٌ بَلِ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝۱۳

فرودی آورد گویند جز این نیست که تو افاضه کننده
فرودی آورد گویند جز این نیست که تو افاضه کننده

قُلْ نَزَّلَهُ رُوْحُ الْقُدُسِ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ

بگو فرود آورده است او روح القدس از جانب پروردگار تو برستی تا مستقیم سازد مومنان
بگو فرود آورده است او روح القدس از جانب پروردگار تو برستی تا مستقیم سازد مومنان

اٰمَنُوْا وَهُدًى وَّبَشْرٰى لِّلْمُسْلِمِيْنَ ۝۱۴ وَلَقَدْ نَعْلَمُ اَلَهُمْ

ما و بران راه نمودن و خورده دادن مسلمانان را و بر آینه ما میدانیم که کافران
ما و بران راه نمودن و خورده دادن مسلمانان را و بر آینه ما میدانیم که کافران

يَقُوْلُوْنَ اِنَّمَا يَعْلَمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي يُلْحِدُوْنَ اِلَيْهِ

می گویند جز این نیست که می آموزد این به خا مبر را آدمی زبان کسی که
می گویند جز این نیست که می آموزد این به خا مبر را آدمی زبان کسی که

دل نبیند در دنیا
نعمت و بیم است
یعنی یک آیت بابت
و دیگر یک آیت بابت
تفسیر عثمانی
عنه در حدیث است
در خبر من تعلیم قرآن
و علم به بهترین شما
شخص است که قرآن
را یاد بگیرد و در قرآن
را یاد آموزد و این مومن
باشد که برای مومن تعلیم
و تعلیم قرآن بهترین
کار است و در آیات
ما قبل و در موعظه
ذکر شده است که
در عرض کارهای نیک
اجر داده شود و لهذا
درین موعظه بعضی
آداب قرائت قرآن
را تعلیم می فرمایند تا
شخص از به احتیاطی
اجرای این بهترین کار را
ضایع نکند شیطان
و اما روشنی می کند
که مردم را از کبر باشد
نیک باز دارد و مخصوصا
کاری مثل قرائت
قرآن که سر خیزند تا
اینکه راست بر
آید یقینا به این روش
است که مومن را اذن
باز دارد و اگر درین
مقصد کامیاب نشود
او به چنان آسانی جفا
سازد که از استحقاق
نایب حقیقی قرائت
قرآن مانع گردد تا
این تدابیر را بخواند
و خدایا به نیک پیش
شده طریقه حفاظت
همین است که چون
مومن به قرائت
قرآن اراده کند
اولا از صدق دل
و ثانی از خلوص زبان

اولا از صدق دل و ثانی از خلوص زبان

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا

و میان کرد خدا داستان دین کربود این کرمیده می آمد باو

رَسُولُهَا رِغْدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا

روزی او بشارتی از هر جای پس ناسیانی کرد بخت بای خدا پس چشاند خدا

اللَّهُ لِبَئْسَ الْجُوعُ وَالْخَوْفُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ ۝ وَلَقَدْ

خدا بشارتش گرسنگی و ترس بلیب آنچه می کردند و دهر آینه

جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ

آمد پیش ایشان پیغامبر از جنس ایشان پس دروغ داشتند پس گرفت ایشانرا عذاب و ایشان

كَافِرُونَ ۝ فَكُلُوا مِنْ ثَمَرِ زَرْقِكُمْ اللَّهُ حَلَّالٌ طَيِّبٌ بَارِئٌ شَكْرُوا

سنگار بودند پس بخورید از آنچه خدا روزی داد شمارا حلال پاکیزه و شکر کنید

بِعَمَلِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ۝ إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ

بر لغت خدا اگر او را می پرستید جز این نیست که حرام ساخته است خدا بر شما

الْبَيْتَةَ وَالْأُمَّهَ وَحَمَّ الْخَنِزِيرِ وَمَا أَهْلُ الْبَيْتِ لِيُغَيِّرَ اللَّهُ بِهٖ فَتَنَ

مردار را دغون و گوشت خوک را و آنچه ذکر کرده شد بنام غیر خدا برزخ آن پس هر که

اضْطَرَّ غَيْرَ ذَلِكَ فَلَا عَادَ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَا تَقُولُوا لِمَا

سجاده شد نه ستم کرده و نه از حد گذشته پس خدا آمرزگار مهربانست و گویند چیز را که

تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِتَفْتَرُوا

بین می کنید صواب زبان شما بدو رخ کن حلال است و این حرام است تا افترا کنید

عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ

بر خدا دروغ را هر آینه آنانکه افترا می کنند بر خدا دروغ را

لَيُعَذِّبُنَّ ۝ مَتَاعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَعَلَى الَّذِينَ

سنگار عذاب شود ایشان را بود بهره مندی آنست و ایشان را باشد عذاب دردنده و بهره

هَادُوا وَاعْرِضُوا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ

گمراه بودیم آنچه قصه خواندیم بر تو پیش از این در سوره انعام و سوره کهیم بر ایشان و لیکن

كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا الشُّرُوءَ

بودند خود حرام کرده بودیم آنچه بر تو پیش از این و ستم می کردی بر ایشان و لیکن ایشان

كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا الشُّرُوءَ

بودند خود حرام کرده بودیم آنچه بر تو پیش از این و ستم می کردی بر ایشان و لیکن ایشان

فقد اجلی انشراح کرده شده است از فقه بای بسیار و منطبق است بر واقع بای بسیار و لهذا شل نامیده شد و در عبادت اذاقها الله پس انجوع و الخوف جمع کرده شده است و تشبیه در یک بیان و التیاز علم ۱۲ تفسیر عثمانی عبادت بدین سبب غری چیزی را حلال یا حرام گفتن نهایت جرات و کذب و اخراست حلال و حرام آنست که خداستالی آن را حرام و یا حلال قرار داده است اگر شخصی بعضی چیزها را حلال و یا حرام میگوید آنرا بخداوند نسبت میدادند و تشبیه میکنند که عبادت داشتند و دیگر آن در سوره انفال گفته در حقیقت بر خدا پیمان می بندید به مسلمانان بدایت داده شده گمان رویه را گمانی اختیار نمایند چیزی را که خدا حلال گردانیده آن را حلال و چیزی را که خدا حرام نموده حرام بدانند و بدین مانه شری حکم و حرمت را پیگیری نمایند عده مشرکین که آنحضرت صلعم را (سواد الله) مقرر می گفتند باید بیانند که خود آنها مقرر می کنند چه آنها را که کذب و دروغ و تحریف می کنند

فتح الرحمن
صلی الله علیه و آله

سبحان

از خود

آسمانها

راصلی الله علیه و آله

و سلم

سبحان

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

سُبْحَنَ الَّذِي سَبَّحَهُ الْمَلَائِكَةُ أَلْفًا مِّن مِّائَةٍ وَفِي ثَمَانٍ وَارِبَعٍ مِّنْ لِّمَاجِدِ رَبِّكَ خَلْفَكَ مَثَرٌ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ إِنَّ إِلَٰهَنَا يَوْمَئِذٍ غَدِيرٌ يُرْجَىٰ فِيهِ جَمْعٌ وَتَأْتِي السَّحَابَ ثُبُورًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَنَ الَّذِي سَبَّحَهُ الْمَلَائِكَةُ أَلْفًا مِّن مِّائَةٍ وَفِي ثَمَانٍ وَارِبَعٍ مِّنْ لِّمَاجِدِ رَبِّكَ خَلْفَكَ مَثَرٌ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ إِنَّ إِلَٰهَنَا يَوْمَئِذٍ غَدِيرٌ يُرْجَىٰ فِيهِ جَمْعٌ وَتَأْتِي السَّحَابَ ثُبُورًا

سُبْحَنَ الَّذِي سَبَّحَهُ الْمَلَائِكَةُ أَلْفًا مِّن مِّائَةٍ وَفِي ثَمَانٍ وَارِبَعٍ مِّنْ لِّمَاجِدِ رَبِّكَ خَلْفَكَ مَثَرٌ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ إِنَّ إِلَٰهَنَا يَوْمَئِذٍ غَدِيرٌ يُرْجَىٰ فِيهِ جَمْعٌ وَتَأْتِي السَّحَابَ ثُبُورًا

لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ الْإِبْرَةِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝

لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ الْإِبْرَةِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝

لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ الْإِبْرَةِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝

لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنَ الْإِبْرَةِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝

جَعَلْنَا هَذَا الْكِتَابَ الَّذِي سَأَلْنَا عَنْهُ آلَ الْإِسْرَاءِ إِذْ أَخْرَجْنَا آلَ الْإِسْرَاءَ مِنْ دُونِ آلِ الْفِرْعَوْنَ ۝

جَعَلْنَا هَذَا الْكِتَابَ الَّذِي سَأَلْنَا عَنْهُ آلَ الْإِسْرَاءِ إِذْ أَخْرَجْنَا آلَ الْإِسْرَاءَ مِنْ دُونِ آلِ الْفِرْعَوْنَ ۝

جَعَلْنَا هَذَا الْكِتَابَ الَّذِي سَأَلْنَا عَنْهُ آلَ الْإِسْرَاءِ إِذْ أَخْرَجْنَا آلَ الْإِسْرَاءَ مِنْ دُونِ آلِ الْفِرْعَوْنَ ۝

جَعَلْنَا هَذَا الْكِتَابَ الَّذِي سَأَلْنَا عَنْهُ آلَ الْإِسْرَاءِ إِذْ أَخْرَجْنَا آلَ الْإِسْرَاءَ مِنْ دُونِ آلِ الْفِرْعَوْنَ ۝

فِي الْكِتَابِ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ۝ وَلَتَعْلَمُنَّ عُلُوقَ الْبُيُوتِ ۝

فِي الْكِتَابِ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ۝ وَلَتَعْلَمُنَّ عُلُوقَ الْبُيُوتِ ۝

فِي الْكِتَابِ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ۝ وَلَتَعْلَمُنَّ عُلُوقَ الْبُيُوتِ ۝

فِي الْكِتَابِ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ۝ وَلَتَعْلَمُنَّ عُلُوقَ الْبُيُوتِ ۝

خَلَّلَ الْبَابَ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ۝ ثُمَّ يَدْعُوا لَكُمْ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ ۝

خَلَّلَ الْبَابَ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ۝ ثُمَّ يَدْعُوا لَكُمْ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ ۝

خَلَّلَ الْبَابَ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ۝ ثُمَّ يَدْعُوا لَكُمْ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ ۝

خَلَّلَ الْبَابَ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ۝ ثُمَّ يَدْعُوا لَكُمْ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ ۝

أَمْ دُونَكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۝

أَمْ دُونَكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۝

أَمْ دُونَكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۝

أَمْ دُونَكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ۝

لَيْسَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَرِيمٌ ۝ وَلَيَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ رُجَّةٍ وَلَيُتَبَرَّوْا ۝

لَيْسَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَرِيمٌ ۝ وَلَيَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ رُجَّةٍ وَلَيُتَبَرَّوْا ۝

لَيْسَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَرِيمٌ ۝ وَلَيَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ رُجَّةٍ وَلَيُتَبَرَّوْا ۝

لَيْسَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَرِيمٌ ۝ وَلَيَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ رُجَّةٍ وَلَيُتَبَرَّوْا ۝

لَيْسَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَرِيمٌ ۝ وَلَيَدْخُلُنَّ الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ رُجَّةٍ وَلَيُتَبَرَّوْا ۝

تفسير

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

و سلم

طایفه در صورت
 محل ۱۲ شکلی در
 صورت اسراف ۱۲
 و این حق تعالی
 تفسیرش
 انفسه ۲۸۵
 لغیر از امری بیده
 رایه این منکر گفتن که
 خرافه خود را در
 خواب و یاد عالم روحانی
 از کبریت الهی
 برداشته است
 که شخصی فاسد
 بجای او رایه ای
 میبرد که دایمی
 بزرگان مرادی بزرگان
 را در خواب و یا بعض
 در عالم روحانی از
 مصر بکشید و یار
 سوره کیف که حضرت
 موسی علیه السلام برای
 ملاقات حضرت خضر
 علیه السلام رفت میبرد
 او سوار کرد که برای
 آن در چندین جا کلاه
 ناله آید و است
 مطلب آن چنین
 گرفته شود که این همه
 حرکت محض در خواب
 و یا سر در حالی بوقوع
 پیوسته است باقی
 را هیچ به کل در یاد
 که در قرآن حکیم آمده
 ابن عباس فرموده
 است و در یاقوت
 ابن حاتم رسول الله صلی
 الله علیه و سلم میفرمود
 از کلام عرب شواهد
 آورده اند که کلام دریا
 گاه گاهی به معنی مطلق
 رویت چشم استخوان
 می شود لهذا اگر از آن
 بین و اقواس را مراد
 باشد باید معنی مطلق
 نظاره گرفته شود که
 بر دیده ظاهری مثل
 آمده است تا با خواهر نفوس و حقیقه پیوسته است معنی لغت و اربعه ۱۲

عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا وَلَا

از بزرگان با انتظار از بزرگان خود که امید دارند با حق پس بگو این را سخن ملایم و بگو
 از بزرگان خود که امید دارند با حق پس بگو این را سخن ملایم و بگو

جَعَلَ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعَلَ مَلُومًا

با گردن خود دست خود را بسته و گشای آنرا تمام گردن که بشینی ملاطمت کرده شد
 با گردن خود دست خود را بسته و گشای آنرا تمام گردن که بشینی ملاطمت کرده شد

حَسْرًا ۚ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّكَ كَانَ بِعِزِّهِ

در مانده حسرت و بر آینه پروردگار قوی کشید و تنگ می کند روزی بر آنکه خواهد بر آینه او بر مانده
 در مانده (بر آینه) پروردگار قوی کشید و تنگ می کند روزی بر آنکه خواهد بر آینه او بر مانده

خَيْرٌ الْبَصِيرِ ۚ وَلَا تَقْنَطُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ مَن تَرْزُقُهُمْ قُلُوبًا

دانا بیناست و کمینه اولاد خود از ترس تنگدستی روزی میدهد ایم ایشان را و
 دانا بیناست و کمینه اولاد خود از ترس تنگدستی روزی میدهد ایم ایشان را و

أَيَّاكُمْ ۚ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيرًا ۚ وَلَا تَقْرَبُوا الرِّزْقَ إِن كَانَ فَاحِشَةً

شمارا هر آینه شستن ایشان است گنبد عظیم و نزدیک میشود به زنای سر آینه و بی حیوانی است
 شمارا هر آینه شستن ایشان است گنبد عظیم و نزدیک میشود به زنای سر آینه و بی حیوانی است

وَسَاءَ سَبِيلًا ۚ وَلَا تَقْنَطُوا أَلْفُسُكُمُ الَّتِي حَرَمَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ وَمَنْ يَبْسُطْ

و بدو آید و بدو و کمینه نفس را که حرام است خدا مگر حق و دیگر گشته شود
 و بدو آید و بدو و کمینه نفس را که حرام است خدا مگر حق و دیگر گشته شود

مَطَاوِمًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَكُمْ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ

به ستم پس داده ایم و ارث او را گوشتی است پس باید که زیادتی نماند در کشتن هر آینه و بی است
 به ستم پس داده ایم و ارث او را گوشتی است پس باید که زیادتی نماند در کشتن هر آینه و بی است

مَنْصُورًا ۚ وَلَا تَقْرَبُوا أَمْوَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ

یاری داده شده و نزدیک میشود به مال یتیم مگر بفرقی که از نیک است تا آنکه رسد
 یاری داده شده و نزدیک میشود به مال یتیم مگر بفرقی که از نیک است تا آنکه رسد

أَشْدَّاهُ ۚ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُورًا ۚ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ

بجایات قوت خود دو مانده عهد هر آینه عهد پر سیده خواهد شد از و تمام کند بماند را چون
 بجایات قوت خود دو مانده عهد هر آینه عهد پر سیده خواهد شد از و تمام کند بماند را چون

إِذَا كَلِمَةٌ أَوْ زَنْبًا أَلْقَسْتُمْ سُلْطَانًا لِّمَنْ يَسْتَقِيمُ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

بجایانید و بسجید به تر از و است این بهترین است و نیکوتر است از جهت عاقبت
 بجایانید و بسجید به تر از و است این بهترین است و نیکوتر است از جهت عاقبت

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ

در و پس چیزه که ترا دانش آن نیست هر آینه گوش و چشم و دل هر یک از اینها
 در و پس چیزه که ترا دانش آن نیست هر آینه گوش و چشم و دل هر یک از اینها

كَانَ عَنْهُ مَسْئُورًا ۚ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ فَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ

پر سیده خواهد شد از و در زمین خرامان هر آینه تو نخواهی شکافت زمین را
 پر سیده خواهد شد از و در زمین خرامان هر آینه تو نخواهی شکافت زمین را

وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ۚ كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۚ

در نمی بخواه و در درازی همه این خصلت با بدی او است نزدیک پروردگار تو ناپسندیده
 در نمی بخواه و در درازی همه این خصلت با بدی او است نزدیک پروردگار تو ناپسندیده

ذَلِكَ فَهِيَ أَوْحَى إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

این از جمله است که وحی فرستاده است بسوئی که پروردگار تو از علم و مقرر کن با خدا معبود دیگر را

فَقُلْ فِي هَهْنَهُ مَا قَدْ خَوَّرَا ١٠ أَفَصَفَكُمْ رَبُّكُمُ بِالْبَنِينَ وَالْخَدَمِينَ

آنگاه بگو در هفت شوی در دوزخ طاعت کرده شده را اندک شده آیا پرگزید شما پروردگار شما به پسران و خود را گرفت از

الْمَلَائِكَةِ إِنَّا نَاطِقُونَ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا يَفْعَلُ الْغَافِلُونَ

و است گویان دختران را بر آئینه شاهی گویند سخن گران و بر آئینه بهر نوع سخن گفتیم درین

الْقُرْآنَ لِيَذِّكُرُوا مَا يُزِيدُكُمْ الْإِنْفُورًا ١١ قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا

قرآن تا چند یاد شود و بی افزاید در حق ایشان مگردیدان را بگو اگر بودند با خدا معبودان دیگر چنانکه

يَقُولُونَ إِذَا ابْتِغُوا إِلَيَّ دَعَا لِعَرْشِ سَيِّدِي ١٢ سُبْحَانَ رَبِّيَ عَمَّا يَشْرُكُونَ

می گویند آنگاه طلب کردند بسوئی خداوند عرش راه منازعت را بگو اگر بودند با خدا معبودان دیگر چنانکه

عَلَوْ كَثِيرًا ١٣ تَسْبِيحُ لَهُ السَّمُوتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ

بنای عظیم بیای یادی کنند او را آسمان هفت گانه و زمین و هر که در میان اینها است و نیست

مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنْ كَانُوا حَلِيمِينَ

چیز جز گریه های یاد میکنند با ستایش او و لیکن شما هم نمی فهمید یاد کردن ایشان را بر آئینه است بهت برد باد

عَفُورًا ١٤ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

از گرد و چون بخوانی قرآن را میسازیم در میان تو و در میان آنان که باور نمی دارند

بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا ١٥ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي

آیت را پرده پوشیده و بی فهم بر دل ایشان پوشید تا نفهمندش و در

أَذَانَهُمْ وَقُرْآنًا إِذَا كُنْتَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَوْ أَعْلَى أَدْبَارِهِمْ

گوش ایشان گران را و چون یاد کنی پروردگار خود را در قرآن تنها و گردان شوند بر جانش پشت خود

نُفُورًا ١٦ حُنَّ أَعْلَى بَدَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ

بریده شده دل دادان ترسم بجز آن که می شنوند بهیچ آن را و وقتی گوش می دهند بسوئی تو و وقتی که ایشان

يُحْيَى إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِنَّا تِلْكَ الْغَاثُ الْمُنِيرُ ١٧

را زبانی باشند و وقتی می گویند این ستم گران پیروی نمی کنند مگر مرد ها و کرد را بجز چگونگی

فَقُرْآنُكَ الْأَمْثَالُ فَضْلًا أَفَلَا يَسْتَفِيدُونَ سَبِيلًا ١٨ وَقَالُوا إِنْ كُنَّا

رازداد داستان با را می گویند پس گمراه شدند پس می توانند راه یافتن و گفتند آیا چون شوم

أَنْ نَبْعَثَ تَوْحِيدًا ١٩

آنها را به توحید بفرستیم و اینها میگویند و اگر شخص با معبودی جدا آنها پیدا کرد و یا به مقلد آن می کند این توحید است و در ستم که نصیب است ١٩

فَتَحِ الرَّحْمَنُ
فل تترجم گوید
برود آیت کتابت
است از عدم اعتقاد
ایشان بقرآن موافق
١٧ فل یعنی تصدیق
و عیب و بی ١٨-
تفسیر عثمانی
عنه بر اینست
١٩ انداخته که معلوم
هم شد بلکه معنی
هر یک جدا جدا
حق سلطنت خدا
و از کون سازند اگر
با دشمن گفته شود چون
در مقابل ملک عرش نما
ز و اقامه آیه های
اسود است لهذا به
عبادت یک مخلوق
عاجز و ناتوان برود حق
تعالی به خویست
و اگر برای تفریک
عش موجودان موجود
باشد چنانچه کفار هم
میکنند البته خود آن
موجودات با طریقه توحید
در مقابل او نمیدانند و عرش
را می و فرستاد قرب
و تو می ند پس برای
عابدین آنها هنوز فر
تریده میشود و گفته
و صفاتی خداوند بزرگ
نمیدانند و از ادای توان
به زبان تمام انبیاء
برسید نفرت انسانی
از شرک الهام پیروی
لا بی نوده است پس
جاست تعجب است که
این اهل حق چگونه را می
گویند و در دانی باشند
عنه هر یک از مخلوق
بزیان خلق و عاقلان
مال و دخی بای
لشع و ادب بیان
کنند و اینها از انجی
تبییه خواه از باعث
شک و کفر و تامل میگویند
است ١٩

والمسلمین من خاندان

والله اعلم بالصواب

گوید و این کلمه

از راه جادو بود

تفسیر عثمانی

عنه این دولت در هر

حال در نفس انسان

که بیشتر دردی زندگی

بود است و در خود

ذرات خاک اگر انداز

حیات پیدا شود

چندان متعجب نیست

و قدرت کامله حکم

علی الاطلاق بقدر

بزرگ است که

نی توان برای

آن حدی تعیین نمود

غذای که انسان را از

عدم بوجود میاورد

دوباره استخوان می

بوی بوی میاورد

نخل وجود در آن

باقت اگر جهات

بکشد حیرت آور نیست

حتی اگر کفرات وجود

شاید شکل سنگ و

آهن را دید که فایده

از شکل حیات محرم

است باز هم

پیشتر که قدرت الهی

زنده کردن و بوجود

آوردن آن مشکل نبی

باشد بالاتر از آن اگر

بر موندنای مطلق هم

دچار شود خداوند

قدرت و قدرت و شایسته

جان ناز و محنت و بیجا

نوع بر گرداند

آنرا در زمین و در آسمان

آزاد و غلام و پادشاه

و در میان و در بیابان

و در میان و در بیابان

عِظًا مَا وَرَفَاتًا ۚ إِنَّا لَنَبْغِثُ عَنْكُمْ أَلْسِنَتَكُمْ فَيُجَادِلُوكُمْ ۚ قُلْ كُونُوا حِجَارًا أَوْ

اگر خواهی چند و اعتنائی بوسیله از هم پاشیده آید بر اینکته شوم یا فریض تو بگو سنگ شوید یا

اگر خواهی چند و اعتنائی بوسیله آید بر اینکته شوم یا فریض تو بگو سنگ شوید یا

حَدِيدًا ۚ أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ ۚ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُ

آهن شوید یا نوسه دیگر شوید از آنچه بزرگ نماید در خاطر شما پس خواهند گفت که باز پیدا کن ما را

آهن یا نوسه دیگر شوید از آنچه بزرگ نماید در خاطر شما پس خواهند گفت که باز پیدا کن ما را

قُلْ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ فَسَيُبْغِضُونَ الْبَيْتَ ۚ وَهُمْ يَقُولُونَ

بگو کسی که اول بار باز پس خواهند بیاورند پس بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که بگوئید که

ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ۝ وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ

نیر و عدد در لوح نوشته شده و بازنداشت مار از آنکه بفرستیم نشان با مگر آنکه

کَذِبَ هَآءِذَا وَكُنْ وَاتَّبَعْنَا لَمُدُّ الْفَاقَةَ مَبْصُرَةً قَظَمُوا بِهَآءِ وَمَا

در در غمده بودند آنرا پیشینان و دادیم خود را اشتراک مده نشان با مگر آنکه

نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ الْخَوِيفَا ۝ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَدٌ بِالنَّاسِ

ی فرستیم نشان با مگر بر آنکه ترسانیدن و یاد کن چون گفتیم ترا که پروردگار تو در گرفته است بر هر مردمان را یکی در هر گروه

مَجْعَلْنَا الشَّيَاطِينَ لَكَ آيَاتٍ ۝ وَإِذْ قُلْنَا لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةُ الْمَعْنُوتُ فِي

ساختیم شایسته را که بودیم بنویس مگر امتحان مردمان را و نشان خفیم درختی را که لغزش کرده شد در

الْقُرْآنِ وَخَوْفُهُمْ ۝ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ۝ وَإِذْ قُلْنَا

آن مگر امتحان می فرستیم ایشان را پس می افزاید ترسانیدن در حق ایشان مگر سرش می بزرگ ران و یاد کن چون گفتیم

لِلْمَلِكَةِ السُّجُودَ ۝ وَإِذْ قَالَ الْإِبْلِيسُ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتُ

فرستیدگان را سجده کنید پس آدم پس سجده کردند الا ابلیس گفت آیا سجده کنم پس را که آفریده

طَائِفًا ۝ قَالَ ارْجِعْ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَىٰ لَيْلٍ آخَرَتِنِ إِلَىٰ يَوْمِ

را که باز گفت آیا دیدی این شخص را که فضل داده بمن اگر موقوف گزاری مرا تا روز

الْقِيَامَةِ ۝ اخْتَنَكُنْ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قَالَ أَذْهَبُ مِنْ تَبَعِكَ ۝ هُمْ فَإِنْ

قیامت البته از من برکنم اولاد او را الا اندک خدا فرمود بر دین پس هر کس که پیروی تو کند از ایشان پس

جَهَنَّمَ جَزَاءُكُمْ جَزَاءُ مَوْفُورًا ۝ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ ۝ مَنْ اسْتَطَاعَ مِنْهُمْ

در روز جزا من استغفار می کنم برای شماست سزا می کامل و از جای بنیان بر هر کواقی از ایشان

صُورَتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ الْأُولَىٰ

باز خود را و آواز کن بر ایشان سواران خود را و پیادگان خود را و شریک شو با ایشان در اموال و فرزندان

وَعَدْلُهُمْ وَمَا يَعْزُبُ عَنْهُ الشَّيْطَانُ الْآخِرُ ۝ وَإِنْ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ

و عدل او را نشان داده نمی دهد ایشان را شیطان مگر بفریب و اگر آیند بندگان من نیست ترا بر ایشان هیچ

عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ ۝ رَبُّكُمْ الَّذِي يُزَيِّجُ لَكُمُ الْفَلَاحَ فِي الْبَحْرِ

ن بر شما هیچ حکومت و قدرت و پس کافی است پروردگار تو کار ساز پروردگار شما آنست که روان میکند برای شما کشتی در

لِيَسْتَعُوْا مِنْ فَضْلِهِ ۝ إِنَّكَ كَانَ بِكُمْ رَحْمًا ۝ وَإِذْ أَمْسَكُ الصُّرُوفَ فِي الْبَحْرِ

تا غلبه معیشت کنند از فضل او هر آینه او هست شما مهربان و چون پرسد شما معجزه در دریا

وَأَمْسَكُ الصُّرُوفَ فِي الْبَحْرِ ۝ وَإِذْ أَمْسَكُ الصُّرُوفَ فِي الْبَحْرِ ۝ وَإِذْ أَمْسَكُ الصُّرُوفَ فِي الْبَحْرِ

و امسک صروف در دریا و امسک صروف در دریا و امسک صروف در دریا

و اما یعنی چون کافران
و بعد مراجع شدند
و آیت ان شجرة الزقوة
طعام الانعام با ایشان
رسید استعبد کردند
محل طعن ساختند
و اما مترجم گوید این
تصویر است معنی شیطانی
را در گاه کردن ایشان
ما خود از فضل ریش
و زبان چون و بیست
را عارت کند برایش
نمود میزند و سوادان
و بسیار سخن خود را
آوازی دهد که این
سو بگوید و از آن سو

تفسیر عثمانی
طاف در حدیث است
که این که از آن حضرت
صلی الله علیه وسلم
موجباتی چند خوانند
شأن این که ده عطا
را طاعت از آن که ما را
از اطاعت و جواب
داد و کرده زمین را
بمورد و قابل زهد است
تا بخواند و آنکه ایشان
می گفتند که اگر اینگونه
خواهش ما را بکنی
آوردی ترا قبول تمام
کرد و بطلب آن
خواهش این آیت
نازل گشت یعنی از برای
چنین کارها به مقابل
قدرت کلام خداوندی
قطعا دشوار نیست
چنانچه این گونه آیات
مطابق خواستش ام
سابقه برای ایشان
نشان داده شد
با انهم آنها نیز بفرستند
دستی در تو و همگان
خود انزوا نموده اند
بر وقت منت الشد
انجام آنها چنین شد

چون که در این آیت در حق این است عظمت و عظمت است

که در این آیت در حق این است عظمت و عظمت است

بنا یعنی برو داب

و کشتی ۱۲

تفسیر عثمانی

طه یعنی از کور با

چنان فرموده اند

که مکه و حجاز را

نیایدند و میفرستند

افراد بیرون و میفرستند

از راه کشتی و میانی و

جسارت و قدرت را

بگویند و میفرستند

و ام قریب خود نمایند و

احکامی را که خداوند حق

فرستاده یک قسمت آنرا

بخاطر ایشان رسالت

فرستاده و یا تبدیل آنرا

کافی حکومت و دولت

زن خود را و میفرستند

می کنند کاری میگویند

و تقویت و تربیت و پرورش

فرستادیم آن را و یا

را که در هر کس

بت پرستی است

از قرآن برودن کسی

آزاد و بیاد او

بفرستد حال چنین است

میگوید بیک فرستاده

همچو خودی را فرستاد

نیک جواب آفریند

حق است علیه السلام

بود که به خدا قسم

آگاه و از خود آفریده

در یک کف و دست من

آتش را زود آفریده

در کف دست دیگر من

بگفته اند باز هم محمد

صلی الله علیه و سلم آن

چیز را اترک دادنی

نیست که خداوند

دی را باین واحد و

مطلق فرموده است

تا آنکه کار خود را به

تکلیف رساند و یا درین

راه سر بگذارد

دست از طلب بدین

تا کام من بر آید

یا جان رسد بجانان یا جان نزن بر آید

ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا آيَاهُ فَلْيَنْجَحْكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ

که شود هر که او را میخواند مگر خدا پس چون خلاص ساختن بخدا بسوی کسی رد گردانیدید و هست

فراوانش میشود کسی را که میخواهد مگر خدا پس چون خلاص ساختن بخدا بسوی کسی رد گردانیدید و هست

الْإِنْسَانُ كَفُورًا ۚ أَفَأَمْنُكُمْ أَنْ يُخْشِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ

آدمی ناسپاس آیا امن شده اید از آنکه خود را بر شما بپوشاند از خشکی یا بفرستد بر شما

أَوْ يُرْسِلَ بِسَاسٍ آيَاكُمْ مِنْهُ أَوْ يُرْسِلَ بِسَاسٍ آيَاكُمْ مِنْهُ أَوْ يُرْسِلَ بِسَاسٍ آيَاكُمْ مِنْهُ

یا او را بفرستد بر شما با سبب آیه های او یا او را بفرستد بر شما با سبب آیه های او یا او را بفرستد بر شما با سبب آیه های او

حَاصِبًا ثُمَّ لَا يَجِدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا عِندَ الْعَذَابِ ۚ أَمْ أَمْنُكُمْ أَنْ يُعِيدَ كَمَا فُتِنَ تَارَةً

با و فرستد که ستمگر بفرستد آیه های او بر شما یا او را بفرستد بر شما با سبب آیه های او یا او را بفرستد بر شما با سبب آیه های او

بِأُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ فَيَغْرقَكُمْ بِهَا كَغْرَقَ تَارَةً

و دیگر بس بفرستد بر شما از جنس باد یا او را بفرستد بر شما با سبب آیه های او یا او را بفرستد بر شما با سبب آیه های او

ثُمَّ لَا يَجِدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا عِندَ الْعَذَابِ ۚ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الزُّبُرِ

تا بپسندید بر شما خود را و سزاوارت کنید بر شما بسبب آن عرق و در آینه بزرگ ما هستیم فرزندان آدم را و بر دوشیم ایشان را و بر آید

ثُمَّ لَا يَجِدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا عِندَ الْعَذَابِ ۚ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الزُّبُرِ

تا بپسندید بر شما خود را و سزاوارت کنید بر شما بسبب آن عرق و در آینه بزرگ ما هستیم فرزندان آدم را و بر دوشیم ایشان را و بر آید

ثُمَّ لَا يَجِدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا عِندَ الْعَذَابِ ۚ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الزُّبُرِ

تا بپسندید بر شما خود را و سزاوارت کنید بر شما بسبب آن عرق و در آینه بزرگ ما هستیم فرزندان آدم را و بر دوشیم ایشان را و بر آید

ثُمَّ لَا يَجِدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا عِندَ الْعَذَابِ ۚ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الزُّبُرِ

تا بپسندید بر شما خود را و سزاوارت کنید بر شما بسبب آن عرق و در آینه بزرگ ما هستیم فرزندان آدم را و بر دوشیم ایشان را و بر آید

ثُمَّ لَا يَجِدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا عِندَ الْعَذَابِ ۚ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الزُّبُرِ

تا بپسندید بر شما خود را و سزاوارت کنید بر شما بسبب آن عرق و در آینه بزرگ ما هستیم فرزندان آدم را و بر دوشیم ایشان را و بر آید

ثُمَّ لَا يَجِدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا عِندَ الْعَذَابِ ۚ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الزُّبُرِ

تا بپسندید بر شما خود را و سزاوارت کنید بر شما بسبب آن عرق و در آینه بزرگ ما هستیم فرزندان آدم را و بر دوشیم ایشان را و بر آید

ثُمَّ لَا يَجِدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا عِندَ الْعَذَابِ ۚ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الزُّبُرِ

تا بپسندید بر شما خود را و سزاوارت کنید بر شما بسبب آن عرق و در آینه بزرگ ما هستیم فرزندان آدم را و بر دوشیم ایشان را و بر آید

ثُمَّ لَا يَجِدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا عِندَ الْعَذَابِ ۚ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الزُّبُرِ

تا بپسندید بر شما خود را و سزاوارت کنید بر شما بسبب آن عرق و در آینه بزرگ ما هستیم فرزندان آدم را و بر دوشیم ایشان را و بر آید

ثُمَّ لَا يَجِدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا عِندَ الْعَذَابِ ۚ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الزُّبُرِ

تا بپسندید بر شما خود را و سزاوارت کنید بر شما بسبب آن عرق و در آینه بزرگ ما هستیم فرزندان آدم را و بر دوشیم ایشان را و بر آید

ثُمَّ لَا يَجِدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا عِندَ الْعَذَابِ ۚ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الزُّبُرِ

خَلَقَكَ اَقْبَلًا ٦ سَنَةً مِّنْ قَدْ اَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُّسُلِنَا وَلَا تَجِدُ

اس ازلو مگر اندکے (مانند) روش آنکه مرستاده ایم ایشان را پیش ازلو از پیغمبر ان غویط و عوایسی یافت
 اس ازلو مگر اندکے (مانند) روش آنکه مرستاده ایم ایشان را پیش ازلو از پیغمبر ان با و عوایسی یافت

سُبُّنَا حَيْلًا ۝ اَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ اِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَ

روشنی آمدنی است بر یاد داور از وقت زوال آفتاب تا بهجوم تاریکی شب و
استوار آمدنی بر یاد داور از وقت زوال آفتاب تا تاریکی شب و

وَأَن الْعَجْرَانِ فَإِنَّ الْعَجْرَكَ مَشْهُودًا وَمِنْ أَيْلٍ فَتَمَّ جَدُّ

[illegible]

بقرآن مشک خیزی زیادہ شد برائے کو فرمود یک است کہ استادہ کند ترا پروگار کو بمقامے بندہ و تہنای بندہ

عزیزانِ شریفِ خیزی زیادہ شدہ مقررہ نزدیک است کہ ایسا وہ کند ترا برورد و کار تو بمقام محبہ و بجا آید پروردگار من

در آمدن پسندیده و بیرون آمدن پسندیده و ساز برائے من از
در آمدن پسندیده و بیرون آمدن پسندیده و بدو برائے من از

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنَّا كُنَّا ضَالِّينَ لِمَا كُنَّا نَعْبُدُ مِنْ دُونِكَ ۚ

زاد یاب خود گشت یاری دهنده حق و بگو آمد حق و نابود شد دین باطل هر آینه
زاد خود گشت یاری دهنده و بگو آمد حق و نابود شد باطل هر آینه

الْبَاطِلُ كَانَ زَهُوقًا ۝٢٧ وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ

و فروزی آرام از قرآن آنچه می شنواست و رحمت است
و رحمت است و رحمت است و رحمت است و رحمت است

يُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ الْخُسَارَاءَ ۖ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى

سلمان را و منی افرایدستمدان را مگر زیان من و چون التام کنم بر

انسان اعرض وناجانبہ واذامسئله الشریکان یؤسدا قل من
رویکردانند و بیجانند باز دے خود را بچوں رسد یوںے سخن نا امید باد بگو ہر کسے

سازد و بجز او اند و چون رسد بوی شیر بارش تا امید بجز هر کسی

يَقُولُ عَلِيٌّ شَاكِرًا فَتَكُونُ عَلَيْهِ بَيْتُهُ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا ٥

کار میبندد بر طریقه خود پس ببرد و نگار شد و انرا تراست بآنکه دوسه یا بنده تر بود راه را و

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ

بگو روح از فرمان پروردگار من است و شما ندانده اید از علم
بگو روح از حکم پروردگار من است و داده نشده اید از علم

وَلَيْسَ شَيْئًا لَّنْذَهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكُمْ ثُمَّ لَا

دائر خوانم یہ برسم آبچرخ دستار دہایم بسوئے تو باز
دائر خوانم یہ برسم آبچرخ دستار دہایم بسوئے تو باز

جَلَّالٌ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلٌ ﴿٢﴾ اَلرَّحْمٰتُ مِنْ رَبِّكَ اِنْ فَضْلُهُ كَانَ

کتابی بر آید که در آنست که این کتاب را از جانب پروردگار تو امر است و فعل

از بس بزرگوار عظمی که در این دهر در می کشیدند به این راه آمدند از زمان مرگش از بهشت میزد میزد و با بال میزد

و غنوا و غیره و این
موقع مذکور در اخبار
نما کردن او بر مناسبت
و عبادت آیت آمیزه ذکر
صلوة کرده شده و احو
انست که از جمله امای
خداوند متعالین و رب

اسم... را
بیشتر استعمال
می کردند - باسم

در حق و بعد از آن
بنمودند - انرا در پی نام
در حق و بگویند استعمال
می نمود و جمله این

این نام مانند ملاولی
بود و از طرف دیگر
میبرد کذاب لقب

خود را در حق
الیهام قرار داده
بود - و قول نیست

که مشرکین از اطلاق
اسم در حق بر حق تعالی
متوحش شده اند

خودند چنانچه در وقتیکه
از زبان آن حضرت
صلی الله علیه و سلم

در حق را می شنیدند
اخبار می کردند که
محمد را ازین

سخن می کردند که خدا
بخوانم خود را نیز
انداخته ای و دیگر

در حق را می شنیدند
بپور شکایت داشتند
که محمد صلی الله علیه

سلم مانند ما ذکر
و خبر را چه بگویند
اندر جواب پرورد

این آیت داده و بعد
که می شنیدند و حق
و زمانی است که حق

یک نوبت می شنیدند
و از تکرار صفات و
اسماء تعالی و این

نمی آید و این صفاتی
توحید دانسته می شود
و این صفت که چنانچه

الَّذِينَ آوَوْا إِلَى اللَّهِ مِنْ قَبْلِهِ إِذْ أَنْتَبَهُمْ خَيْرُونَ لِلَّذِينَ كَانُوا

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ الْمَعَاجِلِ

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا آيَاتٌ مِنْ رَبِّكَ فَتَعْلَمُونَ

قُلْ ادْعُوا اللَّهَ أَدْعُو وَاللَّهُ أَدْعُو الرَّحْمَنَ أَيُّهَا

تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَلَا تَجْهَرُوا بِصَلَاتِكُمْ وَلَا تَخَافُوهَا وَاتَّقُوا

بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا وَقُلْ كَسَدُ اللَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَذَلِكَ تَكْبِيرُ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَذَلِكَ تَكْبِيرُ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَذَلِكَ تَكْبِيرُ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَذَلِكَ تَكْبِيرُ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَذَلِكَ تَكْبِيرُ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَذَلِكَ تَكْبِيرُ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَذَلِكَ تَكْبِيرُ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَذَلِكَ تَكْبِيرُ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَذَلِكَ تَكْبِيرُ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَذَلِكَ تَكْبِيرُ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَذَلِكَ تَكْبِيرُ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَذَلِكَ تَكْبِيرُ

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَهْبٌ مِنَ الدُّلِّ وَكَذَلِكَ تَكْبِيرُ

عنه من نسبت بدو
مل دولت و عظام
نزدای دادم اگر اختیار
این عمل شکران باطل
می بود بجز صاحب
این هدایت لغت
می شد و مشرک
یونان و رومیان
بیانش می توان در دنیا
که چون باقی چهار
شماره متعجب خویش
پیشانی گرد گفت
- یا یقینی لم اشکر
بر بی احسان ازین
عبارات چنان بودی
آید که رفیق ناگوان
که به یقینی خداوند
ایمان کامل داشت
انظار کرده باشد
کشرک باطل است
و به طریق خود
نصیحت می کرد که
از شرک برگردد
ملاک دولت معبد
در جواب گفت که من
نسبت به خود را می
مال و کمیت بهر مصلحت
یقین توام کرد که من
باطل باشم و چون تو
شخص نفس تلاش
حق بجانب باشی
عنه یا فضل
آزادی و آسودگی سکندر
و من امور ندگانی
خود را چنان تحسین کرده
ام که گمان نمی کنم این
با طهارت شود باقی
مانده بعد الموت
اودان یقین ندادم
که بعد از مردن خود
استخوان با دوباره
زنده گردد و بهر طور
خداوند پیش شوم بگویم
که چنین بوقوع پیوست
ضرورت آنجا سامان
بهتری را نسبت
این جای یا که بر خدای

مَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَلَّتْ لَهُمْ سُرَادِقُهَا
بزرگ خواهد که هر کس خواهد که کفر کند ما برای ستمکاران آتش را که حلال گردانیده ایم برای آن
انْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَاللَّهُلِ يَشْوِي لُؤْلُؤَهُ بِسَرَابٍ
اگر فریاد کنند ما ایشان را رسیده شود و نوشانیدن آن آب مانند سکه گداخته بریان کند و سبزه باران بد آتش میدانی است و
سَاءَ تَرْتَفَعُونَ إِنَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ
دوزخ بد آرام گاه نیست بر آئینه آنان که ایمان آوردند و کردارهای نیکو را میسر کردند ما ضایع نمی گرد
مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
کسی که نیکو کرده است کار را این جمعه ایشان نزار است بوستانهاست همیشه باغیان می رود زیر ایشان کهنه
يُحَلَوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا هِيَ
زیر پوشیده شوند در آنجا از دستوارها از طلا و پوشند جامه های سبز
سُنْدُسٌ وَإِسْتَبْرَقٌ مُنْتَكِنٌ فِيهَا عَلَى الْأَرْبَابِ نَعْمَ الثَّوَابُ وَ
دیباچه نازک و دیباچه نازک و دیباچه نازک در آنجا بر تخت های نازک و دیباچه نازک
حَسَنَتٌ مِمَّنْ تَفْقَهُ وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا
بهترین شیکو آرام گاه نیست و میان کن برای ایشان دو استیلا نقد و دو شخص کردارم می بین از ایشان
جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمْ بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَبْزَابًا
دو بوستان از درختان انگور و گردانده آن پیدا کردیم درختان خرباز پیدا کردیم در میان این بوستان بازداشت هر دو
الْجَنَّتَيْنِ أَنْتَ أَكْهَلُوهَا وَلَمْ تَغْلَمْ مِمَّنْ شَبَّاهُ وَفَجَّرْنَا خِلْفَهُمَا نَهْرًا وَكَانَ
بوستان آوردند میوه های خود هیچ کم نکرد از میوه و جاری ساختیم میان آنها جوئی آب بود
بُوستان آورد میوه های خود را و هیچ کم نکرد از میوه چیز را جاری ساختیم میان هر دو جوئی و بود
لَهُ شَرَفٌ قَالِ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ قَدْرًا وَأَعَزُّ نَفَرًا
او را میوه های بسیار پس گفت بهم گفتی خود را داد گفتی میگوید با من نه من بیشتر از تو در مال و عاقبت شرم با من را
او را میوه پس گفت رفیق خود را داد گفتی میگوید با من نه من بیشتر از تو در مال و عاقبت شرم با من را
وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا
و در آمد بوستان خود را دید بر خودی است بر نفس خود گفت می بیند که بلاك شود این بوستان و بنگاه
وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُودَتْ إِلَى بَنِي إِسْرَافِيلَ خِلَافَتُهَا
و گمان ندارم که قیامت محقق نشود و بازگردانیده شوم بیوسته پروردگار خود هرگز ازین خواهم یافت باز گفتی
و گمان ندارم که قیامت برپا شدنی است و بالعرض از سر سبزه قوم باز گردانیده شوم بیوسته پروردگار خود هرگز ازین خواهم یافت باز گفتی
مَنْ قَلْبًا قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ
از این بوستانها گفتند او را هم گفتی او داد گفتی میگوید با من نه من بیشتر از تو در مال و عاقبت شرم با من را
با این گفتی عه گفت او را رفیق او داد گفتی میگوید با من نه من بیشتر از تو در مال و عاقبت شرم با من را

مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّيْكَ رَجُلًا لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ

از خاکی باد از نطفه باز ترا مرد ساخت لیکن من استغفار دارم که التماس کردم که کار مکتب و شریک مقرر نمی کنم

بِرَبِّي أَحَدًا ۱۰ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا

بایزد و در کار خود هیچ کس را در جرات چون در آمدی به بوستان خود نمی گویم که آنچه خدا خواست است شد نیست هیچ کس را توانی مگر

بِاللَّهِ إِنْ تَرَىٰ أَنَا قَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ۱۱ فَعَصَىٰ رَبِّي أَنُ يُكَفِّرُنِي

بیشیت خدا اگر می بینی مرا کمتر از تو مال و فرزند پس شاید که پدر و در کار من بدید مرا

خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلْ عَلَيْهَا حِصَانًا مِنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحَ صَعِيدًا

بہتر از بوستان تو و بفرستد بر توستند بر بوستان تو غذا آید از آسمان پس گردد زمین به کباب

زَلَقًا ۱۲ أَوْ يُصْبِحَ مَاءً غَورًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ۱۳ وَأَجِطْ بِمَرْهَةٍ

لغز شده یا یا شود آب او فرو رفته پس توانی آفرین جملین و بقیوت احاطه کرده است میوه مانده او

فَأَصْبَحَ يَقْلِبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَفْقَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَ

پس بامداد گردی مایه در دست خود محسوس بر آنچه طرح کرده بود در غایت آن و آن افتاده بود بر سقف مانده خود و

يَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أَشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا ۱۴ وَلَوْ تَكُنْ لَهُ فِتْنَةٌ يَبْصُرُ وَتَهُ

می گفت ای کاش شریک نگردی بایزد و در کار خود هیچ کس را و نبود او را هیچ جایی که یاری و سہیلش

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا ۱۵ هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ

بجز خدا و نبود او را انتقام گیرنده ایجاب ثابت مقرر کار سازی خدا ای همیشه باشنده راست و بهتر است

تَوَابًا وَخَيْرٌ عَقَابًا ۱۶ وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا الْحَيَوةَ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ

از دین تو اب دادن و بهتر است از دین جزا دادن و میان من برائے ایشان دانستند زندگی دنیا را دین مانتا دینیت گرد و در دنیا و شری

مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ

از آسمان پس در هم پیچید بسبب و در سستی زمین پس شد آخر کار در هم شکسته می پراشیدش

الرَّيْحُ ۱۷ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا ۱۸ الْهَالِكُ وَالْبَتُونَ زِينَةً

باد و بهشت خدا بر همه چیز توانا و باد و فرزندمان آرایش

الْحَيَوةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَةُ الصَّالِحَةُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ تَوَابًا وَخَيْرًا

زندگانی دنیا و حیات پاینده شایسته بهتر است نزد و یک خدا از جهت تو اب و خوب تر است

أَمَلًا ۱۹ وَيَوْمَ نُسِفُ الْجِبَالُ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً ۲۰ وَحَشَرْنَاهُمْ

از جهت امید داشتن و آن روز گردانیم یک کوه باران به بینی زمین را ظاهر شده و جمع سازیم مردمان را

عنه فذا انزل اسل ترا
یعنی آدم علیه السلام نام
از خاک بے جان آنکه
سپس خود را از خاک
پیدا کرد زمین و یک قطره
نمایند بود و در زندگی
بخند و قوت بایست
در حالی غفلت کرد و یک
مرد سالم و جسم ساخت
آیا باین بر انکار
میکنی که توانی پس
از مردنت دوباره ترا
حیات داده خواهی
توانست نفوت آ
را که تو غفلت کرده باز
متانید و من بر گردان
عقیده یسعیم بلکه یقین
دادم که او تبارک
است و خدای او
به یکس سپیم نیست
و کسی نمی تواند مقابل
حکم و اختیار او در زند
عالم به صورت
نعمت خداست و اگر
کسی از ایمان بفرمان
آورد بدو چاره افت
جیش و دینش که در چین
ه و قول در باغ و در
۱۱ اقلن ان
۱۲ امید نهاده اند
۱۳ ما شاء الله لا قو
۱۴ الا بالله می گفت
۱۵ یعنی خدا آنچه خواهد
۱۶ فرایند باقی قوت و
۱۷ اختیار ندایم حصول
آن تنهاد البتہ به
اعاد و اعانت دوست
اگر او بخواند می تواند
به آن واحد باشد در
به ایات است که بخیر
تخص در کار و پادشاه
خود اسرار نازک قلبا
بسیه اید این مقام
را بگویند اشارت
لا قو الا بالله
جمعیت و اولاد

والمی وادی اند
 دایم ہائے دوزخ
 تا کی بدیگرے نتواند
 رسید ۱۲ کفر غفائی
 مدد دین پیدا کردن
 زمین و آسمان مابین
 شیطانی را دعوت داده
 بودیم کہ آمد تا شکند
 کدورت ساختند
 است و باد و خیزش
 نفوذ نمود است
 غمزدگی و ایجا
 عالم از آنجا چرخ
 منور و گرمی دوزخ
 اعدای خدایم
 بلکه وقت ۱۸
 آفرینش زمین
 و آسمان قطعا وجود
 هستی ہم بداشتند و
 چوں خود آنها را آفریدیم
 بمشایان ان پیر سرزمین
 که شکار چطور پیدا
 کنیم و دیار دیگر ہم
 جنسان شکار آنگونه
 خلق نماییم و چندی
 توین تصور نمود که
 این کار را میگردیم و
 از آنها استعداد
 می نمودیم زیرا احوال
 این اشیای بدو عالم
 بر ما معلوم بود و یک
 میدانستیم کہ آنها را
 و از راه حق مگر می
 کنند جای حیرت است
 کہ چطور مردم آنها را
 خدای پادشاه و
 پروردگار خود را
 گذشت آنها را بفرست
 و مدد کار خود
 ساختند ۱۹
 سبحانہ تعالی
 علی قول القرآن علما
 کبریا - مدد قرآن کریم
 بچشمینات مختلف
 الهامات و انوار
 سخنان راست و
 می باشد مگر انسان چنان محاسن و اوج در است ہم از هر
 سخن متوفی می شود و تفسیر در مقابل و لایق جواب آورد و می تواند به قرآن اشارت

فَلَمْ نَجِدْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۱۳ وَ عَرَّضُوا عَلَى رَبِّكَ صَفَاءً لَقَدْ جِئْتُمُونَا
 پس نگذاشتیم از ایشان هیچ کس را در و بر د آورده شوند پیش پروردگار تو صفی کشیده گویم ہر آئینہ آمد پیش ما
 پس نگذاشتیم از ایشان هیچ کس را در و بر د آورده شوند پیش پروردگار تو صفی کشیده (ہر آئینہ آمد پیش ما)
كَمَا خَلَقْنَا أَوَّلَ مَرَّةٍ زَبَلٌ زَعَمْتُمْ أَنَّ الْجَحَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ۱۴ وَ
 چنانکہ آفریده بودیم شمار اول بار بیکدیگر می پنداشتید کہ شما را ساحت برائے شما وعده گاہی و
 چنانکہ آفریده بودیم شمار اول بار بیکدیگر می پنداشتید کہ شما را ساحت برائے شما وعده گاہی و
وَضَعُ الْكِتَابِ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِنْهُ فَإِذَا هُمْ يَقُولُونَ ۱۵
 در میان بنیادہ شود نامہ اعمال پس بدین گناہ گاران را ترسان آید و در آن ست و می گویند
 بنیادہ شود نامہ اعمال پس بدین گناہ گاران ترسان آید و در آن نوشته است و می گویند
يُؤَيِّلَتْنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا ۱۶
 اسے دانے بر ما چه حال است این نامہ را می گوید ایچ محصیت خود را و نہ بزرگ را نہ اعطای کرده است آنرا
 اسے دانے بر ما چه حال است این نامہ را کہ نگذاشت است ایچ محصیت خود را و نہ بزرگ را نہ اعطای کرده است آنرا
وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظُنُّ رَبُّكَ أَحَدًا ۱۷ وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَكِ
 و بیابند ہر چه کرده بودند حاضر دست کشید پروردگار تو بسوی کس و یاد کن چوں گفتیم
 و بیابند ہر چه کردند بودند پیش پروردگار تو بسوی کس و یاد کن چوں گفتیم
السُّجْدَ وَالْإِدْمَ قَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ
 سجده کشید آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بود از جن پس بیرون شد از
 سجده کشید آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس بود از جن پس بیرون شد از
أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ
 فرمان پروردگار خود اسے مردمان آباد و ست می گردید اورا و فرزندان اورا بنیاد
 فرمان پروردگار خود آباد می گردید اورا و فرزندان اورا دوستان عزیزان
عَدُوِّكُمْ وَبَنَسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا ۱۸ مَا أَشْهَدُ لَهُمُ خَلْقَ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ
 دشمنی اند شیطان بدو عرض ست ستم گاران را حاضر نموده بودم ایشان را نزد یک آفریدن آسمانها و زمین
 دشمنی اند شیطان بدو عرض ست ستم گاران را حاضر نموده بودم ایشان را وقت آفریدن آسمانها و زمین
وَإِخْلَقَ أَنْفُسَهُمْ وَوَكَّلْتُ مِنَ الْجَبَلِينَ عَصْدًا ۱۹ وَ يَقُولُ
 و نہ نزدیک خود آفریدن ایشان و بستم مدد کار گیرنده گمراہان را در روزے کہ
 و نہ وقت آفریدن خودشان و بستم مدد کار گیرنده گمراہان را در روزے کہ
يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ
 گوید خدائے تعالی اسے شریکان ندا کنند شریکان مرا کہان می نمودید پس ندا کنند آن جا و آنجا بگویند ندا کنند ایشان را
 و باید (خدائے تعالی) اسے شریکان ندا کنند شریکان مرا کہان می نمودید پس ندا کنند آن جا و آنجا بگویند ندا کنند ایشان را
وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا ۲۰ وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُهَا
 و ساقیم در میان ایشان مہلک و بے بینند گناہ گاران آتش را و بہ ہمتند کہ ایشان آتش را مانند دوزخ
 و گردانند ہم در میان ایشان جای بلای و بینند گناہ گاران آتش را پس خواهند آتش را از بین در آتش و اند و در آن
وَلَمْ يَجِدْ وَاعظها مَصْرُفًا ۲۱ وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ
 و نیابند از آن جلسے باز گفتن و ہر آئینہ گوناگون بیان کردیم در این قرآن برائے مردمان
 و نیابند از آن جلسے باز گفتن و ہر آئینہ بار بار نہ ہند ہم در این قرآن برائے مردمان
مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ الْإِنْسَانُ أَكْثَرُ شَيْءٍ جَدَلًا ۲۲ وَ مَا نَنْفَعُ النَّاسَ
 ہر نوع و داستان و ہست آدمی بیشتر از ہم چیز در خصوصیت
 از ہر مصلحت و ہست آدمی بیشتر از ہم چیز خصوصیت کنندہ مدد و باز نہ اندشت مردمان را

ی چنانہ مگر انسان چنان محاسن و اوج در است ہم از هر سخن متوفی می شود و تفسیر در مقابل و لایق جواب آورد و می تواند به قرآن اشارت

فل یفزعہ را
یا فتد ۱۲ انفسہما
عہ آن بندہ مہارت
از حضرت خضر علیہ السلام
بود و حق تعالی او را از
دست خصمی خود نجات
داد و علم اسرار کوینہ صحر
و ارض را فرمود بود
در این کتاب ۱۲ آیت است
که حضرت خضر علیہ السلام
کنیم و یا نبی و یا خضر
در اینجا اینگونه مباحث
فیصلہ نموده اند
این امر از حق بر طرف
رحمان و در و کلام
نہی و بیانند و چنانکہ
بعض تحقیقین فی الدنیا
کتابیہا نیز شریعت
و حدیثی آورده باشند
باین شان اینکہ حضرت
و اخبر آدم و نوح و
کتاب و معانی خضر
از شریعت مستوفی
عکاد القیامہ ملحق و یا
از خداوند بزرگوار
را استنفا کنند پس
تعلقات جزئی حضرت
خضر هم حاصل بود
و الشاہد بر سر
حال موسی علیہ السلام
با حضرت ملاقات کو ۲۱
بعد از سلام و تحیات
خضر علیہ السلام علت
تشبہ آوردی را از
موسی علیہ السلام چو
شد حضرت موسی علیه
السلام در جواب علت
آمدن خود را گفت
۱۱ حضرت خضر علیہ السلام
گفت ای موسی
بدون تشبہ انسانی
تا بدید زودہ لیکن
حقیقت این است کہ
علیک در جزئیات
کوینہ از طرف استنفا
از انانی شده و آن
مقدور بی شمار باشد

نصبا ۳ قال اریک اذ اوینا الی الصخرۃ فانی نسیت الخوت

سفر خود گفت آیا دیدی چون آرام کریمیم تلبیہ کردہ سبک پس من فراموش کردم ماہی را
زخمت گفت آیا دیدی چو من بایستہ کریمیم بہ نزد آن سنگ پس من فراموش کردم ماہی را

وما اسئنبہ الا الشیطان ان اذکرہ واتخذ سبیلہ فی البحر

یعنی آنچه فراموش ساخت مرا از آنکہ یاد کنم قصداً منکر شیطان و راه خود گرفت در دریا
و فراموش من نکرد و بعد از آن منکر شیطان کرد و یاد کنم از آنکہ و گرفت ماہی را خود را در دریا

بحما ۴ قال ذلک ما کنا تبع فارتد اعلی اثارہما قصصا ۵

بمعنی کتب گفت موسی این بود آنچه می جستیم پس باز گشتند بر نشان اقدام خود
لبرز بحسب گفت موسی این است آنچه می جستیم پس باز گشتند بر اقدام خود و نشان خود

فوجد عبد من عبدنا اتبہ رحمۃ من عندنا و علمتہ

پس یافتند بندہ را از بندگان ما کہ دادیم او را رحمتی از نزدیک خود و آموختیم او را
پس یافتند بندہ از بندگان ما کہ دادیم او را رحمتی از نزد خود و آموختیم او را

من لدنا علما ۶ قال لہ موسی هل اتبعک علی ان تعلمین ما

از نزدیک خود علی فل گفت او را موسی آیا پیروی تو کنم بشرط آنکہ بیاموزی مرا از آنچه
از نزد خود علی علم گفت او را موسی آیا پیروی تو کنم بشرط آنکہ بیاموزی مرا از آنچه

علمت رشد ۷ قال انک لن تستطیع معی صبرا ۸ و کیف

آموختہ شدی از راه یابی گفت پیر آئینہ تو نتوانی با من مشکیبانی کردن و چگونه
آموختہ شدہ فی از راه یابی گفت دہر آئینہ تو نتوانی با من مشکیبانی کردن و چگونه

تصبر علی ما لم یخطبہ خبر ۹ قال سجد فی ان شاء اللہ صابرا

مشکیبانی کنی بر چیزیکہ در نگرفتہ از تو دانستہ و افس گفت خواہی یافت مرا اگر خدا خواست است مشکیبانی
مشکیبانی کنی بر چیزیکہ در افس گفت خواہی یافت مرا مگر گنہ اگر خدا خدا

ولا اعصی لک امر ۱۰ قال فان اتبعنی فلا تسئلنی عن شئ حتی

و خلاف حکم یا تو در هیچ فرمانی گفت پس اگر پیروی من میکنی پس سوال مکن از من از هیچ چیز تا آنکہ
و تا فراموشی نکنم ترا در هیچ امر گفت اگر یافتی پیروی من میکنی پس سوال مکن از من از هیچ چیز تا آنکہ

احدک لک منہ ذکر ۱۱ فانطلقا حتی اذ اکبانی السفینۃ

خود را غایب برانے تواز حال آن بیلے پس راه رفتند تا وقتیکہ سوار شدند بر کشتی
خود را غایب برای توازان و کرمی پس برود در نقتد تا وقتیکہ سوار شدند در کشتی

خرقها قال اخرقها للغرق اهلها لقد جئت شیئا امرا ۱۲

خضر شکن کرد آن را گفت موسی آیا شکنای کنی تا غرق کنی اہل آن را ہر آئینہ آوردی چیزے عظیم را
بارہ کرد آن را گفت موسی آیا بارہ کردی از آنما فرق کنی اہل آن را ہر آئینہ کردی چیزے عجیب را

قال اقم اقل انک لن تستطیع معی صبرا ۱۳ قال لا تو اخذنی

گفت آیا شکستہ بودم کہ تو نتوانی با من مشکیبانی کردن گفت موسی مواظہ مکن مرا
گفت آیا شکستہ بودم کہ تو نتوانی با من مشکیبانی کردن گفت موسی مواظہ مکن مرا

بما نسیت ولا ترہقنی من امری عسرا ۱۴ فانطلقا حتی اذ ابقا

با من آنچه فراموش کردم و بر سر من مینداز در مقدمہ من سختی را پس راه رفتند تا وقتیکہ بر خود بود
پہ آئینہ فراموش کردم و مینداز بر من در کار من دشواری پس برود در نقتد تا آنکہ ملاقات کردند

علا فقتلہ قال اقلت نفسا زکیۃ بغیر نفس لقد جئت شیئا فکر ۱۵

با تو جوای خضر بشت او را گفت موسی آیا کشتی نفس پاک را بغیر نفس لغیہ ہر آئینہ آوردی شے نا پسندیدہ
با پیروی پس بکشت او را گفت موسی آیا کشتی نفس پاک را بغیر نفس لغیہ ہر آئینہ کردی چیزے نامعقولی

مقدور بی شمار باشد
از انانی شده و آن
کوینہ از طرف استنفا
علیک در جزئیات
حقیقت این است کہ
تا بدید زودہ لیکن
بدون تشبہ انسانی
گفت ای موسی
۱۱ حضرت خضر علیہ السلام
۱۲ حضرت خضر علیہ السلام
۱۳ حضرت خضر علیہ السلام
۱۴ حضرت خضر علیہ السلام
۱۵ حضرت خضر علیہ السلام

قال الماقل لك انك لن تستطيع

گفت آيا نم گفت بودم ياكو كه بر آيت تو نتوانی

معنى صبرا قال ان سالتك عن شئ بعد ما فلا تصحبنى قد

باین سخن گفتی کردن گفت موسی اگر بپرسم ترا از چیزی بعد از این پس سخت کن با من بر آیت

بلغت من لدني عدرا فانطلقا حتى اذا اتيا اهل قريتنا استطع

رسیدی از جانب من بعد عذر پس راه رفتند تا وقتی آمدند باین وسیع طعام طلب کردند

اهلها فابوا ان يضيفوهما فوجد افها جدارا يريد ان ينقض فاقام

از اهل آن دیه پس قبول نمودند اهل دیه که مهمانی کنند ایشان را پس یافتند در آنجا دیوار که میخواست بانه پس حالت

قال لو شئت لتخذت عليه اجرا قال هذا فراق بيني وبينك

گفت موسی اگر میخواستی بر آن چیز می گرفتم بر تو پادشاهی گفت ایست جدا می در میان من و تو

سالتك يتاويل ما لم تستطع عليه صبرا اما السفينة فكانت

چرخ طایفه را دور ترا بر سر آنچه نتوانستی بر آن سخن بگویی بر آن صبر بود

لمسكين يعملون في البحر فاردت ان اعياها وكان وراءهم ملك

از آن درویشان که کار می کردند در دریا پس خواستم که محبوس کنم آنرا و بود پیش روی ایشان پادشاهی

ياخذ كل سفينة غصبا اما العلم فكان ابو مؤمنين فحينئذ ان

که بگیرد هر کشتی در دست را به زبردستی و اما آن که چون پس بودند پادشاه مادرش پس ترسیدیم از آنکه

يذهبها طغيانا وكفرا فاردنا ان يهدا لها خيرا امده زوارة

غالب آید بر ایشان در سرکش و کفر پس خواستیم که عوض دهد ایشان را برود و کار ایشان بهتر از دوست از روی پادشاهی

اقرب رحما اما الجبار فكان لعالمين يتيمين في المدينة وكان تحته

نزدیک تر از جهت شفقت و اما آن که بود پس بود از دو جوان یتیم در شهر و بود زیر آن

كنز لها وكان ابوهم صاكا فاردت ان يهدا لها خيرا امده زوارة

گنجی از ایشان بود پدر ایشان بیگانه پس خواست برود و کار تو که این که جوان برسد به نهایت قوت خویش بر آید

كنزها رحمة من ربك وما فعلته عن امري ذلك تاويل ما لم تستطع

گنج خود از من رحمتی بر تو کرد و کردم آنرا از حکم خود این است سر آنچه نتوانستی

عليه صبرا و يسأله انك عن ذي القرنين قل سألتكوا عليكم منه

بر من سخن بگویی و می پرسد ترا از ذو القرنین بگو خواهم خواند بر شما از حال دس

بگو خواهم خواند بر شما از حال دس

تفسیر عثمان
عنه اگر چه بودی
مطاع مسلمان پیدا
نشد و اگر بعد از آن از
تأخیرات خارجی در
عین صباوت در
بعضی بنیادها بود
یشود و اگر چه علم یعنی
کامل آن مخصوص
خداست باینکه
آنان که بظلال حق
بیمیرند الله تعالی
در باب آن که حضرت
خضر علیه السلام را آگاه
نمود که او را دیده اند
شده اگر طاعت می شد
نوی و بد اخلاق می
برآمد طوریکه هر چه خود
والدین خود را می فرست
می کرد و مانند محبت او
لازمی گردیدند لهذا
کمال خود در حق الدین
در وقت دو سبک
خداست آنها را که به
به ظهور خدا آن بود
که او را پدر او را طاعت
استوار بماند برکت
الهی مقتضی شد که
خداست آیت از راه
آنها در شود به خضر
کمال را که بعد از آن
خضر علیه السلام استقامت
اگر نمود باقیانده بعضی
از این سوال که بعضی
خوانند گفت که بگو
اصلا نمی آید و اگر
آفریده بود نمی ماند که
این قدر شریک شود و
چون بیو نهان کرد
و نیاز بود و داند کافر
شدن والدین او هم
ایستی نداشت و یا
چون بگوید که آنها
بدنهادند شود انکار
بهرست باینکه
به غیرین داده می
تا آنکه بگوید که
کمال آن را که از حق

کمال آن را که از حق

ان يظهره وما استطاع **والله تعالى** **قال** **هذا رحمة من ربك** **فاد**

بالا روند بران و تنو استند او را سوراخ کردن گفت این عذرت کفایتی مست از پروردگار من و پس چو
بالا روند بران و تنو استند آنرا سوراخ کردن گفت این رحمتی است از پروردگار رحیم من ۱۷

جاء وعد ربي جعله دكاء وكان وعد ربي حلالا

باید غده پروردگار من را بخورند آنها بخوار و هست و غده پروردگار من را درست و بخورند این ایشانرا

مِنْ يَهُودٍ فِي بَعْضِ وَتَفَخُّ فِي الصَّوْمِ وَفِي عَزَمِهِ

آن روز که در آمیزند در بعض دیگر و دمیده شود در صورتی که آنکس از ایشان را به هم آورده آن
روز که در آمیزند در بعض دیگر و دمیده شود در صورتی که آنکس از ایشان را به هم آورده آن

[illegible]

درخا آلوده پیش کافور رد برد آوردن آسان بود چشم ایشان
چهره ایشان روزی بر آینه کافور مستر نهاده آنرا که بود حشمت الهی را در

عن ذكري وكان الاستطاعة (ن) سمع

یادمن و بجای توانستند سخن شنیدند یعنی از شدت بغض آریا پنداشتنند کافران که

منه و اعلم اني قد

دست گرفتن ایشان برندگان مرا بخیر من موجب عقوبت نباشد هر آینه ما آموخته و می دانیم و در برابر ای کافران چاره فرود آید

هل ننتقل يا اخي

و کما فی خبر و دیکم شما را یاکانکه زبان کادران شریفین مردم اندازدی شکل ایچتی بعد از تاشقند که کم سید سستی رشتن در زندگانی

... و در این کتاب ...

وایشان گمان می کنند که هیچ کاری نمی کنند در عمل این همانند که کافر شدند

و اما چوب کل می گویند

بیت - در روزگار خویش و حکایات او پس نیاوردند عن ایشان پس بر پا خواهم ساخت بملکه ایشان روز قیامت بیخ و بن

و قاضی اویس بر بادشاه اعلیٰ ایشان پس بر احوالیم ساخت برای ایشان بود و زیارت و زنی بود

بر این ایش و دوزخ باشد بسبب آنکه کافر شدند و گرفتند آیات مراد پیغمبران مرا به شکر هر آینه آنکه ایمان آوردند

ادبیات و درج است بنیب کفر ایشان و سبب کفر حق ایشان آیات و پیغمبر اکرم را تسویر بر آید آنرا نموده ایمان آوردند

ہرے شاستہ کو دیکھا تو ایشو را بوسہ اٹھائے۔ بہت چاہئے کہ مانی

اس کے نیک کردہ بہت برائے اہل ان جنت ہائے فردوس پہنچائی جاوید پارستند وراں

از آگاهی باز داشتن
چون اگر باشد
دریا سبایی برای تو هست
همان پروردگار من است و دریا

نشد از آنجا که گفتن چو اگر باشد بحر است (برای توضیح) گفتن برادر کار من برای آنکه قافای شود بحر

آن که آخر شوند سخنان کرد و در بحر من اگر چه سار هم باشد آن دریا بطریق من

و اگر چه بیادیم باشند آن بحر مدح و کلمات پروردگار من و اگر چه بیادیم باشند آن بحر مدح و کلمات پروردگار من

در این حکومت باین تصور حکمرانی الهی و امید آن سخن می گوید و در دو بخش بیس و یکم لغاری با ت سنجیس رفتار می نماید و سنجی باقی که در صورت

دل منور می شود و الهام
چون می شود و الهام
سال هفت ۱۲
تفسیر غفران ۱۳
عنه یعنی من پروردگار
و زوجه ام نازکی
است چنانچه هیچ آیه ای
فایده ای در او ندارد
نیست که صاحب زنده
شوم لیکن تو قدرت
در وقت ملامت خود
این عزیزان را که
از عهده خدمت دینی
بر آمده بار ما منت نهادی
ترایم و منتی بر ما ند
من درین حالت
ضعف و بیرونی چه
کرده می توانم آرزو
دارم که یک پسر لائق
و امین من پیدا شود
یا که خود را اشتغال کند
و مالک خزائن علم و
حکمت آنها و وارث
مالیات نبوت گردد
(تنبیه) از احادیث
همچو ثابت است که
مال انبیاء علیهم السلام
در اثنای جدی می باشد
بلکه در اثنای آنها
دولت علم جریان می
یابد روح الهی با
هر کتاب مستعد است
و کافی خلقی نیز این
مضمون روایت شده
است - نهاد است و
سجین است که در
"برخی ویرت من آل
یعقوب" در اثنای
مالی مراد نیست و
تا بعد آن از خود کلام
"آل یعقوب" ملاحظه
است زیرا آشکار
است که تنها پسر حضرت
زکریا می تواند است
و ادب احوال و
الحاک تمام آل یعقوب
شود بلکه از ذکر نفس در اثنای

مثلكم يوحى الى انك الله واحد فمن كان يريد جوارق الله
بأنه شهادى في رستاده می شود یوسته من که معبود شما همان معبود یکتاست پس هر که توابع دارد ملاقات
مثل شما و می رستاده می شود یوسته من که معبود شما معبودی است یگانه و پس پس هر کسی که امید دارد الهی
ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه احدا
پروردگار خود را باید که کند کار پسندیده و شریک ندارد
پروردگار خود را پس باید که کند کار پسندیده و شریک ندارد
بسم الله الرحمن الرحيم
بسم خداى متعال
۱ ذكركم رحمت ربك عبده زكريا ۱ اذ نادى ربه ناديا
این است بیان بخشایش پروردگار که زکریا چون ندا کرد پروردگار خود را بدعاى
این است و ذکر رحمت پروردگار تو پروردگار منده اش زکریا در آل وقت کند اگر پروردگار خود را ندای
خفيا ۱ قال رب انى وهن العظم منى واشتعل الرأس شيبا ولم
پنهان گفت اے پروردگار من سر آید شست شده است آستخوان از بدن من و برنگ آتش خیزد و سر من زیت منده است
پوشیده گفت اے پروردگار من تحقیق ضعف شده است آستخوان من و مظلوم سر من از پیری و
ان بدعائك رب شقيا ۱ و انى خفت الكواالى من وراءى وكانت
بنوم در دعای تو اے پروردگار من بے بهره و دهر آید من بے ترسم از آفتاب خود بعد از خود و هست
بنوم بدخواست از تو اے پروردگار من بے بهره و دهر آید من بے ترسم از آفتاب خود بعد از خود و هست
امرأتى عاقرا فهب لى من لدنك وليا ۱ و ربنى و برکت من ليعقوب
زن من نازالی پس عطا کن مرا از نزد یک نود که میراث گیرد از من و میراث گیرد از اولاد یعقوب
زن من نازالی پس عطا کن مرا از طرف خود مقرر کن که میراث شود مرا و وارث شود از اولاد یعقوب
واجعله رب رضيا ۱ زكريا اننا نبشرك بك بغلام اسمه كنا لم نجعل له
و این اورا اے پروردگار من مرد پسندیده و تقیم اے زکریا هر آینه ما نشاءت میبایم ترا بطاعت که نام او بچیده است پس از انکه
و بگردان او را اے پروردگار من پسندیده اے زکریا با تحقیق ما بشاءت میدیم ترا به پسرى که نام آن بچیده است پس از انکه از او بگردان
من قبل سميا ۱ قال رب انى يكون لى غلام و كانت امرأتى عاقرا
پیش ازین چه نام او را بگفت اے پروردگار من چگونه پیدا شود برائى من غلام و هست زن من نازالی و
پیش ازین چه نام او را بگفت اے پروردگار من از گنجایا شد برای من پسر عال آنگذون من نازالی است و
قد بلغت من الكبر عتيا ۱ قال كذلك قال ربك هو على هين و
هر آینه رسیدم ام از سبب کلاسان سالی به نهایت ضعف گفت بهم چنین است وعده گفت پروردگار تو این کار بر من آسان است
بحقیق رسیدم ام از سبب کلاسان سالی به نهایت (ضعف) گفت بهم چنین است گفت پروردگار تو این کار بر من آسان است (پ)
قد خلقتك من قبل ولم تك شيئا ۱ قال رب اجعل لى آية قال
هر آینه آفریدم ترا پیش ازین و نه بودی تو چنین بگفت اے پروردگار من چنین کن برائى من نشانه فرمود
هر آینه آفریدم ترا پیش ازین حال آنکه نبودى چنین بگفت اے پروردگار من چنین کن برای من نشانی فرمود
ايتك الا تكلم الناس ثلث ليل سوييا ۱ فخرج على قومه من الخراب
نشانی تو است که سخن نتوانی گفتن بامروان سرست باشد روز در حالتیکه هیچ المراج باشی پس بیرون آمد بر قوم خود از خراب
نشانی تو این است که سخن نتوانی گفت بامروم سرست باشد روز در حالتیکه هیچ و نقد دست باشی پس بیرون آمد بر قوم خود از خراب
فاوحى اليهم ان سبحوا بكرة وعشيا ۱ ليحيى هذا الكتاب بقوة
پس اشارت کرد بسوی ایشان که تسبیح گویند صبح و شام و
پس اشاره کرد بسوی ایشان که تسبیح گویند صبح و شام (گفت خدا) اے یحیی بگردان باد بقوت و
شود بلکه از ذکر نفس در اثنای

تَيْنَهُ الْحُكْمُ صِدْقًا ۝ وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَا وَزَكَاةً ۖ وَكَانَ تَقِيًّا ۝ ۱۳ ۝ وَبَرًّا

و دادش ^{بشخصه} از نزد یک خود مهادت نفس دیود پرینز کار و دیو کردار
و در محبت دادیم از نزد خود و پانزگی و دیود پرینز کار و دیو پانز کار

وَالَّذِي هُوَ يُخَوِّدُكُمْ وَيَعِزُّكُمْ هُوَ يَوْمَ يُدْعَىٰ الْأَشْجَارُ أَكْثَرُ شَهِيدٍ ۖ وَرَبُّكَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۚ

بهرادر خود بود کردن کش کهنگار
و سلام باد بر دوسه روز یک متولد شد و روز یک
بهرادر خود و نیند متکبر سر کش و سلام است بر دی (برنجی) در روز یک پیدا شده و در روز یک

بیت و یوم بیعت حیات (۱۵) و از گریه الکتب فریم ما را انتبذت

نبرد در روزیک برای غنیمت شود زنده و یادگن در کتاب (تقدیر)
مریم را چون یکسوف شد

۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱
 ۴۷۲
 ۴۷۳
 ۴۷۴
 ۴۷۵
 ۴۷۶
 ۴۷۷
 ۴۷۸
 ۴۷۹
 ۴۸۰
 ۴۸۱
 ۴۸۲
 ۴

پس گرفت از پیش ایشان بمرده پس فرستادیم

سوی، در دوح خدا نیس صورت گرفت بر آست مریم آدمی دوست اندام شده گفت بر آست من می پناجم بخدا

برای او فرستاده خود را پس مصورشند برای دی آدمی درست انعام گفت (در آینه) من پناه می جویم به رحمن

از تو اگر بر منیزگار باشی گفت جز این نیست که من فرستاده ام پروردگار توام تا عطا کند کم ترا

و انکه هرگز از کمال و بزرگواری و شرف و جاه و دولت و ثروت و مال و عیش و عشرت و لذت جز این نیست که من فرستاده پروردگار توام تا بتو بخشود

گفت چلو تے پیدا شو دہرائے من طفلی و دست نرسایندہ است بمن بیچ آدمی دیبر گز بنو دم
گفت از کجا باشی برای من۔ رسدوا زنی رسدہ اسیدہ بنو کہتہ دل طالع ہمارے بنو دم

فَقَالَ كَيْفَ لَكَ قَالَ اِنَّكَ هُوَ عَلِيٌّ هَاجِرٌ وَلَنْ تَحْمِلَ اَرْثَ

فرمود چنين است فرمود چنين است و مي خوايم كه بگوييد اين طفل را نشانه
فرمود چنين است فرمود چنين است و مي خوايم كه بگوييد اين طفل را نشانه

لَيْسَ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَكَانَ أَمْرٌ مُقْضًى ۝ فَحَمَلَتْهُ وَأَنْكَدَتْ

کس مردمان و بخش بسته از جانب خود و هست این مقدمه کاسه مقرر کرده شده پس شکم و اگر گرفت آن هفت این یکم شد بریم بسپ
زاسه مردم علائق و دهر باقی از جانب خود و این هست کار مقرر شده پس حاضرمند بودی پس یکم شد مردم با او

كَانَ أَفْضَلًا ۖ فَاجْتَمَعَا الْمَخَاضُ إِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَلَيْتُنِي

[illegible]

فَمَا مِنْهَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا تَحْزَنُ

پس آواز داد اور از جانب پایانش که غم گین مشو

فَلْجَعَلْ رَبُّكَ تُخْتُكَ سِرًّا ۝٩ وَهَرَمَى إِلَيْكَ بِجَذَعِ الْخُلَّةِ

در این کتاب آمده است که در روز دوشنبه بیستم ماه ذی القعدة سال ۱۰۸۰ هجری قمری در این شهر که در آن وقت از شهرهای مهم ایران بود و در آن وقت از شهرهای مهم ایران بود و در آن وقت از شهرهای مهم ایران بود

سقط علیٰ رطباً جنیاً ۱۵) فکی و اتہزی و یری عیناً فاقا تری

بر تو فرمای ناز به خیمه خورشید بخور و نوش و سرور و روضه اسرار و حکم را

[illegible]

مِنَ الْبَشَرِ احْدَا دَفَقُوْنِي اِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمٰنِ صَوْمًا فَلَنْ اَكْمُلَ الْيَوْمَ

از آدمیان کسی را پس بگو هر آینه من نذر کرده ام بپای خدا روزی را پس من نمی توانم تکمیل کنم

انْسِيَا ۱۱ فَاَتَتْ بِهٖ قَوْمَهَا تَحْمِلُهَا ۚ قَالَا اَيْدِيْرِيْمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا فَرِيًّا ۱۲

بیش آدمی پس آورد عیسی را پیش قوم خود برداشته گفتند ای سریم چه آید بر تو که ما را بیاوردی

يَا خَتَّ هٰرُونَ مَا كَانَ اَبُوْكَ اَمْرًا سَوِيًّا ۱۳ وَمَا كُنْتَ اَمْلًا بَغِيًّا ۱۴ فَاشَارَكَ

ای خاهر هارون چه بود پدر تو مرد بد و نه بود مادر تو زنا کننده پس مرتکب اشتباه گری

النَّبِيَّ ۱۵ قَالُوْا كَيْفَ نَكْلَمُ مَنْ كَانَ فِي الْهَدْيِ صَبِيًّا ۱۶ قَالَ اِنِّي عَبْدٌ

پیغمبر خود گفتند چگونه سخن گوئیم با کسی که در هدایت در حال کودکی است

اللّٰهُ اَتَشْنٰى الْكِتٰبَ وَجَعَلْنِيْ نَبِيًّا ۱۷ وَجَعَلْنِيْ مَدْرَسًا اَيْنَ مَا كُنْتُ ۱۸

خدا ام را چه کتاب را ساخته است مرا پیغمبر و ساخته مرا خاندان مدرسه را جایی که باشم

اَوْ صَبِيًّا بِالصَّلٰوةِ وَالزَّكٰوةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ۱۹ وَبَرَّ اَبُو الْيَدٰتِيْ وَلَمْ

مستحقم زکوة و نماز و زکوة مادام که زنده باشم و ساخت مرا بنیکو کار پدرم را در خود

يَجْعَلْنِيْ جَبَّارًا شَقِيًّا ۲۰ وَالسَّلَامُ عَلٰى يَوْمٍ وُلِدْتُ وَيَوْمَ اَمُوْتُ وَيَوْمٍ

نذر کرده است مرا گردن کش بد بخت و سلام بر من است روزی که متولد شدم و روزی که بمیرم و روزی که

اَبْعَثْ حَيًّا ۲۱ ذٰلِكَ عَلِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ ۚ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيْهِ يَمْرُؤُنَ

برای خودم زنده شود اینست حق عیسی پسر مریم گفت حق را حق که در آن مردم نزاع می کردند

مَا كَانَ لِلّٰهِ اَنْ يَّتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ سُبْحٰنَہٗ اِذَا قَضٰى اَمْرًا فَاَنشَا

نیست لایق خدا آنکه بگیرد از فرزندان او را راست چون سر انجام کند کار می جنبش نیست که

يَقُوْلُ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ ۚ وَاِنَّ اللّٰهَ رَبِّيْ وَرَبَّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ ۚ هٰذَا

میگوید او را شو پس اوست خدا و گفت هر آینه الله پروردگار من است و پروردگار شما پس بپرستید او این است

صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ۲۲ فَاخْتَلَفَ الْاَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِيْنَ

راه راست پس اختلاف کردند جماعت ها در میان خویش پس وای

كَفَرُوْا ۚ وَاَمِنْ مَّشْهَدٍ يَوْمٍ عَظِيْمٍ ۲۳ اَسْمِعْ بِهِمْ وَاَبْصُرْ يَوْمَ يَأْتُوْنَكَ

کافران را از حاضر شدن روز بزرگ چه گذر سنان آید چه قدر چنان باشند روزی که بپایند پیش ما

لٰكِنَ الظَّٰلِمُوْنَ الْيَوْمَ فِيْ ضَلٰلٍ مُّبِيْنٍ ۲۴ وَاَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَشْرِ ۲۵

لیکن این گناهان امروز در گمراهی ظاهر اند و بترسان ایشان را از روز پشیمانی

عده و تکیه بر سر آورد
آغوش خود برداشته
پیش قوم خود آمد مردم
اورا دیده بلی حیران
گشتند و گفتند ای سریم
چه آید بر تو این چیز
ساختگی را از کجا آوردی
زیاده ازین مدد بخ
بزرگ چه باشد که یک
دختر باکره دے شوهر
دعوی کند که مرا یک
پسر پیدا شده عده
اقوام مریم و باره او
بدگمان شده و گفتند
مادر و پدر و خاندان
تو همیشه مردان نیک
بودند ای خلقت بد
تو از کجا پیدا شد از
مردمان نیک اولاد بد
محل نجس است این
مریم را... اخت بارد
ازین گفتند که از نسل
هارون و علی السلام
برادر حضرت موسی
علیه السلام بود و گویا
مقتول و از او اخت
بارون... اخت بارد
می باشد چنانکه در
... و از کجا خاندان
علیه السلام را برادر
... عاده گفته حال
آنکه... عاده تمام
مورث اعلای آن
قوم بود و ممکن است
... اخت بارد...
سخنی ظاهری گرفته
شود از بعضی احادیث
میگذشتند و گویان
آن برادر مریم یک
صالح بود... حاصل
کلام این است که
برادر و کوردان نیک

برادر و کوردان نیک و مانند شما رسالود و نسبت تو به هارون علیه السلام صحیح میشود پس این حرکت نامستلزم است چطور مرتکب شدی ۱۲

فضیلت حضرت
اسمعیل بر حضرت
اسحاق ظاهر میشود زیرا
که او را تنها نبی
فرموده اند اسمعیل را
« رسول بنی » گفته
حدیثی است در صحیح
المسلم « ان الله
اصطفى من اول ابراهيم
اسمعیل الذی فی اولاد
ابراهيم اسمعیل
را برگزید حضرت
اسمعیل صورت
اعلی عرب حجاز
و از اجداد پیغمبر ما
علیه السلام است که نسبت
ابراهمی را حاصل بوده
بهرت « بنی جریم »
در مبعوث و حدیثی است
او بعد از پودش مشهور
بوده عده را که از اجداد
یابندگان میکرد البقاء
می نمود - با یک شخص
و عده گرد - تا مانند
نویس بیانی من
پس جاستم
گویند که او تا
یکسال نماند -
اسمعیل در میان یافا
نزد - از بنی کریم
صلی الله علیه و سلم هم
منقول است که نسبت
نسبت ایشان
« ان الله بنی الی اسماء
یا حضرت گفت که
در شما هم جا باشد
من فورا بر میگردد
و آنحضرت تا سر روز
بها نجا قیام داشت
چون مادت کوه
پاد فرمود که « مرا بیاور
زحمت وادی تو را در
از سر روز بایست
پس جاستم حضرت
اسمعیل و حق گمان
صداقت را در و عده
ظاهر کرد که پدر خود گفت «

كَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ۝ وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَا نَبْحَهُ
بود فرستاد نیکو خا بر سه و ندا کردیم او را از جانب راست کوه طور و نزدیک من جستم و او را از گویان
بود رسول بنی و ندا کردیم او را از جانب کوه طور و راست (موسی) و نزدیک من جستم و او را از گویان
و هَبْنَاهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ
و عطا کردیم او را از رحمتش خود برادر او بارون بنی است و یاد کن در کتاب اسمعیل را
و بخشیدیم برای او از رحمت خود برادرش بارون را بنویس ده ما جستم برای او از رحمت خود برادرش بارون را بنویس ده ما جستم
إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ۝ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ
پس آئینده دسه بود راست وعده و بود و استاده پیغمبر و میفرمود اهل خود را
پس آئینده او بود راست وعده و بود رسول بنی از استاده پیغمبر و میفرمود اهل خود را
بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ
بنماز و زکوة و بود نزدیک پروردگار خویش پسندیده و یاد کن در کتاب
بنماز و زکوة و بود نزدیک پروردگار خود پسندیده عده و یاد کن در کتاب
أَدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ۝ وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ
ادریس را بر آئینده دسه بود راست کرد از پیغمبر و برداشتیم او را به مقام بلند ایشان آمانند و
ادریس را بر آئینده او بود نهایت راست بنی و برداشتیم او را به مقام بلند ایشان آمانند و
أَنعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِنْ حَمَلَةِ مَرْيَمَ وَجِئ
انعام کرده خدا بر ایشان از ذریه از پیغمبران از اولاد آدم و از اولاد عیسی و از اولاد مریم
انعام کرده الله بر ایشان از پیغمبران از اولاد آدم و از اولاد عیسی و از اولاد مریم
وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَءِيلَ وَمِنْ هَدْيِنَا وَابْتَدِئْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ
و از ذریه ابراهیم و یعقوب از جمله آنا نکر او را راست نمودیم ایشان را و بر برگزیدیم چون خوانده می شد
از اولاد ابراهیم و اسماعیل و از جمله که شایسته هدایت نمودیم ایشان را و بر برگزیدیم چون خوانده می شد
عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرَوْا سُجَّدًا وَابْتِغَاءً لِنَافَعٍ ۝ فَاخْلُفْ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ
بر ایشان آیات رحمتی افتادند سجده کنان و گریین پس جانشین شد بعد از ایشان تا خلف چند
بر ایشان آیات رحمتی افتادند سجده کنان و گریین پس آمد بعد از ایشان تا خلف
أَصْنَعُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا زَكَاةَ الشَّهْرِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا ۝ أَلَا مَنْ
که ترک کردند نماز را و پیروی کردند خواستش با ما پس نمی آیند یافت چیزی که برای
که صانع کردند نماز را و متبع کردند خواستش را پس زود پاشد که بر سرند بد جزا که برای
تَابَ وَأَمِنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَابْتِغَاءً لِنَافَعٍ ۝ أُولَئِكَ الَّذِينَ
توبه کرده ایمان آوردند و کرد عمل نیک پس ایشان می آیند در جنت و کم کرده می شود از کوب آن کرده
توبه کرده ایمان آوردند و کرد عمل نیک پس ایشان می آیند در جنت و کم کرده می شود از کوب آن کرده
شَدِيدًا ۝ جَنَّاتُ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ ۝ إِنَّهُ كَانَ
بر ایشان بوسه نماند بهیتر ماندن کرده عده داده است خدا بنده گان خود را نادیده بر آئینده هست
چیز جنت هست (نامت کرده عده داده است رحمتی بنده گان خود را بغیب) بر آئینده هست
وَعَدَاهُ مَا تَبَيَّنَ ۝ لَا يَدْخُلُونَ فِيهَا الضَّالُّونَ إِلَّا سَلَامًا وَلَهُمْ فِيهَا زَوْجٌ مِمَّا يَشْتَهُونَ
و عده او البته آئینده بشنوند آنجا هیچ سخن پنهان بوده لیکن سلام شوند و ایشان را بود روزی ایشان آت
بر و عده او رسیدن البته آئینده لقونند در آن سخن پنهان بوده لیکن سلام و ایشان را راست روزی ایشان و آن
بُكَرَةٌ وَشَجَرٌ ۝ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ۝
چوب و شام ایست آن بهیست که عطا کنیم از بنده گان خویش که زاکر بر پیغمبر کار بود و
چوب و شام این همان جنت است که میراث میدهم از بنده گان خود آنرا که بر پیغمبر کار باشد و

یابن اخیل ما تو را محمد بنی از ان الله من الضامین (مناجات رکوع ۳) و میبایستن طور ثابت کرد عده و بگویند را باریت میگوید و دعا

اَنْزَلْنَا الْاَيَّامَ رِيًّا لَهُ مَا بَيْنَ اَيْدِيَنَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ

زمنان گفته که روزی آیم اما حکم پروردگار و اور است علم آنچه پیش ماست و آنچه عقب ماست و آنچه در میان ماست و آنچه در میان شماست

اَمَّا كَانَتْ رُبَّكَ نَسِيًّا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَ

بست پروردگار تو فراموشی کار اوست پروردگار آسمان ها و زمین و آنچه میان آنهاست پس عبادت او کن و

صَاطِرٍ لِّعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا وَيَقُولُ الْاِنْسَانُ اِذَا اَمَامَتْ

شکایت او بر عبادت دس آید مدانی او را بمنای منی مانند دیگر آدمی یعنی آدمی کافر آیا چون میم

لَسَوْفَ اُخْرِجُ حَيًّا ۱ اَوَلَا يَذْكُرُ الْاِنْسَانُ اَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ

برون آورده خواهیم شد زنده شده آیا یاد می کند آدمی که ما او را از پیش ازین و

يَكُ شَيْئًا ۲ فَوَرَّكَ لَنَحْشُرَنَّهُم وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنَنْحَضِرَنَّهُمْ حَوْلَ

چیزی چیزی پس قسم پروردگار تو که البته بر آنچه این منکران لعنت را با شیاطین باز خواهیم گردانید ایشان را حذل

جَهَنَّمَ حَتَّى ۳ ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ اٰيَةً اَسَدًا عَلٰى الرَّحْمٰنِ

دور بر آورده افتاده باز بر قسم از هر دسته از ایشان نجات کننده ترست بر خدا

عَلَيْنَا ۴ ثُمَّ لَنُخِّنَّ اَعْمٰی بِالَّذِيْنَ هُمْ اَوَّلٰی بِهَا صِلٰتًا ۵ وَاِنْ مِّنْكُمْ اِلَّا

اوست تا زمانی باز ما را تا نرسیم تا آنکه ایشان را از اولی در آمدن و درخ و نیست نشان از هیچ کس

وَاِذَا هُمْ كَانُوا عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضٰی ۶ ثُمَّ نَسْجِي الْاٰلِیْنَ اَتَقَوُّنَدُ

گردد بران هست این وعده لازم بر پروردگار تو مقدر کرده شد باز بر ما نیست متقین را و بگذریم

الظَّالِمِیْنَ فِیْهَا حَتَّى ۷ وَاِذَا نَسَّ عَلَیْهِمْ اٰیَتِنَا بَیِّنَتٌ قَالُ الْاٰلِیْنَ كَفَرُوْا

ظالمان را آنجا بر آورده افتاده و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما واضح آمده گویند کافران

لِّلَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اِیُّ الْفَرِیْقَیْنِ خَیْرٌ مَّقَامًا وَاَحْسَنُ نَدٰیًا ۸ وَكَمْ اَهْلَكْنَا

مسلمانان را کدام یک از این دو گروه بهترست در مرتبه و دیگری تراست از دین و مجلس و کس و بسیار پاک کردیم

قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ اَحْسَنُ اَثَانًا وَاَوْرَثْنَا ۹ قُلْ مَنْ كَانَ فِی الضَّلٰلَةِ

پیش از ایشان طایفه مردمان را که بهتر بودند باعتبار رحمت خانه و از دس نواری بگوهر که باشد و گمراهی

فَلَمَّا دَلَّهُ الرَّحْمٰنُ مَدًّا اَهْ حَتّٰی اِذَا رَاوْا اٰیَةً عَدُوْنِ اِنَّا السَّاعَةُ

نزد میزدند او را خدا افزون دادنی تا و بگذریم بگذرند آنچه ترسانیده شدند یا قیامت را و یا قیامت را

فَسِیَعْلَمُوْنَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَّكَانًا وَاَضْعَفُ جَنْدًا ۱۰ وَزَیْدُ اللّٰهِ الَّذِیْنَ

پس خواهند دانست کدام یک بدترست در مرتبه و تا توان ترست باعتبار لشکر و زیاده میدهد خدا

فل یخبر قیامت ۱۸
فل یخبر از ابدت
خلق آسمان و زمین ۱۹
فل یخبر از عزت دنیا
مغز و شد ند ۱۲
قصیر عثمانی
باری جز نیل جبین
روز نیا بد آنحضرت
صلی الله علیه و سلم
افرو و منقضی
پس کفایت با این محقق
آفرید خود ند کعب محمد
از وی رنجیده و او را
و گذشت است آنحضرت
صلی الله علیه و سلم
لکن بیاورد از آنحضرت
شده از جبرش شرفی از
آنحضرت صلی الله علیه و سلم
پرسیده است که در این
است ما نمیکند آنحضرت
از عاقلان و نادانان و چون
نزد آنحضرت می آید
چنانچه آنحضرت فرمود
تعلیم داد که بنویس و بگو
و ما مقول با برکتی از
این خداوند است که
طرفه جز نیل جبین
یک نوبت از این سخن
است حاصل جواب این
است که ما خلاصه
ما بر قسم بیرون امر
خداوند بخود ما
جدا نموده نمی توانیم
رقت و بیایان آمدن
ما هر یک را از آن است
هر وقت که حکمت کامل
خود مناسب و اندک
نزد میزدند او را
بر زمانه داعی حال
مستقبل و بر مقام
در میان آنها فقط در
خود او است و همان
وقت ملک و تابض
بر چنین است و میدانند
اختیار می دهد که هر
نحوه باشد که می
خواهد خدا را

طایفه در قیامت
 صلیبی مسلح
 و در عهد قیامت
 تفسیر غنائی
 بقیه صفح ٣١٢
 ارواح پیش روی او
 پس ما آسان زمین
 است یعنی در جبین پایا
 شدن زمین پیش روی
 و آسمان و پس است
 و در جبین بالا رفتن آسان
 پیش روی زمین پس
 می باشد و اگر از پیش
 روی عقب و تقدم
 و تا خزانه می برود باشد
 زمانه متعلق پیش روی
 و زمانه می پس
 است و زمان
 حال بین هر دو
 (تشییه دوم) اول
 فرموده که در آستان
 جنت آتقی ای کس
 مستند که از خداوند
 میزند و در برگاه
 و در آیت خلعت
 شریف خود که لایق
 تر سید نادوی
 نقطه ذاتی است
 که تمام از زبان معانی
 در تفسیر وی است
 و بدون علم و
 اجازه او بزرگترین
 فرستاده هم با خود را
 جفا نموده نمی تواند
 اگر آنان میخواستند
 میراث جنت را بدست
 آمد برود لازم است که
 مثل فرشته گان حق
 و مستند حکم الهی گردد
 و بر طرف با شاره
 شد که خدای تعالی بفرستاده
 گشته گان مخلص خود
 را فرستاده و در آنجا
 هم فرستاده و بفرستاده
 آنها را به جنت میفرستاده
 و آنست که در جنت

اهتدوا هدی والبقیت الصلحت خیر عند ربک ثوابا وخیر مرددا ۱۱
 راه را با ما راه هدایت و حسنات پاینده شماست بهتر نزد من است ثواب و خیر مرددا
 اگر راه یافته اند هدایت و خیر پای پاینده بهتر است نزد من ثواب و خیر مرددا
 امرت الذی کفر یائتنا و قال لا وتینک ما لا وولدا ۱۲ اطلع الغیب
 ایادیدی آن را که کافر شد بایات ما و گفت ایستاده و فرزند ما را مطلع شده است بر غیب
 ایادیدی را پس خبر بدو آنرا که کافر شده به آیات ما و گفت هرگز نداده و فرزند ما را مطلع شد و غیب را
 امرت عند الرحمن عهدا ۱۳ کلا سنکتب ما یقول و نسد له من
 یا گرفته است از نزدیک خدا عهد سه نه چنان بود خواهیم نوشت آنچه می گوید و افزون نمیشد
 را گرفته از نزد من عهد نه چنین است نوشته نگاه میداریم آنچه می گوید و زیاده می گیریم برای او از
 الحداب مددا ۱۴ و نثرته ما یقول و یائتنا فردا ۱۵ واتخذوا من دون
 غیبت افزون دادی و باز ستاییم پس از وی آنچه می گوید و باید پیش ما بنها شده و خدا ایمان گرفتند
 عذاب درازی می گیریم از او و بطریق میراث آنچه می گوید و می آید نزد ما بنها دست حالی و گرفته در مشرکان و نثار
 الله الهه لیکونوا لهم عزرا ۱۶ کلا سیکفرون بعبادتهم و یکونون
 بجز الهه تا باشند ایشان را سبب عزت نه چنان بود منکر خواهند شد به شستن میبودان خود را و خواهند شد
 خدا سبب داند تا باشند برای ایشان در سبب عزت نه چنان است نه دوست منی نموندند از پیش ایشان و میشوند
 علیه هم ضددا ۱۷ الذ ترانا ارسلنا الشیاطین علی الکفرین نورهم
 بر ایشان سبب نموده آیدیدی که می فرستیم شیاطین را بر کافران می بنمایند ایشان را
 بر ایشان مخالف آیدیدی که در میان ما سبب بودیم شیاطین را بر کافران می بنمایند ایشان را
 ان فلا یجعل علیهم ثارا نعد لهم عدا ۱۸ یوم نحشر الشکین الی
 بنمایند بی سبب شتاب من بر ایشان جز این نیست که مدت می شماریم برای ایشان شمار کردی روزی که بر ایشان سبب
 بر ایشان پس سبب کن بر ایشان جز این نیست که می شماریم برای ایشان شمرده و بزرگتر از آنست که سبب
 الرحمن وفدا ۱۹ ولسوق المجرمین الی جهنم و رکابهم لا ینسکون
 در عین مهمل آمده و روان کنیم گن کاران را بسوسه و دوزخ نشسته شوند نتوانند
 و من بعد و دوزخ جماعت گرامی و میراث من گن کاران را بسوسه دوزخ نشکان نتوانند
 الشفاعة الا من اتخذ عند الرحمن عهدا ۲۰ و قالوا اتخذ الرحمن
 شفاعت کردن الا سبب گرفته است نزدیک خدا عهد سه و گفتند فرزند گرفته است
 شفاعت منکر سبب گرفته است از نزد من و عهد می گویند که دوزخ گرفته است و من
 ولدا ۲۱ لقد جئتم شیا اذا تکاد السموات یتفطرن منه وتنشق
 خدا فرمود ایشان را هر آنچه آید دید چنانچه رستی نزدیک اند آسمان با که بشکند ازین سخن و بشکند
 فرزند هر آنچه گرفتار آمدید را آیدید چنانکه در رشت نزدیک است آسمان با بشکند ازین سخن و بشکند
 الارض و تنزع الجبال هذا ۲۲ ان دعوا للرحمن ولدا ۲۳ و ما ینبغی
 زمین و بیاخته گودا باره باره شده بسبب آنکه اقیامت کردند خدا فرزند سه و نه سبب
 زمین و بیاخته گودا سبب گرفته است برای بنمایند برای زمین فرزند و سبب شتاب
 للرحمن ان یمتد ولدا ۲۴ ان کل من فی السموات والارض الا الی
 خدا سه را که فرزند گیر نیست هیچ یک از آنها که در آسمان با و زمین اند منکر آیت
 زمین را که بفرزند گیر نیست هیچ یک از آسمان با و زمین که نباید سبب
 الرحمن عهدا ۲۵ لقد احصیهم وعد لهم عدا ۲۶ و کلام الله یوم القيمة
 پیش زمین بنده است در گرفته است این را از شمار کرده است ایشان را که در دوزخ اند و ایشان را که در جنت
 در دوزخ اند و ایشان را که در جنت اند و ایشان را که در دوزخ اند و ایشان را که در جنت اند و ایشان را که در دوزخ اند

قَدْ أَفْلَحَ ۚ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ اللَّهُ

تیر تہ ہر آیتہ اندویش آرد و کہد ہائے شاکستہ کرد و نہیہ انجا کرد برائے ایشان خدا دوستی را اول
تیر ہر آیتہ انانکہ آرد و نہیہ و ہر ہائے شاکستہ آرد و نہیہ کہد برائے ایشان رحمت دوستی را اول

أَنَّا لَنَبْشُرُكَ بِبَشِيرٍ مِّنَ الْمُتَّقِينَ وَنُنذِرُكَ بِقَوْمٍ كَذَّابِينَ ۝

در هیئت د آسان ب حاتم دوران را بزرگان کو تا مرده و بی باس متقیان را و شیرمائی کرده ستی ندان را و بسیار
 در جوی نیست که آرن سا قیتم طران را از زبان دولت کو تا مرده و بی باس یکره کز ان را و شیرمائی را و سرکه و سق و کدو

هَلْ مِنْ قَرْيَةٍ هَلَّتْ خَشْيَتُهَا مِنْ أَجْلِ أَحَدٍ مِّنْهُمْ

کرم پیش از ایشان از طبقات مردم آیامی یعنی هیچ کس را از ایشان آیامی رشتنوی از ایشان آواز نمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تمام خدا سے بخشا ہوا ہے۔ مہربان

١٠ ما أنزلنا عليك القرآن لتشتم ١١

فوتة فرستد هم بر تو قرآن را تا به ریج کشی
فردا بر تو هم بر قرآن را که ریج کشی

مِنْ خَلْقِ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ الْعَالِيَةِ السَّحَابِ عَالِي السَّمَاءِ

فارس سید آفریده است ز این راه آسانهاست بلند را
جان آفریده نیم و آسان را نه بلند را

[illegible]

است آنچه را که شما نهیاست و آنچه در بین سبب و آنچه در میان آنهاست و آنچه زیر قلم شماست و آنچه در آستانه شماست

و اما در این کتاب که از او است و در آنست که در این کتاب است و در این کتاب است

وَأَيُّ

[illegible]

است جو خبر موسیٰؑ

سنة ١٠٠٠ هـ

دارم که بیارم پیش شما از این آتش سحر. یا بیایم بر آن آتش راه نمایی پس چون بیاید نزدیک آتش آواز دادند و ای سحر

کتابخانه عمومی مسجد جامع اصفهان

من بدو در کار تو ام پس از یا بیزد آن نفس لعین خود را بر آئینه تو میزد آن چاکم طوی نام و من بر گزیدم ترا

... و ...

و در این بین که می آید و می شود هر آینه من خدا را می بینم و می بینم پس عبادت من این و بر این

و این را در روز هفتم و دوازدهم آید، من بعد از آنکه به پسر مرا رسیدی من

روز یکشنبه ۱۳۵۱/۱۱/۱۳

برای یاد کردن من سیرانیه قیامت آمدنی است بخواهم بهیال دارم آنرا با عیوض داده شود هر کسی را

[illegible]

عَلَى عَيْنِي إِذْ تَشَقَّى اخْتِكَ فَقَوْلُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَن يَكْفُلُهُ

چون میرفت خواهر تو چس می گفت آیا دلاست کنش شمارا هر کسی که نگهبانی این طفل کند

وَجَعَلْتُكَ إِلَى امْرَأَةٍ كُنَى تَقْرَعُ عَلَيْهَا وَلَا تُحْزِنْهُ وَوَقَّعْتُ لَكَ نَفْسًا

پس باد آوردم ترا بهوی مادر تو تا حنک شود چشم دے و اندک بلبین نباتند و بختیست شخصی را

فَجَبَّكَ مِنَ الْعَمَى وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلْيَنْتَ سَبِيلَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ

پس خاص من ساختیم ترا از اندوه و در محنت انگیزیم ترا باز نمودن پس در رنگ کردی سبیل های چند در اهل مدین

ثُمَّ جِئْتُكَ عَلَى قَدَرٍ مِّنْ مَّوْصَىٰ وَأَصْلَحْتُ نَفْسَكَ لَنُنَافِثَنَّكَ أَزْهَابًا

پس آمدی تو را بقدر تقدیر الهی اے موسی و من ختم ترا برای خویشتن و من ختم ترا خاص برای خود

أَخْرَجْنَا بِأَيِّهِ وَلَا تَنْبَاطُ فِي ذِكْرِي أَزْهَابًا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلُ

باز نمودیم تو را بایست نهائے من و سستی نکنی در یاد کن من بروید بسوی فرعون هر آینه دے از حد از دست است پس بگویند

لَهُ قَوْلًا لِّئَلَّا نَعْلَمَ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ بَعْدَ مَنَاسِكَ

پس سخن منم بود که بگوید یاد شود و باز ترسد گفتند دے هر دو بار ما هر آینه ما می ترسیم از آن که تقدیر کند برای ما

أَن يُطْغَىٰ قَالَ لَا تَخَفْ إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمِعُ وَأُنْذِرُ فَأَتِيَهُ فَقَوْلُ أَتَا رَسُولُ

باز حد کند گفت من ترسیدم هر آینه من با شما ام می شنوم و می بینم پس بروید پیش دے پس بگوید هر آینه از دست

رَبِّكَ فَارْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَءِيلَ وَلَا تَعَذِّبْهُمْ قَدْ جَعَلْتَكَ يَاقِيَةَ

برورد کار توایم پس بفرست ما را بنی اسرائیل را و عذاب کن ایشان را هر آینه آوردم پیش تو گفت نه

مِن رَّبِّكَ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَن اتَّبَعَ الْهُدَىٰ إِنَّا قَدْ آوَجْنَا إِلَيْكَ آتِ

از جانب برورد کار تو و سلامتی کن بر آن که پیروی راه هدایت کند بر آیت و می فرستاد و می فرستاد و می فرستاد

الْعَذَابِ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ قَالَ فَمِنْ رَبِّكَ يَمْوَسَّىٰ قَالَ رَبَّنَا

عذاب کن بر کسی را باشد که دروغ سخن و دروغ گردان شود و فرعون گفت پس کیست برورد و کار من است موسی گفت برورد و کار ما

الَّذِي آعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ قَالَ فَمَنْ أَلْفَا بِالْأَعْرَافِ الْأُولَىٰ

آنست که از او هر چیزی را صورت و خلق داد و باز راه نمودن بسطط معاش خود می گفت پس چیست حال فرستاده

قَالَ عَلَيْهِمُ الْعَذَابُ لَنُفَصِّلَنَّ لَهُمْ سَبِيلَهُمْ وَلَا يَكُنْ مِنَ الَّذِينَ جَعَلَ

گفت علم من نزد یک برورد کار من است در سبیل که غلط کند برورد و کار من و نه فراموشی او است که ساخت

لَكُمْ أَرْضًا مَّغْدُورًا مَّا سَبَلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً ط

برائے شما زمین را فرستاده و در آن کرد برای شما باران را و از آسمان آب را

في فتح الرحمن
في دل انصاف
في نعيم رب نيل
في تفسير عثمان

در وقت دعوت
تبلیغ و عطا نصیحت
سخنی بگو که نعم آسان
رقت آورد اعلی باشد
اگر چه بدتر و دلفشان
از امید قبول نیست با
این همه تو این جیل
که شاید قدری خود و
وقت نموده نصیحت
بازید و با جلال و
جسوت خدا شنیده
بترسد بفرمان بروردی
باین شود سخن خود را
بفری قلمها کن این
فرمایش خدا ندست
برای دعا و سبب
دستور اصل عالی و
مفسد نیست چنانچه
در جانی دیگر خداوند
بوضاحت ارشادی
فریاد را و ای صلیب
ریک با حکم و دلالت
اکنست و جاد بمانی
ای احسن از سخن رکوع
عده تفصیل
ترس از فرعون بود
ازین می باید قبل حضرت
موسی عدم اقبال خود
جاه و جلال فرعون
را دیده و گشت بر سر
که آیا مستعد سخن خدایان
است یا نه ممکن است
که پیش از آنکه سخن ما را
کامل بشنود و دست تری
در آن کند یا بعد از
شنیدن بفرموده و غنیمت
آمده نسبت به بارگاه
کبریا می گشتاخی و زبان
در آن نماید و یا ما را
از بیت کند که مقدم
اصول است شود (تعلیل)
مین این خوف مظهر
موسی علیه السلام و شریعت
بمقابله می برد از هر

تیسرے طبع اداوارہ
ندرو و صراط آسمان
آخاب روشن افکار
است موسیٰ علیہ السلام
نقد خوراست
بروز روشن
بزرگ شایسته
چاشت سیدان
باید آمادہ باشد
تا مقابلہ آید یعنی
نوائی که روشن علی است
و خلق زیادتی
می نمایند و باید در
روز روشن این کار
صورت گیرد تا بیند
گان چند روز
حاضر باشند و در روز
روز برای یکشنبه
و القاب و اوقات
حضرت شاه ولی
که از مقابل در میدان
علوی برود و فرزند
و شمشیر یعنی فرعون
میخواست موسی را
و حضور تمام مردم
فکرت بدید موسی
علی السلام اندوی
شکست فرعون را
داشت و تمام شهر
بانی مصر بر سرانگه
فرعون شش گزشت
عده واضح است که
دست موسی علی السلام
دران جمیع بزرگ
بر شخصی را حبس
و حال خودش بند
نهیست که چون
چادر گردان و قدر کرده
بودند که در مقابل حق
سحر بکار اندازند
و حق را باطل معرفی
نمایند از حضرت
موسی بطور اخطار باین
فرمودند آگاه باشید
بدست خود نفی
و ملک کنید و انانیت
خدای و معجزات

فخرجنا به از و اجامین شایسته
بسی برود از این آب و نوار مختلف از نبات
س برادریم بر آن اوار مختلف از نبات
بخرید و بخرانید چهار پان خود را بر آینه و ران
لا یت الا ولی الله
از زمین آریم شمار و در زمین باز آریم شمار و از زمین بیرون کشیم شمار
شماران است بر آن صافان خود از زمین آریم شمار و در زمین باز آریم شمار و از زمین بیرون کشیم شمار
تارة اخرى ۱ ولقد اربینه ایتنا کما فکذب و ابی ۲ قال اجمنا
بار دیگر و بر آینه نمودیم از آن را نشان باین طریق تمام آن پس در روز بشود و قبول نکرد گفت آیا آمده
بار دیگر و بر آینه نمودیم از آن را نشان باین طریق تمام آن پس در روز بشود و قبول نکرد گفت آیا آمده
فخرجنا من ارضنا لیسر لیسر ۳ فلما تبتناک لیسر مثله فاجعل
تا بیرون بیایم از زمین ما بجاوی خود ای موسی پس بر آینه بیاوریم پیش تو جادو کنی آنچه آن پس سخن کن
تا بر آری ما را از زمین ما بجاوی جادو کنی ای موسی پس بر آینه بیاوریم پیش تو جادو کنی آنچه آن پس سخن کن
بیننا و بینک موعدا لا تخلفه نحن ولا انت مکان موسی ۴ قال
ما میان ما و تو عهدی که نه اخلات یقیم آنرا و نه تو بجهت میانه کشی گفت
پس ما و تو عهدی که نه اخلات یقیم آنرا و نه تو بجهت میانه کشی گفت
موعدا یوم الزینة وان یحشر الناس ۵ فتولی فرعون
و عهدگاه شما روز آرایش است و آنکه جمع کرده شوند مردان وقت چاشت پس بخلاف بازگشت فرعون
و عهدگاه شما روز آرایش است و آنکه جمع کرده شوند مردم وقت چاشت پس بازگشت فرعون
فجسمه کیدت لیسر ۶ قال لهم موسی و یدکم لا تفکروا علی الله کذابا
پس جمع کرد سر خود را باینکه گفت مونس سحران را و ای ای که بید بر خدا دروغ را
پس و ای ای که بید بر خدا دروغ را باز بیاورید گفت برای ایشان موسی ای ای که بید بر خدا دروغ را
فیسبتکم بعد اب و قد خاب من افتری ۷ فتنار عوا فرهم بینهم و
ای ای که بید بر خدا دروغ را بیاورید گفت مونس سحران را و ای ای که بید بر خدا دروغ را
پس و ای ای که بید بر خدا دروغ را باز بیاورید گفت برای ایشان موسی ای ای که بید بر خدا دروغ را
اسا و الله یجوب ۸ قالوا ان هذین لیسرین یریدان ان یخرجنا من
پس بیاورید گفت مونس سحران را و ای ای که بید بر خدا دروغ را
پس و ای ای که بید بر خدا دروغ را باز بیاورید گفت برای ایشان موسی ای ای که بید بر خدا دروغ را
ارضکم لیسر هاون هاون یقتله الله ۹ فاجمعوا الیکم ثم اتوا
پس شما سحران را و ای ای که بید بر خدا دروغ را
پس و ای ای که بید بر خدا دروغ را باز بیاورید گفت برای ایشان موسی ای ای که بید بر خدا دروغ را
صما ۱۰ وقد افله الیوم من استعده ۱۱ قال الیسرین ایا ان تلقی و اما
صاف بشود و بر آینه رستگار شد امروز هر که غایب آید
صاف بشود و بر آینه رستگار شد امروز هر که غایب آید
ان تكون اول من اتی ۱۲ قال بل القواء فاذا جبالهم و عصیتهم
اول کسی که بیاید گفت بلکه شما آینه پس ناگهان رستگاری ایشان و عصای ایشان
اول کسی که بیاید گفت بلکه شما آینه پس ناگهان رستگاری ایشان و عصای ایشان
یجیل الیوم من یسخرهم انما یسخر ۱۳ فاکو جس فی نفسه خفیة موسی
نوردارت پیش موسی سحران را و ای ای که بید بر خدا دروغ را
پس و ای ای که بید بر خدا دروغ را باز بیاورید گفت برای ایشان موسی ای ای که بید بر خدا دروغ را
پس و ای ای که بید بر خدا دروغ را باز بیاورید گفت برای ایشان موسی ای ای که بید بر خدا دروغ را

والمی بیدادون
توریت ۱۲۱ مترم
توید چون موسی باهنگام
کس از قوم خود بجانب
و چون حضرت موسی
از هم سبق کرد خطاب
رسید الله اعلم ۱۲۲
یعنی مدت مفارقت
من ۱۲۱ و ۱۲۲ یعنی
تفسیر عثمانی
عده یعنی میگردد
ساری هم موسی نام
داشت برقی به این
تصور اندک و امر ایلی
بود در نزد بعضی قطعی
به برهان محو چنین
رای دارند که این
شخص در عصر حضرت
موسی منافق بوده
و از زمانین پیش
در صدد آن بود که در
افزودن حیل های
گو ناگوین پیرودان
حضرت موسی علیه السلام
راه گمراه نماید بر همین
این نیز باشد که کتب
اسرائیلیه باین
است عده با حقیقت
خود این کار نکرده بلکه
ساری از کتاب آنرا
بر تخیل نموده حقیقت
چنین بود که انوارات
قوم خود را با خود
برد داشته بودیم و می
دانستیم که آنرا چه کنیم
بعد از شوق با جمعی آنرا
از خود بر آورده ایم
ساری آنها را در آن
گذاشت و بعضی گو
سار تشکیل نموده عا
نشان داد این قصد
را در فوائد سوره ۳۳
اعوان ملاحظه
کنید (عربی)
تایز و رات قوم خود
چطور بستی بنی اسرائیل
و افتاد بود و مصرین

الیه ما عشیبهم ۲ واصل فرعون قومه و ما هدی ۳ یبنی اسرائیل
دریا آنچه پوشانیده باشد را و گمراه کرد فرعون قوم خود را و راه نمود
دریا آنچه در وقت ایشان را و گمراه کرد فرعون قوم خود را و گمراه نمود
قد اخرجناکم من عدوکم و وعدناکم جانب الطور الايمن و نزلنا
بر آئینه نجات دادیم شما را از دشمنان شما و وعده دادیم شما را جانب راست طور و نزل کردیم
(بر آئینه) نجات دادیم شما را از دشمنان شما و وعده دادیم شما را جانب راست کوه طور و نازل کردیم
علیکم المن والسلوی ۴ گوا من طیب ما رزقناکم و لا تطغوا فیه
بر شما من و سلوای
(تفصیل) بخورید از یاغیر ای آنچیز روزی دادیم شما را و از حد مگذرید در آن
فیجلی علیکم غضبی و من یجل علی غضبی فقد هوی ۵ واری
آنگاه ثابت شود بر شما خشم من و هر که ثابت شد بر من خشم من پس از آنکه شکست و بر آئینه من
پس فرود خواهد آمد بر شما غضب من و کسی که فرود آید بر من غضب من پس از آنکه شکست و بر آئینه من
لغفار من تاب و امن و عمل صالحات اهتدوا و ما انجلك عن
آمر زنده ام که تا که توبه کرد و ایمان آورد و کارش گناه را از راه راست یافت و چه چیز است که توبه را از راه راست
بزرگ آمر زنده ام برای کسی که توبه کرد و ایمان آورد و کارش گناه را از راه راست یافت و چه چیز است که توبه را از راه راست
قوله یسوی ۶ قال هم اولاء علی انری فی حلت الیک رب لکرضی ۷
از قوم خود اے موسی گفت قوم من ایشان اند بر من و در شتابم بسوی تو اے پروردگار من تا خود خدای
تو مت اے موسی گفت ایشان اینک را در نزد من و در شتابم بسوی تو اے پروردگار من تا خود خدای
قال فاقدا قد قومه من بعد و اواصلهم السامری ۸ فجمع موسی
گفت خدا بر آئینه ما را از قوم تو جدا کرد و گمراه ساخت ایشان را ساری پس باز گشت موسی
گفت بر آئینه ما را از قوم تو جدا کرد و گمراه ساخت ایشان را ساری پس باز گشت موسی
الی قومه غضبان اسیفاة قال یقوم الی بعد کبر ربکم و عدا حسناة
بسوی قوم خود غضبان اسیفاة گفت اے قوم من آیا وعده نماده بود شما را پروردگار شما وعده نیک
بسوی قوم خود غضبان اسیفاة گفت اے قوم من آیا وعده نماده بود شما را پروردگار شما وعده نیک
افطال علیکم العهد اذ انزلنا علیکم علیکم غضب من ربکم
آید از شما عهد بر شما مدت و ما خواستید که از او آید بر شما غضب از پروردگار شما
آید از شما عهد بر شما مدت و ما خواستید که از او آید بر شما غضب از پروردگار شما
فاخلفهم موعدی ۹ قال اما اخلفنا موعدک بیدک لو کنا حیلنا
پس خلاف کردید و عهد مرا گفتند خلاف نکردیم و عهد مرا با اختیار خویش و بیکان را ملکین کردند تا بر دست
بنایران (پس) خلاف کردید و عهد مرا گفتند خلاف نکردیم و عهد مرا با اختیار خود و بیکان را کرده شدیم
اوزار امن زینة القوم فقد فقه و کذلک القى السامری ۱۰ فاخرج
بار خدای و ساری قوم کذب پس آنکه هم از آن است و کذلک القى السامری
بار خدای و ساری قوم کذب پس آنکه هم از آن است و کذلک القى السامری
لهم علی جسد اله خوار فقالوا هذال الهکم و اله موسی فتشی ۱۱ افلا
بر اے ایشان کوساله را بر آرد و در کالبد که در آرد و او را بگوید پس گفتند این ساری است و در کالبد که در آرد و او را بگوید پس گفتند این ساری است
بر اے ایشان یک کوساله را بگوید و او را بگوید پس گفتند این ساری است و در کالبد که در آرد و او را بگوید پس گفتند این ساری است
یرون الا یرجع الیه هم قولا ۱۲ و لا یسلک لهم صراطا و لا نفعنا و لقد
نمیدیدند این که باز نمی گرداند بسوی ایشان سخن را و نمی تواند بر اے ایشان هیچ نیایست و سودی و بر آئینه
نمی بیند که جواب میدهد بایشان سخن را و از آنجا که در هر حال حق را هر قدر و در لغوی
و در هر آئینه

قَالَ لَهُمْ هَارُونَ مِنْ قَبْلِ يَوْمِ انْجِافَتُمْ بِهِ ۖ وَانْ رَأَيْكُمْ

نقد و در این ایشان باده و پیش از این از غوث موسی (ع) قوم (من) اجزای نیست که از ناسی کرده شد بدو یک ساله و (در این ایشان)

الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي ۚ قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْكَ غَافِلِينَ

فد است پس پیروی من کنید و القاد حکم من ناسد گفتند همیشه مجاور خواهم بود بر این گوشه
رقن است پس پیروی من کنید و قبول کنید حکم مرا گفتند ما همیشه بر این (گوشه) مجاور یک

حزق النبي موسى

تا وقتیکه باز آید ما موسی گفت اسه هارون چه چیز باز داشت ترا چون دیدی را نشانرا که گویه مشربند

سے ماسومی لغت (ماسومی) سے بارون پیر پیر یازدہست ترا و قیلہ دیدنی ایش ایشا کہ گمراہ شدند

وَلَا تَقْرَأُ الْكِتَابَ طَرَفًا لَّنَبْتَ لَكَ دَارًا جَدِيدًا

از نیش من فایده که از آنکه پیروی من کنی، آگیا و مگر می خورم مرا گفت ای پسر مادرم میگر ریش مرا و نه

عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّهُ يَفْقَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ إِسْرَءِيلَ وَلَمْ

جدا لی افندی در میان فرزندان یعقوب و نگاه
 جدائی انداختی میان بنی اسرائیل و نگاه

رَقَبَ قَوْلِي ٥ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا مَرْيَمُ ٦ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ

گفت موتے پس جیت حال تو اسے سامری
گفت موتے پس جیت حال تو اسے سامری

وَقَدْ كُنَّا مِنْ أَفْوَاجٍ

بنیاد شدند پاک پس گرفتند . منتهی خاک از نفس بجای فرستاده یعنی مجبور بیل پس اندکدم آنرا و دیوین صفت

یہ جو کہیں نہ لکھیں کہ ہم نے (جبریل) پر اس کا حکم آفرما دیا وہم جنین

سَوَّلَتْ لِي سَعْيِي قَالَ وَادْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْفَعًا مِنْ ذَلِكَ الْمَالِ الَّذِي كَفَرْتَ بِهِ

مشهوره اولیاء است. برایم نفس من علف گفت موسی پس دور شو (برو و آفرین) برای تو روز قیامت که گوی

مساس وإن لك موعداً لن نخلفه وانظر إلى اليهك الذي خلت

دست رساییدن سخن بدست و دهر آینه ترا و عده و دیگر است که خلاف کرده نشود که در حق تو و بدین بسوی میبود خود که میخواست
که سخن بدست رساییدن سخن نیست و دهر آینه پراستی تو و عده ایست که هرگز با تو خلاف کرده نمی شود آن بسوی میبود خود که میخواست

عَلَيْهِ عَافًا لِنَحْوَقَهُ ثُمَّ لِنَنْسِفَنَّهُ فِي النَّارِ نَسْفًا ۝ اِنَّمَا الرُّكُومُ لِلّٰهِ

مقدمه بودی برای الفت بیوزنیم از پاپس پر آینه و سازیم آفر در دریا پر آینه و ساحل جزایر نیست که میبود قضا الهی است

وَأَمَّا الْفُلُ فَأُرْسِلَتْ بِرَحْمَةٍ مِنَّا لِيُبَيِّنَ مَا نَالُوا لَوِ اسْتَأْذَنُوا مِنَّا لَوِ اسْتَأْذَنُوا مِنَّا لَوِ اسْتَأْذَنُوا مِنَّا

آنکه بکست. پنج مجبور کنی بخیر از فراسیده است بهر چیز از دوسته دانیش تا محمد این چنین قصه میخوانیم هر دو

درست بخوردی جز او را رسیده هر چیز را از روی علم

وفاقیہ شیعہ وفد الہینک بن لندن دکر ۱۵

از احوال درج برای آنچه گذشته است و دهر آینه و اویم قرار نزد خود کتاب برای خواندن کسیکه

عرض عنه فإنه يجمل يوم القيمة وزر (١١) خلد بين فيه طو

مگر داند ازان پس وی برمدارد در روز قیامت باری را و حایک جاویدند در آن و

اول از میلاد انسان را لازم است از چنین چیزها اجتناب نماید که موجب کثرت بت پرستی و بت پرستی و غیره و این کثیر فوق از مجاهد و تابعین و علمای متقدم



صلی الله علیه و آله
مت برقصه و غیره
آن هوا فریاد کنی باقی
تفسیر عثمانی
عنه یعنی
فریاد ندان
و متعلقین خود را
هم به نماز تاکید کن
در حدیث است که
آن حضرت صلی الله علیه
و سلم فرمود که هر چه
بهت ساد شود برای
تحصیل اعتقاد و راه
به نماز خواندن موافق
سازیده چون ده سال
شود و در این زمان که
بخواند عده حقیقت
شاه عادل میگوید
در کتب سابقه خبر
بعثت رسول خدا را
و ده شده و یا صد
این است که نشانی
پیغمبران سابق کافی
و نشانی بوده و این
پیغمبر هم اصول همان
سخنان سابق را تقلید
می کردند چه بشنوی گوید و
یا نشانی این است که
واقعات را بر وفق کتب
سابق بیان میفرماید
و بهترین تفسیر بر نزد
من آنست که این خبر
و غیره اعتقاد کرده اند
یعنی این مردم از روی
مخالفت و اصرار می
گویند که چرا کدام مشرک
نیارد - آیا بر علاوه
عده آیات بینات
از جمله زیاد و قرآنی
قرآن عظیم الشان به
آنها رسیده و چگونه
معاینه فرمودی
و مهم کتب سابقه
را عادی حافظی
و برای صداقت آنها
حجت و گواه است و
الحاکم آنرا آفتاب روشن

الْآخِرَةِ أَشْدُّ وَأَثَرُ ۝ أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمَا أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنْ

آخرت سخت تر و یا شدید تر است از آنکه ما را از پیش از ایشان
آید از آنکه ما را از پیش از ایشان

الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْجِدِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّأُولِي

طیقات مردم در می روند و منازل آن ملک شدگان
کرده با که گردش می کنند در جایهای ایشان

وَلَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزِمَامِ وَأَجَلٍ مُّسَدَّدٍ ۝

و اگر جزو سبقتی که سابق صادر شد از پروردگار تو نبود
و اگر جزو سبقتی که سابق صادر شد از پروردگار تو نبود

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ

پس صبر کن بر آنچه می گویند و تسبیح کن با حمد پروردگار خویش
پس صبر کن بر آنچه می گویند و تسبیح کن با حمد پروردگار خویش

قَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاغَى الْبَيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ

پیش از غروب شدن آن و بعضی ساعتها سب و اطراف روز تسبیح کن
پیش از غروب آن و بعضی ساعتها سب و اطراف روز تسبیح کن

تَرْضَىٰ ۝ وَلَا تَتَّبِعْ عَيْنِيكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَاهُ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ

خوشنودی شوی و بازگشتی و دین خود را بپوشی آنچه بهر چند ساخته ایم بآن جماعت بار از ایشان از چشم آرایش
راضی شوی و باز چشمه ساخت را بپوشی آنچه بهر چند ساخته ایم بآن جماعت مختلفه از ایشان از چشم آرایش

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا هَٰذَا نَفْتِنَهُمْ فِيهِ وَرِثَتُكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۝ وَأَمْرٌ

زندگانی دنیا تا چشمه ایم ایشان را و این روزی پروردگار تو بهتر است و پاینده تر است و دین تو
زندگانی دنیا تا چشمه ایم ایشان را و این روزی پروردگار تو بهتر است و پاینده تر است و دین تو

أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْأَلُكَ رِثَةً تَتَرْتَفِكُ

آنسان خود را بپوشی و در شکیبایی کن بر ادا آن طبعی طبع از تو روزی دادن ما روزی میدهم ترا
ای خانه خود را به نماز و خود نیز بر آن قائم (صابر) باش تا طبعی طبع از تو روزی ما روزی میدهم ترا

وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ ۝ وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِيُنَا بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّهِ أَوَلَمْ

و عاقبت نیک بر تقوی راست و مردم می گویند که چرا نمی آید بپوشی از پروردگار تو
و عاقبت نیک بر تقوی راست و مردم می گویند که چرا نمی آید بپوشی از پروردگار تو

تَأْتِيَهُمْ بَيِّنَةٌ مَّا فِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ ۝ وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ

نیامده است دلیل واضح از جنس آنچه در کتب سابقه است و این کتاب را
نرسیده است بپوشی از کتاب ما به پشیمانی عده و اگر ما را بپوشی از کتاب ما به پشیمانی عده

مِّنْ قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنُتَّبِعِ آيَاتِكَ

پیش از فرستادن پیغامبر گفتند ای پروردگار ما چرا نفرستادی بپوشی تا بپوشی آیات تو می گردیم
پیش از این آیه می گفتند ای پروردگار ما چرا نفرستادی بپوشی تا بپوشی آیات تو می گردیم

مِنْ قَبْلِ أَنْ نُنْزِلَ وَنُنْزِلَ ۝ قُلْ كُلُّ مَن تَرَىٰ فَمِنْ دُونِ

پیش از آنکه من را نازل شود و من را نازل شود
پیش از آنکه من را نازل شود و من را نازل شود

مُسْتَعْلَمُونَ مِّنْ أَصْحَابِ الصُّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ ۝

حواصی دانستند که می مانند از راه راست و راه راست
زود میداند که کیست صاحبان راه راست و راه راست

دل حرم کرید مراد از
 نشد عقوبت ماست
 مثل لوطان قوم نوح و
 علی مرمر قوم یهود
 و الله اعلم
 تفسیر شتاتی
 بعضی از این جمله
 به خبر از اسناد
 اندر زبانی مقدس
 قرآنی مثل حوصله
 شده و بیکل قنوت
 و بی انسانی در حق
 مجلس نموده چنین فیصله
 کرده اند که در حد تکلیف
 نبوت و ترویج آیات
 قرآنی بر همه بنابر آن
 یا بیشتر و یا کمتر
 تمام انبیا می نمودند
 که این پیغمبر مثل انبی
 است که تفرقه داشت
 میشود نسبت به ما
 برتری دارد و البته
 ساحت است که از روی
 سحر و افسون به جادو
 میسر دانه آنها را صد
 اغوا و کفیل مردم
 بر آید و بانهایی گفته
 که شهادت شده و چهار
 با چشمان کشاده خود را
 تحت افسون ساحری
 قرار میدادند بهر حال لازم
 است که نزد کیش نبوت
 آنها شاید قرآن مجید را
 از پس حیرت جادو گفتند
 که قوت تاثیر و تصرف
 هرت انجیز آن اشباح
 کرده و متعجب میشدند و
 مجلس خفیه از سببی
 متعجب نموندند تا برای
 تدابیر آینده خود که
 بر علیه حق اقامه می نمودند
 اتمیده و اساس گذاشتند
 مسلم است و شش
 بو شیاره و جلالک
 الخوض ندارد و تا کارهای
 با و تزیینات معاندان

سورة الانبياء مكية و هي ثمانية و اثنون آية و سبعون كلمة

بسم الله الرحمن الرحيم

نزدیک بنام خدا
 بخشاینده
 مهربان
 نهایت بار خیر است

اقترب للناس حسابهم وهم في غفلة

نزدیک شد مردم و حساب ایشان و ایشان در غفلت
 نزدیک شد مردم و حساب ایشان و ایشان در غفلت

و من ذكروا من رزقهم محدث الا استمعوه و

در گذارند و نمی آید بایشان هیچ بخت از جانب پروردگار ایشان نوید آید و هر که بشنوند آنرا
 در گذارند و نمی آید بایشان هیچ بخت از جانب پروردگار ایشان نوید آید و هر که بشنوند آنرا

هم يلعبون لا هية قلوبهم و اسروا النجوى الذين ظلموا هكلا

هم بازی می کنند و دل بانه ایشان و نهان را و گفتند ایشان این ظالمان که نیست
 در بیک آن مشغول بازی هستند و بازی غرق است دل بانه ایشان و نهان را گفتند آنرا نمی کردند نیست

هذا البشر مثلكم افتاتون السحروا انتم تبصرون قل ربی

این بشر مثل شماست آیا اقبال می کنید سحر و شما می بینید گفت بنیامیر پروردگار من
 این بشر که آدمی است مثل شما پس چرا گرفتاری آید در سحر و حد آنکه شما می بینید گفت پیغمبر من

بعاد القول في السماء و الارض و هو السميع العليم بل قالوا

بعد از این سخن را دور آسمان و زمین باشد و او شنوا و داناست بلکه گفتند
 بعد از این سخن را دور آسمان و زمین باشد و او شنوا و داناست و دانای آنها گذاشت می گویند و بلکه گفتند

ضغات احلام بل افتریه بل هو شاعر فليأتنا بآية كذا رسل

تپش خواب بانه پریشان است بلکه گویند بر بسته است آنها را بلکه می گویند او شاعر است پس باید که سارده پیش از ما بیاید و بگوید
 خواب بانه پریشان است بلکه دروغ بسته است آنها را بلکه شاعر است پس باید بیاورد نزد ما نشانی از جادو شده و آن

اولون ما امننت قبلهم من قريبة اهلكناها افهم يومنون و

اولین و ما ایمان نیاورده بود پیش از تو و نزدیک ما را که هلاک کردیم آیا ایشان ایمان خواهند آورد و
 اولین ایمان نیاورده پیش از ایشان و نزدیک ما را که هلاک کردیم آیا اکنون ایمان می آورند و

والرسلنا قبلك الارجال انوارى اليهم فسئلوا اهل الذکر ان كنتم

و رسلان را پیش از تو که مردان را که می فرستادیم بایشان پس بپرسید از اهل کتاب اگر شما
 رسلان را پیش از تو که می فرستادیم بایشان پس بپرسید از اهل کتاب اگر شما

الاعلمون و ما جعلناهم جسدا لا ياكلون الطعم و ما كانوا خلدون

و شما می دانید و ما نیافریدیم آنها را جسمی که نخوردند طعام و نبودند جاوید باشند گمان
 و شما می دانید و ما نیافریدیم آنها را جسمی که نخوردند طعام و نبودند جاوید باشند گمان

و صدقناهم الوعد و انجيتهم و من نشاء و اهلكنا السرفين و

و راست کردیم وعده را و نجات دادیم و آنچه خواستیم و هلاک کردیم از حد گذرانان را
 راست کردیم وعده را بایشان و نجات دادیم و آنچه خواستیم و هلاک کردیم از حد گذرانان را

انزلنا اليكم كتابا فيه ذكركم افلا تعقلون و كم قصصنا من قريبة

و فرستادیم به شما کتابی که در و بخت پند شما آیا نمی بینید و بسیار است قصص از قوم و ستم و پیچ
 و فرستادیم به شما کتابی که در و بخت پند شما آیا نمی بینید و بسیار است قصص از قوم و ستم از و بی

و انزلنا اليكم كتابا فيه ذكركم افلا تعقلون و كم قصصنا من قريبة

و فرستادیم به شما کتابی که در و بخت پند شما آیا نمی بینید و بسیار است قصص از قوم و ستم از و بی

نزل از وقت کسوف کرده و لذا کمال روز و رازی و بخت پند شما آیا نمی بینید و بسیار است قصص از قوم و ستم از و بی

ول مترجم گوید و
کرون آسمان بانازل
کرون مطرست واکرون
زمین رویانیدن گیاه

تفسیر عثمانی
عہد رتق بمعنی ایضاً

و در یک گیر و راهی است
اجتماع آسان با دین
بر و در طاعت عدم از
یک گیر غیر متناهی است
بودند و در مرحله ابتدائی
وجود هم با یک گیر مخلوط
بودند و بعد از آن قدرت
خالق مقتصد بر و در
از هم جدا افتاد و پس

۲ از این هدایای بزرگ
به طبقات عیدگاه منتقل
گردد و در عید با این همه -

لبسته بود و ندیده اند
آسمان هارین نازل
می شده در زمین سبز
و نباتات میزدید

بلاخره خدای تعالی برای
فائده یمنی نوع انسان
ببرد و را از هم جدا ساخت

از بالا با سان پیادین
آغاز کرد و از پایان
زمین باز شد و در قسم

زمین حق تعالی چشمت با
و دریا با جریان داد و
انواع و اقسام نباتات

دور ان ویا نیڈے معدنیات
ماورون خاک تشعشع
داو آسمان با ابرار

بے شمار ترین فرمود
برای هر یک ستاره
مدارهای گانه محصور گرد
۲۳

مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوْحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ ۝ وَقَالُوا اتَّخَذَ

گروهی می فرستادیم بپوسته او که نخست پنج معبودی بر حق عین پس بر می شد ما گفتند گرفته است

حسن ولد اسبغنه طبل عباد فکر مون ۱۶ لایس بقون رب القول و

هم بامر که یعمامون ۱۵) یعلّم ما بین ایدیریم و ما خلفهم و لا یشفعون

الَّذِينَ ارْتَفَعُوا فِيهِمْ شَرِيقَةٌ مِّنْ خُشْيِهِمْ مَشْفِقُونَ ﴿١٨﴾ وَمَن يُقَلِّمْ بِهِ

و هر که بگوید از ایشان
و هر که بگوید از ایشان

لکن غلام بجز اللہ پس سزا میدیم اورا	دوزخ	ہم چنین سزا میدیم ستمگاران را آریا
لکن معبودم بجز او پس اورا جزا میدیم	دوزخ	ہم چنین جزا میدیم ظالمان را آریا

در زمین که	آسمانها	و زمین گسترده بودند	پس در کوهیم این بار اول دیدم که دریم
در زمین که	آسمانها	و زمین گسترده بودند	پس در کوهیم این بار اول دیدم که دریم

من الباء كل شيء حي أفلا يؤمنون ١ وجعلنا في الأرض رواسي

وَجَعَلْنَا فِيهَا فَاغْجًا سُبُلًا لَّعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ۝۷۰ وَجَعَلْنَا

سَمَاءٌ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهَمَّ عَنِ امْتِنَاعِ عِزِّهِ (۳) وَهَمَّ الَّذِي

سنان را سلفی نگاه داشته شد و ایشان از ایشان بآن آسمان روگردانند و دوست آنکه
سنان را سلفی محفوظ و ایشان از ایشان بآن آسمان اعراض ننگان اند و دوست آنکه

نیم شب و روز را	و کتاب را	و ماه را	هر یک از ستاره را در آسمان نشان می کنند و
و آید و در روز	و کتاب	و کتاب را	هر یک در خانه (طاری) نشان می کنند و

تَعْنِدُ الْبَشَرُ مِنْ قَبْلِ الْخَلْدِ أَفَاءً مِنْ مَتِّ فَهْمِ الْخَلْدِ ۝ ٥ ۝ كُلُّ

بِسْ ذَٰلِكَ الْمَوْتُ وَنَبَلُوكُم بِالْأَشْجَارِ وَأَخْجِرْتُمْ ۖ وَاللَّيْنَانِ رَجَعُونَ ۝٥

[illegible]

کافران	فی کفر بدترا	مکرمه	تشریف نویسد آید این شخص با او کند یعنی با امانت
کافران	فی کفر بدترا	مکرمه	تشریف نویسد آید این شخص با او کند یعنی با امانت

بسم الله الرحمن الرحيم

فَلَا تَظْلِمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَ

بهرستم کرده خود بر هیچ کس ستم نمی کردیم و اگر باشد مثل یک دانه از خردل یا درم آنرا

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَ

و ما را دادیم موسی و هارون را کتاب فیصل کننده و روشنی

ذِكْرَ الْمُتَّقِينَ ۵ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِنَ السَّاعَةِ

یاد دهنده پرهیزکاران را آنانی که می ترسند از پروردگار خویش غایبان و ایشان از قیامت

مُشْفِقُونَ ۶ وَهَذَا ذِكْرُ مُوسَى إِذْ أُنْزِلَتْ آفَاتُنَا لَهُ مِنْ كُرُونٍ ۷ وَ

بهرسندگان (ترسندگان) و این قصه مبارک است که فرستادیم آنرا پس آید شما آنرا می بینید (مکریه)

لَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِعَلِيِّنَ ۱ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ

ما را دادیم ابراهیم را راه یابی او پیش ازین و بودیم با او ادا ناسحق گفت پدر خود را

قُولِي مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ۲ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى

خود را چسبیده این مجسمه ها گفتند یا قیتم پدران خود را آنرا

عِبَادِينَ ۳ قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۴ قَالُوا اجْعَلْنَا

پرستنده گفت هر آنچه بودید شما و پدران شما در گمراهی گفتند آیا آوردی بما

بِأَحْسَنِ أَمَرْتُمْ مِنَ الْعَبِيدِ ۵ قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

بهرستند گفتند از پرستندگان گفتی پروردگار شما و پروردگار آسمان و زمین است

الَّذِي فَطَرَهُمْ ۶ وَأَنَا عَلَىٰ ذَلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ۷ وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ

آنکه آورده این بار و من بر این سخن قائم دارم تا بیاورم و قسم به الله (بر آید) چاره کنم

أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولََّوْا مُدْبِرِينَ ۸ فَجَعَلَهُمْ جَذَا ذَلِ الْأَكْبَرِ الْأَعْلَمُ لَهُمْ

پس ساخت آنها را ریزه ریزه مگر بزرگ را از ایشان تا بود که

الْبَيْتِ رُجُوعُونَ ۹ قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِالْهَيْدَانِ ۱۰ لَيْسَ الظَّالِمِينَ ۱۱ قَالُوا

بپوشه او ایشان باز گردند گفتند که کرد این کار بندگان ما هر آینه دوسه از ستارگان است بجهان گفتند

بِمَعْنَاهُ يَذَّكَّرُ بِهِ لِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۱۲ قَالُوا فَاقْتُلُوا آلَ نَارٍ ۱۳

بشماره از خواهی که ذکر بیان میکند یعنی عیب می شود و او را بپوشید گفتند بپوشید او را پیش روی مردم

لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ۱۴ قَالُوا أَإِنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْدَانِ ۱۵ إِبْرَاهِيمَ ۱۶ قَالَ بَلْ

تا بود که ایشان گمراهی دهند گفتند آیا تو کرده ای این کار بندگان ما ابراهیم گفت بل

عذاب خدای تعالی
و صاحب نهانی است
و بعد از آن می آید
و مگر صورت نمی گیرد
برای عذاب اهل
تمام مخلوق معادن و
مددگاری قطع فرست
نداریم بعد از آن
خداوند نشان دهد
که سلسله انذار و
توبه از
مسابقه با
طاعت پریم
بر بیان داشته است
و آنچه را بیک مرد
حضرت محمد صلی الله
علیه و آله و سلم و اوست
ترسانند انبیای سابق
هم مردم را از آنها
میرسانند نه عذاب
حضرت خلیل به پدر
و قوم خویش گفت که
انگلی از اصلیت و
حقیقت آنها بسیار
گنید که این بت های
سنگی بدست خود
تراشیده اند بیکدم
دین خود اگر دیدند
عقل و فطرت و نقل
معتمد بهادر تا بپوشد
ما جوهر بوده لیکن
بزرگویش و بزرگویش
بت پرستی از است
که آباء اجداد ما از قیام
الایام پرستش اصنام
می کردند پس طریقی
بزرگان اسلاف خود را
چگونه ترک نمایم
لعل الله باین دلیل
حقانیت و دانش خدا
ثابت نشد البتة
است که پدران ما
شش شاگرد و بی خود
بودند شاید بوده به
تقدیر که کورانه آنها
توبه فرستادند پس

بازمانده و سراسر می آید

بازمانده و سراسر می آید

فلینزل من ربی

ست و اختلاف در فروع

بیاض در اول منی

اصل وین ۱۲

تفسیر عثمان

عنه این خطاب به

مشکین کماست که

بت باردی پرستید

یعنی شادان و شاد

بر آتش آید و پیروز

مستبیه و قو با انکار

و الحاحه و لایحه و کوع

س مطلب این نیست

که اسما معذب می شود

بل غرض اینست که

مجت بر بت پرستان

تمام تر شود شک در

آینده میفرماید

و کان یولوا

آلین را در دوا

و حیرت شان زیاد

شود و حاققت شان

و خیر گردد که از پیوستن

که توقع خیر داشتند آنها

امروز خود را نگاه داشته

نواستند پس حقاقت

مار بطوری تواند؟

(تنبیه) مردانه و

تبدون من دون الله

در بیافقا عظام می

باشند زیرا خطاب

فقط به پرستندگان آنها

ست لیکن اگر ما

راعام بگذاریم قریه

به بفرموده المانع

معتبر باشد چه معجزه

تجربی و فنی که فیض

از خود نماند می شود

آنها با عبادین خود

آتش آید و در غایت

می شود مثلاً شایطین و

اعمال باقی حضرت

سج و غیره ملائکه الله

که بسیار در مردم آنها

موجود اند و اندک

و و جانب این فوات

فرمای مانع است که

و کذبت فی المؤمنین و زکریا اذ نادى ربّه ربّ لا تدرنی فردا

و یازمین کلمات فی دین مسلمانان را و یاد کن زکریا را چون ندا کرد بپای پروردگار خود

و یازمین کلمات فی دین مسلمانان را و یاد کن زکریا را چون ندا کرد رب خود را

انت خیر الورثین فاستجینا له و وهبنا له و اصلحنا له زوجا

تو بهترین وارثان یی پس قبول کردیم دعاى او را و عجبیم از او را و عجبیم از او را

تو بهترین وارثان یی پس قبول کردیم دعاى او را و عجبیم از او را و عجبیم از او را

انهم کانوا یسرعون فی الخیر و یدعوننا رغبا ورهبا و کانوا لنا

بر آید این پیغام بر این شتابانی کردند در نیکی و می خواندند ما را با رغبت و ترس و بودند برای ما

(بر آید) این پیغام بر این شتابانی کردند در نیکی و می خواندند ما را با رغبت و ترس و بودند برای ما

خشعین و الّتی احصنت فرجها فنحننا فیها من روحنا و جعلنا

نیازمند و یاد کن زنی را که حفظ نگاه داشت شرمگاه خود را پس میدهم در آن روح خود را و ما هستیم در

در آن و یاد کن آن زنی را که نگاه داشت شرمگاه خود را پس میدهم در آن روح خود را و ما هستیم در

و ابنا آیه للعلّیین ان هذه امّکم امّة واحدة و انار بکم

و پسران را نشاند بر آن عالمها که یکم بر آید اینست ملت شماست یکما و من پروردگار شماست

و پسران را نشاند بر آن عالمها که یکم بر آید اینست ملت شماست یکما و من پروردگار شماست

فاعبدون و تقطعوا امرهم بینهم کل الینار جعون فن یعمل

پس عبادت من کنید و متفرق نشوند امت با در کار خود و در میان خویش هر یک بسوی دیگری کنند تا آنکه پس هر یک

پس عبادت من کنید و متفرق نشوند امت با در کار خود و در میان خویش هر یک بسوی دیگری کنند تا آنکه پس هر یک

من الصلح و هو مؤمن فلا کفران لسیعة و اناله کاتبون و حرّم

از جس کار باستانه و او مؤمن باشد پس تا جوی نمی رود سبی او را و دیگر آید برای او بیستم و وحی است

از علی باستانه پس بدید در عالم که من باشد پس زبان نیست برای او شمشیر او و دیگر آید (آینه) ما آنرا نویسنده ایم و مقرر شد

علی قریه اهلکنها انهم لا یرجعون حتّ اذا فتحت یا جوج و ما جوج

بر هر دوی که بماند کردیم او را آنکه باز گردند پس بدید

بر هر دوی که بماند کردیم او را آنکه باز گردند پس بدید

و هم من کل حدّ ینساون و اقرب الی حدّ الحق فاذا هی شاخصه

و ایشان از هر پندی می رشتانند و نزدیک می شود و عده راست پس ناگهان حال ایشان یافا و مشخصه

و ایشان از هر پندی می رشتانند و نزدیک می شود و عده راست پس ناگهان حال ایشان یافا و مشخصه

ابصار الذین کفرو ایوب یکنافد کتافی غفلة من هذا بل کتافی لیلین

چشم کاوان گویند و او را بر ما بر آید و غفلت بودیم از این حال بلکه بودیم ستمکار

چشم کاوان گویند و او را بر ما بر آید و غفلت بودیم از این حال بلکه بودیم ستمکار

انکم و ما تعبدون من دون الله حصب جهنم انهم لها واردون

بر آید شما و آنچه می پرستید بجز خدا یعنی بتان آتش آید و در ج جهنم

بر آید شما و آنچه می پرستید بجز خدا یعنی بتان آتش آید و در ج جهنم

لو کان هؤلاء الهة فاوردوها و کل فیها خلدون لهم فیها زفیر

اگر می بودند اینها خدایان حاضر می گشتند بر دوزخ و بر ایشان آتی جا بدیدان باشند ایشان را آنجا ناله باشد

اگر می بودند اینها خدایان حاضر می گشتند بر دوزخ و بر ایشان آتی جا بدیدان باشند ایشان را آنجا ناله باشد

و هم فیها لا یسمعون ان الذین سبقت لهم منا الحسنة اولئک

و ایشان آنجا هیچ نمی شنوند و هر آنکه سابق مقرر شد برای ایشان از جانب ما نیکی این جاء

و ایشان آنجا هیچ نمی شنوند و هر آنکه سابق مقرر شد برای ایشان از جانب ما نیکی این جاء

و اولئک انما یسمعون لصوتهم و ان الذین سبقت لهم منا الحسنة اولئک

و اولئک انما یسمعون لصوتهم و ان الذین سبقت لهم منا الحسنة اولئک

و اولئک انما یسمعون لصوتهم و ان الذین سبقت لهم منا الحسنة اولئک

و اولئک انما یسمعون لصوتهم و ان الذین سبقت لهم منا الحسنة اولئک

و اولئک انما یسمعون لصوتهم و ان الذین سبقت لهم منا الحسنة اولئک

عَنْهُمْ مَبْعَدُونَ ۝ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَةً ۝ وَهُمْ فِي مَا اشْتَكَتْ أَنْفُسُهُمْ
 از دوزخ دور کرده شوند / نه شنوند / آواز دوزخ را / و ایشان در آنچه خواستند نفس ایشان
 زبان دور کرده شد / گمانند / نمی شنوند / شفق آزار آزار اشتغال را / و ایشان با باشند در آنچه خواستند نفس بای ایشان

خَلْدُونَ ۝ لَا يَجْرُزُهُمْ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ ۝ وَتَتَلَقَّوهُمْ الْمَلَائِكَةُ ۝ هَذَا يُؤْمَرُكُمْ
 خلدند / از دوزخ دور / بزرگ ترس ایشان / و پیش آید ایشان را فرشتگان / گویند ایشانست آن روز که
 بایزد / فلین می کند ایشانرا / بزرگ ترس ایشان / و پیش آید ایشانرا فرشتگان / گویند این آن روز است که

الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ۝ يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ ۝ كَمَا
 شد / و عده داده می شد / روزی که در عظیم / آسمان را مانند پیچیدن طوطی که در وقت نماز را چنان که
 شد / و عده داده شده بود / روزی که پیچانیم / آسمان را مانند پیچیدن طوطی که در وقت نماز را چنان که

بَدَا نَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ ۝ وَعَدَا عَلَيْنَا لَمَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ۝ وَلَقَدْ كَتَبْنَا
 آغاز دیدیم اول آفرینش را / دیگر باره / و عده لازم / و بر آید / ما کننده ایم / و بر آید / نوشتیم
 آغاز کردیم در آفرینش اول / باز عده می کردیم / و عده لازم شده / بر ما / و بر آید / ما کننده ایم / و بر آید / نوشتیم

فِي الزُّبُورِ ۝ بَعْدَ الذِّكْرِ ۝ إِنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ۝ إِنَّ
 در زبور / بعد از ذکر / و در آن / آن شوند بنده گان / و در آن / ما / بر آید
 در زبور / بعد از ذکر / و در آن / آن شوند بنده گان / و در آن / ما / بر آید

فِي هَذِهِ الْبَلَاغَةِ الْقَوْمَ عِبَادِينَ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ۝ قُلْ
 در این / بشارت / نصیحت است / کرده / عبادان را / و فرستادیم / و ما / مگر از روی / مهر باقی بر عالمها / بگو
 در این / بشارت / نصیحت است / کرده / عبادان را / و فرستادیم / و ما / مگر از روی / مهر باقی بر عالمها / بگو

إِنِّي أَوْحِي إِلَى النَّبِيِّ أَنَّمَا إِلَهُ الْوَاحِدُ ۝ قُلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ۝ فَإِنْ
 جز این نیست که / وحی فرستاده می شود / بگوئیم / من / که معبود شما خداست / یکتاست پس آیا کردن نهاده بسته پس اگر
 جز این نیست که / وحی فرستاده می شود / بگوئیم / من / که معبود شما یک معبود است / پس پس آیا شما فرماں برداران هستید پس اگر

لَوْ أَنفَعَلْ أَذُنُكُمْ عَلَى سَوَاءٍ طَوَّانٍ أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَمْ يَبْعِدُ ۝ قُلْ
 عرض کنند پس / بگو / هر دو مساوی / شمارا / بر وجهی که / هم برابر باشد / و نمی دانم / که نزدیک است یا دور است / آنچه و عده داده میشود
 عرض کنند پس / بگو / هر دو مساوی / شمارا / بر وجهی که / هم برابر باشد / و نمی دانم / که آیا نزدیک است یا دور است / آنچه و عده داده میشود

إِن يَعْطَمَ التَّيْمُ مِنْ الْقَوْلِ وَيَعْلَمَ مَا تَكْتُمُونَ ۝ وَإِن أَدْرِي لَعَلَّه
 بر آید / خداوند / دانند / آشکارا / از سخن / و می دانند / آنچه پنهان می کنید / و نمی دانم / شاید تا شیرو خود
 بر آید / خداوند / دانند / آشکارا / از سخن / و می دانند / آنچه پنهان می کنید / و نمی دانم / شاید تا شیرو خود

فِتْنَةً لَّكُمْ وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ۝ قُلْ دَرَبٌ أَحْكَمُ بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ
 ابتلا باشد شما را / و بهره مندی باشد تا مدتی / پس بگو / گفت / ای پروردگار من / حکم کن / براسی / و پروردگار ما بخشنده است
 آرایش است برای شما / و شادمانه دادن است / تا زمانی که گفت / و من / ای پروردگار من / مصلحت کن / بالحق / و پروردگار ما بخشنده است

سَيُفَكُّ بَعْدَ ذَلِكَ الْأَمْرُ ۝ السَّيِّئَاتُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ۝ ۝ وَبِشَرِّهِمْ وَتَجِدُ فِيهِمْ
 از و عده / طلب کرده می شود / بر آنچه بیان می کنید / و باری خواست / بشود / از دست / بر آنچه بیان می کنید
 از و عده / طلب کرده می شود / بر آنچه بیان می کنید / و باری خواست / بشود / از دست / بر آنچه بیان می کنید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بسم / خدا / بخشاینده / میبایست / با حق است
 آغاز می کنیم / بسم / خدا / بخشاینده / میبایست / با حق است

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ ۝ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ۝ يَوْمَ تَرَوُنَّ
 ای مردم / بترسید از پروردگار خویش / هر آنچه زلزله که نزدیک قیامت / باشد چیزی / بزرگ است / روزی که ببینید آنرا
 ای مردم / بترسید از پروردگار خویش / هر آنچه زلزله که نزدیک قیامت / باشد چیزی / بزرگ است / روزی که ببینید آنرا

فلین می در آفرینش
 پیغامی است مبعوث شود
 و امت او بر زمین
 غالب شود و انعام
 تفسیر غلظتی
 عده این است بیان
 رسالت باو می دهد
 لب لباب رحمت عظیم
 که آن حضرت با خود آورده
 اند با تا نوید که دل
 است انسان نیاید
 در پی بر حق و قبول
 این نصیحت بزرگ
 مقدس و معین بزرگ
 و بیانی را و اول پس
 آیا شاهد قبول حق
 تسلیم یابن مستعد
 حاضرید اگر آمده
 باشد نه اولاد در نه
 من شایع کرده برانست
 و من خودم اینک خود
 تان عاقبت خویش
 را بپسندید / عده اگر
 باین تمام محبت و
 اطلاع کامل حق را قبول
 نکردید / شایعانه اینک
 کون در شما میروم و شما
 هم از من جدا می شوید
 شایعانه / عمل من باین
 است / هر کس نیت
 اعمال خود می بخرد
 حضرت شاه رحمت الله
 علیه منوب / هر طرف
 یا هم بر او استغنی
 بالفعل برود
 و چیزی را اختیار
 و شایعانه
 (میگوید و یاد گرفته)
 هیچ طرف را با نیاید
 همه سزائی که در مقابل
 از هر شایعانه و عده
 داده شده / خداوند / انعام
 میشود / لیکن / غنی ایم که
 زود اجرا خواهد شد و
 یا بر / الله / حکم است
 تا فرقه / یا به مقصد
 از دشمنان که در شایعانه این است
 می کند / و در شایعانه / با از آمدن / و با محض / مصلحت / باین / که چندی / مشغول / اند / و در / میان / مشغول / خود / می / گیرند / و از / سر / باز / آید / ۱۴

عنه نزل های بزرگ
قیامت و قیامت
در زمین قیامت و
یا بعد از آن قیامت
و در آن قیامت از قیامت
که از علامت قیامت
بشارت و مژده و در این
موقع از زمین مراد است
این بر معنای ظاهر
قویانی می باشد اگر چه
مراد باشد و احتمال
دارد: تخت آنکه قیامت
نزل شود و زمان قیامت
و مژده یا زمان حال
بیست و شش و شش و شش
و یا از نزل احوال و
شداید آنجا مراد باشد
و اگر چه علم قیامت
نزل شود و مژده و قیامت
تخلیل ص شریعین
معنی دارد که آنقدر
اضطراب و سختی و
احتمال و اسرار و
می باشد که اگر زمان
شیر و مژده موجود باشد
از قیامت و قیامت
اطفال خود را فرستاد
می کنند و حق زان
حاله باشد میگوید آن
وقت مردم جنات و جنت
و بی خبر می شوند که قیامت
آنند است خراب
می بیند حال آنکه
در آنجا نشسته و موجود
نیست بلکه از مشاوه
عذاب خدا و در بیت
عقوبات و عقوبات
و عس خود را می بیند
(تفسیر) اگر چه
پیشانی و اختلال
برای مردم باشد
در لایحه بنم افروغ
الاکر و نفی باضرا اکثر
احوال است و در آنجا
انقیات با قیامت و مژده
تخلیل می باشد اگر چه
و مژده در حق اکثر مردم باشد و در حق قلی است

تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَ تَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَ تَرَى
فایق شود بر شیر دهنده از طلق که شیر می دهد و دهنده بر زن باردار است خود را و بی
غافل می شود آن بر زن شیر دهنده از طلق که شیر می دهد و دهنده بر زن حامله خود را و بی
النَّاسُ سُكْرًا كَمَا هُمْ سُكَرَى وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ۝۷۰
مردمان را مست شده و می کنند مست و لیکن عذاب خدا سخت است از
مردم را مست و می کنند مست (مست عظیم) و لیکن عذاب خدا سخت است و بعضی
النَّاسُ مِنْ يَحَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مُّرِيدٍ ۝۷۱
مردمان کسی است که گفتگو می کند در شان خدا بغیر دانش و پیروی می نماید هر شیطان سرکش را که فرستاده شده
مردم آن است که گفتگو می کنند در شان خدا بغیر علم و پیروی می نمایند هر شیطان سرکش را که فرستاده شده
عَلَيْهِمْ أَنَّهُ مَنِ تَوَلَّاهُ فَإِنْ يُضِلَّهُ يَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِينَ ۝۷۲
بر دهنده که هر که دوست داری او کند پس دهنده گمراه کندش و راه نایدش بسوی عذاب آتش
بر دهنده که (هر آینه) کسی که دوستی کند با کسی که گمراه می کند از راهی می ناید و بی بسوی عذاب دوزخ
النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّنْ نَّبَرٍ ۝۷۳
مردمان اگر در شک اید از رستاخیز پس بر آئین ما آفریدیم شما را از خاک باز از
مردم اگر هستید در شک از زنده شدن دوباره پس (هر آینه) آفریدیم شما را از خاک باز از
نُفْثَةٍ ثُمَّ مِّنْ عِلْقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنَبِّئَنَّكُمْ
لقفه باز از خون بسته باز از گوشت پاره صورت داده و غیر صورت داده می گوئیم تا آفرینیم برای شما
لقفه می باز از خون بسته باز از پاره گوشت صورت داده و غیر صورت داده تا آفرینیم برای شما
وَنَقَرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَدَّدٍ ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ
و قرار میدیم در رحمها چیزه را که خواهیم تا سواد سنین باز بیرون می آوریم شما را کودکی شده باز تربیت می کنیم
و قرار میدیم در رحمها آنرا که خواهیم تا وقت معینی باز بیرون می آوریم شما را (مردم) طلق باز و قیامت
لِنَبِّئَاكُمْ أَنَّكُمْ كُمْ وَ مِمَّنْ يَتُوفَىٰ وَ مِمَّنْ يَكْفُرُ إِلَىٰ آثَرِ الْعَصْرِ
تا برسد شما را به قیامت و از شما کسی بود که قبض کرد از او کرده و از شما کسی بود که باز گردانیده شود و بدین طریق
تا برسد شما را به قیامت خود و بعضی از شما آن است که کلمات کرده می شود و بعضی از شما آن است که باز گردانیده می شود و بدین طریق
لِكَيْ لَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا
تا ندانند چیزی را بعد از آن که می دانست و می بیند زمین را خشک شده پس و قیامت که در فرستادیم
تا ندانند چیزی را بعد از آن که می دانست و می بیند زمین را خراب افتاده و خشک پس چون فرود آوریم
عَلَيْهَا الْمَاءَ أَهْلَتْ وَ رَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ رَوْحٍ فَهَبَّ رِيحًا وَ نَزَّلْنَا
بر آن آب را جوشش کند و با فزاید و بر داند از هر قسم رطوبتی و او را می بیند به سبب آمدن آب
بر آن آب تازه شود و حرکت کند و میغزاید و بر داند از هر قسم باروتی و از میان آب لبیب آن است که باروت
اللَّهُ هُوَ الْحَقُّ وَ اللَّهُ يَحْيِي الْمَوْتَى وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝۷۴
الله است حقیقت ثابت و آنکه می زند می کند مردگان را و آنکه است بر هر چیز توانا است
الله است ثابت و آنکه می زند می کند مردگان را و آنکه است بر هر چیز توانا
السَّاعَةِ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ۝۷۵
قیامت آمدنی است بی شک و در آن آنکه خدا برانگیزد و آنرا را که در گور است و از مردمان که است
قیامت آمدنی است بی شک و در آن آنکه خدا برانگیزد و آنرا را که در گور است و از مردمان که است
مَنْ يَحَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّبِينٍ ۝۷۶
کسی که گفتگو کند در شان الله بغیر دانش و بغیر هدایت و بغیر کتاب روشن و بیچند
آنست که مجادله می کند در شان الله بدون علم و بدون هدایت و بدون کتاب روشن در حالی که مردمان را است

عُطِفَ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنَذِيرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ

روز چهارم خداوند از راه رسوایی و بخت‌بازان را روز قیامت
تاکمرا کند (مردم را) از راه خدا برای اوست در دنیا رسوایی و بخت‌بازان را روز قیامت

تلاش فرمائید (مردم را) از راه خدا بیزای دوست در تیار و سوانی و بی پشتیم اورا بروز قیامت

عَذَابُ الْحَرِيقِ ۝ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْت يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَالِمٍ

عذاب سوختن گوئیم این به سبب آن اعمال است که پیش فرستادش دوست تو به سبب آن است که خدا نیت نکند
عذاب آتش سوزنده (که گفته میشود از طرف خدا این به آن سبب است که پیش فرستاد و هر دوست کو در آن خدا نیت نکند و دوست

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَى حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَ خَيْرٌ

برہندگان و از مردمان کے بہت کہ عبادت ہی کند خدا را بر کنارہ پس اگر برسد اورا جتنے
برہندگان و بعضی از مردمان آہستہ کہ بندگی میکنند اللہ را بر کنارہ پس اگر برسد اورا جتنے

طمان به وإن أصابته ففنت القلب على وجهه خير الدنيا

آرام گیرد	آب بنماید	و اگر بوسه ادا	بلائے	بر گردد	بر مدے خود	زبان کارشد	رو دنیا
نات می ماند	بر بندگی	اگر بوسه ادا	مضیق	بر می گردد	بر روی خود	زبان گردد	رو دنیا

الْآخِرَةُ ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ ۝ يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لِي بِمُصْرَةٍ

آفت را	ایست	زبان	ظاهر	به نیایش می خواند بخیز خدا اگر زبان نذر ماندش
آفت را	بسی است	زبان	آشکارا	میواند پرستش می کند ای خیز خدا اگر زبان نذر ماند او را

وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ ٢٠ يَدْعُو الْمَنَ ضُرًّا أَقْرَبَ مِنْ

دور	می تواند کسی را که زبان او نزدیک تر است از	انجمن	گمراهی	دور	می تواند کسی را که زبان او نزدیک تر است از
دور از حق	می تواند کسی را که غرض او نزدیک تر است از	کس است	گمراهی	دور از حق	می تواند کسی را که غرض او نزدیک تر است از

فَعَلِمَ لَهُ نَسْرُ الْمَوْتَى وَلَيْسَ الْعَشِيرُ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَدْخُلُ الَّذِينَ فَنُوا

هر آینه خدا در آرد آمان را که ایمان آورده اند
هر آینه بد دوست و بد رفیق است هر آینه الله در آرد آمان را که ایمان آورده اند

عَمَلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ ﴿٥٧﴾

برای شایسته کرده اند در بوستانها که می رود زیر آن جوینها سراسیمه می کنند آنچه می خواهند
برده اند برای شایسته در جنت با نیک می رود زیر آن جوینها سراسیمه می کنند آنچه می خواهند

فَإِنْ كَانَ يُظَنُّ أَنَّ مَنْ يَتَصَوَّرُ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَيُفْهَمُ دَلِيلٌ

که گمان کنی که هرگز زنده نخواهد گردادر الله در دنیا و آخرت پس میادیز در یساقی و آخرت پس باید که میادیز در سنی

السماء لي قطع فليظ هل يذها بن كيد ما يغيط ٥ وكذا

آبادوری کند این تدابیر را چیز دیگر که چشمش آلوده و دام چنین
رو به آسمان (بالا) پس قطع کند آنجا می بینند آبی از اعلی می کند میلا و چیز دیگر که چشمش آلوده و دام چنین

وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِيَ مَنِ يَشَاءُ ۚ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا

درستادیم قرآن را آیات روشن و دیدار آدمی نماید هر که خواهد (بر آینه) آنگاه آید و داند
و اینکه الله را آدمی نماید هر که خواهد (بر آینه) آنگاه آید و داند

بَيْنَ هَادٍ وَالصَّالِحِينَ وَالنَّصْرَةِ وَالْمُجْرِمِينَ وَالَّذِينَ اشْرَكُوا

نیو پیروث نمده صابون و نصاری و مجلس للعلم و آتیک شرک آورده اند

الله يعصم بينهم يوم القيمة ان الله على كل شيء شهيد

۱) آئینه الشریعہ کی نگہ در مان ایشان در روز قیامت (سمر آئینہ الشریعہ) چیر ۲۲ وامت ۵

کے لئے کوئی مقام، کوئی منزلت ۱۲۔

الذي يقرءه في كل يوم

تفسير عثمان

على كل نوع سمه

آن است که تمام مخلوق

آسمان و زمین در آن

اشترک دارند این سجده

عبادت ذات آن است که

بیش قدرت او قضا می

بل جلاله کویا میسر

و مستقاد تابع باشد

خواه خواه بر هر چیز

که بخشود او قضا می

سر نیاز فرد

آرند نوع دوم

سجده برای سجده نیست

جایگاهی باشد آن

این است که هر چه بخواهد

که برای کرم کاری آفریده

در آن مشغول شود زمین

سجده را بسیار می کنند

و بسیار می کنند

مگر غیر از آنجا

سائر مخلوقات

جای آنند نیاید

در آن الله سجده ندارد

سجده هر چه مطابق شأن

و وضعیت آن مراد

خواهد بود و یا جدا از آن

فی الارض و غیره سجده

مقدور شود - عده گویند

که کل کعبه شریف از آن

مقدس است و هر کس بخواهد

بعد از هر دو قرن باشد

مبارک این مقام شرفی

باقی مانند حضرت امیر

از جانب خداوند است

شد ثابت الله را بر

کنند موقع آن

تمام مقدس باد

نشان داد و شد

در حضرت امیر

علیه السلام بر سر او افتاد

و بعد از آن کعبه با خود

شریک ساخت از عقیقه

پیشتر (سجده حرم) و کرد

و عفا شد آن احوال

شاید کعبه بعضی احکام

مستحق آن بیان کرده است

الَّذِينَ يَسْجُدُونَ لِلَّهِ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَ

آیندیدی که سجده می کنند خداست قضا را آنکه در آسمان باشد و آنکه در زمین اند و آفتاب و

آیندیدی که (در آینه) الله را سجده می کنند آنکه در آسمان هستند و آنکه در زمین اند و آفتاب و

النَّجْمُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ

ماه و ستارگان کوهها و درختان و چهار پایان و بسیار از مردمان و بسیار کس هستند که

ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جانوران و بی از مردمان و بسیار از ایشان

حَقُّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يُنِ هُنَّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ قُلُوبٍ إِنْ اللَّهُ يُفَعِّلْ

قضا بر ایشان عذاب و هر که از ایشان عذاب را بخواهد خدا می تواند بفرماید که اگر خدا می

قضا بر ایشان عذاب و هر که از ایشان عذاب را بخواهد خدا می تواند بفرماید که اگر خدا می

فَالْيَسَاءُ هَذِهِ خَصْمَةٌ لَكُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَكُمْ خَصْمَةٌ

آیندیدی که (در آینه) الله را سجده می کنند آنکه در آسمان هستند و آنکه در زمین اند و آفتاب و

آیندیدی که (در آینه) الله را سجده می کنند آنکه در آسمان هستند و آنکه در زمین اند و آفتاب و

لَهُمْ تِيَابٌ مِنْ نَارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوسِهِمُ الْحَمِيمُ يُصْهِرُ فِي

برای ایشان جامهها از آتش ریخته شود بالای سر ایشان آب گرم که ریخته گردد بر سر هر چه در

برای ایشان جامهها از آتش ریخته شود بالای سر ایشان آب گرم که ریخته گردد بر سر هر چه در

بَطُونِهِمْ وَأَجْلُوهُمْ وَلَهُمْ تَقَامِعٌ مِنْ حَدِيدٍ كُلُّ الَّا ذُو الْأَنْفِ يُخْرِجُوا

استخوان ایشان باشد و پوست نیز و برای کوفته ایشان سیم باشد که باز آید بر سر هر کس که بخواهد که بر آید

استخوان ایشان باشد و پوست نیز و برای کوفته ایشان سیم باشد که باز آید بر سر هر کس که بخواهد که بر آید

مِنْهَا مَنْ غِيَا عِيدٌ وَافِيهَا وَذَوُ الْعَذَابِ الْحَرِيقِ إِنْ اللَّهُ يُدْخِلْ

از دوزخ خلاص شوند از آتش باز گردانیده شوند آنجا و گفته شود بجهنم عذاب سوختن بر آتش خدا درمی آرد

از دوزخ از جهنم باز گردانیده می شوند دمان و گفته شود بجهنم عذاب سوختن بر آتش خدا درمی آرد

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُجْرُونَ فِيهَا

آنان را که ایمان آورده اند و کارهای نیک کرده اند و در کفشانها می رود و زیر آن جویها می آید و می خورند

آنان را که ایمان آورده اند و کارهای نیک کرده اند و در کفشانها می رود و زیر آن جویها می آید و می خورند

مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ وَهَذَا إِلَى الْقَلْبِ

در ستونهای از زردی و پوشیده لباس ایشان از ابریشم بود و در آن عده و در آن لباس را برایشان

در ستونهای از زردی و پوشیده لباس ایشان از ابریشم بود و در آن عده و در آن لباس را برایشان

مِنْ الْقَوْلِ وَهَذَا إِلَى عِطَافِ الْحَمِيدِ إِنْ الَّذِينَ نَفَرُوا وَاصْطَدُوا عَنْ

از سخن و ولایت کرده شد ایشان را برده خدا است و بر آینه آنکه کافر شدند و بازمی دارند

از سخن و ولایت کرده شد ایشان را برده خدا است و بر آینه آنکه کافر شدند و بازمی دارند

سَبِيلَ اللَّهِ وَالْمَسْجِدَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً يُعَافُونَ فِيهِ وَلِيَأْخُذُوا

راه خدا و از مسجد حرام آنکه گردانیده است آنرا برای مردم که برابر است با شده در آن و در آن عده و در آن

راه خدا و از مسجد حرام آنکه گردانیده است آنرا برای مردم که برابر است با شده در آن و در آن عده و در آن

وَمَنْ يَرْذُفِ بِالْحَادِ يُظْلَمُ نَفَقَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَادَّبُوا أَنْ لَا يَرْهَبُوا

و هر که خواهد آنجا بگریزد بگریزد و عذاب در دهنده و یاد کن چون من سزاوارتم برای این

و هر که خواهد آنجا بگریزد بگریزد و عذاب در دهنده و یاد کن چون من سزاوارتم برای این

مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكُوا بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَ

مکان خانه مرا این من گفت که شریک من بماند چیزی را و پاک کن خانه مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و

مکان خانه مرا این من گفت که شریک من بماند چیزی را و پاک کن خانه مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و

وَمَنْ يَرْذُفِ بِالْحَادِ يُظْلَمُ نَفَقَةٌ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَادَّبُوا أَنْ لَا يَرْهَبُوا

و هر که خواهد آنجا بگریزد بگریزد و عذاب در دهنده و یاد کن چون من سزاوارتم برای این

و هر که خواهد آنجا بگریزد بگریزد و عذاب در دهنده و یاد کن چون من سزاوارتم برای این

والمؤمنون

والمؤمنات

سبب آية ایشان

نظام شده است

درین آیت و است

بر صحت خلافت علقه

در هر یک از ایشان

مهاجران و یهود و

و عین خدایه زمین

پس هم آید که است

ملوکه و اقطاع و

از معروف و غیره

و عین فی الارض چون

باین خصال جمع شود

همان است خلافت نبوت

تفسیر عثمانی

عده درین آیت اصل

تفسیر قرآنی بیان شده

یعنی بعضی ازین بگردن

چنانچه گوشت و

خوردن و

خود ایشان

یا حق و عین

لا بی رضای این

حاصل کرده اند

و این گوشت و عین

بر خاسته بدنه الهی

رسیده می تواند

تقوی و ادب و

توضیح را در

که بگوید با

و خلافت و

تا یک چیز است

و این را اجازه

و بنام او به

برده و می

گویند که این

ظاهر که خود

راه رضای

قرآنی و این

این هفت

که صلی و

شماره

تقوی القلوب

شده که عاشق

طیلس آن رضای

الصلاة و مما رزقهم ينفقون والبدن جعلتهما لكم من

و آنان را که از آن رزق دادیم ایشان خرج می کنند و بدن را ساخته ایم برای شما

و از آن را که از آن رزق دادیم ایشان خرج می کنند و بدن را ساخته ایم برای شما

شعائر الله لكم فيها خير فاذكروا اسم الله عليه ما صوات فاذا

شعائر خدا شما را در آن نیکی است پس یاد کنید نام خدا را

و از آن را که از آن رزق دادیم ایشان خرج می کنند و بدن را ساخته ایم برای شما

وجبت جنوبها فكلوا اطعموا القانع والمعتر كذلك

و بجهت جنوبها فكلوا اطعموا القانع والمعتر كذلك

سخرتهما لكم لعلكم تشكرون لن ينال الله حرمها ولا دماؤها

رام گردانیدیم چهار پایا را برای شما تا یاد کنید که حرمها را نباید خورد

لكن يناله التقوى منكم كذلك سخرها لكم ليشكروا الله على ما

لیکن میرسد بگوشت پرستگاری از شما

هداكم وكثير المحسنين ان الله يدفع عن الذين امنوا

راه نمود شما را و خرد و بدو کاران را

ان الله لا يحب كل خوان كفور الا الذين يفتلون بانهم

هر آینه خدا دوست نمی دارد هر خانی که ناسپاس را

طلبوا وان الله على نصرهم لقدير الذين اخرجوا من ديارهم

می کنند و هر آینه خدا بر نصرت ایشان توانا است

بغير حق الا ان يقولوا ربنا الله ولو ادفع الله الناس بعضهم

بغیر حق لیکن به سبب آنکه می گفتند پروردگار خداست

لهدمت صوامع وبيع وصوت واسبغ يدك فيها اسم الله كثير

و بران کرده می شد خلوتها را بر همانان و عبادت خانه

ولينصرن الله من ينصره ان الله لقوي عزيز الذين ان

و البته نصرت خواهد داد خدا کسی را که نصرت خدا را

مكتهم في الارض اقاموا الصلاة واتوا الزكاة وامروا

دست و من و ایم ایشان را در زمین بر پا دارند نماز را

ونهم اعن المنكر والله عاقبة الامور وان يكد بول فقد كذبت

و منع کنند از کار ناپسندیده و خداست عاقبت همه کارها

و منع کنند از کار ناپسندیده و خداست عاقبت همه کارها

و منع کنند از کار ناپسندیده و خداست عاقبت همه کارها

دل مترجم گوید مثلا
آنحضرت صلی الله علیه
و سلم خواب دیدند که
بجرت کوه اندر نشسته
که تنگی بسیار دارد و بر
دویم بجای پایم و بجز
رفت دور نفس ندارم
خداوند بفرموده آنحضرت
صلی الله علیه و سلم خواب
دیدند که یک در آمده اند
حق و قدر میکنند پس
دویم آمد که در بهار مال
این سخن دانی شود و در
نفس الامر بعد از
سالمه ای چند تفکر
شده و مسائل این
معرفت استحقاق کمال
و منافقان در میان
می آید و الله اعلم
و صلوات الله بر محمد
و آله و سلم
تفسیر عثمانی
مفسرین در تفسیر
این آیت اختلاف
دارند مترجم معتقد
قدس است و در شرح
روشن حضرت
شاه عبدالقادر
رحمت الله را احتیاج
فرموده است و حضرت
شاه ولی الله دس
مرد و آخر جمیع
البا نوره بدان طرف
اشاره کرده است
حضرت شاه صاحب
در موضح القرآن
بنویسد حلی یا
فریق که از طرف الله
فرستاده می باشد
در آن تقدیر یک خد
تفاوت دانی می شود
البته تکرار اجتهاد و
بیخ و بساط و در حق
می شود و کلامی بیخ و
آنحضرت صلی الله
علیه و سلم در خواب
دیدند که خواب نبی
و وحی است بکلامی که

وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيَجْعَلَ مَا يَنْفَعُ الشَّيْطَانَ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ
و خداوند عز و جل تا بگوید خدا آنچه را که برای شیطان
و الله نهایت و انبساط است تا بگوید خدا آنچه را که برای شیطان
مَرْضُوعٌ وَالْقَاسِيَةُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ۝
بیماری است و آنان که سخت است دل ایشان و بر آئینه ستمکاران در مخالفت دور و در
مرض است و برای آنانکه سخت است دل آنرا و در ایشان و در ایشان و در ایشان
لِيَعْلَمَ الَّذِينَ أَوْفُوا وَعَلِمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤَيِّدُ مَوَافِقَهُ فَيُخَيِّبَ لَهُ
تا بداند آنکه داده شده است ایشان را علم که آن حق است راست است از جانب پروردگار و پس ایمان آورند پس بنیاد
تا بداند آنکه داده شده است ایشان را علم که آن حق است راست است از جانب پروردگار و پس ایمان آورند پس بنیاد
قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَى صَوَابٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَلَا يَزَالُ
دل ایشان و بر آئینه خدا راه نامیده است مسلمانان را بسوی راه راست و همیشه باشند
دل آنرا و بر آئینه الهی هدایت کننده است تا برای راه ایمان آورده اند بسوی راه راست و همیشه باشند
الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مَرِيضَةٍ مِنْهُمْ مَعْنَى تَأْتِيهِمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيهِمْ عَذَابُ
کافران در ستم از آن که تا وقتیکه بیاید ایشان قیامت ناگهان یا بیاید یا ایشان عقوبت
کسانی که کفر کنند در شک ازین تا وقتیکه بیاید ایشان قیامت ناگهان یا بیاید یا ایشان عذاب
يَوْمَ عَقَابِهِ ۝ أَلَمْ يَكُنْ يَوْمَئِذٍ لِكُلِّ بِهِمْ نَبِيٍّ ۝ فَأَلْزَمَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
روز نهایت نفس باورش ای آن روز خدا راست حکم کند میان ایشان پس آنکه ایمان آورده اند و کار باستان
روز نهایت نفس در آن روز خدا راست حکم کند میان ایشان پس آنکه ایمان آورده اند و کار باستان
الضَّلَاحِ فِي جَنَّتِ النُّعِيمِ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِئِكَ
شایسته کردند در پوستها نجات باشند و آنکه کفر کنند و در شروع مکررند آیات ما را آن جا
لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۝ وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَبَلُوا أَوْ
ایشان را باشد عذاب عوار کنند و آنکه بگریز کردند در راه خدا پس گشتند و نجات
برای ایشان است عذاب و لذت دین و آنکه بگریز کردند در راه خدا پس گشتند و نجات
مَا أَكْثَرُ قَوْمٌ اللَّهُ رَزَقَهُمْ حَسَنًا ۝ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُ خَيْرُ الرَّزَاقِينَ ۝
مردند بر آئینه روزی دهد ایشان را خدا روزی نیک و بر آئینه خدا و بر آئینه روزی دهند گان
مردند بر آئینه و بر آئینه روزی نیک و بر آئینه خدا و بر آئینه روزی دهند گان
لَيْدٌ خَلَقَهُمْ ثُمَّ خَلَّابَرُؤْنَهُ ۝ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ خَلِيمٌ ۝ ذَٰلِكَ وَمَنْ
القدر داد و ایشان را موعود که خشنود و خود را از آن و بر آئینه خدا و بر آئینه روزی دهند گان
در آئینه و بر آئینه روزی نیک و بر آئینه خدا و بر آئینه روزی دهند گان
عَاقِبَ بِمِثْلِ مَا عَاقِبَ بِهِ تَقَرَّبَ عَلَيْهِ لِيَنْصُرَهُ اللَّهُ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ
در آئینه ای که افتاد و بماند آنکه اید او را و خدا او را از آن و بر آئینه خدا و بر آئینه روزی دهند گان
عفو می کند بماند آنچه عفو می کرده بود و او را از آن و بر آئینه خدا و بر آئینه روزی دهند گان
عَفُورٌ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَيِّدُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ
آمر کار است این نعمت بسبب آنست که خدا روزی آورد و شب را در روز آورد و در روز و در شب
آمر کار است این بسبب آنست که در آئینه الهی داخل می کند و در روز و در شب و در روز و در شب
إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَيُّ ۝ وَإِنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ
بر بسبب آنست که خدا سميع و بصير است این نعمت بسبب آنست که خدا سميع و بصير است و آنچه می خوانند کافران و کفر و
بر بسبب آنست که در آئینه الهی سميع و بصير است این نعمت بسبب آنست که در آئینه الهی سميع و بصير است و آنچه می خوانند کافران و کفر و

هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبَعَثْنَا فِيهَا زُرْعًا كَثِيرًا ۝ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجَالًا مُّسَبِّحِينَ اللَّهَ وَرِجَالًا لَّا يَذْكُرُونَ ۝

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَحْضَرَةٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكُمْ فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ جَبِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبَعَثْنَا فِيهَا زُرْعًا كَثِيرًا ۝ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجَالًا مُّسَبِّحِينَ اللَّهَ وَرِجَالًا لَّا يَذْكُرُونَ ۝

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَحْضَرَةٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكُمْ فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ جَبِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبَعَثْنَا فِيهَا زُرْعًا كَثِيرًا ۝ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجَالًا مُّسَبِّحِينَ اللَّهَ وَرِجَالًا لَّا يَذْكُرُونَ ۝

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَحْضَرَةٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكُمْ فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ جَبِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبَعَثْنَا فِيهَا زُرْعًا كَثِيرًا ۝ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجَالًا مُّسَبِّحِينَ اللَّهَ وَرِجَالًا لَّا يَذْكُرُونَ ۝

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَحْضَرَةٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكُمْ فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ جَبِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبَعَثْنَا فِيهَا زُرْعًا كَثِيرًا ۝ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجَالًا مُّسَبِّحِينَ اللَّهَ وَرِجَالًا لَّا يَذْكُرُونَ ۝

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَحْضَرَةٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكُمْ فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ جَبِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبَعَثْنَا فِيهَا زُرْعًا كَثِيرًا ۝ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجَالًا مُّسَبِّحِينَ اللَّهَ وَرِجَالًا لَّا يَذْكُرُونَ ۝

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَحْضَرَةٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكُمْ فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ جَبِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبَعَثْنَا فِيهَا زُرْعًا كَثِيرًا ۝ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجَالًا مُّسَبِّحِينَ اللَّهَ وَرِجَالًا لَّا يَذْكُرُونَ ۝

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَحْضَرَةٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكُمْ فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ جَبِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبَعَثْنَا فِيهَا زُرْعًا كَثِيرًا ۝ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجَالًا مُّسَبِّحِينَ اللَّهَ وَرِجَالًا لَّا يَذْكُرُونَ ۝

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَحْضَرَةٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكُمْ فِي السَّمَوَاتِ

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ جَبِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ

مَاءً فَسَوَّيْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَبَعَثْنَا فِيهَا زُرْعًا كَثِيرًا ۝ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِجَالًا مُّسَبِّحِينَ اللَّهَ وَرِجَالًا لَّا يَذْكُرُونَ ۝

وَمَا فِي الْأَرْضِ مَحْضَرَةٌ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَكُمْ فِي السَّمَوَاتِ

فَإِنْ رَأَيْتُمْ أَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم يَذْكُرُونَ اللَّهَ فَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝

فل منزم گوید پس
آیت اشاره است
بآنکه اختلافی مبین
سبب اختلاف
عصود است و چه
مشرایق حق است و در
زبان خود معلول است
پس نوازش در حقیقت
آنهاست که گوید
تفسیر غنائی بیست و
چهار که بیست و چهار
در شروع کردن تکبیر
در بین راه مجوزند
که احرام را بشکنند و
در سال دوم توبه
صورت گرفت و باید که
بر حضرت و عده غلبه
بر کافران و ادوات و غیره
نمودند که جنگ علیه
این و دهه علی خواهد شد
لما هم وقت وقوع
نبرد است و دیگر وقت
باز آنکه میفرماید که
یاد دهه بگذرد که
موسم لغات موجود
نیست آری در خیال
و اجتماع خود بفرق
مکن نسبت بنی بنی
حتی التورع را با آنها
متحی خودی آتیغ
بر کدام را جدا گانه
اشاهی شود و درین
صورت نسبت سالقا
به شیطان چنانکه موا
ان فی الا الشیطان
ان اذکره «نسبت
لکرمانی» به او شده
است و این چنین
این انقلابات
عظیم که ان را بدین
الذکر کند که گفته اند در
حقیقت موجود حقیقی
همان خدای بیچاره است
که غیبه وی بر ما است
باید همه این ذات را
خدا بخوانند و معبود

دل یعنی مایه و سر
 و بی یعنی در کتب سابقه
 تفسیر عثمانی
 ع چون ابراهیم
 علیه السلام علی
 از اجداد آنحضرت
 علی الله علیه و سلم است
 لذا بعد تمام است گفتند
 خدا یا مرد این است
 که بعد عرب است زیرا
 اولین مخاطب قرآن
 ایشان اند ع
 شد انبیا سبب
 انتخاب خود تا غلام
 دیگر را تسلیم نمایند
 شمار رسول تعظیم و مدد
 این است باین فرض
 از دیگران متاخر آمده
 تا غلطی بای ام سابقه
 را اصلاح نماید و آن
 بنا بر این راست میارند
 گو یا اعطای عهد و قرآن
 باین است از بی سبب
 است که برای دنیا
 معلوم گردد و چه تعلیمی
 کند و تعلیمی مفید
 دیگر باشد و
 بر شهادت را
 یعنی در گونه
 گرفت اند چون
 در روز قیامت
 احم دیگر انکار کنند
 که پیغمبرین با تبلیغ
 مکره اند و از پیغمبرین
 گوای خواسته شود
 ایشان است محمد
 را الهی گوای پیش
 خوانند که و این است
 گوای خواهند داد که
 لا شک و غیره پیغمبران
 دعوت و تبلیغ نموده
 بقت خدا ابراهیم
 مردم تمام کرده
 چون از ایشان
 سواد شود که شایسته
 و التجدید و مندرک
 باینجا خواهد آمد و در صحافت

قُلْ أَفَأَنْتُمْ تُشْرِكُونَ بِاللَّهِ ذِكْرُ النَّارِ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَلَوْ
 بگو ای کفار و مشرکان این را بخوانید و در ذبح سرت و عده داده است خدا آن را بیک طرفان و
 بگو ای کفار و مشرکان این را بخوانید و در ذبح سرت و عده داده است خدا آن را بیک طرفان و
بِأَنَّ النَّاصِيئَةَ لِلَّهِ يَأْتِيهَا النَّاسُ خَيْرٌ مِمَّا يَشْتُمُونَ ۝
 دے بد حاجت
 در مخرج است آن
 ای مردمان
 بگو ای کفار و مشرکان این را بخوانید و در ذبح سرت و عده داده است خدا آن را بیک طرفان و
الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَا يُجْمَعُونَ ۝
 آنکه بخوانند بخدا بخوانند
 آنکه را که می پرستید بخدا بخوانند
 آنکه را که می پرستید بخدا بخوانند
أَنْ تَسْأَلَ عَنْ الدِّينِ شَيْئًا لَنْ يَسْتَنْقِذَوكَ مِنْ ضِعْفِ الْأُثْمِ وَالْعَذَابُ لَشَدِيدٌ ۝
 بگوید از دست ایشان
 بگوید از دست ایشان
مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝
 قدر نکردند خدا را حق قدر او
 قدر نکردند خدا را حق قدر او
الْمَلَكُ الْمُرْسَلُ ۝ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝
 فرشته گان
 فرشته گان
أَيُّدِيهِمْ وَمَا خَلَقَهُمْ وَرَأَى اللَّهُ تَجَعُّلَ الْأُمُورِ ۝
 روی ایشان است
 روی ایشان است
أَمْ لَوْ أَرَأَيْتُمْ أَفْعَالُ الْخَيْرِ لَعَسَآ
 بگو ای کفار و مشرکان این را بخوانید و در ذبح سرت و عده داده است خدا آن را بیک طرفان و
 بگو ای کفار و مشرکان این را بخوانید و در ذبح سرت و عده داده است خدا آن را بیک طرفان و
تَقْلِحُونَ ۝
 اگر ستمگر شوید
 اگر ستمگر شوید
وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ قُلُوبًا مَلَأَتْ بِهِ ۝
 در راه خدا
 در راه خدا
جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ عَزْجِ رِئاستِهِ ۝
 در راه خدا
 در راه خدا
سَمِعَ الْمُسْلِمِينَ ۝ مَنْ قَبْلَ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ ۝
 نام نهادند مسلمان
 نام نهادند مسلمان
عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا ۝ هَذَا عَلَى النَّاسِ ۝
 بر شما و بر شما
 بر شما و بر شما
اَعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۝
 چنگ زنید
 چنگ زنید

باینجا خواهد آمد و در صحافت

وای منی بدین وقت
 تفسیر عثمانی
 در مکرر
 پشت جوانات
 در روز یاد کردید
 جوانات و کشتی با سوار
 می شود و مسافر پس
 از دروازه می میگرد و
 اسباب و مملکت بسیار
 سنگین راه آنها بار
 نکند و بر ما صفت کشتی
 قشوقه علی السلام را
 متصلا و کسکه که کوه را
 کشتی را بگویند بذر نرمان
 ساخت کرد
 وقت طوفان عظیم
 در این صحنه مومنین
 گردید پس نماز صبح
 نوح علی السلام و اطفال
 بعضی اینها و دیگران
 کوه را دید پس صحنه آن
 بمان این نقص بدین
 طرف هم اندر شد و
 با شکر چنانچه در آیات
 فوق بیان جزیره جوانات
 جمالی نشان شده بود
 همان خود خداوند رحمتی
 برای آنکه حاجت دلوم
 روحانی شامش شود
 از این مایه بی سلسله
 و در رسالت را هم ندیم
 خود و ببارت و دیگر
 زنده است قدرت را
 در فوق بیان کرده بطرف
 توحید متوجه نموده
 بر آن برای تکلیف آن
 بیان سلسله نبوت را
 از اینجا شروع کرد و در
 سخن آن انجام شک
 انبیا و امت بعضی آنها
 و انجام عدلک من و
 ساینده را هم ندیم
 نشین فرمود علی
 و بزرگی خود را خواهد
 تا بر این حد یک
 خود را ساخته است

عَلَى ذَهَابٍ بِهَلْقَيْنِ ۖ فَانْشَأْنَا لَهُ جَنَّتَيْنِ مِنْ رَجِيلٍ وَاعْنَابٍ ۖ

لَكُمْ فِيهَا فَاكُهُ كَثِيرَةٌ مِمَّا تَأْكُلُونَ ۝ وَتَجْعَلُونَ لَهَا مِنْ تَحْتِهَا حُتُوتًا

شماره اول با عنوان میوه نامی بسیار است و در بعضی آثار میخوردید و در آفریدم که برود می آید از طور
شماره اول با عنوان میوه نامی بسیار است و در بعضی آثار میخوردید و در آفریدم که برود می آید از کوه

سَبِيحًا تَدْنِيهِ بِاللَّحْنِ وَصَبِيحًا لِلْأَكْلَيْنِ ۖ ﴿٢٠﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً

سینا بخود درخت از نیون بجزید بوی چوب که حاصل شد دروغن و نان خوش طعم خوندگان را و در هر یک شماره چهار یا پانچ منده است
سینا بخود ناروغن و نان خوش طعم خوندگان را و در هر یک شماره در چهار یا پانچ منده است

سُقِفَكُمْ فِي بُطُونِهِمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿١٦﴾ وَعَلَيْهَا

ی روشتم شمارا از اینجور دشمنان است و شمارا در اوان چهارپایان شغفت است و بعضی ایشان را می خورد و بعضی را پان
چهارپایان شمارا از اینجور دشمنان است و شمارا در اوان چهارپایان شغفت است و بعضی ایشان را می خورد و بعضی را پان

وَعَلَى الْفُلْكِ مَحْمُودٌ ۖ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَى قَوْمِهِ فَقَالَ يَوْمَئِذٍ يَقُولُ مُرْسِلُ

وہ کہتی اسوار کردہ پیشہ و
وہ کہتی اسوار کردہ پیشہ و

الْكُفْرَ مِنَ الْعَذَابِ ۖ فَاسْتَفْتَوْنَ ۖ ۝١٠ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِي كَفَرُوا

کنند نیست شمار اینچ میبودست بخیر و آید می ترسید پس گفتند ای سید کافران

م: ٢٠٤: هَذَا الْأَمْرُ مَمْلُوكٌ لِلْمَلِكِ لَا يَسُدُّ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَتَنْقُصُ عَنْكُمْ وَلَوْ شَاءَ

از قوم ادنیست این شخص مگر آدمی مانند شما نمی خواهد که ریاست پیدا کند بر شما و اگر خواست

۱۰۲

۱۰۳

۱۰۴

۱۰۵

۱۰۶

۱۰۷

۱۰۸

۱۰۹

۱۱۰

۱۱۱

۱۱۲

۱۱۳

۱۱۴

۱۱۵

۱۱۶

۱۱۷

۱۱۸

۱۱۹

۱۲۰

۱۲۱

۱۲۲

۱۲۳

۱۲۴

۱۲۵

۱۲۶

۱۲۷

۱۲۸

۱۲۹

۱۳۰

۱۳۱

۱۳۲

۱۳۳

۱۳۴

۱۳۵

۱۳۶

۱۳۷

۱۳۸

۱۳۹

۱۴۰

۱۴۱

۱۴۲

۱۴۳

۱۴۴

۱۴۵

۱۴۶

۱۴۷

۱۴۸

۱۴۹

۱۵۰

۱۵۱

۱۵۲

۱۵۳

۱۵۴

۱۵۵

۱۵۶

۱۵۷

۱۵۸

۱۵۹

۱۶۰

۱۶۱

۱۶۲

۱۶۳

۱۶۴

۱۶۵

۱۶۶

۱۶۷

۱۶۸

۱۶۹

۱۷۰

۱۷۱

۱۷۲

۱۷۳

۱۷۴

۱۷۵

۱۷۶

۱۷۷

۱۷۸

۱۷۹

۱۸۰

۱۸۱

۱۸۲

۱۸۳

۱۸۴

۱۸۵

۱۸۶

۱۸۷

۱۸۸

۱۸۹

۱۹۰

۱۹۱

۱۹۲

۱۹۳

۱۹۴

۱۹۵

۱۹۶

۱۹۷

۱۹۸

۱۹۹

۲۰۰

۲۰۱

۲۰۲

۲۰۳

۲۰۴

۲۰۵

۲۰۶

۲۰۷

۲۰۸

۲۰۹

۲۱۰

۲۱۱

۲۱۲

۲۱۳

۲۱۴

۲۱۵

۲۱۶

۲۱۷

۲۱۸

۲۱۹

۲۲۰

۲۲۱

۲۲۲

۲۲۳

۲۲۴

۲۲۵

۲۲۶

۲۲۷

۲۲۸

۲۲۹

۲۳۰

۲۳۱

۲۳۲

۲۳۳

۲۳۴

۲۳۵

۲۳۶

۲۳۷

۲۳۸

۲۳۹

۲۴۰

۲۴۱

۲۴۲

۲۴۳

۲۴۴

۲۴۵

۲۴۶

۲۴۷

۲۴۸

۲۴۹

۲۵۰

۲۵۱

۲۵۲

۲۵۳

۲۵۴

۲۵۵

۲۵۶

۲۵۷

۲۵۸

۲۵۹

۲۶۰

۲۶۱

۲۶۲

۲۶۳

۲۶۴

۲۶۵

۲۶۶

۲۶۷

۲۶۸

۲۶۹

۲۷۰

۲۷۱

۲۷۲

۲۷۳

۲۷۴

۲۷۵

۲۷۶

۲۷۷

۲۷۸

۲۷۹

۲۸۰

۲۸۱

۲۸۲

۲۸۳

۲۸۴

۲۸۵

۲۸۶

۲۸۷

۲۸۸

۲۸۹

۲۹۰

۲۹۱

۲۹۲

۲۹۳

۲۹۴

۲۹۵

۲۹۶

۲۹۷

۲۹۸

۲۹۹

۳۰۰

۳۰۱

۳۰۲

۳۰۳

۳۰۴

۳۰۵

۳۰۶

۳۰۷

۳۰۸

۳۰۹

۳۱۰

۳۱۱

۳۱۲

۳۱۳

۳۱۴

۳۱۵

۳۱۶

۳۱۷

۳۱۸

۳۱۹

۳۲۰

۳۲۱

۳۲۲

۳۲۳

۳۲۴

۳۲۵

۳۲۶

۳۲۷

۳۲۸

۳۲۹

۳۳۰

۳۳۱

۳۳۲

۳۳۳

۳۳۴

۳۳۵

۳۳۶

۳۳۷

۳۳۸

۳۳۹

۳۴۰

۳۴۱

۳۴۲

۳۴۳

۳۴۴

۳۴۵

۳۴۶

۳۴۷

۳۴۸

۳۴۹

۳۵۰

۳۵۱

۳۵۲

۳۵۳

۳۵۴

۳۵۵

۳۵۶

۳۵۷

۳۵۸

۳۵۹

۳۶۰

۳۶۱

۳۶۲

۳۶۳

۳۶۴

۳۶۵

۳۶۶

۳۶۷

۳۶۸

۳۶۹

۳۷۰

۳۷۱

۳۷۲

۳۷۳

۳۷۴

۳۷۵

۳۷۶

۳۷۷

۳۷۸

۳۷۹

۳۸۰

۳۸۱

۳۸۲

۳۸۳

۳۸۴

۳۸۵

۳۸۶

۳۸۷

۳۸۸

۳۸۹

۳۹۰

۳۹۱

۳۹۲

۳۹۳

۳۹۴

۳۹۵

۳۹۶

۳۹۷

۳۹۸

۳۹۹

۴۰۰

۴۰۱

۴۰۲

۴۰۳

۴۰۴

۴۰۵

۴۰۶

۴۰۷

۴۰۸

۴۰۹

۴۱۰

۴۱۱

۴۱۲

۴۱۳

۴۱۴

۴۱۵

۴۱۶

۴۱۷

۴۱۸

۴۱۹

۴۲۰

۴۲۱

۴۲۲

۴۲۳

۴۲۴

۴۲۵

۴۲۶

۴۲۷

۴۲۸

۴۲۹

۴۳۰

۴۳۱

۴۳۲

۴۳۳

۴۳۴

۴۳۵

۴۳۶

۴۳۷

۴۳۸

۴۳۹

۴۴۰

۴۴۱

۴۴۲

۴۴۳

۴۴۴

۴۴۵

۴۴۶

۴۴۷

۴۴۸

۴۴۹

۴۵۰

۴۵۱

۴۵۲

۴۵۳

۴۵۴

۴۵۵

۴۵۶

۴۵۷

۴۵۸

۴۵۹

۴۶۰

۴۶۱

۴۶۲

۴۶۳

۴۶۴

۴۶۵

۴۶۶

۴۶۷

۴۶۸

۴۶۹

۴۷۰

۴۷۱

۴۷۲

۴۷۳

۴

خدا ہر آئینہ فرستادے فرشتگان رو نہ ستندیم ایس اجرا رو در پیدوان خلیفہ خویش نیست ایس شخص کمر

هذا الكتاب من كتب بيت المقدس

مردم سے کہ جسے یہ رفعت دیوانگی سے پیش انتظار سے کنیز آدھے کھٹا ہے یہ دروگر میں نصرت و مراببت کی نگرانی سے خود

فوق

پس دجی فرسٹ نڈیم بسوسے وے کریئڈ کسٹج، محفروما، وابقان ما پس چوں آید، فران ما وچوس زید

[illegible]

فتور و غلبه پس بر آر در گفتی از هر چینه دو عدد خرد داده را و بعد از آن خود را از آنکه در پیش من بقیه کرده است

توالتیسه (لا آب) پس در آرد و در آن از سر لوی جفت دود در آرد (مادر) و دابل خود را در آرد و برکت از این قیاس بسفت کرد

برودے گفت حق و سخن گو با من در آئیں گسرم کردند ہر آئینہ اشیں عشق کردہ آئند پس چون

بر سر علم حق کلامی بنی بر باب آسانی که ستم کرد و اندک بر زمین ایشان عرق شد مانند پس چوں

راست بشی تو دیر که آتو باشد بر کشتن یس جو بدست کاشی خد خد راست آنگه نجات دادند از گرده

سارست بستی تو دبر که با تو یار شد بر وفق پس بجو بر ستایش خدای رامت که نجات داد ما را از گرد

نامار میل بر منته بقبرستانه می خواست کدام خورشید را مقرر کند و نقطه چشمن

()



الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ وَقُلْ رَبِّ ارْزُقْنِي مِثْلَ الْبَرِّكَ وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ۝

سنتگران و بگو ای پروردگار من خود را در منزل مبارک و گوی بهترین خود را که در کافیه بر آید درین

فِي ذَلِكَ آيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَلْبَتِلِينَ ۝ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ۝

در آن نشانی است و اگر ما نبودیم ایستادگان باز میافریدیم بعد ایشان قریه دیگر را

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝

پس فرستادیم در میان ایشان پیغمبری را از قبیل ایشان که عبادت خدا کنید نیست شما را هیچ معبود جز او نیست آیا نمی ترسید

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا الْأُولَىٰ ۝

و گفت سران از قوم او آنان که کافر شدند و کذب کردند بر آیات ما و اولی که کافر شدند و کذب کردند بر آیات ما

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا هَٰذَا لَا يَشْعُرُ مِنْكُمْ إِلَّا بِأَكْلِهِمْ مِمَّا كَانُوا عَلَىٰ فُتُورٍ ۝

زندگانی دنیا نیست این محض مگر آذنی بماند و طعمی خوردن از آنچه می خوردند و می آشامیدند از آنچه

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ ۝ وَلَٰكِنْ أَطْعَمْتُمْ بِشَرِّ مَا تَكْفُرُونَ ۝

در آن روز است و اگر زبان می خورد آذنی را که کافران شماست بر آنچه شما از آن کافران می خوردید و در آن روز

أَنْتُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنْتُمْ مَخْرُجُونَ ۝ هِيَ مَاتَ هَيْمَاتَ ۝

و شما چون بمیرید و شوید خاک و استخوان می شوید و از آنجا که می میرید و استخوان می شوید و از آنجا که می میرید و استخوان می شوید

لَهُمْ يَوْمَئِذٍ ۝ إِنَّ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَحَيَاتُنَا مِمَّا بَعْدَ بَعْدٍ ۝

در آن روز است و این نیست جز زندگانی دنیا که می میریم و زندگانی ما از آنجا که می میریم و زندگانی ما از آنجا که می میریم

أَنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كِبَارًا مَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ رَبِّ

اینست این محض مگر مردی است که افتراف کرده بر خدا و دروغ را و ما نیستیم او را تصدیق کننده گفت ای پروردگار من

الْصُّرُوفِ بِمَا كَذَّبُون ۝ قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لِّيُصْبِحُنَّ نَادِرِينَ ۝

فراوانی را که دروغ می گفتند و از آنجا که می میرند و از آنجا که می میرند و از آنجا که می میرند و از آنجا که می میرند

الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ۝

پس از آنکه از ایشان قریه های ستمگرانه را از میان برداشتم و از آنجا که می میرند و از آنجا که می میرند و از آنجا که می میرند و از آنجا که می میرند

بَعْدَهُمْ قَرْنًا آخَرِينَ ۝ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۝

بعد از ایشان قریه های ستمگرانه را از میان برداشتم و از آنجا که می میرند و از آنجا که می میرند و از آنجا که می میرند و از آنجا که می میرند

ثُمَّ أَرْسَلْنَا نَحْنُ الْمَلَأَ جَاءَ أُمَّةٌ رَّسُولًا لَهَا كَذِبٌ وَفِتْنَةٌ ۝

پس از آنکه از ایشان قریه های ستمگرانه را از میان برداشتم و از آنجا که می میرند و از آنجا که می میرند و از آنجا که می میرند و از آنجا که می میرند

تفسیر عثمانی

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

عنه

طاعتی نیست
بلکه بدعت است
تفسیر عثمان
عنه شاید این بیان
بقتضای این باشد
که وقت و مکان
حضرت مریم در آنجا
قرین داشت خواجه
آیات سه مرتبه در آنجا
من تمام آن را خوانی
قد جمل یک تنگ رسد
و نیز یکی چند
الغیر فقط علیه
رطباً جنياً و نبات
ی که کان تنه بلند
بود و در آنجا
چغندر و بایو چنان
است و در وقت
خزان و یک بود
کذا و این کفر و
ملک منقرض خوان
بنویسند که این داف
از طوفان حضرت
میست یک
باصفا و نام بیست
و نوس از جنین
مشهد که حضرت عیسی
پرووردی و سرافرازی
ناش خواهد شد لهذا
از این طوفان باد
دشمن شده و سپه
قتلش بود حضرت
مریم از اهل اهل بیته
او اگر نه مهر
رخت و عهد از مرگ
تلاطم کور برین نام
مراحت کرد خواجه
دره انجیل حق و بیانی
و آنچه ذکر شده و گفته
مصر به اعتبار و در
نیل است و در
غرفی می شد و مراد از
سه سحین و در آنجا
است صغیر و در آنجا
جای اهل بیته
نقطه و در آنجا
از این بیحد نیست که

بعضاً وجعلناهم آحادیث قبیل القوم لا یؤمنون ۱۲ ثم ارسلنا موسی
عقب بعضی دور ملک او گردانیدیم ایشان را پس دوری با و گردیدی را که ایمان نمی آوردند
و اخاه هرون هابیئنا و سلطان مبین ۱۳ الی فرعون فاستلوا
و برادر او هارون را با ما آیدیم و سلطان مبین را به فرعون فرستادیم پس سرش را
و کاتوا فاما الین ۱۴ فقالوا الی من لبشربن مبتلنا و قومهم سبنا
و بودند کرده تکرار کنند پس گفتند آیا ایمان آری بعد از این ما را می آیدیم و قوم ایشان را
و یونند گردی سرسل پس گفتند آیا ایمان آری بعد از این ما را می آیدیم و قوم ایشان را
عبدون ۱۵ فکذبوا همافکنا و من الیهلکین ۱۶ ولقد اتینا موسی
خدمت کنند گانند پس دروغ گفتند ایشان را پس شدند از ملک گردان و بر آیدیم و او را
الکتب لعلهم یتدرون ۱۷ وجعلنا ابن مریم و امة ایه و اوتهم الی دیوة
کتاب بود که ایشان را آید پس و ساجده بر سر برادرش را نشاند و جادویم ایشان را نیز شد
ذات قرار و معین ۱۸ یا ایها الرسل کلوا من الطیبات و اعلموا اصالحکم
خداوند استقامت دادند و آید و او را تعلیم آید و ایشان را بخورد از الطیبات و بخند کار چو
الی بما تعملون علیهم ۱۹ وان هذه امة واحدة و اکامر بکم
هر آنچه من بگویم کنید و انهم و بر آیدیم و ملت شما ملت ایشان و برود و کار شما
فانفقون ۲۰ فمطعوا امرهم بینهم زبوا کل حزیب بالدیه فرعون ۲۱
پس بر سرید از من پس متفرق ساختند ایشان را که خود را در میان خویش پاره پاره بر گردید و بیک نزدیک از دست خودمان است
قد رهقونی غمرهم حتی جبن ۲۲ ان یحسبون اننا لنمدهم من مال و
پس بگریزید ایشان را و در غفلت ایشان تامل کنید که آیدند و آنکه آیدیم از ایشان را
بنین ۲۳ نسا ربهم فی الخیر بل لا یفقهون ۲۴ ان الذین هم
از نسلان ستمی در شکیبایی بای کیم بر آید ایشان را و آنچه می دانند و بر آید ایشان را
من خشیه ربهم فشفقون ۲۵ والذین هم یأیت ربهم یؤمنون ۲۶
از ترس پروردگار خویش می ترسند و آنکه ایشان را آید و بر آید ایشان را
والذین هم یؤمنون ۲۷ والذین یؤمنون ما اتوا و قلوبهم
و آنکه ایشان را بر سر خود سر یک سفر می کنند و آنکه می بیند و جانی که دل آن را
وجه الله الی ربهم رجعون ۲۸ اولئک یسارعون فی الخیرات و
ترسانند و آنکه ایشان را بر سر خود سر یک سفر می کنند و آنکه می بیند و جانی که دل آن را
ترسان است لبیب آنکه ایشان را بر سر خود سر یک سفر می کنند و آنکه می بیند و جانی که دل آن را

وَأَمَّا بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ سَخِرَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَيَصِفُونَ اللَّهَ بِغَيْبٍ وَ

بر آینه عکاسی که بعضی ایشان بر بعضی عکاسی کرده اند از آنچه بیان می کنند و دانسته بهمان و

شهادۃ: فَمَنْ عَمِلَ غَيْرَ ذَلِكَ كَانَ

مشاور است برتر است از آنکه شریک می آرند
بگو اسد و ب من اگر بنمای مرا آنکه ترس نبوده می شوند

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِنَّا عَلَى أَنْ تَرْيَا مَا

وهر آينه را بر آنگه بنام يهر مرا آنگه
دهر آنگه را بر آنگه بنام يهر مرا آنگه

بَعْدَهُمْ لَقَدْ رُؤِنَ ﴿٣﴾ اِذْ وَفَّيْنَاكَ بِالَّذِي هِيَ اَحْسَنُ السَّنَةِ لَمَّا خُصِمْتَ اَعْلَمَ

داده سیدیم بایشان توانا ایلم و مقولکن بدی را چهلصفت که آن نیک است دادانا ترایم

لَصْفُونَ ۚ وَقُلْ ۖ اِنَّكُمْ مَعَكُمْ مِنْ هَٰؤُلَاءِ السَّيِّئَاتِ السَّيِّطُۢنَ ۝

آب حیات می کنند و بگویند که هر که در دین و دنیا بخواهد که از دغدغه های دنیا بگریزد و

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

یٰۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اِذَا جَاءَکُمْ عَمَلٌ فَاَعْلَمُوْا اَنَّهُ لَمِنْ وَّجْهِکُمْ اَوْ لَمْ یَكُنْ مِنْ وَّجْهِکُمْ فَاِنْ کُنْتُمْ عَاوِلِیْنَ فَاُولٰٓئِکَ یُکَلِّفُکُمُ الشَّیْطٰنُ اَمْرًا کَثِیْرًا ۚ وَیَاۤاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا اِذَا جَاءَکُمْ عَمَلٌ فَاَعْلَمُوْا اَنَّهُ لَمِنْ وَّجْهِکُمْ اَوْ لَمْ یَكُنْ مِنْ وَّجْهِکُمْ فَاِنْ کُنْتُمْ عَاوِلِیْنَ فَاُولٰٓئِکَ یُکَلِّفُکُمُ الشَّیْطٰنُ اَمْرًا کَثِیْرًا ۚ

بسم الله الرحمن الرحيم

سے بددعا رہیں باز گروا زہرا بود کہ کارینجو کف در مرا سے کہ گند آکشمش - چنین باشد بر آئینہ این سخن حسرت کو سے

در این کتاب باز کرده اند مرا و بسیار است بدین معنی که اسم چنین نیست و این کتاب را می دانستند

گفته است و پیش ایشان حجابی نبوده باشد تا درینکه بر اینچنین شریعت پس چون دیده شود در صورت

کرمه است و از عقب ریش، آلت من بجای است این بار در می در بر است خرمه پسر چو ز سینه خرمه در غمور

پس قرابت کا تماشہ میان ایش و آن روز و نہ بایکدی جواب سوال کنند پس ہر گران آید پہلے اے ترازوئے او

پس بر شد از این میان آن روز و دیگر پس هر که بران خود ان از دهستان او

پس آن جماعت اندر دستگیران و هر که سبک شد بپہانے ترازوئے او پس آن جماعت آوازند

بیس تمان جاء ایشانه رسته تاران وهر که سبک شود وزن او پس آن جاء آید

[illegible]

کرمیان کردند در حق خود و در ذرخ جاویداند
میوزند و دیهای شان را آتش و ایشان

یہاں کا لہجہ عربی ہے۔ لیکن ایسی ہی کہیں کہیں دیکھیں تو وہاں بھی ایسی ہی باتیں ہوتی ہیں۔

در آن می باشند زشت روی و گفته میشود برای شاهین آریا خود آیت ای من که خوانده میشود بر شش پیر بودید که بدین مکتب میگردید

ربنا غلبت علينا شقوتنا وكنا فوما ضالين ﴿١٠﴾ ربنا اخرجنا منها

عربی علم کرده را بان اسم پند و گار ما بیرون آرد از انرا کشف و فکرم

فدایب توداع شویم چنانکه در مواقع دیگر ابرش و شداد القوا حق لا یصیب الا بدین کلام ما عتدوا ان یفعلوا کونوا هم درین مواقع آنحضرت مسلم را

تفسیر ثنائی
عالمی که در میان و
آسمان و معرفت در
برزخه تنها خداوند
تعالی است نه او
موجود است به پسر
دارد و نه اقبال
به کدام ملک و نه در
مکرم و سلطنت
او کسی می تواند شریک
شود و نه جز او کسی
بیک زده اعتقاد مستقل
دارد و اگر چه پسر بودی
پس حاکم و اقتدار
رحمت خود را گرفته
علیه روحی شد و جمعیت
خود را فرام آورده
بره بگری بجای برود
و این نظام حکم و
محیر العقول عالم را برهم
و متقلب میگرداند
برای تخریب سلوات
تفسیر آیه یونان تنها
آبتر الا الله نفسنا
دارد و سرور آتیا
سلطان کنیده
چون در یاد حق غافل
چنین گسافی را
مرتکب میشود تعقیب
یک هذاب شدیدی زایل
میشود و بنابر این و هر
سومین بدایت داده
میشود که از هذاب الله
ترسیده چنین دعا
کنند که هرگاه بر
ظالمان هذاب زاری
شود الهی بر آنها نازل
فرماید چنانکه در
حدیث است «و انما
اروت بقوم فتنه
فتون فیهم فمفزون»
مطلب اینست که
خداوند ایام را برآورد
ایمان و احسان مستقیم
و نایب توکل بداند که
از آن تفسیری سر نزود
کرد ایام را بآورد و ایام
بفرموده و در خلقیت

يَسْتَلِمْ لَعَلَّكُمْ تَدْرِكُونَ ① الْبُرْهَانِيَّةُ وَالزَّائِنُ فَأَجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ

دانش آگاهان کهنه و مدرسان کهنه و پیش بر سرید
مدرسین تاسیما بلور اید و دودیل برید

مِنْهُمَا يَأْتِيَنَّ جَلَدًا فَيَسْأَلَا عَنْكُمْ فِي دِينِكُمُ اللَّهُ بِمَا

از ایشان صدور دارد و باید که در عجز و دشواری حقیقت بر ایشان و جاری کردن شرع خدا اگر
و شاید (معمولاً) شمارا به آن دور هم در اجراء حکم است. اگر

كَلِمَةً مِّنْ يَّأْتِيهِمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّجْمِ هُمْ فِيهَا طَائِفٌ مِّنَ

ایمان آوردند و بعد از نماز و روز آخر و باید که حاضر شوند بعد از بیت ایشان جامع اند

النَّامُوسُ (١٢) الْكَلَامُ أَسْتَكْبِرُ أَلَا أُنَبِّئُكُمْ كَيْفَ تَلْبَسُونَ

مسلمانان مرد و زن را کشته و تاج و تخت را کشته و یا شمشیر و زین را کشته و بزرگانی را کشته

مردمان کینه و ستیاری می نمودند که در آن زمان در آنجا بود.

و حرام است که در روز نهار نماز را در آنجا و آنجا که در آنجا نماز است

سکرمه زانگونه یا مشک و حریم کرده شد این بر خوشنشان و آنانکه در ششام و ناکار و میسند

مخصّصت لكم يا قوايا ربعة شهلاء فاجلدهم ثمانين جلداً

زبان عقیق را باز دنیا خوردند چچار مرد گواه
بر میند ایشان را هستاد دره

وَلَا تَتَّبِعُوا أَهْلَ شَهَادَةٍ أَبَدًا ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿٥٠﴾ إِلَّا الَّذِينَ

وہو ان کے لئے کوئی ایسا کاروبار ہو جس سے وہ بچ سکیں۔

مما اذنا انزلنا من السماء ماء فاصبح ناضرا

کتاب کردند بعد از آن دو سال و پنج ماه در کار خود را پس هر آینه خدا آمرزنده مهربان است و ۴۲۸

بدر این دامج گویند و نفس بانه طوطا پس و بر اینند الف که از کار هر بن است و ۲۰۰

يَتَوَلَّوْنَ اَرْوَاحَهُمْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ شُهَدَاءُ اِلَّا اَنْفُسُهُمْ فَشَفَّاهُ

مشتاق و ناکامی میسر شد و زمان خود را حال آنکه بنیاد ایشان را گواهان مگر قفس های ایشان پس نوازی

أحد هم أربعة شهداء بالله أنه ليس الكافرين والخامسة أن

چهاردهان است چهار بار که بخدا هر آینه ده از اوست تو مان مست و کج و کجاست این صفت که
چهاردهان است چهاردهان است که بخدا هر آینه ده از اوست تو مان مست و کج و کجاست این صفت که

أَعْتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَنْ كَانَ مِنَ الْكَذِبِينَ ④ وَيَذَرُوا عَنْهَا الْعَذَابَ

عزت خدا بر او باد از دو ربع کوپان باشد و بار می گردد اندک ازین حق می رسد

وَقَدْ كُنَّا مِنْ أَفْوَاجٍ

آلو گوانی دہ چل مار جلد ابر آئینہ اشیا خوب ہر از روغ گوان مست دگوانی و + ہر چار یاسی صفت

نیکوکاری به بد چهار بار شهادت یابن که (هر آینه) او از درو علویان است و پیغمبر را

ان عصب الله عليها ان كان من الصديقين وكونه فصل الله

الفصل الله باشد بی این زن اگر باشد و در استخوانان دگر بخود نقل خدا

مازندان پاکیزه محل آید از باغ باغ و ترانه نواخته است تغییر نفس دارد. با آب آینه یا عکس سهیل و بجه تحفه است درین قومی معنی لایق است معنی کلان و در

رُكُلُهُمْ لِيَعْلَمَ مَا يُحْفِيْنَ مِنْ رِزْقِهِمْ وَقَوْلاً اِلَى اللّٰهِ يَجْمَعُ اَشْهُ

[illegible]

الْمُؤْمِنُونَ لَكُمْ رَفِيقُونَ ﴿٥﴾ وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ

مومنان شہید رسولگار مشہود
وہ پہنچ بدید زمانا ہے شہور (مردان بے زن) گواہ شہا باشندہ (نوعان و راہد)

عِبَادَةِ وَأَمَّا كُمْ أَنْ يَكُونُوا قِرَاءَةً يُحْزِنُهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ

بندگان خدایان و کینه‌داران خود را که بر سر انداخته اند از ایشان جدا سازند و در پیشگاه خداوند عزوجل حاضر گردانند و بندگان خدایان و کینه‌داران خود را که بر سر انداخته اند از ایشان جدا سازند و در پیشگاه خداوند عزوجل حاضر گردانند

وَأَسِرُّوهُمْ ۖ وَأَلْبَسُوا لَهُمِ الْخُزَّيْنِ ۖ وَخَرُّوا لَهُمِ السَّيْذَاتِ ۚ وَمَا كُنْتُمْ تَبْلُغُونَ ۚ

بسیار دهنده داناست و باید که بر پا گذاشتی مقید باشی که آن نیکو می یا بنده و صاحب نیکو تا آنکه تو نیکو کنی این اثر را

[Handwritten Persian script]

عذار و فضل خولیس و آواز نغمی طنیند مرا زیندگای که گمانم آن شد است دست و پا

و اما آن گوی که طایفه از آن کسانیکو که شده دست ما می رسد

فَكَانَ يَوْمَئِذٍ اَنْ يُنْفِثَ فِيكُمْ خُبْرًا وَاَوْهَمَ بَيْنَ يَدَيْكُمْ اَنْ يَنْفِثَ فِيكُمْ خُبْرًا وَاَوْهَمَ بَيْنَ يَدَيْكُمْ اَنْ يَنْفِثَ فِيكُمْ خُبْرًا

میرزا کاظم را زید ایشان را اگر بداند در ایشان نیکی را و بد بدید ایشان زین غلامان اسرا که را از او نالیده اند چه کرده است

الآن تدرهوا فتبتلوه على البقاء ان اردن محصنا لتبتقوا عرض

بزرگواران خود را بفرستادند که از ایشان خبری حاصل شود
که در آن زمان که این امر میسر شد باز ایستادند و از آنجا برای طلبیدن اسباب

حَيَاةَ الدُّنْيَا وَمَنْ يُكْرِهْنِ فَأَنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ آيَاتِهِمْ غَفُورٌ

دگر گانی دنیا و دیگر که جبر کن. ایشان را پس سر آینه خدا آن نیزگان را بعد جبر کردن برایشان آرزونده

جاءه **لَقَدْ آتَيْنَا لَكَ الْبَيِّنَاتِ** آتَيْنَا مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا **خَلَقُوا**

بر این است و میر آینه فردا آوردیم بوسه شما آیت ما سزاوارتر را فردا آوردیم داستانی از حال آن که گذشتند

و چون در این کتاب می بینیم که این کتاب در میان ما در این کتاب

لے زشتہ چندے پر ہمیں گاراں خدا نور آسمان ہمارے وزیرین داستان نور سے در طلب مسلمانان

از ارشاد و پند و برای پرورش گران التور نور آسمانها و زمین است محبت نور او

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعل في كل شيء حكمة

که مفت مانی است که در آن چراغ است چراغ در کشف است بن کشف شیه گویا که او سراده الیت

يُؤْتِي مِنَ الشَّجَرَةِ زَيْتُونَ لَاشْرَقِيَّةٍ وَالْأَعْرَابِيَّةِ يُكَاذِبُونَهَا

مجلس است از خود میباید از آن سخن در جرات میبارد که نه شرقی است و نه غربی که از وی است که دروغ سخن آید
 و نه در جرات میبارد که نه شرقی است و نه غربی که از وی است که دروغ سخن آید

وَلَوْلَا تَعْسُفُ أَرْوَاحِنَا لَفُتِنَا بِمَا فِيهَا

در این کتاب که در حدیث است و می نماید خداوند خدا
بر کمال خود را

۲۔ تمام محض برائی نہ ہو، بعض اوقات اس کی وجہ سے بھی برائی ہو سکتی ہے۔

مل حاصل این شل
تشبیه نوری است
که بسبب سواطیت
بر طهارت و عبادت
در دل مشایقان حاصل
میشود بنور چراغ کرد
غایت درخشندگی باشد
و بصیحت اشک بآب
سواطیت می فرایند ۱۱
مل حاصل این شل
آنست که اعمال کافر
حبط شود و در آخرت
از هیچ ثواب نباشد
۱۲ مل حاصل این
شل آنست که کافر
قلبات بهیبت متراکم
شده است و نفور میکند
از دس بطی صدمه شد
است ۱۳
تفسیر عثمانی
عنه و ذکر برندگان و
شاید ازین سبب چرا
گاز فرود که آنها در وقت
پریدن در زمین آسمان
و زمین مطلق می باشند
و این طور برین آنها
در پراشش می زندگ
قدرت است همه
حق قلم به هر چیز
مناسب حال آن
طریق امامت و مذهب
و هیچ خلقی را الهام
فرمود هر چیز آن طریق
را نمیداند و طایفه خود را
ادامیکند لیکن
چانه انوس ۱۴
و تعبیر است ۱۱
که با از اولان
به خود غفلت و غفلت
و جهالت گزشتا آید
از یاد الهی غافل
و از ادای وظیفه
عبودیت روگردان
میشوند - تنبیہ
فانهم به تیغ عقوبات
القدر محققی در
یاد پا نوز هم داده ایم

وَيُضِرُّ بِاللَّهِ الْإِمْتِنَانَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بَکُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝۱۱ فِی بَیوتِ أَذْنِ اللَّهِ

و همان می فراید خدا را مستان باشد بر سران و امان و خدا بهر چیز داناست و در خانه های که اجازه داده است خدا
برای مردم و الله بهر چیز داناست و در خانه های که اجازه داده است الله

أَنْ تَرْفَعَهُ وَبِذِكْرِهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ۝۱۲

که بلند کرده شود و از یاد کرده شود آنجا نام او بهای یاد می کنند خدا را آنجا صبح و شام
که بلند کرده شود آنها و ذکر کرده میشود در آنها نام او بهای یاد می کنند خدا را در آنها صبح و شام

رِجَالٌ لَا تُلَیْهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ

مردانیک باز ندارند ایشان را سوداگری و نه خرید و فروش از یاد کردن خدا و برپا داشتن نماز و دادن
مردانی که غافل نمی سازد ایشان را سوداگری و نه بیع از یاد الله از برپا داشتن نماز و دادن

الزَّكَاةِ سِبْخًا فَوْنَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ ۝۱۳

زکوة می ترسند از آن روز که مضطرب شوند در آن دلها و دیدها
زکوة می ترسند از روی که مضطرب میشوند در آن دلها و دیدها

اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَزَيَدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ

خدا بهوض بهترین آنچه کردند و زیاده داد ایشان را خدا از فضل خویش و خدا روزی میدهد هر کس را خواهد
الله جزای بیکو نری از آنچه کرده اند و زیاده داد ایشان را از فضل خود و الله روزی میدهد کسی را که خواهد

بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝۱۴ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ يَفْجِعُ بِمَآئِهِمْ حَسْبُهُ

بغیر شمار یعنی بسیار و آنانکه کافر شدند اعمال ایشان مانند سراب است بمیدانهای بیواری پسندش
بغیر شمار و آنانکه کافر شدند اعمال ایشان مانند سراب است بمیدانهای بیواری پسندش

الظَّمَانُ مَاءٌ حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوَفَّاهُ

تشنه آب است تا وقتی که بیاید نزدیک آن نیابد شس چیزی و یافت خدا را نزدیک آن پس تمام رسانید بوی
تشنه آب تا چون بیاید آن می باید آنرا چیزی و یافت الله را نزدیک او پس تمام رسانید او را

حِسَابَهُ ۝۱۵ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝۱۶ أَوْ كَظُلُمٍ فِي بُحْرٍ مُجِيِّ يَغْشَاهُ

حساب ویراد خدا از دو کشف حساب است و با مانند تاریکی در دریای عمیق می پوششاید کافرا
حساب دی و الله زود کننده حساب است یا مانند تاریکی در بحر عمیق که می پوششاند آن را

مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظَلَمَتْ بَعْضُهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ

موجی از بالای آن موجی دیگر از بالای آن بر روی تاریکی است بعضی آن بالای بعضی دیگر
موجی از بالای آن موجی دیگر از بالای آن بر باشد تاریکی است بعضی آن بالای بعضی دیگر

إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكُنْ يَرَهُمَا وَمَنْ لَمْ يُجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ

چون بیرون آورد دست خود نزدیک نیست که به بیندش و هر که در آسمانهاست و زمین است و در غایت
چون بیرون آورد دست خود را نزدیک نیست که بیند آنرا و هر که نداده الله او نور پس نیست او را هیچ

نُورٍ ۝۱۷ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَالْطَّيْرُ

روشنی مل آیندیدی که خدا بهای یاد می کنندش هر که در آسمانهاست و زمین است و در غایت
نوری آیندیدی که الله بهای یاد میکندش هر که در آسمانهاست و زمین است و در غایت

صَفَتْ كَيْفَ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ ۝۱۸ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ ۝۱۹

بال کشاده هر چه دانست خدا عاقل او را و هیچ اندر خدا دانست و الله داناست آنچه می کنند
بال کشاده و هر یک حقیق دانسته است دعا و هیچ خود را الله داناست آنچه می کنند

وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ۝۲۰ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ

و خدا را است بادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خداست بازگشت آیندیدی که خدا
و الله را است بادشاهی آسمانها و زمین و بسوی الله است بازگشت آیندیدی که الله

یاد پا نوز هم داده ایم

يُنْزِلُ سَحَابًا مِّنْ يُّوْثَرٍ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ

دران می کند امرا باز نوعی نماید میان آن باز میزدش تو بر تو پس می بینی قطره را که بیرون می آید از

میزان امرا پس ترکیب می کند میان او بعضی را به بعضی باز می گرداند آنرا تو بر تو پس می بینی قطره های باران را که می ریزد از

خلیقه و یُنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَن جِبَالٍ فِيْهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ

سحاب آن در خود می آورد از جانب بالا از کوه ها که آنجا هست زلاله را پس می رساندش به هر که

میان آن و در خود می آورد از جانب بالا از کوه های که در آنجا هست زلاله پس می رساند آنرا به هر که

تَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَّن يَّشَاءُ يَكَادُ سَنَابُوقُهُ يَذْهَبُ يَا أَبْصَارَ

خود و باز می داندش از هر که می خواهد نزدیک است که روشنی برقی آن بر باید دیده باران

يَقْلِبُ اللَّهُ الْكَلِمَ وَاللَّهُ شَاطِطٌ فِيْ ذَلِكَ لَعِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ وَ

می گرداند خدا کلمات را و خدا در آن هر آنچه دین مقدمه میکند به است خداوندان چشم را

تَرَى كَيْفَ يَكْنُثُ فِي رُزْءِهِمْ (هر آنچه دین) در آن عبرت است برای صاحبان بصیرت و

اللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّا يَخْتَفُونَ مِنْ تَحْتِ الْأَرْضِ وَمِنْهُمْ مَّن

خدا آفرید هر جانور را از آب پس از اینهاست آنکه می رود بر شکم خود و از اینهاست که

يَخْتَفُونَ عَلَى رُجُلَيْنٍ وَمِنْهُمْ مَّن يَخْتَفِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ

میرود بر دو پای و بعضی از ایشان آنست که می رود بر چهار پای می آفریند خدا هر چه خواهد

مِنْ يَّشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ

بر آنچه خدا می خواهد بر هر چیز توانا است (هر آنچه خود آوریم آیت های روشن را و خدا دالالت می کند

وَأَعْلَمُ يَتَوَلَّى فِرْقٍ مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

را بر داری تو دیم و باز روی گرداند فرق از ایشان بعد از این و می بیند ایشان مومنان

وَأَذِمْ إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيُخْرِجَهُمْ مِنْ دَارِ قَرْيَةٍ مِّنْهُمْ

و چون خوانده می شوند بسو خدا و رسول او تا حکم فرماید میان ایشان تا که آنان مجامعت از ایشان

مُعْرِضُونَ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِمْ مُذِئْبِينَ

و گردانند گاهند و اگر باشد برای ایشان حق می آیند بسو او گرداننده آنها در

فَلَوْ هُمْ مَرْضَى أَوْ أَبْطَالٌ أَوْ ذُرَّيَا عَمَضٍ فَأَتَوْا عَلَىٰ سُبُلِ اللَّهِ

عز ایشان بیمار است یا در جنگ افتادند یا می ترسند از آنکه مست کند بر ایشان خدا و رسول او

بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا

بلکه آنان گناهان ایشانند مستکاران جز این نیست که است مومنان و تقیید خوانده شوند

لَا يَخْشَوْنَ غَارًا وَهُمْ يَقْنَطُونَ أَن يُجْعَلُوا فِي شَرِّ أَمْرٍ أَوْ يُجْعَلُوا فِي شَرِّ أَمْرٍ

و نمی ترسند غار و می قنط می کنند که در بدترین امر قرار گیرند و می ترسند که در بدترین امر قرار گیرند

تفسیر قرآنی
کوه های رنگ است
قول یعنی سلف هر
طوره انسان کوهانی
ژالو و جویها شده اند
برو قی آن ترقه کرده
است لیکن راجع تر
د قوی تر این است که
از راه به دیدار بران
باشد مطلب این است
که اگر بایست که در کثافت
و کثافت باشد کوه با
می باشد ترالی با آن
اندر که از آن بسیار
مردم نقصان جانی و
مالی می رسد و برقی
از آن محفوظ ماند
مثل مشهور است
که اگر البریک شمش
کاهی باره و شمش
غش می ماند خدا
بعد از روز و شب بود
از شب روز فقط بقدر
اوقالی می آید و اوقالی
کاهی روز و کاهی شب
را دراز و کوتاه می کند
و گاهی آنها را به سوز
و سوزی آنها را به سوز
تبدیل می نماید
بنی آدم باید از دیدن
چنین نشان ها
ظلم ایشان قدرت
بصیرت و عبرت حاصل
کنند به آن شب نشاء
حقیقی به صدق و
اخلاص دل رجوع کنند
که در تبخیر و تصرف
از نام تمام تصرفات
و تقلبات می باشد
لله آیات مکتوبه و
تشریف آنقدر واضح
است که بعد از دیدن
و شنیدن آن
نباید از آن
عکس گاه گردد و دل
بر راه راست شخصی
روان شود که خدای

تایید اوقتی به این داده باشد - لیکن بهرام این نشان های واضح و روشن را می بینند لیکن به اعتبار توجیه دیدن و ندیدن آنها یک برابر است -

فل یمنی جنتی

اسرائیل را بعد از آنکه

بادشاه ساخت ۱۲

فل یمنی جنتی جنتی

حضرت عثمان می گویند

مترجم گوید تفسیر این

آیت در حدیث آمده

ان غلافی بعدی یثرون

سنة الثمانی

تفسیر عثمانی

عنه یمنی منافعین

قسم های سخت تالی

خود می خوانند به تو

یقین به من که اگر تو

علم ببری نام خاند

و اهل و عیال را ترک

داده و تبار و چشمه که در

راه خدا بر آید

فقط یک اشاره کن

بیند که چگونه همه

مال و دولت خود را در

راه الله قرار بدهم که

نظر به اعتبار آیه

که این قدر قسم های

کمال و سوگند های

طویل ضرورت نیست

حقیقت فراموشی

شمار بر هر کشف

شده است که به

و عادی بسیار می کنند

و در وقت عمل آید

پاس می کشد بر شهادت

است که در عمل انجام

الهی مثل مسلمانان

صادق اعظم شان

و بعد از قسم خوردن

چه حاصل با فرض

کنند که بندگان را

بقسم متیقن و قانع

بر آید لیکن بعضی

الله چالاک و فریب

بیکس تاثیر می

عبارت و جادو و تالی

به تمام سخنان

آشکارا و پوشیده

آنگاه دلد بالا خیزد

تمام مکاری و لغات

الی الله و رسولیه لیجک یبینه ان یقولوا سمیعنا و اطعنا و اولیک

یوسته خدا و رسول او تا علم کند در میان ایشان آنکه گویند شنیدیم و فرمانبرداری کردیم و این جامع

یوسته الله و رسول او تا علم کند در میان ایشان آنکه گویند شنیدیم و اطیعنا و اولیک

ایشانند رسولان و هر که فرمان برداری کند خدا و رسول او و ترسد از خدا و عذر کند از عذاب او پس این

ایشانند رسولان و هر که فرمان برداری کند الله و رسول او و ترسد از الله و عذر کند از عذاب او پس این

هم الفاء یزرون و اقساموا بالی الله جهدا ایما هم لیس اقرتهم لیبیزون

ایشانند زمره در سندگان و قسم بخورند بخدا و هر که در راه خدا بجهد ایما هم لیس اقرتهم لیبیزون

ایشانند مقصد در سندگان و سوگواری بخورند (مناقصان) الله فیکم ای سوگواری خود را که برای ایشان است بیزون و نه

قل لا تقسموا طاعة معروفة فان الله خیر یما تعملون

بگو قسم نخورید فرمانبرداری پسندیده مطلوب است بر آنچه خدا جبردار است با آنچه می کنید

بگو قسم نخورید فرمانبرداری پسندیده مطلوب است بر آنچه الله جبردار است با آنچه می کنید عهده

اطیعوا الله و اطیعوا الرسول فان توافوا فاما علیهم ما حیل و

فرمانبرداری خدا بکنید و فرمانبرداری پیغمبر بکنید پس اگر رو بگردانید پس جز این نیست که بر پیغمبر است آنچه برای او لازم کرده شد

فرمان برید الله را و فرمان برید رسول را پس اگر گردانید پس جز این نیست که بر رسول است آنچه لازم کرده شده پس

علیکم ما حیلتم و ان تطیعوه تهتد و اموا علی الرسول لا الیله

بر شماست آنچه بر شما لازم کرده شد و اگر فرمان برداری او کنید راه یابید و نیست بر شما هر چه می نامد بر شما نیست

بر شماست آنچه لازم کرده شده بشما و اگر فرمان برید او راه یابید و نیست بر رسول مگر تبلیغ

المبین و وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخرقنهم

آشکارا و عده داده است خدا آشکارا که ایمان آوردند از شما و کردند عمل صالحه شایسته خرقه شدن

آشکارا و عده داده است الله آشکارا که ایمان آورده اند از شما و کرده اند عمل صالحه شایسته خرقه شدن از شما

فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمنکن لهم دینهم

در زمین چنانکه خلفه شد بود آنان را که پیش از ایشان بودند و البته حکم کند برای ایشان دین ایشان را

در زمین چنانکه خلفه شد بود آنان را که پیش از ایشان بودند و تا جای دهد و قوت دهد برای ایشان دین ایشان را

الذی ارتضی لهم و لیبدل لهم من بعد عوفهم امانا یعبدون

که پسندیده است بر ائمه ایشان و البته بدیل کند در باره ایشان بعد از ترس ایشان یعنی رای پرستش کنند مرا

آنکه پسندیده است برای ایشان و البته بدیل دهد ایشان را بعد از ترس ایشان ایمنی پرستش می کنند مرا

لا یشرکون فی شیء و من کفر بعد ذلک فاولیک هم الفاسقون

شریک نمی سازد من چیزی را و هر که ناسپاسی کند بعد از این پس آن عاصیانند فاسقان و

شریک نمی سازد من چیزی را و هر که ناسپاسی کرد بعد از این پس آن عاصیانند فاسقان و

واقیموا الصلوة و آتوا الزکوة و اطیعوا الرسول لعلکم ترحمون

و بر پا دارید نماز و بدهید زکوة را و فرمان برداری کنید پیغمبر را بود که بر شما رحم کرده شود

و بر پا دارید نماز را و داده باشید زکوة را و اطاعت کرده باشید رسول را تا بر شما رحم کرده شود

لا تحسبن الذین کفروا معجزین فی الارض و ما و لهم النار و

میسند که کافران را عاجز کنند در زمین و دجانی ایشان آخرت است

میسند که کافران را عاجز کنند خداست در زمین و دجانی ایشان آخرت است

لیس المصیر یأیی الذین امنوا لیست الذین کفروا ملک

آن بد بازگشت است ایستایانان باید که دستوری ملکند از شما آنانکه ملک ایشان شده است

آن بد بازگشت است ایستایانان باید اجازه خواهد از شما آنانکه ملک ایشان است

آن بد بازگشت است ایستایانان باید اجازه خواهد از شما آنانکه ملک ایشان است

آن بد بازگشت است ایستایانان باید اجازه خواهد از شما آنانکه ملک ایشان است

آن بد بازگشت است ایستایانان باید اجازه خواهد از شما آنانکه ملک ایشان است

آن بد بازگشت است ایستایانان باید اجازه خواهد از شما آنانکه ملک ایشان است

آن بد بازگشت است ایستایانان باید اجازه خواهد از شما آنانکه ملک ایشان است

آن بد بازگشت است ایستایانان باید اجازه خواهد از شما آنانکه ملک ایشان است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ إِنَّهُ يَعْلَمُ صُورَكُمْ إِنَّكُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

وَمِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ اللَّهِ أَنْتُمْ أَنْتُمْ مِنَ الْمُنْكَرِينَ

فصل فی غلامان و کنیزگان ۱۲ و صاحب حاضر آنست که محارم اطفال نیز درین ساعات استیذان کنند زیرا که در مان حاضرین ساعات از حق یکشده و عریان میشوند محارم سخن آنست که محارم را در اطفال را عریان دیدن درست نیست والله اعلم ۱۲ و منی نگاهبان وکیل حفظا باشد ۱۲ و منی یعنی آنست که از رسم و عادت موقفاست کفایت می کند و حاجت اذن موقوف نیست والله اعلم ۱۲ تفسیر عثمانی علیه یعنی غلامان و کنیزان - چهار رکوع بیش مستأذنان در اجازه گرفتن ذکر شده این معنون تیسر آن است نظریه مناسبات مخصوص در میان معنای دیگر بیان شده حضرت شاه صاحب میفرماید یعنی زنان پیر اگر در خانه های خود در جائه لم باشد درست است و اگر پرده کامل داشته باشند از این هم بهتر و اگر در حین بر آمدن از خانه چادر زانند مانند برقع و غیره بکشند یا کی نیست بشرطیکه در آن اطفال زینتی نباشد که حکم پنهان کردن آنها در آیت و ولایت بدین زمینین الایه داده شده است ازین

فَسَلِّمْ عَلٰى اَنْفُسِكُمْ خَيْرًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً كَذٰلِكَ يُخَيِّرُ

پس سلام گویند بر خود خیرش عاقلتر یا برکت یا کبریا فرود آورده از نزد یک خدا

اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتُ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ اِنَّ اِلٰهَكُمْ مُّؤْمِنُونَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوا

خدا برای شما آیات را بود که بشنید

بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۝ اِذَا كُنَا مَعًا عَنِ اَمْرٍ جَامِعٍ لَّكَ يَدٌ مِّنْهُوَ اَحَقُّ بِالسِّيَادَةِ

بجدا و رسول او و چون باشند با او بر کاره که جمع کردن ایشان می طلبند نزد آنکه سکوی طلبند نزد

اِنَّ الَّذِيْنَ يَسْتَاذِنُوكَ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۝

بر آئینه آنان که دستور می طلبند از تو ایشان آنان اند که ایمان آورده اند بجدا و بر رسول او

فَاِذَا السَّآءُ نَزَلَ بِكَ لِبَعْضِ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ فَادْنُ فَاسْتَفْخِرْ ۝

پس اگر دستوری طلبند از تو بر است بعضی کار خود دستور می ده هرگز خواهی از ایشان

لَهُمُ اللّٰهُ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ لَا تَجْعَلُوْا دُعَاءَ الرَّسُوْلِ بَيْنَكُمْ

برای ایشان از خدا بر آئینه خدا آمرزنده مهربانست

كُنَا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ قَدْ يَعْلَمُ اللّٰهُ الَّذِيْنَ يَتَسَلَّلُوْنَ مِنْكُمْ لَوْ اَدْرَاكَ

ماشتند طلبیدن بعضی از شما بعضی دیگر را

فَلْيَحْذَرِ الَّذِيْنَ يَخَالِفُوْنَ عَنْ اَمْرِهٖ اَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ اَوْ يُصِيبَهُمْ

پس باید که بترسند آنانکه خلاف حکم پیغمبری کنند از آنکه برسد بدیشان بلائی یا برسد بدیشان

عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝ اَلَا اِنَّ لِلّٰهِ مَا فِى السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا اَنْتُمْ

خدا ایست در همه جا

عَلَيْكُمْ وَيَوْمَ تَرْجَعُونَ اِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ۝

بر ایشان و روزی که برگردانیده شوند بسوی او خبر دهد بدیشان را آنچه کرده اند و خدا به هر چیز داناست

لَسَوْفَ يَفْقَهُ الْفٰسِقَانِ مِمَّنْ لَّمْ يَكُنْ لَّهُمْ حِسَابٌ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۝

پس بفرمان خدا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ۝

عنه یعنی بخوان
آنحضرت (صلی الله
علیه وسلم) هر وقت
نقض میشود
خواستنی آنحضرت
لی الله علیه
و سلم مثل دیگران
نیست که قرار خواش
خود اگر آن را بلیس
باید یا نگوید فرق کند
از کسی بدو است آنحضرت
صلی الله علیه و سلم
حاضر نشود باید اند
عای بدین غیر برسد
زیرا که عای پیغمبر
اندر آن زمان عادی
نیست نیز در محفل
آنحضرت را بد
عظمت را باید کمال
ملاحظه نظر داشت
نباید در امتثال مردم
عام یا محمد و غیره
گفته صد آنگونه بلکه
نام است او را
بالقاب یعنی چون
و یا نبی الله و یا
رسول الله بخوانند
حضرت شاه صفت
می نویسد که از
خاستن پیغمبر حاضر
شدن فرخ می
گردد بر است
بر کار که
میخواست بر
علاوه این حکم هم بود
که بدون اجازه نباید
از آنجا برخاست
و بر نه درین اما
هم بر همه مسلمانان
لایم است که با او
مسلمان خود همین را
عادت کنند عده
این را مافقی بود
که نشستن در مجلس بزرگ
در شنیدن بلند
نصحت بر آنست آنجا
باشد آنجا که

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَاَمْ يَكُنْ لَهُ

شَرِيْكٌ فِی الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدْ اَرٰهُ تَقْدِیْرًا وَاَلَمْ یَكُنْ لَهُ

مِنْ دُوْنِهِ اِلٰهٌ لَا یَخْلُقُوْنَ شَیْءًا وَهُمْ یَخْلُقُوْنَ وَاَلَمْ یَكُنْ

لَا نَفْسٌ مِّنْ خَلْقٍ اَوْ لَا نَفْعًا وَاَلَمْ یَكُنْ مَوْتًا وَاَلَمْ یَكُنْ حَیٰوةً وَاَلَمْ یَكُنْ

وَقَالَ الَّذِیْنَ كَفَرُوْا اِنْ هٰذَا اِلَّا اَرَاْفُكُ اِفْتَرٰهُ وَاَعَاذَکَ عَلَیْهِ

قَوْمٌ اٰخَرُوْنَ فَقَدْ جَاءَ وُظْلَمًا وُزُوْرًا وَاَقَالُوْا اَسَاطِیْرَ الْاَوَّلِیْنَ

اَكْتَتَبْنٰهَا فَمَنْ یُّنْفِیْ عَلَیْهِ بُكْرَةً وَّاَصْمِیْلًا قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِی

یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّهٗ كَانَ عَفُوْرًا رَّحِیْمًا وَاَلَمْ یَكُنْ

قَالَ اَمَّا اِلٰلَٰهَ الرَّسُوْلُ یَا کُلَّ السَّعٰدَةِ وَاَمَّا اِلٰلَٰهَ الْاَزَلِ

لِلّٰهِ مُلْكٌ فَمَنْ یُّنْفِیْ عَلَیْهِ بُكْرَةً وَّاَصْمِیْلًا قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِی

یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّهٗ كَانَ عَفُوْرًا رَّحِیْمًا وَاَلَمْ یَكُنْ

قَالَ اَمَّا اِلَٰهَ الرَّسُوْلُ یَا کُلَّ السَّعٰدَةِ وَاَمَّا اِلَٰهَ الْاَزَلِ

لِلّٰهِ مُلْكٌ فَمَنْ یُّنْفِیْ عَلَیْهِ بُكْرَةً وَّاَصْمِیْلًا قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِی

یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّهٗ كَانَ عَفُوْرًا رَّحِیْمًا وَاَلَمْ یَكُنْ

قَالَ اَمَّا اِلَٰهَ الرَّسُوْلُ یَا کُلَّ السَّعٰدَةِ وَاَمَّا اِلَٰهَ الْاَزَلِ

لِلّٰهِ مُلْكٌ فَمَنْ یُّنْفِیْ عَلَیْهِ بُكْرَةً وَّاَصْمِیْلًا قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِی

یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّهٗ كَانَ عَفُوْرًا رَّحِیْمًا وَاَلَمْ یَكُنْ

قَالَ اَمَّا اِلَٰهَ الرَّسُوْلُ یَا کُلَّ السَّعٰدَةِ وَاَمَّا اِلَٰهَ الْاَزَلِ

لِلّٰهِ مُلْكٌ فَمَنْ یُّنْفِیْ عَلَیْهِ بُكْرَةً وَّاَصْمِیْلًا قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِی

یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّهٗ كَانَ عَفُوْرًا رَّحِیْمًا وَاَلَمْ یَكُنْ

قَالَ اَمَّا اِلَٰهَ الرَّسُوْلُ یَا کُلَّ السَّعٰدَةِ وَاَمَّا اِلَٰهَ الْاَزَلِ

لِلّٰهِ مُلْكٌ فَمَنْ یُّنْفِیْ عَلَیْهِ بُكْرَةً وَّاَصْمِیْلًا قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِی

یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّهٗ كَانَ عَفُوْرًا رَّحِیْمًا وَاَلَمْ یَكُنْ

قَالَ اَمَّا اِلَٰهَ الرَّسُوْلُ یَا کُلَّ السَّعٰدَةِ وَاَمَّا اِلَٰهَ الْاَزَلِ

لِلّٰهِ مُلْكٌ فَمَنْ یُّنْفِیْ عَلَیْهِ بُكْرَةً وَّاَصْمِیْلًا قُلْ اَنْزَلَهُ الَّذِی

یَعْلَمُ السِّرَّ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اِنَّهٗ كَانَ عَفُوْرًا رَّحِیْمًا وَاَلَمْ یَكُنْ

وَمَا یَعْنِی تَابَاوُكُور
تفسیر عثمانی
در صورتیکه مانند
باطحان بخود و برای
خود و فرزند باز
باید و بین ما و چه
فرق و اعتباری داشت
و اگر اعتباری بود
بالتی چون و تشکیک
از طرف و توشیح
و حیوان طلب مباحث
نار و آتش و
اگر با او یک دست
و تشکیک نمی بود
یک نفر و تشکیک
خدا با دیدن اثبات
صدقت و اتمام
مع
و عیب و تاروی
دانا همراه
ی بود تا مردم او را
دید و بگوید
تسلیم میگذاشتند
ازین که محض یک
نفر در عالم صفت
و نهایت میکی عوای
بیشتری میکند چه
حاصل می شود
و اگر تشکیک
بعیت او نمائند
تلا از آسمان یک
خزانه غنی ظاهر
نموده می دانند
و بدست تا ازین
درین شرح کرده
مردم و ابوی خود
لب می کرد اگر این
هم قطع نظر کنیم باید
ازین دو سواد
زیر دکان باغی
از آنکه را غریبا
و غیره میداشت
که اگر بدین بیان ازین
داده نمی توانست که
که خودش به ایشان
و آسودگی میبست و
گذاشتن خود را میکرد

و اگر این را بدین است بگویند باید یقین کرد که الله تعالی چنین شخص معمولی را از مواضع علیها رسالت با و در سراسر آفرینش آفریده است ۱۲

الَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا فِي الْأَيْدِيهِمْ ذِكْرًا مِّن رَّبِّهِمْ وَيُؤْتُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُؤْتُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَلِيلًا كَثِيرًا

چون کسی که از آنچه در دستش است یاد خدا را یاد کند و در راه خدا بدهد و در راه خدا بدهد و در راه خدا بدهد

كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ۝ إِذَا رَأَوْهُم مِّن مَّكَانٍ يُّعِيدُهُمْ هُوَ الْيَقِينُ

و چون از آنجا که او را می بینند و او را می بینند و او را می بینند و او را می بینند و او را می بینند

وَزَفِيرًا ۝ وَإِذَا أَلْقَاوُمِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مَّقْرَّبِينَ دَعَا هَٰؤُلَاءِكَ

و چون از آنجا که او را می بینند و او را می بینند و او را می بینند و او را می بینند و او را می بینند

ثُبُورًا ۝ لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ۝ قُلْ أَذَلِكْ

بِهَلَاكٍ وَكُنتُمْ تَدْعُونَهُ أَمْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ بِلَاكٍ ۝ وَكُنتُمْ تَدْعُونَهُ أَمْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ بِلَاكٍ ۝ وَكُنتُمْ تَدْعُونَهُ

خَيْرًا أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَصِيرًا ۝

بِهت است یا بهشت جاوید و آنکه وعده داده شده است متقیان را باشند ایشان را پاداش و جای بازگشت

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدٌ مَّسْئُورًا ۝ وَوَعْدُ

ایشان است در آنچه می خواهند و می خواهند و می خواهند و می خواهند و می خواهند

يُحْشَرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ يَقُولُوا أَنَّهُمْ خَلَدُوا عَبَادِي

جمع کنند حشد ایشان را بندگان می پرستند بجز خدا را پس گوید آیا شما گمراه کردید این بندگان را

هُوَ آدَمُ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ۝ قَالُوا أَتُحِبُّونَنَا كَمَا كُنَّا نَحْبُوكَ ۝

یا ایشان بخود غلط کرده اند راه را گویند بمانی یا می پرستیم ترا سزاوار نباشد ما را که تو دوست گیریم

مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَكِنْ مَتَّعْتُمُوهُمْ وَأَبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَ

بجز تو و لیکن بهره مند ساختی ایشان را و پدران ایشان را تا آنکه فراموش کردند یاد تو را

كَأَنَّهُمْ مَّا بَوَّرَاهُ فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ بِمَا تَقُولُونَ ۝ فَمَا اسْتَطِيعُونَ صَرْفًا

شمارند که در راه تو گم شده اند و گم شده اند و گم شده اند و گم شده اند و گم شده اند

وَلَا تَنْصُرَاهُمْ ۝ وَمَنْ يُّظْلَم مِّنْكُمْ فَلْيَرْجُ عَدَا بَاكِبِيرًا ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ

و نه یاری دادن و هر که ستم باشد از شما بجز نبی باشد عذاب بزرگ و نه فرستادیم پیش از تو

مِّن الرُّسُلِينَ إِلَّا آتَيْنَاهُم لَآكُونَ الطَّغَامَ وَيُشْجُونَ فِي الْأَسْوَاقِ

پیش از این که باین صفت که ایشان می خوردند طعام و می رفتند در بازارها

وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ۝

و بعضی شما را در حق بعضی دیگر آزمایش کردیم آیا صبر می کنید و خداوند بینا بود

و اگر داند این بعضی شما را برای بعضی آید صبر می کنید و دست پروردگار تو بینا بود

عنه مقابل عطا یا الهی یک بار از شما ندارد اگر او تمام بخوابد باغبانان پیشانی بهر از آن که این مردم از تو مطالب دارند و تو مطالب می باید بداد و قدرت دارد که باغبان و هنر با وجود و تقوی که در آخرت بود و ادنی است همه را فی الحال و دین دنیا و توارانی فریاد لیکن حلت الهی یعنی متفق آن نیست و اگر تمام مطالبات و زانیات من زمین تمسک کرده شود باز هم این مردم حق و صدق را قبول دارند نیستند باقی دلایل و معجزاتی که بر آن اثبات صداقت پیغمبر علی السلام بیان شده از حد کفایت زیاد است حقیقت این است که این بدستخان از سوء استداد خود در پی تباہی و بربادی خود میگذشتند بابت برای آنهاست شده بود لیکن سبب فی بری آن این شد که در حشر و آزار دنیا آمده و در شرف غفلت غرق گردیده و زیاد و غافل شده بود نصیحت کسی گوش نتهاد ندهید و اوست پیغمبر انقیاد نکردند و برین دینی منور شدند از لطف دهم خود برانند و آنها فوایدی رسنیدی بهای قدر به غفلت و زمین افروند حال آنکه بر اینین لازم بود که از مشاهد انعامات الهیه به بندگی و شکر گذاری شکر حق

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا

و گفتند آنانی که توقع ندارند

و گفتند آنگاه که امید ندارند ملاقات ما را چرا

أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْمَلِكَةَ أَوْشَى رَبَّنَا لَقَدْ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَكَّنُوا

بر ما فرشتگان را یا هر اخی بیستم پروردگار خود را هر آینه بزرگ شستند و از علم تو نیز سرکش
نماند بر ما فرشتگان یا هر اخی بیستم رب خود را دعایا عه تحقیق بزرگ پنداشتند خود را در دایمان خود

وَالْكَافِرُونَ ۝ يَوْمَ يُنْفَخُ السُّجُودُ ۝ يَوْمَ يُنْفَخُ السُّجُودُ ۝ يَوْمَ يُنْفَخُ السُّجُودُ ۝

روز یکشنبه فرشته‌گان را پنج مژده یکت آورده کنه گاران را
روز یکشنبه مژده فرشته‌گان را پنج مژده یکت آورده کنه گاران را

يَتْلُونَ حجراً مخبوراً ۝ وقد منّا إلى ما عملوا من عمل فجعلناه

دیندار باز داشته شود بازدا شکن موکد و متوجه شدیم یوسه آن چه کردند از کردار پس سراسیمه آنرا
 لرزیدند کاش حالش شده حالش محکم و رسیده ایم نقد کریم الهی آنچه کردند از کردار پس سراسیمه آنرا

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ۝

نذرہ کے پیرائندہ اہل بہشت آئندہ بہترند از بہشت قرار گاہ و نیکی ترند با عباد جائے استراحت
نذرہ کے (زادات) پیرائندہ اہل بہشت دران روز بہترند از حضرت قرار گاہ و نیکی ترند از حضرت جا، شمارا استراحت

يَوْمَ تَشَقُّقُ السَّمَاءُ بِالْغَمَامِ وَتُزَلُّ الْمَلَائِكَةُ تَزْيِلًا أَلَيْسَ

روز یکشنبه آسمان بسبب ایرو و فرود آورده شوند فرشتگان خود آوردن و باد شاه حقیقی
روز یکشنبه آسمان بسبب ایرو و فرود آورده شوند فرشتگان خود آوردن و باد شاه حقیقی

مَمْدُ الْحَقِّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيرًا ۝

روز شنبه است و باشد آرزو بر کاخ زمان روز و ستوار و روز سه شنبه

مَنْ أَظَالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلْبِغْتَنِي امْتَخَنْتُ مَعَ الرَّسُولِ سَبِيلًا ٥

سمتار و دوست خود را گوید اسے کاش من گرنے
سمتار دست اسے خود را در حالیکہ مرگید کاش من گرنے

بَلِّغْهُ لِيَئْتَنِي لَمْ أَمْسُخْ فَلَا نَأْخِذْ بِهِ ۝ لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنْ الذِّكْرِ بَعْدَ

دوست نه گزشتے ظانرا ہر آئینہ دے گمراہ کرد مرا از یمنہ بچد

جَاءَنِي وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِلْإِنْسَانِ خَذُولًا ۖ وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ

نکته آمدن بود من و هست شیطان آدمی را در محنت تنها گزارنده و گفت پیغمبر است بر در دار من

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ الْقُرْآنِ ۚ وَمَنْ يَتْلُ الْقُرْآنَ فَلْيَسْمَعْ يَظْهَرْ لَهُ إِكْرَامُهُ وَعَظْمُ ذُنُوبِهِ يُكَفَّرُ عَنْهُ ۚ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۚ قُلْ إِنِّي خَشِيتُ أَنْ يَحْضُرَنِي يُومُ الْقَوْلِ ۖ

یہ کہ سن این قرآن را متروک ساختند
و همچنین ساخته این برائے هر بنیامبر

وَقَالَ الَّذِينَ

و پس است پیر و دیار تو راه نادانست دهنده و گفتند که از آن

وَالْوَارِثُ عَلَى الْقَبْرِ بِجُمْلَةٍ وَاحِدَةٍ كَذَلِكَ نُنَبِّئُكَ

هم چنین بد فحیات آوردیم تا استوار سازیم بان

همه این که با وجود اعمال ناسزا و کارهای رشتگی خواهند یافت چشم‌های خود خداوند قدوس را سفید و مشت می‌کند و او

وعدت کم که فرستاد
قرآن آنکه بشمارش
نمود کرده اید اگر
غور کنید بدین
فردن قرآن
درای فواید زیاد

است چه در
صور یک یک
فروستاده

میشان
چنانچه باید و شاید
ارآن بهره گرفته می
توانست شنادین

صورت شده کردن
قرآن آسان ترش
و فهمیدن سهولت

دست داد و کلام
لما جعلا منقطع
را و مردمان را متصل

معانی و حقیقت های
که در آن رعایت
گرفته شده موقع

موقع اطلاع یافتند
و در آن نزول جدا
بر آیت را از بدو

تجید شده و رفت
چون شیل علیه السلام
کرات و مراتب نازل

شد و آن فی نفسیک
برکت مستقل بود و
برافرازد دیگر در آن

موجود است که از آن
چو در خجالت و فقر
فواشده فرموده

است مع در باب
اصحاب الریح
و عاجان چاه

گویند و اختلاف زیاد است
روح اسفانی احوال زیاد نقل کرده نهاده است
مخصوصا لاخوان بهم تویم

فَوَادَكَ وَرَبُّكَ تَزِيلًا ۱۱ وَلَا يَأْتُكَ بَعَثُ إِلَّا جَهَنَّمَ بِالْحَقِّ ۱۲
و خواندیم آنرا با حق و نیرند کارن پیش تو یقین و استندست مگر بیاریم پیش تو چو ایست راست و
دل ترا و خواندیم آنرا اندک اندک مبهلت به دخی آردند کارن نزد تو مثل رسالی مفری که می جو جواب راست و

أَحْسَنَ تَفْسِيرًا ۱۳ الَّذِينَ يَحْشُرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمُ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ
نیکوتر در بیان آنکه بر آینه نشوند افتان بر روی خویش بسوخته و در آن آیت چو
نیکوتر از روی بیان آنکه بر آینه نشوند آردده متعذر در حالی که بر روی افتاده باشند بسوخته و در آن آیت گروه

شَرُّكُمْ أَوْ أَصْلُ سَبِيلًا ۱۴ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ
بدترند یا عتبای رسلان و غلط کنند و نرند راه را و هر آنکه وادیم موسی را کتاب و ساحتیم همراه او
بدترند از روی درجه و لب رود و افتاد گاشد از راه و هر آنکه وادیم موسی را کتاب و ساحتیم همراه او

أَخَاهُ هَارُونَ وَزَيَّرَ ۱۵ فَقُلْنَا أَذْهَبَا إِلَىٰ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَاتِنَا
برادر او هارون را و زید پس تفسیر بر روی بسوخته آن قوم که دروغ می کردند آیات ما را
برادرش هارون را و زید پس تفسیر بر روی بسوخته آن قوم که دروغ می کردند آیات ما را

فَدَعَوْهُمْ بِآيَاتِنَا ۱۶ وَتَوَخَّوهُمْ لَمَّا كُنُوا بِالرُّسُلِ ۱۷ أَعْرَضُوا عَنْهُ
القصه پس هلاک ساحتیم آن قوم را هلاک کرد و قوم نوح چون در دست شمرند پیغمبران را و حقیم این جاعه را و نرند اندک
پس هلاک ساحتیم آن قوم را از شمرند برکت و قوم نوح را و وقتیکه تکذیب کردند رسولان را و قوم خیرات فرا کرد اندک اندک

لَمَّا سِ آيَةً ۱۸ وَاعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا ۱۹ وَعَادًا ۲۰ وَثَوْدًا ۲۱
برای مردمان نشاند و همی کردیم برای ستمگران عذاب درد سنده و هلاک ساحتیم عذاب نمود و
برای مردم نشانی (عزیزت) و همی کردیم برای ستمگران عذاب درد ناک و هلاک ساحتیم عذاب نمود و

أَصْحَابَ الرُّسُلِ ۲۲ وَفَرَّوْنَا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا ۲۳ وَكَلَّا ضَرَبْنَاهُ الْأَمْثَالَ ۲۴
ایل رسل را و طبعات بسیار را در میان ایشان و برای هر یکی بیان کردیم داستانها و ستمکاران را
ایل چاه را و جماعات بسیار را در میان این مذکورین و برای هر یکی بیان کردیم داستانها و ستمکاران را

وَلَقَدْ آتَيْنَا نُوحًا مِنْ قَبْلِهِ ۲۵ وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ ۲۶ وَإِسْحَاقَ ۲۷ وَيُوسُفَ ۲۸ وَدَاوُدَ ۲۹
هلاک ساحتیم هلاک کردنی و هر آنکه رسیده کارن بدینچه که بار آورده شد بر روی باران بدین ستمکاران
هلاک ساحتیم رسیده کردن و هر آنکه رسیده کارن بدینچه که بار آورده شد بر روی باران بدین ستمکاران

يَكُونُوا بِرُؤُوسِهِمْ ۳۰ وَإِذَا رَأَوْا كِسْفًا مِنْ سُحُبٍ ۳۱
نمی دیدند آنرا بلکه توجع نمیداشتند بر ایشان و چون بینند ترا نگرند ترا
نمیدیدند آنرا فی المثل توجع نداشتند و باره زنده شدن را و چون بینند ترا نمی نگرند ترا

إِلَّا هَرَوًا ۳۲ وَالَّذِينَ يَبْعَثُ اللَّهُ رَسُولًا ۳۳ إِنْ كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ الْهَدَىٰ ۳۴
لاستخره آیت این شخص است آنکه خدا میستد پیش ما فرستاد مثل هر آنکه نزدیک بود که گمراه از راهش خدا یان ما
مگر ستمکاران گویند آیت این شخص است که فرستاده افتاد از رسول (بر آینه) نزدیک بود که گمراه کند ما از راه حق و ان

لَوْ لَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا ۳۵ وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۳۶ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ أَبَ ۳۷
گر نه آن بود که ستمکاری کردیم بر آن دو ستمکاران و چون به بینند عذاب را کیست
اگر ما استوار نمی بودیم بر اینها و نده داشتند و قتی که بینند عذاب را کیست

أَصْلُ سَبِيلًا ۳۸ أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ ۳۹ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ
غلط کنند راه را آیدیدی آنرا که گرفته است خدای خود خواهش نفس خود را آیت او می شود بر روی
مگر شده قر از راه آیدیدی آنرا که گرفته است عیوب خویش بر روی خود را آیت او می شود بر روی

وَكَيْلًا ۴۰ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ ۴۱ إِنْ هُمْ إِلَّا
نهیان آیت پیغمبری که بیشترین ایشان می شنوند یا می بینند نیستند ایشان را
افسان و طبعان، بدین پیغمبری که اکثر ایشان می شنوند یا می دانند نیستند ایشان را

كَانَ يُعَامِلُ هُمْ أَضَلَّ سَبِيلًا ۚ أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ

که چنانچه ایشان را غلط گفته ترند راه را آیا ندیدی بهیچ ربه خود که چگونه دراز کرد سایه را و اگر

مَدَّ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا ۚ ثُمَّ قَبَضْنَا إِلَيْكَ

سایه را تا آنکه بر ایشان ساکن شود و ما خورشید را بر او نشانی کردیم و ما را به سوی خود

قَبْضًا تَبَسُّيرًا ۚ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَ

جمع را به آسودگی و او است آنکه شب را برای شما لباس و خواب را راحت و

جَعَلَ لَكُمُ النَّهَارَ تَشْوِيرًا ۚ وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا لِّبَدَنِكُمْ يَكْمِتُ

برایتان روز را وقت بهیچستن و او است آنکه فرستاد بادها را و پنهان می کند خویشتن

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ۚ لِّنُخْرِجَ بِهِ لَبَدَةً مَّيِّتَةً وَنَسْقِيَ بِهِ

و ما را از آسمان آب پاک را تا آنکه ما را به بیرون آوریم و ما را به نوشانیم و ما را به

خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَا سَيِّ كَثِيرًا ۚ وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَابْتَلَىٰ

ما را به خلق کردیم و ما بسیاریم و ما را به امتحان کردیم تا آنکه ما را به یاد آوریم و ما را به

أَكْثَرُ النَّاسِ الْكَافِرُونَ ۚ وَأَوْسَيْنَا لِنَبْعَثَنِي فِي كُلِّ قَرْيَةٍ تَذَكُّرًا ۚ وَلَا

بیشتر مردمان کافرند و ما را به دو نفر از شما فرستادیم تا در هر شهر را به یاد آوریم و ما را به

طَعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِجِهَادٍ كَبِيرٍ ۚ وَهُوَ الَّذِي يُجِبُ الْغُرُوبَ ۚ

باید که کافران را طعم دهد و با ایشان بجنگد بجنگ بزرگ و او است آنکه در وقت غروب را

تَجْزُوا ۚ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ السَّمَاءِ نَسِيبًا وَصَهْرًا ۚ وَكَانَ

بخشیدار و او است آنکه از آسمان را به دو قسم کرد و او است آنکه از آسمان را به دو قسم کرد

رَبُّكَ قَدِيرٌ ۚ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ۚ

پروردگار تو توانا و عبادت میکنند از دین الله آنچه که به ایشان سود ندارد و به ایشان ضرر

كَانَ الْكَافِرُونَ عَلَىٰ رَبِّكَ ظَاهِرًا ۚ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۚ قُلْ

کافران بر پروردگار تو آشکارند و ما را به فرستادیم که به شما را به خبر دهیم و به شما را به

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِن أَجْرٍ إِلَّا مَن شَاءَ أَن يَتَّبِعُنَا أَن نَّسِيَلَهُ ۚ وَتَوَكَّلْ

من از شما را به چیزی بخواهم مگر آنکه هر کس خواهد که ما را به پیروی کند و تو را به توکل کن

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

فصل فی بیان صفات

ملائیکه تو وضع برش
 غالب است
 تفسیر عثمان
 معنی ستارگان
 بزرگ را بگوید
 پای آسمانی را
 فرشتگان آنرا
 نظارت میکنند
 یا ممکن است
 منازل
 دوازده گانه
 آفتاب و ماه
 باشد که
 بیست و هفت
 بیان کرده اند
 شاه صاحب دیوبند
 آسمان بدوازده
 عقد تقسیم است
 یکا و امبرج گویند
 و ثانی هر یک از
 است این حدود را
 برای حساب مقرب
 کرده است
 القرآن
 و ماستن و یا آمدن
 و رفتن در مختلف
 فرموده و در محاسب
 این است که
 عوض دیگری
 است مثلاً اگر کار
 روزانه آنرا بش
 انجام میدهند و اگر
 و بیع شب یا قیام
 آنرا بفرز اجرا می
 نمایند که در وقت
 مع بنایان جنات
 باشند مشربین از
 شنبین نام و جن
 لغت می کنند بگوید
 بر گفتار و کردار خود
 اظهار بندگی مینمایند
 از رفتار و کردار آنها
 واضح تر است خاک
 دنی یعنی آشیانه
 که آن مشربین بزرگ
 خزان خزان را

عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسُبْحَانَ مُحَمَّدٍ وَكَفَىٰ بِهِ يَدُ نُوْبٍ عَمَادِهِ
 و بیای یاد کن محمد است پیش او پس است و سے بنایان زندگان خویش
 و بیای یاد کن همراه است پیش او و گاهی جزا است و بنایان زندگان خود
 خَبِيرًا ۱۰۱) الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ
 آنکه بگوید آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز
 آنکه آفریده آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست در شش روز
 ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ الرَّحْمَنُ فَسُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۱۰۲) وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ
 اوست بختش آئینده پس بپرس از حال دستانه را و چون گفته میشود بنایان
 پس استوار استوی شد بر عرش او و اندر رحمت بزرگ است پس حال دنی
 اسْبَجِدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا أَوَمَا الرَّحْمَنُ السَّجْدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۱۰۳)
 و سجده کنید بر رحمن را گویند و چیست رحمن آیا بگوید سجد کنید برای او و بنایان سجده می کنند
 و سجده کنید بر رحمن را گویند چیست رحمن آیا بگوید سجده کنید برای او و بنایان سجده می کنند
 تَبَرَّكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا وَقَمَرًا مُنِيرًا ۱۰۴)
 بزرگوار است آنکه ساخت در آسمان برجها را و ساخت در آن چراغی و ماه را روشن و است
 و هوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنۢ أَرَادَ أَنْ يَنْزِلَ ۚ أَرَادَ
 آنکه ساخت شب و روز را جانشین یکدیگر برای آنکه خواهد بود که رفتن یا خواهد
 و اوست آنکه ساخت شب و روز را مختلف و خلف از یکدیگر عده برای آنکه خواهد بود که رفتن یا خواهد
 تَشْكُرُوا ۱۰۵) وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا
 شکر گذاری کردن و عبادان رحمن آنانند که میروند بر زمین با سستی دل و چون
 شکر گذاری را و عبادان رحمن آنانند که میروند بر زمین با سستی دل و چون
 خَاطِبُهُمُ الْجَهْلُونَ قَالُوا أَسْلَمَ ۚ وَالَّذِينَ يَبِينُونَ لَرَبِّهِمْ يُسَبِّحُونَ
 سخن گویند یا ایشان نادان گویند سلام بر شما باد و آنکه شب میگذرانند بر سر پرده کار خویش سجده کنان و
 خطاب کند ایشان را نادان را ای اوبان گویند سلام و آنکه شب میگذرانند بر سر پرده کار خویش سجده کنان و
 قِيَامًا ۱۰۶) وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ
 قیام کنان و آنکه میگویند ای پروردگار ما بازدار از عذاب دوزخ را هر آینه
 قیام کنان و آنکه میگویند ای پروردگار ما بازدار از عذاب دوزخ را هر آینه
 عَنَّا إِنَّهَا كَانَتْ عَذَابًا ۱۰۷) إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا أَوْ مَقَامًا ۱۰۸) وَالَّذِينَ
 عذاب دوزخ لازم شونده است هر آینه دوزخ بد آرام گاه است و بد مقصد است و آنچون
 عذاب دوزخ است شدید لازم (هر آینه) دوزخ بد جائے بقصد بد جائے اقامت است و آنکه چون
 إِذَا انْفَقُوا مِمَّ يَسْرِفُونَ ۚ وَلَهُ يَنْقُضُوا وَأَوْكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا ۱۰۹) وَالَّذِينَ لَا
 خرج کنند اسراف نه نمایند و شکلی نیکند و باث و عطای ایشان میان چاهین معتدل و آنانکه نمی پندند
 خرج می کنند اسراف نمی کنند و شکلی نمی کنند (در خرج) و باث و میان اسراف و تعل معتدل و آنانکه نمی پندند
 يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ ۚ الْآيَاتِ
 با خدا معبود دیگر را و نمی کشند هیچ نفسی را که حرام کرده است خدا مگر بحق
 بالله معبود دیگر و نمی کشند آن نفسی را که حرام گردانیده (الله) نفسی بحق
 وَلَا يَزْنُونَ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا ۱۱۰) يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ
 و آنانکه زنا و هر که بکند این کار بر خود به عقوبت و عذاب و چون کرده شود او را عذاب روز
 و نمی کشند زنا و هر که بکند این کار بر خود به عقوبت و عذاب و چون کرده شود او را عذاب روز

وَالْأَرْضِ مَا بَيْنَهُمَا ۖ إِنَّ كُنُوتَهُمْ مُّؤْتِنِينَ ۝ قَالَ لِمِنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْمَعُونَ ۝

د آڅه میان ایست اگر یقین آرمه اید گفت فروغ آن امر را حوالی او بودند ایامی شنوید
د آڅه میان آنهست اگر یقین کنه گان یقین کنید گفت فروغ آن امر او کرد و او بودند ایامی شنوید

قَالَ رَبُّكُمْ وَابَايَكُمْ الْاَوَّلَيْنِ ۝ قَالَ اِنَّ رَسُوْلَكُمْ الَّذِي اَرْسَلَ اِلَيْكُمْ

گفت موی پروردگار شماست و پروردگار پدران پیشین شماست گفت فرعون هر آینه بین ما نیست که فرستاده است و چو شمشیر
گفت موی است رب شما و رب پدران پیشین شما گفت فرعون (هر آینه) رسول شما که فرستاده شده بسوئے شما

١٨ قَالَ رَبِّ الشَّرِيقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنَّ كُنُوزَكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿١٩﴾

کفت موسیٰ پروردگار منسوب : آنچه در میان اینست است و اگر در
کفت موسیٰ است رب مشرق و مغرب و آنچه در میان آنهاست اگر عقل و دل را بر این سخن ایمان بیاید و

قَالَ لَنْ اَتَّخِذَ الْهَاطِثِي اِلَاجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمُسْجُونِينَ ۝ قَالَ اَوَلَمْ

تکلف و غن (فهرست) اگر از گری مجبوری غیر از من (سهرائین) بگردم تم ترا از محبوبین گفت موسی آیانندی میسختی

جئتكم بنبى مبین^{١١} قال فات به ان كنت من الصديقين قال

در آنجا که بیارم نزد تو جیز ظاهر کند، (مخبره روشن) گفت فروغ ییاد آنرا اگر هستی از رامت گویان پس انداخت

غضاه فاذا هي ثعبان فمبين وتزع يداه فاذا هي بيضاء للظن (٣٢)

فصل در بیان نامهای آید و در دست خود را پس ناگهان سفید بود برای بینندگان

فَالْبَلَاءُ حَوْلَهُ إِن هَذَا السَّحَرُ عَلَيْهِ لَا يُرِيدُ أَنْ يَخْرِجَكَ مِنْ أَرْضِكَ

تلفت از غنای بهر دربار، از آن که گرد او دیو بند (پیر آینه) این شخص بنام، و گریست عالم میخواند که بگردن کند شمارا از وطن شما

فقد بين في مرقا ما مدبر
كفقد بين في مرقا ما مدبر

بسیار جادوی خود پس میفرماید گفتند محبت بدو اودا و برادرش را و لغت در شهرها

تہ پیرتہ پیش تو ہر جا دو گر دانار
پس جمع کردہ شدہ ساجنا فرما میں ہر روز سے مستعمل

تا بیا رند نزهت تو هر چند و گر بزرگ عالم را پس بجمع کرده شد عباد و گران بوعده روز معلوم

آیا شما جمع هوشنده اید بود که مایه روی سحران کنیم انگر ایشان

آیا شما مع شونده اید یعنی شما نیز مع شویید یا پیروی کنید اگر باشند ایشان

پس چون حاضر شدند سحران گفتند: فرعون را آیا یاد از دست بود اگر نه؟

پس چون آمدند حاد و گران گفتند خواران را آیا بقیع دارد باشد مزدی اگر باشیم

در نزد من گفت آری و هر آینه شما آنگاه از مقبولین پادشاهان گفت بایشان موت

وقت زعفران بی وهر آید متسا اذ وقت التبراس ترمان باشد گفت برای سحرین مومست

پس انداختند و پس بایست خورد و شفا بایست خورد و گفتند قسم بیزدی که فرعون

پس اقلندہ ریسا بہا سے خود و قصاص کا خون و قصاص بہا (دقت) - خون

چنانچه نمودار برای نخستین بار قیاسی کردن به آسان حاصل نشود.

تفسير عثمانی
عنه تات و بت

قِيلَ لَهُمْ إِنَّمَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ ۖ مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمْ أَوْ

گفتند شود بایشان بجاست آنچه ای پرستیدید بخدا
آیا نصرت میدهند شما را یا

يَنْصُرُونَ ۖ فَكَيْبُوا فِيهَا هُمْ وَالْقَاوُونَ ۖ وَجُنُودُ ابْلِيسَ

خداستقام می کنند
آنها را نصرت میدهند و در آن جهان و دگر ایشان و لشکرهای شیطان

أَجْمَعُونَ ۖ قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ۖ تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ

همگی جا
گویند و ایشان را در حالیکه ایشان در دفع خصومت می کنند قسم بخدا که در آید با خود در گمراهی

مُبِينٍ ۖ إِذْ سَأَلْتُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۖ وَمَا أَضَلُّنَا إِلَّا الْأَبْجُومُونَ

ظاهر
چون بپرسیدیم خدا را پادشاه عالمها و گمراه نکردند ما را مگر این بدکاران

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ ۖ وَلَا صِدْقٍ جَمِيعٍ ۖ فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةٌ

پس نیست
ما را هیچ شفاعت کننده و نه دوست مهربانی کننده

فَنَكُونُ مِنَ السُّومِيَّينَ ۖ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ

پس مومنین از مومنان
دیده اند در این امر آیه و بیشترین ایشان

مُؤْمِنِينَ ۖ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۖ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ

مومنان
و در آید بر او در کار تو همان است غالب مهربان و دروغ می گفتند قوم نوح

الرَّسُلِينَ ۖ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۖ إِنِّي لَكُمْ

پیشوا مهران را
چون گفت بایشان برادر ایشان نوح ایای می ترسید

رَسُولٌ آمِنٌ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۖ وَمَا أَمْرُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ

برای شماست
پس ترسید از خدا و اطاعت کنید مرا و من خواهم از شما بر شایسته رسالت

أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۖ

مزد من نیست
مگر بر پروردگار عالمیان پس ترسید از خدا و اطاعت کنید مرا

قَالُوا أَنْتُمْ مِنْ لَدُنْكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ ۖ قَالَ وَمَا عَلَّمِي مَا كَانُوا

گفتند آری ایسان آوردیم بر تو حالانکه پیروی تو کرده اند مغفلان
گفتند آری ایسان آوردیم بر تو حالانکه پیروی تو کرده اند مغفلان

يَعْمَلُونَ ۖ إِنْ حَسَابُنَا لَعَلَّ رَبِّي أَنْ يَشْعُرُونَ ۖ وَمَا أَتَانَا بِطَارِدٍ

می کردند
نیست حساب ایشان مگر بر پروردگار من اگر بداند و نیست من در کننده

السُّومِيَّينَ ۖ إِنْ أَنَا إِلَّا أَنْزِلُ بِرُسُلِي ۖ قَالُوا إِلَيْنِ لَمْ تَنْتَهِ يَنْوَحُ

مومنان
چون من مگر فرستاده آشکارا گفتند اگر باز نیایی ای نوح ازین کار

پرستان و تمام لشکر
ابلیس و مردود و زنج
بر روی انداخته می شود
چون صاف می کنند با هم
مجادله کنند یکی دیگری را
لزم قرار دهد و بالاخر
همگان گمراهی خویش
الزام نمایند و اقرا
کنند حقیقت حقا و
گناهانی بزرگتر از این
نماید که اینها و
دیگر چیزها حقوق خلقی
دادیم و آنها را اینها
عالمیان برادر می بینیم
و درین گمراهی شایسته
بزرگ پیروی کردیم
انگوشن کردن بر عصیت
در حج گرفتن بر من و حج
بما را میاید و نشیطانی
بد ما میرسد بلکه خود
آنها نیز
دور شده
اند و کسی نیست
که حضور خدای
تعالی شفاعت ما را
کند یا آنگاه دوستی
پیدا شود و درین وقت
محبت و در ماندگی
محض با ما اظهار
و تسوی و مهربانی
ناید راست است
الا خلاصه و مندرج
بعضی بعد الا تقی
از خوف و کراهت
عنه ترا چگونه توان
پذیرفت در حالی که
جزئی چند از مردمان
رفیق با تو رفیق و اتقی
نیست این گروه
پست که از روی نایش
با تو رفیق شده اند چنانچه
با تمام با تو هم رفیق
غاصب گردید و فضل
و شرف را از او خن
دیده که مجلس پیروی
این سفالان تعلیم
گشت آنها را از پیروی خود دور کن پس بلا داخل اند که شرم من و طیف خود را که عبادت از آگاهانیدن شما و انجام دادن تکلیف فراموشی می رود شایسته من نیست

لَتَكُونَنَّ مِنَ السَّارِجِينَ ١٥ قَالَ رَبِّ اِنَّ قَوْمِي كَذَّبُون ١٦ فَافْتَحْ

الجنة لى از سلسله ساريجان گفت ای پروردگار من هر آینه قوم من دروغ می گویند و من را

بَلِّغْنِي وَبَلِّغَهُمْ فَتَجِدَنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ١٧ فَانْجِئْنَهُ وَ

میان من و میان ایشان بفصل کردن عظیم و خلاص کن مرا و آنان را که همراه من انداز مشایمان پس نجات دادیم او را و

مَنْ مَعَهُ فِي لَفْلَكِ الْمَشْحُون ١٨ ثُمَّ اَخْرَجْنَا بَعْدَ الْبَقِيَّةِ ١٩ اِنْ فِي

آنان را که همراه او بودند در لعلی پر کرده شده باز عرق ساقیم بعد از آن بانی ماندگان را هر آینه درین

ذَلِكَ آيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ٢٠ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ

اجرا نداشت و نیستند اکثر ایشان مسلمانان و هر آینه پروردگار تو همان است غالب

الرَّحِيمُ ٢١ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهُ إِذِ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودُ أَلَا

هم بران دروغ می گفتند و طغیان می نمود برادر ایشان را چون گفت بایشان

تَقْوُونَ ٢٢ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ٢٣ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ٢٤ وَمَا

ای ترسید هر آینه من برای شما پیغامبر بالاسم پس ترسید از خدا و فرمانرواری من کنید

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجَرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٢٥ أَتَبْكُونَ

سوال می کنم از شما بر بلیغ رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان آیا عمارت می کنید بهر

بَلْ رِيعَ آيَةٍ تَعْبَثُونَ ٢٦ وَتُخَذِّلُونَ مَصَالِحَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ٢٧ وَإِذَا

بلندی علامتی بیفایده مشغول شده و بیسازید محله های استوار گویا جادو خواهید داد و چون

بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ ٢٨ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ٢٩ وَاتَّقُوا اللَّهَ

دست می کشید دست می کشید استغفار شده پس ترسید از خدا و فرمانرواری من کنید و ترسید از کسی

أَمَلَكُمْ تَعْمَلُونَ ٣٠ أَمَلَكُمْ يَا نَعَامُ وَبَيْنَ ٣١ وَجَنَّتْ وَعَمِيُونَ ٣٢

امداد کرده شما را با آنچه می خواهید امداد کرده شما را بچهار زبان و پسران و با غلب و جستم

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ٣٣ قَالُوا اسْوَأُ عَلَيْنَا وَعَظَمْتَ أَمَلَكُمْ

ای پروردگار من من ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ عه گفتند ایسان است بر ما که بپند داری یا نه با کسی

تَكُنْ مِنْ أَوْ أَعْظَمِينَ ٣٤ إِنْ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ٣٥ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ٣٦

از پند دهنندگان نیست این مگر عادت پیشینیان و تیم ما عذاب کرده شدگان

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكَنَّهُمْ ٣٧ إِنْ فِي ذَلِكَ آيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ٣٨

پس دروغ می گفتند و او را کشتند پس بانی ایشان را هر آینه درین اجرا نداشتند و نه بودند پیشین ایشان مسلمانان

پس مکتوب کردند او را پس بانی ایشان را هر آینه درین اجرا نداشتند و نه بودند اکثر ایشان مومنان

در این آیه اجداد پیشین است با هیچ صورت از ان باز نمی آید و نه به تهدیدات عذاب بگفت میگویم ۱۲

تفسیر عثمان
طی الله قوم ما در نیم
کتابهای مندرج
تجرباتی از جزم و شهرت
شد شوق زیاد
داشتند و عمارات
بود و باش خوشی را
به گفتن زیاد آباد
ی کردند و در ان
مضامین بزرگ مشغول
را بکار برده بودند
عزیزان صالحی را
مویا چنان می بیند
با کمال تهاجد و ان
می داشتند این عمارات
دیار کمال آباد را
ای شوق بکن اورد
از آثار و خرابی
آنها را باقی ماند
است عهده باید
کمی می کشید که این نعمت
بای گویند را بشنا
از ان می فرموده است
آیا بر سر مشایخ حق
نداده اگر این شوق
در کشتی شاد و امین
مراد از ان است
که بسیار است و ان
سابق در عذاب
گرفته شد و این
پند و نصیحت را ادا
کردم شایسته انجام خود
بسیار مدتی
توبه نموده است
این جادوی تو بر ما
تاثیری ندارد از ان
الایم این طریقت
و مستوری جاری است
که چند شخص خود را
پیغمبر معرفی نمود و مردم
را از عذاب می ترساند
سلسله از این سخن
که از قدیم الایام جریان
دارد از ان گذشت
در ظاهر نیست روشن
مواضع

تفسیر عثمانی
عنه آیت می بیند
کازین عشق
آرام دانه ۱۸
دوستانها
چند باد مالذت
اندوز خواست بود
و از آن خانه های
پر نعمت زیبا
کوه باران خنده آنها
بر پا کرد و با یاد خدا
برآمد و با یاد آیین
عزت و کرم و شکر
از عذاب خدا رستگاری
خواهد داد و با یاد این
خام را از سر و گردن
و از خدای قوی ترسید
سخن را به یاد برده
برای خیر و بهر دست
می گویم و هر که
پیغمبری و نسبت ما
در میان تو داری
بخدا بگو چنان آتی
بر ما بناید که زیدین
آن ما هم تسلیم کنیم
سپس فرمایند که
کذیب ملک یک
ماه شتر بر آرد که
و چنین باشد حضرت
صالح و ماکر حق
تو ای قدرت کامله
خود این نشان این
مهر و ملا و فرمود
سه در موضع القرون
آمده است و به قدر
خدای تعالی در این
حضرت صالح شتر
ماه از سنگ به
آ و آزادی گشت
پس چلی که بر وی
چندین و کوفی
که برای او نمیداد
آب برکت هر سال
سواشی از دم خورده
و در می گرفت و در تن
چنین خوانده او شد که
بنیوت یک روز شتر را
و عرض آب برود

وَإِنْ رَأَيْتَ لَهَوَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطُغْيَانٍ ۝ إِذْ

دهر آینه پروردگار تو همان است غالب مهربان
و اگر آینه را تو دوست غالب مهربان
دست پروردگار تو بدید و طغیان را
کذب کردند ثمود و بیخبران را

قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ حَالِدُ الْأَثْقُونُ ۝ إِنْ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝

گفت بایشان برادر ایشان صالح آیت می ترسید
گفت بایشان برادر ایشان صالح آیت می ترسید
هر آینه من برائے شما پیغمبر بالاسم
(هر آینه) من شاد را رسول امین

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۝ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا

پس ترسید از خدا و فرمان برداری من کنید
پس ترسید از الله و فرمان برداری مرا
و سوال نمی کنم از شما بر مبلغ رسالت
و حق خواهی از شما بر مبلغ رسالت من نیست مزد من مگر بر

رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ اسْتَرْكَبْنَا أَمِينٌ ۝ فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٌ ۝

پروردگار ما همان آیت می ترسید
پروردگار ما همان آیت می ترسید
در آنچه اینجاست
در چیزهای که اینجاست امین
در دوستانها و چشمها
در باغها و چشمها

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضْبٌ ۝ وَتَجْتَوُونَ مِنْ الْجِبَالِ بُيُوتًا

و درختها و درختانی که شکوفه آن نازک است
و درختها و درختانی که شکوفه آن نازک است
و می ترسید از کوه
و می ترسید از کوه
دانشگاه و درختانی که شکوفه آن نازک است
دانشگاه و درختانی که شکوفه آن نازک است

فَرَاهِينَ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ۝ وَلَا تَطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ۝

آشکارا شده
پس ترسید از خدا و فرمان برداری من کنید
و اطاعت کنید حکم بیهوشان را
و اطاعت کنید حکم بیهوشان را
و اطاعت کنید حکم بیهوشان را
و اطاعت کنید حکم بیهوشان را

الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ لَا يُصْلِحُونَ ۝ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسْرِفِينَ

آنانکه فساد می کنند در زمین و اصلاح نمی نمایند
آنانکه فساد می کنند در زمین و اصلاح نمی نمایند
گفتند جز این نیست که تو از جادو و دزدانی
گفتند جز این نیست که تو از جادو و دزدانی
گفتند جز این نیست که تو از جادو و دزدانی
گفتند جز این نیست که تو از جادو و دزدانی

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بَآيَاتٍ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِينَ ۝ قَالَ هَٰذِهِ

تو چیزی که می آید پس بیا نشان
تو چیزی که می آید پس بیا نشان
پس بیا نشان از راست گویایی
پس بیا نشان از راست گویایی
پس بیا نشان از راست گویایی
پس بیا نشان از راست گویایی

نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ۝ وَلَا تَمْسُوْهُا بِسَوْءٍ فَيَأْخُذْكُمْ

ماه شتر است و برای یک نوبت آب خوردن است و شمار نوبت روزی که
ماه شتر است و برای یک نوبت آب خوردن است و شمار نوبت روزی که
و شمار نوبت روزی که
و شمار نوبت روزی که
و شمار نوبت روزی که
و شمار نوبت روزی که

عَنْ أَبْيَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ فَعَقَرُوْهُمَا فَاصْبِرْ أُنْدِمِينَ ۝ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ

عذاب روز بزرگ
پس بزدند آنها پس کشتند
عذاب روز بزرگ
پس بزدند آنها پس کشتند
پس بزدند آنها پس کشتند
پس بزدند آنها پس کشتند

إِنْ فِيْ ذَٰلِكَ لَآيَةٌ لِّمَن كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ۝ وَإِنْ رَأَيْتَ لَهَوَ

هر آینه درین آیه است و بنود بهترین ایشان
هر آینه درین آیه است و بنود بهترین ایشان
دهر آینه پروردگار تو همان است
دهر آینه پروردگار تو همان است
دهر آینه پروردگار تو همان است
دهر آینه پروردگار تو همان است

الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطُغْيَانٍ ۝ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ

غالب مهربان در دست پروردگار
غالب مهربان در دست پروردگار
پس بزدند آنها پس کشتند
پس بزدند آنها پس کشتند
پس بزدند آنها پس کشتند
پس بزدند آنها پس کشتند

لَوْطُ الْأَثْقُونُ ۝ إِنْ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

لو ط آیت می ترسید
هر آینه من برائے شما پیغمبر بالاسم
لو ط آیت می ترسید
هر آینه من برائے شما پیغمبر بالاسم
لو ط آیت می ترسید
هر آینه من برائے شما پیغمبر بالاسم

و روز دیگر و این مردم بد بخارده شود لعنه با یاد شتر سیدی بیش می آید در عذاب بزرگ نازل خواهد شد ۱۲۸

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ ٥

عنه درین مقام
مردمان جهان محض
مردمان احمد شجوت
رانی خود قرار داده اند
وایا که در میان باشند
کان یقی تنها شکر لب
این فصل رشت می شود
عنه این وعده بفرست
را بگذارد اگر آید به
ارایان گفتار خود
ازین خودی هر آینه
تر ازین شهر بیرون
می گنیم قریه با
آنان را خلع کرم
و از آسمان سگداریان
خاک گردیده قضا آنها
هم مفعله در اعوان
و غیره گذشت
این کینه میباید کرد
اصحاب ای که
عبادت از جهان قوم
مدین است ای که
در حق خود که این مرد
آزادی پرستیدند
بیان نسبت
اصحاب ای که
نامیده شدند و نه
برین نسبت را بیک
افزودیم بفرمود
زیر که اوت اینبار
محض بر تعلقات قوی
و نسبی زیاده داشت
اگر مدین گفتی
شد البته کلام افهم
موندن می بود از چون
بخوان اصحاب ای که
یاد شدند که اشاره
به نسبت مذمبی آنها
ست لهذا افهم
نامیدن شایان شان
حضرت شعیب بود
بر حال مدین هو
اصحاب ای که یک
قوم است و شعیب
بطین بین قوم نبوت

مل یعنی آتش نعل
 سائبان ظاهر شد و
 بگو مراخت ۱۱
 تفسیر عثمانی
 علیه خبر قرآن و خبر کینه
 آن در کتابهای سابقه
 آسمانی موجود است
 و انبیای گذشته
 مسئله انزال پیشگویی
 کرده اند اگر چه در ان
 آثار تحریف و تبدیل
 زیاد بعل آمده با وجود
 آن یک اندازه ازین
 گونه خبر پیش گویند
 تا به امروز هم
 یافت میشود ۱۶
 و این مطلب ۱۳
 نیز متوجه گرفت که
 معاجین پیش ازین
 قرآن اجماله یا تفصیلا
 در کتابهای سابقه
 مندرج است خصوصا
 قصص و توحید و
 رسالت و معاد و غیره
 مفصلین که هر کتب
 سوادیه و انبیاء
 بطریق برافق داشته اند
 طایفه ای اسرائیل و غیره
 که در آن پیش ازین کتب
 و محال آسانی
 داده شده بود چنانچه
 بعضی افراد آنها علمانی
 و بعضی در مجالس
 خصوصی خود با هم
 اقرار کرده اند و چنانچه
 برین علم برقی از
 انصاف پسندان
 مسلمان شده اند
 حضرت عبداللہ بن
 سلام و غیره الغرض
 این اعتراف
 دانشمندان
 بنی اسرائیل برای
 یک منصف قیسی
 که دلش طالب حق
 باشد کافی بزرگ است قطع نظر از علایق بنی اسرائیل دانشمندان مذاهب دیگر هم بدین خود حقایق قرآن را میدانند اگر چه بعضی اوقات بنابر پاره و پل با قیود و اعلان

قَالُوا إِنَّا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ۝ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ نَظُنُّكَ لَكِن
 گفتند جز این نیست که تو از جاد و زود کانی و بیستی تو مگر آدمی مانند ما و پیر آینه می بیند ابرام ترا از
 گفتند جز این نیست که تو از جاد و زود کانی و بیستی تو مگر آدمی مانند ما و پیر آینه می بیند ابرام ترا از
الْكَذِبِينَ ۝ فَأَمْسِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝
 دروغ گویان پس بر ما بباران از آسمان اگر هستی از راست گویان
 دروغ گویان پس بر ما بباران از آسمان اگر هستی از راست گویان
قَالَ رَبِّنِي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ فَكَذَّبُوهُ فَاخْتَلَمَ عَنْ أَبِي يَوْمَ الظَّلَمَةِ إِنَّ
 گفت پروردگار من دانای تر است از آنچه می کنید پس دروغ گفتند و در این گرفتند که ایشان را عذاب روز سائبان
 گفت (شعیت) رب من دانای تر است از آنچه می کنید پس گفتند و در این گرفتند که ایشان را عذاب روز سائبان (یعنی ابرام را)
كَانَ عَنِ ابْنِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَةٌ لِّمَن كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ ۝
 بود عذاب روز بزرگ (پیر آینه) درین ماجرا نشان است و پیوند انزال ایشان مومنان
 بود عذاب روز بزرگ (پیر آینه) درین ماجرا نشان است و پیوند انزال ایشان مومنان
وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ وَإِنَّهُ لَكُنزِلٌ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ نَزَلَ بِهِ
 و پیر آینه پروردگار تو است غالب مهربان و پیر آینه قرآن فرود آورده پروردگار عالمهاست فرود آورده
 و پیر آینه رب تو است غالب مهربان و پیر آینه قرآن فرود آورده رب عالمیان است فرود آورده آنرا
الشُّرُوحُ الْأَمِينُ ۝ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ ۝ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ
 روح الامین یعنی خبر نیک بر دل تو تا شوی از ترسانندگان (فرود آورده) بزبان عربی
 فرشته الامین کار را یعنی خبر نیک بر دل تو تا شوی از ترسانندگان (فرود آورده) بزبان عربی
مُبِينٍ ۝ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ۝ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَنْ يَأْتِيَهِمُ عَلَيْكُمُ
 روشن و پیر آینه خبر دهنده در صحیفه های پیشین است آیتهاست بر سر ایشان که آیه باشد و حقایق قرآن را عیان
 روشن و پیر آینه این (مفهوم قرآن) در کتاب های پیشین است آیه ایست برای ایشان (مفهوم قرآن) نشان حقایق
بَنِي إِسْرَءِيلَ ۝ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ۝ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِمْ مَا كَانُوا
 بنی اسرائیل و اگر فرود می آوردیم قرآن را بر بعضی عجمیان پس بخواندش برایشان هرگز نمی شنیدند
 بنی اسرائیل و اگر نازل می کردیم قرآن را بر بعضی عجمیان پس میخواند آنرا برایشان هرگز نمی شنیدند
بِهِ مُّؤْمِنِينَ ۝ كَذَلِكَ فَسَلَّ كُنْهُ فِي قُلُوبِ الْمُتَجَمِّعِينَ ۝ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ
 آنرا با در دارندگان هم چنین در آوردیم و انکار در دلهاست گنگان ایمان نمی آورند بقرآن
 به آن گروهیدگان همچنین در آوردیم و تکذیب را در دل بانه کفار ایمان نمی آورند بقرآن
حَتَّىٰ يَرْوِ الْأَعْدَاءُ أَبْرَارِكُمْ ۝ فَيَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ فَيَقُولُوا
 تا آنکه به بینند عذاب درد دهنده پس میاید ایشان ناگهان و ایشان را خبر نباشد پس گویند
 تا آنکه بینند عذاب درد ناک پس آید ایشان ناگهان در حالیکه ایشان بخوابند پس گویند
هَلْ كُنْ مُنْظَرُونَ ۝ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ ۝ أَوَعَيَّتْ أَنْ مَّتَّعْنَاهُمْ
 آیا استعجال مصلحت داده شدگان آیا عذاب را را بشتاب می طلبند آیا دیدی که اگر بهره مند سازیم ایشان را
 آیا استعجال مصلحت داده شدگان آیا عذاب را را بشتاب می طلبند آیا دیدی که اگر بهره مند سازیم ایشان را
بِئْسَانِ ۝ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَسْتَعْجِلُونَ ۝
 سائبان پس میاید برایشان آنچه ترسانند می شنیدند چه چیز را دفع کند از سر ایشان بهره مند شوند ایشان
 سائبان پس میاید برایشان را آن عذابی که وعده داده شد بایشان که نیازی به انزال آنرا آنچه قطع می کردند
وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرِيْبَةٍ إِلَّا هَآمُنْدَرُونَ ۝ ذِكْرًا لِّمَن كَانَ ظَلَمًا
 و پاک نه کردیم هیچ را الا ادا را ایم کنندگان بودند بجهت پند دادن و توبه سستگار
 و پاک هر دویم هیچ را مگر بود برای آن قربانندگان برای پند دادن و توبه (در آن اهل) سستگار

عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَلَقَدْ أَنبَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ عَمَّا وَوَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ

آفریدار مفسدان و بپایان دادیم داود و سلیمان را و گفتند ستایش آن خداست

الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ

که فضل ما را بر بسیاری از بندگانش مؤمنان و وراثت شد سلیمان داود را

وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِمْنَا مَنَطِقَ الطَّيْرِ وَأَوْتَيْنَا مَن كُلِّ شَيْءٍ ۝ إِنَّ

و گفت ای مردم دانایم ما گفتار مرغان و داده شد ما را از هر چیزی

هَذَا هُوَ الْفَضْلُ الْبَیِّنُ ۝ وَحَسْبُ لِسُلَيْمَانَ جُودُهُ ۝ مِّنَ الْجِنِّ

این است فضل آشکار و بجز آن درده شکر برای سلیمان و از جن و آدمیان

وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ۝ حَتَّىٰ إِذَا أَتَا عِوَاذَ الْفُلِّ قَالَ نَزَّلْتُكَ يَا أَيُّهَا

در مرغان پس ای جادو بعض را تا رسیدن بعض را تا رسیدن و نازل شد تو را ای کشتی

الْفُلَّ ادْخُلُوا امْسِكْكُمْ لَا يَحْطِطَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُودُهُ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

مرغان در آمدند بخا نهاده خود را در هم شکستند سلیمان و شکر باشد او نادانسته

فَتَبَسَّ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي

پس خندید بزم کرد از گفتار مورچه و گفت ای پروردگار من الهام کن که مرا شکر این نعمت تو کنم که

نَعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ ۝ وَأَخْلَفْتَ بِرُحْمَتِكَ

نام کرده باشی بر پدر و مادر من و الهام کن مرا که بجا آورم کرد از شایسته که فرستاده شوی پان و در آرم از رحمت خود

فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ۝ وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَىٰ لِهَذَا هَذَا

در از راه بندگان شایسته خویش و باز جست احوال مرغان پس گفت چیست بمن که نمی بینم

أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ ۝ لَأَعَذِّبَنَّكَ عَبْدًا شَدِيدًا ۝ أَوَلَا تَذَكَّرُ ۝ وَلَئِنْ

باید از غایب شده باشی و بپایان عذاب کنم او را عقوبت سخت یا تو نمی گویی که مرا در این صفت بسیار می بینم

سُلَاطِنٌ مُّبِينٌ ۝ فَتَنَّاكَ تَعْرِيفًا لِّمَا خُطِّبَ بِهِ ۝ وَ

پس آزمودیم تو را برای امتحان کردن معرفت و در این صفت را پس گفت احاطه کرده ام به آن سلطانی که تو را خطیبی

جَنَّدَكَ مِنْ سِبَاكِنَا يُقِينُ ۝ إِنِّي وَجَدْتُ تُرَاثًا تَرَكْتُهُمْ وَأَوْثَقْتُ

آرم تو را از جمیع سبایکین و بپایان یافتن کنی باور شایسته می کند برای ایشان و داده شده است او را

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۝ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ۝ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ

از جن هر شیئی که داده شد و او را همه است بزرگ یافتن که او و قوم او سجده می کنند

لَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ۝ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ

بزرگ و او را همه است بزرگ یافتن که او و قوم او سجده می کنند

عنه برای اینکه
چشمهانی ایشان
ما را شود و عقاب را
آورد برایشان
و قنای خود را
ایشان را بداند
که این همه جادو است
و آنکه بدل یقین
داشتند که موسی
علیه السلام صادق
است و آیا ایشان
میدانند که جادو
خلاف است جادو
و مشبه نیست نگر
مخض باطنی انسانی
و فرار دید و دانسته
بر طاعت خیر خود به
شکری حق ابرار
از راستی انکار میکنند
در نتیجه پس از چند
روزی دریا نرفتند
که انجم چنین مفسران
ممانند بودند همه
را اسوان بحر طهر
خود برده کسی را گوار
کنن هم نصیب کنند
عنه حضرت سلیمان
پس حضرت داود
علیه السلام است
الذین قالوا ربک انزل
بلند پس را لایق شان
دی بهرزه مخصوصی از
علم و طاعت خود در حق
لقد علم تمام علوم شایع
و احکام و اصول و
سیاست و حکمرانی
و غیره مندرج است
عنه از جمله پسران
داود علیه السلام
باشین اصلی است
حضرت سلیمان علیه السلام
بود که الله تعالی در
ذات وی نبوت و
پادشاهی هر دو را
جمع فرمود ملک و

سلطان را از آن بود که پیش از او نبوده و کسی نصیب نشده چون امپراطور پندگانی را برای وی سخن فرمود چنانکه مودعه و سبایک می آید ۱۲

عنه قالوا این میراث
تتمه کلام بود است
معلوم میشود که جانوران
را معرفت خالق اینان
نظرة حاصل است
و یا شاید این قسم
معرفت لفظی بر همین
بهره بطور خرق عادت
مربوب شده باشد
اگر خدا بخواهد اینان
معرفت را در
یک چوب شکله
هم آفریده می
تواند باقی وجود
اینگونه عقل و
معرفت فطری در
جانوران چنانکه
عدوای شیرازی
در اسفار و
از آن به علم
حضور می داند
به شور و
تعبیر کرده است
مستلزم آن نیست
که بکلیت آنها
اینجا مبعوث
شوند زیرا که
معرفت فطری
نیست بلکه جلی است
و بهشت انبیاء یا
کسیات تلقین دارد
و نیز این معنی نیست
که چیزی که تا یک
اندازه دارای عقل
و شعور باشد مدخل
هم باشد چنانکه
حق می دانست
قراب عاده یا انگلیس
از بلوغ تا یک اندازه
خوبی عقل دارد و عقل
شعور حیوانات را
ازین قیاس کنید
و تنبیه در موضع آخر
آمده است که موال
بهره کم می باشد
از زمین می کشد و می
خورد و دان بخورد و میوه

لِلشَّمْسِ مِنْ دُونَ اللَّهِ وَزَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَاهُمْ فَصَدَّ عَنْهُمُ
آفتاب را بخیر خدا و اگر راسته است بر آن آفتاب شیطان کرده و این آفتاب را از
آفتاب را بخیر الله و اگر راسته است بر آن آفتاب شیطان کرده و این آفتاب را از
السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ۱۰ ﴿الْأَيْ سَجْدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ
راه پس ایشان راه نمی یابند بسوئے آنکه سجده کنند آن خدا را که بیرون می آورد پندیده
راه حق پس ایشان راه نمی یابند باینکه سجده کنند آن خدا را که زمین را از زیر آن می کشد و این آفتاب را از
فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۱۱ ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا
در آسمانها و زمین و میداند آنچه پنهان می دارید و آشکارا می کنید خداست نیست هیچ معبودی
در آسمانها و زمین است و میداند آنچه پنهان می دارید و آشکارا می کنید خداست نیست هیچ معبودی
هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۱۲ ﴿قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ
او پروردگار عرش بزرگ است گفت سلیمان و ابیم دید آیت است لفظی یا هستی از
ادمت پروردگار محنت بزرگ گفت سلیمان (علیه السلام) اکنون می بینم که آیت است لفظی یا هستی از
الْكَذِبِينَ ۱۳ ﴿إِذْ هَبَّ بِكُنُوبِي هَذَا فَاَلْقَاهُ اللَّهُ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانْظُرْ
دروغ گوینان بپیر این نامه را پس بیند آنکه آیت است ایشان
در و کلمه یاقین بپیر این نامه را پس بیند آنکه آیت است ایشان
مَاذَ يُرْجِعُونَ ۱۴ ﴿قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ الْأَيْ الْقَبِي إِلَى كِتَابِ كَرِيمٍ ۱۵ ﴿اللَّهُ مِنْ
چه جواب بازی دهند بلیق گفت ای اعیان جز بار هر آینه به پیش من انداخته و یک نامه گوی این نامه از
سَلِيمٍ وَرَأَيْتَ سُلَيْمَانَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ ۱۶ ﴿الْأَتَعْلَمُونَ عَلَى وَأَتُونِي
از جانب سلیمان است و هر آینه این نامه بنام خدا بخشانیده و هر یک است باین معنوی که بیکر کنید و هر یک
طرف سلیمان است و هر آینه این نامه بنام الله به حد مهربان نهایت با هم است باین معنوی که در مقابل من بیایید
مُسْلِمِينَ ۱۷ ﴿قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً
سلیمان شده گفت بلیق اے جماعت را بلیق جواب دهم در امر تدبیر من بیستم من فیصل گفته
فرمان بردار گفت بلیق ای اعیان در بار مشوره و دهم در امر تدبیر من بیستم من فیصل گفته
أَمْرًا أَحْتَمِي تَشْهَدُونَ ۱۸ ﴿قَالُوا نَحْنُ أَوْلُو الْأَمْرِ وَآؤُلُو آبَائِ شَدِيدِ
بیش کار را تا حدی که حاضر شوید پیش من گفتند ما خداوند گوانی ایم و خداوند کارزار
بیش کاری را تا حاضر شدن شما گفتند ما خداوندان قوت و خداوندان کارزار شدیدی
الْأَمْرَ إِلَيْكَ فَانْظُرْ فِي مَاذَا تَأْمُرُنَّ ۱۹ ﴿قَالَتْ إِنْ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً
ند بر من مفضل بسوئے تست پس در هر چه چیزی فرامی گفت هر آینه بادشاهان چون در آیند بدیده
کار اختیار است پس باین چه حکم میفرمائی گفت هر آینه بادشاهان چون در آیند به قریه
أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا آعِزَّةً أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ ۲۰ ﴿وَأَمَّا
خراب کنند آنرا و سازند عزیزترین این آنرا را سوار و هم چنین می کنند و هر آینه من
خراب کنند آنرا و گردانند عزت مقلان این آنرا را ذلیل و هم چنین می کنند و هر آینه من
مُسْأَلَةً إِلَيْهِمْ يَهْدِيهِمْ فَنَظَرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَهْدِيَ
فرستاده ام بسوئے ایشان بفرستد پس به چشم بیکدیگر فرستاده ام بسوئے ایشان بفرستد پس به چشم بیکدیگر
فرستاده ام بسوئے ایشان بفرستد پس به چشم بیکدیگر فرستاده ام بسوئے ایشان بفرستد پس به چشم بیکدیگر
قَالَ أَحْمَدُ وَنَحْنُ بِمَالٍ قَسَا أَتَيْنَ عَلَى خَيْرِ مِمَّا أَتَيْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ يَهْدِي
گفت سلیمان آیا اندامی کنید مرا بآنکه پس آنچه عطا کرده است مرا خداوند است از آنکه عطا کرده است شما را بآنکه
گفت آیا اندامی کنید مرا بآنکه پس آنچه عطا کرده است مرا خداوند است از آنکه عطا کرده است شما را بآنکه
خود ندان بخورد و میوه

نَفَحُونَ ۝ اَرْجِعْ اِلَيْهِمْ فَلَا تُبَيِّنْهُمْ بِجُنُودٍ اَوْ قِبَلٍ لَّهُمْ ۚ مَا وَلَّيْنَاهُمْ مِنْهَا شَيْئًا ۚ

[illegible]

ذَلَّةٌ وَهُمْ صَاغِرُونَ ﴿٦٧﴾ قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي

دروا کرده و ایشان را خواهر باشند دل گفت سلیمان ای عزیزان کدام یک از شما می آرد پیش من بخت خود را سپاری و این که با او همسر
بگیری در حالی که ایشان خواهر باشند گفت (سلیمان) ای اعیان در بادو کدام یک از شما می آرد پیش من بخت خود را سپاری و این که با او همسر

سَيِّئِينَ ﴿٤٠﴾ قَالَ عِفْرِيتٌ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا بَعْدُكَ بِقَوْلٍ أَن تَقُومَ مِنْ مَّقَابِلِهِ

گفت بختی از بزم من بیارش نزد یک تو پیش از آنکه بر چیزی از جا بگردد

عَلَّمَ لَقَدْ عَلَّمَهُ قَالِ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْغُيُوبِ أَتَشْكُرُ ۚ قُلْ

از این من برال عرش یوانان با ما اقم گفت که نزد یک او علم بود از کتاب الهی من بیدش نزد یک تو پیش

مستف
م: وضو

و از آن باز کرد و گوشت و چشم تو میس چو سلیمان و دید آخر تو را گرفته نزد یک خنجر گفت ای خدای عادت از فضل پروردگار من است

از دینار مردود بخیر و بدستور از هر که است (این را که است) از

ممنون از شما که گفتم و می‌گویم یا تا پاسی از شب بخوابم و در کمال غلظت خواب گذری کند پس جز این نیست که اگر شکر گذاری می‌کنید برای نفع خویش برکت سیاسی گردانید

[illegible]

یہ بزرگ تہذیب و تمدن کا گہرا مطالعہ کرنا ضروری ہے۔

بے نیاز کر نموده است گفت سلیمان شیر سازه برای (اسحاق) بلقیس تخت ادراکات بنام کریم آیاهی چهل راهی یابد باری آیاهی شود و جزو آمانی که

پسندوں و لذتچاء تئیں اھل عرشہ کا تہ کو اوپینا اچھ نہ

می‌پند (را می‌پند) پس چون رسید بلیقوس گفتند (بلو) آیا کم چنین است سخت و گفت گویا این میان است و با سحر تندر (در واد) شد

و وصلها ها را گشت بعد من دون اندر آنها گشتن و

پیش ازین و شد و این فرمان برادر و دوازده است و در این مجلس را از آنچه می پرسید بجز اندک هر آنچه بود از گرد

[illegible]

کافران گفته شد به آن زن در آنی درین قصر پس چون دید از زمین آسماننداشتش آب عقیق و جامه بر داشتند از هر دو ساقی خود

قال انه صرح فسر دمن فوا ايريه قالت سراري خلعت نيسي واستلمت

نفت سلیمان زهر آینه این قمری است لشم ما خورده اند از شمشیر گفت بلخس ای پروردگار من (به آینه) من گم کردم بر نفس خود و اقیانوس کردم

سَلِيمٌ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٥١﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَوْدَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدِ اللَّهَ

سپهر آینه و ساربان بیگم نمود برادر ایشان صاحب دارالعلوم بود که عداوت کینه دیرینه را
و در هر آئین فرستادیم بگوی نمود برادر ایشان صاحب دارالعلوم بود که عداوت کینه دیرینه را

فَإِذَا هُمْ فِي يَقِينٍ يَخْتَصِمُونَ ١ قَالَ يَقُولُوا لَا تُسْتَغْلَوْنَ بِالسَّيِّئَةِ

[illegible]

وَقَالَ سَلِيمٌ مَعْلُومٌ كَرِّدِه كَمَا لَمْ يَتَّخِذْ حَرْبِي قَبْلَ إِذَا اسْلَامَ = انْتِقَادِ اَدِمِياعِ اسْت ۱۲-

ملک مترجم گوید بلیان
 علیه السلام خواست که
 نفیس را مجبور نماید
 عقد جلاله را دراک
 راندا اگر مناسب اند
 بیاج آورد پس در کس
 ساخت ۱۲
 تفسیر عثمانی
 ناصر بزرگشت
 به ملک خود پیغام ،
 جنگ را رسانید-
 نفیس تعین گردید
 این شخص پادشاه
 حمادی نیست مافرا
 خداوند بزرگی و قوه
 بخشنده است- چنان
 قتال سودی نخواهد
 پیش او کارگر شده
 میتواند بالخریض
 چهار اطاعت اقلیت
 سازد زمان زیاد
 دران شد تا بکشد
 حضرت سلیمان علیه
 السلام حاضر شود
 چون ملک نزدیک
 ملک شام رسید
 حضرت سلیمان
 باین نفوذ کرد که
 زمین شما کیست که
 پیش از رسیدن
 نفیس تخت شما
 در آن بکشد من حاضر
 شد ، در این مقصود
 حضرت سلیمان علیه
 السلام این بود که
 از چندین پسر
 تخت و قوت
 خداداد خود را به
 نفیس انبار نماید
 آنا را بداند که این
 شخص تنها پادشاه
 است بلکه دارا
 است ثن الحاده
 طعی نیز چنانست
 تنبیه از قتل ان

34
 35
 36
 37
 38
 39
 40
 41
 42
 43
 44
 45
 46
 47
 48
 49
 50
 51
 52
 53
 54
 55
 56
 57
 58
 59
 60
 61
 62
 63
 64
 65
 66
 67
 68
 69
 70
 71
 72
 73
 74
 75
 76
 77
 78
 79
 80
 81
 82
 83
 84
 85
 86
 87
 88
 89
 90
 91
 92
 93
 94
 95
 96
 97
 98
 99
 100
 101
 102
 103
 104
 105
 106
 107
 108
 109
 110
 111
 112
 113
 114
 115
 116
 117
 118
 119
 120
 121
 122
 123
 124
 125
 126
 127
 128
 129
 130
 131
 132
 133
 134
 135
 136
 137
 138
 139
 140
 141
 142
 143
 144
 145
 146
 147
 148
 149
 150
 151
 152
 153
 154
 155
 156
 157
 158
 159
 160
 161
 162
 163
 164
 165
 166
 167
 168
 169
 170
 171
 172
 173
 174
 175
 176
 177
 178
 179
 180
 181
 182
 183
 184
 185
 186
 187
 188
 189
 190
 191
 192
 193
 194
 195
 196
 197
 198
 199
 200
 201
 202
 203
 204
 205
 206
 207
 208
 209
 210
 211
 212
 213
 214
 215
 216
 217
 218
 219
 220
 221
 222
 223
 224
 225
 226
 227
 228
 229
 230
 231
 232
 233
 234
 235
 236
 237
 238
 239
 240
 241
 242
 243
 244
 245
 246
 247
 248
 249
 250
 251
 252
 253
 254
 255
 256
 257
 258
 259
 260
 261
 262
 263
 264
 265
 266
 267
 268
 269
 270
 271
 272
 273
 274
 275
 276
 277
 278
 279
 280
 281
 282
 283
 284
 285
 286
 287
 288
 289
 290
 291
 292
 293
 294
 295
 296
 297
 298
 299
 300
 301
 302
 303
 304
 305
 306
 307
 308
 309
 310
 311
 312
 313
 314
 315
 316
 317
 318
 319
 320
 321
 322
 323
 324
 325
 326
 327
 328
 329
 330
 331
 332
 333
 334
 335
 336
 337
 338
 339
 340
 341
 342
 343
 344
 345
 346
 347
 348
 349
 350
 351
 352
 353
 354
 355
 356
 357
 358
 359
 360
 361
 362
 363
 364
 365
 366
 367
 368
 369
 370
 371
 372
 373
 374
 375
 376
 377
 378
 379
 380
 381
 382
 383
 384
 385
 386
 387
 388
 389
 390
 391
 392
 393
 394
 395
 396
 397
 398
 399
 400
 401
 402
 403
 404
 405
 406
 407
 408
 409
 410
 411
 412
 413
 414
 415
 416
 417
 418
 419
 420
 421
 422
 423
 424
 425
 426
 427
 428
 429
 430
 431
 432
 433
 434
 435
 436
 437
 438
 439
 440
 441
 442
 443
 444
 445
 446
 447
 448
 449
 450
 451
 452
 453
 454
 455
 456
 457
 458
 459
 460
 461
 462
 463
 464
 465
 466
 467
 468
 469
 470
 471
 472
 473
 474
 475
 476
 477
 478
 479
 480
 481
 482
 483
 484
 485
 486
 487
 488
 489
 490
 491
 492
 493
 494
 495
 496
 497
 498
 499
 500
 501
 502
 503
 504
 505
 506
 507
 508
 509
 510
 511
 512
 513
 514
 515
 516
 517
 518
 519
 520
 521
 522
 523
 524
 525
 526
 527
 528
 529
 530
 531
 532
 533
 534
 535
 536
 537
 538
 539
 540
 541
 542
 543
 544
 545
 546
 547
 548
 549
 550
 551
 552
 553

وَقَمَّ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ

محقق شود عذاب برای ایشان بیرون آید بر آنی ایشان جانور سے از زمین که سخن گوید بایشان بسبب آنکه

النَّاسَ كَأَنَّا بَالِيتُنَا لَا يَوْ قَتُونَ ۝ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا

مردان بآیات مایعین نمی آوردند و آن روز که بر ایشانیم از هر استی طایفه را

لَمَّا يَكْذِبُ بَالِيتُنَا فَهُمْ يَوْمَ يُزْعَوْنَ ۝ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ وَقَالَ

از آنکه دروغ می سرودند آیات ما را پس از ایشان بعض را تا رسیدن بعضی رسانده کرده میشود تا آنکه حاضر آیند گوید

لَكُمْ بَلَاءٌ بَالِيتِي وَلَمْ يُخَيِّطُوا لَهَا عِلْمًا ۝ مَاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ وَ

خدا آید دروغ می سرودید آیات مرا و در هر که نشود دید بان از رویه دالش یا چه کار می کردید و

وَقَمَّ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَنُّوْا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ ۝ أَلَمْ يَكِرُوا أَنَا

نات شده و عذاب بر ایشان بسبب ستم کردن ایشان پس آن جماعت سخن نگویند آیات دیده اند که ما

جَعَلْنَا الْيَلَّ لَيْسَكُنَّ أَفِيهِ وَالتَّهَارُ مَبْصُرًا ۝ فِي ذَلِكَ لَا يَلِيت

پیدا کرده ایم شب را تا آرام گیرند و در آن و پیدا کرده ایم روز را در وطن شده بر آید درین مقدمه کشانهاست

لَقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ قَفَرٌ مِّنَ فِي السَّمَوَاتِ وَمِنَ

در آسمانها و بادکن آفرود که میدید خود در صور پس مضطرب شوند آنانکه در آسمانها انداخته

فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ۝ وَكُلُّ أَتَوْهَ ۝ وَشَرَىٰ

در زمین اند مگر کسی که خدا خواسته است و هر که بپایند پیش خدا خواسته شده و بیخی

حُجَالٌ تَحْسِبُهَا جَمَادَةٌ وَهِيَ تَمْرٌ مِّنَ السَّحَابِ ۝ صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَنَ

و در بار پنداری آنرا برای ایشان داده و آن می رود مانند رعن ایرو سحابی آن خدای که استوار ساخت

كُلُّ شَيْءٍ ۝ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ ۝ مَن جَاءَ بِحَسَنَةٍ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا ۝

هر چه بیاورد و خیر دارست بآنچه می کند هر که بیاورد بدی پس او را بهتر باشد از آن

وَهُمْ مِّنْ قَرْنٍ يَّؤْمِنُونَ ۝ وَمَن جَاءَ بِالسَّبِيحَةِ فَلَكَبَتْ

در ایشان از اضطراب آن روز ایمین باشند و هر که بیاورد بدی پس او را بهتر باشد از آن

وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تَجْزُونَ ۝ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ

در آتش ایشان در آتش جز داده نمی شود مگر بوقت آنچه می کردید بخواهت جز این نیست که فرموده شد ما

إِن أَعْبَدَ رَبِّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ ۝ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ ۝ وَأَمْرُهُ

در این است که خداوند این شهر را یعنی که آنکه حرم ساخت آن را و حضرت اوست هر چه فرموده شد ما

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّبِيحَةِ فَلَكَبَتْ

در ایشان از اضطراب آن روز ایمین باشند و هر که بیاورد بدی پس او را بهتر باشد از آن

وَجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تَجْزُونَ ۝ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ

در آتش ایشان در آتش جز داده نمی شود مگر بوقت آنچه می کردید بخواهت جز این نیست که فرموده شد ما

عده حضرت شاه صاحب رده اند - در استناد به پیش ۴ تنی می امیر بایک ۱۲ پیش از قیامت ۱۲ کوه صفا که نزدیک آن واقع است شگفت میشود و از آن جانوری می بر آید که باروم سخن خواهد زد و خواهد گفت که حالا قیامت نزدیک است ایما نذران صادق و مستقران محقق را جدا جدا نفرین خواهد کرد و صبح القرآن از بعضی روایات معلوم میشود که این واقعه در زمانه آخر در روز یک آفتاب از مغرب طلوع کند و بوقوع خواهد پذیرفت - قیامت نام واقعه ایست که تمام نظام موجوده عالم در هم و بر هم شود و لهذا بر چنین خدای که کبوتر علامات قریبه مقدسه الجیش آن بر روز خواهد نمود نهایت عجیب کرد شایسته بگوید و این الارض نشان دادن این آیت مطالبات جزئی را که شما از زبان می بینید فی بدیهه نقد امروز آن را بجا آورده اند و یک جانور قبول می کند لیکن بدین معنی در آن جوامع سودی ندیده و تنها تجسس و تحقیق مکن بدین معهود است زیرا وقت پذیرفتن گذشته است و عده هیچ کوشش نکرده اند و شایسته کار دشواری

عنه بندگان هزار
شکر و طاعت راست
که مرادی و مبدی
ساخت و حقیقت
سحق و صیقل
ستایش تنها ذات
اقدس الهی
است و دیگر کما
بر خوی و ما
کلی رسد ۳
از ان بارگاه قدس
میرسد عسل و عسکر
گفته اند که فرعون خوابی
دید و در کابینا چنین
تعبیر کرد که به دست
یک شخص یعنی اسرائیل
سلطنت تو برآوردی
شود و بنابران
فرعون بطور حفظ ما
تقدیم این تدبیر حق
و ظالم را سنجید
که بادی بنی اسرائیل
ما پیشه ضعیف گردد
تا بمقام حکومت او
بیچ و عدل و حیرت
نفاست باشد و
آینده تمام این اسرائیلی
که از بنی اسرائیل پیدا
شود باید بقتل برسند
تا بدین وسیله از
مضیبت آینده جلوگیری
گردد و چون از
طون و فخران اندیش
نیست لهذا باید آنها
زنده بمانند که چون
بزرگ شود مثل
کنیزان خدمت ادا
کنند و این کفر می
نویسد که بنی اسرائیل
چون خود را یک پستی
صفت بپندارند غیبت
علیه السلام صحبت
می نمودند که در این فیر
داده شده بود بهمت
یک جوان اسرائیلی
تجاری سلطنت مصر
مقد است و فرقه این سخن بگوش فرعون رسید و آن بے خود از برای جلوگیری قتل او تدارک اندیش نمود و ۱۲

أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ وَأَنْ أَتْلُو الْقُرْآنَ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّا

که باستم از مسلمانان و فرموده شد آنکه بخوانم قرآن پس هر که راه یافت پس جز این نیست که
که باستم از مسلمانان و فرموده شد آنکه بخوانم قرآن را پس هر که راه یافت پس جز این نیست که

يَهْتَدِيَ لِنَفْسِهِ ۚ وَمَنْ ضَلَّ فَعَلًا إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ ۝ وَقُلْ

راهی باید برای نفس خود و هر که گمراه شود جز این نیست که من از بیم کنن ۳ و
راهی باید برای نفس خود و هر که گمراه شود پس بخوانم قرآن را پس هر که راه یافت پس جز این نیست که

أَحْسِنُ إِلَهُ سُبْحَانَكَ أَيُّهَا فَتَعْرِفُونَهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝

ستایش خدای راست خواهد نمود شما را آیات خود پس بشناسید آنرا و نیست پروردگار تو بغیر از آنکه می کند
بهرستایش خدا ایزد است و خود است که ان بدید شما آیات خود را پس بشناسید آنرا و نیست پروردگار تو بغیر از آنکه می کند

سَوِّ الْقَصَصَ ۚ وَمَنْ يَسْمَعْ لِلَّهِ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ ۝ وَتَمَّانِ أَيْتُهُ رُكُوعًا

بنام خداست بخشا کننده مهربان آغازی که نام خداوندی بے اندازه مهربان نهایت با هم است

طَسَمَ ۝ تِلْكَ آيَةُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ تَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَحْنِ مُوسَىٰ ۚ

این آیت است کتاب روشن است بخوانیم بر تو بعضی خبر موسی
این آیت است کتاب روشن است بخوانیم بر تو بعضی خبر موسی

فِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۝ إِنْ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَ

فرعون بر داسی برای گروهی که یقین می کنند اگر آید فرعون بر خود در زمین و
فرعون بر داسی برای گروهی که یقین می کنند اگر آید فرعون بر خود در زمین و

جَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ مَأْنِفَةً مِنْهُمْ يَتَّبِعُ أَهْلَاءَهُمْ وَ

ساخته این آن را گروه گروه زمین می گرفت جماعه را از ایشان می گشت پس ان ایشان را و
گردانید این آنرا گروه گروه معجز ساخت یک طایفه را از ایشان می گشت پس ان ایشان را و

يَسْتَفِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُنْكَرِينَ ۝ وَتَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَىٰ

زنده می گزاشت دختران ایشان را پس آیند دس بود از مضیبت ان و می خواستیم که گفت فرعون و می
زنده می گزاشت دختران ایشان را پس آیند دس بود از مضیبت ان و می خواستیم که گفت فرعون و می

الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَهُمْ آيَةً ۚ وَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

آنانی که زمین گرفتند در زمین و پیشتر اساتید ایشان را و وارث گیم ایشان را و
آنانکه ضعیف گردانیده بودند در زمین و بخوانیم ایشان را پیشوایان و بخوانیم ایشان را از ان زمان تا کنون

وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمْ مِمَّنْهُمْ

و دسترس دیم ایشان را در زمین و بناییم فرعون را و هامان را و لشکر باکی ایشان را از زمین که نماند
و جانی دیم ایشان را در زمین را معر و شام و نشان دیم فرعون و هامان را و لشکر باکی ایشان را از دست بنی اسرائیل

مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ ۝ وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ آدَمَ مَوْسَىٰ أَنْ أَرْضِعِي ۚ وَأَدْخِلِي

آدمی را سیدند و الهام فرستادیم بسوی مادر موسی شیر بده اودا پس چون بزرگی
خدا بی را که غرضمان از ان می رسیدند و حکم کردیم مادر موسی که شیر بده اودا پس چون بزرگی

عَلَيْهِ ۚ فَالْقِيَّةَ فِي الْيَمِّ ۚ وَلَا تَخْزِي ۚ إِنَّا كَرِهْنَا لَأُولَٰئِكَ

بر دس بینه از آنرا در دریا و مترس و اندوه خود بر آید ما باز رسانده او بسم بسوی تو و
بر دس بینه از آنرا در دریا و مترس و غم گین مشو از آنکه ما باز رسانده او بسم بسوی تو و

جَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝ فَالتَّظَلُّةَ ۚ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ

گرداننده او بسم از پنهان مهربان پس بر گرفتند آن را اهل خانه فرعون تا آخر کار خود برانسته ایشان
گرداننده او بسم از پنهان مهربان پس بر گرفتند آن را اهل خانه فرعون تا آخر کار خود برانسته ایشان

عَدُوًّا وَخَرْنَا رَأْسَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَأَنَّهُ خِطْبَتَانِ

وَمِنْ سَبَبِ الْمَوْتِ هَرَايَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَشَرُّ بَأْسِ الْإِثْمَانِ بُوْدَ خَطَا كَارِ اِنْ عَدُوًّا

وَقَالَتْ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنُيْ وَلَوْلَا اَنْتَ لَقَتْلُوهُ عَسَى

وَقُلْتُ زَيْنُ فِرْعَوْنَ اَيْنَ طِفْلُ خَلِيٍّ جَنَمْتُ مَرَأَةً تَمُوتُ بِمَشِيدَتِهَا بُوْدَ

اَنْ يَنْفَعَنَا اَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝۱۰ وَاصْبِرْ فَاَدَامُ

كَرْبُكَ وَدَمَارُكَ يَا فَرْزَنْدِ كَرِيمِ اَوْرَا وَاَيْشَانِ حَقِيقَتِ حَالِ رَاغِبِ اَنْتَ دَلَّ كَلَّتْ دَلَّ

مُوسَى فِرْعَاوُنَ كَاذِبٌ كَتَبْتُ بِهٖ لَوْلَا اَنْ رَّبُّنَا عَلٰى قَلْبِهِمَا

مُوسَى خَالِي اَزْ عَمِيرِ هَرَايَ نَزْدِيكَ بُوْدَ كَرِ اَشْكَارِ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝۱۱ وَقَالَتْ لِاخْتِهِ قَصِيْدَةٌ قَصَصْتُ بِهٖ عَنْ

اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

جَنِبٌ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝۱۲ وَخَرْنَا عَلَيْهِ الْمَرَضَ مِنْ قَبْلِ فَتَاكِتِ

اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

مَلْ اَدْلَكُمْ عَلٰى اَهْلِ بَيْتِ يَكْفُوْنَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ ۝۱۳ فَرَدَدْنَاهُ

اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

اِلٰى اُمِّهِ كَمْ تَقْرَأُ عَيْنَهَا وَلَا تَحْنُ وَلَا تَعْلَمُ اَنْ وَعَدَ اللّٰهُ حَقًّا وَلٰكِنْ

اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

كُنْتُ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝۱۴ وَلَمَّا بَلَغَ اَشَدَّهٗ وَاسْتَوٰى اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

عَلَّمَا وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝۱۵ وَدَخَلَ الْمَدِيْنَةَ عَلٰى حِينِ

اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

عَقْلَةٍ مِّنْ اَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيْهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هٰذَا مِنْ شِيعَةِ

اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

هٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِيْ مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِيْ

اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

وَلَا يَنْبَغِيْ لِيْ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ اَنْتَ

والمیمن من موسی و
غوی همین گفت داشت
که غضب کرده بر من

تفسیر عثمان

ع حضرت موسی

خواست که آن ظالم را

بگیرد و بکشد و بکشت

که چون بآید من الهام

غضب نموده است

مباد امر از دست من

علیه السلام کشتن

داشت که خون در ده

را بهمان طایفه بریزد

از زبان اسرائیلی آن

را از فتنه عده

خبر قبل بفرمود رسید

و بکشت و دشوره کرد

که شخص اجنبی گاه این

قدر جنت و جرات

پیدا کرده است که

الفراد شایع و

زین سلطان را بکشد

برساند به سپاهیان

امداد شد که فوراً

موسی را اگر خدای کند

اگر موسی را بکشد

شاید قتل میرسانند

القدر یک تن از

مشورت کنندگان

و از خواج و محب موسی

علیه السلام

فرموده اند امیر

باشتاب از

راه نزدیکی خود را

رساند و از انظار

آگاه نموده و مشوره داد

که فوراً از شهر بکشد

حضرت شاه صاحب

در مجمع القرآن

که این کلمات بگوشت

بیقرار رسانیده شد که

مردم اراده کشتن او را

خواهند کرد و او هم از

وطن خارج خواهد شد

چنانچه در کفایت کائنات

الشَّيْطَانُ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي

شیطان است هر آینه شیطان دشمنی آشکارا است گفت ای پروردگار من مرا بخشن ستم کردم بر خویش

شیطان است هر آینه او دشمنی آشکارا است گفت ای پروردگار من مرا بخشن ستم کردم بر نفس خود

فَاغْفِرْ لِي فُغْفِرَ لَهُ ۝ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن نعمت تو

عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيراً لِلْمُجْرِمِينَ ۝ فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفاً

بر من بر سر تو خوار بود مددگار گناهکاران گفت ای پروردگار من مرا بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

پس بپارزد مرا پس بپارزد بدش هر آینه دس آمرزنده مهربان است گفت ای پروردگار من بخشن و مرا بخشن

بِرَّسِي ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ النَّاسَ وَلَهُمْ لَئِنْ نَجَّيْتَنِي مِنْ هَذِهِ

دل سخن برانند
 تر که سبب ظهور
 خوارش پیدا شده
 و منترم گوید بهم
 آمدن دو بانگ است
 است از معنای
 شورش نشدن چنانکه
 خشنو خلق کنایت
 است از تواضع
 تفسیر
 دست خورای
 پیروی خود پیوست
 کن خوف نارنجی
 گردد شاید برای آینه
 بهمان و نصیحت
 از خوف نشان داده
 باشد عسله شخصی
 برای تصدیق و تائید
 همراه باشد قطره دل
 انسان استوار و قوی
 می گردد و اگر در اثر
 تکذب از طرف آنها
 قوت بیعت و مناظره
 برسد شاید نکند
 من مانع بیان گردد
 صحن وقت و نفاقت
 بودن برانمانده
 میرساند زبان
 او فصح تر و قویتر
 مدح و عجزات
 را مشاهده نمود
 کاین جلالت
 و شرف و کبریا
 را بطرف خدا
 منسوب میکند
 نیز بخوان جلوه دهد
 است که فواید
 از ماضی آورده
 است و این دعا
 او که می گوید خدا
 و می نازل کرده است
 حقیقت ندارد
 تخلف از برای سحر
 است و معنای
 را که گوید (شما)
 دنیا را خدای بگانه
 آفریده و بیک دلت

مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ

از کرانه راست میدان در جانب راست
 از کرانه راست میدان در موضع مبارک از درخت

يَسْمُو سُلَيْمَى إِلَىٰ أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ وَأَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا

اسم موسی هر آینه من خدایم پروردگار عالمها
 ای موسی (بر آینه) من الله هستم رب عالمیان و اینکه عصای خود را پس چون

رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَسْمُو سُلَيْمَى أَقْبَلَ

دید که عصا حرکت میکند گویا دزدان بدست داده و باز نه گشت تعقیب اسم موسی پیش رفت
 دید آخر اگر می جنبید گویا آن مار کوچکی است روی گردانید موسی پشت گشوده و باز ندید (تعقیب) ای موسی پیش بیا

وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْآمِنِينَ ۝ أَسْأَلُكَ يَدَاكَ فِي جَنَّتِكَ

و منترس بر آینه تو از ایمنی
 و منترس (بر آینه) تو خط نیست (تو از ایمنی) در آوردست خود را در گریبان خود

تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِنْ عَيْنِ سَوْءٍ وَأَضْمَمَ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ

تا بیرون آید سفید شده از غیر ضعیف
 (تا) بر آید سفید بدون غیب (بر من) و پیوست کن بطن خود بازوی خود را از ترس

فَإِنَّكَ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۝ إِنَّهُمْ كَانُوا

پس این بردار نشانده خود آمد از جانب پروردگار موسی فرعون و جماعت او بر آینه ایشان بودند
 پس این دو جهت است از طرف رب تو بر فرعون و سردارانش بر آینه ایشان بودند

قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَنْ

گروه بدکاران گفت ای پروردگار من بر آینه من کشته ام از ایشان یکی را پس می ترسم که
 گروه نافرمان گفت ای رب من (بر آینه) من کشته ام از ایشان یکی را پس می ترسم که

يَقْتُلُونِ ۝ وَأَخْبَىٰ هَرُونَ هُوَ أَفْضَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ

بگشندم و برادر من هارون هیچ تر است از من از جهت زبان پس بفرست او را
 و فرستاد گشت مرا و برادر مرا هارون او فصح تر است از من از جهت زبان پس بفرست او را

مَعِيَ رِدْءًا يُصَلِّي ۝ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَلِّمُونِ ۝ قَالَ سَنَسُدُّ

همراه من مدگنده که با او دردم را بر آینه من می ترسم از آنکه دو عالم سخن مرا
 همراه من به مدگاری که تقدیر کند مرا (بر آینه) من می ترسم که تکلم کند مرا (خداوند) و او را (خداوند) می ترسم که

عَصْدَكَ بِأَخِيكَ وَجَجَلْ لَكَ سُلْطَانًا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيْكَ ۝

بازوی ترا به برادر تو خواهم داد
 بازوی ترا به برادر تو خواهم داد شمار را علیه پس تو افتاد رسید بقصد ایها موسی شما

بِأَيِّتِنَا أَنْتَبَاهُ وَمَنْ اتَّبَعَكَ الْغُلَيُّونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا

بسیب نشانهای ما و آنکه پیروی شما کرده اند غالب خواهند شد پس چون آورد موسی نشانهای ما را
 (بسیب) نشانهای ما و آنکه پیروی شما کرده اند غالب میشوند پس چون آورد نود ایشان موسی نشانهای

بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُفْتَرًى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي

دانش آمده گفتی نیست این مگر جادوئی
 روشن آید گفتی نیست این مگر جادویی بر بسته و نشنیده ایم این را در (روزگار)

أَيِّنَّا الْأَوَّلِينَ ۝ وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ

پیداان نخستین خدایم
 پیداان نخستین خدایم و گفت موسی رب من خوب میداند که راست است یا سبک آورده سخن پداایت

بَعَثْنَا لَكَ هَارُونَ نَبِيًّا ۝

فرستادیم برای تو هارون نبی

وَقَالَ هَارُونُ لَا يَنْفَعُكَ هَذَا فَطَرْتُكَ ۝

و گفت هارون این که تو را آفریده است و فرمود (فرمود) از طرف خداوند پیشین با کثرت و کمالی که

مَنْ عِنْدَهُ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدِّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ ۹

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأَ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرِي ۱۰

فَأَوْقَدْ لِي يَهَامُنُ عَلَى الطَّيْنِ فَأَجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ ۱۱

إِلَى اللَّهِ مُوسَى وَآلِ الْأَظْفَرِ مِنَ الْكَذِبِينَ ۱۲

وَأَسْتَكَبِرُ هُوَ ۱۳

فَجَعَلْنَاهُمْ آيَةً يُدْعَوْنَ إِلَى الثَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ ۱۴

وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَمَةِ ۱۵

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَى مُوسَى الْأَمْرَ ۱۶

وَمَا كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ ۱۷

وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعَصْرُ ۱۸

وَمَا كُنْتَ تَأْوِي فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتَوَّاعِلُ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا وَلَكِنَّا كُنَّا مُعْرِضِينَ ۱۹

عاقبات آن عصر را
چنان محبت در دلی
و بطور تفصیل بیان
میکنی که گویا در بهار
پیش و طوره استاده
می نگریستی حال که ظاهر
است که تو را وقت
موجود بودی بر عاده
مردم میدادند که ای
بسی و با هیچ یک عالم
محبت هم نکرده و نه
در آن عالم جیدی
موجود بود که اوقات
میج و حقیقی میدادند
بنابران جائی وقت
است که ترا این علم از
کجا حاصل شد ؟
حقیقت این است
که بر سر اقامت دنیا
مت بای دید که در دنیا
در گذشت و در آخر
این علم حرکت میکند
شده رفت و آن دنیا
رو به پیشی نموده بود
لذا آن ذات علیم
خبر داده فرمود که از
زبان یک ای آن
هم سبق بای خواش
شده را دوباره بیا
هم گمان و بعد تصور
آن اوقات عبرت
آورد و موعظت آمیز
را بکل محبت مرحوم
ساخته و بروی
مردمان دنیا بنده تا
چون هزار بینه ناچار
قبل گفته که تو را پیش
کننده آن ها وقت
موجود بود و تمام کلمات
را بهر سبب به بیان
پروردگار است که چون
خود در آن عالم بود
بودی غیر از این چه
میگوئی گفت که این
سخن بران ها نازل
است که بزبان تو

وَيُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمُ مُّتَرَاتِينَ ۖ وَإِذَا صَبَرُوا ۖ أَوْيَدَّرَعُونَ ۖ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ ۚ وَ

و میشود ایشان را عزادیشان دو یار بسیب آنکه خبر کردند و فرمود می کنند بخصلات نیک بدی را و
و مندیات اجر خود را (داد) شود به ایشان عزادیشان در بار بسیب آنکه استوار شدند (خبر کردند) و می بینند مقابله بدی (در)

وَاِذْ اَسْمِعُوا اللّٰغُوَ اَعْرَضُوْا عَنْهُ وَقَالُوا

از آنچه روزی داده ایم ایشانرا خرج می کنند و چون بشنوند سخن بے هود را آنگناره می گیرند از آن و گویند

لَا اَعْمَالَكُمْ اَعْمَالَكُمْ زَسَلَمَ عَلِيكُمْ زَا لَبَدْعِي الْجَهْلِيْنَ ⑤
ارامت كردار بائے ما و شمار است كردار بائی شما سلام ببر شما باد بخی خوا ایم محبت با کلان صل

ماد است کردار بائی ماد شمار است کردار بائی شما سلام باد بر شما بی خواهم (صحبت) جا همان را

با خنجر بر آئینه تورا هخی مغانی هر که را دوست میداری و لیکن خنجر ارا را می نماید هر که را خواجو داد

وَقَالُوا إِنَّا نَسْتَعِذُّ بِاللَّهِ

و گفتند بعضی اهل مکّه اگر بپروای بدایت کنیم بانو رلوده شویم
و انانراست بسانیک بدایت را را اختیار می کنند و گفتند اگر بپروای کنیم بدایت را بانو رلوده شویم

مَنْ أَرْضَاهُ أَوْ لَمْ تُنِكَنْ لَهُمْ خَسَ مَا أَمِنَّا يُجِبِي إِلَيْهِ شَرَاتُ كُلِّ

از زمین خود آیا جای ندادیم ایشان را در محرم محرم با این گشایند میشود بسوی آن میوه بانی هر

لَقَدْ رَزَقْنَاهُمْ لَدُنَّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤﴾ وَلَمَّا أَهْلَكْنَا

چیز (در حالیکه) روزی است از طرف ما ولیکن اکثر ایشان نمی دانستند و بسا مال کردیم

از دیه پاکه از حد در گذشتند در گذران خود پس اینهاست جای ماندن ایشان بانه هشتاد و پنج بعد

فریه را که از حد گذشتند در معیشت خود پس ایستامت مسکن های ایشان ای ای دلدار (دوست دانا) ای

از ایشان کمر اندکے و بودیم ما بدست آرنده میراث ایشان و هرگز نیست پروردگار تو ملاک کننده

الْقُرْآنِ حَتَّى يَبْعَثَ فِي أُمَمٍ مِّمَّكَ رُسُومًا يَتَّبِعُونَ عَلَيْهِمُ آيَاتُنَا وَمَا كُنَّا

در تعبیه آن پیغامبر که بخواند بر ایشان آیات ما و هرگز یسیر
در بند گترین آنها پیغمبر که بخواند بر ایشان سخنان ما و هرگز یسیر

مُهَلِّبِي الْقُرَى إِلَّا وَاهِلَهَا ظَالِمُونَ ﴿٩﴾ وَمَا أَوْتِيْتُمْ مِنْ شَيْءٍ

مال گفته دیه یا مخدوران عمل که اینها ستمکار باشند و هر چه داده است ستمکار از هر کس
مال گفته قریه یا گرجین (در حالیکه) مردم آن ستمکار باشند و آنچه داده بشما از چیزه

فمناع الحيوة الدنيا ورينتها وما عند الله خير وأبقى

پس بهره مندی زندگانی دنیا و آرایش آن است و آنچه نزد اله است بهتر و پائین تر است آیا

آیا سید و عده دادیش و عده شنگ پس او دریا بنده آفت افندی که با هر خدا می آید

این پس کسی که دعله نرزه ایتم بوی و دعله یکسای او را بر آن است که ماسدی است و در آن
 شرح می رسد از آن تفصیل نوشته ام و گوشش کرده ایم که اشکالات را در آن رفع نمایم لایحه ۱۲-

فلان مترجم گوید یهود
 پیش از آنکه آنحضرت
 صلعم بخدا بجهت کند
 و پنج یهودیت تصریح
 فرماید معتقد قرآن بودند
 و می گفتند عرب را
 فرمان قرآن لازمست
 ۱۲ و این مردان
 اخراج کنند ۱۳-
 تفسیر عثمانی
 عده خود را مسعود
 و مستغنی گرفتند و هزار
 قبول حق کردند بلکه
 هر حق یهود و قتیق رسید
 بر خود را طاعت نمودند
 سر تسلیم خم کردند-
 تفسیر شیخ اکبر مرد
 فتوحات و ششاست
 که ایمان این اهل کتاب
 بر تغییر خود و مرتجع
 آمد- باراد مستقله
 یار دوم در ضمن ایمان
 آوردن بر نبی کریم صلی
 الله علیه و سلم تویر که
 آنحضرت مصدق تمام
 انبیای سابقین می
 باشد تا کهید میفرماید
 که ایمان داشتن باینکه
 هر دوی است- بر
 حلاوه بخود آنحضرت
 صلی الله علیه و سلم ایما
 آنها بود در قبیل آمد
 یکی اکنون بالفت و
 بالاستقلال دوم در ضمن
 اینکه بر پیغمبر خود بیشتر
 ایمان آورده بود و عذر
 هر پیغمبر باب آنحضرت
 بشارت میداد و در
 تصدیق نبوت او
 پیشگویی می نمود و بار
 از این مردم هم در مرتبه
 می باشد باقی شرح
 ثلاثه تون
 اجرام مرتع را
 که حدیث آمده می
 توان درین مخزن دانست

وَلَا يَخْشَى فِي عَذَابٍ
وَلَا يَخْشَى فِي عَذَابٍ
وَلَا يَخْشَى فِي عَذَابٍ
وَلَا يَخْشَى فِي عَذَابٍ

تفسير غنائی

عنه یعنی گفته میشود
که اکنون آنها را برای
کمال بطلید بگردانید
از آما و جاد و ناصر
می باشد چه خوششان
در مصیبت خود گرفتار
خواهند بود که افعال
المفسرون و ظاهر
تجوید حضرت شاه
ما حیث ان است
که شایعین چون نام
نیکان را بگردانید
گفته شود که آن نیکان
را بخوانند آن نیکان
بجواب خواهند داد
زیرا آنها را فرین
حرکات مشرقی و غربی
نمودند و یا هیچ خبر
نداشتند عده
کامیابی آن جهان
فقط بفرموده ایان عمل
مایل حاصل می گردد
حاصل هم اگر کسی از کفر
و شرک توبه کند و
ایمان بیاورد و راه حق
افتد نماید حق تعالی
از خطاهای سابق
او درگذشته او را
فاخر المرام می گرداند
(تفسیر) - معنی آن
یکون من المفلحین
و عده ایست که از
داندل شریفانند
یعنی برادرانم است
که امیدوارند از کفر بشارت
برچیز برای ابرار است
چنین سخن را ما را
بجود کرده نمی توانیم
مطلب این عده را بعضی
در فضل ذکر نمودیم

مَتَاعِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ ۱ وَيَوْمَ
مَتَاعِ زنده گانی دنیا مَتَاعِ زنده گانی دنیا

باز و سه روز قیامت از حاضر گردگان است و روزی که

باز او در روز قیامت است و سبکی شایه می آید (از حاضر گردگان است) و روزی که

يُنَادِيهِمْ يَقُولُ أَيُّكُمْ شَرٌّ أَلَيْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا ۲ وَقَالَ
آوازده به ایشان را پس گوید کدامان شر تر است که شما را که می گردید گفتند

نَدَانُوا (هَلْ أَرَأَيْتُمْ أَن تَسْجُدُوا لِلَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا) كَذِبًا

الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هَلْ أَرَأَيْتُمْ أَن تَسْجُدُوا لِلَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا

آنانکه ثابت شد بر ایشان حکم عذاب است پس برود و کار ما این خواهد شد که گناه کردیم گناه کردیم ایشان را

آنانکه ثابت شد بر ایشان حکم عذاب است پس برود و کار ما این خواهد شد که گناه کردیم گناه کردیم ایشان را

كَمَا غَوَيْنَا تَبَيَّنَ إِلَيْنَا أَلَيْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا ۳ وَقِيلَ

چنانکه خود گناه شدیم که به حق می شود از همه سوی تو ایشان را ما را می پرسیدند و گفته شد

چنانکه گناه شدیم خود ما سزاوارتریم بخود تو (بیشتر از شما) از آنها را چون گناه کردیم پس تو را که گناه کردی می پرسیدند و گفته شد

أَدْعُوا الشُّرَكَاءَ كَمَا دَعَوْتُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا الْعَذَابَ ۴

بخوانید شریکان خود را پس بخوانند ایشان را پس ایشان قبول نکردند و ای آنجا دیدند عذاب

بخوانید شریکان خود را پس بخوانند ایشان را پس ایشان قبول نکردند و ای آنجا دیدند عذاب

لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ ۵ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ يَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ

و گفتند کاش ایشان راه یابی بودند و روزی که آوازده به خدا ایشان را پس گوید چه جواب دادید

و آوازده می گفت کاش ایشان راه یابی بودند و روزی که آوازده به خدا ایشان را پس گوید چه جواب دادید

الْمُرْسَلِينَ ۶ فَجَعَلَتْ عَلَيْهِمُ الرِّبَا يَوْمَ يُنَادِيهِمْ يَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ

مُرسلان را پس سزاوارتر بود بر ایشان خبر ما این روز پس ایشان را باید که سوال نکنند و

پس بپرسیده شود بر ایشان سخنان و غیره در آن روز پس ایشان از یکدیگر خواهند پرسید

وَمَا مَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَنْ يَكُونَ مِنَ

پس آنکه توبه نمود و ایمان آورد و کرد کار خالصه کرد پس امید است که باشد از

پس سبک گوید کرد و ایمان آورد و کرد کار خالصه کرد پس امید است که باشد از

الْمُفْلِحِينَ ۷ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ ۸ مَا كَانَ لَهُمُ

درستکاران و پروردگار تو می آفریند هر چه خواهد و بری گردانید هر که خواهد نیست ایشان را

درستکاران عده و رب تو می آفریند هر چه خواهد و بری گردانید هر که خواهد نیست ایشان را

الْخَيْرَةُ مَا سُبْحَنَ اللَّهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۹ وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا

اختیار پالی خدا را است و بلندتر است از آنچه شرک می آرند و پروردگار تو می داند آنچه

پس گردان (اختیار) پالی خدا را است برتر است از آنچه شرک می آرند و رب تو می داند آنچه

تَكُنْ صَدُورُهُمْ وَمَا يَعْلَمُونَ ۱۰ وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۱۱

پس این می داند و سینه های ایشان و آنچه آفریند و او است خدا نیست و هیچ چیز او را در است

پس این می داند و سینه های ایشان و آنچه آفریند و او است خدا نیست و هیچ چیز او را در است

الْحَمْدُ لِلَّهِ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ نَزَّلَهُ إِلَيْنَا وَمَا يَكُونُ ۱۲ قُلْ

ستایش در دنیا و آخرت و او است حکم و بسوی او باز گردانیده می شود

ستایش در دنیا و آخرت و او است حکم و بسوی او باز گردانیده می شود

أَسْمَاءُ يَوْمَ يُنَادِيهِمْ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْقُلُوبُ سَمِعْنَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

آوازده که اگر گردانند سینه های آنها بر شما شب را یا خنده

سینه های شما را که اگر گردانند سینه های شما شب را یا خنده

تبارز قیامت

ول یمن در صورت لزوم بادش بحال ملک نیست و الله اعلم تفسیر عثمانی
 علیه السلام در صورت دولت علیه است و انوس که او مشیت حق را از او ش گرد و برود و نیافت خدا او را و متکبر گشت و آن دولت را کفیل نیافت خود بداشت خیر نداشت که چندین گروه را اثر شرارت و سرکشی خود در میان بیاورد و پاک شدند آنها اسطنت های قوی داشتند و نیست بیایین بیون قرآن و عساکر بیشتر را دارا بودند و او سرانجام ایشان را شنید مگر عبرت حاصل نکرد و الله این آیت کرد و دو توبه در دنیا و آخرت حاجت برسان نیست بلکه الهیانی بر پروردگار گناه آنرا آگاه است و فرستگان آن بمداخت کرده اند و گردان باب گاهی استفسار شود مقصد و مشور کردن و سرزنش نمودن خود بود و یا گناه از کثرت گناهان است یعنی تعداد آن گناه بقدری زیاد است که برسد به جزئیات هر یک نیست و موصوفه القرائه آمده است در بداهه برستی پس نمی آید چه اگر کار فرموده اند میباشند است تمام می کرد چنانچه می داشت کرد چنانچه می داشت کرد چنانچه می داشت کرد

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي ۖ أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ

گفت جز این نیست که داده شده است مرا آن فراوان بنا برداشتی که نزدیک من است آیا ندانستی که خدا پاک کرد

مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَ أَكْثَرُ جَمْعًا ۖ

پیش از او کسی را که او بر من قوی تر است و قوت و زیادتر و قوی تر است و جمع کردن مال عده

وَلَا يُسْئَلُ عَنْ ذُنُوبِهِ الْمُتَجَرِّمُونَ ۝۳۰ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ

و بپوشیده نمی شوند که گاران از گنایان خود گنه گاران عده پس بر آمد و بروی قوم خود در آرایش خود

قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا لِيَلْبِثَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ

گفتند آنانکه طلب می کردند زندگی دنیائی و میارای اے کاش ما را باشد مانند آنچه داده شده است

قَارُونُ ۚ إِنَّهُ لَكَنُوحٌ عَظِيمٌ ۝۳۱ وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ

قارون را هر آینه دے خداوند نصیب بزرگ است و گفتند آنانکه داده شد ایشان را علم

وَيْلَكُمْ تَوَّابٌ ۖ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝۳۲ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ

وای بر شما تواب خدا بهتر است مرا آنس را که ایمان آورد و در کارش است که درود قرین کرده عیون این سخن

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَوْمِكَ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ ۖ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ

و ای آنانی که ایمان آوردند از قوم تو و قارون از اهلی مصر و قارون از اهلی مصر

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَوْمِكَ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ ۖ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ

و ای آنانی که ایمان آوردند از قوم تو و قارون از اهلی مصر و قارون از اهلی مصر

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَوْمِكَ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ ۖ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ

و ای آنانی که ایمان آوردند از قوم تو و قارون از اهلی مصر و قارون از اهلی مصر

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَوْمِكَ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ ۖ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ

و ای آنانی که ایمان آوردند از قوم تو و قارون از اهلی مصر و قارون از اهلی مصر

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَوْمِكَ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ ۖ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ

و ای آنانی که ایمان آوردند از قوم تو و قارون از اهلی مصر و قارون از اهلی مصر

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَوْمِكَ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ ۖ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ

و ای آنانی که ایمان آوردند از قوم تو و قارون از اهلی مصر و قارون از اهلی مصر

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَوْمِكَ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ ۖ وَكَانَ قَارُونُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ

و ای آنانی که ایمان آوردند از قوم تو و قارون از اهلی مصر و قارون از اهلی مصر

جَاءَ بِالسَّبِيلِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا

بیارو بی پس جزا داده می شوند آنانکه بد عمل آوردند خطاها

بیارو بی پس جزا داده می شوند آنانکه بد کردند بدی بارها

يَعْمَلُونَ ۚ إِنَّ الَّذِي فِي صَدْرِكَ الْقُرْآنُ لَرَأْدٌ إِلَىٰ مَوَاقِفِ

می کردند (هر آینه) آن خدائی که در سینه او بر تو قرآن را الهیت بازگرداننده است ترا بسوی جای بازگشت

قُلْ رَبِّيَ أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝۳

بگو پروردگار من! انما قرآن است بآنکه آورد هدایت را و بهر که دلس و گمراهی ظاهر است

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقِيَ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ

وگویی نمی داشتی که فرود آورده شود بسوی تو کتاب لیکن در فرستاده شد بسبب رحمتی از پروردگار تو

فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ ۝ وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ

پس هرگز مشو پشیمان کننده کافران و باز ندارند کافران ترا از تبلیغ آیات خدا

بَعْدَ إِذْ أُمِنْتَ لِشَرِّ آلِئَيْمِكَ وَادْعُ إِلَىٰ سَبِيلِ رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ

بعد از آنکه خود آورده شد بسوی تو و دعوت کن بسوی پروردگار خویش و هرگز مباش از

الْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ قَدْ

مشترکان و بخوان با خدا معبود دیگر را نیست هیچ معبودی غیر او

كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ۚ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝۴

هر چیز هلاک شونده است مگر روی او و او را است فراخدایی و بسوی او باز گردانیده شود

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ

پس بزرگوار باشی تو ای خداوند آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش بزرگوار

الَّذِينَ أَحْسَبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ

آنانکه استند مردمان که بگذاشته شوند بگویند ایمان آوردیم و ایشان

لَا يُقْتَلُونَ ۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ

آنانکه گمراه نشوند و هر آینه امتحان کردیم آنانرا که پیش از ایشان بودند پس البتة می بیند

اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَافِرِينَ ۝۵ أَمْ حَسِبَ

خدا آنانرا که راست گفتند و البتة تمیز کند دروغ گویان را آیا گمان کردند

الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

آنانکه بد عمل می کنند بدی بارها که بجای ما پیش از ما بگردد بد است آنچه حکم می کنند

والبتة آخرت
تفسیر عثمانی
مفسرین و مفسران
در بیان کلمات را
انجام نیک است
یعنی در آخرت چنانکه
در توفیق مسلم گردید اکنون
خلافت ایشان بنماید که
در دنیا هم فتح آخرین
از بین مردم می باشد
بین کما روز از خود
هم تقدیر نیک آمده به
ترک کما محسوس شده
لما آن خدای که ترا بفرستاد
ساخت و کتابی چون
قرآن تو را فرستاد
ترا فایده کارمانی
توفیق الهی و راه پس
بدان جای خواهد
آورد حضرت
شاه صاحبزادی
و نویسنده این
آیت الهی
یعنی بجزرت نازل
شد و به
آنحضرت
صلی الله علیه و سلم
عاده شد که باز بهر
می گویدی بنابر این
آنحضرت صلی الله
علیه و سلم به نظر می
آید و بریت تمام بهر
آمد بعضی مفسرین
به مواد موت را
گرفته اند و بعضی آخرت
و بعضی جنت و بعضی
سرزمین شام را که
آنحضرت صلی الله
علیه و سلم پیش از تولد
این کایت بهر شب
مخواند به آنحضرت
برده بود و مانند عالمی
این تفسیر در این اوقات
تفسیر بسیار عقیق و
بسیار داده یعنی هر
نوعی که گفته اند ۱۲

از سوره در اینجا که سطر است (کافی البخاری) غرض که علقی از قرب اجل و چنانکه ابن عباس و عمر رضی الله عنهما در انشای تفسیر از جاهل فرستاد و

مَعَ انْقَالِبِهِمْ وَلَيَسَّ لَكُنَّ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۝ وَلَقَدْ

همراه بار ای خویش و البت سوال کرده شوند روز قیامت از آنچه از ای کرده و حل
همراه بار ای خود و هر آنچه بر سیده شوند روز قیامت از سخنانی (آنچه) که از ای کردند

اَرْسَلْنَا نُوحًا اِلَىٰ قَوْمِهِ فَاٰتٰهُمْ فِيْهِمْ اَلْفَ سَنَةٍ اَلَا يَخْشَوْنَ عَمَّا

فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس تو گفت کرد در ایشان هزار سال
از ستادیم نوح را بسوی قوم او پس تو گفت کرد در ایشان هزار سال

فَاَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ ۝ فَاَنْجَيْنَاهُ وَاَصْحَابَ السَّفِينَةِ

پس گرفت ایشان طوفان و ایشان ستمکار بودند پس نجات دادیم نوح را و اهل کشتی را و
پس گرفت ایشان طوفان و ایشان بودند ستمکاران پس نجات دادیم نوح را و اهل کشتی را و

جَعَلْنَاهَا اٰيَةً لِّلْعٰلَمِيْنَ ۝ وَاٰتٰهُمْ اِيْمًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَ

سازیم کشتی را نشانه برای عالمها و فرستادیم ابراهیم را و قتیله گفت بگویم خود پرستش کنید الهها و
کردیم کشتی را نشانه برای عالمها و (فرستادیم) ابراهیم را و قتیله گفت بگویم خود پرستش کنید الهها و

اَتَقُوْهُ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۝ اَلَيْسَ تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ

بزرگوارتر از آنست که شما را اگر میدانید جز این نیست که می پرستید
بزرگوارتر از آنست که شما را اگر میدانید جز این نیست که می پرستید

اللّٰهِ اَوْ تَاَنَآءُ تَخْلُفُوْنَ اَفْكَارًا ۝ الَّذِيْنَ تَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ

بخش خدا بجان را و بر می بندید دروغ را هر آنچه آنانکه پرستش می کنند بخیر
بخش خدا بجان را و می سازید دروغ را هر آنچه آنانکه می پرستید بخیر

اللّٰهِ لَا يَبْلُغُوْنَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللّٰهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوْهُ وَ

نداشته ای توانید برای شما روزی دادن پس طلب کنید از نزد یک خدا روزی را و پرستش او کنید و
نداشته ای توانید برای شما روزی دادن پس طلب کنید از نزد خدا روزی را و پرستش او کنید و

اَشْكُرُوْا اِلَيْهِ لِيَرْجِعَ عَنْكُمُ الرِّجْلُ ۝ وَاِنْ تَكْفُرُوْا فَعَلًا كَذِبٌ اَمْرٌ مِنْ

شکر او بجا آرید بسوی او باز گردانیده خواهد شد و اگر دروغ می گویید پس هر آنچه دروغ بخورده بودند امت با
شکر او بجا آرید بسوی او باز گردانیده خواهد شد و اگر تکذیب می کنید پس از پرستش تکذیب کرده بودند امت با

قَبْلِكُمْ وَاَعْلٰى الرَّسُوْلِ اِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِيْنُ ۝ اَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ

پیش از شما نیست بر پیغامبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا آیا ندیدند چگونه نوحی کند
پیش از شما نیست بر پیغامبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا آیا ندیدند چگونه نوحی کند

اللّٰهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهُ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ ۝ قُلْ سِيرُوْا فِى

خدا آفرینش را باز دیگر بار کند آفرینش هر آنچه این کار بر خدا آسان است بگو سیر کنید در
الله آفرینش را باز عاده می کند آنرا (هر آنچه) این کار بر خدا آسان است بگو سیر کنید در

الْاَرْضِ فَانظُرُوْا كَيْفَ بَدَا الْخَلْقَ ثُمَّ اَللّٰهُ يَلْهِيْ الشَّعَاةَ الْاٰخِرَةَ ۝

زمین پس در بگردید چگونه نکرده آفرینش را باز خدا پدید آید آن پدید آید باز پسین
زمین پس ببینید چگونه نکرده آفرینش را باز الله می کند آن پدید آید آن پدید آید باز پسین را

اِنَّ اللّٰهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝ يَعَذُّبُ مَنْ يَّشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَّشَاءُ ۝

بهر آنچه خدا می خواهد چیز تواناست عذاب کند هر که را خواهد درم کند بر هر که خواهد
بهر آنچه خدا می خواهد چیز تواناست عذاب کند هر که را خواهد درم کند بر هر که خواهد

وَاللّٰهُ يَتَقَبَّلُ ۝ وَمَا اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ فِى الْاَرْضِ وَلَا فِى السَّمَاءِ ۝

و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان
و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان

وَاللّٰهُ يَتَقَبَّلُ ۝ وَمَا اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ فِى الْاَرْضِ وَلَا فِى السَّمَاءِ ۝

و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان
و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان

وَاللّٰهُ يَتَقَبَّلُ ۝ وَمَا اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ فِى الْاَرْضِ وَلَا فِى السَّمَاءِ ۝

و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان
و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان

وَاللّٰهُ يَتَقَبَّلُ ۝ وَمَا اَنْتُمْ بِمُعْجِزِيْنَ فِى الْاَرْضِ وَلَا فِى السَّمَاءِ ۝

و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان
و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان

و البت سوال کرده شوند روز قیامت از سخنانی (آنچه) که از ای کردند
فرستادیم نوح را بسوی قوم او پس تو گفت کرد در ایشان هزار سال
از ستادیم نوح را بسوی قوم او پس تو گفت کرد در ایشان هزار سال
پس گرفت ایشان طوفان و ایشان ستمکار بودند پس نجات دادیم نوح را و اهل کشتی را و
پس گرفت ایشان طوفان و ایشان بودند ستمکاران پس نجات دادیم نوح را و اهل کشتی را و
سازیم کشتی را نشانه برای عالمها و فرستادیم ابراهیم را و قتیله گفت بگویم خود پرستش کنید الهها و
کردیم کشتی را نشانه برای عالمها و (فرستادیم) ابراهیم را و قتیله گفت بگویم خود پرستش کنید الهها و
بزرگوارتر از آنست که شما را اگر میدانید جز این نیست که می پرستید
بزرگوارتر از آنست که شما را اگر میدانید جز این نیست که می پرستید
بخش خدا بجان را و بر می بندید دروغ را هر آنچه آنانکه پرستش می کنند بخیر
بخش خدا بجان را و می سازید دروغ را هر آنچه آنانکه می پرستید بخیر
نداشته ای توانید برای شما روزی دادن پس طلب کنید از نزد یک خدا روزی را و پرستش او کنید و
نداشته ای توانید برای شما روزی دادن پس طلب کنید از نزد خدا روزی را و پرستش او کنید و
شکر او بجا آرید بسوی او باز گردانیده خواهد شد و اگر دروغ می گویید پس هر آنچه دروغ بخورده بودند امت با
شکر او بجا آرید بسوی او باز گردانیده خواهد شد و اگر تکذیب می کنید پس از پرستش تکذیب کرده بودند امت با
پیش از شما نیست بر پیغامبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا آیا ندیدند چگونه نوحی کند
پیش از شما نیست بر پیغامبر مگر پیغام رسانیدن آشکارا آیا ندیدند چگونه نوحی کند
خدا آفرینش را باز دیگر بار کند آفرینش هر آنچه این کار بر خدا آسان است بگو سیر کنید در
الله آفرینش را باز عاده می کند آنرا (هر آنچه) این کار بر خدا آسان است بگو سیر کنید در
زمین پس در بگردید چگونه نکرده آفرینش را باز خدا پدید آید آن پدید آید باز پسین
زمین پس ببینید چگونه نکرده آفرینش را باز الله می کند آن پدید آید آن پدید آید باز پسین را
بهر آنچه خدا می خواهد چیز تواناست عذاب کند هر که را خواهد درم کند بر هر که خواهد
بهر آنچه خدا می خواهد چیز تواناست عذاب کند هر که را خواهد درم کند بر هر که خواهد
و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان
و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان
و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان
و بسوی او باز گردانیده خواهد شد و نیستید شما عاجز کننده در زمین و نه در آسمان

وَمَالِكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِن وَّلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝۹ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

و نیست شمارا بخیر خدا بیخ دوست و نه یاری دهنده
و نیست هیچ کس شمارا بخیر خدا جای (دوست) نه مددگار

بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَٰئِكَ يَكْسِبُوا مِنْ رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ

آیات خدا و ملاقات او آن جماعت نا امید شدند از رحمت من و آن جماعت ایشان راست
آیات خدا و ملاقات او آن جماعت نا امید شدند از رحمت من و آن جماعت راست

عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝۱۰ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ

عذاب درد دهنده پس نبود جواب قوم ابراهیم مگر آنکه گفتند بکشید او را یا بسوزانید او را
عذاب دردناک پس نبود جواب قوم ابراهیم مگر آنکه گفتند بکشید او را یا بسوزانید او را

فَاجْتَمَعَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝۱۱

پس برآید خدا او را از آتش هر آینه درین ماجرا نشانه است بر آنکه گروهی که باور میدارند و
پس نکات داد او را خدا از آتش (هر آینه) درین نشانه ای بزرگ است برای قومی که ایمان می کنند و

قَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي الْحَيَاةِ

گفت ابراهیم جز این نیست که بت گرفته اید بخیر خدا بجهت دوستی در میان خویش در زندگانی
گفت ابراهیم جز این نیست که مقرر گردید (در گرفته) بخیر خدا جان را (بخدا) بجهت دوستی بین خودتان در زندگانی

الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ ۖ لَّيْلَنَ بَعْضُكُم

دنیا باز در روز قیامت نا معتقد شود بعض شما بعض و لغت کند بعض شما
و دنیا باز در روز قیامت منکر شوند بعضی شما بعضی را و لغت کند بعضی شما

بَعْضًا زُومًا وَاوَكُمُ النَّارُ وَمَالِكُمْ مِّن مَّرْصَرٍ ۝۱۲ فَأَمِّنَ لَهُ لُوطٌ

بعض را دزدی شده و زنج است و نیست شمارا هیچ یاری دهنده پس باور داشت ابراهیم را لوط
بعضی را دزدی گاه (جای بازگشت) شما آتش است و نیست شمارا هیچ مددگاری پس قبول کرد او را لوط

وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝۱۳ وَوَهَبْنَا

و گفت ابراهیم هر آینه من هجرت کننده ام بسوی پروردگار خویش هر آینه دهنده غالب است و عطا گردید
و گفت (ابراهیم) هر آینه من هجرت کننده ام بسوی پروردگار خود هر آینه دهنده غالب است و دادیم

لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ

او را اسحق و یعقوب و مقرر داشتیم در اولاد دهنده پیغمبری در کتاب را و دادیم او را
او را اسحق و یعقوب و گردانیدیم در اولاد او (ابراهیم) پیغمبری و کتاب را و دادیم او را

أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَرَأَيْنَاهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ ۝۱۴ وَلُوطًا

مزد او در دنیا و هر آینه دهنده در آخرت از صالحان است و فرستادیم لوط را
تواب او را در دنیا و (هر آینه) او در آخرت البته از نیکوکاران است و فرستادیم او را

إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَأَتَّخُونَ الْفَاحِشَةَ ذِمَّةً مَّا سَبَقُكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ

و گفت گفت لایق خود هر آینه شما این می آرید کار بی حیای را که پیش رسی نموده است بر شما بسوی آن بیکس
و گفت گفت قوم خود را (هر آینه) شما این می آرید کار بی حیای را که پیش رسی نموده بر شما به آن هیچ کس

مِّنَ الْعَالَمِينَ ۝۱۵ أَيْتَكُمْ لَأَتَّخُونَ الرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ السَّبِيلَ ۝۱۶

از عالمها آیا می ستانید بر مردان و قطع طریق می کنید
از عالمیان آیا می ستانید بر مردان و میزید

وَتَأْتُونَ فِي نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا

و این می آرید در مجلس خود کار نا پسندیده پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند
و این می آرید در مجلس خود کار نا پسندیده را پس نبود جواب قوم او مگر آنکه گفتند

عنه بخیر خود من
بت برستی را چنانکه
نمی دانم چه بت
پرستان هم بدل خود
میدانند که این حرکتی
است شهادت بر حق
معنی نگر برای استوار
داشتن شیرازه قوی
نه بی ساخته و تحقیر
کرده اند که بنام آن نما
ایشان بخود مشفق
و باید کرد و درست
و هم کار باشند چنانکه
و این را نام طرز عمل
اقوام عیسوی بود و ب
را چنین مشاهده می
کنیم و این مطلب
است که بت پرستی
باین سبب شیوع
نیافته که آن کلام کار
موقوف است بلکه
سبب شده آن
تقلید کور کورانه
و تعصب قومی
و لحاظ و ملاحظات
باین می باشد
و این دعا باشد
که غشای بت پرستی
بهین محبت دهنده
یا نیک دهنده است
یعنی چندان از افراد
مشهور قوم که مردم
آنها را دوست
و استند چون از
بان و فخر مردم به
تذکار و نور محبت
خویش نسبت این
محمد و عباد و یاران
را خند و بطور یادگار
نگه داشته پس به
تعلیم احترام آن سر
و تصور بر دافعی
و باقر آن تعلیم برتری
نموده عبادت کرده
مفسرین این امر
احتمالات را که از
آیت استنباط می شود بیان کرده اند و ممکن است که از
موده بینکم آن محبت بت پرستان مراد باشد که با بنان خود در خانه چنانکه در جانی دیگر انداد میجویم کتب الله فرموده

اِنتَابِعْ اَبِی اللّٰهِ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِیْنَ ۝ قَالَ رَبِّ

یادش را عذاب خدا را اگر هستی از راست گویان گفت ای پروردگار من

اَضْرِنِیْ عَلٰی الْقَوْمِ الْفٰسِدِیْنَ ۝ وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا

عزت ده مرا بر قوم مفسدان و وقتی آوردند فرستادگان ما

اِلَیْهِمْ بِالْبَشْرِیْ ۝ قَالُوْۤا اَرَاۤیْسَ مَهْلِكُوْۤا اَهْلَ هٰذِهِ

پیش ایشان بفرموده را گفتند هر آینه ما مالک کننده اهل این

الْقَرْیَةِ ۚ اِنْ اَهْلُهَا كَاۤوُۤا ظٰلِمِیْنَ ۝ قَالَ اِنْ فِیْهَا لَوْطًا

درهم هر آینه اهل این دیر ستمکار بودند گفت ابراهیم هر آینه در اینجا لوط است

قَالُوْۤا اَمْ نَحْنُ اَعْلَمُ بِمَنْ فِیْهَا لَنْ نَّجِیْبَ ۚ وَ اَهْلُهَا اِلَّا اَمْرًا تَذٰكُرُ

گفتند ما داناییم بهتر که آنجاست لوط غلام کنی او را و اهل او را الا زن و

كَانَتْ مِنَ الْغٰیِبِیْنَ ۝ وَلَمَّا اَنَّ جَاءَتْ رُسُلُنَا لَیْسَ بِیْهِمْ

باشد از بانی ماندگان و وقتی آمدند فرستادگان ما پیش لوط اندکین کرده شد بسبب ایشان

وَضَاقَ بِهِمْ ذُرْعًا وَّ قَالُوْۤا لَا تَخَفْ ۚ اِنَّا مَجْجُوۤنٌ

و شدل شد بسبب ایشان و گفتند آن فرستادگان مترس و اندوه بخور هر آینه شما را دهنده تو

و اَهْلُکَ اِلَّا اَمْرًا تَذٰکُرُ ۚ مِنَ الْغٰیِبِیْنَ ۝ اِنَّا مُنْزِلُوۡنَ

و اهل ترا سگر زن ترا که هست از بانی ماندگان و عذاب هر آینه ما فرود آورنده ایم

عَلٰی اَهْلِ هٰذِهِ الْقَرْیَةِ رَجْنَاۤ اَمِّنَ السَّمَآءِ بِمَا كَاۤوُۤا

بر اهل این دیر عقوبت را از آسمان بسبب آنکه

یَفْسُقُوۡنَ ۝ وَلَقَدْ تَرَكْنٰ مِنْهَا اٰیَةً بَیِّنَةً لِّقَوْمٍ یَّعْقِلُوۡنَ ۝

یادگیری کردند و هر آینه گذاشتیم از آن دیر نشانه واضحی که دردی یابند

وَالِیْ مَدِیْنٍ اَخَاهُمْ شُعَبِیًّا فَقَالَ یَقَوْمِ اعْبُدُوْا اللّٰهَ وَارْجُوْا

درستادم یسوی مدین برادر ایشان شعبی را پس گفت ای قوم من بپرستید خدا را و امید دارید

اَلْیَوْمَ الْاٰخِرَ ۚ وَلَا تَعْتَوْۤا فِی الْاَرْضِ مُفْسِدِیْنَ ۝ فَكَذَّبُوۡهُ

روز باز چنین را دهر مو مگرید در زمین فسادکنان پس بدوئی فرستاد او را

فَاَخْلَلَ ثَمَرُ الرَّجْفَةِ ۚ فَاصْبَحُوۡا فِیْ دَارِهِمْ جَثَمِیۡنَ ۝ وَ عَادَا

پس در گرفت ایشان را زلزله پس بامداد کردند در خانه های خود پرده افتاده و مالک گردید عباد

عنه ما شرعاً
بود علیه السلام
بفرستد ایشان را
پس شد لکن قریه را
بناک و تباہ کند
خفت فرشتگان
آمدند و روزگار
اشرف و پیری باو
واده گفتند که ملائمت
تا آن قریه رسد
راحو و نالودیم زیرا
که اهل آن بیخود
از حرکات خشنود
باز نمی آید
این واقعات در
اعوان بود و حجر
و غیره گذشت است
و تنبیه فرموده داد
پس حضرت ابراهیم
علیه السلام همراه
مالک قوم لوط
اشد باین باشد
که اگر کردگار توانا
زمینی را از قوی خلق
می کند از طرف دیگر
بینایک قوم غفلت
یعنی بی اسرار
نهادنی است چنانکه
عالم نیشا پوری از تفسیر
خویش بدین اشاره
نموده است
آیا ما بود و چون لوط
باز می توبه و توبه می
کند و اهل او را از
آنجای بر آورده و بنای
می انگیزد غاب
حضرت ابراهیم از
راه شفقت خیال
کرد که چون این غلب
رو بروی لوط می رود
نازل گردد و ممکن است
از دیدن منظر هر تنگ
عذاب و دشت و
اضطراب با و لاش
گردد و برادر کلام

در میان آنجا بود و بنای آن ممکن است این مگر بخاطرش خطور کرده باشد که حال وجود لوط علیه السلام نیز کار عذاب را اجرا خواهند کرد و الله اعلم

و مل مترجم گوید حاصل
 شراکت که ایشان
 بنیان پناه برده اند و
 تیان هیچ نفع ندیده
 چنانکه غارت عیسای مسیح
 فائده نمید ۱۲۴
 تفسیر عثمانی
 عا و متعلق داشت
 شونده تعجب کند که
 بهر موجودان باطل را
 بیک رشته مضطرب
 فرمود و کسی را استغفار
 نکو یعنی بعضی مردم بنیان
 رای پرستند بعضی
 آتش و آب را بعضی
 ادویه و ادویه فرشته
 را پرستش می کنند
 بنابر این تقدیر قائل فرمود
 که خداوند بهر آگاهی
 وارد اگر کسی را از آنها
 قدرت و اختیار مستقل
 میداشت خدا کافران
 نفی مطلق بی فرموده
 عا مشرکین که
 می گفتند که خدای توانی
 مثال ما نه عیسای مسیح
 و نه من و دیگران را
 حقیر از منافی عظمت
 اوست بیان میکند
 در جواب آن فرمود که
 این مثال باطل است
 مقتضای حال
 و بطریق مردود و
 بر مثل به پوره
 منطبق میشود
 مگر تنها خردمندانی
 مطلب آن را بدین
 می فهمند و اشخاص
 جاهل و نادان را در
 فهم آن حصه نباشد
 بنابر مثال را بهر مشیت
 در تفسیر مثال و نه ۱۲۵
 تفسیر واد بلکه
 حیثیت عقل است
 را بگوید اگر آن چیز
 حق و مکرر باشد
 عقل و تفسیر چیزی را می شود ضعیف واده می شود عظمت و شان مثال و پند را باقی و بطریق نیست ۱۲۶

وَشَهُودًا وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَّسْكِنِهِمْ وَفَعْلَ وَزَيْنَ لَهُمْ
 و شهود را و بر آینه واضح شده است شمارا بعضی مسکن ایشان و آراسته ساخته بود برای ایشان
 و شهود را و بر آینه ظاهر شده برای شما از مسکن ایشان و تزیین داده بود برای ایشان
 الشَّيْطَانُ أَغْمَا لَهُمْ قَصْدَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا
 شیطان کردار ما را ایشان را پس باز داشت ایشان را از راه و ایشان
 شیطان کردار ما را ایشان را پس باز داشت ایشان را از راه و ایشان
 مُسْتَبْصِرِينَ ۵ وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ قَدْ وَقَدْ
 بینا بودند و ملک کریم قارون و فرعون و هامان را و هیرانه
 دانایان بینا بودند و ملک سلیم قارون و فرعون و هامان را و هیرانه
 جَاءَهُمْ مُوسَى بِالْبَيِّنَاتِ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا
 آمده بود ایشان موسی با نشانهای پس بکبر کردند در زمین و نبودند
 رسیده (آمده بود) ایشان موسی با نشانهای پس بکبر کردند در زمین و نبودند
 سَابِقِينَ ۶ فَكَلَّا أَخَذْنَا بِنُفُسِهِمْ فَمِنْهُمْ مَنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا
 سبقت کنندگان از ما پس هر یک را گرفتار ساختیم بگوئیم که ایشان پس از ایشان کسی بود که فرستادیم بر وی باد سنگ بار
 سبقت کنندگان از ما پس هر یک را گرفتار ساختیم بگوئیم که ایشان پس از ایشان کسی بود که فرستادیم بر وی باد سنگ بار
 وَمِنْهُمْ مَنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ
 و از ایشان کسی بود که گرفت او را آواز صیحه و از ایشان کسی بود که فرو بردیم و غرق زمین
 و از ایشان کسی بود که گرفت او را آواز صیحه و از ایشان کسی بود که فرو بردیم و غرق زمین
 وَمِنْهُمْ مَنْ أَعْرَفْنَاهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا
 و از ایشان کسی بود که عرق ساختیم و هرگز ممکن نبود که خدا ظلم کند برای ایشان و لیکن ایشان
 و از ایشان کسی بود که عرق ساختیم و هرگز ممکن نبود که خدا ظلم کند برای ایشان و لیکن ایشان
 أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۱۰ مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ
 بر خود ایشان استم می کردند و استراحت آنانکه دوستان گرفته اند بجز خدا
 بر خود ایشان استم می کردند و مثال آنانکه گرفته اند بجز خدا دوستان
 كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بَيْتًا وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ
 همچو داستان عنکبوت است که فرا گرفت خانه و هر آینه سست ترین خانهها
 مانند مثال عنکبوت است که ساخت خانه و هر آینه سست ترین خانهها
 لَبِيتُ الْعَنْكَبُوتِ مَلُوكًا تَوَاعِيَعُونَ ۱۱ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا
 خانه عنکبوت است اگر میدانستند و هر آینه خدا میداند حال چیزها
 خانه عنکبوت است اگر آنها بدانند (هر آینه خدا میداند حال چیزها)
 يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ أَوْ هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۱۲ وَتِلْكَ
 می پرستند بخود و می پرستند از هر چه باشد و اوست غالب با عظمت و این
 می پرستند بخود از هر چه باشد و اوست غالب با عظمت و این
 الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ۱۳ خَلَقَ اللَّهُ
 داستانها بیان می کنیم آن را برای مردم و نمی فهمند آن را مگر دانایان آفرید خدا
 مثال را بیان می کنیم آنرا برای مردم و نمی فهمند آن (مثال را) را مگر دانایان عا آفرید خدا
 السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّمُؤْمِنِينَ ۱۴
 آسمانها و زمین را بحدیث در صحت هر آینه درین کار نشانده است برای مسلمانان
 آسمانها و زمین را بحدیث در صحت (هر آینه درین کار نشانده است برای مؤمنان)

اِنَّ مَا اَوْحٰى إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ

کتابان یا محمد آنچه وحی فرستاده شد بسوی تو از کتاب و کجایان رای محمد آنچه وحی کرده شد بسوی تو از کتاب و

اقِمِ الصَّلَاةَ اِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهٰی عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ

بزرگوار است زرا هر آنچه نماز منع میکند از کارهای فحاشی و منکر و ناپسندیده و هر آنچه یاد کردن خدا را یادآور نماز را هر آنچه نماز منع میکند از کارهای فحاشی و منکر ناپسندیده و هر آنچه یاد کردن خدا

اَلْبَدَنِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ ۝ وَلَا تَجِدُوا اَهْلَ الْكِتَابِ اِلَّا بَاغِيَاتٍ

بر بدن است از بیم خدا میداند آنچه می کنید و مجاهده کنید با اهل کتاب الا بخواهی که در پی بزرگ ترست و خدای داند آنچه می کنید و مجاهده کنید با اهل کتاب مگر بصورتی که

هُيْ اَحْسَنُ اِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا اَمَّا بِالَّذِي اُنْزِلَ

است نیک ترست مگر با آنانی که ستم کردند از ایشان و بگویند ایمان آوردم با آنچه فرود آورده شد بر من و آنچه باشد مگر آنکه ستم کردند از ایشان و بگویند قبول کردیم آنچه فرود آورده شده

اَلَيْكُمُ وَاللَّهُ اَعْلَمُ بِالْغُيُوبِ ۝ وَلَا تَجِدُوا اَهْلَ الْكِتَابِ اِلَّا بَاغِيَاتٍ

بسیاری با آنچه فرود آورده شد بسوی شما و معبود شما یکی است و ما را کفر و ایمان برادر است و آنچه فرود آورده شده برای شما و معبود شما یکی است و ما کلمه او میرویم و ما را کفر و ایمان برادر است

كَذٰلِكَ اُنْزِلَ اِلَيْكَ الْكِتَابُ فَالَّذِينَ اَتَيْنَهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ

چنانکه کتاب بای ساحتی فرود آورده بودیم پس چنان فرود آوریم بسوی تو کتاب پس آنانی که دادیم ایشان را کتاب ایمان می آورند و از بعضی فرود فرستادیم بسوی تو کتاب پس آنانی که دادیم ایشان را کتاب تسلیم میکنند از ایمان می آورند به آن و از مردمان

هُنَالِكَ مِنْ يَّوْمٍ بَعْضُهُمْ اِلَىٰ كُفْرٍ ۝ وَلَا تَجِدُوا اَهْلَ الْكِتَابِ اِلَّا بَاغِيَاتٍ

کتاب است که برای ایمان می آورده اند و انکار می کنند آیات ما را مگر کافران و بعضی بعضی هستند که تسلیم می کنند از ایمان می آورده اند و انکار می کنند آیات ما را مگر کافران و بعضی

لَتَجِدُوا اَهْلَ الْكِتَابِ اِلَّا بَاغِيَاتٍ ۝ وَلَا تَجِدُوا اَهْلَ الْكِتَابِ اِلَّا بَاغِيَاتٍ

چنانکه پیش از نزول قرآن هیچ کتاب را و وحی نداشتی هیچ کتاب را بدست راست خود آنگاه در شک می افتادند بایکیشان چنانکه پیش از نزول قرآن هیچ کتاب را و وحی نداشتی آنگاه بدست راست خود آنگاه در شک می افتادند باین گروه و غلو یان

بَلْ هُوَ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِيْ صُدُوْرِ الَّذِينَ اُوْتُوا الْعِلْمَ ۝ وَلَا تَجِدُوا اَهْلَ الْكِتَابِ اِلَّا بَاغِيَاتٍ

از قرآن آیات روشن است محفوظ در سینهاست آنانی که داده شد ایشانرا علم و انکار می کنند آیات ما را مگر باین قرآن آیت بانه روشن است در سینه بای آنانی که داده شده بایشان فهم و علم و منکر نمی شوند (انکار نمی کنند) آیات را

اَلْظَالِمُونَ ۝ وَقَالُوا لَوْلَا اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰیٰتٌ مِّنْ رَّبِّهِ قُلْ اِنَّمَا الْاٰیٰتُ

ستگاران فل و گفتند چرا فرستاده نشد بر او آیات از جانب پروردگار پس بگو چرا این نیست که ایشان بگویند (ستگاران) و میگویند گفتند چرا فرستاده نشد بر او آیات از جانب پروردگار پس بگو چرا این نیست که ایشان

عِنْدَ اللَّهِ وَاِنَّمَا اَنَّا نَذِيرُ الْمُنٰیقِ ۝ اَوَلَمْ يَكْفِهِمْ اَنَّا اُنْزَلْنَا عَلٰیكَ الْكِتَابَ

فرود آمد بر تو و این نیست که من ترساننده آیه کارم آیا کفایت نکرد ایشانرا آنکه ما فرستادیم بر تو کتاب را و این نیست که من ترساننده آیه کارم آیا کفایت نکرد ایشانرا آنکه ما فرستادیم بر تو کتاب را

لَتَعْلَمُوْهُمْ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرًا لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ۝

و بدانند میفهمند بر ایشان هر آنچه درین مبدء رحمت و تذکره است بر آنانی که تسلیم میکنند (ایمان می آورند)

قُلْ كَفٰی بِاللّٰهِ يَسِّنٰی وَيُسِّرُكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۝

بگو کفایت خدا گواه میان من و میان شما میداند آنچه در آسمانها و زمین است بگو کفایت خدا میان من و میان شما گواه میداند آنچه در آسمانها و زمین است

بسم الله الرحمن الرحيم

فتح الرحمن

فل منزه کبریا
مفسران گفتند که مراد
از الذین اوتوا العلم تنها
آنچه نیست باینست که علی
الذین علیهم السلام و علم
تفسیر عثمانی
علیه چهل سال عمر
آنحضرت و صلی الله
علیه وسلم پیش از
نزول قرآن مجید بین
همین اهل کفر و کشت
برسد اندک در هر یک
آنحضرت صلی الله علیه
وسلم پیش از آمدن
نشدند و کتاب به
خوانده گاهی علم در
دست خود گرفت و اگر
چنین بود برای این
باطل برستان گفتار ایشان
شدیدی بود که شاید کتب
گذاشته را بخواند و درین
چیز با اهل انقباض
کرده و در تفسیر عبارات
خود آورده و اکنون
وقت نماید اگر چه در
صورت هم آن اظهار
آنها غلط بود زیرا
بیچ انسان خوانده
و نویسنده بلکه تمام آنرا
خواننده و نویسنده
و نیا هم اگر بخواهد هم
دست شونده وقت
تمام مخلوقات را
با خود شامل کنند
چنین کتابی به نظر
مردم کرده فیه و
باز هم برای رد فکریان
موقع بدست می آمد
و سخنانی جعل کنند
ما جان بای خود و این

ما جان بای خود و این

فان توفیر فیما بین الیومین
 جبره و غیره باین آیات
 کف عثمائی
 عه خاطر جمع باشد هر
 چیز در وقت مقرر خودی
 آید و عذابی را که خواهد
 خداوند و اولاد حضرت
 شاه صاحب الزمان علیهم
 السلام را باین است خاص
 بود که به دست مسلمانان
 قتل و اسیر شوند چنانچه
 در کتب کانی که به جبره
 و کفر غرض از این است
 بر سر آنها رسیده است
 خداوندی خواهد گفت دریا
 پس عذاب سخن خوان
 زده مانند مال کسب
 زکوة نمیدهد در
 حدیث آمده است که
 مال پیر زکوة بشکل
 بار جان کردن میشود
 و بر سر او میهد و
 خواهد گفت که من مال
 تو و خزانه توام و
 حضرت شاه صاحب
 رحمه الله علیه میفرماید
 بنی که بیک علم و ستم
 گفته در ملک از ملک گشت
 پس مسلمانان هم بجهت
 داده شد چنانچه در
 حدیث است و در غایب
 بسوی همیشه رفتند
 بعرض این چیز است
 است که این چند روز
 زندگی را در هر جا که
 ممکن باشد بگذرانند
 بعد از آن چه پیش آید
 بجا و سخنانی آید و
 و سبیل بر مهابرتین
 داده شد و قاتلین من
 و مقتولان
 آنحضرت صلی الله علیه
 وسلم بعد از شایان
 و سنگین گفتند و جمعی
 حاضران نمودند که
 وطن خویش اندک
 و القاد و در بر

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝۱
 و آنانی که ایمان آوردند بباطل و کافر شدند بخدا آن چنانچه ایشان اند زیانکاران
 و آنانی که ایمان آورده اند بباطل و کافر شدند بخدا آن چنانچه ایشان اند زیانکاران
 وَیَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ الْعَذَابُ ۝۲
 و ایشان بای تو عجلند از عذاب را اگر نبود دس مهلک و مسمی ای آمدن عذاب و
 و ایشان بای تو عجلند از عذاب را اگر نبود دس مهلک و مسمی ای آمدن عذاب و
 لَیَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝۳ یَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ ط ۝۴
 هر آینه بیاید بایشان ناگهانی و ایشان ندانند سحاب طبعی کنند از تو عذاب را و هر آینه
 هر آینه بیاید بایشان (عذاب ناگهانی و ایشان ندانند) عذاب طبعی کنند از تو عذاب را و هر آینه
 جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ۝۵ یَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ
 دوزخ در گردیده است کافران را روزی که پوشاند ایشان را عذاب از بالای ایشان و از
 دوزخ احاطی کند مگر آن را کافران را روزی که فرا گیرد ایشان را عذاب از بالای ایشان و از
 تَحْتَ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذوقوا ما كنتم تعملون ۝۶ یَعْبَادِیَ الَّذِينَ آمَنُوا
 زیر پای ایشان و بگوید خدا بچشید جزای آنچه می کردید و ای عباد من که ایمان
 زده باینهای ایشان و بگوید خدای بچشید جزای آنچه می کردید و ای عباد من که ایمان
 اِنْ أَرْضِي وَأَسْعَدَ قَائِمًا یَا عِبَادُونَ ۝۷ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ
 هر آینه زمین من بشاد است پس مرا بخواه عبادت کنید هر نفسی چشیده مرگ است باز
 (هر آینه) زمین من بشاد است پس مرا بخواه عبادت کنید هر نفسی چشیده مرگ است باز
 الْبَنَاتُ رُجْعُونَ ۝۸ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ
 بسوی ما باز گردانیده شوید و آنانی که ایمان آوردند و کارهای نیک کردند از بسوی ایشان ما از
 بسوی ما گردانیده شوید و آنانی که ایمان آورده اند و کارهای نیک کردند از بسوی ایشان ما از
 الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ۝۹
 بهشتی که گنجینه های بلند میرود زیر آن چون نهانی جاویدان آنجا نیک است مزد این عمل کنندگان
 جنت منزلهای بلند میرود زیر آن چو جاویدان در آن نیک است ثواب عمل کنندگان
 الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۝۱۰ وَكَانَ مِنْ دَآئِرَةِ الْأَخْمَلِ
 آنانی که صبر کردند و بر پروردگار تو تکیه می کنند و بسا جاوید که بر می گردد
 آنانی که صبر کردند و بر پروردگار خود توکل می کنند و بسا جاویدان که بر می گرداند
 رَبِّ قَهَّارٌ ۝۱۱ قَهَّارٌ ۝۱۲ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝۱۳ وَلَیِّنَ سَآلَتُهُمْ
 روزی خود را خدا روزی میدهد و او را شمارانیز وادست شنوا دانایا و اگر سوال کنی ایشان را که
 روزی خود را خدا روزی میدهد و او را شمارانیز وادست شنوا دانایا و اگر سوال کنی ایشان را که
 مِّنْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاَن سَخَّرَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ لَیَقُولَنَّ اللَّهُ فَاَنی
 گشت آنکه آفرید آسمانها و زمین و رام گردانید آفتاب و ماه را البتة گویند آن خداست پس از چه جهت و این
 گشت آنکه آفرید آسمانها و زمین و رام گردانید آفتاب و ماه را البتة گویند آن خداست پس از چه جهت و این
 یَوْفُونَ ۝۱۴ اللَّهُ یَبْسُطُ الرِّیْقَ لِمَنْ یَّشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَیَقْدِرُ لَهُ
 گردانیده میشوند از راه تو خدا فراخ کند روزی برای هر که خواهد از بندگان خویش و تنگ میزد برای هر که خواهد
 باز گردانیده میشوند خدا فراخ روزی را برای هر که خواهد از بندگان خود و تنگ میزد برای هر که خواهد
 اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ ۝۱۵ وَلَیِّنَ سَآلَتُهُمْ مِّنْ نَّزْلِ مِنَ السَّمٰوٰتِ مَآءٍ فَآخِرُهُ
 هر آینه خدا بهر چیز داناست و اگر بپرسی ایشان را بگفت آنکه فرود آید از آسمان آب را پس از آنکه مایه ساخت
 هر آینه خدا بهر چیز داناست و اگر بپرسی ایشان را بگفت آنکه فرود آید از آسمان آب را پس از آنکه مایه ساخت

الرَّحِيمِ ۵ وَعَدَ اللَّهُ لَا يَخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۶

مهربان وعده کرده است خدا خدایت نمیکند خدا وعده خود را ولیکن بیشترین مردمان نمیدانند

يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا لِّأَقْمِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۷ وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَفْلُونَ ۸

میدانند ظاهراً از تدبیر زندگانی دنیا و آن مردمان از آخرت بیخبرند

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا

آیا نامل نکردند در خوی خود که نیاید پدید است خدا آسمان را و زمین را و آنچه

بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى ۹ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ

در میان آن هر دو است مگر به تدبیر درست و دو وعده مقرر در آئینه بسیاری مردمان از ملاقات پروردگار خویش

لَا يَتَذَكَّرُونَ ۱۰ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

نامعتقدند آیا سیر نکردند در زمین پس بینند چگونه شد عاقبت

الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَارُوا الْأَرْضَ وَجَعَلُوا

آنانکه پیش از ایشان بودند بودند قویتر از ایشان و شعله را بر زمین زدند و آباد کردند آن را

أَكْثَرُ مِمَّا عَمِلُوا وَجَعَلُوا لَهَا رِجَالًا يَّسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَاكَانَ ۱۱

بیشتر از آباد کردن ایشان آن زمین را آمدند بدیشان پیغامبران ایشان بخبرها پس ممکن نبود که خدا

لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۱۲ ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ

که ستم کردند بر ایشان و لیکن ایشان بر خویشان ستمی کردند باز حال بد عاقبت آن کسان شد که

إِسَاءُوا الشَّوْاى أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ ۱۳

بدی کردند بسبب آنکه دروغ داشتند آیات خدا را و بان استهزا می کردند

اللَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۱۴

خدا اول پدید می آید آفرینش باز و باره کند خلق باز پس او گردانیده شود و روزی که تمام شود

السَّاعَةِ يَبْلَسُ الْبَجَرْمُونَ ۱۵ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ مِنْ شَرِكائِهِمْ شَفْعَاءُ

قیامت لازم شده خاموش باشند گمراهان و نجات دهنده ایشان از شر بیگان ایشان شفاعت کنند

وَكَانُوا لَشُرِكائِهِمْ كَافِرِينَ ۱۶ وَلَيَوْمَ يَقُومُ السَّاعَةِ يَوْمَ يَتَفَرَّقُونَ ۱۷

و باشند شر بیگان خویش نامعتقد و روزی که تمام شود قیامت آن روز برانگیزد شوند مردمان

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ ۱۸

اما آنکه ایمان آوردند و کردند اعمال صالحه پس ایشان در بهشت خوش حال گردیده شوند

در همین دوران علاوه بر اینها جنگ دعوی نبوت رسول کریم صلی الله علیه و آله و سلم و تحریک اسلامی برای اهل کربلا سبب پیچیده و مضحکی گردید مشرکین که بواسطه آتش پرست فاسق را غیبا نمود نزد یکدیگر میدانشند و تعاریفی از دینی که اهل کتاب بودند برادران مسلمانان و با اهل ادیان و متان قریب آنها قرار داد می نمودند چون از غلبه فارس خبر میرسد مشرکین که خوش می شدند از آفرینش مقابل مسلمانان یک فال غلبه خودی می گرفتند و توقعات خوبی برای آینده خودی نمودند مسلمانان نیز طعنا آزرده می شدند که اگر عیسویان اهل کتاب از طرف جوس آتش پرست منسوب شوند مباد از آنها برفت شایسته مشرکین و اقرار کردند بالاخره از دست برد ۳۸۱۳ (هجری) یک از ولادت نبوی مصاب قری تقریباً چهل و پنج ساله از ولادت نبوی و بعد خرو بردیز و کفر و تالی امسک فارس بر دولت روم شکست مهملک و غلبه کنی داد آورد چنانچه تمام روم و آسیا صغیر و قزو را در دست از دست ولایت عسک و برای اهل قریه عسک را چنان زبردست آمد که آمواد مجبور آید به شهادت و در سلسله روی با هم خطر افتاد استغفار به بزرگ یا قس و یا میر خندان و همچنین ابرای مقدس ترین صلیب نهادی را از بیت الله

صلی الله علیه و آله

که هر دو هفته ازین

اوقات واصل تنزیه

و از روز اول العاقبت

او بخانه سجده می گردد

پس با عورت و بچه

والله اعلم

تفسیر عثمانی

بقیه صفحہ ۳۰۵

در آخر آن اقتدار

رحم بلی بک بر ابر

گردید و ظاهر از این

باقی نماند که مردم و پاد

شاه قوت گیره و از تسلط

خدا بر پانی باید

از شاه این

حالات مشرکین که

شادمانی با کردند به

ایمان و از مسلمانان

پر و افتخار و از روی

بزرگی به خود پر

در این حد حتی بعض

مشرکین به ابوبکر صلی

رضی الله عنه گفتند که

امروز برادران ما

ایرانیان برادران

شمار و میان را محو و

نموده اند ما هم خبردار

بسی طواعت صل فایم

گروه و از وقت و وقت

ظلم انان بر خلاف

سند اسباب ظلمی

اعلان عمومی نمود که

بیشک و درین سال

رومی با از دست رفت

با غلبه شده اند لیکن

در ظرف ۹ سال با تو

آنها غلب و منصفی

شوند و بر اساس این

پیشگویی حضرت ابوبکر

صدیق رضی الله تعالی

عنه با حق مشرکین خط

سبت و آنوقت چنین

شرط بود که از آن

سال و آن سال

و اما الذين كفروا و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

عذاب لا فرج لهم منه و اؤكذبوا بايتنا و لقائى الآخرة فاولئك في

فلان من مثل فلان

که فلان با فلان برابر
نیش و پوس محو و خفت
شاید او بتوان گفت که

تفسیر عثمانی

بقیه حرفه هم در این
هرگز قهر و تمیز گزینی
که اکتفا بر این شده

دو باره بدست آورد
نزد گفت که اگر کور شد

مرا بر ناس

پیر و دی بخت

از عین

بر ایلیا

امیت المقدس پیاده

مفری کیم تقدت

خدا تو اندام همیشه

که مطر و پیوسته و آن

میی در داخل موعد

۹ سال زلفی بعد از مرگ

یک سال از هجرت

تمام در روزی که انقض

و یادی خدا و تعالی

ما لمان بر سر کین

فتح و نصرت نمایان

حاصل نموده شد

بای گردن از شقیقت

این خبر که خدای تعالی

رومان اهل کتاب

دائیز و مجریان ایران

مظفر و منصور خود

است بیشتر سرد

شده و خفا بیشتر

که خدایان دشمنان

زیاد نصیب شده

بیاری مردم از دست

تبه اکت این میگویند

میرا حق و آن ایمان

آوردند حضرت

بوی که شد شتر از

مشکین که گرفت و

آن حضرت علی الشد

هلیه سلم و باب آنها

حک مدد داد و انکه

علی انکه انظار و

آله اب هر ۱۲

الْأَرْضُ بِأَمْرِ رَبِّهَا إِذَا دَعَاكَ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتَ تَخْرُجُونَ

زمین بچشم او باز چون بخواند شمار یک بار خواندن نامی که از زمین بر آید

زمین بچشم او باز چون بخواند شمار خواندن از زمین آنچه شما بر آورده میشوید (از قبور خون)

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ

و خدا در است آنچه در آسمان و زمین است هر یک برای او قانع دارند و او است آنکه نو میکند

و خدا در است آنچه در آسمان و زمین است همه برای او قانع و فرمانبردارند و او است آنکه ابتدای آفرینند

الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ

و آفرینش را باز دوباره کند و این دوباره کردن آسان تر است بر او و خدا در است صفت بلند تر در آسمان

حق را باز اعاده می کند آنرا این را عاده آسان تر است بر او و خدا در است شأن بلند تر در آسمان

وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ ضَرْبٌ لَّكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنْفُسِكُمْ ۝

و زمین و او است غالب با حکمت بیان کرد برای شما داستانها از حال شما

و زمین و او است غالب با حکمت بیان کرد برای شما داستانها از نفس پائین شما

هَلْ لَّكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْتُمْ فَأَنْتُمْ

آیا هست برای شما از بندگانی که مالک ایشان است دست قمار هیچ شریکی برای عطا کردیم شما تا شما

فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُوهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ ۝ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ

در اهل یاسان باشد بترسید از ایشان مانند ترسیدن از خود خویش همچنین بیان می کنیم نشان

در اهل برای دیدن ترسید از ایشان مانند ترسیدن از خود خودتان همچنین تفصیل میدهد بر نشان بار

لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ

برای قومی که تفکر می کنند بلکه پیروی کرده اند آرزوهای خود را بدون علم

برای قومی که تفکر می کنند بلکه پیروی کرده اند آرزوهای خود را بدون علم

فَمَنْ يَهْدِي مِنَ أَضَلِّ اللَّهُ ۝ وَمَا لَهُمْ مِنْ مُّصِرِينَ ۝ فَاقْصِرْ وَجْهَكَ

پس کراه نماید کسی را که گمراه کرد خدا و نیست ایشان را یاری دهنده پس راست کن روئے خود را

پس که راه نماید کسی را که گمراه کرد خدا و نیست ایشان را یاری دهنندگان پس راست بدار روی خود را

لِلدِّينِ حَنِيفًا ۝ فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ

برای عبادت حنیف شده پیروی کن دین خدا را که پدید کرد مردمان را بر او بی بدل کردن نبود

دین ز خدا یکسو شده (لازم بگیر) دین خدا را که پدید کرد مردمان را بر او هیچ تبدیلی نیست

لِلَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ آلِهِمْ أَقْرَبُونَ ۝ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝

این دین خدا است اینست دین راست و لیکن اکثر مردمان نمیدانند

دین خدا را این است دین راست و لیکن اکثر مردم نمیدانند

مَنْبِئِينَ آلِهِمْ وَاتَّقُوا ۝ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

عبادت کنید در وجهی که کرده بسوزد و دین سید از او و بر پا دارید نماز را و مباشید از مشرکان

رجوع کنید بآنها که بر او دین است و بر پا دارید نماز را و مباشید از مشرکان

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا ۝ كُلٌّ حِزْبٌ مِّمَّا لَدُنْهُمْ

مباشید از آنها که دین خود را جدا کردند و شدند گروه گروه و آنچه نزدیک او است

از آنها که رفته اند و عقیده دین خود را جدا کردند و شدند گروه گروه هر گروهی بر آنچه نزدیک او است

فَرِحُونَ ۝ وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ

خوشمندانند و چون برسد مردمان سختی بخوانند پروردگار خود را رجوع کنند بپس او باز

خوشمندانند و چون برسد مردم مصیبت بخوانند پروردگار خود را رجوع کنند بپس او باز

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهِمْ وَنُسُلِهِمْ غَافِلُونَ ٥٠

چنانچه ایشان را از جانب خود آسایشی آید و وقت کردی از ایشان به پیرو در کار خود شریک همی آرند مانند کار خود شوند

أَتَيْنَهُمْ فَتَمَعَوْا قَدْ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ٥ أَمْ أَنْزَلْنَاهُمْ

باجه عطا کردیم بدینان پس بهره مند شوید و حقیقت حال خواستد و از آن آید و در دیر برایشان
مردان داد برایشان و این بهره: منتهی شد پس زود می دانند و آید و در دیر برایشان

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ يَا كَاتِبُ اِي شَيْءٍ كُنْتُمْ وَاِذَا اَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً

سپاہیوں نے ان کے ہاتھ پیرا کر لے کر باغداد شہر کی طرف روانہ ہوئے۔

در بیان این که چقدر در این راه کشته شده اند و چقدر از دست رفته است

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۰۰	۲۰۰	۳۰۰	۴۰۰	۵۰۰	۶۰۰	۷۰۰	۸۰۰	۹۰۰	۱۰۰۰

سوارها و این صیحه ها را فریاد می زدند که ای اعدای اسلام بفرسایید

و زمان شدند به آن و اگر کسید بایران زخمی بسبب آنچه پیش فرستاده است دست بانی ایشان ناکهین ایشان ناسید میگردد

وَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّسْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي ذَلِكَ

آنندیدند که خدا گشت دومی کند روزی را برای هر که سچا ابد و تنگ می کند برای هر که یا ابد سچا ابد درین مقدمه

أَتَى لَقَوْمَهُ ثُمَّ مِنْهُ (١٠) وَأَتَى ذَا الْقُرْبَى حَقًّا وَالتَّسْكِينِ وَالْبَيْنِ

زبان هست برای قوی که ایمان می آرند پس بده صاحب خویشی را می دی و مسکین را و

نشان است برای نوی رایان می آرند پس بده صاحب فراغت را می نوی و سستی و

الاسلام دين خير دين يري دون وجه الله واوليك نعم

سرافرا این بهتر است برای کسی که می خواهد رضای خدا را و این گروه ایشان

لَمُفْلِحُونَ ۝ وَمَا آتَيْتُم مِّن رَّبِّ بِالْيَزْبِ وَأَمْوَالُ النَّاسِ فَلَا

و آنچه داده باشد از سود تا بفرزاید در اموال مردمان پس دے

تَبَارَكَ الَّذِي مَدَّ لَكَ الْيَدَ الْيُسْطٰى

نما از اید نزد یک خدا داده باشد از صدقه طلب کنان ردی خدا را پس این جماعه

نویافته نزد خداست و آنچه میدید از صدق و نبوت و صفای مدارا پس این جماعه

هم البضعون ﴿١٣﴾ الله الذي خلقه ثم رافقه ثم يوليتهم ثم

الشانند حاجان اقبال خدا آن است که بیا فرید شعار را باز ردی داد شعار بازی میراندش را باز

لِيُحْيِيَهُمْ هَلْ مِنْ شَرِكَاكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذُلِّهِمْ شَيْءٌ سَبِيحٌ

زندہ کرد اند شمار آیا از شیر بیان
کے ہست کہ بکند ازین کار چہ ہے

١٥٠

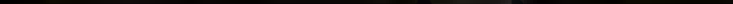
و بلندترست از آنچه شریکی آرند پیدایشش در میان من و در و ریاستش با من بعلی آرد و

و بلندتر است از آنچه مشرک می آرند بلند آمد حوالی در ۱۰۰ یکر به سبب آنچه که در کتب آورده

أَيْدِي النَّاسِ لِيَدِّيهِمْ يَعْصِي أَلَدِي مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَرَبَّهُمُ

است این مردم تا بحال اندیشیان را جزای بعض آنچه کرده بودند تا اینشان باز گردند

نیز با بر خلاف این بحث و مندی و در تذکره: انود و تذکره که دیگران هم در خدای خدا شریک وی اند و بعضا ذوالکبریا و ارجح است که مندی ندرند پس دیگران پس



عنه تبارک و تعالیٰ به عزت
اسم تعالی را از هر
جایی بگوید و از فضل
و کرمش خدای تعالی
منفعت زیادی بدست
آید در این نعمت با
شکر خدا را همیشه بخواند
(تفسیر اول در باب
افشای کفر و دشمنی
و آب ذکر و در مقابل
آن دین و تقی است
و نعمت الهی را ندانند
شاید بدین طریقی
اشاره باشد که بعضی
از بندگان با وجود قیام
همواره اگر بیاورند
دانشند که بندگان
رحمت و شفقت نازل
میشود و پادشاهان
شور و غوغا میکنند
مخوفه فضل و رحمت
را میسرند کافران و
باید که شکر را در کمال
نعمت باز آیند چو
الطاف و احسان
خدای تعالی را می بینند
بنده شکر گزارند و شکر
عنه را بنموده و
که قبولان درود و ان
جدا کرده میشوند و شکر
از سبب انوارشان
و چاقوت و احوال اند
اکنون خاطر نشانی
فرمایند که این اجزاء در
دنیای یقین و یقین و یقین
زیر اعداد عدد داده
و عادت او است که
همچون و گفته می شود
گوید و خواند کمال
از اعداد و اعانت
خود بر دشمنان غالب
گرداند و ذکر و درود
میان زمین سبب آمد
که چنانچه پیش ازین
بندگان با وجود
همان در غایت نازل

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ
چونکه سیر کنید در زمین پس درنگ کنید که چگونه شد احوال پیش از ایشان بودند
كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ ۝ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ
بودند اکثر ایشان مشرکین پس راست کن روی خود را بر آن دین درست پیش
قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصْذَقُونَ مِنْ
از آنکه بیاید روزی که بازگشتن نیست آنرا از جانب خدا آنروز متفرق شوند هر که
كَفَرَ فَعَلَيْهِ نَعْرُهُ ۝ وَمَنْ عَمِلْ صَالِحًا فَلَا نَفْسَ لَهُ يَهْدِيهِ اللَّهُ
کافر شد پس بر وی است جزا کفر او و هر که بکند کار شایسته پس برای نفس خودشان آرام گاه میسازند
لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ
تا جزا دهد خدا آنرا را که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند از فضل خود هر آنکه و دوست نهد
الْكَافِرِينَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيَذِيقَكُمْ
کافران را و از نشان های خدا آنست که می فرستد باد های مرده و میسوزد آنکه بخت اندیشار
مِنْ رَحْمَتِهِ وَلِتَجْزِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ
از رحمت خود یعنی باران دهد برای آنکه جاری شود کشتی با برفان او و تا طلب کنند از فضل او در رزق او تا شایسته
تَشْكُرُون ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ
شکر کنید و هر آنکه فرستادیم پیش از تو پیشانیان را بپوشی قوم ایشان پس آوردند پیشانی قوم خود
بِالْبَيِّنَاتِ فَاتَّقِنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُ مَوَادِّكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ
ایشان با پس انتقام کشیم از آنکه با فانی کردند و یور نصرت مسلمانان
لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتَنُفِّثُ سَحَابًا فَيُبْسِطُ فِيهِ
لایم بر ما خدا آنست که می فرستد باد ها را پس بر آنکه از ابرایشان خدا بکشد و آن ابر را در
السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَنُفِثَ الْوَدُقُ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ
آسمان چنانکه خواهد و بگرداند باره باره پس می بینی که قطرات بیرون می آیند از میان آن
فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مِنْ يَسَاءٍ مِنْ عِبَادَةٍ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۝ وَإِنْ
پس چون برساندش بهر که خواهد از بندگان خود تا که ایشان شادمان شوند و اگر چه
كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنْزَلَ عَلَيْهِمْ مِنَ قَبْلِهِ كَسْبِ السَّيِّئِينَ فَانْظُرْ إِلَى
بودند پیش از آنکه فرود آورده شود بر ایشان باران را تا امیدوار شوند پس در شکر بگویند
بِأَنْفُسِهِمْ أَنْزَلَ اللَّهُ مَوْجًا مَدًّا مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يُصْذَقُونَ مِنْ

اِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَلِكَ لَكُنْشِي

در رحمت خدا چگونه زنده می کند زمین را بعد از مرده بودن آن بر آینه دس البتة زنده کنند

النَّوَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِجَالًا

مردگان است و اوست بر همه چیز توانا و اگر فرستیم پادشاهان پس به بینند آن کشت را

مُصَفِّرًا يَطْلُو أَمِّنَ بَعْدَهُ يَكْفُرُونَ ۝ فَإِنَّكَ لَا تَسْمِعُ النَّوَى وَ

زنده کننده البتة شنید بعد از این ناسپاسی کننده پس هرگز شنید نمی شنوائی مردگان را و

تَسْمِعُ الصَّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا أُولُو الْأُذُنِ بَرِينَ ۝ وَمَا أَنتَ بِهَذَا لَعَنَى

می شنوائی گران را آواز خواندن چون رو برگردانند پشت داده و بیستی تو راه نمایند کوران

عَنْ ضَلَلْتَ هُمْ إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا لَهُمْ مَسَاكُونَ ۝

از برای ایشان نمی شنوائی مگر کسی را که باور میدارد آیات ما را پس آن جماعه القیاد کنند اند

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ

خدا آنست که آفرید شما را از ابتدای نالوائی باز و او شدار بعد از نالوائی توانائی باز

جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ

و او شدار را بعد از توانائی نالوائی و مسکین مونس می آفریند هر چه می خواهد و او است دانای

الْعَدِيدِ ۝ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَنَا بِالنَّارِ

توان روزیک قائم شود قیامت سوگند خورند گنهاران که

بَعْدَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ أَتَوْا الْعِلْمَ وَ

راستی بگویند از راه برگردانیده پیشتره و گویند آنانکه علم و ایمان

الَّذِينَ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا وَلَئِنْ كُنَّا إِلَّا يَوْمَ الْبَعْثِ

راستی بگویند بودند که از راه راست برگردانیده می شدند و گویند آنانکه داده شده بایشان ایمان و

وَالَّذِينَ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا وَلَئِنْ كُنَّا إِلَّا يَوْمَ الْبَعْثِ

راستی بگویند بودند که از راه راست برگردانیده می شدند و گویند آنانکه داده شده بایشان ایمان و

وَالَّذِينَ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا وَلَئِنْ كُنَّا إِلَّا يَوْمَ الْبَعْثِ

راستی بگویند بودند که از راه راست برگردانیده می شدند و گویند آنانکه داده شده بایشان ایمان و

وَالَّذِينَ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا وَلَئِنْ كُنَّا إِلَّا يَوْمَ الْبَعْثِ

راستی بگویند بودند که از راه راست برگردانیده می شدند و گویند آنانکه داده شده بایشان ایمان و

وَالَّذِينَ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا وَلَئِنْ كُنَّا إِلَّا يَوْمَ الْبَعْثِ

راستی بگویند بودند که از راه راست برگردانیده می شدند و گویند آنانکه داده شده بایشان ایمان و

وَالَّذِينَ كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا وَلَئِنْ كُنَّا إِلَّا يَوْمَ الْبَعْثِ

راستی بگویند بودند که از راه راست برگردانیده می شدند و گویند آنانکه داده شده بایشان ایمان و

دل منی چون عقوبات
خود را میانه کرده دنیا
را پیش بر سر است خیال
نماید بر عکس آنچه دنیا
حالت دنیا را پیش از خلا
خیال میکردند و الله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه خلافت و او
که مرده را زنده کند و
شایخی تواند که سخن حق را
بر مردگان بگوید و
با گوش کربا رسانند
۵ یا که با راهی بکنند
ح خصوص و تنبیه آنها
۱۳ اراده شنیدن و
۸ مصلحت را بهم رسانند
باشند پس نباید از
و ناسپاسی آنها غم گین
و طول شری تو مشغول
رسانیدن احکام و
پیغام خدا هستی و اگر
بدین سخن قبول کنند از تو
باز خواست می شود
سخن تراک نمی شنوند
که بر طاعت با هم و
روشن با یقین نموده
و بر او تسلیم القید
روان می شوند (تبیان)
آتش بدین معنوی در
آخر حده - غل
گذشته دست آنها
مطابق و این معنی
درین موقع به بحث
- سماع صوتی گفتگو
دارند این اختلافات
از عهد صحابه رضی الله
عنهم آمده است و
دو جانب بر نهوم
قرآن و حدیث تسک
کرده اند و این جا
باید دانست که دنیا
یک کاری بدون مشیت
و اراده خدا امکان
ندارد مگر کاری را که
انسان در امر او است

مَبْطُونٌ ۵ كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۵

بے ہودہ گویا بچپن میں ہند خدا پر دل آنا کہ فی ہند (میں ہند)

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ۵

پس صبر کر بر آئند وعدہ خدا راست است و بکسار نکند ترا آنا کہ یقین سے آند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۵

بسم خدا بخشنانند مہربان

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ۵ وَرَحْمَةُ اللَّهِ حَسِينٍ ۵

این آیت ہائے کتاب با حکمت است بدایت و بخشایش شدہ برائے نیکو کاران آنا کہ

يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ ۵

پس با سر ادا کنند نماز را و میدهند زکوٰۃ را و ایشان با آخرت یقین می دارند

أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِنْ رَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۵

این جماعہ بر ہدایت اند از پروردگار ایشان و این جماعہ ایشانند سعادتمندان و از مردمان

مَنْ يَشْتَرِ لِنَفْسِهِ أَجْرًا يَسْتَعْتِبَ لِنَفْسِهِ أَجْرًا يَسْتَعْتِبُ لِنَفْسِهِ أَجْرًا

کسی است کہ می خردن سخنان بے ہودہ را تا کہ را کند مردم را از خدا بجز علم و بجز آخر

هَؤُلَاءِ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ ۵

راہ خدا را این جماعہ ایشان راست عذاب خوار کنندہ و چون خوانند شود بریں شخص آیات ما و بگردانند تکرار

كَانَ لَمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَسَّرَ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۵

گویا شنیدہ است آنرا گویا در ہر دو گوش دے گراہی است پس خبر دہ اورا عذاب دردمند ہر آئینہ

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ۵

آنا کہ ایمان آوردند و کردار بائے خالصہ کردند ایشان راست بہشت است ہا و دیدان آنجا

وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۵

و وعدہ دادہ است خدا وعدہ راست و اوست غالب با حکمت آریہ آسان با

ثَرَوْهُ وَالْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ ثَرٍ ۵

پر بیند آنرا و آنگند در زمین کوہ ہا برائے استراحت از آنکہ بجزاند شمار و پرانگندہ کرد در زمین از ہر کوہ ہا و جانور

وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاتَّخِذْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ ثَرٍ ۵

و فرود آوردیم از آسمان آبی پس رویا شدیم در زمین از ہر جفت و صفت نیک این است آریش

وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاتَّخِذْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ ثَرٍ ۵

و فرود آوردیم از آسمان آبی پس رویا شدیم در زمین از ہر جفت و صفت نیک این است آریش

فتح الرحمن
صلی اللہ علیہ وسلم
۱۲
تفسیر عثمانی
بقرہ صفی ۹
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

عنه بعضی برهان
آنکه او در این برهان
احسان آنکه بر چشمها
نموده است بدون
سند و حدایت
التعالی و باری
ثبوت و صفات
و یا در احکام و مشرایی
او مجادلی کند متناها
کلام اصل علی عقل
دلالت و کلام روشنی
و دوست ایشان است
و از آنکه اهلادی بر حق
هدایت یافته اند بلکه
محض عقاید و کور را
آباد و جد و ایش
گرفته اند که اگر آن در
است آینه ای بر آینه
از توحید چنین بر آید
که توحید محقق قدس الله
سوازه علم و غایب
بطور عقلی و از سببی
یک نور بصیرت را در او
گرفته است که صفاتی
نوری و در جهان عالم
عقل و فکر را می بیند
مطلب این طریقه
که این مردم زبده عادی
دارند نه باو شان بعینه
و جهانی حاصل است
و در کتاب روشن یعنی
دلیل عقلی را در او گشته
این عقلی بصیرت با
توان است و تقریر
ما را باین آیت محض
از عرض تسبیح یا رب
توبه عده علامه
خود را با التعالی
مروا سازید و انکار
و تکذیب کسی پاک
دارد به سبب هم با
محقق را حاضر شد
اندوگان وقت تمام کرد
آنها بیدار شدند
آورده شود آینه ای
چرا خود را بپایان کرده
نیز آینه چه او کمال

فَخُورًا وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْصُصْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ
خود ستاننده را و میانه روی کن در رفتار خود و خود را
خود ستاننده را و میانه روی کن در رفتار خود و خود را
الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرَةِ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ تَا فِي السَّمَوَاتِ وَ
آوازها را آواز خرافان باشد آیا ندیدید که خدا را برای شما آوازها را آواز خرافان باشد
آوازها را آواز خرافان است آیا ندیدید که خدا را برای شما آوازها را آواز خرافان است
مَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن
آینه در زمین است و تمام کرد بر شما نعمت را که خود را آشکارا و پنهان
آینه در زمین است و تمام کرد بر شما نعمت را که خود را آشکارا و پنهان
يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ
که میگوید که در باب خدا بگفتار دانش و بلیغ هدایت و بلیغ کتاب روشن و چون گفته شود بایشان
که میگوید که در باب خدا بدون علم و هدایت و بلیغ کتاب روشن و چون گفته شود بایشان
اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَحْنُ مُسْلِمُونَ وَمَا نَحْنُ بِمُؤْمِنِينَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ
که پیروی کنید چنانچه را که فرود آورده خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چیزی را که یا قیام بران پدران خود را یا پیروی می کنند
که پیروی کنید چنانچه را که فرود آورده خدا گویند بلکه پیروی می کنیم چیزی را که یا قیام بران پدران خود را یا پیروی می کنند
الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ ۝ وَمَن يَسْلُجْهُ إِلَى اللَّهِ
شیطان می خواند ایشان را بسوی عذاب دوزخ و هر که متوجه ساخت روی خود را بسوی خدا
شیطان می خواند ایشان را بسوی عذاب دوزخ و هر که متوجه ساخت روی خود را بسوی خدا
وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ
و او به نیکو کار است پس اگر آینه دست زده است بدست آویزی محکم و بسوی خداست باز گشت
و او به نیکو کار است پس اگر آینه دست زده است بدست آویزی محکم و بسوی خداست باز گشت
الْأُمُورِ ۝ وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزَنكَ كُفْرُ هَٰٓئِلِينَ مَرَّجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُ هُم
کارها و هر که کافر شود پس اندک باین ننگ تر از کفر وی بسوی ما است رجوع ایشان پس خبردار کنیم ایشان را
کارها و هر که کافر شود پس اندک باین ننگ تر از کفر وی بسوی ما است رجوع ایشان پس خبردار کنیم ایشان را
بِمَا عَمِلُوا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ نَسْتَعْتِبُكَ يَا رَبِّ
با آنچه می کردند هر آینه خدا داناست محضی که در سینه ها باشد بهره مندیم از ابراهیم ایشان را دانست که باز
با آنچه می کردند هر آینه خدا داناست محضی که در سینه ها باشد بهره مندیم از ابراهیم ایشان را دانست که باز
نَضُرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ غُلِيظٍ ۝ وَلَٰكِن سَأَلْتَهُم مِّنْ خَلْقِ السَّمَوَاتِ
به نیکو کاری به ایم ایشان را بسوی عذاب سخت و اگر سوال کنی از ایشان کیست که بیا فرید آسمانها
به نیکو کاری به ایم ایشان را بسوی عذاب سخت و اگر سوال کنی از ایشان کیست که بیا فرید آسمانها
وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ مَقُلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ
و زمین را البته بگویند خدا آفرید بگو ستایش خدا را راست بلکه اکثر ایشان نمی دانند
و زمین را البته بگویند خدا آفرید بگو ستایش خدا را راست بلکه اکثر ایشان نمی دانند
بِاللَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ وَلَٰئِن
خدا را راست آنچه در آسمانها و زمین است هر آینه خدا داناست که نیاز ستوده و اگر آنچه
خدا را راست آنچه در آسمانها و زمین است هر آینه خدا داناست که نیاز ستوده و اگر آنچه
فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ
در زمین است از درختان قلمها شوند و یا سیاهی بود زیاد می کند آفرید از زمین دریا مهفت و دریا
در زمین است از درختان قلمها شوند و یا سیاهی بود زیاد می کند آفرید از زمین دریا مهفت و دریا
أَخْرَجَ مِنْهَا نَهْرًا يَصْرُفُ فِيهَا نَحْلٌ وَنُحْلٌ وَنُحْلٌ وَنُحْلٌ وَنُحْلٌ وَنُحْلٌ
از درختان قلمها شوند و یا سیاهی بود زیاد می کند آفرید از زمین دریا مهفت و دریا
از درختان قلمها شوند و یا سیاهی بود زیاد می کند آفرید از زمین دریا مهفت و دریا

والمعنى ان الله عز وجل
نزل تدریجاً
موجع اوقه
کند که از هر سال
خیال نمایند و آن هر
پیش خداوند تعالی در
یک روز تمام شود و فرست
آست که در این اوقات
بقدرت او غیر مسند
والله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه ظاهر باید داشت
که منیبات یا منیبات
احکام خواهد بود و یا
جنس اکوان - بود
انسان یا کوان غیره یا
زمانی یا فیه یا مکانی
و اکوان زمانی را باقی
مانی، مستقبل، حال
برسبب تقسیم کرده اند
از جمله آنها علم اکوان
غیر بر مبنای مصلحت
والله اعلم و عاقل و مدبر
در تفسیر علم غیر خدا
الاسم الوسی من مریض
الایمن - کوع ۳
جزئیات آخر اذکی
است توبین تفصیل
کرده اند اما علم کلیات
داصل اکوان غیره
را حق تعالی مختص به
فلسفه خود فرموده است
مثلاً بر جزئیات منقش
بسیاری مردم را حسب
استعدادشان اطلاق
داد - و بدین کرم
معنی الله علیهم السلام بهم
آنقدر حقه افزایم
عطا کرده که
فیقول آخر اندوه
توبه با التوبه علم کلی
اکوان شیعیه خاصه
رب المیزان است
و حق تعالی که این آیت
مذکور است در احادیث
یه و صحاح الثقیب
یازده کلمه کل آن ظاهر خداوند تعالی است و در حقیقت هر چه در این آیه بیان کل از احوال غیره اشاره شده به پای ارض خود و به فیوب و مایه در باز و کسب

وَمَّا تَدْرِى نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَنُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

و نمیدانیدی که کدام زمین خواهد مرد هر آینه خدا
و نمیدانیدی که نفسی که کدام زمین خواهد مرد عه هر آینه خدا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خداى بخشنده مهربان
آغاز می کنم بنام خداى که بے اندازه مهربان نهایت با رحم است

اللَّهُ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ هُوَ يَقُولُ

خود آوردن کتاب هیچ شبه نیست در آن از جانب پروردگار عالمهاست آیه می گویند
خود آوردن کتاب هیچ شبه نیست در آن که از جانب پروردگار عالمهاست آیه می گویند

أَفْتَرَاهُ قَبْلُ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ

برای آنکه است آفریده بودی راست است آمده از جانب پروردگار تو تا ترسانى كویى را که نیامده است پیش از تو
آفریده است آفریده بودی حق است در خود آمده از جانب پروردگار تو تا ترسانى كویى را که نیامده است پیش از تو

لَعَلَّهُمْ يَحْتَدُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمُوتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

تا بود که ایشان راه یابند خدا آفرید آسمان با زمین و آنچه مابین آنهاست
شاید که ایشان راه یابند خدا آن است که آفرید آسمان با زمین و آنچه مابین آنهاست

فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِى وَلَّى وَلَا

در شش روز باز قرار گرفت بر عرش نیست شما جز من و هیچ دوستی و نه
در شش روز باز تمام (مستولی) شدند بر عرش نیست شما را جز او و هیچ دوستی و نه

شَفِيعٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَكْبُرُ ۝ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ

شفاعت کننده آید پس بدین می شود تدبیر می کند کار را از خود آورده از آسمان بسوی زمین باز
شفاعت کننده آید پس بدین می شود تدبیر فرموده دستدار را از آسمان بسوی زمین باز

يَعْرِجُ الْبَحْرِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مَّا تَعْدُونَ ۝ ذَٰلِكَ عَلَى

بالا می رود آن کار بسوی خدا در روزی که هست مقدار آن هزار سال از آن حساب کمی شمارید و ایست صفت داد
بالا می رود آن امر بخلاف او در روزی که اندازه آن هزار سال است از آن حساب کمی شمارید این است صفت دانسته

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ

نهان و آشکارا غالب مهربان آنکه به فکر من و چه مراحت هر چه را که آفریدش و
نهان و آشکارا غالب مهربان آنکه به فکر آفرید هر چه را که آفریدش و

بَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِنْ طِينٍ ۝ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ

نو کرد آفریش آدمی را از گل باز پسند کرد نسل او را از عنقه از آب
آغاز نمود آفریش انسان را از گل باز پسند کرد اولاد او را از عنقه از آب

مُهْنٍ ۝ ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُّوحِ رَبِّهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ

خوار باز درست اندام کرد و در او روح خود دمید و کرد برای شما گوش و
بے قدر باز درست اندام کرد او را در میله دروی از روح خود دمید و کرد برای شما گوش و

الْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۝ وَقَالُوا أَإِذَا ضَلَلْنَا فِي

چشمها و دلها اندک می شکر می کنید و گفتند چون گم شویم در
چشمها و دلها اندک می شکر می کنید و می گویند آیا چون مغرور شویم در

الْأَرْضِ أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ بَلْ هُمْ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ

زمین آیا ما در آفریش نو خوانیم بود بلکه ایشان بملاقات پروردگار خود کافرانند
زمین آیا ما در آفریش نو خوانیم بود بلکه ایشان از ملاقات رب خود منکرانند

قُلْ يَتُوبُكُمْ فَلَكَ الْمَوْتُ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ٤٠

و جنس روح شمای کند ملک الموت که گماشته شده است بر شما باز بسوی پدر و مادر خویش گردد انچه خود
خویش می کند روح شمارا عبد الحقی که مقرر شده بر شما باز بسوی پدر و مادر خود گردانیده میشود

وَأَمَّا إِذَا هَدَّيْتُمْ إِلَى الْمَدِينَةِ فَمَا يَسْأَلُكُمْ فِيهَا فَمَا فَيَقْبَلُوا لَهُ فَاذْكُرُوا لَهُمْ إِذْ أَنْتُمْ تُخْرِجُهُمْ مِنَ الْمَسْجِدِ يُخْرِجُونَهُمْ مِنْهُ يَبْكُونَ وَمَنْ قَدْ أَخَذَ مِنْهُ وَلِيًّا لَا يَتَذَكَّرُ بِهِ عِنْدَ رَبِّهِمْ أُولَئِكَ يَكُونُ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

ازین وقتیکه گناهاران سرافقندگان سرای خود باشند نزد دکار ایشان گونند اس برود دکار با عاود
ازین وقتیکه گناهاران کجوار کنند و سرخویش باشند نزد دکار خویش گویند اس برود دکار مادید

وَمَا نَفَعْنَا عَبْدًا مَّا كَانُ مَوْقِنًا ۝ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ

شنبه تم پس باز گردان مارا تا بکیم کارش آفته بر آینه ما یقین کنند ایام
و اگر می خواستیم البته می دادیم هر
نیز در پس باز گردان مارا تا بکیم کارش آفته بر آینه ما یقین کنند ایام
و اگر می خواستیم البته می دادیم هر

نَفْسٌ هَذِهِ هَاوٍ لَكِنَّ حَقَّ الْقَوْلِ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَ

بدایت او و لیکن ثابت شده است و عده از جانب من که هر آینه پرستم و دوزخ را از جنیان و

لَتَأْتِيَ الْجَنَّةَ ۝ فَوَقَّاهَا لِقَاءَ رَبِّكَ هَذَا ۝ لَنَسْأَلَنَّهُ ۝

پس بخشد این عذاب بسبب آنکه فراموش کردید ملاقات این روز خود را هر آینه ما بفراموش کردیم شمار

ذوق عذاب الخلد ساكنة تعبلة (3) استعصم بالجنة

بخشید عذاب دائم بسبب آنچه می کردید جز این نیست که ایمان می آورند بآیات ما

خبر این نیست که ایمان می آرند به آیات ما

نیکو چون پند داده میشوند بآن نیکو سار افتاده بهائی یاد کننده باستانیست همردگار خویش و ایشان

سند و داد میگویند به این می آید سجده زن و بیهوشی یا و لغو پروردگار خود او بیا که از لغو پروردگار خود اقامت فرموده است

دور میماند پیروی ایشان از
خواهگاری نوازند پروردگار خود را

می‌نشد جدا می‌ماند پهلوی ای ارثین از خواب گاه عیسی خوانند پروردگار خود را

رسد امید داری و از آنچه روزی داد و ایم ایشان را حرج میکنند پس نمیدانند که نفس چه چیز نهان داشته باشد

روزی فوت و طبع و از آنجمله داده ایم ایشان را طریقی گفتند پس بنید اندیشی نفسی آنچه را که پنهان گذارسته بود است

سایه ایشان از منگی چشم پادشاه داد داشت با پنجه می زدند

ایمان از دست نمی جستم با جبهه پادشاه آنچه نمی کردند

وَمِنْهُمْ مَنْ كَانَ فَاسِقًا (۴) اَمَّا الدِّينُ اٰمَنُوْا عَلَيْهِ
من باشند که است بهشت که او فاسق است پس می شنید ۴۲۱ را که می آید و در کار است

پس آنا کے ایمان آدرند و گردند کاربائے

صلحت و لهم جنت الباقی سر لا یبدا کتوا یعمون و اقا الین

والتس الثمن است بشت با غنای بود و با شربت میوهایی بسبب کارهایی که می کردند و زانجا

موقوفه و هم التار كذا زادوا ان يخرجوا منه اعياد و اعيانها

کردند پس جائے ایشان دوزخ است هر گاه بگویند که بیرون آیند از آن باز گردانیده شوند و در آن

فاما بعد در پیش من خداست و بقیه ذوالاقل نام از بجز او و یا او را بنیال من مغرب و شده و امره گرفته اند اگر چه در کلمات گنجی پیش این مطلب هم هست لیکن راجع به

وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝۹

و گفته شود بایشان بخشد عذاب آتشی که آنرا می داشتید

و گفته شود بایشان بخشد عذاب آتشی که آنرا در دوزخ می پنداشتید

لَنَذِقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَعَدِّ دُونَ الْعَذَابِ الْأُولَىٰ لَأَكْفِرَنَّ عَنْهُمْ رُجُوعًا ۝۱۰

البته بخشایم ایشان را عذاب نزدیکی یعنی در دنیا این طرف از عذاب بزرگ بود که ایشان باز کردند

بر آنچه بخشایم ایشان را عذاب اندک و نزدیک، مگر عذاب بزرگ تا ایشان باز گردند

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ الْجَاحِدِينَ ۝۱۱

و کیست ستمگر از آن کسی که پیغام داده شده بآیات پروردگار و او بگرداند از آن سر باز کند ما از کفاریم

و کیست ظالم تر از کسی که پیغام داده شود بآیات پروردگار و او بگرداند از آن سر باز کند (بهر آینه) ما از کفاریم

مَنْتَقِبُونَ ۝۱۲ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مَرْيَةٍ مِمَّنْ لَقِيَهُ

استقام کننده ایم و بهر آینه دادیم موسی را کتاب پس مایشت در شکی از ملاقات قرآن

مَنْتَقِبُونَ ۝۱۳ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ ۝۱۴ وَجَعَلْنَاهُمْ أَهْلًا لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ ۝۱۵

و ما خیم موسی را هدایت برای بنی اسرائیل و پدید آوردیم از ایشان پیغمبرانی را که می نمودند

و گردانیدیم آنرا هدایت برای بنی اسرائیل و گردانیدیم از ایشان پیغمبرانی که در دنیا می کردند

بِأَمْرِنَا لَتَصْبِرُوا وَكَانُوا يَا بَنِي إِسْرَءِيلَ ۝۱۶ وَكَانُوا يَتَّبِعُونَ ۝۱۷ وَكَانُوا يَتَّبِعُونَ ۝۱۸

بفرمان ما دقیق صبر کردند و آیات ما یقین می آوردند بهر آینه پروردگار کو فیصله کند

بجمله و کتب مبر کردند و بودند که آیات ما یقین می کردند بهر آینه پروردگار کو فیصله کند

بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝۱۹ وَأَوَّلُهُمْ هَذَا ۝۲۰ وَأَوَّلُهُمْ هَذَا ۝۲۱

میان ایشان روز قیامت در آنچه در آن اختلاف می کردند آیاد از خود ایشان را که چه قدر ملاک کردیم

میان ایشان در روز قیامت در آنچه در آن اختلاف می کردند آیاد از خود ایشان را که چه قدر ملاک کردیم

مَنْ قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسْجِدِهِمْ ۝۲۲ وَكَانُوا يَتَّبِعُونَ ۝۲۳

پیش از ایشان از قرونهای میروند ایشان در خانه های آن جا که هر آینه در هر کارشان هست

پیش از ایشان از قرونهای میروند ایشان در خانه های آن جا که هر آینه در هر کارشان هست

أَفَلَا يَسْمَعُونَ ۝۲۴ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ السَّمْعَ إِلَى الْأَرْضِ لَاجِرٌ فَجَرُّهُ يُخْرِجُ

آیاتی شنوند آیا ندیدند که باران می آید آب را بسوی زمین بی گدازد تا بسوی زمین آید

آیاتی شنوند آیا ندیدند که باران می آید آب را بسوی زمین بی گدازد تا بسوی زمین آید

بِهِ زُرْعَاتُهَا كُلُّ مِمَّنْ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِمْ ۝۲۵ وَأَفَلَا يَنْظُرُونَ ۝۲۶

بسیب آن زراعت را میروند از آن زراعت چهار پایان ایشان و خود ایشان نیز آیاتی بیند می بینند

بر آن زراعت را که میروند از آن زراعت چهار پایان ایشان و خود ایشان نیز آیاتی بیند می بینند

مَنْ هَذَا الْفَتْحُ ۝۲۷ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝۲۸ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ

کس خواهد بود این فتح اگر راست گویند بگوید روز فتح سود ندارد

کس خواهد بود این فیصله اگر راست گویند بگوید روز فتح سود ندارد

الَّذِينَ كَفَرُوا وَالَّذِينَ آمَنُوا ۝۲۹ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ ۝۳۰

کافران را ایمان آوردند ایشان و منافقان ایشان و ایمان آوردن ایشان و منافقان ایشان

کافران را ایمان آوردن ایشان و منافقان ایشان و ایمان آوردن ایشان و منافقان ایشان

عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ ۝۳۱ إِنَّهُمْ مُنْتَضِرُونَ ۝۳۲

از ایشان و انتظار بکن بر آینه ایشان نیز منتظرند

از ایشان و منتظر باش (بهر آینه) ایشان نیز منتظرند

و گفته شود بایشان بخشد عذاب آتشی که آنرا می داشتید
و گفته شود بایشان بخشد عذاب آتشی که آنرا در دوزخ می پنداشتید
البته بخشایم ایشان را عذاب نزدیکی یعنی در دنیا این طرف از عذاب بزرگ بود که ایشان باز کردند
بر آنچه بخشایم ایشان را عذاب اندک و نزدیک، مگر عذاب بزرگ تا ایشان باز گردند
و کیست ستمگر از آن کسی که پیغام داده شده بآیات پروردگار و او بگرداند از آن سر باز کند ما از کفاریم
و کیست ظالم تر از کسی که پیغام داده شود بآیات پروردگار و او بگرداند از آن سر باز کند (بهر آینه) ما از کفاریم
استقام کننده ایم و بهر آینه دادیم موسی را کتاب پس مایشت در شکی از ملاقات قرآن
و گردانیدیم آنرا هدایت برای بنی اسرائیل و پدید آوردیم از ایشان پیغمبرانی را که می نمودند
و گردانیدیم از ایشان پیغمبرانی که در دنیا می کردند
بفرمان ما دقیق صبر کردند و آیات ما یقین می آوردند بهر آینه پروردگار کو فیصله کند
بجمله و کتب مبر کردند و بودند که آیات ما یقین می کردند بهر آینه پروردگار کو فیصله کند
میان ایشان روز قیامت در آنچه در آن اختلاف می کردند آیاد از خود ایشان را که چه قدر ملاک کردیم
میان ایشان در روز قیامت در آنچه در آن اختلاف می کردند آیاد از خود ایشان را که چه قدر ملاک کردیم
پیش از ایشان از قرونهای میروند ایشان در خانه های آن جا که هر آینه در هر کارشان هست
پیش از ایشان از قرونهای میروند ایشان در خانه های آن جا که هر آینه در هر کارشان هست
آیاتی شنوند آیا ندیدند که باران می آید آب را بسوی زمین بی گدازد تا بسوی زمین آید
آیاتی شنوند آیا ندیدند که باران می آید آب را بسوی زمین بی گدازد تا بسوی زمین آید
بسیب آن زراعت را میروند از آن زراعت چهار پایان ایشان و خود ایشان نیز آیاتی بیند می بینند
بر آن زراعت را که میروند از آن زراعت چهار پایان ایشان و خود ایشان نیز آیاتی بیند می بینند
کس خواهد بود این فتح اگر راست گویند بگوید روز فتح سود ندارد
کس خواهد بود این فیصله اگر راست گویند بگوید روز فتح سود ندارد
کافران را ایمان آوردند ایشان و منافقان ایشان و ایمان آوردن ایشان و منافقان ایشان
کافران را ایمان آوردن ایشان و منافقان ایشان و ایمان آوردن ایشان و منافقان ایشان
از ایشان و انتظار بکن بر آینه ایشان نیز منتظرند
از ایشان و منتظر باش (بهر آینه) ایشان نیز منتظرند
عَنْهُمْ وَانْتَظِرْ ۝۳۱ إِنَّهُمْ مُنْتَضِرُونَ ۝۳۲

ول مترجم گوید که ای
آیات رحمت بر قول
کاشانه که مراد دل داده
اند بر این چالیت
مقرر کرده بودند که ظاهر
مثل احرام موندی
شود و تعریف است
بجواب طعن کافران و
مناققان به نسبت
حضرت علی علیه
سلم چون زینب را
تزوج فرمود که زن
پسر خوانده را بزنه
گرفت و این بی بی
باین لقب خوانده ۱۲
و این بی بی حرمت
نکار ۱۳ و این بی بی
ارحام واجب است
و قوارث بی بی قاسم
منسوخ شده بواسطه
بقرانیت در عام ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه نقایص لغت
صحیح است که هر
نقص نسبی بی بی حقیقی
خودش منسوب شد اگر
شخصی کس دیگر را پسر
خواند آن شخص پدر
حقیقی او نگردد اگر
شخصی زنده شققت
و محبت کسی را مجازا
پسر یا پدر خواند بی بی
جداگانه غرض این است
که به تعلقات نسبی و
احکام آن نباید اشتبا
و التباس واقع شود
در احادیث اسامی رسول
کریم صلی الله علیه و سلم
زید بن حارثه را آزاد
نموده پسر خواند و قرار
داده در ادراج مردم او را
نام زید بن محمد صلی الله
علیه وسلم خوانند چون
این آیت نازل شد
مردم او را زید بن حارثه
خوانند - ع

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

يَعْلَمُ حِكْمًا ۝ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

خَبِيرًا ۝ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ

مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جُوفِهِ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْيَتَامَىٰ تَصْهَرُونَ مِنْهُنَّ

لِللَّهِ فَإِنْ تَعْلَمُوا أَنَّهُمْ فَاخْوَئِكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ

عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُم بِهِ وَلَكِنْ مَاتَعَدَّتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ

عَفُورًا رَحِيمًا ۝ النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ

أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ ۝

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا ۝

ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ۝ وَإِذَا خُذْنَا مِنَ النَّبِيِّنَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ

وَأَنْتَ خَافُوتَهُمْ فَتَرَبَّصْ بِهِمْ أَلْقُوا إِلَيْكَ الْحَرْصَ ۝ وَإِذَا جَاءَ

الْمُؤْمِنُونَ فَخُذْهُمْ أَزْوَاجَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَزْوَاجُكُمُ

الْيَتَامَىٰ تَصْهَرُونَ مِنْهُنَّ ۝ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

يَعْلَمُ حِكْمًا ۝ وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنَ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

خَبِيرًا ۝ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ

مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جُوفِهِ ۝ وَمَا جَعَلَ أَزْوَاجَكُمُ الْيَتَامَىٰ تَصْهَرُونَ مِنْهُنَّ

لِللَّهِ فَإِنْ تَعْلَمُوا أَنَّهُمْ فَاخْوَئِكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ

عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُم بِهِ وَلَكِنْ مَاتَعَدَّتْ قُلُوبُكُمْ وَكَانَ اللَّهُ

عَفُورًا رَحِيمًا ۝ النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ وَأَزْوَاجُهُ

أُمَّهَاتُهُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ ۝

لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَنْ تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُمْ مَعْرُوفًا ۝

ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا ۝ وَإِذَا خُذْنَا مِنَ النَّبِيِّنَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ

وَأَنْتَ خَافُوتَهُمْ فَتَرَبَّصْ بِهِمْ أَلْقُوا إِلَيْكَ الْحَرْصَ ۝ وَإِذَا جَاءَ

الْمُؤْمِنُونَ فَخُذْهُمْ أَزْوَاجَهُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَزْوَاجُكُمُ

الْيَتَامَىٰ تَصْهَرُونَ مِنْهُنَّ ۝ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝

بسم الله الرحمن الرحيم

من مترجم گوید کفار

در غزوة احزاب بر

مدینه هجوم کردند و آن

حضرت صلی الله علیه و

سلم بخندق متحصن

شدند و از منافقان

سخنان نفاق سرزد

مخلصان استقامت

در زدند و آخر

فتح اسلام واقع

شد و خداوند عز و

جل جلاله آنان و

منت نهادن بر ایشان

نازل ساخت و اوست

مترجم گوید حاصل کلام

آنست که در جهار تفت

ی کنند و اگر جنگ

در مقدمه نفسانی میشد

توقف میکردند ۱۲-

تفسیر عثمانی

عنه سال چهارم و پنجم

هجرت پیوسته تغییر

از مدینه اخراج شده بود

(ذکرش در سورة حشر)

خواهد آمد و در میان همها

گشتند و قریش که بنی

فزیه و منافقان و غیره

قبایل عرب را ترغیب

نمودند تا علیه بشنند

برند و قوه متحده آنها بر

مدینه هجوم میاورد-

تقریباً یک سال و

جز در حدود

دوازده هزار نفر که

با تجهیزات کامل

عسکری مجهز و بر

قوه خود نازل بود

تفصیل گردیده

بنی فزیه که قوه عظمی

آنها جانب مشرقی

مدینه و قوه یا فزیه

با آنکه بیشتر با اسلام

مهاجره کرده بودند از

ترغیب ترسیدند و

بنی نضیر و بنی سدی را

بطایق بنی نضیر

آماده ماندند و بنی سدی

وَمِنْ تَوَحُّدِهِمْ وَأَبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ

مجموعه از توحید و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم و از عیسی پسر مریم

وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا لَيْسَ لَهُ الصَّدُقَاتُ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ

عقوبت محکم تا خداوند تعالی به پسر خدا راست گویان را از راستی ایشان و میبایا کرده است برای کافران

عقوبت محکم تا پسر خدا راست گویان را از راستی ایشان و میبایا کرده است برای کافران

عَذَابًا أَلِيمًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَكُمْ

عذاب درد منهد و اے مسلمانان یاد کنید نعمت خدا را بر خویش و تقبی که آمد بر شما

عذاب درد منال اے مؤمنان یاد کنید احسان و نعمت خدا را بر خود و تقبی که آمد بر شما

جُنُودًا فَارْسَلْنَا عَلَيْهِمُ رِيحًا وَجُنُودًا أَلْمُورَهُاءُ وَكَانَ اللَّهُ بِمُتَّقِنِ

شکر با پس فرستادیم بر ایشان باد را و شکر باد و دیدید آنرا و دست خدا با آنچه می کنید

شکر با پس فرستادیم بر ایشان باد را و شکر باد و دیدید آنرا و دست خدا با آنچه می کنید

بَصِيرًا ۱۱ إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ أَخَذَ الْأَبْصَارَ

بینا چون آمدند بر شما از جانب بالا و شام از جانب پایین شما و چون خیره ماندند و دید

بینا چون آمدند بر شما از طرف بالا و از طرف پایین شما و چون خیره ماند چشمتان

وَبَغَتْ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَنَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا ۱۲ هَذَا الَّذِي أُنْزِلَ

و بر سر دلها و بچشم گردن و گمان می کردید به نسبت خدا گمانهای مختلف آنست که امتحان کرده شد

و بر سر دلها و بچشم گردن و گمان می کردید به نسبت خدا گمانهای مختلف آنست که امتحان کرده شد

الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَلًا شَدِيدًا ۱۳ وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ

مسلمانان را و جنبانیده شد ایشان را جنبانیدن سخت و چون گفتند منافقان و آنانکه

مؤمنان و جنبانیده شدند جنبانیدن سخت و چون گفتند منافقان و آنانکه

بِشَقِّ قُلُوبِهِمْ مَرَضًا ۱۴ وَأَعَدَّ اللَّهُ وَرَسُولُهُ السَّعِيرَ ۱۵ وَإِذْ قَالَتْ

در دل ایشان بیمار نیست و عده ندارد و خدا و رسول او مگر بهر شق قریب داون و چون گفتند

در دل بای ایشان مرض است و عده نکرده و خدا و رسول او مگر عده قریب و چون گفتند

طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا هَلْ يَنْزِلُكُمْ مَقَامُكُمْ فَأَرْجِعُوا وَيَسْتَنْزِلُونَ فَرِيقٌ

طایفه از ایشان اے اهل مدینه سرانے ماندن نیست شما را پس باز گردید و دستوری می طلبید که بر

طایفه از ایشان اے اهل مدینه نیست جاتے بود و باش شما را پس باز گردید و اذن می طلبید که بروی

مِنْهُمْ النَّبِيُّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنَّهُمْ يَبْهَمُونَ

از ایشان از جانب پیغمبری گویند که بیاید خانه های ما نامناسب است و نمیشوند آنجا نهانه نامصبوط سنے خواهند

از ایشان از پیغمبری گویند که بیاید خانه های ما نامناسب است و نمیشوند آنجا نهانه نامصبوط سنے خواهند

الْأَفْرَارَ ۱۶ وَلَوْ دَخَلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَبَّاهُ الشَّقْنَةُ لَانْتَهَى

مگر که بگریختن و اگر در آمده میشد مدینه بر سر ایشان از نوای آن پس طلب کرده عید از ایشان و خانه جکی الیه میماند آنرا

مگر که بگریختن و اگر در آمده بر سر ایشان از نوای آن پس طلب کرده عید از ایشان و خانه جکی الیه میماند آنرا

وَمَا تَلَبَّثُوا فِيهَا إِلَّا بَسِيرًا ۱۷ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا لَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ لَا

و توقف نمی کردند در داون فتنه مگر اندک و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

دور نگه می کردند در آن مگر اندک و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

يُولُونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ۱۸ قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر که در پشت را و بهر آنکه عید بودند یا خدا پیش ازین که

مگر

ان فترتهم من الموت او القتل واذا لا تشعرون الا قليلا قل

من ذا الذي يعصمكم من الله ان اراد بكم سوءا او اراد بكم رحمة

ولا يجدون لهم دون الله وليا ولا نصيرا قد يعلم الله

سوء قلوب منكم والقاتلين لا يخافهم اهله النبا ولا ياتون

البأس الا قليلا ايشة عليكم فاذا جاء الخوف رايتم

ينظرون اليك تدور اعيينهم كالذي يعتب عليه من الموت

واذا ذهب الخوف سلقوكم بالسنة جدا ايشة على الخيل

وليتكم يومئذ اذ احبط الله اعمالهم وكان ذلك على الله

يسيرا يحسبون الاحزاب لم يذهبوا وان يات الاحزاب يودو

واولهم بادون في الاعراب يسألون عن انبيائهم ولو كانوا فيكم

قلوا الا قليلا لقد كان لكم في رسول الله اسوة حسنة لمن

كان يرجو الله واليوم الآخر وذكر الله كثيرا اولي الامر منكم

الاحزاب قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله

وقد جاءكم من ربكم ببينات من الله ورسوله وصدق الله ورسوله

وقد جاءكم من ربكم ببينات من الله ورسوله وصدق الله ورسوله

وقد جاءكم من ربكم ببينات من الله ورسوله وصدق الله ورسوله

وقد جاءكم من ربكم ببينات من الله ورسوله وصدق الله ورسوله

ولا ياتون

البأس الا قليلا

ايشة عليكم

فاذا جاء الخوف

رايتم

ينظرون

اليك

تدور اعيينهم

كالذي يعتب

عليه من الموت

واذا ذهب

الخوف سلقوكم

بالسنة

جدا

ايشة

على الخيل

وليتكم

يومئذ

اذ احبط

الله اعمالهم

وكان ذلك

على الله

يسيرا

يحسبون

الاحزاب

لم يذهبوا

وان يات

الاحزاب

يودو

واولهم

بادون

في الاعراب

يسألون

عن انبيائهم

ولو كانوا

فيكم

قلوا

الا قليلا

لقد كان

لكم في رسول

الله اسوة

حسنة لمن

كان يرجو

الله واليوم

الآخر

وذكر الله

كثيرا

اولي الامر

منكم

الاحزاب

قالوا

هذا ما

وعدنا الله

ورسوله

وصدق الله

ورسوله

وقد جاءكم

من ربكم

ببينات

من الله

ورسوله

وصدق الله

ورسوله

وقد جاءكم

من ربكم

ببينات

من الله

ورسوله

مل یعنی شمشیر

فک یعنی بنی قریظ

فرد آورده ۱۲ و کوفی

خیمه ۱۳ و مترم گوید

از واج آن حضرت چنانکه

نزدیک آن حضرت بود

از دینت و دنیا طلب

میگردید و اشتیاق

ایشان را بر او و در

خود و احکامها شریعت

بایشان نازل شد

و ازین معنی است که

عقده و عقد زید بود

در میان ایشان

نار از گاری بدیده آمد

و فرقه بطلانی بجز شد

و بعد از تقصیر عدت

خداست که او را در حق

از واج طاعت کرد

مناقصان زبان من

کشاد که زن بفر

خود ازین گرفت

خداست که در میان آن

پسر خوانده حکم پسند

نازل ساخت ۱۲ و

مترجم گوید مراد اینجا

اینکه میخواست

برای او را ۱۳

تفسیر عثمان

بقیه ۱۹

اگر چه حقیقت

مسلمان در میان

مشکین و بیرون

در حکم محصور بودند

و چون زنان اطفا

خود را بخانه های محصور

و معنوی رسانیده خود

شان با مستقامت و

شجاعت تمام وظیفه

حفاظت مدافعه را

انجام دادند سرانجام

بتقدیر عاقلانه و لطیف

نیم ابن مسعود را

و ما زادهم الا ایمانا و تسليما من المؤمنين رجال صدقوا

و این ما را نه افزود در حق ایشان مگر باور و تسلیم و مردان ایمان مردانند که راست گردند

و یفزدایش ترا از آنکه دیدن ما مگر ایمان و تسلیم از مومنین با سر و دانه که راست کرده و نشان دادند

فما اهدوا الله عليه فانه من قضي نحبه و منهم من ينتظر

آنچه عهد بسته بودند با خدا بر این پس از ایشان کسی است که با تمام رسانیده و مورد قرار داد خود او بعضی از ایشان است

و اما اهدوا الله عليه فانه من قضي نحبه و منهم من ينتظر

بذل کردند و چه بدل کردند تا جز او به خدا راست گویان را در مقابل دانی ایشان و عذاب کند منافقان را

و اما اهدوا الله عليه فانه من قضي نحبه و منهم من ينتظر

تقدیر دادند عهد خود را هیچ تردید را این واقعه برای آن شد تا جز او به خدا راست گویان و عذاب کند منافقان را

ان شاء اوبتوب عليهم ان الله كان عفورا رحیما و رد الله الذين

اگر خواهد یا بر رحمت باز کرد بر ایشان بر آئینه خدا هست آمرزنده مهربان و باز گردانید خدا

اگر خواهد یا بر رحمت باز کرد بر ایشان بر آئینه خدا هست آمرزنده مهربان و باز گردانید خدا

كفروا بغضهم كما ينالوا خيرا و كفى الله المؤمنين القتال و كان الله

کافران را با خشم ایشان نیاقتند هیچ منفعت و کفایت کرد خدا از طرف مسلمانان در مقدمه جنگ و هست خدا

کافران را با خشم ایشان نیاقتند هیچ منفعت و کفایت کرد خدا از طرف مومنان در جنگ و هست خدا

قويا عزيزا و انزل الذين ظاهروهم من اهل الكتاب من صدق

گواها غلب و فرد آورده آنان را که مدد گاری این لشکر را کرده بودند از اهل کتاب و از کلمه های ایشان

توانا غالب و فرد آورده آنان را که مدد گاری این لشکر را کرده بودند از اهل کتاب و از کلمه های ایشان

وقد في قلوبهم الرعب فريقا تقتلون و تأسرون فريقتا و اورث

و انگشت در دل ایشان خوف طافد و از لشکر و اسیر میگرفتند طاعفرا و عاقبت کار بشمار داد

و انداخت در دل های ایشان خوف گریه را می کشید و اسیری گرفتند گریه را (و غیر آن) داد بشمار

ارضهم و ديارهم و اموالهم و ارضاهم تطوها و كان الله على كل

زمین ایشان را و خانه های ایشان را و اموال آنان و زمینهای را که با مال نموده اند ازین را که لغز سوده اند ازین و هست خدا بر همه

زمین ایشان و خانه های ایشان و اموال آنان و زمینهای را که با مال نموده اند ازین را که لغز سوده اند ازین و هست خدا بر همه

شي قدیرا يا ايها النبي قل لا ارجو ان كنتن شردن الحيوان

چیز گوناگون ای پیغمبر بگو بزنان خود اگر خواسته باشید زندگانی

چیز گوناگون ای پیغمبر بگو بزنان خود اگر شمای خواستید زندگانی

الدنيا و زينتها فقلن امتهكن و اسر حكن سر احا جميلا و

دنيا و آرایش آن پس بپایند تا چه دم شمار و با کلمه شمار را گردن نیک و

دنيا و آرایش آنرا پس بپایند تا چه دم شمار و با کلمه شمار را گردن نیک و

ان كنتن شردن الله و رسوله و الدار الاخرة فان الله اعد للחסن

اگر میخواهید خدا و پیغامبر او و سرای آخرت را پس هر آینه خدا آماده ساخت برای زنان بیکواری کنند

اگر شمای میخواهید خدا و رسول او و سرای آخرت را پس هر آینه خدا آماده ساخت برای زنان بیکواری

منكن اجر اعظم ينساء النبي من يات منكن بفاحش

از شما مزد بزرگ ای پیغمبر هر که از شما برسد بکلیت از شما بدکاری

از شما مزد بزرگ ای پیغمبر هر که از شما برسد بکلیت از شما بدکاری

ميسنة يضعف لها العذاب ضعفين و كان ذلك على الله يسيرا

ظاهر و کفایت دو چند کرده شود دیرا عذاب دو چندان و هست این مقدمه بر خدا آسان

ظاهر و کفایت دو چند کرده شود دیرا عذاب دو چندان و هست این بر خدا آسان

لشکر نامری خداست معروف خوف انداختن در دل کفار بود و این اثباتی بقدرت الله است طوفان شدید - بقیه بر صفحه ۳۴

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَ

و هر که فرما برداری کند از شما خدا را و رسول او را

عَمَلِ صَالِحٍ جَاهِلِيَّتِهَا أَجْرُهَا مَرَّتَيْنِ ۖ وَاعْتَدْنَا لَهُمُ جَزَاءً كَرِيمًا

و عمل صالح بدینیم او را مزد او دو بار و مهیا کنیم برآنها او روزی نیک

لِنَسْأَلَ النَّبِيَّ لَسْتُمْ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنْ تَقْبَلْنَ فَلَا تَخْضَعْنَ

از زنان پیغمبر نیستید شما مانند هر کدام از زنان از سائر زنان اگر بپذیرید اگر چه بپذیرید و بپذیرید

بِقَوْلِ قَاطِعٍ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۚ وَقُلْنَ

در سخن قطع کننده که در دل او بیمار است و بگوئید سخن نیکو و بگوئید سخن نیکو

فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى ۚ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ

در خانه های خود و ظاهر نشیند در مجلس اول مانند ظاهر کردن عادت جاهلیت پیشین بود و بر پا دارید نماز را و

آتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ

بهمید زکوة را و اطاعت کنید خدا و رسول او و گویند جز این نیست که می خواهد خداوند دور کند از شما پلیدی را

أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا ۚ وَاذْكُرْنَ مَا يُلَاكِي فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ

اهل بیت و پاک کند شما را پاک کننده و یاد کنید آنچه بخواند در خانه های شما از آیات

اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ۚ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ

خدا را از حکمت و دانایی را و هر آینه خدا است لطف کننده و خبردار هر آینه مردان مسلمان و زنان مسلمان

وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنِينَ وَالْقَنِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ

و مردان مؤمن و زنان مؤمنه و مردان پندیده و زنان پندیده و مردان راستگو و زنان راستگو

وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُتَّقِينَ

و مردان شکیانی کننده و زنان شکیانی کننده و مردان فروتنی کننده و زنان فروتنی کننده و مردان متقین و زنان متقین

وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُتَّقِينَ وَالْمُتَّقِينَ

و مردان مؤمنه و زنان مؤمنه و مردان حافظت کننده و زنان حافظت کننده و مردان پاک کننده و زنان پاک کننده

لَهُ كَثِيرٌ مِمَّا يَذْكُرُ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ۚ وَمَا كَانَ

برای او بسیار از آنچه یاد کند خدا است خداوند بخشنده و بزرگوار است ایشان را آمرزش بزرگ و پاداش بزرگ

لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ۚ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُقْبِلُوا عَلَى الْقَوْمِ لِيُجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

برای شما مغفرت و پاداش بزرگ و آنچه یاد کند خدا است خداوند بخشنده و بزرگوار است شما را که بخواهید بجای آنها بجنگید

خونناک باد پیدا شد
کریم سکرینه باب
چهره های کفایت خود
آتش با شکر افروخته
بودند از شعله باطن
گرمی و گرمی های شین
بزمین افتاد و پیچ
صورت بخت و پیر
نوازشند بر عاده
از شدت باطن
غلبه و صلب بارها
شده و کفایت خود
و تانگی طاقت فرسا
نموده در آخران شکر
کنار پریشان و سر
امیر شد بالا خراب
سفیان که توانا
زبردست نشان بود
میل رحیل نواخت
نهار تمام شکر گذار
بر کوشش پرورده
خائب و خاسر بر سر
خود رفته و کوفی
الکند و منین القبال
کان الله و یومئذ
این جنگ با جنگ
احزاب او با حای
جنگ خندق هم
می گویند و موم بر سر
من و بدو بحالت فاقه
و کمر سستی خندق کنند
و بین تو و او و دشمنان
محمود شد و جنگیدن
حالاتی بود که فقیهین
را زبانی دل خود را می
آوردند و مومنین
از زینت و استقامت
نمودند و حضرت علی
الله علیه السلام در چنین
جنگ فرموده اند که در
آینده کفار بر او هجوم
نموده نمی توانند بیکجا
بر آنها هجوم خواهند برد
چنانچه پیش از ظهور
رسیده و حیثیت
و جوشانند و زنان

دل یحییٰ ایس
 منسوب به سید
 میرزا یحییٰ نقی
 مبرور ۳۰
 گوید این آیت ناسخ
 آیت سابق است
 و این نیز ناسخ
 تفسیر عثمانی
 بقیه ص ۴۴
 بهر حال چون حیثیت
 خانم انی حضرت ۶
 زینب بسیار
 بلند بود و زید
 بن حارث ظاهر
 دارغ غلامی را بر او
 آزاد شده بود لهذا
 خود او نیز برادر او
 رضای مناجات را
 بازید نداشت لیکن
 منظر خدا در سوال این
 بود که چه تفریقات
 و امتیازات مبرور
 در راه نجات قضا
 حاصل نشود. بنا بر این
 آن حضرت زینب و
 برادرش را مجبور کرد
 که این مناجات را قبول
 کنند. آن وقت این
 آیات نازل شد و
 ایشان رضای خود را
 زبان رضای خدا
 و رسول کردند و هیچ
 زینب بازید بر حارث
 منعقد گردید. ص ۵۵
 حضرت شاه صاحب
 می نویسد که اگر مردی
 پیش ازیک زن داشته
 باشد مرد واجب است
 که پیش از یک زن
 نبوت برده بکشد این
 بر آن حضرت واجب بود
 و این حکم ازین صبیحه
 که در این طهارت آنرا
 حق خود ندانند کسی
 که بدین اسم را افاضی
 است حکم نمیکند و قبول
 نمیکند پس کتبش

ادنی ان نقرأ علیهم ولا یحزن ویرضین بها آتیتهن کما هن ط
 از آنکه ننگ شود چشم ایشان و اندوه نگیرد و راضی باشد به آنچه داده بجهت ایشان را
 و الله یعلم ما فی قلوبکم و کان الله علیما حلیم ۱۱ لا یحیل لک النساء
 و خدا میداند آنچه در دل های شماست و هست خدا دانایا برادر بار
 و خدا میداند آنچه در دل های شماست و هست خدا دانایا برادر بار
 من بعد ولا ان تبدل بهن من ازواجه ولو احببتمهن الا ما
 بعد ازین و نه حال است آنکه بدل کنی بجای ایشان زنان دیگر را و اگر اشتیاق کردی ترا حسن ایشان مگر آنچه
 بعد ازین و نه حال است آنکه بدل کنی بجای ایشان زنان دیگر را و اگر اشتیاق کردی ترا حسن ایشان مگر آنچه
 ملک یمین و کان الله علی کل شیء رقیباً ۱۲ الذین امنوا
 مالک شد دست تو و هست خدا بر همه چیز نگهبان و ای مسلمانان
 لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم الی طعام غیر نظیرین
 و نه بیاورید بختنه ها را باینکه میگوید و مسکری و عتیق و مسکری داده شود شما را براس طعمی نه انتظار کسان
 در نیاید بختنه های پیغمبر مگر آنکه آذن داده شود بر شما بخوردن طعام در حلی که نظر نیاید
 انه و لکن اذا دعیتهم فادخلوا فادخلوا فادخلوا فان شربوا و
 بختنه شدن طعام را و لیکن چون خوانده شود شما را در آمد پس چون طعام خوردید بپراکنده شود و نه
 بختنه شدن آن را و لیکن چون خواسته شود پس در آمد پس چون طعام خوردید بپراکنده شود و نه
 مستانین کذب ان ذلکم کان یؤذی النبی فیسبخی منکم
 آرام گیران راست می گویند این کار میسر نمیگردد باینکه میسر را پس شرم میداشت از شما
 و الله لا یستحی من الحق و اذا سالتهم عن متاع النساء فقلوا هن من
 و خدا شرم نمیدارد از سخن راست و چون طلب کنید از زنان پیغمبر بختنه پس طلب کنید آنها را
 و خدا شرم نمیدارد از سخن راست و چون خواهید از زنان پیغمبر متاعی پس طلب کنید از ایشان را
 و آء حجاب ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهم و ما کان لکم ان تؤذوا
 پس بپوشد این خلعت پاک ترست براس دل شما و دل ایشان و سزاوار نیست شما را که بر ایشان
 رسول الله و لا ان تنکحوا ازواجه من بعده ابداً لان ذلکم کان
 پیغمبر خدا را و نه آنکه کس کند زنان او را پس از دوسه هرگز هرگز بپوشد این کار هست
 پیغمبر خدا را و نه اینکه به کس بپوشد زنان او را پس از دوسه هرگز هرگز بپوشد این کار هست
 عند الله عظیم ان تبدوا شیء او تخفوه فان الله بکل شیء
 نزد یک خدا گناه بزرگ است اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس هرگز بپوشد خدا هست
 نزد خدا گناه بزرگ است اگر آشکارا کنید چیزی را یا پنهان دارید آنرا پس هرگز بپوشد خدا هست
 علیهم الا جناس علیهم فی ابائهم و لا ابناؤهم و لا اخوانهم
 و ایست بر سر بر زنان در پیرده پوشیدن پیش پدران خویش و پیش پسران خویش و نه برادران خویش
 و ایست بر سر بر زنان در پیرده پوشیدن بر سر پدران ایشان و نه پیش پسران خود و نه برادران خود
 و لا ابناؤهم و لا اخوانهم و لا ابناؤهم و لا ابناؤهم و لا ابناؤهم
 و نه پسران برادران خویش و نه پسران خواهران خویش و نه زنان هم خویش و نه زن آئینده مالک آن شده
 و نه نزد پسران برادران خود و نه نزد پسران خواهران خود و نه نزد زنان خود یعنی زنان مسلمانان و نه نزد آنچه مالک آن است

بهره و این کتبش و نزاع پیدا شده و در مساجد دین طایفه ای آمده و نظردان هم از دنیا بلی کشته شده و توبه مقصدی می گردید و در علم و اندیشه نبوت مسخری می بودند اینان

ما یزعمون یوم یوم
وقتی غفلت می کردید
بنی اسرائیل گفتند که
اوداومت در دین
عجب اتفاق افتاد که
آیه غفلت می کردید و جاهل
خوبتر است که جاهل بود
ایمان خداوند است
آن سنگ روان شد
موسی غلبه شد و
تا آنکه جاده ازین
اسرائیل بریان
دیدند گفتند
ادمت ندارد و ادبت
انتفاع خدی را گویند
والله اعلم بالصواب
استعداد و تعلیم
یاد و آموختن و آموختن
و الله اعلم بالصواب
و علم ندارد و قابلیت
آنها دارد و الله اعلم
تفسیر شریفی
عنه العالی و یاری
کنند که سبب انجلی
پیغمبران که در جود
آیه و جاهلست پیغمبر
نزد الله تعالی بسیار
است با و بیچ گویند
نقص نیست چرا
تعالی تا که چیزی را از
رسان را از پیغمبر خود
روی کند آری خبر
خرابی عاقبت برای
شماست بیبینید که
مردم یوم یوم علیه
چند بنیاد ازین
بار شدند
مگر الله تعالی از بسیار
و جاهلست و مقبولیت
او چه را باطل کرد و انجا
بے خدا بے عیب
بودن یوم یوم علیه السلام
و اثبات رسانید
در روایات است که
بعضی مفسرین بر حق
موسی علیه السلام
تحت کردند که حضرت یارون را بکشتن برده بکشتن برده بکشتن برده بکشتن برده

وَلْيَاؤُلَا نَصِيرًا ۝ يَوْمَ تَقَلُّبُ وَجُوهُهُمْ فِي التَّارِيقُونَ ۝ يَلَيْتُنَا

برایم دوستی و یاری و منیده روزی که گردانیده شود روی ایشان در آتش گویند آه ما را

أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ ۝ وَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا سَادَتَنَا وَكَبَرَاءَنَا

فرمان می بردیم خدا را و فرمان می بردیم پیغمبر را و گویند ای پروردگار ما را بزرگواران خود را و بزرگان خود را

وَأَضْلَلْنَا السَّبِيلَ ۝ رَبَّنَا إِنَّهُمْ مِثْلُ خِفَّتٍ مِنَ الْعَذَابِ ۝ وَالْعَنَاهُمْ لَعْنًا

پس گمراه ساختند ما را از راه اے پروردگار ما را بده ایشان را و چندان از عذاب و لعنت کن ایشان را لعنت

كَبِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ أَذَا مَوْسَىٰ فَبَرَّاهُ اللَّهُ

سخت اے مسلمانان مباشید مانند آنکه را بنی بنیامین موسی را پس پاک مراخت خداوند او را

مِنَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

از آنچه گفتند بودند و دوست نزدیکی خدا با ابرو علی اے مسلمانان بترسید از خدا

وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۝

و بگویند سخن استوار تا بصلح آرد کردارهای شما را و برطرف کند گناهان شما را و

مَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ۝ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى

سركه فرمانبرد خدا و رسول او را پس بر آید طلب باب است بفرمودی بزرگ بر آید بزرگواران را و

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا ۝

آسمانها و زمین و برزخین و برکوهها پس قبول نکردند که بردارند آنها و ترسیدند از آن و

حَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ۝ يُعَذِّبُ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ

برداشت آنها آدمی هر آینه و ستمگر نادان قلند و خود را از عذاب کند خداوند منافق

وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ

و زنان منافق را و مردان مشرک و زنان مشرک را و برگشت رجوع کند بر مردان مسلمانان و

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝

و زنان مسلمان و برگشت خدا آمرزنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الأرض وله الحمد في

جبروت و استعلاست که بدست او است آنچه در آسمان است و آنچه در زمین است و در او است ستایش در

جبروت و استعلاست که بدست او است آنچه در آسمان است و آنچه در زمین است و در او است ستایش در

تحت کردند که حضرت یارون را بکشتن برده بکشتن برده بکشتن برده بکشتن برده

تفسیر صفی ۳۲۷ - و در
 مومنین است که حضرت
 در فضیلت روح مرد
 آنحضرت از مردم پنهان
 غسل می کرد - مردم گفتند
 که بدن او در ای
 عیب است یعنی رخ
 بر من دیده و یا خفته
 او را می دید - روزی
 حضرت موسی علیه السلام
 خواست بخواب و غسل
 کند لباس را از تن کند
 به سخی تنها آن سنگ
 کلاه را گرفت و گفت
 حضرت موسی با او
 خود در عقب آن دیده
 سنگ در حالیکه مردم
 دیده و خوانند الی الله
 شد - همه مردم
 علیه السلام را برهنه
 و دانستند که در وجود
 او چیزی نیست شایسته
 چه خوب گفتند پوشیده
 لبش بود و عیبی دیده
 به عیبان را لباس
 عربانی داد - بعض
 مفسرین نوشته اند که
 قدس برین یک مقدار
 پول داد تا نسبت به
 موسی تمیز دهند
 او و صحبت مرد و هم
 نو که موسی علیه السلام
 را عیال و بانشا بادی
 گرفتار است با فقر
 حق قضاے قادر و
 در زمین فرو برد و بایشان
 همان زن تزویج
 نسبت را نمود چنانکه
 در سوره به قصص
 گذشت (تفسیر)
 و دیدن موسی علیه السلام
 بحالت برهنگی در پی
 سنگ از سبب مجرب
 و به اختیار خود و
 شایان خیال هر پدرش

الْآخِرَةُ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۝ يَعْلَمُ مَا يَكُونُ فِي الْأَرْضِ فَمَا يُخْرِجُ مِنْهَا
 آخرت و اوست با حکمت آگاه
 میداند آنچه در ای زمین و آنچه بر می آید از وی
 آخرت و اوست با حکمت همه چیز آگاه
 میداند آنچه در ای زمین و آنچه بر می آید از وی
 وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرَجُ فِيهَا ۝ وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ۝ وَقَالَ
 و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا می رود در وی
 و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا می رود در وی
 الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِيَنَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَكُمُ الْعِلْمُ الْغَيْبِ
 کافران (کافران) نمی آید بر ما قیامت بخیر ای آری قسم است که
 می آید بر شما و آنچه در ای زمین و آنچه بر می آید از وی
 لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا
 غیب نمی شود از وی سوزن ذره در آسمان یا
 غیب نمی شود از وی هیچ مقدار ذره در آسمان یا
 أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۝ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ
 خود ترا از آن و نه بزرگ تر مگر کتب است در کتاب ظاهر
 هیچ چیز خود ترا از آن و نه بزرگ تر از آن مگر در کتاب آشکار است
 آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِثَةٌ كَثِيرَةٌ ۝ وَالَّذِينَ
 ایمان آوردند و عمل با صواب کردند آن جماعت ایشان راست آمرزش و روزی گرامی و آنانکه
 ایمان آوردند و کردند اعمال شایسته آن مردمان اند که برای ایشان هست آمرزش و روزی گرامی و آنانکه
 سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزِ آيَةٍ ۝ وَيَكْفُرُ
 سعی کردند در آیات ما مقابل کنند آن جماعت ایشان تراست عذاب از عقوبت در دهنده و سعی میکنند
 سعی کردند در آیات ما برای شکست دادن و مقابل کنند آن مردمان مرا تراست عذاب شدید و در دهنده و سعی میکنند
 الَّذِينَ أَوْسُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَكْفُرُ
 آنانکه داده شده است ایشان را علم چیزی را که خود آورده شده است از جانب پروردگار تو راست است و دلالست که در
 آنانکه داده شده است ایشان را علم چیزی را که خود آورده شده است از جانب پروردگار تو راست است و دلالست که در
 إِلَىٰ صَرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ
 بسوی راه هدایت غالب ستوده کار و گفتند کافران باید بگویند آیا دلالست کهیم شما را بر
 بسوی راه (خدای) غالب ستوده کار و می گویند کافران آیا دلالست کهیم شما را بر
 رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُرِقْتُمْ كُلٌّ مِّنْكُمْ قُلْ إِنَّمَا رَفَعْتُ خَلْقَ جَدِيدٍ ۝
 مردی که خبر می دهد باینکه چون پاره پاره کرده شودید تمام پاره پاره میشوید بر آئینده شما و از آفرینش نو پاشیده
 مردی که خبر میدهد شما را چون پاره پاره کرده شودید باینکه پاره پاره شده (بر آئینده) شما و از آفرینش نو پاشیده شده
 أَفَتُرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جُنَّةٌ مُّبِيلٌ ۝ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ
 آیا بر بسته است بر خدا و در راه یا با وجودی هست باینکه آنانکه ایمان نمی آورند با آخرت
 آیا افرا کرده است بر خدا و در راه یا با وجودی است نه چنین است آنانکه یقین ندارند به آخرت
 فِي الْعَذَابِ وَالصَّلَ الْبَعِيدِ ۝ أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا
 در عقوبت باشند و در کمر ای دور اند آیا ندیدند بسوی آنچه پیش روی ایشان است و آنچه
 در عذاب و در گرامی دور افتاده اند آیا نمی بینند و ندیدند به آنچه پیش روی ایشان است و آنچه
 خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ ۝ إِنَّ شَأْنَهُمْ خَسِيفٌ ۝
 پس پشت ایشان است از آسمان و زمین اگر خوانیم نزد پریم ایشان را بر زمین یا
 پس پشت ایشان است از آسمان و زمین اگر خوانیم نزد پریم ایشان را بر زمین یا

نموده و با شکسته به محیی رسیده موسی علیه السلام را ایستاده خواهد بود و حرکت سنگ بخود نشانی عادت بود - بقیه بر ص ۳۲۸

لایقین عمارت طاعت
بجست و سرسرایین
بود پس گویا عبادت
شایان کردند ۱۱

تفسیر عثمانی
عنه تن بدعتی که
آیات خدا را در خود
طرف طعن قرار داده

مردم را از آن با نیک
دارند گویا می پندارند
که خدا و رسول را

شکست میدهند
پس همه آنها گرفتارند
برای محکوم شدن به
عذاب حاضر کرده می

شوند نه هیچ یک غلط
شود و در ذکر حق می
توانند عباد این طبع
برای مسلمانان است

که از لطف او در راه
خیر و تقوی افاضل شود
نمیخورد خروج کردن از
رزق نمی باشد روزی

مقدور به صورت بشا
میرسد و مقدور چیز که
خدا می تالی بکند خود
بخوابد کسی بدخود

گنبد یا ننگد هیچ کس و یا
نیشی واقع نمیشود بلکه
آنقدر او ضرر من
کند برکت عاید میشود

حق تعالی و حاکم آنرا
میدهد خواه آن عرض
بصیرت مان فلان بگویند
یا بشکل تفاوت و

غزای غنی و واصل
مداومت در آخرت هم
یقینی است غلام
نزد او می نرسد چیزی که

ندارد و سالی نباید که
نسبت بکفایت برسد
مستحق ال همیشه
خوشش نمیشود

و در مقابل جزوی
او اندک فقر و قاعده
در دل راه نداده و

ادنا مرونا ان تکفر بالله ونجعل له اندادا واسروا التذات لکما
چون میفرمودید ما را که کافر شویم بخدا و مقرر کنیم برای او همشایان شد بدینسان و او میشد بهمانند ما
چون امری کردید ما که کافر شویم بخدا و مقرر کنیم برای او همشایان شد بدینسان و او میشد بهمانند ما
راوا العذاب وجعلنا الاغلل فی اعناق الذین کفروا هل یحزرون
بهینند عذاب را و بیاوریم طوقها در گردن
چون بهینند عذاب را و بیاوریم طوقها در گردن باقی
الا ما کانوا یعملون وما ارسلنا فی قریة من نذیر الا قال
گرونی آنچه می کردند و نه فرستادیم در هیچ دینیم کننده را
مگر مواتی آنچه می کردند و نه فرستادیم در هیچ قریه یحیی نیم کننده
مذکره ها انابما ارسلتم به کفرون وقالوا نحن اکثر اموالا
سپاس آن دین بر آیتها با آنچه فرستاده شده است شمارا همراه آن نمانندیم و گفته ما زیاده تریم یا اعتبار جوان و
شماران (خود متندان) آن (بر آیتها) فرستاده شده آید به آن نماندیم و گفته ما زیاده تریم یا اعتبار اموال و
اولاد الا و ما نحن بعد بین قل ان ربی یبسط الرزق لمن
اولاد و بلیسم ما عذاب کرده شده
بگو بر آیتها پروردگار من گشاده میکند روزی را بر آن هر که
اولاد و بلیسم ما عذاب کرده شده
بگو بر آیتها پروردگار من عذاب را بر آن هر که
یشاء ویقدر ولکن اکثر الناس لا یعلمون واما اموالهم واولادهم
خواهد و بلیسم بر آن هر که خواهد و لیکن اکثر مردمان نمیدانند و نیست اموال و اولاد و
خواهد و بلیسم بر آن هر که خواهد و لیکن اکثر مردمان نمیدانند و نیست اموال و اولاد و
بالتی تقر بکم عندنا زلفی الا من امن وعمل صالحا فاولئک لهم
آنچه که مقرب گرداند شمارا نزدیک با هر چه قربت لیکن مقرب آنست که ایمان آورد و کرد ارادت الهی پس بر آن عبادت است
چیزی که مقرب گرداند شمارا نزد ما نزدیکی گردانند لیکن مقرب آنست که ایمان آورد و کرد ارادت الهی پس بر آن عبادت است
جزاء الضعف بما عملوا وهم فی العرفه امنون والذین یسعون
جزا است دو چند بمقرب آنست که عمل کردند و ایشان در کوششهای بلند امین باشند و آنانکه سعی می کنند
جزای دو چند بسبب آنچه کردند و ایشان در نصیب بلند امین باشند و آنانکه سعی می کنند
فی آیتنا معجزین اولئک فی العذاب محضرون قل ان ربی
در آیتها معجزانان آن جماعه در عذاب حاضر کرده ستونند
بگو بر آیتها پروردگار من
در آیتها معجزانان آن جماعه در عذاب حاضر کرده ستونند
بگو بر آیتها پروردگار من
یبسط الرزق لمن یشاء من عباده و یقدر له و ما نقمت من شی
شاده می کند روزی را بر آن هر که خواهد از جمله عباد خود
شده می گرداند رزق را بر آن هر که خواهد از جمله عباد خود
فمن یخلفه و هو خیر الرزقین و یوم یحشرهم جمعا ثم یقول
پس خدا عرض آن را دهد و او بهترین رزق است و روزی که بیاورم و خدا ایشان را همگی جایز بگوید
پس خدا عرض آن را دهد و او بهترین رزق است و روزی که بیاورم و خدا ایشان را همگی جایز بگوید
للملئکه اهلوا ایاکم کانوا یعبدون قالوا سبحک انت ولینا
بر فرشتگان آیتها ایشان شمارا عبادت می کردند فرشتگان گویند یا کی تراست ما بوی تو ایم نه بوی آنها را تو کار
بر فرشتگان آیتها ایشان شمارا عبادت می کردند فرشتگان گویند یا کی تراست ما بوی تو ایم نه بوی آنها را تو کار
من دورهم بل کانوا یعبدون البجن اکثرهم بهم و یمنون
سوائه ایشان بجز ایشان عبادت می کردند و لیکن اکثر ایشان بدیوان اعتقاد داشتند
بجز ایشان بجز ایشان عبادت می کردند و لیکن اکثر ایشان بدیوان اعتقاد داشتند
بجز ایشان بجز ایشان عبادت می کردند و لیکن اکثر ایشان بدیوان اعتقاد داشتند
بجز ایشان بجز ایشان عبادت می کردند و لیکن اکثر ایشان بدیوان اعتقاد داشتند

در آیتها معجزانان آن جماعه در عذاب حاضر کرده ستونند

نشان دهنده عرش است و تقیید در بیت گویا پس عزت هم شده و فرمود که چون نکرده ایما بقدر تشکی لفظی رزق و ضعیف مرام تفاوت است در آخرت هم با اعتبار مراتب ثواب و عذاب

فل مترجم گوید این
هر دو آیت تفسیر
ست یا س ایشان را
از شافعی حق است
و لا یعنی از اعلان خبر
و شرافت یعنی بوج
محفوظ ١٢

تفسیر عثمان
عنه این قریه نزد اکثر
نویسندگان مشهور
و انظار می باشد
و کدر مکتب شام
است و در باب
بیشم و یازدهم
کتاب اهل
را حیل
شبهه ١٨

شهر انطاکیه بانکه
تفاوت میان شده
است لیکن این کثیر
در وجه الله از حقیقت
تاریخی و از روی
سابق قرآن بران
بعضی اعتراضات
کرده است اگر

آن اعتراض با صحیح
باشد باید قریه دیگری
را تسلیم نمود و الله اعلم
بیان این قصه برای
مؤمنین بشارت و
برای کافران عبرت
ی باشد

بسته ایشان را نمی
توان بطور محققین
نمود و نه بطور یقین
می توان گفت که این
باستقفا فرستادگان
الله تعالی بودند و یا

بواسطه پیغمبری حکم
شده بود که بطور انبیا
و نه فلان قریه بوده
بر دو احتمال است
مگر خدا در قرین به
قیاس میسر است که
پیغمبران باشند شاید
یعنی حضرت مسیح
علیه السلام نبوت شده باشد

خلفهم سداً فأغشى عنهم فهم لا يبصرون ٩ وسواء عليهم

پس پشت ایشان را دیوار می زدند و از بین ایشان را هیچ نمی بینند و
غیب ایشان دیواری پس پرده انداختیم بچشم بانه ایشان پس ایشان را هیچ نمی بینند

أندرتهم أم لم تنذرهم لا يؤمنون ١٠ إنا ننبئهم من اتبع

که بگویم کفر ایشان را یا نیکم کفری ایشان را امان ندارند بچشم نیست که می ترسای
که ترسای ایشان را یا ترسای ایشان را ایمان می آرند

الذکر وخشى الرحمن بالغيب بنبشرة بغفرة وأجر كبير ١١ إنا

پس کند و ترسد از خدا غایبان پس بشارت ده و ادراک از مرض و مزد گرامی هر آینه ما
کند بپند رو ترسد از رحمن بدون دیدن پس بشارت ده و ادراک از مرض و مزد گرامی هر آینه ما

نحن نحي الموتى ونكتب ما قدموا واثارهم وكل شيء احصيناه

زنده می گردانیم مردگان را و نویسیم آنچه پیش فرستادند و وی نویسیم نقش اقدام ایشان را در هر چیز که احاطه کردیم
زنده می گردانیم مردگان را و نویسیم آنچه پیش فرستادند و آثار را که در عقب گذاشتند و هر چیز شمرده و ضبط کرده ایم

في أمم مبين ١٢ وأضرب لهم مثلاً أصحاب القرية إذ جاءها

در کتب با هر وقت و همان کتب برای ایشان داستان قصه اهل دیه چون آمدند بآن دیه
آزاد را اهل دوشادوش و بیان کن برای ایشان یک مثل مردمان آن قریه مسود شده چون آمد به آن ده

المرسالون ١٣ إذا أرسلنا اليهم اثنين فكذبوهما فعزنا بكالث فقالوا

آنگاه فرستادیم بگوئید ایشان دو کس را پس بدو وعده نمیکردند ایشان را ترا پس ثبوت دادیم به
فرستاده شدگان بعد از آن که فرستادیم بگوئید ایشان دو کس پس کذب کردند آن مرد را پس ثبوت دادیم بگوئید ایشان را ترا پس ثبوت دادیم به

إنا اليكم مرسلون ١٤ قالوا ما أنتم إلا بشر مثلكم وما أنزل إلركم

هر آینه ما بگوئید شما فرستادگانیم اهل دیه گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نه خود فرستاده است حد
هر آینه ما بگوئید شما فرستاده شدگانیم ما گفتند مردمان قریه نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نه خود فرستاده است رحمن

من شيء إن أنتم إلا كاذبون ١٥ قالوا ربنا يعلم إنا اليكم

هیچ چیز نیستید شما مگر دروغگو گفتند پروردگار ما میداند که هر آینه ما بگوئید شما
هیچ چیز نیستید شما مگر دروغ می گوئید گفتند آن سفر پروردگار ما میداند که هر آینه ما بگوئید شما

لهم رسالون ١٦ وما علينا إلا البلاء المبين ١٧ قالوا اتظنوننا بكم

فرستاده شدگانیم و نیست برای ما مگر پیام رسانیدن ظاهر گفتند هر آینه ما مشکون بدر گزینیم به شما
فرستاده شدگانیم و نیست بر شما مگر پیام رسانیدن روشن گفتند اهل قریه هر آینه ما مشکون بدر گزینیم به شما

لئن لم تنتهوا لنرجسكنكم و ليمسكنكم من عذاب اليم ١٨

اگر باز نیایستد (ازین کار) بر آئینه ستمکاریم شمار او البت پرستد شما را عذاب دردناک
اگر باز نیایستد (ازین کار) بر آئینه ستمکاریم شمار او البت پرستد شما را عذاب دردناک

قالوا طاعكم معكم أين ذكركم بل أنتم قوم مسرفون ١٩

گفتند شما کون بد شما را که شماست آیا اگر میزداد و شود شما را بر شكون بد تل گنید بلکه شما را به از حد گذشته اید
گفتند فرستادگان نال بد شما همراه خود شماست آیا اگر میزداد و طاعت میزداد و عذاب میزداد بلکه شما را قوی

وجاء من أقصا المدينة رجل يسبع فقال يقوم اتبعوا

و آمد از دور ترین محلهای آن شهر مردی سبعتان گفت ای قوم من پیروی کنید
و آمد از فتنه های آن شهر مردی که میزدید گفت ای قوم من پیروی کنید

المرسليين ٢٠ اتبعوا من لا يسئلكم أجرا وهم مهتدون ٢١

آن پیغامبران را پیروی کنید کسی را که نمی طلبد از شما هیچ مزدی و ایشان را راه یافتگان اند
فرستادگان را پیروی کنید کسی را که نمی طلبد از شما هیچ مزدی و ایشان را راه یافتگان اند

علا لاسم نبوت شده باشد

صلی بنی برین از
انفساے رفته اند
۱۲ صلی بنی شتر و کر

گدن ۱۲
تفسیر عثمانی

عنه آفتاب راه نقره
خوش را شغای یابد

و بقدر یک دقیقه یک
الکنت هم از این نقره

و شافری شود و انقطاع
که بدین معروف است

باز می آید و در گوش
شب روز و حرکت

سالیانه خود منازلی
معین و مقرب و احسان

ملی می کند پس بفرمان
خداوندی در دین حدیث

در از آنجا مشرعی
کنند و این نظام را تفسیر

قیامت بهین طریق
جریان دارد و نگاه

و قتی فرستد که یاد
حکم داده میشود که از

مغرب برگردد و این
بهان دخی است که در

بای تو بر دای می بندند
نه که در فی الحقیقت

البعج حقیقت این
است که تمام این نظام

طالع و غروب آفتاب
از طرف آن نفوذ آفتاب

و با خبر بر باشد است
که یک ربع کس نظام

او غلبی دارد و کرده غلبی
و در وقت و دانای

او انتقادی گرفته اند
بر وقت و هر طور که

خودش اراده کند که
این نظام را بر هر چه

در بهم نماید کسی مجال
انکار ندارد و عسل

حضرت شاه صاحب
در حمد الله و باب

تجسیر لا الشری بنی
لها ان تدک القفر

نکته بیان می نماید که
و تیک ماه و آفتاب در آخر ماه یکجا می شوند ماه را میگیرد

وَمَا لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَايَةُ لَهُمُ اللَّيْلُ تُسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارُ فَاذَاهُمْ

و از آنجا ایشان نمیدانند و نشانه هست ایشان را شب است که شب می کشیم از آن روز را پس ناگهان ایشان در

و از آنجا نمیدانند و یک نشانه است برای ایشان شب می کشیم از آن روز را پس ناگهان ایشان در

مُظْلِمُونَ ۝ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

تاریکی آیندگان باشند و آفتاب میرود بر است که قرارگاه و است این است اندازه خداست غالب

تاریکی می باشند و آفتاب میرود بقرارگاه خود این است اندازه خداست غالب

الْعَلِيمُ ۝ وَالْقَمَرُ قَدَرٌ مِنْ ذُرَىٰ عَادٍ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ ۝

دانا و ماه مقرر کردیم بر آن و منزل با تا آنکه باز گردد بشکل سابق که

دانا و برای ماه مقرر کردیم منزل با تا آنکه باز گردد و مانند شمشیر که

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ

نه آفتاب می رسد و شب که در یابد و نه شب سبقت کننده است بر روز و هر یک

نه آفتاب را سزاوار است که در یابد و نه شب سبقت کننده است بر روز و هر یک

فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۝ وَايَةُ لَهُمُ أَنْ أَكْمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفَلَكِ

از آفتاب و ماه دستار در آسمانی میری کنند و نشانه هست ایشان را که ما بر یاد ایشان قوم بنی آدم را در کشتی

در مدار خود شنای کند عه یک نشانه است ایشان را که در آئین ما بر داشتیم پس ایشان را در آن کشتی

الْمُشْحُونِ ۝ وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ ۝ وَإِنْ نَشَاءُ نَغْرِقْهُمْ

بر کرده شده و آفریدیم بر آن ایشان اند کشتی آینه سواری شوند بر آن فلک و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را

پس کرده شده و آفریدیم بر آن ایشان اند کشتی آینه سواری شوند بر آن فلک و اگر خواهیم غرق کنیم ایشان را

فَلَا صَرِيحٌ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنْقِذُونَ ۝ إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ ۝

پس هیچ فریاد رس نباشد بر آن ایشان و نه ایشان را باره شوند لیکن رحمت کردیم از جانب خود و بهره متاعیم تا آنکه

پس نباشد فریاد رسی بر آن ایشان و نه ایشان خلاص کرده شوند مگر از روی رحمت خود و برای بهره مندر حق تا وقتی

وَاِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝

و چون گفته شود بایشان که بترسید از عقوبت که پیش دوست شما باشد از عقوبت که پس پشت شما باشد بود که بر شما کرده شود از عقوبت

و چون گفته شود بایشان که بترسید از عقوبت که پیش دوست شما باشد از عقوبت که پس پشت شما باشد بود که بر شما کرده شود از عقوبت

و چون گفته شود بایشان که بترسید از عقوبت که پیش دوست شما باشد از عقوبت که پس پشت شما باشد بود که بر شما کرده شود از عقوبت

وَأَكْرِأَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ ۖ وَفُخِّرَ فِي الصُّورِ فَأَذَاهُمْ مِنَ الْجَدَاثِ

دندان خود باز کردند و دمیده شود در صورتی که ناگهان ایشان از قهر با
دندان خود بازگردیدند و دمیده شود در صورتی که ناگهان ایشان از قهر با

إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ ﴿١﴾ قَالُوا أَيَوِيلُنَا مِنْ عِبْنِائِمْ مُرْتَدٍّ بِهَذَا هَذَا مَا

سوتے پروردگار خود می شتابند گویند ای وای برما که سزا یگفت مار ۹۱ از خواب گاه مارماری نیار بگفت مشدود است

وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ﴿٥﴾ إِنْ كُنْتُمْ إِلَّا صَاحِبَةٌ

کودعه داده بود خدای تعالی و راست گفتند پنهان
بچه خدای کرده بود رحمن و راست گفتند پنهان

وَأَحَدُهُ فَإِنَّهُ جَمِيعٌ لِدِينَانَا وَنَوْمٌ وَلَيَوْمٌ أَنْ تَنْظُرَ نَفْسُكَ شَيْئًا

پس ناگهان ایشان جمع آورده نزد یک حاضر کرده مشرب باشند پس امروز هم کرده بخوابند و فردا

لا يخذون اما كنتم تعلمون

جزا داده نخواهید شد و آنچه ایچ می گردید هر آینه ایل بهشت امروز در کار است

و اما در این کتاب که در این باب است

ایشان و زنان ایشان در سایه ما بر تخت بازده

[illegible]

را بهشت میوه و ایشان راست آنچه طلب کنند گفته شود سلام یاد از جانب پروردگار همیشه بان و

و این را در کتاب خود ثبت فرموده است و در کتاب خود ثبت فرموده است


و کیم خدا شود امر و نه ای گناه کاران

الشیط

سید شیطان را هر آینه و سه شماراد غم آشکار است و آنکه پیوسته مرا این است

[illegible]

و هر آینه که راه ساخت شیطان از قوم شما حق کیسار را

در است (و هر آینه که از دست او بیاید را) 

این آن دوزخ است که وعده داده می شد شما را در کیند بان امروز بسپ

در ۷ شهریور این روز سبب

فرمودن خود امروز مهربانم بر زبان ایشان سخن گوید با دستهای ایشان و گواهی دهد

کفری گردیدند ۱۵ اردو مہری نہیں بر دہان ہای ایشان و سخن گوید با دوست ہائے ایشان و گواہی میدہد

جہاں پہاڑ اور ایسی بیویں اور عورتیں تھیں جن کی ہر بات پر ان کے شوہر اور بچے کی زندگی کا خطرہ تھا۔

ای ایشان به آن علی که می کردند و اگر خواهم نابود کنم چشم بای ایشان را

میدکاز نیمیدن سخنان عاری هم ظاهر شدیدی. اکنون حصار با کلاوت پای خود را به پیشبرد. اینک دورخ آگاهده است که در سموت ارتقا با کف و عده آن بهینه



فتح الرحمن

ملک یعنی پادشاهان
والله اعلم ۱۲

وَلَا يَنْبَغِي وَانْ

جانب چپ نیز
بجبت کراهی کردن
والله اعلم ۱۲

تغییر ثانی

عنه این حکم نفی است
داده میشود که بهر
اینها را حق

کرده باشد و نه
را به اینها نشان
دیده بشود

مرا از حق
باید تمیز نگه داران
است و یا از آنان

کافر است و از
ایمیدون من
دون الله اعلم

و شایع غیر برادرند
عنه در حقیقت خود
تأین ایمن ندارد و بد

و اکنون الزام را
بگویند مای اندازید
ما چه قدرت داشتیم

که می گذاشتیم ایمان
در دل شما جان
بگیرد بلکه خود از حد غفلت

و انصاف تجاوز
کردید و فرموده
تا همین به آرایش

را نشینید و اغوا
اسا پذیرفتید اگر
عقل بهم وعاقبت

اندیشی خود را بجاری
بروید گاهی بفرمان
ناگوش نمی نهادید بر

ظلمت که ما گواه
بودیم و از یک گواه
بدون اینکه دیگران

بگرای دعوت نماید
چه توقع میتوان کرد
ناهان کدی را که

مناسب حال بود و چه
نمیکن نباید شما فریب
عده ای متدبیه بهر حال

هر چه شدنی بود شد
جوت خدا بر قائم گود
بد و فرموده اولیای

لما لن جهنم ملک و همین
است

وَكُنَّا ثَرْبًا وَ عِظَامًا ۱۱ اِنَّا لَسَمِعُوْنُ ۱۲ اَوْ اَبَاؤُنَا الْاَوَّلُوْنَ ۱۳ قُلْ

و ما هستیم خاکست و استخوان است چندانکه ما را بشنید ۱۲ یا پدران نخستین ما را بشنید ۱۳ بگو

نعم و انتم داخلون ۱۴ فاما هي زجرة واحدة فاذا هم ينظرون ۱۵

آری و شما داخل میشوید پس جز این نیست که آن مرا بشنید یک نوبت باشد پس ناگهان ایشان میگردند

قالوا ايوكنا هذا ايوم الدين ۱۶ هذا ايوم الفصل الذي كنتم به

گویند ای ما را این است روز جزا گفت خود این است روزی که عمل کردن شما را که آن را

تكدبون ۱۷ احشروا الذين ظلموا وازواهم و ما كانوا يعبدون ۱۸

بدروغ کذب می کردید کینه آنرا که ظلم کردند و جفت های ایشان را و آنچه می پرستیدند

من دون الله فاهدوهم الى صراط الجحيم ۱۹ وقفوهم انهم مسئولون

بجز خدا پس دلالت کنید ایشان را بر سر راه دوزخ و بازدارید ایشان را بر سر آئینه ایشان سوال کرده و خواهند شد

ما لكم لا تناصرون ۲۰ بل هم اليوم مستسلمون ۲۱ واقبل بعضهم

چرا نیست شما را ای پادشاهان که یاری نمی کنید بلکه ایشان امروز گردن نهاده اند و درو آوردند بعضی

على بعض يتساءلون ۲۲ قالوا انكم كنتم تاتوننا عن ليمين ۲۳ قالوا بل

بر بعضی از یک دیگر سوال کنندگان گفتند هرگز نشنیدیم که شما می آمدید نزد ما از جانب راست گفتند نه چنین است بلکه

لم تكونوا مؤمنين ۲۴ و ما كان لنا عليكم من سلطان بل كنتم قوما

شما نبودید مؤمنان و نبود ما را بر شما هیچ تسلط بلکه شما بودید گروهی

طغين ۲۵ فحق علينا قول ربنا انكاذبوقون ۲۶ فاغوينكم انكاذ

از حد گذشتید پس لازم شد بر ما سخن پروردگار ما که البته ما چشیده عذاب با شما پس گواه کردیم شما را بر آئینه

اغوين ۲۷ فانه يومئذ في العذاب مشتركون ۲۸ انا كنا نكذلك نفعل

کراه بودیم پس حقیقت همه ایشان آن که روز در عذاب با هم شریک باشند هر آینه ما هم چنین می کنیم

بالسجين ۲۹ انهم كانوا اذا قيل لهم لا اله الا الله يستكبرون ۳۰

با کینه کاران هر آینه ایشان بودند که چون گفته می شد به ایشان که نیست هیچ معبودی بجز الله تکبر می کردند

فل يعني مهندون
و نوشيدن ايشان
بدون باز برنده
تفسير عثمان
ع حضرت نوح
عليه السلام تقریباً
سال قوم خود را نصرت
کرد و قبايل را که مشرک
و غیر رسانی آنها را
ترشده رفت با آخر
حضرت نوح علیه السلام
مجموعه شد باقی کرد
فرستاده بود و توبه
شده عرض نمود
رب الفی غلوب
فانقره (قر ٥٣)
رکوع (١) و رکوع (٢)
من خلوتی تم بحدی
برس انگر یک خدای
قیله دعای او را
چلو شنیده و چگون
بماداش رسید
نوح علیه السلام را
با خاندان وی از
ایذای قوس که مشرک
روز باد میرسانیدند
دار بایند باز دور
وقت طوفان بولند
آن همه را خلافت
فرمود و تنها از
اولاد و زمین
داد و باره پر
نفوس ساخت دتا
بنه کاسکدینا بیدار
است ذکر خیر او را
بین مردم باقی گذاشت
چنانکه تا روز مردم
برو سلام میفرستند
و در تمام دنیا بکلمات
نوح علیه السلام
یاد میشود این بود انجا
بنزدان یک گفتار
حال و نشان او را
بنگری که به طعنه و تافه
گردیدند چنانکه امروز
نام داشتن آنها هم
باقی مانده و در ترحمات

منه فما لئون منها البطون ثم ان لهم عليها لشوبا من حميم ثم ان
ازان درخت پس برکنند از ان شکم بارا پس برآیند ايشان را بران طعام آید یعنی باشد از آب گرم باز برآیند
ازان پس برکنند گاه از ان شکم بارا پس برآیند ايشان را بران طعام آید یعنی باشد از آب گرم باز برآیند
مرجعهم لا الی الحميم انهم القوا الباء هم ضالین فمهم علی
از انکشت ايشان بسوے دوزخ بود و هم آید ايشان گمراه یافتند پدران خود را پس ايشان بر
مبع ايشان بسوے خرمن آتش است (بر آید ايشان یافتند پدران خود را گمراهان پس ايشان بر
اثرهم بهر عون ولقد ضل قبلهم اکثر الاولین ولقد ارسلنا
پس پدران خود بسوے طاعت رانده می شوند و بر آید گمراه شده بودند پیش از ايشان اکثر پیشینیان و هر آید فرستادیم
نقش قدم پدران می شتابند و تحقیق گمراه شده بودند قبل از ايشان اکثر پیشینیان و تحقیق فرستادیم
فیه منذرین فانظر کیف کان عاقبة المنذرین الا عباد
در میان ايشان فرستادگان پس بسوے طاعت شدند عباد
در میان ايشان نیم دهنندگان اکنون بسوے طاعت شدند عباد نیم کرده شدند گاه را پاک کرده شد همه مگر من دگان
الله المخلصین ولقد نادینا نوح فلنعم المجیبون ونجیناه
خالص ساخته خدا و بر آید از او داد ما را نوح پس نیک قبول کننده دعایم ما در بایندیم او را
برگزیده خدا و تحقیق ندا کرد ما نوح پس نیک اجابت کننده دعایم و بر بایندیم او را
واهلک من الکرب العظیم وجعلنا ذریئته هم الباقین وترکنا
و گاه او را از اندوه بزرگ و ساقیم اولاد او را ايشان را حفظ باقی مانده و گذاشتیم
واخبار او را از برایشانی بزرگ و گردانیدیم اولاد او را تنها ايشان باقی ماندگان و گذاشتیم
علیه فی الاخرین سلم علی نوح فی العلمین انا کاذب مجزی
بروے تناسل نیک در پسینیان سلام باد بر نوح در عالمها بر آید ما هم چنین جز امیدیم
بروے در مردم پسینیان (اینگد) سلام باد بر نوح در عالمها (بر آید) ما هم چنین جز امیدیم
المحسینین ان من عبادنا المؤمنین ثم اعرفنا الاخرین
نیکوکاران را بر آید او از بندگان گردیده ماست باز غرق ساقیم دیگران را
نیکوکاران را (بر آید) او از بندگان خالص گردیده ماست باز غرق ساقیم دیگران را
وان من شیعة لا برهیم اذ جاء ربه بقلب سليم اذ قل لا یلهی
و بر آید از ابتاع نوح بود ابراهیم چون آمد پیش پروردگار خود بدل بر اعزب چون گفت به پرورد خود
(و بر آید) از پیروان اوست ابراهیم چون آمد پیش پروردگار خود بدل با بر چون گفت به پرورد خود
قوله ماذا تعبدون ایفک الیهة دون الله یریدون فما ظنکم بربکم
بقوم خود چه چیز را عبادت می کنید آیا به راسه فاسد خود مبدون را بجز خدای جوید پس چیست گمان شما به پروردگار
قوم خود چه چیز را می پرستید آیا مبدون بدو ساخته غیر الله را میجوید پس چیست گمان شما به پروردگار
العلمین فقط نظرة فی النجوم فقال اری سقیم فتولو اعنه
عالم ها پس در محسوسات ابراهیم یکبار نگریدن در ستاره ها پس گفت بر آید من بکار خواهم شد پس باز گفتند از او
عالمها پس نگرید ابراهیم نگریدن در ستاره ها پس گفت من بکار خواهم شد پس روی گردانیدند از وی
مذیرین فراع الی الیهة فقال الا تاکلون ما لکم لا تطعون فراع
بشت گردانند پس بپنهان توجه شد بسوے مبدون ايشان پس گفت آیا چیزیست می خورید چیست ستاره ها که سخن می گوید پس توجه
بشت گردانندگان پس بپنهان رفت بسوے مبدون ايشان پس گفت آیا چیزیست ستاره ها که سخن می گوید پس توجه
علیهم ضربا بالیمین فاقبله الیهیز فون قال تعبدون
بر ايشان می زدنی بقوت پس رو آوردند به ابراهیم شتاب کنان ابراهیم گفت آیای می پرستید
بر ايشان به زدن قوی پس روی آوردند مشرکان بسوے ابراهیم و طاعت گفت ابراهیم آیای می پرستید
باقی مانده و در ترحمات

دلیل یعنی در دوزخ
تفسیر عثمانی
سه نزد بعضی محققین
حضرت الیاس علیه
السلام از نس حضرت
بارون است الله
تعالی ادرایوی که
از شهرهای ملک شام
که در بعلبک نام
داشت فرستاد و در
آن یک بت بزرگ بود
نام گذاشته بودند
کلی رسیدند حضرت
الیاس آنها را از
غضب خدا و از انجا
بدین بدستی ترسانید
عده آشکارا امت
که در بنای بعضی آنها
خدیجه تجلیل و ترکیب
ظاهر الیاس حیرت بار
بود و می کردند
آنها باین عمل صانع
نی توان گفت صانع
حقیقی ذاتی است
که تمام اصول و
فروع و احوال و
معنات و موصوفات
را پیدا آورده شما
و پدران شما را آفرید
است پس چگونه
دارد که این لعن الهی
را که منتهی به پیش
بت بن و پسران
و ازین ملک
جویند حال
آنکه بزرگوار
به آفرین یک
فره هم قدرت ندارد
بلکه جو را در پیش
پرسندگان دست
زیر ابرو می کشند
مشکل صورت آفر
ساخته و استاده
کردند الیاس
راه الیاسین هم
می گویند چنانکه بر هر سبب

هَرُونَ ۱۰ اِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۱۱ اَهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۱۲
بارون هر آینه بایم چنین جز امیدیم بنیکوکاران را
بارون (حقیقی) بایچنین جز امیدیم بنیکوکاران را
و اِنَّ الْيَاسَ لَمِنْ الْمُرْسَلِينَ ۱۳ اِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ اَلَا تَتَّقُونَ ۱۴
و هر آینه الیاس از فرستادگان بود
و تحقیق الیاس از رسولان است
بعل و تدر و ن احسن الخالقین ۱۵ الله ربكم ورب آبائكم
بعل و تدر و ن نام پی ست و ترک می کنید بنیکو ترین
بعل را و می گذارید بر سرش بنیکو ترین آفرینندگان را (حقیقی) باشد یا ظاهر می باشد که انشا الله رب شما و رب پدران
الاولین ۱۶ فَاذْكُرُوهُمْ فَآِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ۱۷ اَلَا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۱۸
خشتین شما پس در وسط چند استند و الیاس بر آینه شما حاضر گردانند و محو بندگان خالص کرده خدا
خشتین شما پس تذبذب کردند و الیاس بر سر کسی که ایشان حاضر کرده می شوند مگر بندگان برگزیده الله
و تَرْكَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۱۹ سَلَّمَ عَلَى الْيَاسِينَ ۲۰ اِنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي
و گذاریم بر الیاس تنگانی یک در بنیان سلام باد بر الیاس بر آینه بایچنین جز امیدیم
دانی گذاریم بر الیاس در مردم بنیان (این را که) سلام باد بر الیاس سه (حقیقی) بایچنین جز امیدیم
المحسِنِينَ ۲۱ اِنَّا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۲۲ اِنْ لَوْ طَالَتْ لَيْسَ الْمُرْسَلِينَ ۲۳
بنیکوکاران را
بنیکوکاران را (حقیقی) ادا از بندگان گردیده خاص است و تحقیق لوط از رسولان است
اِذْ نَجَّيْنَاهُ وَاهْلَهُ اَجْمَعِينَ ۲۴ اَلَا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ۲۵ ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخِرِينَ ۲۶
یاد کن چون نجات دادیم او را و اهل او را همه را نجات دادیم پس از آنکه باز ما را سقیم آن دیگران را
چون نجات دادیم او را و اهل او را همه را نجات دادیم پس از آنکه باز ما را سقیم آن دیگران را
وَ اَنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۲۷ وَ اَلَا تَتَّقُونَ ۲۸ وَ اَنَّا كَذَلِكْ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۲۹
و هر آینه شما گد می کنید بر سائن آن قوم هیچ گمان و بوقت شب نیز آید و می یابید و هر آینه
و تحقیق شما می گذرید بر ایشان وقت هیچ و هنگام شب آید و می یابید و تحقیق
يُوسُ لَمِنْ الْمُرْسَلِينَ ۳۰ اِذَا بَقِيَ اِلَى الْفَلَاحِ الْمَشْهُونَ ۳۱ فَيَا هُم
یوس بود از فرستادگان چون گریخته رسید بسوی کشتی برگردیده شده پس قرع اندازی کرد
یوس از رسولان است چون گریخته رسید بسوی کشتی برگردیده شده پس قرع اندازی کرد
فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ ۳۲ فَالْتَقَمَهُ الْحَوْتَ وَهُوَ يَلِي ۳۳ فَلَوْلَا اَنَّهُ
پس شد از مذبذبان پس زود در آبی داده گندیده بود که سبب سلامت باقی است اگر نکند که
پس شد از مذبذبان (مذبذبان) پس زود در آبی داده گندیده بود که سبب سلامت باقی است اگر نکند که
كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ ۳۴ لَكُمُ فِي بَطْنِهَا اِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُونَ ۳۵ فَنَبِّئْهُمْ
از تسبیح کنندگان می بود
از بود از تسبیح کنندگان
بِالْحَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ ۳۶ وَ اَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ ۳۷ وَ اَرْسَلْنَا
بر زمین بے گیاه و او بیمار بود و در دیا خیم بر سر او درختی از قسط کدو و فرستادیم او را
بیماری بے گیاه و او بیمار بود و در دیا خیم بر سر او درختی از قسط کدو و فرستادیم او را
اِلَى مِائَةِ اَلْفٍ اَوْ يَزِيدُونَ ۳۸ فَاَمَّا فَسَّخُنَا لَهُمْ اِلَى حِينٍ ۳۹ فَاسْتَقْبَلُوهُ
بسوی صد هزار یا بیشتر از آن باشند پس ایان آورده پس بهره مند ساقیم ایشان را تا مدتی پس استقامت
بسوی صد هزار یا بیشتر از آن باشند پس ایان آورده پس بهره مند ساقیم ایشان را تا مدتی پس استقامت

مل این قرآن آخر
 که آن را در میان پیش
 اظم است یعنی
 بر لبان آوریده
 هم گفته باشند
 که با آن روند ۲۳
 تکیف بارشای ۹
 و الله اعلم ۱۲
 یعنی از جنس مرد و پسر
 که اینها مخالفت کردند
 و یکی از اینها را در قرآن
 تفسیر عثمانی
 مع حضرت شاه ماهر
 میگرداند در آیه اول
 خود ادعی آخرین
 میکنند یعنی بیشتر
 شنیدیم که گفته شده که
 چنین سخنان میگویند
 لیکن بنده گن خود را
 چنین نگفته اند و
 اسکان دارد که مراد
 از این آخرین مذنب
 میوهی باشد چنانکه
 قول اکثر مفسران است
 یعنی از نصاری که اهل
 کتاب اند هم شنیده
 ایم که خدا یان را
 بر طرف نموده تنها به
 یک خدا معتقد باشد
 چه آنها به سه خدا مثل
 اند و آنحضرت صلی
 الله علیه و سلم را رسول
 قبول نمی کنند اگر چه
 کتابهای ساجده و
 اصل مسند موجود
 می بود و آنها ضرر
 قبول میکردند - لذا
 معلوم شد که این سخن
 است محض ساخت
 و با آن در اسماء و ابائنا
 عده فرما که قرآن
 را کلام خدا بداند
 و از این قول خود هم
 بگذریم که از شنیده از
 آسمان بطوری فرستاد
 میشد و این سخن
 که از زمین با نظر محمد صلی
 الله علیه و سلم انتخاب کرده
 یا در تمام مملکت تنها به
 این فرمودی این شعبه ایت
 داشت و خدا که هم رئیس
 مملکت را با حق تعالی است که
 در تمام مملکت

عَنْهُمْ حَتَّىٰ جِئُوا بِالْحُكْمِ فَكُلَّ شَيْءٍ يُدْعَوْنَ بِهِ فَعَدُّوا ۚ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۚ
 از ایشان تا آمدن حکم و بجز این ایشان را نیز خوانند و بدین یا کس است پروردگار تو خداوند عزت
 از ایشان تا آمدن حکم و بجز این ایشان را نیز خوانند و بدین یا کس است پروردگار تو خداوند عزت
 عَمَّا يُصْعِقُونَ ۚ وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ۚ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۚ
 از ایشان جماعتی که می کشتند و سلام باد بر فرستادگان خدا و سپاس خدا تراست پروردگار عالمها
 از آن سخنانی که بیان می کنند مترکان و سلام باد بر رسولان خدا و همه صفات پسندیده خدا تراست که پروردگار هر عالم است
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝
 بسم الله الرحمن الرحيم
 بنام خدا بخشنده بخشنده مهربان
 آغازی که بنام خدا یکی که انداره مهربان نهایت با هم است
 ص وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ۚ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ۚ كَمْ
 قسم بقرآن خداوند پند که آنچه بآن دعوت میکنی راست بلکه کافران در سرکشی و مخالفت اند بسیار
 متوجه قرآن خداوند پند و شرف که پندار کفار در حق خود و قرآن میگویند که آنانی که کافرانند در سرکشی و مخالفت اند بسیار
 أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنْ قَرْنٍ فَنَادَ ذُؤَلَّتْ حَتَّىٰ مَنَّاسٍ ۚ وَجِئُوا أَنَّا
 هلاک کردیم پیش از ایشان قریب هزار ایس فریاد برآوردند و نبود آن وقت و گفت خلاص شویم گردند از آنکو
 هلاک کردیم پیش از ایشان کرده ایس فریاد برآوردند و نبود آن وقت و گفت خلاص شویم گردند از آنکو
 جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سِحْرٌ كَذِبٌ ۚ أَجْعَلْ لَّاهِلَةٍ
 بیاید یا ایشان سحر گفته اند و گفته این کافران این شخص جادو گرد و غلو نیست آیا کرده اید خدایان متعبد را
 بیاید بر ایشان ترساننده از قوم ایشان و گفته این کافران این شخص جادو گرد و غلو نیست آیا کرده اید خدایان متعبد را
 أَلَمْ يَأْتِ أَحَدًا مِّنْهُمْ هَذَا الشَّيْءُ عَجَابٌ ۚ وَأَنطِقِ الْمَلَائِكَةُ مِنْهُمِ انْشُرُوا
 یا خدا هرگز این چیز نیست عجب و بر مقلد ایشان قوم از ایشان با یکدیگر میگویند که بروید
 به خدای بیگانه برآیند این چیز نیست بسیار عجب و بر مقلد ایشان قوم از ایشان در عاید میگویند که بروید
 وَأَصْبِرْ وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ لَكَ فِي هَذَا الشَّيْءِ عِزٌّ ۚ مَّا سَمِعْنَا هَذَا فِي لَيْلَةٍ
 و شکیانی که کنید بر عبادت خدایان خود برآیند این دین تو فتنه است که اراده کرده شده است شنیدیم این قول را از دین
 و صبر کنید بر عبادت معبودان خود تحقیق در این چیز غرضی است این چیز نیست که اراده آن کرده میشود که شنید
 الْآخِرَةُ ۚ إِنَّ هَذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ۚ أَوْ نَزَّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ بَيْنِنَا ۚ
 پسین مل نیست این مگر اختراع یا فرود آورده شد بر من شخص قرآن از میان ما
 آخرین نیست این مگر اختراع یا فرود آورده شد بر من شخص قرآن از میان ما
 بَلِ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْ ذِكْرِي بَلِ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابًا أَوْ عَذَابًا أَلِيمًا ۚ
 بلکه این کافران در شک اند از پند من بلکه هنوز نمیچشیده اند عذاب را آیا نزدیک ایشان است از خرابی است
 از این نیست که از روی عقیده گفته باشند بلکه ایشان در شک اند از من (دیگر متعبد ندارند) بلکه هنوز نمیچشیده اند عذاب را آیا نزدیک ایشان است متعبد را
 رَحْمَةُ رَبِّكَ الْغَزِيرَ الرَّوَّابِ ۚ أَمَلْتُمْ أَنَّكُمْ تَكُونُونَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۚ
 رحمت پروردگار تو غالب بخشنده که این امر است بادشاهی صامعها و زمین و آنچه در میان آنهاست
 رحمت پروردگار تو غالب بخشنده است آیا ایشان تراست سلطنت آسمان با زمین و آنچه در میان آنهاست
 فَلْيَرْتَقُوا فِي الْأَسْبَابِ ۚ جَعَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ فَهْمًا وَمِنْ الْأَكْحَابِ ۚ كَذَّبَتْ
 پس باید که بالارند و بجز بر پاهای آنها مل نشسته است اینجا هم آمده شکست داده شده از هر گروهی که در میان آنهاست
 پس بالارند و بجز بر پاهای آنها مل نشسته است اینجا هم آمده شکست داده شده از هر گروهی که در میان آنهاست
 قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ ۚ وَ شُعُوبٌ وَقَوْمٌ لُّوطٌ ۚ
 پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون خداوند میخواستند و قوم لوط و
 پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون خداوند میخواستند و قوم لوط و
 پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون خداوند میخواستند و قوم لوط و

صحب النبوة أولئك الأحزاب إن كل الأكلاب الرسول في عقاب

راهن این تکه است گردان این جگه است
و این ایک این گروه اند و چنانچه بزرگ نیست در یک از ایشان مگر یکدیگر را بر این ثابت است و خدا را

وما ينظر هؤلاء إلا الصبحه واحدة ما لها من فواق و قالوا ربنا
و اینها را نمی بیند لغاری این عصر مگر یک گروه تندرستی لایق قیمت گشتند از اینج توفیق و گفتند بفرقی است از این گروه و کارها

عجل لنا قسطا قبل يوم الحساب اصبر على ما يقعون و اذكر عبدنا
انتاب ده را بر سر نوشت از غنیمت پیش از روز حساب صبر کن بر آنچه می گویند و یاد کن بنده ما داود

داود ذا الابدان اواب اناس حزن الجمال معك يسبحن بالعشي
داود فوت را بر آینه او رجوع کنند و در دل بر آینه رام ساهیم همراه او گویند یا رب می گفتند بوقت شام

والا شراق والطير محشورة كل له اواب و شد دن فلک و اتین
و صبح و صبح ساهیم را بر آینه او رجوع کرده هر یک بر آینه او رجوع کرده بود و گفتند بوقت شام

الحكمة و فصل الخطاب و هل انتك نبوء الخصم اذ تسوروا الحراب
حکمت و سخن و این آمده است پیش تو بر گروه خصومت کنند با یکدیگر چون از دیو جنة داخل شدند مسجد

اذ دخلوا على داود ففرغ منهم قالوا لا تخف خصمهم بنى بعضنا
چون در آمدند بر داود پس بر سر آمد از ایشان گفتند من من ما و خصومت کنند ایلم ستم کرده است بعضی ما

على بعض فاحكم بيننا بالحق ولا تشطط و اهدنا الى سواء
بر بعض پس حکم کن میان ما با حق و جور مکن و دلالت کن ما را بر راه

القراط ان هذا اخي له تسعة وتسعون نجة و لي نجة واحدة
راست ای برادر من ست بدست او ست نوود نه میش و پیش من یک میش است و مراست یک میش

فقال اغلبني و عززني في الخطاب قال لقد ظلمك يسوع بن جبريك
پس گفت این شخص من بسیار این یک میش را در سستی کرد با من در سخن گفت داود بر آینه ستم کرد بر تو است و پیش تو

الى نجا و ان نشير اقم الخطاء لي فبغى بعضهم الى بعض الا الذين
با هم آمد و پیشه های خود و بر آینه بسیار از سر بیان ستم می کنند بعضی ایشان بر بعضی مگر آنانی

امنوا و عملوا الصلح و قليل ما هم و ظن داود انهم قتلوا و استغفر
باور آوردند و کارهای شایسته کردند و اندک اندک ایشان دست یافت داود که با آزموده ایم او را پس طلب آمرزش

ربك و خرا العاوان فغفرنا له ذلك و ان له عندنا لرفع و
در پروردگار خود بفرموده و باز گشت بخدا پس بیازیدیم او را آن رفت او بر آینه او را از یک ما قریب است و

و ان له عندنا لرفع و
در پروردگار خود بفرموده و باز گشت بخدا پس بیازیدیم او را آن رفت او بر آینه او را از یک ما قریب است و

الحق بین یسوع
خدا را حق است
گوید که داود علیه
السلام نود و زن
داشت پنج از زن
دیگر در خطبه شصت
یاد نماز او بود
در خواست کرده خدا
حق از ایشان را
بجهت تنبی داود
خبر ختم متعلق شد
اشدت باین قصه
است در این آیات
داود علیه السلام
تفسیر عثمانی
شاه حضرت شاه
صاحب میفرماید
در این موقع
نقد و از علیه السلام
در ایشان یاد
آوردی نوید که او به
مهر که مصلحت است خبر
عمل زیاد نمود بالاخر
حکومت تغیب او
شد و جالوت و دیگر
خالفین او را چپاد
منسوب و منسوب
پیشوایم بچرا حال او
پیوسته و رتبه حضرت
شاه صاحب
... ذالید ...
درست نرودند و ترجمه
کرده است و این توت
سلطنت و یا اشاره
به آن است که این
در دست و می فرماید
شد و یا نرود دست
عبادت از آن است
که از مای سلطنت می
خورد و فقط بوقت
دست و باز و می فرماید
کافی کرده حشمتی
نموده و ادب و اینها
بر مصلحت بیوی خدا
در جوار می کرده و
بسیار مدبر و دانایند
و اینها را در کمال غایت و اگر غرض است با ابراهیم حق افتاد تقریر او فیصله می یابد و هر حال حق تعالی او را ثبوت حسن تدبیر او توفیق و کلمات گویند و علی و علی عطا خود و

حَسَن نَابٍ ۱۱ یَا دَاوُدَ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ

نیکی باز گفت راست گفتیم ای داود و هر آینه ساجیم ترا بادشاه در زمین پس حکم کن میان مردمان

بِالْحَقِّ لَا تَتَّبِعِ الْهَوَ فَيُضِلَّكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

بر راستی و پیروی حق خواهی پس را که آن گمراه کند ترا از راه خدا هر آینه آنرا گمراه می خوند از راه

الْبَهْهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ يَذَرُهُمُ فِي السَّوَادِ الْأَسْوَا يَوْمَ الْحِسَابِ ۱۲ وَما خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ

خدا ایشان را است عذاب سخت بسبب آنکه فراموش کردند روز حساب را و نیافریدیم آسمان و زمین را و

مَا بَيْنَهُمَا بِلَا طَلَدٍ ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ

آنچه در میان ایشانست بے بهره این گمان کا ذراتست پس وای کافران راسته از عوبت آتش

أَمْ يَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ يَجْعَلُ

آیا بسازیم آنرا که ایمان آوردند و عمل کرد با راسته را مانند فاسق کنندگان در زمین آیا بسازیم

الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ۱۳ كَتَبَ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ بِالذِّكْرِ وَأَنبَأْتَهُ وَلِيَّتْكَ لَكْرًا ۱۴

پس پیوسته آنرا مانند فجاران این گمان کن نیست یا برکت کرد و آوردیم او را بسوی تو و بگویم تا آنکه در آیات او را پیوسته

الْأَلْبَابِ ۱۵ وَوَهَبْنَا لِداوُدَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۱۶ اذْخَرُضَ عَلَيْهِ

خود و عطا کردیم داود را و فرزند سلیمان نام پیوسته بود سلیمان بر او عطا فرمود گنجینه بود بخدا ایدین چون نمودند

بِالْعَشِيِّ الصُّفُوفُ الْجِبَادَةُ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي

و گفت ای سلیمان پیرو من نیست هر آینه دوست دارم این اسباب را از قبیل رغبت بآن از غرض کنان از ذکر پروردگار

حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۱۷ رَدُّ وَهَاءَ لَ طَفِيقِ سُبْحَانَ السُّوقِ وَالْعِشَاقِ ۱۸

تا آنکه پنهان شد از چشم تو باز گردانید پس اسباب از من شروع کرد دست رسانیدن بسا قضا و گردن بانی و

لَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَآلَيْهِ فِي سَبْعِينَ نَجْمًا رَدُّوا عَلَيْهِمْ حِسَابُ لَدُنَّا ۱۹ قَالَ رَبِّ اعْفُرْ لِي وَ

هر آینه از مودیم سلیمان را و انداختیم بر سخت او کالبدی که باز جوع کرد چنانکه گفت ای پروردگار من سیصد مراد

هَبْ لِي مَلَكًا لَا يُتَبَغَى لِاحِدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۲۰ فَسَخَّرْنَا لَهُ

عطا کن مرا آن بادشاهی که راست نیاید هیچ کس را غیر از من هر آینه تویی بخشاینده پس سحر گردانیدیم برای او

الرِّيحَ الْجُمُحَى بِأَمْرِ رَجُلٍ حَتَّى أَصَابَ ۲۱ وَالشَّيْطَانُ كُلُّ بَنَاءٍ وَمَنْ هُوَ

باد را بر وقت بفرمان او یا بختی روان شده هر جا که خواسته باشد و سحر گردانیدیم دیوان را بر علت بنا کننده را و هر قدر

وَأَخْرَجَ مَقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ۲۲ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ

و سحر گردانیدیم دیوان دیگر را دست و پا بهم بسته در زیر بختی عطا کن یا بختی یا بازدار

وَأَخْرَجَ مَقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ۲۲ هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ

و سحر گردانیدیم دیوان دیگر را دست و پا بهم بسته در زیر بختی عطا کن یا بختی یا بازدار

و ما بین نادر
معرفت نادر
و ما بین نادر
کود ساقی آسمان
از جهت غیرت بر تو
خدا تعالی و الله اعلم
فصل ششم گوید سلیمان
علیه السلام از
امداد و منفعت
شده بخاطر آورد
که اسب با عدد زن
صحت دوم و هر زن
چیز آید و هر که شاه
باشد جهاد کننده مرا
اعتبار حق امرانند
زشت گفت آن را الله
گو سلیمان بهر کوه پس
پیچ زن حاضر از لایک
زن طلق نفس الخلق
نادر آن طفل را بر
تخت سلیمان انداختند
سلیمان علیه السلام خبر
شده و چون بملکت
کرد الله اعلم
تفسیر عثمانی
عنه در حدیث صحیح
است که حضرت سلیمان
رضی الله عنه خود را مقرب
نزد تمام زوجات خود
میرم که به بیعت او
یاود و یا بعد از فراغ
میتواند تا از هر زن
پسری تولد گردد که در
راه خدا جهاد کننده
باشد الله تعالی
بزرگان را انداخته
در دوش موجود بود
زشت القادر که
آن را الله بگوارد
عذاب این رفت کرد
نیچون مباشرت از
پیچ زن او فرزند می
بوج دنیا و تنها از
بلین یک زن طفلی
ناقص الخلق تولد
شد بعضی مفسرین
میگویند که او را آورده بر تخت سلیمان نهادند که از لایک پیچ و قسم میآورد بن مور و محمد کبیر فرمود از شاه ابد آن حضرت سلیمان علیه السلام را عادت دست دار

بِغَيْرِ حِسَابٍ ۱۳ وَإِنْ لَهُ عِنْدَ الرَّحْمَنِ رِزْقٌ وَحَسَنٌ ۱۴ وَأَذْكُرْ عَبْدًا لَّا يُوَدُّ ۱۵

بغیر حساب کرده شود و بر آینه اورا نزدیک ما قریب است و دیگر بازگشت است و یاد کن بنده ما ایوب را چون بدو آنکه با تو حساب کرده شود و بر آینه او را قریب است و یاد کن بنده ما ایوب را چون

نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسْتَنِي الشَّيْطَانَ بِنَصِيبٍ مِّمَّا رَزَقْتُ ۱۶ فَجَعَلَ لَكَ هَذَا ۱۷

نار کرد به پروردگار خود که دست مرا بنده مرا شیطان برنجورست و در و تقسیم بزن زمین را بیاست خود تا که این چنین

مُغْتَسِلٌ تَارِدٌ وَتَارِبٌ ۱۸ وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرًا ۱۹

بش که بسیار برست غسل سرد بود و آتش میدانی باشد و عطا کردیم و در این خانه او مانند ایشان که برای ایشان بخشا شد از نزد من

أَوَّلَى الْأَرْكَابِ ۲۰ وَخَدِيدٌ وَضَعْنَا فُضْرَبَ ۲۱ وَلَا تَحْشَى أَنْ يَجِدَنَّ صَارًا ۲۲

خداوندان را در اول تقسیم بگردان خود دست را خدایشان بزن بآن فل و غلات موند بکن بر آینه یا تقسیم در ایشان

يَعْلَمُ الْعِبْدَانَ أَوَّلًا ۲۳ وَأَذْكُرْ عَبْدًا لَّا يَهْتَمُّ ۲۴ وَالشَّحِي ۲۵ وَيَعْقُوبُ ۲۶ أَوَّلَى الْأَيْدِي ۲۷

بند بود ایوب بر آینه او بر جوع کننده خدا بود و یاد کن بنده گان ما ابراهیم و اسحق و یعقوب را خداوندان دستها و

الْأَصْرَارِ ۲۸ إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الْلدِّ ۲۹ وَأَنَّهُمْ عِنْدَنَا لَبِينٌ ۳۰

چشم است بر آینه ما بگو ساجد ایشان ترا برست خطبه پاک که یاد کردن آخرت است و بر آینه ایشان نزدیک ما و

الْمُصْطَفَيْنِ الْآخِرِينَ ۳۱ وَأَذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ ۳۲ وَالْيَسَعَ ۳۳ وَذَا الْكِفْلِ ۳۴ وَكُلًّا مِّنْ ۳۵

برگزیده گان بیکان بودند و یاد کن اسمعیل و الیسع و ذوالکفل را و هر یک از

الْآخِرِينَ ۳۶ هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَّآلٍ ۳۷ جَنَّاتٌ عِدْنُ ۳۸ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا ۳۹

بیکان بودند این قرآن بنده است و بر آینه بر بزرگواران بیک بازگشت است و بوسه است و نام است که او کرده برای ایشان

الْأَنْبَاءِ ۴۰ فِيهَا يَكُونُ فِيهَا لَكُمْ مِثْلُهَا ۴۱ وَتَبَّ ۴۲ وَعِنْدَهُمْ قَصِيرٌ ۴۳

در آینه بیکان در آنجا می طبلند آنجا میوه بسیار و شراب در و نزدیک ایشان باشد و ایشان فرود آورنده

الْطَّرَفِ ۴۴ هَذَا مَا تَوْعَدُونَ لِيَوْمٍ لَّا يُحْصَى ۴۵ إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ مِنَ ۴۶

چشم بگو بایده این است آنچه وعده داده میشود شمار در روز حساب بر آینه این رزق است بشارت آخرت باج

تَفَادٍ ۴۷ هَذَا وَإِنَّ لِلطَّغْيِينَ لَشَرَّ مَآلٍ ۴۸ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَيَسْأَلُونَ لَهَا ۴۹

روان این است جزا و بر آینه از حد گذشتگان را بدیدار گشته باشد که در ذبح است در آینه آنجا پس بد آرا سگاه است از

فَلْيَدْرِكُوا وَجْهَ حَمِيمٍ وَوَسْوَاقٍ ۵۰ وَآخِرُ مِنْ شَكْلِهِمْ ۵۱ وَاجْهٌ هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَصِدٌ ۵۲

خدا آب است و در رزق است پس باید که بخشد آن را و عذاب دیگر است مانند آن که گمان این نوعی است و اصل شونده (در روز جزا)

مَعَكُمْ لَأَمْرٌ حَبِيبٌ ۵۳ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارَ ۵۴ قَالُوا بَلْ نَحْنُ ۵۵ لَا مَحْجُوزٌ ۵۶ أَنفُسُ ۵۷

بر عاقبتان گویند و بگویند که ما بر ایشان در آینه ایشان است مانند ایشان گویند بلکه شازمین گشته و برست شاز

بِشَارِ ۵۸ وَتَبَّ ۵۹ هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لَحُسْنَ مَّآلٍ ۶۰ جَنَّاتٌ عِدْنُ ۶۱ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا ۶۲

بشارت بگویند که آرا سگاه بشارت است و بر آینه ایشان است مانند ایشان گویند بلکه شازمین گشته و برست شاز

۱ فتح الرحمن
۲ فلان یحیی
۳ فلان یحیی
۴ فلان یحیی
۵ فلان یحیی
۶ فلان یحیی
۷ فلان یحیی
۸ فلان یحیی
۹ فلان یحیی
۱۰ فلان یحیی
۱۱ فلان یحیی
۱۲ فلان یحیی
۱۳ فلان یحیی
۱۴ فلان یحیی
۱۵ فلان یحیی
۱۶ فلان یحیی
۱۷ فلان یحیی
۱۸ فلان یحیی
۱۹ فلان یحیی
۲۰ فلان یحیی
۲۱ فلان یحیی
۲۲ فلان یحیی
۲۳ فلان یحیی
۲۴ فلان یحیی
۲۵ فلان یحیی
۲۶ فلان یحیی
۲۷ فلان یحیی
۲۸ فلان یحیی
۲۹ فلان یحیی
۳۰ فلان یحیی
۳۱ فلان یحیی
۳۲ فلان یحیی
۳۳ فلان یحیی
۳۴ فلان یحیی
۳۵ فلان یحیی
۳۶ فلان یحیی
۳۷ فلان یحیی
۳۸ فلان یحیی
۳۹ فلان یحیی
۴۰ فلان یحیی
۴۱ فلان یحیی
۴۲ فلان یحیی
۴۳ فلان یحیی
۴۴ فلان یحیی
۴۵ فلان یحیی
۴۶ فلان یحیی
۴۷ فلان یحیی
۴۸ فلان یحیی
۴۹ فلان یحیی
۵۰ فلان یحیی
۵۱ فلان یحیی
۵۲ فلان یحیی
۵۳ فلان یحیی
۵۴ فلان یحیی
۵۵ فلان یحیی
۵۶ فلان یحیی
۵۷ فلان یحیی
۵۸ فلان یحیی
۵۹ فلان یحیی
۶۰ فلان یحیی
۶۱ فلان یحیی
۶۲ فلان یحیی

وليد بن نقره مسلمين
تفسير عثمانى
ص ١٠١١

لا عبادت است از
خداوند ما که مقررین و غیر
م که بتوسط آنها بتدایر
باید تصریفات کونیه
معلوم می پذیرد
جمع بتدایر
ساخته که

باب فتاویٰ بقاے
الحاکم میرزا علی
نوی آید آگهی
بیشا اطلاع می
رکد الله تعالیٰ

ماده بشما بیان
م- بر چه می گویم
روحی و اعلام ادست

ای این امر را می بیند
به زبان و اذان
قبول خود را
و فراموشی

هـ سازم اینجا آن
نوع و دهر زمان
اگر بدو قیمت

نفت بر پا خواهد شد
س و را بران بی
ه اند در حدیث
که است

چند تن صندیه سیغیرین
سلام بعل آمد

شد. چنان
ت ابراهیم خود
فرمود که علم ندوم

و فرست موسی را
و هم چنان جواب
را فرستاد به حضرت

ت معین و تنوع
معلوم

تنها این قدر
که خدای تعالی
نار این دعا

تدوین و دورا
ست که حضرت مسیح

قَدْ مَثُوهٌ لَكُمْ فَيُسْأَلُ أَتَقْرَأُونَ ﴿٧٠﴾ قَالُوا بَلَىٰ مَا نَدْرِي مَا الْقُرْآنُ نَدْعُو بِهِ نَارَ اللَّهِ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ ﴿٧١﴾ هَٰذَا فَرْدُ عَذَابٍ مُّضَعَفٍ

فِي لَيْلٍ وَقَالُوا لَكَ لَأَنزَىٰ رِحَالُ الْكَاذِبِينَ ۖ هُمْ فِي أَكْثَرِ أَوَّاهٍ أَخَذْنَاهُم

در آتش و بهشت آرا که بخشیش بر مردانی را که می‌شردیم ایشان را از زبان آیا گرفتار بودیم ایشان را

سُخْرِيًّا مَّا رَأَتْ عَنْهُمْ الْبَصَارُ إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَافُ أَهْلَ النَّارِ

ايشان روايات است از ايشان و ديده ها بر آيت الله اين روايت است مراد از ان شخصيت كودن اهل دور نخست با يك كودن عيسوي (مسيحي) سفره اگر ان كودن سزاوار دخول دور نخست نيسند يا غلط اخذ روايت از ان كودن چنيني را بايد رد كرد اين سخن هم در ذيل اهل دور نخست

لَمَّا اٰمَنَّا مِنْهُ وَمَا مِنْهُ اِلَّا اللهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ رَبُّ السَّمٰوٰتِ

پرو در دگر آسمانها
پرو در دگر آسمانها و

الارض و ما بينهما العزير الغفار ﴿٦﴾ قل هو الله اعظم ﴿٧﴾ انتم عنه

دائیم میان اینهاست غالب آمرزگار
بچو این بزرگست شما از دس
دائیم میان آنهاست غالب آمرزگار
بچو این بزرگ است شما از ان

عَرْضُونَ مَا كُنْ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَى إِذْ يُخْتَصِمُونَ (۵۸) (۵۹) (۶۰) (۶۱) (۶۲) (۶۳) (۶۴) (۶۵) (۶۶) (۶۷) (۶۸) (۶۹) (۷۰) (۷۱) (۷۲) (۷۳) (۷۴) (۷۵) (۷۶) (۷۷) (۷۸) (۷۹) (۸۰) (۸۱) (۸۲) (۸۳) (۸۴) (۸۵) (۸۶) (۸۷) (۸۸) (۸۹) (۹۰) (۹۱) (۹۲) (۹۳) (۹۴) (۹۵) (۹۶) (۹۷) (۹۸) (۹۹) (۱۰۰)

و در اندیشه آید نیست مرا اینجده سال و کمال این هفتاد و نه روز از فرشتگان چون بپایند که جواب و سوال می کنند و چه بپرسند نمی شود
و در اندیشه آید نیست مرا اینجده سال و کمال این هفتاد و نه روز از فرشتگان چون آنگاه که با هم گفت و شنود می کنند و می پرسند نمی شود

من طين فاذا سويتك ونفخت فيه من روحي فقعوا له ساجداً

پس چون در است گنم ادا و بدکم دو سه روح خود را پس در انبیه اورا سجده گنان
پس چون در است گنم ادا و بدکم در وی یک روح خود را بقتد پیش او سجده گنان

محمد کردند در شتران نام ایشان همه یک جا
محمد کردند در شتران نام ایشان همه یک جا
از
از

فردی که در این کتاب است هر آنکه میجوید کسی چیز را از آن فرید من بعد دست خود

شکر کردی یا حقیقت هستی از بلند قدان گفت من بهترم از تو سے آفریدی مرا از آن کش
شکر کردی یا هستی از بلند قدان گفت ایست من بهترم از تو آفریدی مرا از آن کش

فریدی اور از گل گفت بیرون متوازی پشت ہر آئینہ نورانہ شدہ و ہر آئینہ بیرون
فریدی اور از گل فرود بیرون دو آئینہ (ہر آئینہ) مردودی (و تحقیق) بر پشت

تست من باز دارد جزا
گفت ای پروردگار من پس بهشت ده مرا تا آنروز که برانجیزد
تست من ندارد جزا
گفت ای پروردگار من پس بهشت ده مرا تا آنروز که برانجیزد
تست من ندارد جزا
گفت ای پروردگار من پس بهشت ده مرا تا آنروز که برانجیزد
تست من ندارد جزا

...چون که در این کتاب ...

و صلحی دعوی دی
 نم غیر حقین ۱۱ است
 یعنی مقبول نزدیک
 او است ۱۲ است یعنی
 غیر شرک ۱۳
 تفسیر عثمانی
 ۱۴ این در کتب است
 است که برای انبیا
 اولاد خود میبایست چنانکه
 تعدادی حضرت مسیح را
 ۱۵ پس خدا میخواند
 ۱۶ در عین زمان به
 خدا قائل بوده
 ۱۷ باز یکی از آنرا قبول
 می کنند و یا بعضی قائل
 عرب فرستادگان را
 دختران خدا میگفتند
 مطلب این است که اگر
 بدین محال است قائل
 برای اولاد خود
 اراده میکرد ظاهر
 است که تعداد از جمله
 حقوق توفیق می
 را برای این امر
 انتخاب می نمود
 زیرا از اولاد
 نبیانی رسید که بهر
 بجز خدا است همه
 مخلوق ادست است
 بلی عیان و روشن
 است که جن خالق و
 مخلوق به یک دو چهره
 اندازه اشتراک نمی
 با جنسی نیست پس
 یکی چهل و پانصد یا پانصد
 دیگری تا اندر شد
 چنانکه این رشته بین
 خالق و مخلوق محال
 است لهذا چنانکه اراده
 به از طرف انبیا قائل
 می باشد عباد
 بران فرض کنید که اگر
 این چیز محال بودی
 با هم فرستادگان را
 اگر حق به یقین دلیل
 درست نمی آید از خدا

فَأَنذَرْتُكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۱۴ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۱۵ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُخَوِّدَهُمْ
 بر آید تو از مهلت داده شده گاه تا روز آن وقت معلوم گفت پس قسم بجزت تو که البته گواه
 جمعین ۱۶ الْأَعْبَادُ مِنْهُمْ الْمُخْلِصِينَ ۱۷ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ ۱۸
 بمرکب جا الابدگان خالص کرده گو از ایشان فرمود پس سخن راست است این سخن راست میگوید
 فَاكُنْ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَعْبُدُ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ۱۹ قُلْ أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِمْ مِنْ جُزْأِ مَا
 است که بر آید بر تو از روزی که پیروی کنند از ایشان بمرکب جا بگوئی طلبی از شما بر خلق حق بجز خود را
 أَنَا مِنَ الْمُتَكَفِّينَ ۲۰ هُوَ الَّذِي ذَكَرَ الْعُلَیِّیْنَ ۲۱ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ ۲۲
 استم از تکلف کنندگان که نیست قرآن مگر پسند است عالمیان را البته خواهید دانست صدق آنرا بیدار است
 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲۳
 بسم خدا بخت آید مهربان آغازی که تمام حد این که اندازه مهربان نهایت بار حق است
 نَزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۲۴ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ
 در فرستادن این کتاب از جانب خداست غالب با حکمت است بر آید ما فرستادیم کیسے تو کتاب را بر استی
 فَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۲۵ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ ۲۶ وَالَّذِينَ
 پس عبادت کن خدا را خالص کرده برای او پرستش آگاه باش بر خدا از است مشد برستش کردن خالص و آنرا که
 اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُوا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ ۲۷
 درستان گرفتند بجز خدا و گفتند عبادت می کنیم ایشان را مگر برای آنکه نزدیک سازند ما را بخدا در مرتبه قرب بر آید
 اللَّهُ يَخْلُكُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۲۸ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ
 خدا حکم میکند میان ایشان در آنچه اختلاف دارند هر آینه خدا راه نمی نماید کسی را که
 كَذِبٌ ۲۹ فَإِنَّ لَوْلَا دَلِيلُ اللَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَا صُطِفَ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۳۰
 دروغ گوئی ناسپاس است اگر خواسته خدا که فرزند گیرد البته برگزیده است از آنکه که حق کرده است چیزی را که میخواست
 سَجْنَةٌ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۳۱ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۳۲
 بانی آفرین است هوشت خداست یگانه با قوت آفرید آسمانها و زمین بند بر درست
 يَكُونُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَيَكُونُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ ۳۳
 گنجاند شب را بر روز و می بچاند روز را بر شب و منساخت آفتاب و ماه را
 كُلِّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ ۳۴ خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ
 هر یک می رود در زمان معین آگاه باش بگوشت غالب آفرید آسمانها از یک
 بر یک می رود در زمان معین آگاه باش بیدار است غالب آفرید آسمانها از نفسی که

در این مخلوق اراده انتخاب می آید این چه سخن دارد که خدا برای خود چیزی را می داند که خدا را انتخاب می کند و برای خدا اولاد علی را نشاند که بر است می بخشد ۱۲

ان اعبد الله مخلصا للدين ۵ و امرت لان اكون اول المسلمين

ای عبادت کنم خدا را خالص ساخته راسته او پرستش و فرموده شد مرا تا آنکه باشم نخستین مسلمانان

قل اني اخاف ان عصيت ربي عذاب يوم عظيم ۶ قل الله اعبد

خدا را بگو من می ترسم اگر از فرمانی پروردگار خود کنم از عذاب روز بزرگ

خدا را بگو من می ترسم اگر از فرمانی پروردگار خود را از عذاب روز بزرگ

الذين خسروا انفسهم و اهلهم يوم القيمة الا ذلك هو الخسران

آنند که در زیان دادند خویش و اهل خود را روز قیامت و آنکه باشد این مقدمه هلاکت زیان

البين ۷ لهم من فوقهم ظلال من النار و من تحتهم ظلال ذلك

آنها را از بالا آتش را ایشان را سایهها باشد از آتش و از زیر ایشان نیز مثل سایهها این عذاب

ان يعبدوها و انا بآي الله اليهم البشري فليشر عباد الله الذين يستمعون

آنکه عبادت کنند و اورد و چون بگویند بگویند خدا ایشانراست مژده پس مژده ده آن بندگان مرا که می شنوند

القول فيسمعون احسنه اوليك الذين هداهم الله و اوليك هم اولو

سخن من پیروی می نمایند بگو سخن آن سخن را هدایت کردند آنانکه هدایت کرده است ایشانرا خدا اولادند

الالباب ۸ افسن حق عليه كلمة العذاب اقلت تنقذ من في النار ۹

خود پس بگو ثابت شد بر من و عده عذاب آید که خلاص گواهی کرد آن دور نمی را

لكن الذين اتقوا ربهم عرف من فوقها عرف مبيت تجرى من

لیکن آنانکه ترسیدند از پروردگار خود ایشانراست محلهای بلند بالای آن کلمه های دیگر عذات کرده شده می رود

تحتها الانهره و عدا الله لا يخلف الله البيعة ۱۰ الم تر ان الله انزل

زیر آن جوهرها و عده کرده است خدا عذات می کند خدا و عده خود آن ندیدی که الله خود فرستاد

من السماء ماء فسلكنا به نواحي في الارض ثم يخرج به نورا مختلفا

از آسمان آب پس در آورد آنرا بچشمه سارها در زمین باز بری آورد بسبب آن گشت را که ناگون

الوانه ثم يخرج به نورا مختلفا ۱۱ الم يجعل خطا ما ان في ذلك لآية

مستحق رحمت است
مستحق عتاب است
خود او را اهل عذاب
در این عالم
تفسیر عثمانی
عده فرمود که خداوند
بندگان را عذاب کند
همان ذات بیاض را
کرم - شایسته گوی بر بند
استبداد به دیگران
تقدیر بجهنم که انجام ترش
ماوی الله خود او شد
در آیت ایجاد انجام چنان
عمل را تو نمی کنی
عده یعنی با آنکه خدا
تو ناگون می شود و دیگر
سخن خوب و مفید را
پذیرفته متابعت میکنند
یا سلب این است که
سخن خدا را می شنود
در آنجا آنرا که مشتمل بر
هدایت اعلا علی
ست عمل می کنند
یکدیگر از یک حیث
پیروی و خدمت و
اباحت و دود از
پیروی دیگران نیست
آنها را خدمت و آنکه
عزیمت را اقلیدای
گشت و یا بجای ترجمه
کنند که کلام خدا را
شیده سخنان بهتر آنرا
پیروی می کنند زیرا
سخن نام و بهتر و
مفید است و کلام
قال المفسون حضرت
شاه صاحب مطاب
آنرا این طور بیان کرد
است - بیک پیروی
آنرا این می آید یعنی
امرا نصیب و از این
اجتناب می نمایند چنانکه
عمل کردن اهل الله که
نیک است اگر عبادت
آخر الله که در دنیا باشد
مستحق آنکه کسب
عده عذاب و از خدمت حکم عذاب بر ایشان ثابت شده است می توانست راه را حلال بجا بیاورد چنانکه از موجب شهادت از آن آتش شد و آنکه کس بر او آورده و عذاب

مطابق عدیه ۲

وعید و انذار ۱۳

بشارت ۱۲

فتیحه بجز و سوره

چیزهای نایب که عقاب

را باقی نگه دارد و مانند

این بشارت باشد و مثل

یعنی بشارت که چند کس را یک

او باشند ضامن شود

هم چنین کسی که بعنوان

بیار یا بسترش میکند

ضامن است و سوره که

خاص بر آن یک

کس است آن یک

کس است ولی هیچ امری را

باشد هم چنین کسی که

معه باشد و قطع غدا

کار از او است و الله

اعلم ۱۲

تفسیر عثمانی

مطلب ششانی

یعنی تکریم شده این است

و بسیاری احکم را حفظ

و قصص بر پیرایه ای

مختلف نگاشته شده

تا به کسی از این نشین

شود و نیز در همین کتاب

آیت تکریم شده و

بعضی علیه از

مقتضای او

مطابق این

مطلب گرفته اند

که بعضی آیات که

سلسله کتب

مضمون غلی و داری

شود این قبیل آیات

را به مشابیه گویند و

در بعضی مواضع بایک

نوع مضمون در جمله

دوم آن نوعیت متقابل

اش بیان میشود چون

ان الله یولی فی

نعمه ان العباد

علی جمیع یا

یعنی عبادی است

مغفور از مردم و ان

بما اصاب الامم یا

اولی کتاب ۱۷ افسن شرح الله صدره للاسلام فهو على نور

خداوندان خود را آیه ای که گشاده کرده است خدا سینه او را برای این است پس او بر روشنی باشد

برای خداوندان عقول آنها که گشاده کرده است خدا سینه او را برای این است پس او بر روشنی باشد

من ربه فویل للقسیة قوهم من ذکر الله اولیة فی ضللیهم

از جانب پروردگار خود مانند سخت و دانا است پس و آیه ای که گشاده است دل ایشان از یاد کردن خدا ایشانند و گمراهی است

از جانب پروردگار خود مانند سخت و دانا است پس و آیه ای که گشاده است دل ایشان از یاد کردن خدا ایشانند و گمراهی است

الله نزل احسن الحديث کتبنا تنشاهم ثانی نقشعهم منه جلود

خدا تازل ساحت بهترین سخن کتاب که در میان خود ما یکدیگر تذکره داده است و خداست و بنود از آن پست

الذین یخشون ربهم ثم تلین جلودهم وقلوبهم الی ذکر الله ذلک

آنانکه می ترسند از پروردگار خود بعد از آن نرم میشود پوست ایشان و دل های ایشان را نرم میکند و ذکر خدا این است

آنانکه می ترسند از پروردگار خود بعد از آن نرم میشود پوست ایشان و دل های ایشان را نرم میکند و ذکر خدا این است

هدی الله یهدی به من یشاء و من یضلل الله فماله من هاد

هدایت خدا را می نماید بآن هر که خواهد و هر که گمراه کند خدا پس نیست او را هیچ راه نمایند

یضلل الله فماله من هاد و هر که گمراه کند خدا پس نیست او را هیچ راه نمایند

افسن یقنی یوحیه سوء العذاب یوم القیمة وقل للظالمین ذوقوا

آیا کسی که احتیاجی کند بپروسی خود از سختی عذاب روز قیامت و قل و گفته شود مستغفار دان را بچشید

ما کنتم تکسبون کذب الذین من قبلهم فاتهم العذاب من

و بال آنچه می کردید بدو عذاب که در آنجا پیش از ایشان بودند پس بیاید بدیشان عذاب از

آنکه کسب می کردید بلکه بدیشان عذاب پیش از ایشان بودند و رسول را پس رسیده بایشان عذاب از

حیت لا یشتعرون فاذا هم الله الخزی فی الحیوة الدنیاء و العذاب

آنجا که نمیدانستند پس چشاند ایشان را خوار و خوار در زندگی دنیا و سزاوار عقوبت

حیت آنکه نمی بیند استعدا چلین عذاب را پس چشاند ایشان را الله و رسول را در زندگی دنیا و سزاوار عقوبت

الاخرة الیوم لو كانوا یعلمون ولقد ضربنا للناس فی هذا القرآن

آخرت سخت ترست اگر میدانستند و هر آینه بیان کردیم براسه مردمان در این قرآن

آخرت بزرگتر ترست اگر میدانستند و هر آینه بیان کردیم براسه مردمان در این قرآن

من کل مثل تعلم یتذکرون قرانا عربیا غیر ذی عوج تعلمهم

از هر نوعی که دانستند بود که ایشان پند گیرند خود آوردم قرآن عربی بی عیب بود که ایشان

از هر چیز عقلی تا ایشان منکر کنند (تذکره کردیم قرآن را بزبان عربی که در این هیچ نیست تا ایشان

یتقون ضرب الله مثلا رجلا فیه شرکاء متشاکسون ورجلا سلما

بزرگوار می کند بیان کرد خدا داستانهای بنده کرد دست شریکان مختلف و بنده مسلم

برای هر که آید و الله مثل یک مردی را که در میان شریکان اختلاف کند و باشد بر ضد یکدیگر و یک نفر باطل باشد

رجل هل یستونین مثلا الحمد لله بل اکثرهم لا یعلمون انک

برای آنکه مردی آیا بر اینند در محض ستمایش خدا را است بلکه ایشان نمیدانند و الحمد لله بل اکثرهم لا یعلمون

برای مردی آیا بر اینند در محض ستمایش خدا را است بلکه ایشان نمیدانند و الحمد لله بل اکثرهم لا یعلمون

میت و انهم میتون ثم انکم یوم القیمة عند ربکم مختصمون

خواهی مرد و خواهی ایشان هم مردی میمنت باز الله شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش بایکدیگر مخصوص است خواهید کرد

مردی است و خواهی ایشان هم مردی میمنت باز الله شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش بایکدیگر مخصوص است خواهید کرد

میت و انهم میتون ثم انکم یوم القیمة عند ربکم مختصمون

خواهی مرد و خواهی ایشان هم مردی میمنت باز الله شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش بایکدیگر مخصوص است خواهید کرد

مردی است و خواهی ایشان هم مردی میمنت باز الله شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش بایکدیگر مخصوص است خواهید کرد

میت و انهم میتون ثم انکم یوم القیمة عند ربکم مختصمون

خواهی مرد و خواهی ایشان هم مردی میمنت باز الله شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش بایکدیگر مخصوص است خواهید کرد

مردی است و خواهی ایشان هم مردی میمنت باز الله شما روز قیامت نزدیک پروردگار خویش بایکدیگر مخصوص است خواهید کرد

میت و انهم میتون ثم انکم یوم القیمة عند ربکم مختصمون

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ

پس گیت ستمگار قرار گیرد دروغ بر حجت بر خند و دروغ داریست
پس گیت ستمگار قرار گیرد از آنکه دروغ گفت بر خند و نکته یاب کرد

بِالصَّدَقِ إِذْ جَاءَهُ الْيَسْرُ فِي جَهَنَّمَ مَتَوًى لِلْكَافِرِينَ ۝ وَالَّذِي

حَاءُ بِالصَّدْقِ وَمَصَدَقَةُ لَهُ أُولَئِكَ

اوله این راست را و آنانی که باور داشتند آنرا آنجامه ایشانند متقمان ایشانراست آنچه خوانیده
دردند دین راست را و باور داشتند آنرا آنجامه مستند بر همین گاربان ایشانراست آنچه خوانیده

عند ربه ذلك جزا والمحسنين ﴿٥﴾ ليكفر الله عنهم أسوأ الذي

و زبیر در شهرستان این است پادشاه میگو گلدانی تادور کند ایند از ایشان عملی به از جمله انعامی

روند و بدید ایشان را از دایره آن محبت نیکو ترین آنچه میگردند
روند و بدید ایشان را از دایره آن محبت نیکو تران اعلا میگردند

كَا فِعْبِدَهُ وَيُخَفِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا

فی سبده خود دی قرآنند ترا به آن محمود انیک جزوی اند و هر گرا قرآن کند الله پس نیست

وهر گزارد راه نماید خدا ایت او را بپنج گزارد کننده کیا نیست خدا غالب
را بپنج راه نمانده وهر گزارد ایت کند البتد نیست وهر گزارد ایت کند وهر گزارد ایت کند

وَالَّذِينَ سَأَلُوهُم مِّنْ خَلْقِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَيَقُوْلُنَّ

فصل در بیان احوال و اسباب و سببها و زمین را البتہ گویند

در آفرید بودید به آنرا که می پرستید. بحضرت

لَهُنَّ كُشْفٌ أَزْوَاجٌ وَإِذَا دُعِيَ بِرَحْمَةٍ مِنْهُنَّ فَهُمْ يَكْفُرُونَ

این بیان را به کتبه ای که در حایه در میان محراب و ایوان بنام یادگار انداخته و بنامش او بنامند
این بیان را به کتبه ای که در حایه در میان محراب و ایوان بنام یادگار انداخته و بنامش او بنامند

سُبْحَانَ اللَّهِ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٤٠﴾ فَلْيَقُومُوا لِعِبَادَةِ اللَّهِ عَلَى

كَانَتْكُمْ إِلَى عَامِلٍ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ ۸ ۝ مَنْ يَأْتِيكُمْ عَذَابٌ يُخْزِيكُمْ

و در این زمان که میفرمود من خود را میگویم که میباید دست مرا بیاورد و غذا را بر سر او گذاشت و

۵ اِنَّا ارسلنا عَلَیْكَ الْکِتَابَ بِاللُّغَةِ الْمُنَنِ

اینکه بودی عجب دایم به نفس خرد و در نیم بر تو سبب ما را می آید که به هر که درین راست

عنه حضرت شاه صاحب میزید یعنی خداوند متعال خواب هر روز و یا سه شب جان را بدین میفرستد - چون علامه دلتانی افزون است - معلوم گردید که در حین خواب هم روح کشیده میشود چنانکه به تمام مرگ اجرائی شود اگر در خواب روح مختلر شده ماند تا صبح واقع شد بمرگ این بودی است که آنرا پیش از ظاهری میگویند چنانکه بوسید آن نفس جاری میشود و نفس با حرکت میکند و آن معنی میشود آن دیگری است که پیش از موت نزع می شود و معنی القرآن الجوی از حضرت علی کرم الله وجهه نقل کرده است که در حین خواب روح می برآید مگر تقی آن بند بوشه باین میان چنانچه باین بسطیحات باطن نمی شود و هم چنانکه آفتاب از روی ۱۳۰ لیون میل زمین را بپوشد ششها گرم نگ میکنند ازین بری آید که در خواب هم بدن چیزی برآید که در وقت موت خارج میشود لیکن انفطاع بطوری نیست که از موت واقع میشود و التمام ۱۲

فَمَنْ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهِ وَمَا اَنْتَ عَلَيْهِ بِمُسْمٍ
پس هر که راه یاب شد پس لنفس او راست و هر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود و هر که ضلالتی برایشان
پس هر که راه یافت پس بر او راست ماند و آن دیگر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود و هر که ضلالتی برایشان
يُوكِلُ إِلَهُهُ يَتَوَكَّلُ عَلَى الْإِنْفُسِ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا
نظاره بر خدا متوکل نفس او را و احسب میکند نزد یک موت آن دال روح که زنده است نفس آن میکند نزد یک خواب آن
زنده و از التمام نفس او را و احسب میکند نزد یک موت آن دال روح که زنده است نفس آن میکند نزد یک خواب آن
فِيهِمْ سَكُنُ الَّذِينَ قَضَىٰ عَلَيْهِمُ الْمَوْتُ وَيُرْسِلُ إِلَىٰ جَلِ سَقَمِي
پس نگاه میدارد آن را که حکم موت کرده است بر دوسه و میگرداند آن دیگر را تا و تقی همین بر آید
پس نگاه میدارد آن نفس را که حکم کرده بر آنرا مرگ را و میفرستد آن دیگر را تا وقت همین بدرستیک
فِي ذَلِكَ لَا يَتْلُو لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ
در این مقدمه نشان است بر آنست که قس که تامل می کنند آیا شفاعت کنندگان گرفتارند - چون حضرت
در این نشانهاست بر آنست که قس که تامل می کنند آیا شفاعت کنندگان گرفتارند - چون حضرت
قُلْ أَوْ كُنَّا كُنَّا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ ۝ قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا
پس ایشان را که گمراهی اگر چه نمی توانستند هیچ کاره و نمی دانستند بجز در اختیار خداست شفاعت همه یک جا
بجز از شفاعت کنند اگر چه مالک نیستند چیزی را و نمی دانند بجز خاص الله راست از ملکیت اختصت همه را و خواهد
لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ
مراد است بادشاهی آسمانها و زمین باز میسر او گردانند و خواهد خواست و چون یاد کرده شود خدا آنها
مراد است بادشاهی آسمانها و زمین پس بسوی او گردانند بیغیر و چون یاد کرده شود خدا آنها
اِشْمَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ۝ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ
شکسته شود دل آنها که ایمان نمی آرند با حیرت و چون یاد کرده شوند آنها که بجز او هستند
منقبض گردد دل های آنها که ایمان ندارند به آخرت و چون یاد کرده شوند آن مجبورانی که بجز او حاکمی هستند
إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۝ قُلْ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلِمْتَ السَّيِّئَاتِ
تاگاه ایشان شادمان میشوند بجز بکار خدایا اے پروردگنده آسمانها و زمین دانسته بهمان و
آنکه شاد میشوند بجز اے الله آفریننده آسمانها و زمین دانسته بهمان و
الشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّ
آسمانها را تو حکم کنی میان بنده گان خود در چیزی که ایشان در آن اختلاف میکنند و اگر باشد
آسمانها را تو حکم کنی میان بنده گان خود در چیزی که ایشان در آن اختلاف میکنند و اگر باشد
لِلَّذِينَ ظَلَمُوا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَا فِتْنَةٌ لَهُ مِنَ شَيْءٍ
آنان را که ستم کردند آنچه در زمین است همه یکجا و مانند آن بهره آن البته عوض خود میدهند و ترا بسبب سختی
برای آنان که ظلم کردند آنچه در زمین است همه مانند آن بر آن البته تقویه خواهند کرد و آنرا از
الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۝ وَبَدَّ اللَّهُ مَا لَهُمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ۝ وَبَدَّ
عذاب روز قیامت و ظاهر شود ایشان را از جانب خدا آنچه بکارمانند است و ظاهر شود
عذاب سخت در روز قیامت و ظاهر شود ایشان را از الله آنچه بکارمانند است و ظاهر شود
لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَنَسُوا مَا كَانُوا يَكُونُونَ ۝ فَإِذَا هُمْ
ایشان را جز آنست که بد کرده بودند و دور گردید و ایشان را آنچه بد کرده بودند پس بچون برسد
ایشان را جز آنست که بد کرده بودند و دور گردید و ایشان را آنچه بد کرده بودند پس بچون برسد
الْإِنْسَانُ عَصِيًّا ۝ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمًا مَتَّاهٌ ۝ قَالَ إِنَّمَا أُوتِيتُ عَلَىٰ عِلْمٍ
آدمی را نسیج بخواند باز چون بدویم او را نسیج از طرف خود گردید جز این نیست که داده شده است این نعمت بر او باز و او را نسیج
الناس را نسیج بخواند باز چون بدویم او را نسیج از طرف خود گردید جز این نیست که داده شده است این نعمت بر او باز و او را نسیج

فلان یعنی بخار و
متصرف اوست
والله اعلم -
تفسیر عثمانی
ع حضرت شاه
محدث میگوید که
بار اول نفع خود
برای فزای عالم و بار
دوم برای زنده شدن
است. این نفع سوم
بعد از حشر برای
بے پوش ساختن
و نفع چهارم
برای پوشید کردن
است. بعد از آن
تمام مخلوقات مکتور
خداوند پیش میشوند
یا یکی نفر و یکی همدست
گردند اکثر علایق
نفع صرفه و دود و بار
بسیاری از مردم و مرتبه
پیش براس مردان
زایل میشود پس ندگاه
می میرد و کسانیکه
مرد بود اندر مردان
آنها کیفیت پیوستگی
طوری میشود و بعد
نقش دوم و مدیده میشود
بدرگاه آن ارواح
مردگان بسوی ابدان
بر می گردد و بے پوش
شدگان با نازکی آینه
در آن وقت منظر
عجیب غریب حیرت
آورده شود ای نگارنده
پس از آن کمال عت
بجود خداوند تقدس
ظاهر کرده میشوند -
(تنبیه از - الا من
شاء الله - بعضی چرخ
میگنای اسرار فی
الکائنات را
مرا گرفته اند
بعضی به راه
آنها حله الحشر
را نیز شال کرده اند
نزد بعضی انبیا - شهید امراند و الله اعلم بهر حال این سست شده و وقت آن لغوی باشد بعد از آن ممکن است بر آنها هم فساد شود. لمن الملك الیوم انما هو الله القهار المبین

عَلَىٰ اللَّهِ وَجُوهُهُمْ مُّسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ۝
بر خدا روئے ایشان سیاه شده است آیا نیست در دوزخ جای متکبران
و
يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰتَقُوا ۖ فَاذْكُرْهُمْ لَآئِمَّسَهُمُ السُّوءُ ۖ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝
ای کسانی که اتقا کردید آنها را یاد کنید که بدشانسی است و آنها اندوختن
سجرات و در دوزخ (از جهنم) آنان را که پریشان کردند بهرگاه که میبای ایشان نرسد بایشان بدی و در ایشان اندوختن
اللّٰهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ ۝
خدا آفریننده هر چیز است و او بر هر چیز متصرف است مراد است کلید بای آسمان
اللّٰهُ آفِرِیْنْدَهٗ هَر چِیْزِ اسْت و او بر هر چیز متصرف است مراد است کلید بای آسمان
وَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا يٰۤاَيُّهَا اللّٰهُ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْخٰسِرُوْنَ ۝
و زمین و آسمان کافر شدند به شما اینهاست خدا این جماع ایشانند زیان کاران
و زمین و آسمان کافر شدند بپشاهانهای الله آن جماع ایشانند زیان کاران
اَفَغَيَّرَ اللّٰهُ تَاْمُرُوْنِیْ اَعْبُدُ اِلٰهًا اِلَّا الْجِبَلُ ۝
آیا می فرمایید که بر من غیر خدا را ایزاده نادان و هر آینه دینی فرستاده شد یا همچو بسوی تو
آیا بجز الله امری کنید که بر منم (آنها) ایزاده نادان و تحقیق او می کرده شده بسوی تو
اِلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكَ ۚ لٰكِنَّ اَشْرٰكُکَ لِيَّحْبِطَنَّ عَمَلُکَ وَلِتَكُوْنَنَّ مِنْ
بسوی آنانکه پیش از تو بودند اگر شریک خدا مقرر می آید تا بود کرد عمل تو و البته شوی از
بسوی آنانکه پیش از تو بودند و قسم است که اگر شریک آوردی البته تباه شود عمل تو (و هر آینه) شوی از
اَلْخٰسِرِيْنَ ۝ بَلِ اللّٰهُ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشّٰكِرِيْنَ ۝ وَمَا قَدَرُوْا اللّٰهَ
زیان کاران بلکه خدا را فقط عبادت کن و بگو از پاسداران و در شش خدند خدا را
زیان کاران (شرک کن) بلکه (خدا ص) الله را پرستش کن و با شرف از حق بپذیرندگان در شکر گذاران و اندامند خدا را
سَقَّ قَدْرَهُ ۖ وَالْاَرْضُ جَمِیْعًا قَبَضَتْهُ یَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۖ وَالسَّهَوٰتُ مَطْوِيٰتٌ
حق شناسان او در زمین بهر یک جا در مشیت او است روز قیامت و آسمانها بیچیده شوند
حق دانستن او در زمین بهر یک مشیت او است در روز قیامت و آسمانها بیچیده شده باشند
یٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ سَبَّحُوْهُ وَتَعَلَّوْا عَمَّا یَشْرٰكُوْنَ ۝ وَنُفِخْ فِی الصُّوْرِ فَتَقْصِقْ
در دست راست او بای او است و بر سرست از آنکه شریک او مقرر می کنند و مدیده شود در صورت پس میبرد
در دست راست او پاک است او و بر سرست از شریک ایشان و مدیده شود در صورت پس میبرد و در
مَنْ فِی السَّهَوٰتِ وَمَنْ فِی الْاَرْضِ اِلَّا مَنْ شَاءَ اللّٰهُ ۖ ثُمَّ نُفِخْ
هر که در آسمانها و هر که در زمین است
هر که در آسمانها و هر که در زمین است
فِیْهِ اٰخَرٰی ۖ فَاِذَا هُمْ قِيٰاَمٌ یَّظُرُوْنَ ۝
در صورت بار دیگر پس ناگاهان ایشان آیت نادگاه شدند
در آن بار دیگر پس در آن وقت ایشان استاد گانند میگردند هر طرف را همه در دوش شود زمین بنور پروردگار آن
وَوَضِعَ الْکِتٰبَ وَجَآئِیْ بِالنَّبِیِّیْنَ وَاللّٰهُ هَدٰٓءٌ وَقَضٰی بَیْنَهُمْ بِالْحَقِّ
و نهادن شود نامه اعمال و آورده شود بیخبران و گواهان و فیصله کرده شود میان زندگان
و نهادن شود نامه اعمال و آورده شود بیخبران و گواهان و فیصله کرده شود میان زندگان
وَهُمْ لَا یُظْلَمُوْنَ ۖ وَوَقِیْتُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ اَعْلَمُ بِمَا یَفْعَلُوْنَ ۝
و ایشان ستم گاهه نشوند و تمام داده شود هر نفسی را جزای آنچه کرده است و خدا دانای ترست
و ایشان ستم گاهه نشوند و تمام داده شود هر نفسی را جزای آنچه کرده است و خدا دانای ترست
نزد بعضی انبیا - شهید امراند و الله اعلم بهر حال این سست شده و وقت آن لغوی باشد بعد از آن ممکن است بر آنها هم فساد شود. لمن الملك الیوم انما هو الله القهار المبین

ملکین در اختتام

تفسیر عثمانی

ع حضرت شاه

صاحب (در التذاری)

نویس برای آنها

حکم برای که بچند

مکونت کنند لیکن

کس آن جای را

طلبه که برای وی

آزاده شده است

و نزد بعضی مراد این

است که در جنت بفرست

سیر و ملاقات با ملک

رفت و آمد نیست

عنه هنگامیکه در قفا

برای حساب نزد

احلال میفرماید و در میان

بد و خوش صفت دوه

مردود شعیب و عمید

پهلو و کار خود می باشد

ذات علم الحامین می

بندهاں بکمال محبت

و العاف قضاوت

می نماید در اثر آن

بر طرف بخوش و خوش

تمام فرمود الحمد لله رب

العالمین و ملکی می گردد

بمخیر اینک در کتاب

و خوبی خدای را سرود

که پروردگار تمام عالمها

۸ که کار جهانی را باین

خوبی و عدالت قضا

نمود باین نوحه

۵ یا مدح می شود ع

مفسرین این آیت

را بهین اسلوب بیان

کرده اند لیکن حضرت

شاه صاحب و الله

این آیت را به حالت

حافظه عمل کرده و

ضمیمه قضی بنهم را

بوی ملایم را مع

نموده است چنانچه

مطلب

فصل بین فرشتگان

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا ۚ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا

در دهن کرده خود کافران را بسوی دوزخ کرده کرده تا و قیامت نزدیک دوزخ و آورده شود دروازه های آن

در دهنده میشوند کافران بسوی دوزخ کرده کرده تا چون بیایند نزد دوزخ باز کرده شود دروازه های آن

وَقَالَ لَهُمْ خُذْنَهَا الُمَيَاتُكُمْ رَسُولٌ مِّنْكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ

و گویند ای ایشان را نگهبانان دوزخ آیت نامه بودند بشما میفرمایند از جنس شما میخوانند بر شما آیات پروردگار شما را

و گویند ای ایشان نگهبانان دوزخ آیت نامه بودند بشما میفرمایند از جنس شما میخوانند بر شما آیات پروردگار شما را

وَيَبْذُرُهُمْ فِيهَا رَبُّكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قُلُوبُ أَهْلِي وَلَكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ

و پاشند در میان شما از ملاقات این روز شما گفتند آری و لیکن محقق شد حکم

و پاشند در میان شما از ملاقات این روز شما گویند آری و لیکن محقق شد حکم

الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَلِدِينَ فِيهَا

عذاب بر کافران گفته شود و در آنجا بپایند بدو از بهای دوزخ جا دیدن بودگان در آن

عذاب بر کافران گفته شود و در آنجا بپایند بدو از بهای دوزخ جا دیدن بودگان در آن

فَبِئْسَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ ۝ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ

پس بد جای معجزان است دوزخ در دهن کرده شوند آنان که ترسیدند از پروردگار خویش بسوی بهشت

پس بد ایامت کافران معجزان دوزخ است در دهنده شوند آنان که ترسیدند از پروردگار خود بسوی بهشت

زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ فَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خُذْنَهَا سَلَامٌ

کرده کرده تا و قیامت بیایند نزد یک بهشت دو کرده شود دروازه های آن و گویند ای ایشان نگهبانان بهشت سلام

کرده کرده تا چون بیایند نزد بهشت در حالیکه لشکر باشد دروازه های آن و گویند ای ایشان نگهبانان بهشت سلام

عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوا فِيهَا خَالِدِينَ ۝ وَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَ قَوْلُهُ

بر شما باد و خوش باشد پس در آنجا بپایند بهشت جا دیدن و گویند سپاس خدا را است که راست کرد باما

بر شما خوش باشد پس در آنجا بپایند بهشت جا دیدن (پس باین اعتراف ابرام در آیند در آن و گویند متقیان متابلی الله راست آن

وَعْدُهُ وَأَوْرَثْنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ ۚ فَنِعْمَ أَجْرُ

و عده خود و عطا کرد ما را زمین جاستی می گیریم او بهشت هر جا که خواهیم پس نیک مزد

و عده خود را و داد ما را زمین (بقسم دهنده) خانه می گیریم از بهشت هر جای که بخواهیم عه پس نیک مزد عمل

الْعَامِلِينَ ۝ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ خَافِقِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ

و می بیند ملکات است بهشت و بهشت فرشتگان را گرد آورنده در عرش تسبیح می گویند

تسبیح می گویند

و می بیند ملکات است بهشت و بهشت فرشتگان را گرد آورنده در عرش تسبیح می گویند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا می بخشایند مهربان

آغاز می بخشایند مهربان

حَمْدٌ تَبَازِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ

نمودن ستودن کتاب از جانب خدای غالب و داناست

نمودن ستودن این کتاب است از الله غالب و داناست

قَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَهٌ

پروردگار توبه کننده عفو بخش خدایند تو بخوی نیست هیچ

پروردگار توبه بخش عفو بخش کننده (کسی را بخوابد) خداوند توانا نیست

تفسیر عثمانی
ع حضرت شاه
صاحب (در التذاری)
نویس برای آنها
حکم برای که بچند
مکونت کنند لیکن
کس آن جای را
طلبه که برای وی
آزاده شده است
و نزد بعضی مراد این
است که در جنت بفرست
سیر و ملاقات با ملک
رفت و آمد نیست
عنه هنگامیکه در قفا
برای حساب نزد
احلال میفرماید و در میان
بد و خوش صفت دوه
مردود شعیب و عمید
پهلو و کار خود می باشد
ذات علم الحامین می
بندهاں بکمال محبت
و العاف قضاوت
می نماید در اثر آن
بر طرف بخوش و خوش
تمام فرمود الحمد لله رب
العالمین و ملکی می گردد
بمخیر اینک در کتاب
و خوبی خدای را سرود
که پروردگار تمام عالمها
۸ که کار جهانی را باین
خوبی و عدالت قضا
نمود باین نوحه
۵ یا مدح می شود ع
مفسرین این آیت
را بهین اسلوب بیان
کرده اند لیکن حضرت
شاه صاحب و الله
این آیت را به حالت
حافظه عمل کرده و
ضمیمه قضی بنهم را
بوی ملایم را مع
نموده است چنانچه
مطلب
فصل بین فرشتگان
۱۰

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

الذي هدانا لهذا

ما كنا لنهتدي لَهٗ

هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَنَا فِي الْأَرْضِ فَآخِذٌ هُمْ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ

زنده تر از ایشان بخت و بهشت آنها در زمین است پس گرفتار کرد ایشان را خدا بگناهان ایشان

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاَقٍ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ

و نه بود ایشان را از خدا هیچ پناه دهنده این عقوبت بسبب آن بود که آمدند بایشان پیغامبران ایشان

وَلَكِنَّتُمْ كُفْرًا فَآخِذٌ هُمْ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۚ قُلْ شَهِيدُ الْعَقَابِ ۚ

پس نشانیهای کفر را گرفتار کرد ایشان را خدا بگناهان ایشان به حقیقتی که عقوبت است

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ ۖ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَ

و هر آینه فرستادیم موسی را به نشانی و سُلطٰن و مجت (قسم است) به حقیقتی فرستادیم موسی را بایشان بای خویشتن و محبت ظاهر

هَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سِحْرٌ كَذَّابٌ ۖ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ

همان و قارون پس گفتند جادوگری دروغ و کذب است پس چون آمد بدیشان به پیغام راست از

عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ

نزد ما گفتند بکشید فرزندان آنانکه ایمان آوردند همراه او و زنده نگذارید دختران ایشان را

وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلٰلٍ ۚ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ

و نیست کید سازای کافران مگر در تباهی و گفت فرعون ای پادشاه بگذارید مرا تا بکشم

مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ عِرْيَتَهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ

موسی را و باید که دعای عریانیتش برآورد و دگر خویش را بدین دین بتاراید یا بدین دین

فِي الْأَرْضِ فَسَادًا ۚ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ

در زمین فساد را و گفت موسی هر آینه من پناه گرفته ام به پروردگار خود و پروردگار شما

مَنْ كُلِّ مَثَلٍ لِّمَنْ يُّؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ۚ وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ

از هر مَثَل که برای کسی که ایمان بخرد روز حساب را و گفت مردی مؤمن

مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ

از خویشان فرعون که پنهان میداشت ایمان خود را آیا می کشید مردی را بسبب آنکه می گوید پروردگار من

اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ ۚ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ

خداست و هر آینه آمده است بایشان بآیات آشکارا و اگر بگوید دروغ گو باشد پس و باین

كُذِّبَتْ ۚ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ

برادست دروغ گو را و اگر راست گو باشد البتة برسد بکدام بعضی از آنچه وعده می کند بر شما به حقیقتی که

لَا تَأْتِيهِمْ إِلَّا تَجَنُّبًا وَتَوَارِعًا وَتُؤْتِيهِمْ فِي ظُلُمٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

نهی می آید بآنها و از روی احتیاط و در تاریکی و خداوند سخت

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

فمن اظلم ۲۴

لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ۱ يَقَوْمُكُمْ الْمَلَائِكَةُ الْيَوْمَ

وهم نایب کسی را که باشد از حد گذرنده دروغ گو ای قوم من امروز شمار است پادشاهی در حالیکه

ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنَ بَنِي إِسْرَءِيلَ مَا نَرَىٰ

غالب شده در زمین پس کلفت و دهمارا از عذاب خدا اگر بیاید پس

قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ

لَفْت فرعون گفت من نمی بینم شما را چیزی از راه ی که من می بینم شما را

الرَّشَادَ ۲ وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا يَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ

راستی و کلفت که ایمان آورده بود اے قوم من هر آنچه من می ترسم بر شما از مانند

يَوْمِ الْأَحْزَابِ ۳ مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ الَّذِينَ

روز جماعت با من است مانند صورت حال قوم نوح و عاد و ثمود و آنانکه

مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظَلَمًا لِلْعِبَادِ ۴ وَيَقَوْمِ إِنِّي أَخَافُ

بعد از ایشان بودند و خدا اراده نمی کند بر بندگان و اے قوم من هر آنچه من می ترسم

عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ۵ يَوْمَ تَوَلَّوْنَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ

بر شما از روز آواز دادن بایکدیگر روزی که برگردانید (از موقف) باز گشتن شما از الله هیچ

عَاصِمٍ ۶ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۶ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ

نگهدارنده و هر گاه گمراه سازد خدا پس نیست او را هیچ راه ناینده و هر آنچه آمده بود پیش ازین بشما یوسف

مِنْ قَبْلِ الْيَمِينِ فَما زِلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ طَحْتِي إِذَا هَذَا

پس همیشه در شک بودید از آنچه آورده بود پیش شما آنرا تا دقتی که مرد

قُلْتُمْ كُنْ يَتَّبِعُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِهِ كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ

گفتید که نیت خدا بعد از او را پیروی کند و این چنین گمراه می کند الله هر که او

مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ۷ الَّذِينَ يَجَادِلُونَ فِي آلِ اللَّهِ يَغْیِرُ سُلْطَانَ

از حد در گذرنده شک آورنده (گمراه می کند خدا) آنانکه در جدال می کنند در آیات خدا بغیر کدام سندیک

أَتَاهُمْ طَعْنٌ مِمَّنْ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ آمَنُوا كَذَلِكَ يُطَبِّعُ اللَّهُ

آید باشد پیش ایشان سخت ناپسند شد این مبارزه ایشان نزد یک خدا نزدیک آنانکه ایمان آوردند و چنین می بیند خدا

عَلَىٰ كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٌ ۸ وَقَالَ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَمْلَأُ

بر هر دل متکبر سرکش و کلفت فرعون اے پادشاه من مراست بر اے من که سرکش

عنه عوم مفسرین از یوم التناد روز ندای بی بدیگری در قیامت را هر دو بگیرد و قیامت بر مردم براس جمع شدن و حساب دادن و محشر خوانده میشود و اهل جنت و اهل دوزخ و اهل اطراف یکدیگر را صدخوایند کرد و بالاخر ندا خواهد آمد یا اهل الجنة خلوا صلوات و یا اهل النار خلوا و یا موت که آمد و بی اند لیکن حضرت شاه صاحب روح الله الهام میوم التناد روزی را مراد گرفته است که در آن بر فرعون عذاب نازل شد چنانچه می نویسند که روزی که بر ایشان دوزخ گردید و هر قلم غرق گردیدند و نه گام فرق شدن تمام نفری یک و دیگر راهی که کردند شاید این مردوسم پذیرد کشف معلوم کرد باشد و یا ازین قیاس که بر قوم عذاب بین طور دارد می شود و اظهار کردید که قصه تمام شد و نادره بود و اکنون بعد از او کدام پیغمبری آمدنی است و گویند از ابتدا سلسله رسالت بر آنکار گردید لیکن حضرت شاه صاحب (رحمته) میگوید که اهل مصر در حیات حضرت یوسف به نبوت او قائل نشدند بعد از وفات وی چون سر رشته سلطنت مصر در کار آمدی میزاد اظهار

بجای آنکه در روز آواز دادن بایکدیگر روزی که برگردانید (از موقف) باز گشتن شما از الله هیچ

که از آنکه یوسف درین شهر نهایت مبارک بود و هر آینه متأسفانه بجای نخواهد آمد یا آنکار و یا اکنون این اقرار این است اسراف و برفی دعا می مردوسم این بود که در لغت

فل یمنی عبادہ الیہ
تفسیر عثمانی
عنه کسانیکه دلائل
توحید و کتب مساویہ
و معجزات و ہدایات
پیغمبران او خواخواہ
مجادد و کائنات و انوار
مخزن فی سندی
خاندان صدای حق را
نایمہ حقیقہ دوست
انہای حج بیت الہی
نیت و نذر حقیقت
ایمان جزای او را
و آشکار گنجایش ملک
و فردی باشد نقط
تکبر مانع آنہاست
کحق را تسلیم و بہ
پیغمبری پیروی نمایند
زیرا پیغمبر نسبت
بہ پیغمبر و تفرق باشند
و یا اظہار پیش او بہ خرم
شدن مجبور شوند
لیکن بدانند کہ آنہا
باین مقصد خود
گامی نخواہند
رسید آنہا بحد
میشوند کہ یا بحد
پیغمبر سر طاعت
نم کنند و یا بحد
ہا در جہنم و در سزا
برستند علی حق است
از بد بحد خواہند
و کما استحق بحد
است ان آیت
مطہر شد کہ خدا بحد
بندگان میرسد
این سخن بدون شک
و شدید صحیح است
مگر مطلب این نیست
کہ ہر دعای ہر بندہ
ما قبول کند یعنی آنچه
بتو یا بہ ہر بندہ
بلکہ اجابت و جزین
نوع است کہ در
احادیث بیان شد
اعطای چیزی بوقوف
بر مشیت او و تامل

يَجَادُونَ فِي آيَةِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا
سُكْرًا مِمَّا يَكْنُتُونَ فِي آيَةِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِنْ فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا
كِبْرٌ مَا هُمْ بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝
السَّمُوتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ
لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا
الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مِمَّا تَدَّكَّرُونَ ۝ إِنْ السَّاعَةُ لَا تَنبِيءُ
كَارِهِمْ يُنَكَّرُ وَنَدْبَارُكَ يَنْبَغِي سَمْعًا يَدْرِي ۝
لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَوْمِنُونَ ۝ وَقَالَ رَبُّكُمْ
ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ
جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ۝ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ
وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ
النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۝ ذَلِكُمُ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ مَلَا إِلَهَ
إِلَّا هُوَ فَاتَى تَوْفِيقُونَ ۝ كَذَلِكَ يُؤَفِّكُ الَّذِينَ كَانُوا يَلْبِسُونَ
يُحَدِّثُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ
بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَفَعَكُمْ مِنَ الطُّيُوتِ ذَلِكُمُ
مُتَقَفٌ وَصُورَتِ لَيْسَ شَيْءٌ سَخِطَ صُورَتِ لَيْسَ شَيْءٌ سَخِطَ صُورَتِ لَيْسَ شَيْءٌ

بر مشیت او و تامل کما قل فی موضع آخره فیکشف اید عن الیه الشاء (الهم رکوع ۴) بہر حال کار بندہ خواستن است و خدا خواستن یک عبادت بلکہ

اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَرَّكُ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۵ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ

خدا پروردگار شما پس بسیار بابرکت است خداست پروردگار عالمها اوست زنده نیست هیچ معبود مگر او

هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۶ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۵

او پس عبادت کنید او را یک جهت ساخته بر اسم او عبادت ستایش خداست پروردگار عالمها

قُلْ إِنِّي نَهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَسْتُ

بمهر آیین من منع کرده شدم از آن که عبادت کنم آنان را که شما می پرستید بجز خدا و قبیله

جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۶

آمدن نشانهای آشکارا از پروردگار من و فرموده شد مرا که منقاد شوم پروردگار عالمها را

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ

اوست آنکه آفرید شما را از خاک باز از لطفه منی باز از خون بسته باز

يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشَدَّ كَرَمٍ ثُمَّ لِيَتَوَكَّلُوا عَلَىٰ خَلْقِهِ

بیرون می آورد شما را کودک شده باز با نیت قوت خود باز با نیت میگذرد تا شوید پیر کمال سال و

مِنْكُمْ مَنْ يَتُوفَىٰ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَبْلُغَ أَجَلَ مُّسَمًّى وَكُلُّكُمْ

بعضی از شماست که بموت میرسد پیش ازین و با نیت میگذرد تا برسید به نیت معین و تا بود که

تَعْقِلُونَ ۷ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ ۸ فَإِذَا قُضِيَ أَمْرُ الْأَمْرِ

بمهر اوست آنکه زنده می کند و می میراند چون پس از آنکه چیزی را جز این نیست که

يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۹ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَخَادُونَ فِي آيَاتِ

ی گوید پس بگو پس میشود آید دیدی بسوی آنانکه مکاره می کنند در آیات

اللَّهُ أَنْ يَصْرِفُونَ ۱۰ الَّذِينَ كَذَبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أُرْسِلْنَا بِهِ

خدا را از کج گردانیده میشوند آنانکه دروغ میگویند کتاب را و آنچه فرستادیم با آن

رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۱۱ إِذَا الْأَغْطَالُ فِي أَعْنَاقِهِمُ وَالسَّلَاسِلُ

بها بگردانند خود را و خواهند دانست حقیقت حال و قیام کوفته در گردن ایشان باشند و زنجیرها بر

يَسْجُونَ ۱۲ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ۱۳ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ آيُنَا

مستند میشوند در آب گرم باز در آتش بر تافتند شوند پس در آتش سوخته میشوند (آتش از خارج و داخل محیط آنها میباشد) باز گفته شود ایشان را که

كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ ۱۴ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَلْ لَمْ نَكُنْ

شریک مقرر می گردید بجز خدا گویند که گم شدند از نظر ما بلکه هرگز

شریکی اگر نبود بجز الله گویند که گم شدند از ما بلکه نبودیم

عنه از پنج حریف
بنات او تالی گای موت
دقیق عاقلش و شعله
سینو و پروا صبح است که
چون حیات او ذوق است
تمام لوازم حیات او هم
ذاتی میباشند همه
کمال و خوبی با همه
متعلق بحیات است
کیسکی علی الاطلاق
است خاص با مستحق
عبادت و مالک تمام
کمال و خوبی با همه
باشد از زمین سبب
الحمد لله رب العالمین
را بود از هر نوعی
چنانکه آیت باقی ماند
از ذکر نعمت با تقدیر
الله رب العالمین
فرموده بود از هر نوعی
سلف منقول است
که در تفسیر لاهل الاشتهار
تفسیر شده باید الحمد لله
رب العالمین و این آیت
مفهوم ساخت مأخذ
آن بین آیت است
معه بعد از ماثله
کلمات و افعال
چرا بجهت خدای
و احد معبود و مرتبه ننگ
اسلام و خاص تابع زمان
مع او نشاء الله
یعنی از طفلی جوانی
و از جوانی به پیری
میرسد و بعضی از
شمارش از جوانی و پیری
و وفات میکند
بهر حال به نفعی تا
به یک معیار معین و
دعای نوشته رسد
جهت کس کس موت
و حشر شقی نیست
هر آنکه از دنیا چار باشد
نوشته در جامع پیری
کل من علیها فانی
اص حضرت شاه

و الله اعلم بالصواب و بعضی فکر کنند که شما از این خدا و او را که شریک است بدانید و او را که از یک و در دیگر بهم میزدند و آن بر خواست است بعد از موت بنابر این آیه و در حق را چار عمل میباید

تَدْعُوا مِنْ قَبْلُ شَيْءًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ۝

یعنی پرستیدم پیش ازین چیزی را که گمراه می کند خدا را خدایان را

ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمُرُّونَ ۝

این عقوبت بسبب آنست که شادمان میشدید در زمین ناحق و بسبب آنست که می تازیدید

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَلِدِينَ فِيهَا فَبَلِّسْ مَثْوًى لَكُم بِئْسَ الْمَثْوَى ۝

در آنجا بد دروازه های دوزخ جاویدان آنجا پس بد جائی متکبران است دوزخ

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ وَامَّا نَبِيِّكَ بَعْضُ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ

صبر کن ای محمد هر آنچه وعده خدا است درست است پس اگر بنمایم جز بعض آنچه وعده میدیم ایشان را فساد

تَوْفِيقِكَ وَالنَّبِيُّ رَجُلٌ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ

اگر بعض روح تو کنیم پس نبوی ما باز گردانیده شوند کافران و هر آینه فرستادیم پیاپی را پیش از تو

مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ

از ایشان کسی هست که قصه اش خوانده ایم بر تو و از ایشان کسی هست که قصه اش بخوانده ایم بر تو و نبود

لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ فَفُتِنَ بِالْحَقِّ

بناهی پیاپی را که بیاید نشان معجزه بران خدا پس وقتی که امر خدا فیصله کرده شود بر او

وَحَسْبُ هَٰذَاكَ السِّبْطُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ

و زبان کار شدند آنجا بگوید گوشت خدا آنست که آفرید برائے شما مواشی را

لَتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَكُونُونَ ۝ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ فَتَعْلَمُوا

تا سوار شوید بر بعض آنها و بعض آنها را میخورید و شما راست در آنها منافعی بسیار و تا میسرید

عَلَيْهَا حَاجَةٌ فِي صُدُورِكُمْ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ۝

سوار شده بر آنها بمقدسه که در سینۀ شما مستقر شده است و بر چهار پایان و غیره بر کشتی با برداشته میشود

وَبَرِّكُمْ آيَةٌ فَإِنَّ آيَةَ اللَّهِ تُنْكَرُونَ ۝ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي

و خدا ای نباید شمار ایشانهاست خود پس کدام یک از ایشانها را خدا آیه می کند آیه ای که می بینید

الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا

زمین تا میگرد چو نه بود آخر کار آنانکه پیش از ایشان بودند بودند

أَكْثَرُ مِنْهُمْ وَأَشَدُّ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا عَنَى عَنْهُمْ

بیشتر از ایشان و زور بادتر بقوت و به نشانها در زمین پس دروغ نکرد از ایشان

مطلب آیت را چنان
عرض اند که کسانی را
که در دنیا بخوانند هر روز
بر اینها مشغول باشند
در دوزخ چیزی نبوده اند
گوایان عذاب و حسرت
و انوس احزان غلی
شان میباشد لیکن
خلاص مقام حضرت
شاه (رحمته الله) این
است که مشرکین را
الهام کرده بودند که ما
قطعا آنها را شریک
نکردیم و اینهم
دو خطای بی ساخت
از زبان شان می بر آید
«منوافه» که درین
انوار اقرار شریک
گردانیدن می باشد
بعد از آن اشکی دل
گرفته اندکای پرورند
که ما بدون خدا قطعا دیگر
کس را خوانده بودیم
«منوافه» که درین
داده است یعنی
انعام می گردد
بر کسان و در بعضی
و عده و حیات تو اجرا
شود (چنانکه در واقع
«بلد» و «فتح» که
و غیره بظهور می رسد)
و پدید آمدن ذرات تو
الهام گردد بر حال اینها
از ملاحظه ما به اینها
گرنگی نمی گذارد
انجام ایشان بدست
قوی ما است و چون
این زندگی پیاپی
چند گانه می بیند
تکلیف عذاب الهی
پس می آید حاصل
ظلمی بی حد و حد
مکن نیست
و اول تفسیر بعضی
مفسرین را باین بیان
گردیم و آنکه تفسیر

وَقَالُوا آمَنَ أَشَدُّ مِنْ قُوَّةٍ أَوْ لَمْ يَرَوْا آيَاتَ اللَّهِ الَّتِي

خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ فَاصِرَةً فِى أَيَّامٍ مُّجْتَمِعَاتٍ لِّئَلَّا يَقُولُوا

عَذَابُ الْآخِرَةِ فِى الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْثَرُ

وَهُمْ لَا يَنْصَرُونَ وَأَمْ أَشَدُّ قُوَّةً لِّئَلَّا يَقُولُوا

عَلَى الْهَدَى فَاخْذِ لَهُمْ صُفْحَةً مِنَ الْعَذَابِ أَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ

يَكْسِيُونَ وَنَجِّنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ وَيَوْمَ

يَحْشُرُهُمُ اللَّهُ إِلَى السَّارِ فَيُوقِعُونَهُ ۝ حَتَّى إِذَا مَا

جَاءَهُمْ شَهِدَتْ عَلَيْهِمْ سُنْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَقَالُوا الْجُلُودُ هُمْ شَهِدَتْ عَلَيْنَا

قَالُوا أَنْظِقْنَاهُ اللَّهُ الَّذِى أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ

مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَرْوُونَ أَنْ يَشْهَدَ

عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ

يَحْشُرُكُمْ تَحْشُرُكُمْ فَاصْرَحُوا لَكُمْ فَاصْرَحُوا لَكُمْ فَاصْرَحُوا لَكُمْ

فَاصْرَحُوا لَكُمْ فَاصْرَحُوا لَكُمْ فَاصْرَحُوا لَكُمْ فَاصْرَحُوا لَكُمْ

فَاصْرَحُوا لَكُمْ فَاصْرَحُوا لَكُمْ فَاصْرَحُوا لَكُمْ فَاصْرَحُوا لَكُمْ

فَاصْرَحُوا لَكُمْ فَاصْرَحُوا لَكُمْ فَاصْرَحُوا لَكُمْ فَاصْرَحُوا لَكُمْ

فتح الرحمن
فمن اظلم
بجسد بعض اشاره
کرده میشود الله اعلم
فمن اظلم
خوف آنکه ۱۲
تفسیر عثمانی
بقیة صراط
دارد که ازین الفاظ
ترافی فی الاخبار ویا
ترافی در حق مراد می
چنانکه در ثم کان من
الذین آمنوا واما
بالعبر واما اوصاف
(پاره ۳۰ کوش ۱۵)
در جای دیگر در متن
بدون یک زخم برآید
۱۲ کوش ۳۳
مراد گرفته شده است
بهر حال هر قرآن کریم
تفسیر ترتیب زمانی
۲ نیست دارای رنگ
۱۰ لغت ذکر زمین و
در تذکره لغت و
۱۲ اعدت ذکر آسمان
مقدم کرده شده و
نکته آن به ادنی تا من
و تدبیر معلوم میشود
تفصیل آنرا می توان
در اینجا آورد و چند
جمله فقط بفرص تنبیه
اهل علم نوشته شده
۱۵ شاید در جواب
تنبیه بر عذاب اهل ظن
ببینان پس آمد آنها
گفته باشند که از راه
آورد ترکیب که از
خود کلیم آیات
احمدان قوی را که
موجب ساخته میوان
حضرت شاه از علما
میگوید که این مردم
بسیار جسم قوی بودند
بقوت بدنی خود تا به
نیک خود و دیگران
بجسور الله تعالی شود
یوم که بدنی می گردد
۲۰ خانه

عنه استقام

و لا یجوز ان یسأل
 و الله اعلم و الله اعلم
 و سور اذ افتتح کتبنا
 قایل بحدیث مت و
 آخرت قایل بحدیث
 نیست و الله اعلم و
 و لا یجوز ان یسأل
 و لا یجوز ان یسأل
 تفسیر عثمانی
 و حضرت شاه
 صاحب دلائل
 نویسنده و نویسنده
 بعضی از میر آسان
 می گویند و بعضی در
 آخرت می گویند
 و با کتب و کتب
 نشین آنها
 مقبوله و خروج
 از آنجا ای امکان
 ندارد و بعضی می گویند
 دنیا بدین طرز و کتب
 رویشد و مادر آخرت
 هر چه مذمت و فساد
 کنند قطعا پادشاهی
 شود و از آن وقت
 کرم باشد بر حق درون
 های سامعین تاثیر
 می کند کسی که شنیده
 فریاد آن می گوید که
 برای دفع تاثیر آن
 چنان تدبیر نمیکند که
 - بشنیدن آن خلقت
 گوش بگیرم و انعقاد
 فاعلام می آورم بر این
 که بخوبی هم شنیده
 نتواند بدین وسیله
 بر غلبه و یاوه سرای
 مادر از قرآن مجید
 میشد - در این ایام هم
 جانان بجز تدبیر یا
 رای بخیر که حق کار
 آمد مدینه بدین راه
 کردن شهر و شهر
 سینه نشود لیکن
 غرض رعد صداقت
 از آواز پندار و کسرا
 لغت صواب می شود

لَا یَعْلَمُ کَثِیرٌ اِمَّا یَعْمَلُونَ ۝ وَ ذَلِکُمْ ظَنُّکُمْ الَّذِی ظَنَنْتُمْ بِرَبِّکُمْ
 می بیند که بسیار از آن می کنند و این گمان شما آن گمانی که کرده بودید به پروردگار خود
 اَرَدَکُمْ فَاصْبِرْ ۝ فَانْصَبِرْ وَاَقَالَتُ لَکُمْ مَثْوًی
 پاک کرد شما را پس از آن که گشتید پس اگر صبر کنید پس اگر صبر کنید پس اگر صبر کنید
 لَکُمْ طَوَّانٌ یَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمَعْتَبِینَ ۝ وَ قِیْضُنا لَهُمْ قَرْنٌ
 ایشان است و اگر غرض طلبند پس نیستند ایشان صبر کرده شده و بر ما شایسته برای ایشان بهشتیان ملک
 فَرِیقٌ اَلَهُمْ مَّابَیْنُ اَیْدِیْهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ وَ حَقَّ عَلَیْهِمُ الْقَوْلُ فِی
 پس اگر است کرده آن بهشتیان برای ایشان آنچه پیش روی ایشان است و آنچه پس پشت ایشان است و ثابت شد بر ایشان سخن طلب
 اَمْرٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْاَیَّامِ وَالْاَنْسِ اَلَهُمْ کَاثِرٌ اَخْسِرُ ۝
 است آنچه پیش از ایشان گذشت از آن جن و آدمیان به تحقیق ایشان بودند زمان کاران
 وَقَالَ الَّذِیْنَ کَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذا الْقُرْآنِ وَالْغَوَافِیْهِ لَعَلَّکُمْ
 می گفتند که قرآن گوش نپذیرد و سخن به پروردگار شنید و در انشای خواندن آن شنیده شد
 تَغْیِبُونَ ۝ فَکُنْذِ یَقِنَنَّ الَّذِیْنَ کَفَرُوا عَذَابٌ اَشَدُّ اِیْدًا وَ لَنْ جَزِیَّتُهُمْ
 غالب شود پس البتہ بخشایم و عذاب سخت و عذاب را عذاب سخت و عذاب را عذاب سخت و عذاب را عذاب سخت
 اَسْأَلُ الَّذِیْ کَاثِرٌ اَعْمَلُونَ ۝ ذَلِکَ جَزَاءُ اَعْدَاءِ اللّٰهِ النَّارُ لَهُمْ
 بحسب بدترین آنچه می کردند می کردند به این است جزای دشمنان الله آتش است آفرامست
 فِیْهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءُ الَّذِیْنَ کَاثِرٌ اَعْمَلُونَ ۝ وَ قَالَ الَّذِیْنَ
 در این منزل علی السلام باشد و دانش و علم بر حسب آیات و انکار می کردند و گویند
 کَفَرُوا اَسْأَلُ الَّذِیْنَ اَضَلَّنا مِنَ الْجِنَّ وَالْاِنْسِ جَعَلْهُمَا
 کافران اے پروردگار ما را بنما از آن دو کس که گمراه ساختند ما را از جن و انس و از جن و انس تا در آیم آن پروردگار
 تَحْتَ اَقْدَامِنا لَیْکُمْ نَارُ الْاَسْفَلِیْنِ ۝ اِنَّ الَّذِیْنَ قَالُوا اَسْأَلُ
 زیر قدمهای خود شما شنید از خودتان ماندگان به تحقیق آنانی که گفتند پروردگار ما
 اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَنْزَلَ عَلَیْهِمُ الْمَلِکُةُ الْاَسْفَلُ ۝
 خواست باز قائم ماندند فرود می آمد بر ایشان فرشتگان (گویند که آنیک) مترسید
 لَا تَخْزُوْا اَوْ ابْشِرُوْا بِالْجَنَّةِ الَّتِیْ کُنْتُمْ تُوعَدُوْنَ ۝ تَخْزُوْنَ
 اندوه نوزید و خوشحال شوید به بهشتی که وعده داده می شده
 عَمَّ لَیْسَ مَعَهُمْ وَ تَخْزُوْنَ اَسْأَلُ الَّذِیْنَ کَاثِرٌ اَعْمَلُونَ ۝
 عَمَّ لَیْسَ مَعَهُمْ وَ تَخْزُوْنَ اَسْأَلُ الَّذِیْنَ کَاثِرٌ اَعْمَلُونَ ۝

و لا یجوز ان یسأل
 و الله اعلم و الله اعلم
 و سور اذ افتتح کتبنا
 قایل بحدیث مت و
 آخرت قایل بحدیث
 نیست و الله اعلم و
 و لا یجوز ان یسأل
 و لا یجوز ان یسأل
 تفسیر عثمانی
 و حضرت شاه
 صاحب دلائل
 نویسنده و نویسنده
 بعضی از میر آسان
 می گویند و بعضی در
 آخرت می گویند
 و با کتب و کتب
 نشین آنها
 مقبوله و خروج
 از آنجا ای امکان
 ندارد و بعضی می گویند
 دنیا بدین طرز و کتب
 رویشد و مادر آخرت
 هر چه مذمت و فساد
 کنند قطعا پادشاهی
 شود و از آن وقت
 کرم باشد بر حق درون
 های سامعین تاثیر
 می کند کسی که شنیده
 فریاد آن می گوید که
 برای دفع تاثیر آن
 چنان تدبیر نمیکند که
 - بشنیدن آن خلقت
 گوش بگیرم و انعقاد
 فاعلام می آورم بر این
 که بخوبی هم شنیده
 نتواند بدین وسیله
 بر غلبه و یاوه سرای
 مادر از قرآن مجید
 میشد - در این ایام هم
 جانان بجز تدبیر یا
 رای بخیر که حق کار
 آمد مدینه بدین راه
 کردن شهر و شهر
 سینه نشود لیکن
 غرض رعد صداقت
 از آواز پندار و کسرا
 لغت صواب می شود

اولئك في الحيوة الدنيا وفي الآخرة ولكم فيها ما تشتهي

نفسكم ولكم فيها ما تدعون ١ نزل من غفور رحيم ٢

احسن قولاً لمن دعا الى الله وعمل صالحاً قال انفق من

المسلمين ٣ ولا تستوي الحسنة ولا السيئة ادفع بالتي هي

احسن فاذ الذي بينك وبينه عداوة كان ولياً حميم ٤ وما

يلقبها الا الذين صبروا وما يلقبها الا ذو حظ عظيم ٥

واما ينزع عنك من الشيطان نزع فاستعذ بالله انه هو

السميع العليم ٦ ومن آياته الليل والنهار والشمس والقمر

لا تسجدوا للشمس ولا للقمر واسجدوا لله الذي خلقهن

ان كنتم اياه تعبدون ٧ فان استكبروا فالذين عند ربك

يسمعون له بالليل والنهار وهم لا يسعون ٨ ومن آياته

انك ترى الارض خاشعة فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت

وربت طران الذي احياها لمحي الموتى على كل

تفسير عثمان
اولئك في الدنيا وفي الآخرة
نفسكم ولكم فيها ما تشتهي
احسن قولاً لمن دعا الى الله وعمل صالحاً
المسلمين ولا تستوي الحسنة ولا السيئة
ادفع بالتي هي احسن فاذ الذي بينك وبينه عداوة كان ولياً حميم
ما يلقبها الا الذين صبروا وما يلقبها الا ذو حظ عظيم
واما ينزع عنك من الشيطان نزع فاستعذ بالله انه هو السميع العليم
ومن آياته الليل والنهار والشمس والقمر لا تسجدوا للشمس ولا للقمر
واسجدوا لله الذي خلقهن ان كنتم اياه تعبدون فان استكبروا فالذين عند ربك
يسمعون له بالليل والنهار وهم لا يسعون ومن آياته انك ترى الارض خاشعة
فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت وربت طران الذي احياها لمحي الموتى على كل

اولئك في الدنيا وفي الآخرة
نفسكم ولكم فيها ما تشتهي
احسن قولاً لمن دعا الى الله وعمل صالحاً
المسلمين ولا تستوي الحسنة ولا السيئة
ادفع بالتي هي احسن فاذ الذي بينك وبينه عداوة كان ولياً حميم
ما يلقبها الا الذين صبروا وما يلقبها الا ذو حظ عظيم
واما ينزع عنك من الشيطان نزع فاستعذ بالله انه هو السميع العليم
ومن آياته الليل والنهار والشمس والقمر لا تسجدوا للشمس ولا للقمر
واسجدوا لله الذي خلقهن ان كنتم اياه تعبدون فان استكبروا فالذين عند ربك
يسمعون له بالليل والنهار وهم لا يسعون ومن آياته انك ترى الارض خاشعة
فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت وربت طران الذي احياها لمحي الموتى على كل

عنه انك انما من اهل
زبان آنگاه که در راه
خدای متعال دعوت
می دهند آیت تزییل
را می شنوند و آیات کوچه
خدا را در صحنه دهر
بینند و انعام از بخودی
باز نمی آید و سخنان
واضح و راست را تو
شبیهات بی اساس
و بی سازند و یا انرا
تفسیر تحریف و تفسیر
داده و مطلب را غلط
مغشوش کنند و یا تهازل
نموده و از پذیرفتن این
آیات پنهانی می کنند
حق تعالی چنین بگردانید
خوب میدانند که این
کتاب این مردم بر سرک
بای خود بنزد می کشد
رفتار و کردار آنها
بر خدا مخفی نیست -
آنکه که بجهت واد
تعالی روز بچشم سر
خواهند دیدی الحان
او تعالی آنها را سهل
داده است زیرا عادت
اوست که بجهت را فو
گر خدای کند از پس
سبب خود و معلوما
شمارند و با تعولون
بعضی زنی هر چه
می خواهند بکنند
که تمام حرکات تان
خود را تعالی ثبت و
مخفی است و دزدی
خساره آنرا خواهد
برداشت چنانچه
فکر کنی بدان تحقیق
بجزای شرمت بای خود
در آتش شعله می کشد
و تحقیق از سبب
رفتار شرافت مندانه
و کردار صالحانه و نجابت
خود را تا پس و مسلم

شئ قدیر ۵ ان الذين يُلحدون في آياتنا لا يخفون علينا

بهر آینه آنانکه هیچ روی می کنند در آیات ما پوشیده نیستند از ما
(بمعنی) آنانکه هیچ رفتاری نمیکنند در آیت های ما پوشیده نمی شوند بر ما پس جزا می رسد به آنها بجزای خودشان

اَمَنْ يُلْقِي السَّارَّ خَيْرًا مِّنْ يَّاتِيهِ امَّا يُلْقِيهِ ط

آیا کسی انداخته شود در آتش بهتر است یا کسی که باید به اسن در روز قیامت
آیا انداخته شود در آتش بهتر است یا آنکه باید به اسن در روز قیامت

اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ اِنَّهٗ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۵ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

بکنید هر چه خواهید هر آنچه خدا بآنجای که کند بیناست
و بپوشیده به آنها که خود بکنید هر چه خواهید تحقیق آنچه می کنید بیناست (بمعنی) آنانکه کافر شدند

بِالَّذِي كَرِهَ لِمَآ جَاءَهُمْ وَانَّهُ لَكُنْزٌ كَرِيمٌ ۶ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ

بقرآن و قبیله آمد بدیشان پوشیده نیستند از ما تحقیق آن کتابیست گرامی قدر راه نمی یابد بدو باطل
به نصیحت از آنان که بدی که ایشان را پوشیده نیستند از ما (بمعنی) آنانکه کافر شدند و از آنانکه کافر شدند

مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهٖ تَتَزَيَّلُونَ مِّنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ ۷

از پیش روی او و نه از پس پشت او فرستاده شده است از خداست دانا ستوده
از پیش روی آن و نه از عقب آن فرستاده شده است از حکیم ستوده

مَا يَقَالُ لَكَ اَلَا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ اِنَّ رَبَّكَ

ما می گویند نمی گویند چیزی که گفته شده بود پیش از این
ما می گویند نمی گویند چیزی که گفته شده بود پیش از این

لَدُوْكَ مَغْفِرَةٌ وَّذُوْ عَقَابٍ اَلَيْسَ ۱۱ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَجَبِيًّا

خداوند آمرزش است و خداوند عقوبت در دهنده است
خداوند آمرزش است (مؤمنان را) و خداوند عقوبت در دهنده است (کافران را) و اگر می ساختیم این کتاب را قرآنی بزرگان

لَقَالُوا الْوَلَا فِصْلَتْ اَيْتُهُ طء عَجَبِيٍّ قَوْمِيٍّ قُلْ هُوَ الَّذِي يَنْ

بهر آینه می گفتند کافران عرب چرا واضح کرده نش آیات او آیات قرآن عجیب است و مخاطب عربی بگو قرآن مسلمانان
بهر آینه می گفتند (کافران عرب) چرا بیان کرده نش (بزرگان ما) آیت های او (قرآن) عجیب است و مخاطب عربی بگو قرآن مسلمانان

اَمْ نُوْهِدِيْ وَتُفْقَهُمُ وَالَّذِيْنَ لَا يَمِيْنُوْنَ فِيْ اَذَانِهِمْ قُرْ

را هدایت و شفاست و آنانکه ایمان ندارند در گوش ایشان گرامیست
مؤمنان هدایت و شفاست و آنانکه ایمان نمی آورند در گوش شماست شان گرامی است

وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى اُولَٰئِكَ يَنْادُوْنَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيْدٍ ۱۲ وَ لَقَدْ

و قرآن بر ایشان کور است این جماعه بمثل چنانست که آواز داده میشوند از جائی دور
و قرآن بر ایشان کوری است آن جماعه چنان اندک آواز داده میشوند از جائی دور (بمعنی)

اَتَيْنَا مُوسٰى الْكِتٰبَ فَاخْتَلَفَ فِيْهِ وَاُولٰٓئِكَ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ

دادیم موسی کتاب پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نبودی که کتاب سابق صادر شده از پروردگار تو
دادیم موسی کتاب پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نبودی که کتاب سابق صادر شده از پروردگار تو

لَقَضٰى بَيْنَهُمْ وَاَلْهَمْنٰهُمُ شَرْكًَا مِّنْ مَّيْمَنٍ ۱۳ مِّنْ عَمَلٍ صٰلِحٍ

البت فیصل کرده شد در میان ایشان و الهام نمودیم ایشان را در شک قوی اند از طرف قرآن
البت فیصل کرده شد در میان ایشان و (بهر آینه) ایشان در شک اضطراب انداخته شد از قرآن هر که بکند کار نیک

فَلِنَفْسِهٖ وَّمِنْ اَسَآءَ فَعَلٰیهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِّلْعٰبِدِ ۱۴

پس نفس او است و هر که بدکاری کند پس و بال بدیست و نیست پروردگار گمراه کننده بر بندگان
پس برای (نفس) خود او است و هر که بدی کند پس و بال آن بدیست و نیست پروردگار گمراه کننده بر بندگان

جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا مِّنَ الْأَنْعَامِ لِتَذَرَوْهُ

جفت با و از چهار پان جفت بایر آن و و بسیار میسازد و شمار

ليس لمتله شيء وهو السبيح البصير (٢) له قلوب السموات

بنی آدم ہر ایک کے لئے دوست ہے اور ہر ایک کو دوست بنانا چاہیے۔

وَالْأَرْضُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ رَبَّكَ شَيْءٌ عَالِمٌ

ساده می کند و برای برادر خود و خند می کند بماند هر که خواهد بر آید و او نیز و نامست
و این می سازد و برای برادر خود و خند می کند برای برادر خود (بر آید و او نیز و نامست)

شَرِّكُمْ مِنَ الَّذِينَ مَأْصُومِي يَدَيْهِمْ نَوْحًا الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَ

مقرر ہوئے ہمارے سارا زمین ایک بار کر کے جو د باقامت آن لوچ را و آنچہ دی فرستادیم بسوئے تو د
 رہن خودہ (الفا) سادہ و روشن باری شہاز دین آچہ را کہ وصیت کرد و دودید آن لوچ را و آنچہ را کہ وہی کریم بسوئے تو د

ما وصيناك ابراهيم وموسى وعيسى ان اقيموا الدين والتقوا

و موسی و جبرئیل را پایش معنون که قائم کشید وین را و متفرق کشید
و موسی و جبرئیل را پایش معنون که بر پا بدارد وین را و اختلاف منه افتد

فِيهِ كِبَرٌ عَلَى الْمَشْرُكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَهُهُ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَهُهُ مَنْ

دوران دہکوارا اعلیٰ مشرقی انجمن کی خواتین ایشیائی زبان
دوران کرمان استر مشرقی انجمن کے ایشیائی زبانوں کے آئین

نَسَاءً وَتَهْدِي إِلَى الْبَيْتِ مِنْ بَيْنَيْهِ ۝ وَمَا تَرْفَعُ إِلَّا مَعَهُ يَحِيطُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمٌ

خواه درای نماید بوسه خود هر کرا چو می کند و دیگران که شدند اشتها میگویند آنان که آمدند پیش از
خواه درای نماید بوسه آن هر که در چو می کند و آن اختلاف میگویند که بعد از آن آمدن است.

وَلَا كَلِمَةٍ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَّا هِيَ

الکثرانہ کے حدود میں خود و اگر بیہودے سے کسی کا ہاتھ چھو رہا ہو تو کہہ دے کہ ہاتھ خود تار میں ہے (اخطار کروں) اندر ہی حدود میں خود و اگر بیہودے سے کسی کا ہاتھ چھو رہا ہو تو کہہ دے کہ ہاتھ خود تار میں ہے

فَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكُتُبَ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ

الذی فیص کرد و چشید بیان ایشان و هر آینه آنکه داده شد ایشان را کتاب بعد از آنکه ایشان

منه مريم فلذلك فادعها واستقربا آمين وان تتبع احداهما

از این پس بسوخته این دین و احوال کن و در حق تعالی تکیه کن و بگو که من را از این دنیا برکنار کن و مرا به جنت خود راه ده

منتهى بيان

ایمان آوردیم بآنچه فرمود آید و خدا بر کتاب که هست و فرموده شد اگر انصاف هم بین شما خدا

[illegible]

دردگار ماست و پروردگار شہادت مارا عمل ہائے ماست و شہادۂ اعلیٰ ہائے شہادت گفتگو نیست، بین و میان تمام

... و ...

عقبتی که در میان شاه و پسرش است
باز گشت (۱۰۰) گفتگو از شد در دین خدا بعد

...

...

چونکہ منکم شرعاً و منہا ۱۶۷۔

دل یعنی همه در اسلام
داخل شده اند و الله اعلم
تفسیر عثمانی

عنه چون صفت دین
خدا و کتاب و محفلان
او طاعت و طاعت و طاعت

بما افرد و افش من انما
قول که در دین با وجود
قول بخود آن بعد از

این چیز را اقرار نمودند
لهذا آنگاه که با وجود این
قد ظهور و وقوع باز هم

نگاهی کند با قبول
کنندگان داخل محاربه
میشود آنها مستحق

غضب خدای تعالی
و عذاب شدید هستند
چونکه همه محاربه ای

آنها را در حق و بهمن
بحث باقی می ماند
یا در هر دو اهل است

عنه که سبب بقا
یقین ندارد بقسم قسم
و استغناء بکمال بی

اعتنائی می گویند
رغب صاحب این
قیامت کی می آید آخر

سبب تاخیر قیامت چرا
زود نمی آید لیکن کسی که
که الله تعالی با ایمان

و یقین همه و مندراخته
است از تصور این
ساعت بزرگ

میل زند و در اسان می
شوند خوب میدانند که
یوقوع یومتی است

و کسی که از باز داشته
نی تواند بنابر آن به
آبادی آن علی الدوام

مصرف می باشند
اکنون بفرموده که احببت
این کافران معارضه

کنند چه میشود و قیامت
شخصی بر وی قیامت
باید یقین ندارد چه

آبادی کرده باشند
آری هر کس که برین حقیقت استغناء کند در گمراهی خویش افروخته می رود ۱۲

بَعْدَ مَا سَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَأَنبَسُوا لَهُ أَصْوَابَهُمْ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْوَعْدِ ۚ

از آن که قبول کرده شد خردان و دل مبارک به ایشان باطل است نزد یک پروردگار ایشان و بر ایشان است عظم و
از آن که قبول کرده شد آن خصومت ایشان باطل است نزد پروردگار ایشان و بر ایشان است غضب (خدا و)

لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۚ اللَّهُ الَّذِي أَنزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَاتِ

ایشان راست عذاب سخت خدا آنست که فرود آورد کتاب را بر راستی و قرائت را نیز
ایشان راست عذاب سخت الله آنست که فرود فرستاد کتاب را بر حق و قرائت را نیز

وَمَا يَذْكُرُ لَكُمْ لَعَلَّ السَّاعَةَ ۚ قَرِيبٌ ۚ يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

و چه چیز مطلع ساخت شما بر حقیقت امر شاید که آمدن قیامت نزدیک باشد زود طلب می کنند قیامت را آن که ایمان ندارند
و چه چیز آگاه می سازد شما از قریب قیامت بدون از وی شاید آمدن قیامت نزدیک است پس شتابت کتاب و عمل ایشان کن پیش از آنکه

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۚ

آن روز که کارهای می کنند در آمدن قیامت
آن روز که می خواهند در آمدن قیامت (بر آید) و آنچه اندر گمراهی دور می آید دارای لغف است به بندگان خود

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۚ

آن روز که کارهای می کنند در آمدن قیامت
آن روز که می خواهند در آمدن قیامت (بر آید) و آنچه اندر گمراهی دور می آید دارای لغف است به بندگان خود

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۚ

آن روز که کارهای می کنند در آمدن قیامت
آن روز که می خواهند در آمدن قیامت (بر آید) و آنچه اندر گمراهی دور می آید دارای لغف است به بندگان خود

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۚ

آن روز که کارهای می کنند در آمدن قیامت
آن روز که می خواهند در آمدن قیامت (بر آید) و آنچه اندر گمراهی دور می آید دارای لغف است به بندگان خود

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۚ

آن روز که کارهای می کنند در آمدن قیامت
آن روز که می خواهند در آمدن قیامت (بر آید) و آنچه اندر گمراهی دور می آید دارای لغف است به بندگان خود

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۚ

آن روز که کارهای می کنند در آمدن قیامت
آن روز که می خواهند در آمدن قیامت (بر آید) و آنچه اندر گمراهی دور می آید دارای لغف است به بندگان خود

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۚ

آن روز که کارهای می کنند در آمدن قیامت
آن روز که می خواهند در آمدن قیامت (بر آید) و آنچه اندر گمراهی دور می آید دارای لغف است به بندگان خود

لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا التَّوَدُّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّجِيًّا

در حق هر چه بر بخت قرآن نازل منزه است باین باید که پیش گیرید دوستی در میان خویش و داناان و هر که بکند نیکی

نَزَّلَهُ فِيهَا حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ٢٨ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَىٰ

نازل آنرا بر آنجا حسن را سر آید خدا از کار قدر شناس است آری گویند بی خبر نکرده است بر

اللَّهِ كَذِبًا فَإِنْ يَشَأِ اللَّهُ يُخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَبِسمِ اللَّهِ الْبَاطِلُ ٢٩

خدا دروغ را پس اگر خواهد خدا مهر بند بر دل تو و نام او می سازد خدا به یهوده را و

يُحَقِّقُ الْحَقَّ يَكَلِّمُكُمُ فِيهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ٣٠ وَهُوَ الَّذِي

محقق حق کند و در حق سخن بگوید هر آینه خدا داناست آنچه در سینه است و او است آنکه

يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ٣١

قبول می کند توبه را از بندگان خود و درمی گذرد از گناهان و می داند آنچه می کنید

وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُمْ مِنْ فَضْلِهِ ٣٢

و قبول می کند دعاها را آنانکه ایمان آورده اند و کارهای شایسته کرده اند و زیاده می دهد ایشان را از فضل خود

وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ٣٣ وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ

و کافران ایشان را عذاب سخت و اگر فراخ کردی خدا رزق را بر بندگان خود

لَبَغَّوْا فِي الْأَرْضِ وَلَكِنْ يَنْزِلُ بِقُدْرٍ مَا يَشَاءُ إِنَّ بِعَادِهِ خَبِيرٌ

البته شادای کردند در زمین و لیکن فرو می آرد باندازه آنچه خواهد هر آینه خدا بر بندگان خود دانا

بَصِيرٌ ٣٤ وَهُوَ الَّذِي يَنْزِلُ الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَطَطُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ

بیناست و او است آنکه فرو می آرد باران را بعد از آنکه ناپدید شدند و پراکنده می سازد رحمت خود را

وَهُوَ الْوَلِيُّ الْأَكْمَدُ ٣٥ وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

و او است کار ساز ستوده کار و از نشان های او آفریدن آسمانها و زمین است و آفریدن آنچه میان آنهاست

فِيهَا مِنْ دَابَّةٍ ٣٦ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذْ يَخْلُقُ قَدِيرٌ ٣٧ وَمَا أَصَابَكُمْ

در میان این هر دو از جانوران و او بر جمع کردن ایشان و تیک خواهد توان تراست و آنچه برسد بشما

مِنْ مَصِيبَةٍ فَمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ٣٨ وَمَا أَنْتُمْ

از مصیبت پس بسبب آن نیست که بعل آرد و دستهای شما در میگذرد از بسیاری و دستهای شما

بِمَعْجَزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ٣٩

ما بجز کفرانه در زمین و نیست شمارا بجز خدا هیچ کار ساز و نه نصرت دهنده

فلان یعنی با من مسل
رحم کنید و ایا از سزا
تفسیر عثمانی
سعی کنی اگر ان
راه غنی و غنی اختیار
کنی الله تعالی بدین و
خوبی او میفرماید چون
دو آخرت اجر و ثواب
بسیار یا و میدهد و
در دنیا غنی و غنی با و
عطا میفرماید بجهت ابروی
آید که ترش باقی اهر
ساخت فرموده است
درین موقع این سخن
را شاید از سبب تذکره
کردن اقامت قربت
از شما مطلوب است
که حاصل آن شمارا از
ایضا نظم بازداشتن
نکین که پیش از آن
شما نمایی نیک بدانکه
محسوس غداي شلالی
کسی ضایع میشود بلکه
نموده میروند
عده حضرت شاه
صاحب (رحم الله)
و بسم الله العالی
بر بخت علی تکیه
عطف می کند چنانچه
میفرماید یعنی الله
چگونه کسی را بگذرد که
بر ذات او دروغ نهد
بول چنان مهر بندد که
بیخ معنوی بر او نشین
دروغ نیاید
و اگر دانا
نمودن آنکه کفر را
بفرستد بخدا و کند
نگر و تعالی از سخنان
متین خود دین مبین را
باثبات میرساند
سبب کلام خود را بر بی
می فرستد ۱۲

مل مترجم اوردی
آمر بر شیعیان که از
کندند فان تعبیر متفق
شونده استقام شده اند
اعلم اول مترجم بود
مفترت در حق خود
است و اتفاق بر صحت
و در حق منه در قوم انتقام
لازم است مگر آنکه خدا
هرگز ندهد و الله اعلم
تفسیر غمانی
عنه ارشاد بیهی
و بعد بجای یکرند که
مجازات بعض اهلان
آنها داده شود و نیز
معدن نیز در آن بگردند
که از نعمت خداست
بجای جای گردیده اند
یست حضرت شاه
صاحب دولت الهی
نویسد یک بند
هر عقد را در تامل نموده
خود میدانند در آن وقت
بلی در حق الله ارشاد
از غنای دنیا ندی
تدبیری که بخواهند
توانست عهده
در جائیداد خود مناسب
باشد صحت کند ظاهر
چون از حرکت نشاند
تغییر قهرش ندهد و فکر
شخص را که در میان خود
برگیرد و قصه خود را
کرد و ایشان صحت
کردند این فعل محمود
و نیز انتقام صحت
باشد ظاهر غنی بودن
سبب کوفت نماید و از
زور ظلم و فشار
آوردن و کشتن کند
یا از دم ماله و جوی
بر وجه و جرات او
از باده دایم نظر از
میست غنی به توین
وین با امانت و تامل
جمعیت مسلمین بین
شود و در آن حق است

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ ۝۱۸۴

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

و از نشانه های او است که در دریا مانند کوه ها

دل مترجم گوید اشارت
عمدت از دیدن خواب
است و از انانی علم در
ظاهر بطریق الهام و از
پس برده عبارت از
آنست که او را شنود
و کسی را ندیده و قسم
ثالث آنست که زخرفه
بعصرت آدمی متشکل
شود و سخن گوید و الله
اعلم و این مترجم
گوید قسم خود را که در کتاب
اشبات همان چیز را از
آنچه گنایت است
بآنکه آنچه خود دلیل
خودست چنان گویند
قسم بلب میگویند و اولی
شگون تو که زخرفی ۱۵
در بابی و الله اعلم ۱۶
و این معنی عادی
۱۷ و گویند زخرف
توی قرع و نه ۱۲
تفسیر عثمانی
عنه و بفرمود اعتبار
را بخان مصری ۱۱
دوای موجود
خود طاقت ندارد که
خداوند قدس مدین
و نیایادی مشافهت
سخن گوید و ما سخن
کرده و تواند ازین
سبب سالانه را با بشر
سرحدت دارد و الله
بلا و اسطر از پشت پرده
سخن زخرفی قوت
ساخته بی از استماع
کلام لذت اند و زوگر
درین حالت چشم باز
دوست دیده و متعجب شود
نموده چنانکه به حضرت
موسی علیه السلام بطور
و به خاتم الانبیاء و صلی الله
علیه و سلم در حدیث الامام
پیش از عذاب الله تعالی
در اسطر فرشته سخن می
گوید که فرشته بخود
منه بر سر زخمی چشم ظاهر می شود بلکه مستقیماً قلب بی نزولی کند و فرشته و صورت آن شخص بفرشته تباه و ادراک می شود و بفرشته

عَلَيْهِمْ قَدِيرٌ ۝ وَكَانَ لِبَشَرِ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ الْأَوْحِيَا أَوْ مِنْ وَرَأَى ۝
و اما توانا است و ممکن نیست آنکه کسی را که سخن گوید یا او خدا را بشنود یا از پس
در ناظر بر چیز بسیار توانا و است طاقت برای آنچه بشنود گوید یا خدا را بشنود یا از پس

حِجَابٍ أَوْ يَرْسِلُ رُسُلًا فَيُوحِي بِأَذْنِهِ فَاِلِشَاءُ طَائِفَةٍ عَلَىٰ حَكِيمٍ ۝
پرده یا بفرستد فرشته را پس نازل کند بکلمه خدا آنچه خدا را است بر آینه خدا بلند مرتبه با طاعت است و
پرده یا بفرستد رسولی را پس بفرستد بکلمه او آنچه خدا خواهد به تحقیق که او است بر همه مرتبه با طاعت و

كَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ رُوحًا مِنْ أَمْرِنَا مَا كُنْتَ تَدْرِي مَا الْكِتَابُ وَ
همچنین وحی فرستادیم بسوی تو قرآن را از کلام خود و این الهی که وحیت است کتاب و
همچنین وحی فرستادیم بسوی تو روح از قرآن را از کلام خود و یوحی تو که میدانی که وحیت است کتاب و

لَا إِلَهَ إِلَّا إِيْمَانٌ وَلَكِنْ جَعَلْنَاهُ نُورًا نَهْدِي بِهِ مَنْ نَشَاءُ مِنْ عِبَادِنَا
نمیدانستی که وحیت ایمان و لیکن ساختیم ایمان را نور را روشنایی راه می نمایم بآن هر کرای می توانیم از بینندگان خویش
نمیدانستی که وحیت ایمان و لیکن گردانیدیم آنرا روشنایی که هدایت می کنیم به آن کسی را که خواهیم از بینندگان خود

وَإِنَّكَ لَنَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ صِرَاطَ اللَّهِ الَّذِي
و اما آئینه تو به هدایت کنی بسوی راه راست و به تحقیق تو به هدایت می کنی بسوی راه راست
راه خدا که
راه خدا را

لَهُ مَا فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۝ أَلَا إِلَى اللَّهِ تَصِيرُ الْأُمُورُ ۝
او را است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است آگاه شو بسوی خدا باز میگرد کارها
او را است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است آگاه باش خاص بسوی باز می گردد همه امور

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝
بسم الله الرحمن الرحيم
آغاز می کنم بنام خدا انیکه بے اندازه مهربان نهایت با مردم است

حَمْدٌ ۝ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ
قسم به کتاب واضح و به کتاب و واضح که (بر آئینه) ما گردانیدیم این کتاب را قرآن عربی زبان تا شما
قسم است به کتاب و واضح که (بر آئینه) ما گردانیدیم این کتاب را قرآن عربی زبان تا شما

تَعْقِلُونَ ۝ وَإِنَّ فِي أَمْرِ الْكِتَابِ لَذِكْرًا لِمَنْ عَلَيْكَ حَكِيمٌ ۝ أَفَنْظُرُ
و اما آئینه این کتاب حجت است در لوح محفوظ نزدیک ما آئینه این کتاب بلند مرتبه با طاعت است و آیات
و تحقیق این قرآن حجت است در اصل کتاب لوح محفوظی که در ما به حکم با طاعت آیات می گردانیم

عَنْكُمْ الذِّكْرُ صَفَحَاتٍ أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُّسْرِفِينَ ۝ وَكَمْ أَرْسَلْنَا مِنْ
از شما پسند را اعراض کرده بر آنکه که به سبب گردانیده از فرشته و بسیار فرستادیم
از شما این قرآن را اعراض کنان ازین سبب که به سبب گردانیده از فرشته و بسیار فرستادیم

نَبِيٍّ فِي الْأَوَّلِينَ ۝ وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ قِبَلِ الْأَكْثَابِ يَسْتَعْزِزُونَ ۝
پیغمبران را در پیش پشیمانان و نمی آید بایشان از پشت پشیمانان آن بودا استعزای کردند
پیغمبران را در پیش پشیمانان و نیاید بایشان از پشت پشیمانان آن بودا استعزای کردند

فَإِذَا كُنَّا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَنَحْنُ الْعَظِيمُونَ ۝ وَلَكِنْ
پس هلاک کردیم سخت تر از قریش شد با عقیدت درست و ازای و مذکور شد استخوان پشیمانان و اگر
پس هلاک کردیم قوم سخت تر از پشیمانان را از قریش از روی قوه و گذشتند استخوان محب پشیمانان و در قسم است اگر

سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمُوتَ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ
سوال کنی از ایشان که چه کسی بآفرید آسمانها و زمین را البته گویند بآفرید آنها را خداست غالب
پس می ایشان را که آفرید آسمانها و زمین را (پس آئینه) گویند آفریده آنها را غالب

غالب

دولت دیگری نزد خدا
 هیچ قدر او محبت ندارد
 و تا عطای آن و مصلحت
 بر قرب و دوام است خداوند
 بلکه این جهان یک چیز
 به قدری بفرست
 که اگر یک مصلحت
 خاص را نمی بود
 الله تعالی مستغنی
 خانه های فراوان - زمته
 با در و دره باد طبعی
 خانه های الهی و قلبی
 تخت باوچی و اعیان
 همرا از انزه و طاهر
 کرد مگر درین صورت
 مردم از محبت بره اینک
 فدا خانه بچران من
 و سراج میر سبزه گویا
 از راهی گرفت را
 با خدا و الله و این
 مصلحت خداوندی
 بود بنا بر این چنین
 و در هر اثر است که اگر
 نزد الله تعالی فدا
 و نه از امر یک
 بال بسته هم بود و بکافر
 یک جرعه آب نمی داد
 پس چرا یک نزد خدا
 ای حق تعالی و از آنرا
 وقع سیادت و محبت
 خداوند و معراجیست
 و رسالت قبول دادن
 بیگانه هیچ خاوند و محبت
 شاه صاحب (در انجا)
 می نویسند یعنی گفتنی
 و فخر آید آنکه مایه
 یک موضع برایش
 عیش و آرام به بد
 در آخرت بپزیش
 عذاب دائمی است
 اندازه و در دنیا
 عیش و استراحت به
 داده شده هر چه بد
 از آن داده و دافعی
 در دوزخ و کافرا

[illegible]

مجلس شورای عالی در حین و در زمان و در میان این شرک اند که از آنجا که برای تشکیل مجلس شورای عالی در سال ۱۳۲۰

صلواتی بر سلمان شوم

۱۲ صلواتی بر زبان

حضرت موسی علیه السلام

گفت زور الله اعلم

و من مخرج گوید بر این

مسئله که یکس خدای

تعالی معبود نیست مشرک

ای را و کردند که ترسایان

عیسای را می پرستند

و اگر چه غیر معبودند

ما را می مشرک کار ما

عیسی با خند و گمان

کردند که کجاست غالب

آمدند هادی تالی لشق

شیر زور الله اعلم

تفسیر عثمانی

۵ در آن عصر ملک

گرد و لوح مصرع

مصرع البیاض کلان

میدان شرف و نون پیر

کشیده آب دریای

نیل را بذر نهی

بیاض خود آورده بود

مطلب او این بود

که با این همه سلمان و

شوکت و حشمت آیا

جفایت مانقا

دارد در مقابل دم

ما صاحب حیثیت

محمود چون

موسی گردن خود را

نایم عله گویند

زبون کره بای طلا

بپوشیده بر ریش و

زیری را که زور

خود قلم میداد با کوه

بای طلا می شنید

دفعه حضور اوص

بستالیتا می شد

مطلبش ازین سخن

این بود که با شخصیک

ما در اعزت و احترام

میدیم چنین مساملی

کنیم پس کسی را که

خدای تعالی بطور نایب

خود فرستد آیا دوست

او کرده بای طلا و در جلوه و یک توج فرشتگان هم نباشد ۱۲

اِذَا هُمْ مِنْهَا يَصْحَكُونَ ۝ وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ اِثْمِ الْاِلَهِى اَكْبَرُ مِنْ اُخْتِهَآ

تا که این ایشان از آن نشان پستی خندیدند و نمی نمودیم به ایشان نشان بزرگتر بود از قرین خود

بنام این ایشان از آن میخندیدند و نمی نمودیم به ایشان نشان بزرگتر بود از سابق مانن خود از یک دیگر خود

وَ اِذَا هُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَقَالَ الْاِلَٰهُ الشُّعْرَادُ لَنَا

و اگر فشار کردیم ایشان را ببقویت بود که ایشان رجوع کنند و گفتند ای خدا و گرد عاکن براسه ما

و اگر فشار کردیم ایشان را ببقویت بود که ایشان رجوع کنند و گفتند ای خدا و گرد عاکن براسه ما

رَبِّكَ بِمَا عَمِدَ عِنْدَكَ اِنَّا لَنَهْتَدُونَ ۝ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ

بجانب پروردگار خود بیان اسماء که وحی کرده است نزد یک تو بر آینه مارده یا نشانیم پس آن هنگام که در کردیم ایشان عقوبت را

بزرگوار خود را بر آنچه عهد کرده است با تو هر آینه مارده یا نشانیم پس چون دور کردیم از ایشان عذاب را

اِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ۝ وَ نَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَقَوْمِ اَلَيْسَ لِي

تا که این ایشان عهدی شکنند و آواز داد فرعون در میان قوم خود گفت ای قوم من آیا نیست بدست من

همان وقت ایشان شکسته عهد را و ندا کرد فرعون در میان قوم خود گفت ای قوم من آیا نیست برای من

مَلِكٌ مِّمَّنْ هَؤُلَاءِ اَلَا نَهْرٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِىْ اَفَلَا تَبْصُرُونَ ۝ اَمْرًا

پادشاهی مصر و این بویها می رود از زیر کوشک من آیا نمی بینید

پادشاهی مصر در حالیکه این بویها می رود در قصر من آیا نمی بینید

خَيْرٌ مِنْ هَٰذَا الَّذِى هُوَ مِنْ هَٰؤُلَاءِ يَكْفُرُونَ ۝ فَلَوْلَا اَلْقَى عَلَيْهِ

بهتر از این شخص که دوسه بخوار است و نزدیک نیست که سخن واضح و بیاد پس چنان فرود آورده شد برین سخن

بهتر از این سخن که او بے عزت است و نمی تواند که سخن بوضاحت گوید پس چرا انداخته شد بر وی

سُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ اَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلِكُ مُقْتَرِنِينَ ۝ فَاسْتَفْ قَوْمًا

دستوانها از زر یا پیرا نیامدند همرا او فرشتگان مجتمع شده پس بے عقل بود قوم خود را

دستوانها از طلا یا پیرا نیامدند او فرشتگان صف بستگان عده پس خفیف العقل ساخت قوم خود را

فَاَطَاعُوهُ اِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ فَلَمَّا اسْفُونا اَتَقْنَمَانْتَهُمْ

پس قبول کردند فرمان او را هر آینه ایشان بودند که فاسق پس آن هنگام که چشم آوردند بر ایشان را

پس اطاعت کردند گفتند او را هر آینه ایشان بودند که فاسق پس چون چشم آوردند بر ایشان را

فَاَعْرَفْنَاهُمْ اَجْمَعِينَ ۝ فَجَعَلْنَاهُمْ سُلَافًا وَمَثَلًا لِّلْاٰخِرِينَ ۝ وَلَمَّا

پس عرق ساجیم ایشان را به یک جا پس ساجیم ایشان را پیش رو و داستان پیش نهادن را پس دانستند که

پس عرق ساجیم ایشان را به یک جا پس ساجیم ایشان را پیش رو و داستان پیش نهادن را پس دانستند که

ضَرْبُ ابْنِ مَرْيَمَ مَثَلًا اِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ۝ وَقَالَ اِلَٰهُ الْمَثَلِ الْاٰخِرِ

داستان زده شد به پسر مریم تا که این قوم تو از این مثل نترسند بای خود نمی زنند و گفتن آیا معبودان ما بهترند

که او زنده شد پسر مریم مثل آنگاه که قوم تو از این مثل نترسند بای خود نمی زنند و گفتن آیا معبودان ما بهترند

اَمْ هُوَ اَوْ اَمْرٌ بَوَّاهٌ لِّلْاٰجِلِ الْاٰبِلِ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ۝ اِنْ هُوَ اِلَّا

یا عیسای آن حرف نزدند با تو مگر حکما بهر بلاد ایشان قومی خصومت کنند و اند

با او میاورند این مثال را برای تو مگر برای محاد بلکه ایشان قوم خصومت آلودند نیست این مردم مگر

عَبْدٌ اَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَ جَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِيْ اِسْرَءِیْلَ ۝ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلْنَا

بنده که انعام کرده ایم بروی و ساجیم او را نشان براسه بنی اسرائیل و اگر میخواستیم البتہ کرده

بنده که انعام کرده ایم بروی و ساجیم او را تحت برای بنی اسرائیل و اگر خواستیم البتہ میافزیدیم

مِنْكُمْ مَّالِكَةً فِی الْاَرْضِ يَخْلَفُونَ ۝ وَاِنَّهُ لَعَلَّمُ السَّاعَةَ

بدل شما فرشتگان در زمین خلیف شوند و هر آینه جیسے نشان است قیامت را

باز شما فرشتگان را که در زمین خلافت کنند و هر آینه (بنی مریم) نشان است برای قیامت

فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونْ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ۝ وَلَا يَصْطَلِكُمْ

پس شمر کنید در قیامت و بگو یا محمد پیروی من کنید اینست راه راست
پس شگ نشمارید و آید قیامت و پیروی کنید مرا این است راه راست

الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ

شیطان بر آئینه او حق شهادت علی بن برست
شیطان بر آئینه او برای شهادت علی بن برست

قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلَفُونَ فِيهِ ۝

آورده ام بشما حکمت را و آورده ام تا بیان کنم برائے شما بعضی آنچه اختلاف می کنید
آورده ام بشما حکمت را و تا بیان کنم برائے شما بعضی آنچه که اختلاف می کنید در آن

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا أَمْرًا إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ

پس بترسید از خدا و فرمان من بپسیدید هر آینه خدا پروردگار من
پس بترسید از الله و اطاعت کنید مرا هر آینه الله است پروردگار من و پروردگار شما پس بترسید از این راه

مُسْتَقِيمٌ ۝ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ

راست پس اختلاف کردند جماعت با در میان خویش پس وایست آنانرا که ستم کردند از
راست است پس از هم جدا شدند چندین گروه از بین ایشان عده پس وای برای آنانکه ظلم کردند از

عَذَابٍ يَوْمَ إِلَيمٍ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ

عقوبت روز دود و دهنده آیا انتظار نمی کنند مگر قیامت را که بیاید بیدیشان ناگهان و ایشان
عذاب روز درونال انتظار نمی کنند مگر قیامت را که بیاید بایشان ناگهان در حال نشاء

لَا يَشْعُرُونَ ۝ الْأَخْلَافُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الشَّقِيقِينَ ۝

شیر و در میاشند دوستان آنروز بعضی ایشان با بعضی دشمن باشند مگر بر بزرگاران
بعضی باشند دوستان در آنروز بعضی ایشان با بعضی دشمن باشند مگر بر بزرگاران

يَعْبَادُ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْآيَاتِ

بندگان آنروز ترس بر شما امروز و شما اندوختن شوید ای آن بندگان من که ایمان آوردند بآیات
آنکه ترسید و برای ایشان ای بندگان من نیست هیچ ترس بر شما امروز و شما اندوختن شوید ای آن بندگان من که ایمان آوردند بآیات

كَانُوا مُسْلِمِينَ ۝ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُخْبَرُونَ يُطَافُ

سلمان بودند آنکه شود در آنجا و در آنجا در آنجا و در آنجا در آنجا و در آنجا در آنجا
بودند فرمان بر وار در آنجا در آنجا و در آنجا در آنجا و در آنجا در آنجا و در آنجا در آنجا

عَلَيْهِمْ بِصَدَقَاتٍ مِنْ ذَهَبٍ وَكَوْكِابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ تَتَلَذَّ

بر ایشان کاسبان کسب می کنند و در آنجا در آنجا و در آنجا در آنجا و در آنجا در آنجا
بایشان کاسبان کسب می کنند و در آنجا در آنجا و در آنجا در آنجا و در آنجا در آنجا

الْأَعْيُنَ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ

از دیدن از چشمها و شما اینجا جاویدان باشید و این آن بهشت است که عطا کرده شد شمارا بسبب آنچه
از دیدن از چشمها و شما اینجا جاویدان باشید و این آن بهشت است که عطا کرده شد شمارا بسبب آنچه

تَعْمَلُونَ ۝ لَكُمْ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ ۝ إِنَّ الْمَجْرَيْنِ فِي

عمری کردید شمار است اینجا میوه بسیار که از آن میخورید
عمری کردید شمار است در آن میوه بسیار که از آن میخورید

عَذَابٍ خِلَافَ ذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْسَوْنَ ۝ وَفَاطَمَةُ

عذاب و در آنجا جاویدان اند و عذاب و در آنجا جاویدان اند و عذاب و در آنجا جاویدان اند
عذاب و در آنجا جاویدان اند و عذاب و در آنجا جاویدان اند و عذاب و در آنجا جاویدان اند

عَذَابٍ خِلَافَ ذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْسَوْنَ ۝ وَفَاطَمَةُ

عذاب و در آنجا جاویدان اند و عذاب و در آنجا جاویدان اند و عذاب و در آنجا جاویدان اند
عذاب و در آنجا جاویدان اند و عذاب و در آنجا جاویدان اند و عذاب و در آنجا جاویدان اند

هرست محبوب خود نیز از بهشت و دوستی که اینک محقق برای خدا وده و بی بی بر خوت حضرت الهی باشد بکار خواهد آمد

عده یعنی ستمان و این
و با حلال بود بعضی چیز
بای که شریعت و موسوی
آنرا حرام گردانیده
بود بیان می کنیم که حلال
در لامل نم بجهل از بین
حرم حکیم را در عمران
رو ع (۵) عده یعنی
اختلاف پیدا شده
می بود از انکار کردند
و نصاری بر وی ایمان
آورده پس نصاری
بروردن و چندین
فرقه تقسیم شدند کسی
حضرت مسیح را پسر
خدا میخواند کسی او را
یکی از اولاده خدا می
دانند و دیگری را اقلید
جدا گذاشته خلعت
نهی می بپوشد و صلی صلی
با مسیح و ان نیست
عده مردمانی که
با او و چنین می آید
۱۲ ایام هر ۴۰ است و
و خود ایمان می آورند
چه چیز را انتظار دارند
از شانه احوال شان
میوان گفت ارتان
و حق با در خواست کرد
کیامت بکشد ناگهان
بر آنها قائم شود و کین
پذیرفتن آن وقت
کاری نخواهند داد
لله در آن روز
درستان از یک دیگر
ی گزینند تا از سبب
یک گرداری یکی دیگری
گرفتار نشود جمیع دوستی
با دشمنیت با منقطع می
شود. این پس ایمان
می گردد که با ظان نام
شیر و چراغی که در یوم
چندین یک او امروز
گرفتار صیبت شد
در آنوقت محب
محبی هم از مدین

ع دین اندر شکن
که برادر ایک بقدرت
الله علیه و آله و سلم
آدم کمال خود باقی ماند
و فرعونیان هم از ان
بگذرند آنرا بهمان حال
بگذارند زیر آلودن
شکر فرعون
این راه را
ببیند در ان
میدانند چنانچه
طورش چون فرعونیا
راه را خشک مانت
دیدند در ان آفتاب
از حد آنها آب بحر
بحر خدای تعالی از
چهار طرف حرکت
کرده با هم پیوست
و بدین وسیله تمام
شکر در آب غرق گردید
ع دین اسرائیل
را مالک تن ساختیم
چنانکه سوره شعرا
نذر کار یافتن بری
آید که بعد از فرعونیا
بنی اسرائیل در مصر
دست یافتند و اگر
این واقعیت ثابت نشد
مطلب چنین میشود
لوح سامانیکه فرعونیا
گذاشته بودند همان
قسم را بنی اسرائیل
دادیم و الله اعلم -
ع در دوات
ست که بر مردن
آن در دانه آسمان
می گردد که از ان روزی
اش فرو می آید و با
عل صالح او
از ان بالا میرفت ۱۳
و از زمین پان ها
موقع گردید
کنند که بر ان نماز
می خواند یعنی
الموس که این
سمات از ان

مُخْرَجُونَ ۴۰ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۴۱ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۴۲
عشق شده بسیار گذاشته اند بوستانها و چشمه ها و زراعتها و مکان گرامی
و زراعتها و چشمه ها و زراعتها و مکان گرامی
نَعْتَهُ كَانُوا فِيهَا فَكَاهِينَ ۴۳ كَذَلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا خَيْرِينَ ۴۴ فَمَا بَكَتْ
گذران بار فانیست که در ان محفوظ بودند هم چنین شد و عطا کردیم این چیزها را که در ان پس نگر نیست
سازمان آسایش که بودند در ان تنعمان هم چنین شد و میراث دادیم آن بار را برای قوم آخر عده پس گریه نکنند
عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنْظَرِينَ ۴۵ وَلَقَدْ خَلَقْنَا بَنِي
بر این قوم فرعون آسمان و زمین و زمین را و آنچه در ان است و آنچه در ان است و آنچه در ان است
بفرعونیان آسمان و زمین و زمین را و آنچه در ان است و آنچه در ان است و آنچه در ان است
إِسْرَائِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْهَيْئِ ۴۶ مَنْ فِرْعَوْنُ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا
اسرائیل را از عذاب خوار کنند که از جانب فرعون بود هر آینه فرعون بود سرکش
اسرائیل را از عذاب ذلیل کنند از عذاب فرعون (هر آینه) او بود بلند
مِنَ السَّرَفِينَ ۴۷ وَلَقَدْ اخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَی الْعَالَمِينَ ۴۸ وَأَتَيْنَاهُمْ
از قدری کنندگان و هر آینه برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته بر عالم ها و دادیم ایشان را
از جلال از حد گذرندگان و (هر آینه) برگزیدیم بنی اسرائیل را دانسته بر عالمها و دادیم ایشان را
مِنَ الْآيَاتِ مَا فِيهَا بِلَاؤٌ مُبِينٌ ۴۹ إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ ۵۰ إِنْ هِيَ إِلَّا
از قسم معجزات آنچه در ان است که ظاهر بود هر آینه این جماعه می گویند که نیست عاقبت کار مگر
از ان بی با آنچه در ان است که ظاهر بود (هر آینه) این کفار مکی گویند نیست هیچ مردن (که بعد از ان)
مَوْتِنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُشْرِكِينَ ۵۱ فَاَتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ
این موت نخستین و بیستم ما بر اینچه شده پس بیارید پدران ما اگر هستید
مردن نخستین و بیستم ما بر اینچه شده پس بیارید پدران ما اگر هستید
صَادِقِينَ ۵۲ أَهَمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ بُعِثُوا وَآلَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلُكُنْهُمْ
راست گو آیا این جماعه بهتر اند یا قوم تبع قیری و آنکه پیش از ایشان بودند پلای ساختیم آنها را
راست گو یا این جماعه بهتر اند یا قوم تبع و آنکه پیش از ایشان بودند پلای ساختیم ایشان را
لَهُمْ كَانُوا أَجْرُمِينَ ۵۳ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا
هر آینه آنها را نگذاشتیم که در ان و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه در میان هر دو است
پدر است ایشان بودند که در ان و نیافریدیم آسمان و زمین را و آنچه در میان هر دو است
لَعِينٍ ۵۴ مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۵۵ إِنْ
بازی کنس نیافریدیم این هر دو را مگر بر حق و لیکن اکثر مردم نمیدانند
بازی کنان (یعنی عیبت) نیافریدیم هر دو را مگر بر حق و لیکن اکثر مردم نمیدانند
يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَاتُهُمْ أَجْمَعِينَ ۵۶ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كُفْرُهُمْ وَلَوْ كَانُوا
روز قیامت میعاد ایشان است همه یک جا روزی که در ان نیست هیچ دوستی از دوست دیگر چیزی را
روز قیامت میعاد محقر همه ایشان است روزی که در ان نیست هیچ دوستی از دوست (و ترب) دیگر چیزی را
وَأَنَّهُمْ يَنْصُرُونَ ۵۷ إِلَّا مَنْ رَحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۵۸ إِنْ
و آنکه از ان نصرت داده شود مگر آنکه رحم کرد بر خدا هر آینه خدا غالب مهربان است هر آینه
و آنکه از ان نصرت داده شود مگر آنکه رحم کند الله هر آینه الله غالب بار هم است هر آینه
شَرَّكَاتِ الزُّقُومِ ۵۹ طَعَامُ الْأَشْيَمِ ۶۰ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ ۶۱
درخت زقوم طعام اشیم مثل مس که داخته شده بجوشد در شکم ها
درخت زقوم خوراک گناه کار (خلان) است مانند مس که داخته جوش میخورد در شکمها
استنداده شد که فرکانج تخم مل صالح ندارد در آسمان و زمین بر گش می کند بلبک بدوش میخورد که خشمش و جهان پاک الله یعنی بنده حق

فلنبي مقفد شيند
 كه اوست جزاى كمال
 ايشان باشد
 تفسير عثمانى
 على الشان بعد از
 غور تفكر قبيده ميتواند
 كه اين خبر از اختيار
 افتد از خارج بود
 محض از فضل الله
 قله قدرت و قله
 اين اشياء در كار
 مبرود اند تا بزرگ
 بر نام لازم است كه
 بكارى مشغول باشيم و آن
 كار فقط بدين است كه
 فزون بردى و اطاعت
 آن نعم حقيقى و محسوس
 على الاطلاق مى است
 مستعار خود را صرف
 ناهم تادار آيد
 سراجى ما در دست
 كرد عظمه در آنجا
 رسیده بر نوبت بدى
 و شكايش روى خواهد
 آمد بر كس پا دامن كند
 ماى خود را خواهد يافت
 مى تواند داد
 سلفه باقت فيصل
 و با سخنان و آتش بايغ
 و تقه بين بايغان عطا
 فرود و جقدر بغيران سید
 از بين آنها بگوش كند
 اين و فغانى روهانى
 خيزد از فغانى جهانى
 بايشان ليلا داده شد
 حتى من و سولى بر
 ايشان فرو فرستد
 الله در حق مبر تمام
 جهان ايشان را فضيلت
 كل حاصل بود اما بعبارة
 بعض نفاى جز قبيده
 مآل هم فرود
 نداد و بلى احكام
 نهايت واضح و مفصل
 و با محبت آشكار
 بدين داد كه در باب
 و بجهت بخت و برهان پيش کرده ميشود.

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِحَقِّ قِيَامٍ حَدِيثُ بَعْدَ اللَّهِ آيَاتُ يُؤْمِنُونَ
 پس نشانه خداست بخوانم آنرا بر تو براساسي پس بگوام سخن بعد از سخن الله و آيت هاى او ايمان آرند
 اين نشانه هاى الله است بخوانم آنرا بر تو براساسي پس بگوام سخن بعد از سخن الله و آيت هاى او ايمان آرند

وَيَلْ كُلُّ قَوْمٍ لِّأَيِّ سَمْعٍ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ ثُمَّ يَصْرُحُ بِمُسْتَكْبِرٍ أَكَانَ
 ولى هر گروه و كلوى گنهار را مى شنود آيات خدا را خوانده ميشوند بروى باز لازم مى كند كه بگوام عطا
 و اى است هر دو و كلوى گنهار را مى شنود آيت هاى الله را خوانده ميشوند بروى باز اصرارى كن و بگوام عطا

لَمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ وَإِذْ عَلِمْنَا مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا أَخَذْنَا هَارُونَ وَآلَهُ
 نشيده است آنرا پس خبر ده او را عذاب درد آينده و چون دانفت شد بر چيزى از آيات ما به سخن گيرد آنرا
 نشيده است آنرا پس خبر ده او را عذاب درد آينده و چون نشيده بداند آيت ما چيزى را مى گيرد آنرا نشيده

أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ مِنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا
 آنجا كه ايشان است عذاب خوار كننده آن طرف ايشان دوزخ است و دفع نكند از ايشان آنچه
 آنجا كه ايشان است عذاب ذليل كننده پيش روى ايشان دوزخ است و دفع نكند از ايشان آنچه

كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا أَخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أُولَئِكَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝
 كسب كردند چيزى را و دفع نكند چيزى را كه دستان گرفته اند بجز خدا و ايشان است عذاب بزرگ
 كسب كردند چيزى را از عذاب و دفع نكند چيزى را بجز الله و دستان و ايشان است عذاب بزرگ

هَذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ رَجُلًا أَلِيمٌ ۝
 اين قرآن هدايت است و آنانكه كافرتند بايات پروردگار خويش ايشان است عذاب درد دهنده از بين
 اين (قرآن) هدايت است و آنانكه كافرتند به آيات پروردگار خود ايشان است عذاب درد ناك از جنس عذاب سخت ايشان

الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرِي لَكُمْ فِيهِ يَمْرُؤٌ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۝
 آنست كه سخر كرد برائى شما در يار تاروان شوند شتى با دران بفرمان او و تا طلب كنيد از فضل او و
 تا است كه سخر ساخت برائى شما بحر را تا دران شوند شتى با دران حكم او و تا طلب كنيد از فضل (درق او) و

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَسَخَّرَ لَكُمْ فِي السَّمُوتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جُنُودًا
 بزرگوار شكر گذارى كنيد و سخر كرد برائى شما آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمين است همه را بديده او و از جانب خود
 تا سخر كرد برائى شما آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمين است همه را از خود

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُتَفَكَّرُونَ ۝ قُلْ لِلَّذِينَ آمَنُوا يَغْفِرُ اللَّهُ
 كه آينده در اين مقدار نشان است كه بديده او را فكر مى كنند بگو مسلمانان را كه در گذر كنند از آنچه
 كه آينده در اين نشانهاست قولى را كه فكر مى كنند بگو بگو ايمان آورده اند كه در گذرند از آنچه

لَا يَرْجُونَ أَتَمَّ اللَّهُ لِيَجْزِيَ قَوْمًا تَسَاءَلُوا أَكَيْسَبُونَ ۝ مِنْ عَمَلٍ صَالِحًا
 تو بخود روزگارى خدا ندارد كه تا سزا دهد خدا كسى را از شان محسب آنچه مى گردند هر كه بلند كارش است
 تو بخود ندانند و تا سزا دهد خدا تا جزا دهد و سزا بدهد آنچه مى گردند هر كه بلند كارش است

فَلِنَفْسِهِ ۝ وَمِنْ أَسَاءَ فَعَلِينَا ثُمَّ أَلِي رَيْبٍ تَرْجِعُونَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي
 پس بگوام او را است و هر كه بدكارى كند پس و بال بر او است باز بسوزد پروردگار بيش رجوع كرده خواهد شد و هر كه از اين
 پس براى خود او است و هر كه بدكارى كند پس و بال بر او است باز بسوزد پروردگار بيش رجوع كرده خواهد شد و هر كه از اين

إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبِ وَفَضَّلْنَاهُمْ
 اسراييل را كتاب و دانش مدي و پيغمبرى و روزى داديم ايشان را از نعمت هاى پاكي و فضيلت و اديم ايشان را
 اسراييل را كتاب و حكومت و پيغمبرى و روزى داديم ايشان را از نعمت هاى پاكي و فضيلت و اديم ايشان را

عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمْ
 بر عالمها نعمه و داديم ايشان را براهين و دلائل و دلائل دين و دلائل اخلاق و دلائل اخلاق
 بر عالميان و داديم ايشان را براهين و دلائل و دلائل دين و دلائل اخلاق و دلائل اخلاق

اَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ وَلِلّٰهِ مَلِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ

و خدا تراست باو است ای آسمانها وزمین و روزی که قائم شود

شدر است پادشاهی آسمانها وزین و در زیک قائم شود

السَّاعَةِ يَوْمَئِذٍ يُخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ ۝ وَتَرَى كُلَّ أُمَّةٍ جَانِبَهُ كُلِّ شَأْنٍ أُمَمٌ

میامت آفرین زبان فارسی
تباء نادان
و به یمنی برگردید و از آن دو آمده
بر گردید و به

و بهین بر فقی را بزانوشته به فرق

تدعى إلى نبيها اليوم مجزون ما كنتم تعلمون (٢) هذا النبي ينطق عليكم

و اما در جواب سوال میباشند که ما لایم امروز چرا آورده خود شمار را تحب ای که می فرودید لایم این نام است که آنها حیف

بِالْحَقِّ إِنْ كُنَّا نَسْتَنْسِئُكَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

براستی هر آینه ما به نوبت شمع آید شمع می بزدید

کئی ہر آئینہ نامی نویں آئینہ آئینہ شمشاد کردید

فَقِيلَ لَهُمْ فِي رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْبَاقِي ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

بوسه دار ایشان را پیر و در گذار ایشان در رحمت خود اینست فیروزی ظاهر و اما آنانی که فرستند

سوار و ایشان را پیرود گار ایشان در محنت خود بنیان است رستگاری آشکار و اما آنانکه کافرند

فَلَمْ تَكُنْ اِتِيْتُمْ عَلَیْكُمْ فَاسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مَّجْرُمِیْنَ ۝۵۱

ایست را گویم ای اخوان ای شایسته ایست ایات من پس عجز گردید و نوم کنه نظر بودید و چون گفته می شود

لغة میشود برای این که آیه از روایات من خوانده میشود بر شایسته خبر می گردید و بودید قوم مجبر را کلام و چون گفته میشود (برای)

وَعَدَ اللَّهُ الْحَقَّ وَالسَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهِمْ بِمَا قَالَتْهُمُ فَإِنْ كَانَ رِجَالُ السَّاعَةِ إِنْ نَظَرُوا

[illegible]

در آن بی تعلیه میباشم چو بیت قیامت بیخ العبدی لیم

لا ظنوا معن بلسیقین (۱) و بدالهم سیات ما علموا و احق بهم ما

و قاضی شود ایشانرا بیدیهای آینه کرد و بودند و منقلب شود ما نشان آن

وہاں سے آکر اپنے گھر پہنچے۔

ل استنهای کردند و گفته شود امروز فراوانی که شکار چنانکه فراوانش گردید ملاقات این روز خوردا

بر این استیضاحی کردند و گفته شود امروز فرمودی که از من شمارا مانند فراموش شده چنانچه فراموش کرده بودید باقیات

٣٠

جائے شاد و زحمت و نیست شمار اینی لغت و ہندہ

عذاب است و درین عذاب بسیار آتش لغت رنجه این عذاب لیبب آن است که شما گرفته بودید آیات خدا را

[illegible]

فریفته کرد شمار از زندگانی دنیا
پس امروز بیرون کرده نشوند از دوزخ و نه از ارشاد

[illegible]

سَتَعْتَبِرُونَ ۚ قُلْ لِلّٰهِ الْمَحْدُورُ رَبِّ السَّمٰوٰتِ وَرَبُّ الْاَرْضِ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝

بنام خداوندی که او را آفرید و پروردگار عالمی است که او را پرورش داد و او را به زمین و آسمانها رسانید و او را به هر چه خواهد بود قادر است و او را به هر چه خواهد بود قادر است و او را به هر چه خواهد بود قادر است

١٠٠

له الذبابة في السموت والارض وهو العزيز الحكيم

در است بزرگی در آستانها و زمین و است غالب با حکمت
 دنیا و است بزرگی در آستانها و زمین و است غالب با حکمت سه

مقدمه: این کتاب در آتش، بر تاس خواهر خود (۱۳۰۲)

منه و انما هو من عند الله تعالى

و مناشئه کند من اوز را در آتش پر تاب خواهم نمود (۱۲)

عهده اگر چه از
 طرف ما به این رخ
 نصحت آفرینم
 ۱۶
 اتانم جفت بیج کو بای
 نشد لکن سر زور و شو
 شایم نکشت بالاخر
 بصورت کامل جنایت
 کار شدید و باز و گوتم
 تو با مجرمین و مین طلب
 محرم شود که شما از دل
 به جنایت کاری آشفته
 بودید و بدست در لغات
 دنیا گرفتار آمدید بیگاه
 خیال بخورید که از این
 دنیا گاهی رخت رحمت
 بر بخت و محضو خدا
 پیش مشایم هم است
 و اگر گاهی بدماش شما
 خطورت هم کرد دل خود را
 باین تصور تسلیم اید
 که در شلیک مادر دنیا
 مقابل مسلمان صف
 از آراستیم در آخرت
 بم بین زور و قوت
 را خواندم داشت
 مسلمان باید
 بسوی او تقابل متوجه شود
 احسانات و انعامات
 او را قدر کند محض بر
 هدایات او و روان شود
 از هر منفعت مشغول
 برای حصول قوت نفوذی
 او تقابل فکر کند مقابل
 بزرگتری و خلقت او همیشه
 با اختیار و در ضای خود
 مطیع و منقاد باشد
 خیال نمود و سر کشی را
 گاهی بدل خود نماید
 در حدیث قدسی است
 «لکبر یا رادانی الخیر»
 از اری قس ناز غنی
 و احدا صناعه قتی
 فی التندرکیرا
 ۱۷
 چادر من بخلقت
 از دل من است بنابر من
 هر کس را دل بی زمین
 و چهره با من منقطع و منقطع

سورة الاحقاف مكية خمس

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم خداست بخشننده مهر بان
خدا می گفتم بنام خداوندی که بخت بدست دارد است

حم تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم

فرو فرستادن کتاب از جانب خداست غایب حکمت است
فرو فرستادن کتاب است از طرف الله غایب با علمت

ما خلقنا السموات والارض وما بينهما الا بالحق واجل مسمى والذين

نیافریم آسمانها و زمین و آنچه در میان هر دوست مگر به حق و بحدی که در دست و بحدی که در میان و آنچه در میان آسمانها و زمین است مگر بحدی که در دست و بحدی که در میان و آنچه در میان آسمانها و زمین است مگر بحدی که در دست و بحدی که در میان

نكفوا عما اندر و امعرضون قل اسرعتتم ان تدعون من دون

نافزیدند از آنچه ترسانیده شده از ایشان را و گردانیدند آنچه می پرستیدند
نافزیدند از آنچه ترسانیده شده از ایشان را و گردانیدند آنچه می پرستیدند

الله اروني ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرك في السموات ايتوني

خدا بنمایند مرا چه چیز آفریده اند از زمین یا ایشان را شریکیت در آسمانها بیارید بمن
خدا بنمایند مرا چه چیز آفریده اند از زمین یا ایشان را شریکیت در آسمانها بیارید بمن

يكلم من قبل هذا او اثره من علم ان كنتم صدقين ومن

کتاب که آمد پیش ازین یا بقیه از علم اگر راست است و کتب
کتاب که آمد پیش ازین یا بقیه از علم اگر راست است و کتب

اضل فمن يدعوا من دون الله من لا يستجيب له الى يوم القيمة

گمراه تر از کسی که بخواند خدا چیزی را که قبول نکند
گمراه تر از کسی که بخواند خدا چیزی را که قبول نکند

وهم عن دعاهم غفلون واذا حشر الناس كانوا لهم اعداء وكانوا

و این معبودان باطل از خواندن ایشان غافل اند و چون جمع کرده شوند مردمان باشند این معبودان را دشمنان و باشند
و این معبودان باطل از خواندن ایشان غافل اند و چون جمع کرده شوند مردمان باشند این معبودان را دشمنان و باشند

يعبادهم كافرين واذا اتوا عليهم ايتنا بينت قال الذين كفروا

عبادت ایشان را انکار و چون خوانده شود بر ایشان آیت بانی آشکارا گویند آن که کافران باشند (به نسبت)
عبادت ایشان را انکار و چون خوانده شود بر ایشان آیت بانی آشکارا گویند آن که کافران باشند (به نسبت)

لالحق لنا جاءهم هذا يسحرمبين ام يقولون افتره قل ان

حق در دست را بچون بیاید بدیشان این سخن ظاهر است بلکه گویند بر سر است آنرا بیغایب بگو اگر
حق در دست را بچون بیاید بدیشان این سخن ظاهر است بلکه گویند بر سر است آنرا بیغایب بگو اگر

افتريته فلا تميلون لي من الله شيئا هو اعلم بما تفيضون فيه

بر سر است آنرا پس نمی توانید شما برای من از خدا چیزی را خدا دانای تر است بقلوبی که شما در قرآن
بر سر است آنرا پس نمی توانید شما برای من از خدا چیزی را خدا دانای تر است بقلوبی که شما در قرآن

كف به شهيدا بيني وبينكم وهو الغفور الرحيم قل فاكنت بدعا

بس است خدا اظهار حق کننده در میان من و در میان شما و دوست آنرا ظاهر مهر بان بگو نیست من
بس است خدا اظهار حق کننده در میان من و در میان شما و دوست آنرا ظاهر مهر بان بگو نیست من

من الرسل وما ادرى ما يفعل بي ولا بكم ان اتبع الا ما يوحى

آنرا می دانم از رسولان و نمی دانم چه کرده خواهد شد با من و با شما یعنی در دنیا پیروی می کنم از آنچه وحی فرستاده میشود
آنرا می دانم از رسولان و نمی دانم چه کرده خواهد شد با من و با شما یعنی در دنیا پیروی می کنم از آنچه وحی فرستاده میشود

اگر در دعای شریک خود است همیشه از کتاب آسمانی سندی بیارید یا بچون اصول علی ثابت کنید که نزد عقلاء و ائمه مسلم باقی ماند باشد چیزی که دلیل نقلی یا عقلی ندارد آن چیز بیگانه از حق خواهد شد و چه گمراهی یافت بزرگ تر ازین فعل خواهد بود که از خدا منصرف شد و چنان مخلوق بچنان و با چه اعتقادی را حاجت ردای خویش قرار دهند که اختیار مستقل خود به فریاد کسی رسیده و نتوانند بلکه این هم ضرر نیست که آنها از خواندن کسی اذیت آید و اشتیاقند نقل نظر در جان سنگی که بخواهند اختیار رے ندارند حتی فرشتگان و پیغمبران هم ک قدرت وادامند هر چیز را بشنوند و با کاری را اجرا کنند مگر آنکه بچنان سخن را شنیده و همان کاری را اجرا کرده می توانند که از طرف الهی اجازه و قدرت آن با ایشان اعطا شده باشد چون در محضر به امداد اعانت بیشتر حاجت می افتند این معبودان بچاره به پرستندگان بکار گرفته می توانند از بی خبری و شغل و تقابل آنها ایت را می کنند و نیز از زیاده و در اظهار خواهند کرد بلکه این اندازه اظهار خواهد نمود که ما کافران یا تابعان و انصاف

و کلام این مردم هرگز را نمی پرستیدند اکنون بجهاد که در آن وقت با چه حسرت و اندامت و چاره میشود ؟

عده در آن زمان
مشران جابل عرب
بیل و نقل بنی اسرائیل
عقیده داشتند چون
صیت شهرت نبوت
آنحضرت صلی الله علیه
وسلم بلند شد مشرکین
خواستند نکرده
علای بنی اسرائیل
را درین باره معلوم
کنند غرض حقیقی این بود
این بود که آن مردم حق
را ننگدیب نمایند برای
شان و بیلی بهست آید
که بگوید این علم اهل
کتاب هم سخنان ادرا
تکذیب می کنند مسگر
مشرکین درین مقصد
بیشتر تامل نمایند -
خدای تعالی از زبان
بنی اسرائیل تصدیق
تائید آنحضرت صلی الله
علیه وسلم را قودن فقط
بهین عقیده بنی کسان
مردم هم مانند قرآن
تورات را کتاب آسمانی
دانند آنحضرت صلی الله
علیه وسلم حضرت موسی
را پیغمبری گفته بدین
طریق دوی رسالت
از طرف آنحضرت
و در قرآن که کم چیز
جدید و غریب نیست
بلکه باین طریق که بعضی
علمای یهود و نصاری
کردند و گواهی دادند که
بدون شک مشرک
کتاب بنی مازظهور
بک رسالت بنی اسرائیل
از ملک عرب و کتاب
ادبیه و ادبیه و ادبی
رسول همان رسول بود
است و این کتاب
هم چنان است که
در آن باره خبر داده شد
بود این مشاهدات
علای بنیود در حقیقت بران

إِلَىٰ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنَ عِنْدِ اللَّهِ

بگوئید من و پیغمبر من مگر نیکوکاران و هشدار
بگوئید من و پیغمبر من مگر نیکوکاران و هشدار

كُفْرْتُمْ بِهِ وَشَهِيدٌ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَءِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ قَامَنَ وَ

مکر شویید بآل و گواهی داده باشد گواهی از بنی اسرائیل بر قرآن پس و گواهی آید و در
سازگار شده آید بر آن و گواهی داده است گواهی از بنی اسرائیل بر قرآن پس ایمان آورد (بر آن) و

اسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ

سرکشی کردید شما البته ستمکار باشید هر آینه خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را و گفتند
خبر کردید (ایا علم نیستید) هر آینه خدا راه نمی نماید قوم ظالمین را عه و گفتند آنرا

كُفَرُوا الَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَّا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ

کافران در حق مسلمانان اگر این دین بهتر بود سبقت نکرده سبقت می کردند بر ما میوی آن و چون راه نیافتند بآل
کافران در حق آنرا که ایمان آوردند اگر این دین بهتر بود سبقت می کردند بر ما میوی آن و چون راه نیافتند بآل

فَسَيَقُولُونَ هَذَا أَفْكٌ قَدِيمٌ ۝ وَمِنْ قَبْلِهِ كَتَبَ مُوسَىٰ أُمَمًا وَرَحْمَةً

غایب گفت این دروغی است قدیم و پیش از قرآن کتاب موسی بود پیشوا و بخشایش
پس اکنون می نویسد این دروغی است قدیمی علی آنگاه پیش ازین (قرآن) کتاب موسی بود پیشوا و رحمت

وَهَذَا كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِّسَانِ عَزْرِيَّا لِيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا ۝ وَبَشِّرِ

و این کتاب بیست باور دارنده زبان عربی آمده بر آینه بر سر ستمکاران را و برای مژده دادن
و این (قرآن) کتابی است تصدیق کننده بر زبان عربی ناخبرسانند آسان را که قلم کرده اند و برای مژده دادن

لِلْحَسَنِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْهَمُوا فَلَخُوْفٌ

نیکی کاران را هر آینه آنان که گفتند پروردگار ما خداست باز قانع ماندند پس هیچ ترس نیست
نیکی کاران را هر آینه آنان که گفتند پروردگار ما خداست باز قانع ماندند (بران) پس ترس نیست

عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يُخْزَنُونَ ۝ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ

برایشان و نداشتن آن اندوه خوردند انجمه اهل بهشت اند جاویدان آن جا پاداش داده شوند
برایشان و نداشتن آن عکین شوند آن گروه اهل بهشت اند جاویدان در آن پاداش داده شوند

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا طَحْمَلَتْهُ

بموجب آنچه می کردند و امر کردیم آدمی را بر حق پدر و مادر او بنیکوکاری در ستم برداشتن است ادرا
به حسب آنچه می کردند و امر کردیم انسان را که بنیوی کند به پدر و مادر خود برداشتن است ادرا

أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعْتَهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفَصْلٌ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ

مادر او با ستواری و زاده است او را بد ستواری و اهل مدت با در گشتن او و از شیر باز کردن او می ماه است و زنده ماند تا وقتیکه رسید به
مادر او به مشقت و زاری است او را به مشقت و مدت عمل او و جدا کردن او از شیر می ماه است تا چون رسید آن

أَشْدَّاهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي

بمجال قوت خود در رسید به چهل سال گفت ای پروردگار من الهام کن مرا تا شکر گویم در مشایخ گفت گو
بمجال قوت خود در رسید به چهل سال گفت ای پروردگار من الهام کن مرا تا شکر گویم گفت قرآن آن نعمت که

أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلَحَ ربي

انعام کرده بر من و بر پدر و مادر من و کار نیک کنم که خوشنود شوی از آن و صلاح پدید کن بر آینه من
انعام کرده بر من و بر والدین من و اینکه کار نیکو گویم بهستی از آن و صلاحیت بخش برای من

فِي ذُرِّيَّتِي ۝ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

در فرزندان من بر آینه بر من مردم بسوخته تو و بر آینه من از مسلمانانم این نامه آنند که
در اولاد من بر آینه بر من رجوع کرده ام بسوی تو و به حقیقت من از فرزان برادرانم آن جماعه آنمانند

تَقْبَلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجِزُّ عَنْ سَيِّئِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ

بجای آنکه از ایشان بپذیرد بهترین آنچه عمل کرده اند و در گزند از جریمه های ایشان در این بهشت باشند

وَعَدَ الصِّدِّيقُ الَّذِي كَانُوا يَعِدُونُ ۝ وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ إِفِ

وعدۀ صدیق راستی که داده می شوند و آنکه گفت به پدر و مادر خود دل تنگ شدم

لَكُنَّا اتَّعِدُ نَبِيَّ أَنْ أَخْرِجَ وَقَدْ خَلَّتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي ۝ وَهِيَ كَيْسَتُغَيِّرُ اللَّهُ

بسی است شما آیا وعده میدیدم مرا که برآورده شود و در آنکه گذشتند و بیست و نه قرون پیش از من من و آن که در فرماید که

وَيْلَكَ أَمِنْ هَٰذَا ۝ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا فَيَقُولُ مَا هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝

ای گویید و ای تو که می گویی که وعده خدا راست است پس گوید نیست این وعده مگر افسانه های پیشینیان

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَلَقْنَا فِي أَمْوَاجٍ ۝ خَلَقْتُ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ آجِنٍ

این قاعه آنانند که ثابت شد بر ایشان وعده عذاب است با آنکه گذشتند پیش از ایشان از عذابیان

وَالْأَنْسِ أَتَاهُمْ كَانُوا خَيْرِينَ ۝ وَلِكُلِّ رَجُلٍ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوقِيَهُمْ أَسْمَاءُ

و آن دمیان هر آنکه ایشان بودند زیان کار و بر هر یک از مردمان است که بپوشد و تا بپوشد و بداند ایشان را

وَهُمْ لَا يَطْلُبُونَ ۝ وَيَوْمَ يَعِضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَىٰ آذَانِهِمْ طَبَقًا

و ایشان ستم کرده نشوند و روزی که پیش آورده شوند و آنکه ستم کرده نشوند و روزی که پیش آورده شوند

فِي حَيَاتِهِمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا ۝ فَالْيَوْمَ يُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنتُمْ

در زندگی دنیا و استمتاع به آن پس امروز جزا داده شود شما را عذاب و آنکه سبب آن

تُكْتَبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۝ وَبِمَا كُنتُمْ تَفْسُقُونَ ۝ وَإِذْ كُنَّا أَعْدَادًا

تکبر می کردید در زمین ناحق و بسبب آنکه بدکاری می کردید و یاد کن به روز عباد

إِذَا نَدَّ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ ۝ وَقَدْ خَلَّتِ اللَّيْلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ

چون برساند قوم خود را بر زمین احقاف و در آنکه گذشتند و ترسانند کان پیش رو و پس از او

الْأَتَقْدِرُ ۝ وَاللَّهُ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قَالُوا اجْتِنَا

بر خدایت گنبد مگر خدا را بر آنکه می ترسم بر شما از عذاب روز بزرگ گفتند آیا آمده پیش ما

لَتَأْفِكُنَا عَنْ الْهَيْتَانِ ۝ فَاتَّبَعْنَاهُ مَا تَعَدَّ نَأْنُ كُنْتُ مِنَ الصِّدِّيقِينَ ۝ قَالَ إِنَّمَا

تا باز داری ما را از هر گشتش میباید و آنکه وعده میدی ما را اگر از راست گویانی گفت نیز این نیست که

الْعَمَّ عَنِ اللَّهِ ۝ وَأَبْلَغَكُمْ قَا أَرْسَلْتُ بِهِ ۝ وَلَكِنِّي أَرْسَلْتُكُمْ قَوْمًا يَجْهَلُونَ ۝

علم نزد یک خدا است و میرسانم شما آنچه فرستاده شدم همراه او و لیکن می بینم که شما گروهی هستید که نادانی می کنید

نعم آن نزد خداست و میرسانم شما آنچه فرستاده شدم به آن لیکن من می بینم شما را که گروهی هستید که نادانی می کنید

نعمت و شرف خود را از قبول نکند بداند که هیچ علم و گناه بزرگتر از آن نیست و برای آنچه ظاهران و گنهگاران چه نوع نجات و نلاح میخوان خود را

ملایم از قرآن است
یعنی در هیچ کس از ایشان
باز ندهد و در این عالم
و ستمگر می گوید این
تقدیر است حال سید
و شقی پس سید حق
خدا توانی او حق الودین
بجای آوردی نوع علم
مخلف ظاهر شود و حق
حق توانی رجوع بیکند
و شقی معی که گدیمان
کفر و حقوق و الدین
و انکار مواد و صورت
سید منطبق است
بر حضرت ابوبکر صدیق
و بر غیر ایشان نیز و الله
اعلم و این مضمون
تفسیر عثمانی
بقیه بر صفحه ۵۰۲
ما انما ارسلنا اليكم رسولا
شاهدنا عليكم كما ارسلنا
الى ذنون رسولا انزل
و كذا و انما سبب
بعض احبار ضعف
حق برست به و چون
عبد الله بن سلام و غيره
مجموعه و ديونى اخفى
على الله عليه السلام اسما
آوردند و اظهار کرده
گفت انما ارسلنا اليكم
ليس بوجه كاذب ان
چهره چهره در مقلوبت
آنجا بختانیت می کند
و اشیاء العجايز كذا و ان
است گواهی دادند پس
چون موسی علیه السلام
تقریبا هزار سال
پیش از تو فرستاد
ایمان آورد و علمای یهود
بر صدق آن گواهی بدادند
و بعضی احبار یهود به
شهادت علی و زبانی
مشرف با سلام شوند
لهذا با وجود این همه
شهادت تا با اقرار

فلما رآوه عارضا مستقبلا واديتهم قالوا هذا عارض ممطرنا
 پس چون دیدند آن غلغله را بصورت پیر سر زده آوده نمیدانستند ایشان گفتند این ابر است بارانستد
 پس چون دیدند آن عذاب را عوارضی آوده بود و اینها را ایشان گفتند این ابر است بارانستد و بر ما
 بل هو ما استعجلتم به ريح فيه عذاب اليم تذكر كل شئ باهر
 باین حقیقت آن ابر چیز است که شتاب طلب کرده آنرا باو نیست و در وقت و در دین است بر همه مردم چیز را فرمان
 را گفت بود چنین نیست بلکه این آن عذاب است که شتاب می طلبد آنرا باو نیست که آن عذاب است در دنیا که باین سبب هر چیز را
 ربه ها فاصبح الا يري الا مسكينهم كذلك نجزي لقوم الجرمين
 بروردگار تو صبح پس گشتند باین صفت که دیده می شد بجز خانه های ایشان هم چنین جز میدیدیم گروه گناه گران را
 بروردگار تو پس گشتند و در دیده می شد مگر سکن خانه ایشان هم چنان جز میدیدیم گروه گناه گران را

آیات ۱۲-
 تفسیر عثمان
 عیش از بعثت
 محمدی پیروی از انجیل
 آسمانی بر جلیان معلوم
 می شد از وقتیکه نزول
 وحی بر آنحضرت شروع
 شد آن سلسله تقریر
 سده و گشت و دنون
 جلیان بدو به شهب
 بکثرت آغاز یافت
 آنجا خیال کردند که
 یقینا اقا جدیدی
 بتصور رسیده که
 در آثار آن خبر باقی
 آسمانی زیر حفاظت
 و نگهبانان آن قرار
 گرفته شده گروه با ی
 متوجه جلیان بغرض حق
 و تفحص در شرق و
 مغرب دنیا پر گشته شد
 از جمله غایب و غایبی
 به دلیل غلبه اتفاق
 افتاد در آن وقت
 تعداد آنحضرت
 با چند صحابی خود نماز فر
 می خواند الله تعالی روح
 آن معیت جنابت را
 برای استماع قرآن
 برین طرف منعطف
 فرموده از قرآن بگوش
 آنها نشانی عجیب موشه
 و ملک چشم نه و غفلت
 و بیست آن دلهاست
 آنها را فرافکند یک
 دیگر آنقدر که خاموش
 با وجود سکوت این
 تمام پاک را بشنودند

فلما رآوه عارضا مستقبلا واديتهم قالوا هذا عارض ممطرنا
 پس چون دیدند آن غلغله را بصورت پیر سر زده آوده نمیدانستند ایشان گفتند این ابر است بارانستد
 پس چون دیدند آن عذاب را عوارضی آوده بود و اینها را ایشان گفتند این ابر است بارانستد و بر ما
 بل هو ما استعجلتم به ريح فيه عذاب اليم تذكر كل شئ باهر
 باین حقیقت آن ابر چیز است که شتاب طلب کرده آنرا باو نیست و در وقت و در دین است بر همه مردم چیز را فرمان
 را گفت بود چنین نیست بلکه این آن عذاب است که شتاب می طلبد آنرا باو نیست که آن عذاب است در دنیا که باین سبب هر چیز را
 ربه ها فاصبح الا يري الا مسكينهم كذلك نجزي لقوم الجرمين
 بروردگار تو صبح پس گشتند باین صفت که دیده می شد بجز خانه های ایشان هم چنین جز میدیدیم گروه گناه گران را
 بروردگار تو پس گشتند و در دیده می شد مگر سکن خانه ایشان هم چنان جز میدیدیم گروه گناه گران را
 ولقد مكنتهم فيما ان تكلم فيهم وجعلنا لهم سمعا وابصارا
 و هر آینه جاد او بودیم قوم را در آنچه چنان داده ایم شمار ادران و ساحت بودیم بر آنست قوم عا د گوش و چشم با
 و بختی قدرت داده بودیم ایشان را در آن چیز که قدرت ندیم شمار ادران و داده بودیم بر آنست گوش و چشم با
 افدة فما اغنى عنهم سمعهم ولا ابصارهم ولا افدتهم من
 دل با پس دفع نکرد از ایشان گوش ایشان و در چشمهای ایشان و دل با پس از آنکه از ایشان و در دل با پس از آنکه از ایشان
 شئ اذ كانوا يحدون بآيت الله وفاق بهم ما كانوا يبه
 چیز را از بر سر نیامی کردند به نشانه های خدا و فرا گرفت بایشان آنچه پس
 از سببی که انکار می کردند از سخنان خدا و منکر می شدند بایشان آنچه پس
 يستهزءون ولقد اهلكنا ما حولكم من القرى وصرفنا الاليت
 استهزا می کردند و هر آینه پاک کردیم آنچه و آلی تمامست از دیده با
 استهزا می کردند و هر آینه پاک کردیم آنچه گردا گرد شماست قریه با
 و زد دادیم آیات گوناگون را
 لعلمهم يرجعون فاولا نصرفهم الذين اتخذوا من دون الله
 بود که ایشان باز کردند پس چرا نصرت ندانند ایشان را آنانکه مسموسه گرفتند بجز خدا
 شاید که ایشان باز کردند (از لغز) پس چرا عدو خودند ایشان را آنان که گرفته بودند آن را با
 بجز خدا مبودان
 قربانا الهية بل ضلوا عنهم وذلك افكهم وما كانوا يفترون
 قرب خدا جویان بلکه گم شدند از نظر ایشان و همین است (از) دروغ ایشان و آنچه بر می یافتند
 از برای قرب به خدا چنین نیست بلکه گم شدند از ایشان و همین است (از) دروغ ایشان و آنچه بر می یافتند
 واذ صرفنا اليك نفر من الجن يستمعون القرآن فلما حضروه
 و یاد کن چون متوجه ما هستیم بیوسه گوشه را از جن می شنیدند قرآن پس چون حاضر شدند پیش
 و یاد کن (چون متوجه ما هستیم بیوسه گوشه را از جن می شنیدند قرآن) پس چون حاضر شدند نزد او
 قالوا انصتوا فلما قضى واولا الي قومهم منذرين
 باینکه بگفتند آن موش یا شنید پس چون تمام کرده شد باز گشتند بیوسه گوشه را گفتند ای قوم
 گفتند (باینکه بگفتند آن موش یا شنید تا شنید پس چون تمام کرده شد از آن) باز گشتند بیوسه گوشه را گفتند ای قوم
 اناسمنا كتبنا انزل من بعد موسى صدق البابين يد يد
 هر آینه ما شنیدیم کتابی که فرود آورده شد بعد از موسی باور دارنده آنچه پیش از او بود راه می نماید
 (هر آینه ما شنیدیم کتابی که فرود آورده شد بعد از موسی) گفتند کتاب بنید پیش از او بود هدایت می کند
 الى الحق والى طريق مستقيم يقومنا ارجعوا داعي الله
 بیوسه گوشه را راست بیوسه گوشه را راست
 ای قوم قبول کنید سخن دعوت کننده بیوسه گوشه را
 ای قوم اجابت کنید دعوت کننده را

فل یمنی منافقان
یا یهود و نصاری
ظلمت نقاب بر روی
ایشان بود ای شی
والله اعلم
تفسیر عثمان
عنه فقرت شاه
صاحب (رحم الله)
میگوید یعنی از حق
به تنگ آمده آمدیدی
جهادی کنید و اگر خدا
حزب شما را غالب
کند فدا بری بمانید
(تنبیه) مترجم محقق
قدس الشریحه ترجمه
«تولیم» را «به حکومت
ناکس» میگوید
چنانکه دانی بسیاری
مفسرین چنین است
علمای دیگر «تولی»
را بمعنی اعراض گرفته
چنین مطلبی گیرند
اگر ظاهر جهاد در راه
الله تعالی اعراض کنید
ظاهر است که در دنیا
امن و الضمان قائم
نمی شود چون در دنیا
امن و الضمان باقی
نماند ظاهر است که
فساد دنیائی و حق
ناشنائی بود
کاری آید و بعضی چنان
تفسیر کرده اند که اگر شما
از ایمان آوردن اعراض
کردید کیفیت ضمان
جاهلیت خود می کنند
یعنی خرابی با دلی نمی باشد
و فساد که در انحصار
وقت بود و بر
مؤمنان ادنی
و جزئی روابط
و خلیات دنیائی منقطع
میگردد تمام لشکر بر حق
با دیگر عالم میشود و اگر
خطاب آیت مخصوص
مناقضین باشد

الَّذِينَ آمَنُوا وَلَا يَزِلُّكَ سُورَةٌ فَاذَا الزَّلَّتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِّرْ فِيهَا

سماوات پر افروخته فرستاده شود سوره ای پس چون فرستاده شود سوره ای
مؤمنان چرا فرستاده نشد سوره ای پس چون فرستاده شود سوره ای

الْقِتَالِ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُنْظَرُونَ إِلَيْكَ وَظَنُّوا

قتال به پیش آید آنرا که در دل ایشان بیماری است می نگرند به تو مانند لنگ کردن کسی که
جنگ می بینی آنرا که در دل ایشان مرض (بیماری) است می بینی بسوی تو مانند لنگ کردن کسی که

الْمَغْنَمِ عَلَيْكَ مِنَ الْمَوْتِ فَأُولَئِكَ لَهُمْ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ فَإِذَا

اورا به پیش روی رسیده باشد بسبب حضور و موت پس و آنست ایشان را حال ایشان بحسب ظاهر با خبر داریست سخن بگویند
به پیش روی واقع شده باشد بروی بسبب پس مرگ پس دای بر ایشان (کار ایشان) فراموش برداری و سخن نیکو گفتن است پس چون

عَزَمُوا الْأَمْرَ فَوَعْدُكَ وَاللَّهُ لَكَانَ خَيْرَ لَهُمْ فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ

مهم شود کار اگر عزم خود را است کردند به با خدا بهتر بود است برائے ایشان پس اسے ضعیف ایمان آنرا که متولی
مؤکد شود کار پس اگر است کردند یزید عده خود را به الله البتة بهتر بود برای ایشان پس آیا توقع میشود از شما که اگر حلیت

تَوَلَّيْتُمْ إِنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطَّعُوا أَرْحَامَكُمْ أُولَئِكَ الَّذِينَ

اگر مردمان شوید البتة نزدیک آید از آنکه تباری کنید در زمین و قطع کنید داری غایب این جماعه آنانند
داده شود شمار آنکه فساد کنید در زمین و قطع کنید رشتہ داری بای خود را از آری این جماعه آنانند

لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَاصْبِرْ لَهُمْ وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا تَدْرِكُهُمُ الْقُرْآنُ

که لعنت کرد و ایشان را خدا پس که ساخت ایشان را و کور کرد چشمهای ایشان را آیا تا بل نمی کنند در قرآن
که لعنت کرد و ایشان را الله پس که ساخت ایشان را و کور کرد چشمهای ایشان را آیا تا فکر نمی کنند در قرآن

أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَى أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ

یا بر دل با قفل آن دلهاست بر آینه آنانکه بر پشت بر پشت خویش
یا بر دلهای ایشان قفلهاست بر آینه آنانکه بر پشت بر پشت بای خود

مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَهُمْ ذَلِكَ يَأْتِيهِمْ قَوْلُ

ظاهر شد ایشان را راه هدایت شیطان آراسته کرده (است بر علیه ایشان) مهلت داده است (لیت تراثهم بسبب است ایشان)
ظاهر شد برای ایشان راه راست شیطان آسان کرد برای ایشان (از کتاب گمراهی و دود و درازی (و آرزو) و ادبایشان این

لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَا تَنْزِيلُ اللَّهِ سَنُطِيعُكَ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ

با آنکه ناپسند کرده اند چیزی را که خدا فرستاده است چه فراموش داری شما خوانیم کرد در بعضی کارهای و خدا
بر تانی که ناپسندید چیزی را که خدا فرستاد الله که فرمان برداری شما خوانیم کرد در بعضی کارها و الله

يَعْلَمُ أَسْرَارَهُمْ فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ

میدانند سخن پنهان گفتن ایشان را پس چنانکه باشد حال وقتی که نفس روح ایشان
میدانند را از گفتن ایشان را پس چه حال که باشد چون بعضی کنند و روح ایشان از ایشان در حال که میزنند رویهای ایشان را

وَأَدْبَارَهُمْ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ اتَّبَعُوا مَا اسْتَحْطُوا وَكَرَهُوا بِضُؤَانٍ فَاحْطَبُوا

و پشتپناه ایشان را این عقوبت بسبب است که ایشان پیروی چیزند که خدا را و خدا را و او را پشت کردند و شنوای او را
و پشت بای ایشان را این بسبب است که پیروی کردند چیز را که حتم آورد خدا را و ناپسندید چیزی را که موجب ارضای

أَعْمَالَهُمْ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَهُ اللَّهُ

اعمال ایشان را آیا پنداشتند آنانکه در دل بایست بیماری است که ظاهر نخواهد کرد خدا
علمای ایشان را آیا پنداشتند آنانکه در دلهای ایشان مرض است که ظاهر نماند الله

أَضْعَافَهُمْ وَلَوْ نَشَاءُ لَكُنَّا مُّسَوِّغُونَ لِمَا كُفَرُوا بِهِ وَلَوْ نَشَاءُ لَكُنَّا مُّسَوِّغُونَ

کندای ایشان را و اگر میخواهیم می نمودیم ایشان را و بگویم پس می شناسی ایشان را به حق و ایشان را و بگویم پس می شناسی ایشان را به حق و ایشان را
کندای ایشان را و اگر میخواهیم نشان می دادیم بگویند ایشان را (و اگر میخواهیم) پس البتة شناسایی ایشان را به عبارات ایشان را

چنین مطلب می گرفت می شود که اگر جهاد اعراض کنید از شما بین توقع که می شود که از شرارت بای من تقاضا خود در زمین خرابی بر پا می شود و از شما نماند

فِي لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ۝ وَلَسْبُلُوْكُمْ حَتّٰى نَعْلَمَ
 در سبب سخن و خدا میداند عمل شمارا و البته امتحان کنیم شمارا تا بشناسیم

الْمُجَاهِدِيْنَ مِنْكُمْ وَالصّٰدِقِيْنَ وَنَبِّئُوْا الْخَبَارَ ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا
 مجاهدان را از شما و صابران را و بیاورید اخبار شمارا هرگز آنکه کافر شدند

وَصَدُّوا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَشَاقُّوا الرَّسُوْلَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ
 و بازداشتند از راه خدا و مخالفت کردند با پیغمبر بعد از آنکه روشن شد ایشان

لَهْدٰى كُنْ يَضُرُّوْا اللّٰهَ شَيْئًا وَ سَيُخَيِّطُ اَعْمَالَهُمْ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ
 راه هدایت هیچ چیز زیان نرساند خدا را و خدا خواهد کرد عملهای ایشان را
 و راست هرگز زیان نرساند یعنی توانست به شدت هیچ درود است که ضایع کند خدا کردارهای ایشان را

اٰمَنُوْا اطِيعُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُوا الرَّسُوْلَ وَلَا تَبْطُلُوْا اَعْمَالَكُمْ ۝ اِنَّ
 مسلمانان فرمان برید خدا را و فرمان برید پیغمبر را و باطل کنید عمل های خود را و هرگز

الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ثُمَّ مَا تَوَاوَهُمْ كُفْرًا فَلَنْ
 آنکه کافر شدند و بازداشتند از راه خدا باز نکردند و ایشان کافر بودند پس هرگز

يَغْفِرَ اللّٰهُ لَهُمْ ۝ فَلَا تَهْوُوا دَعْوًا اِلَى السَّلٰمِ ۝ وَاَنْتُمْ اِلَّا عٰلَوْنَ ۝ ط
 نخواهد آمرزید خدا ایشان را پس سستی کنید و بسوی صلح تمایل کنید و شما نیستید جز اهل غلبه

وَاللّٰهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَّذُرْكُمْ اَعْمَالَكُمْ ۝ اِنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ ۝ ط
 و خدا با شماست و ضایع خواهد ساخت عملهای شمارا جز این نیست که زندگی دنیا بازی است و

لَهُمْ وَاِنْ تُوْمِنُوْا وَتَتَّقُوْا يُؤْتِكُمْ اٰجُوْرَكُمْ وَلَا يَسْئَلْكُمْ اَمْوَالَكُمْ ۝ ط
 بهود نیست و اگر ایمان آرید و پرهیزکاری کنید بدهد شمارا مزد شما و نه طلبد از شما مال شمارا و

اِنْ يَّسْئَلْكُمْ عَنْهَا فَيَحْفَظْكُمْ تَبَخَّلُوْا وَ يُخْرِجْ اَصْغَارَكُمْ ۝ ط هَا كُنْتُمْ هٰؤُلَاءِ
 اگر بپرسد از شما مال شمارا پس مبالغه کنید در خوشامتنی بکنید و پرهیزکاری کنید بکنید و هرگز بخل نکنید

تُدْعُوْنَ لِتَنْفِقُوْا فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَّبْخُلُ وَمِنْ يَّبْخُلُ
 میخوانید که بخل کنید در راه خدا پس از شما کسی است که بخل می کند و هرگز بخل کند

فَاِنَّمَا يَبْخُلُ عَنْ نَفْسِهِ وَاللّٰهُ الْغَنِيُّ وَاَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ ۝ وَاِنْ
 پس جز این نیست که بخل می کند از خویش و خدا غنیست و شما محتاجید و اگر

تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُوْنُوْا اَمْثَالَكُمْ ۝ ط
 بگردانید بگردان شود دیگران بجای شما باز نباشند آنگاه شما

در گردان شود بدل آرد گردیده دیگران بجای شما باز نباشند شما
 در گردان شود بدل آرد الله قومی را غیر از شما پس نباشند مانند شما

فل یعنی بار خدا و دریا
 و محمد ۱۲ فل یعنی جمع
 مال را ۱۲ فل یعنی
 منقذت اتفاق از خود
 باز میدارد ۱۲ فل یعنی
 گوید آنحضرت صلی الله
 علیه و سلم خواب دیدند
 گوید آنحضرت با اصحاب
 در که داخل شدند و
 با طینان خاطر بخلق و
 قهر مشغول اند پس آن
 سال بقصد دعوت حجه
 کعبه رفتند و چون بجهت
 رسیدند کفار و قریش از
 و مصلی بکعبه مانع آمدند
 و بعد تشویش بسیار یافتند
 صلح کرده بغیر از وصول
 بکعبه بازگشتند خدایتعالی
 آن عمل را از ایشان
 قبول فرمود و از آن
 که در آنجا قتل میشد
 بجهت تاکید بر آن حضرت
 صلی الله علیه و سلم کرده
 بودند راضی مثل شرب
 آن عمل قتل و بسیار
 تعصب ایشان گردانید
 بتقصیر و بخیل کردن
 ازین سفر بطاعتی و مانع
 شده و قنایم خود را مصلحت
 بحاضران بیعت کرده
 و غیر ایشان از آن فرود
 منع نمود و مضمون روای
 سال آنکه نظر بر سر
 پس در باب و دعوت
 در مسیر منافقان
 تعویق مضمون روای
 بیان حکمت تعویق و
 تمهید به متخلفان از سفر
 حدیبیه و بیان تشویش
 خود با بیعت این سوره
 تا نازل فرمود الله اعلم
 ۴۴ تفسیر عثمانی
 ۱۰ عا از احکام جهاد
 ۸ و امثال آن مقصود
 از این آیه است از
 پس آنکه پیش سخت

مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

من یحیی آتاکه در سفر حدیث موافقت نکند و الله اعلم الخ
خبر از آنست که فاسد درم و فتنه در زمان حضرت ابوبکر و حضرت عمر متحقق شد و الله اعلم الخ
تفسیر عثمانی
عبدالله رجعت حدیثیه به آنحضرت صلی الله علیه و سلم حکم داده شد که به غیر آنجا هجوم برده شود و در آنجا یهود سکونت داشتند و آنجا یهودی کرده و جنگ از آنجا اقامت کفار را برای هجوم بر آنجا آماده ساخته آمد و چون در حق قالی به آنحضرت خبر دادند نشانی آنکه به حدیثی نزدیک بودند و مکرر فرمود استغفار می فرمود
خواهند کرد چرا که درین هجوم خطره کمتر است غنیمت بیشتر است بایشان بگویند کیش از استغفار می فرمود
بما اطلب داده است که شادین سفر یحیی را بر آنجا فرستاد و درین صورت شما بگویند همراه فرستی توانید اگر با برود سنانی آن این میشود که گویا فرموده خداوند تبارک و تعالی که حال آنکه هیچ عیب تبدیل آن ممکن نیست
یعنی ازین جهت که فهم اند و از بخوبی فهمیده می توانستند که مسلمانان هر تبه و فتنه از آن ایام فراموشان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مَنْ يَكْفُرْ فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أُوْفِيَ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ

فصل یعنی در تخفیف
از مثل این سفر و الله
اعلم ۱۲ فصل یعنی ششم
خبر و غیره ۱۲ فصل یعنی
فنایم خبر ۱۲ فصل یعنی
در حدیث ۱۲ فصل
یعنی کفار قریش مع
شدند که آنحضرت
را صلی الله علیه و سلم
تثویط رسانند

خداستای
دست
ایشانرا
از قتال باز
داشت و هم صلح
انجامید ۱۲ فصل یعنی
فنایم فارس و مردم
تفصیل عثمانی
عاشق که جبر گنبد

درین جنگ بشما
قطعی اجازه داده نمی
شود. لیکن بعد از آن
مردم بای زیاد پیش
می آید و مسلمانان با
قوه های نهانیت
جنگ را داخل بیگاری
شوند که مسلمانان
تازمانی جریان خواهد
داشت که آن قوه ها
یا مسلمان میشوند
و یا بنادیه جزیه مطیع
اسلام می گردند اگر
واقعاً شوق جهاد
و ارید و آنوقت در
میدان کارزار داخل
شده و اد شجاعت
بمیدان آید اگر درین موقع
حکم خدا پذیرفتند
خدا بشارت بهترین پادشاه
خواهد داد و تنبیه مراد
ازین اقوام جنگجویان
حنیفه و غیره می باشد
که قوم میل کذاب
بود و یا بهوانان و
تقیف و غیره که در
چنین یا آیه ها مقابله
شده بود و یا آن مرتدین مراد است که هدایت ابر رضی الله عنده بر ایشان لشکر کشی کرده بود و یا فارس و روم و کرد و غیره که در عهد خلفای راشدین یا آنها جنگ با یافوت

فان طيعوا اوتاكم الله اجرا حسنا وان تتولوا كما توليت من
پس اگر فرمان بر داری که بندگان بدید خدا شمارا مزد نیک
پس اگر فرمان بر داری که بندگان بدید خدا شمارا مزد نیک

قبل يعذبكم عذابا اليما ليس على الاغصان حرج ولا على الاغصان
پیش ازین عذاب کند شمارا عذاب دردناک نیست بر تنایینا تکلیف
پیش ازین عذاب کند شمارا عذاب دردناک نیست بر تنایینا تکلیف

خرج ولا على المريض حرج مو من يطع الله ورسوله يدخله
کن است و نه بر بیمار کن است و نه بر بیمار کن است
کن است و نه بر بیمار کن است و نه بر بیمار کن است

جنت تجري من تحتها الانهار ومن يتول يعذب به عذابا اليما
بهشت جاری شود زیر درختان آن جوهرها و هر که بر داند شود عذاب کند او را به عذاب دردناک
بهشت جاری شود زیر درختان آن جوهرها و هر که بر داند شود عذاب کند او را به عذاب دردناک

لقد رضي الله عن المؤمنين اذ يبايعونك تحت الشجرة فعلم
بهر آینه خوشنود شد خدا از مسلمانان و قتیله بیعت می کردند یا تو زیر درخت پس دانست
بهر آینه خوشنود شد خدا از مسلمانان و قتیله بیعت کردند یا تو زیر درخت پس دانست

ما في قلوبهم فأنزل السكينة عليهم واثابهم فتحا قريبا
آنچه در دل ایشان است پس فرود آورد اطمینان دل بر ایشان داد ایشان را فتحی نزدیک
آنچه در دل ایشان است پس فرود آورد اطمینان دل بر دل های ایشان و یا دانش ایشان را فتح نزدیک

ومغان كثيرة يأخذونها وكان الله عزيزا حكيم
و غنیمت های بسیار که بدست آورده اند و الله غنی و دانای
و غنیمت های بسیار که بدست آورده اند و الله غنی و دانای

الله مغانم كثيرة أخذونها فاعجل لكم هذه وكف
خدا غنیمت های بسیار که بدست آورده اند پس زود عطا کرد این غنیمت و باز داشت
خدا غنیمت های بسیار که بدست آورده اند پس زود عطا کرد شمارا این غنیمت و باز داشت

أبدي الناس عنكم ولتكون آية للمؤمنين ويهدى لكم صراطا
دست مردمان را از شما و تا باشد این مقدمه نشانه مسلمانان را و تا بناید خدا شمارا راه
دست بای مردمان را از شما و تا باشد این مقدمه نشانه مسلمانان و تا بناید خدا شمارا راه

مستقيما و أخرى لم تقدر و اعلمكم قد أحاط الله بها و كان الله على
راست و و عطا داد خدا غنیمت های دیگر نیز که بدست نیافته اید بران و الله است خدا آنرا بدست خدا
راست و (بزرگوار و دشوار) غنیمت دیگری که از شما قدرت بدید بران و احاط کرده قدرت الله آن را بدست الله بر

كل شيء قد يرأه و لو أنكم الذين كفروا لو أنكم الذين كفروا
همر چیز که ناچار و اگر جنگ می کردند با شما کافران البته می بیند شما را باز نمی یافتند
همر چیز که ناچار و اگر جنگ می کردند با شما کافران البته می بیند شما را باز نمی یافتند

وليا ولا نصيرا سنة الله التي قد خلت من قبل و كن تجد
کار ساز و نه نصرت دهنده مانند آیین خدا که گذشته است پیش ازین و بخوابی یافت
کار ساز و نه نصرت دهنده مانند آیین خدا که گذشته است پیش ازین و هرگز نیاید

لسنة الله تبدلها و هو الذي كف أيدهم عنكم و أيدكم
آیین خدا را تبدل می دهد و او است که باز داشت دست کافران را از شما و دست شما را
و او است که باز داشت دست کافران را از شما و دست شما را

مرطوق الله كبري
و او است که باز داشت دست کافران را از شما و دست شما را
و او است که باز داشت دست کافران را از شما و دست شما را

عَمَّ يَبْطِنُ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ اَنْ اُظْفِرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

از کافران در میان که بعد از آنکه فیروز شدند ساخت شمارا بر ایشان و هست خدا با آنچه می کنید

بَصِيرًا هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ

چنانکه این کفار قریش آنانند که کافر شدند و بازداشتند شمارا از مسجد حرام و بازداشتند قربانی را

مَعُوقًا اَنْ يَبْلُغَ حُجَّتَهُمْ وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ مُؤْمِنَاتٍ

موقوف داشتند از آنکه برسد بجای خود و اگر نبودند مردان مسلمان و زنان مسلمان

مُتَعَلِّمُوهُمْ اَنْ تَطُوَّهُمْ فَيُضَيِّقَهُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةً بَغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ

از میانند ایشان را اگر نبودند خود آنکه بیست کنند سر ایشان را پس برسد بشان آنکه بغیر دانشند و بی خبر از امور خود خدا تادارند

اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ

خدا را که خواهد هر محبت خود اگر این مؤمنان جدا میشدند (از کفار) البتة عذاب میدادیم آنان را که کافر شدند از ایشان

عَذَابًا أَلِيمًا اِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ حَمِيَّةَ

عقوبت در دو منده آنگاه که قسم کردند کافران در دل ایشان حسد را از جنس غیرت

الْجَاهِلِيَّةِ فَاَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ

جاهلیت پس فرود آورد خدا اطمینان خود را بر پیغمبر خود و بر مسلمانان

وَالزَّكٰهُمْ كَلِمَةً التَّقْوٰى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا ط وَكَانَ اللَّهُ

و ثابت گردید ایشان سخن پر بیزگاری و بودند سزاوار آن و اهل آن و هست خدا

بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا لَقَدْ صَدَّقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الْرَّءِیَّ بِالْحَقِّ

در هر چیز دانایا و ثابت بر آئینه راست نمود خدا پیغمبر خود را

لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ اِنْ شَاءَ اللَّهُ اٰمِنِينَ مُحْلِقِينَ رِءُوسَكُمْ

باید مضمون که البته داخل خواهند شد مسجد حرام اگر خدا خواست است ائمن شده تراشیده موی سر خود را

وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ

و محقرتر کردید ترسناک نشده پس دانست آنچه ندانستید شما پس میسر کرد پیش ازین

فَتْحًا قَرِيبًا هُوَ الَّذِي ارْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدٰى وَدِیْنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ

فتح نزدیک را اوست آنکه فرستاد پیغمبر خود را به هدایت و دین حق تا غالب کند دشمن

عَلَى الدِّیْنِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِیْدًا مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ

بر ادیان همه آن و کفایت کرد خدا شاهد کننده محمد صلعم پیغمبر خداست و آنکه همراه اوینند

وَالَّذِينَ آمَنُوا هُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمُ الْكَافِرُونَ

و کسانی که ایمان آورده اند و کسانی که کفر کردند

فصل توفیق است
بأن تصدق بعدا نقاد
صلح هتاف و حق از او باشر
قریش خواستند که بخیر
بر صحابه تاخت آرند
صحابه همه را اسیر کرده
پیش آنحضرت علی الله
علیه وسلم آوردند تا خنجر
ملفوظ خود ظاهر از روی
بند ضعیف است و
صحیح است که این آ
بشارت بفتح کرد
آوردن لفظی از
جهت تحقیق و توح
بشارت و الله اعلم
فصل یعنی تصدیق رویا
یا فضل تحقق شریعت
و فتح حاصل میسر شست
والله اعلم و الله یب
جماعت از مسلمانان این
صلح را کرده بودند و حق
خداست اطمینان را
بدل ایشان انداخت
تا بر حق آنحضرت صلی الله
علیه وسلم رضاد او دانند
اعلم

تفسیر غمانی
چند سوره متواتر
در حدیث و روایت
بودند که فتح یافتند
را شهید کنند و بعضی
مسلمانان را که تیرباران
آوردند بکشتن و چنانکه
اندازه آنرا در حدیث
حتی یک مسلمان را هم
کشتند کلمات استثنائی
آنکه گفتند با کفر صحابه
رضی الله عنهم آنرا را
زنده و سیر کرده
بجسور رسول کریم صلی الله
علیه وسلم حاضر کردند
آنحضرت آنها را اسیر
فرمود و فتح آنرا بکشتن
در حق آنکه پیغمبر
و اهل بیت او شده
و در بیان که این یعنی

ملک مثل آنست
که اسلام در اول حال
ضعیف بود و مسلمانان
کم بودند و فقر غالب
و بسیار تنگداری
حال غیر اسلام آنست
که چشم آرد و غناست
ملک مرمی گوید
خدا تعالی این
سوره را برای تعلیم
آداب فرود آورد که
از حضرت پیغمبر
صلی الله علیه و سلم
در مدینه پیشدستی
نکند و یا حضرت
پادشاه طلب
نکند و اگر فاسق
گوید بفرقه تقیض حال
امضای عزیمت نماید
در صورتیکه میان ایشان
خارجی واقع شود
اصلاح آن بچشم کند
دانا شنید یا بگوید
و لقب بدینان
غیبت کردن و ظن بد
مقرر کردن و بدو شب
بر دیگران فقر کردن
کرد و ضعف ایمان را
بر ضعیف ایمان بنید
فرموده الله اعلم
تفسیر عثمانی
ع حضرت شاه
رحم الله بنو سید
و نری که سرشت
کسی باشد و بر هر حق
بماند و بر زمین کند
آنکه بدین ایمان اصلاح
یا قیامت باشد و نری
نری بر یک حق خود
ظهور می نماید خداوند
آنکه اگر کار فری
احسان و حسن سلوک
پیش آمدن مصلحت
شرعی باشد یا ندر
کرد و مصلحت دین نباشد
مشاور است و
کمزور بداند.

أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ ۖ هُمْ رُكَّاعٌ سَاجِدُونَ فَهَلْ يَنْتَبِعُونَ فُضْلاً

تخت اند بر کافران مهربان اند در میان خود می بیند ایشان را کور کشته و بجهه نماز می طعنند فضل را
سخت اند بر کافران مهربان اند در میان خود می بیند ایشان را کور کشته و بجهه کثان می طعنند فضل را

مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا لِّسَيِّئَاتِهِمْ فِي وَجْهِهِمْ ۖ مِنَ الْكُفَّارِ ۖ هُمْ رُكَّاعٌ سَاجِدُونَ فَهَلْ يَنْتَبِعُونَ فُضْلاً

از خدا و خوشنودی را که شانه صراط ایشان در روی ایشان است از آنکه سجده می کنند و کور می بیند ایشان را کور کشته و بجهه کثان می طعنند فضل را
از الله و خوشنودی او را علامت ایشان در روی بهای ایشان است از آنکه سجده می کنند و کور می بیند ایشان را کور کشته و بجهه کثان می طعنند فضل را

فِي التَّوْرَةِ ۖ وَهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ ۖ كُزَّاعٌ ۖ أَخْرَجَ شَطَاةً فَكَرَّهَتْهَا

در تورات و در انجیل ایشان است در انجیل ایشان است که بر آرد شطاه و کور می بیند ایشان را کور کشته و بجهه کثان می طعنند فضل را
در تورات و در انجیل ایشان است که بر آرد شطاه و کور می بیند ایشان را کور کشته و بجهه کثان می طعنند فضل را

فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ

پس سطر شد پس با سطر بر سر قنای خود به گفت است آرد زراعت کنندگان را دل بسبب و بدین ایشان را کور کشته و بجهه کثان می طعنند فضل را
پس سطر شد پس استوار شد بر ساق خود که شکفت می آرد زراعت کنندگان را دل بسبب ایشان را کور کشته و بجهه کثان می طعنند فضل را

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

و عده داده است خدا آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کردند ازین است آمرزش و مزد بزرگ
و عده داده است الله آنان را که ایمان آورده اند و کارهای شایسته کردند ازین است آمرزش و مزد بزرگ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ رُسُلَهُ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

ای مسلمانان پیش دست می کنید و بر روی الله و رسول او و ترسیده باشید از الله (هر آید) الله
ای مسلمانان پیش دست می کنید و بر روی الله و رسول او و ترسیده باشید از الله (هر آید) الله

سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۚ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ

شنوا و انامت ای مسلمانان بلند نمید آوازهای خود را بالا نمی آواز
شنوا و انامت ای مسلمانان بلند نمید آوازهای خود را بالا نمی آواز

النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ

پیغامبر و بلند گوید با او سخن را مانند بلند گفتن بعضی شما با بعضی برائے احقر از آنکه نابود شود
پیغامبر و بلند گوید با او سخن را مانند بلند گفتن بعضی شما با بعضی برائے احقر از آنکه نابود شود

أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَغْضَوْنَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ

عمل شما و شما جزوار بینا شنید هر آینه آنانکه بیست می کنند آوازهای خود را نزدیک
عمل شما و شما جزوار بینا شنید (بحق) آنانکه بیست می کنند آوازهای خود را نزدیک

رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ

پیغامبر خدا آن جماعه آنان که آزموده است خدا دل ایشان را بر سر ظهور تقوی ایشان راست آمرزش
پیغامبر خدا آن جماعه آنان که آزموده است الله دل های ایشان را برای تقوی ایشان راست آمرزش

وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ

و مزد بزرگ هر آینه آنانکه آواز میدهند ترا از پس حجرا اکثر ایشان
و مزد بزرگ (بحق) آنانکه ندا می کنند ترا از پس حجرا اکثر ایشان

لَا يَعْقِلُونَ ۚ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ

و اگر ایشان صبر کردند تا تانکه بیرون آیی بسوی ایشان بهتر بود برائے ایشان
و اگر ایشان صبر کردند تا تانکه بیرون آیی بسوی ایشان بهتر بود برائے ایشان

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ يُدْعِي الْاٰمِنِيْنَ اِلَيْهِ فَاَسْمِعُوْا لَهُمْ يَنْبَغِيَ لَهُمْ سَمْعًا مَّعْمُوْمًا

فل منتم كونه اين
تفرع است بحال
قوسه از جنم كنجوت
همه پيش آنحضرت
معي الله عليه وسلم آمدند
و چون در مسجد نماز نشدند
و نماز نشدند كه در كرام
جمله شريف دارند و در
جمله با او از بلند ندا كن
شروع كنند و الله اعلم
فل يعني كونه كه
در جا بيت كرده باشند
بعد از اسلام نشان دهند
نماز ساخت ۱۳

تفسير عثمانى
عنه الله رسول الله
و على الله عليه وسلم
كرام خبر ديارى شما
عل كنند به مبريد چه
حق تان خواهيست
و آرد مردم نيست
اگر چنين شود هم نظام
زمن و آسمان و زمين
بر هم خواهد شد كه
قال تعالى و لولا ربح
الحق ابراهيم لفسد
السلطان و الارض
(المؤمنون - ركنه)
ظلام خبر را خوب
تحقيق كنيد و حق را
تابع نماييد
در آي خود
مسأله بلك
خواهيست
خود را تابع حق بنماييد
بدين طريق ريشه همه
مناقشات كنند و بشود
حضرت شاه صاحب
مجلس ليد و اگر مشوره
شما قبول نشود از ان
بدنميه چه در سول و هم
خدا على كنند و خير
بهود شما نيز در همين
است اگر خواهان
شمار قبول كنند هر كس
در باب بهبود خود

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِشْمٌ

اے مسلمانان! اجتناب از بسیاری از گمانها را که بعضی از آنها اشتباه است

وَلَا تَحْسَبُوا أَنِّي مَتَّعْتُكُمْ بِعَصَايَ أَحَدٌ كَمَ أَنِّي أَكُلُ

و چنانچه تصور نکنید که من شما را با عصای خود تنها به مدت کوتاهی از آتش دوزخ دور نگه میدارم

لَحْمِ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْنَاهُ وَأَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ يَا أَيُّهَا

گوشت برادر خود را که مردگان است و ما آن را نپسندیم و از خوردن آن نهی میکنیم و از خدا بترسید و از او توبه بپذیرید زیرا خداوند پندارنده و مهربان است

النَّاسِ إِنَّا خَلَقْنَاهُ مِن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاهُ شَعْرًا قَبِيلٍ

و ما انسانها را از یک مرد و یک زن آفریدیم و او را به سبب موهایش به قبیلهای مختلف تقسیم کردیم

لِتَعَارَفُوا إِنَّا كَرَّمَكُم بِأَنَّا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ يَكُن لَّكُمْ بِهِ عِلْمٌ قَالَتْ

تا با یکدیگر بشناسید زیرا ما شما را بزرگوار گردانیدیم که چیزی را که شما نمیدانستید را به شما آموختیم و زنان گفتند

الْأَعْرَابُ أَفْطَرَّتْهُنَّ وَلَكِنْ قُلُوا أَسْلَمْنَا وَلَكِنَّا كُنَّا نَحْنُ

اهل اعراب ایمان آوردیم و ما را آموختند که اینها را که ما نمیدانستیم را به ما آموختند و ما را در راه هدایت رسانیدند

فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلْعَنَكُمُ أَهْلُ الْأَرْضِ

بدانها را لعنت نکند و اگر شما را لعنت کند خدا و رسول او و اهل زمین را لعنت نکند پس از آنکه شما را هدایت کردند

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ

بهر آنکه خداوند آمرزنده و مهربان است و تنها کسانی هستند که ایمان آورده اند و به خدا و رسول او ایمان دارند

ثُمَّ لَمْ يَزَالُوا جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ

پس باز هم با اموال و جانهای خود در راه خدا میجنگیدند و اینها را خداوند دوست میدارد

هُمُ الصَّدُوقُونَ قُلْ أَعْلَمُونَ اللَّهُ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي

آنها صدقات را و بگویند که خداوند باطن دین شما را میداند و خداوند باطن شما را میداند

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ يَسْمُونَ عَلَيْهِ

آسمانها و آنچه در زمین است و خداوند به هر چیزی داناست و شما بر او لعنت میکنید

إِنْ أَسْلَمْتُمْ فَلَا تَسْمُونَهُمْ إِلَّا سَلَامٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَ

اگر شما مسلمانان شده باشید پس بر آنها لعنت نکنید مگر سلام است بر کسانی که ایمان آورده اند و آيا خداوند بزرگوار نیست که

هَذَا كُمْ لِلْإِيمَانِ أَنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ

اینها را برای ایمان است زیرا که شما راستگویند و خداوند آنچه را که شما نمیدانید را میداند و خداوند باطن آسمانها را میداند

عنه در این آیت و انودی کند که چون ایمان و یقین که حق در دل ز رخ شود ریشه در اندام خصال طبیعت عیب جوئی و طبع از احوال دور میشود و تحقیق عیب و از احوال دور دیگران گرفته باشد بداند که در دل وی ایمان تا هنوز بجای جا نگرفته در طبعی آمده یا معشر من امن بسته و لم یغفر الا ایمان الی تبلیه و تقیید المسلمین و تفتیحه و راهم را لحدیث (من کثر معصیته) حضرت شاه صاحب رحمہ اللہ بنویسد یکی میگوید که اسلمنا یعنی مسلمانان را قبول کردیم درین صورت مصافحه نیست اما ای میگوید که من پوره یقین در دلم یقین او کامل است آنرا آن کجاست کسی واقعه باب ایمان خود یقین کامل و ادا و از احوال بر زمین و دوی میرسد و میفرماید عله حضرت شاه صاحب (رحمہ اللہ) بنویسد اگر کسی از دست باطل آید و حق و تخمین خود را نیست بلکه ساقش خداست که ابرای آن بجای دارد توفیق داده و گویا در قرآن سوره فاطر نشان نموده اگر برای یاسندین بهدایت قرآنی و طبعی اصلاح توفیق نصیب نشاند و احسان و منت گذارد و بنده شکر احسان و انعام خدای را ادا نکند که او بنده چنین توفیق را از انی لرمودہ

لَبَسَ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلَهُمُ الْتَوَسُّوسَ

اشبه انداز آفرینش نو و هر آینه آفریدیم آدمی را و میدادیم چیز و غفلت میکرد را اندیش

شبه انداز آفرینش نو و هر آینه آفریدیم آدمی را و میدادیم چیز را که بی نظر گذارنده

بِهِ نَفْسَهُ ۝ وَكُنْ أَقْرَبَ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلٍ ۝ لَوْ رِيدَ إِذِ تَلَقَّى الْمُتَلَقِّينَ عَنْ

نفس او و نزدیک تریم با وی از رگ جان انگاه که یادی گیرند و یادی گیرند به پهلوئی

أَنْزِلَ أَفْزَادُ ۝ وَكُنْ أَقْرَبَ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلٍ ۝ لَوْ رِيدَ إِذِ تَلَقَّى الْمُتَلَقِّينَ عَنْ

آفرافزاد و نزدیک تریم به آدمی از رگ جان عه (یا دکن) چون فرا گیرند و (فرشتش) فرا گیرند از

الْيَمِينِ ۝ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ۝ مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ۝

راست کشیده و به پهلوئی چپ کشیده دل برین می آورد آدمی ستمگر نزدیک او نگهبان نیست همیاست

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ۝ ذَلِكُمْ مَّا كُنْتُمْ تُحِيدُ ۝ وَتَفْخِرُ فِي الصُّورِ

و بیاد ستمی موت برآستی ایست آنچه از این کنده می بردی و دیده شود در صور

ذَلِكَ يَوْمَ الْوَعْدِ ۝ وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ۝ لَقَدْ

ایست روز وعده عذاب و بیاد هر نفس همراه او روان کشنده است و گواهی دهنده است گویم هر آینه

كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَ كُفْرِكَ الْيَوْمَ ۝ حَرِيدٌ

بودی در بے خبری از این روز پس برداشتم از تو پرده (غفلت) کفر پس چشم تو امروز نیز است

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَىٰ عَتِيدٍ ۝ أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَتِيدٍ ۝

و گفت فرشته هم نشین او ایست آنچه نزدیک من بود حاضر کرده شده گویم به کشنده و فرشته در دوزخ هر کافریست سرکش را

مُنَاعٍ لِلْخَيْرِ مَعْتَدٍ ۝ الَّذِي جَعَلَ اللَّهُ الْآخِرَ الْآخِرَةَ فِي

بهر امساک کشنده مال را در گذشته از حد و اسباب انداخته و مقرر کرد با خدا معبودی دیگر پس با کشنده این برکت را در

الْعَذَابِ الشَّدِيدِ ۝ قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتَكَ وَلَكِنْ كَانَتْ فِي ضَلَالٍ

عذاب سخت گفت هم نشین او گفت ای پروردگار ما من گمراه نکردم این شخص را و لیکن و سه بود در گمراهی

بَعِيدٍ ۝ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدُنِّي وَقَدْ قَدِمْتُ إِلَيْكُمْ يَا يُوحَىٰ ۝

دور فرمود حکومت کنید نزدیک من حالانکه پیش ازین فرستاده بودم بسوئی شما و عده عذاب

مَائِدًا ۝ الْقَوْلَ لَدُنِّي وَمَا أَدْبَارُكُمْ لِلْعَبِيدِ ۝ يَوْمَ نَقُولُ لِرَجُلٍ

نیز داده ستم شود و عده نزدیک من و ستم من ستم کننده بر بندگان روزی که گویم دوزخ را

هَلْ أَمْتَلَيْتَ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ۝ وَازْلَفْتَ الْجَنَّةَ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ

آیا پنداشتی و دوزخ گوید آیا هیچ زیاده ازین هست و نزدیک کرد اندیشه شود بهشت برای متقیان نه

بَعِيدٍ ۝ هَذَا مَا تَوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ۝ مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ

دور نده گویم این است آنچه وعده شده است را نزدیک کرده شده برای هر رجوع کننده اب نگارنده را برائے هر کسی که بترسد از خدا

و الله اعلم بالصواب
یعنی اگر کفر حق باشد
فرشته دست راست
ی نویسد و اگر کفر باطل
باشد فرشته دست چپ
س نویسد و الله اعلم
تس مراد جنس روان
کننده و گواهی دهنده است
و ستمگر گوید عذاب
بادشاه است که اسیر را
پیش ایشان دو کس
گرفته می آید ازین جهت
دو فرشته را خطاطان
و س یعنی ازین طریق
از این جنس و الله اعلم
و س یعنی هر چند در
اندازند زیاد طلب کند
و الله اعلم
تفسیر عثمانی
س مراد از رگ جان
رگ گردن است که
آنها را شریک میگویند
که چون رگ بگریزد
شود انسان می میرد
شاید گویا از جان و
روح باشد مطلب
این است که ما با عباد
علم از روح و نفس
هم نزدیک تریم یعنی چه تنگ
انسان در باب اعمال
خود علم دارد و علم بالذات
یعنی که او جان خودش
و دهر هم بیشتر است
نیز علت و نشانه
باسم و ناشی
چنان قبل حاصل
می باشد که معلول
ناشی را یا نفس خود را
هم نمی باشد حضرت
شاد صاحب از حد
نیز بگوید خداوند
دانش انسان نزدیک
است اما رگ جان
از جان است و کسی
به غیب آگاه است
جان نهان و در جسم و او در جان نهان
ای نهان اند نهان ای جان جان

بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ ۖ ادْخُلُوا هَاسِلًا ذَٰلِكَ يَوْمَ الْخُلُودِ ۚ لَهُمْ

نارید و پیش آمد بدل متوجه شده گوئیم داخل شوید در بهشت همراه سلاطین ایستاد و همیشه با ایشان ایشا فرستادید و بیارو دل رجوع کند به خدا (گوئیم) داخل شوید در بهشت در حال سلاطین عا این است روز بیشتر بودن ایشان از شماست

مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ۚ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ

آنچه خواهند در بهشت و نزد ما زیاد است از آن و بسیار هلاک کردیم پیش از این است با که آنچه خواهند در بهشت و نزد ما زیاد است و بسیار هلاک کردیم پیش از ایشان از است با که ایشان

أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَّجِيصٍ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

بسیار تر بودند از این چنان در دست درازی پس نقش کردند در شهرها که بگریز گریخته است هر آینه درین مقدره نوی تر بودند از این چنان از روی قوت پس بگذاوی کردند در شهرها آیا جای گریز هست و بعد (هر آینه) در این (مذکور)

لَذِكْرَىٰ لِمَنْ كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ۚ وَلَقَدْ خَلَقْنَا

بسیارست کسی را که دلس دارو یا گوش بنهد متوجه شده و هر آینه آفریدیم جای بخشن (پند) است برای کسی که باشد مرا و ادل یا گوش بنهد و او متوجه (حاضر) و (هر آینه) آفریدیم

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِنْ لُغُوبٍ ۚ

آسمان با زمین و آنچه در میان است در شش روز و نرسید ما هیچ مانده آسمان با زمین را و آنچه در میان آنهاست در شش روز و نرسید ما هیچ مانده

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ

پس صبر کن بر آنچه می گویند و بپای یاد کن همراه ستایش پروردگار پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از پیش منبر کن بر آنچه می گویند و تسبیح گفت باش با ستایش پروردگار خود پیش از بر آمدن آفتاب و پیش از

الْغُرُوبِ ۚ وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ۚ وَاسْتَغْفِرْ يَوْمَ يَنَادُ

فرود شدن و در بعض اوقات شب بپای یاد کن خدا را و عقب نماز نیز و بگوشان فصل روز یک آواز دهد و در بعض اوقات شب تسبیح بخوان خدا را و بعد از سجده نماز نیز و بشو روز یک آواز دهد

السَّادِ مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ

آواز دهنده از جای نزدیک و روز یک بشنوند نعره تند بغیر تردد و آنروز روز آواز دهنده از جای نزدیک روز یک بشنوند آواز محقق را آنروز روز

الْخُرُوجِ ۚ إِنَّا نَحْنُ نَحْيٍ وَنُفِيتُ وَاللَّيْلَا الْمَصِيرُ ۚ يَوْمَ تَشَقُّقُ

بر آمدن ایشان است هر آینه ازنده می گم و می میرانیم و بسوی است باز گشت بر آمدن است (هر آینه) ازنده می گم و می میرانیم و بسوی است باز گشت روز یک بشکافد روز یک بشکافد

الْأَرْضِ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ۚ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ

زمین از سر ایشان بیرون آیند شتابان این برای گفتن است آسمان بر ما بسیار می گویند زمین از ایشان بر آمده شتابان این حشر بر ما آسان است ما خوب می دانیم آنچه می گویند

وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِمُجَارِفٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَتَذَكَّرْ

و توفیق کو بر ایشان چه کننده پس پند ده به قرآن بر که میسر از عده عذاب من و توفیق کو بر ایشان جبر کننده پس پند ده بقرآن کسی را که می ترسد از عده عذاب من

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهَتِهِمْ كَاذِبُونَ ۚ إِذْ يُنَادُوا لِلَّهِ أَنْ تُخَلِّصْهُمْ مِنْ عَذَابِ آلِهَتِهِمْ

و آنانی که از خدایان خود کاذبند و آنانی که می خوانند که خدا را بخواند که از عذاب خدایان خود خلاص کنی از عذاب خدایان خود کاذبند و آنانی که می خوانند که خدا را بخواند که از عذاب خدایان خود خلاص کنی

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهَتِهِمْ كَاذِبُونَ ۚ إِذْ يُنَادُوا لِلَّهِ أَنْ تُخَلِّصْهُمْ مِنْ عَذَابِ آلِهَتِهِمْ

و آنانی که از خدایان خود کاذبند و آنانی که می خوانند که خدا را بخواند که از عذاب خدایان خود خلاص کنی از عذاب خدایان خود کاذبند و آنانی که می خوانند که خدا را بخواند که از عذاب خدایان خود خلاص کنی

وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آلِهَتِهِمْ كَاذِبُونَ ۚ إِذْ يُنَادُوا لِلَّهِ أَنْ تُخَلِّصْهُمْ مِنْ عَذَابِ آلِهَتِهِمْ

و آنانی که از خدایان خود کاذبند و آنانی که می خوانند که خدا را بخواند که از عذاب خدایان خود خلاص کنی از عذاب خدایان خود کاذبند و آنانی که می خوانند که خدا را بخواند که از عذاب خدایان خود خلاص کنی

فلان این تصویر هست
آنرا که در استماع
نماد سادی باشند
والله اعلم بالصواب
از حق و بلا و بار ۱۱۱
تفسیر عثمانی
سخت است که در
دنیای ارا و یاد کنند از
کتابان محقق بوده
بسی از این نوع نمودند
و بدین مشابه از تفسیر
جلال او ترسیدند و بایک
دل پاک و رجوع کنند
بمستوراد حاضر شدند و نقد
این جنت به بخور مردم
داده شده بود و تفسیر در
رسیده که سلاطین و
عاقبت در آن داخل
گردند و فرشتگان را
سلام گویند و میروند
را نیز از آن رسند
عده اهل بین تفسیر
افزودند و در میان
مقابل آنها در تفرقه
جنت آمد اکنون با ناز
بجایات که در می کنند
یعنی پیش از آخرت
ده نیا هم چندان قوم
شتر و سرکش را تها
کرده ایم که آنها در قوت
و تعداد نسبت با قوم
موجوده کفار را تها
بیشتر بودند و آنها بر
شهری بزرگ و زیاد
است و تها بودند
۱۱۱ باز چون عذاب الهی
۱۱۱ در رسیده بودی زمین
بسی جای گریز و پناه
نیافتند و از این طلب
است که در وقت عذاب
خدا سستند و قویست
خود جای پناه و فراری
کنند و هیچ پناهی و آوازی
نیافتند و تها که
از حد تفرقه می افتد
باشند اول آن که

دل بینه آدمیان هندی
ی گردن تادرا کل شرب
سراوت کنن بختلات
نذا و انشا الله
یعنی توبت یا قرآن
فلا یغنی آنکه در آسان
است ۱۱ تفسیر عثمانی
عنه و تفسیر دعوت
و تبلیغ و الحاق ادا کرد
آنکه آنرا نقیب
زیا و کردن و اندامین
شدن برای توبت خود
نیست الزام هر یک
اطاعتی بر او و دش خود
ایشان خواهد آمد آری
و عیض و تلقین و تقسیم
است پس این کلام
دوام دارد و تقسیم یک
ایمان بر سه این پند
توبت انجام می شود
کس نیکو ایمان آورد و نند
آنرا به نفع خدای ناک
می شوند و نیز بر سه
کافران محبت
خدا تمام می شود ۱۳
عنه از بندگی ۲
شان من بچ خانه
فی رسد بلکه نفع خود
ایشان است من
چنان آقا مالک است
که به غلام خود بگویم
به برده برای من کما فی
کنند و باین نان د
خود را که به برده نماند
بی نیاز من از زمین بختلات
پاک و برتر است من
از آنها روزی نخواهم
بلکه ایشان روزی
میرد خوب بسجده
چون زانوی منند و
تواناد باید در راه
خداست شایم
حاجت است
حکم بندگی محض
اذان بهر پنداده
شد که قوی و قهار باشد و عقلت و کبریا یی را اعتراف کرده مستحق الطاف و احسان خود می گردید من شرم خلق ناسود ی کنم به بلکه تا بر بندگان جوی کنم

نذیر مبین ۱ و لا تجعلوا مع الله الها خيرا لکم منه نذیر مبین ۲
ترسنانده آشکارم و مقرر نموده با خدا معبودی دیگر را بر آئین من بر آئین شما از جانب او ترسنانده آشکارم
ترسنانده آشکارم و مقرر نموده با خدا معبودی دیگر را بر آئین من بر آئین شما از جانب او ترسنانده آشکارم
کذالك ما آتی الذین من قبلهم من رسول الا قالوا ساحر او
هم چنین نموده است نزد یک آنکه پیش از ایشان بودند هیچ پند میرسد
هم چنین نموده است به آنکه پیش از ایشان بودند هیچ پند میرسد
مگر گفتند جادوگر نیست یا
مگر گفتند جادوگر نیست یا
جحون ۴ اتوا صوابه بل هم قوم طاعون ۵ فتول عنهم فما
دلوانه است آیا باید بگریه و صیحت کرده آمده و ندا بخارید ایشان کرده سرکش و اند پس روسته باز گشت از ایشان پس بستی
دلوانه است آیا باید بگریه و صیحت کرده آمده و ندا بخارید ایشان کرده سرکش و اند پس روسته باز گشت از ایشان پس بستی
انت بسلوهم و ذکر فان الذکر یتنفع المؤمنین ۶ وما خلقت الجن
تولامت کرده شده پندده بر آئین پند دادن سود میدهد مومنان را و نیز فریاده ام جن
تولامت کرده شده و پند داده باش پس بر آئین پند دادن نفع میدهد مومنان را و نیز فریاده ام جن
والانس الا ليعبدون ۷ ما اريد منهم من رزق وما اريد ان
والانس را مگر برای آنکه بپرستند مرا یعنی از آنها هر که را خواهم از ایشان بپرستند و منی خواهم از ایشان بپرستند و منی خواهم که
يطعون ۸ ان الله هو الشراق ذو القوة المتين ۹ فان للذين
مرا اطعام و دهنده بر آئین خدا بپرستند رزق و دهنده خداوند توانا زور آورده پس بر آئین آنها ترا که
طعام و دهنده مرا (هر آئین) الله همان است روزی دهنده خداوند توانا زور آورده پس بر آئین آنها ترا که
ظلموا ذنوبا مثل ذنوب اصحابهم فلا يستعجلون ۱۰ قويل
ستم کرده اند تقصیر است یعنی از تقویت مانند تقصیر یاران گذشته ایشان پس باید که مشتاق طلب نکنند از من پس دانستی
ستم کرده اند تقصیر مانند تقصیر یاران گذشته ایشان پس باید که مشتاق طلب نکنند از من پس دانستی
لليذين كفروا من يومهم الذي يوعدون ۱۱
کافران را ازان روز ایشان که وعده داده میشوند
کافران را ازان روز ایشان که وعده داده میشوند
سبح اسم ربك عظيم ۱۲ والحمد لله رب العالمين ۱۳
بشنام خدا عظمی بحشا بپند نه بریان
آغازی کنم بنام خدا عظمی عظمی که اندازد هر بریان نهایت با رحم است
والطور ۱ و كتب مسطورا ۲ فی رقی منشورا ۳ والبيت المعمور ۴ والسقف
شعر به کوه طور و مسمی بکتاب نوشته شده در کاغذ کشاده و مسمی بکتاب معمور است و سقف
شعر به کوه طور و مسمی بکتاب نوشته شده در کاغذ کشاده و مسمی بکتاب معمور است و سقف
المرفوع ۵ والبحر المسجور ۶ ان عذاب ربك لواقع ۷ والذین من دافع
برافراشته شده و مسمی به دریا پر کرده شده بر آئین عذاب پر در درگاه کوه بود نیست نیست اورا هیچ دفع کننده
بلند و به دریای جوشان (پر) که به حقیقت عذاب پر در درگاه کوه واقع شدنی است نیست اورا چیزی دفع کننده
یوم تمور السماء مورا ۸ وتسير الجبال سيرا ۹ قويل یوم مین
روز که جیش کند آسمان جیش کردنی و روان شود کوه با روان شدنی پس دانستی آنروز
روز که برزده آسمان برزده آمد و روان گردد کوه با روان شدنی پس دانستی آنروز
لليکذبین ۱۰ الذین هم فی خوض یلعبون ۱۱ یوم یدعون
دروغ سازندگان را آنکه ایشان به بیهوده گوئی بانگی کنند روزی که به سختی روان کرده شوند
برافراشته کنندگان آنکه ایشان به بیهوده گوئی بانگی کنند روزی که به سختی روان کرده شوند
لليکذبین ۱۰ الذین هم فی خوض یلعبون ۱۱ یوم یدعون

شده که قوی و قهار باشد و عقلت و کبریا یی را اعتراف کرده مستحق الطاف و احسان خود می گردید من شرم خلق ناسود ی کنم به بلکه تا بر بندگان جوی کنم

إِلَى نَارِ جَهَنَّمَ دَعَا ۖ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ تُهْمَكُنَّ بِهَا كَذِبُونَ ۝

ایسوی آتش دوزخ روان کردنی ایست آتشی که شما آنرا دروغ می گویید
ایسوی آتش دوزخ روان کردنی ایست آتشی که شما آنرا کذاب می گویید

أَمْ أَنْتُمْ لَا تَبْصُرُونَ ۝ اَصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ ۝

یا شما در نمی بینید
یا شما نمی بینید
در آید باین آتش پس صبر کنید یا ننگید برابر است بر شما
در آید در دوزخ پس صبر کنید یا صبر ننگید برابر است بر شما

إِنَّمَا يُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُنٍ ۝ فَكَاهِنٍ

جزای نیست که جزا داده خواهد شد بحسب آنچه می کردید
هر آینه متقین در بوستانها و نعمت با باشند خوشحال شده
(جزای نیست) که با دوش داده میشود به آن چیز بدی کردید
هر آینه متقین (ترسدگان) در بهشت با نعمت با هستند در جایگاهشان

بِمَا أَتَاهُمْ رِجْمًا وَوَقْلًا ۖ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ كَذَلِكَ يُبَاهِيهِمْ سَاءَ

سبب آنکه نعمت داد ایشان را پروردگار ایشان را بسبب آنکه نیکداشت ایشان را از عذاب دوزخ بخارید و خوشتر گوید از عذاب
سبب آنکه عذاب کرده ایشان را پروردگار ایشان و (به آینه) نیکداشت ایشان را پروردگار ایشان از عذاب دوزخ بخارید و خوشتر گوید از عذاب

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ مُتَكِبِينَ عَلَىٰ سُرُورٍ مِّمَّا صَفَوْا ۖ وَزَجَّوْهُمْ فِيهَا سُرُورًا ۝

می کردید
تکیه زده
بر سختی با برآید یکدیگر گسترده
و کد خدا کنیم ایشان را بخواران کشا در چشم
می کردید
تکیه زده
بر سختی با گسترده شده قطار
و جفت گردانیم ایشان را بخواران بخواران چشم

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ ۖ

و آنان که ایمان آوردند و بر پی ایشان رفتند و اولاد ایشان در ایمان بر سایشان
اولاد ایشان را و انعامان کنیم ایشان را
و کسانیکه ایمان آوردند و پیروی کرد ایشان را اولاد ایشان با ایمان بر سایشان
فرزندان ایشان را و انعامان کنیم ایشان را

مَنْ عَمِلَ لَهُمْ مِنْ شَيْءٍ كُلِّ امْرَأٍ يَسْتَكْسِبُ رِجْلَيْنِ ۖ وَأَمْدَدْنَاهُمْ فِيهَا

از جزای عمل ایشان چیزی را هر مردی با پای عمل کرد در گره باشد
و پی در پی عظیم ایشان را میوه
از جزای عمل ایشان چیزی را هر شخص بر آنچه عمل کرد در گره است
و پی در پی عظیم ایشان را میوه با

وَلَحِيمٍ ۖ فَمَا يَشْتَهُونَ ۖ يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا ۖ لَعُوفٍ يَأْوِلُونَ ۖ

و گوشت از جلیک طلب کنند
از دست یکدیگر می گیرند با بیاض شراب نه میوه گوی باشد در آن دانه بزرگاری
و گوشت از هر آنچه آرزو برسد از دست یکدیگر می گیرند با بیاض شراب نه میوه گوی باشد در آن دانه گناه

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ زُلُمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُلُّوا قُكُونٌ ۖ وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ

و آمد و شد کنند
ایشان را نوبت آنست چند از ایشان گویا آن نوبت جوان مرد را برده به بهشتان
ند و رو آورد بعضی ایشان
دی کردند
بر ایشان نوبت آنست گویا که ایشان را نوبت آنست مرد را برده در خلعت (صدف) و رو آورد بعضی ایشان

عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۖ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِكَ مُشْفِقِينَ ۖ

بر بعضی از یکدیگر سوال گشتند
تفتند
هر آینه ما پیش از این در میان اهل خانه خود ترسان بودیم
بر بعضی از یکدیگر می پرسیدند و می پرسیدند بر بعضی از این در خانه با خود ترسندگان

فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَعَفْنَا عَنْهُ أَبِ السَّمُورِ ۖ إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ ۖ

پس نعمت فراوان داد ما را خدا و عفو بدادست ما را از عذاب باد گرم
هر آینه ما پیش از این عبادت می کردیم او را
پس احسان کرد خدا بر ما و نیکداشت ما را از عذاب عموم
(هر آینه) ما بودیم پیش از این می خواندیم خدای را

إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ۖ فَلَمَّا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ ۖ وَلَا

هر آینه اوست احسان کننده مهربان یا نیکو پس پندیده پس نیستی تو بعضی پروردگار خود
کاهن دانه
درستیکه اوست نیکو کار مهربان عفو پندیده و نیکو پس نیستی تو بعضی پروردگار خود (کاهن) خبر گیرنده از جن یا دانه

مَجْنُونٍ ۖ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ مِثْلَ بَعْضِ رِيبِ السَّمُونِ ۖ قُلْ

دیوانه
بلکه آید می گویند شاعر است مثله بعضی از ریب زمانه را
دیوانه عفو آید می گویند که شاعر است انتظار می کشید برود
گوش زمانه را

در آن هنگام
بهشتیان بسوی یکدیگر
متوجه شده صحبت خواهند
کرده ایمان خوشنود
خاسته گفت که ما در دنیا
همیشه ترسان و در زمان
بودیم و فکری کردیم پس
از مرگ سرمانجا چه
خواهد شد و اندیشه
کنیده و همیشه از عذاب
احسان پروردگار را
کنیده که امروز احسان را
با عفو و مطلق داشت
و از ترس آتش دوزخ
بر کنار فرموده است
ما از خدای خویش خوف
در جهاد داشتیم و او را
می خواندیم امروز دیدیم
که حضرت او محض به
لطف کردیم خود را بفریاد
ما رسیده و با ما ناله
سزاوار عفو است
رفتار خود را کافرا
پیغمبر خدا را می دانست
و گاهی کاین سخن گفتند
و چنان می پنداشتند
که از جن یا دانه
چند خبر داشت در روز
گرفته نشی کنند
مساندین این قدیمی
که کدام دیوانه و کاهنی
تا امروز توانسته چنین
تصاخر قیمت ارواحند
زبان می گمانند را بچنین
طرح آشکار داشته
بیان نماید ازین سبب
فرمود که آنها را از عذاب
نیک بدادستی و نصیحت
تغییر در ایشان
برسان و از یاد
گویی آنها آفریده
مشو
مفضل و مرگست
کردگار یار مددگار است
نه کاهنی و نه مجنون بلکه
رسول مقدس خدای
ازین سبب به تبلیغ

عنه آیا خیر می کنند
کلمات پیغمبر کلام
خدا نیست بلکه از دل
خود او تراشیده است
و بدو در ایسوی خدا
منسوب نموده علی
شخصه که بر سختی یقین
ندارد و نخواهد که از تسلیم
کن چنان احتمالات
بده بوده و به پیروان
برای کند و نه برای
تفحص یا در گذشته قوی
بدان بهمان نسبت است
ببین مفهوم کافی است
که اگر مردم هیچ کوتاهی
دنیا را یکجا گفته باز هم
مانند این قرآن آورده
غیر از آنکه چنانکه پیشتر
نی تواند مثل خدا
زمین و آسمان پیدا
کند سختی مثل قرآن
خدا نی تواند نام ساخته
نی تواند - عه چرا
سخن پیغمبر را نمی پذیرند
آیا فوق ایشان خدای
نیست که پذیرفتن سخن
او بر آنها لازم باشد
آیا ایشان بدون کدام
آفریننده خود بخود پیدا
شده اند یا خود را خدا
می پندارند و یا این
خیال خام را می پذیرند که
آسمان و زمین آفریده
خود آنهاست و بنا بر این
هر چه بخواهند میکنند
و هیچکس مانع آنها
نیست - این همه
قیالات مجلی باطل و
مبطل است - ایشان
هم در دل با آن خودی
دانند که خدا ضرور
موجود است که خود
ایشان و جمیع
آسمانها و زمین را زنده
پیدا کرده است
مگر با وجود این علم
از ان ایمان و ایتقان که مقرر ما مطلوب است محروم می بمانند - ۱۳

تَرْصُوفَانِي مَعَكُمْ مِنَ الْبَرِّ بِصِينٍ ۝ أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَافُهُمْ بِهَذَا
ایشان را بشمارد از انتظار کشیدن تا نام
آیا می فرماید باین عقیده عقل باشد ایشان
آیا می آموزاند ایشان را عقل باشد ایشان این را
أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاعُونَ ۝ أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُ بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ فَلْيَاثُوا
یا ایشان گروهی سرکش اند آیا می گویند بر بسته است قرآن را نه بلکه ایمان نه است پس باید که بپارند
یا ایشان گروه سرکش اند آیا می گویند که خود گفته است و قرآن را بلکه ایشان ایمان نمی آورند پس باید بپارند
بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صِدْقَيْنِ ۝ أَمْ خَلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ
سخن مانند این اگر راست گویند آیا ایشان آفریده شدند بجز از آنکه بپارند یا ایشان
سخن مانند این اگر راست گویند آیا آفریده شده اند بدون آنکه بپارند یا خود ایشان
الْخَالِقُونَ ۝ أَمْ خَلِقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بَلْ لَا يُؤْفِقُونَ أَمْ عِنْدَهُمْ
خود آفریدگانند آیا آفریده اند آسمان با زمین را بلکه ایشان باور نمی کنند آیا نزد ایشان
آفرینندگانند آیا آفریده اند آسمان با زمین را (نه چنین است) بلکه یقین نمی کنند عه آیا نزد ایشان
خَزَائِنَ رَبِّكَ أَمْ هُمْ الْمُضْطَرُّونَ ۝ أَمْ لَهُمْ سُلُمٌ يَسْتَبْعُونَ
خزاینه های پروردگار است یا ایشان متضررند بجزیره و صفت
آیا ایشان را می رسد به دست که بران صعود کرده
خزاینه های پروردگار است یا ایشان متضررند بجزیره و صفت
آیا ایشان را می رسد به دست که بران صعود کرده
فِيهِ فَلْيَكِمْ مَسْتَقِيمٌ ۝ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ
می شوند پس باید که بی درستی شوند ایشان دلیل ظاهر را
بران پس باید که بی درستی شوند ایشان پس باید که بی درستی شوند ایشان
الْبَنُونَ ۝ أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۝ أَمْ عِنْدَهُمْ
پسران آیا سوال می کنید از ایشان مزدی بر سرانست پس ایشان از عزامت گرانبار شده اند آیا نزد یک ایشان
پسران آیا می خای از ایشان مزدی پس ایشان از نادان گرانبار اند آیا نزد ایشان
الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ۝ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ
علم غیب است پس ایشان می نویسند آیا می خواهند
علم غیب است پس ایشان نوشته نگار می دارند آیا می خواهند که برانرا پس آنگاه منکرانند ایشانند در
الْمَكِيدُونَ ۝ أَمْ لَهُمْ آلٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ وَ
ضرر بدانند یعنی گرفتار شده آیا ایشان را معبودی است بجز خدا یا که خدا است از آنکه شرک می کنند و
ضرر بدانند یعنی گرفتار شده آیا ایشان را معبودی است بجز خدا یا که خدا است از آنکه شرک می کنند و
إِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَرْكُومٌ ۝ فَذَرْهُمْ حَتَّى
اگر ببینند یک باره از آسمان افتاده گویند این ابر است برهم نشسته
اگر ببینند باره از آسمان ریزد آینه گویند ابر است بپره
پس بگذار ایشان را تا آنکه
يَلْقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ۝ يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ
لحقات کنند بآن روز خود که در آن بے پوشش کرده شوند
لحقات کنند آن روز خود که در آن بے پوشش کرده شوند
شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۝ وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ
چیزه را و نه ایشان لغت داده شوند و هر آینه
چیزه را و نه ایشان مد کرده شوند (و بحقیق) ستمگران را عذابی است بیش از آن
وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا ۝ وَ
و لیکن اکثر ایشان نمی دانند
و لیکن اکثر ایشان نمی دانند
و لیکن اکثر ایشان نمی دانند
و لیکن اکثر ایشان نمی دانند

الحمد لله الذي جعل القرآن
 (٢١) على علم
 معجزة ونبأ انوار الهادي
 از هر جانب صدر در
 اعلا کرد و این شب
 سران بود انک اعلا
 تفسیر عتبات
 علم الهی و تجلیات
 حق تو ای آن درخت
 ذر گرفته بود و درشتگان
 بقدری نیاید و دران بود
 بود و نیکو بهر رنگ یک
 فرشته بنظر میاید در
 بعضی روایات است
 که مایهش بهر درت
 از پر دانه های طلایی
 بود یعنی تاجت خوش
 رنگ و خوش شکل
 کردن تا شایان رای
 بود در وقت منظره
 در وقت درخت حسن
 و حال آن چنان ترقی
 داشت که هیچ مخلوق
 قوه بیان آنرا ندارد
 موافق قول ابن عباس
 و غیره که دیدار خداوند
 در معراج نصیب پیغمبر
 شد شاید بیان آن در
 ابهام بهیست آیت نیکو
 و مندرج باشد زیرا
 که این آیات با قبل
 در احادیث عالیه
 صدق و تفسیر است
 که از آن رویت رب
 مراد نیست بلکه رویت
 جبریل مراد است
 این نیز از جای دیگر از
 جلال اصحاب اخضر
 این عوام است در
 تحت همین آیت این
 الفطرا نقل کرده
 است که ان اخصا
 السدرة و لو انوا
 و زبرجه و انوار الهادی
 رب تکریمه شاه خدای
 سدره از مر و اید

سُبْحَانَكَ يَا مَنْ جِئْنَا بِكَ وَ مِنْ الْبَلِّ فَسَبِّحْهُ وَ ادْبَارَ النُّجُومِ

بسم الله الرحمن الرحيم

وَالنَّجْمُ إِذَا هَوَىٰ ۝ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۝ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۝

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ۝ عَلَّمَكَ شَدِيدُ الْقُوَىٰ ۝ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ ۝ وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ ۝ ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ ۝ فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ۝

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدٍ مَّا أَوْحَىٰ ۝ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ ۝ أَفَتَسْمُرُونَ عَلَىٰ

مَائِرٍ ۝ وَلَقَدْ رَأَوْا نَزْلَةَ أَخْرَىٰ ۝ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ ۝ عِنْدَهَا

جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ ۝ أَذْ بَعْثُنَا الْمِسْرَ ۝ فَمَازَاغَ الْبَصَرِ وَمَا طَغَىٰ ۝

نَقْدَرُ أَيْ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ ۝ أَفَرَأَيْتُمُ اللَّاتَ وَالْعُزَّىٰ ۝ وَمَنْوَةَ

الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ ۝ أَلَمْ تَرَ كَوْنَهُنَّ الْآثَنَ ۝ تِلْكَ إِذْ أُنْقَسَتْ ۝

ضُفْرِي ۝ إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ مِمَّا

أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سُلْطَانًا ۝ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى

الْأَنْفُسُ ۝ وَكَذَّبُوا عَنْهُمْ مِنَ الزُّهْدِ ۝ أَمْ لَئِنْ لَأَنْشَأْنَا مَكَامَتَهُ

وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سُلْطَانًا ۝ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى

الْأَنْفُسُ ۝ وَكَذَّبُوا عَنْهُمْ مِنَ الزُّهْدِ ۝ أَمْ لَئِنْ لَأَنْشَأْنَا مَكَامَتَهُ

وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سُلْطَانًا ۝ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى

فَبِئْسَ الْاٰخِرَةُ وَالْاَوَّلٰى ؕ وَكَمْ مِّنْ قَلْبٍ فِى السَّمٰوٰتِ لَا تَعْنٰى شَفَاعَتُهُمْ

پس خدا تراست آسمان و زمین جهان و بسیار فرشته اند در آسمان باشد که تقی می کند شفاعت ایشان
پس الله را است یکتا آن جهان و زمین جهان و بسیار فرشته است در آسمان باقی می کند شفاعت ایشان

شَيْئًا إِلَّا مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَى ۚ إِنَّ الَّذِينَ

چیزی را مگر بعد از آنکه دستوری دهد خدا و ضامن شود براسی هر که خواهد پس آئینه آنانکه
چیزی مگر بعد از آنکه حکم دهد اله برای کسی نخواهد خدا و آئینه کند (بحقیق) آنانکه

لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيْسُوا مِنَ الْمَلِكَةِ تَشْمِيعَ الْأَنْتِ ٢ وَمَا لَهُمْ

باور میدارند آخرت را مسی می گفتند فرشته که از پیامده خزان و نیت ایشانرا بشنود این مقده
ایمان بخارند بر آخرت (بر آئینه) بنامند هلاک را بنام زنا و نیت ایشان را با حق (گفته خود)

مَنْ عَلِمَ أَنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَأَنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

و هر آینه و هم نفع نمیدهد از شناخت حقیقت چیزی را
و هر آینه و هم نفع نمیدهد از شناخت حقیقت چیزی را

فَاَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّى هُنَّ ذِكْرًا وَلَمْ يَرِدِ الْإِبْرَاهِيمَ إِلَّا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۚ تِلْكَ

پس اعراض کن از کسی که روگردان شده از یاد کردن ما و طلب نکرد مگر زندگانی این جملے را ایست
 پس اعراض کن از کسی که روگردانند از ذکر ما و طلب نکرد مگر زندگانی و سایر این است طلب و سایر

مَبْلَغُهُ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِهِنَ سُبُلَهُ وَهُوَ

رسد: ان اش از علم یقیناً گرفت و او دانا تر است به کسی که راه رفته از راه او داد

أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى ۚ وَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيُجْزِيَ

و اما بهر که راه یافت و خدا را است آید در آسمانها و آنچه در زمین است عاقبت کار جز ابد
و اما تر است که راه یافته و الله را است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است تا جز ابد

الَّذِينَ اسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيُجْزَى الَّذِينَ اَحْسَنُوا بِالْحَسَنِ الَّتِي كَانُوا فِيهَا

آنانرا که بدکاری کردند محب آبخیز علی نمودند و جزا ده آنان را که نیکی کاری کردند محفلت نیک آنانرا که بدکاری کردند قار علی نشان و جزا ده آنان را که نیکی کردند بنیاد آخر نیک رحمت آنانرا که

يُحْتَبِئُونَ كَذِبًا إِلَّا التَّوَّابِينَ

ببر بزرگاری سے گفتند از کائنات کائنات و بے حیائی با سوائے کائنات صغیر و هر آینه زردگار کوب بسیار آرزوست
ببر بزرگ از کائنات کبره و از کارهای حیات از اندک آلودگی (کائنات صغیر) بختی زردگار زشت و زردگار

هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَشْرَاكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَتٌ فِي بُطُونِ

ادست دانا باحوال شاد فقیله پیدا کرد شمارا از زمین
و داناته است باحوال شاد فقیله پیدا کرد شمارا از زمین

أَمْ هَيْكُلُكُمْ فَلَا تَذْكُرُ الْأَنْفُسَ هُوَ أَعْلَمُ بِشَىْءٍ ۖ افْرُغْتَ الْوَدْقُ

اور ان خوبش پس ستایش یمنند خوبش برا خدا انا ترست بے کمر بزم گدای کرد آیا دیدی کسے راکر
پس سزا ترست بے کمر بزم گدای کرد آیا دیدی کسے راکر

تَوَلَّى ۱) وَاعْطَى قَلِيلًا ۲) اَلَّذِي ۳) اِعِنْدَهُ ۴) عِلْمُ الْغَيْبِ ۵) فَهُوَ يَرِي ۶) اَمْرٌ

وگردان شد و داد اند کے ازمان و سخت دل شد آیانہ یک اوست علم غیب پس گویا او بر چہر ما چشم می بیند آیا

لَمْ يَكُنْ لِي فِي صُحُفِ مُوسَى وَإِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَى ۝ لَا تَرْوَاهُ رِوَايَةً

چیراده نشد بایکدر صحیفه های موسی و ابراهم چون در مضمون آن آنگاه می نماید داشتند هیچ یو دارند و خدادار شده بود و آن خود صحیفه های موسی و داود صحیفه ای که از اسم دنا دارد بود که هر یک را در کتاب

والبعض ايت ۱
منهايت علم الاشياء
۱۲ تفسير عثمانى
محققه ۵۱۵ - و رب

خود را ببل خود دید این
رویت تنها بذر لیت قلب
نبود بلکه قلبی و بصیر بود
از دیدار سرور دگر بهره ور

ازد ما نزل غ البصر بر می
آید از همین سبب شاید
من عراس در بعضی آیات

طیاری فرموده که در آه
درستین مرتبه بطلی و مرتبه
درین موقع از دود باردیست
مطلب این است که

دیک وقت واحد و
طریق دیدار کمال الوافی
حدیث .. النسخ القمر
حکایت مرتین جامع بیند

چشم ظاهری
و بهم بدینیه
الربیع
چشم دل اما
باید دانست که این رتبه

آن روی نیست که نفی
آن در آنست که الایضا
کرده شده زیر آن غرض
از آن نفی احاطه است

یعنی نگاه ادر احوط
کرده نمی تواند علاوه
بر آن چون از ابن عباس
پرسیده شد که دعوی

رویت مخالف آیت
که لا تدرك الا بصار
می باشد فرمود -
روایت یک ذاک

الذی یولودہ اوائت
ترتدی ازین معلوم شد
که تجلیات والو ار خداوند

قدوس متفاوت است
بعضی از ائمه ظاهر المیصر
است و بعضی نیست
در دین و دین فی الجمله

پس در درجه مارتی می آید
و از همین سبب می توان
گفت که درجه زویتی که در

وَزَرَأُخْرَى ۖ وَأَنَّ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى ۚ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ

و اینک نیست (انسان را) مگر آنچه سعی کرده است و اینک سعی او زود نشان

يُرَى ۝ ثُمَّ يَجْزَى الْجَزَاءَ الْأَوَّلَى ۝ وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَى ۝ وَأَنَّ هُوَ

ده شود باز جدا داد میشود و از اجزای کاس و اینکه یسوی پروردگار گشت باز گشت و آنکه و آنکه یسوی پروردگار گشت باز گشت و آنکه

مل منی ملک قوم
 ملک منی برای انتقام
 خصوصت قوم ۱۲-
 تفسیر عثمانی
 علم بزرگترن از
 قرآن بخل آسان است
 زیر افعالی مربوط به
 ترغیب ترهیب
 و انذار و تنبیه
 آن ملک صاف
 و سهل مؤثر
 است پس کسی که
 اراده نمیدان دانش
 می بخشد تنبیه مطلب
 آیت این نیست که
 قرآن محض یک کتاب
 سطحی است و یکسر آن
 دقائق و غوامض خالی
 است در باب کلام
 عظیم و جبر و جبروت چنین
 گمان میتوان کرد آنگاه
 میتوان فرض نمود که چون
 الله بایستگان خود کلام
 می کند (معاذ الله) از
 علوم غیر متناهی خود
 بجای می آورد
 شک نیست که کلام
 وی آنقدر برای حقان
 و عین و نبات دقیق
 است که در کلام دیگر
 جستجو آن کار نیست
 بیله بود و از خواست
 که در حدیث آمده است
 لا تنفعنی عجائبه
 (عجایب و اسرار قرآن
 لای منفعه منافی نیست)
 علماء امت و علمانی
 ملت و در کشت و تاق
 و اسرار این کتاب در
 استنباط استخراج
 بنابر احکام علمای
 خود صرف
 کردند باز هم
 به کوه و غن
 آن رسیده
 توانستند ۱۲-

بسم مستقر ۱ و کذبوا و اتبعوا أهواءهم و كل أمر مستقر ۲ و
 تحریرست قوی و دروغ میگویند و پیروی خواہش خود کردند و هر چیزی در وقت خود قرار گرفته است و
 هر دوئی دائمی است و تذبذب کردند و پیروی کردند خواہش های خود را و بر کاری مستقر بوقت خود است و
 لقد جاءهم من الانباء ما فيه مژدجر ۳ حکمة بالغه فما نغش
 بر آینه آمده است بدیشان از خبر با آنچه در آن پند است آمده است دانش تمام پس فایده نمیدهد
 (تحقیق) آمده بایشان از خبرهای پیشین آن آنچه در آن (پند) است (آمده است) حکمت بالغه پس ناکند چیزی در
 النذر ۴ فتول عنهم يوم يدع الله الى شئ فكر خشعا ابصارهم
 ترسانند پس اعراض کن از ایشان آنروز که خواهند خوانند بسوی چیزی که ناخوش نیایش ظاهر شده باشد در علم ایشان
 ایشان را ترسانند پس اعراض کن از ایشان آنروز که دعوت کنند دعوت کننده چیزی که ناگوار و حایک بایان (ذین ابصار) چشمهای
 يخرجون من الاجداث كأنهم جراد منتشر ۵ هم طبعين الى الله
 بر آیند آن روز از قبور گویا ایشان را بیدار کند اندشتاب کنان بسوی آن خواننده
 می بر آیند از قبور گویا ایشان را بیدار کند اندشتاب کنان بسوی آن دعوت کننده
 يقول الكفرون هذا يوم عسر ۶ کذب قبلهم قوم نوح فکذبوا
 گویند کافران این روز سه است دشوار دروغ میگویند پیش از ایشان قوم نوح پس دروغ میگویند و داشتند
 می گویند منکران این روز نیست سخت تذبذب کردند پیش از ایشان قوم نوح پس تذبذب کردند
 عبدنا و قالوا نحن و اذ دجر ۷ فد عاربه انی مغلوب فانتصر ۸
 بنده ما را و گفتند دیوانه است و با او سخن درشت گفتند پس دعا کرد و عاربه را که من مغلوب شده ام پس انتقام بگیر
 بنده ما را و گفتند دیوانه است تهدید کرده شد بنده ما پس دعا کرد و عاربه را که من مغلوب شده ام پس انتقام بگیر
 ففتحن ابواب السماء بماء منهمر ۹ و فجعلنا الارض عیونا فالتق السماء
 پس گشادیم در بانه آسمان را با آب بسیار و ریزنده و روان کردیم از زمین چشمها پس جمع شد آب
 پس گشادیم در بانه آسمان را با آب بسیار و ریزنده و جاری کردیم از زمین چشمها پس یک جا شدند آبها
 علی امر قد قیل ۱۰ و حملنه علی ذات الواجه و دسر تجری با عینہ اجزاء
 از هر جانب بنابر کار میگذراند بود و سوار کردیم نوح را بر کشتی خداوند سخت با و میجا میرفت بحضرت و حکمت انتقام
 بنابر امری که مقدور شده بود و بر داشتیم او را (نوح) را بر کشتی وای سخت با و میجا میرفت پیش نظر با جبر انتقام
 لئن کان کفر و لقد ترکنا آیه فهل من مدکر ۱۱ فکیف کان
 براسه کینه با درناشتر بود و نداد اول و هر آینه که استیم این عقوبت را نشان پس آیا هیچ پندیرنده هست پس چگونه بود
 کسیکه میقدری او کرده بود و (تحقیق) بلکه استیم این را نشان پس آیا هیچ پندیرنده هست پس چگونه بود
 عذابی و نذر ۱۲ و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر ۱۳ کذب
 عقوبت من و ترسانید نهایی من و هر آینه آسان کردیم قرآن را تا پسند گیرند پس آیا هیچ پندیرنده هست در مسخر نموند
 عذاب و ترسانید نهایی من و در دستگیر آسان گردانیدم قرآن را برای فهمیدن (پند گرفتن) پس آیا هیچ پندیرنده هست و تذبذب کردند
 عاد فکیف کان عذابی و نذر ۱۴ انا ارسلنا علیهم رجا صررا
 قوم عاد پس چگونه بود عذاب من و ترسانید نهایی من بر ایشان باد تشددا
 قوم عاد پس چگونه بود عذاب و ترسانید نهایی من زهر آلود فرستادیم بر ایشان باد تشدد
 فی يوم نحس مستقر ۱۵ نذرنا للناس كأنهم عجا از نخل متفرع فکیف
 در روز شوم بشارت سخت بر می کنند مردمان را گویا ایشان تنهائے درختان خرما از نخل میچینند پس چگونه بود
 در روز شوم که شوی آن ناز من بردن آنها مستقر بود از نخل بر میزند میچیند مردم را گویا ایشان تنهائے درختان خرما از نخل میچینند پس چگونه بود
 کان عذابی و نذر ۱۶ و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر ۱۷
 عقوبت من و ترسانید نهایی من و هر آینه آسان کردیم قرآن را تا پسند گیرند پس آیا هیچ پندیرنده هست
 عقوبت و ترسانید نهایی من و (تحقیق) آسان گردانیدم قرآن را برای فهمیدن (پند گرفتن) پس آیا هیچ پندیرنده هست
 و توانستند ۱۲-

فل منترم کو خطبه
احاط است که از شاهان
خشک و خوار بران
گو سفند بنا کنند و آن
مرد زمان یا مال خود
سے گرد خدا نشانی آن
پانچاں شہ و کشید و از
تفسیر عثمانی
سے فرشتہ آسمانی
نیست بلکہ اندام
یک بشر است و ملائکہ
بر ان تنہا است کہ
بج قوت و جمعی ندانند
میچاہد کہ ملائکہ غلوب
و تابع خود بسیار و گاہی
چنین نمی شود منہای
جنون و حاکم خواهد
بود کہ گرفتار و دام تبلیغ
او گردیم - او را از پست
کہ او گرفتار قبول نکرد
در آتش خواہد افتاد
علا کہ او قہر بر عکس
است چہ اگر بنا بر
او خوشم گویا خواهد
آتش می آید
عسے حضرت شد
صاحب رکن اللہ
تعالی بنیاد
شترادہ ہر ایک
میرفت ہمہ جانوں
می دیدہ می گویند
اللہ تعالی بوقت مقدر
فرمود کہ روز او برود
و روز بیکر جانوں دیگر
آب بوشند
حضرت شد صاحب
در رکن اللہ بنیاد
مذہب بیکاری کہ یک
تقد و مواضع داشت
یک رفیق خدا تحریک
کرد کہ شترادہ را بکش
آن مرد شہرانی کرد
للعہ بی حضرت
لو خطبہ اسلام را
تکذیب کرد و نہ لو
و بلکہ تمام پیغمبران را

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنَّدْرِ ۝١ فَقَالُوا اَبَشِّرْ اِمْنَا وَ اِحْدًا اَتَّبِعْ ۝٢ اِنَّا اِذَا

دروغ کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند ای ایک آدمی را از قوم خود پیروی کنیم ہر آئینہ ما آن گاہ

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما آن گاہ

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما آن گاہ

اَبَشِّرْ ۝٣ سَيَعْلَمُونَ ۝٤ غَدًا اَمِنْ الْكَذِّ ابُ الْاَشْتَرِ ۝٥ اِنَّا مُرْسَلُو

خود بپندست طواغیت است فردا کیست درد غلوتے خود پسند ہر آئینہ ما خواہیم فرستاد

تکذیب است زود میدانند فردا کیست درد غلوتے متکبر (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

التَّافِقَةِ فَنُفِثَ لَهُمْ فَاذْ تَقْبَهُمْ ۝٦ وَاصْطَبِرْ ۝٧ وَنَبِّئْهُمْ اَنَّ الْمَاءَ قَسِيمٌ

دادہ شد ترا بجهت آزمائشی ایشان را پس ای صاحب منظر ایشان بادش و مہربان گرد و خود را کن ایشان کہ آب مقسم است

ناظر را چہ آزمائش برائے ایشان پس ای صاحب منظر ایشان بادش و مہربان گرد و خود را کن ایشان کہ آب مقسم است

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

تکذیب کردند قوم ثمود ترسانندگان را پس گفتند آیا یک آدمی از قوم خود را پیروی کنیم (ہر آئینہ ما فرستندہ ایم

ملین در سرعت

وجود و آسان بودن

سست و آسان بودن

در حفظ ۱۲

تفسیر عثمانی

۱۵ سجده و سجده را

از زانی را شستن نعمت

بزرگ و اولیای ملک

اصل و بیخ نعمت است

و آن برود قسم است

در ایجاد ذات ۱۰

در ایجاد صفت ۱۱

اکنون الله تعالی

آدم را بگوید و آید

در و صفت ۱۲

علم بیان نیز نهاده

یعنی این را قدرت

داد که کافی بفرموده

بر نهایی معانی و غنی

اداکت و سخن در کتب

را جمیع جواهر و کتب

بین صفت انسان

قرآن را می بخیزد و

دیگران را می آموختند

و سخنان خیر و شرف

بدایت و ۱۵

فصلت ایمان ۱۰

و کفر و نفاق و آخرت را

بیان و شرح می دهد و

می نماید علم و عینه

طوبی و غروب و کم و

زیادت و در پانچ

مانند برود و بیک

حالت و طاعت و نیک

آفتاب و اجتناب

تهدید و تعویذ و اسم

و لایق مختلف بر

صفیات اثر انداختن

این بر ماست یک

حساب خاص و نظام

است و نعل می آید چه

چهل کلین برود از

دانه و آن بیرون قدم

نهاده و چون خطای

او تلافی از برای نهاده

نمود برود و شایسته

بایتنا کما فاختن هم اخذ عزیز مقتدر ۱۰ انکار که خیر من اولیکه

۱۱ انکار که خیر من اولیکه ۱۲ انکار که خیر من اولیکه

۱۳ انکار که خیر من اولیکه ۱۴ انکار که خیر من اولیکه

۱۵ انکار که خیر من اولیکه ۱۶ انکار که خیر من اولیکه

۱۷ انکار که خیر من اولیکه ۱۸ انکار که خیر من اولیکه

۱۹ انکار که خیر من اولیکه ۲۰ انکار که خیر من اولیکه

۲۱ انکار که خیر من اولیکه ۲۲ انکار که خیر من اولیکه

۲۳ انکار که خیر من اولیکه ۲۴ انکار که خیر من اولیکه

۲۵ انکار که خیر من اولیکه ۲۶ انکار که خیر من اولیکه

۲۷ انکار که خیر من اولیکه ۲۸ انکار که خیر من اولیکه

۲۹ انکار که خیر من اولیکه ۳۰ انکار که خیر من اولیکه

۳۱ انکار که خیر من اولیکه ۳۲ انکار که خیر من اولیکه

۳۳ انکار که خیر من اولیکه ۳۴ انکار که خیر من اولیکه

۳۵ انکار که خیر من اولیکه ۳۶ انکار که خیر من اولیکه

۳۷ انکار که خیر من اولیکه ۳۸ انکار که خیر من اولیکه

۳۹ انکار که خیر من اولیکه ۴۰ انکار که خیر من اولیکه

۴۱ انکار که خیر من اولیکه ۴۲ انکار که خیر من اولیکه

۴۳ انکار که خیر من اولیکه ۴۴ انکار که خیر من اولیکه

۴۵ انکار که خیر من اولیکه ۴۶ انکار که خیر من اولیکه

۴۷ انکار که خیر من اولیکه ۴۸ انکار که خیر من اولیکه

۴۹ انکار که خیر من اولیکه ۵۰ انکار که خیر من اولیکه

۵۱ انکار که خیر من اولیکه ۵۲ انکار که خیر من اولیکه

۵۳ انکار که خیر من اولیکه ۵۴ انکار که خیر من اولیکه

۵۵ انکار که خیر من اولیکه ۵۶ انکار که خیر من اولیکه

۵۷ انکار که خیر من اولیکه ۵۸ انکار که خیر من اولیکه

۵۹ انکار که خیر من اولیکه ۶۰ انکار که خیر من اولیکه

۶۱ انکار که خیر من اولیکه ۶۲ انکار که خیر من اولیکه

۶۳ انکار که خیر من اولیکه ۶۴ انکار که خیر من اولیکه

۶۵ انکار که خیر من اولیکه ۶۶ انکار که خیر من اولیکه

۶۷ انکار که خیر من اولیکه ۶۸ انکار که خیر من اولیکه

۶۹ انکار که خیر من اولیکه ۷۰ انکار که خیر من اولیکه

صلواتی بهر سورت
توان گرفت ۱۲-
تفسیر عثمانی

عنه جبرئیل ساسن
دادن هم در حق نادان
حقیقه انعام است و
بیان کردن این سزا
تا مردم در استماع آن
دست از گناه گشند
نیز یک انعام مستقل است
حضرت شاه صاحب
(رحمه الله) بنویسد
«در هر آیت نعمتی را
نشان داد» بعضی

از آنها فی الحال
نعمت است
و در باب دیگری
خبر دادن هم نعمت
است تا از این
گناه گشند

عنه از انسان
و باین فرض اینکه در کتاب
گناهان او علم آوری
شود سوال کرده نمی شود
زیر که خدای تعالی از

اذل هر چیز را میداند
و آگاه است البته
بظهور الزام و توقع
استغفار قانونی پس
می آید که تا آن «توبیک
لنفسهم الغفین» اگر
رکوع ۱۶ و یا مطلب
این است که بوقت
بر غاف شدن از قریب

سوال می شود و نامش
بعد از آن متانی آن
نمیست مگر کسیکه
در دنیا فایده برسان
نموده و در آخری

رب خود را ستوده باشد
و در روز حساب اذن
داده و از سبب پاهان
بیم و ترس از تلافی
الطغنه می گیرد و گاهی
بر راه های تقوی رها
بود برای وی در پیش

الْأَرْضِ رَبِّكُمْ أَنْتُمْ بِن ۱۱ فَاذْ أَنْشَقَّتْ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ ۱۲

از نعمت ایست پروردگار خویش دروغ می شنید پس چون بشکافت آسمان
نعمت های پروردگار خود مشاهده کنید پس چون باره گردد آسمان

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّب ۱۳ فَيَوْمَ مِمَّا لَا يُسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِ السَّيِّئُ وَ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس آنروز سوال کرده نشود
پس کدام نعمت های پروردگار خود مشاهده کنید پس در آن روز پرسیده نشود از گناه او یا بچ آدمی

لَا جُنَّ ۱۴ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّب ۱۵ يَعْرِفُ الْجَنُّونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ

نه جنی پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس
نه جنی پس کدام نعمت های پروردگار خود مشاهده کنید پس آنروز سوال کرده نشود از گناه او یا بچ آدمی

بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ ۱۶ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّب ۱۷ هَذِهِ الْجَنَّةُ الَّتِي يُكَذِّبُ

موسسه پیشانی و پایها نیز پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس
از موسسه پیشانی و پایها پس کدام نعمت های پروردگار خود مشاهده کنید پس آنروز سوال کرده نشود از گناه او یا بچ آدمی

بِهَا الْجَنُّونَ ۱۸ يَطُوفُونَ فِيهَا وَبَيْنَ حِمِيمٍ ۱۹ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

آنها گنجه را در آن گردش می کنند میان آتش و میان آب گرم جوشیده
آنها گنجه را در آن گردش می کنند میان آتش و میان آب گرم جوشیده

تُكَذِّب ۲۰ وَلَيْسَ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ ۲۱ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّب ۲۲

دروغ می شنید پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس
دروغ می شنید پس کدام نعمت های پروردگار خود مشاهده کنید پس آنروز سوال کرده نشود از گناه او یا بچ آدمی

ذَوَاتَا أَفْنَانٍ ۲۳ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّب ۲۴ فِيهَا عَائِنٌ رَّجْرَجٍ ۲۵

دو بوستان خداوند شاهانه پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس
دو بوستان خداوند شاهانه پس کدام نعمت های پروردگار خود مشاهده کنید پس آنروز سوال کرده نشود از گناه او یا بچ آدمی

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّب ۲۶ فِيهَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ رِجْرَجٍ ۲۷ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس
پس کدام نعمت های پروردگار خود مشاهده کنید پس آنروز سوال کرده نشود از گناه او یا بچ آدمی

تُكَذِّب ۲۸ مُتَكِينٍ عَلَى فُرُشٍ بَطَاطِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

دروغ می شنید پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس
دروغ می شنید پس کدام نعمت های پروردگار خود مشاهده کنید پس آنروز سوال کرده نشود از گناه او یا بچ آدمی

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّب ۲۹ فِيهِمْ قَصِيرَاتُ الْفُرُجِ كَذِبُطْنُ السَّيِّئِ فَبِأَيِّ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس
پس کدام نعمت های پروردگار خود مشاهده کنید پس آنروز سوال کرده نشود از گناه او یا بچ آدمی

وَلَحَاجٍ ۳۰ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّب ۳۱ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ ۳۲

و نیز بچ پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس
و نیز بچ پس کدام نعمت های پروردگار خود مشاهده کنید پس آنروز سوال کرده نشود از گناه او یا بچ آدمی

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّب ۳۳ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ ۳۴ فَبِأَيِّ

پس کدام یک از نعمت های پروردگار خویش دروغ می شنید پس
پس کدام نعمت های پروردگار خود مشاهده کنید پس آنروز سوال کرده نشود از گناه او یا بچ آدمی

الْأَرْضِ رَبِّكُمْ أَنْتُمْ بِن ۳۵ وَمِنْ دُونِهَا جَنَّاتٍ ۳۶ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّب ۳۷

از نعمت ایست پروردگار خویش دروغ می شنید پس
از نعمت ایست پروردگار خود مشاهده کنید پس آنروز سوال کرده نشود از گناه او یا بچ آدمی

نعمت های پروردگار خود مشاهده کنید پس آنروز سوال کرده نشود از گناه او یا بچ آدمی

مَدَامَ مَتْنٍ ١٩ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ فَيَا

در دوستان عزیز که از غایت سبزی سبزی می بینید پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغی بخورید و در این دوستان دو چشم خود را بشوید و بپوشید

لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ

از نعمت های پروردگار خویش دروغی بخورید و در این دوستان دو چشم خود را بشوید و بپوشید

فِيهِمْ خَيْرٌ حَسَنٌ ٢٠ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ

در این کوشش از زبان برگزیده با جمال باشند پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغی بخورید و در این دوستان دو چشم خود را بشوید و بپوشید

فِيهِمْ خَيْرٌ حَسَنٌ ٢٠ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ

در این کوشش از زبان برگزیده با جمال باشند پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغی بخورید و در این دوستان دو چشم خود را بشوید و بپوشید

فِيهِمْ خَيْرٌ حَسَنٌ ٢٠ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ

در این کوشش از زبان برگزیده با جمال باشند پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغی بخورید و در این دوستان دو چشم خود را بشوید و بپوشید

فِيهِمْ خَيْرٌ حَسَنٌ ٢٠ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ

در این کوشش از زبان برگزیده با جمال باشند پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغی بخورید و در این دوستان دو چشم خود را بشوید و بپوشید

فِيهِمْ خَيْرٌ حَسَنٌ ٢٠ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ

در این کوشش از زبان برگزیده با جمال باشند پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغی بخورید و در این دوستان دو چشم خود را بشوید و بپوشید

فِيهِمْ خَيْرٌ حَسَنٌ ٢٠ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ

در این کوشش از زبان برگزیده با جمال باشند پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغی بخورید و در این دوستان دو چشم خود را بشوید و بپوشید

فِيهِمْ خَيْرٌ حَسَنٌ ٢٠ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ

در این کوشش از زبان برگزیده با جمال باشند پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغی بخورید و در این دوستان دو چشم خود را بشوید و بپوشید

فِيهِمْ خَيْرٌ حَسَنٌ ٢٠ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ

در این کوشش از زبان برگزیده با جمال باشند پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغی بخورید و در این دوستان دو چشم خود را بشوید و بپوشید

فِيهِمْ خَيْرٌ حَسَنٌ ٢٠ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ

در این کوشش از زبان برگزیده با جمال باشند پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغی بخورید و در این دوستان دو چشم خود را بشوید و بپوشید

فِيهِمْ خَيْرٌ حَسَنٌ ٢٠ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ

در این کوشش از زبان برگزیده با جمال باشند پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغی بخورید و در این دوستان دو چشم خود را بشوید و بپوشید

فِيهِمْ خَيْرٌ حَسَنٌ ٢٠ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ لَذَّةٌ فِيهَا عَيْنٌ نَصَاحَتُكُمْ

در این کوشش از زبان برگزیده با جمال باشند پس کدام یک را از نعمت های پروردگار خویش دروغی بخورید و در این دوستان دو چشم خود را بشوید و بپوشید

فل یمن بهر مسلمان
شوند که در این دنیا
فل یمن بهر مسلمان
شوند که در این دنیا
تفسیر عثمانی
عنه حضرت مشاه
صاحب (رحم الله)
میگوید پیشین
است از اتمام سالی
پسینه عبارات ازین
امت از محمدی است
و یا اولین و آخرین از
همین است (مراد باشد)
یعنی افراد درجه اعلی
پیشین به تعداد اولاد
اند بعد از آن که شرف
میر و عند تنبیه اکثر
مفسرین در تفسیر
آیت این هر دو
احتمال را بیان کرده
اند حافظ ابن کثیر
رحم الله تعالی
دوم را ترجیح داده
است در روح المعانی
حدیث ابو بکره را
از طریق ابو بکره
حسن نقل کرده است
که در این رسول کریم
صلی الله علیه وسلم
راجع باین آیت
فرموده اند «ما جمیعاً
من جمیع الامم و الله
اعلم» این نیز یک
مطلب سوم آیت
را بیان کرده این نیز
الله (شیر احمد) آخر
پسندی کند یعنی در
طبقه اولی بر امت از
برکت محبت پیغمبر و یا
قرب زان از مقربین
درجه اعلی بسیار اند
طهات باید آن سخن
نانه «کما قال الله
علیه وسلم» غیر القرون
قرنی فی الزمان یلونهنم

فل يطلع رز است
برم ١٢ صبح هر
کس که نمرد آید بگذرد
ملک خدا باشد پس آن
نخل کرم نهایت
شفیع است
تفسیر عثمانی
س از ایمان آوردن
بر الله و یا از تعقیب
راهی معرفت و یقین
که هر چیزی را
مشهود درین مسامه
سستی یعنی انقض
چرا باشد غرور و دقت
کنند و قیام رسول خدا
شمار ایوی که هر چیز
غیر انوس مستحق بلک
بطرف پروردگار و حق
حقیقی شده عوت می کند
که عقیده آن در اصل
فطرت شده و لیست
نهاده شده و نیز انوار
رو بیت او تامل را
پیش از آمدن خود دنیا
گوده ای بی نظیر تا شین
اقرار یک اندازد تا بهر
چیزی در قلوب بنی آدم
یافت بشود باز درین
دلائل و براین ممال
رسل یاد دانی و تجوید
آن عهد و پیمان ازانی
نیز کرده است و انبیای
سابقین از امت های
خود این عهد را هم
گرفتند که به انبیا
خاتم الانبیا صلی الله
علیه وسلم خواهند پرداخت
نیز بسیاری از شما
هستند که بر دست
سیدک رسول کرم
صلی الله علیه و سلم عهد
آبخت کرده اند که بیعت
و طاعت و انقیاد
فی سبیل الله و طریقه
انوار ایمانی بای خود خواهند
پس بعد از این جمعی

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ ط
آفرید آسمانها و زمین را در شش روز باز مستقر شد بر عرش
بیا فرید آسمانها و زمین را در شش روز باز مستقر شد (تصد کرد) بر عرش
يَعْلَمُ مَا يَلْجِ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ
میداند آنچه در می آید به زمین و آنچه بر می آید از آن و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا می رود
میداند آنچه می آید در زمین و آنچه می آید از آن و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا می رود
فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمُ آيِنٌ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ٥ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ
اندر او و او با شماست هر جا که باشید و خدا با شماست هر جا که باشید و او را است پادشاهی آسمانها
دران و او با شماست هر جا که باشید و الله به آنچه می کنید بیناست او را است پادشاهی آسمانها
وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ يَرْجِعُ الْأُمُورَ ٥ يَوْمَ يُنْفَخُ الْيَلْبُ فِي النَّهَارِ وَيُؤْتِجُ النَّهَارِ
و زمین و بسوی خدا باز گردانیده میشود کارها و درمی آرد شب را در روز و در روز آرد روز را
و زمین و بسوی الله باز گردانیده میشود کارها و درمی آید شب را در روز و در روز آرد روز را
فِي الْيَلْبُ وَهُوَ عَلَيْهِ يَدَاتِ الصُّدُورِ ٦ اٰمِنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ وَاَنْتَفِقُوا
در شب و او داناست ببلوغ سینهها ایمان آرید بخدا و رسول او و خرج کنید
در شب و او داناست به آنچه در سینههاست ایمان آرید به الله و رسول او و خرج کنید
مِمَّا جَعَلَكُمْ مُّسْتَخْلَفِيْنَ فِيْهِ فَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ وَاَنْتَفِقُوا لَهُمْ اَجْرٌ
از آنچه آن مال که ساخته است شما را و بیکران در دس پس آنان که ایمان آورند و خرج کردند از شما این ائمه است
از آنچه که بدست شما داده است نامی خود ساخته دران (از جمله آنانی که ساخته است شما را و بیکران پس آنان که ایمان آورند از شما و
كَيْفَ ٧ وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُوْنَ بِاللّٰهِ وَالرَّسُوْلِ يَدْعُوْكُمْ لَتُؤْمِنُوْا بِرَبِّكُمْ
بزرگ و چیست شما را که ایمان نیارید بخدا و رسول او دعوت می کنید شما را که ایمان آید به پروردگار و طاعت
بزرگ و چه شده شما را که ایمان نمی آید به الله در حالی که رسول می خواند شما را که ایمان بیارید به پروردگار خود
وَقَدْ اٰخَذَ مِنْكُمْ مِّيثَاقَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ٨ هُوَ الَّذِيْ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدِهِ
و بر آفریننده عهد گرفته است از شما صراط الکرهیتید با و در آورنده و دوست آنکه در میفرستد بر بنده خود
و بر تحقیق گرفته است عهد حکم از شما اگر مستبد مؤمنان به او دست آنکه فرو میفرستد بر بنده خود
اٰيٰتٍ بَيِّنٰتٍ لِّيُخْرِجَكُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ٩ اِنَّ اللّٰهَ بِكُمْ لَعَوُفٌ
آیات واضح و تابان آرد شما را از تاریکی به بسوی روشنی و خدا بر شما بختشیده
آیات واضح و تابان آرد شما را از تاریکی به بسوی روشنی و بر تحقیق الله بر شما نازل نموده (و بختشیده)
رَّحِيْمٌ ٩ وَمَا لَكُمْ اَلَّا تَتَّقُوْا اِنِّيْ سَبِيْلُ اللّٰهِ وَبَرَآءُ السَّمَوٰتِ وَ
مهربان است و چیست شما را که خجسته کنید در راه خدا و خدا است و این گذارنده آسمانها و
مهربان است و چه شده شما را که خجسته نمی کنید در راه الله و خدا است میراث آسمانها و
اَلْاَرْضِ لَا يَسْتَوِيْ مِنْكُمْ مَّنْ اَنْتَفَقَ مِنْ قَبْلِ لَفْتٍ وَقَاتِلْ اَوْ يَكُ
در زمین و بر این نیست از شما آنکه خرج کرد پیش از فتح و مقاتله کرده آن گروه
بر این نیست از شما آن که خرج کرد پیش از فتح و مقاتله کرده آن گروه
اَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِيْنَ اَنْتَفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتِلُوا وَاَوْكَلُوْا عَدَدَ اللّٰهِ
در مرتبه بزرگ ترند از آنان که خرج کردند بعد از فتح و مقاتله کردند و عده داده است خدا
بزرگ ترند از روی در هر از آنان که خرج کردند بعد از فتح و مقاتله کردند و عده داده است خدا
اَحْسَنُ ١٠ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ١١ مِّنْ ذَا الَّذِيْ يُفْرِضُ اللّٰهُ قَرْضًا
حاجت نیک و خدا با شماست هر چه می کنید خبردار است و لیست آنکه خراج دهد خدا قرض دادن
بنوی که بر شماست و خدا به آنچه می کنید خبردار است لیست آنکه قرض دهد الله را قرض دادن
پس بعد از این جمعی

تا پیش از آنکه کسی را داده با و در کردن را داشته باشد و کسی که داده باشد باز در کردن و عیاق خود پر کرده

والمترجم گوید بجه
 دو نوار وید وید وید
 کنید که اینجا تحصیل نور
 نیت و الله اعلم
 وکلی این برست
 مسلمانان ما را
 یعنی اجل ۱۲
 تفسیر عثمانی
 در دست است
 در نیا که برای بر ما بود
 و برین موی اسلام
 ی که وید موی باطنی
 شانین بود که موی
 لالت و شبهات مشو
 راه نفاق را اختیار کرده
 بود و نفس خود را فخر
 داد و خود را در پاکت
 انداخته باز گردید
 گردید بلکه موی که
 چوخت از اسلام و
 مسلمانان موی که
 آفت بلا واقع میشود
 در این بدین حال که
 شک و شبهات بود
 در این فریب که خود
 که آورده هیچ جزای
 این که در و در
 منافقان به نفاق رسد
 بلکه این خیالات و
 تو قیامت را بداند خود
 پرورد انید که مغفیر
 این همه شر و غفلت
 و مسلمان بپایان خواهد
 رسید با آخر غالب
 میشود می ماند نقش آخرت
 پس در اینجا هم بکلام جلال
 نجات خواهم یافت
 شاست این خیالات
 بود که حکم الله متعالی
 رسید موی شاد و برگ
 شمار داده آن و قیامت
 کائنات بر سر ایشان
 انداخته و جهان
 مردم تان نمود که
 اکنون هیچ راه را
 باقی نمانده است

حَسَنًا فَيُضَعِّفْ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ ① يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

نیک پس و چنداں که در قرآن را برساند و او را است مزد بزرگ یاد می روزیکه برین مردان مسلمانان را و زنان مسلمانان را

كُتِبَ لَهُمْ مِنْ ثَمَرِهِمْ وَأَنْزَلَ لَهُمْ نَافِلًا ② يَوْمَ تُنْفَخُ الْأَشْجَارُ عَنْ عَصَائِبِهَا ③

باین صفت که می شتابد نور ایشان پیش دست ایشان و بجانب راست ایشان گفته شود مرده باد شمار امر و شمار است پوست آنها میرود که می شتابد نور ایشان پیش روی ایشان و لغت می ای راست ایشان و گفته میشود مرده باد شمار امر و شمار است پوست آنها میرود

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ④ خُلِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ⑤ يَوْمَ يَقُولُ لِّلْمُؤْمِنِينَ

زیر آن جوئے با جاوید باشد آن جا نیست مطلب یا بی بزرگ روزیکه گویند زیر درختان آن جو بها جاویدان باشند در آن همین است کامیابی بزرگ روزیکه می گویند

الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْظِرُونَا نُقْبِضْ مِنْ تَوْرِكُمْ ⑥

مردان متقین و زنان متقین یا مسلمانان بظرف خفقت نگریه بسوئے تار و شنی گیریم از نور شما مردان متقین و زنان متقین مسلمانان را انتظار ما را بکشید تار و شنی بگیریم از نور شما

قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا ⑦ فَضُرِبَ بَيْنَهُم بِسُورَةٍ ⑧

گفته شود باز گردید پس پشت خویش پس بگردید و شنی را اصل پس خاک کرده شود در میان ایشان دیواری که او را در و ده باشد گفته می شود باز گردید در عقب خود پس بگردید و شنی را پس ایستاده کرده شود در میان ایشان دیواری که او را در و ده باشد

بِأُطْنَةِ فِيهِ الرَّحْمَةُ ⑨ وَظَاهِرَةٌ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ⑩ يُنَادُوهُمْ أَمْ تُكِنُّ

اندرون آن دیوار آید بگر حمت است و بیرون آن دیوار بجا نیت پیش او عذاب است آلوده منافقان مسلمانان را آیات ما بودیم در اول آن رحمت است و از طرف بیرون آن عذاب است خداوند منافقان مسلمانان را آیات ما بودیم

مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ أَنْفُسَكُمْ وَتَلَبُّنُمْ وَإِنَّكُمْ تُكِنُّ

بهره شما گفتند آری و لیکن شما در بار امانت خود بیعت کردید و اخطار کردید و شک آوردید و فریقت کردید شما را بهره شما گویند آری و لیکن شما در بار امانت خود بیعت کردید و اخطار کردید و شک آوردید و فریقت کردید شما را

الْأَمَانِي حَتَّىٰ جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ ⑪ وَغُرَّتْكُمْ بِاللَّهِ الْغُرُورُ ⑫ قَالِیَوْمَ لَا يُؤْخَذُ

آرزو ما تا آنکه برسد فرمان خدا و فریب او شمار او در فریب داری خدا شیطانی فریبده پس امروز فرا گرفته شود آرزو ما تا آنکه برسد حکم خدا و فریب او شمار او به (کریم) الله شیطانی فریبده معین امروز قبول نمی شود

مِنْكُمْ فَلَیْئَةُ ⑬ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا ⑭ مَا وَكُمُ النَّارُ مِنْ مَوْلَاكُمْ ⑮

از شما هراسی و نه از کافران گرفته شود چنانچه شما آتش است همان آتش لایق شماست و از شما فزاید و نه از کافران جای بیم شما در رخ است همان آتش رقیق (لا یوقی) شماست و

بِعَسَىٰ الْمُؤْمِنُونَ ⑯ أَلَمْ یَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ

باید باز گشت است و سه آیات نرسیده است مسلمانان را که بنیایش کند دل ایشان و وقت یاد کردن خدا بداید گشت است آیات وقت آن فرسیده مؤمنان که بترسد دل بایست ایشان از یاد کردن الله

وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا یَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ

او وقت یاد آوردن آنچه آمده است و حق ای و بناسند بناسند آنچه آمده شده است ایشان را کتاب پیش ازین پس دراز گشت و آنچه نرسیده ازین حق و بناسند بناسند آنچه آمده شده است ایشان را کتاب پیش ازین پس دراز گشت

عَلَيْهِمُ الْأَمْدُ ⑰ فَفَسَدَتْ قُلُوبُهُمْ ⑱ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ⑲ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

بر ایشان امدت پس بخت شد دل ایشان و بسیدای از ایشان بدکاران آمد بدانند که خدا بر ایشان زمان پس بخت شد دل بایست ایشان و بسیدای از ایشان نافرمانند بدانند که الله

یَعْلَمُ الْإَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ⑳ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآیَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ㉑

زندگی می کند زمین را بعد از مرده بودن آن بر آینه بیان کردیم برای شما نشان آنها بود که شما در آینه بر آینه زندگی می کرداند زمین را بعد از مردن آن (بر آینه) واضح بیان کردیم برای شما نشان آنها را شاید شما عقل کنید بجهت حق

وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا یَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ

او وقت یاد آوردن آنچه آمده است و حق ای و بناسند بناسند آنچه آمده شده است ایشان را کتاب پیش ازین پس دراز گشت و آنچه نرسیده ازین حق و بناسند بناسند آنچه آمده شده است ایشان را کتاب پیش ازین پس دراز گشت

عنه مترجم محقق
در حدیث الباقی بطلب
- الشهداء - را
از الصدوق قبول کرده
است یعنی کسی که بر
الله و رسول و پیغمبر او
گواهی بیاورد و در دنیا
از طریق آیهان در امان
و احوال آنها قاطع باشد
ایمانداران راست
۲۰ را در این حدیث
اند و همین حدیث
نزد الله تبارک و تعالی
۱۸ احوال دیگر در حدیث
کاتان - و کذلک
جنتکم است و در حدیث
شهر علی بن الحنفی و
بکون الرسول علیکم شهادا
و بقوله کونوا من
باين الامان در حدیث
قرن علی و در حدیث
نوب و در حدیث
و تفسیر این آیه
و تفسیر این آیه
این تفسیر
مفسر آن را
علم الله تبارک و تعالی
بهر چیز علم ذاتی است
و بهر نعمت آنرا حاصل
نموده بهای آنرا
و بهر شکی است
که مطابق علم می باشد
تمام اوقات و حوادث
را قبل از وقوع در لوح
خفیه خود در قلم است
عادت اکثر دانشمندان
جبرائیل است که بسیار
وقت و کرات می بیند
که چون نام الفانی گوید
شود پس از جبرائیل
نمی آید و تفسیر رفیق
شمن نمی آید و خود
شمن در کمال کارند
چندین بار در حدیث
به قول رسول و پیغمبر
می بیند و در حدیث

الْمُكْمِلِينَ وَالْمُتَمِّلِينَ وَأَفْرِضُوا لِلَّهِ قَرْضًا حَسَنًا يَضَعَفُ

مردان تجارت دهنده و زنان تجارت دهنده و آنانی که قرض داده اند خدا را قرض نیک دو چند داده شود
مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و آنانی که قرض میدهند خدا را قرض نیک دو چند داده میشود

لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

ایشان را و ایشانراست مزد گرامی قدر و آنانی که ایمان آورده اند بخدا و پیغمبران او آینه های راستند
با ایشان و ایشانراست ثواب گرامی و کسانی که ایمان آورده اند به الله و تمام رسولان او آن گروه ایشانراست ایمان و ایمان راست

وَالشَّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا

و شهادت کنند نزد پروردگار خویش ایشانراست مزد ایشان و نور ایشان و آنانی که کافر شدند و دروغ می گفتند
و کذب می کردند نزد پروردگار ایشانراست ثواب ایشان و نور ایشان و پیغمبران را میگویند و مکتوب کردند

بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ۝ اَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ لِّهٖزِينِ

آیات ما را آن گروه اهل دوزخ اند بدانید که زندگی دنیا بازی و تفریح است و آری ایشانراست
آیات ما را آن گروه اهل دوزخ اند بدانید که زندگی دنیا بازی و تفریح است و آری ایشانراست

وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمِثْلِ غَبِيثٍ ۝ الْحَبَّ الْكَفَّارِ

و خود ستایی است در میان خویش و از یکدیگر زیاده طلبی است در دنیا و اولاد مانند باران است که بشتافتند و در دوزخ است
و خود ستایی است در میان آنان و زیاده طلبی است در مال و اولاد مانند بارانی که خود را ساقط کند و در دوزخ است که کافرانرا

نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرْدِيهِ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ

رستخوار و باز خشک شود پس زرد به بینی آنرا باز در بیم شکست گردد و در آخرت عذاب
بزرگ آن باز بخت می آید خشک میشود پس میانی آنرا زرد شده پس میشود در بیم شکست و در آخرت عذاب

شَدِيدٌ ۝ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ ۝

عزت است و بزرگوار شدن است از جانب خدا و خوشنودی است و نیست زندگی دنیا مگر بازی و تفریح
عزت است و بزرگوار شدن است از جانب خدا و خوشنودی است و نیست زندگی دنیا مگر بازی و تفریح

الْغُرُورِ ۝ سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ السَّمَاءِ

به عجل فریب باشد سابق بگنبد بزرگوار شدن است از جانب خدا و بهشتی که پهنائی او مانند پهنائی آسمان
فریب باشد سابق بگنبد بزرگوار شدن است از جانب خدا و بهشتی که پهنائی آن مانند پهنائی آسمان

وَالْأَرْضِ أَعَدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ

و زمین باشد آماده کرده شده برای آنانی که ایمان می آورند بخدا و پیغمبران او اینست فضل خدا میدهد بدش
و زمین است آماده کرده شده برای آنانی که ایمان آورده اند به الله و رسولان او این است فضل خدا میدهد بدش

مَنْ يَشَاءُ ۝ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ۝ مَا أَصَابَ مِنْ مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ

بهر کسی که خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است و هر چه در زمین
بهر کسی که خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است و هر چه در زمین

وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كَيْفٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَ هَٰؤُلَاءِ ۝ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

و در در جان شما هر چه در کتب است در کتابی پیش از آنکه بیاوریم این را بر شما خدا آسان است
و در در کتب است در کتابی پیش از آنکه بیاوریم این را بر شما خدا آسان است

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ۝ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ

چرازه ای که تأسود بخوابد بر آنچه رفت از دست شما و تا شادمان شود با آنچه عطا کرد و شادمانی دوست نمی دارد و هر چه بفرستد
چرازه ای که تأسود بخوابد بر آنچه رفت از دست شما و تا شادمان شود با آنچه عطا کرده دوست نمی دارد و هر چه بفرستد

فَخُورٍ ۝ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمُ يَخْلُفُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِحْلِ ۝ وَمَنْ يَكْتُم

خودستاینده را دوست نمی دارد و آنانی که بخل می کنند و مردمان را به بخل می فرمایند و هر که در دوزخ است
خودستاینده را دوست نمی دارد و آنانی که بخل می کنند و مردمان را به بخل می فرمایند و هر که در دوزخ است

سابقه کان خرج کون کاران متوکلین و صاحبان بهت است که بول را دوست ندارند و امید دارند که بی راحت فقط از جانب بهان مالک علی الاطلاق است ۱۲

والمؤمنون على الله
عليه وسلم لا يفترون
يؤمنون بالله وحده
تفسير عثمان
عنه انهم انما
اكثرنا ففان الله يدين
به خاتم الانبياء ورسوله
عليه وسلم ايمانهم في كونه
اكثر من حقيقة انهم
عنه ان كتاب
اعمال يغيران
سابق را افزوده
آزادي کرده اند
مافوس بازان ۱۹
بغيران غنی پسان
بیداشتم براسه ما
بدست آغوش آن
درجات محال است که
صحت انبیاء حاصل
شود باینکه کفر
مثال این رسول را
مبوت فرموده در
محبت او میتوان
نسبت به سابق و
چند کمال و بزرگی بدست
آورده و فضل خدا
موقوف نشده است
تنبیه حضرت شاه
صاحب محمد بن قاسم
آیت را اقرار فون کرده
است لیکن از اکثر
سلف منقول است
که درین موقع در کتاب
علم با معنی که علم
است یعنی تا آن اهل
کتاب را ایمان بیاورد
بدانند که آنها بر فضل
خدا قدرت ندارند و
فضل فقط بدست خدا
است بیکر که خواهد
اودانی میفرماید
چون یکسایک از
این کتاب بر
خاتم الانبیاء
صلی الله علیه وسلم
ایمان آوردند ایشان
این فضل کرده با ایشان و چون اجزاده بشود و خطای گذشته شان صحت و برای ایشان در شرف رحمت می گردد و کسی که ایمان نیاوردند آنها را این اوقات محرم اند

فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ

کتاب و تواز و تا آن کند مردان
کتاب و تواز را تا تمام باشند
مردم به انصاف و فرود آوریم آهین را
دران جنگ

الْكِتَابَ وَالْيِزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ ۚ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ

شديد و منافع للناس وليعلم الله من ينصره ورسله بالغيب ۚ

ان الله قوي عزيز ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى

أَنفُسِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهَابَنَسَةَ ابْنِ إِدْرِيسَ عِيسَى

مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَنْ عَفَا اللَّهُ فَهُوَ عَافٍ ۚ وَمَنْ شَاءَ اللَّهُ

يَعْلَمْ ۚ وَمَنْ يُشِئْ اللَّهُ يَفْعَلْ ۚ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى

أَنفُسِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهَابَنَسَةَ ابْنِ إِدْرِيسَ عِيسَى

مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَنْ عَفَا اللَّهُ فَهُوَ عَافٍ ۚ وَمَنْ شَاءَ اللَّهُ

يَعْلَمْ ۚ وَمَنْ يُشِئْ اللَّهُ يَفْعَلْ ۚ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى

أَنفُسِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهَابَنَسَةَ ابْنِ إِدْرِيسَ عِيسَى

مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَنْ عَفَا اللَّهُ فَهُوَ عَافٍ ۚ وَمَنْ شَاءَ اللَّهُ

يَعْلَمْ ۚ وَمَنْ يُشِئْ اللَّهُ يَفْعَلْ ۚ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى

أَنفُسِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهَابَنَسَةَ ابْنِ إِدْرِيسَ عِيسَى

مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَنْ عَفَا اللَّهُ فَهُوَ عَافٍ ۚ وَمَنْ شَاءَ اللَّهُ

يَعْلَمْ ۚ وَمَنْ يُشِئْ اللَّهُ يَفْعَلْ ۚ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى

أَنفُسِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهَابَنَسَةَ ابْنِ إِدْرِيسَ عِيسَى

مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَنْ عَفَا اللَّهُ فَهُوَ عَافٍ ۚ وَمَنْ شَاءَ اللَّهُ

يَعْلَمْ ۚ وَمَنْ يُشِئْ اللَّهُ يَفْعَلْ ۚ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَسِقُونَ ۝ ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَى

أَنفُسِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ وَجَعَلْنَا

فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً وَرَحْمَةً ۚ وَرَهَابَنَسَةَ ابْنِ إِدْرِيسَ عِيسَى

مَا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَنْ عَفَا اللَّهُ فَهُوَ عَافٍ ۚ وَمَنْ شَاءَ اللَّهُ

يَعْلَمْ ۚ وَمَنْ يُشِئْ اللَّهُ يَفْعَلْ ۚ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا

۱۲
 ۱۳
 ۱۴
 ۱۵
 ۱۶
 ۱۷
 ۱۸
 ۱۹
 ۲۰
 ۲۱
 ۲۲
 ۲۳
 ۲۴
 ۲۵
 ۲۶
 ۲۷
 ۲۸
 ۲۹
 ۳۰
 ۳۱
 ۳۲
 ۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰

در ۱۲
تفسیر عثمانی
که هر حرفی که در زمان
الیهیت کرده و هاید من
است. اکنون بوجد
نزد علی بدایت بخین
زکات اقدم کند و
بیش از تربیت باطن
لا اله الا الله بدرسد اگر
نظا را کار از شما
زندان کرده و از الله
نعمانی بخا امید علم
نمونان صا و ق
است که از حد و مقره
ای ای تواند گفتند باقی
ند که کارخان محدود
حد و مقره کنند
ایشان عرض نظر
چرا برای آنهاست
تاک میباشند -
نرم مردم در زمان پیش
لیل و دولت مند
هم نصیب شان
نی است. بعد از
مشن های آیت صان
مشن های تعالی
نار پا نشادی
ن و احسان خدای
ت و احترام
ن مردم گرفتار

بسم الله الرحمن الرحيم
وَوَيْلٌ لِلَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ
الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

آغازی کرم بنام خدا ایک بے اندازہ مہربان نہایت مہربان و مہربان

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الْبَنِيِّ الْخَدَّاءِ ذَٰلِكَ فِي رُؤْيَا

دست بر آئینه شیشه خدای تعالی سخن آن زن که گفت میگوید با تو در باب شوهر خود
(بیتحقق) شنیده اند سخن آن زن را که گفت میگوید در باب شوهر خود

وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ لَشَدِيدُ الْعَذَابِ ۝

و شکایت می کرد پیش خدا و خدای من شنید گفت او گردن شما
و زیادتی کرد بخیر خود الله و خدای من شنید سر او را در دهان خود نهاد

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن مَّكَّةَ

آنکه از شما اظهار می کند بازتان خود می کشند آن زمان مادوان ایمن می کشد مادوان ایمن

الَا اِنِّي وَلَدْتُكُمْ وَاَنْتُمْ كَافِرُونَ لَقَدْ اَنْتُمْ مِنْكُمْ كَافِرُونَ لَقَدْ اَنْتُمْ مِنْكُمْ كَافِرُونَ

آنانکه زاده اند ایشان را و بر آینه این قلمها کند کلان می گویند سخن نامعقول و می گویند دروغ و بر آینه حسدا

[illegible]

و آنکه قماری کنند باز نان خود باز روحی کنند در مخالفت آنچه گفته

فکر در رقصه و فکر در قضا

پیش از آنکه زن مرد را بکشد دست را بلند نمی‌کند حکم نیست داده می‌شود شمار این و خدا پای کند

[illegible]

و اگر دست پس بر که بناید سینه را پس بر دست و از چپ سمت روزه داشتند و دوا به دهن میزدند و از آنکه بر که باید که دست و سینه را

است و در روزی است دوده را است و در ماهی در پی و پیش از آنکه زن در میان یک دیگر قمار کنند

ہر کہ تو اندامی را پس طہام دادن شہت فقیر
ایں حکم برائے آست کہ مقدار توبہ حذر اور پیغام اور

[illegible]

۱۰ احکام خدا ہے مقرر کردہ خدا است و کا فر است غذا پر درود مندہ باشد ہر آئینہ آنا کہ مخالفت ہے کہ

این حدود مهر کرده خداست و شکران را عذاب دردناک است (سپهر آینه) آنکه خلقت می کند

و رسول الله ﷺ لما نزلت عليه آية ﴿لَا يَتَّبِعُكَ مِنْهَا حَتَّى إِذَا سَلَّوْا السَّلَامَ عَلَيْكَ قَالُوا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّاتُكَ لِلَّهِمَّ وَمِنْهَا شَيْءٌ رَأَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ نَارًا تَلْقَاهُ مِنْ عَرْشِهِ فَكَذَّبَهُ قَوْمَهُ فَاتَّبَعُوهُ فَسَبَّوهُ فَجَاءَهَا كَذِبَ الْكَاذِبِينَ﴾

داد رسول او ذیل کرده شد و دند آنگاه پیش از ایشان بودند و در آئینه فرو فرستادیم آیات

وَيُفَرِّقِينَ عَنِ ابْنِ هَارُونَ يَوْمَ يُبْعَثُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ تَبْعَثُ فَيَنْتَقِلُونَ

عذاب ذلت (مانند گفته) است و در ذلک بر آنکه در ایش ترا غده بر یک حایس خیر و بد ایش ترا

۱۰۰
۱۰۱
۱۰۲
۱۰۳
۱۰۴
۱۰۵
۱۰۶
۱۰۷
۱۰۸
۱۰۹
۱۱۰
۱۱۱
۱۱۲
۱۱۳
۱۱۴
۱۱۵
۱۱۶
۱۱۷
۱۱۸
۱۱۹
۱۲۰
۱۲۱
۱۲۲
۱۲۳
۱۲۴
۱۲۵
۱۲۶
۱۲۷
۱۲۸
۱۲۹
۱۳۰
۱۳۱
۱۳۲
۱۳۳
۱۳۴
۱۳۵
۱۳۶
۱۳۷
۱۳۸
۱۳۹
۱۴۰
۱۴۱
۱۴۲
۱۴۳
۱۴۴
۱۴۵
۱۴۶
۱۴۷
۱۴۸
۱۴۹
۱۵۰
۱۵۱
۱۵۲
۱۵۳
۱۵۴
۱۵۵
۱۵۶
۱۵۷
۱۵۸
۱۵۹
۱۶۰
۱۶۱
۱۶۲
۱۶۳
۱۶۴
۱۶۵
۱۶۶
۱۶۷
۱۶۸
۱۶۹
۱۷۰
۱۷۱
۱۷۲
۱۷۳
۱۷۴
۱۷۵
۱۷۶
۱۷۷
۱۷۸
۱۷۹
۱۸۰
۱۸۱
۱۸۲
۱۸۳
۱۸۴
۱۸۵
۱۸۶
۱۸۷
۱۸۸
۱۸۹
۱۹۰
۱۹۱
۱۹۲
۱۹۳
۱۹۴
۱۹۵
۱۹۶
۱۹۷
۱۹۸
۱۹۹
۲۰۰
۲۰۱
۲۰۲
۲۰۳
۲۰۴
۲۰۵
۲۰۶
۲۰۷
۲۰۸
۲۰۹
۲۱۰
۲۱۱
۲۱۲
۲۱۳
۲۱۴
۲۱۵
۲۱۶
۲۱۷
۲۱۸
۲۱۹
۲۲۰
۲۲۱
۲۲۲
۲۲۳
۲۲۴
۲۲۵
۲۲۶
۲۲۷
۲۲۸
۲۲۹
۲۳۰
۲۳۱
۲۳۲
۲۳۳
۲۳۴
۲۳۵
۲۳۶
۲۳۷
۲۳۸
۲۳۹
۲۴۰
۲۴۱
۲۴۲
۲۴۳
۲۴۴
۲۴۵
۲۴۶
۲۴۷
۲۴۸
۲۴۹
۲۵۰
۲۵۱
۲۵۲
۲۵۳
۲۵۴
۲۵۵
۲۵۶
۲۵۷
۲۵۸
۲۵۹
۲۶۰
۲۶۱
۲۶۲
۲۶۳
۲۶۴
۲۶۵
۲۶۶
۲۶۷
۲۶۸
۲۶۹
۲۷۰
۲۷۱
۲۷۲
۲۷۳
۲۷۴
۲۷۵
۲۷۶
۲۷۷
۲۷۸
۲۷۹
۲۸۰
۲۸۱
۲۸۲
۲۸۳
۲۸۴
۲۸۵
۲۸۶
۲۸۷
۲۸۸
۲۸۹
۲۹۰
۲۹۱
۲۹۲
۲۹۳
۲۹۴
۲۹۵
۲۹۶
۲۹۷
۲۹۸
۲۹۹
۳۰۰
۳۰۱
۳۰۲
۳۰۳
۳۰۴
۳۰۵
۳۰۶
۳۰۷
۳۰۸
۳۰۹
۳۱۰
۳۱۱
۳۱۲
۳۱۳
۳۱۴
۳۱۵
۳۱۶
۳۱۷
۳۱۸
۳۱۹
۳۲۰
۳۲۱
۳۲۲
۳۲۳
۳۲۴
۳۲۵
۳۲۶
۳۲۷
۳۲۸
۳۲۹
۳۳۰
۳۳۱
۳۳۲
۳۳۳
۳۳۴
۳۳۵
۳۳۶
۳۳۷
۳۳۸
۳۳۹
۳۴۰
۳۴۱
۳۴۲
۳۴۳
۳۴۴
۳۴۵
۳۴۶
۳۴۷
۳۴۸
۳۴۹
۳۵۰
۳۵۱
۳۵۲
۳۵۳
۳۵۴
۳۵۵
۳۵۶
۳۵۷
۳۵۸
۳۵۹
۳۶۰
۳۶۱
۳۶۲
۳۶۳
۳۶۴
۳۶۵
۳۶۶
۳۶۷
۳۶۸
۳۶۹
۳۷۰
۳۷۱
۳۷۲
۳۷۳
۳۷۴
۳۷۵
۳۷۶
۳۷۷
۳۷۸
۳۷۹
۳۸۰
۳۸۱
۳۸۲
۳۸۳
۳۸۴
۳۸۵
۳۸۶
۳۸۷
۳۸۸
۳۸۹
۳۹۰
۳۹۱
۳۹۲
۳۹۳
۳۹۴
۳۹۵
۳۹۶
۳۹۷
۳۹۸
۳۹۹
۴۰۰
۴۰۱
۴۰۲
۴۰۳
۴۰۴
۴۰۵
۴۰۶
۴۰۷
۴۰۸
۴۰۹
۴۱۰
۴۱۱
۴۱۲
۴۱۳
۴۱۴
۴۱۵
۴۱۶
۴۱۷
۴۱۸
۴۱۹
۴۲۰
۴۲۱
۴۲۲
۴۲۳
۴۲۴
۴۲۵
۴۲۶
۴۲۷
۴۲۸
۴۲۹
۴۳۰
۴۳۱
۴۳۲
۴۳۳
۴۳۴
۴۳۵
۴۳۶
۴۳۷
۴۳۸
۴۳۹
۴۴۰
۴۴۱
۴۴۲
۴۴۳
۴۴۴
۴۴۵
۴۴۶
۴۴۷
۴۴۸
۴۴۹
۴۵۰
۴۵۱
۴۵۲
۴۵۳
۴۵۴
۴۵۵
۴۵۶
۴۵۷
۴۵۸
۴۵۹
۴۶۰
۴۶۱
۴۶۲
۴۶۳
۴۶۴
۴۶۵
۴۶۶
۴۶۷
۴۶۸
۴۶۹
۴۷۰
۴۷۱
۴۷۲
۴۷۳
۴۷۴
۴۷۵
۴۷۶
۴۷۷
۴۷۸
۴۷۹
۴۸۰
۴۸۱
۴۸۲
۴۸۳
۴۸۴
۴۸۵
۴۸۶
۴۸۷
۴۸۸
۴۸۹
۴۹۰
۴۹۱
۴۹۲
۴۹۳
۴۹۴
۴۹۵
۴۹۶
۴۹۷
۴۹۸
۴۹۹
۵۰۰
۵۰۱
۵۰۲
۵۰۳
۵۰۴
۵۰۵
۵۰۶
۵۰۷
۵۰۸
۵۰۹
۵۱۰
۵۱۱
۵۱۲
۵۱۳
۵۱۴
۵۱۵
۵۱۶
۵۱۷
۵۱۸
۵۱۹
۵۲۰
۵۲۱
۵۲۲
۵۲۳
۵۲۴
۵۲۵
۵۲۶
۵۲۷
۵۲۸
۵۲۹
۵۳۰
۵۳۱
۵۳۲
۵۳۳
۵۳۴
۵۳۵
۵۳۶
۵۳۷
۵۳۸
۵۳۹
۵۴۰
۵۴۱
۵۴۲
۵۴۳
۵۴۴
۵۴۵
۵۴۶
۵۴۷
۵۴۸
۵۴۹
۵۵۰
۵۵۱
۵۵۲
۵۵۳
۵۵۴
۵۵۵
۵۵۶
۵۵۷
۵۵۸
۵۵۹
۵۶۰
۵۶۱
۵۶۲
۵۶۳
۵۶۴
۵۶۵
۵۶۶
۵۶۷
۵۶۸
۵۶۹
۵۷۰
۵۷۱
۵۷۲
۵۷۳
۵۷۴
۵۷۵
۵۷۶
۵۷۷
۵۷۸
۵۷۹
۵۸۰
۵۸۱
۵۸۲
۵۸۳
۵۸۴
۵۸۵
۵۸۶
۵۸۷
۵۸۸
۵۸۹
۵۹۰
۵۹۱
۵۹۲
۵۹۳
۵۹۴
۵۹۵
۵۹۶
۵۹۷
۵۹۸
۵۹۹
۶۰۰
۶۰۱
۶۰۲
۶۰۳
۶۰۴
۶۰۵
۶۰۶
۶۰۷
۶۰۸
۶۰۹
۶۱۰
۶۱۱

کرده بودند سمره است آنرا خدا و ایشان فراموش کردند آن را وحید را بر محمد چیز ۱۰۴۲ است

تعداد در عذاب ذلت آرد -۳-

فل من ترجم توبه
 آنحضرت می باشد علی
 و سلم چون بدین آیه می رسید
 تفسیر می کردند و ایشان
 بسبب شهادت ازلی
 می در عداوت آن حضرت
 پیش از آنکه آنحضرت
 اراده فرمود که کفر را
 جلا دهد و فرموده ایشان
 آن ملعون را بکشید
 فرستادند که شما قتل
 کنید و در جنگ استادی
 در نزدیکی مارقی شما
 ایم خدا است که بر خلاف
 اراده منافقان در این
 جمع کردن لشکر می بود
 القادریه تا حاضر کردند
 و جلا دادند و اختیار کردند
 و سخن این لقا را
 نشنیدند و بقتل و
 تکرار جمع رجال
 اتفاق یافتند و
 اهل ایشان
 فی شرفی آن را
 گویند که بغیر قتل است
 مسلمانان از قتل
 قتال منت بر مسلمانان
 نهاده اند که بیان فرمود
 و از اراده منافقان خبر
 داد و الله اعلم به
 تفسیر عثمانی
 سه مراد از اول نفر
 نزد بعضی مفسرین این
 است که برای قوم
 یهود و این اولین
 موعود بود که علی
 خود را ترک گویند
 بیشتر چنین دانسته
 پیش از آنکه بود
 یار و لعل الحشر
 بدین طرف اشاره
 باشد که مدینه را
 گذاشته بسیار
 یهود به خیانت و
 رخنه و مشرودم آن
 خواب بود که در عهد
 خلافت حضرت عمر بود

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ ٩ كَتَبَ

بر آیند آنانکه خلاف می کنند با خدا و رسول او این جماعه در جهنم خورترین مردم اند حکم کرد

به تحقیق آنانکه خلاف می کنند با خدا و رسول او این جماعه اند در جهنم خورترین مردمان برشته است

اللَّهُ لَا غَلْبَ لَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ١٠ لَا تَجِدُ قَوْمًا

خدا را غلبه غالب شوم من و غالب شوند پیغمبران من هر آینه خدا توانا غالب است نخواهی یافت قومی را

الَّذِينَ هُمْ يَأْتُونَكَ بِهَدْيٍ مِنْ دُونِ الْمَنَاسِكِ أُولَئِكَ يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُمْ وَأَبْنَاءَهُمْ

الذين هوم ياتونك بهدي من دون المناسك اولئك يشعرون ان الله يرفعهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم

وَأَبْنَاءَهُمْ أُولَئِكَ يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُمْ وَأَبْنَاءَهُمْ

و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم

وَأَبْنَاءَهُمْ أُولَئِكَ يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُمْ وَأَبْنَاءَهُمْ

و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم

وَأَبْنَاءَهُمْ أُولَئِكَ يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُمْ وَأَبْنَاءَهُمْ

و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم

وَأَبْنَاءَهُمْ أُولَئِكَ يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُمْ وَأَبْنَاءَهُمْ

و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم

وَأَبْنَاءَهُمْ أُولَئِكَ يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُمْ وَأَبْنَاءَهُمْ

و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم

وَأَبْنَاءَهُمْ أُولَئِكَ يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُمْ وَأَبْنَاءَهُمْ

و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم

وَأَبْنَاءَهُمْ أُولَئِكَ يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُمْ وَأَبْنَاءَهُمْ

و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم

وَأَبْنَاءَهُمْ أُولَئِكَ يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُمْ وَأَبْنَاءَهُمْ

و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم

وَأَبْنَاءَهُمْ أُولَئِكَ يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُمْ وَأَبْنَاءَهُمْ

و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم

وَأَبْنَاءَهُمْ أُولَئِكَ يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُمْ وَأَبْنَاءَهُمْ

و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم

وَأَبْنَاءَهُمْ أُولَئِكَ يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُمْ وَأَبْنَاءَهُمْ

و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم و اولادهم

وَأَبْنَاءَهُمْ أُولَئِكَ يَشْعُرُونَ أَنَّ اللَّهَ يَرْفَعُهُمْ وَأَبْنَاءَهُمْ

الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ ۝ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ

مسلمانان پس عبرت گیرید ای کسانی که بینایی دارند و اگر آن بود که نوشت خدا

عَلَيْهِمْ الْجَهَنَّمَ لََعَلَّ هُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ ۝

بر ایشان جها دمی را (جهنم) عذبتی که ایشان را در دنیا و ایشان را در آخرت عذاب آتش

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ

این عذاب بسبب آنست که ایشان مخالفت کردند با خدا و رسول او و هر که مخالفت کند با خدا

شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لَيْتَةٍ أَوْ نَرْتَمَيْتُمْ هَاقًا يَمُنَّ عَلَى

خاکت کرده عذبت است آنچه بریدید از درخت خرما یا اگر استخفید آنرا استاده بر

أَصُولَهَا فَإِنَّ اللَّهَ وَلِيَّ الْمُخْرَجِينَ ۝ وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى

نخ خودش پس بفرمان خدا بود و تا بخورند بدکار آنرا و آن مالیکه عائد گردانید خدا بر

رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أُوجِفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ لَكِنَّ اللَّهَ

پیامبر خود را از اموال بنی نضیر پس نتواند بودی بران اسبان را و نه شتران را و لیکن خدا

يَسْلُطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ ۝ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ مَا

غالبی گرداند بر فرمان خود را بر هر که خواهد و خدا بر همه چیز تواناست آنچه

أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي

عائد گردانید خدا بر پیامبر خود از اموال سالکان و بر این خدا توانست و پیغمبر را و غیر ایشان و ندان

الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ

را و یتیمان را و یتیمان را و مسکینان را و ابن سبیل را و هر چه از این است تا تقوی آن را و او گرفت میان

الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا اتَّكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ

تو حرام از شما و هر چه بدست شما را پیغمبر آنچه از شما و هر چه منع کند شما را ازان

فَاتَّقُوا اللَّهَ طَائِفًا إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ لِلْعَقْرِ آءُ السُّجُرِينَ

باز ایشان و بر سید از خدا بر آید خداست کننده عذبت است آن بی نظیران بجزرت کننده راست

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالُهُمْ يُبْعَثُونَ وَضَلَّ مِنْ اللَّهِ

آنکه بیرون کرده شد ایشان را از خانه های ایشان و اموال ایشان یغفلند و از بیرون گردانند

وَبِهِ ضُؤَانًا وَيُنْصَرُونَ ۝ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَوْلَىٰ بِهِ هُمُ الصِّدِّقُونَ ۝

و خوشنودی را و نصرت میدهد خدا و پیغمبر او را این جامع ایشانند راست و عدل

و در امتداد او را و مدد می کند الله و رسول او را این جمله ایشانند راستان

فل یخبروه و یخبروه
اعلم فی کل شیء علی
درخت میوه داره وقت
جهاد و عزت و ترک
آن نیز عجز و الت اعلم
فل یخبروه و یخبروه
پیغمبر را
تفسیر
سبب اگر چه از جنگ
جزئی که از موب شده
برای صلح مساعرت
کننده مسلمانان هم
موافقت نمایند درین
صورت اموالیکه بدو می
برست می آید نیز اصل
حکم فی است و جهاد
مربوط نمی گردد سوال
فی خالصا با اختیار
و تصرف آن حضرت
می بود ممکن است که
این اختیار را کما
که فقط برای آن حضرت
صلی الله علیه و آله و سلم
بود چنانکه در آیات
حاضر از لفظ علی
رسوله به قیاد و مشی
و احتمال است که حضرت
حاکمان باشد بهر حال
الله تعالی را هیچ مانع
از این آیت مایند
بر آن حضرت بهر ایت
فرموده و جواب دادند باور
ندان و ندان مصادرت
بمعرفت رساندند
بپیدا آن حضرت صلی
الله علیه و آله و سلم این
اموال با اختیار و تصرف
اگر می بود لیکن تصرف
او مالک نیست محض
حاکمانی باشد امام
آن اموال را قرار
صواب بدو مشهور در
فرویات و معارج
عوی مسلمانان خارج
خود بر حکم از ان
غلبت از آن خدا
است که بدو

و یخبروه

و یخبروه

و یخبروه

قُرْبًا ذَاتُ الْوَالِ أَمْرُهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ

در نزدیکی چشیدن در بیان گناه خود را ایشان راست عذاب دردناک و استن منطمان باطل کتاب احمد و استن طبطان است

إِذْ قَالَ لِلنَّاسِ اكْفُرُوا فَلَا يَكْفُرُونَ قَالَ إِنِّي بُرِيْتُ مِنْكُمْ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ

گفت آدمی را لا فر شو پس چون لا فر شد گفت (شیطان) لا فر آید پس بیزارم از کولایه حق پس می ترسم از خدا

رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ

پس شد عاقبت ایشان شیطان و آدمی آنرا این در آخر را شدند جاودگان آنجا و این است که بود در دگر عالمی است پس شد انجام کار آن بود آنکه هر دو ایشان باشند در آتش جاودان و این است

جَزَاءُ الْعَالَمِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَالتَّوَلَّوْا نَفْسَكُمْ قَدْ مَتَّ

جزا ستمگاران ای مسلمانان بترسید از خدا و باید که تا من کند هر یک از خود جز می ترسید است جزای ستمگران عده ای مومنان همیشه بترسید از خدا و باید که هر نفسی که چه فرستاده است

لَعَنَ اللَّهُ الْفِتْرَةَ إِنْ لَمْ تُخِمْتُمْ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ

بما که فرود و بترسید از خدا هر آنچه خدا بفرستد که بکشد و ما شید ما شید آنکه برای فرود و بترسید از خدا بفرستد خدا را است به آنچه می کنید و بفرستد ما شید آنکه

سَوَّاهُ اللَّهُ فَأَسَدُهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ لَا يَسْتَوِي

فرمود که کند خدا را پس خدا فرمود که از خط ایشان که در حال ایشان را این جماعت ایشانند بدکاران برابر نیستند از او می کردند خدا را پس فرمود که از خدا را است نفس با آن ایشان را آن جماعت ایشانند برابر نیستند

أَصْحَابُ النَّارِ أَمْ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَائِزُونَ ۝ ۳

ای دوزخ و ای بهشت ای بهشت ایشانند بطلب رسند اگر ای دوزخ و ای بهشت ای بهشت ایشانند بطلب رسند اگر

أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ

فرود می آوردیم این قرآن را بر کوهی هر آنچه می دیدی آنرا بنیایش کرده باره باره شده از خوف فرود می آوردیم این قرآن را بر کوهی (هر آنچه می دیدی آنرا ترسیده باره باره شده از خوف

اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ هُوَ

خدا و این داستانها ایمانی کیم برای مردم آن تالیشان تالیشان او است و این مثالها با بیان می کیم آن را برای مردم آن تالیشان تالیشان او است

اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ

آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او داننده نهان و آشکارا او است بخشنده آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او داننده نهان و آشکارا او است بخشنده

الرَّحِيمُ ۝ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ

مهربان او است آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او بادشاه نهایت پاک معصیت از همه عیب مهربان او است آن خدا که نیست هیچ معبود مگر او بادشاه نهایت پاک سالم از همه عیب با

الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَّقِينَ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا

این دینداران ایمان غالب خود اختیار بر گزار ایان دیندار در پناه دارد ندای غالب صاحب شوکت صاحب عظمت

يُشْرِكُونَ ۝ هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى

سازنده مقرر کردن ایشان او است خدا که آفریدگار گویند آفرنده صبرت نگارنده مراد است نام پاک و نیک

وَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ

وَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقَدُّوسُ السَّلَامُ

صلواتی چنانکه اهل
مطلبه میجویند
ایشان نیز گفته اند
اعلم ان الله یفرق

تفسیر
عنه انما یفرق

ببرود یعنی بفرستد
عذری خود را چنانکه
اندیشه پاک را

پس عذری که کند
عذر از یک جانب
لا فر ایشان را

از وطن فرستاده اند
لکن در بین مردم
ای که در روز بدر می

یافتند همان حالت
یعنی نفیر را مشاهده
کنند که در ویلاد است

مسلمانان سزاوارند
و عذاب دردناک است
بدستور سابق بر حال

مانند عذاب شیطان
در این دین آن را
کفر و معصیت می گویند

و چون آن بام
اطمینان او گرفتار شد
آنگاه می گویند که

تو عذبه و از کفر توینا
زیر این خدا می ترسم
در این قول محض را

و مکی است نتیجه
این می شود که خوش
را بجزم جنت فرستاد

داود را هم با عذاب
ای گرفتار نمود حضرت
شاه صاحب دین

میگوید که شیطان
در آخرت این سخن را
خدا گفت و بفرستد

بغل یک کافر آمده
مردم را می بگفتند
هرگاه فرستادن را دید

راه فرار اختیار کرد
و کفر و رسد و انحال
فرستاده بین مثال

و در میان ایشان
و در میان ایشان
و در میان ایشان

و در میان ایشان
و در میان ایشان
و در میان ایشان

و در میان ایشان
و در میان ایشان
و در میان ایشان

صلواته مزمع كويد
 اخفرت على الله
 عليه السلام خواستند
 كنفع كنسرتون
 مری شریف آن بود
 که این کبر القصد
 اخفرت مصلح نکت
 ناگهان بر سر ایشان
 رسیدی از صحابہ طرقت
 ایشان نام نوشت
 بر قصه مختصر طبع
 خداست تعالی اخفرت
 صلی الله علیه وسلم را
 اطلاع داد تا آن نذر
 را از راه باز آورند
 خاصه تفسیر در باب
 منع از دست کشیدن نازل
 ساخت ۱۲
 تفسیر عثمان
 صلی الله علیه وسلم
 که در سوره ۱۰۱ اخفرت
 مذکور شد و بود این
 صلی الله علیه وسلم تا ظهور
 بالاخر کافران عهد شکنی
 کردند در اثر آن
 اخفرت بار باره فتح
 که نهانی در تنبیه
 قریب شد و بود که
 کفر کاذب آنرا
 ایشان نیز نشوند
 مباد اخفیرت
 جنگ را شروع
 کنند بدین واسطه
 چنانکه در حرم شریف
 ناگزیر گردید
 بنام حاطب بن ابی
 بلتع که از صحابہ کرام
 و اصحاب مدینه بود
 به او ای که مکتوبی فرستاد
 که شکر محمد صلی الله علیه
 وسلم مانند شب
 سیلاب در شب
 تاریک به شایخ
 آوردی است اخفرت
 بنزدی او آگاه گردید
 چنانچه حضرت علی و سیر چند صحابه حکم داد که زنی عازم سفر گردید در فلان مقام ادر او را خبرید یافت آن زن مکتوبی آورد از آن مرد به او دید بغیر بر صفتی و هم

يَسْبَحُ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

یاد می کند او را هر چه در آسمانها و زمین است و دوست غالب با حکمت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خداست بخشننده مهربان آغاز می کنم بسم خداست که اندازه مهربان نهایت با رحم است

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید دوست نگیرید دشمنان مرا و دشمنان خود را و دشمنان پیغام می فرستید

الرَّيْبَ بِاللَّيْثَةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ

با اطمینان پیغام بسبب دوستی و بر آید ایشان کافران با کفر آمده است بشما از دین راست بخارج می کنند رسول را و

أَيَّاكُمْ أَنْ تَوَفَّوْا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَكُمْ آيَاتُ اللَّهِ وَلَئِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ

شما را نیز بر آنکه ایمان آورده اید آیه های خداست بر شما و اگر دوست دارید که ایمان آورده اید از اوطان خود بر آنکه جاهد در راه من و طلب

مَرْضَاتِي تُسْرِوْنَ إِلَيْهِم بِاللَّيْثَةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ

در مقام من می بینم پیغام بسبب دوستی و من میدانم آنچه پنهان می کنید و آنچه آشکارا می نمایند

وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝

و هر که از شما باشد این کار هر آینه خطا کرد راه پیغام را اگر کافران بپایند شمارا دشمنان

لَكُمْ أَعْدَاءٌ وَيَسْطُوْا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ وَأَسْثَرُهُمْ بِالسُّوْءِ وَوَدُّوا

بازند در حق شما و دست می کشند بر شما و در باطنهای خود را باطنهای خود را با یاد دوست دارند که

تَكْفُرُونَ ۝ لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ يَفْصَلُ

اگر کفر کنید شما نخواهید بود شمارا خویش و ندان شمارا و فرزندان شما روز قیامت فصل خواهد کرد خدا

بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ يَتَعَمَّلُونَ بِصِيْرٍ ۝ قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي

در میان شما و خدا با آنچه می کنید پیغام است در میان شما و الله به آنچه می کنید پیغام است

إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا الْقَوْمُ هُمُ نَابِرَةٌ وَامْنَكُمْ وَمِمَّا تَعْمَلُونَ

ایبراهیم و آنکه بودند با وی چون گفتند قوم خود را بر آنچه ما به تعلیم از شما و از آنچه می فرستید

مِنْ دُونِ اللَّهِ لَعَنَّاكُمْ وَبَدَّلْنَا بُيُوتَكُمْ الْمَدَائِدَ وَالْمَبْعُثَاتِ

از غیر خدا نامتقد شدیم شما را و بدید آمد میان ما و میان شما و مکتوب شدیم از شما و ظاهر شد میان ما و میان شما و کینه

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا وَحَدَّثَ الْأَقْوَالُ إِبْرَاهِيمَ الْأَبِيرَ لَا تَسْتَعْفِفُونَ

ای کسانی که ایمان آورده اید ای کسانی که ایمان آورده اید و گفتار ایبراهیم را که پیر است و خواهی کرد

لَكَ وَمَا أَفْكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ مَا نَبَأَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنَبْنَا

برای تو بودی تو را که برای من از خدا چیزی است و گفت ای را بنیامی برود کارها بر تو توکل کردیم و بسوی تو رجوع نمودیم
برای تو بودی تو را که برای من از خدا چیزی است ای نفس ای را بنیامی برود کارها خاص بر تو توکل کردیم و بسوی تو رجوع نمودیم

وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفُ عَنَّا رَبَّنَا

و بسوی تو تست باز گشت ای پروردگار ما را از بد و گناه و کافران و بیایم از ما را ای پروردگار ما
و بسوی تو تست باز گشت ای پروردگار ما را از بد و گناه و کافران و بیایم از ما را ای پروردگار ما

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ

هر آینه توئی غالب با حکمت
هر آینه توئی غالب با حکمت
هر آینه توئی غالب با حکمت

كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَنْ يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ

امید دارو مانتات خدا را و روز آخرت را و هر که رو گردان شود پس هر آینه خدا
امید دارو مانتات خدا را و روز پسین را و هر که رو گردانند پس (بیتقین) الله است

الْحَمِيدُ عَسَى أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بَدِيلًا

ستایک است عزیز است خدا از آنکه بید کند در میان شما و در میان
ستوده کار است امید است الله که بید کند میان شما و میان

مَوَدَّةَ اللَّهِ قَدْ يُرَى وَاللَّهُ عَفْوٌ رَحِيمٌ لَا يَهْدِي اللَّهُ الْبَاطِلِينَ

دوستی را و خدا بهر چیز تواناست و خدا آمرزگار مهربان است
دوستی را و خدا بهر چیز تواناست و خدا آمرزگار مهربان است

لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبْسُ وَهُمْ

جنگ نکرده اند با شما در مقدس دین و بیرون نکرده اند شما را از خانه های شما
جنگ نکرده اند با شما در امر دین و نکرده اند شما را از خانه های شما

نَفْسُ طَوَّارٍ إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ

الضَّالِّاتِ كَتَبَ وَجْهُ الرِّشَاقِ بَرِئْتُمْ خَدَّيْكُمْ وَدَرَسْتُمْ فِي الدِّينِ الْفَافِاتِ كَتَبَ كَاتِرًا
الضَّالِّاتِ كَتَبَ وَجْهُ الرِّشَاقِ بَرِئْتُمْ خَدَّيْكُمْ وَدَرَسْتُمْ فِي الدِّينِ الْفَافِاتِ كَتَبَ كَاتِرًا

الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَى

مواصلت آنانکه جنگ کرده اند با شما در مقدس دین و بیرون کرده اند شما را از خانه های شما و معاشرت و دیگران کردند در برابر
آنانکه جنگ کردند با شما بیرون و کشیدند شما را از خانه های شما و معاشرت یک دیگر کردند

إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ يَا أَيُّهَا

آوردن شما منی که اندازانده است و در میان شما و در میان شما پس آن جماعت ایشانند ستمکاران و
در اخراج شما از آنکه دوستی کنید با آنها و هر که دوستی کند ایشان پس آن جماعت ایشانند ستمکاران ای

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ فَاجْعَلْنَهُنَّ مِثْلَ مَا جَعَلْتُمُ

مسلمانان چون بیایند پیش شما زنان مسلمان بجهت کرده پس ایشان کنید ایشانرا و خدا داناست
مؤمنان چون بیایند نزد شما زنان مسلمان بجهت کتان پس ایشان کنید ایشانرا الله داناست

بِأَيِّمَا هُنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ

بایمان ایشان پس اگر مسلمان دانید ایشانرا باز نگردانید ایشانرا
بایمان ایشان پس اگر بدانید ایشانرا که مؤمن اند واپس نگردانید ایشانرا بسوی کفار

لَا هُنَّ حِلٌّ لَكُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَكُمْ وَأَشْهَدُ مَا تَفْعَلُونَ أَهْلُ الْجَنَّةِ

نه این زنان حلال اند کافران را و نه این مردان حلال اند کافران را و بیایم بهر آنکه حرام کردند و کسی که
نه آن زنان حلال اند کافران را و نه آن مردان حلال اند کافران را و بیایم بهر آنکه حرام کردند و کسی که

نیت خواستم بر کافران منت نهادم و معاشرت این خدمت از اهل و عیال من خبر گیری کرده و با آنها سلوک نیک کند - بقره صفحہ ۵۰۰

و ما یحیی و یرزق
اقتدار با پر ایستاد
کردن و دستخوار
کافر دست نیست
والله اعلم
یعنی ایشانرا تو می دان
و ما یحیی و یرزق
در صلح حدیبیه بعضی نشاء
نقد بجهت کرده بایم
ای آند و بعضی نشاء
مسلمین مرد گشته بر کافرا
الحق می شنند خداست
تو ای حکم این جمله بیا
فرموده الله اعلم
یعنی قسم بیدان
کلیب ناخوشی
کلیب ناخوشی
عشق جوان دیگر ندان
و الله اعلم
یعنی هر که خوشتران
نقد داده بودند باز
گردانید و الله اعلم
تفسیر عثمانی
بقیه صفحہ ۵۰۰
نقیر سرعت تمام
معان شدند وزن
مذکور را عین جهان
مقام گرفتار کردند
مذکور بود از لیت صل و
منافقه زیادی خطرا
بدانین سلیم بود
خواندن معلوم شد که
حاطب بن ابی بلتعبر
نقد نوشته است و
اطلاع بجم مسلمانان
را داده است آنحضرت
حاطب را بخص و خود
خواستار علت این
حرکت را پرسید
نامیده گفت یا رسول
الله این من کفر اختیار
کرده ام و از اسلام
برگشته ام - سخن دعاست
یعنی است که اهل عیال
من در که بود هیچ کس
حاجی و در کار آنها

فمن ينفق بغير حق
اقامت بغير حق و الله
اعلم ان الله لا يفرق بين
مردت و باشر كان حق
خود و مبراد باطل و باطل
اگر زن مسلمان شود
بجرت که مبراد باطل و باطل
و الله اعلم ان الله لا يفرق
فمن ينفق بغير حق و الله
اعلم ان الله لا يفرق بين
مردت و باشر كان حق
خود و مبراد باطل و باطل
اگر زن مسلمان شود
بجرت که مبراد باطل و باطل
و الله اعلم ان الله لا يفرق

عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ

بر شما که نکاح کنید بایشان چون بدیدید ایشان را مهر ایشان و نگاهدارید
بر شما که نکاح کنید بایشان چون بدیدید ایشان را مهر ایشان و نگاهدارید

الْكُفْرِ وَتُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكُفْرِ وَلَيْسَ لَكُمُ الْمَالَ أَنْ تْفْقَهُوا إِنْ كُنْتُمْ كَافِرِينَ

ازان مسلمانان را و طلب کنید آنچه شما خرج کرده و باید که مشركان طلب کنند آنچه خرج کرده و الله اعلم ان الله لا يفرق
ازان کافر را و بخواهید آنچه خرج کرده اید و بخواهید که ازان آنچه خرج کرده اند و الله اعلم ان الله لا يفرق

بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ

میان شما و کفار دانستے با حکمت است و اگر از دست شما بروی کسی از زنان شما که کفار
میان شما و کفار دانستے با حکمت است و اگر از دست شما بروی کسی از زنان شما که کفار

فَعَاقِبْتُمْ فَاقُوا الَّذِينَ ذُكِرَتْ أَرْوَاجُهُمْ قُلْ مَا تَقْوُوا وَلْتَقُوا اللَّهَ

پس عقوبت رسانید کافران را الله پس بدیدید آنرا که رفت بایشان ازان که ماند آنچه خرج کرده باشند و الله اعلم ان الله لا يفرق
پس عقوبت رسانید کافران را الله پس بدیدید آنرا که رفت بایشان ازان که ماند آنچه خرج کرده باشند و الله اعلم ان الله لا يفرق

الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَاطِنُ

که شما را و باور دارند اید و الله پس بدیدید آنرا که رفت بایشان ازان که ماند آنچه خرج کرده باشند و الله اعلم ان الله لا يفرق
که شما را و باور دارند اید و الله پس بدیدید آنرا که رفت بایشان ازان که ماند آنچه خرج کرده باشند و الله اعلم ان الله لا يفرق

عَلَى أَنْ لَا يَشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسِرَّنَّ وَلَا يَزْنِيَنَّ وَلَا يَفْتُلَنَّ

باین شر که شریک معترف باین شر را و از وی تلفند و زن نکند و زن نکند و زن نکند
باین شر که شریک معترف باین شر را و از وی تلفند و زن نکند و زن نکند و زن نکند

أَوْ لَا دَهْنٍ وَلَا يَأْتِيَنَّ بِهِمَا نَاكِحًا وَلَا يَكُنَّ لَهُمَا نِكَاحٌ وَلَا يَكُنَّ لَهُمَا نِكَاحٌ

او لا خود را و چهاردهن دروغ را که اگر از آن کرده باشند آنرا در میان و دستهای و دستهای و دستهای
او لا خود را و چهاردهن دروغ را که اگر از آن کرده باشند آنرا در میان و دستهای و دستهای و دستهای

يَعَصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَيَايَعُضَنَّ وَأَسْتَغْفِرَنَّ لَهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

تا قرآن تلفند ترا در کار نیک پس بیعت قبول کن از ایشان و طلب آمرزش کن بر آنکه از خدا بپوشد و الله اعلم ان الله لا يفرق
تا قرآن تلفند ترا در کار نیک پس بیعت قبول کن از ایشان و طلب آمرزش کن بر آنکه از خدا بپوشد و الله اعلم ان الله لا يفرق

رَحِيمٌ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَوَلُّوا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ

مهربان است از مسلمانان دوستی ندارید با گروهی که غضب کرده است
مهربان است از مسلمانان دوستی ندارید با گروهی که غضب کرده است

قَدْ يَسْأَلُونَ مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَسْأَلُ الْكَافِرُ مِنَ الْأَصْحَابِ الْقُبُورِ

آن جماعت بپرسد از آخرت چنانکه بپرسد از کفار از اهل قبور
آن جماعت بپرسد از آخرت چنانکه بپرسد از کفار از اهل قبور

يَسْأَلُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ

پرسد الله را که بخشنده و مهربان است
پرسد الله را که بخشنده و مهربان است

سَبَّحَهُ اللَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

بهای با کوفت بپرسد از آسمانها و زمین است و آنچه در زمین است و آنچه در زمین است
بهای با کوفت بپرسد از آسمانها و زمین است و آنچه در زمین است و آنچه در زمین است

آمَنُوا لَا تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ كَذَبٌ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا

مسلمانان چه می گویند آنچه نمی کنید بزرگ است از روی قسم نزد الله آنکه بگویند
مسلمانان چه می گویند آنچه نمی کنید بزرگ است از روی قسم نزد الله آنکه بگویند

ملک یوزن ۱۱۱

یعنی آنکه بر وزن هر کس

تفسیر عثمانی

یعنی هر که در حق

رنگ و راحت ظاهر

در حال فرمان الله و

رسول الله را پذیرد

اگر چنان که در حق تعالی

خود شاست رسول

خدا را نیک و بد را

فنا نموده و طاعت خود را

ادانوده از اطاعت

و یا محضیت شایر

الله بچ نفع و انفعالی

نبرد - با اوقات

السان در محبت و

طریقیان و اطفال

گرفتار

آمد الله

و احکام

۱۵

اورا فرمود می

کند در این تفکرات

افتاده و رنگ چهره

بر می گردد از چنین

شی محرم میشود فانی

با در هر روزی زن و

اولاد و وقت اورا

آرام می گذارد و درین

گیر و دار مبتلا شده

از آخرت غافل

میشود - بر ظاهر است

که اهل و عیالی که سبب

این هدر خنده و لغو

کلان گردند حقیقتا

دوست گفته نمی شوند

بلکه بدترین دشمنان

اند و دشمنی و عداوت

آنها را بسیار اوقات

انسان احسان نمی

کند از همین سبب

حق قضاطی خاطر آن

نموده از این دشمنان

بر خدا باشد و رویه

را اختیار نکند که

سبب اصلاح و بهبود

و نیکی ایشان بدو

بر باد آید و این نتیجه

باشد مطلب آن نیست

که در دنیا تمام زحمات

و همه اولاد از همین قبیل

قَامُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْتَّوْرَ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ يَمَّا تَعْمَلُونَ

پس ایمان آورید بخدا و رسول او و بنود که در فرستاده ایم و خدا با آنچه می کنید

پس ایمان آورید به الله و رسول او و بنود که در فرستاده ایم و خدا با آنچه می کنید

خَيْرٌ ۝ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ

خیرتر است (خیر داده شود شمار او قلیل) روزی که جمیع کس را در روز جمع (قیامت) آفریند و در روز و با حقن (طهور عین) است و هر که

بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيَدْخُلْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ

بخدا و بپند کارشاسته و در کند از هر چه باشد او را و در آورش به بوستانها میرود

تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْقَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ وَالَّذِينَ

زیر آن جویها جاویدان آنجا همیشه است نیز روزی بزرگ و آنجا

كُفَرُوا وَكَانُوا يُبَايِعُونَكَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَالَّذِينَ كَانُوا يُبَايِعُونَكَ

کافر شدند و کذب کردند آیات ما را آن جماعت اهل دوزخ اند جاویدان آنجا و بد جانیت

الْمُؤْمِنِينَ مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ

دور از هر چه می رسد هیچ مصیبت مگر بحکم خدا و هر که جویند بخدا

يَهْدِ قَلْبَهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ

راه نماید دل او را و خدا بر چیز داناست و اطاعت کنید خدا و اطاعت کنید رسول را

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلْغُ الْمُبِينُ ۝ وَاللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ

پس اگر روگردان شوید پس جز این نیست که بر شما مبراینم رسانیدن آشکار است خدا هیچ معبود نیست مگر او و

عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا

بر خدا باید که توکل کنید مؤمنان ای مسلمانان بر آئیند بعض

أَرْوَاجَكُمْ وَأَوْلَادَكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا

ازواج شما و بعض اولاد شما دشمنان اند و حق شایس بر سرید ایشان و اگر عفو کنید و رو بگردانید

تَعَفَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فَتَنَةٌ

بیاورید پس هر آنچه خدا آفریدگار مهربان است جز این نیست که اموال شما و اولاد شما آزمون است

وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا

خدا از نزدیک او است مزد بزرگ پس بترسید از الله هر قدر که توانید و سخن شنوید و

أَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شَهْرَ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ

فرمان برون کنید و خرج کنید بهتر باشد برای جان شما و هر که نگاه داشته شد از بکل نفس خود پس آن جماعت

طاعت کنید و خرج کنید برای خیر نفس باشد خود و هر که نگاه داشته شود از حرم رجب (نفس خود پس آن جماعت

طاعت کنید و خرج کنید برای خیر نفس باشد خود و هر که نگاه داشته شود از حرم رجب (نفس خود پس آن جماعت

طاعت کنید و خرج کنید برای خیر نفس باشد خود و هر که نگاه داشته شود از حرم رجب (نفس خود پس آن جماعت

طاعت کنید و خرج کنید برای خیر نفس باشد خود و هر که نگاه داشته شود از حرم رجب (نفس خود پس آن جماعت

طاعت کنید و خرج کنید برای خیر نفس باشد خود و هر که نگاه داشته شود از حرم رجب (نفس خود پس آن جماعت

طاعت کنید و خرج کنید برای خیر نفس باشد خود و هر که نگاه داشته شود از حرم رجب (نفس خود پس آن جماعت

طاعت کنید و خرج کنید برای خیر نفس باشد خود و هر که نگاه داشته شود از حرم رجب (نفس خود پس آن جماعت

طاعت کنید و خرج کنید برای خیر نفس باشد خود و هر که نگاه داشته شود از حرم رجب (نفس خود پس آن جماعت

طاعت کنید و خرج کنید برای خیر نفس باشد خود و هر که نگاه داشته شود از حرم رجب (نفس خود پس آن جماعت

هُمُ الْمُفْلِحُونَ ٦ اِنْ تَقَرُّضُوا لِلّٰهِ فَرَضًا حَسَنًا يُضَعِفْ لَكُمْ وَيَغْفِرْ

اگر قرض دینید خدا از قرض شما دو چند بدین شما را و اگر قرض دینید خدا را قرض شما دو چند بدین شما را

لَكُمْ وَاللّٰهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ٧ عَلِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ٨

شمارا و خدا قدر شناس برادر بار است و دانسته پنهان و آشکارا و شمارا و خدا قدر دان برادر بار است و دانسته پنهان و آشکارا

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ٩ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

بسم خداوند بخشنده مهربان آغاشی کنم بنام خداوندی که بی اندازه مهربان به پادشاهان است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اذْأَطْلَقْهُنَّ السَّاءَ فَمَا شَوِهْنَ لِعَدَّتْ زَهْرًا وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ ١٠

ای پیامبر بگو امت خود را چون اراده کنید طلاق دادن زنن پس عداقت ایشان را در اول عدت ایشان و در شمار کنید عدت را

فَقَالُوا لَكَ رَبُّكُمْ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ

بر شما از الله که رب شما است بگویند ایشان را از خانه های ایشان و بایه که ایشان نیز بیرون شوند مگر آنکه بعل آید

بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ ١١ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ

کار بے حیائی آشکارا و این حد بای مقرر کرده الله است و هر که تجاوز کند از حدود الله پس با تحقیق ظلم کرد بر خود

لَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ١٢ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ

نمی دانید شاید که خدا بعد از آنکه بعد از طلاق کار کرد پس چون برسند میعاد خود پس نگاه دارید ایشان را

مَعْرُوفًا وَفَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ ١٣ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ ١٤

بوجه پسندیده یا جدا کنید ایشان را بوجه پسندیده و نگاه دارید دو کس صاحب نفوس را از قوم خود و راست ادا کنید شهادت را

لَكُمْ يَوْمَ عَظِيمٍ ١٥ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ١٦ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ

روز عظیم این حکم که رسیده داده شود بآن هر که مؤمن باشد بخدا و دیر روز آخر و هر که بتقوا از خدا

يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا ١٧ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ١٨ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ

پیدا آرد بر او راه و مخرجی از اضلاس گاه و رزق بدین را از آنجا که گمان ندارد و هر که توکل کند بر الله پس خدا

حَسْبُهُ ١٩ اِنَّ اللَّهَ بِالْأَمْرِ أَعْرَضٌ ٢٠ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ٢١ وَالَّذِي يُكْسِنُ

بسی است او را بر آنچه خدا رسیده است امر را خود را بر آنچه رسیده است خدا بر چیزی را اندازه و آنرا که بپوشد

مِنَ الْحَيِضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ رَأَيْتُمْ فَلَهُنَّ ثَلَاثَةٌ أَوْ أَرْبَعَةٌ أَوْ خَمْسَةٌ ٢٢

از حیض از زنان شما و اگر بینید از آنها بعد از طلاق ایشان سه است یا چهار است یا پنج است

أَوْ سِتٌّ ٢٣ وَأُولَئِكَ أَجَالُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ٢٤ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ

و آنرا که این عدت ایشان است که بگذارند حمل خود را و هر که بتقوا از خدا پدید آرد

مل بعد از طهر سه
بر ماس نکره یا بشیر
۱۱ وقت یعنی موافقت
۱۲ پدید آید و مراجعت
۱۳ کند و الله اعلم
۱۴ مستحکم از مطلق
۱۵ تفسیر عثمان
۱۶ است و اغلب این
آیت اگر چه حضرت
رسول کریم صلی الله
علیه وسلم است مگر
خطاب بنام امت
است یعنی چون مردی
از شما برادر که ضرورت
و تجوری طلاق زن
خود را داده کند باید
بر عدت طلاق بدین
در سوره بقره مخرج
داشته که عدت
مطلقه مرجع است
(لما یومض المیض)
بنابر این پیش از حیض
در حالت طهر باید زن
را طلاق داد تا تمام
حیض داخل شده بود
کنند که اگر در آن طهر
طلاق دهاند حال طهر
آن حیض را در طهر طلاق
دهد است و عدت سه
گنیم و باز در صورت
پیش از انقطاع طلاق هر
قدر وقت از حیض گذشته
از عدت کم میشود و حیض
کامل یعنی تا آخر
درم چون علاقه بر
حیض موجوده مرجع
شمار میشود بنابر این
این حیض زیاده از
مرجع نخواهد بود بنا
بر این طریق مشروع
همین است که طهر
طلاق داده شود و از
عدت این قید هم
است که در آن طهر
مباشرت نکند و مباشرت

صلی الله علیه و آله حضرت
علیه السلام در مقام مردم آمد
و فرج کنایت است

اندم ۱۲-
تفسیر عثمانی
ع حضرت
نوح و حضرت ۱۹

وطح چندگان نیک و
مکرم خانه هر دو ظاهرهای
آنهاست و بود و ظاهرهای
این دنیا با غیر این مخلوق
داشتند نیک و بد
شریک حال کافران

بودند بیندیشد انجام آنها
چرا شد الله تعالی ایشان
را هم به همراه عام
و دوزخیان به دوزخ

انداخت و شتر و حیوانات
پیغمبران آنها را از دوزخ
عذاب الهی را بپایند
توانست بر عکس آنها
خانم فرعون حضرت

آسیه بنت مزاحم
ایماندار را با خود و لیه
کامله دشوهر او و بزرگترین
باغی خدا بود آن خانم
نیک شوهر خود را از

عقاب خدا بپایند
توانست و از جرم
بنیاد و شرارت
شوهر باغی خود را بکشد

ترسید حضرت
شاهزاده الله
میوید یعنی
ایمان خود را دست

کنید نه دشوهر زن
خود را بخت داده می
تواند زن دشوهر را
این (نارون بطوریکه)

بپوشیده اند و شده
است بنیاد ای و هم
بدل آورده شود که
(صدا الله) بیان

این مثل به ازدواج
مطهر است که است
بیکر در ده آب آن غرق
شد که در سوره نور است

لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا

سخت و نافرمانی نمی کنند خدا را در آنچه فرموده است ای کسانی که کفر را
نازبانانی نمی کنند الله را در آنچه فرموده است خدا را ای کسانی که کفر را می شناسند (کفر می شود در اندرون) ای کافران

لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

عذر پیش من نیارید امروز جز این نیست که جزا داده میشود شما را بحسب آنچه می کردید ای مسلمانان

تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً تَصَوحًا عَسَىٰ تَكُونُ ۚ إِنَّ يَكْفُرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلُكُمْ

رجوع کنید بسوی الله توبه خالص امید هست از پروردگار شما که از این کفر از شما بپوشاند شما را در آورده شمارا
توبه کنید بسوی الله توبه خالص امید است که پروردگار شما دور کند از شما کفران شما را در آورده شمارا

جَنَّةٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا

بهشتی است که رود زیر آن جویها روزی که رسوا نکند خدا چنانچه را و نه آنرا که ایمان آورده اند
به پوستان که پیوسته میروند زیر (قهر بای) آن جویها (میدار آورده) در روزی که رسوا نمی کند الله بپوشاند را و آنرا که ایمان آورده اند

مَعَهُ تَوَكَّلْهُمْ كَيْفَ يَبِينُ آيَاتِهِمْ وَيَأْتِيَهُمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا آتِنَا زُكُوفًا

همراه او توراتش می رود میان دو دست ایشان و بجانب راست ایشان می گویند ای پروردگارا ما را به برکت ما و زکات ما
همراه او و توراتش می رشتاید پیش روی ایشان و طوطی بای راست ایشان می گویند ای پروردگارا ما را به برکت ما و زکات ما

اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ

بیامرز ما را هر آنچه تو بر هر چیز توانائی ای پیغمبر جهاد کن با کافران و منافقان

وَأَعْلَظْ عَلَيْهِمْ وَمَا أَهْلُهُمْ وَلَا يَكُونُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ ۝ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ

در مشقت مشو بر ایشان و چنانچه ایشان در مشقت و در پی پدید آورده است از برای ایشان
در مشقتی که بر ایشان و چنانچه ایشان در مشقت است و در پی پدید آورده است از برای ایشان

كَفَرُوا أَمْرَاتِ نُوحٍ وَآمَرَاتِ لُوطَ ۚ وَكَانَ تَحْتِ عِبَادِي مِنْ عِبَادِي نَا

کافران زن نوح را و زن لوط را بودند زیر نگاه و پیوسته شایسته از
کافران زن نوح را و زن لوط را بودند زیر نگاه و پیوسته شایسته از

صَاحِبِينَ فَخَانَهُمَا فَلَمْ يُعَيَّا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ

بنده گان ما پس خجاست کردند آن دو بنده پس دفع نه کردند ایشان از آن دوزخ پس از عذاب خدا
بنده گان صاحب پس خجاست کردند آن دو بنده پس دفع نکردند ایشان از آن دوزخ پس از عذاب (الطه) و گفت

مَعَ الَّذِينَ أُخْلِلُوا ۝ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا أَمْرَاتِ فِرْعَوْنَ إِذْ وَكَلَتْ

با دشوهران گان و پدید آورده است از برای ایشان که ایمان آورده زن فرعون را چون گفت
با دشوهران گان و بیان کرد الله یک مثل برای مؤمنان زن فرعون را چه چون گفت

رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِی الْجَنَّةِ وَرَجِّعْنِي إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَكُلِّدْنِي حَبْنِي مِنْ

ای پروردگارا من بپای تو یک خانه در بهشت و خلاص کن مرا از فرعون و کار او و خلاصی ده مرا از
ای پروردگارا من بپای تو یک خانه در بهشت و خلاص کن مرا از فرعون و کار او و خلاصی ده مرا از

الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَفَرِّغْنَا بِتِجَارَتِ عَمْرٍو النَّبِيِّ أَحْصَيْتُ فَرِحًا أَفْتَحْنَا فِيهِ

قوم ستم گران و مریم دختر عمران را که نگاه داشت فرج خود را پس دیدیم در فرج او
قوم ظالمان (و مثل بیان کرد خدا) مریم دختر عمران را که نگاه داشت فرج خود را پس دیدیم در فرج او

مِنْ رُوحِنَا وَصَلَّاهُ لَقَدْ بَيَّنَّاهُ لَهَا وَكُتِبَ وَكَانَتْ مِنَ الْقَبِيلَيْنِ ۝

روح خود را و باور داشت سخنان پروردگار خود را و کتابهاست او را و بود از فرما پروردگار گان و
یک روح از طرف خود و لیس حق که سخنان پروردگار خود را و کتابهاست او را و بود از عبادت کنندگان

شده که در سوره نور است - الطهین رو بر بفرس محال چنان به کاره شود مثال حاضر از فرعون بر کرامت کس تعجب کرده شود - لا حول ولا قوة الا بالله

صلی عزیم گویند این

مثل است کافر من

داد انشاء الله

تفسیر عثمانی

عنه اول در باب

آسمان زمین تذکار

ملیان آمده بود در بخا

نکر چیز پای است

که بین زمین و

آسمان واقع

است یعنی قدرت خدا

بینند که برندگان در میان

زمین و آسمان گامی

باز نکرده گامی آنرا

مع کوه چگونگی پرواز

می باشد و با وجودیکه

جسم آنها لقیل و لعل

الی المیزان است پایان

نمی افتند و توفه چای

زمین این پرندگی کوچک

را بسوی خود جذب

می کند بخوبی بدون

رحمن دست کبریت

که آنها را در فضا

نگه

دشته

است

بیشک

رحمت و حکمت خود

ساختن آنها را چنان

کرده و در آن توفی نهاده

است که این پرندگان

بیان و سید ساخت

بای و در آن هوا قیام

کرده و توانسته بهمان

ذات تعالی استدل و هر

چیز را امید اند و تمام مخلوق

را در خلقت خود نموده

میدارد شاید باین

مثال پرندگان درین

موقع بدین طریقی هم

اشاره باشد که خداوند

آسمان به تنزیهی غدا

قادر است و کفار از

کفر و شرارت خود

عذاب نیز می باشد لیکن

السَّعِيرُ ۱۱ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ

دوزخ را هر آینه آنکه می ترسند از پروردگار خویش

و دوزخ را (بخش) آنکه می ترسند از پروردگار خود

کبیر ۱۲ وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۱۳

بزرگ و پنهان کنید سخن خود را یا آشکارا گویند آنرا

بزرگ و پنهان کنید سخن خود را یا آشکارا گویند آنرا

الْأَيُّعَلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ ۱۴ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ

آیا نداند سیکه آفرید و دوست یاریک بین خبردار

آیا نداند (آیه در دلهاست) آنکه که می آفرید (مخلوق را) دوست دانسته اسرار خردار دوست آن ذاتیکه گردانید برای شما

الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهَا وَالْيَدِ

زمین را تاراه رویه در نواحی آن و بخورید از رزق خدا و سهی دوست

الْكُشُورِ ۱۵ أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا

برای گفتن آیا امن شده اید از کسی که در آسمان است از آنکه فرود شمارا

دو باره زنده شدن آیا امن شده اید از کسی که در آسمان است از آنکه فرود شمارا

هِيَ تَكُونُ ۱۶ أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا

زمین جنبش کند آیا امن شده اید از کسی که در آسمان است از آنکه بفرستد بر شما

زمین جنبش کند آیا امن شده اید از کسی که در آسمان است از آنکه بفرستد بر شما

فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ۱۷ وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ

پس خواهید دانست چگونه ترسانید من و هر آینه دروغ داشتند آنکه پیش از ایشان بودند پس چگونه

پس خواهید دانست چگونه است ترسانیده من و (بخش) تکذیب کردند آنکه پیش از ایشان بودند پس چگونه

كَانَ نَذِيرِ ۱۸ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفًى وَيَقْبِضْنَ ۱۹

عقوبت من آیا ندیده اند بسوی مرغان بالا که خود گشاده باز و گاه

بودا کار من آیا ندیده اند بسوی مرغان بالای سر ایشان گشاده بال و جمع کنند (آن)

يَمْسِكُهُمْ إِلَّا الرَّحْمَنُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ۲۰ أَمْ نَكُنْ

نگاه میسازد ایشان را مگر خدا هر آینه او بهر چیز بیناست آیا نیست آنکه

نگاه میدارد ایشان را مگر رحمن (هر آینه او بهر چیز بیناست) آیا نیست آنکه

هُوَ جُنْدُكُمْ يُنْصِرُكُمْ مَنْ دُونِ الرَّحْمَنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِى

و است لشکر است برائے شهادت میدهد شمارا بخیر خدا نیستند کافران مگر در

دی لشکر است برای شما که مدد کند شمارا بخیر رحمن نیستند کافران مگر در

عُزُورٍ ۲۱ أَمْ نَكُنْ لَكُمْ آيَاتٍ أَنْ تَتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تَسْتَعِينُوا

فریب آیا نیست آنکه روزی دید شمارا اگر باز کرد خدا رزق خود را

فریب عهه آیا نیست آنکه روزی دید شمارا اگر منع کند خدا رزق خود را چنین نیست بلکه

لِجَوَابِ عَتَاكُمْ وَتَقَوُّوا ۲۲ أَمْ نَكُنْ لَكُمْ آيَاتٍ أَنْ تَتَّقُوا اللَّهَ أَنْ تَسْتَعِينُوا

حکم بدست اند در سرگشتی و رسیدگی آیا سیکه برود تو سوار افتاده بر دوش خود را یا تفرستد یا کسی که

حکم بدست اند در سرگشتی و رسیدگی آیا سیکه برود بر روی خود افتاده راه یافته تراست یا کسی که

يَمْسِكُكُمْ سَوْيَا عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۲۳ قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَ

میرود راست ایستاده بر راه راست

میرود و راست ایستاده بر راه راست

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

و

قلب یعنی برادر و شریک
تفسیر عثمانی

عنه چون با ایمان
داریم یقین است که بطریق

ایمان رستگار خواهیم شد

و چون یقینی میج بر همان
ذات توکل داریم کامیاب

دارم مقاصد یقینی است

درین توکل علی الله نهی

حسبه ان الله بالغ امره

برود چیز و بود شمشا

نیست خدا ایمان و توکل

پس شما چه طوری فکر

بسته علم هستد علم یقینی

ما چنانکه شایگان دارد

و یا شایگانکه مافقیده

داریم همه همایان

زندگی و پاکت بیغوث

همان الله تعالی است

مشق آب که سبب زندگی

بر چیز است فرض کنید

آب آب چه شرب و آجابه

خشک شده جرین

فرود و چنانکه اکثر مردم

تابستان پیش می آید

کیست که آب صاف

و شفاف مانند روانه

۲ رابان مقدار کثیر

۱۶ کبرای زندگی و تندرستی

شما کافی باشد بسیار

۲ کند همه را باید که خون

منقول بر همان خلق اصل

و مالک علی الاطلاق توکل

جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ ۖ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۝

پدید آورد برائے شما شنوایی و چشم و دلها اندکے شکر می کنید

و دلها اندکی شکر می کنید

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ

بگو اوست که پراکنده ساخت شما را در زمین و بسوئے او برآیند جمع کرده خواهد شد و می گویند (کاروان برای

مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ

کے یا خدا این وعده اگر راست گوئید بگو جز این نیست که علم نزد یک

چند وقت باشد (آدم) این وعده اگر راست گوئید بگو جز این نیست که علم (قیامت) نزد

اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۝ فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيَّئَتْ وُجُوهُ

خداست و جز این نیست که من بیم کننده آشکارم و آنگاه که بر بینند که او در نزدیکی شد و ناخوش گشته و صورت روئے

الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنتُمْ بِهِ تَدَّعُونَ ۝ قُلْ

آنکه کافر شدند و گفته شود (از طرف خدا) این است آنچه می طلبید آنرا بگو

أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكْنِي اللَّهُ وَمَنْ مَعِيَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ يُجِيرُ

آیا دیدید اگر بیاک کند مرا خدا و آنرا که همراه من اند یا رحمت کند بر ما هر حال که خدا می دهد

الْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابِ الْيَوْمِ ۝ قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ أَمَّنَّابَهُ وَعَلَيْهِ

کافران را از عذاب درود منده بگو اوست بخشنده با و ایمان آوردیم و بر اوئے

تَوَكَّلْنَا ۖ فَسْتَعْلِمُونَ مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ قُلْ

توکل نمودیم پس خواهید دانست که کیست در گمراهی آشکار عده بگو

أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ۝

آیا دیدید اگر شود آب شما فروفته پس که پیارد بر شما آب روان را خوب بینید اگر گردد وقت صبح آب شما

فروفته پس کیست که پیارد برای شما آب روان را

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

طایفه یعنی ستم الله
 آنست که مردم را من
 غالب متغف باین
 صفات و ذیل باشند
 و کلمات است از
 رسا که در ۱۲ صلی
 آتش در گرفت ۱۲ صلی
 یعنی این بوستان دیگر
 است بوستان نیست
 و شایع در جوار
 بخارند ۱۲
 تفسیر عثمانی
 عه چند بار بود که
 برای شان از پدر ایشان
 یک بار میوه میراث
 مانده بود شاید در آن
 زراعت بهم عمل می آمد
 تمام خانه از حاصلات
 آن آسوده بود از زراعت
 پدرشان عادت بود که
 روز یک میوه چیده می
 شد و باشت در می
 شد و آنرا محتاج بای
 شهر و آنجا می می شد
 پدرشان هم را می می
 میداد حقیقه برکت
 در آن باغ از سبب
 همین بخشش بود بعد از
 انتقال او به بران چنین
 خیال کردند که این قدر
 مالیکه فزای میزند اگر
 بکار خود بایاد بهتر
 خواهد بود چنانچه میراث
 را پس از آنکه میراث
 بماند محتاجان شود
 تمام حاصلات بخانه ما
 داخل گردد پس بدین
 خود مشوره کرده این
 را می قرار یافت که در
 آغاز میوه در اجاره
 بخانه میادیم و تنگی
 فقرا را آنجا برونه
 نماند برین تدبیر خود
 آنقدر فقیران و اهلان
 کردند که اهل الله
 بهم گفتند عه شایع

أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۝ فَلَا
 دان خست به کسی که گم راه او را و او خست بر راه یافتگان پس
 دان خست به کسی که گم شد از راه او و او خست بر راه یافتگان پس
 تَطْعَمُ الْمَكْنِيَّيْنَ ۝ وَذَوَا الْوُدِّ هُنَّ قَيْدُ هِنُونَ ۝ وَلَا تَطْعَمُ
 فرمان بر دروغ دارندگان را که از خود که ملاحت کنی تا ایشان نیز ملاحت کنند و زمان قبول کن
 اطاعت کن مکن مکنین را که از خود که ملاحت (ساحی کنی) در بعضی امور حق تا ایشان نیز ملاحت کنند (در گذرند از مسلک خود) و او خست
 كُلَّ حَلَاظٍ مَّهْيَيْنٍ ۝ هَمَّازٌ مَّشَاءٌ بَنِيهِمْ ۝ مَتَاعٌ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ
 بر بسیار سوخته خورنده محقر را بسیار غیب کننده را بر رنده سخن چینی را بر چینی کننده به مال از حد گذشته
 بر بسیار سوخته خورنده محقر را بسیار غیب گوئی بر رنده چینی بسیار رنگ کننده غیر متجاوز از حد (از حد گذشته در ظاهر)
 أَتَيْتُمْ ۝ عَتَلٌ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٌ ۝ أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ ۝ إِذَا
 کنایه از هر سخت و آساز از این بهتر بدنام بسبب آنکه دست صاحب مال و فرزندان تکذیب کردند چون
 تَتَلَّ عَلَيْهِ ائْتِنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ سَنَسِيحُهُ عَلَى تَخْرُومٍ ۝
 خوانده شود بر روی آیات ماکو عاف از پیشینیان است و از خوانیم نهاد او را بر پیشینی و
 خوانده شود بر روی آیات ماکو عاف از پیشینیان است بزدی و از بنیم او را بر خرطوم (بینی)
 إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ ۝
 هر آینه ما آزمودیم ایشان را چنانکه آزموده بودیم خداوندان بوستان را چون قسم خوردند که البته در وقت صبح را صبح کنان
 (بیتقی) ما آزمودیم ایشان را چنانکه آزموده بودیم هر چنان باغ را آنگاه که قسم خوردند که البته قطع کنند میوه باغ را در حالیکه داخل باشند
 وَلَا يَسْتَنْوُونَ ۝ فَطَافَ عَلَيْهِمُ طَائِفَةٌ مِّنْ رَبِّكَ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝
 و ان شاء الله تعالی گفتند پس برگرد آمد بران بوستان بلائی از جانب پروردگار تو رفت و ایشان خود را بودند
 و استغاثه کردند (از اشرار الله) نگفتند عه پس بیاید در مش بدان باغ طواف کنند از پروردگار تو در حالی که خواب بودند
 فَاصْبِرْ كَاصْصِرِيمٍ ۝ فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ۝ إِنِ اعْدُوا عَلَيَّ
 پس شد مانند زراعت بریده شده عه پس بایکدیگر آواز دادند صبح کنان که بیاید و روید
 پس گفت باغ ایشان مانند باغ میوه بریده شده پس آواز دادند یک دیگر را صبح کنان بایکدیگر بروید بوقت صبح
 حَرِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ ۝ أَنْ
 ملشت خود اگر در و گفتند و اید پس رفتند بایکدیگر سخن پنهان گویند بایکدیگر
 گفت خود اگر بپسند قطع کنند کنان پس رفتند در حالی که بایکدیگر مخفی گفتند
 أَلَيْدَ خَلَقَهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ ۝ وَغَدَا عَلَى حَرْدٍ قَادِرِينَ ۝
 و اهل نشوند در بوستان امروز بر شما بیچاره فقیر و بیچاره در قدرت و شدت در حالی که توانا و بزرگم خود
 و اهل نشوند در باغ امروز بر شما بیچاره فقیر و بیچاره در قدرت و شدت در حالی که توانا و بزرگم خود
 فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُونَ ۝ بَلْ لَّحْنٌ مَّحْرُومُونَ ۝ قَالَ
 پس آگاه کردند که دیدند آن بوستان را گفتند بر آینه ما غلطه کردند را پس گفتند نه بلکه محروم کرد گایم گفت
 پس چون دیدند آنرا (سیاه سوخته) گفتند (هر آینه) ما کم کرد گایم باغ را (پیشین نیست) بلکه ما کم کرد گایم گفت
 أَوْسَطُ هُمُ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ لَوْ لَا تَسْمَعُونَ ۝ قَالُوا سُبْحَنَ رَبِّنَا إِنَّا
 بهترین ایشان آینه گفت بودم شمارا که چرا نمی شنیدید گفتند بیانی یاد می کنیم پروردگار خود را هر آینه ما
 بهترین ایشان آینه گفت بودم شمارا (چنین نباید کرد چرا بایکدیگر خدا را گفتند بایکدیگر است پروردگار ما هر آینه ما بودیم
 كَتَاظِمِينَ ۝ فَاقْبَلْ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَامِؤْنَ ۝ قَالُوا
 ستمکاران پس رو آوردند بعضی ایشان بر بعضی بایکدیگر ملاحت کنان بایکدیگر ملاحت می کردند
 ستمکاران پس روی آورد بعضی ایشان بر بعضی بایکدیگر ملاحت می کردند بایکدیگر ملاحت می کردند

با دسم بر خاست و آنرا سوخته نده یافت دیگر آن را گرفت چنانچه تمام زراعت و باغ زمین هموار شد رسه برادر میانه که به بیشتر ترین آنجا بود و در زمین مشوره دیگر

نوح الرحمن

صلوات الله علیہ

ست از شدت حال

تفسیر عثمانی

ترجمه آیت الله العظمی

امام خمینی

راغب اصفهانی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

امام خمینی

يُؤَيِّنَا تَاكِتًا طَغِينًا ۝ عَسَىٰ رَبِّنَا أَنْ يَبْدُلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ

است و ای ما را آید یا بدویم از حد گذشتن امید است پروردگار ما که عوض دهد ما را بوسیله ای بهتر از این بر آید ما را بوسیله

رَبِّنَا غَيُورٌ ۝ كَذٰلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ اَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝

پروردگار خود را بخشنده و دانا و پندگزار است عذاب و عذاب آخرت بزرگتر است اگر

يَعْلَمُونَ ۝ اِنَّ الْمُسْلِمِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ۝ اَفَنَجْعَلُ

مسلمانان را برابر کفار را از روی عذاب و عذاب آخرت بزرگتر است اگر

الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ۝ مَا لَكُمْ وَقِفَةٌ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۝ اَمْ لَكُمْ

مسلمانان را برابر کفار را از روی عذاب و عذاب آخرت بزرگتر است اگر

كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ۝ اِنَّ لَكُمْ فِيْهِ لَمَّا تَخَيَّرُونَ ۝ اَمْ لَكُمْ

کتابی که در آن می خوانید که برای شما در آن است آنچه می پسندید

اِيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْبَعْثِ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۝ اِنَّ لَكُمْ لَمَّا تَحْكُمُونَ ۝ سَلِّمُوا

ایمان ما را بر شماست که هرگز نیستی و قیامت است آنچه می پسندید

اِيْهُمْ بِذٰلِكَ زَعِيمٌ ۝ اَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَاْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ اِنْ

آنها را باینکه آنان را می پسندید که هرگز نیستی و قیامت است آنچه می پسندید

كَانُوا صٰدِقِيْنَ ۝ يَوْمَ يَكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ اِلَى السُّجُوْدِ

روزی که از پندگزاران جدا شود و خوانده شود ایشان را بپسندیدن

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۝ خَاشِعَةً اَبْصَارُهُمْ زَهْقَةً ذٰلِكَ وَقَدْ كَانُوا

پس نتوانند عذر در حالی که پندگزاران را خوانده باشند چشمهای ایشان را پوشاندند ایشان را از حد گذشتن و (بجای)

يُدْعَوْنَ اِلَى السُّجُوْدِ وَهُمْ سَالِمُونَ ۝ قَدْ رَنَىٰ وَمَنْ يَكْذِبْ

خوانده می شوند بپسندیدن و در حالی که ایشان را تشنه است بودند پس بپسندیدن را که تشنه است می پسندد

بِهٰذَا الْحَدِيثِ تَسْتَسْتَدِرُّهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَاٰمِلِي

اینها را که این حدیث را می پسندید این حدیث را از آن راه که نمیدانند و می پسندیدند

لَهُمْ اِنْ كُنْتُمْ مِّيْتًا ۝ اَمْ تَسْأَلُهُمْ اَجْرًا فَهُمْ مِّنْ مَّعْرَمٍ

ایشان را اگر آید بپسندیدن از آن حدیث می پسندیدند پس بپسندیدن را که تشنه است می پسندد

مَثْقَلُونَ ۝ اَمْ عِنْدَ هُمْ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ ۝ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ

آنها را از حدیث می پسندیدند پس بپسندیدن را که تشنه است می پسندد

امام خمینی

فتح الرحمن

دل معنی نور علیہ السلام

۱۳ لیکن

رقعت در رسید

و بد حال نشد

۱۴ و این کتابت

مست از شست و دوات

المشاق ۱۳-۱۴

گویند ظاهر نزدیک بنده

آنست که معنی آیت

اینست عقوبت ثابت

چیت آن

عقوبت ثابت و

بر غیر مطلع

ساخت قمار

چیت آن

عقوبت

ثابت بعد

از ان چند عقوبت

گرفته را بیان فرمود

تفسیر عثمانی

عنه اگر بعد از قول آید

فعل و احسان مزید

خدا را یاوری نمی کرد

در همین میدان بی گناه

چنانکه از شکم ای می خورد

امثال من در بود مورد

الزام شده افتاد

می ماند و آن کلمات

و کلمات اگر محض

بلفظ و کرم خدا در

وقت ابتلاء هم باقی

بود ازین برده می شد

طبع بعد از عباد و شود

فرعون به بسیاری از

و گرفت از حد پیش رو

چندین قوم باید آمدند

که هر یک دارای گناهای

متکثر بود و در اینست

قوم لوح قوم شیب

و قوم لوط که قریب ای

شان و از گون کرده

شده بود اقوامیک

یعنی آن خود را نمانی

کرده بود عدا با خدا و

پروا نداشتند از خدا ای

تعالی آنان را سزا داد

مشبه کرده و یکس از آنها را بر آید قریب ای چیزی گرفته است ۱۲

رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ۝۱۵

پروردگار خود و مباش مانند صاحب ماهی که چون دعا کرد داد و پر از غم شده بود اگر نه آنست پروردگار خود و مشو مانند صاحب ماهی (یونس) چون دعا کرد در جانب پر از غم بود اگر نبودی آن

أَنْ تَذَرَهُ نِعْمَةً مِنْ رَبِّكَ لَنْ يَذُرَهَا بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مِنْ مَوْمٍ ۝۱۶ فَاجْتَبِهْ

که در یافت او را رختی از جانب پروردگار او ایست بر تافته میشد بر زمین بی گناه داد بد جان بودی ملک پس برگزیدیش که در یافت او را احسانی از پروردگارش البته انداختی شد نمیدان بے گناه در جای که امت کرده شده ای بود پس برگزید او را

رَبِّهِ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ ۝۱۷ وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا الَّذِينَ يَقُولُونَ

پروردگار او پس سخت او را از جمله صالحان و بر آید خنوع یک اند کافران که بلغز اند ترا پروردگار او پس گردانید او را از نیکو کاران کامل (بر آید) نزدیک اند کافران که بلغز اند ترا

بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ لَمَجْنُونٌ ۝۱۸ وَمَا

بخشم با آنکه نیز خود چون شنیدند قرآن را و می گویند بر آید این بیگانه بود از امت و بحقیقت نیست بخشم با آنکه (تیز) خود چون شنیدند قرآن را و می گویند (تحقیق) او دیوانه است و نیست

هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝۱۹ وَمَا سَوَّاهُ فِيمَا أُوتِيَ

این قرآن مگر پند به عالمهارا این قرآن مگر پندی عالمهارا

بِإِلَهِ الرَّحْمَةِ ۝۲۰

بنام خدا بنام بخشاینده مهربان آغاز می کنم بنام خدا بے اندازه مهربان

الْحَاقَّةُ ۝۱ مَا الْحَاقَّةُ ۝۲ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ ۝۳ كَذَّبَتْ ثَمُودُ

قیامت قیامت آن قیامت و چه چیز ثمود را کرد ترا که چیت آن قیامت من دروغ نگویم و بگوید خود و آن ثابت شوند (قیامت) چیت آن ثابت شوند و چه چیز دانایان ترا که چیت آن ثابت شوند (قیامت) بگوید خود و

عَادٌ بِالنَّارِ عَادٌ ۝۴ فَمَا تَشْعُرُونَ أَهَلِكُمْ أَمْ بِالْطَّاغُوتِ ۝۵ وَمَا عَادُ

عاد قیامت را اما ثمود پس هلاک کرده شد از ایشان بنوعی و اما عاد عاد آن کویت (قیامت) را پس اما ثمود پس هلاک کرده شدند از حد گذارنده و اما عاد

فَأَهْلَكُوا أُولَئِكَ صَرْصَرٌ عَالِيَةٌ ۝۶ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَلَاثِينَ

پس هلاک کرده شد ایشان را هفتاد و سه شب و روز از حد گذارنده شد از ایشان بنوعی و هفتاد و سه شب و روز پس هلاک کرده شدند به باد سرد و سخت سرکش از الطغیاط آمده مقرر کرده شد از ایشان بنوعی و هفتاد و سه شب و روز

أَيَّامٍ حُسُومًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَىٰ ۝۷ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ

روز نهایت محض پس میدیدی آن قوم را در زمین افتاده گویا ایشان تنهائے درختان خرما روزی در بی پس می بینی آن قوم را دران مرده افتاده گویا ایشان تنهائے درختان خرما

خَاوِيَةٍ ۝۸ فَهَلْ تَرَى لَهُمْ مِنْ بَاقِيَةٍ ۝۹ وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ

از پیش بر سر آمده اند پس ایستاد بر سر ایشان بنوعی و بعد از فرعون و آنکه پیش از من بودند و اما آن پس ایستاد بر سر ایشان بنوعی و بعد از فرعون و آنکه پیش از من بودند

وَالْمُؤْتَفِكَةَ بِالْخَاطِئَةِ ۝۱۰ فَعَصَا رَسُولُ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخَذَةً

و اهل موافقات نیز گناه را پس نافرمانی کردند فرستاده پروردگار خود را پس گرفت خدا آنهمه را در زمین و قریب ای و از گون شد خطا را پس نافرمانی کردند فرستاده پروردگار خود را پس گرفت ایشان را خدا

رَبِّهِ ۝۱۱ إِنَّا لَنَاطِقُ الْمَاءِ حَمَلِكُمْ فِي الْجَارِيَةِ ۝۱۲ لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ

علیم بر آید و نمیکند از حد گذشت آب سوار کردیم شما را بر گشتی روان تا بچرخد این مقدمه را بر آید شما تحت عهده (تحقیق) ما و نمیکند از حد گذشت آب سوار کردیم شما را بر گشتی روان تا بچرخد این مقدمه را بر آید شما

عبد در معرفت علی
 السلام چون طوفان
 آب آید از نقطه نظر
 اسباب ظاهری و
 انسانی ظاهر یافته
 نمی توانست محض از
 قدرت و حکمت الهام
 و احسان مایه که همه
 ممکن را طریقی ساخته
 نور و امارت را پیش پا
 و ادب و ظاهر است
 که در چنین طوفان
 عظیم الشان بر سلاطین
 مانند یک کشتی وقوع
 میشود لیکن بایک نوز
 قدرت و حکمت خود را
 نشان دادیم تا مردم
 از نادانیه و کبریات
 بیاد داشته باشند
 و گوش بایک سخن عقل
 راستند و یقین از
 محضی دارند که ای
 فرخنده باشند که الله
 در یک زمان خاص بر
 این احسان فرموده
 است و باید بداند
 که هم چنانکه در زمانه
 کبر و دروغ و فتنه و
 از بحران نافرمانی جدا
 نگذاشته باشند در
 حادثه بزرگ قیامت
 هم همین حال اعلی می
 آید بعد از آن
 موضوع من مشغول
 می شود و همه
 که یک طرف چپ
 بدست ادا اعمال نامه
 داده میشود میدانند که
 برین بدست آمده است
 در آن وقت با نهایت
 حسرت قتی می کنند که
 ای کاش این عمل نامه
 بدست من می شد
 بدست من می شد
 بدست من می شد
 بدست من می شد

تَذَكُّرَةً وَتَعِيَهَا أَذُنٌ وَاعِيَةٌ ۝ فَاذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ
 بزرگوار و آگاه و آواز گوشتن یاد دارنده پس چون دمیده شود در صور بشار
 و نگاه دارد و آواز گوشتن یاد دارنده پس چون دمیده شود در صور بشار
 وَاحِدَةٌ ۝ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً ۝
 و بر داشته شود زمین و کوه با و بر داشته شود زمین و کوه با
 فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝ وَالنَّشَقِطَتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ۝
 پس آن روز واقع شود واقع شود و باران شود پس آن روز واقع شود واقع شود
 وَالسَّمَاءُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَةٌ ۝
 و فرشتگان بر کنار های آن باشند و بردارند عرش پروردگار بر فراز بال های فرشتگان
 وَفَرَسَتَانِ يَكُنَّ هَاتِيكُمَا بَرَدًا وَنَارًا ۝
 و فرشتگان به کنار های آن باشند و بردارند عرش پروردگار بر فراز بال های فرشتگان
 يَوْمَئِذٍ يُعْرِضُونَ لَا تُخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ۝ فَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ
 پس آن روز پیش آورده شود شمار پند های آنند از حال شما هیچ سری اما آنکه داده شدش نامه اعمال او
 بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَؤُلَاءِ مِمَّا كُتِبَ لِي ۝
 بدست راست او گوید بگریه بخواند نامه اعمال مرا بدست راست او گوید بگریه بخواند نامه اعمال مرا
 حِسَابِيَّةٌ ۝ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۝ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ قُطُوفُهَا
 بحساب خود پس آن شخص در زندگانی پسندیده باشد در بهشت بلند و از جنت مرتبه و مقام پیوسته ای آن
 دَانِيَةٍ ۝ كَلَّا وَاتَّبِعُوا هُنَا أَسَافَتَكُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ۝
 توبه! بفرموده است گفته شود و توبه می باشد و توبه می باشد و توبه می باشد و توبه می باشد
 وَأَمَّا مَنْ أَوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ ۝ فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابَهُ ۝
 و اما آنکه داده شدش نامه اعمال او بدست چپ او گوید ای کاش داده شده بود مرا نامه اعمال من
 وَلَمْ أَدْرَمَا حِسَابِيَّةٌ ۝ يَلَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ۝ مَا أَغْنَى عَنِّي
 ای کاش میدادتم چیست حساب من ای کاش مراک آخر کننده کار بودی هیچ نفی نکرد از من
 مَالِي ۝ هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيَّةٌ ۝ خَذَوهُ فَعُلُوهُ ۝ ثُمَّ الْحَجِيمُ ۝
 مال من را از من برداشته ای من گفته شود ای فرشتگان بگریه پیش من طوق بگردن کنیدش باز در دوزخ
 صَلَوَةٌ ۝ ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ ۝
 داخل کنیدش باز در زنجیری که مساحت آن هفتاد ذراع باشد در آیدشش
 إِنَّكَ كَانَ لَأَيُّومٍ مِنَ اللَّهِ الْعَظِيمِ ۝ وَلَا يَخْضَعُ عَلَى طَعَامِ الْمُسَكِينِ ۝
 بزرگوار این شخص ایمان نداشت بحدای بزرگ و در عین غنیداد مردمان را بر طعام دادن فقیر
 (بزرگوار این شخص ایمان نداشت بحدای بزرگ و در عین غنیداد مردمان را بر طعام دادن فقیر)

مهد و تابع از مردن بار و دیگر خاصیت غیب من نمی شود یا اگر بر می آید مرا از روی برداشتم و آن مال و دولت و جاه و حکومت هیچ بکار من نیامده است و اینها

مهد و تابع از مردن بار و دیگر خاصیت غیب من نمی شود یا اگر بر می آید مرا از روی برداشتم و آن مال و دولت و جاه و حکومت هیچ بکار من نیامده است و اینها

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَهُنًا حَمِيمٌ ٣٥ وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غَسِيلٍ ٣٦

پس نیست این شخص را امروز اینجا خوشاوندی و نیست این شخص را هیچ طعمی مگر از زرداب

يَا أَكْلَهُ إِلَّا الْخَاطِؤُنَ ٣٧ فَلَا أُنْسَ مِنْهُمَا يُبْصِرُونَ ٣٨ وَمَا لَا يُبْصِرُونَ ٣٩

خورد آنرا مگر گناهکاران پس قسم بخورم با آنچه می بینند و آنچه نمی بینند

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ٤٠ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ٤١

بهر آینه قرآن گفتار فرشته بزرگواریست و نیست آن گفتار شاعر اندکی شایسته ای گردید

وَأَكْبَرُ كَا هُنَّ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ٤٢ تَنْزِيلٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٤٣

و بزرگتر از آن که اینها اندکی پند می پذیرند و فرود آورده شده است از جانب پروردگار عالمیان

وَلَوْ نَقُولُ عَلَيْكَ بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ ٤٤ لَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ ٤٥

و اگر بگویم بر تو بعضی سخنهای را (بهر آینه) می گرفتیم از دوست راست او را باز

لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ ٤٦ فَمَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِيزِينَ ٤٧

پس نیست از شما هیچ کس از او بازدارنده و

إِنَّهُ لَتَذَكُّرٌ لِلْمُتَّقِينَ ٤٨ وَإِنَّهُ لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُكَذِّبِينَ ٤٩ وَإِنَّهُ

بهر آینه قرآن پند است برای پرهیزکاران و دهر آینه ما میدانیم که بعضی شما دروغ دارند ای

لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ ٥٠ وَإِنَّهُ لَحَقُّ الْيَقِينِ ٥١ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ

حسرت است بر کافران و دهر آینه قرآن سزاوارترین است پس بپای یاد کن نام

رَبِّكَ الْعَظِيمِ ٥٢

بزرگواری خود را

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ٥٣

پس بگو خدا ای بزرگواری هفت آسمانها و بزرگواری عرش بزرگوار

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ٥٤ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ٥٥

طلب کرد طلب کننده عذاب را که واقع شده است برای کافران که نیست آن را دفع کننده و دفع کننده است از جانب

اللَّهُ ذِي الْمَعَارِجِ ٥٦ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ

خداوند مرتبه ای بلند بالا میرود فرشتگان و روح بسوی او در روزی که

مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ ٥٧ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا ٥٨ إِنَّهُمْ

درست مقدار آن پنجاه هزار سال پس صبر کن صبری زیبا (بهر آینه) آنها

صل منزه گوید عادت
میافت آنست که دست
راست اسیر رابست
چپ خود گیرد و بشیر
بگردد از او الله
کنند باین
اصول گفتند
فلا یعنی حق است از
مست یعنی گفتند متی
الودعان گفتند صدقین
۱۲ یعنی جبرئیل
علیه السلام
تفسیر عثمانی
سه خداییم یا
انسان قوت میرساند
مگر بدو زیان چنان
طعام مرغی داده نمی
شود که سبب راحت
دقت ایشان گردد
طی بریم زخم با خود فریاد
با داده میشود که آنرا
غیر از همان گناهکاران
کسی نخورد نمی تواند
آن هم از فطرت سرسنگی
و نفسی چنان می پندارد
که از خوردن آن بانه
فایده میرسد بعد با
ظاهر میشود که
خوردن آن
نسبت به
عذاب گرسنگی
عذابی است بزرگتر
را عذابا الله من
جمع الواو العذاب
فی الدنیا والاخره
سه یعنی چیزی که
از جنت و دوزخ
بیان شده آن
شماره ای است و نه
میان بی سنجش
لا نهان است بلکه
این قرآن کلام انعام
که از یک فرشته
بزرگ از آسمان
گرفته بر یک بزرگترین
پیغمبر فرود آورده و
آنکس که از آسمان آورده و هم آنکس که با الهی زمین رسانیده هر دو رسول کریم اند کریم بودن یکی را بچشم سری بیند که است و دیگری از میان کریم اول اند که ثابت است ۴۷

يُرَوِّدُهُ بَعِيدًا ۝ وَنَزَّلَهُ قَرِيبًا ۝ يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالرَّهْلِ ۝ وَ

دور سے جینے والے روزہ	دمازدیہ سے پیش	روزہ نہ شود	آسمان	مانند مس گداختہ	و
ی دانند اورا دور	و مایہ میں آرازدیہ	روزہ نہ کرد	آسمان	مانند مس گداختہ	و

تَنْوُنَ الْجِبَالُ وَالْعِزَّةُن ٩ وَلَا يَسْئَلُ جَمِيلٌ ١٠ يَصْرُوهُمْ ط

سود کوه با مانند چشم ریشین و پسر سید پنج گولشاند خلیف دوتا دیگروند و دوتا فراتر ایتیان ایشان
گردد کوه با مانند چشم ریشین سه و پنجاه دیگ دوست داشتی را در حالیکه آن را داده بودند وستان بدوستان

يُودِ الْمَرْجُومَ لَوْ يَفْقَدُ مِنْ عَذَابٍ يَوْمَئِذٍ بَيْنَهُ وَصَاحِبِهِ

آوردند لشکرهای خود را و در آن روز
مقتلای کردند مجرم آنرا در قتلیدیدند

عذاب آنروز قزندگان خود را
از عذاب آنروز پسران خود

و نیز زن خود را
و زن خود را

أَخِيهِ^{١٢} وَقَصِيلَتِهِ^{١٣} الَّتِي تُؤْوِيهِ^{١٤} وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمْعًا^{١٥}

برادر خود را و قید کیا کہ جائے مہذبہ اور و نیز ہر کہ در زمین است بمکہ چاہیں
برادر خود را و قید کیا کہ گندہ اور بخود یعنی او شوب بر آن قید است و ہر کہ در زمین است بخود

يُحْيِيهِ ١٤ كَلَّا إِنَّهَا لَأَطْفَالٌ ١٥ نَزَّاعَةً لِّلشَّوَى ١٦ تَدْعُو أُمَّرَ ١٧ أَدْبَرَ ١٨

بر بندگان عمو، دادن خودش راستی است. هر آینه دوزخ آتش است. شعله زنده پوست سر را بر کشند. و میخ را با دهن کرد و
جکات دیدار او چنین نیست (هر آینه) دوزخ آتش است. شعله زنده بر کشند. است پوست سر را بر کشند. و میخ را با دهن کرد و

تَوَلَّى ۝۱۷ وَجَمَعَ قَاوُعِي ۝۱۸ اِنَّ ۝۱۹ الْاِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوةً ۝۲۰ اَلَا اَمْسَكَ

و مگردان شده و مع مال نمود پس در آن وقت که به اشت هر آینه آدمی آفریده شده است ناشی گشته چون به مدتش اعراض کرده و مع گرومالد پس به اشت هر آینه انسان آفریده شده و از نشأت بخار

الشَّجَرِ وَوَعَا^{٢٠} وَإِذْ أَمْسَهُ^{٢١} أَخْبِرْ مِنْهُ عَالِ^{٢٢} الْبَصَلِ^{٢٣} الْكَافِرِ^{٢٤}

مصیبت اضطراب نلنده و چون برسدش ز غایت کف نایبده مگر نماز گزاران
شر باشد بے خبر و چون برسد باد خنیا باشد کسار کف نلنده مع کما نماز گزاران

هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُؤْمِنُونَ (٣٣) وَالَّذِينَ فِي

ایشان بر نماز خویش پشیمان باشند که منند و آنکه در امور ایشان حصص است مقبول

الَّتِي تَسْأَلُ وَالْمَحْزُومِ وَالَّذِينَ يُضْطَرُّونَ يَوْمَ الدِّينِ وَالَّذِينَ

برائے سائنس و طبیعات کے سوال و آٹانک یاد دہانہ روز جزا و آٹانک

[illegible]

الشیان از عذاب پروردگار خود ترسند گاشند

حفظ

انکار ایشان اندام لطیف خود را نگذارند گمانند
مگر بر زبان خود را نیز گمانند اگر مانند آنها شده است

والتاريخ في هذا اليوم هو يوم الاثنين الثاني عشر من شهر ربيع الثاني سنة ١٢٠٤ هـ

مت ہائے ارشاد ہیں ہر آیت میں فریقِ لامیت کو رہنمائی ہے کہ طلبِ کندہ سوائے اہلِ حق و انجاء

سوی این لکند و در این لکند

و اما نیکو ایشان امانت بپای خود را و عهد بپای خود را رعایت کنند گشتند و

[illegible]

و اما در مورد این که آیا این کتاب را می توان به عنوان یک اثر علمی و تاریخی دانست یا نه، باید گفت که این کتاب بیشتر به عنوان یک اثر ادبی و تاریخی شناخته می شود.

تفرغ غنائی
سه بهیم زنگهای
مختلفه دارد و کوه با نیز
بر زنگهای مختلفه می باشد
کما قال تعالى: «ومن
الجبال جدد بیض حمر
مختلف الوانها و در
سوره (فاطر)
کوع م (م) و در جای
دیگر فرموده: «والجبین
المنفوش» (القادر)
یعنی کوهها مانند پریشم
ندانی شده بلور
پاغنده دارد، ضعیف و
می کند علت ازون
و در رخ یک کشش و
طبلیدن غلی آید و
تیمبر و دانه کدر و دنیا
حق را افرایش کرده
از تزلزل کار با سئ
شالسته اعراضی
کرند و به جمع کردن
نگهداشتن بل مثل
دانه بکافان الطرف
و در رخ جذب شده
میر و ندر بعض آثار
است که در رخ (لا
بربان قال خواهد بود
الی یا کافرا لی باغی
الی یا جامع المال
یعنی ای کفر ای مرفق
ای جمع کننده مال بسو
من بیا مردم با طرف
خواهند گرفت پس
یک گردن بسیار دراز
پیدا خواهد آمد که گفارا
بر چیده چنان خواهد
رو است مشکله کافره
ز زمین دانه می بردارد
العیاذ بالله) (س)
بج طرف پائشاری
چنان شان نمیدهد
رقه رقعه فاته مرض و سختی
ایا بیه صبر شده
خطرب د آشفته گرد
چنان بایوس میشود
کویا انور و سجیل
رای بر آرد نایت
ذیان مستحق اند

والمعنى انهم
كثير عشان

عنه چون گفته شد

قرآن و ذکر جنت را

می شنوند از تمام

اطراف بسوی

توشتان می آیند

سپس بر مشق

و تفریح می پردازند

با وجود این اهل ایشان

این طبع را هم دارند که

هم ایشان در بوستان

های جنت داخل کرده

شوند چنانکه ایشان

می گفتند که اگر رفتن

و بازگشت ما بیوسه

خداست و را بجا می آید

ما بهر چه بهر بودی است

هرگز نمی درددل گاه آن

خداوند عادل و حکیم

چنین الفت دهد و نهد

تعیین این کثیر مطلب

این کلمات را چنان

گرفته است که این

مکان را که نزدیک تواند

چهره که بسرعت

زیاد جوق جوق برست

و چپ میدهند

یعنی چون قرآن

مای شوند

چرا این قدر

می کنند از آن

با وجود این قدر و شست

و نفرت از این نوع

را هم دارند که بر نفس

از این بطور یقین

در جنت خواهد درآمد

هرگز نمی درددل گاه آن

تعالی ما لهم من

التذکره سر منین

کانه من مستغفرة

فمن من قوته

(مترجم گوشت ۳)

عنه چنانکه بسوی

کدام نشان و عظمت

خاص به تیری می شناسد

و یکی کوشش می کند که بر دیگری

الَّذِينَ هُمْ يَشْهَدُهُمْ قَائِمُونَ ۳۳ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ

آنکه ایشان بگویند ایستاده می مانند و آنکه ایشان بر منتهی نماز خود

یُحَافِظُونَ ۳۴ أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ ۳۵ قَمَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا

می نگه دارند می کنند آن جماعه در بهشت عزت داده شده اند پس بصیحت کاران را

قَبْلَكَ مُطِيعِينَ ۱ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ ۲ أَيْطَمَعُ

بوسه توشتان بایند از جانب راست و از جانب چپ گروه گروه شده آید مع می کند

بوسه توشتان بایند از جانب راست و از جانب چپ گروه گروه شده برای شما آید مع می کند

كُلُّ أَمْرٍ مِّنْهُم أَن يَدْخُلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ ۳ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّنَّا

هر شئی از ایشان که در آورده شود بوستان نعمت

بهر طریقی از ایشان که داخل کرده شود در باغ نعمت خالص

يَعْلَمُونَ ۴ فَلَا أَقْسَمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِ رَوَّعْنَا

میدانند و پس قسم بخورم به پروردگار مشرق و مغرب که هرگز نیما توانایم

میدانند پس قسم بخورم به پروردگار مشرق و مغرب که هرگز نیما توانایم

عَلَىٰ أَن نَّبْدِلَ خَيْرًا مِنْهُمْ وَنَاخُنَّ بِمُسْبِقَاتٍ ۵ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا

بر آنکه غوطه بخورند بهتر از ایشان و ناخن بدهیم تا جز

بر آنکه غوطه بخورند بهتر از ایشان و ناخن بدهیم تا جز

و يلعبوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يَوعَدُونَ ۶ يَوْمَ يُخْرِجُونَ مِنَ

و بازی کنند تا آنکه برخوردند با خورز خود و عده داده شده

و بازی کنند تا آنکه برخوردند با خورز خود و عده داده شده

الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِصُونَ ۷ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ

قبور شتابان گویا ایشان بسوی نشاند میدهند

قبور شتابان گویا ایشان بسوی نشاند میدهند

تَرَهُمْ ذُلٌّ ۸ ذَلِكَ الْيَوْمُ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ ۹

در آن روز ایشان را خوار می آید این است آن روز که

در آن روز ایشان را خوار می آید این است آن روز که

بَاسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۱۰

بسم خداست بخشنده مهربان

بسم خداست بخشنده مهربان

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْهُمْ أَن يَكُونُوا مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ

بهر آنکه ما فرستادیم نوح را بسوی قوم او که بترسان قوم خود را پیش از آنکه

بهر آنکه ما فرستادیم نوح را بسوی قوم او که بترسان قوم خود را پیش از آنکه

عَذَابُ آلِهِم ۱۱ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي كُنْتُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۱۲ أَن أَعْبُدُوا

عقوبت به درد دهند گفت ای قوم من من هرگز نیستم برای شما ترساننده را اعلام کنند که شما را بترسانند

عقوبت به درد دهند گفت ای قوم من من هرگز نیستم برای شما ترساننده را اعلام کنند که شما را بترسانند

اللَّهُ وَالنُّفُورَ وَأَطِيعُونَ ۱۳ يَغْفِرْ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ

خدا را و بترساند از فرمان من بترسد

خدا را و بترساند از فرمان من بترسد

عَذَابُ آلِهِم ۱۱ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي كُنْتُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۱۲ أَن أَعْبُدُوا

عقوبت به درد دهند گفت ای قوم من من هرگز نیستم برای شما ترساننده را اعلام کنند که شما را بترسانند

عقوبت به درد دهند گفت ای قوم من من هرگز نیستم برای شما ترساننده را اعلام کنند که شما را بترسانند

اللَّهُ وَالنُّفُورَ وَأَطِيعُونَ ۱۳ يَغْفِرْ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجَكُمْ

خدا را و بترساند از فرمان من بترسد

خدا را و بترساند از فرمان من بترسد

عَذَابُ آلِهِم ۱۱ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي كُنْتُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ۱۲ أَن أَعْبُدُوا

عقوبت به درد دهند گفت ای قوم من من هرگز نیستم برای شما ترساننده را اعلام کنند که شما را بترسانند

صلی یعنی بر سر
کفار ۱۳
تفسیر عثمان

عده در صورت ایمان
نیادون و عده که بطلب
داده شده چون بسره
به عاقبت کج کس رو
نی شود و نیک و قیقه
مهلک داده میشود و یا
این مطلب باشد که
در صورت در وقت
معین ضروری است
در آن تاخیر عمل نمی آید
والظاهر به اول دل

حضرت شاه صاحب
این آیات را بطریق
شرح می کند یعنی
بندگی کنیده تا نوع
انسان تا قیامت
دوام کند اما قیامت
تاخیر واقع نمی شود و اگر
بر سخنان از بندگی مرگ
نظر کنیده بچنان فی الحال
بلایک میشوند چنانچه
طوفان بشتی آنرا بیک
نفر هم غلامی نیافت
در آخر مرگ حق تعالی
(صلی الله علیه و آله)

عده یعنی نوح
علیه السلام تا نهصد
و پنجاه سال به ایشان
تلقین میکرد و تکیه
راه امید باقی ماندن بود
و متکلم شده ببار
گاه الهی عرض کرده بد
غلامی این از طرف
خود دعوت و تبلیغ
و قیقه فرو گذاشت
عمر خود در تارگی
شب و در روشنی

۹ روز ایشان را بکیم
میروی تو میخوانم مگر
تجوا این شد که بر نهد
ایشان را بسوی تو
دعوت نمود این به
تجارت زیاد و تر از این

تفسیر عثمان

إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ إِنْ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُونَ ۚ لَوْ كُنْتُمْ

تا وقت مقرر
هر آنکه وقت مقرر کرده خدا چون بیاید هرگز ساقط
تا وقت معین

تَعْلَمُونَ ۚ قَالَ رَبِّ اِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَبِيسًا ۚ فَمَنْ يَزِدُّهُمْ

میدانید گفت ای من پروردگار من هر آنکه از من بخوانم قوم خود را شب و روز پس زیاده نکرد در حق ایشان
میدانید گفت ای پروردگار من (به تحقیق) دعوت کردم قوم خود را در شب و روز پس زیاده نکرد در حق ایشان

دُعَاۤءِي ۚ اِلَّا فِرَارًا ۚ وَ اِنِّي كَلِمًا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ فَبَعَثْنَا

خواندن من مگر گریختن را و هر آنکه از من بخوانم ایشان را تا بیاورم از ایشان بگریزی بر آنکه ایشان در آورند
دعوت من مگر میدان عده (به تحقیق) من هرگاه که دعوت کردم ایشان را تا بیاورم از ایشان بگریزی بر آنکه ایشان را در آورند

اَصَابِعَهُمْ فِی اِذْنِهِمْ وَ اسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَ اَصْرَوْا وَ اسْتَكْبَرُوا

انگشتان خود را در گوشهای خویش و بپوشیدند جامه های خویش را و مدوامت کردند بر کفر و سرکشی نمودند
انگشتان خود را در گوشهای خود و بپوشیدند جامه های خود را و مدوامت کردند بر کفر و سرکشی نمودند

اَسْتَكْبَرُوا ۚ ثُمَّ اِنِّي دَعَوْتُهُمْ بِهَآرَاۤءٍ ۚ ثُمَّ اِنِّي اَعْلَنْتُ لَهُمْ وَاَسْرَرْتُ

سرکشی تمام باز هر آنکه از من دعوت کردم ایشان را با دوزخ بپوشیدند باز هر آنکه از من دعوت کردم ایشان را آشکارا باز هر آنکه از من دعوت کردم ایشان را پنهان
سرکشی بزرگ باز به تحقیق دعوت کردم ایشان را آشکارا باز هر آنکه از من دعوت کردم ایشان را پنهان

لَهُمْ اَسْرَارًا ۚ فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ۚ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا ۚ يُرْسِلُ

ایشان را از پنهان گفت پس بگو طلب آمرزش کنید از پروردگار خود هر آنکه از من استغفار بخواهد
ایشان را از پنهان پس بگو آمرزش کنان طلبید از پروردگار خود به تحقیق اوست بسیار آمرزنده تا بفرستد

السَّمَآءَ عَلَيْكُمْ يَدْرَارًا ۚ وَ يُرْسِلُ دُحًّٰی بَآمُؤَالٍ وَ بَيْنِينَ ۚ وَ يَجْعَلُ لَكُمْ

بر شما باران را درازنده و در پی دود شاماران اموال و فرزندان و بدید شمارا
ابر را بر شما بارندگی در پی و زیادت کند برای شما اموال و فرزندان و بدید شمارا

جَنَّتٍ وَ يَجْعَلُ لَكُمْ اَنْهَارًا ۚ مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلّٰهِ وَقَارًا ۚ وَقَدْ

بوستا نهاد و بدید آورد بر آنکه شما جویند چیست شمارا که اعتقاد نمی کنید بر آنکه خدا بزرگی را حال آنکه
بوستا نهاد و بدید آورد بر آنکه شما جویند چیست شمارا که امید نمی کنید از الله بزرگی را (باینکه ایمان بر آید به او)

خَلَقَكُمْ اَطْوَارًا ۚ اَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللّٰهُ سَبْعَ سَمُوٰتٍ طِبَاقًا ۚ وَ

آفریده است شمارا بطورهای مختلف آید سیمین چگونه آفرید خدا هفت آسمان را تو بر تو
آفریده است شمارا چگونه آید آید چگونه آفریده الله هفت آسمان را طبقه بر طبقه و

جَعَلَ الْقَمَرَ فِيْهِ نُوْرًا وَ جَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا ۚ وَ اللّٰهُ اَنْتَبَتْكُمْ

ساخت ماه را در میان ایشان را فروزنده و ساخت آفتاب را چراغ درخشانده و خدا را بپایند شمارا
گردانید ماه را در میان آنها روشنی و ساخت آفتاب را چراغ فروزنده و خدا را بپایند شمارا

مِّنَ الْاَرْضِ نَبَاتًا ۚ ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيْهَا وَ يُخْرِجُكُمْ اَخْرَاجًا ۚ وَ اللّٰهُ

از زمین نوسه از رویانیدن پس باز در آورده شمارا بر زمین و بیرون آورده از رویانیدن و خدا
از زمین نوعی از رویانیدن از اعاده می کند شمارا در زمین و بیرون می آورد شمارا دوباره بیرون آوردن و خدا

جَعَلَ لَكُمْ الْاَرْضَ بِسَاطًا ۚ لِّتَسْلُكُوْا مِنْهَا سُبُلًا فِیْ حَاجَاتٍ ۚ قَالَ

ساخت بر آنکه شما زمین را فراشته تا بروید در آن زمین بر راهها
گردانید بر آنکه شما زمین را فرش تا بروید بر راههای کشاده آن گفت

نُوْحُ رَبِّ اِنِّمْ عَصَوْتَنِیْ وَ اتَّبَعُوْا مِنْ لَّدُنْكَ مَالًا وَ وُلْدًا ۚ الْاِخْسَارُ ۚ

نوح ای پروردگار من (به تحقیق) ایشان گفته مرا این را از تو پیروی نمودند و پیروی نمودند از مال و فرزندی که از تو بپایند
نوح ای پروردگار من (به تحقیق) ایشان گفته مرا این را از تو پیروی نمودند و پیروی نمودند از مال و فرزندی که از تو بپایند

در اعراض نمود که بختند هر قدر که از طرف من اظهار شفقت و تسوی می نمایم اما از طرف آنها لغت و بی روی زیاد تر گردید سه زیر استیغاف من باینان و کوار نیست میخواستند که این

فل اشادات است
 بانکه در جالبیت چون
 بجایه فرودی آمدگی
 گفتند او بید بنما
 اوادی من سقیا تو
 فل یعنی بنیامر بن
 ۱۱ فل یعنی برای
 شینن کلام ملائکه ۱۲
 وکله یعنی ازانی میشد
 وکله یعنی آمد وکله یعنی
 محمد صلی الله علیه وسلم
 تفسیر عثمانی
 ۱۳ پیش از نزول
 قرآن هم جنیان
 بیک راه بودند برخی
 نیک و شایسته بودند
 و بسیاری بدکار و جا
 بنجار بین ایشان
 هم فرق ماه جمیع با
 خراب بود بعضی مشرک
 بعضی نصرانی جمعی یهودی
 و غیر ذلک و فلما راه
 عمل هر یکی جدا خواهد
 بود و الا قرآن نازل شد
 که اختلافات لغزات
 را محو کرد و یوابعین
 اینگونه مردم کجا هستند
 که هر حق را قبول کرده
 بیک راه روان شوند
 چون چنین مردم پیدا
 نمی شود که تمامی حق را
 بپذیرند بنابر آن هنوز
 هم اختلاف باقی می
 ماند - علی بن مسلم
 را در حضور حضرت امی
 ایچ اندیش نباشد
 نه خوف نقصان که
 نیکی و محنت او را ایمان
 برود و نه ترس از بے
 انصافی که ترس از جرم
 دیگری برود و شایسته
 شود انقضای آن شخص
 از نقصان بیفاد ذات
 در سوای تانامون
 محفوظ است ۱۳

يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا ۝ وَاتَّخَذُوا كَمَا
 بینه می گرفتند - مردان جن پس زیاد کردند در حق آن جنیان سرکشی را و آنکه آدمیان گمان کردند چنانکه
 از جن پس زیاد کردند آنچه را الیاف ترا سرکشی را و می شود بهین اگر جنیان گمان بردند چنانکه
 ظَنَنْتُمْ أَنَّ لَنُيَبِّعَنَّ اللَّهَ أَحَدًا ۝ وَآلَا لَكُمُ السَّمَاءُ فَوْجَدُهُمَا
 شما گمان کرده بودید که هرگز نه فرستد خدا هیچ کس را اوست و آنکه یاد دست در میانیم با آسمان پس یا قیوم که آسمان
 (شما را از آسمان) گمان برودید که هرگز دوباره زنده نکنند الله و کس را (میان کردند جنیان) آنکه ما رسیدیم به آسمان پس یا قیوم آنرا
 مِلَّتِ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا ۝ وَآلَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ
 پر کرده شده است بهایسانان محکم و بسیار باس فرود آورنده است شستم پیش ازین بجایا برآست شمشیر و
 پر کرده شده بهایسانان محکم و بسیار باس آتش و آنکه ما می نشستیم در نشیمنگاه باز آسمان برای شنیدن (خبر آسمان)
 فَمَنْ يَسْمَعُ الْآنَ يَجِدْ لَهُ يَوْمًا بِرَّصَدًا ۝ وَآلَا لَنَذَرَنَّهُ أَشَدَّ
 پس هر که گوش یابد احوال بیاید برآست خود ستاره همیاساخته و آنکه ما نمیدانیم آیا ما
 پس اکنون سبک گوش یابد بیاید برای خود ستاره های آتشین (زیاده تر نسبت بسایه) دور کهین و آنکه ما نمیدانیم آیا ما
 أَرِيدُ بِسَنٍ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا ۝ وَآلَا مَسَا
 اراده کرده شده در حق آتانه در زمین اند یا اراده کرده است در حق ایشان پروردگار ایشان خبر را و آنکه از ما
 خواسته شدی در حق تانکه در زمین اند یا خواسته است در حق آنها پروردگار ایشان هدایت (خبر) اراده آنکه بعضی از ما
 الصَّالِحُونَ وَمِمَّا دُونُ ذَلِكَ كَثِيرٌ بَعِيدٌ قَدَرًا ۝ وَآلَا ظَنَنْتُمْ أَنَّ
 همه شاکر کاران اند و بعضی از ما سواست اینند بستم فرق باست مختلف و آنکه ما دانستیم که
 نیکوکاران اند و بعضی از ما سواي آن بودیم ما برآه های مختلف است و آنکه ما دانستیم که
 لَنُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنُتَعَجَّزَهُ هَرَبًا ۝ وَآلَا لَكُمُ السَّمْعُ
 هرگز عاجز نخواهیم کرد خدا را در زمین و عاجز نخواهیم کرد او را از روی کرختن از جهت کرختن و آنکه ما چون شنیدیم
 هرگز عاجز نخواهیم کرد الله را در زمین و عاجز نخواهیم کرد او را از روی کرختن و آنکه ما چون شنیدیم
 الْهُدَىٰ أَمْ كُنَّا فِي الْيَمِينِ ۝ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِهِ فَمَا يَخَافُ بَحْصًا وَلَا رَهَقًا ۝
 هدایت را ایمان آوردیم یا بآن پس هر که ایمان آرد به پروردگار خویش پس او را ترسد از هیچ نقصانی و نه از سستی
 هدایت (قرآن) را ایمان آوردیم یا بآن پس هر که ایمان آرد به پروردگار خود پس نمی ترسد از هیچ نقصانی و نه از سستی
 وَآلَا مِمَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِمَّا الْقَاسِطُونَ ۝ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ
 و آنکه بعضی از ما مسلمانند و بعضی از ما سفاکند پس هر که مسلمان شده پس آن جماعه
 و آنکه بعضی از ما مسلمان اند و بعضی از ما سفاکند پس هر که مسلمان شد پس آن جماعه
 تَحَرَّوْا رَشَدًا ۝ وَآلَا الْقَاسِطُونَ فَكَأُ الْجَهَنَّمَ حَطَبًا ۝ وَآلَا لَوْ
 قصد کردند راه راست را و اما سفاکاران پس باشند بهیرم برآست دور و نیز بگو یا محو کردی شرها و شده است بسوخته
 نص کردند راه راست را و اما سفاکاران پس باشند برای دور و نیز بگو یا محو کردی شرها و شده است بسوخته
 اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَا تُسْقِئُهُمْ مَاءٌ غَدَقًا ۝ لَنَنْفِثَنَّهُمْ فِيهِ
 راست است استقامت برآه راست است البته می نوشانیم آب بسیار را اما سفاکاران بنشیند برآه راست است
 بنشیند برآه راست است البته می نوشانیم آب بسیار را اما سفاکاران بنشیند برآه راست است
 وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا ۝ وَآلَا الْمَسْجِدَ
 و هر که اعراض کند از یاد کردن پروردگار خود در آردش بیدار است سخت و آنکه مسجد
 و هر که اعراض کند از ذکر پروردگار خود در آورد الله او را در عذاب سخت و آنکه مسجد
 لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۝ وَآلَا لَهُ مَا قَامَ عِنْدَ اللَّهِ يَدْعُوهُ
 مخصوص برآست خداست پس عبادت کنید با خدا هیچ یک را و آنکه چون استاده اند خدا را عبادت کنند خدا را
 خاص برای ذکر خداست پس برستش بکنند با الله هیچ یک را و آنکه چون برخواستند الله عبادت کنند الله را

صلی الله علیه و آله
 بر اسماعیل فرمود
 صل علی بن ابی طالب
 در خارج محقق گردد
 زیرا که آن لازم علم است
 و السلام علیهم
 مترجم و در ابتدای
 اسلام خداوند خالق قیام
 یل بر آن حضرت می نمود
 علیه السلام بر مسلمانان
 مقرر گردانید و چون
 این معنی بر ایشان
 نهایت دشوار آمد بعد
 یک سال حضرت
 نازل فرمود آن ربک
 تعلیم الی آخر السوره
 تا هر که خواهد قیام کند
 و هر که خواهد نکند و هر
 قدر خواهد بخواند و الله
 اعلم بالصواب
 بیست و دوم
 یعنی اگر بعضی شبها بکی
 گناه نه باشد و الله اعلم
 تفسیر عثمان
 سه یکبار بگوید
 از راه مخالفت چرا
 دعای می کند و آن کلام
 چیز است که موجب
 خفقان و عدم مراقبه
 شایسته ای گردد و من
 بگویم بگویم متعجب
 خود را بخواند
 بیست و سوم
 شریک او نمیدانم پس
 در سخن من چه چیز
 بنظر شما سیه گفتم
 مناقشه و مجادلیات
 اگر شما بنا مشق نشو
 می آید بر من بگویم
 بیاد فراموش نمید
 کوس بران ذاتی اعتماد
 و توکل دلم که از هر
 نوع شرک پاک
 بی نیاز است و الله
 اعلم
 و سائیدن سخن و پیغام آوردن است از طرف الله بسوی بندگان و بسبب ایفای بکن وظیفه و حایه و پناه اویم ۱۲

كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۱۹ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ

نزد یک بودند چنان که برهن شده یک بر دیگر سپیده شوند و بجو از این نیست که عبادت می کنی پروردگار خود را و شریک نمی کنی با او

أَحَدًا ۲۰ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا ۲۱ قُلْ إِنِّي لَنْ

ایچ یک را بجو آید من نمی توانم در حق شما ضرر رسانم و نه لازم کردن طریق راستی بجو هر آنچه

يُخَيِّرُنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدًا ۲۲ وَلَنْ أَحْدَمَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحِدًا ۲۳ الْبَلَاءُ

پناه ندید مرا از عقوبت خدا هیچ یک و هرگز نیامم بخزدست پناه یکن بجو آید خبر رسانیدن

مَنْ اللَّهُ وَرِسَالَتِهِ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ

از جانب خدا و تبلیغ پیغامهاست و او هر که نافرمانی کند خدا را و پیغامبر او را پس هر آنچه او راست است از حق

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۲۴ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُهُمْ

جاویدان در اینجا همیشه در غفلت خود باشند تا وقتی که ببینند آنچه وعده داده میشود ایشانرا پس خواهند دانست

مَنْ أَوْفَعُ نَاصِرًا وَقُلَّ عَدًّا ۲۵ قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مِمَّا

کریست تا توان تر با نصیران قدرت و پیروز و کمتر از روی شمار

تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا ۲۶ عَلَيْهِ الْغَيْبُ فَلَا يُظَاهَرُ عَلَىٰ غَيْبٍ

و وعده داده میشود شمار یا مقرر کند بر آنست و پروردگار من می آید و دانسته غیب است پس آگاه نمی گردانند بر غیب خود

أَحَدًا ۲۷ إِلَّا مَنْ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْأَلُكَ مِنْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ

ایچ یک را مگر کسی که پسندد او را مراد از پیغامبر است پس هر آنچه خدا در آن میلند پیش دست دے و

مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا ۲۸ لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَتَ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِهَا

پس پشت دے و فرستگان نگاهبان را تا بداند خدا که بجا آورده اند پیغامهای پروردگار خود را و احاطه کرده است از روی علم و قدرت از عقب دی نگهبانان تا بداند خدا که بجا آورده اند پیغامهای پروردگار خود را و احاطه کرده است از روی علم و قدرت از عقب

سِيرَةُ الْمُرْتَلِّ مَكِينًا ۲۹ لَذَّيْنَهُمَا أَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدًّا ۳۰

نزدیک ایشان است و مقصود کرده است هر چیز را از روی شمار

وَاللَّهُ الرَّحِيمُ

بسم الله الرحمن الرحيم

يَا أَيُّهَا الْمَرْفُوعُ ۱ قِمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا ۲ بَصْفَةً أَوْ انْقُصْ مِنْهُ

و ای بلند جامه بر خود بپوش و قیام کن مگر اندک شب یا بکاه از شب یا بکاه از شب (مگر اندکی از شب) (البته باشد یا نه بکاه بکاه)

قَلِيلًا ۳ أَوْزِدْ عَلَيْهِ وَرِثَ الْفَرَّانِ تَرْتِيلًا ۴ إِنْكَاسُ نَفْسِي عَلَيْهِ

کم تا اندک بر تویم شب بفرزا و تر تیل کن قرآن را بواجب خواندن هر آنچه از این نازل کرد بر تو

اندری یا زیاده کن بران و واضح بخوان قرآن را واضح و قهقهه (هر آنچه) انعامی کنیم بر تو

دل معنی صرف مال
کنید و چهار و پنج ثواب
آفرید و الله اعلم
من مترجم گوید این
آیت بعد یک سال نازل
شد و آنحضرت صلی الله
علیه و آله در همین سوره
لاحق کرده بجهت
مناسبت و لهذا الهام
سوره را سلوب مخفی
ماند و الله اعلم
یعنی از بیست و هجده
و مخفی یعنی پدید بیرون
بر ریشه تا کسی زیاده
از قیمت بدید رعایت
کنند از اطلاق زبده است
تفسیر عثمانی
عنه اندازد و مع
و کامل شب روز
تهنیه خداوند
مسلح است و یک
اندازه خاص گاهی شب
را از روز کوتاه تر و گاهی
را از روز گاهی برود را
جوابی سازد برای
بندگان در آن وقت
خواب غفلت کشف
یا یک ثلث یا دو ثلث
شب را بطر کامل
حفاظت کردن خصوصاً
بنیامیکه وسایل فتنه
مانند ساعت و غیره
همیابند کار آسان
نیست بنابر این بعضی
صحابه تمام شب خواب
نمی کردند که بیدار بخواهد
روند و از بیداری یک
ثلث شب محروم گردند
بنابر این الله تعالی
بر رحمت خود آنرا مضاف
کرد و فرمود چنانکه
باید ترا بر سر سانه
نهی توانید لهذا اسیر کرد
که فتنه بیدار شدی
و فتنه باشد هر قدر که
خواب در آن بخواهد نازل
یرامت در نماز بعد از نماز

عَلَيْكُمْ قَافِرٌ وَأَمَّا لَكُمْ مِنَ الشَّارِطِ عِلْمٌ أَنَّ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مُرْضٍ

بر شما پس بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن دانست خدا که خوانند بود یعنی از شما بخوانان
بر شما اکنون بخوانید قدری که آسان باشد از قرآن دانست الله که می باشد یعنی از شما مرخصان

وَأَخْرُونَ يَصْرَبُونَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَأَخْرُونَ

و دیگران که سفر است کنند در زمین طلب روزی می نمایند از فضل خدا و دیگران که
و دیگران معز می کنند در زمین طلب می کنند فضل خدا (روزی را) و دیگران

يَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَافِرٌ وَأَمَّا تَبَسُّمُهُ وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ

کارزار می کنند در راه الله بخوانید آنچه آسان باشد از قرآن و بپا دارید نماز را و
جنگ می کنند در راه الله بخوانید قدری که آسان باشد از قرآن و بپا دارید نماز را و

اتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ

بدهید زکوة را و وام دهید خدا را وام نیک و آنچه پیش میفرستید برای خود خواستن از
داده باشید زکوة را و وام دهید الله را قرض نیک و آنچه پیش میفرستید برای خود کدام

خَيْرٌ مِمَّا تَحْتَسِبُ وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ

عمل نیک آنرا بهتر خواهید یافت نزدیک خدا و بزرگتر با عبادت خود و طلب آمرزش کنید از خدا
نیکی می یابید آنرا نزد الله بهتر و بزرگتر از روی ثواب و آمرزش بخوانید از الله

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّا جَعَلْنَا لَكُمْ آيَاتٍ فِي أَنْفُسِكُمْ إِنَّا جَعَلْنَا لَكُمْ آيَاتٍ فِي أَنْفُسِكُمْ

هر آینه خدا آموزگار مهربان است
بجای خدا آموزگار مهربان است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم الله الرحمن الرحيم
مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَدْ فَتَنَّاكُمْ فِي الْقُرْآنِ وَأَمَّا لَكُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ آيَاتٌ

ای سر مرد جامه بر خود تنبیده و شک بر چیز بترسان و پروردگار خود را پس به بزرگی یاد کن و جامه های خود را پاک ساز و
ای لحاف پوششیده بر چیز پس بترسان و پروردگار خود را تقوی کن و لباس های خود را پاک دار و

الرَّجْزَ فَاهْجُرْ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ فَإِذَا انْقَرَضَ

پلیدی را دور کن و بنیاد که چیز به بدی زیاد طلب کن و دیر است علم پروردگار در پیش پس شکیانی روز پس و تنبیده
پلیدی ریت و شرک را ترک کرده باش و احسان کن در حالی که عوض بسیار خواهی و برای را امتثال امر پروردگار خود مکن پس بر آن

فِي النَّافُورِ قَدْ لَكَ يَوْمَئِذٍ عَسِيرٌ عَلَى الْكَافِرِينَ غَيْرُ عَسِيرٍ

در صورت دشوار شود حال پس آنوقت و آنروز وقت دشوار باشد بر کافران نه وقت آسان
در صورت پس آنگاه آن روز روزی است دشوار بر کافران غیر آسان

ذُرِّيٍّ وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا وَبَنِينَ

پندار مرا پاک آفریدم تنها و دوام آردا مال فراوان و فرزندان
پندار مرا و آن را که آفریدم در حالیکه تنه بود (از همه چیز) و دوام آردا مال فراوان و دیگران

شُعُودًا وَمَهْدَتْ لَهُ تَهِيدًا ثُمَّ يَرْجِعُهُمْ إِلَىٰ رَبِّكَ كَمَا رَأَيْتَهُ

حاضر شوند محاس و وسعت دادم آردا وسعت دادی باز جمع می کند که زیاده بپسند هر آینه دوست
حاضر (در مجلس پاو) و آماده کردم برای او (اسباه جاه و ثروت) آماده گردانی باز جمع می کند که زیاده دهم آردا هرگز نمی (هر آینه) او

كَانَ لَا يَتَنَا عَيْنًا سَأَرْهَقُ صَعُودًا إِنَّ فَكْرًا وَقَدْ فَتِيلَ

بایات ما سترنده حلیف خواهم دادا و را بپوشی
بسیار مانند است به آیت های ما زود است که بخورش بپوشیم به بالاشن بر پلندی بزرگ (هر آینه) او فکر کرد که طعن زدنی و اندازد که پس

فمن یحیی کویند باید
 و کتاب بر هر یک نازل
 شود ۱۲ ص که آید
 البتہ موت خواهد شد
 و کما یقی آمده است
 و کما یقی صدق جاریه
 و علم بانی ۱۲ ص مترجم
 محمد بن جریر تبیین
 آن حضرت مسلم و ی آن
 آن حضرت مسلم و ی آن
 را انجام تمام فرموده
 و هم مخصوص جریر تبیین
 انفسا و ی آن حضرت
 تا از خاطر مبارک نرود
 خدا تعالی باین موی شکر
 فرمود ۱۲ ص
 تفسیر عثمان
 عهده حق
 خدا را شایسته
 و خبر ۱۲ ص
 بنده کلان خدا را از حق
 البتہ تقیید در مان دیگر
 بر غایت حق باشد
 کردیم در محبت بدست
 نموده در شکوک شهادت
 غرق شده در فتنه و بزرگ
 ترین و وحشی ترین سخن
 اینکه گاهی بعضی بانیان
 که روز انصاف هم آمده
 است این چیز را
 تکذیب می کردند تا اینکه
 ساعت موت در رسید
 و چشم سر دیده به آن
 سخنانی که تکذیب می
 کردیم یقین حاصل
 شد عهده این
 در خواست بای بیرون
 شان هم برای این
 نیست که اگر هم چنین
 بعضی آورده شود و آقا
 قبول خواهند کرد بلکه
 سبب تحقیق آن زن
 است که این مردان
 عذاب نمی رسد و
 منظورشان طلب
 حق نیست و این
 درخواست بعضی از وی نیست
 است اگر فرض این درخواست
 های شان پوره کرده شود باز هم
 ایمان نمی آید که تا آن
 دو نفر علی کتا بانی قرطاس
 غلوه باید هم نقل باین نفر

نُطْعِمُ الْمَسْكِينِ ۱۳ وَ كُنَّا نَخُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ ۱۴ وَ كُنَّا مُكْذِبِينَ ۱۵
 طعام فقیر را و با کار در سینه آمدیم و با در آیدگان و در رخ میسر دیم روز
 که طعام میدادیم محتاج را و بودیم که در می بینیم (در باطن) با فرود فغان و بودیم که تکذیب می کردیم روز

الَّذِينَ ۱۵ حَتَّى أَتَيْنَا الْيَقِينَ ۱۶ فَمَا نَنْفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ ۱۷ فَمَا
 جزا را تا آنکه رسید به امر است پس بودند به ایش از شفاعت شفاعت کنندگان پس چیست
 جزا را تا آنکه رسید به امر است پس بودند به ایش از شفاعت شفاعت کنندگان پس چیست

لَهُمْ عَنِ التَّذْكِيرَةِ مُعْرِضِينَ ۱۸ كَانَهُمْ حُرُوفُ مَسْتَفْرِةٍ ۱۹ فَكُرْتُ مِنْ
 ایشان از التذکره گردان شده گویا ایشان خزان رم کرده اند که گریخته باشند از
 ایشان از در حالی که روی گردانند از پسند گویا ایشان خزان رم کرده اند که گریخته باشند از

قُشُورَةٍ ۲۰ بَلْ يَرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْهُمْ أَنْ يُدْعَىٰ إِلَىٰ صُفْحَةٍ مِّنْهُ ۲۱ كَذَّابٌ ۲۲
 شکر بل میخواهد هر یکی از ایشان که داده شود نامه باشد و دل بانی بلکه
 شکر بل میخواهد هر یکی از ایشان که داده شود در لباس سر کشاوه نه چنین است بلکه

لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ ۲۳ كَلَّا إِنَّهُ تَذْكِرَةٌ ۲۴ فَمِنْ شَاءَ ذَكَرَهُ ۲۵ وَ مَا
 نمی ترسند از آخرت نه ترسند از آخرت (بر آینه) قرآن پند است پس هر که خواهد بخواند آنرا و یا
 نمی ترسند از آخرت عهده نه چنین است (بر آینه) قرآن پند است پس هر که خواهد بخواند آنرا و یا

يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ۲۶
 یاد نمی کنند بندگان مگر و قیامت خواهد شد خدا دوست سزاوار آنکه از وی بترسند و دوست سزاوار آنکه بپارزد
 یاد نمی کنند مگر و قیامت خواهد شد خدا دوست سزاوار آنکه از وی بترسند و دوست سزاوار آنکه بپارزد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲۷
 بسم الله الرحمن الرحیم
 بسم الله الرحمن الرحیم

لَا أَقِيمُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۲۸ وَلَا أَقِيمُ بِالنَّفْسِ التَّوَّابَةِ ۲۹ أَيْحَسِبُ
 نمی یخورم بروز قیامت و قسم بخورم بر نفس طاعت کننده و آید پند دارد
 نمی یخورم بروز قیامت و قسم بخورم بر نفس طاعت کننده و آید پند دارد

الْإِنْسَانُ الْكَافِرُ ۳۰ بَلْ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ يَسْوِيَّ بَنَانَهُ ۳۱ بَلْ
 آدمی که کفر است و کفر است و کفر است و کفر است و کفر است و کفر است و کفر است و کفر است
 انسان که کفر است و کفر است و کفر است و کفر است و کفر است و کفر است و کفر است و کفر است

يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ ۳۲ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۳۳ فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ ۳۴
 میخواهد آدمی که معصیت کند در زمان پیش روی و دست و پا برسد خواهد بود روز قیامت پس و قیامت خواهد بود
 میخواهد انسان که کفر است و کفر است و کفر است و کفر است و کفر است و کفر است و کفر است و کفر است

و خَسَفَ الْقَمَرُ ۳۵ وَ جُمِعَ الشَّعَرُ ۳۶ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ ۳۷
 و خورشید گردید ماه و بجمعه کرد شود آفتاب و ماه و بجمعه کرد شود آفتاب و ماه و بجمعه کرد شود آفتاب
 و خورشید گردید ماه و بجمعه کرد شود آفتاب و ماه و بجمعه کرد شود آفتاب و ماه و بجمعه کرد شود آفتاب

الْمَقْرُورُ ۳۸ كَلَّا لَا وَزَرَ ۳۹ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ۴۰ يَتَّبِعُهُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ
 که در گاه نه نیست ایچ پند بسوسه برود و کار است امروز قرار گاه خبر داده شود آدمی را آنروز
 که در گاه نه نیست ایچ پند بسوسه برود و کار است امروز قرار گاه خبر داده شود آدمی را آنروز

يُنَادِي مُوَاخِرًا ۴۱ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ۴۲ وَ أُولَٰئِكَ مَآذِبُهُ ۴۳
 ندا می زند حال آنچه پیش فرستاده بود پس گزاشته است و بلکه است آدمی بر آنکه خود می بیند اگر چه در میان آورده باشد خود را
 ندا می زند حال آنچه پیش فرستاده بود پس گزاشته است و بلکه است آدمی بر آنکه خود می بیند اگر چه در میان آورده باشد خود را

و خَسَفَ الْقَمَرُ ۴۴ وَ جُمِعَ الشَّعَرُ ۴۵ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ ۴۶
 و خورشید گردید ماه و بجمعه کرد شود آفتاب و ماه و بجمعه کرد شود آفتاب و ماه و بجمعه کرد شود آفتاب
 و خورشید گردید ماه و بجمعه کرد شود آفتاب و ماه و بجمعه کرد شود آفتاب و ماه و بجمعه کرد شود آفتاب

الْمَقْرُورُ ۴۷ كَلَّا لَا وَزَرَ ۴۸ إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ ۴۹ يَتَّبِعُهُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ
 که در گاه نه نیست ایچ پند بسوسه برود و کار است امروز قرار گاه خبر داده شود آدمی را آنروز
 که در گاه نه نیست ایچ پند بسوسه برود و کار است امروز قرار گاه خبر داده شود آدمی را آنروز

يُنَادِي مُوَاخِرًا ۵۰ بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ ۵۱ وَ أُولَٰئِكَ مَآذِبُهُ ۵۲
 ندا می زند حال آنچه پیش فرستاده بود پس گزاشته است و بلکه است آدمی بر آنکه خود می بیند اگر چه در میان آورده باشد خود را
 ندا می زند حال آنچه پیش فرستاده بود پس گزاشته است و بلکه است آدمی بر آنکه خود می بیند اگر چه در میان آورده باشد خود را

و خَسَفَ الْقَمَرُ ۵۳ وَ جُمِعَ الشَّعَرُ ۵۴ يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ ۵۵
 و خورشید گردید ماه و بجمعه کرد شود آفتاب و ماه و بجمعه کرد شود آفتاب و ماه و بجمعه کرد شود آفتاب
 و خورشید گردید ماه و بجمعه کرد شود آفتاب و ماه و بجمعه کرد شود آفتاب و ماه و بجمعه کرد شود آفتاب

عنه منكرين قیامت
ی بنده است که دنیا
باین کلماتی که میفرمود
کدام کس یاوری کند
کردنی خواهد آمد که او را
همیشه باشتند و بیست
از نانی باقی نماند و این
دورخ نهید است غذا
پیر مختار بود و چلی
معلوم میشود باین فرمود
جواب آنها داده شده
که قبلاً چندین مردم بودند
و چندین قوم بجز آن
که با این دو تبار کرده شد
اند پس در عقب
آنها هم این سلسله
موت و ولادت بهم جاری
است - آنکه و کرامات
قدیم با نسبت به بحران
معلوم شد با نسیب که
کفار عصر حاضر را هم
بدینان پیشینان خواهد
فرستاد و آن که در ازمنه
مختلف مردمان توتم
و نیرومند افتاد و مجربین
قوی را با یک کرده و متولد
برین امر چگونه قادر
نیست که همه مخلوق را
را یکدم نیست
دنیاد کند و تمام
مجرمان را یک
وقت مرده عذاب
بخشد اینده عده در
زمین بچو کوهها چیز سخت
و سنگین را آفرید کار
های خود بیچ چیز آسانی
کنند و در همین زمین
چشمهای آب را که در
سبب نرم و سیال
بودن دماغ و روانی
باشند و آشناسند
به بسیار آسانی
سیراب میشود
پس خدا نیک
در این زمین حقیر فرمود
بای متفاد قدرت
خود و مناظر موت و حیات

الْآخِرِينَ ۱۴ كَذَلِكَ تَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ۱۵ وَيْلٌ لِّيَوْمٍ مُّسِيءٍ ۱۶ لِلْمُكَذِّبِينَ ۱۷ أَلَمْ يَخْلَقْنَا
و اینها را هم چنین میگویم با کینه گاران وای دران روز برای تکذیب کنندگان آیاتنا فریده ایم شمارا
مَنْ قَدْ هَمِينٌ ۱۸ مَجْعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مُّكِينٍ ۱۹ إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ۲۰ فَقَدْ نَأْتَيْنَاهُم
از آب محقر پس نهادیم آن آب را در جائی مضمون تا اندازه همین پس اندازه کردیم پس نیکو
از آب بی قدر پس نهادیم آنرا در قرارگاه استوار تا مدت مقرر باز پوره کرده و اشیاء آنرا پس نیکو
الْقَادِرُونَ ۲۱ وَيْلٌ لِّيَوْمٍ مُّسِيءٍ ۲۲ لِلْمُكَذِّبِينَ ۲۳ أَلَمْ يَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا ۲۴ أَحْيَاءَ
اندازه کند گایم و ای آنروز دروغ شمارندگان را آیاتنا خدایم زمین را میزند آیدمان جمع کند زندگان را
توانایان را وای دران روز برای تکذیب کنندگان آیاتنا خدایم زمین را میزند کند زندگان
وَأَمْوَاتًا ۲۵ وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِيَّ شَيْخٍ ۲۶ وَأَسْقَيْنَاكُمْ قَاءً ۲۷ فَارْتَأَوْا ۲۸ وَيْلٌ لِّيَوْمٍ مُّسِيءٍ ۲۹
و مردگان را و آفریدیم در زمین کوهها بلند و نوشانیدیم شمارا آب شیرین و ای آن روز
و مردگان و آفریدیم در زمین کوههای بلند و نوشانیدیم شمارا آب شیرین و نوشانیدیم شمارا آب شیرین و نوشانیدیم شمارا آب شیرین
لِّلْمُكَذِّبِينَ ۳۰ انْطَلِقُوا إِلَى مَا كُنتُمْ بِهِ تُكَذِّبُونَ ۳۱ انْطَلِقُوا إِلَى ظِلٍّ ذِي ثَلَاثِ
دورخ شمارندگان گفته شود برودید بوسه چیز برای آنرا دورخ می شود و گفته شود برودید بوسه چیز برای آنرا دورخ می شود
شَعْبٍ ۳۲ لَا ظُلِيلٌ وَلَا يَغْنِي مِنَ الْهَرَبِ ۳۳ إِنَّمَا تَرْمُونَ بِشَرٍّ ۳۴ كَالْقَصْرِ ۳۵ كَانَتْ جَمَلَتُ صَفَرٍ ۳۶
شعبه نه سایه سرد و کفایت کند از گرمی آتش بر آینه آن آتش می افکند شربا مانند کوشک گویان شربا شربا زندگست
شعبه دارد نه سایه انبوه و کفایت نمی کند در دفع گرمی آتش (بر آینه آن آتش می افکند شربا مانند کوشک گویان شربا شربا زندگست)
وَيْلٌ لِّيَوْمٍ مُّسِيءٍ ۳۷ لِلْمُكَذِّبِينَ ۳۸ هَذَا يَوْمُ لَا يَنْطِقُونَ ۳۹ وَلَا يُؤْذِنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ۴۰ وَيْلٌ
و ای آن روز دورخ شمارندگان را این روز روز نیست که سخن گویند و اجازه داده شود بایشان در دفع کردن پس طرد می کنند وای
لِّيَوْمٍ مُّسِيءٍ ۴۱ لِلْمُكَذِّبِينَ ۴۲ هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۴۳ جَمْعُهُمْ وَالْأَوَّلِينَ ۴۴ فَنَ كَانُ لَكُمْ
آنروز دورخ شمارندگان را این روز روز نیست که سخن گویند و اجازه داده شود بایشان در دفع کردن پس طرد می کنند وای
دوران روز برای تکذیب کنندگان این روز فاعله است جمع کردیم شمارا با پیشینان پس اگر شمارا
كَيْدٌ ۴۵ وَكَيْدُونَ ۴۶ وَيْلٌ لِّيَوْمٍ مُّسِيءٍ ۴۷ لِلْمُكَذِّبِينَ ۴۸ إِنَّ الشَّقِيقِينَ فِي طَلَلٍ ۴۹
حیلست بد سنگی کنند در حق من و ای آنروز دورخ شمارندگان را هر آینه متقیان در سایه باشند و
مکری پس مکر کنند با من وای دران روز برای تکذیب کنندگان هر آینه متقیان باشند در سایه و
عَيُونَ ۵۰ وَقَوْلُهُمْ إِنَّا نَكُونُ الْغَالِبِينَ ۵۱ كَلَّا وَاتَّبِعُوا هُنَا ۵۲ وَأَنذَرُوهَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۵۳ إِنَّا
و چشمها را در میوای از بسته کرد غیبت کنند بگویم بخود و بنویسند خوردن و نوشیدن گویا بسبب آنچه می کردید هر آینه ما
در این راه را در میوای از بسته کرد غیبت کنند بگویم بخود و بنویسند خوردن و نوشیدن گویا بسبب آنچه می کردید هر آینه ما
كَذَلِكَ يَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۵۴ وَيْلٌ لِّيَوْمٍ مُّسِيءٍ ۵۵ لِلْمُكَذِّبِينَ ۵۶ كَلَّا وَاتَّبِعُوا ۵۷
هم چنین جزای دیم نیکو گاران را وای دران روز برای تکذیب کنندگان بخودید و دلچ بجزید
قَلِيلًا إِنَّا كُمْ مَجْرُمُونَ ۵۸ وَيْلٌ لِّيَوْمٍ مُّسِيءٍ ۵۹ لِلْمُكَذِّبِينَ ۶۰ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْجِعُوا
اندک بر آینه شمارندگان را و ای آنروز دورخ شمارندگان را و ای آنروز دورخ شمارندگان را و ای آنروز دورخ شمارندگان را
لَا يَرْجِعُونَ ۶۱ وَيْلٌ لِّيَوْمٍ مُّسِيءٍ ۶۲ لِلْمُكَذِّبِينَ ۶۳ فَيَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ۶۴ إِنَّا نَكُونُ الْغَالِبِينَ ۶۵
نارنجی گذارند و ای آنروز دورخ شمارندگان را پس بگویم سخن بعد از آن ایمان خواستند آورد
هم نمی شوند وای دران روز برای تکذیب کنندگان پس بگویم سخن بعد از آن ایمان خواستند آورد
ع

خود و مناظر موت و حیات و سختی و نرمی را نشان میدهد آیا در میدان مشرب نظر مطلقه متقی و نرمی و دجیات و پاکت را و انوار کرده نمی تواند و نیز بهر کس یک آفرین پاک کردن

سورة النبأ مكية اربعون آية وفيها امر بوعان

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ ۚ عَنِ النَّبَا الْعَظِيمِ ۚ

از چه چیز کاخران یا یکدیگر سوال می کنند آن سئوالی که بزرگ است بزرگ

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ ۚ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۚ ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ ۚ

که ایشان در آن خلقت دارند و کس در آن اختلاف کنندگان اند هرگز نمی دانند و خواهند دانست پس هرگز نمی دانند و خواهند دانست

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا ۚ وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا ۚ وَخَلَقْنَاهُ أَزْوَاجًا ۚ

آیا نشناختیم زمین را فرشی و کوه ها را میخها و آنرا را زوج ها و

وَجَعَلْنَا نُوجًا سَبَاطًا ۚ وَجَعَلْنَا النَّيْلَ لَبَاسًا ۚ وَجَعَلْنَا النَّهَارَ

و مسافتی و آب ها را سبیل و مسافتی و کوه ها را پوشش و گردانیدیم روز را

مَعَاشًا ۚ وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا ۚ وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا ۚ

و وقت طلب معیشت و بنا کردیم بالای شما هفت آسمان محکم و گردانیدیم چراغی درخشان

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا ۚ لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا ۚ

و فرو آوردیم از ابرها آب ریزان تا بر آیدیم بسبب آن آب دانه و گیاه را و

جَنَّتِ الْفَاكَا ۚ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ مِيقَاتًا ۚ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي

بوستانها دریم پیچیده را هر آینه روز فصل کردن هست و وقت معین روز یکدمیده شود در

الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ۚ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا ۚ

صور پس بیاید گروه کرده شده و شکافته شود آسمان پس باشد دروازه دروازه و

سُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ۚ إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا ۚ

روان کرده آید کوه ها را پس باشند آن سراب هر آینه دوزخ است انتظار کننده

لِلطَّغْيَانِ مَا بَا ۚ لَبِثْتُمْ فِيهَا أَحْقَابًا ۚ لَا يَذوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَ

سرشاز است مرغ ایشان را آید بدوزخ اقامت کنند گان در آنجا مدت باسی و از آنجا نجات نیابند و

لَا تَشْرَبُونَ ۚ لَا حِمِيمًا وَغَسَّاقًا ۚ جَزَاءُ ۚ وَفَاكًا ۚ لَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ

نوشیدنی را و آب گرم و زرداب را جزا داده شد جزا مواخی را هر آینه ایشان توقع نمیداشتند

و ناله و زاری را و آب گرم و زرداب را

فتح الرحمن
ملک مراد بعثت و
سبت ۱۱ صبح
۱۲ تفسیر عثمانی
عنه یعنی مردم در تحقیق
و معجزی کدام مسئل
مشول اند و اما این
استعداد
را دارند
النبأ
و کجای خوشی آن
امر را بیانند و هرگز نمی
یا مطلب این است
که کلام را استوار
او را از هم و دیگران
حضرت رسول الله
صلی الله علیه و آله
مؤمنان می پرسند که
قیامت چه وقت می
آید و مصیبت آخرش
چیست و در همین
مساعت چرا نمی رسد
میدانید که اینها چه
واقعی می پرسند و از تو
بزرگ می پرسند که بزرگ
علمشان به آن میرسد
و تحقیق نظر بولایش
را بچشم سرشته کنند
عنه یعنی باغهای آنرا
در سبزه باغی که در
درخت باو افتاده
توانون آفریده ایم
رشته ای تا از آنجا به طاعت
قدرت خویش را بیان
فرموده و ازین به بعد
احوال قیامت را آشکار
میکرد و آنکه خدا را
دارای چنین حکمت و
اقتدار باشد مخلوق
را از علم بوجود آورده
آیا باز در بزرگند و در این
و میدانند که هرگز
برای بخش اعمال بزرگ
چه اشکال خواهد داشت
زیرا حکمت یا خواست
تقاضای آن دارد که

چون در کلام خداوند بزرگ می بیند و طویل دنیا یکدیگر همان و انجام روشنی لازم است که آنرا آخرت می نامیم طریقی پس از خواب بیدار

فل یمنی کل اسما
 فل یمنی یک باره
 ارواح را به سختی
 فل یمنی یک باره
 دیگر با لفظ سختی
 فل یمنی
 هو اسنانی ۱۲
 فل یمنی از یک و دیگر
 سبقت کردی ۱۲
 یعنی نفی اولی و نفی
 ثانیه وجود ۱۲
 تفسیر عثمانی
 علیه یمنی مکافات
 کف کشتن و کفست
 الی است در تفسیر
 نسبی را قند تست
 و تفسیر اگر انسان
 به یمن اعمال حسنه
 از عذاب نجات یابد
 مشکل است حصول
 بهشت محض عطا
 کرم الی می باشد
 و اینکه جنت را عوض
 اعمال را قرار داده زده
 نوازی و نعمت خداوند
 است علیه یمنی قسم
 بفرشتگانیک روح
 مومنان را از قید
 جسم رها کنند و در آن
 حال روح آنها
 بقون عالم قدس
 چنان به نشاء پروانه
 میگرد که اسیر از قید
 رها شود اما روح
 به کاروان از این نشاء
 بی بهره می باشد و
 فرشتگان آنها کسان
 کسان می برند
 فرمودن نباید کرد
 که این در باره
 روح است
 جسم به بد
 از آنکه در باب
 ارواح حکم
 مکافات با محاربه
 صادر شد بدین
 و سر مشهور ای الی هر چه از ان باطل مطلق
 که برای تدبیر نظام عالم مقرر اند و الظاهر بوالاولی باید دانست که معنی الذخعت و النشفت و غیره مفسرین اقوال ۴۹

حَسَابًا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا

حساب را و کذب می کردند آیات ما را دروغ دانستند و کذب می کردند آیات ما را دروغ دانستند و کذب می کردند آیات ما را دروغ دانستند

فَذُو قَوَائِمٍ تَرِيدُكُمْ أَلَا عَذَابًا إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَقَارًا حَدَائِقَ

پس بخشد پس زیاد خواهیم داد شما را مگر عقوبت را و عذاب است ای متقین مقارن حدایق

وَأَعْدَابًا وَكَوَاعِبَ أَنْزَابًا وَكَاسًا هَامِقًا لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا

و درختان را و گورهای درختان و دو شیره و بهر یک دیگر باشند و پیر شراب برگزیده نشوند آنجا

لَعَوًا وَلَا كَذَابًا جَزَاءً مِنْ رَبِّكَ عَطَاءٌ حَسَابًا سَرَّابٍ السَّمَوَاتِ

مکن بے بوده را و دروغ سخن در آن جزا دادده شده عطا نموده شده حساب کرده شده از جانب پروردگار تو پروردگار سمانها

وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنُ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا يَوْمَ

و زمین و آنچه زمین اینهاست خداست بخشاینده نتوانند از بهیبت و سعه سخن گفتن روزی که

يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلِكَةُ صَفَاءً لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ

بایستد فرشته روح نام و سائر فرشتگان نیز صف زده سخن گویند حاضران محشر

الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ

خدا و گفتار باشد سخن درست و این روز حقیقت است پس هر که خواهد بخیرد

إِلَىٰ رَبِّهِ مَا بَكَهَ إِنَّا أَنْذَرْنَاكُمْ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ السَّعِيرُ

پس هر که بدخواهد بدین آتش را بر سر آید و سانسندیم شما را از عقوبت نزدیک آید روزی که ببیند آدمی آنچه

قَدَّمَتْ يَدَاكَ وَيَقُولُ الْكَافِرُ لَيْسَ بِي كُفْرًا إِنِّي كُنْتُ تَارِبًا

پیش فرستاده بود و دوست دس و گوید کافر کاشکی من خاک بودم

الرَّحْمَنُ وَالْكَافِرُ لَيْسَ بِي كُفْرًا إِنِّي كُنْتُ تَارِبًا

پیش فرستاده بود و دوست دس و گوید کافر کاشکی من خاک بودم

الرَّحْمَنُ وَالْكَافِرُ لَيْسَ بِي كُفْرًا إِنِّي كُنْتُ تَارِبًا

پیش فرستاده بود و دوست دس و گوید کافر کاشکی من خاک بودم

الرَّحْمَنُ وَالْكَافِرُ لَيْسَ بِي كُفْرًا إِنِّي كُنْتُ تَارِبًا

پیش فرستاده بود و دوست دس و گوید کافر کاشکی من خاک بودم

الرَّحْمَنُ وَالْكَافِرُ لَيْسَ بِي كُفْرًا إِنِّي كُنْتُ تَارِبًا

پیش فرستاده بود و دوست دس و گوید کافر کاشکی من خاک بودم

الْحَجِيمُ هِيَ الْمَأْوَى ۝ وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ

دورخ بمانست جلست او و اما کسی که ترسیده باشد از ایستادن بخشود برورد و کار خویش و باز داشت نفس را

عَنِ الْهَوَى ۝ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَى ۝ يُسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ

از شهوات پس هر آنچه بهشت بمانست جائے او سے پرسند ترا از قیامت

أَيَّانَ مَرْسِمُهَا ۝ فِيمَ أَنْتَ مِنْ ذِكْرِهَا ۝ أَلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا ۝ إِنَّا

کے باشند منتظر آن در چه منزل تو از علم آن بوسے پروردگار است منتہائے علم آن جز این نیست کہ

أَنْتَ مُنْذِرٌ مِّنْ يُخْشَاهَا ۝ كَانُهَا يَوْمَ يَرَوُهَا كَأَنَّهُمْ يُورِثُونَ ۝

تو ترسانند کسی را کہ ترسد از او سے روزیکہ برینند آنرا چنانست کہ ایشان رنگ نگرند بودند بدینا محرم یک وقت شام

سُورَةُ الْكَافِرَاتِ ۝ وَفِي ثَمَرَاتِ ۝ أَوْ ضَرَبَ ۝

یا یک وقت صبحی کہ پیش از آن بود یا چاشت گاه آن روز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

عَبَسَ وَتَوَلَّى ۝ أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى ۝ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهٗ يَرَىٰ ۝

رو ترش کرد و اعراض نمود بسبب آنکہ بیاد پیش او ناپیدا شد و چه چیز خبردار کرد تراست بدوے پاک میشد

أَوِ يَنظُرُ فِي صَفْوٰتِ ۝ أَعْيُنُهُنَّ كَالْكَوْكَبِ ۝ فَأَن تَلْ تَصَدَّقَ ۝

یا پسنددے شنید پس لغع میدادش آن پسند شنیدن اما کسی که تو نخواست پس تو بوسے ادا اقبال می کنی

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَرَكَ ۝ وَالْأَعْمَىٰ يَسْعَىٰ ۝ وَهُوَ يُخْشَىٰ ۝ فَأَن ت

و زبان نیست بر تو ورا نیک پاک نشود و اما کسی که بیاد پیش تو نشنایان و از خداست خود ترسان پس تو

عَنْ تَلْكَ ۝ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ ۝ فَمِنْ شَاءَ ذَكَرَهُ ۝ فِي صُحُفٍ

از دے غفلت می کنی سنے هر آنچه این آیات قرآن پندست پس هر که خواهد یاد کند آن را هر آنچه آیات قرآن ثبت است در نامه های

مَكْرَمَةٍ ۝ مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۝ بِأَيْدِي سَفَرَةٍ ۝ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۝

گرامی بلند قدر پاک کرده شده بدست بایستی نویسندگان بزرگ مشی بزرگ کردار

قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ ۝ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۝ مِنْ نُّطْفَةٍ ۝

لغت کرده شد آدمی را چه بانا پسندارست خدا از چه چیز آفرید مشی از نطفه منی

خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ ۝ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ ۝ ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ۝ ثُمَّ إِذَا

آفریدش پس اندازه معین کردش باز راه برآورد آسان نمودش باز میراندش پس در گور کردش باز و قبری که

و اما کسی که ترسیده باشد از ایستادن بخشود برورد و کار خویش و باز داشت نفس را
پس هر آنچه بهشت بمانست جائے او سے پرسند ترا از قیامت
کے باشند منتظر آن در چه منزل تو از علم آن بوسے پروردگار است منتہائے علم آن جز این نیست کہ
تو ترسانند کسی را کہ ترسد از او سے روزیکہ برینند آنرا چنانست کہ ایشان رنگ نگرند بودند بدینا محرم یک وقت شام
یا یک وقت صبحی کہ پیش از آن بود یا چاشت گاه آن روز
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝
رو ترش کرد و اعراض نمود بسبب آنکہ بیاد پیش او ناپیدا شد و چه چیز خبردار کرد تراست بدوے پاک میشد
یا پسنددے شنید پس لغع میدادش آن پسند شنیدن اما کسی که تو نخواست پس تو بوسے ادا اقبال می کنی
و زبان نیست بر تو ورا نیک پاک نشود و اما کسی که بیاد پیش تو نشنایان و از خداست خود ترسان پس تو
از دے غفلت می کنی سنے هر آنچه این آیات قرآن پندست پس هر که خواهد یاد کند آن را هر آنچه آیات قرآن ثبت است در نامه های
گرامی بلند قدر پاک کرده شده بدست بایستی نویسندگان بزرگ مشی بزرگ کردار
لغت کرده شد آدمی را چه بانا پسندارست خدا از چه چیز آفرید مشی از نطفه منی
آفریدش پس اندازه معین کردش باز راه برآورد آسان نمودش باز میراندش پس در گور کردش باز و قبری که
نبوت است و او را
موق بلوغ تعلیم بسیار است اگر چه عبد الله طهفت شوم بر بزرگان قریش گران می آید و در باره بد تعلیقات اسلامی گوش میدهند اما عبد الله ام بن مکتوم بی عرض خود اصرار

شَاءَ الْاَشْرَکَۃَ ۚ کَلَّا لَمَّا یَقْضِ مَا اَمْرُهُ ۖ فَلِیْ نَظَرِ الْاِنْسَانِ اِلٰی

خواست زنده را قیامت سے پہلے بنا دیا اور اپنے فرمودش خواہ زندہ اش گردانے کی قیامت پہلے بنیاد رکھے فرمودش

طَعَامِهِ ۚ اَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ۚ ثُمَّ شَقَقْنَا الْاَرْضَ شَقًّا ۚ

طعام خود بسوئے آنکہ بار بکثرت آب را ریختیم بارش قطعی

فَاَثْبَتْنَا فِیْهَا حَبًّا ۚ وَعَبَادًا وَقُضِیَ ۚ وَزَیْتُونًا وَنَخْلًا ۚ وَحَدَاقِی

پس رو یا بنیدیم در ان زمین دانہ را و عباد و بنیاد و درختان خرما را و باغبارا

غَلًّا ۚ وَفَاکِهَةً وَابًا ۚ مَّتَاعًا لَّکُمْ وَلَا نَعْمًا لَّکُمْ ۚ فَاِذَا جَاءَتْ

گردختان بسیار دارد و میوه را و علف دواب را بر اسے منفعت شما و چهار پایان شما

الصَّابِغَةُ ۚ یَوْمَ یَفْرُ السَّعْرُ مِنْ اَخِیْهِ ۚ وَامْرَاةٌ وَابِیْهِ ۚ وَ

آواز گنجشک روزیکہ بگریزد و مرد از برادر خود و از مادر خود و از پدر خود و

صَاحِبَتِهِ وَبَنِیْهِ ۚ لَکُلِّ اَمْرٍ یَّوْمَئِذٍ مِّنْهُمْ شَانٌ یَّغْنِیْهِ ۚ

از زن خود و فرزندان خود و هر مردی را از اشیای آن روز و صاحبان از هر یک از همه و دیگران

وَجَوْهَ یَوْمَئِذٍ مَّسْفُورَةٍ ۚ صَاحِبَکَ مَسْتَبِیْرَةٍ ۚ وَوَجْهَ یَوْمَئِذٍ

یک باره رویشان آفرود و شادان باشد خندان و شادان باشد و یک باره رویشان آن روز

عَلِیْهَا غَبْرَةٌ ۚ تَرَهَقَهَا قَتَرَةٌ ۚ اَوَّلَیْکَ هُمُ الْکُفْرَةُ الْفَجْرَةُ ۚ

بر آن غبار باشد غالب آید بر او سے تاریکی این جماعه ایشانند کافران بدکاران

سُئِلْتُ عَنْ تَکْوِیْرِی ۚ وَابْنُ الْاَرَبِ ۚ وَابْنُ کَثِیْرٍ ۚ وَابْنُ رَجَبٍ ۚ وَابْنُ خَلْدُوْنَ ۚ

پرسام خدا سے بخشا شد مہربان آفریدی کنم بشام خدا سے کہ اندازہ مہربان نہایت باریک است

اِذَا الشَّمْسُ کُوْثِرَتْ ۚ وَاِذَا النُّجُومُ انْکَدَرَتْ ۚ وَاِذَا الْاَبْجَالُ

و وقتیکہ در آفتاب بکثرت شود و وقتیکہ ستارگان تیرہ شوند و وقتیکہ کوه ہا

سَدِرَتْ ۚ وَاِذَا الْعُشُورُ عَطَلَتْ ۚ وَاِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ ۚ

روان کردہ شود و وقتیکہ شتران مانع را مسدود گذارند شود و وقتیکہ جانوران وحشی را جمع کردہ شود

وَاِذَا الْبِحَارُ سَجَرَتْ ۚ وَاِذَا الْتَفُّوسُ زُوْجَتْ ۚ وَاِذَا الْمَوْءِدَةُ

و وقتیکہ دریا ہا در آتش افروز شود و وقتیکہ ارواح را با جسد جمع کردہ شود و وقتیکہ دختران از بکرہ ہا بکرہ ہا

سُئِلْتُ بِاَيِّ ذَنْبٍ قُتِلْتُ ۚ وَاِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۚ وَاِذَا السَّمَاءُ

پرسیدہ شود کہ بکدام گنہہ کشتہ شدہ علیہ و وقتیکہ نام ہا سے اعمال را کشادہ شود و وقتیکہ آسمان را

تفسیر عثمانی
عمر بنیہ حیوانات چنان
کہ از سایہ انسان دم
می کشند در ان روز چنان
مضطرب میشوند کہ یا
حیوانات ایلی در آب ہما
یک جہا شدہ گرد آیند
چنانکہ در اوقات خوف
اکون ہم دیدہ میشود
شفا در ایلی کہ سرما
شدت می کشد یا
مشاہدہ افتادہ بعض
درندگان در شہر
پناہ آورده اندسانی
در ایلی گنگا و جہانگنا
شد و بریک جہری
چند نفر نشست بودند
و چند بار نیز در یک گشت
چیری خود را بپاچہ
بودند و از بس بجان خود
بودند کی بدیکہ مدافع
کردہ نمی توانست
ارغیہ بعضی مغربین
در شہر را بپاچہ
مرگ عمومی تفسیر
کرده اند و بعضی بعضی
عشر کہ از مرگ عمومی
است و اللہ اعلم
علیہ و عرب جاہلیت
روان بود کہ پدران
و دختران خود را با ہمتی
بی رحمی زندہ گوری کردند
بعضی از سبب ننگدستی
و بیم مصروف فراموشی و
بعضی از جہت غارت از نزد
دولاد این است کہ قریب
کریم آنها را از جہت
کہ ازین دختران
منظور ہم رسیدہ میشود
کہ بکدام گناہ کشتہ شدہ
اید و پدران خیال میکنند
بغیر از سبب مست خود شدن
است و ہر سخی کہ بہ
آہنہا کشند حق ندارند

بلکہ جرم کشتن اولاد خصم ہا کہ زندہ در گور کردن باہر نسبت بعضی بے لمانہ و دیگر نوع شکن سنگین تر است

دل ایسی صرخہ شود
 مانند بڑے کوپو مت
 اس طرح کہ وہ باشند ۱۲
 و لا تخرج کلام من
 فمتری من صرخ و نہ ہوا
 عطا دین سستارہ
 تجوہ او دل سیر کہوہ
 قلم سے رسد از ان باز
 کی گوئی وہ مقامے
 سے کہ وہ دو بقا اقبال
 بلند و جوں وقت
 از ان آید غائب شوند
 اللہ اعلم ۱۳
 تفسیر غنائی

[illegible]

كُشِطَتْ ۞ وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ ۞ وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ ۞ عَلَيْكَ

پوست برکنده شود و وقتیکه دوزخ برافروخته شود و وقتیکه برشت را نزد یک ساخته شود بداند
 مثل پوست برکنده شود و وقتیکه دوزخ برافروخته شود و وقتیکه برشت نزد یک آورد بداند

نَفْسٌ مَّا أَحْضَرْتُ ۖ فَلَا أُسِيمُ بِأَلْحَسِ ۖ الْجَارُ الْكُشِ ۖ (١٦)

بهر شخص آنچه حاضر ساخته است پس قسم بخورم بستاند بآن باز کرده میر نمایند غائب شوند
بهر شخص آنچه حاضر ساخته است پس قسم بخورم بستاند گان باز کرده میر نمایند غائب شوند

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ ۖ وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ ۖ إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ

و قسم بشب چون باز گردد و قسم به صبح چون بیدار
و قسم بشب و قتل باز آید و قسم به صبح و قتل بیدار

كريم ذي قوة عند ذي العرش مكين

صاحب توانائی باوقار نزدیک خداوند عرض
قد است دانای توانائی باوقار نزدیک خداوند

وَمَا صَاحِبُكُمْ يَبْجُنُونَ ﴿٦٦﴾ وَلَقَدْ جَاءُوكُم بِالْحَقِّ الْبَاسِ ﴿٦٧﴾

دولت ایران شما دیوانه ویرانه بارشاده بود آن فرستاده را که آنجا حاضر است و نیست یار شما
دولت رفته تا آن دیوانه ویرانه بارشاده بود آن فرستاده را که آنجا حاضر است و نیست یار شما

عَلَى الْغُرَبِ بِضَنْبُنٍ ﴿٣٧﴾ وَيَا هُوَ يَقُوا شَيْطَانَ جَدِّهِ ﴿٣٨﴾

بر علم بنمایان بخل کننده و ایت قرآن گفتار شیطان را زنده شده پس بجا

تَنْ هَبُونِ اِنَّ هُوَ الْاَزْكٰى لِلْعٰلَمِيْنَ

نیت قرآن مسکنند عالمہا را برائے ہر کہ از زمرہ شایعانہ کہ

[illegible]

مست کد ارستود دسته خواهید مکر و فیکه نخواه خندا پروردگار عالمها

سورة الزمر

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداے بخشاینده
آغاز می کنم بنام خدا

هذا السبب

و قتی که ستارگان از آسمان بریزد و وقتی که دریاها

(Faint handwritten notes at the bottom of the page)

وال کرده شود بنهایت شدت و وقتیکه کور را شمع فتنه شود

و

پہلے پڑھو اور کھانا کھاؤ

آن خدای که

... و این است که در تمام ادوار بهار و تابستان از سراسر استان و شهرستان بهشتان به کوهسایه های بلند و دریا

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بلکه زنگ بسته است بر دل بای ایشان آنچه می کردند

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بلکه زنگ بسته است بر دل بای ایشان آنچه می کردند

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بلکه زنگ بسته است بر دل بای ایشان آنچه می کردند

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بلکه زنگ بسته است بر دل بای ایشان آنچه می کردند

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بلکه زنگ بسته است بر دل بای ایشان آنچه می کردند

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بلکه زنگ بسته است بر دل بای ایشان آنچه می کردند

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بلکه زنگ بسته است بر دل بای ایشان آنچه می کردند

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بلکه زنگ بسته است بر دل بای ایشان آنچه می کردند

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بلکه زنگ بسته است بر دل بای ایشان آنچه می کردند

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بلکه زنگ بسته است بر دل بای ایشان آنچه می کردند

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

بَلْ سَكَتَ رَأْيُكَ عَلَىٰ قَوْلِهِمْ مَا كَانَ لَأَنْتُمْ أَنْ تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا

عنه در آیات ما شک
و مشبه نیست حقیقت
این است که از کثرت
گناه آئینه دلشان را
زنگ گرفته و سیاه
شده باین صورت
حقایق بطور صحیح در آن
منکسر نمی شود در
حدیث است که چون
بندگی کنای می کنند در
دلش یک نقطه سیاه
پیدا می شود پس اگر
توبه کرد زایل گردد و الا
هر قدر گناه کند آن نقطه
بزرگتر و وسعت
می کند و باطل دلش
سیاه می گردد بعدی که
حق را از باطل فریاد کرد
نمی تواند و مگر این مذکور
ازین قبیل مردم اند که
از شرارت بای بیانی
دلشان سیاه شده
و آیات الهی تفسیر
نمی نمایند و علیین
جائی است که در آن
اسمای اهل جنت
مندرج و نام برآید
اعمالشان مرتبه
گذشته میشود و احوال
آنها را نخست بر آنجا
برنده بعد بمقامشان
رسانند و احوالشان
را با قیود آن بایک
نوع تفقیر باشد و گویند
این موضع بالای آسمان
به هم پیوسته دارد و اح
مقران عالی مقام
در آن قیام پذیرند
والله اعلم بالصواب
خودش می گویند
بر مسلمین تفسیر نموده
گری می نمودند و
بر عیش و تنعم
خایش مغرور
گردیده تصور می کردند
که اگر زمین عقابند و
افکار ما صحیح نیست چرا اینچنین عیش و استراحت رسیده ایم لعل که این گروه نادان که راه زهد و ریاضت می گذرانند و لذت و تنعم را بر انداخته و تنوع می دهند و لذت می برند

يَفْعَلُونَ

می کردند

می کردند

فتح الرحمن

[illegible]

سورة المؤمنون
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اٰمَنَّا بِاللّٰهِ بِمَا نَزَّلَ عَلَيْنَا مِنْ كِتٰبٍ قَدِ اُنْزِلَ

بنام خدا کے بخشیدہ مہربان
آغاز می نمائیم خدا اینکه بے اندازه مہربان نهایت بارحم است

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ ۝ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ ۝ وَشَاهِدٍ

قسم باستان	خداوند بر جبال	و قسم بر روی کوه عده کرده می شود و قسم بر روی کوه در هفت
قسم به آستان	که دارای برج است	و قسم بر روی عده کرده می شود و قسم بر روی کوه

١٣ قتل اصحاب الاعداء في النار ذات القلوب العظيمة انهم عذبوا

حاضر میشود و ملک کرده شدند اهل خندق با
از قسم آتش خداوند بیزم بسیار و قتیله ایشان
حاضر میشود و قسم بر دوی که بر آید آن حاضر میشوند گشته شود صاحبان خندق است از ای همه بسیار و قتیله ایشان

فقد ورد في كتابه عليه السلام في بيان ما لا يورث من تركته

برکناره آن خندقی باشند بودند و ایشان بایستی می کردند با مسلمانان حاضر بودند و عیسیا بنکر دند از ایشان

الان يؤمن بالله الغيب

مگر این حصلت را که ایمان آرنده خدا غالب ستوده کار آند او است بادشاهی ۲ سمانها و زمین

میرایمان اردلان ابدی غائب داری محمد آمله اوراست پادشاهی آسمان و زمین

و هذا بر همه چیز مطلع است و بر آئینه آنکه دعوت کرد مردم را و از آن مسلمان را

والتدبر به چرخ داناست و
بر این آینه آنکه از ایمان بجز داشت مردان مسلمان و زنان مسلمان را

باز گویند نمودند پس ایشانراست عذاب و درخ و ایشانراست عذاب سوختن هر آینه آنانکه

باز نوی نمودند پس ایشانراست عذاب دوزخ را ایشانراست عذاب سوزانده هر یک از آنانکه

ایمان آوردند و کردارهای مثالیست کردند ایشان فرامست پوست آنها میرود زیر آن جویها اینست

ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند ایشانراست باطنهای کار
میرودند در دشتان آن جوی این

فیروز کی بزرگ ہر تینے دست درازی پر درکار تیرے موت مست ہر آئینہ آفرینش تو می کند و

کامیابی بزرگ است و به آئینه مرآت پند و ناکارست نهایت سخت است بر آئینه او پس می کند بار اول و

یغید و شو ر اود دود و دو العزیز السرجید و فقا لیا
آفرین دوباره می کند او است آمر زگار دوستدار او خداوند عرش گرامی قدس است بسیار گفته است هر چه زیاده که

دادست آمرزگار دوستدار الگ غرض گزای قدر است کنده است بر تیره را

پیرید ۱۹) هل اندک حلیت الجور ۲۰) و سکون و تهود ۲۱) بل
خواجہ آیامہ است بتو خبر شیربا کفرتون و نمود پاشند بلد

خواه آیا آمده است ترا خبر لشکرها که از آن کوهستان و محمود است بانه

الدين يعرف الى تدریب ۹ و الله من وراءهم مریط ۷ بیل

۱۶۱۰ گفتار کردند و نگذیب اند
والله ان بر طرف ایشان احاطه نموده است بلکه

هو قرآن مجید (۳۱) فی لوح محفوظ (۳۲)

آن زمان بزرگ است نوشته شده در لوح محفوظ

و اگر مایه بزرگ در آخر نقیب ایشان است که در مقابل آن عیش و کثرت دنیا هیچ باشد ۱۲-



فل ضوع نام گیه

خاردارست ۱۲

تفسیر عثمان

عنه فی تفسیر

تحریر نایب و دکار

غوثی را یاد کرد

باز ناز کرد و بعض

سلف (ترکی) را زکوة

داد و ترجمه در اینجا

فقط تفسیر کرده اند

از ذکر اسم رسالت

عید و از (فصلی) نماز

عید یعنی بروز عداول

صدق فطره باز غیرات

و باز نماز است الظاهر

هو الاول تفسیر علی

مذہب جعفری تفسیر

اول ازین آیت گرفته

و مسند است

کرده اند اول اینکه

در تفسیر خاص گفتن

کلمه (الله) از حق

نیست و مطلق ذکر

نام خدا که مشرب بنظم

باشد و

شکل عرض و

و حاجت بنده کافی

است: قرار احادیث

می گفتن (الله) از حق

سنت یا واجب است

و هم اینکه تفسیر

در نماز شرط است نه

رکن: چرا که عطف

(فصلی) بر (ذکر اسم)

طاعت دارد بر مختار

مطلوب و موقوف

علیه و الله اعلم

عنه یعنی بندگان

مصابب آفرین و

بسیب آن خسته و

درمانده و بعضی گفته

انداز

(عاطف) و

مرحوم

دیناست از ابراهیم

دو دنیا متعلق است

بسیاری از بندگان

ذکر اسم ربّه فصل ۱۵ بَلْ تُؤْتِرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرَ

یا کرد نام پروردگار خود را پس ناز کرد بلکه اختیاری کنید زندگانی این جهان را

و آخرت بهتر است یا کرد نام پروردگار خود را و ناز کرد نام پروردگار خود را بلکه اختیاری کنید زندگانی دنیا را

و آخرت بهتر است

و اینده تر است هر آینه این مقدمه مذکور بود در صحیفه ستمین صحیفه ای ابراهیم و موسی

و پانزده تر است هر آینه این مضمون مذکور است در صحیفه ای یسعیان (در صحیفه ای اولی) صحیفه ای ابراهیم و موسی

و پانزده تر است

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

فل یخیر عونه ودا لجم
 ۱۲ فل یخیر بعض نماز
 جفت ست و بعض طاق
 ۱۳ فل کذا جزا و سب
 بندگان است بر اعل
 ال شان ۱۲ فل یخیر
 بچار بیخ بسته عتوبت
 میگرد ۱۲ فل یخیر
 و یقین را حق ایشان
 نمی دهم و حق ایشان
 مال خود جمع می کنیده
 فل یخیر اسباب
 اکر ام الهی اکر ام شیم
 واطعام مسکین ست
 آزمای باید کرد و شما
 باین صفت مستید
 که یتیمان را حق ایشان
 نمی دهم و حق ایشان را
 مال خود جمع می کنیده
 فل یخیر جهال اهلان
 را با سزا و حق برابر
 کرده شود ۱۲

تفسیر عثمان
 ۱۲ فل یخیر عونه ودا لجم
 نشاخت خاصه اینکه
 در نظر انسان تنهایی
 دنیوی اهمیت دارد
 و معیار عزت و دولت
 خود همین راحت و
 زحمت دنیا را امیداند
 و خبر ندارد که هر چه
 آرزایش او ست در
 نعمت شکر گذاری او را
 امتحانی کند و در سختی
 صبر و استقامتش را در
 نعمت و روز و دنیا
 دلیل مقبولیت و غیرت
 پر بار خداوندی است
 و نه سختی و زحمت ایل
 امانت و مردودیت
 سگراف ان از بس
 غافل است بلامتی
 خود حق نمیداند از بی
 حیالی و نادانانیت
 و زبید و انرازم بهر
 خویشی آورده

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَعِزِّهِمْ وَأَجْزِلِهِمْ وَأَكْبَرِهِمْ وَأَكْبَرَهُمْ
 بسم الله الرحمن الرحيم
 آغاز می کنم ب نام خداوندی که بی اندازه مهربان به نهایت با رحمت
 وَالْفَجْرِ ۝ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۝ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝ وَالْيَلِّ إِذَا سَبَّحَ ۝ هَلْ فِي
 و شب های ده گانه و ششم بجفت و طاق و ششم بطبق و اول شود آیت درین
 و شب های ده گانه و ششم بجفت و طاق و ششم بطبق و اول شود آیت درین
 ذَلِكُمْ تَسْمِعُ الَّذِينَ يَحْكُمُ أَلَمْ تَكُنْ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۝ إِمْرَءَاتُ الْعِمَادِ ۝
 مقدمه سولند سے معجز هست صاحب خود را آیت آنندیدی که چگونه محاله کرد پروردگار تو با قوم عاد را با شکر خداوند تقدیر بپند
 چیز با راه کردیم قسم کامل صاحب عقل را آنندیدی که چه کرد ب تو با قوم عاد که در ارم بودند در اداری ستو بهای بزرگ
 الَّتِي لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ ۝ وَشَوَدَّ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝
 که آفریده نشده است مانند آن در شهر با و چگونه محاله کرد با قوم ثمود که تراشیده بودند سنگ های بزرگ را و دایره
 که آفریده نشده مثلش در تمام شهر با و چه کرد با قوم دمان آنکه تراشیدند سنگ بار را و دایره (قرق)
 وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝ الَّذِينَ طَعَفُوا فِي بِلَادِ ۝ فَأَكْثَرُوا فِيهَا
 و چگونه محاله کرد با فرعون صاحب میخهای بنام این جماعت با آنکه سرش می کردند در شهر با پس بسیار ایل آوردند در اینجا
 و چه کرد با فرعون صاحب میخ با کسائی بودند که سرش می کرده بودند در شهر با پس بسیار در آن شهر با
 الْفَسَادِ ۝ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ ۝
 شاد را پس بر سخت بر سر ایشان پروردگار تو یک دفعه عذاب هر آینه بر در درگاه تو همین گاه ست
 فرود کردند پس بر سخت بر ایشان پروردگار تو نازلان عذاب هر آینه بر در درگاه تو همین گاه ست
 فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ ۝ وَنَعَّمَهُ ۝ فَيَقُولُ إِنِّي الْكَرِيمُ ۝
 پس اما آدمی چون امتحان کندش پروردگار او پس گرامی کندش و نعمت دهدش پس گوید پروردگار من گرامی ساخت مرا
 پس اما آدمی چون امتحان کندش پروردگار او پس عزت دهدش و نعمت دهدش پس گوید پروردگار من عزت داد مرا
 وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ ۝ فَيَقُولُ إِنِّي أَهْلَسُ ۝ كَلَّا بَلْ
 اما چون امتحان کندش پس تنگ سازد بر دے رزق و پرا گوید پروردگار من فقرات کرد مرا
 و اما وقتی امتحان کندش پس تنگ سازد بر وی رزق او را پس گوید پروردگار من ذلیل ساخت مرا و نه فی ملک
 لَا تَذْكُرْ مَوْنَ الْيَتِيمِ ۝ وَلَا تَحْضُونِ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ ۝ وَتَأْكُلُونَ
 گرامی نمی آید یتیم را و یکدیگر را رعیت نمیدید بر طعام دادن فقیر و میخورید
 عزت نمی دهد یتیم را و غریب نمیدید یکدیگر را بر طعام دادن محتاج و میخورید
 الذُّرَاثِ أَكَلًا لِّهَآ ۝ وَتَجْبُونَ الْمَالَ حَبَآجًا ۝ كَلَّا إِذَا دُمَّتِ الْأَرْضُ
 مال میراث را خوردن بسیار و دوست میدارید مال را دوست داشتین بسیار و دے سته چوین است کرده شود بلندی زمین را
 میراث را خوردن بسیار و دوست میدارید مال را دوست داشتین بسیار چوین نباید کرد و فقیر است کرده شود بلندی زمین
 دَكَاذِكُمْ ۝ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ۝ وَجِئْتُكُمْ يَوْمَ يَمُوتُ جَمْعًا ۝
 بیست کردن بود بیست کردن و بیاید پروردگار تو و بیایند فرشتگان صف صف شده و آورده شود آنروز و وزج را
 بیست کردن بود بیست کردن و بیاید پروردگار تو و بیایند فرشتگان صف صف و آورده شود آنروز و وزج
 يَوْمَ يَمُوتُ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ۝ يَقُولُ لِيَكُنْ بَنِي قَدَمْتِ
 آنروز یاد کند آدمی و بجا باشند اورا انعم آن یاد کردن گوید اے کاش من فرستاده سے کل نیک
 آنروز یاد کند انسان را آنچه آفران کرده و بجا نمانده دهد او یاد کردن گوید اے کاش چیزی سے پیش فرستادمی
 كَيْبَاتِي ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَنْ آيَةِ أَحَدٍ ۝ وَلَا يُؤْثِقُ وَثَاقَهُ
 بر آیت این زندگانی ها و دانی خویش پس آنروز عتوبت نمکند مانند عتوبت خدا هیچ کس و بجز بند و مانند بستان او
 در زندگی خویش پس آنروز عذاب نمکند مانند عذاب او هیچ کس و نه عقید سازد مانند عقید ساز حق او

در میراث گرفتن مرده طلال و حرام و حق و باطل را فرقی نمی کنند هر چه بدست آوردند بضم می کنند اگر حقوق یتیمی و مسکین تلف شد ۱۲

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ

ہر آئینہ آفریدیم آدمی را	در نیکوترین صورتی	پس گردانیدیم آفران خود ستران را
ہر آئینہ آفریدیم آدمی را	در بیشترین اندازہ (صورتی)	پس اعلیٰ کردیم او را درو از ہمہ

سَافِلِينَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ

همه فروماندگان ول میگردانند ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند پس ایشانراست اجر عظیم
میگردانید یعنی کردند و گردیدند کارهای شایسته پس ایشانراست ثوابی نام

فَمَنْ يُؤْمِنْ ۖ فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدُ بِالْدِّينِ ۚ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ﴿٢٠﴾

نهایت پس اسے آوی چه چیز حل میکند ترا بعد ازین همه پند و اندوه مخمور در باب جزائے اعمال و آفات است خدا حکم کننده ترین حاکمان
متنای پس چه چیز داد و اداء کرد ترا به تندی بعد از این بروز جزاء آفات است الله حاکم ترین حاکمان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدا کے جنتناہندہ مہربان
آغازی کلمہ بنام خدا ہے اندازہ مہربان نہایت بارہم است

اِقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝ اِقْرَأْ ۝

بخوان به برکت نام پروردگار خود که آفریدگار است آفرید آدمی را از خون پادشاه است بخوان ۱
بخوان بنام رب خویش که خلق پرچیز است آفرید انسان را از خون است بخوان ۱

رَبِّكَ الْأَكْزَمُ ۝^٤ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝^٥ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝^٦ كَلَّا إِنَّ

پرو درگاه تو بزرگوار ترست آنچه علم آموخت بدستباری قلم آموخت آدنی را آنچه نمیدانست حق حقا هر آینه
رب تو بسیار کرم است آنکه علم آموخت انسان را بواسطه قلم آموخت انسان را آنچه نمیدانست زجنان است هر آینه

الْأَسْنَانُ لِيُطْعَمَ ٦ أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْفَرَ ٧ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعُ ٨ أَرَأَيْتَ

آدی از حد میگذرد و تنگی می بیند خود را تو گشاده
الشان سر کشی می کند باینکه بیند خود را بی پروا

الَّذِي يَكْفِي عَبْدًا إِذَا أَصْلَحَ ۖ ۝١٠ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ أَوْ أَمَرَ

آنکه می کند بنده را چون نماز می گذارد آیات پدید می آید که چه می شود اگر برادر راست بود سه یا چهار مرتبه نماز می گذارد آنکه می کند بنده را چون نماز می گذارد آیات پدید می آید که چه می شود اگر برادر راست می بود یا اگر به مرتبه نماز می گذارد

بِالتَّقْوَىٰ ۖ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ۖ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى ۖ

فرمودے آیا دیدی کہ چه میشد اگر دروغ فتنه دود گردان گشت آیا ندانست این روگردانند که خدا سے بنید و گ
می نمود بپسین این سرکش را اگر نکذیب گردد و گردانید آیا ندانست این را که هر آینه خدای می بیند

لَئِنْ أَمَرْتَهُ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ۝ (١٥) نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ۝ (١٦) فَلْيَدْعُ

اگر باز نخواهد ایستد خواهیم کشید و در انجمن پیشانی
اگر باز ایستد خواهیم کشید و در انجمن پیشانی

نَادِيَهُ ١٤ سَنَدُ الزَّيْنَبِيَّةِ ١٥ كَلَّا لَا تُطِعْهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ (٤٩)

اہل مجلس خود را مانیز خواہیم طلبہ پیاوارا و سنے فرمان ادا قبول کن و نماز گذار و قرب خدا طلب کن
 اہل مجلس خود را ہمی طلبہ پیاوارا ہی سیاست نشدہ را (الملک را) فی حق ترش را قبول کن سجدہ کن و قریب شو

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدا کے بخشش مند
آغازی بختم بنام خدا یک بے اندازه مہربان نہایت بابرہم است

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١٩﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢٠﴾

هر آینه اخرواد آردیم قرآن را در شب قدر
و چه چیز ساحت ترا که حیثیت شب قدر

(اقرار بغير نيزم و صیقلیت) اما نا بقاری در مرتبه سوم سخت تر از بل قشربل است اقرار با اسم یک الح میخ بجان به من و یاری نام به در

لَيْلَةُ الْقَدَرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تَنْزِيلُ الْمَلَكَةِ وَالرُّوحِ

وَقَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مَا لَهُمْ وَبَعَثْنَا مَوْلَانَا مُحَمَّدًا رَسُولًا وَمَنْ يُؤْمَرْ بِالْعَمَلِ فَلْيُحْسِنِ الْعَمَلَ وَلِيُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ كَالضَّالَّةِ الْغَائِبَةِ

شعبان	بهرست	از هزار ماه	فرود می آیند فرشتگان	د روح
شعبان	بهر است	از هزار ماه	فرود می آیند فرشتگان	د روح

فِيهَا يَازُنُ رَحْمَةً مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ۚ سَلَامٌ تُهَيَّئُ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۝٥٤

دوران شب بفرمان مقرر در کار خویش برائے سرانجام کردن هر کار سے آن شب تا وقت طلوع فجر مخصوص سلامتی است
دوران بچکر رب ایشان از هر کاری که مأمون سلامت است آن شب تا طلوع صبح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَمِنْ ثَمَانِ آيَاتٍ

بنیام خدا کے بخشیندہ۔ مہربان
۲ غازی بنیام خدا کا ہار اندازہ مہربان و مہربانیت بار حق است

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ الْمَشْرِكِينَ مُنْفِكِينَ

جنونہ کا زمانہ از اہل کتاب و مشرکان جدا نمودہ یعنی از آئین خود

حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۖ رِسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ۝٢

تاود فیکه بیاید بایشان محبت ظاهر و باطنی است از جانب خدا میخواند صحیفه های پاک یعنی مشهور قرآن

فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ۝ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ

ان محققها احکامیت راست درست و منفرد شدند
 اهل کتاب و

فَعَلِمَ مَا جَاءَ بِهِمُ النَّبِيُّ ^(٣) وَمَا أَمَرُوا ^(٤) الْبَعْدَ وَاللَّهُ مُخْلِصُ

چهارم آنکه آید بایشان محبت ظاهر و مودود نشاید از امر دیگر آنکه عبادت کنند خدا را و خالص ساخته

۱۰ الدِّينُ ۝ حُفَاءٌ وَيُعِظُهُمُ الصَّلَاةَ وَمُنُكَرُهُمُ الرَّكْعَةُ وَذَالِكُمْ دِينُ

در آنکه او بر نفس را متدین بدین ابراهیم شده و بر پا دارند تا زاری و بدستند زکوة را و این است احکام طست

لَقَبْتُهُ ۝ اِنَّ اِلَّٰهَ رَبِّكَ فَكَرُّوْا مِنْ اَهْلٍ الْكِتٰبِ وَاللّٰهُ كَذٰبٌ فِي

در دست میر آینه آنا کافر شدند از این کتاب و مشرکان در

أَجْمَعُهُ خَلْدٌ فَمَا أَؤَلِّكَ هُمْ تَشْرِبُ الدِّبَّةُ ٦ إِنَّ اللَّهَ

آتش دورخ باشند جادیدان آنجا آنگاه ایشانند بدترین خلق هر آینه آگاه

مَدُّهُ أَوْ عَيْلُهُ الصَّاحِبُ أَوْ لَكَ هُوَ خَدُّ الدَّيَّةِ ٥٠ ح ٥١

میں اور نہ وہ اسے شایعہ کرنے آسجاء ایسا نہ بہترین خلق جزائے اٹلان نژاد کہ

میان آوردند و کارهای شایسته کردند ایشانند بهترین خلق برای شان نزد

برود و کار ایشان بوسه تانہی کے ہمیشہ ہاں شدہ رشتہ میرود نہ میراں جو یہما جاویدان آسجا بولاید

و درود گرامتان پوستهها باشد برای سکونت ابدی روان باشد زیر درختان آن جوی با یاد و دیدن باشند در آن همیشه

هستند و شد خدا از ایشان و خوشتر شود شدند ایشان از خدا این دغدغه هست راست که بفرستد از پروردگار بخود

۳۳
 ۳۴
 ۳۵
 ۳۶
 ۳۷
 ۳۸
 ۳۹
 ۴۰
 ۴۱
 ۴۲
 ۴۳
 ۴۴
 ۴۵
 ۴۶
 ۴۷
 ۴۸
 ۴۹
 ۵۰
 ۵۱
 ۵۲
 ۵۳
 ۵۴
 ۵۵
 ۵۶
 ۵۷
 ۵۸
 ۵۹
 ۶۰
 ۶۱
 ۶۲
 ۶۳
 ۶۴
 ۶۵
 ۶۶
 ۶۷
 ۶۸
 ۶۹
 ۷۰
 ۷۱
 ۷۲
 ۷۳
 ۷۴
 ۷۵
 ۷۶
 ۷۷
 ۷۸
 ۷۹
 ۸۰
 ۸۱
 ۸۲
 ۸۳
 ۸۴
 ۸۵
 ۸۶
 ۸۷
 ۸۸
 ۸۹
 ۹۰
 ۹۱
 ۹۲
 ۹۳
 ۹۴
 ۹۵
 ۹۶
 ۹۷
 ۹۸
 ۹۹
 ۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶

هیه کار ما رنگ
 این سال بسرا نظام
 الم مقدمه نه در شکران
 لای همین لغز آن
 دی آید که ما نمی
 سوره الدخان یاد
 من عمل امر مراد هر
 بر است یعنی بر نوع
 خورجیه را با خود
 ز فرزند از اسکن خودی
 ندو الله اعلم
 بل از بعثت با
 عادت آن حضرت
 باب ادیان متغیر
 دند و پیر و ان پیش
 پنداشته غلط
 پیش خرد و معتمد
 ضاع آن عصر
 نقد خیمی بود که بنیاد
 اقامت متزلزل
 رود و مردمان از
 ادی فطالت بسر
 منزل هدایت برستند
 این حرف را بر او است
 ملاطین و دانش
 فاد هدایت
 لیه سیرنی
 چو یک
 وی ارشاد
 زهره الشان
 مشکو که ای که کتاب است

وَلْيَسِّرْ لِلَّذِينَ يَشَاءُونَ
وَلْيَسِّرْ لِلَّذِينَ يَشَاءُونَ
آن شکر کرید یا کون

در زیاده ۱۲

تفسیر غلبی

عده یقین برای اینک

انسان از خساره

امین گردد چار چیزند

است اول ایمان

آوردن بخدا رسول

دو عدده باشد

ایلی خواه بدینا

تعلق داشته ۲۴

باشد خواه آخرت

دوم اثر این یقین

محمود بدل و مانع

نباشد بلکه از جود

هم باید نمایان گردد

و حیات علمی را آئینه

ایمان قبی سازه سوم

تنها بر صلاح و فلاح

نمود قناعت نگرد

مفاد اجتماعی قوم

ملت را هم در نظر

داشته باشد ۲۵

و چون دو

مسلمانان یکجا ۲۶

شوند یکدیگر را بقول

و فعل خود در حق

و در هر مقام با اختیار

نمودن صداقت

تاکید نمایند چهارم

به یکدیگر وصیت و

نصیحت کنند که در

راه حق و اصلاح

افزاد ملل ۲۷

متحمل هر گونه

سستی یا امور خلاف

طلب گردیده ببرد العبر

و استقامت عمل نمایند

و از راه نیکی بکشند

پس خوش قسمتی

که خود را باین اوصاف

چارگان آراسته و

کامل سازند و باز

بنشینند بر لوحی

پروانه نام بنویسند

يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَسَّادِ الْمَبْتُوثِ ۱ وَتَكُونُ الْجِبَالُ

باشند مردمان مانند مردمانی پراکنده ساخته و باشند کوهها

كَالْعِهْنِ الْمَنْقُوشِ ۲ فَاَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ۳ فَهُوَ فِي

مانند پشم رنگین منقوش نموده پس اما هر که گران شد پهلای حسنت او پس آن شخص در

عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ ۴ وَاَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ۵ فَامْسِكْ

گزراش پسندیده باشد و اما هر که سبک شد پهلای او پس جای او

هَآوِيَةٍ ۶ وَمَا آذَارُكَ مَاهِيَةٍ ۷ نَارُ حَامِيَةٍ ۸

باویر باشد و چه چیز مطیع ساخت ترا که حیثیت باویر آتش است چو شعله

هَآوِيَةٍ ۹ وَمَا آذَارُكَ مَاهِيَةٍ ۱۰ نَارُ حَامِيَةٍ ۱۱

باویر است و چه چیز داناند ترا که حیثیت آن آتشی است نهایت سوزان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۱۲ وَبِئْسَ ثَمَارُ الْيَوْمِ

بسم خداست بخشنده مهربان آغاز می کنم بنام خدا که در اندازه مهربان نهایت بارم است

الَّذِينَ كَانُوا يُزَكُّونَ الْمَقَابِرَ ۱۳ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۱۴ ثُمَّ كَلَّا

غافل گرد شمار از یک دیگر بسیار طبعی مال تا وقتیکه رسیدید بخورستانها فلست بخواهید دانت بازمی گویم فلست

سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۱۵ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ۱۶ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۱۷

خواهید دانت فلست اگر بدانید حقیقت کار را بعلم یقین غافل نمی شایید البتة خواهید دید دوزخ را

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۱۸ ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ النَّاسَ عَنِ

خواهید دانت فلست اگر دانید به علم یقین هر آینه می بینید دوزخ را

الَّذِينَ كَانُوا يُزَكُّونَ الْمَقَابِرَ ۱۹ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۲۰

باز البتة خواهید دید دوزخ را و بدین ظاهر می شود باز البتة سوال کرده خواهید شد از روز از نعمت و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۲۱ وَبِئْسَ ثَمَارُ الْيَوْمِ

بسم خداست بخشنده مهربان آغاز می کنم بنام خدا که در اندازه مهربان نهایت بارم است

الَّذِينَ كَانُوا يُزَكُّونَ الْمَقَابِرَ ۲۲ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۲۳

غافل گرد شمار از یک دیگر بسیار طبعی مال تا وقتیکه رسیدید بخورستانها فلست بخواهید دانت بازمی گویم فلست

سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۲۴ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ۲۵ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۲۶

خواهید دانت فلست اگر بدانید حقیقت کار را بعلم یقین غافل نمی شایید البتة خواهید دید دوزخ را

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۲۷ ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ النَّاسَ عَنِ

خواهید دانت فلست اگر دانید به علم یقین هر آینه می بینید دوزخ را

الَّذِينَ كَانُوا يُزَكُّونَ الْمَقَابِرَ ۲۸ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۲۹

باز البتة خواهید دید دوزخ را و بدین ظاهر می شود باز البتة سوال کرده خواهید شد از روز از نعمت و

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۳۰ وَبِئْسَ ثَمَارُ الْيَوْمِ

بسم خداست بخشنده مهربان آغاز می کنم بنام خدا که در اندازه مهربان نهایت بارم است

الَّذِينَ كَانُوا يُزَكُّونَ الْمَقَابِرَ ۳۱ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۳۲

غافل گرد شمار از یک دیگر بسیار طبعی مال تا وقتیکه رسیدید بخورستانها فلست بخواهید دانت بازمی گویم فلست

سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۳۳ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ۳۴ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۳۵

خواهید دانت فلست اگر بدانید حقیقت کار را بعلم یقین غافل نمی شایید البتة خواهید دید دوزخ را

لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۳۶ ثُمَّ لَتَسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ النَّاسَ عَنِ

خواهید دانت فلست اگر دانید به علم یقین هر آینه می بینید دوزخ را

الَّذِينَ كَانُوا يُزَكُّونَ الْمَقَابِرَ ۳۷ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۳۸

غافل گرد شمار از یک دیگر بسیار طبعی مال تا وقتیکه رسیدید بخورستانها فلست بخواهید دانت بازمی گویم فلست

سَوْفَ تَعْلَمُونَ ۳۹ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ ۴۰ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ ۴۱

خواهید دانت فلست اگر بدانید حقیقت کار را بعلم یقین غافل نمی شایید البتة خواهید دید دوزخ را

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ ۝ كَلَّا لَيَكْبَدَنَّ فِي الْخُطَمَةِ ۝ وَمَا

می پندارد که مال او در دلی جاوید هم شل می آید و در دلی جاوید هم شل می آید و در دلی جاوید هم شل می آید

أَدْرَاكَ مَا الْخُطَمَةُ ۝ نَارُ اللَّهِ الْمَوْقُودَةُ ۝ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى

مطلع ساخت ترا که چیت خطه آتش خدا افروخته شده که غالب شود بر داند ترا که چیت خطه آتش است افروخته الهی آتش علیه می کشد بر

الْأَفْدَةِ ۝ إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَّدَةٌ ۝ فِي عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ ۝

و لها بر آینه آن آتش بر ایشان نگاشته شده است پوسته ها سینه دراز در آورده شده است و لها بر آینه آن آتش بر ایشان از هر سو بسته شده در سینه ها سینه دراز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا سب بخشاینده مهربان آغاز می کنم بسم خدا سب بخشاینده مهربان نهایت بارم است

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ ۝ أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ

ول آیا ندیدی چه کرد رب تو با صاحبان فیل آیا ساخت بد اندیشی ایشان را آیا ندیدی چه کرد رب تو با صاحبان فیل آیا ساخت بد اندیشی ایشان را

فِي تَضَلُّيْلٍ ۝ وَ أَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ ۝ تَرْمِيهِمْ

در بے فاندگی و فرستاد بر ایشان پرندگان فوج فوج می انداخت بسوی ایشان در غلطی بے حاصلی و فرستاد بر ایشان پرندگان فوج فوج می انداخت بر ایشان

بِحِجَارَةٍ مِنْ سِجِّيلٍ ۝ فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ ۝

سنگ بزرگ از سنگ گل پس ساخت ایشان را مانند آخر و باقی مانده بعد از خوردن و دواب پس گردانید ایشان را مانند کاه می خورد و شده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا سب بخشاینده مهربان آغاز می کنم بسم خدا سب بخشاینده مهربان نهایت بارم است

إِذَا يَلَفَ فَرِيشَ ۝ إِلَيْهِمْ رَحْلَةُ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ ۝

برای سواران رفتن و رفتن به سمت زمستان و تابستان از جهت الفت قریب الفت شان به رحلت زمستان و تابستان

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ۝ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ ۝

پس باید که عبادت کنند پروردگار این خانه را آنکه طعام داد ایشان را آن پروردگار که سیرت بودند پس باید که عبادت کنند پروردگار این خانه را آنکه طعام داد ایشان را و پروردگار که سیرت بودند

وَأَمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ ۝

و امن داد ایشان را از بهر آنکه ترسان بودند و امن ساخت ایشان را در حال ترس عه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدا سب بخشاینده مهربان آغاز می کنم بسم خدا سب بخشاینده مهربان نهایت بارم است

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ ۝ فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ

آیا ندیدی آن شخص را که دروغ می خورد جزا سب اعمال را پس آن شخص مردیست که با بانه می راند آیا ندیدی آنرا که دروغ می خورد جزا را پس آن کیست

فل منتم كويدا
بادشاه من عمر
بنم كبر كروه نيلان
بسيار دوش كبريشا
بهم آورد چون نزد يك
كبر رسيد خداوند
اااااااااااااااااااااا
تا ملك كند
تفسير عثمان
۲۹ عه در كبر كروه
از راجع به كبر كروه
شود از اين رو در تفسير
زمنان به من ميرت
كه ملكت كرم ميرت
و تابستان بيش كم
شاداب و ميرت
است و هر دو بار كه
ميرت مردم در آنها
پديد احترام مي
كند و آنها را
مجاد و حرم و خدم
بيت الله مي
داند و همچنان
۳۰ و اااااااااااااااااا
نمي كند و بجهت
نفع فراوان برمي
داشته و چون بجا
باري كشته از اين
منافع انداخته باين
و اسوده كی استفاده
مي كنند و انا داهه
نمودند. با اينكه در
اطراف كبر مردمان
دزدی مي كنند و راه
نمي ريدند و بازار
يضا و چاودان كرم
۳۱ بود ليكن و بجهت
بپاس احترام كبر
بقریش دست دراز
نمي كرد لهذا خداوند
در اين آيات انعام
خود را ذكر مي كند
كه مي فرمايد خداوند
اين خانه را بطغيان
خدا خوش بشتا
روزي داد نعمت
و از اين فرموده از بجهت
اصحاب قبل حراست كرده چاودان عبادت مي كنند و به پيغمبر محبوب او اياذ الله را نيز ادين همه جز نهيت كفران نعمت و فراموشی

و لا یخسرون

و یک پالو و دو پالو

آن منظم گوید نصف

این سوره تصویر حال

کافرت و نصف

تصویر حال منافق

والله اعلم

ن کوز نام

حوضت

کرد آخرت خواهد

بود امت آنحضرت

صلی الله علیه وسلم

از ان خواستد آشت

مید

تفسیر عثمانی

ع کوزیمه

کثیر است یعنی غوی

و بهتری زیاد

موجب

بحر احیاء بیت

و شش قول ذکر رود

تجمل این قول را ترجمه

داده که این کلمه بر بزم

افواض نعمت باشد

دینی و دنیوی حسی متوفی

شامل است که خواه

بخود آنحضرت صلی الله

علیه وسلم رسید است

و خواه بغیر حضرت

دی مراد است او را

رسید نیست حوض

کوز که از نعمت

عظیم الشان خداوند

دود اسلک انعام

کوز مشهور

است نیز در

این نعمت با هم

داخل است حضرت

نبوی صلی الله علیه وسلم

است خویش را در

مدد قیامت به آب

این حوض سیراب

می فرماید تنبیه نزد

بعض صحابه حدیث

حوض کوز بعد قیامت

رسیده و لهذا بر هر

مسلمان لازم است که به آن اعتقاد کند صفات حیرت افزای این حوض در احادیث وارد است از بعض روایات ثابت میشود که در میدان حشر است و اما اگر بماند که هر بهشت

الْيَتِيمَ ۚ وَلَا يَخْضُ عَلَى طَعَامِ الْيَسْرِكِينَ ۝ قَوْلُ

بیت را در غبت نمیدهد بر طعام دادن فقیر

و تحریص نمی کند بر طعم دادن محتاج

پس دانی پس خرابی راوی

لِلْمَصْلِينَ ۝ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ ۝

آن نماز را در آن راه

آن نماز گذاران را

از ایشان از نماز خود غفلت می ورزند

از ایشان از نماز خویش غافلند

الَّذِينَ هُمْ يُرَآءُونَ ۝ وَيَسْتَعْثُونَ الْمَاعُونَ ۝

آنکه ایشان را می کنند

آنکه را می کنند

و عاریت نمیدهند ماعون را

و نمی دهند ماعون را

سُورَةُ الْكَافِرَاتِ ۝ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسم نام خداست بخشنده مهربان

آغاز می کنم بسم خدا می کند بی اندازه مهربان نهایت با رحم است

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ ۝ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ ۝

ما بخود بر آینه اعطا کردیم تر کوز

پس نماز گزار بر آینه پرستش پروردگار خود و دست بردار

هر آینه ادا می ترا کوز

پس نماز گذار برای رب خود و قربانی کن

إِنْ شَاءَ نَكَهْهُوَ الْأَبْتَرُ ۝

هر آینه دشمن تو بماند دم بریده

هر آینه دشمن تو بماند است دم بریده

سُورَةُ الْكَافِرَاتِ ۝ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝

بسم نام خداست بخشنده مهربان

آغاز می کنم بسم خدا می کند بی اندازه مهربان نهایت با رحم است

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۝ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ ۝

بگو ای کافران

بگو ای کافران

پرستش نمی کنم آنچه شما می پرستید

نمی پرستم آنچه را شما می پرستید

وَلَا أَنَا عَابِدٌ

و نه شما پرستش نمی کنید آنچه

و نه شما می پرستید آنرا

و نه من پرستش خواهم کرد

و نه من می پرستم

مَّا عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ

آنچه شما می پرستید

و نه شما می پرستید آنچه را

و نه من پرستش خواهم کرد

و نه من می پرستم

مَّا عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ

آنچه شما می پرستید

و نه شما می پرستید آنچه را

و نه من پرستش خواهم کرد

و نه من می پرستم

مَّا عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ

آنچه شما می پرستید

و نه شما می پرستید آنچه را

و نه من پرستش خواهم کرد

و نه من می پرستم

مَّا عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ

آنچه شما می پرستید

و نه شما می پرستید آنچه را

و نه من پرستش خواهم کرد

و نه من می پرستم

مَّا عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ

آنچه شما می پرستید

و نه شما می پرستید آنچه را

و نه من پرستش خواهم کرد

و نه من می پرستم

مَّا عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ

آنچه شما می پرستید

و نه شما می پرستید آنچه را

و نه من پرستش خواهم کرد

و نه من می پرستم

مَّا عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ

آنچه شما می پرستید

و نه شما می پرستید آنچه را

و نه من پرستش خواهم کرد

و نه من می پرستم

مَّا عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ

آنچه شما می پرستید

و نه شما می پرستید آنچه را

و نه من پرستش خواهم کرد

و نه من می پرستم

مَّا عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ

آنچه شما می پرستید

و نه شما می پرستید آنچه را

و نه من پرستش خواهم کرد

و نه من می پرستم

مَّا عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ

آنچه شما می پرستید

و نه شما می پرستید آنچه را

و نه من پرستش خواهم کرد

و نه من می پرستم

مَّا عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ

آنچه شما می پرستید

و نه شما می پرستید آنچه را

و نه من پرستش خواهم کرد

و نه من می پرستم

مَّا عَبَدْتُمْ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ

آنچه شما می پرستید

و نه شما می پرستید آنچه را

و نه من پرستش خواهم کرد

و نه من می پرستم

فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْ لَهُ ۝

در دین خدا افواجی است پس بپای یاد کن براه ستایش پروردگار خود را و آمرزش طلب کن از او

إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا ۝ وَهُنَّ خَمْسُ آيَاتٍ

بهر آینه خدا هست بر محبت و عفو کننده و ط

بهر آینه او هست نهایت پل برنده گوید

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا

بلاک باد و دست و ابی لهب و مال باو ابی لهب و دفع نمود از سر ابی لهب مال او و آنچه

كَسَبَ ۝ سَيَصْلَىٰ نَارًا إِذَا تَلَهَّبَ ۝ وَافْرَأَتْهُ

و سپید کرده بود خواهد در آمد آتش صاحب شعله و زن او نیز در آید

حَمَلَةَ الْحَطَبِ ۝ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ ۝

مراود مسد را در اندوده میزند را در گردن او و سخی است از لیف خرامت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

بسم خداست بخشنده مهربان

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۝ اللَّهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

بگو خدا یگانه است خدا بی نیاز است خدا بی نیاز است

يُولَدْ ۝ وَلَمْ يَكُن لَّهُ كُفُوًا أَحَدٌ ۝

زاده نشده و نیست کسی او را زاده شده از کسی و نیست او را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۝ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

بسم خداست بخشنده مهربان

قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ۝ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ ۝

بگو پناه می گیرم به پروردگار من از شر هر چه آفریده است

وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ ۝

و از شر تاریک چو تارهای او پخش شود و از شر زنان سحر کننده و زکرة با

وَمِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ ۝

و از شر حاسد که چشم زخم زند و چون حسد زند

فصل فی تفسیر این سوره
علائق فرب
اجل تست یا
استعداد
ازت
رقید شو
فصل آخرت
آقارب خود را از آتش
و درخ تو ای فرب
ابی لهب سر بطرف
آنحضرت انا حضرت
که آیا بر سر این کار
امراج کرده بودی از
سوره نازا است
فصل و دوست
کتاب از ذات است
فصل و کلامی
چنین گفته است
فصل یعنی بخاک کردن
تذیب کرده شود
تفسیر عثمانی
که حضرت وی پیام
الهی را بگرام ایلاغ
ی کرده آن بدعت بر
حضرت نبوی سنگ
باران ی کرده تا حدی
که پایای مبارک
بخون تریشد
فصل ابی لهب فریاد
میزد وی گفت
ای مردمان بختان
محمد گوش نهید زیرا
وی (صدا الله) میخواند
و دروغ گوشت گای
می گفت می ما چیز
پاسد و عده میداد
که باید از مرگ صورت
بند و ادا دهه پای او
قابل التماس نیست
او در نگاه باور از
احقیقت است متوجه
مخاف خود را پایان
میرسانیده است
ای خود را در محاکم
آفرانیده می گفت

تبارک و تعالی فیما شایع است علی الله علیه وسلم یعنی شایع و بدینگونه من در کف پای شایع از آنچه میان می کنند چیزی مشاهده نمی کنم ۱۲ مختصراً

عنه شان رویت
و پادشاهی الہی
شامل عام مخلوقات
است اما این صفات
را چنانکہ در انسان
نہادہ اندہ سائر
مخلوقات نیافریدہ
اند لهذا محمد رب و
ملک و فیروان انسان
صفاتی شد و خصوصاً
و سوسہ کہ جزا
انسان مخلوق
دیگری را
بدان شایان ۳۹
نہست بلکہ
شیطان بہمان از نظر
انسان انسان را
کی فریب بدوی لغزانہ
و تسلط آن بر انسان
تا وقتی کہ باشد کردہ
در غفلت است اما
بہین کہ انسان تنبہ
شود و ذکر پروردگار
مشغول گردد تسلط
شیطان بہم خورد
و از انسان دور
گردد و سوسہ شیطان
در جن و انسان ہر
دو موجود است
و کہ تذکرہ جعلی انفل
بنی عدد از شیاطین
الانسان و الجن و حی
بعضہم الی بعضی خیر
القول غرور کلمہ (الانک)
رکوع ۳۴ اول و سوسہ
از مہر و نگاہ بداد ۴۲

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

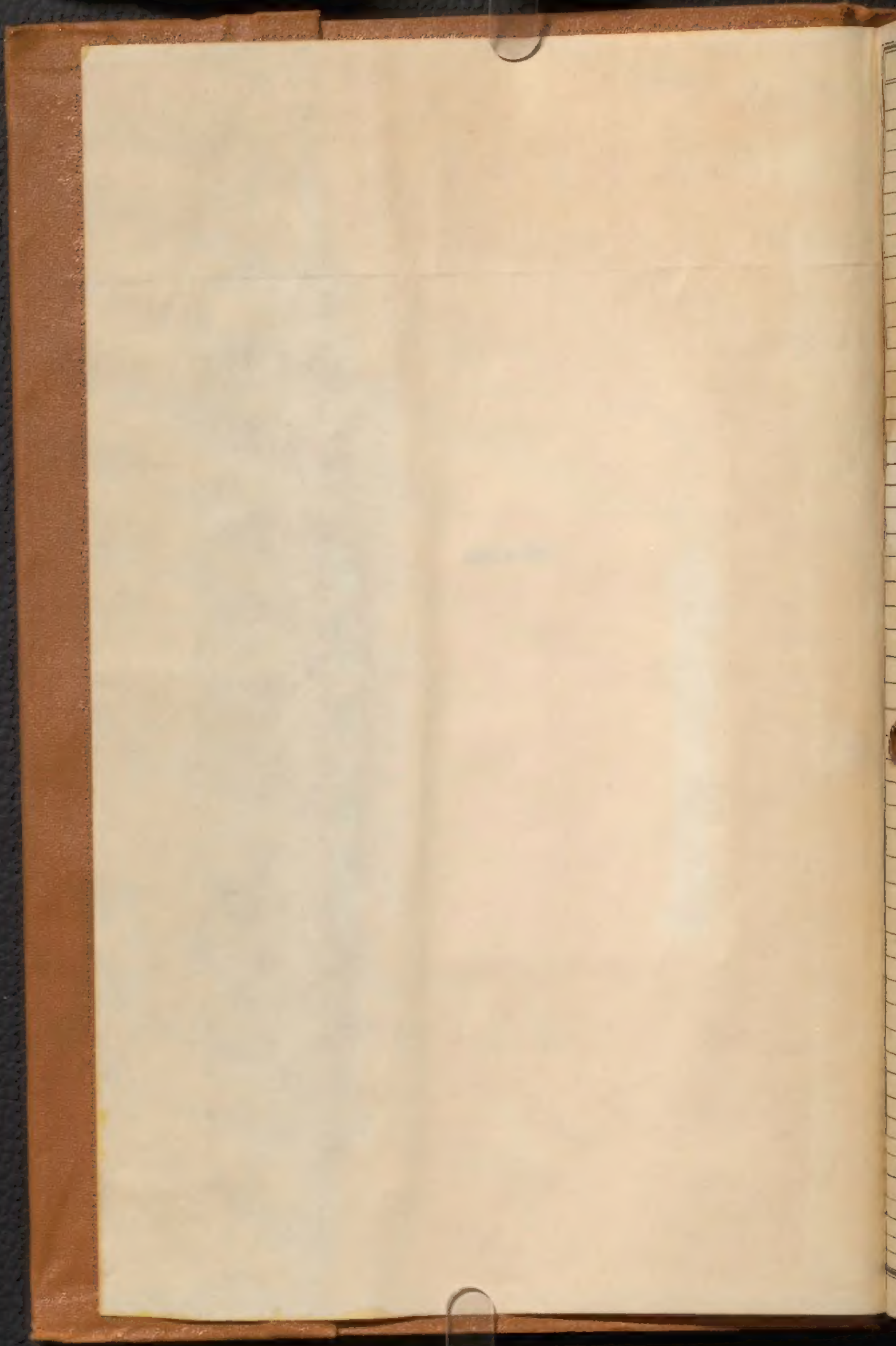
بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

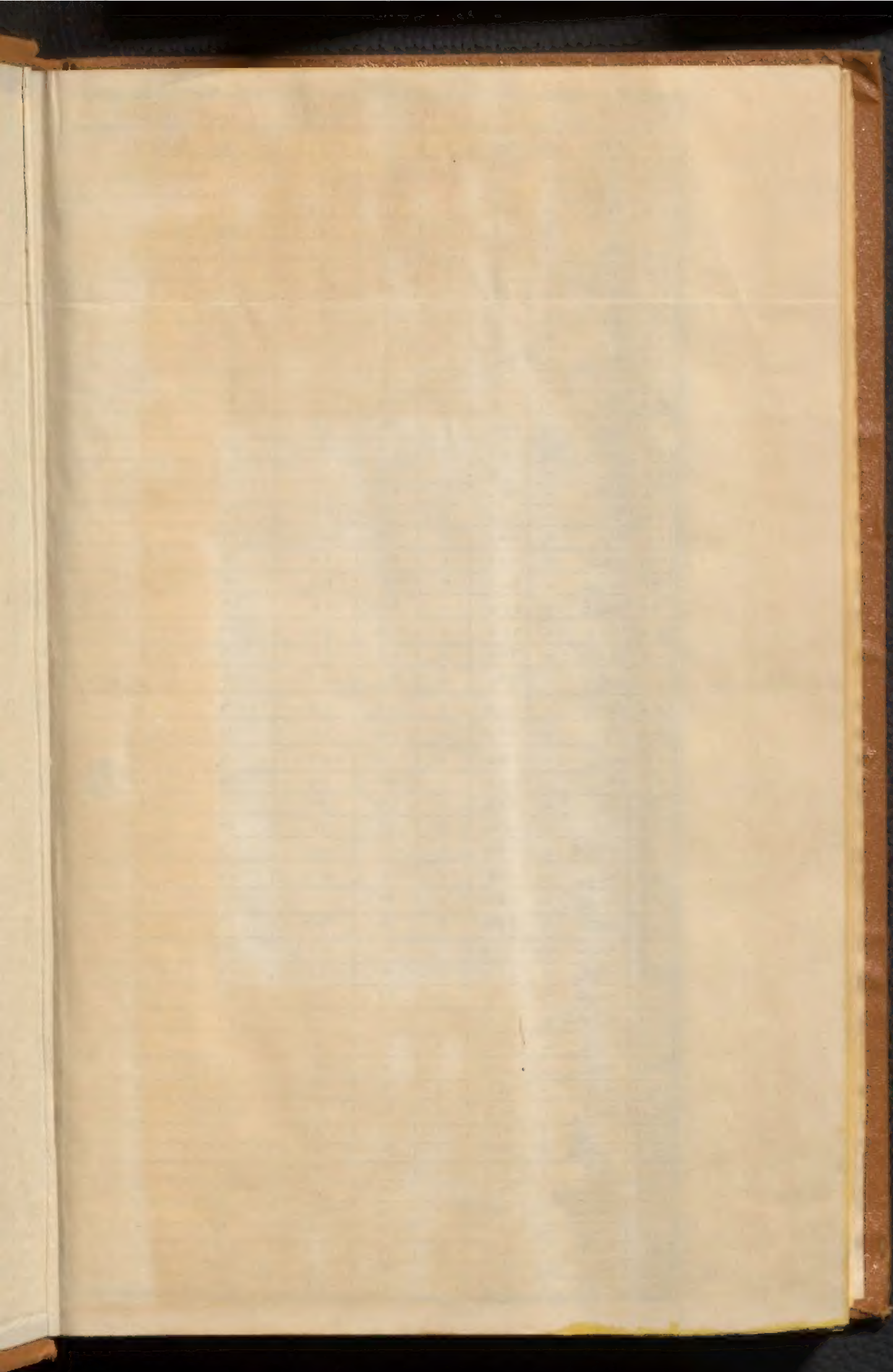
بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

بسم اللہ الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله

العدد	السورة	الصفحة	آياتها	ترتيب نزولها	الحزب مع العدد
١١	هود مكية	٢٢٢	١٢٣	٥٢	يغفرون ١١
١٢	يوسف " "	٢٣٤	١١١	٥٣	والمؤمنين ١٢
١٣	الرعد " "	٢٣٩	٢٣	٩٦	والأبرار ١٣
١٤	ابراهيم " "	٢٥٦	٥٢	٤٢	اليضا ١٤
١٥	الحجر " "	٢٦٢	٩٩	٥٣	اليضا ١٥
١٦	الاعراف " "	٢٦٨	١٢٨	٤٠	ربما ١٦
١٧	محمّد " "	٢٨٣	١١١	٥٠	سبحن الذي ١٧
١٨	الكهف " "	٢٩٢	١١٠	٦٩	اليضا ١٨
١٩	مريم " "	٣٠٦	٩٨	٣٢	قال الم ١٩
٢٠	طه " "	٣١٣	١٣٥	٣٥	اليضا ٢٠
٢١	الانبيا " "	٣٢٣	١١٢	٤٣	اقرب للناس ٢١
٢٢	الحج مكية	٣٣١	٤٨	١٠٣	اليضا ٢٢
٢٣	المؤمنون مكية	٣٣١	١١٨	٤٢	قد اطلع المؤمنون ٢٣
٢٤	النور مكية	٣٣٨	٦٣	١٠٢	اليضا ٢٤
٢٥	الفرقان مكية	٣٥٨	٤٤	٣٢	اليضا ٢٥
٢٦	الشعراء " "	٣٦٥	٢٢٤	٣٤	وقال الذين ٢٦
٢٧	النمل " "	٣٤٥	٩٣	٣٨	اليضا ٢٧
٢٨	القصاص " "	٣٨٣	٨٨	٣٩	الذين خلق السموات ٢٨
٢٩	العنكبوت " "	٣٩٥	٦٩	٨٥	اليضا ٢٩
٣٠	الزمر " "	٤٠٣	٦٠	٨٣	الآل ما دى ٣٠
٣١	لقمان " "	٤١٠	٣٣	٥٤	اليضا ٣١
٣٢	البقرة " "	٤١٣	٣٠	٤٥	اليضا ٣٢
٣٣	الاحزاب مكية	٤١٤	٤٣	٩٠	اليضا ٣٣
٣٤	سبا مكية	٤٢٦	٥٣	٥٨	ومن يغفل ٣٤
٣٥	فاطر " "	٤٣٣	٣٥	٣٣	اليضا ٣٥
٣٦	يس " "	٤٣٩	٨٣	٣١	اليضا ٣٦
٣٧	القصص " "	٤٤٥	١٨٢	٥٦	قال ٣٧
٣٨	ص " "	٤٥٢	٨٨	٣٨	اليضا ٣٨
٣٩	الزمر " "	٤٥٤	٤٥	٥٩	اليضا ٣٩
٤٠	المؤمن " "	٤٦٥	٨٥	٦٠	من اظلم ٤٠
٤١	الحج مكية	٤٦٥	٥٣	٦١	اليضا ٤١
٤٢	الشورى " "	٤٨٢	٥٣	٦٢	اليه يرد ٤٢
٤٣	الزخرف " "	٤٨٨	٨٩	٦٣	اليضا ٤٣
٤٤	الدخان " "	٤٩٢	٥٩	٦٣	اليضا ٤٤
٤٥	الجاثية " "	٤٩٤	٣٤	٦٥	اليضا ٤٥
٤٦	الاحقاف " "	٥٠١	٣٥	٦٦	اليضا ٤٦
٤٧	محمد مكية	٥٠٥	٣٨	٩٥	اليضا ٤٧
٤٨	الفجر " "	٥١٠	٢٩	١١١	اليضا ٤٨
٤٩	الحجرات " "	٥١٢	١٨	١٠٦	اليضا ٤٩
٥٠	ق مكية	٥١٤	٣٥	٣٠	اليضا ٥٠
٥١	التاروت " "	٥١٩	٦٠	٦٤	اليضا ٥١
٥٢	الطور " "	٥٢٢	٢٩	٤٦	قال فما خطبكم ٥٢
٥٣	النجم " "	٥٢٥	٦٢	٢٣	اليضا ٥٣
٥٤	القدر " "	٥٢٤	٥٥	٣٤	اليضا ٥٤
٥٥	الرحمن " "	٥٣٠	٤٨	٩٠	اليضا ٥٥
٥٦	الواقعة " "	٥٣٣	٩٦	٣٦	اليضا ٥٦
٥٧	الحديد مكية	٥٣٦	٢٩	٩٣	اليضا ٥٧
٥٨	المجادلة " "	٥٣١	٢٢	١٠٥	قد سمع الله ٥٨
٥٩	الحشر " "	٥٣٢	٢٣	١٠١	اليضا ٥٩
٦٠	الممتحنة " "	٥٣٨	١٣	٩١	اليضا ٦٠
٦١	الصف " "	٥٥٠	١٣	١٠٩	اليضا ٦١
٦٢	الجمعة " "	٥٥٢	١١	١١٠	اليضا ٦٢

العدد	السورة	الصفحة	رؤسائها	آياتها	تتبع نزولها	الجزء مع العدد
٢٣	المنفقون مكية	٥٥٣	٢	١١	١٠٣	٢٨ قد سمع الله
٢٣	التغابن	٥٥٥	٢	١٨	١٠٨	"
٢٥	الطلاق	٥٥٤	٢	١٢	٩٩	"
٢٦	التحريم	٥٥٩	٢	١٢	١٠٤	"
٢٤	الملك مكية	٥٦١	٢	٣٠	٤٤	٢٩ تبارك الذي
٢٨	الانعام	٥٦٣	٢	٥٢	٢	"
٢٩	الاحقاف	٥٦٦	٢	٥٢	٤٨	"
٤٠	المعارج	٥٦٨	٢	٣٣	٤٩	"
٤١	الحج	٥٤٠	٢	٢٨	٤١	"
٤٢	المن	٥٤٢	٢	٢٨	٣٠	"
٤٣	الزمر	٥٤٣	٢	٢٠	٣	"
٤٣	الذثر	٥٤٦	٢	٥٦	٣	"
٤٥	القيمة	٥٤٨	٢	٣٠	٣١	"
٤٦	الذمر مكية	٥٤٩	٢	٣١	٩٨	"
٤٤	المرسلات مكية	٥٨١	٢	٥٠	٣٣	"
٤٨	القصص	٥٨٣	٢	٣٠	٨٠	٣٠ علم
٤٩	الزمر	٥٨٣	٢	٣٦	٨١	"
٨٠	طيس	٥٨٦	١	٣٢	٢٣	"
٨١	التكوير	٥٨٤	١	٢٩	٤	"
٨٢	الانفطار	٥٨٨	١	١٩	٨٢	"
٨٣	انشقاق	٥٨٩	١	٣٦	٨٦	"
٨٣	الانشقاق	٥٩١	١	٢٥	٨٣	"
٨٥	البروج	٥٩٢	١	٢٢	٢٤	"
٨٦	التارق	٥٩٣	١	١٤	٣٦	"
٨٤	الاعلى	٥٩٣	١	١٩	٨	"
٨٨	الغاشية	٥٩٣	١	٢٦	٦٨	"
٨٩	الفجر	٥٩٥	١	٣٠	١٠	"
٩٠	البلد	٥٩٦	١	٢٠	٣٥	"
٩١	الشمس	٥٩٦	١	١٥	٢٦	"
٩٢	النيل	٥٩٤	١	٢١	٩	"
٩٣	المن	٥٩٨	١	١١	١١	"
٩٣	الانشراح	٥٩٨	١	٨	١٢	"
٩٥	النس	٥٩٨	١	٨	٢٠	"
٩٦	العلق	٥٩٩	١	١٩	١	"
٩٤	القدر	٥٩٩	١	٥	٢٥	"
٩٨	البينة مكية	٦٠٠	١	٨	١٠٠	"
٩٩	الزلزال	٦٠١	١	٨	٩٣	"
١٠٠	الحديث مكية	٦٠١	١	١١	١٣	"
١٠١	التارعة	٦٠١	١	١١	٣٠	"
١٠٢	الكافرون	٦٠٢	١	٨	١٦	"
١٠٣	العصر	٦٠٢	١	٣	١٣	"
١٠٣	الحمة	٦٠٢	١	٩	٣٢	"
١٠٥	الفيل	٦٠٣	١	٥	١٩	"
١٠٦	القدرين	٦٠٣	١	٣	٢٩	"
١٠٤	الماعون	٦٠٣	١	٤	١٤	"
١٠٨	التكوير	٦٠٣	١	٣	١٥	"
١٠٩	الكافرون	٦٠٣	١	٦	١٨	"
١١٠	النصر مكية	٦٠٣	١	٣	١١٣	"
١١١	القصص مكية	٦٠٥	١	٢٦	٣٠	"
١١٣	الاحقاف	٦٠٥	١	٢٦	٢٢	"
١١٣	القصص مكية	٦٠٥	١	٢٥	٢٠	"
١١٣	القصص مكية	٦٠٦	١	٢	٢١	"





JUN 14 1983

